



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بهشت و دوزخ

از نگاه قرآن و حدیث

فارسی - عربی

جلد اول

محمد محمدی ری شهری

با همکاری: رسول موسوی

مترجم حمیدرضا شیخی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، فارسی - عربی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، فارسی - عربی جلد ۱
۱۸	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۵	پیش‌گفتار
۲۵	اشاره
۲۷	گزارش‌اجمالی کتاب
۳۰	روش تدوین کتاب
۳۴	قدردانی و سپاس
۳۵	بخش یکم : بهشت
۳۵	اشاره
۳۷	درآمد
۳۷	واژه‌شناسی «جنت»
۳۹	واژه «جنت» در قرآن و حدیث
۴۳	فصل یکم : معانی بهشت در قرآن
۴۳	۱ / ۱ بهشتِ آدم
۴۷	۲ / ۱ بهشتِ دنیا
۵۳	۳ / ۱ بهشتِ برزخ
۵۷	۴ / ۱ بهشتِ آخرت
۶۹	فصل دوم: آفرینش بهشت
۶۹	۱ / ۲ بهشت و دوزخ ، دو آفریده‌اند
۷۱	۲ / ۲ آفرینش بهشت ، پیش از دوزخ
۷۵	پژوهشی در باره وجود کنونی بهشت و دوزخ
۷۵	نظریه نخست : بهشت و دوزخ ، آفریده شده‌اند

- ۷۵ اشاره
- ۷۶ ادله وجود فعلی بهشت و دوزخ
- ۷۶ ۱ . آیاتی از سوره نجم
- ۷۷ ۲ . آیه ای از سوره آل عمران
- ۷۷ ۳ . آیه ای دیگر از سوره آل عمران
- ۷۸ ۴ . احادیث دالّه بر وجود فعلی بهشت و دوزخ
- ۷۸ نظریه دوم : بهشت و دوزخ ، در آینده آفریده می شوند
- ۷۸ اشاره
- ۸۰ دلیل نظریه دوم
- ۸۰ ۱ . ناپایداری جهان
- ۸۱ ۲ . منافات داشتن فعلیت بهشت و دوزخ ، با حکمت
- ۸۱ نظریه سوم : بهشت و دوزخ ، هم آفریده شده اند و هم آفریده نشده اند
- ۸۵ ۳ / ۲ جایگاه بهشت
- ۸۸ سخنی در باره مکان بهشت
- ۸۸ مکان بهشت برزخی
- ۸۹ سه نظریه در باره مکان بهشت
- ۸۹ ۱ . آسمان
- ۹۰ ۲ . بی نیازی بهشت از مکان
- ۹۲ ۳ . باطن جهان
- ۹۷ فصل سوم: نام های بهشت
- ۹۷ ۱ / ۳ بهشت
- ۱۰۳ ۲ / ۳ بهشت پُر نعمت
- ۱۰۵ ۳ / ۳ فردوس
- ۱۰۷ ۴ / ۳ سرای سلامت
- ۱۱۲ ۵ / ۳ سرای پرهیزگاران
- ۱۱۴ ۶ / ۳ سرای ماندگاری

۱۱۶	-----	۷ / ۳ سرای امنیت
۱۲۰	-----	۸ / ۳ سرای کرامت
۱۲۴	-----	فصل چهارم: ویژگی های بهشت
۱۲۴	-----	۱ / ۴ گستردگی بهشت
۱۳۹	-----	۲ / ۴ زمین بهشت
۱۴۱	-----	۳ / ۴ ساختمان بهشت
۱۴۳	-----	۴ / ۴ درهای بهشت
۱۵۷	-----	۵ / ۴ سراپرده های بهشت
۱۵۹	-----	۶ / ۴ بالاخانه های بهشت
۱۶۴	-----	۷ / ۴ چشمه های بهشت
۱۷۱	-----	۸ / ۴ جویبارهای بهشت
۱۷۹	-----	۹ / ۴ درخت های بهشت
۱۸۱	-----	۱۰ / ۴ درخت طوبا
۱۹۱	-----	۱۱ / ۴ سایه های بهشت
۱۹۵	-----	۱۲ / ۴ میوه های بهشت
۱۹۷	-----	۱۳ / ۴ فرش های بهشت
۱۹۹	-----	۱۴ / ۴ تخت های بهشت
۲۰۱	-----	۱۵ / ۴ ظرف های بهشت
۲۰۳	-----	۱۶ / ۴ خدمتکاران بهشت
۲۰۳	-----	۱۷ / ۴ مرکب بهشت
۲۰۷	-----	۱۸ / ۴ حیوانات بهشت
۲۱۱	-----	توضیحی در باره شرط بهشتی شدن مرکب حج گزار
۲۱۳	-----	۱۹ / ۴ بازارهای بهشت
۲۱۵	-----	۲۰ / ۴ خوراک بهشتیان
۲۱۷	-----	۲۱ / ۴ نوشیدنی بهشتیان
۲۲۱	-----	۲۲ / ۴ جامه های بهشتیان

- ۲۲۵ ----- زیورهای بهشتیان ۲۳ / ۴
- ۲۲۷ ----- همسران بهشتیان ۲۴ / ۴
- ۲۴۲ ----- زیبایی بهشتیان ۲۵ / ۴
- ۲۴۸ ----- ملحق ساختن فرزندان اهل بهشت به آنان ۲۶ / ۴
- ۲۵۰ ----- آوازخوانی برای بهشتیان ۲۷ / ۴
- ۲۵۳ ----- هر آنچه دل بخواهد و دیده از آن لذت ببرد ، در بهشت هست ۲۸ / ۴
- ۲۶۷ ----- بهترین چیز در بهشت ۲۹ / ۴
- ۲۶۷ ----- الف خشنودی خدای سبحان ۳۰ / ۴
- ۲۷۱ ----- ب محبت خدا ۳۱ / ۴
- ۲۷۳ ----- ج دیدار خدا ۳۲ / ۴
- ۲۷۹ ----- فصل پنجم: آنچه در بهشت نیست ۳۳ / ۴
- ۲۷۹ ----- ۱ / ۵ تکلیف ۳۴ / ۴
- ۲۸۳ ----- ۲ / ۵ رنج و خستگی ۳۵ / ۴
- ۲۸۵ ----- ۳ / ۵ بیم و اندوه ۳۶ / ۴
- ۲۸۷ ----- ۴ / ۵ بیماری های روحی ۳۷ / ۴
- ۲۹۱ ----- ۵ / ۵ بیماری های جسمی ۳۸ / ۴
- ۲۹۳ ----- ۶ / ۵ گرما و سرما ۳۹ / ۴
- ۲۹۷ ----- ۷ / ۵ خواب ۴۰ / ۴
- ۲۹۷ ----- ۸ / ۵ ادرار و مدفوع ۴۱ / ۴
- ۲۹۹ ----- ۹ / ۵ پیری ۴۲ / ۴
- ۳۰۱ ----- ۱۰ / ۵ مرگ ۴۳ / ۴
- ۳۱۰ ----- ۱۱ / ۵ و این چند چیز ۴۴ / ۴
- ۳۱۴ ----- فصل ششم: تشویق به طلبیدن بهشت ۴۵ / ۴
- ۳۱۴ ----- ۱ / ۶ ارزش بهشت ۴۶ / ۴
- ۳۲۴ ----- ۲ / ۶ ورود به بهشت ، ارزان است ۴۷ / ۴
- ۳۲۴ ----- ۳ / ۶ به یاد بهشت بودن ۴۸ / ۴

- ۳۲۸ ----- ۴ / ۶ غفلت از بهشت -
- ۳۳۱ ----- ۵ / ۶ شوق به بهشت -
- ۳۳۸ ----- ۶ / ۶ مجتسم شدن بهشت -
- ۳۴۲ ----- فصل هفتم: عوامل بهشتی شدن -
- ۳۴۲ ----- ۱ / ۷ رحمت خدا -
- ۳۴۸ ----- ۲ / ۷ خرد -
- ۳۵۰ ----- ۳ / ۷ دانش و فرزادنگی -
- ۳۵۶ ----- ۴ / ۷ شعار توحید ، با شروط آن -
- ۳۵۶ ----- الف توحید ، بهای بهشت است -
- ۳۶۶ ----- ب شرط صداقت -
- ۳۶۸ ----- ج شرط اخلاص -
- ۳۷۰ ----- د نشانه اخلاص ، دوری کردن از حرام هاست -
- ۳۷۴ ----- ه نشانه اخلاص ، فرمانبری از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیت علیهم السلام است -
- ۳۷۶ ----- ۵ / ۷ ایمان و کردار نیک -
- ۳۸۴ ----- ۶ / ۷ ولایت اهل بیت علیهم السلام -
- ۳۸۸ ----- ۷ / ۷ به جا آوردن واجبات -
- ۳۹۸ ----- ۸ / ۷ دوری از حرام ها -
- ۴۰۷ ----- ۹ / ۷ تحقل ناملايمات -
- ۴۱۳ ----- ۱۰ / ۷ خوی های والا و کردارهای نیکو -
- ۴۱۳ ----- الف شکیبایی -
- ۴۱۷ ----- ب مخالفت با هوس -
- ۴۱۹ ----- ج جهاد مالی و جانی -
- ۴۲۱ ----- د زهدورزی -
- ۴۲۳ ----- ه گذشت -
- ۴۲۳ ----- و نیکویی نهاد -
- ۴۲۵ ----- ز نیکویی اخلاق -

- ح فرو خوردن خشم ۴۲۵
- ط عیبپوشی ۴۲۵
- ی یاد کردن گور ۴۲۷
- ک گمان نیک داشتن به خدا ۴۲۷
- ل انصاف داشتن در معاشرت با مردم ۴۲۹
- م خدمت به خانواده ۴۳۱
- ن نیکی کردن به دختران ۴۳۱
- س سرپرستی یتیمان ۴۳۳
- ع اطعام مستمندان ۴۳۵
- ف اطعام مؤمن ۴۳۷
- ص بر آوردن نیاز مؤمن و شاد کردن او ۴۳۹
- ق دیدار برادران ۴۴۳
- ر شب زنده داری ۴۴۵
- ش روزه مستحبتی ۴۴۵
- ت دستگیری از نابینا ۴۴۷
- ث کنار زدن شیء مزاحم از راه ۴۴۷
- خ دفع گزند آب یا آتش ۴۴۷
- ذ ساختن مسجد ۴۴۷
- ض اذان گفتن ۴۵۱
- ظ اِنَّا لِلّٰه گفتن به هنگام مصیبت ۴۵۱
- غ زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام ۴۵۱
- یا آزمندی به بهشت ۴۵۲
- یب جویای بهشت بودن ۴۵۲
- یج و این چند عامل ۴۵۵
- فصل هشتم: باغ های بهشت ۴۸۹
- ۸ / ۱ مجالس علم ۴۸۹

- ۴۸۹ ۲ / ۸ مجالس ذکر خدا
- ۴۹۱ ۳ / ۸ مسجدها
- ۴۹۱ ۴ / ۸ میان منبر و خانه پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۹۵ ۵ / ۸ جایگاه قبر امام حسین علیه السلام
- ۴۹۵ ۶ / ۸ کوفه
- ۴۹۹ ۷ / ۸ «حامیم» ها
- ۴۹۹ ۸ / ۸ بیماری مؤمن
- ۵۰۱ ۹ / ۸ دیدار برادران
- ۵۰۳ فصل نهم: نهال های بهشت
- ۵۰۳ ۱ / ۹ لا إله إلا الله
- ۵۰۳ ۲ / ۹ سبحان الله
- ۵۰۵ ۳ / ۹ تسبیحات چهارگانه
- ۵۰۹ ۴ / ۹ لا حول و لا قُوَّةَ إلا بالله
- ۵۱۱ فصل دهم: هزینة ساخت بهشت
- ۵۱۱ ۱ / ۱۰ تسبیحات چهارگانه
- ۵۱۱ ۲ / ۱۰ رفیق مسجد بودن
- ۵۱۳ ۳ / ۱۰ برادری کردن برای خدا
- ۵۱۳ ۴ / ۱۰ شعرسرایی در باره اهل بیت علیهم السلام
- ۵۱۳ ۵ / ۱۰ و این چهار خصلت
- ۵۱۵ فصل یازدهم: گنج های بهشت
- ۵۱۵ ۱ / ۱۱ لا حول و لا قُوَّةَ إلا بالله
- ۵۱۹ ۲ / ۱۱ تسبیحات
- ۵۱۹ ۳ / ۱۱ فاتحه الكتاب
- ۵۲۱ ۴ / ۱۱ انتظار کشیدن برای نماز، پس از هر نماز
- ۵۲۱ ۵ / ۱۱ شکیبایی
- ۵۲۱ ۶ / ۱۱ و این چند خصلت

۵۲۵	فصل دوازدهم: کلیدهای بهشت
۵۲۵	۱ / ۱۲ یکتاپرستی
۵۲۵	۲ / ۱۲ شکیبایی
۵۲۵	۳ / ۱۲ نماز
۵۲۷	۴ / ۱۲ جهاد
۵۲۹	فصل سیزدهم: کسانی که بهشت برایشان ضمانت شده است
۵۲۹	۱ / ۱۳ کسانی که خدا بهشت را برایشان ضمانت کرده است
۵۳۱	۲ / ۱۳ کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله بهشت را برایشان ضمانت کرده است
۵۴۱	۳ / ۱۳ کسانی که امام علی علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است
۵۴۳	۴ / ۱۳ کسانی که امام باقر علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است
۵۴۳	۵ / ۱۳ کسانی که امام صادق علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است
۵۴۷	فصل چهاردهم: موانع ورود به بهشت
۵۸۰	فصل پانزدهم: نظام بهشت
۵۸۰	۱ / ۱۵ پروانه ورود به بهشت
۵۸۲	۲ / ۱۵ درود بهشت
۵۸۸	۳ / ۱۵ نخستین کسانی که به بهشت ، وارد می شوند
۵۸۸	الف محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش
۵۹۴	ب ستایشگران
۵۹۴	ج شهیدان
۵۹۶	د اهل نیکی
۵۹۶	ه تهی دستان مهاجر
۵۹۹	و تهی دستان قانع
۶۰۱	ز مؤذنان
۶۰۱	ح بازرگان راستگو
۶۰۳	ط برده سیاه
۶۰۳	۴ / ۱۵ ویژگی نخستین گروه وارد شونده به بهشت

- ۶۰۵ ----- ۵ / ۱۵ کسانی که بدون حسابرسی ، به بهشت می روند
- ۶۰۸ ----- ۶ / ۱۵ کسانی که پنهانی ، وارد بهشت می شوند
- ۶۰۸ ----- ۷ / ۱۵ آخرین پیامبری که وارد بهشت می شود
- ۶۰۸ ----- ۸ / ۱۵ احدیثی در باره آخرین کس از مردم که وارد بهشت می شود
- ۶۲۱ ----- ۹ / ۱۵ جاودانگی بهشتیان
- ۶۲۹ ----- ۱۰ / ۱۵ وراثت بهشتیان
- ۶۳۵ ----- فصل شانزدهم: درجات بهشت
- ۶۳۵ ----- ۱ / ۱۶ تفاوت درجات بهشت
- ۶۳۸ ----- ۲ / ۱۶ انواع درجات بهشت
- ۶۴۵ ----- ۳ / ۱۶ آنچه موجب تفاوت درجات می شود
- ۶۴۵ ----- الف شناخت
- ۶۴۵ ----- ب کردار
- ۶۴۹ ----- ۴ / ۱۶ درجه اهل گفتار و درجه اهل کردار
- ۶۴۹ ----- ۵ / ۱۶ سروران اهل بهشت
- ۶۵۳ ----- ۶ / ۱۶ سرداران اهل بهشت
- ۶۵۳ ----- ۷ / ۱۶ زیور بهشت
- ۶۵۵ ----- ۸ / ۱۶ درجه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او
- ۶۶۶ ----- ۹ / ۱۶ نزدیک ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر درجه
- ۶۶۶ ----- الف شیعیان اهل بیت علیهم السلام
- ۶۷۴ ----- ب سرپرست یتیم
- ۶۷۴ ----- ج دارنده این ویژگی ها
- ۶۸۰ ----- ۱۰ / ۱۶ کسانی که در بهشت ، درجه ویژه دارند
- ۶۸۰ ----- الف مجاهد
- ۶۸۲ ----- ب شهید
- ۶۸۲ ----- ج دوستی ورزان در راه خدا
- ۶۸۴ ----- د غم دیدگان و گرفتاران و بیماران

- ه پارسایان ۶۹۴
- و آموزگار قرآن ۶۹۴
- ز قاری قرآن ۶۹۴
- ح صاحبان این صفات ۶۹۷
- ۱۶ / ۱۱ احادیثی در باره دون پایه ترین بهشتیان ۷۰۵
- فصل هفدهم: نوید داده شدگان به بهشت ۷۱۷
- ۱۷ / ۱ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ۷۱۷
- ۱۷ / ۲ شماری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله ۷۲۰
۱. ابو دحداح ۷۲۰
۲. ابو ذر غفاری ۷۲۶
۳. ابو طالب ۷۲۶
۴. بلال ۷۲۸
۵. جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار) ۷۳۰
۶. حارثه بن سراقه ۷۳۲
۷. حمزه بن عبد المطلب ۷۳۴
۸. حنظله ۷۳۶
۹. زید بن حارثه ۷۳۶
۱۰. سلمان فارسی ۷۴۱
۱۱. عبد الله بن رواحه ۷۴۳
۱۲. عتار بن یاسر ۷۴۶
۱۳. مقداد بن اسود ۷۴۸
۱۴. یزید بن نُؤیره ۷۴۸
- ۱۷ / ۳ شماری از یاران امام علی علیه السلام ۷۵۰
۱. اُوَیْس قَرْنِی ۷۵۰
۲. جُنْدَب الخیر ازدی ۷۵۰
۳. رُشید هَجْری ۷۵۲

- ۴ . زید بن صوحان ۷۵۲
- ۵ . محمّد بن ابی بکر ۷۵۴
- ۶ . میثم تمار ۷۵۴
- ۱۷ / ۴ شماری از یاران امام حسین علیه السلام ۷۵۶
- شهیدان کربلا ۷۵۶
- ۱۷ / ۵ شماری از یاران امام باقر علیه السلام ۷۶۸
- ۱ . ابو بصیر مرادی ۷۶۸
- ۲ . ابو بصیر مکفوف ۷۷۰
- ۳ . بُرَید بن معاویه ۷۷۰
- ۴ . زُرّاره ۷۷۲
- ۵ . محمّد بن مسلم ۷۷۲
- ۱۷ / ۶ شماری از یاران امام صادق علیه السلام ۷۷۲
- ۱ . حُمران بن أَعین ۷۷۲
- ۲ . زید شَخام ۷۷۴
- ۳ . علباء ۷۷۶
- ۴ . عیسی بن ابی منصور ۷۸۰
- ۵ . جوانی از کاتبان بنی امیه ۷۸۰
- ۶ . قُضَیل بن یسار ۷۸۳
- ۷ . مُعلی بن حُنَیس ۷۸۵
- ۱۷ / ۷ شماری از یاران امام کاظم علیه السلام ۷۸۵
- ۱ . علی بن یقطین ۷۸۵
- ۲ . هشام بن حَکَم ۷۸۷
- ۱۷ / ۸ شماری از یاران امام رضا علیه السلام ۷۸۷
- ۱ . صفوان بن یحیی ۷۸۷
- ۲ . عبد الرحمان بن حَجّاج ۷۹۰
- ۳ . علی بن عبید الله بن حسین بن علی بن الحسین علیه السلام ۷۹۰

- ۴ . یونس بن عبد الرحمان ۷۹۳
- ۹ / ۱۷ شماری از یاران امام جواد علیه السلام ۷۹۵
- ۱ . ابراهیم بن ابی محمود ۷۹۵
- ۲ . علی بن مهزیار ۷۹۷
- ۱۰ / ۱۷ شماری از یاران امام هادی علیه السلام ۷۹۷
- ۱ . ایوب بن نوح ۷۹۷
- ۲ . جُنید ۷۹۹
- ۱۱ / ۱۷ مردانی بهشتی ۷۹۹
- ۱۲ / ۱۷ زنانی بهشتی ۸۱۶
- ۱۳ / ۱۷ مردی از اهل بهشت که هرگز نماز نخواند ! ۸۳۰
- ۱۴ / ۱۷ بیشتر اهل بهشت ۸۳۵
- الف زنان ۸۳۵
- ب تهی دستان ۸۳۷
- ج ساده دلان ۸۳۷
- پژوهشی در باره حدیث «عَشْرَه مُبَشَّرَه» ۸۴۱
- اشاره ۸۴۱
- متن حدیث به روایت عبد الرحمان بن عوف ۸۴۲
- متن حدیث به روایت سعید بن زید ۸۴۳
- نکاتی در نقد حدیث «عَشْرَه مَبَشَّرَه» ۸۴۳
- ۱ . نقل نشدن آن به وسیله بخاری و مسلم ۸۴۳
- ۲ . اشکال سندی در روایت عبد الرحمان بن عوف ۸۴۴
- ۳ . اشکال سندی در روایت سعید بن زید ۸۴۵
- ۴ . نقل نشدن آن به وسیله سایر افرادی که بهشتی نامیده شده اند ۸۴۶
- ۵ . عدم قبول شهادت متهم ۸۴۶
- ۶ . اضطراب در متن حدیث ۸۴۶
- ۷ . تعارض با برخی از احادیث مورد قبول اهل سنت ۸۴۸

۸۴۹ ۸ . برخی شواهد تاریخی بر نادرستی حدیث

۸۴۹ ۹ . توجه به عملکرد افراد بشارت داده شده

۸۵۰ ۱۰ . تکذیب حدیث به وسیله امام علی علیه السلام

۸۵۱ حدیث «عشره مبشره» از نگاه علامه امینی

۸۶۸ درباره مرکز

بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، فارسی - عربی جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان قراردادی: الجنة والنار فی الكتاب والسنه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، فارسی - عربی / محمد محمدی ری شهری، با همکاری رسول موسوی؛ مترجم حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲ ج.

فروست: پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۲۱۷.

شابک: ۲۲۰۰۰۰ ریال: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۵۳۶-۷؛ ج ۱. ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۵۳۷-۴؛ ج ۲. ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۵۳۸-۱

یادداشت: ج ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۹).

یادداشت: ج ۲ (چاپ دوم: ۱۳۹۰).

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: بهشت (اسلام)

موضوع: بهشت (اسلام) -- احادیث

موضوع: بهشت (اسلام) -- جنبه های قرآنی

موضوع: دوزخ -- احادیث

موضوع: دوزخ -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده: موسوی، سیدرسول، ۱۳۴۰ -

شناسه افزوده: شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ -، مترجم

شناسه افزوده: دار الحدیث. مرکز چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۲۲۲/۶۵/م۲۸ ج ۱/۹۰۴۱ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۶۶۷۱۸

ص : ۱

اشاره

پیش گفتار

اشاره

پیش گفتار بهشت و دوزخ ، بنیادی ترین مسئله در حوزه معارف مرتبط با جهان شناسی ، انسان شناسی و دین شناسی است . از نگاه قرآن ، حکمت غایی و هدف نهایی آفرینش انسان و جهان ، بازگشت به خداوند متعال است ، و اگر این هدف نباشد ، نه تنها آفرینش انسان ، بلکه آفرینش جهان ، باطل و بیهوده است . قرآن ، در تبیین هدفدار بودن خلقت انسان می فرماید : «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ . (۱) آیا گمان برده اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمی گردید؟!» همچنین ، هدفدار بودن خلقت جهان را چنین تبیین می نماید : «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ * أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ . (۲) ما ، آسمان و زمین و میان آن دو را ، پوچ نیافریدیم . این ، گمان کسانی است که

۱- مؤمنون : آیه ۱۱۵ .

۲- ص : آیه ۲۷ ۲۸ .

کافر شدند. پس وای بر کسانی که کافر شدند از آتش جهنم! یا [گمان می برید] ما کسانی را که ایمان آوردند و کار نیک انجام دادند، همسانِ تباهکاران زمین قرار می دهیم و یا تقوای پیشگان را همانند فاجران قرار می دهیم؟!». و نیز می فرماید: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ * وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ . (۱) آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده اند ، پنداشته اند که آنان را مانند کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند ، که زندگی و مرگشان یکسان است؟! چه بد ، داوری می کنند! و خدا ، آسمان ها و زمین را به حق آفریده است و تا هر کس به [موجب] آنچه به دست آورده ، پاداش یابد و به آنان ، ستم نخواهد شد». با تأمل در این آیات و آیات مشابه آنها معلوم می شود که مقصود از بازگشت به خداوند متعال ، رستاخیز انسان و حضور وی در صحنه قیامت و دیدن دستاورد کارهای نیک خویش به صورت درجات بهشت است ، و یا رو به رو شدن با حاصل کارهای ناروای خود در قالب دَرَکات دوزخ . بنا بر این ، همه آنچه در تبیین «حکمت آفرینش» در قرآن و حدیث آمده ، مقدمه این هدف نهایی است . به سخن دیگر ، حکمت آفرینش انسان ، این است که وی با به کار گیری اندیشه و عقل ، با آفریدگار خود ، آشنا شود و با به کار بستن برنامه هایی که او از

گزارش اجمالی کتاب

طریق پیامبران خود برای سعادت دنیا و آخرت انسان، ارائه کرده، به سوی رحمت مطلق خداوند، ره سپار گردد و برای همیشه از بهترین زندگی‌ها برخوردار شود. البته انسان اگر فرمان عقل را نادیده گرفت و به جای پیروی از آن، تسلیم هوس‌های حیوانی خود شد، آینه دلش زنگار می‌گیرد، خدا را فراموش می‌کند و بدین سان، از رحمت گسترده او دور می‌گردد و بدترین گونه زندگی ابدی را برای خود، رقم می‌زند.

گزارش اجمالی کتاب‌کتابی که در برابر شماست، جمع‌بندی معارف قرآن و احادیث اسلامی در باره جایگاه ابدی نیکوکاران و سرنوشت حتمی تبه‌کاران، با نظمی نوین و تحلیل‌های مورد نیاز است که در دو بخش، ارائه می‌شود: بخش یکم، در باره بهشت و جایگاه ابدی نیکوکاران و مباحث مربوط به آن است. در فصل نخست این بخش، کاربردهای کلمه «جنت» در قرآن و حدیث، ارائه می‌شود و در فصل‌های بعدی، جنت موعود در عالم آخرت، بررسی می‌گردد. در فصل دوم، پس از گزارش احادیث مربوط به آفرینش بهشت و دوزخ، آرای مختلف در این باره، نقد و بررسی می‌شوند. در فصل سوم، به مشهورترین نام‌ها و اوصافی اشاره شده که در قرآن و احادیث، برای بهشت موعود، به کار رفته‌اند و سایر موارد (مانند: «غرفه» و

«روضه»، ضمن مباحث بعدی مطرح می گردند. جاذبه های مادی و معنوی بهشت، موضوع فصل چهارم است. در این فصل، جاذبه های دیداری، خوردنی های لذیذ، آشامیدنی های گوارا، آوازهای خوش، همسران زیبا، خدمتکاران مرواریدگون و مرکب های راهوار بهشت، به تفصیل، گزارش شده اند و افزون بر این، تأکید گردیده که در بهشت، هر چه دل بخواهد و دیده از آن لذت برد، وجود دارد؛ اما بالاترین لذت در بهشت، خشنودی خدا و محبت و دیدار قلبی اوست. در فصل پنجم، به آنچه در بهشت (مانند: خستگی، ترس، غم، بیماری های جسمی و روحی، خواب و پیری) وجود ندارد، اشاره شده است. همه آیات و احادیثی که در باره بهشت وارد شده اند، به گونه ای مخاطب را تشویق می کنند که همه تلاش خود را برای رسیدن به آن، به کار گیرد؛ ولی شماری از آنها به طور ویژه به این موضوع پرداخته اند، مانند: آنچه ارزش غیر قابل تصور بهشت و آسان بودن دستیابی به آن را گزارش کرده است، یا آنچه بر یاد کردن بهشت و اجتناب از غفلت از آن، دلالت دارد. این آیات و احادیث، در فصل ششم، تنظیم گردیده اند. در فصل های هفتم تا سیزدهم نیز راه های رسیدن به بهشت و زمینه ها و عوامل تکوینی، اعتقادی، اخلاقی و عملی ورود به جایگاه نیکان در عالم آخرت، ارائه می شوند. تنوع بیان و تفاوت تعبیر احادیث در تبیین راه های ورود به بهشت، موجب گردید که این موضوع، در چند فصل، تنظیم شود تا برای مخاطب، جاذبه بیشتری داشته باشد؛ اما موانع اعتقادی، اخلاقی و عملی ورود به بهشت، تنها در یک فصل، یعنی فصل چهاردهم، جای گرفت.

در فصل پانزدهم ، شماری از نظام های حاکم بر بهشت ، گزارش شده اند ، مانند : اجازه نامه بهشت ، نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند ، و آخرین پیامبران و مردمانی که وارد آن می گردند . بهشت ، درجات و مراتب مختلفی دارد که بر اساس معرفت و عمل ، میان بهشتیان ، تقسیم می شوند ؛ یعنی هر کس که از معرفت بیشتری برخوردار است و کارهای نیکوتری انجام داده است ، درجه بالاتری دارد و از لذایذ بیشتری بهره مند می گردد . فصل شانزدهم ، به گزارش هایی در این باره اختصاص دارد . در آخرین فصل از بخش نخست این مجموعه ، اهل بهشت بودن شماری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان ، بیان شده و این ، بدان معناست که آنها تا پایان زندگی ، از راه حق ، منحرف نخواهند شد . بخش دوم این کتاب ، سرنوشت حتمی و خطرناک تبهکاران را از منظر قرآن و احادیث اسلامی ، تبیین می نماید . در مقدمه این بخش ، حکمت خلقت دوزخ و ماهیت کیفرهای آخری ، بررسی می شوند و در ادامه ، نام های دوزخ ، هشدارهای خداوند متعال و پیشوایان الهی در باره دوزخ ، تشویق به یادآوری این جایگاه وحشتناک و پناه بردن از آن به خدا ، ویژگی های دوزخ ، آزارهای روانی دوزخیان ، ویژگی های اهل دوزخ ، زندگی و حالات گوناگون آنان ، آنچه انسان را گرفتار چنین سرنوشت شومی می کند ، و آنچه مانع این گرفتاری می گردد ، در یازده فصل ، ارائه می گردند . در فصل دوازدهم این بخش ، نظام حاکم بر سرای ابدی تبهکاران ، با عنوان «نظام جهنم» مطرح می شود و در فصل پایانی به شماری از کسانی که در قرآن و

روش تدوین کتاب

احادیث اسلامی، دوزخی بودن آنان پیشگویی شده، اشاره می‌گردد.

روش تدوین کتابروش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه، متکی به عناصر زیر است: ۱. از دیدگاه ما، احادیثی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده‌اند، در واقع، حدیث پیامبر خدایند، همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود: **إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ**. (۱) ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می‌گوییم. نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي**، و **حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي**، و **حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام**، و **حَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام**، و **حَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله**، و **حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ**. (۲) سخن من، سخن پدرم است و سخن پدرم، سخن جدّم است و سخن جدّم، سخن حسین است و سخن حسین، سخن حسن است و سخن حسن، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان، سخن پیامبر خداست و سخن پیامبر خدا، سخن خداوند عز و جل است. به همین دلیل، در این کتاب، از همه احادیث روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و

۱- رجال الکشی: ج ۲ ص ۴۹۰ ح ۴۰۱، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۲۵۰ ح ۶۲.

۲- الکافی: ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۴، الإرشاد: ج ۲ ص ۱۸۶، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۲۸. نیز، ر. ک: اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث: ج ۱ ص ۲۶۱ (حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست).

خاندان او ، یکسان بهره گرفته شده است . ۲ . کوشیده ایم تا در حدّ توان ، همه احادیث مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگون شیعه و اهل سنّت ، به طور مستقیم ، استخراج و گردآوری کنیم و با بهره گیری از نرم افزارهای رایانه ای ، آنها را روی برگه های مخصوص ، تنظیم نماییم تا زمینه گزینش کامل ترین ، موثّق ترین و کهن ترین آنها فراهم آید . در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک ، تنها از ادعیه ای که مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام هستند ، بهره گرفته ایم . ۳ . سعی کرده ایم از آوردن احادیث تکراری پرهیز نماییم ، جز در این موارد : الف آن جا که نکته مهمّی در تفاوت واژه ها و اصطلاحات ، نهفته بوده است ؛ ب در مواردی که متن حدیث ، در متون شیعه و اهل سنّت ، تفاوت داشته است ؛ ج آن جا که متن حدیث ، بیش از یک سطر نبوده و مربوط به دو باب بوده است . ۴ . در مواردی که متن های رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم السلام ، متعدّد بوده اند ، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در متن ، و نشانی احادیث ائمه علیهم السلام با ذکر عنوان و منبع ، در پانویس می آید ، مگر آن که حدیث آنان ، نکته تازه ای داشته باشد که در این صورت ، آن حدیث نیز در متن ، آورده می شود . ۵ . در هر موضوع ، پس از ذکر آیات مربوط به آن ، احادیث پیشوایان ، به ترتیب زمانی (از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا امام مهدی علیه السلام) آورده می شوند ، مگر آن که حدیثی در تفسیر آیات یاد شده باشد (که در این صورت ، پیش از احادیث دیگر

می آید)، یا آن که تناسب موضوعی احادیث، ترتیب دیگری را ایجاب کند. ۶. در آغاز هر حدیث، تنها نام پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامی را آورده ایم که حدیث از او نقل شده است، مگر آن که راوی، فعل آنان را نقل کرده باشد، یا سؤال و جوابی در میان باشد و یا راوی، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر صلی الله علیه و آله یا آن امام نیست. ۷. به دلیل تعدد نام‌ها و لقب‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، نام واحدی را برای هر یک از آنان برگزیده ایم که به صورت ثابت، در اول روایت می آید و بر شخص مورد نظر، دلالت می کند. ۸. در پانوشته‌ها، منابع احادیث، به ترتیب معتبرترین آنها تنظیم شده اند؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محققان پوشیده نیست (از جمله: پرهیز از تکرار، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده)، این ترتیب را پس از نخستین منبع، مراعات نکرده ایم. ۹. هر گاه دسترس به منابع اولیه ممکن بوده، حدیث، مستقیماً از آنها نقل گردیده است. آن گاه، نشانی بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمال (در احادیث اهل سنت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنت، افزوده شده است. ۱۰. پس از ذکر منابع، گاه با نشانه «ر. ک:»، به منابع دیگر، ارجاع داده شده است؛ چرا که در مواردی، متن ارجاعی، با متن نقل شده، تفاوت بسیار دارد؛ ولی در عین حال، با متن اصلی و موضوع بحث، مرتبط است. ۱۱. ارجاع به ابواب دیگر این کتاب، به جهت تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست.

۱۲. هدف از «درآمد»هایی که برای فصل های کتاب ، نوشته شده اند و نیز توضیحات و استنتاج هایی که در پی احادیث آمده اند ، ارائه چشم انداز کلی روایات آن بخش یا آن فصل است . گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث ، پرداخته شده است . ۱۳ . مهم ترین نکته در این شیوه ، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان آور صدور احادیث هر باب از معصوم است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث ، صورت پذیرفته است . ۱۴ . یکی از آداب مهمّ نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. کلینی در الکافی از امام علی علیه السلام روایت کرده است : إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ ؛ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ . (۱) هنگامی که حدیثی را نقل می کنید ، آن را به کسی نسبت دهید که آن را روایت نموده است . در این صورت ، اگر [حدیث] درست باشد ، به سود شماست و اگر دروغ باشد ، بر عهده راوی است . بنا بر این ، برای رعایت احتیاط ، توصیه اکید داریم که کسانی که می خواهند از این کتاب یا سایر کتب روایی ، حدیثی برای دیگران نقل کنند ، آن را مستقیماً به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نسبت ندهند ؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده است ، به آنان منسوب نمایند . برای نمونه ، نگویند : «پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود» یا : «امام علیه السلام چنین فرمود» ؛ بلکه بگویند : «فلان کتاب، از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است» و یا بگویند : «از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است» .

قدردانی و سپاس

قدردانی و سپاس‌خداوند مَنان را سپاس گزارم که به ما توفیق تدوین این مجموعه روشنگر را عنایت فرمود و از همه همکاران عزیز و بزرگوارم در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» که مرا در گردآوری، تدوین، ارزیابی، تصحیح، ویرایش و نشر آن مساعدت نمودند، صمیمانه تشکر می‌کنم، بویژه از فاضل گران قدر، جناب آقای سید رسول موسوی که با همکاری و تلاش ایشان، این کتاب به ثمر رسید. همچنین از مترجم توانا، جناب آقای حمیدرضا شیخی که با ترجمه دقیق، روان و زیبای خود، زمینه بهره‌مندی پارسی‌زبانان را از این کتاب فراهم ساخت، صمیمانه سپاس گزارم. از خداوند مَنان برای همه آنان، پاداشی در خور فضل حضرتش مسئلت دارم و از او عاجزانه می‌خواهم عاقبت همه ما را ختم به خیر فرماید و ما را از آتش دوزخ، رهایی بخشد و در بهشت جاوید، در کنار اولیای خود، بپذیرد. رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. مُحَمَّد

محمّدی ری شهری ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۸۸ ۲۷ محرم الحرام ۱۴۳۱

بخش یکم: بهشت

اشاره

بخش یکم: بهشتفصل یکم: معانی بهشت در قرآنفصل دوم: آفرینش بهشتفصل سوم: نام های بهشتفصل چهارم: ویژگی های بهشتفصل پنجم: آنچه در بهشت نیستفصل ششم: تشویق به طلبیدن بهشتفصل هفتم: عوامل بهشتی شدنفصل هشتم: باغ های بهشتفصل نهم: نهال های بهشتفصل دهم: هزینه ساخت بهشتفصل یازدهم: گنج های بهشتفصل دوازدهم: کلیدهای بهشتفصل سیزدهم: کسانی که بهشت برایشان ضمانت شده استفصل چهاردهم: موانع ورود به بهشتفصل پانزدهم: نظام بهشتفصل شانزدهم: درجات بهشتفصل هفدهم: نوید داده شدگان به بهشت

واژه‌شناسی «جنت»

درآمدواژه‌شناسی «جنت» واژه «جنت» در لغت عرب، از ریشه «جنن» به معنای «ستر (پوشیدگی و حفاظ داشتن)»، همان باغ یا بستان است که زمین آن، به سبب تراکم بسیار درختان یا گل‌ها، از دیده پوشیده می‌ماند. ابن فارس در این باره می‌گوید: الجیم و النون أصل واحد وهو الستر والتستر... والجنه البستان وهو ذاك لأن الشجر بورقه یستر. (۱) جیم و نون، یک ریشه است و آن، پوشش و پوشاندن است... و جنت، بوستان است و چنین بودنش، برای این است که درختان، با برگ‌هایشان [زمینی را] می‌پوشانند. همچنین، بستان و یا نخلستانی که پیرامون آن، محصور شده و درون آن از نظر، پنهان است، «جنت» نامیده می‌شود. (۲) برخی از لغت‌شناسان بر این باورند که واژه «جنت» در کلام عرب، جز به باغی که در آن، درخت‌های خرما و انگور باشند، اطلاق نمی‌گردد و در غیر این صورت، «حدیقه» گفته می‌شود. (۳)

۱- معجم مقایس اللغه: ج ۱ ص ۴۲۱، ذیل «جَنّ».

۲- الزینه، ابو حاتم رازی: ج ۲ ص ۱۹۶ ۱۹۷ (به نقل از: دانش نامه جهان اسلام: ج ۱۱ ص ۱ «مدخل جنت»).

۳- ر. ک: لسان العرب: ج ۱۳ ص ۱۰۰.

در مقابل ، خلیل بن احمد فراهیدی ، «جَنَّت» را به «حدیقه» تفسیر کرده است : الجَنَّةُ : الحدیقه ، وهی بستان ذات شجر ونزّهه .
 (۱) جَنَّت ، حدیقه است ، و حدیقه ، بوستان دارای درخت و تفرّجگاه است . برخی از لغت شناسان ، وجه نام گذاری جایگاه نیکوکاران در سرای جاوید به «جَنَّت» را کثرت درختان و سایه های آن می دانند (۲) و برخی ، مستور بودن نعمت های آن در این جهان برای ما . (۳) گفتنی است که وجه دوم ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز در پاسخ یزید بن سلام که از علت نام گذاری بهشت به «جَنَّت» از ایشان پرسید نقل شده است : لَأَنَّهَا جَنَّتْ خَيْرَ نَقِيَّةٍ وَعِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ ، مَرْضِيَّةٌ . (۴) برای این که بهشت ، پوشیده ، اندوخته ، پاک و در نزد خدای بلندمرتبه ، مورد رضایت است . علامه مجلسی در تبیین جمله «لَأَنَّهَا جَنَّتْ» می گوید : أی مستوره عن الخلق ولا یستر إلا ما کان خیره . (۵) یعنی از خلق ، پوشیده است و جز اندوخته هم چیزی پوشیده نمی شود . راغب اصفهانی به هر دو وجه تسمیه اشاره کرده ، می گوید : والجنه کل بستان ذی شجر یستر بأشجاره الأرض ، قال عزوجل : «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِئِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ» (۶) «وَيَدُلُّنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ» (۷) «وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ» (۸) قیل : وقد تسمى الأشجار الساتره جنه ، وعلى ذلك

- ۱- کتاب العین : ج ۶ ص ۲۲ .
- ۲- ر . ک : لسان العرب : ج ۱۳ ص ۱۰۰ ، النهایه : ج ۱ ص ۳۰۷ ، مجمع البحرین : ج ۱ ص ۳۲۶ .
- ۳- ر . ک : معجم مقایس اللغه : ج ۱ ص ۴۲۶ .
- ۴- علل الشرائع : ص ۴۷۲ ح ۳۳ ، بحار الأنوار : ج ۸ ص ۱۸۸ ح ۱۵۷ .
- ۵- بحار الأنوار : ج ۹ ص ۳۰۷ .
- ۶- سبأ : آیه ۱۵ .
- ۷- سبأ : آیه ۱۶ .
- ۸- کهف : آیه ۳۹ .

واژه «جَنَّت» در قرآن و حدیث

حمل قول الشاعر: * من التواضح تَسْقَى جَنَّهُ سَحْقًا * وسمیت الجنة إما تشبيها بالجنة فى الارض وإن كان بينهما بون ، وإما لستره نعمها عَنَّا المشار إليها بقوله تعالى: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ» (۱). (۲) جَنَّت ، هر بوستان دارای درختانی است که درختانش ، زمین آن را می پوشانند . خداوند عز و جل فرموده است: «برای سبائیان در محلّ سکونتشان ، دو باغ در سمت چپ و راست بود» ، «و دو باغشان را به دو باغی دیگر ، تبدیل کردیم» و «چرا وقتی تو به باغت وارد شدی» گفته شده که به درختان پوشاننده [ی زمین] «جَنَّت» گفته می شود و بر همین نظر ، این گفته شاعر حمل می شود: «از شتران آبکشی که باغ را به سختی ، آب می دهند» . بهشت ، «جَنَّت» نامیده شده ، یا به جهت شباهتی که میان باغ های زمین و بهشت وجود دارد، هرچند فاصله زیادی میان آنهاست و یا به خاطر پوشیده بودن نعمت های آن از ماست که در این گفته خدای بلندمرتبه ، به آن اشاره شده است: «و هیچ کس از آن مایه شادمانی که برای ایشان اندوخته شده ، خبر ندارد» . اما به نظر «آرتور جفری» ، ریشه واژه «جَنَّت» ، آرامی یا سیرانی است که در این زبان ها تخصیص معنایی یافته و به معنای «پاداش نیکوکاران» به کار رفته است . هورو ویتس ، ریشه این واژه را از فرهنگ و دین یهود می داند و آن را با ترکیب «gan eden (بهشت آسمانی)» که در تورات (سفر پیدایش: ۲ / ۱۰۹) به کار رفته ، هم معنا می شمرد . (۳)

واژه «جَنَّت» در قرآن و حدیث واژه «جَنَّت» و مشتقات آن در قرآن ، ۱۴۷ بار در چهار معنا به کار رفته است: ۱ . بهشت آدم ابو البشر ، یعنی جایگاهی که وی و همسرش حوّا ، قبل از منتقل شدن به دنیا در آن جا زندگی می کردند و از آسایش کامل ، برخوردار

۱- سجده: آیه ۱۷ .

۲- مفردات الفاظ القرآن: ص ۱۱۸ .

۳- دانش نامه جهان اسلام: ج ۱۱ ص ۱ .

بودند. (۱) ۲. بهشت دنیا، یعنی باغ و بستان هایی که در جهان پیش از مرگ وجود دارد. ۳. بهشت برزخ، یعنی جایگاه ارواح نیکوکاران در جهان پس از مرگ. ۴. بهشت موعود در عالم آخرت. (۲) گفتنی است که در قرآن کریم، واژه «جنت» در معنای نخست، شش بار، (۳) در معنای دوم، ۲۵ بار، (۴) در معنای سوم، یک بار (۵) و در معنای چهارم، ۱۱۷ بار (۶) به

-
- ۱- ر. ک: طه: ۱۱۷ ۱۱۹. گفتنی است که در باره «بهشت آدم ابو البشر»، سه قول وجود دارد: یک. همان بهشت دنیاست، دو. همان بهشت موعود در آخرت است، سه. همان بهشت در آسمان و جدا از بهشت موعود در آخرت است. به نظر می رسد که قول سوم، به صواب، نزدیک تر است و تقسیم بندی موجود در متن، بر همین قول، استوار است.
- ۲- در غالب ترجمه های فارسی قرآن از قرن چهارم تا کنون، برای این معنای «جنت»، واژه «بهشت» را برابر نهاده اند، که واژه ای است دینی و در متون بازمانده از فارسی میانه و اوستایی، به معنای «بهترین زندگی» برای توصیف جهانی روحانی به کار رفته است. واژه «مینو» نیز اوستایی و هم معنا با جنت و بهشت است. برای توضیح بیشتر، ر. ک: دانش نامه جهان اسلام ج: ۱۱ ص ۱ و دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۱۳ ص ۱۷۰ ۱۷۲.
- ۳- ر. ک: بقره: آیه ۳۵، اعراف: آیه ۱۹ و ۱۵۲ ۱۵۳، طه: آیه ۱۱۷ و ۱۲۱.
- ۴- ر. ک: بقره: آیه ۴۵، انعام: آیه ۹۹ و ۱۴۱، فرقان: آیه ۸، کهف: آیه ۳۲، ۳۳ ۳۵، ۳۹ و ۴۰، سبأ: آیه ۱۵ ۱۶ (دو بار)، رعد: آیه ۴، مؤمنون: آیه ۱۹، شعرا: آیه ۵۴، ۱۳۴ و ۱۴۷، دخان: آیه ۲۵، ق: آیه ۹، نبأ: آیه ۱۶.
- ۵- یس: آیه ۲۶.
- ۶- بقره: آیه ۲۵، ۸۲، ۱۱۱، ۲۱۴ و ۲۲۱، آل عمران: آیه ۱۵، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۸۵، ۱۹۵ و ۱۹۸، نساء: آیه ۱۳، مائده: آیه ۱۲، ۶۵، ۷۲، ۸۵ و ۱۱۹، اعراف: آیه ۴۰، ۴۲ ۴۶ و ۴۹ ۵۰، توبه: آیه ۲۱، ۷۲، ۸۲، ۸۹، ۱۰۰ و ۱۱۱، یونس: آیه ۹ و ۲۶، هود: آیه ۲۳، ۱۰۸، رعد: آیه ۲۳، ۳۵، ابراهیم: آیه ۲۳، حجر: آیه ۴۵، نحل: ۳۱ ۳۲، کهف: آیه ۳۱ و ۱۰۷، مریم: آیه ۶۰ ۶۱ و ۶۳، طه: آیه ۷۶، حج: آیه ۱۴، ۲۳ و ۵۶، فرقان: آیه ۱۵ و ۲۴، شعرا: آیه ۸۵ و ۹۰، لقمان: آیه ۸، سجده: آیه ۱۹، فاطر: آیه ۳۳، یس: آیه ۵۵، صافات: آیه ۴۳، ص: آیه ۵۰، زمر: آیه ۷۳ ۷۴، غافر: آیه ۸ و ۴۰، فصلت: آیه ۳۰، شورا: آیه ۷ و ۲۲، زخرف: آیه ۷۰ و ۷۲، دخان: آیه ۵۲، احقاف: آیه ۱۴ و ۱۶، محمد: آیه ۶، ۱۲ و ۱۵، فتح: آیه ۵ و ۱۷، ق: آیه ۳۱، طور: آیه ۱۷، نجم: آیه ۱۵، قمر: آیه ۵۴، الرحمن: آیه ۴۶ و ۶۲، واقعه: آیه ۱۲ و ۸۹، حدید: آیه ۱۲ و ۲۱، مجادله: آیه ۲۲، حشر: آیه ۲۰ (دو بار)، صف: آیه ۱۲، تغابن: آیه ۹، طلاق: آیه ۱۱، تحریم: آیه ۸ و ۱۱، قلم: آیه ۳۴، حاقه: آیه ۲۲، معارج: آیه ۳۵ و ۳۸، مدثر: آیه ۴۰، انسان: آیه ۱۲، نازعات: آیه ۴۱، تکویر: آیه ۱۳، بروج: آیه ۱۱، غاشیه: آیه ۱۰، فجر: آیه ۳۰، بینه: آیه ۸.

کار رفته است. البتّه در قرآن، از بهشت موعود در عالم آخرت، با نام های دیگری نیز یاد شده است، مانند: «فردوس»، «دار السلام» و «دار المُقامه». (۱) در مجموع، در ۳۳۷ آیه قرآن، (۲) با الفاظ گوناگون، به جایگاه نیکوکاران در آخرت، اشاره شده است. در احادیث اسلامی، مفاهیم چهارگانه قرآنی «جنت»، تفسیر و تبیین گردیده است.

۱- ر. ک: فصل سوم: نام های بهشت.

۲- بقره: آیه ۲۵، ۸۲، ۱۱۱، ۲۱۴ و ۲۲۱، آل عمران: آیه ۱۵، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۸۵، ۱۹۵ و ۱۹۸، نساء: آیه ۱۳، ۳۱، ۵۷، ۱۲۲ و ۱۲۴، مائده: آیه ۱۲، ۶۵، ۷۲، ۸۵ و ۱۱۹، انعام: آیه ۱۲۷، اعراف: آیه ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۹ و ۵۰، توبه: آیه ۲۱، ۲۲، ۷۲، ۸۹، ۱۰۰ و ۱۱۱، یونس: آیه ۹ و ۱۰، هود: آیه ۲۳ و ۱۰۸، رعد: آیه ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۳۵ و ۴۲، ابراهیم: آیه ۲۳، حجر: آیه ۴۵، ۴۸، نحل: آیه ۳۰، ۳۲ و ۶۲، کهف: آیه ۳۲، ۳۱، ۸۸ و ۱۰۷، ۱۰۸، مریم: آیه ۶۰، طه: آیه ۷۶، ۷۵، انبیا: آیه ۱۰۲، حج: آیه ۱۴، ۲۳، ۵۶ و ۵۹، مؤمنون: آیه ۱۱، فرقان: آیه ۱۵، ۱۶، ۲۴ و ۷۶، شعرا: آیه ۸۵ و ۹۰، عنکبوت: آیه ۵۸، روم: آیه ۱۵، لقمان: آیه ۹۸، سجده: آیه ۱۹، سبأ: آیه ۳۷، فاطر: آیه ۳۲، ۳۵، یس: آیه ۲۶، ۲۷ و ۵۵، صافات: آیه ۴۱، ۵۴ و ۶۲، ص: آیه ۴۹، ۵۵، زمر: آیه ۲۰ و ۷۴، ۷۳، غافر: آیه ۸ و ۴۰، فصلت: آیه ۳۰، ۳۲ و ۵۰، شورا: آیه ۷ و ۲۲، زخرف: آیه ۷۳، ۷۰، دخان: آیه ۵۱، ۵۷، احقاف: آیه ۱۴ و ۱۶، محمد: آیه ۶، ۱۲ و ۱۵، فتح: آیه ۵ و ۱۷، ق: آیه ۳۱، ۳۲ و ۳۴، ۳۵، ذاریات: آیه ۱۵، ۱۶، طور: آیه ۱۷، ۲۸، نجم: آیه ۱۵ و ۳۱، قمر: آیه ۵۴، ۵۵، الرحمن: آیه ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۴ و ۷۶، واقعه: آیه ۱۲، ۲۶، ۲۸، ۴۰ و ۸۹، حدید: آیه ۱۰، ۱۲ و ۲۱، مجادله: آیه ۲۲، حشر: آیه ۲۰، صف: آیه ۱۲، تغابن: آیه ۹، طلاق: آیه ۱۱، تحریم: آیه ۸، ۱۱ و ۳۸، مدثر: آیه ۴۰، انسان: آیه ۶۵ و ۲۲، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰،

معانى الجنة فى القرآن ١ / ١ جنة آدم الكتاب «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» . (١)

«وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» . (٢)

راجع : طه : ١٢٠ ١٢١ .

الحديث ٦٤٧٢. عنه صلى الله عليه و آله : رسول الله صلى الله عليه و آله : خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ؛ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ ، وَ فِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ ، وَ فِيهِ أُخْرِجَ مِنْهَا . (٣) .

١- .البقره : ٣٥ .

٢- .الأعراف : ١٩ .

٣- .صحيح مسلم : ج ٢ ص ٥٨٥ ح ١٧ و ١٨ ، سنن الترمذى : ج ٢ ص ٣٥٩ ح ٤٨٨ ، سنن النسائى : ج ٣ ص ٩٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٣٦٤ ح ٩٢١٨ ، السنن الكبرى : ج ٣ ص ٣٥٦ ح ٦٠٠٤ كلها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٧ ص ٧١٠ ح ٢١٠٥٠ .

فصل یکم: معانی بهشت در قرآن

۱ / ۱ بهشتِ آدم

فصل یکم: معانی بهشت در قرآن ۱ / ۱ بهشتِ آدمقرآن» و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در بهشت، ساکن شوید و از هر کجای آن می خواهید، فراوان بخورید؛ ولی به این درخت، نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود».

«و ای آدم! تو و همسرت در بهشت، ساکن شوید و از هر جا که می خواهید، بخورید؛ ولی به این درخت، نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود».

ر. ک: طه: آیه ۱۲۰ ۱۲۱.

حدیث ۶۴۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین روزی که خورشید در آن طلوع کرده، روز جمعه است. در چنین روزی، آدم آفریده شد، در چنین روزی به بهشت در آورده شد و نیز در چنین روزی، از آن بیرون رانده شد.

٦٤٦٨. مسند ابن حنبل عن عبد الرحمن بن شيبه: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا كَانَ لَبْثُ آدَمَ وَ حَوَاءَ فِي الْجَنَّةِ حَتَّى أُخْرِجَا مِنْهَا سَبْعَ سَاعَاتٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا ، حَتَّى أَهْبَطَهُمَا اللَّهُ مِنْ يَوْمِهِمَا ذَلِكَ . (١) ٦٤٦٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام على عليه السلام فى خُطْبِهِ لَهُ يَصِفُ فِيهَا الْأَرْضَ وَ دَحَوْهَا عَلَى الْمَاءِ : فَلَمَّا مَهَّدَ أَرْضَهُ ، وَ أَنْفَذَ أَمْرَهُ ، إِخْتَارَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرَةَ مِنْ خَلْقِهِ ، وَ جَعَلَهُ أَوَّلَ جِبَلْتِهِ (٢) ، وَ أَسْكَنَهُ جَنَّتَهُ ، وَ أَرْعَدَ فِيهَا أُكْلَهُ . (٣) ٦٤٦٦. عُدَّه الداعى: عنه عليه السلام فى خُطْبِهِ لَهُ يَذْكُرُ فِيهَا ابْتِدَاءَ خَلْقِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ : ثُمَّ أَسْكَنَ سُبْحَانَهُ آدَمَ دَارًا أَرْعَدَ فِيهَا عَيْشَهُ ، وَ آمَنَ فِيهَا مَحَلَّتَهُ ، وَ حَذَّرَهُ إِبْلِيسَ وَ عِدَاوَتَهُ ، فَاعْتَرَاهُ عَدُوُّهُ نَفَاسَةً عَلَيْهِ بِدَارِ الْمَقَامِ وَ مُرَافَقَةِ الْأَبْرَارِ ، فَبَاعَ الْيَقِينَ بِشَكِّهِ ، وَ الْعَزِيمَةَ بِوَهْنِهِ ، وَ اسْتَبَدَلَ بِالْجَدَلِ (٤) وَ جَلًّا (٥) ، وَ بِالْإِغْتِرَارِ نَدَمًا . ثُمَّ بَسِطَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُ فِى تَوْبَتِهِ ، وَ لَقَّاهُ كَلِمَةً رَحْمَتِهِ ، وَ وَعَدَهُ الْمَرَدَّ إِلَى جَنَّتِهِ . (٦) ٦٤٦٥. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: رَنَّ (٧) إِبْلِيسُ أَرْبَعَ رَنَاتٍ : أَوْلَهُنَّ يَوْمَ لُعِنَ ، وَ حِينَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ ، وَ حِينَ بُعِثَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَى حِينِ فِتْرَتِهِ مِنَ الرَّسُولِ ، وَ حِينَ أَنْزَلَتْ أُمُّ الْكِتَابِ .

وَ نَخَرَ (٨) نَخْرَتَيْنِ : حِينَ أَكَلَ آدَمُ مِنَ الشَّجَرَةِ ، وَ حِينَ أَهْبَطَ مِنَ الْجَنَّةِ . (٩) .

- ١- الخصال: ص ٣٩٧ ح ١٠٣ عن محمد بن إسحاق عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام، تفسير العياشى: ج ١ ص ٣٥ ح ٢١ عن عطاء عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ١١ ص ١٤٢ ح ١٠ .
- ٢- جبلة: أى خَلْفَهُ ، وَ الْجِبَلَةُ وَ الْجِبَلَةُ : الْخِلْقَةُ (لسان العرب: ج ١١ ص ٩٨ «جبل»).
- ٣- نهج البلاغه: الخطبه ٩١ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ١١٢ ح ٩٠ .
- ٤- الجدَلُ: الْفَرْحُ (لسان العرب: ج ١١ ص ١٠٧ «جدل»).
- ٥- الْوَجَلُ: الْفَزَعُ وَ الْخَوْفُ (لسان العرب: ج ١١ ص ٧٢٢ «وجل»).
- ٦- نهج البلاغه: الخطبه ١، بحار الأنوار: ج ١١ ص ١٢٢ ح ٥٦ .
- ٧- رَنَّ: صَوَّتَ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٧٣٧ «رنن»).
- ٨- نَخَرَ: النَخِيرُ صَوْتُ الْأَنْفِ (النهايه: ج ٥ ص ٣٢ «نخر»).
- ٩- الخصال: ص ٢٦٣ ح ١٤١، قصص الأنبياء للراوندى: ص ٤٣ ح ٧ عن هشام بن سالم، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٢٠٤ ح ١ .

۶۴۶۴. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مدّت درنگ آدم و حوّا در بهشت، تا زمانی که از آن، بیرون رانده شدند، هفت ساعت از روزهای دنیا بود و در همان روز، خداوند، آن دو را [به زمین] فرستاد. ۶۴۶۲. امام باقر علیه السلام: امام علی علیه السلام در سخنانی که در آن، پیدایش زمین و گسترش یافتن آن بر روی آب را توصیف نمود: [خداوند] چون زمینش را آماده ساخت و فرمانش را اجرا کرد، آدم علیه السلام را از میان آفریدگانش برگزید و او را نخستین آفریده خود [از نوع انسان] قرار داد و او را در بهشتش اسکان داد و در آن برای او، [میوه ها و] خوراکی های فراوان و گوارا قرار داد. ۶۴۶۱. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام در سخنانی که در آن، آغاز آفرینش آسمان و زمین را توصیف نمود: سپس خداوند پاک، آدم را در سرایی جای داد که زندگی اش را در آن، پُر ناز و نعمت قرار داده بود، و جایِ باشِ او را امن گردانید و او را از ابلیس و دشمنی اش [با آدم] بر حذر داشت؛ اما دشمن او که به زندگی آدم در سرای جاویدان و همنشینی اش با نیکان، رشک می بُرد او را فریفت و در نتیجه، آدم علیه السلام یقین را به شکش، و عزم [و نیرومندی] را به سستی اش فروخت و دل شادی [اش] را به دلهره بدل کرد و از فریب خوردن، پشیمان شد. سپس خداوند پاک، راه توبه را برای او گشود و کلمه رحمتش را به وی آموخت و بازگشت به بهشتش را به او وعده داد. ۶۴۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: ابلیس، چهار بار فغان بر آورد: اولین بار، روزی که لعنت شد؛ دوم، زمانی که به زمین فرو فرستاده شد؛ سوم، زمانی که محمّد صلی الله علیه و آله پس از وقفه ای در ارسال پیامبران، به پیامبری مبعوث شد؛ و چهارم، زمانی که اُمّ الکتاب (سوره فاتحه) فرو فرستاده شد.

نیز دو بار، خُزّه کشید: یک بار، زمانی که آدم از درخت خورد، و بار دوم، زمانی که از بهشت فرود آمد..

٦٤٥٩. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الكافی عن الحسين بن میسر: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَنَّةِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ :

جَنَّةٌ مِنْ جَنَّاتِ الدُّنْيَا ، تَطَّلِعُ فِيهَا الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ، وَ لَوْ كَانَتْ مِنْ جَنَّاتِ الآخِرَةِ مَا خَرَجَ مِنْهَا أَبِيدًا . (١) / ٢ جَنَّةُ الدُّنْيَا الْكِتَابُ «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّةَ مَعْرُوشَتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» . (٢)

«وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَّجِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَبٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صَبْنُونَ وَغَيْرُ صَبْنُونَ يُسْقَى بِمَاءٍ وَحِدٍ وَنُفِضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» . (٣)

«فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّةً مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَبٍ لَكُمْ فِيهَا فَوْكٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (٤)

«وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَرِّكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ» . (٥)

الحديث ٦٤٥٨. تفسير القمى عن الأصمغ بن نباته عن الإمام عليّ علفسیر القمى :قَوْلُهُ : «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّةَ مَعْرُوشَتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَتٍ» (٦) قَالَ : الْبَسَاتِينُ . (٧) .

١- .الكافی : ج ٣ ص ٢٤٧ ح ٢ ، الاعتقادات للصدوق : ص ٧٩ من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام ، تفسير القمى : ج ١ ص ٤٣ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٨٤ ح ٢ .

٢- .الأنعام : ١٤١ .

٣- .الرعد : ٤ .

٤- .المؤمنون : ١٩ .

٥- .ق : ٩ .

٦- .الأنعام : ١٤١ .

٧- .تفسير القمى : ج ١ ص ٢١٨ من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام .

۱ / ۲ بهشت دنیا

۶۴۵۷. عنه علیه السلام: الکافی به نقل از حسین بن میسر: از امام صادق علیه السلام در باره بهشتِ آدم علیه السلام پرسیدم. فرمود: «بهشتی از بهشت های دنیاست که در آن، خورشید و ماه طلوع می کنند. اگر از بهشت های آخرت بود، هرگز از آن بیرون نمی رفت.» ۱. / ۲ بهشتِ دنیاقرآن» و اوست که بهشت هایی با داربست و بدون داربست، و خرمائین و کشتزار با میوه های گوناگون آن و زیتون و انار را، شبیه به هم و غیر شبیه، پدید آورد. از میوه آن چون ثمر داد بخورید و حقّ [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن، بدهید؛ ولی زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد.»

« و در زمین، قطعاتی کنار هم اند و باغ هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه، که با یک آب، سیراب می گردند؛ ولی برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه و نوع کیفیت] بر برخی دیگر، برتری می دهیم. بی گمان، در این، برای مردمی که تعقل می کنند، نشانه هایی است.»

« پس برای شما به وسیله آن (آب)، باغ هایی از درختان خرما و انگور پدیدار کردیم که در آنها برای شما میوه های فراوان است و از آنها می خورید.»

« و از آسمان، آبی پُر برکت فرود آوردیم. پس بدان، باغ ها و دانه های درو کردنی رویانندیم.»

حدیث ۶۴۵۲. الإمام علیّ علیه السلام: تفسیر القمّی: سخن او: «و اوست کسی که بهشت هایی با داربست و بدون داربست، پدید آورد»، یعنی بوستان هایی [پدید آورد] .

٦٤٥١.امام حسين عليه السلام: تفسير القمى عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام: «حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَثْبُوعًا» (١) يَعْنِي عَيْنًا «أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةً» يَعْنِي بُسْتَانًا مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ «فَتَفْجُرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا» (٢) مِنْ تِلْكَ الْعُيُونِ . (٣) ٦٤٥٠. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام فى قوله تعالى : «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ...» (٤) : مَثَلُهُمْ «كَمَثَلِ جَنَّةٍ» أَى بُسْتَانٍ فِى مَوْضِعٍ مُرْتَفِعٍ «أَصَابَهَا وَابِلٌ» أَى مَطَرٌ «فَنَاتَتْ أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ» أَى يَتَضَاعَفُ ثَمَرُهَا كَمَا يَتَضَاعَفُ أَجْرٌ مَنْ أَنْفَقَ مَالَهُ «ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» . (٥) ٦٤٤٩. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :تفسير القمى عن الإمام الصادق عليه السلام : «وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (٦) لِمَنْ أَنْفَقَ مَالَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاهِ اللَّهِ .

قَالَ : فَمَنْ أَنْفَقَ مَالَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاهِ اللَّهِ ثُمَّ امْتَنَّ عَلَى مَنْ تَصَدَّقَ عَلَيْهِ ، كَانَ كَمَا قَالَ اللَّهُ : «أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضِعْفًا فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ» (٧) قَالَ : الإِعْصَارُ : الرِّيحُ ، فَمَنْ امْتَنَّ عَلَى مَنْ تَصَدَّقَ عَلَيْهِ ، كَمَنْ كَانَ لَهُ جَنَّةٌ كَثِيرَةٌ الثَّمَارِ ، وَهُوَ شَيْخٌ ضَعِيفٌ لَهُ أَوْلَادٌ صِبَاغٌ ضِعْفًا ، فَتَجِيءُ رِيحٌ أَوْ نَارٌ فَتَحْرِقُ مَا لَهُ كُلَّهُ . (٨) .

١- الإِسْرَاءُ : ٩٠ .

٢- الإِسْرَاءُ : ٩١ .

٣- تفسير القمى : ج ٢ ص ٢٧ ، بحار الأنوار : ج ١٨ ص ١٧٩ ح ٩ .

٤- البقره : ٢٦٥ .

٥- تفسير القمى : ج ١ ص ٩٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ١٤٢ ح ٨ .

٦- البقره : ٢٦١ .

٧- البقره : ٢٦٦ .

٨- تفسير القمى : ج ١ ص ٩٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ١٤٣ ح ٨ .

۶۴۵۱. الإمام الحسين عليه السلام: تفسیر القمّی به نقل از ابو جارود ، از امام باقر علیه السلام : «تا آن که ینبوعی از زمین برای ما بجوشانی» ، [ینبوعی] یعنی چشمه ای . «یا برای تو بهشتی است» ، یعنی بوستانی از خرما بن و انگور است . « و از آنها جویبارها روان می سازی» ، یعنی از آن چشمه ها . ۶۴۵۰. عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «مَثَل کسانی که اموال خود را برای طلب خشنودی خدا انفاق می کنند ...» : مَثَل آنان ، «مَثَل بهشتی است» ، یعنی بوستانی قرار گرفته بر مکانی بلند که «رگباری بر آن می رسد» ، یعنی بارانی تند . «پس ، دو چندان محصول بر می آورد» ، یعنی میوه هایش دو چندان می شود ، همچنان که مزد کسی که دارایی اش را که «برای طلب خشنودی خدا» انفاق می کند ، دو چندان می شود . ۶۴۴۹. عنه صلی الله علیه و آله : تفسیر القمّی به نقل از امام صادق علیه السلام : [آیه] «خدا برای هر که بخواد ، دو چندان می کند» ، برای کسی است که دارایی خود را به خاطر جلب خشنودی خدا انفاق کند .

هر کس دارایی خود را در راه جلب خشنودی خدا انفاق کند و سپس بر کسی که به او کمک کرده است ، مَنّت گذارد ، چنان است که خداوند فرموده است : «آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درخت خرما و انگور داشته باشد که در آن ، جوی ها روان اند و برای او در آن باغ ، هر گونه میوه ای هست و در حالی که به او ، پیری رسیده و فرزندان خردسال دارد ، [ناگهان] اعصاری آتشین بر آن بیفتد و [باغ ، یکسر] بسوزد ؟» . اعصار ، به معنای گردباد است .

پس ، هر که بر کسی که به او صدقه داده است ، مَنّت بگذارد ، همانند کسی است که باغی پُر میوه دارد و خود ، پیری ناتوان است و فرزندان خردسال و ناتوان دارد و ناگهان بادی یا آتشی می آید و مالش را به کلی می سوزاند . .

٦٤٤٨. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تفسیر القمى : قوله : « وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ وَ حَفْنُوهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا » (١) قَالَ : نَزَلَتْ فِي رَجُلٍ كَانَ لَهُ بُسْتَانَانِ كَبِيرَانِ عَظِيمَانِ كَثِيرَا الثَّمَارِ ، كَمَا حَكَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ، وَ فِيهِمَا نَخْلٌ وَ زَرْعٌ ، وَ كَانَ لَهُ جَارٌ فَقِيرٌ ، فَافْتَحَرَ الْغَنَى عَلَى ذَلِكَ الْفَقِيرِ ، وَقَالَ لَهُ : « أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَ أَعَزُّ نَفَرًا * وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ » (٢) أَى بُسْتَانَهُ ، وَقَالَ « مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَيْدَهُ أَبَدًا * وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَ لَئِنْ رُودِدْتُ إِلَى رَبِّى لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا » (٣)

، فَقَالَ لَهُ الْفَقِيرُ : « أَكْفَرْتَ بِالَّذِى خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا * لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّى وَ لَا أُشْرِكُ بِرَبِّى أَحَدًا » (٤) ، ثُمَّ قَالَ الْفَقِيرُ لِلْغَنَى : « وَ لَوْلَمَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَأَقُوهُ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَ وَلَدًا » (٥) ، ثُمَّ قَالَ الْفَقِيرُ : « فَعَسَى رَبِّى أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَ يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَيِّعِيدًا زَلَقًا » (٦) أَى مُحْتَرِقًا « أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا » (٧) ، فَوَقَعَ فِيهَا مَا قَالَ الْفَقِيرُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ ، وَأَصْبَحَ الْغَنَى « يُقَلِّبُ كَفَيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَ هِيَ حَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّى أَحَدًا * وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةً يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مُنْتَصِرًا » (٨) فَهَذِهِ عَقُوبَةُ الْبَغَى . (٩) .

١- .الكهف : ٣٢ .

٢- .الكهف : ٣٤ ٣٥ .

٣- .الكهف : ٣٦ .

٤- .الكهف : ٣٧ ٣٨ .

٥- .الكهف : ٣٩ .

٦- .الكهف : ٤٠ .

٧- .الكهف : ٤١ .

٨- .الكهف : ٤٢ ٤٣ .

٩- .تفسير القمى : ج ٢ ص ٣٥ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٨٥ ح ٣ .

۶۴۴۷.الموطأ (به نقل از یحیی بن سعید) تفسیر القمّی: در باره آیه: «و برای آنان، آن دو مرد را مَثَل بزن که به یکی از آنها، دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو باغ را با درختان خرما پوشانیدیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم»، فرمود: «این آیه در باره مردی نازل شد که به فرموده خداوند، دو باغ بزرگ پهناور پُر میوه داشت که در آنها درختان خرما و کاشتنی‌هایی بود و آن مرد، همسایه‌ای فقیر داشت. آن توانگر بر آن تهی دست، فخر فروخت و گفت: «من از تو مالدارتر و از جهت نفرت، از تو نیرومندترم. و به بهشتش وارد شد»، یعنی به باغش.

و گفت: «گمان نمی‌کنم که این نعمت، هرگز زوال پذیرد و گمان نمی‌کنم که رستاخیز، برپا شود و اگر هم به سوی پروردگارم باز گردانده شوم، قطعاً بهتر از این را در بازگشت، خواهم یافت».

مرد تهی دست گفت: «آیا به آن کسی که تو را از خاک و سپس از نطفه آفرید و آن گاه تو را صورت یک مرد در آورد، کافر شدی؟ اما من [می‌گویم]: اوست خدا، پروردگار من، و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌سازم».

سپس به مرد توانگر گفت: «چرا هنگامی که وارد باغت شدم، نگفتی: نیرویی جز از جانب خدا نیست؟ اگر مرا از حیث مال و فرزند، کمتر از خود می‌بینی و سپس ادامه داد: «امید است که پروردگارم، بهتر از باغ تو به من عطا کند و بر آن [باغ تو]، آفتی از آسمان بفرستد تا به زمین هموار و لغزنده، تبدیل شود»، [لغزنده] یعنی سوخته «یا آب آن، فروکش کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری».

آنچه مرد تهی دست در آن شب گفت، بر سر آن باغ آمد و صبح که شد، مرد توانگر «برای از کف دادن آنچه در آن باغ هزینه کرده بود، دست‌هایش را بر هم می‌زد در حالی که داریست‌های آن، فرو ریخته بود و [به حسرت] می‌گفت: ای کاش هیچ کس را شریک پروردگارم نمی‌ساختم! و او در برابر خدا گروهی نداشت تا یاری اش کنند، و توانی نداشت که خود را یاری کند».

این است کیفر سرکشی»..

١ / ٣ جَنَّةُ الْبَرِّ زَخَالَ كِتَابٍ «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَلَيْتُ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ». (١)

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسِيمًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ * لِيَدْخِلْنَهُمْ مُدْخَلَ بَرٍّ وَرِزْقًا حَسِيمًا» (٢)

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ». (٣)

الحديث ٦٤٤٣. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : المعجم الأوسط عن أبي هريره : خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي جَنَازِهِ ، فَجَلَسَ إِلَى قَبْرِ مِنْهَا فَقَالَ : مَا يَأْتِي عَلَى هَذَا الْقَبْرِ مِنْ يَوْمِ إِلَّا وَهُوَ يُنَادِي بِصَوْتٍ طَلِقٍ زَلِقٍ (٤) : يَا بَنَ آدَمَ ، كَيْفَ نَسَيْتَنِي ؟ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنِّي بَيْتُ الْوَحْدَةِ ، وَبَيْتُ الْعُرْبَةِ ، وَبَيْتُ الْوَحْشَةِ ، وَبَيْتُ الدَّوْدِ ، وَبَيْتُ الضُّبَيْقِ ؟ إِلَّا مَنْ وَسَّعَنِي اللَّهُ عَلَيْهِ .

ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْقَبْرِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ ، أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ . (٥) ٦٤٤٢. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام الباقر عليه السلام في قوله : «فَالسَّبَقَاتِ سَبَقًا» (٦) : يَعْنِي أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ ؛ تَسْبِقُ أَرْوَاحَهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ بِمِثْلِ الدُّنْيَا ، وَأَرْوَاحَ الْكَافِرِينَ إِلَى النَّارِ بِمِثْلِ ذَلِكَ . (٧)

١- .يس : ٢٧ ٢٦ .

٢- .الحج : ٥٨ ٥٩ .

٣- .آل عمران : ١٦٩ .

٤- .كذا في المصدر ، والظاهر أنه تصحيف «ذلق» ، وطلق ذلق : أي فصيح بليغ كما قال ابن الأثير في النهاية ، وأضاف قائلًا : يقال : طَلِقَ ذَلِقٌ ، وَطَلِقٌ ذَلِيقٌ (النهاية : ج ٢ ص ١٦٥ «ذلق»).

٥- .المعجم الأوسط : ج ٨ ص ٢٧٣ ح ٨٦١٣ .

٦- .النازعات : ٤ .

٧- .تفسير القمى : ج ٢ ص ٤٠٣ عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٢٨ ح ٣٠ .

۱ / ۳ بهشتِ برزخ

۱ / ۳ بهشتِ برزخقرآن « گفته شد : به بهشت در آی . گفت : ای کاش قوم من می دانستند که چگونه پروردگارم مرا آمرزید و مرا در زمره عزیزان قرار داد! » .

« و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده اند و آن گاه کشته شده ، یا مرده اند ، قطعاً خداوند به آنان روزی ای نیکو می بخشد ، و راستی ، خداست که بهترینِ روزی دهندگان است . آنان را به جایگاهی در خواهد آورد که آن را می پسندند ، و شک نیست که خدا ، دانایی بردبار است . » .

« هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند ، مرده میندار ؛ بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند . » .

حدیث ۶۴۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : المعجم الأوسط به نقل از ابو هریره : با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در تشییع جنازه ای شرکت کردیم . ایشان [در قبرستان] کنار قبر نشست و فرمود : «هیچ روزی بر این قبر نمی آید ، مگر آن که با صدایی گویا و رسا بانگ می زند : ای پسر آدم! چگونه مرا فراموش کرده ای؟! آیا نمی دانی که من خانه تنهایی و خانه غربت و خانه وحشت و خانه کرم ها و خانه [فشار و] تنگی هستم ، مگر برای آن کسی که خداوند ، مرا بر او فراخ گرداند؟!» .

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس فرمود : «قبر ، باغی از باغ های بهشت ، یا گودالی از گودال های آتش است» . ۶۴۳۸. صحیح البخاری (به نقل از عبد الله بن مسعود) امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند : «و آنان که پیشی می گیرند ، پیشی گرفتنی» : یعنی : جان های مؤمنان ، به سوی بهشت پیشی می گیرند ، چنان که در دنیا پیشی می گرفتند ، و جان های کافران ، به سوی آتش پیشی می گیرند ، چنان که در دنیا پیشی می گرفتند .

٦٤٣٧. صحيح مسلم (به نقل از ابو هريره) الكافي عن أبي ولاد الحنّاط عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : قُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، يَرَوُونَ أَنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فِي حَوَاصِلِ طُيُورٍ خُضِرَ حَوْلَ الْعَرْشِ ؟

فَقَالَ : لَا ، الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يَجْعَلَ رُوحَهُ فِي حَوْصَلِهِ طَيْرٍ ، وَلَكِنْ فِي أَبْدَانٍ كَأَبْدَانِهِمْ . (١) ٦٤٣٦. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : نَزَلَتْ هَاتَانِ الْآيَاتَانِ فِي أَهْلِ وَلَايَتِنَا وَأَهْلِ عِدَاوَتِنَا : «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرُوحٌ وَ رِيحَانٌ» يَعْنِي فِي قَبْرِهِ «وَ جَنَّتْ نَعِيمٌ» (٢) يَعْنِي فِي الْآخِرَةِ «وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ * فَنَزَلُ مِنْ حَمِيمٍ» يَعْنِي فِي قَبْرِهِ «وَ تَضَلِّيَهُ جَحِيمٌ» (٣) يَعْنِي فِي الْآخِرَةِ . (٤) ٦٤٣٩. رسول الله صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : إِنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ لَفِي شَجَرَةٍ مِنْ الْجَنَّةِ ، يَأْكُلُونَ مِنْ طَعَامِهَا وَيَشْرَبُونَ مِنْ شَرَابِهَا ، وَيَقُولُونَ : رَبَّنَا أَقِمِ السَّاعَةَ لَنَا ، وَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا ، وَالْحَقُّ آخِرُنَا بِأَوْلَانَا . (٥) ٦٤٣٨. صحيح البخاري عن عبد الله بن مسعود : عنه عليه السلام : إِنَّ لِلْقَبْرِ كَلَامًا فِي كُلِّ يَوْمٍ ، يَقُولُ : أَنَا بَيْتُ الْغُرْبَةِ ، أَنَا بَيْتُ الْوَحْشَةِ ، أَنَا بَيْتُ الدُّودِ ، أَنَا الْقَبْرُ ، أَنَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ ، أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ . (٦) .

١- الكافي : ج ٣ ص ٢٤٤ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٦٨ ح ١١٩ .

٢- الواقعة : ٨٩ ٨٨ .

٣- الواقعة : ٩٤ ٩٢ .

٤- الأُمالي للصدوق : ص ٥٦١ ح ٧٥٣ عن عمرو بن أبي المقدام ، بشاره المصطفى : ص ٢٠٠ عن أبي المقدام ، تفسير القمّي :

ج ٢ ص ٣٥٠ عن أبي بصير نحوه ، روضه الواعظين : ص ٣٠٠ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢١٧ ح ١١ .

٥- الكافي : ج ٣ ص ٢٤٤ ح ٢ عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٦٨ ح ١٢٠ .

٦- الكافي : ج ٣ ص ٢٤٢ ح ٢ عن بشير الدهان ، الأُمالي للمفيد : ص ٢٦٥ ح ٣ ، الأُمالي للطوسي : ص ٢٨ ح ٣١ كلاهما عن

أبي اسحاق الهمداني عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٦٧ ح ١١٥ .

۶۴۳۷. صحیح مسلم عن أبي هريره: الكافي به نقل از ابو ولّاد حنّاط: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! روایت می کنند که ارواح مؤمنان [پس از مرگ]، در چینه دان های پرندگان سبزرنگ پیرامون عرش، قرار می گیرند؟

فرمود: «خیر. مؤمن در نزد خدا، گرامی تر از آن است که روحش در چینه دان پرنده ای قرار داده شود؛ بلکه در کالدهایی همانند کالدهای خود آنان قرار می گیرد». ۶۴۳۶. عنه صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: این دو آیه در باره دوستان ما و دشمنان ما، نازل شده است: «و اما اگر از مقربان باشد، در آسایش و راحت خواهد بود»، یعنی در قبرش، و «در بهشت پُر ناز و نعمت»، یعنی در آخرت. «و اما اگر از دروغ زنان گم راه باشد، پس با آبی جوشان پذیرایی خواهد شد»، یعنی در قبرش، «و فرجامش، افتادن در جهنم است»، یعنی در آخرت. ۶۴۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: ارواح مؤمنان [پس از مرگ]، در درختی بهشتی جای می گیرند و از غذای آن می خورند و از نوشیدنی آن می نوشند و می گویند: «پروردگارا! قیامت را برای ما بر پای دار و آنچه را به ما وعده داده ای، تحقّق بخش و آخرین کسان ما را به اولین کسان ما [در بهشت] ملحق گردان». ۶۴۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: قبر، هر روز، این سخنان را می گوید: من، خانه غربتم. من، خانه تنهایی ام. من، خانه کرم هایم. من، گورم. من، باغی از باغ های بهشت و یا گودالی از گودال های آتشم. .

٦٤٣٣. الدرّ المنثور (به نقل از ابو ادریس خولانی) تفسیر القمی : قوله : « وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا » (١) يَعْنِي فِي جَنَانِ الدُّنْيَا الَّتِي تَنْتَقِلُ إِلَيْهَا أَرْوَاحُ الْمُؤْمِنِينَ . فَأَمَّا فِي جَنَاتِ الْخُلْدِ فَلَا يَكُونُ غُدُوءًا وَلَا عَشِيًّا .

وَقَوْلُهُ : « وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ » (٢)

فَقَالَ الصِّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْبَرْزَخُ : الْقَبْرُ ، وَهُوَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَالِدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ أَيْضًا قَوْلُ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ ! مَا يُخَافُ عَلَيْكُمْ إِلَّا الْبَرْزَخُ .

وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ : « وَلَمَّا تَخَسَّبَ الَّذِينَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوًا تَأْيِلُ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ » (٣) ، وَقَالَ الصِّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَسْتَبْشِرُونَ وَاللَّهِ فِي الْجَنَّةِ بِمَنْ لَمْ يَلْحَقْ بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الدُّنْيَا . (٤) راجع : بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٠٢ باب ٨ (احوال البرزخ والقبر) .

١ / ٤ جَنَّهُ الْآخِرَةَ الْكِتَابِ « وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ » . (٥)

« وَ مِنْ دُونِهِمَا جَنَّاتٍ » . (٦)

« إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا * خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا » . (٧)

« يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي » . (٨)

راجع : الصافات : ٤٣ ٤١ ، النجم : ١٣ ١٥ ، مريم : ٦١ ، الفرقان : ١٥ ١٦ ، الروم : ١٥ .

١- مريم : ٦٢ .

٢- المؤمنون : ١٠٠ .

٣- آل عمران : ١٦٩ ١٧٠ .

٤- تفسیر القمی : ج ١ ص ١٩ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢١٨ ح ١٢ .

٥- الرحمن : ٤٦ .

٦- الرحمن : ٦٢ .

٧- الكهف : ١٠٧ ١٠٨ .

٨- الفجر : ٢٧ ٣٠ .

۴ / ۱ بهشتِ آخرت

۶۴۳۱. بحار الأنوار عن المفضل بن عمر (في حديث عن الإمام الصادق عليه السلام) تفسير القمّي: سخن خدا که: «و در آن جا هر صبح و شام، روزی شان آماده است»، یعنی در بهشت های دنیا که ارواح مؤمنان به آن جا منتقل می شوند. در بهشت های جاویدان، صبح و شامی نیست.

[در باره] سخن خدا که: «فراپیش آنان، برزخی است، تا روزی که برانگیخته شوند»، امام صادق علیه السلام فرمود: «برزخ، همان قبر است و آن، پاداش و کیفری است در فاصله میان دنیا و آخرت». دلیل دیگر آن نیز این سخن امام کاظم علیه السلام است که: «به خدا سوگند، تنها ترس و نگرانی برای شما، از برزخ است».

[در باره] سخن خدای عز و جل که: «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده پندار؛ بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. به آنچه خدا از فضل خود به ایشان عطا کرده است، شادمان اند و به کسانی که پی ایشان اند و هنوز به آنان نپیوسته اند، مژده می دهند، که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند»، امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، آنان در بهشت، به مؤمنانی که در دنیا و هنوز به ایشان نپیوسته اند، مژده می دهند». ر. ک: بحار الأنوار: ج ۶ ص ۲۰۲ باب ۸ (احوال برزخ و قبر).

۴ / ۱ بهشتِ آخرتقرآن» و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو بهشت است.»

«و پایین تر از آن دو [بهشت]، دو بهشت [دیگر] است.»

«کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، بهشت های فردوس، جایگاه پذیرایی از آنان است. جاودانه در آنها خواهند بود و درخواست انتقال از آنها نمی کنند.»

«ای نفس آرام گرفته! خوشنود و خداپسند به سوی پروردگارت، باز گرد و در میان بندگان من، در آی و در بهشت من، داخل شو.»

ر. ک: صافات: آیه ۴۱، ۴۳، نجم: آیه ۱۳، ۱۵، مریم: آیه ۶۱، فرقان: آیه ۱۵، ۱۶، روم: آیه ۱۵.

حدیث ۶۴۲۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت های فردوس ، چهار تا هستند : دو تا که زیورها و ظرف ها و آنچه در آنهاست ، از طلاست ، و دو تا که ظرف ها و زیورها و آنچه در آنهاست ، از نقره است . تنها مانع میان بهشتیان و دیدن پروردگارشان ، ردای کبریاست که بر چهره او در بهشتِ عدن ، کشیده شده است ، و این جویبارها از بهشتِ عدن (دست نخورده) ، سرچشمه می گیرند و سپس به جوی هایی منشعب می شوند . ۶۴۲۱. امام صادق علیه السلام (به مُفَضَّل بن عمر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «و پایین تر از آن دو [بهشت] ، دو بهشت [دیگر] است» : دو بهشت که ظرف هایشان و هر آنچه در آنهاست ، از نقره است ، و دو بهشت دیگر ، که ظرف هایشان و آنچه در آنهاست ، از طلاست ، و تنها مانع میان این بهشتیان و دیدن پروردگارشان ، ردای کبریاست که بر چهره او در بهشتِ عدن (دست نخورده) افکنده شده است . ۶۴۲۰. امام صادق علیه السلام : صحیح البخاری به نقل از انس : اُمُّ رَبِيعِ دختر بَرَاء که همان مادر حارثه بن سُرَاقه است نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! آیا از حارثه که در روز بدر بر اثر اصابت تیری ناشناخته ، کشته شده بود برایم نمی گویی ، که اگر در بهشت است ، صبر پیش گیرم و در غیر این صورت ، بر او زار زار بگریم ؟ !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای اُمُّ حارثه! در بهشت ، باغ هاست و پسر تو ، در فردوس برین است» . .

٦٤٢١. عنه عليه السلام (للمفضل بن عمر) رسول الله صلى الله عليه وآله: الجنة منه درجه، كمثل درجه منها ما بين السماء والأرض، وإن أعلاها الفردوس، وإن أوسطها الفردوس، وإن العرش على الفردوس، منها تفجر أنهار الجنة. فإذا ما سألتهم الله فسألوه الفردوس. (١) ٦٤٢٠. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: عدن دار الله التي لم ترها عين، ولم تخطر على قلب بشر، لا يسكنها غير ثلاثة: النبيين، والصديقين، والشهداء. يقول الله عز وجل: طوبى لمن دخلها من غير الذي هو، قال لها: تكلمي، فقالت: «قد أفلح المؤمنون» (٢) ٦٤١٩. امام صادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: خلق الله جنة عدن، وغرس أشجارها بيده، فقال لها: تكلمي، فقالت: «قد أفلح المؤمنون» (٣) ٦٤١٨. امام صادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لما خلق الله جنة عدن خلق فيها ما لا عين رأت ولا أذن سمعت ولا خطر على قلب بشر، ثم قال لها: تكلمي، قالت: «قد أفلح المؤمنون». (٥).

- ١- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤٤٨ ح ٤٣٣١، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٥٤ ح ٢٢١٤٨ نحوه وكلاهما عن معاذ بن جبل، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ١٥٣ ح ٢٦٧ عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٥٣ ح ٣٩٢٣٠؛ مجمع البيان: ج ٦ ص ٧٦٩ عن عباد بن الصامت، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٨٩.
- ٢- مجمع البيان: ج ٥ ص ٧٧، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٨٥؛ تفسير الطبري: ج ٩ الجزء ١٥ ص ١٣٩ عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٥٤ ح ٤٤٨٥.
- ٣- المؤمنون: ١.
- ٤- المستدرک على الصحيحين: ج ٢ ص ٤٢٦ ح ٣٤٨٠، تاريخ بغداد: ج ١٠ ص ١١٨ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٥٤ ح ٣٩٢٣٥.
- ٥- المعجم الكبير: ج ١١ ص ١٤٨ ح ١١٤٣٩، المعجم الأوسط: ج ١ ص ٢٢٤ ح ٧٣٨، تفسير الثعلبي: ج ٧ ص ٣٨، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ٤٥٥، تاريخ دمشق: ج ١٧ ص ٣٧ ح ٤٠٣١ نحوه وكلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٥٤ ح ٣٩٢٣٦.

۶۴۱۷. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت، صد درجه (پله) دارد و فاصله هر درجه تا درجه دیگر، به اندازه فاصله میان آسمان و زمین است. بالای آن، فردوس (پردیس) است و میانه آن، فردوس است و عرش، بر فردوس است و جویبارهای بهشت، از آن جا سرچشمه می گیرند. پس هر گاه از خدا درخواست کردید، فردوس را از او بخواهید.

۶۴۱۶. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتِ عَدْن (دست نخورده)، سرای خداست که [تا کنون] هیچ چشمی، آن را ندیده و بر قلب هیچ بشری خطور نکرده است و جز سه گروه، کسی در آن ساکن نمی شود: پیامبران، صدیقان و شهیدان. خداوند عز و جلمی فرماید: «خوشا به حال کسی که وارد تو شود!».

۶۴۱۵. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتِ عَدْن (دست نخورده) را آفرید و درختان آن را با دست خودش نشانده و به آن فرمود: «سخن بگو» و آن گفت: «به راستی که مؤمنان، رستگارند». ۶۴۱۹. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، چون بهشتِ عَدْن را آفرید، در آن، چیزهایی خلق کرد که نه هیچ چشمی دیده و نه هیچ گوشی شنیده و نه به ذهن بشری، خطور کرده است. سپس به آن فرمود: «سخن بگو» و آن گفت: «به راستی که مؤمنان، رستگارند»..

٦٤١٨. الإمام الصادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ليس من مؤمن في الجنة إلّا وله جنانٌ كثيره؛ معروشات (١) وغير معروشات، وأنهارٌ من حمرٍ، وأنهارٌ من ماءٍ، وأنهارٌ من لبنٍ، وأنهارٌ من عسلٍ، فإذا دعا وليُّ الله بغذائه، أتى بما تشتهى نفسه عند طلبه الغداء من غير أن يسئمى شهوته. (٢) ٦٤١٧. عنه عليه السلام: كتاب من لا يحضره الفقيه عن عبد الله بن عليّ: حملت متاعى من البصره إلى مصر، فقدمتها، فبينما أنا فى بعض الطريق، إذا أنا بشيخ طويل، شديد الأدمه، أبيض الرأس واللحية، عليه طمران (٣)؛ أحدهما أسود والآخر أبيض، فقلت: من هذا؟ فقالوا: هذا بلال مولى رسول الله صلى الله عليه وآله.

فأخذت ألواحاً فأتيتها فسلمت عليه، فقلت له: السلام عليك أيها الشيخ، فقال: وعليك السلام، قلت: يرحمك الله تعالى، حدثنى بما سمعت من رسول الله صلى الله عليه وآله ...

فقال: أكتب بسم الله الرحمن الرحيم، سجدت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: إن سور الجنة لبنه من ذهب ولبنه من فضه ... وإن أبوابها مختلفه: باب الرحمة من ياقوته حمراء ...

قلت: يرحمك الله، فإذا دخلوا الجنة فماذا يصنعون؟

قال: يسيرون على نهرين فى ماءٍ صافٍ فى سفنٍ الياقوت، مجاذيفها اللؤلؤ، فيها ملائكة من نور، عليهم ثياب خضر شديدة خضرتها.

قلت: يرحمك الله، هل يكون من التور أخضر؟ قال: إن الثياب هى خضر ولكن فيها نور من نور رب العالمين جل جلاله ليسيروا على حافتي ذلك النهر.

قلت: فما اسم ذلك النهر؟ قال: جنة المأوى، قلت: هل وسطها غيرها؟

قال: نعم، جنة عدن، وهى فى وسط الجنان. وأما جنة عدن فسورها ياقوت أحمر وحصاها اللؤلؤ، فقلت: وهل فيها غيرها؟ قال: نعم جنة الفردوس، قلت: فكيف سورها؟ قال: ويحك كف عني، جرحت على قلبى. قلت: بل أنت الفاعل بى ذلك. قلت: ما أنا بكاف عنك حتى تتم لى الصفة وتخيرنى عن سورها.

قال: سورها نور، قلت: ما العرف التى فيها؟ قال: هى من نور رب العالمين عز وجل. (٤).

١- عرشت: إذا جعلت له كهيته سقف (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٥٥٨).

٢- الكافى: ج ٨ ص ٩٩ ح ٦٩، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٧٤٧ ح ٣ كلاهما عن محمد بن إسحاق المدني عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٦٠ ح ٩٨.

٣- الطمر: الثوب الخلق (النهاية: ج ٣ ص ١٣٨ «طمر»).

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٩٢ ح ٩٠٥، الأمالى للصدوق: ص ٢٨٢ ح ٣١٠، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١١٦ ح ١.

۶۴۱۶. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مؤمنی در بهشت نیست، مگر آن که باغ های بسیاری، با داربست و بی داربست، و جوی هایی از شراب، و جوی هایی از آب، و جوی هایی از شیر، و جوی هایی از عسل دارد. پس هر گاه دوست خدا غذایی را بخواهد، به محض خواستن غذا، آنچه دلش بخواهد، بدون آن که نام [غذای] دلخواهش را ببرد، برایش آورده می شود. ۶۴۱۵. الإمام علی علیه السلام: کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از عبد الله بن علی: از بصره به سوی مصر، کالا بردم. چون وارد شهر شدم، در یکی از گذرگاه ها به پیرمردی بلندقامت و سیاه چهره که موهای سر و ریشش سفید بود و دو جامه ژنده، یکی سیاه و دیگری سفید، بر تن داشت، بر خوردم. پرسیدم: این کیست؟ گفتند: بلال، غلام آزاد شده پیامبر خدا.

الواحي چند برداشتم و نزد او رفتم و گفتم: سلام بر تو، ای پیرمرد!

گفت: و عليك السلام!

گفتم: رحمت خدای بلندمرتبه، بر تو باد! حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم بگو... .

گفت: بنویس: به نام خداوند بخشنده مهربان. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید: «دیوار بهشت، یک خشتش از طلاست و یک خشتش از نقره... و درهایی چند دارد: در رحمت، از یاقوت سرخ است...».

گفتم: رحمت خدا بر تو باد! چون وارد بهشت شدند، چه می کنند؟

گفت: بر کشتی هایی از یاقوت که پاروهای آنها از مروارید است و فرشتگانی از نور در آنهایند بر دو رودخانه در آبی زلال حرکت می کنند در حالی که جامه هایی با رنگ سبز تند، بر تن دارند.

گفتم: رحمت خدا بر تو باد! آیا نور سبز هم وجود دارد؟

گفت: جامه ها سبزند؛ اما در آن جامه ها، نوری از نور پروردگار جهانیان است تا در دو کرانه آن رودخانه، حرکت کنند.

گفتم: نام آن رودخانه چیست؟ گفت: بهشت مأوا. گفتم: آیا در وسط آن، بهشت دیگری وجود دارد؟

گفت: آری، بهشت عدن، که در وسط بهشت هاست. دیوار بهشت عدن، از یاقوت سرخ است و ریگ هایش مرواریدند. گفتم: آیا بهشت دیگری هم در آن، وجود دارد؟ گفت: آری، بهشت فردوس. گفتم: دیوار آن، چگونه است؟

گفت: وای بر تو! بس کن که دلم را ریش کردی. گفتم: نه! این، تویی که با من چنین کردی. گفتم: دست از تو بر نمی دارم تا وصفش را برایم کامل کنی و از دیوارش برایم بگویی.

گفت: دیوارش، نور است. گفتم: اتاق های آن، چگونه است؟ گفت: آنها از نور پروردگار جهانیان اند... .

٦٤١٤. إحياء علوم الدين: الإمام الباقر عليه السلام: أَمَّا الْجِنَانُ الْمَذْكُورَةُ فِي الْكِتَابِ ، فَإِنَّهُنَّ : جَنَّةُ عَدْنٍ ، وَجَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ ، وَجَنَّةُ نَعِيمٍ ، وَجَنَّةُ الْمَأْوَى . وَإِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلِيجَانًا مَحْفُوفَةً بِهَذِهِ الْجِنَانِ ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَكُونُ لَهُ مِنَ الْجِنَانِ مَا أَحَبَّ وَاشْتَهَى ، يَتَنَعَّمُ فِيهِنَّ كَيْفَ يَشَاءُ . (١) ٦٤١٣. إمام حسين عليه السلام: عنه عليه السلام: إِنَّ الْجِنَانَ أَرْبَعٌ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ : «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» ، وَهُوَ أَنَّ الرَّجُلَ يَهْجُمُ عَلَى شَهْوَةٍ مِنَ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا ، وَهِيَ مَعْصِيَةٌ ، فَيَذْكُرُ مَقَامَ رَبِّهِ فَيَدْعُهَا مِنْ مَخَافَتِهِ ، فَهَذِهِ الْآيَةُ فِيهِ . فَهَاتَانِ جَنَّاتَانِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالسَّابِقِينَ .

وَأَمَّا قَوْلُهُ : «وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّاتٍ» يَقُولُ : مِنْ دُونِهِمَا فِي الْفَضْلِ وَلَيْسَ مِنْ دُونِهِمَا فِي الْقُرْبِ ، وَهُمَا لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ، وَهِيَ جَنَّةُ النَّعِيمِ وَجَنَّةُ الْمَأْوَى .

وَفِي هَذِهِ الْجِنَانِ الْأَرْبَعِ فَوَاكِهُ فِي الْكَثْرَةِ كَوَرَقِ الشَّجَرِ وَالنُّجُومِ . وَعَلَى هَذِهِ الْجِنَانِ الْأَرْبَعِ حَائِطٌ مُحِيطٌ بِهَا ، طَوْلُهُ مَسِيرَةُ خَمْسِمِئَةٍ عَامٍ ، لَبَنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ ، وَلَبَنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ ، وَلَبَنَةٌ دُرٌّ ، وَلَبَنَةٌ ياقوتٍ ، وَمِلَاطَةٌ (٢) الْمِسْكُ وَالزَّرْعَرَانُ ، وَشَرْفُهُ نُورٌ يَتَلَأَلُّ ، يَرَى الرَّجُلُ وَجْهَهُ فِي الْحَائِطِ ، وَفِي الْحَائِطِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ ، عَلَى كُلِّ بَابٍ مِصْرَاعَانِ عَرَضُهُمَا كَحُضْرٍ (٣) الْفَرَسِ الْجَوَادِ سَنَّهُ . (٤) .

١- الكافي: ج ٨ ص ١٠٠ ح ٦٩ عن محمد بن إسحاق المدني، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٦١ ح ٩٨.

٢- المِلاط: الطين الذي يُجعل بين ساقَي البناء (النهاية: ج ٤ ص ٣٥٧ «ملط»).

٣- الحُضْر: العَدُو (النهاية: ج ١ ص ٣٩٨ «حضر»).

٤- الاختصاص: ص ٣٥٦ عن جابر، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٢١٨ ح ٢٠٨.

۶۴۱۲. امام علی علیه السلام: امام باقر علیه السلام: بهشت های نام برده در قرآن، عبارت اند از: بهشت عَدْن (دست نخورده)، بهشت فردوس (پردیس / باغ)، بهشت نَعِيم (ناز و نعمت)، و بهشت مَأْوَا (آسایش). خداوند عز و جل، بهشت های دیگری نیز دارد که با این بهشت ها در میان گرفته شده اند و از این بهشت ها، هر بهشتی را که مؤمن دوست داشته باشد و دلش بخواهد، به او می دهند، و در آنها از هر گونه نعمتی که بخواهد، برخوردار می شود. ۶۴۱۱. امام علی علیه السلام: امام باقر علیه السلام: بهشت ها، چهار تاینند؛ چرا که خداوند می فرماید: «و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو بهشت است». این، در جایی است که شخص به طرف شهوتی از شهوات دنیا که گناه است، هجوم می آورد و در همان حال، به یاد مقام پروردگارش می افتد و از ترس او، آن شهوت را رها می کند. این آیه در باره چنین کسی است. این دو بهشت، برای مؤمنان و پیشتازان است.

و سخن او که: «و پایین تر از آن دو، دو بهشت دیگر است»، یعنی پایین تر از آنها در رتبه، نه پایین تر از آنها در قُرب [و نزدیکی به خداوند]. این دو بهشت، برای اصحاب یمین اند، و عبارت اند از: بهشت نَعِيم (ناز و نعمت) و بهشت مَأْوَا (آسایش).

در این چهار بهشت، میوه ها از لحاظ فراوانی، مانند برگ درختان و ستارگان اند. گرداگرد این چهار بهشت، دیواری است که طول آن، پانصد سال راه است. یک خشت آن، از نقره است و یک خشتش از طلا و یک خشتش دُر و یک خشتش یاقوت است و ملاطش، مشک و زعفران است و کنگره هایش نوری درخشان اند. انسان، عکس خود را در این دیوار می بیند. این دیوار، هشت دروازه دارد و هر دروازه اش، دو لگنه دارد که پهنای آنها به اندازه یک سال دویدنِ اسبِ تیز تک است..

الفصل الثاني : خلق الجنة ٢ / ١ الجنة والنار مخلوقتا بالكتاب «وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى * عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى» .

(١)

«سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكُمْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» . (٢)

«وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» . (٣)

«فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَن تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» . (٤)

«وَأَزَلِمَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ * وَبُرْزَتِ الْجَحِيمِ لِلْغَاوِينَ» . (٥)

راجع : آل عمران : ١٣١ ، العنكبوت : ٥٤ ، الانفطار : ١٣ ١٦ ، المعارج : ١٥ ١٧ .

١- .النجم : ١٣ ١٥ .

٢- .الحديد : ٢١ .

٣- .آل عمران : ١٣٣ .

٤- .البقره : ٢٤ .

٥- .الشعراء : ٩٠ ٩١ .

فصل دوم: آفرینش بهشت

۲ / ۱ بهشت و دوزخ ، دو آفریده اند

فصل دوم: آفرینش بهشت ۲ / ۱ بهشت و دوزخ ، دو آفریده اند قرآن « و قطعاً [پیامبر در معراج] بار دیگر هم او (جبرئیل) را دید ، نزدیک آخرین درخت سدر ، در همان جا که بهشت مأواست » .

« به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش مانند پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند ، بر یکدیگر سبقت بجوید . این ، فضل خداست که به هر کس بخواهد ، آن را می دهد و خدا دارای فضل بزرگ است » .

« و به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن ، آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران ، آماده شده ، بر یکدیگر سبقت بجوید » .

« و اگر [آنچه را گفتیم] ، نکردید و هرگز نمی توانید کرد ، از آن آتشی که سوخت آن ، مردمان و سنگ هایند و برای کافران ، آماده شده است ، بترسید » .

« و [در آن روز] ، بهشت برای پرهیزگاران ، نزدیک می گردد و دوزخ برای گم راهان ، نمودار می شود » .

ر . ک : آل عمران : آیه ۱۳۱ ، عنکبوت : آیه ۵۴ ، انفطار : آیه ۱۳ ، معارج : آیه ۱۵ ، ۱۷ .

الحديث ٦٤٠٤. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنْ شِيَعِنَا مَنْ أَنْكَرَ أَرْبَعَةَ أَشْيَاءَ: الْمِعْرَاجَ، وَالْمَسَاءَ لَهُ فِي الْقَبْرِ، وَخَلَقَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ، وَالشَّفَاعَةَ. (١) ٦٤٠٣. عنه عليه السلام: الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَقْرَبَ بِتَوْحِيدِ اللَّهِ ... وَآمَنَ بِالْمِعْرَاجِ، وَالْمَسَاءِ لَهُ فِي الْقَبْرِ، وَالْحَوْضِ، وَالشَّفَاعَةِ، وَخَلَقَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ، وَالصِّرَاطَ، وَالْمِيزَانَ، وَالْبَعْثَ، وَالنُّشُورَ، وَالْجَزَاءَ، وَالْحِسَابَ، فَهُوَ مُؤْمِنٌ حَقًّا، وَهُوَ مِنْ شِيَعَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (٢) ٦٤٠٢. عنه عليه السلام: التوحيد عن عبد السلام بن صالح الهروي فِي مَسَائِلَ سَأَلَ عَنْهَا الْإِمَامَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ أَهْمَا الْيَوْمَ مَخْلُوقَتَانِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَرَأَى النَّارَ لَمَّا عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ، قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ قَوْمًا يَقُولُونَ: إِنَّهُمَا الْيَوْمَ مُتَقَدِّرَتَانِ غَيْرُ مَخْلُوقَتَيْنِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِمَّا أَوْلَيْتُكَ مِنَّا وَلَمَّا نَحْنُ مِنْهُمْ، مَنْ أَنْكَرَ خَلْقَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ فَقَدْ كَذَّبَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَذَّبَنَا، وَلَا مِنْ وَلَا يَتَنَا عَلَى شَيْءٍ، وَيَخْلُدُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ. (٣) ٢ / ٢ خَلَقَ الْجَنَّةَ قَبْلَ النَّارِ ٦٣٩٩. امام صادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ قَبْلَ النَّارِ، وَلَوْ خَلَقَ النَّارَ قَبْلَ الْجَنَّةِ لَخَلَقَ الْعَذَابَ قَبْلَ الرَّحْمَةِ. (٤).

١- صفات الشيعة: ص ١٢٩ ح ٦٩ عن محمد بن عماره عن أبيه، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٩٧ ح ١٨٦.

٢- صفات الشيعة: ص ١٢٩ ح ٧١ عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٩٧ ح ١٨٧.

٣- التوحيد: ص ١١٨ ح ٢١، الأمالي للصدوق: ص ٣٧٣ ح ٧، الاحتجاج: ج ٢ ص ٣٨١ ح ٢٨٦، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١١٩ ح ٦.

٤- بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٢٥٧ نقلًا عن كتاب ذكر الأقاليم والبلدان والجبال والأنهار والأشجار عن ابن عباس.

۲ / ۲ آفرینش بهشت ، پیش از دوزخ

حدیث ۶۳۹۸. صحیح البخاری (به نقل از حذیفه بن یمان) امام صادق علیه السلام : از شیعیان ما نیست کسی که چهار چیز را انکار کند : معراج را ، پرسش در قبر را ، آفریده شدن بهشت و دوزخ را ، و شفاعت را. ۶۳۹۸. صحیح البخاری عن حذیفه بن الیمان : امام رضا علیه السلام : هر کس به یگانگی خدا اقرار کند ... و به معراج و پرسش در قبر و حوض [کوثر] و شفاعت و آفریده شدن بهشت و دوزخ ، و صراط و میزان و زنده شدن دوباره و رستاخیز و پاداش و حسابرسی ، ایمان داشته باشد ، مؤمن حقیقی و از شیعیان ما اهل بیت است. ۶۳۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : التوحید به نقل از عبد السلام بن صالح هروی ، در پرسش هایی که از امام رضا علیه السلام کرد : [گفتم :] ای فرزند پیامبر خدا ! مرا خبر ده که آیا بهشت و دوزخ ، هم اکنون آفریده شده اند؟

فرمود : « آری . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زمانی که به آسمان برده شد ، به بهشت ، وارد شد و دوزخ را هم دید » .

گفتم : عده ای می گویند : این دو ، فعلاً مقدّرند و هنوز ، آفریده نشده اند .

فرمود : « آنها از ما نیستند و ما هم از آنها نیستیم . هر کس منکر آفریده شدن بهشت و دوزخ باشد ، در حقیقت ، پیامبر صلی الله علیه و آله و ما را تکذیب کرده است و پیرو ما نیست و در آتش دوزخ ، جاودان است » . ۲ / ۲ آفرینش بهشت ، پیش از دوزخ ۶۳۹۶. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدا ، بهشت را پیش از آتش (دوزخ) آفرید . اگر آتش را پیش از بهشت آفریده بود ، در واقع ، عذاب را پیش از رحمت ، آفریده بود. (۱)

٦٣٩٥. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الباقر علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْجَنَّةَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ النَّارَ، وَخَلَقَ الطَّاعَةَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْمَعْصِيَةَ، وَخَلَقَ الرَّحْمَةَ قَبْلَ الْعُصْبِ، وَخَلَقَ الْخَيْرَ قَبْلَ الشَّرِّ، وَخَلَقَ الْأَرْضَ قَبْلَ السَّمَاءِ، وَخَلَقَ الْحَيَاةَ قَبْلَ الْمَوْتِ، وَخَلَقَ الشَّمْسَ قَبْلَ الْقَمَرِ، وَخَلَقَ النُّورَ قَبْلَ الظُّلْمَةِ. (١).

١- الكافي: ج ٨ ص ١٤٥ ح ١١٦ عن سلام بن المستنير، بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٩٨ ح ٨٣.

۶۳۹۴. مسند ابن حنبل (به نقل از ابو سعید خُدری ، از پیامبر خدا) امام باقر علیه السلام : خداوند عز و جل پیش از آن که آتش را بیافریند ، بهشت را آفرید و پیش از آن که نافرمانی را بیافریند ، فرمانبری را آفرید و مهر را پیش از خشم آفرید و خوبی را پیش از بدی آفرید و زمین را پیش از آسمان آفرید و زندگی را پیش از مرگ آفرید و خورشید را پیش از ماه آفرید و روشنایی را پیش از تاریکی آفرید . .

پژوهشی در باره وجود کنونی بهشت و دوزخ

نظریه نخست: بهشت و دوزخ، آفریده شده اند

اشاره

پژوهشی در باره وجود کنونی بهشت و دوزخ آیا خدای بلندمرتبه، بهشت و دوزخ را آفریده و آنها بالفعل (هم اکنون) وجود دارند؟ یا این که در آینده آفریده می شوند؟ در پاسخ این سؤال، سه نظریه قابل بررسی، وجود دارد:

نظریه نخست: بهشت و دوزخ، آفریده شده اند اکثر قریب به اتفاق علمای اسلام، بر این باورند که بهشت و دوزخ، پیش از این، آفریده شده اند و بالفعل وجود دارند. (۱) شیخ صدوق رحمه الله در این باره می گوید: عقیده ما در باره بهشت و دوزخ، این است که آنها آفریده شده اند و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که به معراج رفت، وارد بهشت شد و دوزخ را دید. (۲) شیخ مفید نیز در این باره می گوید:

۱- ر. ک: أوائل المقالات: ص ۱۲۴، المسلك في أصول الدين: ص ۱۰۴، قواعد المرام في علم الكلام: ص ۱۶۷، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد: ص ۵۷۶، زبده البيان: ص ۳۲۸، الفصول المهمه: ج ۱ ص ۳۶۱، مجمع البيان: ج ۲ ص ۸۳۷، بحار الأنوار: ج ۸ ص ۲۰۵ ذیل ح ۲۰۴، المواقف، ایچی: ج ۳ ص ۴۸۵، شرح المقاصد في علم الكلام: ج ۲ ص ۲۱۸، شرح المواقف، جرجانی: ج ۸ ص ۳۰۱، شرح مسلم، نووی: ج ۲ ص ۲۲۲ و ج ۶ ص ۲۰۷، عمده القاری: ج ۵ ص ۳۰۳، عون المعبود: ج ۱۳ ص ۵۴، شعار أصحاب الحديث: ص ۴۱، التمهيد، ابن عبد البر: ج ۵ ص ۱۰۸ و ج ۱۹ ح ۱۱۲، نظم المتأثر من الحديث المتواتر: ص ۲۳۱.

۲- الاعتقادات، صدوق: ص ۷۹.

ادله وجود فعلی بهشت و دوزخ

۱. آیاتی از سوره نجم

بهشت و دوزخ، اکنون آفریده شده اند. برای این مطلب، روایت‌ها رسیده است و پیروان شریعت و صاحبان آثار، بر آن اتفاق دارند. (۱) این سخن، نشان می‌دهد که مخالفان این نظریه، به قدری اندک اند که مخالفت آنها، به ادعای اجماع مسلمانان بر وجود داشتن کنونی بهشت و دوزخ، ضرری نمی‌رساند. دلیل کسانی که معتقدند که بهشت و دوزخ، بالفعل وجود دارند، آیات و احادیثی هستند که بر وجود داشتن کنونی بهشت و دوزخ، دلالت دارند که در این جا اجمالاً به آنها اشاره می‌کنیم:

ادله وجود فعلی بهشت و دوزخ بسیاری از آیات قرآن، ظهور در وجود داشتن کنونی بهشت و دوزخ دارند که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. آیاتی از سوره نجم «وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى * عِنْدَ سِدْرِهِ الْمُنْتَهَى * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى * إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى . (۲) و قطعاً [پیامبر] بار دیگر، او (جبرئیل) را دید، نزدیک آخرین درخت سدر، در همان جا که بهشت مأواست، هنگامی که درخت سدر را آنچه می‌پوشاند، احاطه کرده بود». این آیه به روشنی دلالت دارد که «بهشت مأوا» وجود دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله در معراج خود، جبرئیل را در نزدیکی آن، دیده است.

۱- أوائل المقالات: ص ۱۲۴.

۲- نجم: آیه ۱۲، ۱۵.

۲. آیه ای از سوره آل عمران

۳. آیه ای دیگر از سوره آل عمران

گفتنی است در باره این که بهشت مورد اشاره در این آیه ، بهشت برزخی است یا بهشت جاوید ، اختلاف نظر وجود دارد ؛ لیکن چنان که شماری از محققان گفته اند (۱) و به قرینه سایر آیاتی که کلمه «جَنَّةُ الْمَأْوَى» در آنها به کار رفته ، (۲) ظاهراً مقصود از «جَنَّةُ الْمَأْوَى» در این جا نیز بهشت جاوید است .

۲. آیه ای از سوره آل عمران «وَسَيَرْغَبُونَ إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ . (۳) و به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی بشتابید که پهنای آن ، آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران ، آماده شده است» این آیه و آیه ۳۱ سوره حدید ، بر آماده بودن بهشت برای پرهیزگاران ، دلالت دارند .

۳. آیه ای دیگر از سوره آل عمران «وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ . (۴) و از آتشی که برای کافران آماده شده است ، پرهیزید» . این آیه و آیه ۲۴ سوره بقره نیز بر آماده بودن دوزخ برای کیفر مجرمان ،

۱- مانند : شیخ طبرسی در مجمع البیان (ج ۹ ص ۲۶۵) و علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۸ ص ۳۷۵) .

۲- «أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سجده : آیه ۱۹) «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى» (نازعات : آیه ۴۰ ۴۱) .

۳- آل عمران : آیه ۱۳۳ .

۴- آل عمران : آیه ۱۳۱ .

۴. احادیث دالّه بر وجود فعلی بهشت و دوزخ

نظریه دوم: بهشت و دوزخ، در آینده آفریده می شوند

اشاره

دلالت دارند. (۱)

۴. احادیث دالّه بر وجود فعلی بهشت و دوزخافزون بر احادیث بسیاری که ظهور در وجود داشتن کنونی بهشت و دوزخ دارند و به دلیل تواتر معنوی، صدور اجمالی آنها قطعی است، در فصل دوم، احادیثی آمده که به وجود داشتن کنونی آنها تصریح شده، چنان که در حدیثی با سند صحیح از امام رضا علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در معراج، وارد بهشت گردیده و دوزخ را دیده است و نیز تأکید شده است که کسی که آفرینش بهشت و دوزخ را نپذیرد، پیامبر را تکذیب کرده و بر ما دروغ بسته است. (۲)

نظریه دوم: بهشت و دوزخ، در آینده آفریده می شوند این نظریه که بهشت و دوزخ، در آینده آفریده می شوند، طرفداران فراوانی ندارد و گزارش شده که در میان اهل سنت، تنها معتزله و خوارج و گروهی از زیدیه، آن را پذیرفته اند. شیخ مفید رحمه الله، پس از ادّعای اجماع بر نظریه نخست، می گوید: معتزله و خوارج و گروهی از زیدیه با این نظر، مخالفت کرده اند و بیشتر آنها، گمان کرده اند که آنچه ما در باره آفرینش بهشت و دوزخ یادآور شدیم، صرفاً ممکن است، نه لازم، و در مورد احادیث رسیده، سکوت کرده اند. بقیه آنها نیز به محال بودن آفرینش بهشت و دوزخ، نظر داده اند. (۳)

۱- برای آگاهی از شماری از آیاتی که بر وجود داشتن کنونی بهشت و دوزخ، دلالت دارند، ر. ک: بحار الأنوار: ج ۸ ص ۲۰۶ ذیل ح ۲۰۴، مستدرک سفینه البحار: ج ۲ ص ۱۰۹، تفسیر آلوسی: ج ۴ ص ۵۷، تفسیر البیضاوی: ج ۵ ص ۳۰۲.

۲- ر. ک: ح ۳۲.

۳- أوائل المقالات: ص ۱۲۴.

عَلَّامَه حَلِّي رحمه الله در باره ابو علی جُبَّایی و ابو الحسین بَصْرِي و ابو الحسن اشعری نقل کرده است که آنها بر این نظرند که بهشت و دوزخ ، اکنون آفریده شده اند و از ابو هاشم جُبَّایی و قاضی عبد الجبار بن احمد رازی ، خلاف آن را نقل کرده است . (۱) در میان امامیه ، این نظریه به سید رضی رحمه الله نسبت داده شده است . وی در کتاب حقائق التأویل آورده است : علما در این که بهشت و دوزخ ، آیا اکنون آفریده شده اند یا پس از مرگ بندگان ، آفریده می شوند ، اختلاف نظر دارند . گروهی از آنان می گویند : «آنها اکنون آفریده شده اند» و گروه دیگر می گویند : «فقط بهشت ، آفریده شده است» . نظر درست ، این است که آنها بعدا آفریده می شوند . (۲) عَلَّامَه مجلسی رحمه الله در این باره می فرماید : بدان که ایمان به بهشت و دوزخ ، آن گونه که در آیات و احادیث وارد شده است ، بدون تأویل در آنها ، از ضروریات دین است و منکران و تأویل کنندگان (از جمله فیلسوفان) ، خارج از دین اند . البته در مورد آفرینش بالفعل بهشت و دوزخ ، همه مسلمانان ، اتفاق نظر دارند ، بجز گروهی از معتزله که می گویند در قیامت ، آفریده می شوند . این ، در حالی است که آیات و احادیث متواتر ، گفتار آنها را رد می کند و رأی آنها را ناچیز می شمارد . ظاهرا هیچ یک از امامیه ، این نظر سست را قبول ندارد ، جز آنچه به سید رضی ، نسبت داده شده است . (۳)

۱- .کشف المراد : ص ۴۵۳ .

۲- .ر . کک : حقائق التأویل : ص ۲۴۵ ۲۴۸ .

۳- .بحار الأنوار : ج ۸ ص ۲۰۵ ذیل ح ۲۰۴ .

۱. ناپایداری جهان

دلیل نظریه دوم کسانی که معتقدند بهشت و دوزخ ، هنوز آفریده نشده اند ، برای اثبات مدّعی خود ، به دو دلیل استدلال کرده اند :

۱. ناپایداری جهان دلیل نخست قائلان نظریه دوم ، این است که بهشت و دوزخ اخروی ، همیشگی اند ، در صورتی که آنچه در این جهان است ، فانی و ناپایدار است . سید رضی رحمه الله در این باره می گوید : دیدگاه درست ، این است که آنها بعداً آفریده می شوند و از مواردی که بر آن استدلال می شود ، سخن خدای بلندمرتبه در باره بهشت است که : «أَكُلُّهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا» (۱) خوراکی ها و سایه اش ، پایدارند . از طرفی نیز دلیل وجود دارد بر این که هر پدیده کنونی ، به ناچار ، نابود می شود . (۲) وقتی این دو دلیل را در کنار هم بگذاریم ، نتیجه این می شود که بهشت و دوزخ ، آفریده نشده اند . (۳) البته به این دلیل ، جواب های متعدّدی داده شده است که عبارت اند از : اولاً : میان دوام نعمت بهشت و وجود داشتن کنونی بهشت ، ملازمه عقلی وجود دارد ؛ زیرا می توان گفت که دوام نعمت بهشت ، پیش از ورود بهشتیان به بهشت را نیز شامل می شود . ثانیاً : مقصود از فنای اشیای این جهان ، نابودی مطلق آنها نیست ؛ بلکه

۱- رعد : آیه ۳۵ .

۲- اشاره است به آیه : «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ؛ هر چیزی جز ذات او ، از بین رفتنی است» (قصص : آیه ۸۸) .

۳- حقائق التأویل : ص ۲۴۶ .

۲. منافات داشتن فعلیت بهشت و دوزخ، با حکمت

نظریه سوم: بهشت و دوزخ، هم آفریده شده اند و هم آفریده نشده اند

مقصود، نابودی ذاتی آنهاست. ثالثاً: می توان گفت که مقصود از آیه «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»، انتقال همه موجودات این جهان در آینده به جهان دیگر است. بنا بر این، بهشت و دوزخ اخروی، تخصّصاً از مدلول آیه یاد شده، خارج اند.

۲. منافات داشتن فعلیت بهشت و دوزخ، با حکمتاستدلال دیگر قائلان به نظریه دوم، این است که ایجاد بهشت و دوزخ، پیش از قیامت، کاری بیهوده و بر خلاف حکمت است؛ زیرا پیش از روز جزا، کسی وارد بهشت و دوزخ نمی شود. بنا بر این، آفرینش بهشت، پیش از فرا رسیدن آخرت، درست مانند ساختن خانه یا زندان برای کسانی است که هزاران سال بعد، به دنیا می آیند. از هشامیه نقل شده که گفته اند: بهشت و دوزخ، آفریده نشده اند؛ زیرا وقتی کسی نباشد که سود و زیان آنها را ببرد، بهره ای در وجود آنها نخواهد بود. (۱) پاسخ این سخن، آن است که: اولاً: عقل، بدون احاطه به اسرار خلقت نمی تواند بیهوده بودن یا حکمت داشتن چیزی را کشف کند. از این رو، خالی بودن بهشت و دوزخ پیش از قیامت، نمی تواند دلیلی بر بیهوده بودن آفرینش آنها باشد. ثانياً: اگر بهشت و دوزخ را معلول عمل انسان بدانیم، چون میان عمل و جزا، رابطه تکوینی برقرار است، حکمت وجود داشتن آنها معلوم می گردد.

۱- ر. ک: الملل و النحل: ج ۱ ص ۷۲.

نظریه سوم: بهشت و دوزخ، هم آفریده شده اند و هم آفریده نشده اند بر اساس این نظریه، بهشت و دوزخ، اکنون، به یک معنا وجود دارند و به یک معنا وجود ندارند: بهشت و دوزخ، اکنون هستند، از این جهت که زمینه پدید آمدن آنها در این جهان، در وجود همه انسان ها بالفعل هست، و اکنون نیستند، از این جهت که علت پدید آمدن بهشت و دوزخ، کارهای نیک و بد انسان است که به تدریج در طول زندگی از او صادر می گردد. بنا بر این، قبل از انجام شدن کار به وسیله انسان های مکلف، بهشت و دوزخی وجود ندارد. صدر المتألهین در تبیین این نظریه می گوید: مردم در این که دوزخ، اکنون آفریده شده یا آفریده نشده است، اختلاف نظر دارند و اختلافشان در مورد دوزخ، مشهور است، چنان که در باره بهشت، چنین اختلافی هست. امّا دیدگاه ما، پیروان کشف و عرفان، این است که هر دو [از جهتی] آفریده شده اند و [از جهتی] آفریده نشده اند. این که می گوئیم آفریده شده اند، مانند مردی است که خانه ای بنا می کند و فقط دیوارهای اطراف آن را می سازد. فقط دیوار دارد؛ ولی به آن خانه گفته می شود، چنان که وقتی وارد آن می شوی، چیزی جز دیوارهایی که در فضا و روی زمین برپا شده اند، نمی بینی. بعد از آن، طبق نیاز ساکنان آن، اتاق ها و غرفه ها و پرده ها و راهروها و انبارها و آنچه نیاز است در آن باشد، ایجاد می گردد. دوزخ، خانه ای است که حرارت آن، هوای سوزان است و سوخت آن، جز انسان ها و سنگ هایی که خدا به حساب می آمدند، نیست. و جن، شعله آن است. خدای بلندمرتبه می فرماید: «هیزم آن، مردم و سنگ است» (۱) و

می فرماید: «در واقع، شما و آنچه غیر از خدا می پرستید، هیمه دوزخید» (۱) و می فرماید: «پس، آنها و گم راهان، در آن افکنده می شوند و [نیز] همه سپاهیان ابلیس» (۲) و در آن، وسایل و ابزارها با اعمال جنیان و انسان ها که داخل آن می شوند، پدیدار می گردد. (۳) گفتنی است که این نظریه، مبتنی بر این اساس است که بهشت و دوزخ، وجود مستقلی از انسان ندارند، چنان که صدر المتألهین، خود، به این مطلب، تصریح کرده است: و دانستی که بهشت مؤمن و دوزخ کافر، امری خارج از نفس [انسان] نیست. پس این که [بهشت و دوزخ]، امروز آماده اند، مربوط به نفس انسان است، گرچه انسان از آن، در پرده است [و آن را درک نمی کند]. (۴) گفتنی است که ظاهر و بلکه صریح آیات قرآن و احادیث اسلامی، بر وجود بالفعل و مستقل بهشت و دوزخ و در عین حال، مرتبط بودن آن با عمل انسان، دلالت دارد (۵) و در این گونه مسائل که عقل برای رسیدن به حقیقت، راهی ندارد، اعتقاد به آنچه قرآن و حدیث می گویند، ضروری است.

۱- انبیا: آیه ۹۸.

۲- شعرا: آیه ۹۴ ۹۵.

۳- الحکمه المتعالیه: ج ۵ ص ۳۶۵ ۳۶۶.

۴- الحکمه المتعالیه: ج ۹ ص ۳۳۵.

۵- ر. ک: ج ۲ ص ۱۱ (رابطه ظاهر و باطن یا تجسم اعمال).

٢ / ٣ مكان الجنة الكتاب «و في السماء رزقكم و ما توعدون». (١)

«و لقد رآه نزلته أخرى * عند صدره المنتهى * عندها جنة المأوى». (٢)

الحديث ٦٣٧٧. الكافي (به نقل از صفوان جمال) رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ الْجَنَّةَ فِي السَّمَاءِ ، وَإِنَّ النَّارَ فِي الْأَرْضِ .
(٣) ٦٣٨١. الإمام عليّ عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ أرواحَ الْمُؤْمِنِينَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ ، يَنْظُرُونَ إِلَى مَنْزِلِهِمْ فِي الْجَنَّةِ .
(٤) ٦٣٨٠. الإمام عليّ عليه السلام : بحار الأنوار في ذِكْرِ مَسَائِلِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ الَّتِي سَأَلَ عَنْهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :
... قَالَ : فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْجَنَّةِ ، أَيْنَ هِيَ ؟ قَالَ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] : فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ ، وَالنَّارُ فِي تُخُومِ الْأَرْضِ السُّفْلَى . قَالَ :
صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ . (٥) ٦٣٧٩. الإمام عليّ عليه السلام : الإمام عليّ عليه السلام لَمَّا قَدِمَ يَهُودِيَّانِ أَخْوَانِ وَسَلَّأَهُ : أَيْنَ تَكُونُ الْجَنَّةُ ؟
وَأَيْنَ تَكُونُ النَّارُ ؟ : أَمَّا الْجَنَّةُ فَفِي السَّمَاءِ ، وَأَمَّا النَّارُ فَفِي الْأَرْضِ . (٦)

١- الذاريات : ٢٢ .

٢- النجم : ١٣ ١٥ .

٣- المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٦١٣ ح ٨٦٩٨ عن عبد الله بن سلام ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٥٩ ح ٣٩٢٦٠ نقلًا عن الديلمي ؛ التبيان في تفسير القرآن : ج ٨ ص ٤٩٨ عن الحسن من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

٤- تاريخ أصبهان : ج ١ ص ٢٠٣ الرقم ٢٨١ ، الفردوس : ج ١ ص ٢٣٧ ح ٩١٣ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٦٧٦ ح ٤٢٦٨٩ .

٥- بحار الأنوار : ج ٦٠ ص ٢٥٧ .

٦- الخصال : ص ٥٩٧ ح ١ ، إرشاد القلوب : ص ٣١٧ كلاهما عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٢٨٦ ح ١٣ .

۲ / ۳ جایگاه بهشت

۲ / ۳ جایگاه بهشتقرآن « و روزی شما و آنچه وعده داده شده اید ، در آسمان است » .

« و قطعاً [پیامبر] بار دیگر ، او (جبرئیل) را دید ، نزدیک آخرین درخت سدر ، در همان جا که بهشت مأواست » .

حدیث ۶۳۷۲. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت ، در آسمان است و دوزخ ، در زمین . ۶۳۷۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ارواح مؤمنان در آسمان هفتم ، به منزل های خود در بهشت می نگرند . ۶۳۷۰. امام علی علیه السلام: بحار الأنوار در بیان پرسش های عبد الله بن سلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : [عبد الله گفت : به من بگو : بهشت در کجاست ؟

فرمود : «در آسمان هفتم ، و دوزخ در مرزهای زمین هفتم است» .

عبد الله گفت : درست گفتمی ، ای محمد ! ۶۳۶۹. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام در پاسخ به دو برادر یهودی که نزد ایشان آمدند و پرسیدند : بهشت و دوزخ در کجا قرار دارند؟ : بهشت ، در آسمان است و دوزخ ، در زمین .

٦٣٦٨.امام على عليه السلام: عنه عليه السلام للجائليق (١) وقد سألته عن الجنة أفي الدنيا هي أم في الآخرة؟ وأين الآخرة من الدنيا؟ الدنيا في الآخرة والآخرة مُحيطَةٌ بالدنيا، إذ كانت الثقله من الحياه إلى الموت ظاهره، وكانت الآخرة هي دار الحيوان لو كانوا يعلمون؛ وذلك أن الدنيا ثقله والآخرة حياه ومقام، مثل ذلك كالتائم؛ وذلك أن الجسم ينام، والروح لا تنام، والبدن يموت والروح لا تموت (٢)، قال الله عز وجل: «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (٣).

والدنيا رسم الآخرة والآخرة رسم الدنيا (٤)، وليس الدنيا الآخرة ولا الآخرة الدنيا. إذا فارق الروح الجسم يرجع كل واحد منهما إلى ما منه يبدأ وما منه خلق، وكذلك الجنة والنار في الدنيا موجودة وفي الآخرة؛ لأن العبد إذا مات صار في دار من الأرض؛ إما روضه من رياض الجنة، وإما بقعه من بقاع النار، وروحه إلى أحد دارين؛ إما في دار نعيم مقيم لا يموت فيها، وإما في دار عذاب أليم لا يموت فيها، والرسم لمن عقل موجود واضح، وقد قال الله عز وجل: «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ * ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (٥) وعن الكافرين، فقال: إنهم كانوا في شغل عن ذكرى، وكانوا لا يستطيعون سماعا (٦)، ولو علم الإنسان ما هو فيه مات خوفا من الموت، ومن نجا بفضل اليقين (٧).

١- الجائليق: رئيس النصارى فى بلاد الإسلام (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٧٠ «الجائليق»).

٢- فى المصدر: «يموت»، والتصويب من بحار الأنوار.

٣- العنكبوت: ٦٤.

٤- الرسم: تمثيل الشىء يطلق على ما يقابل الحقيقة كقول الشاعر: «أرى ودكم رسما وودى حقيقه» والظاهر أن المراد أن الدنيا تمثيل الآخرة والآخرة تمثيل الدنيا، فيكون مثل قوله سبحانه وتعالى: «وَأُتُوا بِهِ مُتَشَبِّهًا» (البقره: ٢٥).

٥- التكاثر: ٨٥.

٦- إشاره إلى الآيه: ١٠١ من سوره الكهف.

٧- إرشاد القلوب: ص ٣٠٩ عن سلمان، بحار الأنوار: ج ٣٠ ص ٧٢ ح ١.

۶۳۷۶.الإمام علیّ علیه السلام: امام علی علیه السلام در پاسخ جاثلیق (۱) که پرسید: آیا بهشت در همین دنیا است، یا در آخرت است؟ و آخرت در کجای دنیا است؟: دنیا در [دل] آخرت است و آخرت، محیط بر دنیا است؛ چرا که انتقال از زندگی به مرگ، آشکار است و در واقع، این آخرت است که سرای زندگانی است. ای کاش مردم می دانستند که دنیا گذرگاه است و آخرت، زندگی و اقامتگاه! حکایت آن، حکایت شخص خفته است: جسم می خوابد؛ اما روح نمی خوابد. [همین طور] بدن می میرد؛ اما روح نمی میرد. خداوند عز و جل می فرماید: «و سرای آخرت، سرای زندگانی است. ای کاش می دانستند!».

دنیا نماد (مثال) آخرت است و آخرت، نماد دنیا است. نه دنیا، [خود] آخرت است و نه آخرت، دنیا است. هر گاه روح از بدن جدا شود، هر یک از آن دو، به آن جایی که از آن شروع شده و آفریده شده است، باز می گردد.

بهشت و دوزخ نیز، هم در دنیا موجودند و هم در آخرت؛ چرا که بنده، هر گاه بمیرد، به خانه ای در زمین می رود که یا باغی از باغ های بهشت است و یا سرزمینی از سرزمین های دوزخ، و روحش به یکی از دو سرای می رود: یا به سرای پر نعمت مانا که در آن نمی میرد و یا به سرای عذابی دردناک که در آن [نیز] نمی میرد. تمثیل (تشابه میان دنیا و آخرت)، برای کسی که خردمند است، موجود و آشکار است. خداوند عز و جل می فرماید: «هرگز چنین نیست! اگر علم یقین دارید، به یقین، دوزخ را می بینید. سپس آن را قطعا به عین یقین در می یابید. سپس در همان روز است که از نعمت های زمین [پرسیده خواهید شد].».

و در باره کافران می فرماید: «آنان از یاد من غافل بودند و توانایی شنیدن [حق را] نداشتند». (۲) اگر انسان می دانست که پس از مرگ، چه خبر است، از ترس مرگ می مُرد، و هر کس نجات یابد، به برکت یقین است..

۱- رئیس مسیحیان در کشورهای اسلامی آن روزگار (مجمع البحرین: ج ۱ ص ۲۷۰).

۲- اشاره است به آیه ۱۰۱ از سوره کهف.

سخنی در باره مکان بهشت

مکان بهشت برزخی

سخنی در باره مکان بهشت پیش از هر گونه توضیح در باره مکان بهشت، دو نکته قابل توجه است: اول، این که: بهشت مانند دوزخ بر اساس آنچه گذشت، آفریده شده است. (۱) دوم، این که: وسعت بهشت، به اندازه وسعت همه آسمان ها و زمین است. (۲) اکنون این مسئله قابل طرح است که چنین چیزی که گستره و بزرگی آن با گستره آسمان ها و زمین برابری می کند و هم اکنون وجود دارد، کجاست؟ و چنین موجود بزرگی، اگر مادی است، چرا با ابزار علمی، قابل رؤیت نیست؟

مکان بهشت برزخیدر پاسخ این سؤال می توان گفت که آنچه از ظاهر قرآن و احادیث در این باره استنباط می شود، این است که بهشت برزخی، در باطن همین جهان ماده است. طبق احادیث، ارواح نیکوکاران پس از مرگ، در قالب مثالی در باغی از باغ های بهشت، متنعم اند و ارواح تبهکاران در گودالی از گودال های دوزخ،

-
- ۱- ر. ک: ص ۵۷ (پژوهشی درباره وجود داشتن کنونی بهشت و دوزخ).
 - ۲- ر. ک: ص ۱۰۵ (فصل چهارم: ویژگی های بهشت / گستردگی بهشت).

۱. آسمان

معذب اند. (۱) اینگونه روایات به روشنی دلالت دارد که عالم برزخ (شامل بهشت و دوزخ برزخی)، در باطن جهان مادی، و البتّه موقّتی و تا روز قیامت است.

سه نظریه در باره مکان بهشت در مورد مکان بهشت جاوید که جایگاه ابدی نیکوکاران است، سه نظر وجود دارد:

۱. آسمان‌نعمده ای بر این باورند که بهشت جاوید، در آسمان قرار دارد؛ زیرا قرآن در گزارش معراج پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ * عِنْدَ سِدْرِهِ الْمُنْتَهَىٰ * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ» (۲) و قطعاً [پیامبر] بار دیگر، او (جبرئیل) را دید، نزدیک آخرین درخت سدر، در همان جا که بهشت مأواست. یعنی بهشت مأوا، همان بهشت جاوید است (۳) که نزدیک آخرین درخت سدر، در بالاترین نقطه آسمان قرار دارد. همچنین در آیه ای دیگر است که: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ» (۴)

۱- ر. ک: ص ۳۵ (فصل یکم: معانی بهشت در قرآن / بهشت برزخ).

۲- نجم: آیه ۱۳، ۱۵.

۳- گفتنی است که برخی، بهشت مأوا را به بهشت برزخی یا بهشت آدم، تفسیر کرده اند؛ ولی با توجه به آیه: «أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سجده: آیه ۱۹) و آیه: «فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات: آیه ۴۱)، ظاهراً این آیه نیز به بهشت جاوید، اشاره دارد. بسیاری از بزرگان اهل تفسیر، همین نظریه را پذیرفته اند (ر. ک: مجمع البیان: ج ۹ ص ۲۶۵، المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱۸ ص ۲۷۵).

۴- ذاریات: آیه ۲۲.

۲. بی نیازی بهشت از مکان

و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است». بسیاری از مفسران، معتقدند که «ما توعدون»، همان بهشت جاویدان است که خداوند، آن را به انسان های شایسته وعده داده است. (۱) همچنین در احادیثی، تصریح شده است که بهشت، در آسمان است (۲) و بر این اساس، عده ای به طور مطلق می گویند که بهشت، در آسمان قرار دارد؛ اما موقعیت آن را در آسمان های هفتگانه مشخص نکرده اند. (۳) از آن میان، برخی معتقدند که بهشت در آسمان چهارم است (۴)، برخی می گویند در آسمان ششم است، (۵) و برخی بر این باورند که بهشت در آسمان هفتم (۶) قرار گرفته است.

۲. بی نیازی بهشت از مکانبرخی بر این باورند که اصولاً بهشت و دوزخی جدا از انسان، وجود ندارد؛ بلکه بهشت، معلول ملکات فاضله و دوزخ، پدید آمده از ملکات رذیله است. بنا بر این، بهشت، نه مادی است و نه جدا از انسان و به همین جهت، نیازی به مکان

-
- ۱- ر. ک: المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۸ ص ۱۱۵ و ج ۱۸ ص ۳۷۵، الأقسام فی القرآن الکریم: ص ۴۲، تفسیر البغوی: ج ۱ ص ۳۵۱، تفسیر فخر الرازی: ج ۲۸ ص ۲۰۸، تفسیر ابن کثیر: ج ۴ ص ۲۵۱، البرهان، زرکشی: ج ۴ ص ۸.
 - ۲- ر. ک: ص ۶۷ ح ۳۵ و ۳۸.
 - ۳- ر. ک: تفسیر مجاهد: ج ۲ ص ۶۱۸، شرح صحیح مسلم، نووی: ج ۲ ص ۲۲۳، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج ۱۰ ص ۱۲۰، المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۱ ص ۱۳۹، شرح أصول الکافی، ملّا صالح مازندرانی: ج ۸ ص ۱۲۴، بحار الأنوار: ج ۸ ص ۱۶۴ ح ۱۰۷، التبیان فی تفسیر القرآن: ج ۴ ص ۴۳۸، تفسیر البغوی: ج ۱ ص ۳۵۱.
 - ۴- ر. ک: فیض القدیر: ج ۳ ص ۴۷۶، التبیان فی تفسیر القرآن: ج ۹ ص ۳۸۵، زاد المسیر: ج ۵ ص ۱۶۸.
 - ۵- ر. ک: فیض القدیر: ج ۳ ص ۴۷۸.
 - ۶- ر. ک: فیض القدیر: ج ۳ ص ۴۷۶، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۲۵۷، التخویف من النار: ص ۶۷، زاد المسیر: ج ۵ ص ۱۶۸، تفسیر الفخر الرازی: ج ۱۹ ص ۲۳۵.

مادّی مستقل ندارد. صدر المتألّهین در این باره می گوید: آگاه باش که هر خوش بختی از خوش بختان، در عالم آخرت، مملکتی بزرگ و پهناور دارد و جهانی فراتر و گسترده تر از هر چه در آسمان ها و زمین هاست. البتّه آن مملکت، بیرون از ذات او نیست؛ بلکه همه مملکت و داشته ها و خادمان و ملازمان و بوستان ها و درختان و حوریان و غلامانش، جملگی قائم به اویند و او نگهدار آنها و ایجاد کننده آنها به فرمان خدای بلندمرتبه و به قدرت اوست. وجود اشیای اخروی، هر چند مشابه صورت هایی است که انسان در خواب می بیند و یا در برخی رؤیایها دیده می شوند، (۱) امّا کاملاً و حقیقتاً با آنها متفاوت است. جهت مشابهت آنها، این است که هر یک از این صورت ها به گونه ای هستند که موضوع هیولا و مکان و جهات موادّ امور یاد شده نیستند و میان صورت های متعدّد آنها، تزاممی نیست و هیچ چیزی از آن دو نوع صورت، در این عالم، مزاحم زمان و مکان دیگری نیست. انسان خوابیده، ای بسا افلاک عظیم و بیابان های وسیع دور دستی را می بیند، همانند چیزی که شخص بیدار در این عالم می بیند. افلاک با این که در عالم خارج، تغایر عددی دارند، امّا عرصه را بر همدیگر تنگ نمی کنند و مزاحم یکدیگر نیستند. همین طور است آنچه انسان، پس از مرگ و در عالم قبر می بیند که تزامم و جاتنگ کردن برای یکدیگر میان او و آن اجسام نیست. مرده، در قبر خود، چیزهایی را می بیند که اگر آنها از اجرام دنیوی بودند، قبر، گنجایش آنها را نداشت. امّا تفاوت آنها، به این است که صورت هایی که در نشئه آخرت هستند،

۱- بخصوص به روش شیخ اشراق (شهروردی) که صورت های مرآتی را موجودات عالم مثال و صورت های اخروی را شبیه صورت مرآتی می داند، به شرط این که قائم به ذات باشد و نه قائم به آینه، و نیز به روح زنده متعلق باشد و نه به شبح بی روح.

۳. باطن جهان

جوهر قوی ، وجود شدید و اثر دردمندانه یا لذتبخش زیادی دارند . موجودات آن نشئه ، قوی تر ، شدیدتر و دارای وجودی برتر و توانمندتر از موجودات این عالم اند ، تا چه رسد به صورت های رؤیایی و مرآتیی . نسبت نشئه آخرت به دنیا ، همانند نسبت نشئه بیداری به نشئه خواب است . چنان که در این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است : «مردم ، خواب اند و هنگامی که می میرند ، بیدار می شوند» . (۱) این نظریه ، بر خلاف ظاهر همه آیات و احادیثی است که بر معاد جسمانی و ثواب و عقاب مادی ، دلالت دارند.

۳. باطن جهاننظریه سوم ، این است که بهشت و دوزخ ، مادی و دارای حقیقتی مستقل از وجود انسان اند ، هم اکنون ، وجود خارجی دارند و مکان آنها در همین جهان است و به گستره آسمان ها و زمین اند ؛ ولی با چشم ظاهر ، قابل رؤیت نیستند . بیان این نظریه ، چنین است : بهشت و دوزخ ، هر دو در درون و باطن همین جهان قرار دارد و حجابهای عالم دنیا مانع از مشاهده آنها می شود ولی اولیاء الله می توانند آن را ببینند ، و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز به هنگام معراج که از هیاهوی مردم این جهان دور بود با چشم ملکوتی خود توانست گوشه ای از بهشت را در جهان بالا مشاهده کند، حتی برای اولیاء خدا ممکن است در جذبه های خاص معنوی در روی زمین نیز گهگاه آن را ببینند! تعبیر «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (۲) همانا دوزخ به کافران ، احاطه دارد» و

۱- الحکمه المتعالیه : ج ۹ ص ۱۷۶ .

۲- عنکبوت : آیه ۵۴ .

«إِنَّ الْمُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ؛ (۱)» به درستی که نیکان در بهشت اند و همانا بدکاران ، در دوزخ اند» و نیز «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ؛ (۲)» هرگز چنین نیست! اگر شما علم یقین داشتید ، دوزخ را می دیدید» ، ممکن است اشاره به همین معنا باشد . از یک جهت می توان وجود بهشت را در باطن این جهان ، تشبیه به وجود گلاب در گل کرد . درست است که هم گلاب ، مادی است و هم گل ؛ ولی مانعی ندارد که یکی در دیگری پنهان باشد و با هیچ چشمی مشاهده نشود . تشبیهی دیگر نیز برای نزدیک ساختن این مطلب به ذهن می توان بیان کرد که پیش تر هم به آن ، اشاره ای داشتیم و آن ، این که : در همین جهان ماده ، اشیای زیادی وجود دارند که در شرایط عادی ، برای ما قابل درک و احساس نیستند و بسیاری از آنها در باطن مادی این جهان ، قرار دارند . مثلاً در زمان واحد ، امواج متعددی از فرستنده های رادیویی و تلویزیونی جهان ، در فضا پخش می شوند و گاه از طریق ماهواره ها به تمام دنیا می رسند . در هر خانه ای ، انواعی از این امواج وجود دارد ؛ ولی هیچ کس آنها را احساس نمی کند . بعضی از فرستنده ها ، صداهای دل نشین و روح پرور ، و بعضی دیگر ، آثرهای خطر و صداهای هول انگیز و نفرت زا پخش می کنند . همچنین بعضی از فرستنده های تلویزیونی ، صحنه های زیبا و دل انگیز و مناظری روح پرور و نشاط آور نشان می دهند ، در حالی که امواج دیگر ، صحنه های جنگ و خونریزی و ویرانی و آتش سوزی و جنایت را پخش می کنند . تمام این صحنه ها و تصویرها و صداهای مختلف ، در همین دنیای مادی و در همین فضای اطراف ما وجود دارند و در واقع ، بهشت و دوزخ کوچکی در درون این جهان ، ساخته اند .

۱- انفطار : آیه ۱۳ ۱۴ .

۲- تکاثر : آیه ۶۵ .

بعضی از مردم ، امواج دستگاہ های گیرنده خود را صداهای زیبا و نغمه های دل پذیر و صحنه ها و منظره های جالب و روح پرور قرار می دهند ، در حالی که بعضی دیگر ، گیرنده های خود را اختیارا یا به حکم اجبار ، با صداها و صحنه های ضد آن منطبق می سازند . گروه اوّل ، در عالمی لذّت بخش ، و گروه دوم ، در جهانی شکنجه آور به سر می برند و اینها همه در حالی است که جهان ما ، جهانی است مادی و این امور ، همه در دل این جهان مادی ، نهفته شده است . اشتباه نشود ! هرگز نمی گوئیم که بهشت و دوزخ ، عینا چنین اند ؛ بلکه تنها می گوئیم : چه مانعی دارد که در عمق این جهان ، عالم یا عوالم دیگری باشد ؛ ولی ما در شرایط کنونی به هیچ وجه نتوانیم از آن آگاه شویم (چون در میان ما و آن عالم یا عوالم ، حجاب های متعدّدی قرار دارد ، هرچند کسانی که توانایی کنار زدن این حجاب ها را داشته باشند ، چه بسا در همین جهان نیز آن عوالم را ببینند)؟! دقت کنید . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفر آسمانی خود ، در آن جا که غوغای عالم ماده ، کمتر و عوامل سرگرم کننده ، ضعیف تر و جلوه های جلال و جمال خدا بیشتر بود ، پرده ها را کنار زد و در همان جا گوشه هایی از این دو عالم (بهشت و دوزخ) را که در باطن و درون این جهان بود ، مشاهده کرد . البتّه این ، بدان معنا نیست که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یا سایر اولیاء الله نمی توانند در روی زمین ، بهشت یا دوزخ را ببینند ؛ بلکه چنان که از برخی احادیث بر می آید ، این مشاهده ، گاهی در زمین هم اتفاق افتاده است . در حدیثی که راوندی در الخرائج آورده است ، می خوانیم : در آستانه عاشورا هنگامی که اصحاب و یاران حسین علیه السلام به ایشان ، اعلام وفاداری کامل نمودند و از ترک میدان کربلا و نقض بیعت ، سر باز زدند ، امام علیه السلام برای آنان دعای خیر کرد و پرده ها را از جلو چشمان آنها کنار زد و آنان ، آنچه را که خداوند از

نعمت های بهشتی به آنان بخشیده بود، با چشم خویش دیدند و امام علیه السلام منازل و جایگاه هایشان را به آنها نشان داد (۱). (۲) گفتنی است که حدیثی از امام علی علیه السلام در پاسخ جاثلیق، نقل شده که مؤید این نظریه است، با این تفاوت که ایشان دنیا را در دل آخرت و آخرت را محیط بر دنیا معرّفی می نماید. روایت، این گونه است که جاثلیق از امام علی علیه السلام در باره بهشت می پرسد: «آیا بهشت در همین دنیا است، یا در آخرت است؟» و ایشان می فرماید: *الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ وَ الْآخِرَةُ مُحِيطَةٌ بِالدُّنْيَا*. (۳) دنیا در [دل] آخرت است و آخرت، محیط بر دنیا است. بنابراین، هر چند دلیل قاطع و روشنی که مکان بهشت جاوید را به طور دقیق مشخص کند، در دست نیست؛ ولی ظاهراً نظریه سوم، به واقع، نزدیک تر است. بر اساس این نظریه، بهشت برزخی، بخش کوچکی از بهشت جاوید است که در اختیار صالحان قرار می گیرد؛ امّا پس از رستاخیز، آنان به جایگاه اصلی و دائمی، منتقل می گردند، و همچنین است دوزخ برزخی. گفتنی است که این برداشت، با احادیث ثواب و عقاب در برزخ، کاملاً هماهنگ است.

۱- الخرائج و الجرائح: ج ۲ ص ۸۴۷ ح ۶۲، بحار الأنوار: ج ۴۴ ص ۲۹۸ ح ۳.

۲- پیام قرآن: ج ۶ ص ۳۴۱ ۳۴۳.

۳- ر. ک: ص ۶۸ ح ۳۹.

الفصل الثالث : أسماء الجنة ٣ / ١ الجنة الكتاب «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» . (١)

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» . (٢)

«تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (٣)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» . (٤)

«وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا ففِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ» . (٥)

«وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ» . (٦)

«مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَمَّا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» . (٧)

١- فضلت : ٣٠ .

٢- آل عمران : ١٨٥ .

٣- النساء : ١٣ .

٤- هود : ٢٣ .

٥- هود : ١٠٨ .

٦- الشعراء : ٩٠ .

٧- غافر : ٤٠ .

۳ / ۱ بهشت

فصل سوم: نام های بهشت ۳ / ۱ بهشتقرآن « کسانی که گفتند: پروردگار ما ، خدای یکتاست ، سپس [بر آن ،] ایستادگی کردند ، فرشتگان بر ایشان فرود می آیند که : نترسید و اندوهگین مباشید و بشارتتان باد بهشتی که وعده داده می شدید! » .

« هر جانداری ، چشنده مرگ است و همانا روز رستاخیز ، پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می شود . پس هر که از آتش به دورش دارند و او را به بهشت در آورند ، قطعاً کامیاب شده است ، و زندگی دنیا ، جز مایه فریب نیست » .

« اینها احکام خدا هستند و هر کس ، از خدا و پیامبر او اطاعت کند ، وی را به باغ هایی در می آورد که از زیر آنها ، نهرها روان اند و در آن ، جاودانه اند و این ، همان کامیابی بزرگ است » .

« کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند و در برابر پروردگارشان خضوع کردند ، ایشان اهل بهشت اند و در آن ، جاودانه خواهند بود » .

« و ائِمّا کسانی که نیک بخت شده اند ، در بهشت اند و تا آسمان ها و زمین بر جاینند ، در آن جاودانه اند ، مگر آنچه پروردگارت بخواهد ، که این بخششی است که بُریدنی نیست » .

« و بهشت برای پرهیزگاران ، نزدیک می گردد » .

« هر که بدی کند ، جز به مانند آن ، کیفر نمی یابد و هر که کار شایسته کند ، مرد باشد یا زن ، در حالی که ایمان داشته باشد ، آنان داخل بهشت می شوند و در آن جا ، بی حساب ، روزی داده می شوند » .

الحديث ٦٣٥٧. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: توضع الموازين يوم القيامة، فتوزن الحسنات والسَّيِّئَاتُ، فَمَنْ رَجَحَتْ حَسَنَاتُهُ عَلَى سَيِّئَاتِهِ مِثْقَالَ صُرْوَابٍ (١) دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمِنْ رَجَحَتْ سَيِّئَاتُهُ عَلَى حَسَنَاتِهِ مِثْقَالَ صُرْوَابٍ دَخَلَ النَّارَ. (٢) ٦٣٥٦. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْجَنَّةَ وَخَلَقَ النَّارَ، فَخَلَقَ لِهَذِهِ أَهْلًا وَلِهَذِهِ أَهْلًا. (٣) ٦٣٥٥. عنه عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: كَفَى بِالْجَنَّةِ ثَوَابًا وَنَوَالًا (٤)، وَكَفَى بِالنَّارِ عِقَابًا وَوَبَالًا (٥). (٦).

- ١- الصَّوَابُ: بيضه البرغوث والقمل، والصواب من الذهب: الدقاق (المحيط في اللغة: ج ٨ ص ٢٠٥ «صَاب»).
- ٢- تفسير القرطبي: ج ٧ ص ٢١١، تاريخ دمشق: ج ١٤ ص ٣١٣ ح ٣٥٨٥ كلاهما عن جابر بن عبد الله، فتح الباري: ج ١٣ ص ٥٣٩ عن جابر من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله وفيه «حبه» بدل «صوابه» في الموضوعين، كنز العمال: ج ١٤ ص ٣٨٣ ح ٣٩٠٢٥.
- ٣- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٥٠ ح ٣٠، صحيح ابن حبان: ج ١ ص ٣٤٨ ح ١٣٨، المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٦ ح ٤٥١٥ كلها عن عائشة، كنز العمال: ج ١ ص ١١٤ ح ٥٣٤.
- ٤- النِّوَالُ: العطاء (لسان العرب: ج ١١ ص ٦٨٣ «نول»).
- ٥- الوِبَالُ: الشدَّة والثقل (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٦٣ «وبل»).
- ٦- نهج البلاغه: الخطبه ٨٣، تحف العقول: ص ٢٣٦ عن الإمام الحسن عليه السلام وليس فيه «ونوالاً»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٢٧ ح ٤٤؛ حليه الأولياء: ج ١ ص ٧٩ عن ابن عجلان عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جدِّه عليهم السلام، تذكره الخواص: ص ١٣٢ وليس فيهما «ونوالاً»، دستور معالم الحكم: ص ٥٨ وفيه «ونكالا» بدل «ووبالاً».

حدیث ۶۳۵۳. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز رستاخیز، ترازوها نصب می شوند و خوبی ها و بدی ها وزن می گردند. هر کس خوبی هایش به وزن ریشکی (تخم شپشی) از بدی هایش سنگین تر باشد، به بهشت می رود و هر کس بدی هایش به وزن ریشکی، از خوبی هایش سنگین تر باشد، به دوزخ می رود. ۶۳۵۲. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بهشت و دوزخ را آفرید و برای هر یک از آن دو نیز اهلی آفرید. ۶۳۵۱. الإمام علیّ علیه السلام: امام علی علیه السلام: بهترین پاداش و دهش، بهشت است و بدترین کیفر و رنج، آتش..

٦٣٥٠. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :الْجَنَّةُ غَايَةُ السَّابِقِينَ ، النَّارُ غَايَةُ الْمُفْرَطِينَ . (١) ٦٣٤٩. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله (در نقل نکته ای که در صحیفه موسی علیه السلام بود) عنه عليه السلام :الْجَنَّةُ جَزَاءُ كُلِّ مُؤْمِنٍ مُّحْسِنٍ . (٢) ٦٣٤٨. امام علی علیه السلام :عنه عليه السلام :إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلَمًا لِلسَّاعَةِ ، وَ مُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ ، وَ مُنذِرًا بِالْعُقُوبَةِ . (٣) ٦٣٤٧. امام علی علیه السلام :عنه عليه السلام :لَقَدْ حَمَلْتُمْ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الَّتِي لَا يَهْلِكُ عَلَيْهَا إِلَّا هَالِكٌ ، مَنِ اسْتَقَامَ فَآلَى الْجَنَّةِ ، وَ مَنْ زَلَّ فَآلَى النَّارِ . (٤) ٦٣٤٦. امام علی علیه السلام :الإمام الحسين عليه السلام لَمَّا رَمَى عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ مُعَسَّكَرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالسَّهَامِ : قَوْمُوا أَيُّهَا الْكِرَامُ إِلَى الْمَوْتِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ ، فَإِنَّ هَذِهِ السَّهَامُ رُسُلُ الْقَوْمِ إِلَيْكُمْ ، فَوَاللَّهِ مَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ ، يُعَبَّرُ بِهِؤُلَاءِ إِلَى جَنَانِهِمْ ، وَ بِهِؤُلَاءِ إِلَى نيرانِهِمْ . (٥) ٦٣٥٠. عنه صلى الله عليه و آله :الإمام زين العابدين عليه السلام فى المُنَاجَاةِ : أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ لَمَّا طَهَّرْتَنِي مِنَ الْآفَاتِ ، وَ عَافَيْتَنِي مِنَ إِقْتِرَافِ الْآثَامِ ، بَتَوَيْهِ مِنْكَ عَلَيَّ ، وَ نَظَرِهِ مِنْكَ إِلَيَّ تَرْضَى بِهَا عَنِّي ، وَ حُبَابَتِكَ لِي بِنِعْمَةِ مَوْصُولِهِ ، بِكَرَامَةِ تَبْلُغِ بِي شُرْفِ الْجَنَّةِ ، وَ مُرَافَقَةِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ . (٦) ٦٣٤٩. رسول الله صلى الله عليه و آله (فى بَيَانِ مَا كَانَ فى صَحِيفَةِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ) عنه عليه السلام فى الدُّعَاءِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلهِ ، وَ أَفْرِشْنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ ، وَ أوردنى مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ ، وَ أَحْلِلْنِي بِحُبُوحَةِ جَنَّتِكَ . (٧) .

- ١- نهج البلاغه : الخطبه ١٥٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٠ ح ٤٩٢ و ٤٩٣ .
- ٢- غرر الحكم : ح ١٤٢١ .
- ٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٦٠ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٣٨ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٢٨٥ ح ١٣٦ .
- ٤- نهج البلاغه : الخطبه ١١٩ ، بحار الأنوار : ج ٣٤ ص ٩٧ ح ٩٤٢ .
- ٥- صحيفه الحسين : ص ٣٠٨ ح ٢١ .
- ٦- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٣٣ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغرورى .
- ٧- الصحيفه السجاديه : ص ١٥٥ الدعاء ٤١ .

۶۳۴۸. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: بهشت، هدفِ پیشتازان است و دوزخ، خطّ پایان فروماندگان. ۶۳۴۷. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: بهشت، پاداش هر مؤمن نیکوکاری است. ۶۳۴۶. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: خداوند، محمّد صلی الله علیه و آله را نشانه [قریب الوقوع بودن] قیامت، و بشارت دهنده به بهشت و بیم دهنده از کیفر، قرار داد. ۶۳۴۵. مسند ابن حنبل (به نقل از ابو العلاء بن شخیر: یکی از بنی سُلیم) امام علی علیه السلام: من، شما را به راه روشن بردم؛ راهی که روندگانش نابود نمی شوند، مگر آن که نابود شدنی باشد. هر کس [در این راه،] پایداری ورزد، به سوی بهشت می رود و هر کس بلغزد، روانه آتش می شود. ۶۳۴۴. مصباح الشریعه (در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است) امام حسین علیه السلام آن گاه که عمر بن سعد به سوی اردوگاه امام علیه السلام تیراندازی کرد: ای بزرگواران! پیش به سوی مرگی که از آن، گریزی نیست و این تیرها فرستادگان آن جماعت به سوی شما می آیند. به خدا سوگند که میان شما و بهشت و دوزخ، جز مرگ، مانعی نیست. اینان به سوی بهشتشان بُرده می شوند و آنان به سوی دوزخشان. ۶۳۴۳. امام علی علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام در مناجات: [بار خدایا!] به حقّی که بر گردن همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که مرا از آفت ها پاک گردانی و از مرتکب شدن گناهان، برکنارم داری، با رویکردی از سوی تو به من، و نگاهی از جانب تو بر من، که با آن از من، خشنود شوی و با نعمت های پیاپی ات، مرا مورد محبت قرار دهی، و چنان کرامتی ارزانی ام داری که مرا به افتخارِ بهشت و همنشینی با محمّد و خاندان او که درود خدا بر او و ایشان باد نایل گردانی، آمین، ای پروردگار جهانیان! ۶۳۴۲. امام علی علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام در دعا: بار خدایا! بر محمّد و دودمان او، درود فرست و مرا بر فرش های کرامت نشان و به آبشخورهای رحمت در آور و در وسط بهشت جایم ده . .

٦٣٤١. امام على عليه السلام: الأما لي للمفيد عن داوود بن فرقد: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَقُولُ: إِنَّ الْعَمَلَ الصَّالِحَ لَيَذْهَبُ إِلَى الْجَنَّةِ فَيَمَهَّدُ لِصَاحِبِهِ ، كَمَا يَبْعَثُ الرَّجُلُ غُلَامَهُ فَيَفْرِشُ لَهُ . ثُمَّ قَرَأَ : «وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ» (١)

(٢) ٣ / ٢ جَنَّةُ النَّعِيمِ الْكِتَابُ (وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ * وَ اغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِحِينَ .) (٣)

«فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ * وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ * فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ .» (٤)

«الْمَلَأَكَ يَوْمَئِذٍ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ * وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ .» (٥)

«إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتِ النَّعِيمِ .» (٦)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ .» (٧)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّتِ النَّعِيمِ .» (٨)

١- هذا المضمون اقتبسه الإمام عليه السلام من الآية ٤٤ من سورة الروم .

٢- الأما لي للمفيد : ص ١٩٥ ح ٢٦ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٨٢ ح ٤٧ وفيه «فيسهل» بدل «فيمهد» ، عدّه الداعي : ص ٢١٧ كلّها عن داوود بن فرقد ، المقنع : ص ٣٠٠ من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، مجمع البيان : ج ٨ ص ٤٨١ عن منصور بن حازم والثلاثة الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩٧ ح ١٨٩ .

٣- الشعراء : ٨٥ ٨٦ .

٤- الواقعة : ٨٨ ٩١ .

٥- الحج : ٥٦ ٥٧ .

٦- القلم : ٣٤ .

٧- يونس : ٩ .

٨- لقمان : ٨ وراجع : المائدة : ٦٥ ؛ التوبة : ٢١ ؛ يونس : ٩ ؛ الحجج : ٥٦ ؛ الشعراء : ٨٥ ؛ لقمان : ٨ ؛ الصفات : ٤٣ ؛ الطور : ١٧ ؛

الواقعه : ١٢ ، ٨٩ ؛ القلم : ٣٤ ؛ المعارج : ٣٨ ؛ الانفطار : ١٣ ؛ المطففين : ٢٢ ؛ الإنسان : ٢٠ .

۲ / ۳ بهشت پُر نعمت

۶۳۳۹. الإمام علیّ علیه السلام: الأملی ، مفید به نقل از داوود بن فرقد : از امام صادق که دروذهای خدا بر او باد شنیدم که می فرماید : «کار نیک به بهشت می رود و [همه چیز را] برای صاحب خود ، آماده می کند ، همان طور که کسی غلامش را می فرستد و برایش فرش می گستراند» .

سپس امام علیه السلام خواند : « و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، برای خودشان آماده می کنند » .
(۱) ۲ / ۳ بهشت پُر نعمت قرآن «و مرا از وارثان بهشت پُر نعمت گردان و پدرم را بیمارز که او از گم راهان بود» .

«و اما اگر از مقربان باشد ، در آسایش و راحت و بهشت پُر نعمت خواهد بود ، و اما اگر از صاحبان دست راست باشد ، پس از صاحبان دست راست ، بر تو سلام باد !» .

«در آن روز ، پادشاهی ، از آن خداست . میان آنان ، داوری می کند و [در نتیجه] کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، در بهشت های پُر نعمت خواهند بود و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را دروغ شمرده اند ، برایشان عذابی خوار کننده خواهد بود» .

«همانا برای پرهیزگاران در نزد پروردگارشان ، بهشت های پُر نعمت است» .

«همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، پروردگارشان به سبب ایمانشان ، آنان را هدایت می کند و در بهشت های پُر نعمت که در آنها جویبارها روان اند ، خواهند بود» .

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، برایشان بهشت های پُر ناز و نعمت است» .

الحديث ٦٣٣٢. امام صادق عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام في الدعاء: يا ذا العِزَّةَ وَالسُّلْطَانَ ، وَالْقُوَّةَ وَالْبِرَّهَانَ ، أَجْرَنَا مِنْ عَذَابِكَ الْأَلِيمِ ، وَاجْعَلْنَا مِنْ سُكَّانِ دَارِ النَّعِيمِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (١) ٦٣٣١. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام في الدعاء: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَ جَنَّةَ لِمَنْ اطَاعَكَ ، وَاَعَدَدْتَ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ مَا لَا يَخْطُرُ عَلَى الْقُلُوبِ ، وَوَصَّيْتَهَا بِأَحْسَنِ الصَّفَةِ فِي كِتَابِكَ ، وَشَوَّقْتَ إِلَيْهَا عِبَادَكَ ، وَأَمَرْتَ بِالمُسَابَقَةِ إِلَيْهَا ، وَأَخْبَرْتَ عَنْ سُكَّانِهَا وَمَا فِيهَا مِنْ حُورٍ عِينٍ كَأَنَّهِنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ ، وَوَلَدَانٍ كَاللُّؤْلُؤِ الْمَنْثُورِ ، وَفَاكِهَةٍ وَنَخْلٍ وَرُمَّانٍ ، وَجَنَاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ ، وَأَنْهَارٍ مِنْ طَيِّبِ الشَّرَابِ ، وَسَيْدُوسٍ وَسَيْبَرِيٍّ ، وَسَيْلَسِيْلٍ وَرَحِيْقٍ مَخْتُومٍ ، وَأَسْوَرَةٍ مِنْ فِضَّةٍ ، وَشَرَابٍ طَهُورٍ ، وَمُلْكٍ كَبِيرٍ ، وَقُلْتَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ : «فَلَمَّا تَعَلَّمَ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (٢)

. (٣) ٣ / ١٣ الفِرْدَوْسُ وَالْكِتَابُ «أَوْلَائِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ * الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» . (٤)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا * خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا» . (٥)

١- البلد الأمين: ص ٣٢٣ عن الزهري .

٢- السجده: ١٧ .

٣- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٣٥ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

٤- المؤمنون: ١١١٠ .

٥- الكهف: ١٠٧ ١٠٨ .

حدیث ۶۳۱۷. امام صادق علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام در دعا: ای خداوند قدرت و سلطنت و نیرو و برهان! ما را از عذاب دردناکت در پناه خویش بدار و از ساکنان سرای پُر نعمت، قرارمان ده، ای مهربان ترین مهربانان! ۶۳۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام زین العابدین علیه السلام در دعا: بار خدایا! تو برای کسی که فرمانت بَرَد، بهشتی آفریدی و در آن، چنان نعمت های ماندگاری فراهم آوردی که هیچ کس تصوّرش را هم نمی کند، و آن بهشت را در کتابت به نیکوترین شکل، وصف نمودی و بندگان را به آن، تشویق کردی و آنان را به پیشی گرفتن به سوی آن، فرمان دادی و از ساکنان آن و آنچه در آن بهشت است، خبر دادی؛ از: سیه چشمانی که [از سیمین بَری] چونان تخم شترمرغ، [زیر پَر] پنهان اند، و پسرکانی که گویی مرواریدهای پراکنده اند، و میوه ها و خرمائیان و انار، و باغ های انگور، و جویبارانی از نوشیدنی پاک، و جامه های ابریشمی و دیبای سبتر، و [چشمه] سَلَسَبیل و باده نابِ سر به مُهر، و دستبندهای سیمین، و شراب پاک، و سلطنتی بزرگ، و در پی این همه ای بلندمرتبه والا- فرمودی: «هیچ کس نمی داند چه مایه های شادمانی، به پاداش آنچه انجام می دادند، برای آنان پنهان شده است». ۳ / ۳ فردوسقرآن «آنان اند که خود، وارثان اند؛ همانان که فردوس را به ارث می برند و در آن، جاودان می مانند».

«و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، بهشت های فردوس، جایگاه پذیرایی از آنان است. جاودانه در آنها خواهند بود و درخواست انتقال از آنها نمی کنند».

الحديث ٦٣٢٢. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: سَلُّوا اللَّهَ الْفِرْدَوْسَ ، فَإِنَّهَا سُرَّةُ الْجَنَّةِ . (١) ٦٣٢٣. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: الْفِرْدَوْسُ سَيِّدُ الْجَنَانِ . (٢) ٦٣٢٤. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: جَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ هِيَ رَبْوَةٌ (٣) الْجَنَّةِ الْعُلْيَا الَّتِي هِيَ أَوْسَطُهَا وَأَحْسَنُهَا . (٤) ٦٣٢٥. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ : يَا مَلَائِكَتِي ، انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَحْيَا لَيْلَةً ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي ، أَسْكِنُوهُ الْفِرْدَوْسَ ، وَلَهُ فِيهَا مِثَّةُ أَلْفِ مَدِينَةٍ ، فِي كُلِّ مَدِينَةٍ جَمِيعُ مَا تَشْتَهَى الْأَنْفُسُ وَتَلْمِذُّ الْأَعْيُنُ وَلَمْ يَخْطُرْ عَلَى بَالٍ ، سِوَى مَا أَعَدَدْتُ لَهُ مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْمَزِيدِ وَالْقُرْبَى . (٥) راجع : ص ٣٨ (الفصل الأول : معاني الجنة في القرآن / جنة الآخرة) .

٣ / ٤ دار السلام الكتاب «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» . (٦)

«لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَيُرِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (٧)

- ١- المستدرک علی الصحیحین : ج ٢ ص ٤٠٢ ح ٣٤٠٢ ، المعجم الكبير : ج ٨ ص ٢٤٦ ح ٧٩٦٦ ، الدر المنثور : ج ٥ ص ٤٦٧ نقلاً عن الطبرانی وابن مردويه وكلها عن أبي أمامه ، كنز العمال : ج ٢ ص ٧٣ ح ٣١٨٤ .
- ٢- تأويل الآيات الظاهرة : ج ٢ ص ٨٧٠ ح ٧ عن سلمان الفارسي ، بحار الأنوار : ج ٤٠ ص ٥٤ ح ٨٩ .
- ٣- الرَبْوَةُ : بالفتح والضم ما ارتفع من الأرض (النهاية : ج ٢ ص ١٩٢ «ربا»).
- ٤- المعجم الكبير : ج ٧ ص ٢١٣ ح ٦٨٨٥ ، مسند الشاميين : ج ٤ ص ٣١ ح ٢٦٥٠ ، تفسير الطبري : ج ٩ الجزء ١٦ ص ٣٨ ، تفسير ابن كثير : ج ٥ ص ١٩٩ والثلاثة الأخيره نحوه وكلها عن سمره بن جندب ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٥٣ ح ٣٩٢٢٩ .
- ٥- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٤٧٦ ح ١٣٧٤ ، ثواب الأعمال : ص ٦٧ ح ١ ، الأموال للصدوق : ص ٣٦٨ ح ٤٥٩ كلها عن جابر بن إسماعيل عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، روضه الواعظين : ص ٣٥١ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٨٦ ح ١٥١ .
- ٦- يونس : ٢٥ .
- ٧- الأنعام : ١٢٧ .

۳ / ۴ سرای سلامت

حدیث ۶۳۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فردوس را از خدا بخواهید؛ چرا که بهترین جای بهشت است. ۶۳۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فردوس، آقای بهشت هاست. ۶۳۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتِ فردوس، در مرتفع‌ترین زمین بهشت که بهترین و زیباترین جای بهشت است، قرار دارد. ۶۳۲۹. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: خداوند بزرگ و والا، به فرشتگان می‌فرماید: «ای فرشتگان من! ببینید که بنده ام یک شب را برای جلب خشنودی من به بیداری و عبادت گذرانده است. او را در فردوس، اسکان دهید. در آن جا برای او صد هزار شهر است که در هر شهری، آنچه دل‌ها هوس می‌کنند و چشم‌ها از آن لذت می‌برند و بر هیچ ذهنی خطور نکرده است، هست، و اینها غیر از کرامت و افزونی و مقام قُربی است که برایش آماده ساخته‌ام». ر. ک: ص ۳۹ (فصل یکم: معانی بهشت در قرآن / بهشتِ آخرت).

۳ / ۴ سرای سلامتقرآن «و خداوند، به سرای سلامت، فرا می‌خواند و هر که را بخواهد، به راه راست، هدایت می‌کند».

«برای آنان نزد پروردگارشان، سرای سلامت است و به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند، او یارشان خواهد بود».

الحديث ٦٤٩٢. عنه صلى الله عليه وآله: المستدرک علی الصحیحین عن سعید بن أبی هلال: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» فَقَالَ: حَدَّثَنِي جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا، فَقَالَ: إِنِّي رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ كَأَنَّ جَبْرِيلَ عِنْدَ رَأْسِي وَمِيكَائِيلَ عِنْدَ رِجْلِي، يَقُولُ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ: اضْرِبْ لَهُ مَثَلًا. فَقَالَ: اسْمِعْ سَمِعَتْ أذُنُكَ وَاعْقِلْ عَقْلَ قَلْبِكَ! إِنَّمَا مَثَلُكَ وَمَثَلُ أُمَّتِكَ كَمَثَلِ مَلِكٍ اتَّخَذَ دَارًا، ثُمَّ بَنَى فِيهَا بَيْتًا، ثُمَّ جَعَلَ فِيهَا مَأْدُبَةً، ثُمَّ بَعَثَ رَسُولًا يَدْعُو النَّاسَ إِلَى طَعَامِهِمْ، فَمِنْهُمْ مَنْ أَجَابَ الرَّسُولَ وَمِنْهُمْ مَنْ تَرَكَ. فَاللَّهُ هُوَ الْمَلِكُ، وَالِدَارُ الْإِسْلَامُ، وَالْبَيْتُ الْجَنَّةُ، وَأَنْتَ يَا مُحَمَّدُ الرَّسُولُ؛ مَنْ أَجَابَكَ دَخَلَ الْإِسْلَامَ، وَمَنْ دَخَلَ الْإِسْلَامَ دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ أَكَلَ مِنْهَا. (١) ٦٤٩٣. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كان يوم القيامة حَشَرَ اللَّهُ الْخَلَائِقَ، نادى مُنَادٍ: لِيَقُمْ أَهْلُ الْفَضْلِ! فَيَقُومُ فَنَامٌ (٢) مِنَ النَّاسِ، فَتَسْتَقْبِلُهُمُ الْمَلَائِكَةُ يُبَشِّرُونَهُمْ بِالْجَنَّةِ، وَيَقُولُونَ: مَا فَضْلُكُمْ هَذَا الَّذِي تَدْخُلُونَ بِهِ الْجَنَّةَ قَبْلَ الْحِسَابِ؟ فَيَقُولُونَ: كُنَّا نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا، وَنَصِلُ مَنْ قَطَعْنَا، وَنَحْلُمُ إِذَا جُهِلَ عَلَيْنَا. فَيُقَالُ لَهُمْ: ادْخُلُوا الْجَنَّةَ، فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ.

ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ: لِيَقُمْ أَهْلُ الصَّبْرِ! فَيَقُومُ فَنَامٌ مِنَ النَّاسِ، فَتَسْتَقْبِلُهُمُ الْمَلَائِكَةُ يُبَشِّرُونَهُمْ بِالْجَنَّةِ وَيَقُولُونَ: مَا صَبْرُكُمْ هَذَا الَّذِي تَدْخُلُونَ بِهِ الْجَنَّةَ قَبْلَ الْحِسَابِ؟ فَيَقُولُونَ: كُنَّا نَصْبِرُ أَنْفُسَنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَنَصْبِرُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ. فَيُقَالُ لَهُمْ: ادْخُلُوا الْجَنَّةَ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ.

ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ: لِيَقُمْ جِيرَانُ اللَّهِ فِي دَارِ السَّلَامِ! فَيَقُومُ فَنَامٌ مِنَ النَّاسِ، فَتَسْتَقْبِلُهُمُ الْمَلَائِكَةُ يُبَشِّرُونَهُمْ بِالْجَنَّةِ، وَيَقُولُونَ: مَا فَضْلُكُمْ هَذَا الَّذِي جَاوَزْتُمْ بِهِ اللَّهَ فِي دَارِ السَّلَامِ؟ فَيَقُولُونَ: كُنَّا نَتَحَابُّ فِي اللَّهِ، وَتَتَرَاوَرُّ فِي اللَّهِ، وَتَتَوَاصَلُ فِي اللَّهِ، وَتَتَبَاذَلُ فِي اللَّهِ. فَيُقَالُ لَهُمْ: ادْخُلُوا الْجَنَّةَ فَأَنْتُمْ جِيرَانُ اللَّهِ فِي دَارِ السَّلَامِ. (٣).

١- المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٣٢٩٩، سنن الترمذی: ج ٥ ص ١٤٥ ح ٢٨٦٠ عن سعید بن أبی هلال عن جابر بن عبد الله وفيه «مأدبه» بدل «مأدبه»، كنز العمال: ج ١ ص ٦٩ ح ٢٦٤.

٢- الفئام: الجماعة من الناس لا واحد له من لفظه (القاموس المحيط: ج ٤ ص ١٥٨ «فأم»).

٣- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ١٢٢٦ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، تاريخ اليعقوبي: ج ٢ ص ٣٠٣، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣١٥؛ البدايه والنهايه: ج ٩ ص ١١٤ كلّها عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه.

حدیث ۶۴۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: المستدرک علی الصحیحین به نقل از سعید بن ابی هلال: از ابو جعفر امام باقر علیه السلام شنیدم که این آیه را تلاوت کرد: «و خداوند، به سرای سلامت، فرا می خواند و هر که را بخواهد، به راه راست، هدایت می کند».

سپس فرمود: «جابر بن عبد الله برایم نقل کرد که: روزی پیامبر خدا بیرون آمد و فرمود: خواب دیدم که جبرئیل، بالای سر من و میکائیل، پایین پای من است و یکی از آن دو به دیگری می گوید: برایش مثالی بزن.

او گفت: بشنو. گوشت شنوا باد! و در یاب، دلت در یابنده باد! حکایت تو و امتت، همچون حکایت پادشاهی است که سرایی را بگیرد و در آن سرا، اتاقی بسازد و در آن اتاق، خوانی بگسترد. سپس فرستاده ای بفرستد تا مردمان را به خوراکیشان فراخواند. پس شماری از ایشان، دعوت فرستاده را می پذیرند و شماری نمی پذیرند. خداوند، همان پادشاه است و آن سرا، اسلام است و آن خانه، بهشت و تو ای محمد، آن فرستاده ای. هر که دعوت تو را پاسخ دهد، به اسلام در می آید، و هر که به اسلام در آید، به بهشت می رود، و هر که به بهشت رود، از [خوان] آن می خورد». ۶۴۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون روز رستاخیز شود، خداوند، آفریدگان را گرد می آورد و بانگ دهنده ای ندا می دهد که: بخشایشگران، برخیزند!

پس، گروهی از مردم، بر می خیزند و فرشتگان، به پیشوازشان می روند و آنان را به بهشت، مژده می دهند و می گویند: این بخشایشگری شما چه بوده که به سبب آن، پیش از حسابرسی، به بهشت می روید؟

آنها می گویند: ما چنان بودیم که از هر که بر ما ستم می کرد، گذشت می کردیم و به هر که از ما می بُرید، می پیوستیم و با هر که به ما نادانی روا می داشت [و گستاخی می نمود]، بردباری می ورزیدیم.

پس، بدیشان گفته می شود: به بهشت در آید، که چه نیکوست مزد عمل کنندگان!

سپس، ندا دهنده ای ندا می دهد که: اهل شکیبایی، برخیزند! پس، گروهی از مردم، بر می خیزند و فرشتگان، به پیشوازشان می روند و آنان را به بهشت، مژده می دهند و می گویند: این شکیبایی شما، چه بوده که به سبب آن، پیش از حسابرسی، به بهشت می روید؟

آنها می گویند: خویشان را بر طاعت خدا به شکیب وامی داشتیم و در ترک معاصی خدا، شکیبایی می ورزیدیم.

پس بدیشان گفته می شود: به بهشت در آید، که چه نیکوست مزد عمل کنندگان!

سپس، ندا دهنده ای ندا می دهد که: همسایگان خدا در سرای سلامت برخیزند! پس، گروهی از مردم بر می خیزند و فرشتگان، به پیشوازشان می روند و آنها را به بهشت، مژده می دهند و می گویند: این امتیاز شما، چه بوده که به سبب آن، در سرای سلامت، همسایه خدا گشته اید؟

آنها می گویند : ما برای خدا یکدیگر را دوست می داشتیم و برای خدا به دیدار یکدیگر می رفتیم و برای خدا با یکدیگر رابطه داشتیم و برای خدا به یکدیگر بخشش می نمودیم .

پس ، بدیشان گفته می شود : به بهشت در آید که شما ، همسایگان خدا در سرای سلامت هستید ! .

٦٤٩٤. الترغيب والترهيب عن أنس عن رسول الله صلى الله على علا لإمام على عليه السلام: اِعْمَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ عَلَى أَعْلَامِ بَيْتِهِ ، فَالطَّرِيقُ نَهْجٌ (١) يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ ، وَأَنْتُمْ فِي دَارِ مُسْتَعْتَبٍ (٢)

عَلَى مَهَلٍ وَفَرَاغٍ . (٣) ٦٤٩٥. الإمام على عليه السلام : (مِنْ وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بَعْدَ) الإمام الباقر عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : « وَ اللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ » : إِنَّ السَّلَامَ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، وَ دَارُهُ الَّتِي خَلَقَهَا لِأَوْلِيَائِهِ الْجَنَّةُ . (٤) ٦٤٩٦. قصص الأنبياء عن ابن عباس : الإمام الصادق عليه السلام فِي دُعَاءِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ : اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ ، أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ فَكَأَنَّكَ رَفَعْتَنِي مِنَ النَّارِ ، وَأَنْ تُسَكِّنَنِي دَارَ السَّلَامِ . (٥) ٣ / ٥٥ دارُ الْمُتَّقِينَ الْكِتَابِ « وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لِدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لِنِعْمِ دَارِ الْمُتَّقِينَ * جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ » . (٦)

١- النّهج: الطريق الواضح (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٨٣٩ «نهج»).

٢- دار مُسْتَعْتَبٍ: دار جزاء لا دار عمل، واستعتب: طلب أن يُرضى عنه (النهاية: ج ٣ ص ١٧٥ «عتب»).

٣- نهج البلاغه: الخطبه ٩٤؛ بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٩٠ ح ٥٦.

٤- معاني الأخبار: ص ١٧٧ ح ٢ عن العلاء بن عبد الكريم.

٥- مصباح المتهجد: ص ٣٣٥، الدروع الواقيه: ص ١٥٤، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ١٧٧.

٦- النحل: ٣١ ٣٠.

۳ / ۵ سرای پرهیزگاران

۶۴۹۷. الاحتجاج: امام علی علیه السلام: خدایتان رحمت کند! با توجه به نشانه های آشکار [حق] ، عمل کنید ؛ چرا که این راه (اسلام) ، راه روشنی است که به سرای سلامت می خوانند و شما هم هنوز در سرایی هستید که فرصت و فراغت آن را دارید تا خشنودی پروردگارتان را به دست آورید. ۶۴۹۸. الإمام علی علیه السلام: امام باقر علیه السلام در باره سخن خداوند عز و جل : «و خداوند ، به سرای سلام ، فرا می خواند»: سلام ، خداست و سرای او که آن را برای دوستانش آفریده ، بهشت است. ۶۴۹۹. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام در دعای روز جمعه : بار خدایا! تویی سلام و از توست سلام . از تو می خواهم ای پروردگار صاحب شکوه و ارجمندی که مرا از آتش برهانی و در سرای سلامت ، اسکانم دهی . ۳ / ۵ سرای پرهیزگارانقرآن(و به کسانی که پرهیزگاری کردند ، گفته می شود : «پروردگارتان ، چه فرو فرستاد؟» . می گویند : خوبی . برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند ، [پاداش] نیکویی است و قطعاً سرای آخرت ، بهتر است و چه نیکوست سرای پرهیزگاران ! بهشت های دست نخورده که وارد آنها می شوند . در پای آن بهشت ها ، جویبارها روان اند . در آن جا ، هر چه بخواهند ، برای آنان [فراهم] است . خدا ، این چنین به پرهیزگاران ، پاداش می دهد» .

الحديث ٦٥٠٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام على عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ الْأَشْقِيَاءِ . الْجَنَّةُ دَارُ الْأَتْقِيَاءِ . (١) ٣ / ٦٤ دَارُ الْمُقَامَةِ الْكِتَابِ «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» . (٢)

الحديث ٦٥٠٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام على عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخَشَعَ! ... وَاسْتَظْهَرَ (٣) زَادًا لِيَوْمِ رَحِيلِهِ ، وَوَجْهَ سَبِيلِهِ ، وَحَالَ حَاجَتِهِ ، وَمَوْطِنِ فِاقَتِهِ ، وَقَدَّمَ أَمَامَهُ إِدَارَ مُقَامِهِ . (٤) ٦٥٠٦. الإمام على عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ ، وَالْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ ... حَمْدًا نَعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ ، حَمْدًا نَزَاحِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ ، وَنُضَامٌ (٥) بِهِ أَنْبِيَاءُهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ ، وَمَحَلُّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ . (٦)

١- غرر الحكم : ح ٤٣٧ و ح ٤٣٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣ ح ٦٠٠ و ٦٠١ .

٢- فاطر : ٣٤ ٣٥ .

٣- استظهر : احتاط في الأمر وبالغ في حفظه وإصلاحه (مجمع البحرين : ج ٢ ص ١١٤٩ «ظهر»).

٤- نهج البلاغه : الخطبه ٨٣ ، تحف العقول : ص ٢١٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤٣٨ ح ٤٨ ؛ دستور معالم الحكم : ص ٥٣ وليس فيها صدره .

٥- نضام القوم : إذا انضم بعضهم إلى بعض (لسان العرب : ج ١٢ ص ٣٥٨ «ضمم»).

٦- الصحيفه السجاديّه : ص ٢٠ الدعاء ١ ؛ ينابيع المودّه : ج ٣ ص ٤١٢ .

۳ / ۶ سرای ماندگاری

حدیث ۶۵۰۸. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: دنیا، سرای شوربختان است و بهشت، سرای پرهیزگاران. ۳ / ۶ سرای ماندگاری قرآن «و گفتند: ستایش، خدایی را که اندوه را از ما ببرد، که پروردگار ما، آمرزگاری سپاس گزار است؛ همو که ما را به لطف خویش در سرای ماندگاری، جای داد؛ سرایی که در آن، نه رنجی به ما می رسد و نه درماندگی ای گریبانگیر ما می شود».

حدیث ۶۵۰۸. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: از خدا پروا دارید، همچون پرواداری کسی که [پند را] شنید و به جان خرید... و برای روز کوچیدنش، و راه سفرش، و گاه نیازش، و جای تنگ دستی اش، کوله باری از توشه فراهم آورد و پیشاپیش، برای سرای ماندگاری اش [کردار نیک] فرستاد. ۶۵۰۹. امام علی علیه السلام (در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله) امام زین العابدین علیه السلام: ستایش، خدای را که خویشتن را به ما شناساند و سپاس گزاری اش را به ما الهام فرمود...؛ ستایشی که به سبب آن، از آتش دردناک او برهیم و در پناه کریمانه خدا بیاریمیم؛ ستایشی که به سبب آن، با فرشتگان مقرب او همشین شویم و در سرای ماندگاری جاویدان و جایگاه کرامت پایدار او با پیامبران فرستاده اش، یک جا گرد آییم.

٦٥١٠. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام في الدعاء: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي وَجَمِيعِ إِخْوَانِي بِكَ مُؤْمِنِينَ ، وَعَلَى الْإِسْلَامِ ثَابِتِينَ ... وَلِلْجَنَّةِ طَالِبِينَ ، وَلِلْفِرْدَوْسِ وَارِثِينَ ، وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْإِسْتَبْرَقِ لَابَسِينَ ، وَعَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِينِينَ ، وَبِالْتَّيْجَانِ الْمُكَلَّلَةِ بِالذَّرِّ وَالْيَوَاقِيتِ وَالزَّبْرِجِدِ مُتَوَجِّينِينَ ، وَلِلْوَلَدَانِ الْمُخَلَّدِينَ مُسْتَخْدَمِينَ ، وَبِأَكْوَابِ وَأَبَارِيقِ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ شَارِبِينَ ، وَمِنْ الْحُورِ الْعِينِ مُزَوَّجِينَ ، وَفِي نَعِيمِ الْجَنَّةِ مُقِيمِينَ ، وَفِي دَارِ الْمَقَامَةِ خَالِدِينَ ، لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ (١) . وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ . (٢) ٣ / ٧ دارُ الأمانِ الكتاب «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامِ أَمِينٍ * فِي جَنَّةٍ وَعُيُونٍ ... يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ» . (٣)

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّةٍ وَعُيُونٍ * ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ * وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ * لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ» . (٤)

الحديث ٦٥١٢. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام: كُونُوا مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ تَعْرِفُوا بِهِ وَتَتَعَارَفُوا عَلَيْهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ ... وَجَعَلَ ثَوَابَ أَهْلِ طَاعَتِهِ النَّضْرَةَ (٥)

فِي وَجْهِهِ ، فِي دَارِ الْأَمْنِ وَالْخُلْدِ الَّذِي لَا يَزُولُ (٦) أَهْلُهُ . (٧) .

- ١- النَّصَبُ : التَّعَبُّ (النهاية : ج ٥ ص ٦٢ «نصب»).
- ٢- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٢٣ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .
- ٣- الدخان : ٥١ و ٥٢ و ٥٥ .
- ٤- الحجر : ٤٥ ٤٨ .
- ٥- نَضْرُهُ وَنَضْرُهُ : من النضاره؛ وهي حُسن الوجه والبريق (النهاية : ج ٥ ص ٧١ «نضر»).
- ٦- في المصدر: «يورع» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- ٧- كتاب سليم بن قيس : ج ٢ ص ٧١٦ ح ١٧ ، بحار الأنوار : ج ٣٤ ص ٢٦٣ ح ١٠٠٦ .

۳ / ۷ سرای امتیت

۶۵۱۳. امام علی علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام در دعا: بار خدایا! بر محمد و دودمان محمد، درود فرست و مرا و همه برادرانم را باورمند به خودت، قرار ده، و پا بر جا در اسلام... و جویای بهشت، و وارث فردوس؛ آنان که جامه های پرنیان نازک و دیبای سبّبر می پوشند و بر تخت ها [ی بهشتی] تکیه می زنند، و تاج های مروارید و یاقوت و زبرجد بر سر دارند، و پسرکان جاویدان، خدمتشان می کنند، و با جام ها و ابریق ها و پیاله ای از باده ناب می نوشند، و با سیه چشمان، ازدواج می کنند، و در ناز و نعمت بهشت، ماندگارند، و در سرای ماندگاری جاویدان اند، و در آن جا هیچ خستگی ای بدیشان نمی رسد، و هرگز از آن جا بیرون برده نمی شوند. ۳ / ۷ سرای امتیتقرآن «به راستی، پرهیزگاران، در جایگاهی امن و آسوده اند. در بوستان ها و کنار چشمه سارها... در آن جا هر میوه ای را [که بخواهند]، آسوده خاطر می طلبند».

«به راستی که پرهیزگاران، در بوستان ها و کنار چشمه سارهایند. به آنها در آید، با سلامت و امتیت. و آنچه از کینه در سینه های آنان است، بر می کنیم. برادرانه، بر تخت هایی، رو به روی یکدیگرند. نه رنجی در آن جا به ایشان می رسد و نه از آن جا بیرون رانده می شوند».

حدیث ۶۵۲۰. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: اهل حق باشید تا بدان شناخته شوید و با آن، یکدیگر را بشناسید؛ زیرا خداوند، آفریدگان را به قدرت خویش بیافرید... و پاداش فرمان بردارانش را خرمی روی آنان قرار داد، در سرای امتیت و جاویدان که ساکنان آن، هرگز نمی هراسند.

٦٥٢١. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: الجَنَّةُ دارُ الأمانِ . (١) ٦٥٢٢. عنه عليه السلام: ما ضَرَّ إِخْوَانَنَا الَّذِينَ سَفِكَتْ دِمَاؤُهُمْ وَهُمْ بِصِفِّينَ أَنْ لَا يَكُونُوا الْيَوْمَ أَحْيَاءَ؟ يُسَيِّغُونَ الْغُصَصَ، وَيَشْرَبُونَ الرَّثِقَ! (٢) قَدْ وَاللَّهِ لَقُوا اللَّهَ فَوْفَاهُمْ أُجُورَهُمْ، وَأَحَلَّهُمْ دَارَ الْأَمْنِ بَعْدَ خَوْفِهِمْ . (٣) ٦٥٢٣. الإمام على عليه السلام: إذا آمَنْتَ بِاللَّهِ وَاتَّقَيْتَ مَحَارِمَهُ أَحَلَّكَ دَارَ الْأَمَانِ، وَإِذَا أَرْضَيْتَهُ تَغَمَّدَكَ بِالرِّضْوَانِ . (٤) ٦٥١٥. امام على عليه السلام: «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا» (٥) قَدْ أَمِنَ الْعِقَابُ، وَانْقَطَعَ الْعِتَابُ، وَزُحِرَ حُجُوعَ النَّارِ، وَاطْمَأَنَّتْ بِهِمُ الدَّارُ، وَرَضُوا الْمَثْوَى وَالْقَرَارَ . (٦) ٦٥١٦. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام إِنَّ النَّاسَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ عِزًّا وَجَلًّا عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ: فَطَبَقَهُ يَعْبُدُونَهُ رَغْبَةً فِي ثَوَابِهِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْحَرَصَاءِ؛ وَهُوَ الطَّمْعُ، وَآخَرُونَ يَعْبُدُونَهُ خَوْفًا مِنَ النَّارِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ؛ وَهِيَ رَهْبَةٌ، وَلَكِنِّي أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ عِزًّا وَجَلًّا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ؛ وَهُوَ الْأَمْنُ، لِقَوْلِهِ عِزُّ وَجَلُّ: «وَهُمْ مِمَّنْ فَرَعَ يَوْمَئِذٍ أَمْنُونَ» (٧)، «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (٨)، فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ عِزًّا وَجَلًّا أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا كَانَتْ مِنَ الْآمِنِينَ . (٩) .

١- غرر الحكم: ح ٣٩٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨ ح ١٩.

٢- الرثيق: الكدير (لسان العرب: ج ١٠ ص ١٢٧ «رثيق»).

٣- نهج البلاغه: الخطبه ١٨٢، بحار الأنوار: ج ٣٤ ص ١٢٧ ح ٩٥٣.

٤- غرر الحكم: ح ٤١٤٦.

٥- الزمر: ٧٣.

٦- عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٠٧ ح ٩٢٩٤.

٧- النمل: ٨٩.

٨- آل عمران: ٣١.

٩- علل الشرائع: ص ١٢ ح ٨، الخصال: ص ١٨٨ ح ٢٥٩، الأمالي للصدوق: ص ٩١ ح ٦٥ كلها عن يونس بن ظبيان، روضه

الواعظين: ص ٤٥٦، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١٨ ح ٩.

۶۵۱۷. مصباح الشریعه (در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است) امام علی علیه السلام : بهشت ، سرای امتیت است. ۶۵۱۸. امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : برادران ما را که خون هایشان در صفین ریخته شد ، چه گزند که امروز ، زنده نباشند ، که غصّه بخورند و آب های تیره بنوشند ؟ ! به خدا سوگند که آنان ، به دیدار خدا شتافتند و خداوند ، مزدشان را کامل عطایشان فرمود و آنان را که [در این دنیا] بیم داشتند ، در سرای امتیت جای داد . ۶۵۱۹. امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : اگر به خدا ایمان آوری و از حرام هایش پرهیز کنی ، تو را در سرای امتیت جای می دهد ، و اگر او را خشنود گردانی ، تو را غرق در خشنودی می گرداند . ۶۵۲۰. امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : « و کسانی که از پروردگار خویش پروا کردند ، گروه گروه ، به سوی بهشت برده می شوند » ، در حالی که از کیفر ، در امان اند و سرزنش نمی شوند و از آتش ، دور داشته می شوند و در سرا [ی جاویدان] آرام می گیرند و از جایگاه و آرامگاه [همیشگی خود] ، خشنودند . ۶۵۲۱. امام علی علیه السلام : امام صادق علیه السلام : مردم ، خداوند عز و جل را بر سه گونه می پرستند : گروهی ، او را برای پاداشش می پرستند که این ، پرستش آزمندان است و آزمندی است . گروهی دیگر ، او را از بیم آتش می پرستند که این ، پرستش بندگان است و ترسیدن است ؛ لیکن من ، او را از سرِ عشق به او می پرستم که این ، پرستش جوان مردان است و امتیت است ؛ چرا که او عز و جل می فرماید : « و آنان در آن روز ، از ترس در امان اند » . « بگو : اگر خدا را دوست می دارید ، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد » . پس ، هر که خدای عز و جل را دوست بدارد ، خدا نیز او را دوست می دارد و هر که خدای عز و جل دوستش بدارد ، از آسوده خاطران خواهد بود . .

٣ / ٨ دارُ الكرامه الكتاب «إِنْ تَجْتَبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ تُكْفَرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلُكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا». (١)

«أَوْلَايَكَ فِي جَنَّةٍ مُكْرَمُونَ». (٢)

الحديث ٦٥٢٨. عنه عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: اعلموا أنّه من يتق الله يجعل له مخرجا من الفتن ونورا من الظلم ، ويخلده فيما اشتته نفسه ، ويُنزله منزل الكرامه عنده ، في دار اصطنعها لنفسه ؛ ظلها عرشه ، ونورها بهجته ، وزوارها ملائكته ، ورُفقاؤها رُسُلُه ... (٣) ٦٥٢٩. عنه عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام في مناجاه له : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، واجعلنا من الذين ... ظفروا بحبل النجاه ، وعروه السلامه ، والمقام في دار الكرامه . (٤) ٦٥٣٠. الإمام عليّ عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ : ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي ، وَاَنْجُوا مِنَ النَّارِ بِعَفْوِي ، وَتَقَسَّمُوا الْجَنَّةَ بِأَعْمَالِكُمْ ، فَوَعَزَّتِي لِأَنْزَلْتَكُمْ دَارَ الْخُلُودِ وَدَارَ الْكَرَامَةِ . (٥)

١- النساء : ٣١.

٢- المعارج : ٣٥.

٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٨٣ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٦٣ ح ١٠٥.

٤- بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٢٦ ح ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

٥- الاختصاص : ص ٣٥٦ عن جابر بن يزيد الجعفي ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٢١٨ ح ٢٠٧.

۳ / ۸ سرای کرامت

۳ / ۸ سرای کرامتقرآن «اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی شده اید ، دوری گزینید ، بدی های شما را از شما می زداییم و شما را در جایگاهی ارجمند ، در می آوریم».

«آنان اند که در بهشت هایی ، گرامی خواهند بود».

حدیث ۶۵۳۰. امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : بدانید که هر کس از خدا پروا بدارد ، خداوند برای او ، راه برون رفتی از فتنه ها و روشنایی در تاریکی ها قرار می دهد و او را در جایی که خواست اوست ، جاویدان می گرداند و او را در جایگاهی گرامی به نزد خویش جای می دهد ؛ در سرایی که آن را برای خویش برگزیده ، و سایه آن ، عرش اوست ، و روشنایی اش شادمانی او ، و دیدار کنندگانش فرشتگان او ، و رفیقانش پیامبران او ... ۶۵۳۱. عنه علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام در یکی از مناجاتهایش : بار خدایا ! بر محمد و دودمان محمد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که ... به ریسمان نجات ، و دستگیره سلامت ، و اقامت در سرای کرامت (گرامیداشت) ، دست یافتند. ۶۵۳۲. مصباح الشریعه (فیما نَسَبَهُ إِلَى الْإِمَامِ الصِّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ) امام باقر علیه السلام : پروردگارِ بزرگ و والا می فرماید : «با رحمت من ، به بهشت در آید و با گذشت من ، از آتش برهید و با اعمالتان ، بهشت را قسمت کنید ، که به عزتم سوگند ، قطعاً شما را در سرای جاودانگی و سرای کرامت (گرامیداشت) ، جای خواهم داد .

٦٥٣٣. الإمام الصادق عليه السلام (لِمُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ) الإمام الصادق عليه السلام فِي الدُّعَاءِ بَعْدَ صِيَاغَةِ الظُّهْرِ: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الظَّفَرَ وَالسَّلَامَةَ ، وَالْحُلُوْلَ بِدَارِ الْكِرَامَةِ . (١).

١- .مصباح المتهدّد: ص ٦٥ ح ١٠١ ، المصباح للكفعمي: ص ٤٦ ، فلاح السائل: ص ٣٢١ ح ٢١٥ كلّها عن معاوية بن عمّار ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٧١ ح ٥ .

۶۵۳۴.الإمام علیّ علیه السلام: امام صادق علیه السلام در دعای بعد از نماز ظهر: بار خدایا! پیروزی و سلامت و اقامت در سرای کرامت (گرامیداشت) را از تو درخواست می کنم..

الفصل الرابع : مواصفات الجنّة ٤ / ١ سَعُهُ الْجَنَّةِ الْكِتَابُ «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكُمْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» . (١)

«وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» . (٢)

«وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» . (٣)

الحديث ٦٥٣٦. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: قُومُوا إِلَىٰ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ . (٤) .

١- الحديد : ٢١ .

٢- آل عمران : ١٣٣ .

٣- الإنسان : ٢٠ .

٤- صحيح مسلم : ج ٣ ص ١٥١٠ ح ١٩٠١ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٢٧٥ ح ١٢٤٠١ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٣ ص ٤٨١ ح ٥٧٩٨ ، السنن الكبرى : ج ٩ ص ٧٥ ح ١٧٩١٥ ، دلائل النبوة للبيهقي : ج ٣ ص ٦٩ كلّها عن أنس .

فصل چهارم: ویژگی های بهشت

۴ / ۱ گستردگی بهشت

فصل چهارم: ویژگی های بهشت ۴ / ۱ گستردگی بهشتقرآن «بر یکدیگر، پیشی بجوید به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنایش، چون پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده است که به خدا و پیامبرانش، ایمان آورده اند. این، فضل خداست. به هر کس که بخواهد، آن را می دهد و خداوند، صاحب فضل بزرگ است».

«بشتابید به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنایش، آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران، آماده شده است».

«و چون بدان جا بنگری، [سرزمینی از] نعمت و پادشاهی بزرگ می بینی».

حدیث ۶۵۳۹. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیش به سوی بهشتی که پهنه اش آسمان ها و زمین است.

٦٥٤٠. مصباح الشريعة (در آنچه به امام صادق عليه السلام نسبت داده است) عنه صلى الله عليه وآله : إذا أدخل المؤمن إلى منازل في الجنة ووضِع على رأسه تاج الملك والكرامه ، ألبس حُلل الذهب والفضه والياقوت والدر المنظوم في الإكليل تحت التاج ، قال : وألبس سبعين حله حرير بألوان مختلفه وضروب مختلفه ، منسوجه بالذهب والفضه واللؤلؤ والياقوت الأحمر ، فذلك قوله عز وجل : «يحلون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير» (١) فإذا جلس المؤمن على سريريه اهتز سريره فرحا ، فإذا استقر لولي الله جل وعز منازل في الجنان استأذن عليه الملك الموكل بجنانه ليهنئه بكرامه الله عز وجل إياه ، فيقول له خدام المؤمن من الوصفاء والوصائف : مكانك ، فإن ولي الله قد أتاك على أريكته وزوجته الحوراء تهيا له فاصبر لولي الله .

قال : فتخرج عليه زوجته الحوراء من حيمه لها تمشيتى مقبله وحولها وصائفها ، وعليها سبعون حله منسوجه بالياقوت واللؤلؤ والزبرجد وهى من مسك وعبر ، وعلى رأسها تاج الكرامه ، وعليها نعلان من ذهب مكللتان بالياقوت واللؤلؤ شراكهما (٢) ياقوت أحمر ، فإذا دنت من ولي الله فهم أن يقوم إليها شوقا ، فتقول له : يا ولي الله ليس هذا يوم تعب ولا نصب فلا تقم أنا لك وأنت لى ، قال : فيعتقان مقدار خمسمائه عام من أعوام الدنيا لا يملها ولا تملة .

قال : فإذا فتر بعض الفتور من غير ملاله ، نظر إلى عبقها فإذا عليها قلائد من قصب من ياقوت أحمر وسطها لوح صفتحته ذرة مكتوب فيها : أنت يا ولي الله حبيبي وأنا الحوراء حبيبتك ، إليك تنهت نفسي وإلى تنهت نفسك .

ثم يبعث الله إلى ألف ملك يهنئونه بالجنه ويزوجونه بالحوراء ، قال : فينتهون إلى أول باب من جنانه ، فيقولون للملك الموكل بأبواب جنانه : استأذن لنا على ولي الله فإن الله بعنا إليه نهنئه ، فيقول لهم الملك : حتى أقول للحاجب فيعلمه بمكانكم ، قال : فيدخل الملك إلى الحاجب ويبيئه وبين الحاجب ثلاث جنان ، حتى ينتهى إلى أول باب ، فيقول للحاجب : إن على باب العرصه ألف ملك أرسلهم رب العالمين تبارك وتعالى ليهنئوا ولي الله قد سألوني أن آذن لهم عليه .

فيقول الحاجب : إنه ليعظم على أن استأذن لأحد على ولي الله وهو مع زوجته الحوراء . قال : وبين الحاجب وبين ولي الله جنتان ، قال : فيدخل الحاجب إلى القيم فيقول له : إن على باب العرصه (٣) ألف ملك أرسلهم رب العزه يهنئون ولي الله فاستأذن لهم ؛ فيتقدم القيم إلى الخدام فيقول لهم : إن رسل الجبار على باب العرصه وهم ألف ملك أرسلهم الله يهنئون ولي الله فأعلموه بمكانهم ، قال : فيعلمونه فيؤذن للملائكه فيدخلون على ولي الله وهو فى العرفه ولها ألف باب ، وعلى كل باب من أبوابها ملك موكل به ، فإذا أذن للملائكه بالدخول على ولي الله فتج كل ملك باب الموكل به قال : فيدخل القيم كل ملك من باب من أبواب العرفه ، قال : فيبلغونه رساله الجبار جل وعز ، وذلك قول الله تعالى : «والملائكه يدخلون عليهم من كل باب» من أبواب العرفه «سلم عليكم» (٤) إلى آخر الآيه .

قال : وذلك قوله جل وعز : «وإذا رأيت ثم رأيت نعيما وملكا كبيرا» (٥) يعنى بذلك ولي الله وما هو فيه من الكرامه والتعيم والمملك العظيم الكبير ، إن الملائكه من رسل الله عز ذكره يستأذنون [فى الدخول] عليه فلا يدخلون عليه إلا بإذنه ، فذلك الملك العظيم الكبير . (٦) .

- ١- الحَجِّ : ٢٣ .
- ٢- الشُّرَاكُ : أحد سُيُور النَّعْلِ التي تكون على وجهها (النهاية : ج ٢ ص ٤٦٧ «شرك»).
- ٣- عَرَصَه : كلّ موضع واسع لا بناء فيه (النهاية: ج ٣ ص ٢٠٨ «عرص»).
- ٤- الرعد : ٢٣ ٢٤ .
- ٥- الإنسان : ٢٠ .
- ٦- الكافي : ج ٨ ص ٩٧ ح ٦٩ ، تفسير القمّي : ج ٢ ص ٢٤٧ ، تأويل الآيات الظاهرة : ج ٢ ص ٧٤٤ ح ٣ كلّها عن محمّد بن إسحاق المدني عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٢٨ ح ٢٩ .

۶۵۴۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن گاه که مؤمن را به جایگاه هایش در بهشت در می آورند و تاج شاهی و بزرگی بر سرش می گذارند، جامه هایی از زر و سیم و یاقوت، بر او می پوشانند و پایه تاجش به رشته های دُر و گوهر، مزین است. نیز هفتاد جامه پرنیان، با رنگ های گوناگون و انواع مختلف که به زر و سیم و مروارید و یاقوت سرخ، بافته شده اند، بر تن او می کنند. این، همان سخن خدای عز و جل است که: «در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید، آراسته می شوند و لباس هایشان در آن جا، از پرنیان است».

و چون مؤمن بر تخت خویش بنشیند، تختش از شادمانی می لرزد، و چون ولیّ خداوند عز و جل در جایگاه های خود در بهشت ها، استقرار یابد، فرشته گماشته بر بهشت هایش، اجازه ورود می خواهد تا این کرامتی را که خدای عز و جل به او بخشیده است، به وی تبریک گوید؛ اما خدمت گزاران مؤمن، از غلامان و کنیزان، به او می گویند: بمان؛ چرا که ولیّ خدا، بر تخت خویش، تکیه زده و همسر حوری او، در حال آماده ساختن خویش برای اوست. منتظر ولیّ خدا بمان.

پس، همسر حوری او، از خرگاهش به سوی وی بیرون می آید، در حالی که کنیزان خدمتکارش، گرداگرد وی را گرفته اند و لباسی بافته از یاقوت و مروارید و زبرجد و مُشک و عنبر، بر تن دارد و تاج کرامت، بر سر اوست و کفش هایش از طلا و مزین به یاقوت و مروارید است و بندهای آنها از یاقوت سرخ. نزدیک ولیّ خدا که می رسد، او از شوق می خواهد برایش بلند شود؛ ولی حوری می گوید: ای ولیّ خدا! امروز، دیگر روز رنج و زحمت نیست. پس بر مخیز. من، از آن تو هستم و تو، از آن منی. آن گاه، به اندازه پانصد سال از سال های دنیا، یکدیگر را در آغوش می کشند، بی آن که از یکدیگر سیر و خسته شوند.

پس از آن که اندکی سست شد، آن هم نه از سر سیری و خستگی، نگاهش به گردن حوری می افتد. گردنبندهایی بر گردن او از یاقوت سرخ می بیند که در وسط آن، لوحی است و صفحه آن لوح، درّی است و بر آن، نوشته شده است: تو ای ولیّ خدا معشوق منی و من حوری، معشوق تو ام، و من و تو به هم رسیدیم.

سپس، خداوند به هزار فرشته، پیغام می دهد که بهشت را به او تهنیت بگویند و آن حوری را به ازدواج او در آورند. آن فرشتگان، به نخستین در از بهشت های او می رسند و به فرشته گماشته بر درهای بهشت هایش می گویند: از ولیّ خدا، برای ما اجازه ورود بخواه؛ زیرا خداوند، ما را نزد او فرستاده است تا به وی، شادباش بگوییم.

فرشته به آنان می گوید: باید به دربان بگویم تا آمدن شما را به اطلاع او برساند.

پس، آن فرشته به نزد دربان که از او تا دربان، سه بهشت فاصله است، می رود. چون به نخستین در رسید، به دربان می گوید: بر درگاه، هزار فرشته اند که پروردگار بزرگ و بلندمرتبه جهانیان، آنان را برای شادباش گویی به ولیّ خدا، فرستاده است. از من خواسته اند که برایشان، اجازه ورود بخواهم.

دربان می گوید: مرا یارای آن نیست که وقتی ولیّ خدا با همسر حوری خویش است، از او برای کسی اجازه ورود بطلبم.

میان دربان تا ولیّ خدا، دو بهشت، فاصله است. پس، دربان به نزد پیشکار می رود و می گوید: به درگاه، هزار فرشته اند که پروردگار عزّت، آنان را برای شادباش گویی به ولیّ خدا، فرستاده است. برای ایشان، اجازه ورود بخواه.

پیشکار، به نزد خدمتکاران می رود و می گوید: فرستادگان [خدای] جبار، بر درگاه اند. آنان، هزار فرشته اند که خداوند، آنان را برای شادباش گویی به ولیّ خدا، فرستاده است. آمدنشان را به اطلاع او برسانید.

آنان به اطلاع او می رسانند. در این هنگام، به فرشتگان، اجازه ورود داده می شود و آنها بر ولیّ خدا که در بالاخانه است و هزار در دارد و بر هر دری از درهایش فرشته ای گماشته شده است، وارد می شوند. چون اجازه ورود بر ولیّ خدا به فرشتگان داده می شود، هر فرشته ای، دری را که بر آن گماشته شده است، می گشاید و پیشکار، هر فرشته ای را از دری از درهای بالاخانه، داخل می کند و آن فرشتگان، پیام [خدای] جبار عز و جل را به او، ابلاغ می کنند. این، همان سخن خدای بلندمرتبه است که: «و فرشتگان، بر آنان، وارد می شوند از هر دری» از درهای بالاخانه [و می گویند: «درود بر شما!» تا آخر آیه.

و نیز این سخن خدای عز و جل است که: «و چون بدان جا بنگری، [سرزمینی از] نعمت و پادشاهی بزرگ می بینی». مقصود، ولیّ خدا و احترام و نعمت و پادشاهی بزرگ و شکوهمندی است که او از آن برخوردار است. فرشتگان فرستاده خدای بزرگ، از او اجازه ورود می طلبند و تا اجازه ندهد، بر او وارد نمی شوند. این است آن پادشاهی بزرگ و شکوهمند..

٦٥٤٢. إمام علي عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَهُ الَّذِي يَرَكُبُ فِي أَلْفِ أَلْفٍ مِنْ خَدَمِهِ مِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ ، عَلَى خَيْلٍ مِنْ يَأْقُوتٍ أَحْمَرَ لَهَا أَجْنَحُهُ مِنْ ذَهَبٍ «وَ إِذَا رَأَيْتَ نَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا» . (١) ٦٥٤٣. إمام باقر عليه السلام: الدرّ المشثور عن عكرمه: دَخَلَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ هُوَ رَاقِدٌ عَلَى حَصِيرٍ مِنْ جَرِيدٍ قَدْ أَثَّرَ فِي جَنْبِهِ ، فَبَكَى عُمَرُ ، فَقَالَ : مَا يُبْكِيكَ؟ فَقَالَ : ذَكَرْتُ كِسْرَى وَ مُلْكَهُ ، وَ قَيْصَرَ وَ مُلْكَهُ ، وَ صَاحِبَ الْحَبَشَةِ وَ مُلْكَهُ ، وَ أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى حَصِيرٍ مِنْ جَرِيدٍ .

فَقَالَ : أَمَا تَرْضَى أَنْ لَهُمُ الدُّنْيَا وَ لَنَا الْآخِرَةُ ؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ : «وَ إِذَا رَأَيْتَ نَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا» . (٢) ٦٥٤٤. الإمام علي عليه السلام: المستدرک علی الصّیّحیحین عن أبی هريره: جاء رجُلٌ إلى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، أَرَأَيْتَ جَنَّةَ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ ، فَأَيُّ النَّارِ؟ قَالَ : أَرَأَيْتَ اللَّيْلَ الَّذِي قَدْ أَلْبَسَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَيُّ جُعِلَ النَّهَارُ؟ قَالَ: اللَّهُ أَعْلَمُ ، قَالَ : كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ . (٣) ٦٥٤٥. الإمام علي عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: قَدِمَ أَسْقُفُ نَجْرَانَ عَلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنَّ أَرْضَنَا بَارِدَةٌ سَدِيدَةٌ (٤) الْمُؤُونَةُ لَا تَحْمِلُ الْجِيْشَ ، وَأَنَا ضَامِنٌ لِخَرَاكِ أَرْضِي أَحْمِلُهُ إِلَيْكَ فِي كُلِّ عَامٍ كَمَلًا ، فَكَانَ يَقْدُمُ هُوَ بِالْمَالِ بِنَفْسِهِ ، وَ مَعَهُ أَعْوَانٌ لَهُ حَتَّى يُوفِيَهُ بَيْتَ الْمَالِ ، وَ يَكْتَبُ لَهُ عَمْرُ الْبِرَاءَةَ .

قَالَ : فَقَدِمَ الْأَسْقُفُ ذَاتَ عَامٍ ، وَ كَانَ شَيْخًا جَمِيلًا فَدَعَاهُ عُمَرُ إِلَى اللَّهِ ، وَ إِلَى دِينِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله ، وَ أَنْشَأَ يَذْكُرُ فَضْلَ الْإِسْلَامِ وَ مَا يَصِيرُ إِلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ مِنَ النَّعِيمِ وَ الْكَرَامَةِ .

فَقَالَ لَهُ الْأَسْقُفُ : يَا عُمَرُ ، أَنْتُمْ تَقْرَأُونَ فِي كِتَابِكُمْ أَنَّ لِلَّهِ جَنَّةَ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ، فَأَيُّ تَكُونُ النَّارُ؟ قَالَ : فَسَكَتَ عُمَرُ ، وَ نَكَّسَ رَأْسَهُ ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَ كَانَ حَاضِرًا : أَجِبْ هَذَا النَّصْرَانِيَّ ، فَقَالَ لَهُ عُمَرُ : بَلْ أَجِبُهُ أَنْتَ .

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ : يَا أَسْقُفُ نَجْرَانَ أَنَا أُجِيبُكَ ، أَرَأَيْتَ إِذَا جَاءَ النَّهَارُ أَيُّ يَكُونُ اللَّيْلُ ، وَ إِذَا جَاءَ اللَّيْلُ أَيُّ يَكُونُ النَّهَارُ؟

فَقَالَ الْأَسْقُفُ : مَا كُنْتُ أَرَى أَنَّ أَحَدًا يُجِيبُنِي عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ . (٥) .

- ١- الدرّ المشثور: ج ٨ ص ٣٧٦ نقلًا عن ابن وهب عن الحسن البصري .
- ٢- الدرّ المشثور: ج ٨ ص ٣٧٧ نقلًا عن عبد بن حميد وابن المنذر وراجع: الطبقات الكبرى: ج ١ ص ٤٦٦ .
- ٣- المستدرک علی الصّحیحین: ج ١ ص ٩٢ ح ١٠٣، صحیح ابن حبان: ج ١ ص ٣٠٦ ح ١٠٣، مسند إسحاق بن راهويه: ج ١ ص ٣٩٩ ح ٤٣٧، تفسير ابن كثير: ج ٢ ص ٩٩ كلّها نحوه، كنز العمال: ج ١٠ ص ٣٧٣ ح ٢٩٨٦١ .
- ٤- يسدّد: أى يقتصد فلا يغلو ولا يسرف (النهاية: ج ٢ ص ٣٥٢ «سدّد»).
- ٥- خصائص الأئمة: ص ٩٠، الفضائل: ص ١٢٦ عن أنس نحوه، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ٥٨ ح ٣ .

۶۵۴۶. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو ن پایه ترین فرد اهل بهشت، هنگامی که می رود، بر اسبی از یاقوت سرخ که بال هایی از طلا دارد، می نشیند و هزار هزار خدمتکار، از پسرکان جاویدان، او را همراهی می کنند «و چون بدان جا بنگری، [سرزمینی از] نعمت و پادشاهی بزرگ می بینی». ۶۵۴۷. الإمام الرضا علیه السلام: الدَّرّ المنثور به نقل از عکرمه: عمر بن خطاب، بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد شد. دید که ایشان، بر بوریایی از برگ درخت خرما، آرمیده و بوريا بر پهلویش ایشان، رد انداخته است. عمر، گریه اش گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا گریه می کنی؟».

عمر گفت: به یاد کسرا و قیصر و پادشاه حبشه و سلطنت آنها افتادم، در حالی که تو، پیامبر خدا هستی و بر بوریایی از برگ درخت خرما، آرمیده ای!

فرمود: «آیا نمی پسندی که برای ایشان، دنیا باشد و برای ما، آخرت؟».

پس خداوند، این آیه را فرو فرستاد: «و چون بدان جا بنگری، [سرزمینی از] نعمت و پادشاهی بزرگ می بینی». ۶۵۴۸. الإمام علی علیه السلام: المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هریره: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد! اگر بهشت، پهنایش آسمان ها و زمین است، پس دوزخ کجاست؟

فرمود: «وقتی شب، همه جا را فرو می پوشاند، روز در کجا قرار داده می شود؟».

مرد گفت: خداوند، داناتر است.

فرمود: «این چنین، خداوند، آنچه را بخواهد، انجام می دهد». ۶۵۴۹. عنه عليه السلام: امام باقر علیه السلام: أسقف نجران، به نزد عمر بن خطاب آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! سرزمین ما، سردسیر و پُر رنج و مشقت است و سپاهیان، در آن جا تاب نمی آورند و من، خود، خراج سرزمینم را ضمانت می کنم و هر ساله، آن را به طور کامل، برایت می آورم.

[از آن پس،] او خود، شخصا به همراه یارانش خراج را می آورد و تحویل بیت المال می داد و عمر، به او رسید می داد.

یک سال اسقف که پیرمردی زیبا بود، آمد. عمر، او را به خدا و دین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرا خواند و از امتیازهای اسلام و نعمت و کرامتی که [در آخرت] در انتظار مسلمانان است، برایش گفت.

اسقف به او گفت: ای عمر! شما در کتابتان می خوانید که خداوند، بهشتی دارد که پهنایش، همچون پهنای آسمان و زمین است. پس دوزخ، کجا جای دارد؟

عمر، خاموش ماند و سرش را پایین انداخت. امیر مؤمنان [علی] علیه السلام که در آن جا حاضر بود، فرمود: «پاسخ این نصرانی را بده».

عمر گفت : تو ، پاسخ او را بده.

امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود : «ای اسقف نجران ! من پاسخت را می دهم . به من بگو که هر گاه روز در می آید ، شب کجاست ؟ و چون شب می شود ، روز کجاست ؟» .

اسقف گفت : فکر نمی کردم که کسی پاسخ این سؤال مرا بدهد..

٦٥٥٠.الإمام علي عليه السلام: المناقب لابن شهر آشوب عن السدي: كُنْتُ عِنْدَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ إِذْ أَقْبَلَ كَعْبُ بْنُ الْأَشْرَفِ وَمَالِكُ بْنُ الصَّيْفِيِّ وَحُثِيُّ بْنُ أَخْطَبَ ، فَقَالُوا : إِنَّ فِي كِتَابِكُمْ : « وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ » إِذَا كَانَ سَعَهُ جَنَّةٍ وَاحِدَةٍ كَسَبِعِ سَمَاوَاتٍ وَسَبْعِ أَرْضِينَ ، فَالْجَنَانُ كُلُّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيْنَ تَكُونُ؟ فَقَالَ عُمَرُ : لَا أَعْلَمُ .

فَبَيْنَمَا هُمْ فِي ذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ : فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ؟ فَالْتَفَتَ الْيَهُودِيُّ وَذَكَرَ الْمَسْأَلَةَ ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُمْ : خَبِرُونِي أَنَّ النَّهَارَ إِذَا أَقْبَلَ اللَّيْلُ أَيْنَ يَكُونُ، وَاللَّيْلُ إِذَا أَقْبَلَ النَّهَارُ أَيْنَ يَكُونُ؟

فَقَالَ لَهُ : فِي عِلْمِ اللَّهِ يَكُونُ ، قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَذَلِكَ الْجَنَانُ تَكُونُ فِي عِلْمِ اللَّهِ ، فَجَاءَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَخْبَرَهُ بِذَلِكَ ، فَنَزَلَ : « فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » (١) . (٢) .

١- النحل : ٤٣ .

٢- المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ٣٥٢ ، الصراط المستقيم : ج ٢ ص ١٢ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٤٠ ص ١٧٤ ح ٥٥ .

۶۵۵۱. عنه عليه السلام: المناقب ، ابن شهر آشوب به نقل از سیدي : نزد عمر بن خطاب بودم که کعب بن اشرف و مالک بن صیفی و حی بن أخطب آمدند و گفتند : در کتاب شما آمده است : «و بهشتی که پهنای آن ، آسمان ها و زمین است» . اگر گستره یک بهشت ، به اندازه هفت آسمان و هفت زمین است ، پس تمام بهشت ها ، در روز رستاخیز ، کجایند؟

عمر گفت : نمی دانم.

در این هنگام ، علی علیه السلام وارد شد . فرمود : «شما در باره چه ، سخن می گوید؟» .

مرد یهودی ، رو به امام علیه السلام کرد و سؤال را پرسید . ایشان فرمود : «به من بگویید که چون روز در می آید ، شب کجاست؟ و شب که می آید ، روز کجاست؟» .

مرد یهودی گفت : این ، در علم خداست .

علی علیه السلام فرمود : «بهشت ها نیز در علم خدایند» .

سپس علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و موضوع را به ایشان گفت . در این هنگام ، این آیه نازل شد : «پس اگر نمی دانید ، از اهل ذکر پرسید» . .

٦٥٤٤.امام على عليه السلام:الإمام على عليه السلام: إن كنتم راغبين لا- محالَه ، فأرغبوا في جَنِّه عَرَضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ .
 (١)٦٥٤٥.امام على عليه السلام: تفسير العياشي عن الإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز و جل : «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ» (٢) : إذا وَضَعُوهَا كَذَا وَبَسَطَ يَدَيْهِ إِحْدَاهُمَا مَعَ الْأُخْرَى . (٣)٦٥٤٦.امام على عليه السلام :
 معانى الأخبار عن عباس بن يزيد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكُنْتُ جَالِسًا عِنْدَهُ ذَاتَ يَوْمٍ : أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ :
 «وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» ما هذا الْمُلْكُ الَّذِي كَبَّرَهُ اللَّهُ حَتَّى سَمَّاهُ كَبِيرًا؟

قال : فَقَالَ لِي : إِذَا أَدْخَلَ اللَّهُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ أَرْسَلَ رَسُولًا إِلَىٰ وَلِيِّ مِّنْ أَوْلِيَائِهِ فَيَجِدُ الْحَبَّهَ عَلَىٰ بَابِهِ ، فَيَقُولُ لَهُ : قِفْ حَتَّى نَسْتَأْذِنَ لَكَ ، فَمَا يَصِلُ إِلَيْهِ رَسُولُ رَبِّهِ إِلَّا بِإِذْنٍ ، فَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ : «وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» (٤) . (٥) .

١- .غرر الحكم : ح ٣٧٣٦ ؛ عيون الحكم والمواعظ : ص ١٦٣ ح ٣٤٦٩ .

٢- .آل عمران : ١٣٣ .

٣- .تفسير العياشي : ج ١ ص ١٩٨ ح ١٤٢ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٣٩ ح ٥٤ .

٤- .الإنسان : ٢٠ .

٥- .معانى الأخبار : ص ٢١٠ ح ١ ، فضائل الشيعة : ص ٧٧ ح ٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩٧ ح ١٨٨ ، وراجع : التبيان في تفسير القرآن : ج ١٠ ص ٢١٥ و تفسير القمى : ج ٢ ص ٢٤٨ .

۶۵۴۷. امام رضا علیه السلام: امام علی علیه السلام: اگر آرزومند هستید ، که حتما هستید ، بهشتی را آرزو کنید که پهنه آن ، آسمان ها و زمین است. ۶۵۴۸. امام علی علیه السلام: تفسیر العیاشی در باره این سخن خدای عز و جل : «و بشتابید به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن ، آسمان ها و زمین است» : امام صادق علیه السلام فرمود : «آن گاه که آنها را این گونه قرار دهند» و دو دستش را با هم ، پهن کرد . ۶۵۴۹. امام علی علیه السلام: معانی الأخبار به نقل از عباس بن یزید : یک روز که نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم ، به ایشان گفتم : مرا به این سخن خدای عز و جل آگاه کن که : «و چون بدان جا بنگری ، [سرزمینی از] نعمت و پادشاهی بزرگ می بینی» . این پادشاهی ای که خداوند ، آن را وسیع قرار داده ، چندان که آن را بزرگ نامیده است ، چیست؟

امام علیه السلام به من فرمود : «آن گاه که خداوند ، بهشتیان را به بهشت در می آورد ، فرستاده ای به سوی دوستی از دوستانش می فرستد و او بر درگاهش دربانانی می بیند . به او می گویند : بمان ، تا برایت ، اجازه بگیریم . بدین سان ، فرستاده پروردگارش [هم] جز با اجازه وی به حضورش نمی رسد . این است سخن او عز و جل که : «و چون بدان جا بنگری ، نعمت و پادشاهی بزرگ می بینی» . .

٤ / ٢ أرض الجَنَّةِ ٦٥٥٢. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَرْضُ الْجَنَّةِ بَيْضَاءُ ، عَرَصَتْهَا صُخُورُ الْكَافُورِ ، وَقَدْ أَحَاطَ بِهِ الْمِسْكُ مِثْلَ كَسْبِ بَانَ الرَّمِيلِ أَنْهَارًا مُطْرِدَةً ، فَيَجْتَمِعُ فِيهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ أَذْنَاهُمْ وَأَخْرُهُمْ فَيَتَعَارَفُونَ ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ رِيحَ الرَّحْمَةِ فَتَهْبِجُ عَلَيْهِمْ رِيحَ الْمِسْكِ ، فَيَرْجِعُ الرَّجُلُ إِلَى زَوْجَتِهِ وَقَدْ ازْدَادَ حُسْنًا وَطِيْبًا ، فَتَقُولُ لَهُ : لَقَدْ خَرَجْتَ مِنْ عِنْدِي وَأَنَا بِكَ مُعْجِبَةٌ وَأَنَا بِكَ الْآنَ أَشَدُّ إِعْجَابًا . (١) ٦٥٥٣. الإمام الباقر عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَمَرَاغًا (٢) مِنْ مِسْكِ ، مِثْلَ مَرَاغِ دَوَابِّكُمْ فِي الدُّنْيَا . (٣) ٦٥٥٢. امام على عليه السلام: صحيح مسلم عن أبي سعيد: إِنَّ ابْنَ صَيَّادٍ سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ تَرْبِيَةِ الْجَنَّةِ؟ فَقَالَ: دَرَمَكَةُ (٤) بَيْضَاءُ ، مِسْكٌ خَالِصٌ . (٥) ٦٥٥٣. امام باقر عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: أَرْضُ الْجَنَّةِ رُخَامُهَا (٦) فِضَّةٌ ، وَتُرَابُهَا الْوَرْسُ (٧) وَالزَّعْفَرَانُ ، وَكَنْسُهَا الْمِسْكُ ، وَرَضْرَاةُهَا (٨) الدُّرُّ وَالْيَاقُوتُ . (٩) .

- ١- .الترغيب والترهيب: ج ٤ ص ٥١٤ ح ٣٤ ، الدر المنثور: ج ١ ص ٩٢ نقلًا عن ابن أبي الدنيا وكلاهما عن أبي هريره.
- ٢- .مَرَاغٌ : الموضع الذي يُتَمَرَّغُ فيه ، وَالتَمَرَّغُ : التَّقَلُّبُ فِي التُّرَابِ (النهايه: ج ٤ ص ٣٢٠ «مرغ»).
- ٣- .تاريخ أصبهان: ج ١ ص ١٥٢ الرقم ١١٨ عن سهل بن سعد ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٥٥ ح ٣٩٢٤٠.
- ٤- .الدَّرَمَكَةُ : التُّرَابُ الرَّقِيقُ (لسان العرب: ج ١٠ ص ٤٢٣ «درمك»).
- ٥- .صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٢٤٣ ح ٩٣ ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٨٦ ح ١١٣٨٩ ، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٦٧ ح ٣ ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٦٠ ح ٣٩٢٦٤ .
- ٦- .الرُّخَامُ : حَجَرٌ أبيضٌ رِخْوٌ (الصحاح: ج ٥ ص ١٩٣٠ «رخم»).
- ٧- .الْوَرْسُ : نبتٌ أصفرٌ يُصْبَغُ بِهِ (النهايه: ج ٥ ص ١٧٣ «ورس»).
- ٨- .الرَضْرَاةُ : الحصى الصغار (النهايه: ج ٢ ص ٢٢٩ «ررض»).
- ٩- .الاختصاص: ص ٣٥٧ عن جابر ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٢١٨ ح ٢٠٩.

۴ / ۲ زمین بهشت

۴ / ۲ زمین بهشت ۶۵۵۶. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمین بهشت ، سفید است و عرصه اش ، صخره های کافور . مُشک ، به سان تپه های شن ، آن را در میان گرفته است و جویبارهای بسیار در آن ، روان اند . بهشتیان ، از دور و نزدیک ، در آن جا گرد هم می آیند و با یکدیگر ، آشنا می شوند . سپس خداوند ، باد رحمت را می وزاند و بوی مُشک ، در آنان می پیچد .

آن گاه ، مرد در حالی که بسی زیباتر و خوش بوتر گشته است ، به نزد همسر خویش باز می گردد و همسرش به او می گوید : از نزد من که رفتی ، برایم خواستنی بودی و اکنون ، بسی خواستنی تر شده ای. ۶۵۵۷. الإمام الحسین علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت ، بستری از مُشک وجود دارد ، همانند غلگاه سُتوران شما در دنیا. ۶۵۵۸. الإمام الصادق علیه السلام: صحیح مسلم به نقل از ابو سعید : ابن صیّاد ، از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره خاک بهشت پرسید . ایشان فرمود : «خاکی نرم و سفید و مُشکی ناب است» . ۶۵۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام: زمین بهشت ، سنگ های مرمرش ، نقره است و خاکش ، ورس (اسپَرَك) و زعفران است و خاکروبه اش ، مُشک است و سنگ ریزه هایش ، دُر و یاقوت اند .

٣ / ٤ بنايهُ الْجَنَّةِ ٦٥٥٧. امام حسين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله عز وجل أَحَاطَ حَائِطُ الْجَنَّةِ لَبَنَهُ مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنَهُ مِنْ فِضَّةٍ، ثُمَّ شَقَّقَ فِيهَا الْأَنْهَارَ، وَغَرَسَ فِيهَا الْأَشْجَارَ، فَلَمَّا نَظَرَ الْمَلَائِكَةُ إِلَى حُسَيْنِهَا وَزَهْرِهَا قَالَتْ: طُوبَاكَ فِي مَنَازِلِ الْمُلُوكِ . (١) ٦٥٥٨. امام صادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ حَائِطَ الْجَنَّةِ لَبَنَهُ مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنَهُ مِنْ فِضَّةٍ، وَقَاعُ الْجَنَّةِ ذَهَبٌ، وَرُضَاضُهَا (٢) اللَّوْلُؤُ، وَطِينُهَا مِسْكٌ، وَتُرَائِبُهَا الزَّعْفَرَانُ، وَخِلَالُ ذَلِكَ سِدْرٌ مَخْضُودٌ، وَطَلْحٌ مَنْضُودٌ، وَظِلٌّ مَمْدُودٌ، وَمَاءٌ مَسْكُوبٌ . (٣) ٦٥٥٩. الإمام الباقر عليه السلام: الإمام علي عليه السلام لِلْأَحْنَفِ بْنِ قَيْسٍ: لَعَلَّكَ يَا أَحْنَفُ شَغْلَكَ نَظْرُكَ فِي وَجْهِ وَاحِدَةٍ (٤)، تُبْدِي الْأَسْقَامَ بِغَاضِ رَهْ وَجْهَهَا، وَدَارٍ قَدْ أَشْغَلَتْ بِنَفْسِ رَوَاقِهَا (٥)، وَسَيُّورٍ قَدْ عَلَّقَتْهَا، وَالرِّيْحُ وَالْآجَامُ مُوَكَّلَةٌ بِتَمْرِهَا، وَلَيْسَتْ دَارُكَ هَيْدِهِ دَارُ الْبَقَاءِ، فَأَحْمَتَكَ الدَّارُ (٦) الَّتِي خَلَقَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْ لَوْلُؤِهِ بِيضَاءً، فَشَقَّقَ فِيهَا أَنْهَارَهَا، وَغَرَسَ فِيهَا أَشْجَارَهَا، وَأَظْلَلَ عَلَيْهَا بِالنُّضْجِ مِنْ أَثْمَارِهَا، وَكَبَسَهَا بِالْعَوَاتِقِ (٧) مِنْ حُورِهَا، ثُمَّ أَسْكَنَهَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَهْلَ طَاعَتِهِ .

فَلَوْ رَأَيْتَهُمْ يَا أَحْنَفُ وَقَدْ قَدِمُوا عَلَى زِيَادَاتِ رَبِّهِمْ سُبْحَانَهُ، فَإِذَا ضَمَّرَتِ جَنَائِبُهُمْ صَوْتَتِ رَوَاجِلُهُمْ بِأَصْوَاتٍ لَمْ يَسْمَعْ السَّمْعُونَ بِأَحْسَنَ مِنْهَا، وَأَظْلَتَهُمْ غَمَامَةٌ فَأَمْطَرَتْ عَلَيْهِمُ الْمِسْكَ وَالرَّادِنَ (٨)، وَصَيَّهَلَتْ حُيُولُهَا بَيْنَ أَغْرَاسِ تِلْكَ الْجِنَانِ، وَتَخَلَّتْ بِهِمْ نُوفُهُمْ بَيْنَ كُتُبِ الزَّعْفَرَانِ، وَبَيَّتْ طَمَنُ تَحْتِ أَقْدَامِهِمُ اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ، وَاسْتَقْبَلْتَهُمْ قَهَارِمَتُهَا (٩) بِمَنَابِرِ الرِّيْحَانِ، وَهَاجَتِ لَهُمْ رِيْحٌ مِنْ قِبَلِ الْعَرْشِ فَتَثَّرَتْ عَلَيْهِمُ الْيَاسَمِينَ وَالْأَفْحُونَ، وَذَهَبُوا إِلَى بَابِهَا فَيَفْتَحُ لَهُمُ الْبَابَ «رِضْوَانٌ»، ثُمَّ يَسْجُدُونَ لِلَّهِ فِي فَنَاءِ الْجِنَانِ .

فَقَالَ لَهُمُ الْجَبَّارُ: اِرْفَعُوا رُؤُوسَكُمْ، فَإِنِّي قَدْ رَفَعْتُ عَنْكُمْ مَوْنَةَ الْعِبَادَةِ، وَأَسْكَنْتُكُمْ جَنَّةَ الرِّضْوَانِ . (١٠).

- ١- البعث والنشور: ص ١٨١ ح ٢٦١، الترغيب والترهيب: ج ٤ ص ٥١٣ ح ٣٢، الدر المنثور: ج ١ ص ٩٢ نقلاً عن البزار والطبراني وابن مردويه وكلها عن أبي سعيد الخدري .
- ٢- رضاضه: كساره، قِطْعُهُ (لسان العرب: ج ٧ ص ١٥٤ «رضض»).
- ٣- الدر المنثور: ج ٨ ص ١٣ نقلاً عن ابن مردويه عن أبي هريره.
- ٤- في وجه واحد: أي دار واحد دار الدنيا أو دار الآخرة (بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٧٤).
- ٥- الرِّوَاقُ: مُقَدِّمُ الْبَيْتِ (لسان العرب: ج ١٠ ص ١٣٣ «روق»).
- ٦- أحمتك الدار: أي منعتك دار الدنيا عن دار الآخرة (بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٧٤).
- ٧- العواتق: جمع عاتقه، وهي الشابه أول ما تدرك (النهاية: ج ٣ ص ١٧٨ «عتق»).
- ٨- الزرادين: الزعفران (المحيط في اللغة: ج ٩ ص ٢٨٧ «ردن»).
- ٩- القهرمان: الخازن والحافظ لما تحت يده (النهاية: ج ٤ ص ١٢٩ «قهرم»).
- ١٠- صفات الشيعة: ص ١٢١ ح ٦٣ عن محمد بن الحنفية، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٢٢٠ ح ١٣٢.

۳ / ۴ ساختمان بهشت

۳ / ۴ ساختمان بهشت ۶۵۶۲. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای عز و جل ، دیوار بهشت را با خشتی از طلا و خشتی از نقره ساخت . سپس جویبارهایی را از دل آن ، درآورد و درختکاری کرد . چون فرشتگان ، زیبایی و خرمی آن را دیدند ، گفتند : خوشا به حالت در میان منزلگاه های پادشاهان ! ۶۵۶۳. عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دیوار بهشت ، یک خشتش از طلاست و خشت دیگرش از نقره . دشت بهشت ، طلاست و خُرده سنگ هایش ، مروارید است و گِل آن ، مُشک و خاکش ، زعفران است و در آن ، درختان کُنار بی خار است و نیز درخت های موز با میوه های خوشه خوشه بر هم چیده ، و سایه ای گسترده و پایدار ، و آبی ریزان. ۶۵۶۴. عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : به اَحَنَف بن قیس : ای اَحَنَف ! شاید نگاهت به روی یکی (دنیا) که با وجود خرمی چهره اش ، بیماری ها را پدیدار می سازد و سرایی که نقش و نگار ایوانش و پرده هایی که آویخته ای و باد و آفتاب ، بر میوه آن گماشته شده اند ، مشغولت کرده اند ، تو را سرگرم ساخته است ، در حالی که این سرای تو ، سرای ماندن نیست و تو را از سرایی باز داشته است که خداوند سبحان ، آن را از مروارید سپید آفرید و جویبارها در آن ، روان ساخت و درخت ها در آن کاشت و با میوه های رسیده اش ، بر آن سایه افکند و از دخترکان سیه چشم نورسیده ، آکنده اش داشت و سپس دوستان خود و اهل طاعتش را در آن ، جای داد.

پس ، اگر آنها را بینی ای احنف ، بر دهنش های فزاینده پروردگار پاکشان وارد گشته اند و اسبانشان می تازند و شترهایشان ، آوازهایی سر می دهند که شنندگان ، زیباتر از آن را نشنیده اند ، و ابری بر آنان سایه افکنده که مُشک و زعفران ، بر ایشان می بارد ، و اسب هایشان میان درختان آن بهشت ها ، شیهه می کشند ، و شترهایشان در میان پشته های زعفران ، آنان را سیر می دهند ، و بر روی مروارید و مرجان ، قدم بر می دارند ، و پیشکاران (/ خدمتکاران) بهشت ، با منبرهایی از گل های خوش بو به استقبالشان می آیند ، و از سوی عرش ، بادی بر ایشان می وزد و بر سر و روی آنان ، یاسمن و گل بابونه می افشاند ، و چون به در بهشت می رسند ، رضوان (۱) در را برایشان می گشاید . آن گاه ، در آستان باغ های بهشت برای خداوند ، به سجده می افتند.

[خدای] جَبَّار ، خطاب به ایشان می فرماید : «سرهایتان را بردارید ؛ چرا که [امروز ،] رنج و زحمت عبادت را از شما برداشتم و در بهشت رضوان ، سُکنایتان دادم.»

٤ / ٤ أبواب الجنّة الكتاب «جَنَّتِ عَدْنٌ مُفْتَحَةٌ لَهُمْ الْأَبْوَابُ» (١)

«وَسَبَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلِّمْ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ».

(٢)

١- ص: ٥٠.

٢- الزمر: ٧٣.

۴ / ۴ درهای بهشت

۴ / ۴ درهای بهشتقرآن «بهشت های جاویدان که درهای آنها، برایشان گشوده است».

«و کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، گروه گروه، به سوی بهشت، سوق داده می شوند تا بدان رسند و درهای آن، گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند: درود بر شما! خوش آمدید! در آن، در آید [و] جاودانه [بمانید]». .

الحديث ٦٥٦٥. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: لِلجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ . (١) ٦٥٦٦. امام باقر عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لَهَا [الجَنَّةِ] ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ، وَلِجَهَّتُمْ سَبْعَةَ أَبْوَابٍ ، وَبَعْضُهَا أَفْضَلُ مِنْ بَعْضٍ . (٢) ٦٥٦٧. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الجَنَّةَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ، مَا مِنْهُنَّ بَابَانِ إِلَّا وَبَيْنَهُمَا مَسِيرَةُ الرَّاحِبِ سَبْعِينَ عَامًا . (٣) ٦٥٦٨. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: مَا بَيْنَ مِصْرَاعَيْنِ (٤) مِنْ مِصْرَاعِ الجَنَّةِ مَسِيرَةُ أَرْبَعِينَ عَامًا . (٥) ٦٥٦٩. امام باقر عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: بَابُ أُمَّتِي الَّذِي يَدْخُلُونَ مِنْهُ الجَنَّةَ عَرْضُهُ مَسِيرَةُ الرَّاحِبِ الجَوَادِ ثَلَاثًا ، ثُمَّ إِنَّهُمْ لَيُضَغَطُونَ عَلَيْهِ حَتَّى تَكَادُ مَنَاكِبُهُمْ تَزُولُ . (٦) .

- ١- سنن الدارمی: ج ٢ ص ٧٨٩ ح ٢٧١٤ عن عبد الله ، صحيح البخارى: ج ٣ ص ١١٨٨ ح ٣٠٨٤ وفيه «فى الجنة...» ، السنن الكبرى: ج ٤ ص ٥٠٢ ح ٨٥١٢ كلاهما عن سهل بن سعد ، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١١٢ ح ١٩٤٥٤ عن عمر بن عنبسه ، كنز العمال: ج ١ ص ٣٠٠ ح ١٤٣٣ نقلًا- عن ابن مردويه ؛ الخصال: ص ٤٠٨ ح ٦ عن محمد بن فضيل الرزقى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، ثواب الأعمال: ص ٧٩ ح ٤ عن أبى سعيد الخدرى ، الأمالى للصدوق: ص ١٢٣ ح ١١٣ عن أنس ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٢٨٩ ح ٢٧ .
- ٢- مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٢٠٥ ح ١٧٦٧٣ ، السنن الكبرى: ج ٩ ص ٢٧٦ ح ٨٥٢٣ كلاهما عن عتبة بن عبد السلمى ، الطبقات الكبرى: ج ٧ ص ٤٣٠ عن عتبة بن عمرو السلمى نحوه ، كنز العمال: ج ٣ ص ٧٥٨ ح ٨٢٧٣ .
- ٣- المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٦٠٧ ح ٨٦٨٣ ، المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٢١٣ ح ٤٧٧ كلاهما عن لقيط بن عامر .
- ٤- مصراعا الباب: بابان منصوبان ينضمّان جميعا، مدخلها فى الوسط من المصراعين (لسان العرب: ج ٨ ص ١٩٩ «صرع»).
- ٥- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٢٣٦ ح ٢٠٠٤٥ ، حليه الأولياء: ج ٦ ص ٢٠٥ وفيه «سبعين» بدل «أربعين» وكلاهما عن حكيم بن معاوية عن أبيه ، الزهد لابن المبارك: ص ٥٣٥ ح ١٥٢٨ عن الحسن نحوه .
- ٦- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٨٤ ح ٢٥٤٨ ، مشكاة المصابيح: ج ٣ ص ٩٢ ح ٥٦٤٥ وفيه «المجود» بدل «الجواد» وكلاهما عن سالم بن عبد الله عن أبيه ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٧٢ ح ٣٩٣١١ .

حدیث ۶۵۷۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت ، هشت در دارد. ۶۵۷۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت ، هشت در دارد و دوزخ ، هفت در . برخی از این درها [ی بهشت] بر برخی دیگر ، برتری دارند. ۶۵۷۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت ، هشت در دارد و فاصله هر در تا در دیگر ، هفتاد سال راه است که سواره می پیماید. ۶۵۷۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فاصله میان دو لنگه یک در از درهای بهشت ، چهل سال راه است. ۶۵۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دری که امت من از آن وارد بهشت می شوند ، پهنایش به مسافت سه [روز یا سال] راهی است که شخص سوار بر اسب تیزتک پیماید . سپس بر آن در ، چنان فشار داده می شوند که چیزی نمانده شانه هایشان کنده شود. .

٦٥٧٣. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تُودِيَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ: يَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا خَيْرٌ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّلَاةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلَاةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجِهَادِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصِّيَامِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الرِّيَانِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقَةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ. (١) ٦٥٧٤. عنه صلى الله عليه وآله: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهَا: الرِّيَانُ، لَا يُفْتَحُ ذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ يُفْتَحُ لِلصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ يُنَادِي رِضْوَانُ خَازِنُ الْجَنَّةِ: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، هَلُمُّوا إِلَى الرِّيَانِ. فَتَدْخُلُ أُمَّتِي فِي ذَلِكَ الْبَابِ إِلَى الْجَنَّةِ. (٢) ٦٥٧٥. الإمام الصادق عليه السلام: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلصَّائِمِينَ بَابٌ فِي الْجَنَّةِ يُقَالُ لَهُ: الرِّيَانُ، لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلَ آخِرُهُمْ أُغْلِقَ، فَمَنْ دَخَلَ مِنْهُ شَرِبَ، وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا. (٣) ٦٥٧٦. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلْأَهْلِ الصِّيَامِ بَابٌ يُدْعَوْنَ مِنْهُ يُقَالُ لَهُ: الرِّيَانُ. (٤) ٦٥٧٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ. (٥) ٦٥٧٣. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ: بَابُ الْمُجَاهِدِينَ، يَمْضُونَ إِلَيْهِ، فَإِذَا هُوَ مَفْتُوحٌ وَهُمْ مُتَقَلِّدُونَ بِسُيُوفِهِمْ، وَالْجَمْعُ فِي الْمَوْقِفِ، وَالْمَلَائِكَةُ تُرَحِّبُ بِهِمْ. (٦).

- ١- صحيح البخارى: ج ٢ ص ٦٧١ ح ١٧٩٨، صحيح مسلم: ج ٢ ص ٧١١ ح ٨٥، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٦١٤ ح ٣٦٧٤، سنن النسائى: ج ٤ ص ١٦٩، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٩٣ ح ٧٦٣٧ كلها عن أبى هريره نحوه.
- ٢- ثواب الأعمال: ص ٩٦ ح ١٢، الأمالى للصدوق: ص ١٠٦ ح ٧٩ كلاهما عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٨٥ ح ١٤٧؛ تاريخ أصبهان: ج ٢ ص ٢٣٩ الرقم ١٥٦٠، كنز العمال: ج ٨ ص ٤٥٨ ح ٢٣٦٥٠ نقلاً عن ابن النجار وكلاهما عن ابن مسعود وفيهما «للجنة باب يقال له الريان، يدخله الصائمون».
- ٣- سنن النسائى: ج ٤ ص ١٦٨، مسند أبى يعلى: ج ٦ ص ٤٩٦ ح ٧٤٩١، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٣٥ ح ٢٢٩٠٥ نحوه وكلها عن سهل بن سعد، كنز العمال: ج ٨ ص ٤٤٦ ح ٢٣٥٨٠.
- ٤- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٤٦١ ح ٩٨٠٧، المصنّف لابن أبى شيبة: ج ٧ ص ٤٧٧ ح ٤٣ نحوه وكلاهما عن أبى هريره.
- ٥- صحيح مسلم: ج ٣ ص ١٥١١ ح ١٤٦، سنن الترمذى: ج ٤ ص ١٨٦ ح ١٦٥٩، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ١٣٣ ح ١٩٥٥٥ كلها عن أبى موسى الأشعري، صحيح البخارى: ج ٣ ص ١٠٣٧ ح ٢٦٦٣، سنن أبى داود: ج ٣ ص ٤٢ ح ٢٦٣١ كلاهما عن عبد الله بن أبى أوفى وليس فيهما «أبواب».
- ٦- الكافى: ج ٥ ص ٢ ح ٢ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١٢٣ ح ٢١٣ عن وهب عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «تزجر» بدل «ترحب بهم»، ثواب الأعمال: ص ٢٢٥ ح ٢، الأمالى للصدوق: ص ٦٧٣ ح ٩٠٦ كلاهما عن وهب عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٨٦ ح ١٥٣.

۶۵۷۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک جفت (۱) در راه خدا انفاق کند، از [همه] درهای بهشت به او ندا داده می شود که: «ای بنده خدا! این در، خوب است!»، در حالی که کسی که اهل نماز باشد، از در نماز، فرا خوانده می شود، کسی که اهل جهاد باشد، از در جهاد، فرا خوانده می شود، کسی که اهل روزه باشد، از در سیراب، فرا خوانده می شود، و کسی که اهل صدقه باشد، از در صدقه فرا خوانده می شود. ۶۵۷۵. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت، دری دارد که به آن، «سیراب» گفته می شود. این در، تا روز قیامت، باز نمی شود. سپس [در آن روز] به روی مردان و زنان ائمتّ محمّده که اهل روزه داری بوده اند، گشوده می گردد و رضوان، نگهبان بهشت، بانگ می زند: «ای ائمتّ محمّده! به سوی سیراب آید» و ائمتّ من، از آن در، داخل بهشت می شوند. ۶۵۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، دری ویژه روزه داران است که به آن، سیراب می گویند. از این در، کسی جز آنها وارد نمی شود و آخرین نفرشان که وارد شد، آن در، بسته می شود. پس، هر که از آن در بیاید، می آشامد و هر که بیاشامد، دیگر هرگز تشنه نمی شود. ۶۵۷۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای اهل هر عملی، دری ویژه در بهشت هست که با آن عمل، خوانده می شوند. برای اهل روزه، دری است که از آن در، [به داخل بهشت] فرا خوانده می شوند و به آن، «سیراب» گفته می شود. ۶۵۷۸. الموطأ عن عطاء بن یسار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درهای بهشت، زیر سایه های شمشیرهایند. ۶۵۷۹. عیسی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت، دری دارد که به آن، «در مجاهدان» می گویند. مجاهدان به جانب آن در، روانه می شوند. ناگهان در باز می گردد و مجاهدان، در حالی که شمشیرهایشان را حمایل کرده اند و جمعیت [هنوز] در توقّفگاه است، وارد می شوند و فرشتگان به آنان خوشامد می گویند.

۱- ظاهراً مقصود این است که در انفاق سخت گیری نکند اگر می تواند دو درهم دهد، یک درهم ندهد، اگر می تواند دو دینار دهد، یکی ندهد، اگر می تواند دو شتر بدهد، یکی ندهد و از این قبیل.

٦٥٧٨.الموطأ (به نقل از عطاء بن يسار) عنه صلى الله عليه و آله :جاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، فَإِنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ ، يُنَجِّي اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ مِنَ الْهَمِّ وَالْغَمِّ . (١) ٦٥٧٩. عيسى عليه السلام :الإمام على عليه السلام :إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ . (٢) ٦٥٨٠. الإمام على عليه السلام :رسول الله صلى الله عليه و آله :لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيُّ حَبِيبُ اللَّهِ ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صِفْوَةُ اللَّهِ ، فَطَمَهُ أُمُّهُ اللَّهُ ، عَلَى بَاغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ . (٣) ٦٥٨١. الإمام الباقر عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيُّ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله ، قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِأَلْفَى عَامٍ . (٤) ٦٥٨٢. الإمام الكاظم عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :آتَى بَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَاسْتَفْتَحَ ، فَيَقُولُ الْخَازِنُ : مَنْ أَنْتَ؟ فَأَقُولُ :

مُحَمَّدٌ . فَيَقُولُ : بِكَ أُمِرْتُ ، لَا أَفْتَحُ لِأَحَدٍ قَبْلَكَ . (٥) .

- ١- .مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٣٩٥ ح ٢٢٧٤٣ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٢ ص ٨٤ ح ٢٤٠٤ ، السنن الكبرى : ج ٩ ص ١٧٦ ح ١٨٢١٩ کلها عن عباده بن الصامت ، المعجم الأوسط : ج ٨ ص ١٨١ ح ٨٣٣٤ عن أبي أمامه وکلها نحوه ؛ عوالی اللالی : ج ١ ص ٨٨ ح ٢٠ عن عباده بن الصامت نحوه .
- ٢- .الكافی : ج ٥ ص ٤ ح ٦ عن أبي عبد الرحمن السلمی ، نهج البلاغه : الخطبه ٢٧ ، معانی الأخبار : ص ٣٠٩ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ٧ ح ٢ .
- ٣- .الأمالی للطوسی : ص ٣٥٥ ح ٧٣٧ ، الطرائف : ص ٦٤ ح ٦٥ ، الفضائل : ص ٧١ نحوه ، إرشاد القلوب : ص ٢٣٤ کلها عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٤٣ ص ٣٠٣ ح ٦٥ نقلًا عن كشف الغمّه .
- ٤- .الخصال : ص ٦٣٨ ح ١١ ، الأمالی للصدوق : ص ١٣٤ ح ١٢٨ كلاهما عن جابر ، روضه الواعظین : ص ١٢٤ ، الثاقب فی المناقب : ص ١١٨ ح ١١٢ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٣١ ح ٣٤ ؛ فضائل الصحابه لابن حنبل : ج ٢ ص ٦٦٩ ح ١١٤٠ وليس فيه «لا إله إلا الله» و «الأرض» ، حليه الأولياء : ج ٧ ص ٢٥٦ ، المناقب للخوارزمی : ص ١٤٤ ح ١٦٨ ، كنز العمال : ج ١١ ص ٦٢٤ ح ٣٣٠٤٣ نقلًا عن الطبرانی فی الأوسط والخطيب البغدادي کلها عن جابر .
- ٥- .صحیح مسلم : ج ١ ص ١٨٨ ح ٣٣٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٢٧٤ ح ١٢٤٠٠ كلاهما عن أنس ، الزهد لابن المبارك (الملحقات) : ص ١١٩ ح ٤٠٠ عن ثابت ، كنز العمال : ج ١١ ص ٤٠٥ ح ٣١٨٩٠ ؛ الأمالی للطوسی : ص ٣٩٥ ح ٨٧٥ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩٥ ح ١٧٩ .

۶۵۸۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در راه خدا جهاد کنید؛ چرا که جهاد در راه خدای بزرگ و والا، دری از درهای بهشت است و خداوند بزرگ و والا، به سبب آن از اندوه و غم، رهایی می بخشد. ۶۵۸۱. امام باقر علیه السلام: امام علی علیه السلام: جهاد، دری از درهای بهشت است که خداوند، آن را برای دوستان ویژه اش گشوده است. ۶۵۸۲. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی که به معراج برده شدم، بر درِ بهشت دیدم که نوشته است: معبودی جز خدا نیست. محمد، فرستاده خداست. علی، محبوب خداست. حسن و حسین، برگزیده خدایند. فاطمه کنیز خداست. لعنت خدا بر دشمنان آنها! ۶۵۸۳. الإمام علی علیه السلام (فی بیانِ ثمراتِ العلمِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو هزار سال پیش از آن که خدا آسمان ها و زمین را بیافریند، بر درِ بهشت، نوشته شده بود: معبودی جز خدای یکتا نیست. محمد، فرستاده خداست. علی، برادرِ فرستاده خداست. ۶۵۸۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز قیامت، من بر درِ بهشت می روم و می گویم: «در را باز کنید». نگهبان می گوید: تو کیستی؟ من می گویم: «محمد». پس، نگهبان می گوید: فرمان دارم که برای تو بگشایم و پیش از تو، [آن را] برای هیچ کس باز نمی کنم..

٦٥٨٣. امام على عليه السلام (در بيان فايده هاى دانش) عنه صلى الله عليه و آله : أَلَا إِنَّمَا الْحُسَيْنُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ ، مَنْ عَادَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ . (١) ٦٥٨٤. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : الإمام الكاظم عليه السلام : إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ ، فَمَنْ دَخَلَ بَابَهُ كَانَ مُؤْمِنًا ، وَمَنْ خَرَجَ مِنْ بَابِهِ كَانَ كَافِرًا ، وَمَنْ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ وَلَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ كَانَ فِي الطَّبَقَةِ الَّتِي لِلَّهِ فِيهِمْ الْمَشِيئَةُ . (٢) ٦٥٨٥. الإمام على عليه السلام : سنن الترمذى عن قيس بن سعد بن عباده : مَرَّ بِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ صَدَّ لَيْتٌ ، فَضَرَبْتَنِي بِرِجْلِهِ وَقَالَ : أَلَا - أَذُوكَ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ ؟ قُلْتُ : بَلَى ! قَالَ : لَا - حَوْلَ وَلَا - قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٣) ٦٥٨٦. رسول الله صلى الله عليه و آله : رسول الله صلى الله عليه و آله : لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ ؛ سَبْعَةٌ مُغْلَقَةٌ ، وَبَابٌ مَفْتُوحٌ لِلتَّوْبَةِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ نَحْوِهِ . (٤) ٦٥٨٧. الكافى عن على بن سويد : عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ لِلْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ : بَابُ الْمَعْرُوفِ ، لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا أَهْلُ الْمَعْرُوفِ . (٥) .

- ١- .مئه منقبه : ص ٤٤ ح ٤ عن عبد الله بن عمر ، بحار الأنوار : ج ٣٥ ص ٤٠٥ ح ٢٨ ؛ مقتل الحسين للخوارزمى : ج ١ ص ١٤٥ عن عبد الله وفيه «عائده» بدل «عاداه» .
- ٢- .الكافى : ج ٢ ص ٣٨٩ ح ٢١ عن موسى بن بكير ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٣٢٤ ح ٣٠٠ .
- ٣- .سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٧١ ح ٣٥٨١ ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٢٧٤ ح ١٥٤٨٠ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٢٣ ح ٧٧٨٧ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٥٤ ح ١٩٥٢ .
- ٤- .المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٢٩٠ ح ٧٦٧١ ، المعجم الكبير : ج ١٠ ص ٢٠٦ ح ١٠٤٧٩ ، مسند أبى يعلى : ج ٥ ص ٢٤ ح ٤٩٩١ كلها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢١١ ح ١٠١٩٦ .
- ٥- .قرب الإسناد : ص ١٢٠ ح ٤٢٠ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، الكافى : ج ٤ ص ٣٠ ح ٤ وزاد فى ذيله «وأهل المعروف فى الدنيا هم أهل المعروف فى الآخرة» ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٣٢ ح ٨٢ كلاهما عن إسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩٧ ح ١٩١ .

۶۵۸۸. الإمام علی علیه السلام (فی وَصْفِ الْمُتَّقِينَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که حسین ، دری از درهای بهشت است . هر که با او دشمنی کند ، خداوند ، بوی بهشت را بر وی حرام می گرداند. ۶۵۸۵. امام علی علیه السلام: امام کاظم علیه السلام: علی ، دری از درهای بهشت است . پس ، هر که از در او وارد شود ، مؤمن است و هر که از در او بیرون رود ، کافر است و هر که از آن ، نه وارد شود و نه بیرون رود ، در آن طبقه ای است که تصمیم در باره آنها ، با خداست. ۶۵۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سنن الترمذی به نقل از قیس بن سعد بن عباده : من نمازم را خوانده بودم که پیامبر صلی الله علیه و آله بر من گذشت و با پایش به من زد و فرمود : « آیا تو را به دری از درهای بهشت ، راه نمایی نکنم؟ »

گفتم : البتّه!

فرمود : « [ذکر] لا حول و لا قوه إلا بالله (هیچ اراده و قدرتی نیست ، مگر از جانب خداوند یکتا) ». ۶۵۸۷. الکافی (به نقل از علی بن سويد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت ، هشت در دارد : هفت در ، بسته است و یک در (۱) برای توبه باز است ، تا آن گاه که خورشید از جانب آن طلوع کند [و در این هنگام ، باب توبه بسته می شود]. ۶۵۸۸. امام علی علیه السلام (در وصف پرهیزگاران) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت ، دری دارد که به آن «در نیکی» می گویند و تنها اهل نیکی کردن ، از آن [به بهشت] وارد می شوند . .

۱- در بسیاری از منابع ، «و یک در از جانب مغرب» آمده است .

٦٥٨٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِلجَنَّةِ باباً يُقالُ لَهُ: المَعْرُوفُ، لا يَدْخُلُهُ إِلَّا مَنْ اصْطَنَعَ المَعْرُوفَ فِي الحَيَاةِ الدُّنْيَا. (١) ٦٥٩٠. الإمام علي عليه السلام (فِي وَصْفِ المُتَّقِينَ) رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الجَنَّةَ لَبِنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ وَلَبَنَةٌ مِنْ ياقوتٍ، وَمِلاطُها المِسْكُ الأَذْفَرُ، وَشَرَفُها الياقوتُ الأَحْمَرُ والأَخْضَرُ والأَصْفَرُ، وَأَبوابُها مُخْتَلِفَةٌ؛ بابُ الرِّحْمَةِ مِنْ ياقوتَةٍ حَمراءِ

أما الصَّبْرُ، فَبابُ صَغِيرٍ مِصرَعٍ واحِدٍ مِنْ ياقوتَةٍ حَمراءِ لا حَلَقَ لَهُ .

وَأما بابُ الشُّكْرِ، فَإِنَّهُ مِنْ ياقوتَةٍ بِيضاءٍ لَها مِصرَعانِ مَسِيرَةٌ ما بَيْنَهُما خَمْسِمِئَةٌ عامٍ، لَهُ صَحيحٌ وَحَينٌ، يَقولُ: اللَّهُمَّ جَنِّبِ بِأَهْلِي . يُنطِقُهُ ذُو الجِلالِ وَالإِكْرامِ .

وَأما بابُ البِلاءِ، مِنْ ياقوتَةٍ صَفراءِ لَهُ مِصرَعٌ واحِدٌ ما أَقلُّ مَنْ يَدْخُلُ مِنْهُ .

فَأَمَّا البابُ الأَعْظَمُ فَيدخُلُ مِنْهُ العِبادُ الصالِحُونَ؛ وَهُم أَهلُ الزُّهْدِ وَالوَرَعِ، وَالرَّاعِبُونَ إِلى اللَّهِ تَعالَى وَتَقَدَّسَ، المُسْتَأْنَسُونَ بِهِ، فَإِذا دَخَلُوا الجَنَّةَ يَسِيرُونَ عَلى نَهْرَيْنِ فِي مِصافٍ (٢) فِي سِيفِنِ الياقوتِ، مَجادِيفُها اللُّؤلؤُ، فِيها مَلائِكَةٌ مِنْ نُورٍ، عَلَيْهِم ثِيابٌ شَدِيدَةٌ خُضْرَتُها، يَسِيرُونَ عَلى حافَتَي ذَلِكِ النَّهْرِ، واسمُ ذَلِكِ النَّهْرِ: جَنَّةُ المَوايِ، وَجَنَّةُ عَيدِنِ وَهِيَ وَسَطُ الجِنانِ، وَسُورُها ياقوتُ أَحْمَرٌ، وَحِصاؤُها اللُّؤلؤُ. (٣) ٦٥٩١. عنه عليه السلام (فِي وَصْفِ المُتَّقِينَ) الإمام الحسين عليه السلام عن النزال بن سبره عن الإمام علي عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذا كانَ يَوْمُ القِيامَةِ وَفَرَّغَ اللَّهُ مِنْ حِسابِ الخالِقِ، دَفَعَ الخالِقُ عِزَّ وَجَلَمَ فَاتِيحِ الجَنَّةِ وَالنَّارِ إِلى، فَأَدفَعُها إِليكَ، فَيقولُ لَكَ: أَحْكَمُ .

قال علي عليه السلام: وَاللَّهِ إِنَّ لِلجَنَّةِ إِحدَى وَسَبْعِينَ باباً، يَدْخُلُ مِنْ سَبْعِينَ مِنْها شِيعَتِي وَأَهْلُ بَيْتِي، وَمِنْ بابٍ واحِدٍ سائِرُ النَّاسِ! (٤) .

١- الكافي: ج ٢ ص ١٩٥ ح ١٠ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٣٢٨ ح ٩٩.

٢- في كتاب من لا يحضره الفقيه: «ماءٍ صافٍ» بدل «مِصافٍ» .

٣- روضه الواعظين: ص ٥٥٣، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٩٥ ح ٩٠٥، الأمالي للصدوق: ص ٢٨١ ح ٣١٠ كلاهما عن بلال نحوه، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١١٦ ح ١.

٤- الأمالي للطوسي: ص ٣٦٨ ح ٧٨٤ عن علي بن علي بن رزين عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٥٥ عن الإمام علي عليه السلام وفيه ذيله من «إِنَّ لِلجَنَّةِ...»، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٣٩ ح ٥٥.

۶۵۹۲. رسول الله صلی الله علیه و آله (فی جُمْلَه خَبْرٍ طَوِيلٍ وَمَسَائِلَ كَثِيرَه سَأَ) امام صادق علیه السلام: بهشت، دری دارد که به آن، «نیکی» می گویند و جز کسی که در زندگی دنیا، نیکی کرده باشد، از آن در وارد نمی شود. ۶۵۹۳. رسول الله صلی الله علیه و آله (فی خَبْرٍ طَوِيلٍ وَمَسَائِلَ كَثِيرَه سَأَلَهُ عَنْ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت، یک خشتش از طلاست و خشتی از نقره و خشتی دیگر از یاقوت، و ملاطش مشک تیزبوی است، و کنگره هایش یاقوت سرخ و سبز و زرد، و در هایش گوناگون اند:

در رحمت، از یاقوت سرخ است ...

در صبر، در کوچکی است از یاقوت سرخ که یک لنگه دارد و حلقه ندارد.

در شکر، از یاقوت سفید است و دو لنگه دارد که فاصله میان آنها، پانصد سال راه است. و آن، فریاد و ناله دارد و می گوید: «بارخدا یا! اهل مرا برایم بیاور». [پروردگار] باشکوه و بزرگوار، آن را به سخن می آورد.

در بلا، از یاقوت زرد است و یک لنگه دارد. کسانی که از آن وارد می شوند، بسیار اندک اند.

اما بزرگ ترین در، بندگان شایسته، از این در وارد می شوند؛ یعنی اهل زهد و پارسایی، و مشتاقان خدای بلندمرتبه و پاک و انس گیرندگان با او. اینان چون به بهشت وارد می شوند، سوار بر کشتی هایی از یاقوت که پاروهایشان مروارید است و فرشتگانی از نور در آنهایند، دو رودخانه را صف در صف (۱) می پیمایند و جامه هایی سبز پررنگ بر تن دارند و در دو کرانه آن رودخانه گردش می کنند. نام آن رودخانه، «بهشت مأوا» است، و بهشت عیدن، در میان بهشت هاست و پارویش یاقوت سرخ و ریگ هایش مروارید است. ۶۵۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام حسین علیه السلام به نقل از نزال بن سبره، از امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چون روز قیامت شود و خدا از حسابرسی خلائق فارغ گردد، آفریدگار توانا و بزرگ، کلیدهای بهشت و دوزخ را به من می دهد و من آنها را به تو می دهم، و خدا به تو می فرماید: حکم کن».

علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، بهشت هفتاد و یک دارد که شیعیان من و خاندانم، از هفتاد در آن و بقیه مردم، از یک در، وارد می شوند ...

۱- در کتاب من لایحضره الفقیه، به جای «مَصَافٍ (صف در صف)»، «مَاءٍ صَافٍ (با آبی زلال)» آمده است.

٦٥٩٠.امام على عليه السلام (در وصف پرهيز گاران) الإمام على عليه السلام: إِنَّ لِلجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ : بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ النَّبِيُّونَ وَالصَّادِقُونَ ، وَبَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الشُّهَدَاءُ وَالصَّيِّحُونَ ، وَخَمْسَةٌ أَبْوَابٌ يَدْخُلُ مِنْهَا شَيِّعَتُنَا وَمُحِبُّونَا، فَلَا أَزَالُ وَاقِفًا عَلَى الصَّرَاطِ أَدْعُو وَأَقُولُ : رَبِّ سَلِّمْ شِيَعَتِي وَمُحِبِّي وَأَنْصَارِي وَمَنْ تَوَلَّانِي فِي دَارِ الدُّنْيَا .

فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ بُطْنَانِ العَرَشِ : قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكَ ، وَشُفِّعَتْ فِي شِيَعَتِكَ ، وَيَشْفَعُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْ شِيَعَتِي وَمَنْ تَوَلَّانِي وَنَصِيْرِي وَحَارَبَ مَنْ حَارَبَنِي بِفِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ جِيرَانِهِ وَأَقْرِبَائِهِ ، وَبَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ سَائِرُ الْمُسْلِمِينَ مِمَّنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَلَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ مِقْدَارُ ذَرَّةٍ مِنْ بُعْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . (١) ٦٥٩١.امام على عليه السلام (در وصف پرهيز گاران) الإمام الباقر عليه السلام: أَحْسِبُونَا الظَّنَّ بِاللَّهِ ، وَاعْلَمُوا أَنَّ لِلجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ، عَرَضُ كُلِّ بَابٍ مِنْهَا مَسِيرَةٌ أَرْبَعِينَ سَنَةً . (٢) ٦٥٩٢. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در حدیثی طولانی و در میان مسائل بسیاری که شمعون) تنبيه الخواطر: رَوَى بَعْضُهُمْ أَنَّهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ : أَدِيمُوا قَرَعَ بَابِ الْجَنَّةِ يُفْتَحَ لَكُمْ . قُلْتُ : وَكَيْفَ نُدِيمُ قَرَعَ بَابِ الْجَنَّةِ؟ قَالَ : بِالْجُوعِ وَالظَّمَاءِ . (٣) .

١- الخصال : ص ٤٠٨ ح ٦ عن محمد بن الفضيل الرزقي عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، نوادر الأخبار :

ص ٣٧٢ ح ٣ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٣٩ ح ١٩ .

٢- الخصال : ص ٤٠٨ ح ٧ عن جابر الجعفي ، المحجّه البيضاء : ج ٨ ص ٣٧٨ وفيه «أربعمئة» بدل «أربعين» ، بحار الأنوار : ج

٨ ص ١٣١ ح ٣٢ .

٣- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٠١ ، المحجّه البيضاء : ج ٥ ص ١٤٩ ، عوالي اللآلي : ج ١ ص ٣٢٥ ح ٦٧ عن عائشه نحوه .

۶۵۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در حدیثی طولانی و در میان مسائل بسیاری که شمعون) امام علی علیه السلام : بهشت ، هشت در دارد : از یک در ، پیامبران و صدیقان وارد می شوند و از یک در ، شهیدان و صالحان ، و از پنج در ، شیعیان و دوستداران ما ، و من پیوسته بر صراط ایستاده ام و دعا می کنم و می گویم : «پروردگارا ! شیعیان و دوستداران و طرفداران مرا و کسانی را که در سرای دنیا ولایت مرا داشتند ، به سلامت دار!» .

در این هنگام ، از اعماق عرش ندا می آید که : دعای تو ، اجابت و شفاعت تو در حق شیعیان پذیرفته شد . پس ، هر مردی از شیعیان و پیروان و طرفداران من و هر کسی که با کردار یا گفتارش با دشمنان من جنگیده باشد ، برای هفتاد هزار نفر از همسایگان و نزدیکانش شفاعت می کند.

و از درِ هشتم ، دیگر مسلمانان که به یگانگی خدا گواهی داده و در دلشان به اندازه ذره ای بغض نسبت به ما خاندان وجود نداشته است ، وارد می شوند. ۶۵۹۴. الإمام الصادق علیه السلام : امام باقر علیه السلام : به خدا گمان نیک برید و بدانید که بهشت ، هشت در دارد که پهنای هر در آن ، به اندازه چهل سال راه است. ۶۵۹۵. الإمام علیّ علیه السلام : تنبیه الخواطر : یکی از اصحاب ، روایت کرد که : ایشان (پیامبر) که درودها و سلام خدا بر او و خاندانش باد فرمود : «درِ بهشت را پیوسته بکوبید تا [سرانجام] به رویتان باز شود» .

گفتم : چگونه درِ بهشت را پیوسته بکوبیم؟

فرمود : «با گرسنگی و تشنگی کشیدن (روزه گرفتن)» ..

٤ / ٥ خِيَامُ الْجَنَّةِ الْكِتَابُ «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» . (١)

الحديث ٦٥٩٧. امام علي عليه السلام: تفسير الطبري عن الضحاك: كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ يُحَدِّثُ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «هِيَ الدُّرُّ الْمُجَوَّفُ»؛ يَعْنِي الْخِيَامَ فِي قَوْلِهِ: «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» . (٢) ٦٥٩٨. الكافي عن إبراهيم بن عبد الحميد: رسول الله صلى الله عليه وآله في الجنة خيمته من لؤلؤه مجوّفه، عرضها ستون ميلاً، في كل زاوية منها أهل، ما يرون الآخرين، يطوفون عليهم المؤمنون. (٣) ٦٥٩٩. جامع الأخبار: الكافي عن الحلبي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ» (٤) قَالَ: هُنَّ صَوَائِحُ الْمُؤْمِنَاتِ الْعَارِفَاتِ، قُلْتُ: «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ»؟ قَالَ: الْحُورُ: هُنَّ الْبَيْضُ الْمَضْمُومَاتُ الْمَخْدَرَاتُ فِي خِيَامِ الدُّرِّ وَالْيَاقُوتِ وَالْمَرْجَانِ، لِكُلِّ خَيْمَةٍ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ، عَلَى كُلِّ بَابٍ سَبْعُونَ كَاعِبًا (٥) حُجَّابًا لَهُنَّ، وَيَأْتِيهِنَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ كَرَامَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ (ل) يُبَشِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِنَّ الْمُؤْمِنِينَ . (٦) .

١- .الرحمن : ٧٢.

٢- .تفسير الطبري : ج ١٣ الجزء ٢٧ ص ١٦٢ ، تفسير ابن أبي حاتم : ج ١٠ ص ٣٣٢٨ ح ١٨٧٦٢ .

٣- .صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٨٢ ح ٢٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ١٦٢ ح ١٩٧٠١ ، صحيح البخاري : ج ٤ ص ١٨٤٩ ح ٤٥٩٨ وفيه «المؤمنون» بدل «المؤمن» ، سنن الدارمي : ج ٢ ص ٧٩٤ ح ٢٧٢٨ نحوه وكلها عن عبد الله بن قيس ، كتر العمال : ج ١٤ ص ٤٥٨ ح ٣٩٢٥٧ .

٤- .الرحمن : ٧٠.

٥- .الكاعب : المرأه حين يبدو ثديها للنهود (النهايه : ج ٤ ص ١٧٩ «كعب»).

٦- .الكافي : ج ٨ ص ١٥٦ ح ١٤٧ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٦١ ح ١٠٠ .

۴ / ۵ سرپرده های بهشت

۴ / ۵ سرپرده های بهشتقرآن «سیه چشمانی پرده نشین در سرپرده ها».

حدیث ۶۶۰۲. عنه علیه السلام: تفسیر الطبری به نقل از ضحاک: ابن مسعود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حدیث می کرد که ایشان در باره سرپرده ها در آیه: «سیه چشمانی پرده نشین در سرپرده ها»، فرمود: «همان دُرهای میان تهی اند» ۶۶۰۳. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بهشت، سرپرده ای از مروارید میان تهی است که پهنای آن، شصت میل است و در هر گوشه ای از آن، کسانی [در اختیار مؤمن] هستند که گروه دیگر را نمی بینند! و مؤمن بر گرداگرد آنان می چرخد. (۱) ۶۶۰۴. عنه علیه السلام: الکافی به نقل از حلبی: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل: «در آن جا [زنانی] نکوخوی و نکو رویند» پرسیدم.

فرمود: «آنان صالح و مؤمن و خداشناس اند».

گفتم: «سیه چشمانی پرده نشین در سرپرده ها» [چیست؟]

فرمود: «سیه چشمان، دخترکانِ سیمین بر جمع شده و نگهداری شده در سرپرده هایی از دُر و یاقوت و مرجان اند. هر سرپرده ای، چهار در دارد و بر هر دری، هفتاد دخترک نورسیده نارپستان، دربانی آنان می کنند و در هر روز، کرامتی از جانب خدای عز و جل نزدشان می آید تا خداوند با آنان به مؤمنان، مژده دهد.

٤ / ٦ غُرْفَ الْجَنَّةِ الْكِتَابِ «وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ» . (١)

«لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَّيِّتَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَأَخْلِفَ اللَّهُ الْمِعَادَ» . (٢)

الحديث ٦٦٠٣. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَاءَوْنَ (٣) الْغُرْفَ فِي الْجَنَّةِ ، كَمَا تَتَرَاءَوْنَ الْكَوْكَبَ فِي السَّمَاءِ . (٤) ٦٦٠٤. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَاءَوْنَ أَهْلَ الْغُرْفِ مِنْ فَوْقِهِمْ ، كَمَا تَتَرَاءَوْنَ الْكَوْكَبَ الدَّرِّيَّ الْغَابِرَ فِي الْأُفُقِ مِنَ الْمَشْرِقِ أَوْ الْمَغْرِبِ ، لِتَفَاضُلِ مَا بَيْنَهُمْ . (٥) ٦٦٠٥. امام على عليه السلام: سنن الترمذى عن أبى هريره عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَاءَوْنَ فِي الْغُرْفِ كَمَا تَتَرَاءَوْنَ الْكَوْكَبَ الشَّرْقِيَّ أَوْ الْكَوْكَبَ الْغَرْبِيَّ الْغَابِرَ فِي الْأُفُقِ وَالطَّالِعَ فِي تَفَاضُلِ الدَّرَجَاتِ ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَوْلَيْكَ النَّبِيُّونَ؟ قَالَ: بَلَى ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! وَأَقْوَامٌ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ، وَصَدَّقُوا الْمُرْسَلِينَ . (٦)

١- العنكبوت : ٥٨ .

٢- الزمر : ٢٠ .

٣- لَيَتَرَاءَوْنَ : أَيْ يَنْظُرُونَ وَيَرَوْنَ (النهايه : ج ٢ ص ١٧٧ «رأى»).

٤- صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢٣٩٩ ح ٦١٨٨ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٧٧ ح ١٠ ، سنن الدارمى : ج ٢ ص ٧٩٣ ح ٢٧٢٦ ، مسند أبى يعلى : ج ٦ ص ٤٩٦ ح ٧٤٩٠ كلها عن سهل بن سعد نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧٥ ح ٣٩٣٢٢ .

٥- صحيح البخارى : ج ٣ ص ١١٨٨ ح ٣٠٨٣ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٧٧ ح ٢٨٣١ كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧٥ ح ٣٩٣٢٣ ؛ المحجّه البيضاء : ج ٨ ص ٣٦٨ وليس فيه «الدري» .

٦- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٩٠ ح ٢٥٥٦ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٣٤ ح ٨٤٣١ نحوه ، الزهد لابن المبارك (الملحقات) : ص ١٢٦ ح ٤١٨ وفيه «قال : لا ، بل والذى نفسى بيده أقوام . . .» بدل «قال : بلى ، والذى نفسى بيده ، وأقوام . . .» وكلها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٩٣ ح ٣٩٣٩٨ .

۴ / ۶ بالاخانه های بهشت

۴ / ۶ بالاخانه های بهشتقرآن «و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، قطعاً آنان را در بالاخانه هایی از بهشت جای می دهیم که از زیر آنها ، جوی ها روان اند ، در حالی که در آنها جاودان خواهند بود . چه نیکوست پاداش عمل کنندگان !».

«لیکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند ، برایشان بالاخانه هایی است که بالای آنها ، بالاخانه هایی [دیگر] ، بنا شده است . جوی ها از زیر آنها روان اند . وعده خداست . خدا خلف وعده نمی کند».

حدیث ۶۶۱۲. الإمام الصادق علیه السلام عن آبائه عليهم السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اهل بهشت ، بالاخانه های بهشتی را می بینند چنان که شما ستاره را در آسمان می بینید. ۶۶۱۳. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اهل بهشت ، ساکنان بالاخانه ها [ی بهشت] را بر فراز خود ، می بینند چنان که شما ، ستاره درخشان ایستاده در افق مشرق یا مغرب را می بینید ، به خاطر تفاوتی که میان آنان است. ۶۶۰۹. امام علی علیه السلام : سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «اهل بهشت ، بالاخانه های بهشت را می بینند آن گونه که شما ، ستاره شرقی یا ستاره غربی را در حال غروب یا طلوع در افق می بینید ، به خاطر تفاوت درجاتی که میان آنان است» .

اصحاب گفتند : ای پیامبر خدا ! آنان (غرفه نشینان) ، پیامبران اند؟

فرمود : «آری . سوگند به آن که جانم در دست اوست ، آنها و نیز مردمانی که به خدا و پیامبرش ایمان آوردند و پیامبران را تصدیق کردند» .

٦٦١٠. إمام علي عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَعُرْفًا يُرَى ظُهُورُهَا مِنْ بُطُونِهَا، وَبُطُونُهَا مِنْ ظُهُورِهَا. فَقَامَ إِلَيْهِ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ: لِمَنْ هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ، وَأَطَعَمَ الطَّعَامَ، وَأَدَامَ الصِّيَامَ، وَصَلَّى لِلَّهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ. (١) ٦٦١١. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا، وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا، يَسْكُنُهَا مِنْ أُمَّتِي مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ، وَأَطَعَمَ الطَّعَامَ، وَأَفْشَى السَّلَامَ، وَأَدَامَ الصِّيَامَ، وَصَلَّى بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يُطِيقُ هَذَا مِنْ أُمَّتِكَ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، أَوْ مَا تَدْرِي مَا إِطَابَةُ الْكَلَامِ؟ مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» عَشْرَ مَرَّاتٍ.

وَإِطْعَامِ الطَّعَامِ نَفَقَةَ الرَّجُلِ عَلَى عِيَالِهِ.

وَأَمَّا إِدَامَةُ الصِّيَامِ فَهُوَ أَنْ يَصُومَ الرَّجُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ يُكْتَبُ لَهُ صَوْمَ الدَّهْرِ.

وَأَمَّا الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ، فَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَصَلَاةَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ وَصَلَاةَ الْغَدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ.

وَإِفْشَاءُ السَّلَامِ أَنْ لَا يَبْخَلَ بِالسَّلَامِ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ. (٢).

١- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٧٣ ح ٢٥٢٧ عن النعمان بن سعد، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٤٩ ح ٢٢٩٦٨ عن أبي مالك الأشعري عنه صلى الله عليه و آله نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٤٠ ح ٤٤٣٠٦.

٢- معاني الأخبار: ص ٢٥١ ح ١، الأمالى للصدوق: ص ٤٠٧ ح ٥٢٤ وليس فيه «وَأَدَامَ الصِّيَامَ» و «أَمَّا إِدَامَةُ الصِّيَامِ» إِلَى «صَوْمِ الدَّهْرِ» وَكِلَاهُمَا عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٦٩ ح ٨٠٩.

۶۶۱۲. امام صادق علیه السلام (به نقل از پدرانش علیهم السلام) امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت، بالاخانه‌هایی است که بیرون آنها از درونشان، و درونشان از بیرونشان، دیده می‌شود».

بادیه نشینی برخاست و گفت: این بالاخانه‌ها، از آن چه کسانی است، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «از آن کسی که سخنِ خوش بگوید، و اطعام کند، و پیوسته روزه بدارد، و شب هنگام که مردم خفته‌اند، او برای خدا نماز بگزارد». ۶۶۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش، از امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت، بالاخانه‌هایی است که بیرون آنها از درونشان، و درونشان از بیرون آنها دیده می‌شود. کسانی از امت من، در این بالاخانه‌ها ساکن خواهند شد که سخنِ خوش بگویند و اطعام کنند و به همگان، سلام گویند و پیوسته روزه بدارند و شب هنگام که مردم خواب‌اند، نماز بگزارند».

گفتم: ای پیامبر خدا! چه کس از امت تو، طاقت این کارها را دارد؟

فرمود: «ای علی! مگر نمی‌دانی که سخنِ خوش چیست؟ کسی که هر صبح و شام، ده مرتبه بگوید: پاکا خدا! ستایش، خدای را. معبودی جز خدای یکتا نیست. خداوند، بزرگ‌تر است».

و اطعام کردن، آن است که مرد، خرجی خانواده‌اش را بدهد.

و پیوسته روزه گرفتن، آن است که انسان، ماه رمضان و سه روز از هر ماه را روزه بگیرد. اینها برایش [به مثابه] روزه مادام‌العمر، نوشته می‌شود.

و امّا نماز گزاردن در شب، هنگامی که مردمان خفته‌اند: کسی که نماز مغرب و نماز عشا و نماز صبح را در مسجد با جماعت بخواند، چنان است که تمام شب را به عبادت، گذرانده باشد.

سلام کردن بر همگان نیز آن است که از سلام کردن بر هیچ مسلمانی، دریغ نرزد»..

٦٤١٤. رسول الله صلى الله عليه وآله: حليه الأولياء عن جابر بن عبد الله: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِعُرْفِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ عُرْفًا مِنْ أَلْوَانِ الْجَوَاهِرِ، يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا، فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ وَالنَّوَابِ وَالْكَرَامَةِ مَا لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا عَيْنٌ رَأَتْ.

فَقُلْنَا: يَا بَيْنَا أَنْتَ وَأَمَّنَّا يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَنْ تِلْكَ؟

فَقَالَ: لِمَنْ أَفْشَى السَّلَامَ، وَأَدَامَ الصِّيَامَ، وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ، وَصَلَّى وَالنَّاسَ نِيَامًا.

فَقُلْتُ: يَا بَيْنَا أَنْتَ وَأَمَّنَّا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ؟

فَقَالَ: مِنْ أُمَّتِي مَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ، وَسَيَأْخُذُكُمْ عَمَّنْ يُطِيقُ ذَلِكَ: مَنْ لَقِيَ أَحَاهُ الْمُسْلِمَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَزَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَقَدْ أَفْشَى السَّلَامَ، وَمَنْ أَطْعَمَ أَهْلَهُ وَعِيَالَهُ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يُشْبِعَهُمْ فَقَدْ أَطْعَمَ الطَّعَامَ، وَمَنْ صَامَ رَمَضَانَ وَمِنْ كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَقَدْ أَدَامَ الصِّيَامَ، وَمَنْ صَيَّأَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَالغَدَاةَ فِي جَمَاعَةٍ فَقَدْ صَيَّأَ وَالنَّاسَ نِيَامًا؛ الْيَهُودُ (١) وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسُ. (٢) ٤ / ٧ عُنُونُ الْجَنَّةِ الْكِتَابُ «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا». (٣)

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ * تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ * يُشْقَوْنَ مِنَ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ * خِتْمُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ * وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ». (٤)

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُنُودٍ * وَفَوْقَهُمْ مِمَّا يَشْتَهُونَ * كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * إِنَّا كَذَبْنَا لَكَ نَجْرَى الْمُحْسِنِينَ». (٥)

«عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسِيلًا». (٦)

«فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ». (٧)

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ». (٨)

١- في إحياء علوم الدين: «يعنى اليهود...».

٢- حليه الأولياء: ج ٢ ص ٣٥٦، إحياء علوم الدين: ج ٤ ص ٧٧٦ نحوه.

٣- الإنسان: ٥ و ٦.

٤- المطففين : ٢٨ ٢٢.

٥- المرسلات : ٤٤ ٤١.

٦- الإنسان : ١٨.

٧- الغاشية : ١٢.

٨- الحجر : ٤٥ ، الذاريات : ١٥ . وراجع : الدخان : ٥٢ .

۴ / ۷ چشمه های بهشت

۶۶۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حلیه الأولیاء به نقل از جابر بن عبد الله: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به میان ما آمد و فرمود: «آیا شما را از بالاخانه های بهشتیان، خبر ندهم؟».

گفتیم: چرا. پدر و مادرمان به فدایت، ای پیامبر خدا!

فرمود: «در بهشت، بالاخانه هایی از گوهرهای رنگارنگ، وجود دارد که بیرون آنها از درونشان، و درونشان از بیرونشان، دیده می شود و در آنها، چنان نعمت و پاداش و کرامتی است که هیچ گوشی نشنیده و هیچ چشمی ندیده است».

گفتیم: پدر و مادرمان به فدایت، ای پیامبر خدا! اینها برای چه کسانی است؟

فرمود: «برای کسی که سلام را انتشار دهد و پیوسته روزه بدارد و اطعام کند و زمانی که مردم در خواب اند، او به نماز پردازد».

گفتیم: پدر و مادرمان به فدایت، ای پیامبر خدا! چه کسی از پس این کارها بر می آید؟

فرمود: «در میان امت من، هستند کسانی که از پس این کارها بر می آیند، و من به شما خبر می دهم که چه کسی توان آنها را دارد: کسی که به برادر مسلمانش بر خورد و به او سلام کند و جواب سلامش را بدهد، سلام را انتشار داده است، و کسی که خانواده و عائله اش را غذا دهد تا جایی که آنها را سیر گرداند، اطعام کرده است، و کسی که رمضان را و سه روز از هر ماه را روزه بگیرد، پیوسته روزه گرفته است، و کسی که نماز عشا و صبح را با جماعت بخواند، در زمانی که مردم، [یعنی: یهود و نصارا و مجوس، خوابیده اند، نماز گزارده است]». ۴ / ۷ چشمه های بهشتقرآن «همانا نیکان، از جامی می نوشند که آمیزه ای از کافور دارد؛ چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و آن را [به دلخواه خویش] جاری می سازند».

«همانا نیکان، در نعمت اند، [و نشسته] بر تخت ها می نگرند. طراوت نعمت را در چهره هایشان می یابی. از باده ای مهر شده، نوشانیده می شوند که مهرش مُشک است و در این [نعمت ها] مشتاقان، باید بر یکدیگر پیشی بگیرند و آمیخته با [آب چشمه] تسنیم است؛ چشمه ای که مقربان، از آن می نوشند».

«همانا پرهیزگاران، در سایه ساران و [کنار] چشمه ساران اند و میوه هایی از هر آنچه خواهند، [مهیاست]. به پاداش آنچه می کردید، بخورید و بنوشید. گوارایتان باد! ما این گونه، نیکوکاران را پاداش می دهیم».

«چشمه ای در آن جا، که سلسبیل نامیده می شود».

«در آن جا، چشمه ای روان است».

«همانا پرهیزگاران ، در بهشت ها و [کنار] چشمه ساران اند.»

الحديث ٦٦٢٤. امام زين العابدين عليه السلام (در دعا) رسول الله صلى الله عليه وآله : أَرْبَعُ عُيُونٍ فِي الْجَنَّةِ : عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ ؛ إِحْدَاهُمَا الَّتِي ذَكَرَ اللَّهُ : «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» ، وَالْأُخْرَى الرَّنَجِيلُ ، وَالْأُخْرَيَانِ نَضَّاحَتَانِ (١) مِنْ فَوْقِ الْعَرْشِ ؛ إِحْدَاهُمَا الَّتِي ذَكَرَ اللَّهُ : «عَيْنَا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسِيلاً» ، وَالْأُخْرَى «التَّسْنِيمُ» (٢) . (٣) ٦٦٢٥. عنه عليه السلام (فى دُعَائِهِ يَوْمَ الْخَمِيسِ) (عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ فِي الْفِرْدَوْسِ لَعَيْنَا أَحْلَى مِنَ الشَّهَدِ ، وَالْأَيْنَ مِنَ الزُّبْدِ ، وَأَبْرَدَ مِنَ الثَّلْجِ ، وَأَطْيَبَ مِنَ الْمِسْكِ ، فِيهَا طِينَةٌ خَلَقْنَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهَا وَخَلَقَ مِنْهَا شَيْعَتَنَا ، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ تِلْكَ الطَّيْنَةِ فَلَيْسَ مِنَّا وَلَا مِنْ شَيْعَتِنَا ، وَهِيَ الْمِيثَاقُ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَوَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٤) .

١- .عَيْنُ نَضَّاحَةٍ : أى كثيره الماء فواره (النهايه : ج ٥ ص ٧١ «نضخ»).

٢- .التسليم : عين فى الجنة، رفيفه القدر (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٤٢٩ «سنم»).

٣- .تفسير القرطبي : ج ١٩ ص ١٢٧ ، الدر المنثور : ج ٨ ص ٣٧٥ كلاهما نقلاً عن الحكيم الترمذى فى نوادر الأصول عن الحسن .

٤- .الأمالى للطوسى : ص ٣٠٨ ح ٦٢٠ ، بشاره المصطفى : ص ٢٠٧ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، أعلام الدين : ص ١٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٧٣ ح ١١٧ .

حدیث ۶۶۲۷. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، چهار چشمه است: دو چشمه از زیر عرش، جاری می شوند که یکی از آنها، همان است که خدا فرموده: «و آن را [به دلخواه خویش] جاری می سازند».

و دیگری، «زَنْجَبِيل» است. دو چشمه دیگر نیز از فراز عرش می جوشند که یکی از آنها، همان است که خداوند فرموده: «چشمه ای است در آن جا، که سَلْسَبِيل نامیده می شود» و دیگری، «تَسْنِيم» است. ۶۶۲۸. عنه علیه السلام (مِنْ دُعَائِهِ فِي الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در فردوس (پردیس)، چشمه ای است شیرین تر از شهد، نرم تر از خامه، خُنْكَ تر از برف، و خوش بوتر از مُشْك. در آن، گلی است که خدای عز و جل، ما و پیروان ما را از آن آفرید. بنا بر این، هر که از آن گِل نباشد، از ما و از پیروان ما نیست. آن، همان پیمانی است که خدای عز و جل در باره ولایت علی بن ابی طالب، گرفت..

٦٦٢٩. عنه عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام في قوله تعالى: «نَضْرَةَ النَّعِيمِ»: «هِيَ عَيْنٌ فِي الْجَنَّةِ، يَتَوَضَّؤُونَ مِنْهَا وَيَعْتَسِمُونَ، فَتَجْرِي عَلَيْهِمْ نَضْرَةُ النَّعِيمِ». (١) ٦٦٢٥. إمام زين العابدين عليه السلام (در دعای روز پنجشنبه) الزهد للحسن بن سعيد عن محمد بن مسلم: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْجَهَنَّمِيِّينَ، فَقَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يَخْرُجُونَ مِنْهَا فَيَنْتَهِي بِهِمْ إِلَى عَيْنٍ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ تُسَمَّى: عَيْنَ الْحَيَوَانِ، فَيَنْضَحُ عَلَيْهِمْ مِنْ مَائِهَا، فَيَبْتُؤُونَ كَمَا يَبْتُؤُ الزَّرْعُ لِحَوْمِهِمْ وَجُلُودِهِمْ وَشُعُورِهِمْ. (٢) ٦٦٢٦. إمام زين العابدين عليه السلام: الاختصاص عن عبد الله بن سنان: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحَوْضِ، فَقَالَ لِي: هُوَ حَوْضٌ مَا بَيْنَ بُصْرَى (٣) إِلَى صَيْنَعَاءَ، أَتُحِبُّ أَنْ تَرَاهُ؟ فَقُلْتُ لَهُ: نَعَمْ، قَالَ: فَأَخَذَ بِيَدِي وَأَخْرَجَنِي إِلَى ظَهْرِ الْمِيدَانِ، ثُمَّ ضَرَبَ بِرِجْلِهِ، فَظَهَرَتْ إِلَى نَهْرِ يَجْرِي مِنْ جَانِبِهِ هَذَا مَاءٌ أَبْيَضٌ مِنَ التَّلْجِ، وَمِنْ جَانِبِهِ هَذَا لَبَنٌ أَبْيَضٌ مِنَ التَّلْجِ، وَفِي وَسْطِهِ خَمْرٌ أَحْسَنُ مِنَ الْيَاقُوتِ، فَمَا رَأَيْتُ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْ تِلْكَ الْخَمْرِ بَيْنَ اللَّبَنِ وَالْمَاءِ!

فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، مِنْ أَيْنَ يَخْرُجُ هَذَا؟ وَمِنْ أَيْنَ مَجْرَاهُ؟ فَقَالَ: هَذِهِ الْعُيُونُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ أَنَّهُارٌ فِي الْجَنَّةِ: عَيْنٌ مِنْ مَاءٍ، وَعَيْنٌ مِنْ لَبَنٍ، وَعَيْنٌ مِنْ خَمْرٍ، يَجْرِي فِي هَذَا النَّهْرِ.

وَرَأَيْتُ حَافَتَيْهِمَا عَلَيْهِمَا شَجَرٌ فِيهِنَّ جَوَارٍ مُعْلَقَاتٌ بِرُؤُوسِهِنَّ، مَا رَأَيْتُ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْهُنَّ، وَبِأَيْدِيهِنَّ آتِيَهُ مَا رَأَيْتُ أَحْسَنَ مِنْهَا لَيْسَتْ مِنْ آتِيَةِ الدُّنْيَا. (٤).

- ١- الدر المنثور: ج ٨ ص ٤٥١، كنز العمال: ج ٢ ص ٥٤٨ ح ٤٦٩٦ كلاهما نقلاً عن ابن المنذر.
- ٢- الزهد للحسين بن سعيد: ص ٩٥ ح ٢٥٦ عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٣٦٠ ح ٢٩.
- ٣- بصرى: موضع بالشام من أعمال دمشق (معجم البلدان: ج ١ ص ٤٤١).
- ٤- الاختصاص: ص ٣٢١، بصائر الدرجات: ص ٤٠٣ ح ٣ نحوه، بحار الأنوار: ج ٢٥ ص ٣٨١ ح ٣٥.

۶۶۲۷. امام زین العابدین علیه السلام: امام علی علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «طراوت نعمت»: آن، چشمه ای است در بهشت که از آن، وضو می گیرند و غسل می کنند. پس طراوت نعمت، بر آنان جاری می شود. ۶۶۲۸. امام زین العابدین علیه السلام (از دعایش در صبح و شام) الزهد، حسین بن سعید به نقل از محمد بن مسلم: از امام صادق علیه السلام در باره دوزخیان پرسیدم. فرمود: «[پدرم] باقر علیه السلام می فرمود: از دوزخ، بیرون می آیند و به کنار چشمه ای بر در بهشت، به نام چشمه زندگانی، برده می شوند و از آب آن، بر آنان می پاشند و گوشت و پوست و موهایشان، همچنان که کشته می روید می روید». ۶۶۲۹. امام زین العابدین علیه السلام: الاختصاص به نقل از عبد الله بن سنان: از امام صادق علیه السلام در باره حوض [کوثر] پرسیدم. به من فرمود: «حوضی است از بصرا (۱) تا صنعا. دوست داری آن را ببینی؟». گفتم: آری.

پس دستم را گرفت و مرا به پشت مدینه برد. سپس با پایش به زمین زد و من، رودی را دیدم که از این کنارش، آبی سفیدتر از برف، روان بود و از آن کنارش، شیری سفیدتر از برف، و در وسطش، باده ای خوش رنگ تر از یاقوت، به طوری که هرگز، چیزی خوش رنگ تر از آن باده در وسط شیر و آب، ندیده بودم.

به امام علیه السلام گفتم: قربانت گردم! این نهر، از کجا سرچشمه می گیرد و از کجا جاری می شود؟ فرمود: «این چشمه هایی که خداوند در کتابش از آنها یاد کرده، نهرهایی در بهشت اند: چشمه ای از آب، چشمه ای از شیر، و چشمه ای از باده، که در این نهر، جریان می یابند».

در دو کرانه نهر، درختانی دیدم و بر آنها، دخترکانی به سرهایشان آویزان بودند که زیباتر از آنها در عمرم ندیده بودم و در دست هایشان، ظرف هایی بود در نهایت زیبایی که از نوع ظرف های دنیا نبودند..

۱- جایی است در شام، از توابع دمشق.

٦٦٣٠. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «وَمَزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ»: «أَشْرَفُ شَرَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَأْتِيهِمْ فِي عَالِي تَسْنِيمٍ؛ وَهِيَ عَيْنٌ يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ، وَالْمُقَرَّبُونَ: آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (١). ٦٦٣١. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام في الدعاء: «اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا، وَفِي عَلِيِّينَ فَارْفَعْنَا، وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنِ سَيْلَسِيلٍ فَاسْقِنَا، وَمِنْ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا» (٢) / ٤ / ٨. أنهار الجنة الكتاب «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَلِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ» (٣).

الحديث ٦٦٣٣. امام زين العابدين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَحْرَ الْمَاءِ، وَبَحْرَ الْعَسَلِ، وَبَحْرَ اللَّبَنِ، وَبَحْرَ الْخَمْرِ، ثُمَّ تَشَقُّقُ الْأَنْهَارُ بَعْدُ» (٤).

١- تفسير القمّي: ج ٢ ص ٤١١، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ٦ ح ١٨.

٢- الإقبال: ج ١ ص ٢٢٤ عن أبي بصير، مصباح المتهجد: ص ٦٢ ح ٧١ وليس فيه «عين»، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١١٧ ح ٣.

٣- محمّد: ١٥ وراجع: البقره: ٢٥؛ آل عمران: ١٥، ١٣٦، ١٩٥، ١٩٨؛ النساء: ١٣، ٥٧، ١٢٢؛ المائدة: ١٢، ٨٥، ١١٩؛ الأعراف: ٤٣؛ التوبه: ٧٢، ٨٩، ١٠٠؛ الرعد: ٣٥؛ إبراهيم: ٢٣؛ النحل: ٣١؛ طه: ٧٦؛ الحج: ١٤، ٢٣؛ الفرقان: ١٠؛ العنكبوت: ٥٨؛ الزمر: ٢٠؛ محمّد: ١٢؛ الفتح: ٥ و ١٧؛ القمر: ٥٤؛ الحديد: ١٢؛ المجادله: ٢٢؛ الصف: ١٢؛ الطلاق: ١١؛ التحريم: ٨؛ البروج: ١١؛ البيئه: ٨.

٤- سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٩٩ ح ٢٥٧١، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٢٤٢ ح ٢٠٧٢، سنن الدارمی: ج ٢ ص ٧٩٤ ح ٢٧٣١ وليس فيه «بحر الماء»، المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٤٢٤ ح ١٠٣٢، حليه الأولياء: ج ٦ ص ٢٠٥ كلّها عن حكيم بن معاوية عن أبيه نحوه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٥٥ ح ٣٩٢٣٩.

۴ / ۸ جویبارهای بهشت

۶۶۳۴. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «و آمیخته با تسنیم است»: بهترین نوشیدنی بهشتیان، از بلندای تسنیم، برایشان می آید. تسنیم، چشمه ای است که مقربان، از آن می نوشند، و مقربان، همان خاندان محمد صلی الله علیه و آله هستند. ۶۶۳۵. الإمام الباقر علیه السلام: امام صادق علیه السلام در دعا: بار خدایا! به رحمت خود، ما را در زمره شایستگان، در آور و به درجات عالی، بالا ببر و با پیاله هایی از باده ناب از چشمه سلسبیل، بر ما بنوشان، و به رحمت خود، از سیه چشمان بهشتی، به همسری ما در آور». ۴ / ۸ جویبارهای بهشتقرآن «مَثَلُ بهشتی که به پرهیزگاران، وعده داده شده، [چونان باغی است که] در آن، جویبارهایی است از آبی که [رنگ و بو و مزه اش] برنگشته است و جویبارهایی از شیری که مزه اش دگرگون نمی شود، و جویبارهایی از باده ای لذیذ برای نوشندگان، و جویبارهایی از انگبین ناب، و در آن جا، از هر گونه میوه ای برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگار آنهاست. [آیا چنین کسی در چنین باغی دل انگیز [مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می شود تا روده هایشان را از هم فرو پاشد؟].»

حدیث ۶۶۳۷. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، دریای آب و دریای انگبین و دریای شیر و دریای باده هست. آن گاه، نهرها جاری می گردند.

٦٦٣٨. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله لَمَّا سُئِلَ عَنِ أَنْهَارِ الْجَنَّةِ : كَمْ عَرَضُ كُلِّ نَهْرٍ مِنْهَا؟ : عَرَضُ كُلِّ نَهْرٍ مَسِيرَهُ خَمْسَ مِائَةِ عَامٍ ، يَدُورُ تَحْتَ الْقُصُورِ وَالْحُجُبِ ، تَتَعَنَّى أَمْوَاجُهُ ، وَتُسَبِّحُ وَتَطْرَبُ فِي الْجَنَّةِ كَمَا يَطْرَبُ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا. (١) ٦٦٣٩. عنه عليه السلام: بحار الأنوار عن ابن عباس في خَبَرِ طَوِيلٍ يَذْكُرُ فِيهِ مَسَائِلَ سَأَلَهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فَأَخْبَرَنِي عَنِ أَنْهَارِ الْجَنَّةِ مَا هِيَ؟ قَالَ : يَا بْنَ سَلَامٍ ، لَبَنٌ لَمْ يَتَغَيَّرِ طَعْمُهُ ، وَخَمْرٌ ، وَعَسَلٌ مُصَفَّى ، وَمَاءٌ غَيْرُ آسِنٍ .

قَالَ : صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ ، فَجَامِدَةٌ هِيَ أَمْ جَارِيَةٌ؟ قَالَ : بَلْ جَارِيَةٌ بَيْنَ أَشْجَارِهَا. قَالَ : فَهَلْ تَنْقُصُ أَمْ تَزِيدُ؟ قَالَ : لَا يَا بْنَ سَلَامٍ ، قَالَ : فَهَلْ لِذَلِكَ مَثَلٌ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ : نَعَمْ ، قَالَ : وَمَا هُوَ؟ قَالَ : يَا بْنَ سَلَامٍ ، أَنْظِرِ إِلَى الْبِحَارِ تُمْطِرُ فِيهَا السَّمَاءُ وَتَتَمِدُّهَا الْأَنْهَارُ مِنَ الْأَرْضِ فَلَا تَزِيدُ وَلَا تَنْقُصُ .

قَالَ : صِفْ لِي أَنْهَارَ الْجَنَّةِ . قَالَ : يَا بْنَ سَلَامٍ ، فِي الْجَنَّةِ نَهْرٌ يُقَالُ لَهُ : الْكَوْثَرُ ، رَائِحَتُهُ أَطْيَبُ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ (٢) وَالْعَبِيرِ ، حَصَاءُ الدُّرِّ وَالْيَاقُوتِ ، عَلَيْهِ خِتَامٌ مِنَ اللُّؤْلُؤِ الْأَبْيَضِ ، وَهُوَ مَنزِلُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَالَى . (٣) ٦٦٤٠. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله : أَنْهَارُ الْجَنَّةِ تَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ تِلَالٍ أَوْ مِنْ تَحْتِ جِبَالٍ مِسْكِ . (٤) .

١- .جامع الأخبار: ص ٣٤٨ ح ٩٥٩ ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٤٦ ح ٧١.

٢- .الأذفر: طيب الريح (النهاية: ج ٢ ص ١٦١ «ذفر»).

٣- .بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٢٥٥ عن ابن عباس وراجع: مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٧٥ ح ١٦٢٠٦ والمستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٦٠٧ ح ٨٦٨٣.

٤- .صحیح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤٢٣ ح ٧٤٠٨ ، البعث والنشور: ص ١٨٣ ح ٢٦٦ ، تفسير ابن أبي حاتم: ج ١ ص ٦٥ ح ٢٥٢ ، تفسير ابن كثير: ج ١ ص ٩٠ ، تاريخ دمشق: ج ٤٠ ص ٤١٣ ح ٨١٣٤ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٦٤٥ ح ٣٩٧٧٢.

۶۶۴۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ این سؤال از جویبارهای بهشت که: پهنای هر یک از جویبارهای آن، چه قدر است؟: پهنای هر جویباری، پانصد سال راه است. هر نهر، از میان کاخ ها و پرده ها (/ موانع)، پیچ و تاب خوران می گذرد و امواجش، نغمه سر می دهند و تسبیح می گویند و در بهشت، سرخوشی می کنند، چنان که مردم در دنیا، سرخوشی می نمایند. ۶۶۳۸. امام صادق علیه السلام: بحار الأنوار به نقل از ابن عباس، در حدیثی طولانی که در آن از مسائلی که عبد الله بن سلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید، یاد می کند: مرا از جویبارهای بهشت، خبر ده که آنها چیستند؟ فرمود: «ای پسر سلام! شیری که مزه اش هرگز تغییر نمی کند، و باده ای، و انگبینی ناب، و آبی که رنگ و مزه اش دگرگون نمی گردد».

ابن سلام گفت: درست گفתי، ای محمد! آیا این جویبارها، جامدند یا روان؟ فرمود: «در میان درختان بهشت، روان اند». ابن سلام گفت: آیا این جویبارها، کاستی و فزونی می یابند؟ فرمود: «نه، ای پسر سلام!». گفت: آیا برایشان، نمونه ای در دنیا هست؟ فرمود: «آری». گفت: چه چیز؟ فرمود: «ای پسر سلام! به دریاها بنگر. در آنها از آسمان، باران می بارد و از زمین نیز رودها به آنها می ریزند؛ اما آب دریاها، کم و زیاد نمی شود».

ابن سلام گفت: جویبارهای بهشت را برایم توصیف کن. فرمود: «ای پسر سلام! در بهشت، جویباری است که به آن، کوش می گویند. بویش خوش تر از بوی مُشک تیزبو و عنبر است، ریگ هایش دُر و یاقوت اند، و با مرواریدی سفید، مُهر شده است. آن، منزلگاه دوستان خدای بلندمرتبه است». ۶۶۳۹. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جویبارهای بهشت، از زیر تپه های (/ از زیر کوه های) مُشک، بیرون می آیند. .

٦٦٤٠.امام صادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَنْهَارَ الْجَنَّةِ تَجْرِي فِي غَيْرِ أُخْدُودٍ ، أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ التَّلْجِ ، وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ ، وَأَلْيَنُ مِنَ الزُّبْدِ ، طِينُ النَّهْرِ مِسْكٌ أَذْفَرُ ، وَحِصَاةُ الدَّرِّ وَالْيَاقُوتِ ، تَجْرِي فِي عُيُونِهِ وَأَنْهَارِهِ حَيْثُ يَشْتَهَى وَيُرِيدُ فِي جَنَاتِهِ وَلِيُّ اللَّهِ ، فَلَمَّا أَضَافَ مَنَ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَأَوْسِيَعِهِمْ طَعَامًا وَشَرَابًا وَحَلَالًا- وَحَلِيًّا، لا- يَنْقُصُهُ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ .
 (١)٦٦٤١.امام صادق عليه السلام: حليه الأولياء عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: لَعَلَّكُمْ تَظُنُّونَ أَنَّ أَنْهَارَ الْجَنَّةِ أُخْدُودٌ فِي الْأَرْضِ ، لا- وَاللَّهِ إِنَّهَا لَسَائِحَةٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ ، حَافَتَاهَا خِيَامُ اللُّؤْلُؤِ ، وَطِينُهَا الْمِسْكُ الْأَذْفَرُ . قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا الْأَذْفَرُ؟ قَالَ : الَّذِي لا خِلْطَ مَعَهُ . (٢)٦٦٤٢.الإمام الكاظم عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ نَهْرًا يُقَالُ لَهُ : رَجَبٌ ، أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ ، مَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ يَوْمًا سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ . (٣)٦٦٤٣.الإمام الرضا عليه السلام: الإمام الكاظم عليه السلام: رَجَبٌ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ ، أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ ، مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ . (٤)٦٦٤٤.الإمام المهدي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: الكَوْثَرُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ ، حَافَتَاهُ مِنْ ذَهَبٍ ، وَمَجْرَاهُ عَلَى الدَّرِّ وَالْيَاقُوتِ ، تُرْبَتُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ ، وَمَاؤُهُ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَأَبْيَضُ مِنَ التَّلْجِ . (٥) .

- ١- الاختصاص : ص ٣٥٧ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٢١٩ ح ٢١١ .
- ٢- حليه الأولياء : ج ٦ ص ٢٠٥ ، الدرّ المنثور : ج ١ ص ٩٥ نقلاً عن ابن مردويه و أبي نعيم والضياء المقدسي ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٦٣ ح ٣٩٢٧٧ .
- ٣- شعب الإيمان : ج ٣ ص ٣٦٧ ح ٣٨٠٠ ، الجامع الصغير : ج ١ ص ٣٥٥ ح ٢٣٢٦ نقلاً عن الشيرازي في الألقاب وكلاهما عن أنس .
- ٤- تهذيب الأحكام : ج ٤ ص ٣٠٦ ح ٩٢٤ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٩٢ ح ١٨٢١ ، المقنعه : ص ٣٧٢ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، ثواب الأعمال : ص ٧٨ ح ٢ عن المبارك بن زيد ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٧٥ ح ١٢٦ .
- ٥- سنن الترمذي : ج ٥ ص ٤٥٠ ح ٣٣٦١ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٤٥٠ ح ٤٣٣٤ ، سنن الدارمي : ج ٢ ص ٧٩٥ ح ٢٧٣٢ ، مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٥٤٧ ح ٦٤٨٦ كلها عن ابن عمر والثلاثة الأخيره نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٢٣ ح ٣٩١٤٦ .

۶۶۴۲. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جویبارهای بهشت، در شیارها جاری نیستند و از برف، سفیدتر، و از عسل، شیرین تر، و از خامه، نرم ترند. گِل جویبار، مُشکی ناب است و ریگ هایش، دُر و یاقوت اند، و در چشمه ها و جویبارهایش، تا هر کجا که ولّی خدا بخواهد و اراده کند، روان می شوند. اگر اهل دنیا را، از جن و انس، میهمان کند، می تواند به همه آنها، خوراک و نوشیدنی بدهد و بر همه آنان، جامه و زیور بپوشاند، بی آن که چیزی از او کم شود. ۶۶۴۳. امام رضا علیه السلام: حلیه الأولیاء به نقل از آنس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شاید شما خیال می کنید که جویبارهای بهشت، شکاف هایی در زمین هستند. نه، به خدا! آنها بر روی زمین روان اند، دو کرانه آنها، سراپرده های مرواریدند و گِل آنها، مُشک اذفر است.

گفتم: ای پیامبر خدا! اذفر چیست؟

فرمود: «ناب». ۶۶۴۴. امام مهدی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، نهری است که به آن، «رجب» می گویند و سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل است. هر کس یک روز از ماه رجب، روزه بگیرد، خداوند از آن نهر به او می نوشاند. ۶۶۴۵. الإمام علی علیه السلام: امام کاظم علیه السلام: رجب، نهری است در بهشت که سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل است. هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از آن نهر به او می نوشاند. ۶۶۴۶. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کوثر، نهری است در بهشت که دو کرانه آن از طلاست و بسترش دُر و یاقوت، و خاکش خوش بوتر از مُشک، و آبش شیرین تر از عسل و سفیدتر از برف است. .

٦٦٤٧. عنه عليه السلام (فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ) عنه صلى الله عليه وآله : بَيْنَمَا أَنَا أُسَبِّرُ فِي الْجَنَّةِ ، إِذَا أَنَا بَنَهْرٍ ، حَافَتَاهُ قِبَابُ السُّدْرِ الْمُخَيَّرِ ، قُلْتُ : مَا هَذَا يَا جَبْرِيلُ ؟ قَالَ : هَذَا الْكَوْثَرُ الَّذِي أَعْطَاكَ رَبُّكَ . فَاِذَا طِينُهُ أَوْ طِيْبُهُ (١) مَسَكَ أَذْفُرًا . (٢) ٦٦٤٥. امام على عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : أَكْبَرُ أَنْهَارِ الْجَنَّةِ الْكَوْثَرُ ، تَنْبُتُ الْكَوَاعِبُ الْأَتْرَابُ (٣) عَلَيْهِ ، يَزُورُهُ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٤) ٦٦٤٦. امام على عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : لَمَّا أُسْرِيَ بِي رَأَيْتُ فِي الْجَنَّةِ نَهْرًا أَبْيَضَ مِنَ اللَّبَنِ ، وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ ، وَأَشَدَّ اسْتِقَامَةً مِنَ السَّهْمِ ؛ فِيهِ أَبَارِيقُ عِيدَدِ النُّجُومِ ، عَلَى شَاطِئِهِ قِبَابُ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ وَالذُّرِّ الْأَبْيَضِ . (٥) ٦٦٤٧. امام على عليه السلام (در حکمت های منسوب به او) الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ فِي الْجَنَّةِ نَهْرًا حَافَتَاهُ حُرُورٌ نَابِتَاتٌ ، فَإِذَا مَرَّ الْمُؤْمِنُ بِإِحْدَاهُنَّ فَأَعْجَبَتْهُ اقْتَلَعَهَا ، فَأَنْبَتَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَمَكَانَهَا . (٦) .

١- الترديد من هديه بن خالد أحد رواه الحديث.

٢- صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢٤٠٦ ح ٦٢١٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٣٨٢ ح ١٢٩٨٨ ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ٤٤٩ ح ٣٣٦٠ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ١٥٢ ح ٢٦٦ كلها عن أنس والثلاثة الأخيره نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٢٥ ح ٣٩١٥٣.

٣- أتراب : أى لِدَات تُنْشَأْنَ مَعًا تَشْبِيْهَا فِي التَّسَاوَى وَالتَّمَاثِلِ بِالتَّرَائِبِ التِّى هِى ضُلُوعُ الصِّدْرِ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ١٦٥ «ترب»).

٤- جامع الأخبار : ص ٣٤٨ ح ٩٦٠ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٤٧ ح ٧٢.

٥- المحاسن : ج ١ ص ٢٨٨ ح ٥٦٩ عن الحارث بن محمّد عن حدّثه عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام ، تأويل الآيات الظاهره : ج ٢ ص ٤٤١ عن الحارث بن محمّد عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام ، نوادر الأخبار : ص ٣٨٢ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٣٨ ح ٥٠ .

٦- الكافى : ج ٨ ص ٢٣١ ح ٢٩٩ ، تفسير القمى : ج ٢ ص ٨٢ نحوه وكلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٦٢ ح ١٠٢ .

۶۶۴۸. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همچنان که در بهشت می گشتم، به نهری رسیدم که در دو کرانه اش، سراپرده هایی از دُرّ میان تهی بود. گفتم: «این چیست، جبرئیل؟» .

گفت: این، همان کوثر است که پروردگارت به تو عطا فرموده است .

دیدم گِل آن (/ بوی آن)، (۱) مُشک ناب است. ۶۶۴۹. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بزرگ ترین نهر بهشت، «کوثر» است . دخترکان نورسیده همسال، بر آن می رویند . دوستان خدا، در روز قیامت، به دیدن آن می روند. ۶۶۵۰. الإمام زین العابدین علیه السلام (فی الدعاء) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که به معراج بُرده شدم، در بهشت، نهری دیدم که از شیر، سفیدتر و از شَهْد، شیرین تر و از تیر، راست تر بود و در کنار آن، آب دستانی به شمار ستارگان وجود داشت و بر ساحلش، گنبدهایی از یاقوت سرخ و دُرّ سفید بود. ۶۶۵۱. سعد السعود نقلاً عن الزبور: امام صادق علیه السلام: در بهشت، نهری است که در دو کرانه آن، حور العین روییده اند و هر گاه مؤمن بر یکی از آنها بگذرد و پسندش افتد، او را بر می کند و خداوند عز و جلبه جایش یکی دیگر می رویاند .

۱- .تردید از هدبه بن خالد، یکی از راویان این حدیث است.

٩ / ٤ أشجار الجنة الكتاب «وَأَصِحَبُ الْيَمِينِ مَا أَصِحَبُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ * وَ طَلْحٍ مَنضُودٍ * وَ ظِلٌّ مَمْدُودٍ * وَ مَاءٌ مَسْكُوبٌ * وَ فَكِهَةٌ كَثِيرَةٌ * لَا مَقْطُوعَةٍ وَ لَا مَمْنُوعَةٍ». (١)

الحديث ٦٦٥٣. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: ما في الجنة شجرة إلا وساقها من ذهب. (٢) ٦٦٥٤. سعد السعدي نقلًا عن الزبور: شرح الأخبار عن سلمان: وَرَدْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ عَلَى رَأْسِ رَكِي (٣)، فَقَالَ لِي: ... يَا سَلْمَانَ، إِنَّهُ مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ تَسْبِيحَهُ، أَوْ هَلَّلَهُ تَهْلِيلَهُ، أَوْ كَبَّرَهُ تَكْبِيرَهُ، أَوْ حَمَّدهُ تَحْمِيدَهُ، غَرَسَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ؛ أَصْلُهَا مِنْ ذَهَبٍ، وَفَرْعُهَا مِنَ اللُّؤْلُؤِ، مُكَلَّلَةٌ بِالْيَاقُوتِ، ثَمَرُهَا كَثْدَى الْأَبْكَارِ، أَحْلَى مِنَ الشَّهَدِ، وَأَلْيَنُ مِنَ الزُّبْدِ، كُلَّمَا جُنِبَ مِنْهَا شَيْءٌ عَادَ مَكَانَهُ مِثْلَهُ. (٤) ٦٦٥٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ نَخْلَ الْجَنَّةِ جُدُوعُهَا ذَهَبٌ أَحْمَرٌ، وَكَرْبُهَا زَبْرَجْدٌ أَحْضَرٌ، وَشَمَارِيخُهَا (٥) دُرٌّ أَبْيَضٌ، وَسَعْفُهَا حُلَلٌ خَضِرٌ، وَرُطْبُهَا أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ الْفِضَّةِ، وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، وَأَلْيَنُ مِنَ الزُّبْدِ، لَيْسَ فِيهِ عَجْمٌ (٦)، طُولُ الْعِذْقِ اثْنَا عَشَرَ ذِرَاعًا، مَنْضُودَةٌ مِنْ أَعْلَاهُ إِلَى أَسْفَلِهِ، لَا يُؤْخَذُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا أَعَادَهُ اللَّهُ كَمَا كَانَ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: «لَا مَقْطُوعَةٍ وَ لَا مَمْنُوعَةٍ» وَإِنَّ رُطْبَهَا لَأَمْثَالُ الْقِلَالِ (٧)، وَمَوْزَهَا وَرُمَّانَهَا أَمْثَالُ الدُّلِيِّ (٨)، وَأَمْشَاطُهُمْ وَمَجَامِرُهُمُ الدُّرُّ. (٩).

١- الواقعه: ٢٧ ٣٣.

٢- سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٧١ ح ٢٥٢٥ عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٥٦ ح ٣٩٢٤٧؛ روضه الواعظين: ص ٥٥٤.

٣- الزكوى: البئر، وجمعها ركايا (النهايه: ج ٢ ص ٢٦١ «ركا»).

٤- شرح الأخبار: ج ١ ص ١٧٨ ح ١٣٩، المعجم الكبير: ج ٦ ص ٢٦٦ ح ٦١٦٧، كنز العمال: ج ١ ص ٤٧٤ ح ٢٠٥٩.

٥- الشُّمْرَاخُ: كُلُّ غِصْنٍ مِنْ أَغْصَانِ الْعِذْقِ، وَهُوَ الَّذِي عَلَيْهِ الْبُسْرُ (النهايه: ج ٢ ص ٥٠٠ «شمرخ»).

٦- الْعَجْمُ: النَّوَى (النهايه: ج ٣ ص ١٨٧ «عجم»).

٧- الْقُلَّةُ: الْحُبُّ الْعَظِيمُ [الجزء] وَالْجَمْعُ قِلَالٌ (النهايه: ج ٤ ص ١٠٤ «قل»).

٨- الدَّلُو: مَعْرُوفُهُ، الَّتِي يُسْتَقَى بِهَا، وَالْجَمْعُ: دِلَاءٌ وَدُلَى (لسان العرب: ج ١٤ ص ٢٦٤ «دلا»).

٩- الاختصاص: ص ٣٥٧ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٢١٩ ح ٢١٢ وراجع: المستدرک علی

الصحيحين: ج ٢ ص ٥١٧ ح ٣٧٧٦ و الفردوس: ج ٤ ص ٢٨٨ ح ٦٨٥٠.

۴ / ۹ درخت های بهشت

۴ / ۹ درخت های بهشتقرآن «و دست راستی ها ؛ دست راستی ها کدام اند؟ در [زیر] درختان کُنار بی خار ، و درخت های موز که میوه های شان خوشه خوشه روی هم چیده است ، و سایه ای گسترده ، و آبی ریزان ، و میوه ای فراوان ، نه بریده و نه ممنوع».

حدیث ۶۶۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در بهشت ، هیچ درختی نیست ، مگر آن که تنه اش از طلاست. ۶۶۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شرح الأخبار به نقل از سلمان : بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که بر سر چاهی بود ، وارد شدم . به من فرمود : « ... ای سلمان! هر کس خدا را یک بار تسبیح گوید ، یا یک لا إله إلا الله بگوید ، یا یک الله أكبر بگوید ، یا یک بار حمد او را بگوید ، خداوند عز و جل به ازای آن ، یک درخت در بهشت برایش می کارد که ریشه اش از طلاست و تنه اش از مروارید و مزین به یاقوت است و میوه اش مانند پستان دختران است و از شهد ، شیرین تر و از خامه نرم تر است . هر میوه ای که از آن چیده شود ، به جایش میوه ای دیگر در می آید». ۶۶۵۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخل های بهشت ، تنه های شان زر سرخ ، زیرشاخه های شان زبرجد سبز ، سرشاخه های شان دُر سفید ، شاخه های شان حلّه های سبز ، و رطب های شان سفیدتر از سیم و شیرین تر از انگبین و نرم تر از خامه است و هسته ندارد . طول خوشه ، دوازده گز است که از بالا به پایین چیده شده اند و هر خوشه ای که از آن برگرفته شود ، خداوند ، آن را به حال اولش باز می گرداند و این ، همان سخن خداست که : «نه بریده و نه ممنوع» . رطب های شان به اندازه خُمره است و موز و انارش ، به اندازه دَلُو و شانه ها و عودسوزهای شان دُرند.

٦٦٥٨. عنه صلى الله عليه وآله: المستدرک علی الصحیحین عن أبی امامه: أقبَل أعرابی یوما فقال: یا رسولَ الله، لقد ذکَر الله فی القرآن شَجَرَةً مُؤذِيَةً، وما کُنْتُ أرى أَنَّ فی الجَنَّةِ شَجَرَةً تُؤذِي صاحبِها.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَمَا هِيَ؟

قَالَ: السِّدْرُ، فَإِنَّ لَهَا شَوْكًا!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ»؛ يَخْضِدُ (١) اللَّهُ شَوْكَهُ، فَيَجْعَلُ مَكَانَ كُلِّ شَوْكَةٍ ثَمْرَةً، فَإِنَّهَا تُنْبِتُ ثَمْرًا تُفْتَقُ الثَّمَرَةُ مَعَهَا عَن اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ لَوْنًا، مَا مِنْهَا لَوْنٌ يُشْبَهُ الْآخَرَ. (٢) ٤ / ١٠ شَجَرَةُ طُوبَى ٦٦٦١. عنه صلى الله عليه وآله رسول الله صلى الله عليه وآله: طُوبَى شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ، غَرَسَهَا رَبُّنَا بِيَدِهِ. (٣).

١- خَضَدْتُ الشَّجَرَ: قَطَعْتُ شَوْكَهُ، فَهُوَ خَضِيدٌ وَمَخْضُودٌ (لسان العرب: ج ٣ ص ١٦٣ «خضد»).

٢- المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٥١٨ ح ٣٧٧٨، البعث والنشور: ص ١٨٧ ح ٢٧٦، الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص ٧٤ ح ٢٦٣، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٥ ح ٣٠٥٣ وراجع: المعجم الكبير: ج ١٧ ص ١٣٠ ح ٣١٨.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٢٠١ ح ٣، المحاسن: ج ٢ ص ١٥٢ ح ١٤٠٨، تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢١٢ ح ٤٧ كلَّها عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام وفي الأخيرين من دون إسناد إلى النبي صلى الله عليه وآله، ثواب الأعمال: ص ١٦٥ ح ١ عن علي بن أبى العباس عن الإمام الصادق عليه السلام وكلَّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٤٣ ح ٦٣.

۴ / ۱۰ درخت طوبا

۶۶۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو امامه: روزی بادیه نشینی آمد و گفت: ای پیامبر خدا! خداوند در قرآن از درختِ صدمه زنده ای یاد کرده است، در حالی که من گمان نمی کنم در بهشت، درختی باشد که به صاحبش آسیب برساند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چه درختی؟».

گفت: کُنار؛ زیرا خاردار است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در [زیر] درختان کُنار بی خار». خدا خارهای آن را قطع می کند و به جای هر خاری، میوه ای می گذارد. این درخت، میوه ای می دهد با هفتاد و دو رنگ که هیچ رنگی از آن، شبیه دیگری نیست». ۴ / ۱۰ درخت طوبا ۶۶۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: طوبا، درختی است که از بهشت جاویدان می روید و آن را پروردگار ما با دست خود کاشته است.

٦٦٦٢. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: ما منكم من أحدٍ يدخل الجنة إلا أنطلق به إلى طوبى، فتفتح له أكمامها، فيأخذ من أي ذلك شاء، إن شاء أبيض وإن شاء أحمر وإن شاء أصفر وإن شاء أسود، مثل شقائق النعمان (١) وأرق وأحسن .

(٢) ٦٦٦٣. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: وصف شجره طوبى: هي شجرة غرسها الله عز وجل، ونفخ فيها من روحه، وإن أغصانها لثرى من وراء سور الجنة، تثبت بالحلي والحل، متبدلته على أفواههم (٣) ٦٦٦٤. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الباقر عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله في قول الله تبارك وتعالى: «طوبى لهم وحسن مئاب» (٤): يعنى وحسن مرجع، فأما طوبى فإنها شجرة في الجنة، ساقها في دار محمد صلى الله عليه وآله، ولو أن طائرا طار من ساقها لم يبلغ فرعها حتى يقتله الهرم، على كل ورقه منها ملك يذكرك الله، وليس في الجنة دار إلا وفيها غصن من أغصانها، وإن أغصانها لثرى من وراء سور الجنة، تحمل لهم ما يشاؤون من حليها وحللها وثمارها، لا يؤخذ منها شيء إلا أعاده الله كما كان، بأنهم كسبوا طيبا وأنفقوا قصدا، وقدموا فضلا فقد أفلحوا وأنجحوا. (٥) ٦٦٦٥. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام: سئل رسول الله صلى الله عليه وآله عن طوبى، فقال: شجرة أصلها في داري، وفرعها على أهل الجنة. ثم سئل عنها مرة أخرى، فقال: في دار علي عليه السلام، فقيل في ذلك، فقال: إن داري ودار علي في الجنة بمكان واحد. (٦).

١- شقائق النعمان: نبت واحدتها شقيقه، سميت بذلك لحرمتها (لسان العرب: ج ١٠ ص ١٨١ «شقيق»).

٢- تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٣٧٨ عن أبي أمامه، الدر المنثور: ج ٤ ص ٦٤٤ نقلاً عن ابن أبي شيبه في صفه الجنة وابن أبي حاتم عن أبي أمامه.

٣- التوحيد: ص ٢٣٧ ح ٢ عن الأصمغ بن نباته عن الإمام علي عليه السلام، معاني الأخبار: ص ٤٦ ح ٢، الخصال: ص ٣٣٢ ح ٣٠ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله بزيادة «والثمار» بعد «والحلل»، العمدة: ص ٣٥٠ ح ٦٧٣ عن معاوية بن قرة عن أبيه نحوه، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٧٨ ح ١٣٢؛ تفسير الطبري: ج ٨ الجزء ١٣ ص ١٤٩، تفسير القرطبي: ج ٩ ص ٣١٧ كلاهما عن معاوية بن قرة عن أبيه نحوه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٥٧ ح ٣٩٢٥٢ نقلاً عن ابن مردويه عن ابن عباس .

٤- الرعد: ٢٩.

٥- الاختصاص: ص ٣٥٨ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٢١٩ ح ٢١٣.

٦- مجمع البيان: ج ٦ ص ٤٤٨، العمدة: ص ٣٥١ ح ٦٧٦ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٣ ص ٢٣٤ كلاهما نحوه، تفسير فرات: ص ٢٠٩ ح ٢٨٠ و ح ٢٨١ عن محمد بن أحمد عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج ٣٦ ص ٧٠ ح ١٧ نقلاً عن الطوائف .

۶۶۶۶. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ یک از شما نیست که وارد بهشت شود، مگر آن که او را به نزد طوبا می برند و غلاف های شکوفه های آن برایش باز می شوند و او از هر کدام آنها که خواست، بر می گیرد، سفید بخواد یا سرخ یا زرد یا سیاه، مانند گل شقایق نعمان؛ بلکه لطیف تر و زیباتر. ۶۶۶۷. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف درخت طوبا: درختی است که خداوند عز و جل آن را کاشته و از جان خود در آن دمیده است و شاخه هایش از پشت دیوار بهشت، دیده می شوند و زیور و حُلّه به بار می نشاند که در برابر دهان آنان (بهشتیان) آویزان اند. ۶۶۶۸. عنه صلی الله علیه و آله: امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بزرگ و والا: «طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَا بٍ» فرمود: یعنی: خوش بازگشتگاهی است! طوبا، درختی است در بهشت که تنه آن، در خانه محمد صلی الله علیه و آله است و اگر پرنده ای از روی تنه آن به پرواز در آید، به شاخه آن نمی رسد تا از پیری بمیرد. بر هر برگی از آن، فرشته ای است که ذکر خدا می گوید. در بهشت، سرایی نیست، مگر این که شاخه ای از طوبا در آن است و شاخه هایش از پشت دیوار بهشت، دیده می شوند. بر شاخه های طوبا، هر زیور و جامه و میوه ای که بخواهند، هست و هر چه از آنها برگرفته شود، خداوند، آن را به حال اولش باز می گرداند و این، پاداش بهشتیان است، از آن رو که حلال به دست آوردند و به اعتدال خرج کردند و اضافی آن را بخشیدند، پس کامیاب و رستگار شدند. ۶۶۶۹. عنه صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره طوبا سؤال شد. فرمود: «درختی است که ریشه آن، در خانه من است و شاخه هایش بر سر بهشتیان».

دوباره در باره آن از ایشان سؤال شد. فرمود: «در خانه علی است».

علّت را جویا شدند. فرمود: «خانه من و خانه علی در بهشت، در یک مکان است».

٦٦٦٢. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام علی علیه السلام :طوبی شَجَرَهُ فِي الْجَنَّةِ ، أَصْلُهَا فِي دَارِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله ، وَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْهَا ، لَا يَخْطُرُ عَلَى قَلْبِهِ شَهْوَةٌ شَيْءٍ إِلَّا أَتَاهُ بِهِ ذَلِكَ ، وَلَوْ أَنَّ رَاكِبًا مُجِدًّا سَارَ فِي ظِلِّهَا مِثَّةَ عَامٍ مَا خَرَجَ مِنْهُ ، وَلَوْ طَارَ مِنْ أَسْفَلِهَا غُرَابٌ مَا بَلَغَ أَعْلَاهَا حَتَّى يَسْقُطَ هَرَمًا . أَلَا فَفِي هَذَا فَارِغُبُوا . (١) ٦٦٦٣. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :طوبی شَجَرَهُ فِي الْجَنَّةِ فِي دَارِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام ، وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْ شَيْعَتِهِ إِلَّا وَفِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا وَوَرَقَةٌ مِنْ أَوْرَاقِهَا ، يَسْتَنْظِلُ تَحْتَهَا أُمَّةٌ مِنَ الْأُمَّةِ . (٢) ٦٦٦٤. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه علیه السلام :كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله يُكْتَبُ تَقْيِيلٌ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام ، فَأَنْكَرَتْ ذَلِكَ عَائِشَةُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله : يَا عَائِشَةُ ، إِنِّي لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَأَدْنَانِي جَبْرَائِيلُ مِنْ شَجَرِهِ طُوبَى ، وَنَاوَلَنِي مِنْ ثِمَارِهَا ، فَأَكَلْتُ ، فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ مَاءً فِي ظَهْرِي ، فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعْتُ خَدِيدَجَه ، فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ ، فَمَا قَبَلْتُهَا قَطُّ إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرِهِ طُوبَى مِنْهَا . (٣) .

١- الكافي : ج ٢ ص ٢٣٩ ح ٣٠ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للصدوق : ص ٢٩٠ ح ٣٢٣ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام ، الخصال : ص ٤٨٣ ح ٥٦ ، تفسير العياشي : ج ٢ ص ٢١٣ ح ٥٠ كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الباقر عن الإمام علي عليهما السلام ، مشكاة الأنوار : ص ١٥٩ ح ٤٠٢ كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١١٧ ح ٢ .

٢- تفسير القمي : ج ١ ص ٣٦٥ عن أبي عبيده ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٢٠ ح ٩ .

٣- تفسير القمي : ج ١ ص ٣٦٥ عن أبي عبيده ، تفسير العياشي : ج ٢ ص ٢١٢ ح ٤٦ عن أبان بن تغلب نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٢٠ ح ١٠ .

۶۶۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: طوبا، درختی است در بهشت که ریشه آن، در خانه پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله است و هیچ مؤمنی نیست، مگر این که شاخه ای از آن درخت، در خانه اوست و دلش هر چیزی را هوس کند، آن درخت برایش می آورد و اگر سواری چابک، صد سال در سایه آن راه بیماید، از آن خارج نمی شود و اگر از پایین آن، کلاغی پرواز کند، به بلندایش نمی رسد تا آن که از پیری به زیر افتد. هان! پس برای این نعمت بکوشید. ۶۶۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: طوبا، درختی است در بهشت در خانه امیر مؤمنان علیه السلام، و در خانه هر یک از شیعیان او نیز شاخه ای از شاخه های این درخت و برگی از برگ های آن هست و در زیر آن، یک اَمّت، سایه می گیرد. ۶۶۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را زیاد می بوسید. عایشه به این کار، خرده گرفت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای عایشه! شبی که به آسمان برده شدم، به بهشت وارد شدم. جبرئیل، مرا به نزدیک درخت طوبا برد و از میوه های آن به من داد و من خوردم و خداوند، آن را به نطفه ای در پشت من تبدیل کرد. چون به زمین فرود آمدم، با خدیجه هم بستر شدم و او فاطمه را حامله شد. از این رو، هر وقت فاطمه را می بوسم، بوی درخت طوبا را از او استشمام می کنم»..

٦٦٦٨. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الخصال عن عامر بن واثله : كُنْتُ فِي الْبَيْتِ يَوْمَ الشُّورَى ، فَسَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقُولُ : ... نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ كَمَا قَالَ لِي : «إِنَّ طُوبَى شَجَرَةَ فِي الْجَنَّةِ ، أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيٍّ ، لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي مَنَزَلِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا» غَيْرِي؟ قَالُوا : اللَّهُمَّ لَا . (١) ٦٦٦٩. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کمال الدین عن ابي بصير : قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا ، فَلَمْ يَزِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهِدَايَةِ .

فَقُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا طُوبَى؟

قَالَ : شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ ، أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا تَبَّ» . (٢) ٦٦٧٠. الإمام علي عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ وَتَصَافَحَا (٣) لَمْ تَزَلِ الذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ (٤) عَنْهُمَا مَا دَامَا مُتَصَافِحِينَ كَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ ، فَإِذَا افْتَرَقَا قَالَ مَلَكَاهُمَا : جَزَاكُمَا اللَّهُ خَيْرًا عَنْ أَنْفُسِكُمَا ، فَإِنَّ التَّرَمَّ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبُهُ نَادَاهُمَا مُنَادٍ : طُوبَى لَكُمَا وَحَسُنَ مَا تَبَّ . وَطُوبَى شَجَرَةَ فِي الْجَنَّةِ ، أَصْلُهَا فِي دَارِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَفَرَعُهَا فِي مَنَازِلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، فَإِذَا افْتَرَقَا نَادَاهُمَا مَلَكَانِ كَرِيمَانِ : أَبَشِّرَا يَا وَلِيِّي اللَّهِ بِكَرَامَةِ اللَّهِ وَالْجَنَّةِ مِنْ وَرَائِكُمَا . (٥) ٦٦٧١. عنه عليه السلام : الدر المنثور عن فرقد السبخي : أَوْحَى اللَّهُ إِلَى عِيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِنْجِيلِ : يَا عِيْسَى ، جِدَّ فِي أَمْرِي وَلَا تَهْزُلْ ، وَاسْمَعْ قَوْلِي وَأَطِعْ أَمْرِي . يَا بَنَ الْبِكْرِ الْبُتُولِ ، إِنِّي خَلَقْتُكَ مِنْ غَيْرِ فَحَلِّ ، وَجَعَلْتُكَ وَأَمَّكَ آيَةً لِلْعَالَمِينَ ، فَإِيَّاي فَاعْبُدْ ، وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ ، وَخُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ .

قَالَ عِيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَي رَبِّ ، أَيِّ كِتَابٍ آخُذُ بِقُوَّةٍ؟ قَالَ : خُذْ كِتَابَ الْإِنْجِيلِ بِقُوَّةٍ ، فَفَسَّرَهُ لِأَهْلِ السَّرِيانِيَّةِ ، وَأَخْبَرَهُمْ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، الْبَدِيعُ الدَّائِمُ ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ ، فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الَّذِي يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ ، فَصَدَّقُوهُ وَاتَّبِعُوهُ ، صَاحِبِ الْجَمَلِ وَالْمَدْرَعَةِ وَالْهَرَاوَةِ وَالتَّاجِ ، الْأَنْجَلِ (٦) الْعَيْنِ ، الْمَقْرُونِ الْحَاجِبِينَ ، صَاحِبِ الْكِسَاءِ ، الَّذِي إِنَّمَا نَسَلُهُ مِنَ الْمُبَارَكَةِ يَعْنِي خَدِيجَةَ .

يَا عِيْسَى ، لَهَا بَيْتٌ مِنْ لُؤْلُؤٍ مِنْ فَصَبٍ مُوَصَّلٍ بِالذَّهَبِ ، لَا يُسْمَعُ فِيهِ أَدَى وَلَا نَصَبٌ ، لَهَا ابْنَةٌ يَعْنِي فَاطِمَةَ وَلَهَا ابْنَانِ فَيَسْتَشْهَدَانِ يَعْنِي الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ طُوبَى لِمَنْ سَمِعَ كَلَامَهُ ، وَأَدْرَكَ زَمَانَهُ ، وَشَهِدَ أَيَّامَهُ .

قَالَ عِيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا رَبِّ وَمَا طُوبَى؟

قَالَ : شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ ، أَنَا غَرَسْتُهَا بِيَدِي ، وَأَسْكَنْتُهَا مَلَائِكَتِي ، أَصْلُهَا مِنْ رِضْوَانٍ ، وَمَاؤُهَا مِنْ تَسْنِيمٍ . (٧) .

١- الخصال : ص ٥٥٨ ح ٣١ ، بحار الأنوار : ج ٣١ ص ٣٢٠ ح ١ .

٢- كمال الدين : ص ٣٥٨ ح ٥٥ ، معاني الأخبار : ص ١١٢ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٥٢ ص ١٢٣ ح ٦ .

٣- في المصدر : «فصافحا» والتصويب من بحار الأنوار .

٤- تحاتت : أي تساقطت (النهاية : ج ١ ص ٣٣٧ «حت»).

٥- تفسير العياشي : ج ٢ ص ٢١٢ ح ٤٩ عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٤١ ح ٤١.

٦- عَيْنُ نَجَاءٍ : أى واسعته (النهايه : ج ٥ ص ٢٣ «نجل»).

٧- الدرّ المنثور : ج ٤ ص ٦٤٤ نقلاً عن ابن أبي حاتم ، البدايه والنهايه : ج ٢ ص ٧٨ و ص ٧٩ عن أبي هريره نحوه ؛ كمال الدين : ج ١ ص ١٥٩ ح ١٨ عن حمّاد بن عبد الله بن سليمان ، الأمالى للصدوق : ص ٣٤٥ ح ٤١٨ عن عبد الله بن سليمان ، إعلام الورى : ص ٢١ كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ١٤٤ ح ١.

۶۶۷۲. عنه عليه السلام: الخصال به نقل از عامر بن واثله: روز شورا، من در خانه [ی خدا] بودم. صدای علی علیه السلام را شنیدم که می فرمود: «... شما را به خدا سوگند می دهم که آیا در میان شما کسی جز من هست که پیامبر خدا در باره او همچون من، فرموده باشد: طوبا، درختی است در بهشت که ریشه آن، در خانه علی است و هیچ مؤمنی نیست، مگر این که شاخه ای از شاخه های آن، در خانه اوست؟».

گفتند: نه، به خدا! ۶۶۷۳. عنه عليه السلام: کمال الدین به نقل از ابو بصیر: امام صادق علیه السلام فرمود: «طوبا، از آن کسی است که در غیبت قائم ما، در راه ما استوار بماند و دلش پس از آن که هدایت گشته است، به گم راهی نیفتد».

گفتم: فدایت شوم! طوبا چیست؟

فرمود: «درختی بهشتی است که ریشه اش در خانه علی بن ابی طالب علیه السلام است و در خانه هر مؤمنی نیز شاخه ای از آن وجود دارد و این، همان سخن خدای عز و جلاست که: «طوبا برای ایشان است و چه خوش بازگشتگاهی است!»» ۶۶۷۴. عنه عليه السلام: امام صادق علیه السلام: مؤمن، هر گاه به برادرش برسد و با هم دست دهند، تا زمانی که دست در دست یکدیگر دارند، گناهانشان همانند ریختن برگ درخت، فرو می ریزد و آن گاه که از هم جدا شوند، دو فرشته آنها می گویند: «خداوند به شما دو تن، سزای نیک دهد!» . پس اگر یکدیگر را در آغوش کشند، منادی ای ندا می دهد که: «طوبا برای شماست و چه خوش بازگشتگاهی است!» و طوبا، درختی است در بهشت که ریشه اش در خانه امیر مؤمنان علیه السلام و شاخه هایش در منازل بهشتیان است و چون از هم جدا شوند، دو فرشته گرامی به آنان ندا می دهند که: «مژده باد شما دو دوست خدا را به کرامت خدا! بهشت، پیش روی شماست!» ۶۶۷۵. عنه عليه السلام: الدرّ المثور به نقل از فرقد سبخی: خداوند در انجیل به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! در کار من، جدی باش و آن را به شوخی مگیر و سخنم را بشنو و فرمانم را اطاعت کن. ای پسر آن باکره پاک دامن! من تو را بدون پدر آفریدم و تو و مادرت را نشانه ای [از قدرت خویش] برای جهانیان قرار دادم. پس فقط مرا بندگی کن و بر من توکل نمای و کتاب را با قدرت بگیر».

عیسی علیه السلام گفت: ای پروردگار من! کدام کتاب را با قدرت بگیرم؟ فرمود: «کتاب انجیل را با نیرو بگیر و آن را برای سریانیان، بیان کن و آنان را آگاه گردان که منم خدای یگانه و معبودی جز من نیست، زنده پایدارم و نوآفرین و پاینده ای هستم که هرگز از میان نمی رود».

پس [به آنان بگو]: به خدا و فرستاده او، پیامبری که در آخرزمان می آید، ایمان آورید و او را تصدیق کنید و از او پیروی نمایید؛ از همان صاحب اُشتر و زره و چوب دستی و تاج، درشت چشم ابرو پیوسته، صاحب کسا؛ همو که نسلش از بانویی خجسته است» یعنی خدیجه .

[و افزود: «ای عیسی! برای او خانه ای است از مروارید آبدار پیوند خورده به طلا، که در آن، هیچ گزند و رنجی نمی رسد

، و یک دختر دارد» یعنی فاطمه علیهاالسلام «و برای آن دختر، دو پسر است که هر دو به شهادت می‌رسند» یعنی حسن و حسین علیهماالسلام. «طوبا، از آن کسی که سخن او را بشنود و زمانش را دریابد و در روزگار او به سر برد!».

عیسی علیه السلام گفت: پروردگارا! طوبا چیست؟

فرمود: «درختی است در بهشت که من با دستان خویش، آن را کاشته‌ام و فرشتگانم را در آن، شیکنا داده‌ام. ریشه اش از رضوان است و آبش از [چشمه] تسنیم»..

٤ / ١١ ظلالُ الجنَّةِ الكتاب «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ * هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِونَ * لَهُمْ فِيهَا فَكِيهَةٌ وَ لَهُمْ مَا يَدْعُونَ * سَلَّمَ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ». (١)

«مُتَكِينٍ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا * وَ دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَ ذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا». (٢)

١- يس: ٥٨ ٥٥ وراجع: النساء: ٥٧؛ الرعد: ٣٥؛ المرسلات: ٤١؛ الواقعة: ٣٠.

٢- الإنسان: ١٣ ١٤.

۴ / ۱۱ سایه های بهشت

۴ / ۱۱ سایه های بهشتقرآن «در آن روز [قیامت]، اهل بهشت، کار و باری خوش در پیش دارند. آنها با همسرانشان در زیر سایه ها بر تخت ها تکیه می زنند. در آن جا برای آنها [هر گونه] میوه و هر چه دلشان بخواهد، است. از جانب پروردگاری مهربان، [به آنان] سلام گفته می شود».

«در آن جا بر تخت ها تکیه می زنند. در آن جا نه آفتابی می بینند و نه سرمایی. و سایه های آنها (درختان) به آنان نزدیک است و میوه های آنها [برای چیدن]، رام».

الحديث ٦٦٧٨. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرَةً يَسِيرُ الرَّكْبُ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ سَنَةٍ ،
وَأَقْرَبُوا إِنْ شِئْتُمْ «وَوَظِلُّ مَمْدُودٍ» (١) . (٢) ٦٦٧٩. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله فِي وَصْفِ سِدْرَةِ الْمُتَهَيِّ : يَسِيرُ
الرَّكْبُ فِي الْفَنَنِ (٣) مِنْهَا مِائَةَ سَنَةٍ ، يَسْتَظِلُّ بِالْفَنَنِ مِنْهَا مِئَةَ رَاكِبٍ ، فِيهَا فِرَاشٌ مِنْ ذَهَبٍ . (٤) ٦٦٨٠. عنه عليه السلام: عنه صلى
الله عليه وآله فِي أَحْوَالِ أَهْلِ الْجَنَّةِ : يَتَنَعَّمُونَ فِي جَنَّاتِهِمْ فِي ظِلِّ مَمْدُودٍ فِي مِثْلِ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ .
(٥) ٦٦٨١. عنه عليه السلام: المناقب لابن شهر آشوب فِي حَبْرِ الرَّاهِبِ الَّذِي سَأَلَ الْإِمَامَ الْكَاطِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ بَعْضِ الْأُمُورِ : قَالَ
[الرَّاهِبُ] : وَفِي الْجَنَّةِ ظِلُّ مَمْدُودٍ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْوَقْتُ الَّذِي قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ كُلُّهَا ظِلُّ مَمْدُودٍ ، قَوْلُهُ : «أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ» (٦) . (٧) .

١- .الواقعه : ٣٠.

٢- .صحيح البخارى : ج ٣ ص ١١٨٧ ح ٣٠٨٠ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٤٥٠ ح ٤٣٣٥ ، سنن الدارمى : ج ٢ ص ٧٩٥ ح
٢٧٣٣ كلُّها عن أبى هريره ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٧٦ ح ٢٨٢٧ عن سهل بن سعد وفيه صدره إلى «سنه» ، سنن الترمذى : ج
٥ ص ٤٠٠ ح ٣٢٩٣ عن أنس وراجع : الإقبال : ج ١ ص ٣٤٥ .

٣- .الفنن : الغصن الغص الورق (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٦٤٥ «فنن»).

٤- .المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ٥١٠ ح ٣٧٤٨ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٨٠ ح ٢٥٤١ ، تفسير الطبرى : ج ١٣ الجزء
٢٧ ص ٥٤ كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٦٢ ح ٣٩٢٧١ .

٥- .الكافى : ج ٨ ص ٩٩ ح ٦٩ ، تأويل الآيات الظاهره : ج ٢ ص ٧٤٧ ح ٣ كلاهما عن محمد بن إسحاق المدنى عن الإمام
الباقر عليه السلام وراجع : تفسير القمى : ج ٢ ص ١١٥ .

٦- .الفرقان : ٤٥.

٧- .المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ٣١١ ، بحار الأنوار : ج ٤٨ ص ١٠٥ ح ٨ .

حدیث ۶۶۸۳. الإمام الحسین علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، درختی است که سواره، صد سال در سایه آن، راه می پیماید. اگر خواستید آن را در قرآن بخوانید [، آن جاست که می گوید]: «و در سایه ای کشیده». ۶۶۸۴. الإمام زین العابدین علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف «سِدْرَةُ الْمُتَهَيِّ (آخرین درخت سدر)»: سواره، صد سال در [سایه] شاخه آن، راه می پیماید و صد سوار در سایه شاخه آن جای می گیرند و در آن، فرشی از طلاست. ۶۸۰۵. عنه علیه السلام (فی دُعَائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در احوال بهشتیان: در باغ های خویش، در سایه ای که به اندازه طلوع سپیده تا طلوع آفتاب کشیده است، خوش و خرم می زیند. ۶۸۰۴. عنه علیه السلام (فی كِتَابِهِ لِلْأَشْتَرِ حِينَ وُلَّاهُ عَلَى مِصْرَ) المناقب، ابن شهر آشوب در گزارش از راهبی که در باره برخی چیزها از امام کاظم علیه السلام پرسید: راهب گفت: آیا سایه ای گسترده، در بهشت است؟

فرمود: «زمان پیش از طلوع آفتاب، همه اش سایه گسترده است. خداوند می فرماید: «آیا ندیده ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است؟» . . .

٤ / ١٢ ثَمَارُ الْجَنَّةِ الْكِتَابُ «وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرِهِ رَزِقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَنْهَارٌ مُمْتَهِرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (١)

«فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُ وَأَكْنَبُ * إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلِقٌ حِسَابِيَه * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَه * فِي جَنَّةٍ عَالِيَه * قُطُوفُهَا دَانِيَه * كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَه». (٢)

الحديث ٦٨٠٢. الإمام علي عليه السلام (في خطبته) رسول الله صلى الله عليه وآله في وصف ثمار الجنة : وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! إِنَّ الْحَبَّةَ يَعْنِي الرُّمَانَ فِي الْجَنَّةِ لَتَسْقُطَ فَتَسْتُرُ الْخَادِمَ مِنَ الْمَخْدُومِ عَظْمًا، وَالثَّمَارُ كَتَدِي الْأَبْكَارِ ، أَلْيَنُ مِنَ الرُّبْدِ ، وَأَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ . (٣) ٦٨٠١. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله في ذكر ما يلقاه المؤمن عند دخوله الجنة : يَدْخُلُ فَإِذَا هُوَ بِسِمَاطِينَ مِنْ شَجَرٍ ، أَغْصَانُهَا اللَّوْلُؤُ ، وَفُرُوعُهَا الْحَلِيُّ وَالْحُلُّ ، ثَمَارُهَا مِثْلُ تَدِي الْجَوَارِي الْأَبْكَارِ . (٤)

١- البقره : ٢٥.

٢- الحاقه : ٢٤ ١٩ وراجع : المؤمنون : ١٩ ؛ يس : ٥٧ ؛ الصافات : ٤٢ ؛ ص : ٥١ ؛ الزخرف : ٧٣ ؛ الدخان : ٥٥ ؛ محمد : ١٥ ؛ الطور : ٢٢ ؛ الرحمن : ١١ ، ٥٢ ، ٦٨ ؛ الواقعة : ٢٠ ، ٣٢ ؛ الإنسان : ١٤ ؛ المرسلات : ٤٢.

٣- الفردوس : ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٧٠٤٨ عن ابن عباس .

٤- الاختصاص : ص ٣٥٠ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٢١٢ ح ٢٠٥.

۴ / ۱۲ میوه های بهشت

۴ / ۱۲ میوه های بهشتقرآن «و کسانی را که ایمان آورده و کارهای درست انجام داده اند ، مژده ده که ایشان را باغ هایی است که در آنها جوی ها روان اند . هر گاه میوه ای از آنها روزی ایشان شود ، می گویند : «این ، همان است که پیش از این ، روزی ما بوده است» و مانند آن نعمت ها برای آنان آورده می شود و در آن جا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آن جا جاودانه می مانند».

«اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود ، می گوید : «بیایید و کتابم را بخوانید . من یقین داشتم که به حساب خود می رسم» . پس ، او در یک زندگی خوش است ؛ در بهشتی برین که میوه هایش در دسترس است . بخورید و بنوشید ، گوارایتان باد ، به پاداش آنچه در روزهای گذشته انجام دادید !».

حدیث ۶۷۹۴. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف میوه های بهشت : سوگند به آن که جان محمد در دست اوست ، دانه یعنی انار در بهشت [از درخت] می افتد و چندان درشت است که میان خدمتکار و آقایش حایل می گردد . میوه هایش [نیز] به بزرگی پستان دوشیزگان است و نرم تر از مسکه و شیرین تر از انگبین. ۶۷۹۳. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آنچه مؤمن هنگام ورودش به بهشت می یابد : داخل [بهشت] می شود و با دو ردیف درخت مواجه می گردد که ترکه هایشان مروارید است و شاخه هایشان جواهرات و حُلّه ، و میوه هایشان مانند پستا دختران باکره.

٦٧٩٨. عنه عليه السلام: المنتخب من مسند عبد بن حميد عن عمر بن الخطاب: جاء أناس من اليهود إلى النبي صلى الله عليه و آله فقالوا: يا محمد، أفي الجنة فاكهه؟ قال: نعم، فيها فاكهه ونخل ورمان. قال: أفيما كلون كما يأكلون في الدنيا؟ قال: نعم وأضعاف، قال: أفيقضون الحوائج؟ قال: لا، ولكنهم يعرقون ويرشحون، فيذهب الله بما في بطونهم من أذى. (١) ٦٧٩٧. الإمام علي عليه السلام (في خطبته) تفسير الطبري عن قتاده في قوله تعالى: «وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ» (٢): ثمارهم [أهل الجنة] دانية، لا يرد أيدهم عنه بعد ولا شوكة، ذكر لنا أن نبي الله صلى الله عليه وآله قال: والذي نفسي بيده لا يقطع رجل ثمرة من الجنة فتصل إلى فيه حتى يبدل الله مكانها خيرا منها. (٣) ٦٧٩٦. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله لا ينزع رجل من أهل الجنة من ثمرها شيئا إلا أخلف الله مكانها مثلها. (٤) ٤ / ١٣ فرش الجنة الكتاب «و فرش مرفوعه». (٥)

«مُتَكِينٍ عَلَى فُرْشٍ بَطَانُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ * فَبَأْيِءَ آلاءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبانِ». (٦)

- ١- المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٤٣ ح ٣٥، الدر المنثور: ج ٧ ص ٧١٦ نقلاً عن الحارث بن أبي أسامة وابن مردويه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٦٤٧ ح ٣٩٧٧٥.
- ٢- الرحمن: ٥٤.
- ٣- تفسير الطبري: ج ١٣ الجزء ٢٧ ص ١٤٩، الدر المنثور: ج ٧ ص ٧١٠ نقلاً عن عبد بن حميد.
- ٤- المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٤٩٧ ح ٨٣٩٠، تفسير الثعلبي: ج ٨ ص ٣٤٤، الدر المنثور: ج ١ ص ٩٧ نقلاً عن البزار وفيهما «مثلاها» بدل «مثلها» وكلها عن ثوبان.
- ٥- الواقعة: ٣٤.
- ٦- الرحمن: ٥٤ ٥٥.

۴ / ۱۳ فرش های بهشت

۶۷۹۰. امام علی علیه السلام: المنتخب من مسند عبد بن حمید به نقل از عمر بن خطاب: جمعی از یهود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای محمد! آیا در بهشت، میوه هست؟

فرمود: «آری. در آن جا میوه و خرمابن و انار هست».

[یکی از آنان] گفت: آیا همچنان که در دنیا می خورند، در آن جا هم می خورند؟ فرمود: «آری، و چندین برابر».

گفت: آیا قضای حاجت هم می کنند؟ فرمود: «نه؛ بلکه بدنشان عرق و ترشح می کند و از این طریق، خداوند، فضولات شکم آنها را دفع می کند». ۶۷۸۹. امام صادق علیه السلام: تفسیر الطبری به نقل از قتاده، در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «و چیدن میوه آن دو باغ، در دسترس است»: میوه های اهل بهشت، به آنها نزدیک است و هیچ فاصله و یا خاری، مانع دست های آنان از آن میوه ها نمی شود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، هر میوه ای که کسی از بهشت می چیند، هنوز به دهان او نرسیده، خداوند، بهتر از آن را جایگزینش می سازد». ۶۷۸۸. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مردی از بهشتیان، چیزی از میوه های آن را نمی چیند، مگر آن که خداوند، مانندش را جایگزین آن می کند. ۴ / ۱۳ فرش های بهشتقرآن «و فرش هایی گسترده». (۱)

«بر فرش هایی که آستر آنها از ابریشم سستبر است، تکیه می زنند و چیدن [میوه] آن دو باغ، در دسترس است. پس، کدام یک از نعمت های پروردگارتان را منکرید؟».

۱- بعضی مترجمان قرآن کریم، این آیه را چنین ترجمه کرده اند: «و همخوابگانی بلند بالا». ادامه آیه چنین است: «ما آنان را پدید آورده ایم پدید آوردنی، و ایشان را دوشیزه گردانیدیم، شوی دوست همسال، برای یاران راست».

الحديث ٦٧٨٩. الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ»: «ارتفاعها لكما بين السماء والأرض مسيرته خمسمائة سنة. (١) ٦٧٨٨. عنه عليه السلام: المعجم الكبير عن أبي امامه: سَيَّلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْفُرْشِ الْمَرْفُوعَةِ فَقَالَ: لَوْ طَرَحَ فِرَاشٌ مِنْ أَعْلَاهَا لَهَوَى إِلَى قَرَارِهَا مِائَةَ خَرِيفٍ. (٢) ٤ / ١٤ سُورَةُ الْجَنَّةِ الْكِتَابِ «فِيهَا سُورَةٌ مَرْفُوعَةٌ». (٣)

«هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِّئُونَ». (٤)

«وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ». (٥)

الحديث ٦٧٨٠. لقمان (به پسرش) رسول الله صلى الله عليه وآله: الشُّرُورُ الْمَرْفُوعَةُ عَرْضُهَا فَرَسَخٌ فِي طُولِ مِيلٍ فِي السَّمَاءِ ، عَلَيْهِ سَبْعُونَ فِرَاشًا كَقَدْرِ سَبْعِينَ غُرْفَةً ، بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ . (٦)

١- سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٧٩ ح ٢٥٤٠ ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥١ ح ١١٧١٩ ، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤١٨ ح ٧٤٠٥ ، تفسير الطبري: ج ١٣ الجزء ٢٧ ص ١٨٥ كلها عن أبي سعيد الخدري والثلاثة الأخرى نحوه ، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٤ ح ٣٠٥١.

٢- المعجم الكبير: ج ٨ ص ٢٤٣ ح ٧٩٤٧ ، الدر المنثور: ج ٨ ص ١٥ نقلاً عن ابن مردويه ، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٥ ح ٣٠٥٢.

٣- الغاشية: ١٣.

٤- يس: ٥٦.

٥- الحجر: ٤٧.

٦- الفردوس: ج ٢ ص ٣٤٤ ح ٣٥٥٨ عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٦٥١ ح ٣٩٧٨١ عن ابن مردويه عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه.

۴ / ۱۴ تخت های بهشت

حدیث ۶۷۷۸. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «و فرش هایی گسترده»: گسترده‌گی آنها به اندازه فاصله آسمان و زمین است، به مسافت پانصد سال راه. ۶۷۷۷. امام علی علیه السلام: المعجم الکبیر به نقل از ابو امامه: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره «فرش های گسترده» سؤال شد. فرمود: «اگر یک فرش از سر آن انداخته شود، بعد از صد پاییز (۱) به انتهای آن می رسد». ۴ / ۱۴ تخت های بهشتقرآن «در آن، تخت هایی بلند است».

«آنان و همسرانشان در سایه ها بر تخت ها تکیه زده اند».

«و هر کینه ای را از دل هایشان بر می کنیم؛ برادرانی که بر تخت هایی رو به روی هم اند».

حدیث ۶۷۷۷. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تخت های بلند، عرضشان یک فرسخ است، با بلندای یک میل در آسمان و بر روی هر تختی، هفتاد فرش است به اندازه هفتاد اتاق که بعضی از آنها بر روی هم افتاده اند.

۱- . کلمه «خریف» که در متن عربی حدیث آمده است، یعنی: پاییز، سال، هفتاد سال، چهل سال.

٦٧٧٦. امام على عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «فِي ظِلِّ عَلِيٍّ الْأَرْبَابُ مُتَكِنُونَ»: الأرائكُ: الشرُّرُ عَلَيْهَا الْحِجَالُ (١). (٢) ٤ / ١٥ أواني الجَنِّهَالِكِتَاب «يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصَةِ حَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (٣)

«وَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِثَانِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَ أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا * قَوَارِيرًا مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا». (٤)

الحديث ٦٧٧٣. رسول الله صلى الله عليه و آله: رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَشْرَبْهُ فِي الْآخِرَةِ ، وَ مَنْ شَرِبَ فِي آتِيَةِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَشْرَبْ بِهَا فِي الْآخِرَةِ . (٥) ٦٧٧٢. امام صادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: يَنْفُذُ الْبَصْرُ فِي فِضَّةِ الْجَنَّةِ كَمَا يَنْفُذُ فِي الزُّجَاجِ . (٦) راجع: ص ١٩٨ (حلي أهل الجنة).

- ١- .الْحِجَالُ : واحدها الْحَجَلَة ؛ بيت كالثقبه يُسْتَرُ بِالشَّيْبِ وَ تكون له أزرار كبار (النهاية : ج ١ ص ٣٤٦ «حجل»).
- ٢- .تفسير القمى : ج ٢ ص ٢١٦ عن أبي الجارود ، الاختصاص : ص ٣٥٧ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٢٤ ح ٢١ ؛ تفسير الطبرى : ج ٩ الجزء ١٥ ص ٢٤٣ ، الزهد لهناد : ج ١ ص ٧٩ ح ٧٤ كلاهما عن مجاهد من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام .
- ٣- .الزخرف : ٧١.
- ٤- .الإنسان : ١٥ و ١٦.
- ٥- .المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ١٥٧ ح ٧٢١٦ ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٤ ص ١٩٥ ح ٦٨٦٩ ، مسند الشاميين : ج ٢ ص ٢١٩ ح ١٢٢٠ نحوه وكلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٣٢١ ح ٤١٢٢٤.
- ٦- .مجمع البيان : ج ١٠ ص ٦٢١ ، تفسير القمى : ج ٢ ص ٣٩٩ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١١١.

۴ / ۱۵ ظرف های بهشت

۶۷۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «در سایه ها ، بر اریکه ها تکیه زده اند»: اریکه ها ، تخت هایی هستند که بر روی آنها ، حجله نصب شده است . ۴ / ۱۵ ظرف های بهشتقرآن «سینی هایی از طلا- و جام هایی ، بر گرد آنان ، گردانده می شود و در آن جا ، آنچه دل ها هوس آن کنند ، و دیدگان را خوش آید [، هست] و شما در آن جاویدانید».

«و ظرف های سیمین و جام های بلورین ، بر گرد آنان ، گردانده می شود ؛ جام هایی از سیم که درست به اندازه ، آنها را از کار در آورده اند».

حدیث ۶۷۶۸. الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در دنیا باده بنوشد ، در آخرت آن را نخواهد نوشید و هر کس در دنیا در ظرف های زرّین و سیمین بیاشامد ، در آخرت با آنها نخواهد آشامید. ۶۷۶۷. امام علی علیه السلام : امام صادق علیه السلام : نگاه ، از [ظروف] نقره بهشت ، چنان عبور می کند که از شیشه عبور می کند . ر . ک : ص ۱۹۹ (زیورهای بهشتیان) .

١٦ / ٤ خَدُمُ الْجَنَّةِ الْكِتَابُ «وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلَدٌ نُّ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنْثُورًا» . (١)

الحديث ٦٧٦٥. عنه عليه السلام: مجمع البيان في ذيل قوله تعالى: «وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ» (٢): عَنِ الْحَسَنِ أَنَّهُ قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْخَادِمُ كَاللُّؤْلُؤِ فَكَيْفَ الْمَخْدُومُ؟ فَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! إِنَّ فَضْلَ الْمَخْدُومِ عَلَى الْخَادِمِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ . (٣) ٦٧٦٤. الإمام علي عليه السلام: الإمام علي عليه السلام في قوله تعالى: «وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلَدٌ نُّ مُخَلَّدُونَ»: إِنَّهُمْ أَوْلَادُ أَهْلِ الدُّنْيَا، لَمْ يَكُنْ لَهُمْ حَسَنَاتٌ فَيَثَابُوا عَلَيْهَا، وَلَا سَيِّئَاتٌ فَيُعَاقَبُوا عَلَيْهَا، فَأُنزِلُوا هَذِهِ الْمَنْزِلَةَ . (٤) ١٧ / ٤. مَرْكُوبُ الْجَنَّةِ ٦٧٦١. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَتَرَاوَرُونَ عَلَى النَّجَائِبِ (٥)، بِيضٌ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ، وَلَيْسَ فِي الْجَنَّةِ شَيْءٌ مِّنَ الْبِهَائِمِ إِلَّا الْإِبِلُ وَالطَّيْرُ . (٦) .

١- الإنسان: ١٩ وراجع: الطور: ٢٤ و الواقعه: ١٧.

٢- الطور: ٢٤.

٣- مجمع البيان: ج ٩ ص ٢٥١، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٠٢؛ تفسير الطبري: ج ١٣ الجزء ٢٧ ص ٢٩ عن قتاده.

٤- مجمع البيان: ج ٩ ص ٣٢٧، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٧٤٢، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٩١ ح ٥.

٥- النَّجِيبُ: الْفَاضِلُ مِنْ كُلِّ حَيْوَانٍ (لسان العرب: ج ١ ص ٧٤٨ «نجب»).

٦- المعجم الكبير: ج ٤ ص ١٧٩ ح ٤٠٦٩ عن أبي أيوب، الزهد لابن المبارك: ص ٥٥١ ح ١٥٧٩ عن عطاء نحوه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٧٥ ح ٣٩٣٢٤.

۴ / ۱۶ خدمتکاران بهشت

۴ / ۱۷ مرکب بهشت

۴ / ۱۶ خدمتکاران بهشتقرآن «و بر گرد آنان ، پسرانی جاودانی می گردند . چون آنها را ببینی ، گویی که مرواریدهایی پراکنده اند».

حدیث ۶۷۵۸. امام علی علیه السلام : مجمع البیان در ذیل این سخن خدای بلندمرتبه : «برای [خدمتکاری] آنان ، پسرانی اند که بر گردشان می گردند . گویا مرواریدی اند که [در صدف] نهفته است» : از حسن (۱) روایت شده است که : به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفته شد : ای پیامبر خدا ! وقتی خدمتکار به سان مروارید است ، پس مخدوم (ارباب) ، چگونه است ؟

فرمود : «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، برتری مخدوم بر خدمتکار ، همچون برتری ماه شب چهارده بر دیگر ستارگان است» . ۶۷۵۷. امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «و بر گرد آنان ، پسرانی جاودانه می گردند» : آنان ، فرزندان مردم دنیاوند که نه کار نیکی داشته اند تا برای آن ، پاداش داده شوند و نه گناهی کرده اند تا برای آن ، مجازات شوند . از این رو ، این جایگاه به آنها داده شده است . ۴ / ۱۷ مرکب بهشت ۶۷۵۴. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهشتیان ، یکدیگر را سوار بر ماده اُشتران نژاده سفیدی که به یاقوت می مانند ، دیدار می کنند . در بهشت ، حیوانی جز اُشتر و پرنده نیست .

۱- منظور ، امام حسن علیه السلام یا حسن بَصْرَی است .

٦٧٥٩. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: يَتَزَوَّرُ أَهْلَ الْجَنَّةِ عَلَى نُوقٍ عَلَيْهَا الْحَشَايَا، فَيَزُورُ أَهْلَ عِلِّيِّينَ مَنْ أَسْفَلَ مِنْهُمْ، وَلَا يَزُورُ مَنْ أَسْفَلَ مِنْهُمْ أَهْلَ عِلِّيِّينَ إِلَّا الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ، فَأَنْتَهُمْ يَتَزَوَّرُونَ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءُوا. (١) ٦٧٥٨. الإمام علي عليه السلام: سنن الترمذي عن أبي أيوب: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْرَابِيٌّ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أُحِبُّ الْخَيْلَ، أَفِي الْجَنَّةِ خَيْلٌ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنْ أُدْخِلْتَ الْجَنَّةَ أُتَيْتَ بِفَرَسٍ مِنْ يَأْقُوتِهِ، لَهُ جَنَاحَانِ، فَحَمَلَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ طَارَ بِكَ حَيْثُ شِئْتَ. (٢) ٦٧٥٧. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي فَضْلِ شَيْعَتِهِ: إِنَّهُمْ لَيُخْرِجُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ قُبُورِهِمْ وَهُمْ يَقُولُونَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ حُجَّةُ اللَّهِ. فَيُؤْتُونَ بِحُلٍّ خُضِرٍ مِنَ الْجَنَّةِ، وَأَكْلِيلٍ (٣) مِنَ الْجَنَّةِ، وَتِيْجَانٍ مِنَ الْجَنَّةِ، وَنَجَائِبٍ مِنَ الْجَنَّةِ، فَيُبَلِّسُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حُلَّهُ خُضْرَاءَ، وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْمَلِكِ وَإِكْلِيلُ الْكِرَامَةِ، ثُمَّ يُرَكَّبُونَ النَّجَائِبَ فَتَطِيرُ بِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ. (٤) ٦٧٥٦. عنه عليه السلام: مسند ابن حنبل عن التَّعْمَانِ بْنِ سَعْدٍ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدًا» (٥) قَالَ: لَا وَاللَّهِ، مَا عَلَى أَرْجُلِهِمْ يُحْشَرُونَ! وَلَا يُحْشَرُ الْوَفْدُ عَلَى أَرْجُلِهِمْ، وَلَكِنْ بِنُوقٍ لَمْ يَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهَا، عَلَيْهَا رَحَائِلُ (٦) مِنْ ذَهَبٍ، فَيُرَكَّبُونَ عَلَيْهَا حَتَّى يَضْرِبُوا أَبْوَابَ الْجَنَّةِ. (٧).

- ١- المعجم الكبير: ج ٨ ص ٢٤٠ ح ٧٩٣٦ عن أبي أمامه، كنز العمال: ج ٩ ص ٢٠ ح ٢٤٧٢٣.
- ٢- سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٨٢ ح ٢٥٤٤، تهذيب الكمال: ج ٣٠ ص ٤٠٤ الرقم ٦٦٦٣، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ١٧ ح ٢٣٠٤٣ عن بريده، تفسير الطبري: ج ١٣ الجزء ٢٥ ص ٩٧ عن ابن سابط وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٧٠ ح ٣٩٢٩٩؛ الغارات: ج ١ ص ٢٤٢ عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٤٧.
- ٣- الإكليل: شبه عصابه مُزَيَّنَةً بالجواهر، ويسمى التاج إكليلاً، والجمع أكاليل (لسان العرب: ج ١١ ص ٥٩٥ «كلل»).
- ٤- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤١٢ ح ٥٨٩٦ عن زيد بن علي عن أبيه الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام، تأويل الآيات الظاهرة: ج ١ ص ١٤٢ ح ٢٢ عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٤٠ ح ٨٢.
- ٥- مريم: ٨٥.
- ٦- الرِّحَالَةُ: سَرْجٌ مِنْ جُلُودٍ لَيْسَ فِيهِ خَشْبٌ، وَالْجَمْعُ: الرَّحَائِلُ (الصحاح: ج ٤ ص ١٧٠٧ «رحل»).
- ٧- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٢٦ ح ١٣٣٢، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٦٠٩ ح ٨٦٨٨ نحوه، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ٢٥٩، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٦٥ ح ٤٥٠٦؛ مجمع البيان: ج ٦ ص ٨٢٠ نحوه.

۶۷۵۵. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتیان، سوار بر ماده اُشترانی که بر پشت آنها تُشک نهاده شده است، به دیدار یکدیگر می روند. بالانشینان بهشت، به دیدن پایین تر از خود می روند؛ ولی کسانی که پایین تر از آنهایند، نمی توانند به دیدار بالانشینان بروند، مگر آنان که به خاطر خدا، یکدیگر را دوست می داشته اند. اینان در هر جای بهشت که بخواهند، یکدیگر را دیدار می کنند. ۶۷۵۴. عنه علیه السلام: سنن الترمذی به نقل از ابو ایوب: بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من اسب، دوست دارم. آیا در بهشت، اسب هم هست؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر به بهشت بُرده شوی، اسبی از یاقوت برایت می آورند که دو بال دارد و تو را بر آن سوار می کنند. آن اسب، تو را به هر کجا که بخواهی، پرواز می دهد». ۶۷۵۳. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام در باره مقام شیعیان او: آنان در روز رستاخیز، در حالی که زبانشان به ذکر «لا إله إلا الله، محمّد رسول الله، علی بن ابی طالب حجّه الله» گویاست، از گورهایشان بیرون می آیند. پس برایشان حله های سبز بهشتی و پیشانی بندهای جواهر نشان بهشتی و تاج های بهشتی، و ماده اُشتران نژاده بهشتی آورده می شود. آن گاه بر تن هر یک از آنان، حله ای سبز می پوشانند و تاج شاهی و پیشانی بند بزرگی بر سرش می نهند و سپس بر ماده اُشتران نژاده، سوارشان می کنند و در بهشت به پرواز در می آیند. ۶۷۵۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسند ابن حنبل به نقل از نعمان بن سعد: نزد علی علیه السلام نشسته بودیم که این آیه را خواند: «روزی را [یاد کن] که پرهیزگاران را به سوی [خدای] رحمان، گروه گروه، محشور می کنیم» و فرمود: «نه، به خدا! آنان، پیاده محشور نمی شوند. گروه ها پیاده محشور نمی شوند؛ بلکه سوار بر ماده اُشتران که خلاق، نظیر آنها را ندیده اند و بر پشت آنها جهازهایی از طلاست، محشور می شوند. پس بر اینها نشانده می شوند تا آن که درهای بهشت را می زنند».

٦٧٥١. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام فى قولِ اللّهِ تَعَالَى : «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفِدًا» : يُحْشَرُونَ عَلَى النَّجَائِبِ . (١) ٤ / ١٨ بهائِمُ الْجَنَّةِ ٦٧٤٨. امام على عليه السلام :رسول اللّٰه صلى الله عليه و آله :إِسْتَفْرِهُوا (٢) ضَحَايَاكُمْ ، فَإِنَّهَا مَطَايَاكُمْ عَلَى الصَّرَاطِ . (٣) ٦٧٥٣. الإمام على عليه السلام :عنه صلى الله عليه و آله :إِسْتَوْصُوا بِالْمِعْزَى خَيْرًا ؛ فَإِنَّهَا مَالٌ رَقِيقٌ ، وَهُوَ فِي الْجَنَّةِ . (٤) ٦٧٥٢. عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :الشَّاهُ مِنْ دَوَابِّ الْجَنَّةِ . (٥) .

- ١- .المحاسن : ج ١ ص ٢٨٧ ح ٥٦٧ عن حمّاد بن عثمان وغيره ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ١٨٤ ح ٣٤.
- ٢- .استفروا ضحاياكم : أى استكرموها (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٣٩٠ «فره»).
- ٣- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٢١٣ ح ٢١٩٠ ، علل الشرائع : ص ٤٣٨ ح ١ عن موسى بن ابراهيم عن الإمام الكاظم عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٢٧٦ ؛ تفسير القرطبي : ج ١٥ ص ١١١ ، الكشاف : ج ٣ ص ٣٠٧ وفيهما «استشرفوا» بدل «استفروا» ، الفردوس : ج ١ ص ٨٥ ح ٢٦٨ عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٥ ص ٨٨ ح ١٢١٧٧ .
- ٤- .المعجم الكبير : ج ١١ ص ٩٠ ح ١١٢٠١ ، تاريخ أصبهان : ج ٢ ص ٣٠٤ الرقم ١٨٠٦ كلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١٢ ص ٣٢٦ ح ٣٥٢٣٥ ؛ عوالى اللآلى : ج ١ ص ٦٤ ح ١٠٤ .
- ٥- .سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ٧٧٣ ح ٢٣٠٦ ، تفسير القرطبي : ج ٤ ص ٣٥ كلاهما عن ابن عمر ، تاريخ بغداد : ج ٧ ص ٤٣٥ الرقم ٤٠١٣ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١٢ ص ٣٢٤ ح ٣٥٢٢٥ ؛ مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٢٨٠ ح ٨٦٢ .

۴ / ۱۸ حیوانات بهشت

۶۷۵۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «روزی را [یاد کن] که پرهیزگاران را به سوی [خدای] رحمان، گروه گروه، محشور می کنیم»: سوار بر شترانی نژاده، وارد محشر می شوند. ۴ / ۱۸ حیوانات بهشت ۶۷۴۸. الإمام علیّ علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قربانی های خود را چاق و چالاک انتخاب کنید؛ چرا که آنها مرکب های شما برای گذر از صراط اند. ۶۷۴۷. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با بز، خوش رفتار باشید؛ چرا که حیوانی ظریف است و جایگاهش بهشت است. ۶۷۴۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوسفند، از حیوانات بهشت است.

٦٧٤٥. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: خُيُولُ الْغُزَاهِ فِي الدُّنْيَا خُيُولُهُمْ فِي الْجَنَّةِ . (١) ٦٧٤٤. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ما من بَعِيرٍ يَوْقِفُ عَلَيْهِ مَوْقِفٌ عَرَفَهُ سَبْعَ حَجَجٍ ، إِلَّا جَعَلَهُ اللَّهُ مِنْ نَعَمِ الْجَنَّةِ ، وَبَارَكَ فِي نَسْلِهِ . (٢) ٦٧٤٣. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ دَابَّةٍ عُرِّفَ بِهَا خَمْسَ وَقَفَاتٍ (٣) ، إِلَّا كَانَتْ مِنْ نَعَمِ الْجَنَّةِ . (٤) ٦٧٤٢. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: أُمَّ بَعِيرٍ حُجَّ عَلَيْهِ ثَلَاثَ سِنِينَ ، يُجْعَلُ مِنْ نَعَمِ الْجَنَّةِ . (٥) .

١- .الكافي : ج ٥ ص ٣ ح ٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص ٢٢٥ ح ٤ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الأمالي للصدوق : ص ٦٧٣ ح ٩٠٨ عن اسماعيل بن مسلم السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ، النوادر للراوندي : ص ١٢١ ح ١٣٤ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ٩ ح ٨ .

٢- .ثواب الأعمال : ص ٧٤ ح ١ عن يونس بن يعقوب عن الإمام الصادق عن الإمام زين العابدين عليهما السلام ، المحاسن : ج ٢ ص ٤٧٩ ح ٢٦٦٢ عن الإمام الصادق عن الإمام زين العابدين عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٤٦ ص ٧٠ ح ٤٦ .

٣- .أى موقف عرفه .

٤- .المحاسن : ج ٢ ص ٤٧٩ ح ٢٦٦٣ عن محمد بن مرزم عن أبيه عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي ، كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «روى بعضهم وقف بها ثلاث وقفات» بدل «عرف بها خمس وقفات» ، بحار الأنوار : ج ٦٤ ص ٢٠٧ ح ١٠ .

٥- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٢٩٣ ح ٢٤٩٥ ، الخصال : ص ١١٨ ح ١٠٢ عن عيسى بن حمزه ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٢٧٦ .

۶۷۴۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اسب های جنگجویان در دنیا، اسب های آنها در بهشت اند
۶۷۴۷. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ شتری نیست که هفت حج در موقوف عرفه با آن وقوف شود، مگر
این که خداوند، آن را از چارپایان بهشت می گرداند و به نسل آن، برکت می دهد. ۶۷۴۶. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر
خدا صلی الله علیه و آله: هیچ چارپایی نیست که با آن، پنج مرتبه در عرفه وقوف شود، مگر آن که از چارپایان بهشت
خواهد بود. ۶۷۴۵. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر شتری که سه سال با او به حج بروند، از چارپایان بهشت قرار
داده می شود. . .

توضیحی در باره شرط بهشتی شدن مرکب حج گزار

توضیحی در باره شرط بهشتی شدن مرکب حج گزار در احادیثی که ملاحظه شد، یکی می گوید: شتری که هفت بار با آن حج انجام شود، در شمار حیوانات بهشتی خواهد بود، دیگری می گوید: شتری که سه بار با آن حج انجام گردد، از حیوانات بهشتی می گردد و در حدیث سوم، هر حیوانی که پنج بار با آن حج شود، از حیوانات بهشتی دانسته شده است. گفتنی است که از نظر سند، تنها حدیث سوم، صحیح است. از این رو، حدیث اول و دوم نمی توانند معارض آن محسوب شوند؛ ولی اگر فرض کنیم که هر سه حدیث از اهل بیت علیهم السلام صادر شده باشند، برای جمع میان آنها، این گونه می توان گفت که همه چارپایانی که پنج بار مرکب حجاج واقع شوند، بهشتی می گردند؛ اما شتر، این خصوصیت را دارد که با سه بار مرکب شدن در سفر حج، بهشتی می گردد و اگر شتری هفت بار در سفر حج، مرکب قرار گیرد، علاوه بر این که خودش بهشتی می گردد، نسلش هم برکت می یابد. بررسی بنیادی در باره حشر حیوانات، در مبحث معاد، خواهد آمد،

إن شاء الله!

١٩ / ٤ أسواق الجَنَّةِ ٦٧٤٠. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَسُوقًا يَأْتُونَهَا كُلُّ جُمُعَةٍ، فَتَهْبُ رِيحُ الشَّمَالِ، فَتَحْتُو فِي وُجُوهِهِمْ وَثِيَابِهِمْ، فَيَزْدَادُونَ حُسْنًا وَجَمَالًا، فَيَرْجِعُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ وَقَدْ اِزْدَادُوا حُسْنًا وَجَمَالًا، فَيَقُولُ لَهُمْ أَهْلُوهُمْ: وَاللَّهِ لَقَدْ اِزْدَدْتُمْ بَعْدَنَا حُسْنًا وَجَمَالًا! فَيَقُولُونَ: وَأَنْتُمْ وَاللَّهِ لَقَدْ اِزْدَدْتُمْ بَعْدَنَا حُسْنًا وَجَمَالًا. (١) ٦٧٣٩. امام صادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ سُوقًا مَا فِيهَا بَيْعٌ وَلَا شِرَاءٌ، إِلَّا الصُّورُ مِنَ النِّسَاءِ وَالرِّجَالِ، فَإِذَا اشْتَهَى الرَّجُلُ، صُورَةً دَخَلَ فِيهَا، وَإِنَّ فِيهَا لَمَجْمَعًا لِلْحُورِ الْعِينِ، يَرْفَعْنَ أَصْوَاتًا لَمْ يَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهَا، يَقْلَنْ: «نَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا نَبِيدُ، وَنَحْنُ الرَّاغِبَاتُ فَلَا نَسْخَطُ، وَنَحْنُ النَّاعِمَاتُ فَلَا نَبَأُ، فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ لَنَا وَكُنَّا لَهُ». (٢) ٦٧٣٨. فاطمه عليها السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ أُسُوقًا، لَا شِرَاءَ فِيهَا وَلَا بَيْعَ، يَجْتَمِعُونَ فِيهَا حَلَقًا حَلَقًا، يَتَذَاكَرُونَ كَيْفَ كَانَتِ الدُّنْيَا، وَكَيْفَ كَانَتْ عِبَادَةُ الرَّبِّ، وَكَيْفَ كَانَ فَقْرَاءُ الدُّنْيَا وَأَغْنِيَاؤُهَا، وَكَيْفَ كَانَ الْمَوْتُ، وَكَيْفَ صِرْنَا بَعْدَ طَوْلِ الْبَلَى (٣) إِلَى الْجَنَّةِ! (٤).

١- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٧٨ ح ١٣، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٥٦٧ ح ١٤٠٣٧، تاريخ دمشق ج ٤١ ص ٣٢٧ ح ٨٢٨٨ كلها عن أنس، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٧٨ ح ٣٩٣٣٦.

٢- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٢٩ ح ١٣٤٢، الزهد لابن المبارك: ص ٥٢٣ ح ١٤٨٧ كلاهما عن النعمان بن سعد، الفردوس: ج ١ ص ٢١٩ ح ٨٣٨ وليس فيه ذيله، «وإن فيها لمجمعا...» وكلها عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج ١٦ ص ٩٦ ح ٤٤٠٥٢؛ جامع الأخبار: ص ٤٩٤ ح ١٣٧٤ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٤٨ ح ٧٦.

٣- البلى: بلى الشيء بلى وهو بال، والبلاء لغة في البلى (المحيط في اللغة: ج ١٠ ص ٣٥٣ «بلى»).

٤- تنبيه الغافلين: ص ٨٣ ح ٧٠.

۴ / ۱۹ بازارهای بهشت

۴ / ۱۹ بازارهای بهشت ۶۷۳۹. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، بازاری است که هر جمعه به آن جا می روند. آن گاه باد شمال، وزیدن می گیرد و بر چهره ها و جامه های آنان می خورد و بر زیبایی و جمالشان افزوده می شود، و چون زیباتر و قشنگ تر از گذشته به نزد خانواده های خویش باز می گردند، خانواده شان به آنها می گویند: «به خدا که بعد از [رفتن از نزد] ما، زیباتر و قشنگ تر شده اید!» و آنها می گویند: به خدا که شما هم بعد از رفتن ما قشنگ تر و زیباتر شده اید! ۶۷۳۸. فاطمه علیها السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، بازاری است که در آن، خرید و فروشی نیست؛ بلکه تمثال هایی از زنان و مردان است و هر گاه مرد تمثالی بخواهد، به آن بازار می رود. در آن جا انجمنی از حور العین است که خلاق، نظیر آنها را ندیده اند که فریاد می زنند و می گویند: «ما جاودانگانی هستیم که هرگز از بین نمی رویم. ما همواره خوش حالیم و هرگز ناراحت نمی شویم. ما نازپروردگانی هستیم که هرگز گرد بینوایی بر ما نمی نشیند. پس خوشا به حال کسی که از آن ما باشد و ما از آن او باشیم!» ۶۷۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، بازارهایی است، اما نه برای خرید و فروش؛ بلکه بهشتیان در آنها گروه گروه گرد هم می نشینند و با یکدیگر سخن می گویند، از این که دنیا چگونه بود و چگونه پروردگار را عبادت می کردند و تهی دستان و توانگران دنیا، چگونه بودند و مُردن چگونه بود و چگونه بعد از آن که مدت ها بدنشان پوسیده شده بود، به بهشت آمدند.

٢٠ / ٤ طَعَامُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْكِتَابُ «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ». (١)

الحديث ٦٧٣٤. الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّكَ لَتَنْظُرُ إِلَى الطَّائِرِ فِي الْجَنَّةِ فَتَشْتَهِيهِ ، فَيَخِرُّ مَشْوِيًا بَيْنَ يَدَيْكَ . (٢) ٦٧٣٣. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَشْتَهِي الطَّيْرَ فِي الْجَنَّةِ فَيَجِيءُ مِثْلَ الْبُخْتِيِّ (٣) حَتَّى يَقَعَ عَلَى خِوَانِهِ ، لَمْ يُصَبِّ بِهِ دُخَانٌ ، وَلَمْ تَمَسَّهُ نَارٌ ، فَيَأْكُلُ مِنْهُ حَتَّى يَشْبَعَ ، ثُمَّ يَطِيرُ . (٤) ٦٧٣٢. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: أَمَّا أَوَّلُ طَعَامٍ يَأْكُلُهُ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَرِيَادَةُ كَبِدِ الْحُوتِ . (٥) ٦٧٣١. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: صحيح مسلم عن جابر عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ فِيهَا وَيَشْرَبُونَ ، وَلَا يَتَفَلُونَ (٦) وَلَا يَبُولُونَ وَلَا يَنْغَوِّطُونَ وَلَا يَمْتَخِطُونَ .

قالوا: فَمَا بِالْطَعَامِ؟ قَالَ: جُشَاءٌ (٧) وَرَشْحٌ كَرَشِحِ الْمِسْكِ ، يُلْهَمُونَ التَّسْبِيحَ وَالتَّحْمِيدَ ، كَمَا تُلْهَمُونَ النَّفْسَ . (٨)

- ١- الرعد : ٣٥.
- ٢- الزهد لابن المبارك : ص ٥١٠ ح ١٤٥٢ ، البعث والنشور : ص ٢٠٦ ح ٣١٨ ، مسند البزار : ج ٥ ص ٤٠١ ح ٢٠٣٢ وفيه «فيجيء» بدل «فيخر» ، الدر المنثور : ج ٧ ص ٣٩١ نقلاً عن ابن أبي الدنيا وابن المنذر وكلها عن ابن مسعود.
- ٣- البُخْتِيُّ: الذَّكْرُ مِنَ الْجَمَالِ وَهِيَ طَوَالُ الْأَعْنَاقِ (النهاية : ج ١ ص ١٠١ «بخت»).
- ٤- الدر المنثور : ج ٧ ص ٣٩١ نقلاً عن ابن أبي الدنيا عن ميمونه.
- ٥- صحيح البخاري : ج ٣ ص ١٤٣٣ ح ٣٧٢٣ ، مسند الطيالسي : ص ٢٧٣ ح ٢٠٥١ ، حليه الأولياء : ج ٦ ص ٢٥٢ كلها عن أنس ، المعجم الكبير : ج ٨ ص ٣٢٢ ح ٨٢٠٨ عن طارق بن شهاب نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧١ ح ٣٩٣٠٣ ؛ علل الشرائع : ص ٩٥ ح ٣ عن أنس ، الاحتجاج : ج ١ ص ١١٤ عن ثوبان ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ٣٥٥ عن أبي إسحاق الموصلي عن الإمام الرضا عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩ ص ٢٩٣ ح ٤.
- ٦- تَفَلَّ: بَصَقَ، وَالتَّفَلُّ وَالتَّفَالُ: البصاق (لسان العرب : ج ١١ ص ٧٧ «تفل»).
- ٧- التَّجَشُّؤُ: تَنْفَسُ الْمَعْدَةَ عِنْدَ الْاِمْتِلَاءِ، تَجَشَّاتٌ: تَنْفَسَتْ، وَالاسْمُ الْجُشَاءُ (لسان العرب : ج ١ ص ٤٨ «جشأ»).
- ٨- صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٨٠ ح ٢٨٣٥ ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٥٥ ح ١٤٤٠٨ ، سنن الدارمي : ج ٢ ص ٧٩٢ ح ٢٧٢٣ ، تاريخ بغداد : ج ١٣ ص ١٩٧ الرقم ٧١٧٥ كلها نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٦٩ ح ٣٩٢٩٤ .

۴ / ۲۰ خوراک بهشتیان

۴ / ۲۰ خوراک بهشتیانقرآن«وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده ، [این است که] از زیر [درختان] آن نهرها روان اند [و] میوه و سایه اش پایدار است . این است فرجام کسانی که پرهیزگاری کرده اند و فرجام کافران ، آتش است».

حدیث ۶۷۳۲. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بهشت ، پرنده ای را می بینی و هوس آن می کنی . بلافاصله برشته شده در برابرت می افتد ! ۶۷۳۱. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : انسان در بهشت ، هوس [گوشت] پرنده ای می کند . آن پرنده به سرعت شتر خراسانی (۱) می آید و بر سفره او می افتد ، بدون آن که دود و آتشی به آن رسیده باشد . او از آن می خورد و چون سیر شد ، دوباره آن پرنده پرواز می کند ! ۶۷۳۰. الأمالی للمفید عن سلمان الفارسی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخستین غذایی که بهشتیان می خورند ، زیاده جگر ماهی است. ۶۷۲۹. عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام) صحیح مسلم به نقل از جابر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «بهشتیان ، در بهشت می خورند و می نوشند ؛ ولی نه آب دهان می اندازند ، نه ادرار و نه مدفوع می کنند و نه ترشحات بینی دارند» .

گفتند : پس غذا چه می شود؟

فرمود : «آروغ می شود و تراوشی مانند تراوش مُشک . به آنها تسبیح و تحمید الهام می شود ، همان گونه که نفس به آنها داده می شود» .

۱- . شترانی نر با گردنی بلند و سرعت زیاد .

٦٧٢٨. عنه صلى الله عليه وآله (لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا سَأَلَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ: أَخْبِرْنِي عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَلَا يَتَعَوَّطُونَ وَلَا يَبُولُونَ؟: نَعَمْ يَا بَنَ سَلَامَ، مَتَلَّهُمْ فِي الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْجِنِّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُ أُمُّهُ، وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُهُ، وَلَا يَبُولُ وَلَا يَتَعَوَّطُ، وَلَوْ رَأَتْ فِي بَطْنِهَا وَبَالَ لَانَشَقَّ بَطْنُهَا. (١) ٦٧٢٧. رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا سَأَلَهُ النَّصْرَانِيُّ: أَخْبِرْنِي عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ كَيْفَ صَارُوا يَأْكُلُونَ وَلَا يَتَعَوَّطُونَ، أَعْطَانِي مَتَلَّهُمْ فِي الدُّنْيَا؟: هَذَا الْجِنُّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُ أُمُّهُ وَلَا يَتَعَوَّطُ! (٢) ٤ / ٢١ شَرَابُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْكِتَابُ «يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ * بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّرِيبِينَ * لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ». (٣)

«وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا». (٤)

«وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا». (٥)

«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا». (٦)

١- بحار الأنوار: ج ٦٠ ص ٢٥٥ نقلاً عن بعض الكتب القديمة عن ابن عباس .

٢- الكافي: ج ٨ ص ١٢٣ ح ٩٤، تفسير القمى: ج ١ ص ٩٩ كلاهما عن عمر بن عبد الله الثقفي، بحار الأنوار: ج ٦٠ ص

٢٥٥ وراجع: الخرائج والجرائح: ج ١ ص ٢٩٢ ح ٢٥.

٣- الصافات: ٤٥ ٤٧.

٤- الإنسان: ١٧.

٥- الإنسان: ٢١.

٦- الإنسان: ٥.

۴ / ۲۱ نوشیدنی بهشتیان

۶۷۲۶. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ این سؤال عبد الله بن سلام که: به من خبر دهید که اهل بهشت، چگونه می خورند و می آشامند؛ اما مدفوع و ادرار، دفع نمی کنند: آری، ای پسر سلام! نمونه آنها در دنیا، جنین در شکم مادرش است که از آنچه مادرش می خورد و می آشامد، او هم می خورد و می آشامد؛ اما ادرار و مدفوع نمی کند، که اگر در شکم مادرش ادرار و مدفوع می کرد، شکم مادرش پاره می شد. ۶۷۲۵. عنه علیه السلام: امام باقر علیه السلام در پاسخ این پرسش نصرانی که گفت: به من بگو که چگونه اهل بهشت، با آن که غذا می خورند، چیزی دفع نمی کنند. نمونه آنها را در دنیا برایم باز گو: این جنینی که در شکم مادرش است. از غذایی که مادرش می خورد، او هم می خورد؛ اما مدفوع نمی کند. ۴ / ۲۱ نوشیدنی بهشتیانقرآن «جامی از باده ناب، بر گردشان گردانده می شود؛ [باده ای] سخت سپید که به نوشندگان، لذتی [خاص] می دهد. نه در آن، فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمستی می افتند».

«و در آن جا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد، به آنها می نوشاند».

«و پروردگارشان شرابی پاک کننده به آنان می نوشاند».

«همانا نیکان از جامی می نوشند که آمیزه ای از کافور دارد».

الحديث ٦٧١٦. امام صادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «وَمَزَّجَهُوْا مِنْ تَسْنِيمٍ» (١): هُوَ أَشْرَفُ شَرَابٍ فِي الْجَنَّةِ يَشْرَبُهُ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ، وَهُمْ الْمُقَرَّبُونَ السَّابِقُونَ: رسول الله وعلي بن أبي طالب والأئمة وفاطمة وخديجة صامات الله عليهم وعلي ذريتهم الذين اتبعوهم بإيمان يتسنى عليهم من أعالي دورهم. (٢) ٦٧١٥. امام علي عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إن علياً أول من يشرب من السلسبيل والزنجبيل... وإن لعلي وشيعته من الله مكاناً يغبطه به الأولون والآخرون. (٣) ٦٧١٤. امام علي عليه السلام: علل الشرائع عن عبد الله بن مره عن ثوبان: إن يهودياً جاء إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال له: يا محمد، أسألك فتخبرني! فركزه (٤) ثوبان برجله وقال له: قل يا رسول الله! فقال: لا أدعوه إلا بما سماه أهله. فقال: أرايت قوله عز وجل: «يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ» (٥) أين الناس يومئذ؟ قال: في الظلمة دون المحشر، قال: فما أول ما يأكل أهل الجنة إذا دخلوها؟ قال: كبجد الحوت، قال: فما شرابهم على أثر ذلك؟ قال: السلسبيل. قال: صدقت. (٦).

١- المطففين: ٢٧.

٢- تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٧٧٧ ح ١٠ عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عن أبيه عليهما السلام عن جابر، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٥٠ ح ٨٥ وراجع: تفسير القمي: ج ٢ ص ٤١١.

٣- الخصال: ص ٥٨٣ ح ٧، الأمالي للصدوق: ص ٧٥٦ ح ١٠١٩ وفيه «مقاماً يغبطهم» بدل «مكاناً يغبطه» وكلاهما عن ابن عباس، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٣ ص ٢٣٢، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٣ ح ٢.

٤- كذا في المصدر، وفي الاحتجاج: «فركضه». وأصل الركض: الضرب بالرجل والإصابة بها (النهاية: ج ٢ ص ٢٥٩ «ركض»).

٥- إبراهيم: ٤٨.

٦- علل الشرائع: ص ٩٦ ح ٥، الاحتجاج: ج ١ ص ١١٤ ح ٣٠، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٧٣ ح ١١٩.

حدیث ۶۷۱۸. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «و آمیزه اش از تسنیم است» : آن ، بهترین نوشیدنی بهشت است و محمد و خاندان محمد ، آن را می آشامند و ایشان اند آن مقربانِ پیشتاز : پیامبر خدا و علی بن ابی طالب و امامان و فاطمه و خدیجه که درودهای خدا بر ایشان باد و بر فرزندان ایشان که با ایمان از آنان پیروی کردند این نوشیدنی ، از فراز خانه شان برایشان فرو می ریزد. ۶۷۱۷. الإمام الکاظم علیه السلام (فی بیانِ جُنُودِ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : علی ، نخستین کسی است که از سلسبیل و زنجبیل می نوشد علی و شیعیان او ، چنان مقامی در نزد خداوند دارند که همه جهانیان بر آن غبطه می خورند. ۶۷۱۶. الإمام الصادق علیه السلام : علل الشرائع به نقل از عبد الله بن مژه : مردی یهودی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای محمد ! پرسش هایی از تو دارم . پاسخ آنها را به من بگو .

ثوبان با پایش بر او زد و گفت : بگو : ای پیامبر خدا !

یهودی گفت : من او را جز با همان نامی که خانواده اش بر او نهاده اند ، نمی خوانم .

آن گاه گفت : خداوند عز و جل گفته است : «روزی که زمین به غیر این زمین ، و آسمان ها [به غیر این آسمان ها] تبدیل می شوند» ، در آن روز ، مردم کجایند ؟

فرمود : «در تاریکی پیش از محشر» .

گفت : نخستین چیزی که اهل بهشت پس از ورود به آن می خورند ، چیست ؟

فرمود : «کبد ماهی» .

گفت : در پی آن ، چه می نوشند ؟

فرمود : «سلسبیل» .

گفت : درست گفتی ..

٦٧١٥. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: سَيِّدُ شَرَابِ الْجَنَّةِ الْمَاءِ. (١) ٦٧١٤. الإمام علي عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: تَسْنِيمٌ أَشْرَفُ شَرَابٍ فِي الْجَنَّةِ، يَشْرَبُهُ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صِرْفًا، وَيُمَزَّجُ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ وَلِسَائِرِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (٢) ٦٧١٣. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام في تفسیر قوله تعالى: «وَسَيَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»: يُطَهَّرُهُمْ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ سِوَى اللَّهِ، إِذْ لَا - طَاهِرٌ مِنْ تَدَنُّسٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْأَكْوَانِ إِلَّا اللَّهُ. (٣) ٤ / ٢٢ ثياب أهل الجنة الكتاب «جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلِّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ». (٤)

«عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَ حُلُوعًا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ». (٥)

«إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ». (٦)

- ١- الكافي: ج ٦ ص ٣٨٠ ح ٤، المحاسن: ج ٢ ص ٣٩٥ ح ٢٣٧٨ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٣٣٦ ح ١٠٨٢ عن الإمام الصادق عليه السلام، كامل الزيارات: ص ١٠٦ ح ٩٩ عن عيسى بن عبد الله بن محمد بن عمر بن علي بن أبي طالب عن أبيه عن جدّه عن الإمام علي عليه السلام وفيه «الماء سيد شراب الدنيا والآخرة»، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٤٥٤ ح ٣٢.
- ٢- تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٧٧٩ ح ١٢، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٥٠ ح ٨٦.
- ٣- مجمع البيان: ج ١٠ ص ٦٢٣، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١١٣.
- ٤- فاطر: ٣٣.
- ٥- الإنسان: ٢١.
- ٦- الحج: ٢٣.

۴ / ۲۲ جامه های بهشتیان

۶۷۱۰. الإمام الباقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین نوشیدنی بهشت، آب است. ۶۷۰۹. امام زین العابدین علیه السلام: امام باقر علیه السلام: تسنیم، عالی ترین نوشیدنی بهشت است. محمد و خاندان محمد، خالص آن را می آشامند و برای دست راستی ها و دیگر بهشتیان، آمیخته می شود. ۶۷۰۸. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام در تفسیر این سخن خدای بلندمرتبه: «و پروردگارشان به آنان نوشیدنی پاک کننده می نوشاند»: آنان را از هر چیزی جز خدا پاک [و خالص] می گرداند؛ زیرا جز خدا هیچ موجودی نیست که از آلودگی به چیزی از طبایع، پاک باشد. ۴ / ۲۲ جامه های بهشتیانقرآن «باغ هایی جاویدان که بهشتیان وارد آنها می شوند و در آن جا به دستبندهایی از طلا و مروارید، آراسته می شوند و لباسشان در آن جا پرنیان است».

«بهشتیان را جامه های ابریشمی سبز و دیبای سبزر، در بر است و زیور آنان، دستبندهای سیمین است».

«خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، در باغ هایی که در آنها جویبارها روان است، در می آورد. در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید، آراسته می شوند و لباسشان در آن جا از پرنیان است».

الحديث ٦٧٠٨. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ لَبَسَ الْحَرِيرَ فِي الدُّنْيَا فَلَنْ يَلْبَسَهُ فِي الآخِرَةِ . (١) ٦٧٠٧. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ أَنَّ ثَوْبًا مِنْ ثِيَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ نُشِرَ الْيَوْمَ فِي الدُّنْيَا لَصَعِقَ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَمَا حَمَلَتْهُ أَبْصَارُهُمْ! (٢) ٦٧٠٦. عنه عليه السلام: مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمرو بن العاص: قَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَرَأَيْتَ ثِيَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أُنْسِيحُ نَسِجًا أَمْ تَشَقُّقُ مِنْ ثَمَرِ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: فَكَأَنَّ الْقَوْمَ تَعَجَّبُوا مِنْ مَسْأَلِهِ الْأَعْرَابِيُّ! فَقَالَ: مَا تَعَجَّبُونَ مِنْ جَاهِلٍ يَسْأَلُ عَالِمًا! قَالَ: فَسِيَكْتُ هُنَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: أَيَنْ السَّائِلُ عَنِ ثِيَابِ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: أَنَا. قَالَ: لَا، بَلْ تَشَقُّقُ مِنْ ثَمَرِ الْجَنَّةِ . (٣) ٦٧٠٥. عنه عليه السلام: المعجم الأوسط عن جابر: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ثِيَابُنَا فِي الْجَنَّةِ نَنْسِجُهَا بِأَيْدِينَا؟ قَالَ: فَضَحِكَ الْقَوْمُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بِمِ تَضَحَكُونَ؟ مِنْ جَاهِلٍ يَسْأَلُ عَالِمًا؟ لَا يَا أَعْرَابِيٌّ، وَلَكِنَّهَا تَشَقُّقُ عَنْهَا ثَمَرَاتُ الْجَنَّةِ . (٤) .

- ١- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢١٩٤ ح ٥٤٩٤، صحيح مسلم: ج ٣ ص ١٦٤٥ ح ٢١، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١٨٧ ح ٣٥٨٨، صحيح ابن حبان: ج ١٢ ص ٢٥٢ ح ٥٤٣٥ كلها عن أنس، سنن الترمذى: ج ٥ ص ١٢٢ ح ٢٨١٧ عن عمر، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ١٥٧ ح ٧٢١٦ عن أبى هريره، كنز العمال: ج ١٥ ص ٣٢١ ح ٤١٢٢٤ .
- ٢- الأمالى للطوسى: ص ٥٣٣ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧١ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٨، أعلام الدين: ص ١٩٦ كلها عن أبى ذر، عدّه الداعى: ص ٩٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٩١ ح ١٦٨ .
- ٣- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٦٤٧ ح ٦٩٠٧، السنن الكبرى للنسائى: ج ٣ ص ٤٤١ ح ٥٨٧٢، التاريخ الكبير: ج ٣ ص ١١٢، تفسير القرطبى: ج ١٠ ص ٣٩٧ كلها نحوه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٩٢ ح ٣٩٣٩٠ .
- ٤- المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٣٥٤ ح ٢٢١٣، المعجم الصغير: ج ١ ص ٤٧، مسند أبى يعلى: ج ٢ ص ٣٩٨ ح ٢٠٤٢، الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص ٧٥ ح ٢٦٤ نحوه، المطالب العالىه: ج ٤ ص ٤٠٢ ح ٤٦٨٢ .

حدیث ۶۷۰۳. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در دنیا پرنیان بپوشد، در آخرت هرگز آن را نخواهد پوشید. ۶۷۰۲. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر امروز جامه ای از جامه های بهشتیان در دنیا باز شود، کسانی که آن را ببینند، از هوش می روند و چشمانشان دیدن آن را تاب نمی آورد. ۶۷۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به علی علیه السلام) مسند ابن حنبل به نقل از عبد الله بن عمرو بن عاص: مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! آیا جامه های اهل بهشت، بافتنی اند یا از میوه های بهشت، پدید می آیند؟

گویا حاضران از سؤال مرد بادیه نشین تعجب کردند. پس گفت: گویا از نادانی که سؤال عالمانه می کند، تعجب نمودید!

پیامبر صلی الله علیه و آله اندکی سکوت کرد و سپس فرمود: «کجاست آن که از جامه های بهشت پرسید؟».

مرد گفت: منم.

فرمود: «نه؛ بلکه از میوه های بهشت، پدید می آیند». ۶۷۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: المعجم الأوسط به نقل از جابر: بادیه نشینی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! جامه هایمان را در بهشت با دست خود می بافیم؟

حاضران خندیدند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به چه می خندید؟ از نادانی که عالمانه می پرسد؟ نه ای اعرابی؛ بلکه از آن جامه ها میوه های بهشت، ساخته می شوند».

٦٦٩٩. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلى الله عليه وآله: طوبى لمن رآني وآمن بي، ثم طوبى ثم طوبى لمن آمن بي ولم يرني. قال له رجل: وما طوبى؟ قال: شجرة في الجنة مسيرة منه عام، ثياب أهل الجنة تخرج من أكمامها. (١) ٦٦٩٨. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ»: تَعْلُوهُمْ الثِّيَابُ فَيَلْبَسُونَهَا. (٢) ٤ / ٢٣ حُلِّيَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْكِتَابُ «أَوْلَائِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عِدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا». (٣)

الحديث ٦٦٨٦. الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله في وصف أهل الجنة: إِنَّ عَلَيْهِمُ التَّيْجَانَ، إِنَّ أَدْنَى لَوْلُؤِهِ مِنْهَا لَتَضِيءُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. (٤).

- ١- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٤١ ح ١١٦٧٣، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤٢٩ ح ٧٤١٣، تفسير الطبري: ج ٨ الجزء ١٣ ص ١٤٩ وليس فيهما صدره إلى «لم يرني»، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ١٢٩ ح ١٣٦٩، تاريخ بغداد: ج ٤ ص ٩١، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٣٧٧، كنز العمال: ج ١١ ص ٥٣٥ ح ٣٢٥٠٠.
- ٢- مجمع البيان: ج ١٠ ص ٦٢٣، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١١٣.
- ٣- الكهف: ٣١.
- ٤- سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٩٥ ح ٢٥٦٢، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥٠ ح ١١٧١٥، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤١٠ ح ٧٣٩٧، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٤٦٢ ح ٣٥٩٤، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ١٣٣ ح ١٣٨١، الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص ٦٨ ح ٢٣٦، تفسير الطبري: ج ١٣ الجزء ٢٦ ص ١٧٦ كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٧٨ ح ٣٩٣٣٥.

۴ / ۲۳ زیورهای بهشتیان

۶۶۷۹. امام علی علیه السلام: مسند ابن حنبل به نقل از ابو سعید خُدَری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «طوبا، از آن کسی باد که مرا دید و به من ایمان آورد، و طوبا و طوبا و طوبا، از آن کسی باد که مرا ندید و به من ایمان آورد!».

مردی گفت: طوبا چیست؟

فرمود: «درختی است در بهشت به مسافت صد سال راه، و جامه های بهشتیان از کاسه گُل های آن بیرون می آیند» ۶۶۸۰. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «جامه های ابریشمی در بر ایشان است»: این جامه ها بر فراز سر بهشتیان می آیند و بهشتیان، آنها را می پوشند. ۴ / ۲۳ زیورهای بهشتیانقرآن «آنان اند که بهشت های جاویدان به ایشان اختصاص دارد که در آنها جویبارها روان است. آن جا با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند و جامه هایی سبز از پرنیانِ نازک و ابریشمِ ستبر می پوشند. در آن جا بر تخت ها تکیه می زنند. چه خوش پاداشی و چه نیکو تکیه گاهی!».

حدیث ۶۶۸۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وصف بهشتیان: بر سر آنان، تاج هایی است که [درخشش] پست ترین مروارید آنها از مشرق تا مغرب را روشن می سازد.

٦٦٨٧. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ أَنَّ مَرَا يُقْتَلُ ظَفَرٌ مِّمَّا فِي الْجَنَّةِ يَدَا لَتَرَحَّرَفَتْ لَهُ مَا بَيْنَ خَوَافِقِ (١) السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطْلَعَ فَبَدَا أَسَاوِرُهُ لَطَمَسَ ضَوْءَ (٢) الشَّمْسِ كَمَا تَطْمِسُ الشَّمْسُ ضَوْءَ النُّجُومِ. (٣) ٦٦٨٨. عنه عليه السلام: تفسير ابن كثير عن أبي امامه: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَدَّثَهُمْ وَذَكَرَ حُلِيَّ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَقَالَ: مُسَوَّرُونَ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، مُكَلَّلَةٌ بِالذَّرِّ، وَعَلَيْهِمْ أَكَالِيلٌ مِّنْ دُرٍّ وَيَاقُوتٍ مُّتَوَاصِلَةٍ، وَعَلَيْهِمْ تَاجٌ كَتَاجِ الْمُلُوكِ، شَبَابٌ، جُرْدٌ، مُرْدٌ، مُكْحَلُونَ. (٤) ٦٦٨٩. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: تَبْلُغُ حِلْيَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَبْلَغَ الْوَضُوءِ. (٥) ٦٦٩٠. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَتَنَعَّمُ بِتَسْيِيحِ الْحِلْيِ عَلَيْهِ فِي الْجَنَّةِ، فِي كُلِّ مَفْصِلٍ مِّنَ الْمُؤْمِنِ فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثَةُ أَسَاوِرٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَلُؤْلُؤٍ. (٦) ٤ / ٢٤ أزواج أهل الجنة الكتاب «وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ». (٧)

«إِنَّا أَنْشَأْنَهُنَّ إِنْشَاءً * فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا * عُرْبًا أَتْرَابًا». (٨)

«فِيهِنَّ قَصْرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لَا جَانٌّ». (٩)

١- الخافقان: المشرق والمغرب، وقيل: طرفا السماء والأرض (لسان العرب: ج ١٠ ص ٨٣ «خفق»).

٢- فى الزهد لابن المبارك: «لطمس ضوءه ضوء الشمس».

٣- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٧٨ ح ٢٥٣٨، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٥٧ ح ١٤٤٩، المعجم الأوسط: ج ٨ ص ٣٦٣ ح ٨٨٨٠، الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص ١٢٦ ح ٤١٦ كلها عن سعد بن أبي وقاص، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٨٠ ح ٣٩٣٤٣.

٤- تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٥٣٧، الدر المنثور: ج ٧ ص ٢٦ كلاهما نقلاً عن ابن أبي حاتم.

٥- صحيح ابن حبان: ج ٣ ص ٣٢٠ ح ١٠٤٥، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٤٤٤ ح ٦١٧٤، صحيح مسلم: ج ١ ص ٢١٩ ح ٤٠، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ١ ص ٧٤ ح ٤ كلاهما نحوه وكلّها عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٨٩ ح ٣٩٣٧٩.

٦- ربيع الأبرار: ج ٤ ص ٢٦، إحقاق الحق: ج ١٢ ص ٢٧٣.

٧- البقره: ٢٥.

٨- الواقعه: ٣٧ ٣٥ وراجع: الصافات: ٤٨ و ٤٩، الدخان: ٥٤، الطور: ٢٠، الرحمن: ٥٨، ٧٠، ٧٢، ٧٦؛ الواقعه: ٢٢ ٢٣.

٩- الرحمن: ٥٦.

۶۶۹۲. الإمام الكاظم عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر به اندازه سر ناخنی از آنچه در بهشت است، [در دنیا] آشکار گردد، کران تا کران [یا شرق تا غرب] آسمان ها و زمین از آن مزین می شود، و اگر مردی از بهشتیان [به دنیا] سَرَك کشد و دستبندهایش نمایان گردد، [روشنایی درخشش آن،] نور خورشید را محو می سازد، چنان که خورشید، نور ستارگان را محو می سازد. ۶۶۹۳. الإمام الرضا علیه السلام: تفسیر ابن کثیر به نقل از ابو امامه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای آنان سخن گفت و از زیورهای بهشتیان یاد کرد و فرمود: «دستبندهایشان از زر و سیم و مروارید نشان است. بر سرهایشان حلقه هایی از دُر و یاقوت به هم پیوسته و تاج هایی چون تاج شاهان است. جوانانی هستند با رخسارها و بدن هایی صاف و عاری از مو، و چشمانی سرمه کشیده». ۶۶۹۴. عنه علیه السلام (فی الفقه المنسوب إلیه) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زیور بهشتیان [در دست هایشان]، تا جایگاه وضویشان (آرنج) می رسد. ۶۶۹۵. الإمام الصادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام: مؤمن در بهشت، از زیورهای تسیحگو برخوردار است. در هر بندی از [بدن] مؤمن در بهشت، سه دستبند طلا و نقره و مروارید قرار دارد. ۴ / ۲۴ همسران بهشتیانقرآن» و ایشان را در آن جا، همسران پاک است».

«ما ایشان را پدید آوردیم پدید آوردنی. پس ایشان را دوشیزه قرار دادیم شوی دوست همسال».

«در آن [باغ ها، دلبرانی] فروهشته نگاه اند که دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده است».

الحديث ٦٦٩٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «وَلَهُمْ فِيهَا أزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ» قال: مِنَ الْحَيْضِ وَالْغَائِطِ وَالنُّخَامَةِ (١) وَالْبِرَاقِ. (٢) ٦٨٠٦. الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: خُلِقَ الْحُورُ الْعَيْنُ مِنْ تَسْبِيحِ الْمَلَائِكَةِ، فَلَيْسَ فِيهِنَّ أَدَى، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً * فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا * غُرُبًا» عَوَاشِقَ لِأَزْوَاجِهِنَّ «أَثْرَابًا». (٣) ٦٨٠٧. الإمام زين العابدين عليه السلام (في دُعَائِهِ) عنه صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَابًا» (٤): خَيْرَاتُ الْأَخْلَاقِ، حِسَابُ الْوُجُوهِ. (٥) ٦٨٠٨. عنه صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً»: إِنَّ مِنَ الْمُنشَأَاتِ الَّتِي كُنَّ فِي الدُّنْيَا عَجَائِزَ عُمَشَا (٦) رُمَصَا. (٧).

- ١- النُّخَامَةُ: البُرْقَةُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ أَقْصَى الْحَلْقِ (النَّهْيَةِ: ج ٥ ص ٣٤ «نخم»).
- ٢- الدرّ المنشور: ج ١ ص ٩٧ نقلاً عن الحاكم وابن مردويه، تفسير ابن كثير: ج ١ ص ٩٢ وفيه «النخاعة» بدل «النخامة» وكلاهما عن أبي سعيد الخدري وراجع: تفسير الطبري: ج ١ ص ١٧٥ و ١٧٦ و بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٣٩ ح ٥٢.
- ٣- تفسير الثعلبي: ج ٩ ص ٢١١، الفردوس: ج ٢ ص ١٩٢ ح ٢٩٥٥ كلاهما عن عائشه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥١٩ ح ٣٩٤٦٨.
- ٤- الرحمن: ٧٠.
- ٥- المعجم الكبير: ج ٢٣ ص ٣٦٨ ح ٨٧٠، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٢٧٨ ح ٣١٤١، تفسير الثعلبي: ج ٩ ص ١٩٥، الفردوس: ج ٣ ص ١٥٤ ح ٤٤١٧، تفسير الطبري: ج ١٣ الجزء ٢٧ ص ١٥٨ كلّها عن أم سلمه، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٣ ح ٣٠٤٦؛ مجمع البيان: ج ٩ ص ٣١٩، الاختصاص: ص ٣٥٢ كلاهما عن أم سلمه، التبيان في تفسير القرآن: ج ٩ ص ٤٨٤ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٠٦.
- ٦- العَمَشُ: أَنْ لَا تَزَالَ الْعَيْنُ تَسِيلُ الدَّمْعَ وَلَا يَكَادُ الْأَعْمَشُ يَبْصُرُ بِهَا (لسان العرب: ج ٦ ص ٣٢٠ «عمش»).
- ٧- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٠٢ ح ٣٢٩٦، الزهد لهناد: ج ١ ص ٥٧ ح ٢١، تفسير الطبري: ج ١٣ الجزء ٢٧ ص ١٨٥، الدرّ المنشور: ج ٨ ص ١٥ نقلاً عن الفريابي وابن المنذر وابن مردويه وكلّهما عن أنس، كنز العمال: ج ٢ ص ١١ ح ٢٩٢٨.

حدیث ۶۸۰۴. امام علی علیه السلام (در نامه اش به اشتر نخعی، آن گاه که او را والی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «و ایشان را در آن جا ، همسران پاک است» : [پاک] از حیض و مدفوع و خلط حلق و آب دهان. ۶۸۰۵. امام علی علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حور العین از تسبیح فرشتگان ، آفریده شده اند . بنا بر این ، در آنان ، اذیتی وجود ندارد . خدای عز و جلفرموده است : «ما ایشان را پدید آوردیم پدید آوردنی . پس ، ایشان را دوشیزگانی شوهر دوست » : عاشق شوهرانشان «و همسال قرار دادیم» . ۶۸۰۶. امام حسین علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه که : «در آن جا زنانی خوب و نیکویند» : خوب در اخلاق ، نیکو در رخسار. ۶۸۰۷. امام زین العابدین علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه : «ما ایشان را پدید آوردیم پدید آوردنی» : برخی از این دخترکان پدید آورده شده ، همان زنانی هستند که در دنیا پیر و فرتوت بوده اند و از چشمانشان همیشه چرک می آمده است .

٦٨٠٨. امام زين العابدين عليه السلام (در دعایش) عنه صلى الله عليه و آله : الكَوَاعِبُ : الفَتَيَاتُ النَّوَاهِدُ ، أترابا : المُسْتَوِيَاتُ القَدُّ عَلَى مِيلَادٍ وَاحِدٍ وَسِنَّ وَاحِدٍ . (١) ٦٨٠٩. امام زين العابدين عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَهْلَ الجَنَّةِ إِذَا جَامَعُوا نِسَاءَهُمْ عَادُوا أَبْكَارًا . (٢) ٦٨١٠. عنه عليه السلام (فى دُعَائِهِ) عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَزْوَاجَ أَهْلِ الجَنَّةِ لَيُغْنِينَ أَزْوَاجَهُنَّ بِأَحْسَنِ أَصْوَاتٍ « ما » سَمِعَهَا أَحَدٌ قَطُّ . (٣) ٦٨١١. عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ الحُورَ فى الجَنَّةِ يَتَغَنَّينَ يَقُلْنَ :

نَحْنُ الحُورُ الحِسانُ هُدِينا لِأَزْوَاجِ كِرَامِ (٤) ٦٨١٢. عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ فى الجَنَّةِ لَمُجْتَمَعًا لِلحُورِ العِينِ يَرَفَعْنَ بِأَصْوَاتٍ لَمْ يَسْمَعْ الخَلائِقُ مِثْلَهَا . قَالَ : يَقُلْنَ : « نَحْنُ الخَالِدَاتُ فَلَا نَبِيدُ ، وَنَحْنُ النَّاعِمَاتُ فَلَا نَبَأُ ، وَنَحْنُ الرَّاغِبَاتُ فَلَا نَسْخَطُ ، طُوبَى لِمَنْ كَانَ لَنَا وَكُنَّا لَهُ » . (٥) .

-
- ١- الفردوس : ج ٣ ص ٣١١ ح ٤٩٣٦ عن أم سلمه ؛ تفسير القمى : ج ٢ ص ٤٠٢ عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيه ذيله من «أترابا . . .» .
 - ٢- المعجم الصغير : ج ١ ص ٩١ ، تاريخ بغداد : ج ٦ ص ٥٣ ح ٣٠٧٩ ، الفردوس : ج ١ ص ٤٠٩ ح ١٦٥١ ، العظمة : ص ٢٠٩ ح ٥٨٥ كلها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧٠ ح ٣٩٢٩٦ .
 - ٣- المعجم الأوسط : ج ٥ ص ١٤٩ ح ٤٩١٧ ، المعجم الصغير : ج ١ ص ٢٦٠ كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٥١٨ ح ٣٩٤٦٢ .
 - ٤- المعجم الأوسط : ج ٦ ص ٣١٢ ح ٦٤٩٧ ، التاريخ الكبير : ج ٧ ص ١٦ الرقم ٧٠ ، تفسير ابن كثير : ج ٨ ص ١٢ ، الدر المنثور : ج ٧ ص ٧٢٠ نقلًا عن ابن أبى شيبه وابن مردويه والثلاثة الأخيره نحوه وكلها عن أنس ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٥١٨ ح ٣٩٤٦٠ .
 - ٥- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٩٦ ح ٢٥٦٤ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٣٢٩ ح ١٣٤٢ ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج ٨ ص ٦٩ ح ١٨ نحوه ، تفسير ابن كثير : ج ٨ ص ١٢ وكلها عن النعمان بن سعد عن الإمام على عليه السلام ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٥١٨ ح ٣٩٤٦١ ؛ جامع الأخبار : ص ٤٩٥ ح ١٣٧٤ عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٤٨ ح ٧٦ .

۶۸۱۳. عنه علیه السلام (فی دُعَائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «الکواعب» یعنی : دخترکان نورسیده نارپستان . «أترابا» یعنی : هم قد و هم سال. ۶۸۱۴. الإمام علیّ علیه السلام (فی دُعَائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اهل بهشت هر گاه با زنانشان نزدیکی کنند ، دوباره باکره می شوند. ۶۸۱۵. الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همسران بهشتیان برای شوهرانشان با خوش ترین صداهایی که هیچ کس هرگز آنها را نشنیده است ، آواز می خوانند. ۶۸۱۶. الإمام المهدیّ علیه السلام (فی دُعَائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حوریان بهشتی ، آواز می خوانند و می گویند:

ما سیه چشمان خوب روی

به شوهرانی ارجمند ، هدیه گشته ایم . ۶۸۱۰. امام زین العابدین علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در بهشت ، انجمنی از حور العین است که با آوازهایی که خلایق ، نظیر آنها را نشنیده اند ، می خوانند و می گویند : «ما جاودانگانیم و هرگز نابود نمی شویم . ما نازپروردگانیم و هرگز به درویشی نمی افتیم . ما همواره شادمانیم و هرگز ناشادمان نمی گردیم . خوشا به حال کسی که از آن ماست و ما از آن اویم !» . .

٦٨١١. امام زين العابدين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ أَنَّ حُورًا أَطْلَعَتْ إِصْبَعًا مِنْ أَصَابِعِهَا، لَوَجِدَ رِيحَهَا كُلُّ ذِي رُوحٍ. (١) ٦٨١٢. امام زين العابدين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطْلَعَتْ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لِلْأَضَاءِ مَا بَيْنَهُمَا، وَلَمَلَّتَهُ رِيحًا، وَلَنْصِيفُهَا (٢) عَلَى رَأْسِهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. (٣) ٦٨١٣. امام زين العابدين عليه السلام (در دعايش) عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطْلَعَتْ مِنْ سَيِّمَاءِ الدُّنْيَا فِي لَيْلِهِ ظَلَمَاءَ لِلْأَضَاءِ لَهَا الْأَرْضُ أَفْضَلَ مِمَّا يُضَيُّهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، وَلَوْ جَدَّ رِيحَ نَشْرِهَا جَمِيعَ أَهْلِ الْأَرْضِ. (٤) ٦٨١٤. امام على عليه السلام (در دعايش) عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَشْرَفَتْ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَمَلَمَاتِ الْأَرْضِ رِيحَ مِسْكٍ، وَلَأَذْهَبَتْ ضَوْءَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ. (٥) ٦٨١٥. امام باقر عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: نِسَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ يُرَى مُخُّ سَوْفِهِنَّ مِنْ وَرَاءِ اللَّحْمِ. (٦).

- ١- المعجم الكبير: ج ٦ ص ٥٩ ح ٥٥١١، حليه الأولياء: ج ١ ص ٢٤٧، تاريخ دمشق: ج ٢١ ص ١٤٧ ح ٤٧٥٢ كلها عن سعيد بن عامر، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥١٩ ح ٣٩٤٦٩.
- ٢- النضيف: هو الخمار، وقيل: المعجبر (النهاية: ج ٥ ص ٦٦ «نصف»).
- ٣- صحيح البخارى: ج ٣ ص ١٠٢٩ ح ٢٦٤٣، سنن الترمذى: ج ٤ ص ١٨٢ ح ١٦٥١، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٨٣ ح ١٢٤٣٩، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤١٣ ح ٧٣٩٩، مسند أبى يعلى: ج ٤ ص ٤٥ ح ٣٧٦٣ كلها عن أنس والأربعة الأخره نحوه، كنز العمال: ج ٤ ص ٣٠٤ ح ١٠٦١٦.
- ٤- الأمالى للطوسى: ص ٥٣٣ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧١ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبى ذرّ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٨٢ ح ٣.
- ٥- المعجم الكبير: ج ٦ ص ٥٩ ح ٥٥١٢، الزهد لابن المبارك: ص ٧٧ ح ٢٢٦، تاريخ دمشق: ج ٢١ ص ١٤٥ كلها عن سعيد بن عامر بن حذيم، المصنّف لابن أبى شيبة: ج ٨ ص ٧٩ ح ٦٩ عن الحسن وليس فيه ذيله، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٧٣ ح ٣٩٣١٥.
- ٦- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٤٠٢ ح ٩٤٤٣، الدر المنثور: ج ٧ ص ٧١٣ نقلًا عن عبد بن حميد وكلاهما عن أبى هريره، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٦٤ ح ٣٩٢٧٩.

۶۸۱۶. امام مهدی علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر حوری ، انگشتی از انگشتانش را نمایان سازد ، هر جاننداری بوی خوش آن را حس خواهد کرد. ۶۸۱۷. الإمام زین العابدین علیه السلام (فی دُعَائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر زنی از بهشتیان برای زمینیان نمایان گردد ، از آسمان تا زمین را روشن می کند و عالم را آکنده از بوی [خوش خود] می سازد . چارقدر سر او از دنیا و هر آنچه در دنیاست ، بهتر است. ۶۸۱۸. عنه علیه السلام (فی دُعَائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر زنی از زنان اهل بهشت ، در شبی تار در آسمان دنیا نمایان شود ، زمین از آن روشن می گردد ، بیشتر از روشن شدنش به وسیله ماه شب چهارده ، و همه اهل زمین ، بوی خوش او را حس می کنند. ۶۸۱۹. عنه علیه السلام (فی دُعَائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر زنی از بهشتیان بر مردم زمین نمایان شود ، زمین را از بوی مشک می آکند و نور خورشید و ماه را محو می سازد. ۶۸۲۰. الإمام الرضا علیه السلام (فی دُعَائِهِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زنان بهشتی ، مغز ساق هایشان از پشت گوشت ، دیده می شود. .

٦٨٢١. رسول الله صلى الله عليه وآله (في مكارم الأخلاق) عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَّكِي فِي الْجَنَّةِ سَبْعِينَ سَنَةً قَبْلَ أَنْ يَتَحَوَّلَ ، ثُمَّ تَأْتِيهِ امْرَأَةٌ فَتَضْرِبُ عَلَى مَنْكِبِهِ ، فَيَنْظُرُ وَجْهَهُ فِي خَدِّهَا أَصْفَى مِنَ الْمِرَاةِ ، وَإِنَّ أَدْنَى لَوْلُوهِ عَلَيْهَا تُضَيءُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ، فَتَسَلِّمُ عَلَيْهِ فَيَرُدُّ السَّلَامَ ، وَيَسْأَلُهَا : مَنْ أَنْتِ؟ وَتَقُولُ : أَنَا مِنَ الْمَزِيدِ ، وَإِنَّهُ لَيَكُونُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ ثَوْبًا أَدْنَاهَا مِثْلُ الثُّعْمَانِ مِنْ طُوبَى ، فَيَنْفُذُهَا بِصَيْرُوهُ ، حَتَّى يَرَى مُخَّ سَاقِهَا مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ ، وَإِنَّ عَلَيْهَا مِنَ التَّيْجَانِ ، إِنَّ أَدْنَى لَوْلُوهِ فِيهَا لَتَضَيءُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ . (١) ٦٨١٧. امام زين العابدين عليه السلام (در دعایش) عنه صلى الله عليه وآله في قوله تعالى : « كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ » (٢) : يَنْظُرُ إِلَى وَجْهِهِ فِي خَدِّهَا أَصْفَى مِنَ الْمِرَاةِ ، وَإِنَّ أَدْنَى لَوْلُوهِ عَلَيْهَا لَتَضَيءُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ، وَإِنَّهَا لَيَكُونُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ ثَوْبًا يَنْفُذُهَا بِصَيْرُوهُ حَتَّى يَرَى مُخَّ سَاقِهَا مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ . (٣) ٦٨١٨. امام زين العابدين عليه السلام (در دعایش) عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ الْمَرْأَةَ مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَيُرَى بَيَاضُ سَاقِهَا مِنْ وَرَاءِ سَبْعِينَ حُلَّةً حَتَّى يُرَى مُخَّهَا ، وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ : « كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ » فَأَمَّا الْيَاقُوتُ فَإِنَّهُ حَجَرٌ لَمَّا أَدخَلَتْ فِيهِ سِلْكَ ثَمَّ اسْتَصْفَيْتَهُ لِرَأْيَتِهِ مِنْ وَرَائِهِ . (٤) ٦٨١٩. امام زين العابدين عليه السلام (در دعایش) سنن الترمذی عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله : يُعْطَى الْمُؤْمِنُ فِي الْجَنَّةِ قُوَّةً كَذَا وَكَذَا مِنَ الْجَمَاعِ . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَوْمَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ؟ قَالَ : يُعْطَى قُوَّةَ مَائَةٍ . (٥) .

- ١- .مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ١٥٠ ح ١١٧١٥ ، مسند أبي يعلى : ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٣٨١ ، تفسير الطبري : ج ١٣ الجزء ٢٦ ص ١٧٦ ، تفسير ابن كثير : ج ٧ ص ٣٨٥ كلها عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٨٣ ح ٣٩٣٥٦ .
- ٢- .الرحمن : ٥٨ .
- ٣- .المستدرک علی الصحیحین : ج ٢ ص ٥١٧ ح ٣٧٧٤ ، البعث والنشور : ص ٢١٥ ح ٣٣٩ ، الدر المنثور : ج ٧ ص ٧١٢ نقلًا عن أحمد وابن حبان وكلها عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج ٢ ص ٤٣ ح ٣٠٤٧ .
- ٤- .سنن الترمذی : ج ٤ ص ٦٧٦ ح ٢٥٣٣ ، صحيح ابن حبان : ج ١٦ ص ٤٠٨ ح ٧٣٩٦ نحوه ، تفسير الطبري : ج ١٣ الجزء ٢٧ ص ١٥٢ ، تفسير ابن كثير : ج ٧ ص ٤٧٩ ، العظمة : ص ٢٠٩ ح ٥٨٦ نحوه وكلها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧٧ ح ٣٩٣٣٠ .
- ٥- .سنن الترمذی : ج ٤ ص ٦٧٧ ح ٢٥٣٦ ، صحيح ابن حبان : ج ١٦ ص ٤١٣ ح ٧٤٠٠ ، موارد الظمان : ص ٦٥٥ ح ٢٦٣٥ كلاهما نحوه وراجع : مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٧٦ ح ١٩٢٨٩ وسنن الدارمی : ج ٢ ص ٧٩١ ح ٢٧٢١ والمعجم الكبير : ج ٥ ص ١٧٨ ح ٥٠٠٩ وكنز العمال : ج ١٤ ص ٤٨٤ ح ٣٩٣٦١ والاختصاص : ص ٣٥٨ و بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٠٢ .

۶۸۲۰. امام رضا علیه السلام (در دعایش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرد، در بهشت، هفتاد سال تکیه می دهد، بدون آن که صورتش را به طرفی برگرداند. سپس زنی نزد او می آید و به شانه اش می زند و او صورتش را به طرف چهره آن زن که از آینه صاف تر است و کوچک ترین مرواریدش از مشرق تا مغرب را روشن می سازد، بر می گرداند. زن به او سلام می کند و او جواب سلامش را می دهد و می پرسد: تو کیستی؟

او می گوید: من از فزونی ام (۱).

بر تن آن زن، هفتاد جامه از درخت طوبا پوشانده شده که کمترین آنها، مانند شقایق نعمان است. پس نگاه مرد از آنها نفوذ می کند تا جایی که از پشت آنها مغز ساق او را می بیند. نیز تاج هایی بر سر دارد که کوچک ترین مروارید آنها، از مشرق تا مغرب را روشن می کند. ۶۸۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (درباره فضایل اخلاقی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «گویا یاقوت و مرجان اند»: به گونه او (حوری) می نگرد که از آینه صاف تر است و پست ترین مرواریدی که بر اوست، از مشرق تا مغرب را روشن می کند. نیز هفتاد جامه بر تن اوست که نگاهش از آنها عبور می کند، به طوری که از پشت آنها مغز ساق او را می بیند. ۶۸۲۲. عنه صلی الله علیه و آله (مِنْ وَصِيَّهِ طَوِيلَهُ أَوْصَى بِهَا أَبَا ذَرٍّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زن بهشتی، سپیدی ساقش از پس هفتاد جامه نمایان است، به طوری که مغز [ساق پای] او دیده می شود. دلیلش این است که خداوند می فرماید: «گویا یاقوت و مرجان اند». یاقوت، سنگی است که اگر رشته نخ را داخل آن قرار دهی و سپس آن را صیقل دهی، آن نخ دیده می شود. ۶۸۲۳. الإمام علی علیه السلام: سنن الترمذی به نقل از انس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت به مؤمن، فلان و بهمان اندازه نیروی مجامعت داده می شود».

یکی گفت: ای پیامبر خدا! آیا کسی توان آن را دارد؟

فرمود: «نیروی صد [مرد] به او داده می شود»..

۱- واژه «مزید» در متن عربی، اشاره است به این سخن خدای عز و جل که: «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ» و «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ» ، یا اشاره است به روز جمعه که از آن به «یوم المزید» تعبیر شده است.

٦٨٢٤. الإمام علي عليه السلام: المعجم الكبير عن ام سلمه: قلت: يا رسول الله، أخبرني عن قول الله: «وَحُورٌ عِينٌ» (١)؟ قال: حُورٌ بِيضٌ عَيْنٌ ضِحَامٌ الْعُيُونِ شُقْرُ الْجِرْدَاءِ بِمَنْزِلِهِ جَنَاحِ الشُّوْرِ .

قلت: يا رسول الله، أخبرني عن قوله: «كَأَنَّهُمْ لَوْلُو مَكْنُونٌ» (٢)؟ قال: صَفَاؤُهُنَّ صَفَاءُ الدَّرِّ فِي الْأَصْدَافِ الَّتِي لَمْ تَمَسَّهُ الْأَيْدِي

قلت: يا رسول الله، أخبرني عن قوله: «فِيهِنَّ خَيْرٌ حَسَانٌ»؟ قال: خَيْرَاتُ الْأَخْلَاقِ، حِسَانُ الْوُجُوهِ .

قلت: يا رسول الله، أخبرني عن قوله: «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ» (٣)؟ قال: رِقَّتُهُنَّ كَرِقَّةِ الْجِلْدِ الَّذِي رَأَيْتَ فِي دَاخِلِ الْبَيْضِ مِمَّا يَلِي الْقَشْرَ وَهُوَ الْغَرِقِيُّ .

قلت: يا رسول الله، أخبرني عن قوله: «عُرْيَا أْتْرَايَا»؟ قال: هُنَّ اللَّوَاتِي قُبِضْنَ فِي دَارِ الدُّنْيَا عَجَائِزَ، رُمِيَا (٤) شُمَطًا (٥)، خَلَقَهُنَّ اللَّهُ بَعْدَ الْكِبَرِ فَجَعَلَهُنَّ عَذَارَى عُرْبًا مُتَعَشِّقَاتٍ مُحَبِّبَاتٍ، أْتْرَابًا عَلَى مِيلَادٍ وَاحِدٍ .

قلت: يا رسول الله، أنساء الدنيا أفضل أم الحور العين؟ قال: بل نساء الدنيا أفضل من الحور العين كفضل الظهاره على البطانه .

قلت: يا رسول الله، وبما ذاك؟ قال: بِصَلَاتِهِنَّ وَصِيَامِهِنَّ وَعِبَادَتِهِنَّ اللَّهُ، أَلْبَسَ اللَّهُ وَجُوهُهُنَّ الثُّورَ، وَأَجْسَادَهُنَّ الْحَرِيرَ، بِيضَ الْأَلْوَانِ، خُضِرَ الثِّيَابِ، صَدَفَاءَ الْحُلِيِّ، مَجَامِرُهُنَّ الدُّرُّ، وَأَمَشَاطُهُنَّ الدَّهَبَ، يَقْلُنَ: «أَلَا نَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا نَمُوتُ أَبَدًا، وَنَحْنُ النَّاعِمَاتُ فَلَا نَبْأَسُ أَبَدًا، وَنَحْنُ الْمُقِيمَاتُ فَلَا نَنْظَعُنَّ أَبَدًا، أَلَا وَنَحْنُ الرَّاظِيَاتُ فَلَا نَسْحَطُ أَبَدًا، طُوبَى لِمَنْ كُنَّا لَهُ وَكَانَ لَنَا» .

قلت: يا رسول الله، المرأة منا تزوج زوجين والثلاثة والأربعة ثم تموت فتدخل الجنة ويدخلون معها من يكون زوجها؟ قال: يا أم سلمة، إنها تخير فتختار أحسنهم خلقا، فتقول: أي رب إن هذا كان أحسنهم معي خلقا في دار الدنيا فزوجنيه . يا أم سلمة، ذهب حسن الخلق بخير الدنيا والآخرة . (٦) .

١- الواقعه : ٢٢ .

٢- الطور : ٢٤ .

٣- الصافات : ٤٩ .

٤- الرَّمَصُ : هو البياض الذي تقطعه العين ويجتمع في زوايا الأجفان (لسان العرب : ج ٧ ص ٤٣ «رمص»).

٥- الشَّمَطُ : بياض شعر الرأس يخالط سواده (الصَّحاح : ج ٣ ص ١١٣٨ «شمط»).

٦- المعجم الكبير : ج ٢٣ ص ٣٦٧ ح ٨٧٠ ، المعجم الأوسط : ج ٣ ص ٢٧٨ ح ٣١٤١ ، تفسير ابن كثير : ج ٨ ص ١٠ ، الدر

المنثور : ج ٧ ص ٧٢٠ نقلاً عن ابن جرير وابن مردويه نحوه ، كنز العمال : ج ٢ ص ٤٣ ح ٣٠٤٦ .

۶۸۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در وصیّتی طولانی به ابو ذر) المعجم الکبیر به نقل از اُمّ سلمه : گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از این سخن خداوند ، آگاه فرما : « وَ حُورٌ عِیْنٌ » .

فرمود : «سیه چشمانی هستند سیمین بر ، درشت چشم ، موبور مانند پر عقاب» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از این سخن او آگاه فرما : «گویی مرواریدی نهفته اند» .

فرمود : «به شفافیت دُر در صدف اند که هیچ دستی به آنها نرسیده است» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از این سخن او آگاه فرما : «در آن جا زنانی خوب و نیکویند» .

فرمود : «خوب در اخلاق و نیکو در رخسارند» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از این سخن او آگاه فرما : «گویی تخم مرغ زیر پَرند» .

فرمود : «نازکی آنها ، به نازکی پوستی است که در زیر پوسته تخم مرغ می بینی ؛ یعنی همان پوست نازکی که بر روی سفیده تخم مرغ کشیده شده است» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از این سخن او آگاه فرما : «شوی دوستانی همسال» .

فرمود : «آنان ، همان زنانی هستند که وقتی از دنیا رفته اند ، پیر و فرتوت بوده اند و چشمانشان چرک می داده و موی سرشان به سفیدی می زده است . خداوند ، آنان را پس از پیری ، باز آفرید و آنان را دوشیزگانی شوی دوست و عاشق پیشه و دوست داشتنی و هم سن و سال ، قرار داد» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا زنان دنیا برترند ، یا حور العین؟

فرمود : «زنان دنیا برتر از حور العین اند ، همانند برتری رویه بر آستر» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! این برتری ، به سبب چیست؟

فرمود : «به سبب نماز و روزه و عبادت خدا . خداوند بر چهره های آنان نور و بر تن هایشان پرنیان قرار داده است . بدن های سفید و جامه های سبز و زیورهای زرد دارند . موهایشان مروارید [گونه] است و شانه های سرشان طلاست و می گویند : هان! ما جاودانگانیم و هرگز نمی میریم . ما نازپروردگانیم و هرگز گرد بینوایی بر ما نمی نشیند . ما ماندگارانییم و هرگز رخت بر نمی بندیم . هان! ما همواره شادمانیم و هرگز ناراحتی نداریم . خوشا آن که ما از آن او باشیم و او از آن ما باشد ! » .

گفتم : ای پیامبر خدا ! از ما زنان ، کسانی هستند که دو ، سه و چهار بار ازدواج می کنند و سپس می میرند و به بهشت می

روند و شوهرانشان نیز به بهشت می روند . کدام یک از آنها [در بهشت] ، شوهر او خواهد بود؟

فرمود : «ای اُمّ سلمه! او را در انتخاب ، آزاد می گذارند و او خوش اخلاق ترین آنان را انتخاب می کند و می گوید : پروردگارا! این یکی در دنیا با من خوش اخلاق تر بود . پس ، اکنون او را به همسری من در آور . اُمّ سلمه! اخلاق خوش ، خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد» . .

٦٨٢٣.امام على عليه السلام:الإمام الصادق عليه السلام : أو لَأَمَاتتِ أَهْلَ الدُّنْيَا (١) لَوْ أَنَّ حُورًا مِنْ حُورِ الْجَنَّةِ أَشْرَفَتْ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَبَدَتْ ذُرِّيَّتَهُ مِنْ ذَوَائِبِهَا لَأَمَّتَنَ (لَأَفْتَنَ) أَهْلَ الدُّنْيَا وَإِنَّ الْمُصِصَلِيَّ لِيُصِصَلِيَّ ، فَإِذَا لَمْ يَسْأَلْ رَبَّهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ قُلْنَ : مَا أَزْهَدَ هَذَا فِينَا! (٢)٦٨٢٤.امام على عليه السلام :عنه عليه السلام :الْخَيْرَاتُ الْحَسَنَاتُ مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا ، وَهِنَّ أَجْمَلُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ . (٣) .

-
- ١- .الظاهر أن التردد من الراوى .
 - ٢- .الزهد للحسين بن سعيد : ص ١٠٢ ح ٢٨٠ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩٩ ح ٢٠٠ .
 - ٣- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٤٦٩ ح ٤٦٣١ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٤٣٨ ح ١٥٠١ ، مجمع البيان : ج ٩ ص ٣١٩ من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

۶۸۲۵. عنه عليه السلام: امام صادق عليه السلام: اگر حوری از حوریان بهشتی بر اهل دنیا سیرک کشد و زلفی از زلف های او نمایان گردد، اهل دنیا قالب تهی می کنند (اهل دنیا را فریفته می سازد). نماز گزار، نماز می خواند و اگر [در نمازش] از پروردگارش درخواست نکند که از حوریان بهشتی به همسری اش در آورد، حوریان می گویند: این چه قدر به ما بی اعتناست! ۶۸۲۶. عنه عليه السلام: امام صادق عليه السلام: نیک خویان خوب روی [که در قرآن آمده]، از زنان دنیا هستند. آنان از حورالعین، زیباترند.

٦٨٢٧. الإمام الصادق عليه السلام: الكافي عن جميل بن درّاج: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَلَذَّذَ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِلَذِّهِ أَكْثَرَ لَهُمْ مِنْ لَذَّةِ النَّسَاءِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ...» (١) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

ثُمَّ قَالَ: وَإِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ مَا يَتَلَمَذُونَ بِشَيْءٍ مِنَ الْجَنَّةِ أَشْهَى عِنْدَهُمْ مِنَ النِّكَاحِ؛ لَا طَعَامَ وَلَا شَرَابَ. (٢) ٦٨٢٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: مجمع البيان عن أبي بصير: قُلْتُ لَهُ [أَيُّ لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ]: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَخْبِرْنِي عَنِ الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ تَكُونُ [لَهُ] (٣) امْرَأَةٌ مُؤْمِنَةٌ يَدْخُلَانِ الْجَنَّةَ يَتَزَوَّجُ أَحَدُهُمَا الْآخَرَ؟ فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، إِنَّ اللَّهَ حَكَمَ عَدْلًا، إِذَا كَانَ هُوَ أَفْضَلَ مِنْهَا خَيْرُهُ؛ فَإِنْ اخْتَارَهَا كَانَتْ مِنْ أَزْوَاجِهِ، وَإِنْ كَانَتْ هِيَ خَيْرًا مِنْهُ خَيْرَهَا؛ فَإِنْ اخْتَارَتْهُ كَانَ زَوْجًا لَهَا. (٤) ٤ / ٢٥ جمال أهل الجنة الكتاب «إِنَّ الْأُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ * تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ * يُشْفِقُونَ مِنَ رَحِيْقِ مَخْتُومٍ * خِتْمُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكِ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ». (٥)

«وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ». (٦)

«وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ * وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ * أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ». (٧)

«وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ * لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ * فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ». (٨)

١- آل عمران: ١٤.

٢- الكافي: ج ٥ ص ٣٢١ ح ١٠، تفسير العياشي: ج ١ ص ١٦٤ ح ١٠ كلاهما عن جميل بن درّاج، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٣٩ ح ٥٣.

٣- ما بين المعقوفين سقط من المصدر، وأثبتناه من بحار الأنوار.

٤- مجمع البيان: ج ٩ ص ٣١٨، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٠٥ كلاهما نقلاً عن العياشي.

٥- المطففين: ٢٢ ٢٦.

٦- القيامة: ٢٢ ٢٣.

٧- عبس: ٣٨ ٤٢.

٨- الغاشية: ٨ ١٠.

۴ / ۲۵ زیبایی بهشتیان

۶۸۳۰. کامل الزیارات (به نقل از عبد الله بن میمون قدّاح) الکافی به نقل از جمیل بن درّاج : امام صادق علیه السلام فرمود : «مردم در دنیا و آخرت ، لذّتی بالاتر از لذّت زن نمی چشند و این ، همان سخن خدای عز و جل است که : «برای مردم آراسته شده است دوست داشتنِ خواستنی ها ، از زنان و پسران و ... » تا آخر آیه .

سپس فرمود : «بهشتیان به اندازه ای که از نکاح لذّت می برند ، از هیچ چیزِ بهشت لذّت نمی برند ، نه از خوراکی هایش و نه از نوشیدنی هایش» . ۶۸۳۱. الإمام علیّ علیه السلام : مجمع البیان به نقل از ابو بصیر : به ایشان (امام صادق علیه السلام) گفتم : فدایت شوم ! مرد مؤمن ، زنی مؤمن دارد و هر دو به بهشت می روند . آیا در آن جا نیز با هم ازدواج می کنند؟

فرمود : «ای ابو محمّد! خداوند ، داوری دادگر است . اگر آن مرد از همسرش بهتر بوده است ، او را مخیر می کند و چنانچه آن مرد مؤمن ، همان همسرش را انتخاب کرد ، او نیز یکی از همسرانش می شود ، و اگر همسرش از او بهتر بوده ، او را مخیر می سازد و اگر آن زن ، همان مرد را انتخاب کرد ، او شوهرش خواهد بود» . ۴ / ۲۵ زیبایی بهشتیانقرآن «به راستی که نیکوکاران ، در ناز و نعمت اند . بر تخت هایی ، نشسته می نگرند . از چهره هایشان طراوت نعمت را در می یابی . از باده ای مَهر شده نوشانیده می شوند . باده ای که مَهر آن ، مُشک است ، و در این نعمت ها ، مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی بگیرند» .
«در آن روز ، چهره هایی شاداب اند . به پروردگار خود ، می نگرند» .

«در آن روز ، چهره هایی درخشان و خندان و شاداب اند و در آن روز ، چهره هایی هستند که بر آنها غبار نشسته و آنها را تاریکی پوشانده است . آنان ، همان کافران بدکارند» .

«در آن روز ، چهره هایی شاداب اند . از کوشش خود ، خشنودند . در بهشتی برین اند» .

الحديث ٦٨٣٦. الإمام الصادق عليه السلام (في قوله : { Q } «فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى») رسول الله صلى الله عليه وآله : وَالَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى مُحَمَّدٍ! إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَزِدَادُونَ جَمَالًا وَحُسْنًا كَمَا يَزِدَادُونَ فِي الدُّنْيَا قَبَاحَةً وَهَرَمًا . (١) ٦٨٣٥. امام على عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : يُبْعَثُ أَهْلُ الْجَنَّةِ عَلَى صُورِهِ آدَمَ فِي مِيلَادِ ثَلَاثِ وَثَلَاثِينَ سِنَةً مُرْدًا، مُكْحَلِينَ ، ثُمَّ يُيَذَّهَبُ بِهِمْ إِلَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ فَيُكْسَوْنَ مِنْهَا ، لا- تَبْلَى ثِيَابُهُمْ ، وَلا يَفْنَى شَبَابُهُمْ . (٢) ٦٨٣٦. امام صادق عليه السلام (درباره اين سخن خدا : { Q } «يس، شما را به آتشی كه) عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنْ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ دُونَ (٣) أَبْنَاءِ ثَلَاثِينَ فِي الْجَنَّةِ ، لا يَزِيدُونَ عَلَيْهَا أَبَدًا ، وَكَذَلِكَ أَهْلُ النَّارِ . (٤) ٦٨٣٧. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : يَزِيدُ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ جُرْدًا، مُرْدًا، بِيضًا، جَعَادًا (٥) ، مُكْحَلِينَ ، أَبْنَاءَ ثَلَاثِ وَثَلَاثِينَ ، عَلَى خَلْقِ آدَمَ سِتُونَ ذِرَاعًا فِي عَرْضِ سَبْعِ أذْرُعٍ . (٦) .

- ١- روضه الواعظين : ص ٥٥٤ ؛ المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ٧٥ ح ٥٢ عن أبي هريره من دون إسنادٍ إلى النبيّ صلى الله عليه وآله .
- ٢- حليه الأولياء : ج ٣ ص ٥٦ تفسير ابن كثير : ج ٨ ص ١٤ كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٩٠ ح ٣٩٣٨٣ .
- ٣- كذا في المصدر، وفي الزهد لابن المبارك : «يُرَدُّون»، وهو الأنسب للسياق .
- ٤- سنن الترمذی : ج ٤ ص ٦٩٥ ح ٢٥٦٢ ، الزهد لابن المبارك (الملحقات) : ص ١٢٨ ح ٤٢٢ كلاهما عن أبي سعيد الخدری ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٨٠ ح ٣٩٣٤٤ .
- ٥- الجَعْدُ إِذَا ذَهَبَ بِهِ مَذْهَبُ الْمَدْحِ فَلَهُ مَعْنِيَانِ مُسْتَحْتَبَانِ : أَحَدُهُمَا : أَنْ يَكُونَ مَعْصُوبِ الْجَوَارِحِ ، شَدِيدِ الْأَسْرِ وَالْخَلْقِ ، غَيْرِ مُسْتَرَخٍ وَلا مُضْطَرَبٍ . وَالثَّانِي : أَنْ يَكُونَ شَعْرُهُ جَعْدًا غَيْرِ سَبْطٍ (تاج العروس : ج ٤ ص ٣٩١ «جعد»).
- ٦- مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ١٥١ ح ٧٩٣٨ ، المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٣١٨ ح ٥٤٢٢ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ٧٥ ح ٥٣ ، تفسير الثعلبي : ج ٩ ص ٢٠٩ ح ١٩٣ ، تفسير ابن كثير : ج ٨ ص ١٣ كلّها عن أبي هريره ، الطبقات الكبرى : ج ١ ص ٣٢ عن سعيد بن المسيّب وليس فيه «بيضا» ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٩٠ ح ٣٩٣٨١ .

حدیث ۶۸۳۹. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که کتاب (قرآن) را بر محمد فرو فرستاد ، اهل بهشت پیوسته بر حُسن و زیبایی شان افزوده می شود ، همچنان که در دنیا پیوسته زشت تر و پیرتر می شوند. ۶۸۴۰. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بهشت ، در حالی برانگیخته می شوند که به صورت آدمی سی و سه ساله اند ، صورت هایشان از مو پیراسته است و چشمانی سرمه کشیده دارند . سپس آنان را به نزد درختی در بهشت می برند و از آن درخت بر ایشان جامه می پوشانند . جامه هایشان هرگز کهنه نمی شود و جوانی شان هیچ گاه از بین نمی رود. ۶۸۴۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که بهشتی باشد و بمیرد ، کوچک باشد یا بزرگ ، در بهشت ، سی ساله خواهد بود و هرگز بر سنّ او افزوده نخواهد شد . اهل دوزخ نیز همین گونه اند . ۶۸۴۲. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بهشت ، در حالی به بهشت وارد می شوند که بدن ها و صورت هایی عاری از مو دارند ، سیمین برند ، موهای سرشان پُر چین و شکن است ، چشمانی سرمه کشیده دارند ، سی و سه ساله اند ، در هیئت آدمی هستند که شصت گز قامت و هفت گز پهنا دارد . .

٦٨٣٧. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : المناقب لابن شهر آشوب : قالت عَجُوزٌ مِّنَ الْأَنْصَارِ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : أَدْعُ لِي بِالْجَنَّةِ ، فَقَالَ : إِنَّ الْجَنَّةَ لَا يَدْخُلُهَا الْعُجُزُ . فَبَكَتِ الْمَرْأَةُ ، فَضَحِكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَقَالَ : أَمَا سَمِعْتِ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى : «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً * فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا» (١) ؟! (٢) ٦٨٣٨. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ شُبَّانٌ جُرْدٌ مُرْدٌ ، لَيْسَ لَهُمْ شَعْرٌ إِلَّا فِي الرَّأْسِ وَالْحَاجِبِينَ وَأَهْدَابِ الْعَيْنِينَ ، يَعْنِي لَيْسَ لَهُمْ شَعْرٌ عَائِهِ وَلَا إِبْطٍ ، عَلَى طُولِ آدَمَ ، سِتُّونَ ذِرَاعًا ، وَعَلَى مَوْلِدِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ ثَلَاثَةٌ وَثَلَاثِينَ سِنَةً ، بِيضُ الْأَلْوَانِ ، خُضْرُ الثِّيَابِ ، يَضَعُ أَحَدُهُمْ مَائِدَةً بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَيَقْبِلُ طَائِرًا ، فَيَقُولُ : يَا وَلِيَّ اللَّهِ ، أَمَا إِنِّي قَدْ شَرِبْتُ مِنْ عَيْنِ السَّلْسَبِيلِ ، وَرَعَيْتُ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ تَحْتَ الْعَرْشِ ، وَأَكَلْتُ مِنْ ثَمَارِ كَذَا ، طَعْمُ أَحَدِ الْجَانِبِينَ مَطْبُوحٌ ، وَطَعْمُ الْجَانِبِ الْآخَرَ مَشْوِيُّ ، فَيَأْكُلُ مِنْهَا مَا شَاءَ اللَّهُ . وَعَلَى الْوَلِيِّ سَبْعُونَ حُلَّةً ، لَيْسَ فِيهَا حُلَّةٌ عَلَى لَوْنٍ آخَرَ ، فِي أَصَابِعِهِمْ عَشْرَةٌ خَوَاتِيمٌ ، مَكْتُوبٌ عَلَى الْأَوَّلِ : «سَلِّمْ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» (٣) ، وَمَكْتُوبٌ فِي الثَّانِي : «ادْخُلُوهَا بِسَلِّمْ ءَامِنِينَ» ، (٤) وَفِي الثَّلَاثِ : «وَتَلَمَّكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (٥) ، وَفِي الرَّابِعِ : رُفِعَتْ عَنْكُمْ الْأَحْزَانُ وَالْهَمُومُ ، وَفِي الْخَامِسِ : أَلْبَسْنَاكُمْ الْحُلِيَّ وَالْحُلَلَ ، وَفِي السَّادِسِ : زَوَّجْنَاكُمْ الْحُورَ الْعِينِ ، وَفِي السَّابِعِ : «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (٦) ، وَفِي الثَّامِنِ : رَافَقْتُمْ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ ، وَفِي التَّاسِعِ : صِرْتُمْ شُبَّانًا لَا تَهْرَمُونَ ، وَفِي الْعَاشِرِ : سَكَنْتُمْ فِي جِوَارٍ مِّنَ لَا يُؤْذِي الْجِيرَانَ . (٧) .

١- .الواقعه : ٣٥ ٣٦.

٢- .المناقب لابن شهر آشوب : ج ١ ص ١٤٨ ، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٢٩٥ ح ١ ؛ المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٣٥٧ ح ٥٥٤٥ ، تاريخ أصبهان : ج ٢ ص ١٠٧ الرقم ١٢٣٢ كلاهما عن عائشه ، تفسير ابن كثير : ج ٨ ص ٩ ، البدايه والنهايه : ج ٦ ص ٤٨ كلاهما عن الحسن وكلها نحوه .

٣- .الرعد : ٢٤.

٤- .الحجر : ٤٦.

٥- .الزخرف : ٧٢.

٦- .الزخرف : ٧١.

٧- .تنبيه الغافلين : ص ٨٠ ح ٦٨ عن ابن عباس .

۶۸۳۹. امام علی علیه السلام: المناقب ، ابن شهر آشوب: پیرزنی از انصار به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: برایم دعا کن که به بهشت بروم .

فرمود: «پیرزنان به بهشت نمی روند» .

پیرزن گریست . پیامبر صلی الله علیه و آله خندید و فرمود: «مگر نشنیده ای که خدای بلندمرتبه می فرماید: «ما ایشان را پدید آوردیم پدید آوردنی . پس آنان را دوشیزگان قرار دادیم»؟» . ۶۸۴۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بهشتیان ، جوانانی هستند با پیکرها و چهره هایی عاری از مو و تنها موی بدن آنها ، موی سر است و ابروان و مژگان ؛ یعنی در زهار و زیر بغل آنها ، مویی نیست . به قامت آدمی شصت گزند و به سنّ عیسی بن مریم ، سی و سه ساله . بدن هایی سپید دارند و جامه هایی سبز .

در برابر هر یک از آنان ، سفره ای پهن می شود و پرنده ای می آید و می گوید: ای ولیّ خدا! من از چشمه سلسبیل نوشیده ام و در باغ های بهشت ، زیر عرش ، دانه بر چیده ام و از فلان میوه ها خورده ام . یک طرف [آن پرنده] ، طعم پخته دارد و طرف دیگر ، طعم بریانی . پس ، او از [گوشت] آن پرنده ، آنچه می خواهد ، تناول می کند .

بر ولیّ [خدا] ، هفتاد جامه پوشانده شده که رنگ هر یک از آنها متفاوت با دیگری است ، و در انگشتانشان ده انگشتی است که بر اوّلی نوشته شده است: «درود بر شما که شکیبایی کردید!» . بر دومی نوشته شده است: «با سلامت و ایمنی به آن جا در آیید» ، و بر سومی: «این است آن بهشتی که به پاداش کارهایی که می کردید ، میراث گرفتید» ، و بر چهارمی: «غم و اندوه ها از شما برداشته شده است» ، و بر پنجمی: «زیورها و جامه ها بر شما پوشاندیم» ، و بر ششمی: «سیه چشمان بهشتی را به همسری شما در آوردیم» ، و بر هفتمی: «و در آن جاست آنچه دل ها آن را بخواهند و دیدگان ، لذّت برند و شما در آن ، جاودانید» ، و بر هشتمی: «با پیامبران و صدیقان ، همنشین گشته اید» ، و بر نهمی: «جوانانی گشته اید که هرگز پیر نمی شوید» ، و بر دهمی: «در همسایگی کسی ساکن شده اید که همسایگان را نمی آزارد» . .

٦٨٤١.امام على عليه السلام:الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ جُرْدٌ ، مُرْدٌ ، مُكْحَلِينَ ، مُكَلَّلِينَ ، مُطَوَّقِينَ ، مُسَوَّرِينَ ، مُخْتَمِينَ ، نَاعِمِينَ ، مَحْبُورِينَ ، مُكْرَمِينَ . (١)راجع : ص ٥٦٤ (الفصل الخامس عشر : نظام الجنة / صفه أول زمرة يدخلون الجنة) .

٤ / ٢٦ إحقاق ذرِّيهِ أَهْلَ الْجَنَّةِ بِهِمَا لِكِتَابِ «وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» . (٢)

«وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ * جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» . (٣)

١- الاختصاص : ص ٣٥٨ عن جابر ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٢٢٠ ح ٢١٤ .

٢- الطور : ٢١ .

٣- الرعد : ٢٢ ٢٤ .

۴ / ۲۶ ملحق ساختن فرزندان اهل بهشت به آنان

۶۸۴۸. عنه علیه السلام: امام باقر علیه السلام: بهشتیان، بدن‌ها و صورت‌هایشان عاری از پوست، چشمانی سرمه کشیده دارند، تاج بر سر، طوق بر گردن، دستبند در دست، و انگشتری در انگشتان خویش دارند. راحت‌اند، شادان‌اند، گرامی‌اند. ک: ص ۵۶۵ (فصل پانزدهم: نظام بهشت / ویژگی نخستین گروه وارد شونده به بهشت).

۴ / ۲۶ ملحق ساختن فرزندان اهل بهشت به آنانقرآن «و کسانی که ایمان آورده‌اند و فرزندان‌شان آنها را در ایمان پیروی کرده‌اند، فرزندان‌شان را به آنان ملحق خواهیم کرد».

«و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزی‌شان دادیم، نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی دفع می‌کنند، ایشان راست فرجام خوش‌سرای باقی؛ همان بهشت‌های جاویدان که آنان با پدرانشان و همسرانشان و فرزندان‌شان که درستکارند، در آن داخل می‌شوند و فرشتگان از هر دری بر آنان در می‌آیند [و به آنان می‌گویند: «درود بر شما که شکیبایی کردید!»]. به راستی، چه نیکوست فرجام آن‌سرای!».

الحديث ٦٨٤٩. امام صادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه و آله: إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ الْجَنَّةَ سَأَلَ عَنْ أَبَوَيْهِ وَزَوْجَتِهِ وَوَلَدِهِ ، فَيَقَالُ لَهُ : إِنَّهُمْ لَمْ يَبْلُغُوا دَرَجَتَيْكَ وَعَمَلِكَ ، فَيَقُولُ : يَا رَبِّ قَدْ عَمِلْتُ لِي وَلَهُمْ! فَيَوْمَرُ بِالْحَاقِيقِ . (١) ٦٨٥٠. الإمام علي عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا كَانَ الْمُؤْمِنُ يُحَاسِبُ تَنَظُّرُهُ أَزْوَاجَهُ عَلَى عَتَابِ الْأَبْوَابِ كَمَا يَتَنَظَّرُونَ أَزْوَاجَهُنَّ فِي الدُّنْيَا مِنْ عِنْدِ الْعَتَبَةِ ، قَالَ : فَيَجِيءُ الرَّسُولُ فَيُبَشِّرُهُنَّ ، فَيَقُولُ : قَدْ وَاللَّهِ انْقَلَبَ فُلَانٌ مِنَ الْحِسَابِ ، قَالَ : فَيَقْلَنَ : بِاللَّهِ؟ فَيَقُولُ : قَدْ وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُهُ انْقَلَبَ مِنَ الْحِسَابِ ، قَالَ : فَإِذَا جَاءَهُنَّ قُلْنَ : مَرَحِبًا وَأَهْلًا ، مَا أَهْلَكَ الَّذِينَ كُنْتَ عِنْدَهُمْ فِي الدُّنْيَا بِأَحَقَّ بِكَ مِنَّا . (٢) ٤٢٧ / الْغِنَاءُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ ٦٨٥٣. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْحُورَ الْعِينِ فِي الْجَنَّةِ يُعْنَيْنَ . (٣) ٦٨٥٤. عنه عليه السلام: الدرّ المنثور عن أبي هريره: قَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنِّي رَجُلٌ حُبَّبَ إِلَيَّ الصَّوْتُ الْحَسَنُ ، فَهَلْ فِي الْجَنَّةِ صَوْتٌ حَسَنٌ؟ فَقَالَ : إِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! إِنَّ اللَّهَ يُوحِي إِلَى شَجَرِهِ فِي الْجَنَّةِ أَنْ أَسْمِعِيَ عِبَادِي الَّذِينَ اشْتَغَلُوا بِعِبَادَتِي وَذَكَرِي عَنْ عَزْفِ التَّبْرَابِطِ وَالْمَزَامِيرِ ، فَتَرْفَعُ بِصَوْتٍ لَمْ يَسْمَعْ الْخَلَائِقُ بِمِثْلِهِ مِنْ تَسْبِيحِ الرَّبِّ وَتَقْدِيسِهِ . (٤) .

- ١- المعجم الكبير: ج ١١ ص ٣٤٩ ح ١٢٢٤٨ ، المعجم الصغير: ج ١ ص ٢٢٩ ، تفسير الثعلبي: ج ٩ ص ١٢٨ ح ١٠٧ ، تفسير ابن كثير: ج ٧ ص ٤٠٨ كلها عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٧٨ ح ٣٩٣٣٣ .
- ٢- الزهد للحسين بن سعيد: ص ٩١ ح ٢٤٤ عن أبي بصير ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٩٧ ح ١٩٢ .
- ٣- التاريخ الكبير: ج ٧ ص ١٦ الرقم ٧٠ ، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٣١٢ ح ٦٤٩٧ ، تفسير ابن كثير: ج ٨ ص ١٢ كلها عن أنس .
- ٤- الدرّ المنثور: ج ٦ ص ٤٨٧ نقلاً عن الحكيم الترمذي في نوادر الأصول ، تفسير الثعلبي: ج ٧ ص ٢٩٦ ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٨٩ ح ٣٩٣٧٧ ؛ مجمع البيان: ج ٨ ص ٤٦٧ ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٩٦ ح ١٨٤ .

۴ / ۲۷ آواز خوانی برای بهشتیان

حدیث ۶۸۵۶. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی که مرد وارد بهشت می شود، از پدر و مادرش و همسرش و فرزندانش پرس و جو می کند. به او گفته می شود: آنها به درجه و عمل تو نرسیدند.

می گوید: پروردگارا! من برای خودم و برای آنها کار کرده ام!

پس، دستور داده می شود که آنها را به او ملحق سازند. ۶۸۵۷. الإمام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: زمانی که مؤمن حسابرسی می شود، همسران [بهشتی] او بر آستان درها [ی بهشت] منتظر او هستند، همچنان که در دنیا همسرانشان بر درگاه، منتظر آنها می ایستند. پس پیغام رسان می آید و به آنان مژده می دهد و می گوید: «به خدا که فلانی از حسابرسی، باز گشت!».

آنها می گویند: تو را به خدا؟

او می گوید: به خدا سوگند که خودم دیدم از حسابرسی باز گشت.

چون مؤمن نزد همسرانش می آید، می گویند: خوش آمدی! آن خانواده ای که در دنیا نزد ایشان بودی، سزاوارتر از ما به تو نیستند. ۴ / ۲۷ آواز خوانی برای بهشتیان ۶۸۵۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حوریان، در بهشت، آوازمی خوانند. ۶۸۵۲. امام علی علیه السلام: الدرّ المنثور به نقل از ابو هریره: مردی گفت: ای پیامبر خدا! من مردی هستم که آواز خوش را دوست می دارم. آیا در بهشت، آواز خوش هست؟

فرمود: «آری، سوگند به آن که جانم در دست اوست. خداوند به درختی از درختان بهشت، وحی می فرماید که: برای بندگانم که پرداختن به عبادت و ذکر من، آنان را از نواختن عود و نی باز داشته بود، آواز بخوان و آن درخت، با چنان آوازی به تسبیح و تقدیس پروردگار می پردازد که خلاق، مانند آن را نشنیده اند».

٦٨٥٣. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله ما من عبد يدخل الجنة إلا ويجلس عند رأسه وعند رجله ثنتان من الحور العين، تُعَيِّنَانِهِ بِأَحْسَنِ صَوْتٍ سَمِعَهُ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ، وَلَيْسَ بِمِزْمَارِ الشَّيْطَانِ، وَلَكِنْ بِتَمَجِيدِ اللَّهِ وَتَقْدِيرِهِ. (١) ٦٨٥٤. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةً جُرْدُوعُهَا مِنْ ذَهَبٍ، وَفُرُوعُهَا مِنْ زَبْرَجِدٍ وَلَوْلُؤٍ، فَتَهْبُّ لَهَا رِيحٌ فَتَصْطَفِقُ، فَمَا سَمِعَ السَّامِعُونَ بِصَوْتِ شَيْءٍ قَطُّ أَلَدَّ مِنْهُ. (٢) ٦٨٥٥. امام على عليه السلام: تفسير القمى عن عاصم بن حميد عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: ... قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، هَيْلٌ فِي الْجَنَّةِ غِنَاءٌ؟ قَالَ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةً يُأْمَرُ رِيَاحُهَا فَتَهْبُّ، فَتَضْرِبُ تِلْكَ الشَّجَرَةَ بِأَصْوَاتٍ لَمْ يَسْمَعْ الْخَلَائِقُ مِثْلَهَا حُسْنًا ثُمَّ قَالَ: هَذَا عَوْضٌ لِمَنْ تَرَكَ السَّمَاعَ لِلْغِنَاءِ فِي الدُّنْيَا مِنْ مَخَافَةِ اللَّهِ. (٣) ٦٨٥٦. امام على عليه السلام: الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ نَزَّهَ نَفْسَهُ عَنِ الْغِنَاءِ فَإِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةً يُأْمَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِرِيَاحِ أَنْ تَحْرَكُهَا، فَيَسْمَعُ لَهَا صَوْتًا لَمْ يَسْمَعْ بِمِثْلِهِ، وَمِنْ لَمْ يَنْتَزِهِ عَنْهُ لَمْ يَسْمَعْهُ. (٤) ٤ / ٢٨ فيها ما تشتهيه الأنفس وتلذذ الأعين الكتاب «ادخلوا الجنة أنتم وأزواجكم تحبرون» * يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (٥)

«جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ». (٦)

«إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ * لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ». (٧)

«هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَنَابٍ * جَنَّتْ عَدْنٌ مُفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ * مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِكُفْرِهِ كَثِيرَةٍ وَ شَرَابٍ * وَ عِنْدَهُمْ قَصْرِتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ * هَذَا مَا تُوَعَّدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ * إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ». (٨)

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ * فِي جَنَّتِ وَعُيُونٍ * يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ * كَذَلِكَ وَ زَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ * يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ * لَمْ يَدْخُقُوا فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَّاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * فَضَلَّ مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». (٩)

«وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ * ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَى * وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ * عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ * مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ». (١٠)

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّتِ وَ نَعِيمٍ * فَكَهَيْنَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَ وَقَّاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * كَلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَ زَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ * وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ * كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ * وَ أَمَدَدْنَاهُمْ بِكُفْرِهِ وَ لَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ * يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَعْوَ فِيهَا وَ لَا تَأْتِيهِمْ * وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لَوْلُؤٌ مَكُونُونَ». (١١)

«وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا * مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَمْ يَرَوْا فِيهَا شُمْسًا وَ لَمْ يَزَمَّهَرِيرًا * وَ دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَ ذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذَلِيلًا * وَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِثَانِيَةٍ مِنْ فَضِّهِ وَ أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا * قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا * وَ وَسَّيْقُونَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا * عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا * وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وُلْدٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لَوْلُؤًا مَنُورًا * وَ إِذَا رَأَيْتَ

ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا * عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سَيْدِسٌ خُضْرٌ وَ إِسْتَبْرَقٌ وَ حُلُوعًا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا * إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا. (١٢)

«وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ * لِسِيْعِيهَا رَاضِيَةٌ * فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ * لَمَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَّةً * فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ * فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ * وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ * وَ نَمَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ * وَ زُرَابِيٌّ مَبْتُوثَةٌ». (١٣)

«فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ * قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ * يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ * أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَ عِطْمًا أَيْنَا لَمَدِينُونَ * قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّطَّلِعُونَ * فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ * قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدتَّ لَتَزْدِينَ * وَ لَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُخْضَرِّينَ * أَفَمَا نَحْنُ بِمَعِيَّتِينَ * إِلَّا مَوْتَنَّا الْوَالِدِيَ وَ مَا نَحْنُ بِمَعِيَّدِينَ * إِنْ هَذَا لَهَيُّوهُ الْفُوزُ الْعَظِيمُ * لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ». (١٤)

- ١- مجمع البيان: ج ٨ ص ٤٦٧ عن أبي أمامه، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٩٥ ح ١٨١، المعجم الكبير: ج ٨ ص ٩٥ ح ٧٤٧٨ وفيه «نساء» بدل «ثنتان»، مسند الشاميين: ج ٢ ص ٤٢٣ ح ١٦١٨، تاريخ دمشق: ج ١٦ ص ٢٩٥ ح ٣٩٣٣ كلها عن أبي أمامه، كثر العمال: ج ١٤ ص ٤٨٨ ح ٣٩٣٧٤.
- ٢- الترغيب والترهيب: ج ٤ ص ٥٢٣ ح ٦٢ عن أبي هريره.
- ٣- تفسير القمي: ج ٢ ص ١٧٠، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٢٧ ح ٢٧.
- ٤- الكافي: ج ٦ ص ٤٣٤ ح ١٩ عن ياسر الخادم.
- ٥- الزخرف: ٧١ ٧٠.
- ٦- النحل: ٣١.
- ٧- الأنبياء: ١٠١ ١٠٢.
- ٨- ص: ٥٤ ٤٩.
- ٩- الدخان: ٥١ ٥٧.
- ١٠- الواقعة: ١٠ ١٦.
- ١١- الطور: ١٧ ٢٤.
- ١٢- الإنسان: ١٢ ٢٢.
- ١٣- الغاشية: ١٦ ٨.
- ١٤- الصافات: ٥٠ ٦١.

۴ / ۲۸ هر آنچه دل بخواهد و دیده از آن لذت ببرد ، در بهشت هست

۶۸۶۵. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر بنده ای که وارد بهشت شود ، بر بالین او و در پایین پایش ، دو حوری می نشینند و با خوش ترین صدا برایش آواز می خوانند ، چنان که جن و انس ، آن را می شنوند . آن ، ساز و آواز شیطان نیست ؛ بلکه تمجید و تقدیس خداست. ۶۸۶۶. الإمام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در بهشت ، درختی است که تنه اش از طلا- و شاخه هایش از زبرجد و مروارید است . بر این درخت ، بادی وزیدن می گیرد و چنان صدایی از آن بر می خیزد که شنوندگان هرگز صدایی لذت بخش تر از آن نشنیده اند. ۶۸۶۴. امام علی علیه السلام : تفسیر القمی به نقل از عاصم بن حمید : به امام صادق صلی الله علیه و آله گفتم : قربانت کردم ! آیا در بهشت ، آوازخوانی هست ؟ فرمود : «در بهشت ، درختی است که به بادها دستور داده می شود و وزیدن می گیرند . پس آن درخت ، آهنگی می زند که خلایق ، آهنگی به زیبایی آن نشنیده اند» .

سپس فرمود : «این عوض برای کسی است که در دنیا از ترس خداوند ، گوش کردن به آوازخوانی را ترک کرده است» ۶۸۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام رضا علیه السلام : هر کس خود را از غنا دور کند ، در بهشت ، درختی هست که خداوند عز و جل دستور می دهد بادها آن را به حرکت در می آورند و آوازی از آن به گوش می رسد که تا کنون همانند آن را نشنیده است . هر که از غنا دوری نکند ، آن را نمی شنود. ۴ / ۲۸ هر آنچه دل بخواهد و دیده از آن لذت ببرد ، در بهشت هستقرآن «شما با همسرانتان شادمان به بهشت وارد شوید . سینی هایی از زر و جام هایی در برابر آنان می گردانند و در آن جا ، آنچه دل ها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید ، هست و شما در آن ، جاویدانید» .

«بهشت های دست نخورده ای که وارد آنها می شوند ، جوی ها در زیر آنها روان اند . در آنها آنچه بخواهند ، برایشان هست . این گونه ، خدا پرهیزگاران را پاداش می دهد» .

«بی گمان ، کسانی که پیش تر ، از جانب ما به آنان وعده نیکو داده شده است ، از آن (آتش) دور داشته خواهند شد . صدای آن را نمی شنوند ، و آنان در میان آنچه دل هایشان بخواهد ، جاودان اند» .

«این ، یادکردی است ، و قطعاً برای پرهیزگاران ، فرجامی نیک است : باغ های همیشگی ، در حالی که درهای آنها برایشان گشوده است . در آن جا تکیه می زنند و میوه های فراوان و نوشیدنی در آن جا طلب می کنند و نزدشان [دلبران] فروهشته نگاه همسال اند . این است آنچه برای روز حساب به شما وعده داده می شد . [می گویند :] در حقیقت ، این ، روزی ماست و آن را پایانی نیست» .

«همانا پرهیزگاران در جایگاهی امن و آسوده اند ، در بوستان ها و [کنار] چشمه سارها . پرنیان نازک و دیبای ستر می پوشند و برابر هم نشسته اند . چنین [خواهد بود] و آنها را با حوریان درشت چشم ، همسر می گردانیم . در آن جا هر میوه ای را [

که بخواهند، [آسوده خاطر می طلبند. جز مرگِ نخستین در آن جا، مرگِ نخواهند چشید و خدا آنها را از عذاب دوزخ نگاه می دارد. این، بخششی است از جانب پروردگار تو. این است همان کامیابی بزرگ].

«و پیشی گیرندگان، پیشی گیرندگان، آنان اند همان مقربان [خدا]، در باغستان های پُر نعمت؛ گروهی از پیشینیان و اندکی از آیندگان [اند]، بر تخت هایی جواهرنشان که روبه روی هم بر آنها تکیه داده اند.»

«پرهیزگاران در بهشت ها و در ناز و نعمت اند. به آنچه پروردگارشان به آنان داده، دل شادند و پروردگارشان، آنان را از عذاب دوزخ، مصون داشته است. به پاداش آنچه به جای می آوردید، بخورید و بنوشید. گوارایتان باد! بر تخت هایی ردیف هم، تکیه زده اند و حوریان درشت چشم را همسر آنان گردانیده ایم. و کسانی که گرویده اند و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده اند، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی را از کارهایشان نمی کاهیم. هر کسی در گرو دستاورد خویش است. با [هر نوع] میوه و گوشتی که دلخواه آنهاست، آنان را مدد می کنیم. در آن جا، جامی از دست هم می ربایند که در آن، نه زیاده گویی است و نه گناه. و برای [خدمتکاری] آنان، پسرانی هستند که بر گردشان می گردند. گویا آنها مرواریدی اند که [در صدف]، نهفته است.»

«و [خداوند] به پاس آن که صبر کردند، بهشت و پرنیان را به آنان پاداش داد. در آن [بهشت]، بر تخت ها تکیه می زنند. در آن، نه آفتابی می بینند و نه سرمایی، و سایه ها به آنان نزدیک است و میوه هایش [برای چیدن]، رام، و ظروف سیمین و جام های بلورین، بر گرد آنان گردانده می شود؛ جام هایی از سیم که آنها را درست به اندازه از کار در آورده اند. و در آن جا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد، به آنان می نوشانند، از چشمه ای در آن جا که سلسبیل نامیده می شود. و بر گرد آنان، پسرانی جاودانی می گردند. چون آنها را ببینی، گویی که مرواریدهایی پراکنده اند و چون بدان جا بنگری، نعمتی و سلطنتی بزرگ می بینی. در بر آنان (بهشتیان)، جامه های ابریشمی سبز و دیبایی ستر است و پیرایه آنان، دستبندهای سیمین است و پروردگارشان باده ای پاک کننده به آنان می نوشاند. این [پاداش]، برای شماس و کوشش شما مقبول افتاده است.»

«در آن روز، چهره هایی شاداب اند. از کوشش خود، خشنودند. در بهشت برین اند. سخن بیهوده ای در آن جا نمی شنوند. در آن، چشمه ای روان است. تخت هایی بلند در آن جاست، و قدح هایی نهاده شده، و بالش هایی پهلوی هم چیده، و فرش هایی [زربفت] گسترده.»

«پس برخی شان به برخی روی می کنند و از همدیگر پرس و جو می نمایند. گوینده ای از آنان، می گوید: «راستی، من [در دنیا] همنشینی داشتم که می گفت: آیا تو واقعا از باور دارندگانانی؟ آیا وقتی مُردیم و خاک و [مشتی] استخوان شدیم، آیا واقعا جزا می یابیم؟ می پرسد: «آیا شما اطلاع دارید [کجاست]؟». پس اطلاع می یابد و او را در میان آتش می بیند و می گوید: «به خدا سوگند، چیزی نمانده بود که تو مرا به هلاکت اندازی و اگر رحمت پروردگارم نبود، هر آینه من نیز از احضار شدگان بودم. آیا دیگر روی مرگ را نمی بینیم، جز همان مرگِ نخستین خود؟ و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟ راستی که این، همان کامیابی بزرگ است». برای چنین پاداشی، کوشندگان باید بکوشند.»

الحديث ٦٨٧٦. عنه عليه السلام: سَنَّ الترمذى عن سليمان بن يزيد عن أبيه: إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ فِي الْجَنَّةِ مِنْ خَيْلٍ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَدْخَلَكَ الْجَنَّةَ، فَلَا تَشَاءُ أَنْ تُحْمَلَ فِيهَا عَلَى فَرَسٍ مِنْ يَأْقُوتِهِ حَمَاءٌ، يَطِيرُ بِكَ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شِئْتَ!

قَالَ: وَسَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ فِي الْجَنَّةِ مِنْ إِبِلٍ؟ قَالَ: فَلَمْ يَقُلْ لَهُ مِثْلَ مَا قَالَ لِصَاحِبِهِ. قَالَ: إِنَّ يُدْخِلَكَ اللَّهُ الْجَنَّةَ يَكُنْ لَكَ فِيهَا مَا اشْتَهَتْ نَفْسُكَ وَلَذَّتْ عَيْنُكَ. (١).

١- سَنَّ الترمذى: ج ٤ ص ٦٨١ ح ٢٥٤٣، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ١٧ ح ٢٣٠٤٣ عن بريده، المعجم الأوسط: ج ٥ ص ١٨٥ ح ٥٠٢٣، مسند الطيالسى: ص ١٠٨ ح ٨٠٦ كلاهما عن سليمان بن بريده عن أبيه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٧٢ ح ٣٨ عن بريده وكلّها نحوه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٦٤٨ ح ٣٩٧٧٦.

حدیث ۶۸۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سنن الترمذی به نقل از سلیمان بن یزید، از پدرش: مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد و گفت: ای پیامبر خدا! آیا در بهشت، اسب هم هست؟

فرمود: «اگر خدا تو را به بهشت وارد کند، نمی خواهی که در آن جا بر اسبی از یاقوت سرخ سوارت کنند و با آن در بهشت، هر جا که می خواهی، پرواز کنی؟».

مرد دیگری پرسید: ای پیامبر خدا! آیا در بهشت، شتر هم هست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخی را که به او داده بود، به او نداد؛ بلکه فرمود: «اگر خدا تو را به بهشت وارد کند، در آن جا آنچه دلت بخواهد و دیده لذت می برد، برایت خواهد بود»..

٦٨٧٢. امام على عليه السلام (در نامه اش به مالك اشتر، هنگامى كه او را والى) تفسير ابن كثير عن أبى هريره: إِنَّ أَبَا أَمَامَةَ حَدَّثَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَدَّيْهِمْ وَذَكَرَ الْجَنَّةَ، فَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ! لِيَأْخُذَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّقْمَةَ فَيَجْعَلُهَا فِي فِيهِ، ثُمَّ يَخْطُرُ عَلَى بَالِهِ طَعَامٌ آخَرَ، فَيَتَحَوَّلُ الطَّعَامُ الَّذِي فِيهِ عَلَى الَّذِي اشْتَهَى. ثُمَّ قَرَأَ: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (١). (٢) ٦٨٧٣. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا اشتهى المؤمن الولد في الجنة كان حمله ووضع وسنه في ساعه واحده كما يشتهى. (٣) ٦٨٧٤. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: أهل الجنة رشحهم المسك، ووقودهم الألوة (٤). (٥).

١- الزخرف: ٧١.

٢- تفسير ابن كثير: ج ٧ ص ٢٢٥، الدر المنثور: ج ٧ ص ٣٩١ نقلاً عن ابن أبى حاتم.

٣- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢١ ح ١١٠٦٣، سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٩٥ ح ٢٥٦٣، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤٥٢ ح ٤٣٣٨ وليس فيه «وسنه»، سنن الدارمى: ج ٢ ص ٧٩٤ ح ٢٧٢٩، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤١٧ ح ٧٤٠٤ وفيه «وشبابه» بدل «وسنه» وكلها عن أبى سعيد الخدرى، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٧٦ ح ٣٩٣٢٦.

٤- عؤد الألوة: أجود ما يتبخر به (المحيط فى اللغة: ج ١٠ ص ٣٧٣ «ألو»).

٥- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٧٦ ح ٨٦٨٨ عن أبى هريره.

۶۸۷۵. امام علی علیه السلام: تفسیر ابن کثیر به نقل از ابو هریره: ابو امامه روایت کرد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایشان از بهشت یاد کرد و فرمود: «سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، هر یک از شما لقمه را بر می دارد و در دهانش می گذارد و سپس آرزوی خوراک دیگری می کند. پس در دم، همان لقمه ای که در دهان اوست، به خوراکی که هوس کرده است، تبدیل می شود».

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس این آیه را خواند: «و در آن جا، آنچه دل ها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید، هست و شما در آن، جاویدانید». ۶۸۷۶. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤمن در بهشت هوس فرزند کند، در همان دم، بارداری و زایمان فرزند دلخواهش، در همان سنی که او می خواهد، صورت می پذیرد. ۶۸۷۷. امام زین العابدین علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتیان، عرقشان مُشک است و سوختشان آلاویه. (۱).

۱- آلاویه: بهترین نوع چوب عود که با آن، بخور می کنند.

٦٨٧٨. الإمام الصادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُنْعَمُ لَهَا - يَبْأَسُ ، لا - تَبْلَى ثِيَابُهُ ، وَلَا يَفْنَى شَبَابُهُ .
 (١) ٦٨٧٩. الإمام الرضا عليه السلام (في دُعَائِهِ) عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا اسْتَقَرَّ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ اشْتَقَّ الْإِخْوَانُ إِلَى الْإِخْوَانِ ، فَيَسِيرُ سِيرِيرٌ ذَا إِلَى سِيرِيرٍ ذَا فَيَلْتَقِيَانِ ، فَيَتَحَدَّثَانِ مَا كَانَ بَيْنَهُمَا فِي دَارِ الدُّنْيَا ، وَيَقُولُ : يَا أَخِي ، تَذَكَّرُ يَوْمَ كَذَا كُنَّا فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي مَجْلِسٍ كَذَا ، فَدَعَوْنَا اللَّهَ فَغَفَرَ لَنَا . (٢) ٦٨٨٠. تحف العقول (في مُنَاجَاةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَوْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ) سنن الدَّارِمِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَيُعْطَى قُوَّةَ مِثَّةِ رَجُلٍ ، فِي الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالْجِمَاعِ وَالشَّهْوَةِ .

فَقَالَ رَجُلٌ مِّنَ الْيَهُودِ : إِنَّ الَّذِي يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ تَكُونُ مِنْهُ الْحَاجَةُ؟ فَقَالَ : يُفِيضُ مِنْ جِلْدِهِ عَرَقٌ ، فَإِذَا بَطْنُهُ قَدْ ضَمَرَ .
 (٣) ٦٨٨١. رسول الله صلى الله عليه وآله : مسند ابن حنبل عن زيد بن أرقم : أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ مِّنَ الْيَهُودِ فَقَالَ : يَا أَبَا الْقَاسِمِ ، أَلَسْتَ تَزَعُمُ أَنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ فِيهَا وَيَشْرَبُونَ؟ وَقَالَ لِأَصْحَابِهِ : إِنْ أَقْرَأْتَنِي بِهَذِهِ حَصَمْتَهُ .

قَالَ : فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بَلَى ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ! إِنَّ أَحَدَهُمْ لَيُعْطَى قُوَّةَ مِثَّةِ رَجُلٍ فِي الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ وَالشَّهْوَةِ وَالْجِمَاعِ .

قَالَ : فَقَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ : فَإِنَّ الَّذِي يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ تَكُونُ لَهُ الْحَاجَةُ؟ قَالَ : فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : حَاجَهُ أَحَدِهِمْ عَرَقٌ يُفِيضُ مِنْ جُلُودِهِمْ مِثْلَ رِيحِ الْمِسْكِ ، فَإِذَا الْبَطْنُ قَدْ ضَمَرَ . (٤) .

١- . صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٨١ ح ٢١ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٣٠١ ح ٨٨٣٥ ، مسند أبي يعلى : ج ٦ ص ٥٢ ح ٦٣٩٧ ، مسند إسحاق بن راهويه : ج ١ ص ١١٩ ح ٣٦ ، المعجم الأوسط : ج ٨ ص ٢٥٨ ح ٨٥٦٦ كلها عن أبي هريرة ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ٦٧ ح ٢ عن ابن عمر وكلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧٤ ح ٣٩٣١٨ ؛ بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٤٧ ح ٧٤ نقلاً عن جامع الأخبار .

٢- . حليه الأولياء : ج ٨ ص ٤٩ ، تاريخ دمشق : ج ٢١ ص ١٧٠ ح ٤٧٦٠ ، الدر المنثور : ج ٧ ص ٦٣٤ نقلاً عن البرّار نحوه وكلّها عن أنس ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٦٧ ح ٣٩٢٨٥ .

٣- . سنن الدارمي : ج ٢ ص ٧٩١ ح ٢٧٢١ ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٨٤ ح ١٩٣٣٣ ، المعجم الكبير : ج ٥ ص ١٧٨ ح ٥٠٠٦ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ٧٣ ح ٤١ ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٦٨ ح ٣٩٢٩٠ .

٤- . مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٧٦ ح ١٩٢٨٩ ، الزهد لابن المبارك : ص ٥١٢ ح ١٤٥٩ ، المعجم الكبير : ج ٥ ص ١٧٨ ح ٥٠٠٨ نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٨٤ ح ٣٩٣٥٩ ؛ تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٣٥٨ عن جابر ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٤٩ ح ٨٢ .

۶۸۸۲. الإمام زين العابدين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که به بهشت وارد شود، همواره برخوردار است و هرگز بینوا نمی شود، جامه هایش کهنه نمی شوند و جوانی اش از بین نمی رود. ۶۸۸۳. الإمام الصادق عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون بهشتیان در بهشت استقرار یابند، برادران مشتاق دیدار یکدیگر می شوند. پس، تخت این یکی به سوی تخت دیگری حرکت می کند و آن دو با هم دیدار می کنند و از آنچه در سرای دنیا میانشان گذشته است، سخن می گویند و یکی می گوید: برادرم! یادت می آید که فلان روز، در سرای دنیا در فلان مجلس بودیم و دعا کردیم و خدا ما را آمرزید؟ ۶۸۷۸. امام صادق عليه السلام: سنن الدارمی به نقل از زید بن ارقم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت به مرد، نیروی صد مرد در خوردن و آشامیدن و جماع و شهوت داده می شود».

مردی از یهود گفت: کسی که می خورد و می آشامد، به قضای حاجت نیاز ندارد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از پوست او عرق می ریزد و شکمش خالی می شود». ۶۸۷۹. امام رضا عليه السلام (در دعایش) مسند ابن حنبل به نقل از زید بن ارقم: مردی از یهود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای ابو القاسم! آیا نه این است که می گویی بهشتیان می خورند و می آشامند؟ و به دوستانش گفت: اگر به این اقرار کند، او را محکوم می کنم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا! سوگند به آن که جانم در دست اوست، به هر یک از آنان، نیروی صد مرد در خوردن و آشامیدن و شهوت و جماع داده می شود».

یهودی گفت: کسی که می خورد و می آشامد، قضای حاجت نمی کند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قضای حاجت هر یک از آنها، عرق مشک فشانی است که از پوستش می تراود و شکمش فرو می نشیند»..

٦٨٨٠. تحف العقول (در نجواى خداوند با موسى عليه السلام) الإمام على عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنِّي أُحِبُّ الْخَيْلَ ؛ أَفِي الْجَنَّةِ خَيْلٌ؟ قَالَ : نَعَمْ ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! إِنَّ فِيهَا خَيْلًا مِنْ يَأْقُوتِ أَحْمَرَ ، عَلَيْهَا يُرَكَّبُونَ فَتَدْفُ (١) بِهِمْ خِلَالَ وَرَقِ الْجَنَّةِ .

قَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنِّي يُعْجِبُنِي الصَّوْتُ الْحَسَنُ ؛ أَفِي الْجَنَّةِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ؟ قَالَ : نَعَمْ ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! إِنَّ اللَّهَ لَيَأْمُرُ لِمَنْ أَحَبَّ ذَلِكَ مِنْهُمْ بِشَجَرٍ يُسْمَعُهُ صَوْتًا بِالتَّسْيِيحِ ، مَا سَمِعَتِ الْأَذَانُ بِأَحْسَنَ مِنْهُ قَطُّ .

قَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنِّي أُحِبُّ الْإِبِلَ ؛ أَفِي الْجَنَّةِ إِبِلٌ؟ قَالَ : نَعَمْ ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! إِنَّ فِيهَا نَجَائِبَ مِنْ يَأْقُوتِ أَحْمَرَ ، عَلَيْهَا رِحَالُ الذَّهَبِ ، قَدْ أُلْحِفَتْ بِنَمَارِقِ الدِّيَبَاجِ ، يُرَكَّبُونَ فَتَرْفُ (٢) بِهِمْ خِلَالَ وَرَقِ الْجَنَّةِ .

وَأَنَّ فِيهَا صُورَ رِجَالٍ وَنِسَاءٍ يُرَكَّبُونَ مَرَاكِبَ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، فَإِذَا أَعْجَبَ أَحَدُهُمُ الصُّورَةَ قَالَ : اجْعَلْ صُورَتِي مِثْلَ هَذِهِ الصُّورَةِ ؛ فَيَجْعَلُ صُورَتَهُ عَلَيْهَا ، وَإِذَا أَعْجَبَتْهُ صُورَةُ الْمَرْأَةِ قَالَ : رَبِّ اجْعَلْ صُورَةَ فُلَانَةَ زَوْجَتِي مِثْلَ هَذِهِ الصُّورَةِ ؛ فَيَرْجِعُ وَقَدْ صَارَتْ صُورَةُ زَوْجَتِهِ عَلَى مَا اشْتَهَى . (٣) ٦٨٨١. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام زین العابدین علیه السلام : مَنْ طَلَبَ الْغِنَى وَالْأَمْوَالَ وَالسَّعَةَ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّمَا يَطْلُبُ ذَلِكَ لِلرَّاحَةِ ، وَالرَّاحَةُ لَمْ تُخْلَقْ فِي الدُّنْيَا وَلَا لِأَهْلِ الدُّنْيَا ، إِنَّمَا خُلِقَتِ الرَّاحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَلِأَهْلِ الْجَنَّةِ . (٤) راجع : ص ١٧٦ (مركوب الجنة) .

١- تَدْفُ : أَى تَسِير سِيرًا لَيْتِنَا (النهاية : ج ٢ ص ١٢٥ «دفف»).

٢- زَفَّ الْقَوْمُ : أَسْرَعُوا (لسان العرب : ج ٩ ص ١٣٦ «زفف»).

٣- الغارات : ج ١ ص ٢٤٢ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٥٤٧ .

٤- الخصال : ص ٦٤ ح ٩٥ عن الزهرى ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٩٢ ح ٦٩ .

۶۸۸۳. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: مردی گفت: ای پیامبر خدا! من به اسب علاقه دارم. آیا در بهشت هم اسب هست؟

فرمود: «آری، سوگند به آن که جانم در دست اوست. در آن جا اسبانی از یاقوت سرخ هستند که [بهشتیان] بر آنها نشانده می شوند و آن اسب ها آنان را در میان برگ های بهشت، به آرامی می گردانند».

مرد دیگری گفت: ای پیامبر خدا! من آواز خوش را دوست دارم. آیا در بهشت، آواز خوش هم هست؟

فرمود: «آری، سوگند به آن که جانم در دست اوست. خداوند برای هر یک از بهشتیان که آواز خوش را دوست دارد، به درختی فرمان می دهد که آواز تسبیح برایش سر دهد؛ آوازی که گوش ها هرگز خوش تر از آن را نشنیده اند».

مرد دیگری گفت: ای پیامبر خدا! من شتر دوست دارم. آیا در بهشت، شتر هم هست؟

فرمود: «آری، سوگند به آن که جانم در دست اوست. در آن جا اشتران نژاده ای از یاقوت سرخ اند که جهاز طلا-بر آنهاست و با بالشتک های دیبا پوشانده شده اند و بهشتیان بر آنها نشانده می شوند و در لا به لای برگ های بهشت می تازند».

در بهشت، تصاویری از مردان و زنان هست که بر مرکب های بهشتی سوارند و چون یکی از بهشتیان از تصویری خوشش آید، می گوید: خدایا! صورت مرا مانند این صورت بگردان و خداوند، صورتش را مانند آن می گرداند، و چون تصویر زنی را پسندد، می گوید: پروردگارا! صورت فلانی [یعنی همسر] را مانند این صورت بگردان و چون [به منزل خود] بر می گردد، می بیند که صورت همسرش به مانند همان صورت دلخواهش شده است». ۶۸۸۴. عنه علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: کسی که در دنیا در پی توانگری و ثروت و رفاه است، در حقیقت، آنها را برای آسایش می جوید، حال آن که آسایش، در دنیا و برای اهل دنیا آفریده نشده است؛ بلکه آسایش، در بهشت است و برای بهشتیان، خلق شده است. ر. ک: ص ۱۷۷ (مرکب بهشت).

٢٩ / ٤ أَطِيبُ شَيْءٍ فِي الْجَنَّةِ رِضْوَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهَا لِكِتَابِ «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكَنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». (١)

الحديث ٦٨٨٧. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : رسول الله صلى الله عليه و آله : لَنَعِيمٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ بِرِضْوَانِ اللَّهِ عَنْهُمْ أَفْضَلُ مِنْ نَعِيمِهِمْ بِمَا فِي الْجَنَّةِ . (٢) ٦٨٨٨. امام على عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : هَلْ تَشْتَهُونَ شَيْئًا فَأَزِيدُكُمْ؟ فَيَقُولُونَ : رَبَّنَا وَمَا فَوْقَ مَا أُعْطِينَا؟ يَقُولُ : رِضْوَانِي أَكْبَرُ . (٣) ٦٨٨٩. عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ : يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ! يَقُولُونَ : لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَسَعْدَيْكَ ، فَيَقُولُ : هَلْ رَضِيْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ : وَمَا لَنَا لَا نَرْضَى وَقَدْ أُعْطِينَا مَا لَمْ نَعْطِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ! فَيَقُولُ : أَنَا أُعْطِيكُمْ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ ، قَالُوا : يَا رَبِّ! وَأَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ؟ قَالَ : أَحِلُّ عَلَيْكُمْ رِضْوَانِي ، فَلَا أَسْخَطُ عَلَيْكُمْ بَعْدَهُ أَبَدًا . (٤) .

١- .التوبة : ٧٢.

٢- .الدرّ المنتور : ج ٤ ص ٢٣٨ نقلًا عن ابن أبي حاتم عن أبي عبد الملك الجهني .

٣- .المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ١٥٦ ح ٢٧٦ المعجم الأوسط : ج ٩ ص ٢٦ ح ٩٠٢٥ نحوه ، تاریخ أصبهان : ج ١ ص ٣٣٥ الرقم ٦٠٦ ، تفسير ابن كثير : ج ٤ ص ١١٨ كلها عن جابر ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧٨ ح ٣٩٣٣٢ .

٤- .صحیح البخاری : ج ٥ ص ٢٣٩٨ ح ٦١٨٣ ، صحیح مسلم : ج ٤ ص ٢١٧٦ ح ٩ ، سنن الترمذی : ج ٤ ص ٦٨٩ ح ٢٥٥٥ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ١٧٥ ح ١١٨٣٥ كلها عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٦٧ ح ٣٩٢٨٧ .

۴ / ۲۹ بهترین چیز در بهشت

الف خشنودی خدای سبحان

۴ / ۲۹ بهترین چیز در بهشتالف خشنودی خدای سبحانقرآن«خدا به مردان و زنان مؤمن ، بهشت هایی را وعده داده که در آنها جویبارها روان است و در آنها جاویدان اند ، و [نیز] سرراهی پاکیزه را در بهشت های جاودان ، و [البته] خشنودی خدا ، بزرگ تر است . این است همان کامیابی بزرگ».

حدیث ۶۸۹۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نعمت خشنودی خداوند از اهل بهشت ، از تمام نعمت های بهشتی ، برتر است . ۶۸۹۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بهشتیان به بهشت وارد شوند ، خدای عز و جل می فرماید : «آیا چیزی می خواهید که برایتان اضافه کنم؟» .

بهشتیان می گویند : پروردگارا ! بالاتر از آنچه به ما عطا فرموده ای ، چیست؟

خداوند می فرماید : «خشنودی من ، بزرگ تر است» . ۶۸۹۲. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدا به اهل بهشت می فرماید : «ای اهل بهشت!» و آنها می گویند : گوش به فرمانیم ای پروردگار ما و در خدمتیم .

خدا می فرماید : «آیا خشنود شدید؟» .

بهشتیان می گویند : چرا خشنود نباشیم ، در حالی که به ما چیزی عطا کرده ای که به هیچ کدام از آفریدگانت نداده ای!

خدا می فرماید : «از این برتر به شما عطا می کنم !» .

می گویند : پروردگارا ! از اینها برتر چیست؟

می فرماید : «خشنودی ام را بر شما فرود می آورم و از آن پس ، هرگز بر شما خشم نخواهم گرفت» .

٦٨٩٣. امام صادق عليه السلام: الغارات عن عبايه: كَتَبَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدِ [بِنِ أَبِي بَكْرٍ] وَأَهْلِ مِصْرَ: ... إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَزُورُونَ الْجَبَّارَ كُلَّ جُمُعَةٍ، فَيَكُونُ أَقْرَبَهُمْ مِنْهُ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ، وَالَّذِينَ يَلُونَهُمْ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ يَأْقُوتٍ، وَالَّذِينَ يَلُونَهُمْ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ زَبْرَجِيدٍ، وَالَّذِينَ يَلُونَهُمْ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ مِسْكِ، فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ يَنْظُرُونَ إِلَى نُورِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ وَيَنْظُرُ اللَّهُ فِي وُجُوهِهِمْ، إِذَا أَقْبَلَتْ سَيِّحَابُهُ تَغْشَاهُمْ فَتَمَطَّرُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّعْمَةِ وَاللَّذَّةِ وَالسُّرُورِ وَالبَهْجَةِ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ سُبْحَانَهُ. ثُمَّ قَالَ: بَلَى إِنَّ مَعَ هَذَا مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ؛ رِضْوَانُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ. (١) ٦٨٩٤. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الصادق علیه السلام فی قوله عز و جل: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» (٢): رِضْوَانُ اللَّهِ وَالْجَنَّةُ فِي الْآخِرَةِ، وَالْمَعَاشُ وَحَسُنُ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا. (٣) تنبيه الغافلين: رُوِيَ فِي خَبَرٍ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِمَلَائِكَتِهِ: أَطْعَمُوا أَوْلِيَاءِي، فَيُؤْتِي بِأَلْوَانِ الْأَطْعِمَةِ، فَيَجِدُونَ لِكُلِّ لُقْمَةٍ لَذَّةً غَيْرَ مَا يَجِدُونَ لِلْآخِرَى، فَإِذَا فَرَّغُوا مِنَ الطَّعَامِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: اسْقُوا عِبَادِي، فَيُؤْتِي بِأَشْرِبِهِ، فَيَجِدُونَ لِكُلِّ شَرْبِهِ لَذَّةً بِخِلَافِ الْآخِرَى، فَإِذَا فَرَّغُوا يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُمْ: أَنَا رَبُّكُمْ، قَدْ صَدَقْتُمْ وَعَدِي، فَاسْأَلُونِي أُعْطِيكُمْ، قَالُوا: رَبَّنَا نَسَأَلُكَ رِضْوَانَكَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا يَقُولُ تَعَالَى: رَضِيَتْ عَنْكُمْ، وَلَمَدَى الْمَزِيدُ. الْيَوْمَ أَكْرَمْتُكُمْ بِكَرَامِهِ أَعْظَمَ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَيَكْشِفُ الْحِجَابَ، فَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، فَيَخِرُّونَ لَهُ سَجْدًا، فَكَانُوا فِي السُّجُودِ مَا شَاءَ اللَّهُ.

ثُمَّ يَقُولُ لَهُمْ: اِرْفَعُوا رُؤُوسَكُمْ، لَيْسَ هَذَا مَوْضِعَ عِبَادَةٍ، فَيَنْسُونَ كُلَّ نِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا، وَيَكُونُ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِنْ جَمِيعِ النَّعْمِ، ثُمَّ يَرَجِعُونَ، فَتَهِيحُ رِيحٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ، عَلَى تَلٍّ مِنْ مِسْكِ أَبْيَضٍ، فَيَنْثَرُ ذَلِكَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ، وَنَوَاصِي خُيُولِهِمْ، فَإِذَا رَجَعُوا إِلَى أَهْلِيهِمْ تَرَاهُمْ أَزْوَاجُهُمْ فِي الْحُسْنِ وَالبِهَاءِ أَفْضَلَ مِمَّا تَرَكَوهُنَّ، فَيَقُولُ لَهُمْ أَزْوَاجُهُمْ: إِنَّكُمْ قَدْ رَجَعْتُمْ عَلَى أَحْسَنَ مَا كُنْتُمْ. (٤).

١- الغارات: ج ١ ص ٢٤٣، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥٤٧؛ شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج ٦ ص ٧٠ نحوه.

٢- البقرة: ٢٠١.

٣- الكافي: ج ٥ ص ٧١ ح ٢، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣٢٧ ح ٩٠٠، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٥٦ ح ٣٥٦٦، معاني الأخبار: ص ١٧٤ ح ١ وفيهما بزياده «والسعة في الرزق» قبل «والمعاش...» وكلها عن جميل بن صالح، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٨٣ ح ١٨.

٤- تنبيه الغافلين: ص ٧٨ ح ٦٥.

الغارات به نقل از عبایه : علی علیه السلام به محمد [بن ابی بکر] و مردم مصر نوشت : «... بهشتیان هر آدینه به دیدار پادشاه عالم می روند . آنان که به او نزدیک ترند ، بر منبرهایی از نور می نشینند و کسانی که در مرتبه بعد از آنها قرار دارند ، بر منبرهایی از یاقوت ، و کسان بعد از آنها بر منبرهایی از زبرجد ، و مرتبه پایین تر از اینها بر منبرهایی از مُشک می نشینند . در همان حال که نشسته اند و به نور خدای عز و جلمی نگرند و خداوند به چهره آنان می نگرد ، به ناگاه ، ابری می آید و بر فراز سرشان می ایستد و چندان نعمت و لذت و شادمانی و سرخوشی بر آنان فرو می بارد که تنها خدای سبحان می داند و بس» .

سپس فرمود : «آری ، با این همه ، چیزی هست که از این هم برتر است : خشنودی بزرگ خدا». امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «پروردگارا ! در دنیا به ما نیکی ده و در آخرت نیز نیکی ده» : [یعنی] خشنودی خدا و بهشت در آخرت ، و معاش و اخلاق خوش در دنیا. تنبیه الغافلین : در خبری آمده است که خدای بلندمرتبه ، به فرشتگانش می فرماید : «از دوستانم پذیرایی کنید» .

پس خوراکی های رنگارنگ آورده می شود و دوستان خدا از هر لقمه ای لذتی متفاوت با لقمه دیگر می برند و چون از خوردن دست می کشند ، خدای بلندمرتبه می فرماید : «به بندگانم بنوشانید» .

پس نوشیدنی هایی آورده می شود و آنان از هر نوشیدنی ، لذتی متفاوت با دیگری می برند و چون از نوشیدن دست می کشند ، خدای بلندمرتبه به ایشان می فرماید : «منم پروردگار شما . به وعده ام با شما عمل کردم . پس اینک از من بخواهید تا به شما عطا کنم» .

دوستان خدا دو یا سه بار می گویند : پروردگارا ! خشنودی ات را از تو می خواهیم .

پس خدای بلندمرتبه می فرماید : «از شما خشنود شدم و افزون بر این هم دارم . امروز ، شما را به کرامتی بزرگ تر از همه اینها مفتخر می سازم» .

آن گاه پرده کنار زده می شود و آنان تا آن گاه که خدا بخواهد ، به او می نگرند . سپس برایش به خاک می افتند و تا آن گاه که خدا بخواهد ، همچنان در سجده خواهند بود .

سپس به آنان می فرماید : «سرهایتان را بلند کنید . این جا ، جای عبادت نیست» . پس هر نعمتی را که در آن به سر می بردند ، از یاد می برند و نگریستن به او ، برایشان از همه نعمت ها خوش تر است . سپس بر می گردند و از زیر عرش ، بادی بر تپه ای از مشک سفید ، وزیدن می گیرد و آن را بر سر آنها و پیشانی اسبانشان می پاشد ، و چون به نزد کسان خویش باز گردند ، همسرانشان آنان را زیباتر و نورانی تر از زمانی می بینند که ترکشان کرده بودند . پس همسرانشان به آنان می گویند : زیباتر از آنچه بودید ، باز گشته اید ! .

بِ مَحَبَّةِ اللَّهِ إِيَّامًا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَطْيَبَ شَيْءٍ فِي الْجَنَّةِ وَأَلَذَّهُ حُبُّ اللَّهِ، وَالْحُبُّ [فِي] اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَخْرَجُوا لَهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (١) وَذَلِكَ أَنَّهُمْ إِذَا عَايَنُوا مَا فِي الْجَنَّةِ مِنَ النَّعِيمِ هَاجَتِ الْمَحَبَّةُ فِي قُلُوبِهِمْ، فَيُنَادُونَ عِنْدَ ذَلِكَ: أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (٢) قَالَ: تَفْسِيرُ الْعِيَاشِيِّ عَنْ ثَوْبَانَ عَنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا صَارَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ، وَدَخَلَ وَلِيُّ اللَّهِ إِلَى جَنَاتِهِ وَمَسَاكِينِهِ، وَاتَّكَأَ كُلُّ مُؤْمِنٍ مِنْهُمْ عَلَى أَرِيكَتِهِ، حَفَّتْهُ خُدَامُهُ، وَتَهَدَّدَتْ عَلَيْهِ الثَّمَارُ، وَتَفَجَّرَتْ حَوْلَهُ الْعُيُونُ، وَجَرَّتْ مِنْ تَحْتِهِ الْأَنْهَارُ، وَبَسَّطَتْ لَهُ الزَّرَابِيُّ، وَصَفَّفَتْ لَهُ النَّمَارِقُ، وَأَتَتْهُ الْخُدَامُ بِمَا شَاءَتْ شَهْوَتُهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسْأَلَهُمْ ذَلِكَ.

قَالَ: وَيَخْرُجُ عَلَيْهِمُ الْحُورُ الْعِينُ مِنَ الْجَنَّةِ، فَيَمْكُثُونَ بِذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ. ثُمَّ إِنَّ الْجَبَّارَ يُشْرِفُ عَلَيْهِمْ فَيَقُولُ لَهُمْ: أَوْلِيَائِي وَأَهْلَ طَاعَتِي وَسُكَّانَ جَنَّتِي فِي جَوَارِي، أَلَا هَلْ أُتْبِئُكُمْ بِخَيْرٍ مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ؟ فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا وَأَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ مِمَّا نَحْنُ فِيهِ! نَحْنُ فِيهَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُنَا وَلَدَّتْ أَعْيُنُنَا مِنَ النَّعْمِ فِي جَوَارِ الْكَرِيمِ.

قَالَ: فَيَعُودُ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ، فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا نَعْمَ، فَأَتَانَا بِخَيْرٍ مِمَّا نَحْنُ فِيهِ، فَيَقُولُ لَهُمْ: تَبَارَكَ وَتَعَالَى: رِضَايَ عَنْكُمْ وَمَحَبَّتِي لَكُمْ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ، قَالَ: فَيَقُولُونَ: نَعْمَ يَا رَبَّنَا، رِضَاكَ عَنَّا وَمَحَبَّتُكَ لَنَا خَيْرٌ لَنَا وَأَطْيَبُ لَأَنْفُسِنَا.

ثُمَّ قَرَأَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْآيَةَ: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (٣). (٤).

١- يونس: ١٠.

٢- مصباح الشريعة (طبعه مؤسسه الأعلمی بیروت): ص ١٩٥، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٢٥١ ح ٣٠.

٣- التوبة: ٧٢.

٤- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٩٦ ح ٨٨، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٤١ ح ٥٧.

ب محبت خدا

ب محبت خدا و از آن جمله است، نیز حدیثی است که ثقه الاسلام - امام علی علیه السلام: بهترین و لذتبخش ترین چیز در بهشت، محبت خدا و محبت به خاطر خدا و ستایش خداست. خدای عز و جل فرموده است: «و واپسین دعایشان، این است که: ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است»؛ زیرا آن گاه که چشمشان به نعمت های بهشت می افتد، عشق و محبت در دل هایشان برانگیخته می شود و در این هنگام، بانگ بر می آورند که: ستایش، از آن خداست که پروردگار جهانیان است. تفسیر العیاشی به نقل از ثویر: امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «چون بهشتیان به بهشت داخل شود و دوست خدا به باغستان ها و سکونتگاه هایش وارد شود و هر مؤمنی بر تخت خویش تکیه زند، خدمتکارانش او را در میان می گیرند و میوه ها به طرفش آویزان می شوند و چشمه سارها در پیرامونش جوشیدن می گیرند و جویبارها در زیر پایش روان می شوند و فرش های زربافت برایش گسترده می شوند و پستی ها برایش چیده می شوند و خدمتکاران، آنچه را هوس کند، پیش از آن که از آنان بخواهد، برای او می آورند.

و حوریان از بهشت ها به سوی او می آیند و مدتی دراز در نزدش می مانند. سپس پادشاه عالم به آنان نزدیک می گردد و به آنان می فرماید: ای دوستان و فرمان برداران من و ای کسانی که در بهشت من، در جوار من آرمیده اید! آیا شما را به بهتر از این وضع که دارید، خبر دهم؟

دوستان خدا می گویند: ای پروردگار ما! بهتر از این وضع که داریم، چیست؟ ما از هر نعمتی که دلمان بخواهد و دیدگانمان از آن لذت برد، برخورداریم و در جوار پروردگار کریم، به سر می بریم.

خداوند، دوباره سخن خویش را تکرار می کند و آنها می گویند: آری، ای پروردگار! بهتر از این وضع که داریم، به ما عطا فرما.

پس خدای بزرگ و والا، به ایشان می فرماید: خوشنودی من از شما و محبتم به شما، بهتر و بالاتر از این وضعی است که در آنید.

آنان می گویند: درست است، ای پروردگار! خوشنودی تو از ما و محبتت به ما، برای ما بهتر و خوش تر است.»

امام زین العابدین علیه السلام سپس این آیه را تلاوت نمود: «خدا به مردان و زنان مؤمن، بهشت هایی را وعده داده که در آنها جویبارها روان است و در آنها جاویدان اند، و [نیز] سراهایی پاکیزه را در بهشت های جاودان، و [البته] خوشنودی خدا، بزرگ تر است. این است همان کامیابی بزرگ».

ج لقاء اللها لكتاب «لهم ما يشاءون فيها و لديننا مزيد». (١)

الحدِيث رسول الله صلى الله عليه و آله : «و لديننا مزيد» تجلّى لهم الرب عز و جل . (٢) عنه صلى الله عليه و آله : إذا دخل أهل الجنة الجنة يقول الله تبارك و تعالى : تريدون شيئاً أزيدكم؟ فيقولون : ألم تبيض وجوهنا؟ ألم تدخلنا الجنة و تنجنا من النار؟ قال : فيكشف الحجاب ، فما أعطوا شيئاً أحب إليهم من النظر إلى ربهم عز و جل . (٣)

١- ق: ٣٥.

- ٢- الفردوس : ج ٤ ص ٤٠٦ ح ٧١٨٠ عن الإمام علي عليه السلام ، الدر المنثور : ج ٧ ص ٦٠٥ نقلاً عن البزار وابن المنذر وابن أبي حاتم وابن مردويه واللالكائي في السنن والبيهقي في البعث والنشور عن أنس ، كنز العمال : ج ٢ ص ٥١٠ ح ٤٦١٥.
- ٣- صحيح مسلم : ج ١ ص ١٦٣ ح ٢٩٧ ، سنن الترمذي : ج ٤ ص ٦٨٧ ح ٢٥٥٢ ، سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٦٧ ح ١٨٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٥٠٤ ح ١٨٩٥٧ و ١٨٩٥٨ كلها عن صهيب ، تفسير الطبري : ج ٧ الجزء ١١ ص ١٠٦ عن عبد الرحمن بن مهدي و كلها نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٤٧ ح ٣٩٢٠٤.

ج دیدار خدا

ج دیدار خدا قرآن «هر چه بخواهند ، در آن جا دارند و پیش ما ، فزون تر [هم] هست».

حدیثی ایضاً در فقیه روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «و پیش ما ، فزون تر [هم] هست». آن ، تجلی پروردگار عز و جل برای آنان است . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون بهشتیان به بهشت وارد شوند ، خدای بزرگ و والا می فرماید : «می خواهید که برایتان اضافه کنم؟» .

بهشتیان می گویند : آیا ما را روسپید نساختی؟ آیا ما را وارد بهشت نمودی و از آتش ، نجاتمان ندادی؟

در این هنگام ، پرده کنار زده می شود . پس چیزی به آنان داده نشده که برایشان خوش تر و محبوب تر از نگریستن به پروردگار بزرگ و توانایشان باشد.

١. عن عبد الله بن الفضل الهاشمي، قال: كنت عند الصادق عليه وآله في قوله تعالى: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْخَيْرَاتِ وَأَلَهُمْ أَجْرٌ كَثِيرٌ» (١) : الْحُسْنَى : الْجَنَّةُ ، وَالزِّيَادَةُ : النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ . (٢) عن زياد بن أبي الحلال، قال: عنه صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «وَجُودُهُ يُؤَمِّنُ نَاضِرَةً * إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةً» (٣) : يَنْظُرُونَ إِلَى رَبِّهِمْ بِلا كَيْفِيَّةٍ ، وَلَا حِدِّ مَحْدُودٍ ، وَلَا صِفَةٍ مَعْلُومَةٍ . (٤) عن أبي محمد حسن بن علي الثاني (ع)، قال: سئل ابن ماجه عن جابر بن عبد الله: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «بَيْنَا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي نَعِيمِهِمْ إِذْ سَطَعَ لَهُمْ نُورٌ فَرَفَعُوا رُؤُوسَهُمْ ، فَإِذَا الرَّبُّ قَدْ أَشْرَفَ عَلَيْهِمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ، فَقَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ . وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ : «سَلِّمْ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» . (٥)

قال: فَيَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ ، فَلَا يَلْتَفِتُونَ إِلَى شَيْءٍ مِنَ النَّعِيمِ مَا دَامُوا يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ حَتَّى يَحْتَجِبَ عَنْهُمْ وَيَبْقَى نُورُهُ وَبَرَكَتُهُ عَلَيْهِمْ فِي دِيَارِهِمْ . (٦)

١- يونس : ٢٦.

٢- حليه الأولياء : ج ٥ ص ٢٠٤ ، مسند الشاميين : ج ٣ ص ٣٠٣ ح ٢٣٣٠ ، تاريخ أصبهان : ج ٢ ص ٢٩٥ الرقم ١٧٨٠ ، تفسير ابن كثير : ج ٤ ص ١٩٩ وليس في الثلاثه الأخيره «الحسنى : الجنة» وكلها عن كعب بن عجره ، تاريخ بغداد : ج ٩ ص ١٤٠ الرقم ٤٧٥٥ عن أنس ، تفسير الطبري : ج ٧ الجزء ١١ ص ١٠٥ عن أبي موسى الأشعري ، كنز العمال : ج ٢ ص ٤٣٢ ح ٤٤٢٢ ؛ تفسير القمى : ج ١ ص ٣١١ عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه.

٣- القيامه : ٢٢ و ٢٣.

٤- الدر المنثور : ج ٨ ص ٣٥٠ نقلاً عن ابن مردويه عن أنس .

٥- يس : ٥٨ .

٦- سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٦٥ ح ١٨٤ ، الدر المنثور : ج ٧ ص ٦٥ نقلاً عن ابن أبي الدنيا في صفه الجنة والبرار وابن أبي حاتم والآجری فی الرؤیه وابن مردويه ، كنز العمال : ج ٢ ص ٣٨ ح ٣٠٣٢ وراجع : حليه الأولياء : ج ٦ ص ٢٠٨.

۴. عن زیاد بن أبي الحلال، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «برای کسانی که نیکویی می کنند، نیکی است و افزون تر»: «نیکویی»، بهشت است و «افزون تر»، دیدن روی خدا. ۵. عن أبي جميله، عن جابر الجعفی، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «چهره هایی در آن روز، خرم اند. به پروردگار خویش می نگرند»: به پروردگار خویش می نگرند، بی آن که او را چگونگی باشد، یا محدودیتی، و یا صفتی خاص. ۶. عن جابر بن یزید، قال: سنن ابن ماجه به نقل از جابر بن عبد الله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در حالی که بهشتیان، غرق در نعمت خویش اند، به ناگاه، نوری برایشان درخشیدن می گیرد. سرهایشان را بلند می کنند و پروردگار را می بینند که از فراز سرشان بر آنان مشرف شده است و می فرماید: درود بر شما، ای بهشتیان! این، همان سخن خداست که: «درودی که از جانب پروردگاری مهربان به آنان گفته می شود» .»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پس خدا به آنان می نگرد و آنان به خدا می نگرند و تا زمانی که غرق در نگرستن به او هستند، به چیزی از نعمت ها توجه ندارند، تا آن که از آنان پنهان می شود؛ ولی نور و برکت او برای آنان در خانه هایشان باقی می ماند» . .

٧. عن أبي جعفر (ع) ، قال: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَفْضَلَ لَهُمْ يَعْنِي أَهْلَ الْجَنَّةِ مَنْزِلَهُ لِيَنْظُرُ فِي وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ . (١) قد روى شيخنا الصدوق بإسناده إلى إسماعيل بن مهران، عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَرْفَعَ أَهْلِ الْجَنَّةِ دَرَجَةً: مَنْ يَنْظُرُ إِلَى وَجْهِ رَبِّهِ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً. (٢) سنن الترمذى عن ابن عمر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَهُ لَمَنْ يَنْظُرُ إِلَى جَنَانِهِ وَأَزْوَاجِهِ وَخَدَمِهِ وَسُرُرِهِ مَسِيرَةَ أَلْفِ سَنَةٍ ، وَأَكْرَمَهُمْ عَلَى اللَّهِ مَنْ يَنْظُرُ إِلَى وَجْهِهِ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً. ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ». (٣) كفايه الأثر عن هشام [بن الحكم]: كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ وَعَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ أَعْيَنَ ، فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، مَا تَقُولُ فِي الْخَبْرِ الَّذِي رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأَى رَبَّهُ ، عَلَىٰ أَيِّ صُورَةٍ رَأَاهُ؟ وَعَنِ الْحَدِيثِ الَّذِي رَوَاهُ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَرَوْنَ رَبَّهُمْ فِي الْجَنَّةِ عَلَىٰ أَيِّ صُورَةٍ يَرَوْنَهُ؟

فَتَبَسَّمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ: يَا مُعَاوِيَةُ ، مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ يَأْتِي عَلَيْهِ سَبْعُونَ سَنَةً أَوْ ثَمَانُونَ سَنَةً يَعِيشُ فِي مَلِكِ اللَّهِ وَيَأْكُلُ مِنْ نَعِيمِهِ لَا يَعْرِفُ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ!؟

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُعَاوِيَةُ ، إِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَرَ رَبَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُشَاهِدَةِ الْعِيَانِ ، وَإِنَّ الرُّؤْيَةَ عَلَىٰ وَجْهِينَ: رُؤْيَةَ الْقَلْبِ وَرُؤْيَةَ الْبَصِيرِ ، فَمَنْ عَنِ بَرُؤْيِهِ الْقَلْبِ فَهُوَ مُصِيبٌ ، وَمَنْ عَنِ بَرُؤْيِهِ الْبَصِيرِ فَقَدْ كَفَرَ بِاللَّهِ وَبِآيَاتِهِ ؛ لِتَقْوَلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ بِخَلْقِهِ فَقَدْ كَفَرَ. (٤).

١- .مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٢٧ ح ٤٦٢٣ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٥٥٣ ح ٣٨٨٠ ، تفسیر ابن کثیر: ج ٨ ص

٣٠٥ کلّها عن ابن عمر ، کنز العمال: ج ١٤ ص ٤٦٥ ح ٣٩٢٨١.

٢- .الفردوس: ج ١ ص ٢١٧ ح ٨٣٣ عن ابن عمر.

٣- .سنن الترمذی: ج ٥ ص ٤٣١ ح ٣٣٣٠ ، کنز العمال: ج ١٤ ص ٤٩٣ ح ٣٩٣٩٧.

٤- .کفايه الأثر: ص ٢٥٦ ، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٥٤ ح ٣٤.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بامنزلت ترین آنان (اهل بهشت)، روزی دو بار به روی خدای بلندمرتبه، نظر می کنند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بلندپایه ترین اهل بهشت، کسی است که هر بام و شام، به روی پروردگارش نظر می کند. سنن الترمذی به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دون پایه ترین اهل بهشت، چنان است که باغستان ها و همسران و خدمتکاران و تخت های خود را از فاصله هزار سال می بیند، و گرامی ترین آنان نزد خدا، هر بام و شام، به روی او (خدا) نظر می کند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس این آیات را خواند: «چهره هایی در آن روز، خرم اند. به پروردگار خویش می نگرند». کفایه الأثر به نقل از هشام [بن حکم]: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که معاویه بن وهب و عبد الملک بن أعین وارد شدند. معاویه بن وهب به ایشان گفت: ای فرزند پیامبر خدا! در باره این خبری که روایت شده است و می گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پروردگارش را دید، چه می فرمایید؟ در چه صورتی، او را دید؟ و نیز در باره حدیثی که روایت کرده اند که مؤمنان، پروردگار خود را در بهشت می بینند، او را در چه صورتی می بینند؟

ایشان لبخندی زد و سپس فرمود: «ای معاویه! چه قدر زشت است برای مردی که هفتاد یا هشتاد سال از عمرش می گذرد و در مُلک خدا زندگی می کند و از نعمت هایش می خورد؛ اما او را چنان که باید، نمی شناسد!».

آن گاه افزود: «ای معاویه! محمد صلی الله علیه و آله، پروردگار بزرگ و والایش را با چشم سر ندید. دیدن، دو گونه است: دیدن با دل و دیدن با چشم. بنا بر این، کسی که [آن را] دیدن با دل بداند، او به راه صواب رفته، و کسی که بگوید مقصود، دیدن با چشم سراسر است، به خدا و آیات او، کافر گشته است؛ زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کس خدا را به مخلوقش تشبیه کند، کافر است»..

الفصل الخامس: الأوصاف السلبية في الجنة ٥ / التّكليف الكتاب «الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (١).

«لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ» (٢).

«ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ * يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصَفَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (٣).

«جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ» (٤).

الحدِيثُ رسول الله صلى الله عليه وآله: هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً، وَهَذِهِ الْآخِرَةُ قَدْ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً، وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنُونَ؛ فَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَافْعَلُوا؛ فَإِنَّكُمْ الْيَوْمَ فِي دَارِ عَمَلٍ وَلَا حِسَابٍ، وَأَنْتُمْ غَدًا فِي دَارِ حِسَابٍ وَلَا عَمَلٍ. (٥).

١- فاطر: ٣٥.

٢- الحجر: ٤٨.

٣- الزخرف: ٧١ ٧٠.

٤- النحل: ٣١.

٥- الخصال: ص ٥١ ح ٦٢ عن جابر بن عبد الله، الكافي: ج ٨ ص ٥٨ ح ٢١ عن سليم بن قيس عن الإمام علي عليه السلام، الأمالي للمفيد: ص ٩٣ ح ١ عن حبه العرنى عن الإمام علي عليه السلام، نهج البلاغه: الخطبة ٤٢ عن الإمام علي عليه السلام، كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١١٧ ح ١٣؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٥٥ ح ١ عن الإمام علي عليه السلام، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٤ عن أبي عبد الرحمن السلمى عن الإمام علي عليه السلام، شُعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٧٠ ح ١٠٦١٦ عن جابر بن عبد الله نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٨١٩ ح ٨٨٥٦.

فصل پنجم: آنچه در بهشت نیست

۵ / ۱ تکلیف

فصل پنجم: آنچه در بهشت نیست ۵ / ۱ تکلیفقرآن « همان [خدایی] که به فضل خویش ، ما را در سرای ابدی ، جای داد . در این جا رنجی به ما نمی رسد و در این جا درماندگی ، به ما دست نمی دهد » .

« در آن جا ، نه رنجی به آنان می رسد و نه از آن جا بیرون رانده می شوند » .

« شما با همسرانتان ، شادمان به بهشت وارد شوید . سینی هایی از زر و جام هایی در برابر آنان می گردانند و در آن جا ، آنچه دل ها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید ، هست و شما در آن ، جاویدانید » .

« بهشت های دست نخورده ای که وارد آنها می شوند . جوی ها از زیر آنها روان اند . در آنها آنچه بخواهند ، برایشان هست . این گونه ، خدا پرهیزگاران را پاداش می دهد » .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این دنیا ، پشت کرده است و می رود و این آخرت ، روی گُنان در حال آمدن است ، و برای هر یک از آن دو ، فرزندان است . پس اگر توانستید که از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید ، چنین کنید ؛ چرا که شما امروز در سرای عمل هستید و حسابرسی در کار نیست ، و فردا در سرای حسابرسی خواهید بود و عملی نخواهد بود .

عنه صلى الله عليه وآله قال أخى عيسى عليه السلام: مَعَاشِرَ الْحَوَارِيِّينَ ، إِحْذَرُوا الدُّنْيَا لَا تَسْحَرُكُمْ ، لَهَايَ وَاللَّهِ أَشَدُّ سِحْرًا مِنْ هَارُوتَ وَمَارُوتَ . وَاعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا مُدْبِرَةٌ وَالْآخِرَةُ مُقْبِلَةٌ ، وَإِنَّ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَنِينَ ، فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ دُونَ بَنِي الدُّنْيَا ؛ فَمِائَةَ الْيَوْمِ عَمِلٌ وَلَا- حِسَابٌ ، وَغَدَا الحِسَابُ وَلَا عَمَلٌ . (١) عنه صلى الله عليه وآله : أَلَا- وَإِنَّكُمْ فِي يَوْمِ عَمَلٍ وَلَا- حِسَابٍ فِيهِ ، وَيُوشِكُ أَنْ تَكُونُوا فِي يَوْمِ حِسَابٍ لَيْسَ فِيهِ عَمَلٌ . (٢) الإمام عليّ عليه السلام : فِي الْآخِرَةِ حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ . (٣) حديث الكافي اين گونه است: عنه عليه السلام : إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ ، وَإِنَّ غَدَا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ . (٤) .

١- الدرّ المشثور: ج ١ ص ٢٤٤ نقلاً عن الخطيب عن ابن عمر .

٢- أعلام الدين: ص ٣٤٥ ح ٣٩ عن أبي هريره ، مسكن الفؤاد: ص ٢٦ عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٨ ح ٣٩؛ قصر الأمل لابن أبي الدنيا: ص ٢٧ ح ٣ عن عليّ بن أبي حنظله عن أبيه عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٣٨ ح ٤٤١٦٧ .

٣- غرر الحكم: ح ٦٤٩٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٤ ح ٥٩٧٧ .

٤- الكافي: ج ٨ ص ٥٨ ح ٢١ عن سليم بن قيس الهلالي ، نهج البلاغه: الخطبه ٤٢ ، الإرشاد: ج ١ ص ٢٣٦ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٩٦ ح ٤؛ صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٥٩ ، المصنّف لابن أبي شيبه: ج ٨ ص ١٥٥ ح ١ ، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٤ عن أبي عبد الرحمن السلمى ، كنز العمال: ج ٣ ص ٨١٩ ح ٨٨٥٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برادرم عیسی علیه السلام گفت: «ای گروه حواریان! به هوش باشید که دنیا شما را افسون نکند . به خدا سوگند که دنیا افسونگرتر از هاروت و ماروت است . بدانید که دنیا رفتنی است و آخرت ، آمدنی ، و برای هر یک از آن دو ، فرزندی است . پس شما ، از فرزندان آخرت باشید ، نه فرزندان دنیا ؛ زیرا امروز ، روز عمل است ، نه حسابرسی ، و فردا روز حسابرسی است ، نه عمل» .۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آگاه باشید که شما در روز عمل هستید و حسابرسی ، در آن نیست و به زودی ، در روزی خواهید بود که در آن ، حسابرسی است و عمل ، در کار نیست .۲. امام علی علیه السلام : در آخرت ، حسابرسی است و عمل ، در کار نیست .۳. امام علی علیه السلام : امروز ، روز عمل است ، نه حسابرسی ، و فردا ، روز حسابرسی است ، نه عمل . .

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ كَرَامَةً فِي عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعَثَ اللَّهُ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ مَلَكًا مَعَهُ حُلَّتَانِ، فَيَنْتَهِي إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَيَقُولُ: اسْتَأذِنُوا لِي عَلَى فُلَانٍ، فَيُقَالُ لَهُ: هَذَا رَسُولُ رَبِّكَ عَلَى الْبَابِ.

فَيَقُولُ لِأَزْوَاجِهِ: أَيُّ شَيْءٍ تَرَيْنَ عَلَيَّ أَحْسَنَ؟ فَيَقُلْنَ: يَا سَيِّدَنَا، وَالَّذِي أَبَاحَكَ الْجَنَّةَ! مَا رَأَيْنَا عَلَيْكَ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْ هَذَا؛ قَدْ بَعَثَ إِلَيْكَ رَبُّكَ. فَيَنْتَزِرُ بَوَاحِدِهِ وَيَتَعَطَّفُ بِالْأُخْرَى. فَلَا يَمُرُّ بِشَيْءٍ إِلَّا أَضَاءَ لَهُ، حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْمَوْعِدِ، فَإِذَا اجْتَمَعُوا تَجَلَّى لَهُمُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَإِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِ أَيُّ إِلَى رَحْمَتِهِ خَرُّوا سُجَّدًا.

فَيَقُولُ: عِبَادِي، اِرْفَعُوا رُؤُوسَكُمْ! لَيْسَ هَذَا يَوْمَ سِيْجُودٍ وَلَا عِبَادَةٍ، قَدْ رَفَعْتُ عَنْكُمْ الْمُؤَنَةَ. فَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ، وَأَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنِّي أَعْطَيْتَنَا؟! أَعْطَيْتَنَا الْجَنَّةَ. فَيَقُولُ: لَكُمْ مِثْلُ مَا فِي أَيْدِيكُمْ سَبْعِينَ ضِعْفًا. (١) ٥ / ٢ النَّصْبُ وَالتَّعْبَالِكُتَابُ «الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ». (٢)

«لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ». (٣)

الحدِيثُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَادِرُوا بِأَعْمَالِكُمْ تَكُونُوا مَعَ جِيرَانِ اللَّهِ فِي دَارِهِ، رَافِقَ بِهِمْ رُسُلَهُ، وَأَزَارَهُمْ مَلَائِكَتُهُ، وَأَكْرَمَ أَسْمَاعَهُمْ أَنْ تَسْمَعَ حَسْبَسَ نَارٍ أَبَدًا، وَصَانَ أَجْسَادَهُمْ أَنْ تَلْقَى لُغُوبًا (٤) وَنَصَبًا (٥) دَلِكُ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (٥). (٦).

١- تفسير القمى: ج ٢ ص ١٦٩ عن عاصم بن حميد، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٢٦ ح ٢٧.

٢- فاطر: ٣٥.

٣- الحجر: ٤٨.

٤- اللُّغُبُ: التَّعَبُ وَالْإِعْيَاءُ (النهاية: ج ٤ ص ٢٥٦ «لُغُبٌ»).

٥- الحديد: ٢١.

٦- نهج البلاغه: الخطبه ١٨٣، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٦٣ ح ١٠٥.

۵ / ۲ رنج و خستگی

امام صادق علیه السلام: خداوند در هر روز جمعه به بندگان مؤمنش لطفی می کند. چون روز جمعه می شود، خداوند، فرشته ای را با دو جامه نزد مؤمنان می فرستد. آن فرشته به در بهشت می رسد و می گوید: از فلانی برایم اجازه ورود بگیری.

به آن کس گفته می شود: فرستاده پروردگارت، بر در است.

آن مؤمن به همسرانش می گوید: چه چیزی را برایم زیباتر می بینید؟

همسرانش می گویند: ای آقای ما! سوگند به آن که بهشت را بر تو روا ساخت، چیزی زیباتر از این که پروردگارت برای تو فرستاده است، برایت نمی شناسیم.

پس، یکی از آن دو جامه را به کمر خود می بندد و دیگری را بر دوش خویش می اندازد، و بر هر چه می گذرد، آن را روشن می سازد، تا آن که به وعده گاه می رسد و چون جمع شدند، پروردگار بزرگ و والا، بر آنان تجلی می یابد و همین که او را یعنی رحمت او را می بینند، به سجده می افتند.

خداوند می فرماید: «ای بندگان من! سرهایتان را بلند کنید. اینک، روز سجده و عبادت نیست. رنج تکلیف را از شما برداشتم».

مؤمنان می گویند: پروردگارا! چه چیز، برتر از آن چیزی است که به ما داده ای، که بهشت را به ما عطا کرده ای؟

خداوند نیز می فرماید: «هفتاد برابر آنچه دارید، برایتان باد!». ۵ / ۲ رنج و خستگی قرآن «همان خدایی که به فضل خویش، ما را در سرای ابدی، جای داد. در آن جا رنجی به ما نمی رسد و در آن جا خستگی به ما نمی رسد».

«در آن جا رنجی به ایشان نمی رسد و از آن جا بیرون برده نمی شوند».

حدیث ۱. الامام الصادق (ع): امام علی علیه السلام: در عمل خویش بکوشید تا با همسایگان خدا در سرای او باشید، که خدا پیامبرانش را با آنان هم نشین قرار داده و فرشتگانش را به زیارت آنان فرستاده و گوش هایشان را از این که صدای آتشی را بشنوند، برکنار داشته و بدن هایشان را از این که خستگی و رنجی را احساس کنند، مصون داشت است. «این، فضل خداست که آن را به هر که بخواهد، می دهد و خدا صاحب فضل بزرگ است».

امام صادق(ع) فرمود:الإمام زين العابدين عليه السلام في الدعاء: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنِي وَجْمَعِ إِخْوَانِي بِحَبْلِكَ مُؤْمِنِينَ ، وَعَلَى الْإِسْلَامِ ثَابِتِينَ ... وَلِلْجَنَّةِ طَالِبِينَ ، وَلِلْفِرْدَوْسِ وَارِثِينَ ، وَمَنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْإِسْتَبْرَقِ لَابْسِينَ ، وَعَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِينِينَ ، وَبِالْتَّيْجَانِ الْمُكَلَّلَةِ بِالْأُدْرُ وَالْيَوَاقِيْتِ وَالزَّبْرِجِدِ مُتَوَجِّحِينَ ، وَلِلْوَالِدَانِ الْمُحَلَّدِينَ مُسْتَعْدِمِينَ ، وَبِأَكْوَابِ وَأَبَارِيْقِ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ شَارِبِينَ ، وَمِنْ الْحَوْرِ الْعَيْنِ مُزَوَّجِينَ ، وَفِي نَعِيمِ الْجَنَّةِ مُقِيمِينَ ، وَفِي دَارِ الْمَقَامَةِ خَالِدِينَ ، لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ (١) وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ . (٢) الإمام الصادق (ع):الإمام العسكري عليه السلام في التفسير المنسوب إليه ، في قوله تعالى : «فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا» (٣) : واسمعا بلا تعب . (٤) ٥ / ٣ الخوف والحزن الكتاب «أهلؤاء الذين أقسبتمم لآ ينألهم الله برحمه اذخلوا الجنة لأخوف عليكم ولآ أنتم تحزنون» . (٥)

«وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» . (٦)

«لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» . (٧)

١- .النصب: التعب (النهاية: ج ٥ ص ٦٢ «نصب»).

٢- .بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٢٣ ح ١٩ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي .

٣- .البقره: ٥٨ .

٤- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٢٦٠ ح ١٢٧ و ص ٢٢١ ح ١٠٣ نحوه ، تأويل الآيات الظاهره: ج ١

ص ٤٥ ح ٢٠ ، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ١٨٣ ح ١٩ .

٥- .الأعراف: ٤٩ .

٦- .فاطر: ٣٤ .

٧- .الأنبياء: ١٠٣ .

امام زین العابدین علیه السلام در دعا: بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و مرا و همه برادرانم را مؤمن به خودت قرار ده، و نیز پایدار بر اسلام... و خواهان بهشت، و از وارثان فردوس که جامه هایی از ابریشم نازک و ستبر، بر تن می کنند و بر تخت ها تکیه می زنند و تاج های مزین به دُر و یاقوت و زبرجد، بر سر می نهند و فرزندان جاویدان به آنان خدمت می کنند و با جام ها و ابریق ها و پیاله ها، از چشمه ای روان می نوشند و با سیه چشمان بهشتی، ازدواج می کنند و در نعمت های بهشت، غوطه ورنند و در سرای ماندگاری، جاویدان اند و در آن جا نه [خستگی و] [رنجی احساس می کنند و نه از آن جا اخراج می شوند]. ۶. امام عسکری علیه السلام در تفسیر منسوب به ایشان، در باره این سخن خدای بزرگ: «از هر کجای آن که خواستید، فراوان بخورید»: یعنی گسترده و بدون خستگی. ۵ / ۳ بیم و اندوه قرآن «آیا اینان، همان کسانی نبودند که سوگند یاد می کردید خدا آنان را به رحمتی نخواهد رسانید؟ [اینک] به بهشت وارد شوید. نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می شوید».

«و گفتند: ستایش، خدایی را که اندوه از ما ببرد. به راستی که پروردگار ما، آمرزگار و قدردان است».

«آن هراس بزرگ، آنان را اندوهگین نمی کند و فرشتگان از ایشان استقبال می کنند [و به آنان می گویند: «این، همان روزی است که به شما وعده می دادند»].»

الحدِيثُ إِذَا كَانَ مِنْ أَمَامِ صَادِقٍ (ع) دَرَبَارَهُ أَفْرِينِشِ حَوَا سَوَالَ شَدَّ وَ بِهِ أَنَا لِإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» : الْحَزْنُ : مَا أَصَابَهُمْ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْخَوْفِ وَالشَّدَّةِ . (١) عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَمُجُّو وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قُلُوبِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ذَكَرَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ وَالْإِخْوَانَ وَالْمَعَارِفَ مِمَّنْ اسْتَوْجَبَ النَّارَ ، فَلَا يَذْكُرُونَهُمْ أَبَدًا . (٢) ٥ / ١٤ الْأَمْرَاضُ الرُّوحِيَّةُ الْكِتَابُ «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهِمْ أَنْ نَهَرُوا وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» . (٣)

«وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» . (٤)

«فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ * لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَّةٌ» . (٥)

- ١- .تأويل الآيات الظاهرة : ج ٢ ص ٤٨٣ ح ١٠ عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ج ٢٣ ص ٢٢٠ ح ٢٢ .
- ٢- .الفردوس : ج ٥ ص ٢٦١ ح ٨١٢٥ عن ابن عباس .
- ٣- .الاعراف : ٤٣ .
- ٤- .الحجر : ٤٧ .
- ٥- .الغاشية : ١٠ ١١ .

۴ / ۵ بیماری های روحی

حدیث ۵. امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «و گفتند: ستایش، خدایی را که اندوه از ما بُرد. به راستی که پروردگار ما، آمرزگار و قدردان است»: اندوه، همان ترس و سختی هایی است که در دنیا به آنان می رسیده است. ۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل، یاد پدران و مادران و برادران و آشنایانی را که دوزخی شده اند، از دل های بهشتیان می زداید و آنان دیگر هرگز به یاد آنها نمی افتند. ۴ / ۵ بیماری های روحی قرآن «و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم. از زیر [قصرهای] آنان، نهرها جاری اند. و می گویند: «ستایش، خدایی را که ما را بیدین، هدایت نمود و اگر خدا ما را هدایت نمی کرد، ما خود، هدایت نمی یافتیم. در حقیقت، فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند». و به آنان، ندا داده می شود که: این، همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می دادید، میراث یافته اید».

« آنچه کینه در سینه های آنان است، بر می کنیم. برادرانه بر تخت هایی، رو به روی یکدیگر نشسته اند.»

« در بهشتی برین اند. سخنی بیهوده در آن نمی شنوند.»

الحديث ١٤. رسول الله صلى الله عليه وآله: يُحْبَسُ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَعْدَمَا يَجُوزُونَ الصَّرَاطَ حَتَّى يُؤَخَذَ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضِ ظُلُمَاتِهِمْ فِي الدُّنْيَا ، وَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَيْسَ فِي قُلُوبِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضِهِمْ غِلٌّ . (١) ١٥. عنه صلى الله عليه وآله في حَدِيثٍ يَصِفُ فِيهِ كَيْفِيَّةَ حَشْرِ الْمُتَّقِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : وَإِذَا عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ شَجَرَةٌ يَنْبُعُ مِنْ أَصْلِهَا عَيْنَانِ ، فَيَشْرَبُونَ مِنْ إِحْدَى الْعَيْنَيْنِ ، فَإِذَا بَلَغَ الشَّرَابُ الصَّدْرَ أَخْرَجَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ أَوْ حَسَدٍ أَوْ بَغْيٍ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى : « وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ » (٢) ، فَلَمَّا انْتَهَى الشَّرَابُ إِلَى الْبَطْنِ طَهَّرَهُمْ مِنْ دَنَسِ الدُّنْيَا وَقَدَرَهَا ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى : « وَسَيَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا » ، ثُمَّ اغْتَسَلُوا مِنَ الْآخِرَى فَجَرَتْ عَلَيْهِمْ نَضْرَةُ النَّعِيمِ ، فَلَا تَشَعُّ أَبْدَانُهُمْ وَلَا تَغَيَّرُ أَلْوَانُهُمْ أَبَدًا . (٣) ١٦. عنه صلى الله عليه وآله : أَوَّلُ زُمْرِهِ تَلَجَّ الْجَنَّةَ صُورَتُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ ، لَا يَبْصِقُونَ فِيهَا وَلَا يَمْتَخِطُونَ وَلَا يَنْعَوِّطُونَ ، آتَيْتُهُمْ فِيهَا الذَّهَبَ ، أَمْشَاطُهُمْ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ ، وَمَجَامِرُهُمُ الْأَلْوَةُ (٤) ، وَرَشْحُهُمُ الْمِسْكُ ، وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ زَوْجَتَانِ يُرَى مِخُّ سَوْقِيهِمَا مِنْ وَرَاءِ اللَّحْمِ مِنَ الْحُسْنِ ، لَّا اخْتِلَافَ بَيْنَهُمْ وَلَا تَبَاغُضَ ، قُلُوبُهُمْ قَلْبُ رَجُلٍ وَاحِدٍ ، يُسَبِّحُونَ اللَّهَ بُكْرَةً وَعَشِيًّا . (٥) .

- ١- فتح الباري : ج ١١ ص ٣٩٩ ، الزهد لابن المبارك : ص ٤٩٩ ح ١٤١٩ نحوه ، الدر المنثور : ج ٥ ص ٨٤ نقلاً عن ابن أبي حاتم عن الحسن .
- ٢- الحجر : ٤٧ .
- ٣- كنز العمال : ج ١٤ ص ٦٥٠ ح ٣٩٧٨١ نقلاً عن ابن مردويه عن النزال بن سبرة عن الإمام علي عليه السلام .
- ٤- الألوة : هو العود الذي يُتَبَخَّرُ بِهِ (النهاية : ج ١ ص ٦٣ «ألى»).
- ٥- صحيح البخاري : ج ٣ ص ١١٨٥ ح ٣٠٧٣ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٨٠ ح ١٧ ، سنن الترمذي : ج ٤ ص ٦٧٨ ح ٢٥٣٧ ، صحيح ابن حبان : ج ١٦ ص ٤٦٣ ح ٧٤٣٦ ، مسند الشاميين : ج ١ ص ٩٢ ح ١٣٢ نحوه وكلها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٨٧ ح ٣٩٣٧١ .

حدیث ۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتیان را، پس از گذشتن از صراط، نگه می دارند تا تقاصِ ستم هایی که در دنیا به یکدیگر کرده اند، از آنها گرفته شود و با دل هایی خالی از کینه نسبت به هم، وارد بهشت شوند. ۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی که در آن، چگونگی محشور شدن پرهیزگاران را در قیامت، بیان می کند: بر در بهشت، با درختی رو به رو می شوند که از پای آن، دو چشمه می جوشد: از یک چشمه اش می نوشند و به محض آن که نوشیدنی به سینه شان رسید، خداوند، هر آنچه کینه و حسادت و بدخواهی در سینه های آنهاست، همه را بیرون می برد. این است سخن خدای بلندمرتبه: «و آنچه کینه در سینه های آنان است، بر می کنیم. برادرانه بر تخت هایی، رو به روی یکدیگر نشسته اند».

و نوشیدنی چون به معده رسد، آنان را از آلودگی ها و نجاست های دنیا پاک می گرداند. این است سخن خدای بلندمرتبه: «و پروردگارشان نوشیدنی ای پاک کننده به آنان نوشاند».

سپس خود را در چشمه دیگر، شستشو می دهند و خرمی، نعمت وجودشان را فرا می گیرد و دیگر، نه بدن هایشان کثیف می شود و نه رنگشان هرگز تغییر می کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین گروهی که وارد بهشت می شوند، صورت هایشان مانند ماه شب چهارده می درخشد. در بهشت، نه آب دهان می اندازند و نه ترشحات بینی و نه قضای حاجت دارند. ظرف هایشان در آن جا، طلاست و شانهِ سرشان، از طلا و نقره و بخوردان هایشان، عود و عرقشان مُشک است. هر یک از ایشان، دو همسر دارد که از شدت زیبایی، مغز ساق آنها از پشت گوشت، دیده می شود.

هیچ ناسازی و نفرتی میان ایشان (بهشتیان) نیست و همگی یک دل اند و بام و شام، خداوند را به پاکی می ستایند..

٢٠. الإمام علي عليه السلام في أحوال الممتقين: انتحوا (١) دار السلام التي من دخلها كان آمنا من الريب والأحزان. (٢) ٥ /
 ١٥ الأمراض الجسمية ٢٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: «وَنُودُوا أَنْ تَلَکُمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا» (٣) نودوا أن يصحوا فلا تسقموا ،
 وادخلوا فلا تموتوا، وانعموا فلا تبأسوا. (٤) ٢٤. عنه صلى الله عليه وآله: يُنادى مُنادٍ: إِنَّ لَكُمْ أَنْ تَحْيُوا فَلَا تَمُوتُوا أَبَدًا، وَإِنَّ لَكُمْ
 أَنْ تَصِحُّوا فَلَا تَسْقُمُوا أَبَدًا، وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَشَبَّهُوا فَلَا تَهَرَمُوا أَبَدًا، وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَنَعَمُوا فَلَا تَبْأَسُوا أَبَدًا، فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَتَلَکَ
 الْجَنَّةُ الَّتِي أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (٥). (٦) ٢٥. عنه صلى الله عليه وآله في ذكر ما يلقي المؤمن عند دخوله الجنة: فَيَدْخُلُ
 فَمَاذَا هُوَ بِشَجَرِهِ ذَاتِ ظِلٍّ مَمْدُودٍ ، وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ ، وَثَمَارٍ مُهْدَلَةٍ تُسَيِّمِي رِضْوَانَ ، يَخْرُجُ مِنْ سَاقِهَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ، فَيَنْطَلِقُ إِلَى
 إِحْدَاهُمَا وَكُلَّمَا مَرَّ بِذَلِكَ فَيَغْتَسِلُ مِنْهَا، فَيَخْرُجُ وَعَلَيْهِ نَضْرَةُ النَّعِيمِ ، ثُمَّ يَشْرَبُ مِنَ الْآخَرَى ، فَلَا تَكُنْ فِي بَطْنِهِ مَغْصٌ وَلَا مَرَضٌ
 وَلَا دَاءٌ أَبَدًا ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (٧). (٨).

١- انتحى: عرض له وقصده (النهاية: ج ٥ ص ٣٠ «نحا»).

٢- صفات الشيعة: ص ١٢١ ح ٦٣ عن محمد بن الحنفية، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٢٢٠ ح ١٣٢.

٣- الأعراف: ٤٣.

٤- الفردوس: ج ٤ ص ٤١٤ ح ٧٢٠٥ عن أبي هريره، سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٩١ ح ٢٧٢٠ عن أبي سعيد الخدري وأبي هريره نحوه، كنز العمال: ج ١٤ ص ١٧ ح ٣٩٤٥٦.

٥- الزخرف: ٧٢.

٦- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٣٧٤ ح ٣٣٤٦، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٨٢ ح ٢٢ نحوه، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٩٠ ح ١١٩٠٥، تاريخ دمشق: ج ٥٣ ص ١٠٩ ح ١١١٩٠ كلها عن أبي سعيد الخدري وأبي هريره، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥١٧ ح ٣٩٤٥٦.

٧- الإنسان: ٢١.

٨- الاختصاص: ص ٣٥٠ عن عوف بن عبد الله الأزدي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٢١٢ ح ٢٠٥ وراجع: تفسير الطبري: ج ٥ الجزء ٨ ص ١٨٣ والدر المنثور: ج ٣ ص ٤٥٧.

۵ / ۵ بیماری های جسمی

۲۶. امام علی علیه السلام در احوال پرهیزگاران: آهنگ سرای سلامت کردند؛ سرایی که هر کس به آن وارد شود، از نگرانی و اندوه ها در امان است. ۵ / ۵ بیماری های جسمی (ع) قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «و به آنان ندا می رسد که: این است همان بهشتی که میراث یافته اید». به آنان ندا می رسد که: «همواره تن درست باشید و بیمار نشوید. داخل شوید و هرگز نمیرید، و همواره در ناز و نعمت باشید و بینوا نگردید». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آواز دهنده ای آواز می دهد که: «حق شماس است که زنده بمانید و هرگز نمیرید. حق شماس است که سالم باشید و هرگز بیمار نشوید. حق شماس است که جوان باشید و هرگز پیر نشوید. و حق شماس است که در ناز و نعمت باشید و هرگز به بینوایی نیفتید». این، سخن خدای بلندمرتبه است که: «و این است همان بهشتی که به پاداش کارهایی که می کردید، میراث یافته اید». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آنچه مؤمن، هنگام ورودش به بهشت می بیند: پس وارد می شود و ناگهان به درختی با سایه ای گسترده و آبی ریزان و میوه های آویزان، به نام رضوان، بر می خورد که از تنه آن، دو چشمه جاری است.

به سوی یکی از آن دو چشمه می رود و خود را در آن، می شوید و چون بیرون می آید، سرشار از طراوت است. سپس از چشمه دیگر می نوشد و از آن پس، هرگز قولنج و مرض و دردی در شکم او پدید نمی آید. این، همان سخن خدای بلندمرتبه است که: «و پروردگارشان به آنان نوشیدنی ای پاک کننده نوشانید».

المصنف لابن أبي شيبة عن عاصم بن ضمره: سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ: «وَسَيِّقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا» (١) حَتَّى إِذَا انْتَهَوْا إِلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَجَدُوا عِنْدَ بَابِهَا شَجْرَةً تَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ سَاقِهَا عَيْنَانِ ، فَيَأْتُونَ إِحْدَاهُمَا كَأَنَّمَا أَمْرُوا بِهَا ، فَيَتَطَهَّرُونَ فِيهَا ، فَتَجْرَى عَلَيْهِمْ نَضْرَةُ النَّعِيمِ .

قَالَ: فَلَا تَتَغَيَّرُ أَبْشَارُهُمْ بَعْدَهَا أَيُّدًا، وَلَا تَشَعَثُ شُعُورُهُمْ بَعْدَهَا أَيُّدًا، كَأَنَّمَا دُهِنُوا. قَالَ: ثُمَّ يَعْمِدُونَ إِلَى الْأُخْرَى فَيَشْرَبُونَ مِنْهَا، فَتَذُهِبُ مَا فِي بُطُونِهِمْ مِنْ أَذَى وَقَذَى. (٢) الإمام علي عليه السلام: نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى امْرَأَةٍ رَمَصَاءَ الْعَيْنَيْنِ ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَمَصَاءَ الْعَيْنَيْنِ . فَبَكَتْ، وَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَإِنِّي لَفِي النَّارِ؟ فَقَالَ: لَا ، وَلَكِنْ لَا تَدْخُلِينَ الْجَنَّةَ عَلَى مِثْلِ صَوْرَتِكَ هَذِهِ .

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْأَعْوَرُ وَالْأَعْمَى . عَلَى هَذَا الْمَعْنَى . (٣) ٥ / ١٦ الحَرُّ وَالْبَرْدُ الْكِتَابُ «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا» * مَتَّكِبِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا» . (٤)

١- الزمر: ٧٣ .

٢- المصنف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٧٤ ح ٥١ ، تفسير ابن كثير: ج ٧ ص ١١٤ ، مسند ابن الجعد: ص ٣٧٤ ح ٢٥٦٩ ، الدر المنثور: ج ٧ ص ٢٦٣ .

٣- النوادر للراوندي: ص ١٠٧ ح ٨٤ ، الجعفریات: ص ١٩١ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٩٩ ح ٤ .

٤- الإنسان: ١٢ / ١٣ .

۵ / ۶ گرما و سرما

المصنّف ، ابن ابی شیبّه به نقل از عاصم بن ضمیره : از علی علیه السلام شنیدم که می فرماید : « پرهیزگاران را گروه گروه به سوی بهشت سوق می دهند » ، تا این که به دری از درهای بهشت می رسند . در آن جا درختی را می یابند که از پایین آن ، دو چشمه می جوشد . به سوی یکی از آنها می روند و خود را در آن می شویند و طراوت بهشت ، آنها را فرا می گیرد . پس از آن ، هرگز پوست های آنها تغییر نمی کند و موهایشان ژولیده نمی شود ، گویا روغن زده اند .

سپس آهنگ چشمه دیگر می کنند و از آن می نوشند . آن گاه آنچه از نجاست و پلیدی در دل های آنهاست ، از بین می رود . امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زنی چرکین چشم را دید . فرمود : « زنان چرکین چشم ، به بهشت نمی روند » .

زن گریست و گفت : ای پیامبر خدا ! پس من به جهنم می روم ؟

فرمود : « نه ؛ بلکه با چنین چهره ای که داری ، وارد بهشت نمی شوی » .

سپس فرمود : « یک چشم و کور نیز به بهشت نمی روند » ، به همین معنا [که گفته شد] . ۵ / ۶ گرما و سرماقرآن « و به پاس آن که صبر کردند ، بهشت و پرنیان را به آنان پاداش داد . در آن (بهشت) ، بر تخت ها تکیه می زنند . در آن جا نه آفتابی می بینند و نه سرمای » .

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في صِفَةِ الْجَنَّةِ : عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ شَجَرَةٌ ، إِنَّ الْوَرْقَةَ مِنْهَا لَيَسْتَبِلُّ تَحْتَهَا أَلْفٌ رَجُلٍ مِنَ النَّاسِ ، وَعَنْ يَمِينِ الشَّجَرَةِ عَيْنٌ مُطَهَّرَةٌ مُزَكِّيَّةٌ ، قَالَ : فَيَسْقُونَ مِنْهَا شَرِبَةً ، فَيَطَهَّرُ اللَّهُ بِهَا قُلُوبَهُمْ مِنَ الْحَسَدِ ، وَيُسْقِطُ عَنْ أَبْشَارِهِمُ الشَّعْرَ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : « وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا » مِنْ تِلْكَ الْعَيْنِ الْمُطَهَّرَةِ .

قَالَ : ثُمَّ يَنْصَرِفُونَ إِلَى عَيْنٍ أُخْرَى عَنْ يَسَارِ الشَّجَرَةِ ، فَيَغْتَسِلُونَ فِيهَا ، وَهِيَ عَيْنُ الْحَيَاةِ ، فَلَا يَمُوتُونَ أَبَدًا .

قَالَ : ثُمَّ يَوْقِفُ بِهِمْ قُدَّامَ الْعَرْشِ ، وَقَدْ سَلِمُوا مِنَ الْآفَاتِ وَالْأَسْقَامِ وَالْحَرِّ وَالْبَرْدِ أَبَدًا . (١) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْجَنَّةُ لَبَنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ ، حَصْبًا وَهَا الْيَاقُوتُ وَالزُّمُرُودُ ، مِلَاطُهَا (٢) الْمَسْكُ الْأَذْفَرُ ، تُرَابُهَا الزَّعْفَرَانُ ، أَنْهَارُهَا جَارِيَةٌ ، ثِمَارُهَا مُتَبَدِّلِيَةٌ ، وَأَطْيَارُهَا مُرْتَبَةٌ ، لَيْسَ فِيهَا شَمْسٌ وَلَا زَمَهْرِيرٌ ، لِكُلِّ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِهَا أَلْفٌ حُورٍ (٣) ، يَمْكُثُ مَعَ الْحَوْرَاءِ مِنْ حُورِهَا أَلْفَ عَامٍ ، لَا تَمَلُّهُ وَلَا يَمَلُّهَا . (٤) .

١- الكافي : ج ٨ ص ٩٦ ح ٦٩ عن محمد بن إسحاق المدني عن الإمام الباقر عليه السلام ، تفسير القمى : ج ٢ ص ٥٤ وفيه

«مئة ألف» بدل «ألف» ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٥٧ ح ٩٨ .

٢- المِلاطُ : الطِّينُ الَّذِي يُجْعَلُ بَيْنَ سَافَى الْبِنَاءِ (النهاية : ج ٤ ص ٣٥٧ «ملط»).

٣- حُيُورٌ : جَمْعُ أَحْوَرٍ وَحَوْرَاءٍ ، وَالْحَوْرُ : ظَهْرٌ قَلِيلٌ مِنَ الْبَيَاضِ فِي الْعَيْنِ مِنْ بَيْنِ السَّوَادِ ، وَذَلِكَ نَهَايَةُ الْحُسْنِ مِنَ الْعَيْنِ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٢٦٢ «حور»).

٤- مسند زيد : ص ٤١٧ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، تفسير فرات : ص ٥٩٤ ح ٧٦٠ عن سلمان

عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ؛ بحار الأنوار : ج ٢١ ص ٨٦ ح ٩ .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف بهشت: بر در بهشت، درختی است که در سایه هر برگ آن، هزار نفر از مردم جا می گیرند. در سمت راست درخت، چشمه ای پاک و پاک کننده قرار دارد. جرعه ای از آن را می نوشند و به واسطه آن، خداوند، دل هایشان را از حسد، پاک می سازد و مواز پوست بدنشان می ریزد. این، همان سخن خداوند عز و جل است که: «و پروردگارشان نوشیدنی ای پاک کننده به آنان نوشانید» از همان چشمه پاک.

سپس به سوی چشمه ای دیگر در سمت چپ درخت می روند و خود را در آن می شویند. این چشمه، چشمه زندگانی است. بنا بر این، دیگر هرگز نمی میرند.

سپس آنان را در پیش عرش نگه می دارند، در حالی که برای همیشه از آفت ها و بیماری ها و گرما و سرما مصون شده اند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت، یک خشتش از طلاست و یک خشتش از نقره. ریگ هایش یاقوت و زمرد است. ملاطش مشک تند و خاکش زعفران است. جوی هایش روان، میوه هایش آویزان و مرغانش آوازخوان اند. در آن جا نه آفتابی هست و نه سرمای سوزناکی. برای هر مردی از اهالی بهشت، هزار حوری است که با هر حوری، هزار سال به سر می برد، بی آن که از یکدیگر خسته و دل زده شوند. .

٥ / ٧ النَّوْمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: النَّوْمُ أَخُو الْمَوْتِ ، وَلَا يَمُوتُ أَهْلُ الْجَنَّةِ . (١) المعجم الأوسط عن جابر بن عبد الله : سِئِلَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَيُنَامُ أَهْلُ الْجَنَّةِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : النَّوْمُ أَخُو الْمَوْتِ ، وَأَهْلُ الْجَنَّةِ لَا يَنَامُونَ . (٢) ٥ / ٨ الْبَوْلُ وَالْغَائِطُ امِيرَا الْمُؤْمِنِينَ (ع) در وصف برخی از صحابه پیامبر (ص) می‌رسول الله صلى الله عليه وآله : أَوَّلُ زَمْرِهِ تَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِي عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْيَدْرِ ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ عَلَى أَشَدِّ نَجْمٍ فِي السَّمَاءِ إِضَاءَةً ، ثُمَّ هُمْ بَعْدَ ذَلِكَ مَنَازِلَ . لَا يَتَعَوَّطُونَ وَلَا يَبُولُونَ وَلَا يَمْتَخِطُونَ وَلَا يَبْزُقُونَ ، أَمْشَاطُهُمُ الذَّهَبُ ، وَمَجَامِرُهُمُ الْأَلْوَةُ ، وَرَشْحُهُمُ الْمِسْكُ . أَخْلَاقُهُمْ عَلَى خُلُقِ رَجُلٍ وَاحِدٍ ، عَلَى طُولِ أَيِّهِمْ آدَمٌ سِتُّونَ ذِرَاعًا . (٣) راجع : ص ٥٦٤ (الفصل الخامس عشر : نظام الجنة / صفة أول زمرة تدخل الجنة) .

-
- ١- شعب الإيمان : ج ٤ ص ١٨٣ ح ٤٧٤٥ ، البعث والنشور : ص ٢٥٧ ح ٤٤٢ ، المعجم الأوسط : ج ٨ ص ٣٤٢ ح ٨٨١٦ ، تفسير القرطبي : ج ١٥ ص ٢٦١ كلاهما نحوه وكلها عن جابر ، الزهد لابن حنبل : ص ١٥ عن محمد بن المنكدر ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧٥ ح ٣٩٣٢١ .
 - ٢- المعجم الأوسط : ج ١ ص ٢٨٢ ح ٩١٩ ، تفسير ابن كثير : ج ٧ ص ٢٤٧ ، الدر المنثور : ج ٧ ص ٤٢١ نقلًا عن البزار وابن مردويه والبيهقي في البعث .
 - ٣- صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٧٩ ح ١٦ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ٧٣ ح ٤٣ ، صحيح البخاري : ج ٣ ص ١٢١٠ ح ٣١٤٩ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٤٤٩ ح ٤٣٣٣ ، صحيح ابن حبان : ج ١٦ ص ٤٦٥ ح ٧٤٣٧ والثلاثة الأخيره نحوه و كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧٧ ح ٣٩٣٣١ .

۵ / ۷ خواب

۵ / ۸ ادرار و مدفوع

۵ / ۷ خواب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خواب ، برادر مرگ است و اهل بهشت نمی میرند. المعجم الأوسط به نقل از جابر بن عبد الله : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد : ای پیامبر خدا ! آیا بهشتیان می خوابند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «خواب ، برادر مرگ است . بهشتیان نمی خوابند» . ۵ / ۸ ادرار و مدفوع حمزه و محمد فرزندان حمران بن اعین گویند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخستین گروه از امت من ، به صورت ماه شب چهارده ، وارد بهشت می شوند . گروه بعد از آنها به صورت درخشان ترین ستاره آسمان وارد می شوند و سپس هر گروهی ، به ترتیب منزلتی که دارند .

اهل بهشت ، نه مدفوع و ادرار می کنند و نه آب بینی و دهان می اندازند . شانه هایشان طلا و بخورشان آلاویه (عود هندی) و عرقشان مُشک است . خُلق و خواهشان یکسان است (۱) و به قامت پدرشان آدم ، شصت گزند . ر . ک : ص ۵۶۵ (فصل پانزدهم : نظام بهشت / ویژگی نخستین گروه وارد شونده به بهشت) .

۱- در دل هایشان هیچ کینه و دشمنی ای نسبت به یکدیگر نیست و همگی همدل اند.

٥ / ٩ هَرَمُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَهْلُ الْجَنَّةِ جُرْدٌ (١)، مُرْدٌ (٢)، كُحْلٌ، لَا يَفْنَى شَبَابُهُمْ، وَلَا تَبْلَى ثِيَابُهُمْ. (٣) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَدْخُلُ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ جُرْدًا، مُرْدًا، مُكَّحَلِينَ، أَبْنَاءَ ثَلَاثِينَ أَوْ ثَلَاثِيٍّ وَثَلَاثِينَ سِنَةٍ. (٤) سَنَّ التِّرْمِذِيُّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: قُلْنَا [لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]: الْجَنَّةُ مَا بِنَاؤُهَا؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَبَنَةٌ مِنْ فِضَّةٍ وَلَبَنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ، وَمِلَاطُهَا الْمِسْكُ الْأَذْفَرُ، وَحَصَبَاؤُهَا اللَّؤْلُؤُ وَالْيَاقُوتُ، وَتُرْبَتُهَا الزَّرْعَرَانُ، مَنْ دَخَلَهَا يُنْعَمُ وَلَا يَبْأَسُ، وَيَخْلُدُ وَلَا يَمُوتُ، لَا تَبْلَى ثِيَابُهُمْ وَلَا يَفْنَى شَبَابُهُمْ. (٥) الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَبْصَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ امْرَأَةً عَجُوزَةً دَرْدَاءَ (٦)، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَا تَدْخُلُ الْجَنَّةَ عَجُوزٌ دَرْدَاءٌ، فَبَكَتْ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا يُبْكِيكِ؟ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي دَرْدَاءٌ! فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: لَا تَدْخُلِينَ الْجَنَّةَ عَلَى حَالِكِ. (٧).

١- الأَجْرُدُ: الذى ليس على بدنه شعر (النهاية: ج ١ ص ٢٥٦ «جرْد»).

٢- الأَمْرُدُ: الشاب الذى بلغ خروج لحيته وطَرَّ شاربه ولم تبدُ لحيته (لسان العرب: ج ٣ ص ٤٠١ «مرد»).

٣- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٧٩ ح ٢٥٣٩، سنن الدارمى: ج ٢ ص ٧٩٢ ح ٢٧٢٢ كلاهما عن أبى هريره، كتر العمال: ج ١٤ ص ٤٧١ ح ٣٩٣٠١.

٤- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٨٢ ح ٢٥٤٥، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٥٨ ح ٢٢١٦٧ و ص ٢٣٧ ح ٢٢٠٨٥، تفسير الطبرى: ج ١٢ الجزء ٢٤ ص ٣٢ والثلاثة الأخيره نحوه وكلها عن معاذ بن جبل، كتر العمال: ج ١٤ ص ٤٧٧ ح ٣٩٣٢٩.

٥- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٧٢ ح ٢٥٢٦، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٧١ ح ٨٠٤٩، سنن الدارمى: ج ٢ ص ٧٨٩ ح ٢٧١٧، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٣٩٦ ح ٧٣٨٧ كلها نحوه، كتر العمال: ج ١٤ ص ٤٥١ ح ٣٩٢٢٥؛ جامع الأخبار: ص ٤٩٤ ح ١٣٧١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٤٧ ح ٧٤.

٦- الدرْدُ: سقوط الأسنان (النهاية: ج ٢ ص ١١٢ «درْد»).

٧- النوادر للراوندى: ص ١٠٧ ح ٨٣، الجعفریات: ص ١٩١ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٩٨ ح ٣.

۹ / ۵ پیریمعاویه بن عمار گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتیان، بدنی بی مو و صورتی بی مو و چشمانی سرمه کشیده دارند. جوانی شان از بین نمی رود و جامه هایشان فرسوده نمی شود. قال رسول الله (ص): پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتیان در حالی وارد بهشت می شوند که بدن های بی مو و صورتی بی مو و چشمانی سرمه کشیده دارند و سنّ سی یا سی و سه سال دارند. پیامبر خدا سه بار فرمود: سنن الترمذی به نقل از ابو هریره: [به پیامبر خدا] گفتیم: بهشت از چه ساخته شده است؟

فرمود: «خشتی از نقره و خشتی از طلاست، ملاطش مُشکک تند است و ریگک هایش مروارید و یاقوت اند و خاکش زعفران است. هر که به آن وارد شود، همواره برخوردار خواهد بود و روی بینوایی نمی بیند، جاودانه خواهد بود و هرگز نمی میرد، جامه هایش کهنه نمی شوند و جوانی اش از بین نمی رود». امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیرزنی بی دندان دید. فرمود: «بدان که هیچ پیرزن بی دندانی، وارد بهشت نمی شود».

پیرزن گریست. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا گریه می کنی؟».

گفت: ای پیامبر خدا! من هم دندان ندارم!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خندید و فرمود: «تو این گونه (پیر و بی دندان)، وارد بهشت نمی شوی».

١٠ / ٥ الموتر رسول الله صلى الله عليه وآله: يدخل أهل الجنة والنار، ثم يقوم مؤذّن بينهم: يا أهل النار! لا موت، ويا أهل الجنة! لا موت، خلود. (١) عنه صلى الله عليه وآله: يقال لأهل الجنة: يا أهل الجنة! خلود لا موت، ولأهل النار: يا أهل النار! خلود لا موت. (٢) عنه صلى الله عليه وآله: إذا صار أهل الجنة إلى النار، جىء بالموت حتى يجعل بين الجنة والنار، ثم يذبح، ثم ينادى مُنادٍ: يا أهل الجنة! لا موت، ويا أهل النار! لا موت؛ فيزداد أهل الجنة فرحاً إلى فرحهم، ويزداد أهل النار حزناً إلى حزنهم. (٣) صحيح البخارى عن أبى سعيد الخدرى: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يؤتى بالموت كهيبته كبش أملح، فينادى مُنادٍ: يا أهل الجنة! فيشربون وينظرون، فيقول: هل تعرفون هذا؟ فيقولون: نعم، هذا الموت، وكلهم قد رآه. ثم ينادى: يا أهل النار! فيشربون وينظرون، فيقول: هل تعرفون هذا؟ فيقولون: نعم هذا الموت، وكلهم قد رآه، فيذبح. ثم يقول: يا أهل الجنة! خلود فلا موت، ويا أهل النار! خلود فلا موت. ثم قرأ: «وأنذرهم يوم الحشره إذ قضى الأمر وهم فى غفله» (٤). (٥).

- ١- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٩٦ ح ٦١٧٨ عن ابن عمر، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٨٩ ح ٤٢ عن عبد الله نحوه، كتر العمال: ج ١٤ ص ٥١٧ ح ٣٩٤٥٩ وراجع: سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٩٢ ح ٢٥٥٧ وسنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤٤٧ ح ٤٣٢٧.
- ٢- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٩٧ ح ٦١٧٩ عن أبى هريره و ص ٢٣٩٦ ح ٦١٧٨ عن ابن عمر نحوه، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٨٨ ح ٤٠ عن أبى سعيد الخدرى، كتر العمال: ج ١٤ ص ٥١٦ ح ٣٩٤٥٥؛ تفسير القمى: ج ٢ ص ٥٠ عن أبى ولاد الحنّاط عن الإمام الصادق عليه السلام، مجمع البيان: ج ٦ ص ٧٩٥ عن أبى سعيد الخدرى.
- ٣- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٩٧ ح ٦١٨٢، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٨٩ ح ٤٣، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٤٦٧ ح ٦٠٢٩، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٥١٥ ح ٧٤٧٤، المعجم الكبير: ج ١٢ ص ٢٧٥ ح ١٣٣٣٧، مسند أبى يعلى: ج ٥ ص ٢٣١ ح ٥٥٦٠، تاريخ دمشق: ج ٤٥ ص ٣٢٤ ح ٩٩٠٠ كلها عن ابن عمر، كتر العمال: ج ١٤ ص ٥١٥ ح ٣٩٤٥٠.
- ٤- مريم: ٣٩.

- ٥- صحيح البخارى: ج ٤ ص ١٧٦٠ ح ٤٤٥٣، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٨٨ ح ٤٠، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢١ ح ١١٠٦٦، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ١٥٦ ح ٢٧٨ عن أبى هريره، المعجم الكبير: ج ١٢ ص ٢٧٧ ح ١٣٣٤٦ عن ابن عمر، مسند أبى يعلى: ج ٢ ص ٦٠ ح ١١٧٠ كلها نحوه، كتر العمال: ج ١٤ ص ٥١٧ ح ٣٩٤٧٥.

۱۰ / ۵ مرگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشتیان ، داخل بهشت و دوزخیان ، داخل دوزخ می شوند . سپس آواز دهنده ای در میان آنان بر می خیزد [و صدا می زند] که : «ای دوزخیان ! مرگی در کار نیست ، و ای بهشتیان ! مرگی در میان نیست ، جاودانگی است» . امام صادق (ع) درباره عبدالله بن ابی یعفور فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به اهل بهشت گفته می شود : «ای اهل بهشت ! جاودانگی است و از مرگ ، خبری نیست» . به اهل دوزخ نیز گفته می شود : «ای اهل دوزخ ! جاودانگی است و از مرگ ، خبری نیست» . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ رفتند ، مرگ را می آورند و آن را در میان بهشت و دوزخ قرار می دهند و آن را ذبح می کنند . سپس آواز دهنده ای آواز می دهد : «هلا ای بهشتیان دیگر از مرگ ، خبری نیست ، و هان ای دوزخیان مرگی در کار نیست !» .

پس به شادی بهشتیان ، افزوده می شود و اندوه دوزخیان ، افزون می گردد . روی ابوتراب الرویانی قال: صحیح البخاری به نقل از ابو سعید خُدَری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «مرگ را در شکل قوچی سیاه و سفید می آورند و منادی ای ندا می دهد که : ای اهل بهشت !

بهشتیان ، همگی گردن می کشند و نگاه می کنند . منادی می گوید : آیا این را می شناسید ؟

می گویند : آری . این ، مرگ است . و همه آنها آن را دیده اند .

سپس ندا می دهد که : ای اهل دوزخ !

دوزخیان ، همگی گردن می کشند و نگاه می کنند . منادی می گوید : آیا این را می شناسید ؟

می گویند : آری . این ، مرگ است . و همه آنها آن را دیده اند .

در این هنگام ، آن قوچ را سر می برند . سپس منادی می گوید : ای اهل بهشت ! از این پس ، جاودانگی است و مرگی در کار نیست ، و ای اهل دوزخ ! از این پس ، جاودانگی است و مرگی در کار نیست» .

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس این آیه را خواند : «و آنان را از روز حسرت ، بیم ده ، آن گاه که داوری انجام می گیرد ، حال آن که آنها در غفلت اند» .

ابو حماد رازى گوید: در سرّ من رأى به خدمت امام هارسل اللّٰه صلى الله عليه و آله :يُجاءُ بِالْمَوْتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فى صورِهِ كَبَشْ أَمْلَحْ ، فَيُوقَفُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، فَيَعْرِفُهُ هُوَ لاءِ وَيَعْرِفُهُ هُوَ لاءِ ، فَيَقُولُ أَهْلُ النَّارِ : اللَّهُمَّ سَلِّطْهُ عَلَيْنَا ؛ وَيَقُولُ أَهْلُ الْجَنَّةِ : اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَضَيْتَ أَنْ لَا نَذُوقَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى ، فَيَذْبَحُ بَيْنَهُمَا ، فَيَأْسُ أَهْلُ النَّارِ مِنَ الْمَوْتِ ، وَيَأْمَنُ أَهْلُ الْجَنَّةِ مِنَ الْمَوْتِ . (١) عنه صلى الله عليه و آله : إذا أدخلَ اللهُ تعالى أهلَ الجنّةِ وأهلَ النارِ النَّارَ ، أتى بِالْمَوْتِ مُلَبِّبًا ، فَيُوقَفُ عَلَى السُّورِ الَّذِي بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلِ النَّارِ ، ثُمَّ يُقَالُ : يا أَهْلَ الْجَنَّةِ ! فَيَطَّلِعُونَ خَائِفِينَ . ثُمَّ يُقَالُ : يا أَهْلَ النَّارِ ! فَيَطَّلِعُونَ مُسْتَبْشِرِينَ يَرْجُونَ الشَّفَاعَةَ . فَيُقَالُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلِ النَّارِ : هلْ تَعْرِفُونَ هَذَا؟ فَيَقُولُونَ هُوَ لاءِ وَهُوَ لاءِ : قَدْ عَرَفْنَاهُ! هُوَ الْمَوْتُ الَّذِي وَكَّلَ بِنَا . فَيَذْبَحُ ذَبْحًا عَلَى السُّورِ الَّذِي بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، ثُمَّ يُقَالُ : يا أَهْلَ الْجَنَّةِ خُلُودٌ لَا مَوْتَ ، وَيَا أَهْلَ النَّارِ خُلُودٌ لَا مَوْتَ . (٢) بحار الأنوار عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه و آله فى جوابِ مَسائِلِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ لَمَّا سَأَلَهُ : أَخْبِرْنِي مَا يَصْنَعُ اللَّهُ بِالْمَوْتِ؟ : يَا بَنَ سَلَامَ ، إِذَا اسْتَوَى أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ وَأَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ ، أُتِيَ بِالْمَوْتِ كَأَنَّهُ كَبَشٌ أَمْلَحٌ ، فَيُوقَفُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، فَيُقَالُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ : يا أولياءَ اللهِ هَذَا الْمَوْتُ ، أَتَعْرِفُونَهُ؟ فَيَقُولُونَ : نَعَمْ ، فَيَقُولُونَ لَهُمْ : نَذْبَحُهُ؟ فَيَقُولُونَ : نَعَمْ يا مَلَائِكَةَ رَبِّنا ، اذْبَحُوهُ حَتَّى لَا يَكُونَ مَوْتُ أَبَدًا . فَيَقُولُونَ لِأَهْلِ النَّارِ : يا أعداءَ اللهِ! هَذَا الْمَوْتُ هلْ تَعْرِفُونَهُ؟ فَيَقُولُونَ : نَعَمْ ، فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ : نَذْبَحُهُ؟ فَيَقُولُونَ : يا مَلَائِكَةَ رَبِّنا لا تَذْبَحُوهُ وَدَعُوهُ لَعَلَّ اللَّهَ يَقْضَى عَلَيْنَا بِالْمَوْتِ فَنَسْتَرِيحَ .

قال النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : وَيَذْبَحُ الْمَوْتُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ؛ فَيَأْسُ أَهْلُ النَّارِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنْهَا ، وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُ أَهْلِ الْجَنَّةِ لِلْخُلُودِ فِيهَا . فَعِنْدِي لَكَ أَنْ تُسَلِّمَ ! قال : صَدَقْتَ يا مُحَمَّدُ . (٣) .

١- الدرّ المثلثور : ج ٧ ص ٤٢١ نقلًا عن ابن مردويه عن أنس.

٢- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٩٢ ح ٢٥٥٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٣٠٠ ح ٨٨٢٥ كلاهما عن أبى هريره ، كتر العمال : ج ١٤ ص ٤٤٥ ح ٣٩٢٠٠ .

٣- بحار الأنوار : ج ٦٠ ص ٢٦١ نقلًا عن بعض الكتب القديمة.

عبدالعزیز بن المهتدی گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، مرگ را در شکل قوچی سیاه و سفید می آورند و میان بهشت و دوزخ نگاه می دارند. بهشتیان و دوزخیان، آن را می شناسند. دوزخیان می گویند: «بار خدایا! آن را بر ما مسلط گردان» و بهشتیان می گویند: «بار خدایا! تو حکم کردی که در این جا، جز همان مُردن نخست، مرگ را نچشیم».

پس، آن را میان بهشت و دوزخ، ذبح می کنند. اهل دوزخ از مردن، نومید می شوند و اهل بهشت از مردن، ایمن می گردند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون خدای بلندمرتبه، بهشتیان را به بهشت و دوزخیان را به دوزخ داخل نمود، مرگ را کشان کشان می آورند و آن را بر روی دیواری که میان اهل بهشت و اهل دوزخ است، نگه می دارند. سپس گفته می شود: «ای اهل بهشت!» و بهشتیان، هراسان گردن می کشند.

آن گاه گفته می شود: «ای اهل دوزخ!» و دوزخیان با خوش حالی و به امید شفاعت، گردن می کشند.

پس به اهل بهشت و اهل دوزخ گفته می شود: «آیا این را می شناسید؟».

هر دو گروه می گویند: آری، او را می شناسیم. او، همان مرگ است که بر ما گماشته شده بود.

در این هنگام، آن را بر روی دیواری که میان بهشت و دوزخ است، سر می بُرند. سپس گفته می شود: «ای بهشتیان!» [از این پس، [جاودانگی است و مرگی در کار نیست] بحار الأنوار به نقل از ابن عباس، در بیان پاسخ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به پرسش عبد الله بن سلام که پرسید: به من بگو که خداوند با مرگ، چه می کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای پسر سلام! آن گاه که بهشتیان در بهشت و دوزخیان در دوزخ، مستقر می شوند، مرگ را با صورت قوچی سیاه و سفید می آورند و آن را میان بهشت و دوزخ نگه می دارند. سپس [فرشتگان] به اهل بهشت می گویند: ای دوستان خدا! این، مرگ است. آیا آن را می شناسید؟ می گویند: آری.

به آنان می گویند: آن را ذبح کنیم؟

بهشتیان می گویند: آری ای فرشتگان پروردگار ما ذبحش کنید تا دیگر هرگز مرگی نباشد.

سپس به اهل دوزخ می گویند: ای دشمنان خدا! این، مرگ است. آیا آن را می شناسید؟

می گویند: آری.

فرشتگان می گویند: آن را ذبح کنیم؟

دوزخیان می گویند: ای فرشتگان پروردگار ما! ذبحش نکنید و رهایش سازید. شاید خداوند، مرگ را بر ما حکم کند و

آسوده شویم» .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مرگ را در میان بهشت و دوزخ ، سر می بُرند . پس ، اهل دوزخ از خارج شدن از آن (دوزخ) ، قطع امید می کنند و دل های اهل بهشت به جاودانگی در آن (بهشت) ، مطمئن می شود . اینک ، به نظرم باید مسلمان شوی» .

عبد الله بن سلام گفت : راست گفتمی ، ای محمد ! .

رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كان يوم القيامة أتى بالموت كالكبش الأملح، فيوقف بين الجنة والنار فيذبح وهم ينظرون، فلو أن أحدا مات فرحا لمات أهل الجنة، ولو أن أحدا مات حزنا لمات أهل النار. (١) الزهد للحسين بن سعيد عن أبي بصير لا أعلمه ذكره إلا عن أبي جعفر عليه السلام: قال: إذا أدخل الله أهل الجنة الجنة وأهل النار النار، جاء بالموت في صورته كبش حتى يوقف بين الجنة والنار، قال: ثم ينادى مناد يسمع أهل الدارين جميعا: يا أهل الجنة يا أهل النار، فإذا سمعوا الصوت أقبلوا، قال: فيقال لهم: أتدرون ما هذا؟ هذا هو الموت الذي كنتم تخافون منه في الدنيا، قال: فيقول أهل الجنة: اللهم لا تدخل الموت علينا، قال: ويقول أهل النار: اللهم أدخل الموت علينا. قال: ثم يذبح كما تذبح الشاة.

قال: ثم ينادى مناد: لا موت أبدا، أيقنوا بالخلود، قال: فيفرح أهل الجنة فرحا لو كان أحد يومئذ يموت من فرح لماتوا. قال: ثم قرأ هذه الآية: «أفما نحن بميتين * إلا موتتنا الأولى وما نحن بمعديين * إن هذا لهو الفوز العظيم * ليمثل هذا فليعمل العملون» (٢)، قال: ويشهق أهل النار شهقة لو كان أحد يموت من شهيق لماتوا، وهو قول الله عز وجل: «وأنذرتهم يوم الحشره إذ قضى الأمر» (٣). (٤).

- ١- سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٩٣ ح ٢٥٥٨، حليه الأولياء: ج ٨ ص ١٨٤، مسند ابن المبارك: ص ١٦ ح ١٣٢ كلاهما نحوه وكلها عن أبي سعيد، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥١٥ ح ٣٩٤٥١.
- ٢- الصافات: ٥٨ ٦١.
- ٣- مريم: ٣٩.
- ٤- الزهد للحسين بن سعيد: ص ١٠٠ ح ٢٧٣، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٣٤٥ ح ٢.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون روز قیامت شود، مرگ را در شکل قوچی سیاه و سفید می آورند و آن را میان بهشت و دوزخ، نگاه می دارند و آن را در برابر چشم اهل بهشت و دوزخ، سر می بُرند. اگر قرار بود [در آن روز،] کسی از شادی بمیرد، قطعا بهشتیان می مُردند و اگر قرار بود کسی از اندوه بمیرد، حتما دوزخیان می مُردند. الزهد، حسین بن سعید: یادم نمی آید که ابو بصیر، آن را جز از امام باقر علیه السلام نقل کرده باشد که فرمود: «آن گاه که خداوند، بهشتیان را به بهشت و دوزخیان را به دوزخ می برد، مرگ را به صورت قوچی می آورند و آن را میان بهشت و دوزخ، نگاه می دارند. سپس آواز دهنده ای با صدایی که همه اهل بهشت و اهل جهنم بشنوند، بانگ می زند: ای اهل بهشت و ای اهل دوزخ!

با شنیدن صدا، همه به طرف آن، رو می کنند. پس به آنها گفته می شود: آیا می دانید که این چیست؟ این، همان مرگی است که در دنیا از آن می ترسیدید.

اهل بهشت می گویند: بار خدایا! مرگ را نزد ما میاور.

اهل دوزخ نیز می گویند: بار خدایا! مرگ را نزد ما بیاور.

در این هنگام، آن (مرگ) را مانند گوسفند، سر می بُرند.

سپس آواز دهنده ای آواز می دهد که: دیگر، مرگی نیست. به جاودانگی، یقین کنید.

پس بهشتیان، چنان خوش حال می شوند که اگر قرار بود کسی در آن روز از خوش حالی بمیرد، قطعا آنان می مُردند.

سپس این آیه را تلاوت کرد: «آیا دیگر روی مرگ را نمی بینیم، جز همان مرگ نخستین خود را؟! و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟! به راستی که این، همان کامیابی بزرگ است. برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند» و [فرمود: «دوزخیان، چنان ناله ای سر می دهند که اگر قرار بود کسی از ناله بمیرد، قطعا آنان می مُردند. این است [معنای] سخن خداوند عز و جلکه: «آنان را از روز حسرت، بیم ده، آن گاه که کار، تمام می شود»...»

در روایت دیگری از حضرت عبدالعظیم (ع) از امام هادی (تفسیر القمی عن أبي ولاد الحنّاط عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال: سُرِّئِلَ عَنْ قَوْلِهِ : «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسِيرَةِ» قَالَ : يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَذَلِكَ بَعْدَمَا صَارَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ وَأَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ : يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ وَيَا أَهْلَ النَّارِ! هَلْ تَعْرِفُونَ الْمَوْتَ فِي صَوْرِهِ مِنَ الصُّورِ؟ فَيَقُولُونَ : لَا ، فَيُوتَى بِالْمَوْتِ فِي صَوْرِهِ كَبَشٍ أَمْلَحَ ، فَيُوقَفُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، ثُمَّ يُنَادُونَ جَمِيعًا : أَشْرَفُوا وَانظُرُوا إِلَى الْمَوْتِ ، فَيُشْرِفُونَ ، ثُمَّ يَأْمُرُ اللَّهُ بِهِ فَيُذْبِحُ ، ثُمَّ يُقَالُ : يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ! خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ أَبَدًا ، وَيَا أَهْلَ النَّارِ! خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ أَبَدًا . (١) معانى الأخبار عن ابن عباس: دارُ السَّلامِ الْجَنَّةُ ، وَأَهْلُهَا لَهُمُ السَّلَامَةُ مِنْ جَمِيعِ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالْأَمْرَاضِ وَالْأَسْقَامِ ، وَلَهُمُ السَّلَامَةُ مِنَ الْهَرَمِ وَالْمَوْتِ وَتَغْيِيرِ الْأَحْوَالِ عَلَيْهِمْ ، وَهُمْ الْمُكْرَمُونَ الَّذِينَ لَا يُهَانُونَ أَبَدًا ، وَهُمْ الْأَعْرَاءُ الَّذِينَ لَا يَذَلُّونَ أَبَدًا ، وَهُمْ الْأَغْنِيَاءُ الَّذِينَ لَا يَفْتَقِرُونَ أَبَدًا ، وَهُمْ السُّعْدَاءُ الَّذِينَ لَا يَشْقَوْنَ أَبَدًا ، وَهُمْ الْفَرِحُونَ الْمُسْتَبَشِرُونَ الَّذِينَ لَا يَغْتَمُونَ وَلَا يَهْتَمُونَ أَبَدًا ، وَهُمْ الْأَحْيَاءُ الَّذِينَ لَا يَمُوتُونَ أَبَدًا ، فَهُمْ فِي قُصُورِ الدَّرِّ وَالْمَرْجَانِ ، أَبْوَابُهَا مُشْرَعَةٌ إِلَى عَرْشِ الرَّحْمَنِ ، «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ؛ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (٢) . (٣)

١- تفسیر القمی : ج ٢ ص ٥٠ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٣٤٦ ح ٤ .

٢- عُقْبَى الدَّارِ : العاقبة المحموده (مجمع البحرين : ج ٢ ص ١٢٤٠ «عقب»).

٣- معانى الأخبار : ص ١٧٦ ح ١ .

تفسیر القمّی به نقل از ابو وُلّاد حنّاط : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند : «آنان را از روز حسرت ، بیم ده» سؤال شد . فرمود : «پس از آن که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ رفتند ، ندا دهنده ای از جانب خداوند ، ندا می دهد که : ای اهل بهشت و ای اهل دوزخ ! آیا مرگ را در چهره ای از چهره ها می شناسید ؟

آنها می گویند : نه .

پس ، مرگ را در چهره قوچی سیاه و سفید می آورند و آن را میان بهشت و دوزخ ، نگاه می دارند . سپس به همه آنها ندا می شود که : اینک بالا بیایید و مرگ را تماشا کنید .

آنان ، بالا می آیند . سپس خداوند دستور می دهد که آن را ذبح کنند . آن گاه گفته می شود : ای بهشتیان ! [از این پس ،] جاودانگی است و هرگز مرگی نیست ، و ای دوزخیان ! [از این پس ،] جاودانگی است و هرگز مرگی نیست . به همان سند از داوود بن فرقد، از عبدالأعلی مولی آمعانی الأخبار به نقل از ابن عباس : سرای سلامت ، بهشت است . اهل آن ، از همه آفت ها و گزندها و بیماری ها و ناخوشی ها مصون اند . آنان از پیری و مرگ و دگرگونی حالات ، در امان اند و همواره گرمی اند و هرگز اهانت نمی بینند ، پیوسته عزیزند و هرگز خوار نمی شوند ، همیشه توانگرند و هیچ گاه فقیر نمی شوند ، همواره خوش بخت اند و هرگز روی بدبختی را نمی بینند ، پیوسته شاد و خوش حال اند و هرگز غمگین و اندوهناک نمی شوند ، و همواره زنده اند و هرگز نمی میرند . در کاخ هایی از دُر و مرجان اند که درهای آنها رو به عرش خدای رحمان است «و فرشتگان از هر دری بر آنها وارد می شوند [و می گویند :] «درود بر شما که شکیبایی کردید ! پس چه نیکوست فرجام این سرای !» ..

٥ / ١١ تِلْكَ الْأَوْصَافُ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِهِ إِلَى أَهْلِ مِصْرَ ، بَعْدَ ذِكْرِهِ لِلنَّارِ وَأَوْصَافِهَا : إِعْلَمُوا يَا عِبَادَ اللَّهِ ، أَنَّ مَعَ هَذَا رَحْمَةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنِ الْعِبَادِ ، «جَنَّةٌ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» ، «أَعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» ، خَيْرٌ لَا يَكُونُ مَعَهَا شَرٌّ أَبَدًا ، لِمَذَاتِهَا لَا تَمَلُّ ، وَمُجْتَمَعُهَا لَا يَتَفَرَّقُ ، سِيكَاْنُهَا قَدْ جَاوَزُوا الرَّحْمَنَ ، وَقَامَ بَيْنَ أَيْدِيهِمُ الْغِلْمَانُ ، بِصِدِّ حَافٍ مِّنَ الذَّهَبِ فِيهَا الْفَاكِهَةُ وَالرَّيْحَانُ . (١) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمَّا أَهْلُ الطَّاعَةِ فَأَثَابَهُمْ بِجَوَارِهِ ، وَخَلَدَهُمْ فِي دَارِهِ ، حَيْثُ لَا يَظْعَنُ التُّزَالُ ، وَلَا تَتَغَيَّرُ بِهِمُ الْحَالُ ، وَلَا تَنُوبُهُمُ الْأَفْزَاعُ ، وَلَا تَنَالُهُمُ الْأَسْقَامُ ، وَلَا تَعْرِضُ لَهُمُ الْأَخْطَارُ ، وَلَا تُشَخِّصُهُمُ الْأَسْفَارُ . (٢) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صِفَةِ الْجَنَّةِ : دَرَجَاتٌ مُتَفَاوِضَةٌ لَاتٌ ، وَمَنَازِلٌ مُتَفَاوِضَةٌ ، لَا يَنْقَطِعُ نَعِيمُهَا ، وَلَا يَظْعَنُ (٣) مُقِيمُهَا ، وَلَا يَهْرَمُ خَالِدُهَا ، وَلَا يَبْأَسُ (٤) سَاكِنُهَا . (٥) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْجَنَّةُ الَّتِي أَعَدَّهَا اللَّهُ تَعَالَى لِلْمُؤْمِنِينَ حَطَّافَةٌ لِأَبْصَارِ النَّاطِرِينَ ، فِيهَا دَرَجَاتٌ مُتَفَاوِضَةٌ لَاتٌ ، وَمَنَازِلٌ مُتَعَالِيَاتٌ ، لَا يَبِيدُ نَعِيمُهَا ، وَلَا يَضْمَحِلُّ حُبُورُهَا (٦) ، وَلَا

يَنْقَطِعُ سُورُورُهَا ، وَلَا يَظْعَنُ مُقِيمُهَا ، وَلَا يَهْرَمُ خَالِدُهَا ، وَلَا يَبْأَسُ سَاكِنُهَا .

أَمِنْ سِيكَاْنِهَا مِنَ الْمَوْتِ فَلَا يَخَافُونَ ، صَيِّفًا لَهُمُ الْعَيْشُ ، وَدَامَتْ لَهُمُ النِّعْمَةُ ، فِي أَنْهَارٍ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ (٧) وَأَنْهَارٍ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ ، وَأَنْهَارٍ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ ، وَأَنْهَارٍ مِنْ عَسَلٍ مَصِيْفِيٍّ ، وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ، وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ ، عَلَى فُرْشٍ مَنْضُودَةٍ ، وَأَزْوَاجٍ مُطَهَّرَةٍ ، وَحُورٍ عِينٌ كَمَا نَهْنَهُنَّ اللَّوْلُؤُ الْمَكْنُونُ ، وَفَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ ، وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ . (٨) .

١- الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ : ص ٢٦٦ ح ٣ ، الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ص ٢٩ ح ٣١ كلاهما عن أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِي ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٣٣ ص ٥٤٧ .

٢- نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : الْخُطْبَةُ ١٠٩ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٧ ص ١١٤ ح ٤٩ .

٣- ظَعْنٌ : ذَهَبٌ وَسَارٌ (لِسَانَ الْعَرَبِ : ج ١٣ ص ٢٧٠ «ظَعْنٌ»).

٤- بَيْسَ يَبْأَسٌ : افْتَقَرُ وَاشْتَدَّتْ حَاجَتُهُ (النِّهَايَةُ : ج ١ ص ٨٩ «بْأَسٌ»).

٥- نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : الْخُطْبَةُ ٨٥ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٨ ص ١٦٢ ح ١٠٣ .

٦- الْحُبُورُ : النِّعْمَةُ وَسَيِّعَةُ الْعَيْشِ وَالسُّرُورُ (النِّهَايَةُ : ج ١ ص ٣٢٧ «حَبِيرٌ»).

٧- مَاءٌ آسِنٌ : إِذَا تَغَيَّرَ رِيحُهُ تَغْيِيرًا مُنْكَرًا (مَفْرَدَاتُ أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ : ص ٧٦ «آسِنٌ»).

٨- مَطَالِبُ السُّؤُولِ : ص ٥٥ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٧٨ ص ٣٠ ح ٩٧ .

۵ / ۱۱ و این چند چیز

۱۱ / ۵ و این چند چیز امام علی علیه السلام در نامه اش به مردم مصر ، بعد از بیان دوزخ و اوصاف آن : بدانید ای بندگان خدا که در کنار این [عذاب ها] ، رحمت خدا قرار دارد که گنجایش همه بندگان را دارد : «بهشتی که پهنه آن ، مانند پهنه آسمان و زمین است» و «برای پرهیزگاران ، آماده شده است» . سراسر ، خوبی است و هرگز بدی ای با آن نیست و لذت هایش ملال آور نیستند و جمع آن ، به جدایی نمی انجامد . ساکنانش همسایه خدای مهربان اند و پسرکان ، با سینی های زرین پر از میوه و ریحان ، در برابر آنان به خدمت ایستاده اند . حضرت رضا(ع) خطاب به عبدالعظیم: امام علی علیه السلام فرمان برداران را با جای دادن در جوار خویش ، پاداش داد و آنان را در سرای خود ، جاویدان ساخت ؛ سرایی که رخت افکنان در آن ، هرگز نمی کوچند و حالاتشان دگرگون نمی گردد ، و وحشت ها به سراغشان نمی آید و بیماری ها به آنان نمی رسد و دست خوش خطرها نمی شوند و بار سفر از جایی به جایی بر نمی بندند . قال الامام الرضا(ع): امام علی علیه السلام در توصیف بهشت : بهشت ، درجات مختلف و منزل های متفاوتی دارد ، نعمت هایش قطع نمی شوند و اقامت کننده در آن ، هیچ گاه نمی کوچد و جاویدان در آن ، هرگز پیر نمی شود و ساکن آن ، به بینوایی نمی افتد . از امام سجاد(ع) نقل است: امام علی علیه السلام : بهشتی که خداوند بزرگ ، برای مؤمنان آماده ساخته است ، چشم بینندگان را خیره می سازد . در آن ، درجاتی است یکی برتر از دیگری و منزل هایی است یکی بالاتر از دیگری . نعمت هایش از بین نمی رود ، خوشی هایش به سر نمی آید ، شادی هایش قطع نمی شود ، اقامت کننده در آن نمی کوچد ، جاویدان در آن ، پیر نمی شود و ساکن آن ، دچار بینوایی نمی گردد .

ساکنان آن ، از مرگ ، در امان اند . بنا بر این ، نمی ترسند . زندگی به کام آنهاست و نعمت برایشان پایدار است : جویبارهایی از آبی تغییرناپذیر ؛ جویبارهایی از شیر که طعم آن ، دگرگون نمی شود ؛ جویبارهایی از باده که نوشندگان از آن ، لذت می برند ؛ و جویبارهایی از انگبین ناب «و در آن جا از هر گونه میوه ای ، برای آنان هست و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگارشان است» . بر فرش های ردیف شده اند «و همسرانی پاک دارند» ؛ «حوریانی چشم درشت» چون مروارید نهان در صدف ، و میوه های فراوان که نه بُریده می شوند و نه ممنوع اند . «فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می شوند [و می گویند :] «درود بر شما که شکیبایی کردید ! پس چه نیکوست فرجام آن سرای !» .

قال امير المؤمنين (ع): الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَحْيُونَ فَلَا يَمُوتُونَ أَبَدًا، وَيَسْتَيْقِظُونَ فَلَا يَنَامُونَ أَبَدًا، وَيَسْتَعْنُونَ فَلَا يَفْتَقِرُونَ أَبَدًا، وَيَفْرَحُونَ فَلَا يَحْزَنُونَ أَبَدًا، وَيَضْحَكُونَ وَلَا يَبْكُونَ أَبَدًا، وَيُكْرَمُونَ فَلَا يُهَانُونَ أَبَدًا، وَيَفْكَهُونَ وَلَا يَقْطُبُونَ أَبَدًا، وَيُحْبَرُونَ وَيُسْرَرُونَ أَبَدًا، وَيَأْكُلُونَ فَلَا يَجُوعُونَ أَبَدًا، وَيَرَوُونَ فَلَا يَظْمَأُونَ أَبَدًا، وَيُكْسُونَ فَلَا يَعْرُونَ أَبَدًا، وَيَرْكَبُونَ وَيَتْرَاقِبُونَ أَبَدًا، يُسَلِّمُ عَلَيْهِمُ الْوَالِدَانُ الْمُخَلَّدُونَ أَبَدًا، بِأَيْدِيهِمْ أَبَارِيقُ الْفِضَّةِ وَآيَةُ الذَّهَبِ أَبَدًا، مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ أَبَدًا، عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ أَبَدًا، تَأْتِيهِمُ التَّحِيَّةُ وَالتَّسْلِيمُ مِنَ اللَّهِ أَبَدًا، نَسَأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ، إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (١) از قول امام علي (ع) فرمود: الإمام المهدي عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنِ التَّوَالِدِ فِي الْجَنَّةِ: إِنَّ الْجَنَّةَ لَا حَمَلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَلَا وِلَادَةَ، وَلَا طَمَثَ وَلَا نَفَاسَ، وَلَا شِقَاءَ بِالطُّفُولِيَّةِ، وَفِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ وَتَلْمِذُ الْأَعْيُنُ، كَمَا قَالَ سُبْحَانَهُ. فَإِذَا اشْتَهَى الْمُؤْمِنُ وَلَمَدَا خَلَقَهُ اللَّهُ بِغَيْرِ حَمَلٍ وَلَا وِلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ، كَمَا خَلَقَ آدَمَ عِبْرَةً. (٢).

١- الاختصاص: ص ٣٥٨ عن جابر، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٢٢٠ ح ٢١٥.

٢- الاحتجاج: ج ٢ ص ٥٨٠ ح ٣٥٧ عن محمد بن عبد الله الحميري، بحار الأنوار: ج ٥٣ ص ١٦٣ ح ٤.

امام باقر علیه السلام: اهل بهشت ، هماره زنده اند و هرگز نمی میرند ، هماره بیدارند و هرگز نمی خوابند ، هماره توانگرند و هرگز نادار نمی شوند ، هماره شادند و هرگز اندوهگین نمی شوند ، هماره خندان اند و هرگز نمی گریند ، هماره ارجمندند و هرگز اهانت نمی بینند ، هماره گشاده رویند و هرگز اخم نمی کنند ، هماره خوش حال و مسرورند ، می خورند و هرگز گرسنه نمی شوند ، می نوشند و هرگز تشنه نمی شوند ، هماره جامه بر تن دارند و هرگز برهنه نیستند ، هماره سوار می شوند و به دیدار هم می روند ، هماره پسرانی جاودانه که در دستشان هماره ابریق هایی از نقره و ظرف هایی از طلاست برایشان درود می فرستند ، هماره بر تخت ها نشسته و بر اریکه ها تکیه زده اند و به یکدیگر می نگرند ، و هماره از جانب خداوند ، بر ایشان درود و سلام فرستاده می شود .

از خداوند ، بهشت را درخواست می کنیم ، به حق رحمتش ، که او بر هر چیزی تواناست . حضرت عبدالعظیم از حضرت امام جواد(ع) درخواست حدیث امام مهدی علیه السلام در پاسخ سؤال از زاد و ولد در بهشت : در بهشت ، زنان ، نه باردار می شوند ، نه می زایند ، نه حیض می بینند ، نه نفاس می شوند و نه زحمت بچه داری را تحمل می کنند ؛ بلکه در آن جا همان گونه که خداوند سبحان فرموده ، آنچه دل ها هوس می کنند و چشم ها [از دیدنش] لذت می برند ، هست . پس هر گاه مؤمن ، هوس فرزندی کند ، خداوند ، آن را ، بدون آن که بارداری یا زایمانی در کار باشد ، به همان شکلی که می خواهد ، می آفریند ، چنان که آدم را ، نمونه آفرید . .

الفصل السادس: الحث على طلب الجنة ٦ / اقيمه الجنه الكتاب «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (١).

«أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا» (٢).

«وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (٣).

: آل عمران : ١٩٨ ، المائدة : ١١٩ ، التوبة : ٧٢ ، الرعد : ٣٥ ، النحل : ٣٢ ، الكهف : ١٠٧ ، مريم : ٦٣ ، الفرقان : ١٥ ، الزمر : ٧٣ ، غافر : ٤٠ ، الحديد : ٢١ ، القمر : ٥٤ ٥٥ ، الانسان : ٢٠ .

الحديثين حضرت رسول (ص) مى فرمايد: رسول الله صلى الله عليه و آله قال: قال الله تعالى: أعددت لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ: ما لا عين رأت ، ولا أُذُنٌ سَمِعَتْ ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ . (٤).

١- السجده : ١٧ .

٢- الفرقان : ٢٤ .

٣- آل عمران : ١٣٣ .

٤- صحيح البخارى : ج ٣ ص ١١٨٥ ح ٣٠٧٢ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٧٤ ح ٢ ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ٤٠٠ ح ٣٢٩٢ وج ٥ ص ٣٤٦ ح ٣١٩٧ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٤٤٧ ح ٤٣٢٨ ، سنن الدارمى : ج ٢ ص ٧٩٢ ح ٢٧٢٤ ، صحيح ابن حبان : ج ٢ ص ٩١ ح ٣٦٩ ، السنن الكبرى للنسائى : ج ٦ ص ٣١٧ ح ١١٠٨٥ ، مسند أبى يعلى : ج ٥ ص ٤٧١ ح ٦٢٤٧ كلها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٧٧٨ ح ٤٣٠٦٩ ؛ عدّه الداعى : ص ٩٩ ، عوالى اللالى : ج ٤ ص ١٠١ ح ١٤٨ كلاهما من دون إسنادٍ إلى النبى صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩١ ح ١٦٨ وزاد فى آخر بعضها «مِصْدَاقُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ : «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» .

فصل ششم: تشویق به طلبیدن بهشت

۶ / ارزش بهشت

فصل ششم: تشویق به طلبیدن بهشت ۶ / ارزش بهشتقرآن «پس هیچ کس نمی داند چه چیزهایی از آنچه روشنی بخش دیدگان است ، به پاداش آنچه انجام می داده اند ، برای آنان پنهان شده است».

«در آن روز ، جایگاه اهل بهشت ، بهتر و استراحتگاهشان نیکوتر است».

«بشتابید به سوی آمرزشی که از جانب پروردگارتان است و بهشتی که پهنای آن ، آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران ، آماده گردیده است» .

ر . ک : آل عمران : آیه ۱۹۸ ، مائده : آیه ۱۱۹ ، توبه : آیه ۷۲ ، رعد : آیه ۳۵ ، نحل : آیه ۳۲ ، کهف : آیه ۱۰۷ ، مریم : آیه ۶۳ ، فرقان : آیه ۱۵ ، زمر : آیه ۷۳ ، غافر : آیه ۴۰ ، حدید : آیه ۲۱۱ ، قمر : آیه ۵۴ ۵۵ انسان : آیه ۲۰ .

حدیث ۲. عن أبیه، عن سعد، عن ابن أبي الخطاب، عن محمد بن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای بلندمرتبه فرمود : «برای بندگان شایسته ام ، چیزهایی آماده کرده ام که نه هیچ چشمی دیده ، و نه هیچ گوشی شنیده ، و نه بر دل بشری گذر کرده است» . (۱)

۱- در برخی مصادر ، در پایان این حدیث ، جمله زیر نیز وجود دارد : «شاهدش هم در کتاب خدا این است : «پس هیچ کس نمی داند که چه چیزهایی از آنچه روشنی بخش دیدگان است ، به پاداش آنچه انجام می داده اند ، برای آنان پنهان شده است» . «

٣. عن جعفر بن أحمد بن أيوب، عن صفوان، عن عمرو بن حرثه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ: مَا لَاعَيْنَ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا حَظَرٌ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ، ذُخْرًا (١)، بَلَّةً (٢) مَا أُطْلِعْتُمْ عَلَيْهِ. (٣) ٤. عن جعفر بن أحمد، عن جعفر بن بشير، عن أبي سلمة الجعني صلى الله عليه وآله: مَنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ يَنْعَمُ لَا- يَبُؤُسُ، لَا- تَبْلَى ثِيَابُهُ، وَلَا يَفْنَى شَبَابُهُ، وَلَهُ فِي الْجَنَّةِ مَا لَاعَيْنَ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا حَظَرٌ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ. (٤) ٥. عن جعفر بن أحمد بن الحسين، عن داود، عن يوسف قال: صحیح مسلم عن سهل بن سعد الساعدي: شَهِدْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَجْلِسًا وَصَفَ فِيهِ الْجَنَّةَ حَتَّى انْتَهَى، ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي آخِرِ حَدِيثِهِ: فِيهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا حَظَرٌ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ. ثُمَّ اقْتَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «تَتَخَيَّرُ فِي جُؤْبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (٥). (٦).

١- ذُخْرَتْ الشَّيْءُ أَذْخَرَهُ ذُخْرًا: اذْخَرْتُهُ (الصَّحاح: ج ٢ ص ٦٦٢ «ذخر»).

٢- بَلَّةٌ مَا أُطْلِعْتُمْ عَلَيْهِ: دَعَا مَا أُطْلِعْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ نَعِيمِ الْجَنَّةِ وَعَرَفْتُمُوهُ مِنْ لَدَاتِهَا (النهاية: ج ١ ص ١٥٥ «بله»).

٣- صحیح البخاری: ج ٤ ص ١٧٩٤ ح ٤٥٠٢، صحیح مسلم: ج ٤ ص ٢١٧٤ ح ٣ و ٤، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٤٩٦ ح ١٠٠٢٤، تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٣٦٧ كلها عن أبي هريرة؛ مجمع البيان: ج ٨ ص ٥١٨ وليس فيه «ذخر»، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٩٢.

٤- سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٨٩ ح ٢٧١٥، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٠١ ح ٨٨٣٥، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ٥٢ ح ٦٣٩٧، الزهد لابن المبارك: ص ٥١٢ ح ١٤٥٦، مسند إسحاق بن راهويه: ج ١ ص ١١٩ ح ٣٦ كلها عن أبي هريرة والأربعة الأخره نحوه.

٥- السجده: ١٦ و ١٧.

٦- صحیح مسلم: ج ٤ ص ٢١٧٥ ح ٥، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٣٢ ح ٢٢٨٨٩، رياض الصالحين: ص ٦٩٤.

۶. عن جعفر و فضاله، عن أبان، عن الحسن بن زیاد العطاءمیر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بلندمرتبه می فرماید : «برای بندگان شایسته ام ، چیزهایی آماده کرده ام که نه چشمی دیده ، و نه گوشی شنیده ، و نه بر دل بشری گذشته است . اینها اندوخته اند و بجز آن چیزهایی هستند که از آنها آگاه شده اید» .۷. عن أبي الجارود قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که وارد بهشت شود ، همواره در ناز و نعمت خواهد بود و هرگز دچار بینوایی نمی شود ، جامه هایش کهنه نمی گردند ، جوانی اش از بین نمی رود و برایش در بهشت ، چیزهایی است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب بشری گذر نکرده است. ابن موسی و الوزاق معاً، عن الصوفی « عن الزویاصحیح مسلم به نقل از سهل بن سعد ساعدی : در یکی از مجلس های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حاضر بودم و ایشان در آن مجلس از اوصاف بهشت می گفت تا آن که توصیفش به پایان رسید . سپس در پایان سخنش فرمود : «در آن جا چیزهایی هست که نه هیچ چشمی دیده ، و نه هیچ گوشی شنیده ، و نه بر دل بشری گذر کرده است» .

پیامبر صلی الله علیه و آله آن گاه ، این آیه را خواند : «پهلوهایشان از بسترها فاصله گرفته ، پروردگارشان را به بیم و امید می خوانند و از آنچه روزی شان کرده ایم ، انفاق می کنند . پس هیچ کس نمی داند که چه چیزهایی از آنچه روشنی بخش دیدگان است ، به پاداش کارهایی که انجام می داده اند ، برایشان اندوخته شده است» . .

عبدالعظيم حسنى فرمود: رسول الله صلى الله عليه و آله :سَأَلَ مُوسَى رَبَّهُ : ما أدنى أهلِ الجَنَّةِ منزلةً؟ قال :

قال : رَبِّ! فَأَعْلَاهُمْ مَنْزِلَةً؟ قال: أُولَئِكَ الَّذِينَ أَرَدْتُ ، غَرَسْتُ كَرَامَتَهُمْ بِيَدِي ، وَخَتَمْتُ عَلَيْهَا ، فَلَمْ تَرَ عَيْنٌ ، وَلَمْ تَسْمَعْ أُذُنٌ ، وَلَمْ يَخْطُرْ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ . قال : وَمِصْدَاقُهُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عِزُّ وَ جَلُّ : «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ» . (١)١. عنه صلى الله عليه و آله :لَيْسَ فِي الْجَنَّةِ شَيْءٌ مِمَّا فِي الدُّنْيَا إِلَّا الْأَسْمَاءُ . (٢)٢. عنه صلى الله عليه و آله :لِقَابُ قَوْسٍ (٣) أَحَدِكُمْ فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ تَغْرُبُ . (٤)٣. صحيح البخارى عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه و آله :لِقَابُ قَوْسٍ أَحَدِكُمْ مِنْ الْجَنَّةِ أَوْ مَوْضِعٌ قَيْدٍ يَعْنِي سَوْطَهُ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا . (٥)٤. رسول الله صلى الله عليه و آله :لِقَيْدُ سَوْطٍ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ . (٦)٤ .

- ١- .صحيح مسلم : ج ١ ص ١٧٦ ح ٣١٢ ، صحيح ابن حبان : ج ١٤ ص ٩٩ ح ٦٢١٦ ، مسند الحميدى : ج ٢ ص ٣٣٦ ح ٧٦١ ، حليه الأولياء : ج ٧ ص ٣١١ تفسير الطبرى : ج ١١ الجزء ٢١ ص ١٠٤ كلها عن المغيرة بن شعبه والأربعة الأخره نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٥٠٥ ح ٣٩٤٢٣ .
- ٢- .كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٥٤ ح ٣٩٢٣٧ نقلاً عن الضياء عن ابن عباس ، تفسير الطبرى : ج ١ الجزء ١ ص ١٧٤ ، تفسير ابن كثير : ج ١ ص ٩١ كلاهما عن ابن عباس من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه .
- ٣- .قَابُ قَوْسٍ : أى مقداره (النهاية : ج ٤ ص ١١٨ «قوب»).
- ٤- .صحيح البخارى : ج ٣ ص ١١٨٧ ح ٣٠٨٠ و ص ١٠٢٩ ح ٢٦٤٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٥٣٠ ح ١٠٢٦٤ بزيادة «أو سوطٍ بعد «قوس» ، رياض الصالحين : ص ٦٩٤ وليس فى الثلاثة الأخره «أحدكم» وكلها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٤ ص ٣٠٤ ح ١٠٦١٥ .
- ٥- .صحيح البخارى : ج ٣ ص ١٠٢٩ ح ٢٦٤٣ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ١٨١ ح ١٦٥١ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٢٨٣ ح ١٢٤٣٩ ، صحيح ابن حبان : ج ١٦ ص ٤١١ ح ٧٣٩٨ كلها عن أنس نحوه ، كنز العمال : ج ٤ ص ٣٠٤ ح ١٠٦١٦ ؛ تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٧٥ عن زياد بن حارثه بن مسلمه نحوه .
- ٦- .مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ١٩٢ ح ٨١٧٣ ، صحيح ابن حبان : ج ١٤ ص ٢٨ ح ٦١٥٨ ، مسند أبى يعلى : ج ٦ ص ١٥ ح ٦٢٨٦ ، المصنّف لعبد الرزاق : ج ١١ ص ٤٢٠ ح ٢٠٨٨٥ ، المعجم الأوسط : ج ٨ ص ٨٥ ح ٨٠٤٢ نحوه وكلها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٥٦ ح ٣٩٢٤٤ .

۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی از پروردگارش پرسید: دون پایه بهشتیان کیست؟

فرمود: ...

گفت: پروردگارا! بلندپایه ترین آنان، چه کسی است؟

فرمود: «کسانی که من خواسته ام [و آنان را برگزیده ام]. کرامتشان (بهشت) را با دست خود کاشتم و بر آن، مهر نهادم. پس، [آن را] هیچ چشمی ندیده، و هیچ گوشی نشنیده، و بر دل هیچ بشری گذر نکرده است».

شاهدش هم در کتاب خدای عز و جل، این آیه است: «پس هیچ کس نمی داند که چه چیزهایی از آنچه روشنی بخش دیدگان است، برای آنان، پنهان شده است». ۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، چیزی از آنچه در دنیاست، وجود ندارد مگر نام ها. (۱) حدّثنا علی بن عبدالله الوردی قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مقدار طول یک کمان از جایی (سهمی) که هر یک از شما در بهشت دارد، بهتر از همه چیزهایی است که خورشید بر آنها طلوع یا غروب می کند. عبدالعظیم حسنی از حضرت رضا و او از پدران گرامی اش صحیح البخاری به نقل از انس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به یقین، مقدار یک طول کمان یا یک تازیانه از جایی (سهمی) که هر یک از شما در بهشت دارد، ارزشش بیشتر است از دنیا و هر آنچه در دنیاست». عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي، عن عبدالعظیم بن عیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [حتی] بند تازیانه هر یک از شما در بهشت، برتر است از آنچه مابین آسمان و زمین است. .

۱- یعنی نعمت های خدا در دنیا با نعمت های او در بهشت، تنها در نام، شباهت و اشتراک دارند و مصادیق آنها قابل قیاس با یکدیگر نیستند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [حتی] جایگاه یک تازیانه در بهشت، از دنیا و هر آنچه در دنیاست، بهتر است. ۱. و روی الفضیل عن ابي عبدالله (ع) قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک وجب از بهشت، از زمین و آنچه بر روی آن است (از دنیا و آنچه در آن است)، بهتر است. فضیل گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا به بنده در [همان] در بهشت، چیزی داده می شود که نزدیک است دلش از جا کنده شود، اگر خداوند، فرشته ای را نفرستد تا دل او را قوی گرداند. ۲. و باسناده (الصدوق) عن عمار الساباطی، عن ابي عبدالمبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از نعمت های اهل بهشت، این است که سوار بر مرکب ها و اشتران نژاده، به دیدار یکدیگر می روند، و هر آدینه روز، اسب های نشان دار لگام زده که نه سرگین دارند و نه پیشاب، آورده می شوند و بر آنها می نشینند و هر جا که بخواهند، می روند. آن گاه ابرمانندی بر فرازشان آشکار می شود که نه چشمی مانند آن را دیده و نه گوشی شنیده است. به آن می گویند: «بر ما بار» و آن ابرمانند، پیوسته بر ایشان می بارد تا جایی که از آرزوهایشان فراتر می رود.

سپس خداوند، بادی بی آزار بر می انگیزد و تپه هایی از مُشک را در سمت راست و سمت چپ آنان افشان می سازد و آن مُشک، در کاکل و یال ها و سرهای اسبانشان جای می گیرد، و نیز برای هر مردی از آنان که گیسوانی دارد، آن سان که او می خواهد. و آن مُشک در آن گیسوان و در آن اسب ها و در جامه ها می پیچد.

سپس می آیند تا به آن جا می رسند که خدا می خواهد. در این هنگام، زنی یکی از ایشان را صدا می زند که: ای بنده خدا! آیا تو را با ما کاری نیست؟

او می گوید: چیستی تو؟ کیستی تو؟

زن می گوید: من، همسر تو هستم.

مرد می گوید: از وجود تو آگاه نبودم!

زن می گوید: آیا نمی دانی که خدا فرموده است: «هیچ کس نمی داند که چه چیزهایی از آنچه روشنی بخش دیدگان است، به پاداش کارهایی که می کرده اند، برای آنان پنهان شده است»؟

می گوید: چرا، به پروردگرم سوگند.

و شاید بعد از آن نیز به اندازه چهل سال از آن زن، غافل بماند و نه به طرف او نگاه کند و نه برگردد، و آنچه او را از وی غافل می گرداند، غرق شدنش در نعمت ها و کرامت ها [ی خداوند] است.

امام صادق (ع) فرمود: سنن ابن ماجه عن اسامه بن زيد: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ لِأَصْحَابِهِ: أَلَا مُشَمَّرٌ (١) لِلجَنَّةِ؟ فَإِنَّ الجَنَّةَ لَا خَطَرَ لَهَا، هِيَ وَرَبُّ الكَعْبَةِ نُورٌ يَتَلَأَلُ، وَرِيحَانَةٌ تَهْتَرُ، وَقَصْرٌ مَشِيدٌ، وَنَهْرٌ مُطْرِدٌ (٢)، وَفَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ نَضِيجَةٌ، وَزَوْجَةٌ حَسَنَاءٌ جَمِيلَةٌ، وَحُلَلٌ كَثِيرَةٌ، فِي مَقَامٍ أَبَدًا، فِي حَبْرِهِ (٣) وَنَضْرِهِ، فِي دُورٍ عَالِيَةٍ، سَلِيمَةٍ بِهِيَّةٍ .

قالوا: نَحْنُ المُشَمَّرُونَ لَهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: قُولُوا: إِنْ شَاءَ اللَّهُ. ثُمَّ ذَكَرَ الجِهَادَ وَحَضَّ عَلَيْهِ (٤). ١. حدثنا أبو يوسف محمد بن احمد الرقي، حدثنا محمد برسول الله صلى الله عليه وآله في صفة الجنة: لا شبهة لها، هي ورب الكعبة ريحانة تهتر، ونور يتلألأ، ونهر مطرد، وزوجه لا تموت، في خلود ونعمه، في مقام أمين (٥). معاوية بن جاهمة كويد: الإمام علي عليه السلام: الجنة أفضل غاية (٦).

١- تَشَمَّرٌ: تَهَيَّأُ، وَالتَّشْمِيرُ: هُوَ الجَدُّ فِيهِ وَالجِهَادُ (لسان العرب: ج ٤ ص ٤٢٨ «شمر»).

٢- يَطْرُدُ: يَجْرِي (النهاية: ج ٣ ص ١١٧ «طرد»).

٣- الحَبْرَةُ: النَعْمَةُ وَسَعَةُ العَيْشِ (النهاية: ج ١ ص ٣٢٧ «حبر»).

٤- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤٤٨ ح ٤٣٣٢، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٣٨٩ ح ٧٣٨١، مسند الشاميين: ج ٢ ص ٣٢٢ ح ١٤٢١، الفردوس: ج ١ ص ١٣٩ ح ٤٩٣ كلها عن أسامة بن زيد، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٥٢ ح ٣٩٢٢٧.

٥- تاريخ بغداد: ج ٤ ص ٢٥٢ الرقم ١٩٨٢ عن ابن عباس .

٦- غرر الحكم: ح ١٠٢٤.

۲. سنن ابن ماجه به نقل از أسامه بن زید : يك روز ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یارانش فرمود : « آیا کسی هست که برای بهشت ، کمر همت بر بندد ؛ چرا که بهشت ، بدیل و نظیر ندارد ؟ به خداوند کعبه سوگند که بهشت ، یک پارچه نور است و می درخشد و گلزاری است که پیچ و تاب می خورد ، و کاخ هایی افراشته است ، و جویبارهایی روان ، و میوه هایی فراوان و رسیده ، و همسرانی نیکو و زیبا ، و جامه های بسیار ، در جایگاهی جاویدان ، همراه با ناز و نعمت و خرمی ، در خانه هایی بلندجایگاه ، امن و باشکوه » .

یاران گفتند : ما برای آن ، دامن همت به کمر می زنیم ، ای پیامبر خدا !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « بگویید : اگر خدا بخواهد » و سپس از جهاد گفت و بدان برانگیخت . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف بهشت : مانند ندارد . به خداوند کعبه سوگند که بهشت ، گلزاری است در پیچ و تاب ، و نوری است درخشان ، و جویباری است روان ، و همسری که هرگز نمی میرد و سرای جاودانگی و نعمت و آسایش و امنیت است . ۳. عن انس عن النبي (ص) : امام علی علیه السلام : بهشت ، برترین هدف است . .

عنه عليه السلام: الْجَنَّةُ خَيْرٌ مَّآلٍ ، وَالنَّارُ شَرُّ مَقِيلٍ . (١) راجع : ص ٢٩٨ (الشوق إلى الجنة) .

٦ / ٢ دُخُولُ الْجَنَّةِ رَخِيصَةً عَمْرُ غَوَيْدُ: الإمام علي عليه السلام: دُخُولُ الْجَنَّةِ رَخِيصٌ ، وَدُخُولُ النَّارِ غَالٍ . (٢) ٦. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ سِئْلَةَ اللَّهِ رَخِيصَةٌ ، فَاشْتَرَوْهَا قَبْلَ أَنْ تَغْلُوَ . (٣) عيسى عليه السلام: النَّوْمُ عَلَى الْحَصِيْبِ وَأَكْلُ خُبْزِ الشَّعِيرِ ، فِي طَلَبِ الْفِرْدَوْسِ يَسْتَبِيرُ . (٤) ٦ / ٣ ذِكْرُ الْجَنَّةِ ٨. عن ابن عباس، عن النبي (ص): رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تَنْسُوا الْعَظِيمِينَ: الْجَنَّةَ وَالنَّيَّارَ . (٥) پیامبر فرمود: الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ . . . كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهُ (٦) بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ (٧) ، وَسَيَّأَلُ اللَّهُ تَعَالَى الْجَنَّةَ ، وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ . (٨) .

- ١- غرر الحكم : ح ١٧٦٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٣ ح ١٣٧١ .
- ٢- كنز الفوائد : ج ١ ص ٢٧٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٩٠ ح ٩٥ .
- ٣- فضائل الأشهر الثلاثة : ص ١١٦ ح ١١١ و ص ٥٥ ح ٣٣ .
- ٤- تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٣٠ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣٣٠ ح ٦٤ ؛ تاريخ دمشق : ج ٤٧ ص ٤٤٤ ، البدايه والنهايه : ج ٢ ص ٩٠ كلاهما عن مالك بن دينار عن عيسى عليه السلام نحوه .
- ٥- التاريخ الكبير : ج ١ ص ٤١٧ الرقم ١٣٣٤ ، المطالب العاليه : ج ٣ ص ٢١٩ ح ٣٣٠٩ نحوه وكلاهما عن عبدالله بن عمر .
- ٦- الفريضة : عَصَبُ الرِّقْبَةِ وَعُرُوقُهَا ، أَيْ تَرْجَفُ مِنَ الْخَوْفِ ، وَالْجَمْعُ : فَرِيصٌ وَفَرَائِصُ (النهايه : ج ٣ ص ٤٣١ «فرص»).
- ٧- السليم : اللديغ ، إِنَّمَا سَمِيَ سَلِيمًا تَفَاؤُلًا بِالسَّلَامَةِ (النهايه : ج ٢ ص ٣٩٦ «سلم»).
- ٨- الأموال للصدوق : ص ٢٤٤ ح ٢٦٢ ، عدّه الداعي : ص ١٣٩ كلاهما عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٤٣ ص ٣٣١ ح ١ .

۶ / ۲ ورود به بهشت ، ارزان است**۶ / ۳ به یاد بهشت بودن**

۱. امام علی علیه السلام: بهشت ، بهترین فرجام است و دوزخ ، بدترین توقّفگاه. ر. ک: ص ۲۹۹ (شوق به بهشت).

۶ / ۲ ورود به بهشت ، ارزان است. امام علی علیه السلام: ورود به بهشت ، ارزان است و ورود به دوزخ ، گران. امام رضا علیه السلام: کالای خدا ارزان است . پس ، پیش از آن که گران شود ، آن را بخرید. ۱. عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن اَبی عمیر، عن هعیسی علیه السلام: خفتن بر بویا و خوردن نان جوین ، برای طلبیدن بهشت ، آسان است. ۶ / ۳ به یاد بهشت بودن رسول خدا فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو امر بزرگ را از یاد نبرید: بهشت و دوزخ را. ۱. محمّد بن علی بن الحسین فی الأمالی، عن محمّد بن الامام زین العابدین علیه السلام: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ... هر گاه به نماز می ایستاد ، بدنش در پیشگاه پروردگارش به لرزه می افتاد و هر گاه از بهشت و دوزخ یاد می کرد ، مانند مار گزیده به خود می لرزید و از خدای بزرگ ، بهشت می طلبید و از آتش به او پناه می برد.

٢. فى حديث الحولاء العطاره بالسند المتقدم فى أبواب الإمام الباقر عليه السلام: أذكروا من عَظَمَهُ اللهُ ما شِئْتُمْ ، وَلَا تَذْكُرُونَ مِنْهُ شَيْئاً إِلَّا وَهَىٰ أَعْظَمُ مِنْهُ . وَاذْكُرُوا مِنَ النَّارِ ما شِئْتُمْ ، وَلَا تَذْكُرُونَ مِنْهَا شَيْئاً إِلَّا وَهَىٰ أَشَدُّ مِنْهُ . وَاذْكُرُوا مِنَ الْجَنَّةِ ما شِئْتُمْ ، وَلَا تَذْكُرُونَ مِنْهَا شَيْئاً إِلَّا وَهَىٰ أَفْضَلُ . (١) رسول خدا فرمود: الإمام الصادق عليه السلام: حَقُّ التَّلَاوَةِ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، يَسْأَلُ فِي الْأُولَى ، وَيَسْتَجِيرُ مِنَ الْأُخْرَى . (٢) ٣. و عن سعيد بن جبیر عن ابن عمر احسبه رفعه، عن النيسعد السعود: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا أَيُّهَا الْعَفْوَ! مَا تَصْنَعُ بِدُنْيَا يَدْخُلُهَا الرَّجُلُ صَاحِحًا وَيَرْجِعُ سَدِيمًا وَيَخْرُجُ فِيحًا حَيَاتَهُ فَيَكْبَلُ بِالْحَدِيدِ وَالْأَغْلَالِ وَيَخْرُجُ الرَّجُلُ صَاحِحًا فَيَرُدُّ قَتِيلًا .

وَيَحْكُمُ! لَوْ رَأَيْتُمْ الْجَنَّةَ وَمَا أَعَدَدْتُ فِيهَا لِأَوْلِيائِي مِنَ النَّعِيمِ لَمَا دُفْتُمُ دَوَاءَهَا لِشَهْوَةِ (٣) .

أَيْنَ الْمُشْتَاقُونَ إِلَى لَذِيذِ (٤) الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ؟ أَيْنَ الَّذِينَ جَعَلُوا مَعَ الضَّحِكِ بُكَاءً؟ أَيْنَ الَّذِينَ هَجَمُوا عَلَى مَسَاجِدِي فِي الصَّيْفِ وَالشِّتَاءِ؟ (٥) .

١- سير أعلام النبلاء: ج ٤ ص ٤٠٦ تاريخ دمشق: ج ٥٤ ص ٢٨٢ نحوه وكلاهما عن المنهال بن عمرو.

٢- التبيان فى تفسير القرآن: ج ١ ص ٤٤٢ ، تفسير العياشى: ج ١ ص ٥٧ ح ٨٤ عن أبى بصير وليس فيه ذيله من «يسأل...» ، مجمع البيان: ج ١ ص ٣٧٥ وفيه «يستعيد» بدل «يستجير» ، تفسير جوامع الجامع: ج ١ ص ٧٦ ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢١٤ ح ١٢ .

٣- هكذا فى الطبعة المعتمده ، والظاهر أنّ الصواب: «لماذا دفتم ذوقا بشهوه» ، كما فى بعض النسخ (راجع: هامش بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٥) .

٤- فى المصدر: «إلى أزيد» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٥- سعد السعود: ص ٤٨ ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٥ .

رسول خدا فرمود: امام باقر علیه السلام: از بزرگی خدا، هر چه خواستید، یاد کنید؛ اما هر چه از آن یاد کنید، باز بزرگی خدا، بزرگ تر از آن است، و از آتش دوزخ، هر چه خواستید، بگویید؛ ولی هر چه از آن بگویید، باز آتش دوزخ، سخت تر از آن است، و از بهشت، هر چه خواستید، بگویید؛ اما هر چه از آن بگویید، باز بهشت، برتر از آن است. امام صادق علیه السلام: حقّ تلاوت [قرآن]، آن است که هنگام یاد شدن از بهشت و دوزخ، درنگ شود. اولی را طلب کند و از دومی به خدا پناه برد. سعد السعود: خدای عز و جل به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «ای بی خبر! از دنیا چه می خواهی که آدمی، تن درست به آن وارد می شود و بیمار باز می گردد و بیرون می رود و به زندگی خود ادامه می دهد و به کُنده و زنجیر بسته می شود، و آدمی سالم [از خانه] بیرون می رود و کشته باز می گردد؟

وای بر شما! اگر بهشت و نعمت هایی را که در آن برای دوستانم آماده ساخته ام، دیده بودید، هرگز طعم شهوتی را نمی چشیدید.

کجایند مشتاقانِ خوردنی ها و نوشیدنی های لذیذ؟ کجایند آنان که در کنار خنده، گریه کردند؟ کجایند آنان که در تابستان و زمستان، به مسجدهای من هجوم آوردند؟ ..

و روى عبدالعظيم بن عبدالله الحسنى عن سهل بن سعد، مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام روى أن يحيى بن زكريا عليه السلام كان يفكر في طول الليل في أمر الجنة والنار، فيسهر ليلته ولا يأخذ النوم، ثم يقول عند الصباح: اللهم أين المفر، وأين المستقر؟ اللهم إليك. (١) ٤ / ٦ الغفلة عن الجنة رسول الله صلى الله عليه وآله: ما رأيت مثل النار نام هاربها، ولا مثل الجنة نام طابها. (٢) عنه صلى الله عليه وآله: لا تخدعنكم زخارف دنيا دنيته، عن مراتب جنات عليته. (٣) عنه صلى الله عليه وآله: من خاف أدلج (٤)، ومن أدلج بلغ المنزل، ألا إن سلعة الله غاليته، ألا إن سلعة الله الجنة. (٥) عنه صلى الله عليه وآله: إذا صلى العبد ولم يسأل الله تعالى الجنة ولم يستعده من النار، قالت الملائكة: أغفل العظيمين الجنة والنار. (٦) پیامبر (ص) درباره امام حسين مى فرماید: الإمام على عليه السلام: ألا وإنى لم أر كالجنة نام طابها، ولا كالنار نام هاربها. ألا وإنه من لا ينفعه الحق يضُرُّه الباطل. (٧).

- ١- مصباح الشريعة: ص ٤٦٢ ح ٨٤، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٦٦ ح ٨.
- ٢- سنن الترمذى: ج ١٤ ص ٧١٥ ح ٢٦٠١، الزهد لابن المبارك: ص ٩ ح ٢٧، مسند الشهاب: ج ٢ ص ١٤ ح ٧٩١ كلها عن أبي هريره، المعجم الأوسط: ج ٢ ص ١٧٧ ح ١٦٣٨ عن أنس، كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٧٣ ح ٤٣٠٣٩؛ الأمالى للطوسى: ص ٥٢٦ ح ١١٦٢، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٢ كلاهما عن أبي ذر.
- ٣- أعلام الدين: ص ٣٤٠ عن أبي أيوب الأنصارى، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٣ ح ١٠.
- ٤- أدلج القوم: إذا ساروا الليل كله (لسان العرب: ج ٢ ص ٢٧٢ «دلج»).
- ٥- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٣٣ ح ٢٤٥٠، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٣٤٣ ح ٧٨٥١ وفيه «الغاليه» بدل «الجنة»، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٤٢٥ ح ١٤٦٠، مشكاة المصابيح: ج ٢ ص ٦٩٠ ح ٥٣٤٨، تفسير ابن كثير: ج ٧ ص ٤٨١ كلها عن أبي هريره، حليه الأولياء: ج ٨ ص ٣٧٧ عن أبي بن كعب، كنز العمال: ج ٣ ص ١٤٢ ح ٥٨٨٥؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٢٧٩.
- ٦- الجعفریات: ص ٤٢ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٦٥ ح ٥٣٧٠.
- ٧- نهج البلاغه: الخطبه ٢٨، الإرشاد: ج ١ ص ٢٣٦ وفيه «اليقين» بدل «الحق» و«الشك» بدل «الباطل»، تحف العقول: ص ١٥٢، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٩٣.

۶ / ۴ غفلت از بهشت

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: روایت شده است که یحیی بن زکریا علیه السلام در طول شب، در باره بهشت و دوزخ می اندیشید و به خاطر این دو، شب هایش را بیدار می ماند و خوابش نمی گرفت، و چون صبح می شد، می گفت: بار خدایا! به کجا می توان گریخت؟ و در کجا آرام می توان گرفت؟ بار خدایا! به تو. ۶ / ۴ غفلت از بهشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ندیدم چیزی چون دوزخ که گریزان از آن، خفته باشد، و نه چون بهشت که جوینده اش در خواب، فرو رفته باشد! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبادا زرق و برق فریبنده دنیا، شما را از درجات بهشت های بلند جایگاه، غافل کند! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که ترسید، همه شب، ره پویید و آن که همه شب ره پویید، به منزل مقصود رسید. آگاه باشید که کالای خدا گران است. آگاه باشید که کالای خدا بهشت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده نماز بخواند و از خدای بلندمرتبه، بهشت را نخواهد و از آتش دوزخ به او پناه نبرد، فرشتگان می گویند: «دو چیز بزرگ، بهشت و دوزخ را از یاد برد!» امام علی علیه السلام: هان! من ندیده ام چیزی را که چون بهشت، جوینده اش خفته باشد، و نه چون دوزخ که گریزان از آن، در خواب، فرو رفته باشد. بدانید که هر که حق، سودش نرساند، باطل، زیانش می رساند.

و در روایت دیگر از حضرت صادق (ع) روایت کرده که رسوعنه علیه السلام: الْمَعْبُودُ مَنْ بَاعَ جَنَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْصِيَةِ دَيْتِهِ . (١) و باز کلینی به سند صحیح روایت کرده است از ابراهیمعنه علیه السلام: إِنَّ مَنْ بَاعَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ الْجَنَّةِ فَقَدْ عَظَمْتَ عَلَيْهِ الْمِحْنَةَ . (٢) عنه علیه السلام: مَنْ بَاعَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَعِيمِ الْجَنَّةِ فَقَدْ ظَلَمَهَا . (٣) الإمام الكاظم عليه السلام: أما إنَّ أبدانكم ليس لها ثمنٌ إلا الجنة ، فلا تبيعوها بغيرها! (٤) ٤ / ٥ الشوق إلى الجنة ٢. تفسیر ابن کثیر عن ابن زید: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَرَأَ هَذِهِ السُّورَةَ : «هَلْ أَتَى عَلَى الْآءِنْسَنِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ» (٥) وَقَدْ أَنْزَلَتْ عَلَيْهِ وَعِنْدَهُ رَجُلٌ أَسْوَدٌ ، فَلَمَّا بَلَغَ صِفَةَ الْجِنَانِ زَفَرَ زَفْرَةً ، فَخَرَجَتْ نَفْسُهُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَخْرَجَ نَفْسَ صَاحِبِكُمْ أَوْ قَالَ : أَخِيكُمْ الشُّوقُ إِلَى الْجَنَّةِ . (٦) ٣. المعجم الكبير عن عبد الله بن عمر: جاء رجلٌ من الحبشة إلى رسول الله صلى الله عليه وآله يسأله ، فقال النبي صلى الله عليه وآله : «سَلْ وَاسْتَفْهِم» فقال : يا رسول الله ، فُضِّلْتُمْ عَلَيْنَا بِالصُّورِ وَالْأَلْوَانِ وَالتُّبُوءِ ، أَفَرَأَيْتَ إِنْ آمَنْتُ بِمِثْلِ مَا آمَنْتَ بِهِ ، وَعَمِلْتُ مِثْلَ مَا عَمِلْتَ بِهِ ، إِنْ لَكَائِنْ مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ؟

قال : نَعَمْ .

ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! إِنَّهُ لَيُرَى بِيَاضُ الْأَسْوَدِ فِي الْجَنَّةِ مِنْ مَسِيرِهِ أَلْفَ عَامٍ .

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَالَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» كَانَ لَهُ بِهَا عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ ، وَمَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» ، كُتِبَتْ لَهُ مِنْهُ أَلْفٌ حَسَنَةٍ وَأَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ . فَقَالَ رَجُلٌ : كَيْفَ يَهْلِكُ بَعْدَ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الرَّجُلَ لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْعَمَلِ ، وَلَوْ وُضِعَ عَلَى جَبَلٍ لَا تَقْلُهُ ، فَتَقُومُ النِّعْمَةُ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ فَيَكَادُ أَنْ يَسْتَنْفِدَ ذَلِكَ كُلَّهُ إِلَّا أَنْ يَتَطَاوَلَ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ ، وَنَزَلَتْ هَذِهِ السُّورَةُ : «هَلْ أَتَى عَلَى الْآءِنْسَنِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا» إِلَى قَوْلِهِ : «وَ مُلْكًا كَبِيرًا» . (٧)

قال الحبشي : وَإِنَّ عَيْنِي لَتَرِيانٍ مَا تَرَى عَيْنَاكَ فِي الْجَنَّةِ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : نَعَمْ ، فَاسْتَبَكِي حَتَّى فَاضَتْ نَفْسُهُ . قال ابنُ عَمَرَ : لَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُدْلِيهِ فِي حُفْرَتِهِ بِيَدِهِ . (٨)

١- غرر الحكم: ح ١٣٥٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٩٨ ح ٢٢٦٨ نحوه.

٢- غرر الحكم : ح ٣٤٧٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٥٠ ح ٣٣٠٩.

٣- غرر الحكم : ح ٩١٦٤ .

٤- الكافي : ج ١ ص ١٩ ح ١٢ ، تحف العقول : ص ٣٨٩ كلاهما عن هشام بن الحكم ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٦٥ عن محمد

بن الحنفية من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٠٣ ح ١ .

٥- الإنسان : ١ .

٦- تفسیر ابن کثیر : ج ٨ ص ٣١٠ ، الدر المنثور : ج ٨ ص ٣٦٦ نقلاً عن ابن وهب .

٧- الإنسان : ١٠١ .

٨- المعجم الكبير : ج ١٢ ص ٣٣٣ ح ١٣٥٩٥ ، حلية الأولياء : ج ٣ ص ٣١٩ ، تفسیر ابن کثیر : ج ٨ ص ٣١٨ ، المعجم الأوسط

: ج ٢ ص ١٦٢ ح ١٥٨١ ، تفسير القرطبي : ج ١٩ ص ١٤٨ ، سير أعلام النبلاء : ج ٧ ص ٣٢٠ عن ابن عبيّاس والثلاثة الأخيره نحوه .

۶ / ۵ شوق به بهشت

۴. امام علی علیه السلام: زیان دیده ، کسی است که بهشت برینی را به گناهی پست بفروشد. امام علی علیه السلام: کسی که خویشتن را به غیر بهشت بفروشد ، به رنج بزرگ در می افتد. ۵. امام علی علیه السلام: کسی که خود را به غیر از ناز و نعمت بهشت بفروشد ، به خویشتن ستم کرده است. ۶. امام کاظم علیه السلام: بدانید که این پیکرهای شما ، بهایی جز بهشت ندارند . پس ، آنها را به جز بهشت نفروشید. ۶ / ۵ شوق به بهشت ۹. تفسیر ابن کثیر به نقل از ابن زید : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سوره دهر را که بر او نازل شد ، خواند . در نزد ایشان ، مردی سیاه بود . چون به وصف بهشت رسید ، آن مرد ، ناله ای کرد و جان داد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «شوق بهشت ، جان یارتان را گرفت» یا فرمود : «جان برادرتان را» . ۱۰. المعجم الکبیر به نقل از عبد الله بن عمر : مردی از حبشه به خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد تا پرسش هایی کند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «پرس و جو یا شو» .

مرد گفت : ای پیامبر خدا ! شما در صورت ها و رنگ ها و نبوت ، بر ما امتیاز دارید . آیا اگر من به آنچه تو بدان ایمان آورده ای ، ایمان آورم و مانند کارهایی که تو می کنی ، انجام دهم ، در بهشت با تو خواهم بود؟
فرمود : «آری» .

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داد : «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، سفیدی سیاه پوست در بهشت ، از مسافت هزار سال راه ، دیده می شود» .

سپس فرمود : «هر کس بگوید : معبودی جز خدای یکتا نیست ، به واسطه آن برایش در نزد خداوند ، پیمانی است ، و هر کس بگوید : پا کا خدا و ستایش ، او را ! ، برایش صد و بیست و چهار هزار ثواب نوشته می شود» .

مردی گفت : ای پیامبر خدا ! با چنین وضعی ، دیگر چگونه هلاک شود !؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آدمی ، روز قیامت ، آن قدر عمل می آورد که اگر بر کوهی نهاده شود ، کوه آن را بر نمی تابد . پس یک نعمت از نعمت های خدا بر می خیزد و نزدیک است که همه آن اعمال را از بین ببرد ؛ اما خداوند به رحمت خود ، به داد آنها می رسد» .

و این سوره نازل شد : «آیا برهه ای از روزگار بر انسان گذشت که چیزی در خور یاد شدن نبود ؟» تا «و سلطنتی بزرگ» .

مرد حبشی گفت : چشمان من ، آنچه را که چشمان تو در بهشت می بیند ، می بیند ؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آری» .

در این هنگام ، مرد حبشی چندان گریست که جان به جان آفرین تسلیم کرد . من خود دیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با دست خویش او را در قبرش نهاد.

١١. الإمام علي عليه السلام: شَوْقُوا أَنْفُسَكُمْ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ ، تُحِبُّوا الْمَوْتَ وَتَمَقُّتُوا الْحَيَاةَ . (١) ١٢. عنه عليه السلام فِي صِفَةِ الْجَنَّةِ : فَلَوْ رَمَيْتَ بِبَصَرِ قَلْبِكَ نَحْوَ مَا يُوصَفُ لَكَ مِنْهَا لَعَزَفْتَ (٢) نَفْسَكَ عَنْ بَدَائِعِ مَا أُخْرِجَ إِلَى الدُّنْيَا مِنْ شَهَوَاتِهَا وَلَذَائِهَا ، وَرَخَارِفِ مَنَازِرِهَا ، وَلَمَذَهَلَتِ بِالفِكْرِ فِي اصْطِفَاقِ أَشْجَارِ عُيُوبِهَا فِي كُثْبَانِ الْمَسْكِ عَلَى سَوَاحِلِ أَنْهَارِهَا ، وَفِي تَعْلِيقِ كَبَائِسِ اللُّؤْلُؤِ الرَّطْبِ فِي عَسَالِيحِهَا (٣) وَأَفْنَانِهَا ، وَطُلُوعِ تِلْكَ الثَّمَارِ الْمُخْتَلِفَةِ فِي غُلْفِ أَكْمَامِهَا (٤) ، تُجْنِي مَنْ غَيْرِ تَكَلُّفٍ فَتَأْتِي عَلَى مُتَبِعِهِ مُجْتَنِبِهَا ، وَيُطَافُ عَلَى نَزَالِهَا فِي أَفْتِيهِ قُصُورِهَا بِالْأَعْسَالِ الْمُصَفَّقَةِ ، وَالْخُمُورِ الْمُرَوَّقَةِ .

قَوْمٌ لَمْ تَزَلِ الْكِرَامَةُ تَتَمَادَى بِهِمْ حَتَّى حَلُّوا دَارَ الْقَرَارِ ، وَأَمِنُوا نُقْلَةَ الْأَسْفَارِ ، فَلَوْ شَغَلَتْ قَلْبَكَ أَيُّهَا الْمُسْتَمِعُ بِالْوُضُوءِ إِلَى مَا يَهْجُمُ عَلَيْكَ مِنْ تِلْكَ الْمَنَازِرِ الْمُؤَنِقَةِ (٥) ، لَزَهَقَتْ نَفْسُكَ شَوْقًا إِلَيْهَا ، وَلَتَحَمَلْتَ مِنْ مَجْلِسِي هَذَا إِلَى مُجَاوَزِهِ أَهْلَ الْقُبُورِ اسْتِعْجَالًا بِهَا ، جَعَلْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مَمَّنْ سَعَى بِقَلْبِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْأَبْرَارِ بِرَحْمَتِهِ! (٦) .

- ١- غرر الحكم : ح ٥٧٧٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٩٧ ح ٥٣٠٤ .
- ٢- عَزَفَتْ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا: أَي عَافَتَهَا وَكَرِهَتَهَا (النهاية : ج ٣ ص ٢٣٠ «عزف»).
- ٣- عَسَالِيحُهَا : أَغْصَانُهَا (النهاية : ج ٣ ص ٢٣٨ «عسلج»).
- ٤- أَكْمَامٌ : جَمْعُ كِمٍّ وَهُوَ غِلَافُ الثَّمَرِ وَالْحَبِّ قَبْلَ أَنْ يَظْهَرَ (النهاية : ج ٤ ص ٢٠٠ «كمم»).
- ٥- الْأَنْقُ : حُسْنُ الْمَنْظَرِ وَإِعْجَابُهُ إِيَّاكَ (لسان العرب : ج ١٠ ص ١٠ «أنق»).
- ٦- نهج البلاغه : الخطبه ١٦٥ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٦٨ وليس فيه ذيله من «فلو شغلت قلبك ...» ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٦٢ ح ١٠٤ .

۱۳. امام علی علیه السلام: جان هایتان را به نعمت های بهشت ، مشتاق سازید تا این که مرگ را دوست بدارید و از زندگی بیزار باشید. ۱۴. امام علی علیه السلام در وصف بهشت : اگر به آنچه از بهشت برای تو وصف می شود ، با چشم دلت نظر افکنی ، بی گمان ، نفس تو از خواهش ها و خوشی های دل انگیزی که در دنیا پدید آورده شده ، و زیبایی های مناظر آن ، روی گردان خواهد شد ، و اندیشه ات در صدای بر هم خوردن شاخسار درختانی متحیر خواهد شد که در کنار جویبارهای بهشت در تپه هایی از مُشک ، ریشه دوانیده اند و در خوشه های مروارید تر و تازه ای که بر شاخه های نازک و ستبر ، آویزان اند ، و در بر آمدن آن میوه های گوناگون رنگارنگ از غلاف های شکوفه هایشان که بی رنج ، چیده می شوند و هر سان که چیننده اش آرزو کند ، در دسترسش قرار می گیرند . و برای بهشتیان در آستان کاخ هایشان ، عسل های مصفاً و باده های ناب ، گردانده می شود.

بهشتیان ، مردمانی هستند که کرامت [خداوند] ، پیوسته آنان را در بر می گیرد تا آن که در سرای ماندگاری فرود آیند و از نقل و انتقال سفرها آسوده گردند . پس تو ای شنونده ، اگر دل خویش را در رسیدن به آن مناظر زیبا و شگفت انگیز که ناگهان بر تو هجوم می آورند ، مشغول داری ، از شوق آنها قالب تهی خواهی کرد و از همین مجلس من ، به همسایگی خفتگان در گورها ، رخت بر خواهی بست تا هر چه زودتر به آن مناظر ، دست یابی . خداوند به رحمت خویش ، ما و شما را از کسانی قرار دهد که با دل خویش برای رسیدن به منزل های نیکوکاران می کوشند .

١٥. عنه عليه السلام: سُبْحَانَكَ خَالِقًا وَمَعْبُودًا بِحُسْنِ بَلَائِكَ عِنْدَ خَلْقِكَ . خَلَقْتَ دَارًا وَجَعَلْتَ فِيهَا مَأْدُبَةً : مَشْرَبًا وَمَطْعَمًا وَأَزْوَاجًا وَخَدَمًا وَقُصُورًا وَأَنْهَارًا وَزُرُوعًا وَثِمَارًا. ثُمَّ أَرْسَلْتَ دَاعِيًا يَدْعُو إِلَيْهَا . فَلَا الدَّاعِيَ أَجَابُوا ، وَلَا فِيهَا رَغَبَتْ رَغْبُوا ، وَلَا إِلَى مَا شَوَّقَتْ إِلَيْهِ اشْتَقُّوا . (١)... عن رسول الله (ص): عنه عليه السلام في صِفَةِ الْمُتَّقِينَ : لَوْلَا - الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ ، شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ ، وَخَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ . (٢) .

١- نهج البلاغه : الخطبه ١٠٩ .

٢- نهج البلاغه : الخطبه ١٩٣ ، صفات الشيعة : ص ٩٧ ح ٣٥ ، الأمالى للصدوق : ص ٦٦٧ ح ٨٩٧ كلاهما عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام على عليهم السلام ، التمهيد : ص ٧١ ح ١٧٠ ، روضه الواعظين : ص ٤٨٠ ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٣١٥ ح ٥٠ .

امام علی علیه السلام: زهی، آفریدگار و معبودی که به آفریدگان خویش، نیکی ها کرده ای! سرایی را آفریدی و در آن، سفره ای از نوشیدنی و خوردنی و زنان و خدمتکاران و کاخ ها و جویبارها و کشت ها و میوه ها گستردی. سپس دعوتگری را فرستادی تا به سوی آن بخواند؛ امّا مردمان، دعوت او را نپذیرفتند و به نعمت هایی که ترغیبشان نمودی، رغبت نشان ندادند و به آنچه تشویقشان کردی، مشتاق نگشتند. امام علی علیه السلام در توصیف پرهیزگاران: اگر نبود آجلی که خداوند برای آنان نوشته است، از شوق پاداش و ترس از کیفر، جان هایشان چشم بر هم زدنی در کالبد هایشان نمی ماند..

الإمام الباقر عليه السلام: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْإِيمَانِ ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْإِيمَانَ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ : عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ ، فَالصَّبْرُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ : عَلَى الشُّوقِ وَالْإِشْفَاقِ وَالزُّهْدِ وَالْتَرْتُّبِ ، فَمَنْ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا (١) عَنِ الشَّهَوَاتِ ، وَمَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ ، وَمَنْ زَهَّدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ ، وَمَنْ رَاقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ . (٢) الكافي عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... يَا بَنَ مَرْيَمَ ، لَوْ رَأَتْ عَيْنُكَ مَا أَعَدَدْتُ لِأَوْلِيَائِي الصَّالِحِينَ ، ذَابَ قَلْبُكَ وَزَهَقَتْ نَفْسُكَ شَوْقًا إِلَيْهِ ، فَلَيْسَ كِدَارِ الْآخِرَةِ دَارٌ تَجَاوَرُ فِيهَا الطَّيِّبُونَ ، وَيَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ، وَهُمْ مِمَّا يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَهْوَالِهَا آمِنُونَ ، دَارٌ لَا يَتَغَيَّرُ فِيهَا النَّعِيمُ وَلَا يَزُولُ عَنْ أَهْلِهَا .

يَا بَنَ مَرْيَمَ ، نَافِسٌ فِيهَا مَعَ الْمُتَنَافِسِينَ ، فَإِنَّهَا أُمِّيَّةُ الْمُتَمَنِّينَ ، حَسَيْنَةُ الْمَنْظَرِ . طُوبَى لَكَ يَا بَنَ مَرْيَمَ إِنْ كُنْتَ لَهَا مِنَ الْعَامِلِينَ ، مَعَ آبَائِكَ آدَمَ وَإِبْرَاهِيمَ ، فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ، لَا تَبْغِي بِهَا يَدْلًا وَلَا تَحْوِيلًا . كَذَلِكَ أَفْعَلُ بِالْمُتَّقِينَ . (٣) ٦ / ٦ تَمَثَّلُ الْجَنَّةُ صَحِيحُ الْبَخَارِيِّ عَنْ أَنَسٍ : صَلَّى لَنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ رَفَعِيَ الْمِئْبَرِ ، فَأَشَارَ بِيَدَيْهِ قَبْلَ قِبْلَةِ الْمَسْجِدِ ، ثُمَّ قَالَ : لَقَدْ رَأَيْتُ الْآنَ مُنْذُ صَلَّيْتُ لَكُمْ الصَّلَاةَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ ، مُمَثَّلَتَيْنِ فِي قِبْلَةِ هَذَا الْجِدَارِ ، فَلَمْ أَرَ كَالْيَوْمِ فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ ثَلَاثًا . (٤) .

١- سلوتُ عنه : صَبَرْتُ عَنْهُ (مجمع البحرين : ج ٢ ص ٨٧٤ «سلا») .

٢- الكافي : ج ٢ ص ٥٠ ح ١ عن جابر ، نهج البلاغه : الحكمه ٣١ ، الأمالى للمفيد : ص ٢٧٧ ح ٣ عن قبيصة بن جابر الأسدي ، الخصال : ص ٢٣١ ح ٧٤ عن الأصبغ بن نباته ، تحف العقول : ص ١٦٤ كلها من دون إسنادٍ إلى الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٣٤٨ ح ١٧ .

٣- الكافي : ج ٨ ص ١٣١ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط ، تحف العقول : ص ٤٩٧ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٢٩٣ .

٤- صحيح البخاري : ج ١ ص ٢٦١ ح ٧١٦ و ج ٥ ص ٢٣٧٤ ح ٦١٠٣ نحوه ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٥١٥ ح ١٣٧٢٠ ، كنز العمال : ج ١١ ص ٤١٠ ح ٣١٩١٨ .

امام باقر علیه السلام: از امیر مؤمنان علیه السلام در باره ایمان پرسیدند . فرمود : «خدای عز و جل ، ایمان را بر چهار پایه نهاد : بر شکیب و یقین و داد و جهاد . شکیب نیز بر چهار شاخه است : شوق و ترس و زهد و انتظار . کسی که مشتاق بهشت باشد ، در برابر شهوت ها شکیبایی می کند . کسی که از آتش بترسد ، از حرام ها دست می دارد . کسی که به دنیا زهد ورزد ، [سختی ها و] مصیبت ها بر او آسان می شوند ، و کسی که منتظر مرگ باشد ، در کارهای نیک می کوشد». الکافی به نقل از اهل بیت علیهم السلام : از اندرزهای خدای عز و جل به عیسی علیه السلام این بود که : «... ای پسر مریم! اگر دیدگانت آنچه را که برای دوستان شایسته ام آماده ساخته ام ، می دید ، از شوق ، دلت آب می شد و جانت به لب می آمد . هیچ سرایی ، چون سرای آخرت نیست . در آن جا همه پاکان جمع اند و فرشتگان مقرب ، بر آنان وارد می شوند و از هراس های قیامت ، در امان اند . سرایی است که در آن ، نعمت ها به غیر نعمت ، بدل نمی شوند و از اهل آن سرای ، زوال نمی یابند .

ای پسر مریم! برای چنین سرایی ، با دیگر کوشندگان ، به شوق در کوش ، که آن ، آرزوی آرزومندان است و خوش منظر است . خوشا به حال تو ای پسر مریم ، اگر از عمل کنندگان برای آن باشی ، همراه با پدرانت ، آدم و ابراهیم ، در بهشت ها و نعمت هایی که هرگز جایگزین و تغییری برای آنها نخواهی خواست ! من با پرهیزگاران ، چنین می کنم». ۶ / ۶ مجسم شدن بهشت صحیح البخاری به نقل از انس : با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز جماعت خواندیم . سپس ایشان بر منبر رفت و با دستانش به سوی قبله مسجد اشاره کرد و آن گاه فرمود : «از آن گاه که با شما نماز خواندم ، تا کنون ، بهشت و دوزخ را می بینم که در پهنه این دیوار ، مجسم شده اند . تا کنون روزی چنین ، در نیکی و بدی ، ندیده ام» و این را سه بار فرمود .

صحيح مسلم عن أنس: بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ أَصْحَابِهِ شَيْءٌ، فَخَطَبَ فَقَالَ: عُرِضَتْ عَلَيَّ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ، فَلَمْ أَرَ كَالْيَوْمِ فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ، وَلَوْ تَعَلَّمُونَ مَا أَعَلَّمْتُ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا.

قَالَ: فَمَا أَتَى عَلَى أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمٌ أَشَدُّ مِنْهُ. قَالَ: غَطَّوْا رُؤُوسَهُمْ وَلَهُمْ خَنِينٌ (١). (٢).

-
- ١- الخَنِينُ: ضَرْبٌ مِنَ الْبُكَاءِ دُونَ الْإِنْتِحَابِ (النهاية: ج ٢ ص ٨٥ «خن»). .
 - ٢- صحيح مسلم: ج ٤ ص ١٨٣٢ ح ١٣٤، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٢٥ ح ١٢٦٥٩ نحوه، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٣٣٨ ح ١١١٥٤، فتح الباري: ج ٨ ص ٢٨١، كنز العمال: ج ١١ ص ٤٢١ ح ٣١٩٧٥.

صحیح مسلم به نقل از انس : به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از یارانش چیزی رسید . پس به خطبه ایستاد و فرمود : «بهشت و دوزخ بر من نمایان شدند . روزی چنین در نیک و بد ، ندیده بودم . اگر آنچه را من می دانم ، شما می دانستید ، هر آینه کمتر می خندیدید و بیشتر می گریستید» .

بر یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، روزی سخت تر از آن روز نگذشت . آنان سرهایشان را پوشاندند و حق حق کنان گریستند . .

الفصل السابع: مبادئ دخول الجنة ٧ / اَرْحَمَهُ اللّٰهُ الْكِتَابِ «وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللّٰهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (١)

«يُسَبِّحُ هُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةِ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ * خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ». (٢)

«وَلَوْ لَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ». (٣)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يدخل الجنة رجل إلا برحمته الله عز وجل . (٤)

١- آل عمران: ١٠٧ .

٢- التوبة: ٢١ .

٣- النور: ١٤ .

٤- الاعتقادات: ص ٦٩ ، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٢٥١ ح ٩ ؛ صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٧٣ ح ٦١٠٢ عن عائشه ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٠٤ ح ١١٤٨٦ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٢٨١ ح ٨٩٢ ، مسند ابن الجعد: ص ٢٩٥ ح ٢٠٠٣ والثلاثة الأخير عن أبي سعيد الخدرى وكلها نحوه ، كنز العمال: ج ٤ ص ٢٥٤ ح ١٠٤٠٧ .

فصل هفتم: عوامل بهشتی شدن

۷ / ۱ رحمت خدا

فصل هفتم: عوامل بهشتی شدن ۷ / ۱ رحمت خدا قرآن «و اما آنان که رخسارهایشان سپید است ، در رحمت خدایند و در آن ، جاویدان اند.»

«پروردگارشان ، آنان را به رحمتی از جانب خویش ، و خشنودی و باغ هایی که در آنها نعمت هایی پایدار دارند ، مژده می دهد . در آنها جاودانه و همیشگی خواهند بود . خداست که نزد او ، پاداشی بزرگ است.»

«و اگر فضل خدا و رحمت او در دنیا و آخرت بر شما نبود ، قطعاً به عنوان آنچه در آن به دخالت پرداختید ، به شما عذابی بزرگ می رسید.»

حدیث امام صادق (ع) فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ کس به بهشت نمی رود ، مگر با رحمت خدای عز و جل .

صحيح مسلم عن أبي هريره: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ يُدْخِلُهُ عَمَلُهُ الْجَنَّةَ . فَقِيلَ: وَلَا أَنْتَ ، يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: وَلَا- أَنَا، إِلَّا أَنْ يَتَّعَمِدَنِي رَبِّي بِرَحْمَةٍ . (١) رسول الله صلى الله عليه وآله قال: قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: لَا يَتَّكِلُ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ النَّبِيَّ يَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِي ، فَإِنَّهُمْ لَوْ اجْتَهَدُوا وَاتَّعَبُوا أَنْفُسَهُمْ (أَعْمَارَهُمْ) فِي عِبَادَتِي ، كَانُوا مُقْصِرِينَ غَيْرَ بِالْغَيْنِ فِي عِبَادَتِهِمْ كُنْهَ عِبَادَتِي فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي مِنْ كَرَامَتِي ، وَالنَّعِيمِ فِي جَنَاتِي ، وَرَفِيعِ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي جَوَارِي ، وَلَكِنْ بِرَحْمَتِي فَلْيَتَّقُوا ، وَفَضْلِي فَلْيَرْجُوا ، وَإِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِي فَلْيَطْمَئِنُّوا ، فَإِنَّ رَحْمَتِي عِنْدَ ذَلِكَ تُدْرِكُهُمْ ، وَمَنِّي يُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِي ، وَمَغْفِرَتِي تُبَلِّسُهُمْ عَفْوِي ، فَإِنِّي أَنَا اللهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَبِذَلِكَ تَسَمَّيْتُ . (٢) عنه صلى الله عليه وآله: تَحَاجَّتِ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ ، فَقَالَتِ النَّارُ: أَوْثَرْتُ بِالْمُتَكَبِّرِينَ وَالْمُتَجَبِّرِينَ . وَقَالَتِ الْجَنَّةُ: مَا لِي لَا يَدْخُلْنِي إِلَّا ضِعْفَاءُ النَّاسِ وَسَيَقُطُّهُمْ (٣)؟! قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْجَنَّةِ: أَنْتِ رَحْمَتِي ؛ أَرْحَمُ بِكَ مِنْ أَشَاءِ مِنْ عِبَادِي ، وَقَالَ لِلنَّارِ: إِنَّمَا أَنْتِ عِذَابِي ؛ أَعِذُّ بِكَ مِنْ أَشَاءِ مِنْ عِبَادِي ، وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مَلَأُهَا . (٤) عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللهُ تَعَالَى خَلَقَ الرَّحْمَةَ يَوْمَ خَلَقَهَا مِثَّةَ رَحْمَةٍ ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعًا وَتِسْعِينَ رَحْمَةً وَأَرْسَلَ فِي خَلْقِهِ كُلِّهِمْ رَحْمَةً وَاحِدَةً ، فَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ بِكُلِّ الَّذِي عِنْدَ اللهِ مِنَ الرَّحْمَةِ لَمْ يَيْأَسَ مِنَ الْجَنَّةِ ، وَلَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ الَّذِي عِنْدَ اللهِ مِنَ الْعَذَابِ لَمْ يَأْمَنْ مِنَ النَّارِ . (٥) .

- ١- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٦٩ ح ٧٢، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢١٧ ح ٨٣٣٨، المعجم الكبير: ج ٧ ص ٣٠٩ ح ٧٢٢١ عن شريك بن طارق، كنز العمال: ج ١ ص ٢٥٣ ح ١٢٧٧؛ الأمل للشيخ المرتضى: ج ٢ ص ٢٠، بحار الأنوار: ج ٧ ص ١١ .
- ٢- الكافي: ج ٢ ص ٧١ ح ١، الأمل للطوسي: ص ٢١٢ ح ٣٦٨، كنز الفوائد: ج ١ ص ٢٢٣، التمهيد: ص ٥٧ ح ١١٥ كلها عن أبي عبيد الحذاء عن الإمام الباقر عليه السلام، عده الداعي: ص ٢٢٣، مشكاة الأنوار: ص ٥٤٠ ح ١٨١٣ كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٣٨٥ ح ٤٥.
- ٣- سَقَطُهُمْ: أَرَادِلُهُمْ وَأَذْوَانُهُمْ (النهاية: ج ٢ ص ٣٧٨ «سقط»).
- ٤- صحيح البخاري: ج ٤ ص ١٨٣٦ ح ٤٥٦٩ و ج ٦ ص ٢٧١١ ح ٧٠١١، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٨٦ ح ٣٤، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١١٠ ح ٧٧٢٢، الأمد المفرد: ص ١٦٨ ح ٥٥٤ كلها عن أبي هريره والأربعة الأخرى نحوه وراجع: سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٩٤ ح ٢٥٦١.
- ٥- صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٧٤ ح ٦١٠٤، المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٧٤ ح ٤٧١١ كلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٤ ص ٢٥١ ح ١٠٣٩٢ .

صحیح مسلم به نقل از ابو هریره : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «هیچ کس نیست که کردارش او را به بهشت برد» .

گفته شد : حتی شما ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «حتی من ، مگر آن که رحمت پروردگارم مرا در بر گیرد» . ۱. قال الرضا(ع): پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بزرگ و والا فرمود : «آنان که برای پاداش من کار می کنند ، نباید به کردارهای خویش تکیه کنند ؛ زیرا اگر همه عمرشان را در عبادت من بکوشند و خویشتن را به زحمت اندازند ، باز تقصیر کرده اند و در عبادتشان به عمق بندگی من ، و کرامت من و نعمت های باغ های بهشتم و درجات بلند در جوارم که از من می طلبند ، نمی رسند ؛ بلکه تنها به رحمت من باید اعتماد کنند و به فضل من ، امید داشته باشند و به گمان نیک داشتن به من ، دل ببندند . در این صورت است که رحمت به ایشان می رسد ، و لطفم ، آنان را به خشنودی ام می رساند ، و آمرزشم جامه گذشتم را بر ایشان می پوشاند ؛ چرا که من خدای مهرگستر مهربانم و بدین نامیده شده ام» . ۲. عن الباقر(ع) قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت و دوزخ با یکدیگر به گفتگو پرداختند . دوزخ گفت : من به بزرگان و پادشاهان ، اختصاص داده شده ام .

بهشت گفت : من چه ، که جز مردمان بینوا و فرودست ، وارد نمی شوند؟!

خدای بزرگ و والا-، به بهشت فرمود : «تو رحمت من هستی . با تو بر هر کس از بندگانم که بخواهم ، رحم می آورم» و به دوزخ فرمود : «تو عذاب من هستی . با تو هر یک از بندگانم را که بخواهم ، عذاب می کنم» .

هر دوی آنها پُر می شوند . ۳. قلت لأبی جعفر(ع): پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای بلندمرتبه ، روزی که رحمت را آفرید ، آن را صد رحمت آفرید . پس نود و نه رحمت را نزد خود نگه داشت و یک رحمت را برای همه مخلوقاتش فرستاد . بنا بر این ، اگر کافر از همه رحمتی که نزد خداست ، آگاه بود ، از بهشت نومید نمی شد و اگر مؤمن از همه عذابی که نزد خداست ، آگاه بود ، خود را از آتش در امان نمی پنداشت . .

عنه صلى الله عليه و آله :سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ . (١)الإمام على عليه السلام :تَاللَّهِ لَوْ انمأثت (٢) قُلُوبُكُمْ انمياثا ، وَسَأَلْت مِّن رَّهِيَّةِ اللَّهِ عُيُوتَكُمْ دَمَا ، ثُمَّ عُمِّرْتُمْ عُمُرَ الدُّنْيَا عَلَى أَفْضَلِ اجْتِهَادٍ وَعَمَلٍ ، مَا جَزَتْ أَعْمَالُكُمْ حَقَّ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ، وَلَا اسْتَحَقَّقْتُمُ الْجَنَّةَ بِسَوَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَمَنِّهِ عَلَيْكُمْ . (٣)الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعَائِهِ فِي الشُّكْرِ : فَسُبْحَانَكَ! مَا أَبْيَنَ كَرَمِيكَ فِي مُعَامَلِهِ مَن أَطَاعِيكَ أَوْ عَصَاكَ ... وَلَوْ كَافَأَتِ الْمُطِيعَ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَأَوْشَكَ أَنْ يَفْقِدَ ثَوَابَكَ ، وَأَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُكَ ، وَلِكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَارِيَتُهُ عَلَى الْمِيدَةِ الْقَصِيرَةِ الْفَائِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ ، وَعَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الزَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ الْبَاقِيَةِ . (٤)الإمام الباقر عليه السلام :إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ : أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي ، وَانجُوا مِنَ النَّارِ بِعَفْوِي ، وَتَقَسَّمُوا الْجَنَّةَ بِأَعْمَالِكُمْ ، فَوَعَزَّتِي لِأَنْزَلْتَكُمْ دَارَ الْخُلُودِ وَدَارَ الْكَرَامَةِ .

فَإِذَا دَخَلُوهَا صَارُوا عَلَى طُولِ آدَمَ سِتِّينَ ذِرَاعًا ، وَعَلَى مَلَدِ (٥) عَيْسَى ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سِنَةً ، وَعَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ الْعَرَبِيِّ ، وَعَلَى صُورِهِ يُوسُفَ فِي الْحُسْنِ ، ثُمَّ يَعْلُو وَجُوهُهُمُ النُّورُ ، وَعَلَى قَلْبِ أَيُّوبَ فِي السَّلَامَةِ مِنَ الْغَلِّ . (٦) .

- ١- الإقبال : ج ٢ ص ٥٦ عن ابن مسعود ، المصباح للكفعمي : ص ٨٧٦ ، الدروع الواقيه : ص ١١٢ عن الإمام الصادق عليه السلام ، البلد الأمين : ص ٦١ عن الإمام العسكري عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٧٦ ح ٤٥ ؛ الدعاء للطبراني : ص ٢٧٤ ح ٨٧٦ ، المعجم الكبير : ج ١٠ ص ٢٢٨ ح ١٠٥٥٤ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ١٣٣ ح ١ كلّها عن ابن مسعود ، كنز العمال : ج ٥ ص ٧٥ ح ١٢١١١ .
- ٢- مَاتَ الْمِلْحَ فِي الْمَاءِ : أَذَابَهُ ، وَكَذَلِكَ الطِّينَ ، وَقَدْ انْمَأَثَ (لسان العرب : ج ٢ ص ١٩٢ «ميث»).
- ٣- مصباح المتهجد : ص ٦٦٤ ح ٧٣٠ عن عبد الله بن جندب عن أبيه ، فتح الأبواب : ص ١٦٩ ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ١٠٠ ح ٤ وراجع : كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥٢٠ ح ١٤٨٤ .
- ٤- الصحيفه السّجاديّه : ص ١٤٤ الدعاء ٣٧ ، المصباح للكفعمي : ص ٥٤٥ .
- ٥- الْمَلْدُ : الشَّبَابُ وَنِعْمَتُهُ (لسان العرب : ج ٣ ص ٤١٠ «ملد»).
- ٦- الاختصاص : ص ٣٥٦ عن جابر ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٢١٨ ح ٢٠٧ .

... ثم قال لی رسول الله (ص): پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پاکا خدایی که رحمتش در بهشت است !... فاقما ما اقلت: امام علی علیه السلام : به خدا سوگند که اگر دل هایتان یکسره آب شود و از ترس خدا چشمانتان خون بیارد ، سپس به اندازه عمر دنیا عمر کنید و در همه عمر ، برترین کار و کوشش را به جای آورید ، کارهای شما حق نعمت هایی را که خدا به شما ارزانی داشته ، ادا نمی کند و سزاوار بهشت نمی شوید ، جز با رحمت خدا و نعمتش بر شما . امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در شکرگزاری : پاکا تو! وه که چه آشکار است بزرگواری تو در رفتار با آن که فرمانت می برد یا نافرمانی ات می کند ... ! اگر فرمان بردار را به مقتضای کردارش که تو خود ، عهده دار آن بوده ای پاداش می دادی ، دیری نمی پایید که پاداش تو را از دست می داد و نعمت تو از او زایل می گشت ؛ لیکن تو به بزرگواری خویش ، در برابر عمری کوتاه و فانی [که عبادت کرد] ، عمری دراز و جاویدان ، و به ازای مقصدی نزدیک و به سرآمدنی ، مقصدی گسترده و ماندگار ، پاداشش دادی . ۱. عبد الواحد آمدی در غرر الحکم از امام علی حدیثی آ امام باقر علیه السلام : پروردگار بزرگ و والا ، می فرماید : «با رحمت من ، به بهشت وارد شوید و با بخشایش من ، از آتش برهید و با کردار هایتان ، بهشت را قسمت کنید . به عزتم سوگند که شما را در سرای جاودانگی و خانه کرامت ، جای می دهم» .

و آن گاه که به بهشت وارد می شوند ، به قامت آدمی شصت گزند و چونان عیسی ، سی و سه ساله اند و به زبان محمّد ، عربی ، سخن می گویند و به زیبایی یوسف اند . آن گاه نور ، چهره هایشان را فرو می گیرد ، در حالی که دل هایشان چونان دل ایوب ، از کینه صاف است . .

٧ / ٢ العقل^٣. سليمان بن ابراهيم قندوزى حنفى (م ١٢٢٠ق) پس از نقل رسول الله صلى الله عليه و آله فى وصيته لعل عليه السلام : الْعَقْلُ مَا اِكْتَسَبْتَ بِهِ الْجَنَّةَ ، وَطَلَبَ بِهِ رِضَى الرَّحْمَنِ . (١) ٤. مستدرک سفینه البحار و إحقاق الحقّ از ابن عباس از عنه صلى الله عليه و آله : كَمِ مِنْ عَاقِلٍ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَمْرَهُ ، وَهُوَ حَقِيرٌ عِنْدَ النَّاسِ ذَمِيمٌ الْمَنْظَرِ يَنْجُو غَدَاً! وَكَمْ مِنْ ظَرِيفٍ اللِّسَانِ جَمِيلِ الْمَنْظَرِ عِنْدَ النَّاسِ يَهْلِكُ غَدَاً فِي الْقِيَامَةِ! (٢) امام على (ع) شبى دستم را گرفت و به سوى بقیع برد، فربیع الأبرار عن أنس : قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، الرَّجُلُ يَكُونُ حَسَنَ الْعَقْلِ كَثِيرَ الذُّنُوبِ؟ قَالَ : مَا مِنْ آدَمِيٍّ إِلَّا وَلَهُ ذُنُوبٌ وَخَطَايَا يَقْتَرِفُهَا، فَمَنْ كَانَتْ سَيِّئَاتِهِ الْعَقْلَ وَغَرِيظَتُهُ الْيَقِينَ لَمْ تَضُرَّهُ ذُنُوبُهُ. قِيلَ : كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : لِأَنَّهُ كُلَّمَا أَخْطَأَ لَمْ يَلْبَثْ أَنْ تَدَارَكَ ذَلِكَ بِتَوْبِهِ وَنَدَامِهِ عَلَى مَا كَانَ مِنْهُ، فَيَمْحُو ذُنُوبَهُ، وَيَبْقَى لَهُ فَضْلٌ يَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ. (٣) .

- ١- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٦٩ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٣٢ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٥٩ ح ٣ .
- ٢- . الأمالى للطوسى : ص ٣٩٣ ح ٨٦٨ عن ابن عمر ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٧٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٢٩٠ ح ٢٦ ؛ ذيل تاريخ بغداد : ج ٥ ص ٤٥ الرقم ١١٥٦ ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٥٤ ح ٥٩٤٠ نقلاً عن شعب الإيمان و كلاهما عن ابن عمر .
- ٣- . ربیع الأبرار : ج ٣ ص ١٣٧ ، شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج ٢٠ ص ٤٠ ؛ تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٦٢ وليس فيه ذيله .

۷ / ۲ خرد ۷. سلیمان بن ابراهیم حنفی از امام حسین (ع): پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش هایش به امام علی علیه السلام : خرد ، آن چیزی است که با آن ، بهشت به دست می آید و به آن ، خشنودی خدای مهربان ، طلب می شود. ۸. سلیمان بن ابراهیم حنفی می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای بسا خردمندِ خداشناسی که در نزد مردم ، خرد و زشت روی است ؛ اما فردا [ی قیامت] نجات می یابد! و ای بسا شیرین گفتار خوب روی در نزد مردم که فردای قیامت ، هلاک می شود! ۱. ربیع الأبرار به نقل از انس : گفته شد : ای پیامبر خدا ! آیا می شود که مردی خوش خرد ، اما پرگناه باشد؟

فرمود : «هیچ آدمی نیست ، مگر آن که مرتکب گناه و خطا می شود . پس ، آن که سرشتی با خرد و نهادی توأم با یقین داشته باشد ، گناهانش به او گزندی نمی رسانند» .

گفته شد : چگونه ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «زیرا هر بار که گناهی کند ، بی درنگ ، با توبه و پشیمانی از کردارش ، آن را جبران می کند . پس گناهش پاک می شود و برایش فضیلتی می ماند که به سبب آن به بهشت می رود» .

١. الإمام علي عليه السلام: لَقَدْ سَبَقَ إِلَى جَنَاتِ عَدْنٍ أَقْوَامٌ مَا كَانُوا أَكْثَرَ النَّاسِ لَا صَوْمًا وَلَا صِيْلَةً وَلَا حَجًّا وَلَا اعْتِمَارًا، وَلَكِنَّهُمْ عَقَلُوا عَنِ اللَّهِ مَوَاعِظَهُ. (١) ١. بخشى از خطبه اول امام على (ع) موسوم به «فى اخلاص الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَانَ عَاقِلًا خُتِمَ لَهُ بِالْجَنَّةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ». (٢) ٢. بخشى از سخنان امام صادق (ع) تحت عنوان «صفه الخروج الكافى عن محمد بن عبد الجبار عن بعض أصحابنا رفعه إلى الإمام الصادق عليه السلام: قُلْتُ لَهُ: مَا الْعَقْلُ؟ قَالَ: مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَاكْتَسِبَ بِهِ الْجِنَانُ. قَالَ: قُلْتُ: فَالَّذِي كَانَ فِي مُعَاوِيَةَ؟ فَقَالَ: تِلْكَ التَّكْرَاءُ، تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ، وَهِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَلَيْسَتْ بِالْعَقْلِ. (٣) ٣ / ٧ الْعِلْمُ وَالْحِكْمَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ الْعِلْمَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (٤) ١. امام على (ع) در عهدنامه مالک اشتر: عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْعُلَمَاءَ فَقَالَ: إِنِّي لَمْ أَسْتَوْدِعْ حِكْمَتِي قُلُوبِكُمْ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أُعَذِّبَكُمْ، أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ. (٥) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ. (٦).

- ١- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢١٣؛ الفردوس: ج ٤ ص ٣٦٠ ح ٧٠٣٥، كنز العمال: ج ٣ ص ١٤٩ ح ٥٩١٦.
- ٢- ثواب الأعمال: ص ٢٩ ح ١ عن الفضل بن عثمان، بحار الأنوار: ج ١ ص ٩١ ح ١٩.
- ٣- الكافي: ج ١ ص ١١ ح ٣، معانى الأخبار: ص ٢٣٩ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ٣١٠ ح ٦١٣، بحار الأنوار: ج ١ ص ١١٦ ح ٨.
- ٤- جامع الأخبار: ص ١١٠ ح ١٩٥ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٧٨ ح ٦٠.
- ٥- كنز العمال: ج ١٠ ص ١٧٢ ح ٢٨٨٩٤ نقلًا عن تاريخ ابن عساكر عن أبي أمامه ورواه، تفسير الألوسى: ج ٢٨ ص ٢٩ عن ابن مسعود نحوه.
- ٦- الكافي: ج ١ ص ٣٤ ح ١ عن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالى للصدوق: ص ١١٦ ح ٩٩ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٦٤ ح ٢؛ سنن أبى داود: ج ٣ ص ٣١٧ ح ٣٦٤١، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٦٧ ح ٢١٧٧٤ كلاهما عن أبى الدرداء، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٤٦ ح ٢٨٧٤٦.

۳ / ۷ دانش و فرزاندگی

امام علی علیه السلام: کسانی به سوی بهشت های جاویدان شتافتند که نه در روزه و نه در نماز و نه در حج و نه در عمره ، بالاترین مردم نبودند ؛ بلکه اندرزهای خدا را به گوش خرد نیوشیدند .۲. سخنان امام صادق (ع) در «صفه الخروج من الایمان»: امام صادق علیه السلام: کسی که خردمند باشد ، به خواست خدا ، عاقبت به بهشت می رود . الکافی به نقل از محمد بن عبد الجبار ، از یکی از شیعیان ، در حدیثی که سند آن را به امام صادق علیه السلام رسانده است : به امام صادق علیه السلام گفتم : خرد چیست؟

فرمود : «آن چیزی که خدای مهربان ، بدان عبادت و بهشت به دست آورده می شود» .

گفتم : پس آنچه در معاویه بود [، چه بود]؟

فرمود : «آن ، خباثت است . آن ، شیطنت است . آن ، شبیه خرد است ؛ اما خرد نیست» .۳ / ۷ دانش و فرزاندگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دوستدار دانش باشد ، بهشت بر او واجب می شود . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون روز قیامت شود ، خداوند ، دانشمندان را گرد می آورد و می فرماید : «من حکمت (فرزاندگی) خویش را در دل های شما نهادم که بخواهم عذابتان کنم . به بهشت وارد شوید» .۴. سخنان امام صادق (ع) ، نثر الدرر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس برای طلب دانشی گام در راهی نهد ، خداوند ، او را به بهشت می برد .

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ . (١) عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ رَجُلٍ يَعْلَمُ كَلِمَةً أَوْ كَلِمَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا أَوْ أَرْبَعًا أَوْ خَمْسًا ، مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَيَعْلَمُهُنَّ وَيُعَلِّمُهُنَّ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٢) ٥. سخنان امام حسن عسكري (ع)، قصار ٢: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا ، قِيلَ لَهُ : أَدْخَلَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شِئْتَ . (٣) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَدَّى إِلَى أُمَّتِي حَدِيثًا يُقَامُ بِهِ سُنَّةٌ أَوْ يُتْلَمُ بِهِ بِدْعَةٌ ، فَلَهُ الْجَنَّةُ . (٤) عنه صلى الله عليه وآله: تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسَنَةٌ ، وَمُدَارَسَتَهُ تَسْوِيحٌ ، وَالْبَحْثُ عَنْهُ جِهَادٌ ، وَتَعْلِيمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ صِدْقَةٌ ، وَيَذَلُّهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ ، لِأَنَّ مَعَالِمَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ ، وَسَالِكِ بَطَالِيهِ سَبِيلَ الْجَنَّةِ ، وَهَوَ أُنَيْسٌ فِي الْوَحْشَةِ ، وَصَاحِبٌ فِي الْوَحْدَةِ ، وَدَلِيلٌ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ ، وَسَبَاحٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ ، وَزَيْنٌ لِلْأَخْلَاءِ ، يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا يَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ أَيْمَنَةً يُفْتَدِي بِهِمْ ، تَرْمَقُ أَعْمَالُهُمْ ، وَتُقْتَبَسُ آثَارُهُمْ ، وَتَرْغَبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خُلَّتِهِمْ ، يَمَسِّحُونَهُمْ فِي صِدْقَاتِهِمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى حَيْتَانِ الْبُحُورِ وَهَوَامِّهَا ، وَسَبَّاحُ الْبَرِّ وَأَنْعَامُهَا ، لِأَنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ ، وَنُورُ الْأَبْصَارِ مِنَ الْعَمَى ، وَقُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ ، يُنَزِّلُ اللَّهُ حَامِلَهُ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ ، وَيَمْنَحُهُ مَجَالِسَ الْأَبْرَارِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، بِالْعِلْمِ يُطَاعَ اللَّهُ وَيُعْبَدُ ، وَبِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَيُؤَخَذُ ، وَبِالْعِلْمِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ ، وَبِهِ يُعْرَفُ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ ، وَالْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ السُّعْدَاءَ وَيَحْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءَ . (٥) .

- ١- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٤ ح ٣٨ ، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٢٨ ح ٢٦٤٦ ، سنن الدارمى: ج ١ ص ١٠٥ ح ٣٥٠ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ١٦٥ ح ٣٠٠ ، سنن ابی داود: ج ٣ ص ٣١٧ ح ٣٦٤٣ کلها عن أبی هريره ، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٨١ ح ٢٢٣ عن أبی الدرداء وكلاهما نحوه ، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٣٩ ح ٢٨٦٩٩ ؛ منیه المرید: ص ١٠٤ .
- ٢- حلیه الأولیاء: ج ٢ ص ١٥٩ ، فتح الباری: ج ١ ص ٢١٥ ، تاریخ دمشق: ج ٦٧ ص ٣٢٩ ح ١٣٦١١ ، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٦٦ ح ٢٨٨٦١ نقلاً عن ابن النجار وکلها عن أبی هريره .
- ٣- حلیه الأولیاء: ج ٤ ص ١٨٩ عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال: ج ١٠ ص ٢٢٥ ح ٢٩١٨٦ .
- ٤- منیه المرید: ص ٣٧١ ، جامع الأخبار: ص ٥١١ ح ١٤٣٠ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٢ ص ١٥٢ ح ٤٣ ؛ حلیه الأولیاء: ج ١٠ ص ٤٤ عن ابن عباس ، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٥٨ ح ٢٨٨١٥ .
- ٥- الخصال: ص ٥٢٢ ح ١٢ عن الإمام علی عليه السلام ، تحف العقول: ص ٢٨ ، الأمالی للصدوق: ص ٧١٣ ح ٩٨٢ عن الأصغر بن نباته عن الإمام علی عليه السلام ، روضه الواعظین: ص ١٣ عن الإمام علی عليه السلام وکلها نحوه ، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٦٦ ح ٧ .

حدیثا محمد بن موسی بن المتوکل - رحمه الله - قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای جستجوی دانشی گام در راهی نهد، خداوند بدان وسیله راه بهشت را برایش هموار می کند. یونس بن ظبیان گوید که حضرت صادق (ع) فرمود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مردی نیست که یک کلمه یا دو کلمه یا سه یا چهار یا پنج کلمه از آنچه خدای عز و جل واجب کرده است، بداند و آنها را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد، مگر آن که به بهشت می رود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چهل حدیث برای امت من نگهداری کند که خداوند به واسطه آنها امتم را سود رساند، به او گفته می شود: از هر در بهشت که می خواهی، وارد شو. این حدیث با سند صحیح در تفسیر علی بن ابراهیم آمده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به امت حدیثی برساند که با آن، سنتی برپا شود یا بدعتی در هم شکسته شود، جایش بهشت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانش بیاموزید؛ چرا که آموختن دانش، کار نیک است و مباحثه اش، تسبیح [خدا] و جستجو کردن آن، جهاد و آموختنش به کسی که آن را نمی داند، صدقه و بخشیدنش به اهل آن، مایه نزدیکی [به خدا]؛ زیرا دانش، وسیله شناخت حلال و حرام است و جوینده خود را به راه بهشت می برد و همدم بی کسی و یار تنهایی و راه نما در خوشی و ناخوشی، و حربه ای در برابر دشمنان، و زیور دوستان است.

خداوند به سبب دانش، مردمانی را بالا می برد و آنان را در خوبی ها پیشوا قرار می دهد و دیگران به آنان اقتدا می کنند و به کارهای آنان می نگرند و از رفتارشان الگو می گیرند و فرشتگان به دوستی با آنان مشتاق می شوند و در نمازشان بال های خود را بر سر ایشان می کشند و همه موجودات، حتی ماهیان و خزندگان دریاها و درندگان و چرندگان بیابان، برایشان آموزش می طلبند؛ چرا که دانش، مایه حیات دل ها، و روشنایی دیدگان در برابر کوری، و نیروی بدن ها در برابر ناتوانی است. خداوند، دارنده دانش را در دنیا و آخرت در جایگاه خوبان جای می دهد و مجالست با نیکان را ارزانی اش می دارد.

در سایه دانش است که خدا فرمانبری و بندگی می شود و با دانش است که خدا شناخته و دریافت می شود. با دانش است که صله ارحام می شود. با دانش است که حلال و حرام، شناخته می شوند. دانش، راهبر کردار است و کردار، پیرو آن است. خداوند، دانش را به نیک بختان عطا کند و شوربختان را از آن، محروم سازد!.

عنه صلى الله عليه وآله: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فِي مَظَانِهِ (١)، وَاقْتَبِسُوهُ مِنْ أَهْلِهِ، فَإِنَّ تَعَلَّمَهُ لِلَّهِ حَسَنَةٌ، وَطَلَبَهُ عِبَادَةٌ، وَالْمِذَاكِرَةُ فِيهِ تَسْبِيحٌ، وَالْعَمَلُ بِهِ جِهَادٌ، وَتَعْلِيمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ صِدْقَةٌ، وَيَذَلُّهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَمَنَارُ سُبُلِ الْجَنَّةِ، وَالْمِؤْنَسُ فِي الْوَحْشَةِ، وَالصَّاحِبُ فِي الْغُرْبَةِ وَالْوَحْدَةِ، وَالْمَحْدَثُ فِي الْخَلْوَةِ، وَالِدَلِيلُ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَالسَّلَاحُ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَالزَّيْنُ عِنْدَ الْأَخْلَاءِ.

يَرْفَعُ إِلَيْهِ أَقْوَامًا فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةً، تُقْتَبَسُ آثَارُهُمْ، وَيُهْتَدَى بِفِعَالِهِمْ، وَيُنْتَهَى إِلَى آرَائِهِمْ، تَرَعَّبَ الْمَلَائِكَةُ فِي حُلَّتِهِمْ، وَبِأَجْنِحَتِهَا تَمَسُّهُمْ، وَفِي صَلَاتِهَا تُبَارِكُ عَلَيْهِمْ، يَسْتَغْفِرُ لَهُمْ كُلُّ رَطْبٍ وَيَابِسٍ، حَتَّى حَيْتَانِ الْبَحْرِ وَهَوَامُّهُ، وَسِبَاعُ الْبَرِّ وَأَنْعَامُهُ.

إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ، وَضِيَاءُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمَةِ، وَقُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ، يَبْلُغُ بِالْعَبْدِ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ، وَمَجَالِسَ الْأَبْرَارِ، وَالذَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، الذِّكْرُ فِيهِ يَعْدِلُ بِالصِّيَامِ، وَمُدَارَسَتُهُ بِالْقِيَامِ، بِهِ يُطَاعُ الرَّبُّ وَيُعْبَدُ، وَبِهِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ، وَيُعْرَفُ الْحَلَالُ مِنَ الْحَرَامِ، الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ، يَلْهَمُ بِهِ السُّعْدَاءُ، وَيُحَرِّمُهُ الْأَشْقِيَاءُ، فَطُوبَى لِمَنْ لَمْ يَحْرِمَهُ اللَّهُ مِنْهُ حَظَّهُ. (٢).

١- الْمَظَانُ: جَمْعُ مَظَنَةٍ، وَهِيَ مَوْضِعُ الشَّيْءِ وَمَعْدِنُهُ (النِّهَايَةُ: ج ٣ ص ١٦٤ «ظنن»).

٢- الْأُمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص ٤٨٨ ح ١٠٦٩، عَدَّةُ الدَّاعِي: ص ٦٣ كِلَاهِمَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، مِنْهُ الْمُرِيدُ: ص ١٠٨ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ صَالِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ١ ص ١٧١ ح ٢٤.

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فراگیری دانش، وظیفه هر مسلمانی است. پس دانش را در جایگاه های آن بجوید و آن را از اهلش فرا گیرید؛ چرا که آموختن دانش برای خدا، کار نیک است و کوشش [برای فراگیری] آن، عبادت و گفتگو در باره آن، تسبیح و به کار بستنش، جهاد و آموختنش به کسی که آن را نمی داند، صدقه و بخشیدن آن به اهلش، مایه نزدیکی به خدای بزرگ؛ زیرا دانش، وسیله شناخت حلال و حرام است و مناره های راه های بهشت، و مونس در بی کسی، و یار در غربت و تنهایی، و هم سخن در خلوت، و راه نما در خوشی و ناخوشی، و سلاح در برابر دشمنان و مایه آراستگی در نزد دوستان.

خداوند، مردمانی را به سبب دانش، بالا می برد و آنان را در خوبی ها پیشوا قرار می دهد، به طوری که آثارشان اقتباس می شود و از کردارشان تقلید می گردد و به آرایشان مراجعه می شود. فرشتگان به دوستی آنان، راغب می شوند و با بال هایشان آنها را نوازش می دهند و در نمازشان برایشان طلب برکت می کنند. هر تر و خشکی برای آنها آمرزش می طلبد، حتی ماهیان و خزندگان دریا و درندگان و چرندگان بیابان.

دانش، مایه حیات دل ها در برابر نادانی، و روشنایی دیدگان در برابر تاریکی، و نیروی بدن ها در برابر ناتوانی است و بنده را به جایگاه خوبان و مجالس نیکان و درجات بلند در دنیا و آخرت می رساند. سخن گفتن در باره آن، همسنگ روزه گرفتن است و مباحثه آن، برابر با شب زنده داری. با دانش است که پروردگار، فرمان برداری و بندگی می شود و با دانش است که صله ارحام به جا آورده می شود و حلال از حرام شناخته می شود. دانش، پیشوای کردار است و کردار، پیرو آن. به نیک بختان عطا می شود و تیره بختان، از آن، محروم می شوند. پس خوشا به حال کسی که خداوند، او را از بهره اش از دانش محروم نسازد!.

الإمام علي عليه السلام: مَنْ جُمِعَ فِيهِ سِتُّ خِصَالٍ مَا يَدْعُ لِلجَنَّةِ مَطْلَبًا، وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ، وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ، وَعَرَفَ الْحَقَّ فَمَاتَبَعَهُ، وَعَرَفَ الْبَاطِلَ فَأَتَقَاهُ، وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا، وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا. (١) ٧ / ٤ كَلِمَةُ التَّوْحِيدِ مَعَ شُرُوطِهَا التَّوْحِيدِ ثَمَنُ الْجَنَّةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: التَّوْحِيدُ ثَمَنُ الْجَنَّةِ. (٢) ٤. عنه صلى الله عليه وآله: ثَمَنُ الْجَنَّةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. (٣) الإمام الصادق عليه السلام: ثَمَنُ الْجَنَّةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (٤) ٥. عنه عليه السلام: قَوْلُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ثَمَنُ الْجَنَّةِ. (٥).

- ١- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٥، جامع الأخبار: ص ٢٩٦ ح ٨٠٦؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠٤، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج ٢٠ ص ٢٦٤ ح ٨٨.
- ٢- الأمل للطوسي: ص ٥٧٠ ح ١١٧٨، الأمل للشجري: ج ١ ص ٤١ كلاهما عن محمد بن علي بن الحسين بن زيد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٣ ص ٣ ح ٣؛ الفردوس: ج ٢ ص ٧٤ ح ٢٤١٥ عن أنس.
- ٣- ثواب الأعمال: ص ١٦ ح ٤، أعلام الدين: ص ٣٥٦، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٠١ ح ٣٣؛ تاريخ بغداد: ج ٧٠ ص ٨٧ الرقم ٣٥٢٣ عن الحسن بن دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله، الفردوس: ج ٢ ص ١٠٣ ح ٢٥٤٨ عن أنس.
- ٤- الكافي: ج ٢ ص ٥١٧ ح ١ عن يعقوب القمي، المحجج البيضاء: ج ٢ ص ٢٧٣.
- ٥- التوحيد: ص ٢١ ح ١٣، ثواب الأعمال: ص ١٨ ح ١٢ كلاهما عن عبيد بن زرارة، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٣ ح ٢٢١٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٦ ح ١٥.

۷ / ۴ شعارِ توحید ، با شروط آن**الف توحید ، بهای بهشت است**

امام علی علیه السلام: هر کس شش ویژگی در او جمع شده باشد ، تمام راه های رسیدن به بهشت و گریز از آتش را به دست آورده است : کسی که خدا را بشناسد و از او فرمان بَرَد ، و شیطان را بشناسد و نافرمانی اش کند ، و حق را بشناسد و از آن پیروی کند، و باطل را بشناسد و از آن دوری کند ، و دنیا را بشناسد و به دورش افکند ، و آخرت را بشناسد و در طلب آن بر آید. ۷ / ۴ شعارِ توحید ، با شروط آنالف توحید ، بهای بهشت استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :توحید ، بهای بهشت است. ۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهای بهشت ، «لا إله إلا الله» است. امام صادق علیه السلام :بهای بهشت ، «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» است . ۹. امام صادق علیه السلام :گفتارِ «لا إله إلا الله» ، بهای بهشت است.

رسول الله صلى الله عليه وآله ما جزاء من أنعم الله عز وجل عليه بالتوحيد إلاً الجنة . (١) ١٠. الإمام علي عليه السلام في قول الله عز وجل: «هَيْلُ جَزَاءِ الْإِنْسَانِ إِيَّاهُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَسَنَةٍ» (٢) : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ : مَا جَزَاءُ مَنْ أَنْعَمْتُ عَلَيْهِ بِالتَّوْحِيدِ إِلَّا الْجَنَّةُ . (٣) رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٤) ١١. عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ خُتِمَ لَهُ بِإِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ . (٥) عنه صلى الله عليه وآله : يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» حِصْنِي ، فَمَنْ دَخَلَهُ أَمِنَ مِنْ عَذَابِي . (٦) ١٢. عنه صلى الله عليه وآله : حَدَّثَنِي جَبْرِئِيلُ سَيِّدُ الْمَلَائِكَةِ قَالَ : قَالَ اللَّهُ سَيِّدُ السَّادَاتِ عَزَّ وَجَلَّ : إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا ، فَمَنْ أَقْرَبَ لِي بِالتَّوْحِيدِ دَخَلَ حِصْنِي ، وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي . (٧) .

١- التوحيد : ص ٢٢ ح ١٧ ، مشكاة الأنوار : ص ٣٧ ح ٢ كلاهما عن أحمد بن عبد الله الجويباري عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأخبار : ص ٣٩ ح ٣٠ ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ٥ ح ١٢ ؛ كنز العمال : ج ١ ص ٣٠١ ح ١٤٣٧ نقلاً عن ابن النجار عن أنس .

٢- الرحمن : ٦٠ .

٣- التوحيد : ص ٢٨ ح ٢٩ ، الأمالي للطوسي : ص ٤٢٩ ح ٩٦٠ ، الأمالي للصدوق : ص ٤٧٠ ح ٦٢٨ ، الجعفریات : ص ١٧٦ كلها عن إسماعيل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٠٥ ؛ شعب الإيمان : ج ١ ص ٣٧٢ ح ٤٢٧ عن ابن عمر عنه صلى الله عليه وآله ، تاريخ أصبهان : ج ١ ص ٢٨٠ الرقم ٤٦٨ عن أنس عنه صلى الله عليه وآله وكلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ٢ ص ٤٣ ح ٣٠٤٨ .

٤- صحيح مسلم : ج ١ ص ٥٥ ح ٤٣ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ١٥٠ ح ٤٩٨ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ١٤٤ ح ٢٤٢ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٣ ص ١٢٦ ح ١٢ ، موارد الظمان : ص ٣١ ح ٦ ، الأسماء والصفات : ج ١ ص ٢٤٢ ح ١٧٤ كلها عن عثمان ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٦ ح ١٢٣ .

٥- مستدرک الوسائل : ج ٥ ص ٣٦٥ ح ٦٠٩٨ نقلاً عن لبّ اللباب .

٦- التوحيد : ص ٢٤ ح ٢١ عن أحمد بن عباس الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، عيون أخبار الرضا : ج ٢ ص ١٣٤ ح ٢ ، الأمالي للطوسي : ص ٢٧٩ ح ٥٣٦ كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، جامع الأحاديث للقمي : ص ١٣١ عن علي بن صدقه الرقي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ٦ ح ١٤ ؛ تاريخ دمشق : ج ٥ ص ٤٦٢ عن القاسم الطائي عن أبيه عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج ١ ص ٥٢ ح ١٥٨ .

٧- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٣٥ ح ٣ عن أحمد بن محمد بن إبراهيم بن هاشم عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، كشف الغمّة : ج ٣ ص ١٩٤ عن البلاذري عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، جامع الأحاديث للقمي : ص ٢٧٢ عن أحمد بن محمد بن إبراهيم بن هاشم عن الإمام المهدي عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ١٠ ح ٢٢ ؛ كنز العمّال : ج ١ ص ٤٧ ح ١٢٧ نقلاً عن الشيرازي عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پاداش کسی که خداوند عز و جل نعمت توحید را به او ارزانی داشته است، چیزی جز بهشت نیست. ۱۳. امام علی علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل: «آیا سزای نیکی، جز نیکی است؟»: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید: «خدای عز و جل فرمود: پاداش کسی که نعمت توحید را به او داده ام، جز بهشت نیست».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که بمیرد و بداند معبودی جز خدای یکتا نیست، به بهشت می رود. ۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پایان زندگی اش به «لا إله إلا الله» ختم شود، بهشت بر او واجب می شود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل می فرماید: «لا إله إلا الله»، دژ من است. پس هر که به آن وارد شود، از عذاب من ایمن است».

۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهتر فرشتگان، جبرئیل، برایم حدیث کرد و گفت: مهتر مهتران، خدای عز و جل، فرمود: «منم من، خدا. معبودی جز من نیست. پس هر که به یگانگی من اقرار کند، به دژ من وارد شده است و هر کس به دژ من وارد شود، از عذابم در امان است»..

عنه صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَلَا يُعَذِّبُ اللَّهُ بِالنَّارِ مُوَحَّدًا أَبَدًا ، وَإِنَّ أَهْلَ التَّوْحِيدِ لَيُشْفَعُونَ فَيُشْفَعُونَ .
 (١)١٦. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ حَقٌّ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٢)٢. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»
 مُوقِنًا بِهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٣)١٧. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٤)٤. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ «لَا
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» غُرِسَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ ، مَنبَتُهَا فِي مِسْكِ أَيْضَ ، أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ ، وَأَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ التَّلْجِ ،
 وَأَطْيَبُ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ ، فِيهَا ثِمَارٌ أَمْثَالُ ثُدِي الْأَبْكَارِ ، تَعْلُو عَنْ سَبْعِينَ حُلَّةً . (٥)٤ .

- ١- التوحيد : ص ٢٩ ح ٣١ ، الأمالى للصدوق : ص ٣٧٢ ح ٤٦٩ كلاهما عن ابن عبيد ، روضه الواعظين : ص ٥١ ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ١ ح ١ .
- ٢- التوحيد : ص ٢٩ ح ٣٠ عن عثمان ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ١٠ ح ٢٠ ؛ كتر العمال : ج ١ ص ٨٣ ح ٣٤٧ نقلًا عن أبي يعلى عن عثمان .
- ٣- تاريخ بغداد : ج ٤ ص ٢٢ الرقم ١٦١٩ ، المعجم الأوسط : ج ١ ص ٢٣٨ ح ٧٧٨ ، مسند أبي يعلى : ج ٥ ص ٤٥٢ ح ٦١٩٤ كلهما عن أبي هريره ، كتر العمال : ج ١ ص ٦٢ ح ٢١٨ نقلًا عن المعجم الكبير عن معاذ .
- ٤- سنن ابى داوود : ج ٣ ص ١٩٠ ح ٣١١٦ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٥٠٣ ح ١٢٩٩ ، المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ١١٢ ح ٢٢١ ، شعب الإيمان : ج ١ ص ١٠٨ ح ٩٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٦٦ ح ٢٢١٨٨ وفيه «وجبت له» بدل «دخل» وكلها عن معاذ بن جبل ، كتر العمال : ج ١ ص ٤١٨ ح ١٧٨٠ .
- ٥- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ١٣٢ ح ٣٤٥ ، ثواب الأعمال : ص ٢٣٢ ح ١ ، الأمالى للصدوق : ص ٦٣٣ ح ٨٤٨ كلاهما عن إسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الدعوات : ص ٢٥٠ ح ٧٠٣ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ١٩٩ ح ٢٦ ؛ صحيح ابن حبان : ج ٧ ص ٢٧٢ ح ٣٠٠٤ عن أبي هريره ، المعجم الكبير : ج ١٢ ص ١٩٧ ح ١٣٠٢٤ عن ابن عباس وكلاهما نحوه ، كتر العمال : ج ١٥ ص ٥٥٨ ح ٤٢١٦٤ .
- ٦- الكافي : ج ٢ ص ٥١٧ ح ٢ ، ثواب الأعمال : ص ١٦ ح ٥ ، المحاسن : ج ١ ص ٩٨ ح ٦٧ ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٢٠١ ح ٣٤ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند به آن که مرا به حق ، نوید دهنده فرستاد ، خداوند ، هیچ یکتاپرستی را هرگز (/ برای ابد) با آتش ، عذاب نمی کند . اهل یکتاپرستی ، شفاعت می کنند و شفاعتشان پذیرفته می شود. ۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در حالی بمیرد که معتقد باشد خدا حقیقت دارد ، به بهشت می رود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس «لا- إله إلا الله» بگوید و به آن یقین داشته باشد ، به بهشت می رود. ۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که آخرین سخنش ، «لا إله إلا الله» باشد ، به بهشت می رود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : [گفتن] «لا إله إلا الله» را به مردگانتان [به هنگام جان دادن] ، تلقین کنید ؛ زیرا کسی که آخرین گفته اش «لا إله إلا الله» باشد ، به بهشت می رود. ۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس «لا- إله إلا الله» بگوید ، برایش درختی از یاقوت سرخ در بهشت کاشته می شود که ریشه اش در مشک سفیدی است ، شیرین تر از عسل و سفیدتر از برف و خوش بوتر از مشک . میوه هایی همانند پستان های دخترکان باکره دارد که از هفتاد حله برترند . .

الدعوات عن رسول الله صلى الله عليه وآله: لَقِّنُوا مَوْتَكُمْ «لا إله إلا الله»، فَإِنَّ مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ «لا إله إلا الله» دَخَلَ الْجَنَّةَ .
 قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ شِدَائِدَ الْمَوْتِ وَسَكَرَاتِهِ تَشْغَلُنَا عَنْ ذَلِكَ .

فَنَزَلَ فِي الْحَالِ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، قُلْ لَهُمْ حَتَّى يَقُولُوا الْآنَ فِي الصَّحِّهِ «لا إله إلا الله»، عِيْدَةً لِتَذْلِكَ الْوَقْتِ .
 (١) ٢٢. رسول الله صلى الله عليه وآله في قول الله عز وجل «وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا»: كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كِتَابًا ... ثُمَّ نَادَى: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ! إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي، أُعْطِيتُكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُونِي، وَغَفَرْتُ لَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْتَغْفِرُونِي، فَمَنْ لَقِينِي مِنْكُمْ يَشْهَدُ أَنْ لا إله إلا الله وَأَنَا، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَرَسُولِي، أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي . (٢) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ مَاتَ يَشْهَدُ أَنْ لا إله إلا الله وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٣) .

- ١- الدعوات: ص ٢٥٠ ح ٧٠٣، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ١٣٢ ح ٣٤٥، ثواب الأعمال: ص ٢٣٢ ح ١، الأمل للصدوق: ص ٦٣٣ ح ٨٤٨ كلاهما عن إسحاق بن عمارة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وليس في الثلاثة الأخيره ذيله من «قيل...»، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٤١ ح ٢٦ .
- ٢- ثواب الأعمال: ص ٢٥ ح ٢، أعلام الدين: ص ٣٥٨ كلاهما عن سهل بن سعد الأنصاري، بحار الأنوار: ج ٣ ص ١٢ ح ٢٤، تفسير الثعلبي: ج ٧ ص ٢٥٢ ح ١٣٢ عن سهل بن سعد الأنصاري .
- ٣- التوحيد: ص ٢٠ ح ٨، ثواب الأعمال: ص ١٥ ح ٢، جامع الأخبار: ص ١٣٤ ح ٢٧٤ وليس فيهما «وحده لا شريك له» وكلها عن جابر بن عبد الله الأنصاري، بحار الأنوار: ج ٣ ص ٥ ح ١٠؛ مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٦٣ ح ١٢٣٣٤، المعجم الصغير: ج ١ ص ٢٥٩، حليه الأولياء: ج ٧ ص ١٧٤ كلاهما نحوه وكلها عن أنس، المعجم الكبير: ج ٤ ص ١٧٠ ح ٤٠٤١ عن أبي أيوب الأنصاري وليس فيها «وحده لا شريك له»، كنز العمال: ج ١ ص ٥٥ ح ١٧٢ .

۲۳. الدعوات: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به مردگانتان [به هنگام مُردنشان] لا إله إلا الله تلقین کنید ، که هر کس آخرین حرفش لا إله إلا الله باشد ، وارد بهشت می شود» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! سختی و فشار مرگ ، ما را از ذکر «لا إله إلا الله» باز می دارد .

همان جا جبرئیل فرود آمد و گفت : ای محمّد ! به ایشان بگو که از همین حالا و در تن درستی ، «لا إله إلا الله» بگویند برای آماده شدن برای آن لحظه . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای عز و جل : «و تو در کنار طور نبودی که ما ندا در دادیم» : خداوند عز و جل نامه ای را نوشت و آن گاه ندا در داد که : «ای اُمّت محمّد ! رحمت من بر خشمم پیشی دارد . پیش از آن که بخواهید ، به شما دادم و پیش از آن که آمرزش بطلبید ، شما را آمرزیدم . هر کس از شما مرا ملاقات کند و گواهی بدهد که معبودی جز من نیست و محمّد ، بنده و فرستاده من است ، به رحمت خودم ، او را وارد بهشت می کنم» .
۲۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بمیرد ، در حالی که شهادت می دهد معبودی جز خدای یگانه بی نیاز نیست ، به بهشت می رود . .

عنه صلى الله عليه وآله: أتاني جبريل فبشّرني أنّه من مات لا- يُشرك بالله شيئا دخل الجنّة. (١) ٢٥. عنه صلى الله عليه وآله: أشهد أن لا- إله إلا الله، وأنّ محمدا عبده ورسوله، والذى نفسى بيده لا يقولها أحد إلا حرّمه الله على النار. (٢) مستدرک الوسائل عن رسول الله صلى الله عليه وآله: من كان آخر كلامه «لا- إله إلا الله» دخل الجنّة. قيل: فإن قالها في حياته؟ قال: تلك أوجب وأوجب. (٣) ٢٦. رسول الله صلى الله عليه وآله: رأيت البارحة عَجَبًا! رأيت رجلاً من أمتي انتهى إلى أبواب الجنّة، فغلقت الأبواب دونه، فجاءته شهادته أن لا- إله إلا الله ففتحت له الأبواب وأدخل الجنّة. (٤) عنه صلى الله عليه وآله: من كان آخر كلامه الشهادتين دخل الجنّة. (٥) ٢٧. التوحيد عن أبي حرب بن زيد بن خالد الجهني: أشهد على أبي زيد بن خالد لسمعتة يقول: أرسى لى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال لى: بشر الناس أنّه من قال: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له» فله الجنّة. (٦) الكافي عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: يا أبان، إذا قدمت الكوفة فارو هذا الحديث: «من شهد أن لا إله إلا الله مُخلصاً، وجبت له الجنّة».

قال: قلت له: إنّه يأتيني من كل صنف من الأصناف، أفأروى لهم هذا الحديث؟ قال: نعم، يا أبان، إنّه إذا كان يوم القيامة، وجمّع الله الأولين والآخرين، فتسلّب «لا إله إلا الله» منهم، إلا من كان على هذا الأمر. (٧).

- ١- صحيح البخارى: ج ٦ ص ٢٧٢١ ح ٧٠٤٩، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٢٧ ح ٢٦٤٤، صحيح مسلم: ج ١ ص ٩٤ ح ١٥٣ بزياده «من أمتك» بعد «مات»، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٣٢٠ ح ٢٠٧٧١ كلّها عن أبي ذرّ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥٨ ح ١١٧٥١ عن أبي سعيد الخدرى وليس فيهما صدره، كنز العمال: ج ١ ص ٦٨ ح ٢٥٩؛ التوحيد: ص ٢٦ ح ٢٤، مشكاة الأنوار: ص ٣٨ ح ٣ كلاهما عن أبي ذرّ، منيه المريد: ص ٣٦٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيها صدره، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٣٧١.
- ٢- الأمالى للطوسى: ص ٢٦٠ ح ٤٧١ عن عبد الرحمن بن أبي عمرة، المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ١٠٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٩ ح ٢٨؛ صحيح البخارى: ج ١ ص ٦٠ ح ١٢٨ عن أنس نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦ ح ١٢٥.
- ٣- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٦٥ ح ٦٠٩٨ نقلاً عن لبّ اللباب.
- ٤- مستدرک الوسائل: ج ٥ ص ٣٦٥ ح ٦٠٩٨ نقلاً عن لبّ اللباب.
- ٥- أبو طالب حامى الرسول وناصره: ص ١٧٢.
- ٦- التوحيد: ص ٢٢ ح ١٥، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٩٦ ح ١٧.
- ٧- الكافي: ج ٢ ص ٥٢٠ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ١٠١ ح ٧٤ و ٢٨٩ ح ٥٧١، بحار الأنوار: ج ٣ ص ١٢ ح ٢٥.

۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل نزد من آمد و مژده ام داد که: هر کس بمیرد، در حالی که چیزی را شریک خدا قرار نداده باشد، به بهشت می رود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [جمله] «گواهی می دهم که هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و محمد، بنده و فرستاده اوست» سوگند به آن که جانم در دست اوست، کسی آن را نمی گوید، مگر این که خداوند، آتش را بر او حرام می کند. ۲۹. مستدرک الوسائل: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که آخرین سخنش لا إله إلا الله باشد، وارد بهشت می شود».

گفته شد: اگر کسی آن را در زمان زنده بودنش بگوید [، چه]؟

فرمود: «این، لازم تر و لازم تر است». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صبحگاهان، چیز شگفتی دیدم. مردی از امتم را دیدم که به درهای بهشت رسید و درها به رویش بسته شدند. گواهی به «لا إله إلا الله» آمد. پس درها به رویش باز شدند و او را وارد بهشت کردند. ۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس آخرین سخنش، دو شهادت (شهادت به یگانگی خدا و رسالت من) باشد، وارد بهشت می شود. التوحید به نقل از ابو حرب بن زید بن خالد جهنی: پیش پدرم، زید بن خالد بودم که شنیدم می گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا فرستاد و به من فرمود: «به مردم مژده بده که هر کس لا إله إلا الله وَحْدَهُ لا شریک له؛ معبودی جز خدا نیست، تنها و بی انباز است بگوید، پاداشش بهشت است». ۳۱. الکافی به نقل از ابان بن تغلب: امام صادق علیه السلام فرمود: «ای ابان! هر گاه به کوفه رفتی، این حدیث را روایت کن: هر کس خالصانه گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست، بهشت برای او قطعی است».

به ایشان گفتم: از هر گروه و صنفی پیش من می آیند. آیا برای همه آنها این حدیث را روایت کنم؟

فرمود: «آری. ای ابان! هر گاه قیامت شود و خدا پیشینیان و پسینیان را گرد آورد، لا إله إلا الله از آنها گرفته می شود، مگر از کسانی که معتقد به این امر (ولایت) باشند».

المحاسن عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام: إذا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نادى مُنادٍ: مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَلْيَدْخُلِ الْجَنَّةَ. قَالَ: قُلْتُ: فَعَلَامَ تَخَاصُّمُ النَّاسِ إِذَا كَانَ مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ؟! فَقَالَ: إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَسُوهَا. (١) راجع: ص ٤٩٠ (الفصل الثاني عشر: مفاتيح الجنّة / التوحيد).

ب شرطيه الصدق ٣٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، صَادِقًا مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (٢) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يُصَيِّدُ قَلْبَهُ لِسَانِهِ، دَخَلَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَ. (٣) عنه صلى الله عليه وآله: أَشْهَدُ عِنْدَ اللَّهِ لَا يَمُوتُ عَبْدٌ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، صَادِقًا مِنْ قَلْبِهِ، ثُمَّ يُسَدِّدُ إِلَّا سَلَكَ فِي الْجَنَّةِ. (٤).

١- المحاسن: ج ١ ص ٢٨٩ ح ٥٧٠، بحار الأنوار: ج ٣ ص ١٢ ح ٢٦.

٢- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٣٣ ح ٢٢٠٦٤ عن معاذ، كنز العمال: ج ١ ص ٦٢ ح ٢١٧.

٣- مسند أبي يعلى: ج ١ ص ٦٨ ح ٦٧، المطالب العالیه: ج ٣ ص ٤٨ ح ٢٨٤٣ كلاهما عن أبي بكر، كنز العمال: ج ١ ص ٦٠ ح ٢٠٠.

٤- مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٠٨ ح ١٦٢١٨، المعجم الكبير: ج ٥ ص ٥١ ح ٤٥٥٨ كلاهما عن رفاعه الجهني، حليه الأولياء: ج ٦ ص ٢٨٦ عن رفاعه عن أبيه (عرايه) الجهني، كنز العمال: ج ١ ص ٤٩ ح ١٤١.

ب شرط صداقت

المحاسن به نقل از ابان بن تغلب: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه قیامت شود، ندا دهنده ای ندا در می دهد: هر کس گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست، وارد بهشت می شود».

گفتم: وقتی چنین است که هر کس گواهی دهد که معبودی جز خدا نیست، وارد بهشت می شود، پس ستیز مردم با یکدیگر بر سر چیست؟

فرمود: «وقتی قیامت شود، آن را فراموش می کنند». ر. ک: ص ۴۹۱ (فصل دوازدهم: کلیدهای بهشت / یکتاپرستی).

ب شرط صداقت ۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در حالی بمیرد که صادقانه و از قلبش گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست و محمد، فرستاده خداست، به بهشت می رود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شهادت دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست و دلش هم زبان او را تصدیق کند (به آنچه می گوید، قلبا باور داشته باشد)، از هر در بهشت که بخواهد، وارد می شود. ۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در نزد خدا گواهی می دهم که هر بنده ای از صمیم دل گواهی دهد که «معبودی جز خدا نیست و محمد، فرستاده خداست» و سپس در مسیر درست [و اعتدال] حرکت کند، بی گمان به بهشت می رود.

مسند ابن حنبل عن أبي موسى: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَعَى نَفَرًا مِنْ قَوْمِي ، فَقَالَ : أَبَشِّرُوا وَبَشِّرُوا مَنْ وَرَاءَكُمْ أَنَّهُ مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَادِقًا بِهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ . (١) ٣٨. رسول الله صلى الله عليه وآله : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تَمَنَعُ الْعَبْدُ مِنْ سَيِّئِ خَطِّ اللَّهِ مَا لَمْ يُؤَثِّرُوا مَنْفَعَةً دُنْيَاهُمْ عَلَى دِينِهِمْ ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» قَالَ اللَّهُ : كَذَبْتُمْ . (٢) ج شرطيه الإخلاص ٣٩. رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنْ لِمَأْرُجٍ أَنْ لَا- يَمُوتَ أَحَدٌ يَشْهَدُ أَنْ لَا- إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا مِنْ قَلْبِهِ ، فَيَعِذُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ . (٣) عنه صلى الله عليه وآله عن جبريل عليه السلام : قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : إِنْ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِي ، مَنْ جَاءَنِي مِنْكُمْ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِالْإِخْلَاصِ دَخَلَ فِي حِصْنِي ، وَمَنْ دَخَلَ فِي حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي . (٤) ٤٠. التوحيد عن عبد السلام بن صالح أبي الصلت الهروي : كُنْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ رَحَلَ مِنْ نَيْسَابُورَ وَهُوَ رَاكِبٌ بَعْلَهُ شَهْبَاءَ ، فَإِذَا مُحَمَّدُ بْنُ رَافِعٍ وَأَحْمَدُ بْنُ حَرْبٍ وَيَحْيَى بْنُ يَحْيَى وَإِسْحَاقُ بْنُ رَاهُوَيْهِ وَعَدَّةٌ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ قَدْ تَعَلَّقُوا بِلِجَامِ بَعْلَتِهِ فِي الْمَرْبَعَةِ (٥) ، فَقَالُوا : بِحَقِّ آبَائِكَ الْمُطَهَّرِينَ ، حَدِيثُنَا بِحَدِيثِ قَدِ سَمِعْتَهُ مِنْ أَبِيكَ ، فَأَخْرَجَ رَأْسَهُ مِنَ الْعِمَارِيَّةِ (٦) وَعَلَيْهِ مِطْرَفٌ (٧) خَزَّ ذُو وَجْهَيْنِ وَقَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي الْعَبْدُ الصَّالِحُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بَاقِرُ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحُسَيْنُ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، قَالَ : سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ : إِنْ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِي ، مَنْ جَاءَ مِنْكُمْ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِالْإِخْلَاصِ دَخَلَ فِي حِصْنِي ، وَمَنْ دَخَلَ فِي حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي . (٨) .

- ١- مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ١٤٤ ح ١٩٦١٤ و ص ١٦٣ ح ١٩٧٠٩ نحوه ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧ ح ١٣١ .
- ٢- مسند أبي يعلى : ج ٤ ص ١٢٤ ح ٤٠٢١ ، المطالب العالیه : ج ٣ ص ٢٠٨ ح ٣٢٧٤ وليس فيه «منفعه» ، شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٣٧ ح ١٠٤٩٧ كلها عن أنس ، نوادر الأصول : ج ٢ ص ٧٣ كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ١ ص ٦٢ ح ٢٢١ .
- ٣- تاريخ بغداد : ج ٥ ص ٢٥٠ الرقم ٢٧٣٦ عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال : ج ١ ص ٥١ ح ١٥٤ .
- ٤- حليه الأولياء : ج ٣ ص ١٩٢ ، كنز العمال : ج ١ ص ٢٩٦ ح ١٤٢٢ نقلًا عن ابن عساكر ؛ كشف الغمّة : ج ٢ ص ٣٤٧ كلها عن أبي الصلت الهروي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام .
- ٥- المزيغ : منزّل القوم في الربيع خاصّه (الصحاح : ج ٣ ص ١٢١٢ «ربيع») .
- ٦- العماريّة : الكجاوه كأنه نسبة إلى الاسم (المصباح المنير : ص ٤٢٩ «عمر») .
- ٧- المِطْرَفُ : الثوب الذي في طرفيه علّمان (النهاية : ج ٣ ص ١٢١ «طرف») .
- ٨- التوحيد : ص ٢٤ ح ٢٢ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٣٤ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ٦ ح ١٥ ؛ تاريخ دمشق : ج ٤٨ ص ٣٦٦ ح ١٠٤٥٧ نحوه .

ج شرط اخلاص

مسند ابن حنبل به نقل از ابو موسی : با عده ای از قوم خود به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتیم که فرمود : «بشارت باد شما را و بشارت دهید دیگر مردمانتان را که هر کس صادقانه شهادت دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست ، به بهشت می رود!»

۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «لا إله إلا الله» ، بنده را از خشم خدا در امان می دارد ، تا زمانی که منفعت دنیایشان را بر دینشان ترجیح ندهند ؛ ولی اگر چنین کردند و سپس گفتند : «لا إله إلا الله» ، خداوند می فرماید : دروغ می گوید. ج شرط اخلاص

۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بمیرد ، در حالی که با خلوص دل ، گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست ، امیدوارم که خداوند عز و جل او را عذاب نکند. ۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نقل از جبرئیل علیه السلام : خدای عز و جل فرمود : «منم من ، خدا . معبودی جز من نیست . پس مرا بندگی کنید . هر یک از شما که با گواهی خالصانه به این که معبودی جز خدای یکتا نیست ، نزد من آید ، به دژ من وارد شده است و هر کس به دژ من وارد شود ، از عذابم در امان است» . التوحید به نقل از عبد السلام بن صالح ، ابو صیلت هروی : زمانی که امام رضا علیه السلام از نیشابور کوچ کرد ، من همراه ایشان بودم و بر ماده استری خاکستری سوار بود . دیدم که محمد بن رافع و احمد بن حرب و یحیی بن یحیی و اسحاق بن راهویه و عده ای از عالمان ، در بهار محله ، لگام استر ایشان را گرفتند و گفتند : تو را به حق پدران پاکت ، حدیثی از پدر بزرگوارت برای ما باز گوی .

امام علیه السلام سرش را از کجاوه برون آورد . ردای دورویی از جنس خز با حاشیه های نگارین بر تن داشت . فرمود : «پدرم ، آن بنده نیک ، موسی بن جعفر ، برایم حدیث کرد و گفت : پدرم جعفر بن محمد صادق برایم حدیث کرد و گفت : پدرم ابو جعفر ، محمد بن علی ، شکافنده دانش پیامبران ، برایم حدیث کرد و گفت : پدرم علی بن الحسین ، سالار عبادت پیشگان ، برایم حدیث کرد و گفت : پدرم حسین ، آقای جوانان بهشتی ، برایم حدیث کرد و گفت : پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام برایم حدیث کرد و گفت : از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : خدای عز و جل فرمود : منم من ، خدا . معبودی جز من نیست . پس مرا بندگی کنید . هر یک از شما خالصانه گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست ، به دژ من وارد شده است و هر کس به دژ من وارد شود ، از عذابم ایمن خواهد بود» .

٤٤. رسول الله صلى الله عليه وآله: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» كَلِمَةٌ عَظِيمَةٌ كَرِيمَةٌ عَلَى اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ ، مَنْ قَالَهَا مُخْلِصًا اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ ، وَمَنْ قَالَهَا كَاذِبًا عَصَيْمَتَ مَالَهُ وَدَمَهُ ، وَكَانَ مَصِيرُهُ إِلَى النَّارِ . (١) د علامه الإخلاص اجتناب المحارم ٤٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مُخْلِصًا دَخَلَ الْجَنَّةَ ، وَإِخْلَاصُهُ أَنْ تَحْجُزَهُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عِزُّهُ وَجَلُّهُ . (٢) .

١- التوحيد : ص ٢٣ ح ١٨ عن أحمد بن عبد الله الجويباري عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٣ ص ٥ ح ١٣ ؛ كنز العمال : ج ١ ص ٦٢ ح ٢٢٠ نقلاً عن ابن النجار عن أنس وفيه «مسيره» بدل «مصيره» وراجع : الأمالي للشجري : ج ١ ص ٢٥ .

٢- التوحيد : ص ٢٨ ح ٢٧ ، معانى الأخبار : ص ٣٧٠ ح ٢ ، ثواب الأعمال : ص ٢٠ ح ٣ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٨٣ ح ٢٢١٨ كلها عن زيد بن أرقم ، فلاح السائل : ص ٢٢٤ ح ١٢٥ عن محمد بن أبي عمير عن الإمام الصادق عليه السلام ؛ المعجم الكبير : ج ٥ ص ١٩٧ ح ٥٠٧٤ ، حليه الأولياء : ج ٩ ص ٢٥٤ كلاهما عن زيد بن أرقم ، تاريخ بغداد : ج ١٢ ص ٦٤ الرقم ٦٤٥٥ عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٦١ ح ٢٠٥ .

د نشانه اخلاص ، دوری کردن از حرام هاست

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «لا إله إلا الله» ، شعار بزرگ و ارجمندی در نزد خدای عز و جل است . هر که آن را از سرِ اخلاص بگوید ، سزاوار بهشت می شود و هر که به دروغ [و بدون اعتقاد ،] آن را بگوید ، مال و جانش را مصون می دارد ؛ امّا سرانجامش آتش خواهد بود . د نشانه اخلاص ، دوری کردن از حرام هاست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس با اخلاص «لا إله إلا الله» بگوید ، به بهشت می رود ، و اخلاصش این است که «لا إله إلا الله» ، او را از ارتکاب آنچه خدای عز و جل حرام کرده است ، باز دارد .

٤٧. ثواب الأعمال عن أبي هريره و عبد الله بن عباس: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا لَمْ يَخْلُطْ مَعَهَا غَيْرَهَا ، دَخَلَ الْجَنَّةَ . فَقَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي ، كَيْفَ يَقُولُهَا مُخْلِصًا لَا يَخْلُطُ مَعَهَا غَيْرَهَا؟ فَسَّرَ لَنَا هَذَا حَتَّى نَعْرِفَهُ .

فَقَالَ : نَعَمْ ؛ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا ، وَ جَمْعًا لَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا ، وَ رِضَى بِهَا ، وَ أَقْوَامٌ يَقُولُونَ أَقْوِيلَ الْأَخْيَارِ وَ يَعْمَلُونَ عَمَلَ الْجَبَابِرَةِ وَ الْفُجَّارِ . فَمَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جَلَّوَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ وَ هُوَ يَقُولُ : « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » فَلَهُ الْجَنَّةُ ، فَإِنْ أَخَذَ الدُّنْيَا وَ تَرَكَ الْآخِرَةَ فَلَهُ النَّارُ . (١) رسول الله صلى الله عليه و آله : ما قالَ عَبْدُ اللَّهِ « لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » قَطُّ مُخْلِصًا إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، حَتَّى تُفْضِيَ (٢) إِلَى الْعَرْشِ مَا اجْتَنَبَ الْكِبَائِرَ . (٣) ٤٨. عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ قَالَ : « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » لَا يَتَّخِذُهَا جُنَّةً (٤) لَشَيْءٍ مِنْ الْكِبَائِرِ يَرْتَكِبُهُ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ جَزْمًا . (٥) سنن سعيد بن منصور عن مجاهد: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حِينَ خَرَجَ إِلَى تَبُوكَ : لَا يَخْرُجُ مَعَنَا إِلَّا مُقَوٌّ (٦) . فَخَرَجَ رَجُلٌ عَلَى بَكَرٍ لَهُ صِيبٌ ، فَوَقَّصَ (٧) بِهِ فَمَاتَ ، فَقَالَ النَّاسُ : الشَّهِيدُ الشَّهِيدُ! فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِلَالًا يُنَادِي : أَلَا لَا تَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَفْسٌ مُؤْمِنَةٌ ، وَلَا يَدْخُلُهَا عَاصٍ . (٨) .

- ١- ثواب الأعمال : ص ٣٣١ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٦٠ ح ٣٠ وراجع : نوادر الأصول : ج ١ ص ٤٧ و شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٣٨ ح ٤٩٩ و كنز العمال : ج ١ ص ٥٠ ح ١٤٦ .
- ٢- أفضى : أى وصل إليه (لسان العرب : ج ١٥ ص ١٥٧ «فضا»).
- ٣- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٧٥ ح ٣٥٩٠ ، مشكاة المصابيح : ج ١ ص ٧١١ ح ٢٣١٤ ، الدر المنثور : ج ٧ ص ٤٩٣ نقلًا عن ابن مردويه و ليس فيه «ما اجتنب الكبائر» و كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٣ ح ١٨١٥ .
- ٤- الْجَنَّةُ : الْوَقَايَةُ (النهاية : ج ١ ص ٣٠٨ «جن»).
- ٥- معجم السفر : ص ٤٤٨ ح ١٥٣١ .
- ٦- مُقَوٌّ : أى ذو دابّة قويّة (النهاية : ج ٤ ص ١٢٧ «قوا»).
- ٧- وَقَّصَتْ بِهِ : رَمَتْ بِهِ فَدَقَّتْ عُنُقَهُ (المصباح المنير : ص ٦٦٨ «وقص»).
- ٨- سنن سعيد بن منصور : ج ٢ ص ١٩٤ ح ٢٤٩٤ ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج ٥ ص ١٧٧ ح ٩٢٩٤ و ص ٢٧٠ ح ٩٥٧٣ كلاهما نحوه ، الدر المنثور : ج ٦ ص ٢٣٢ .

۴۹. ثواب الأعمال به نقل از ابو هریره و عبد الله بن عباس: پیامبر خدا فرمود: «ای مردم! هر کس خدای عز و جلا را در حالی دیدار کند که از سرِ اخلاص، گواهی دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست و این اخلاصش را آمیخته به چیزی نگرداند، به بهشت می رود».

علی بن ابی طالب برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! پدر و مادرم به فدایت! چگونه آن را با اخلاص بگویند و چیزی با آن نیامیزد؟ این را برایمان بیان نما تا بدانیم.

فرمود: «باشد. آزمندی به دنیا، و گرد آوردن آن از ناروا، و خرسندی نسبت به آن. مردمانی هستند که سخنان نیکان را می گویند؛ اما چون ستمگران و تباہکاران، رفتار می کنند. پس هر که خدای عز و جل را دیدار کند و چیزی از این خصلت ها در او نباشد و بگوید: لا- إله إلا الله، به بهشت می رود، و اگر دنیا را گرفت و آخرت را رها کرد، دوزخی خواهد بود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای هرگز از روی اخلاص، «لا إله إلا الله» نمی گوید، مگر آن که درهای آسمان به رویش باز می شوند تا آن که این کلمه به عرش رسد، البته تا آن گاه که از گناهان بزرگ، دوری کرده باشد. ۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «لا- إله إلا الله» و آن را سپری برای ارتکاب چیزی از گناهان بزرگ قرار ندهد، قطعاً اهل بهشت است. سنن سعید بن منصور به نقل از مجاهد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زمانی که ره سپار تبوک شد، فرمود: «فقط کسی با ما بیاید که مرکبی نیرومند دارد».

مردی سوار بر اشتری جوان و سرکش، ره سپار شد. اشتر، او را زمین زد و گردنش شکست و مُرد. مردم گفتند: شهید! شهید!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بلال فرمود که بانگ زند: «بدانید که تنها انسان مؤمن، به بهشت می رود و نافرمان، وارد آن نمی شود».

ه علامه الإخلاص طاعه الله ورسوله وولايه أهل البيت عليهم السلام الأمامي للطوسي عن جابر بن عبد الله الأنصاري: جاء أعرابي إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، هيل للجنه من ثمن؟ قال: نعم. قال: ما ثمنها؟ قال: «لا إله إلا الله» يقولها العبد الصالح مخلصا بها. قال: وما إخلاصها؟ قال: العمل بما بعثت به في حقه وحب أهل بيته. قال: وحب أهل بيتك لمن حقه؟ قال: أجل إن حبهم لأعظم حقه. (١) ٥٢. التوحيد عن إسحاق بن راهويه: لما وافى أبو الحسن الرضا عليه السلام بنيسابور وأراد أن يخرج منها إلى المأمون، اجتمع إليه أصحاب الحديث فقالوا له: يا ابن رسول الله، ترحل عنا ولا تحدثنا بحديث فنستفيده منك؟ وكان قد قعد في العمارية فأطلع رأسه، وقال: سمعت أبي موسى بن جعفر يقول: سمعت أبي جعفر بن محمد يقول: سمعت أبي محمد بن علي يقول: سمعت أبي علي بن الحسين يقول: سمعت أبي الحسين بن علي بن أبي طالب يقول: سمعت أبي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهم السلام يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: سمعت جبرئيل عليه السلام يقول: سمعت الله جل جلاله يقول: «لا إله إلا الله» حصني، فمن دخل حصني أمن من عذابي.

قال: فلما مرت الزاحله نادانا: بشروطها وأنا من شروطها. (٢).

-
- ١- الأمامي للطوسي: ص ٥٨٣ ح ١٢٠٧، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١٣٣ ح ١٢٩.
 - ٢- التوحيد: ص ٢٥ ح ٢٣، معاني الأخبار: ص ٣٧١ ح ١، ثواب الأعمال: ص ٢١ ح ١، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ١٣٥، الأمامي للصدوق: ص ٣٠٦ ح ٣٤٩، بشاره المصطفى: ص ٢٦٩، بحار الأنوار: ج ٣ ص ٧ ح ١٦.

ه نشانه اخلاص ، فرمانبری از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیت علیهم السلام است

ه نشانه اخلاص ، فرمانبری از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیت علیهم السلام است ۵۳. الأمالی ، طوسی به نقل از جابر بن عبد الله انصاری : بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! آیا بهشت ، بهایی دارد [که باید آن را پرداخت] ؟

فرمود : « آری » .

گفت : بهایش چیست ؟

فرمود : « ذکر لا إله إلا الله که بنده درستکار ، از سر اخلاص بگوید » .

گفت : اخلاصش چیست ؟

فرمود : « به کار بستن آنچه من برایش فرستاده شده ام با شرایطش ، و دوست داشتن اهل بیت من » .

بادیه نشین گفت : دوست داشتن اهل بیت تو ، از شرایط آن است ؟

فرمود : « آری ؛ دوست داشتن آنان ، بزرگ ترین شرط آن است » . التوحید به نقل از اسحاق بن راهویه : چون امام رضا علیه السلام به نیشابور رسید و خواست از آن جا به سوی مأمون روانه شود ، اهل حدیث ، نزد ایشان گرد آمدند و گفتند : ای فرزند پیامبر خدا ! از نزد ما می روید و حدیثی برایمان نمی گوئید که از شما بهره مند شویم ؟

امام علیه السلام که در کجاوه نشسته بود ، سرش را بیرون آورد و فرمود : « از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که می فرماید : از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که می فرماید : از پدرم محمد بن علی شنیدم که می فرماید : از پدرم علی بن الحسین شنیدم که می فرماید : از پدرم حسین بن علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید : از پدرم حسین بن علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید : از پدرم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : از جبرئیل شنیدم که می فرماید : از خداوند عز و جل شنیدم که می فرماید : لا إله إلا الله ، دژ من است . پس هر که به دژ من وارد شود ، از عذابم در امان خواهد بود » .

چون اُشتر حرکت کرد ، امام علیه السلام صدا زد : « البتّه با شرط هایش ، و من ، یکی از شرط های آن هستم » .

٥٤. الأماي للطوسي عن أبي الصيملت الهروي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أخبرني جبرئيل الروح الأمين عن الله تَعَدَّست أسماؤه وجلَّ وجهه قال: إني أنا الله لا إله إلا أنا وحدي، عبادي فاعبدوني، وليعلم من لقيني منكم بشهادته أن لا إله إلا الله مُخْلِصاً بها، إنه قد دخل حصني، ومن دخل حصني أمن عذابي.

قالوا: يابن رسول الله، وما إخلاص الشهادة لله؟ قال: طاعة الله ورسوله وولايته أهل بيته عليهم السلام. (١) عوالي اللآلي: روي أن الرضا عليه السلام لما توجه من خراسان منصرفاً إلى الحجاز في قدامته الأولى حضره جماعة العلماء والفضلاء من أهل خراسان وغيرهم وكان قد ركب في العمارة، فاحتولوه وقالوا: يابن رسول الله أتفارقنا ولا تفيدنا من علمك شيئاً؟ ألا تحدثنا بحديث ننتفع به في ديننا؟ فأطلع عليه السلام رأسه من العمارة حتى أشرف عليهم، وقال: حدثني أبي عن أبيه عن جدّه رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال: إن الله عز وجل يقول: الإيمان حصني، ومن دخل حصني أمن من عذابي. ومن قال: «لا إله إلا الله» مُخْلِصاً دخل الجنة.

ثم ضرب رحلته وسار قليلاً والناس خلفه، ثم التفت إليهم، ثم قال: بشرطها وشروطها وأنا من شروطها. (٢) ٧ / ٥ الإيمان والعمل الصالح الكتاب «ومن يعمل من الصلح من ذكر أو أنثى وهو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة ولا يظلمون شيئاً». (٣)

١- الأماي للطوسي: ص ٥٨٩ ح ١٢٢٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧٥، أعلام الدين: ص ٢١٤، بحار الأنوار: ج ٣ ص ١٤ ح

٢- عوالي اللآلي: ج ٤ ص ٩٤ ح ١٣٤.

٣- النساء: ١٢٤.

۷ / ۵ ایمان و کردار نیک

۵۷. الأمالی ، طوسی به نقل از ابو صلت هروی ، از امام رضا ، از پدران‌ش علیهم السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «جبرئیل ، روح الامین ، از جانب خداوند که نام هایش پاک و رویش بشکوه است به من خبر داد که فرمود : منم خدا . معبودی جز من یگانه نیست . بندگانم ! پس مرا بندگی کنید . هر یک از شما بدانند که چنانچه مرا با شهادت خالصانه لا اله الا الله ، دیدار کند ، به دژ من وارد شده است و هر که به دژ من وارد شود ، از عذابم در امان خواهد بود .»

گفتند : ای فرزند پیامبر خدا ! نشانه اخلاص در شهادت دادن به یگانگی خدا چیست؟

فرمود : «فرمان بردن از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیتش» . عوالی اللالی : روایت شده است که امام رضا علیه السلام چون در سفر نخستش ، (۱) عازم بازگشت از خراسان به حجاز شد ، جماعت علما و فضلالی خراسان و غیر خراسان ، نزد ایشان که در کجاوه سوار بود رفتند و ایشان را در میان گرفتند و گفتند : ای فرزند پیامبر خدا ! آیا ما را ترک می گویی و از دانش خود ، بهره ای به ما نمی رسانی؟ آیا حدیثی برای ما نمی گویی که در دین خویش ، از آن سود بریم؟

امام علیه السلام سرش را از کجاوه بیرون آورد ، چندان که بر آنان مشرف شد و فرمود : «پدرم از پدرش از جدش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم حدیث کرد که فرمود : خدای عز و جلمی فرماید : ایمان ، دژ من است و هر کس وارد دژ من شود ، از عذابم ایمن خواهد بود ، و هر کس با اخلاص ، لا اله الا الله بگوید ، به بهشت می رود .»

آن گاه امام علیه السلام اشترش را هی زد و اندکی حرکت نمود و مردم ، پشت سر او حرکت می کردند . سپس رو به آنان کرد و فرمود : «البتّه با شرط و شروط آن ، و من از شرط های آن هستم» . ۷ / ۵ ایمان و کردار نیکقرآن «و هر کس ، از مرد یا زن ، کارهای نیک کند و مؤمن هم باشد ، آنان به بهشت می روند و به قدر گودی پشت هسته خرمایی هم به آنان ستم نخواهد شد» .

۱- از روایت ، چنین پیداست که امام رضا علیه السلام دو سفر به خراسان داشته و چندین بار از نیشابور ، عبور کرده است.

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: بَخٍ لِحَمْسٍ! مَنْ لَقِيَ اللَّهَ مُسْتَيْقِنًا بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ: يُؤْمِنُ بِاللَّهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَبِالْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْحِسَابِ. (١) ٦١. عنه صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ! مَا مِنْ عَبْدٍ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ثُمَّ يُسَيِّدُ (٢) إِلَّا سَلَكَ فِي الْجَنَّةِ. (٣) عنه صلى الله عليه وآله لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّلَامٍ لَمَّا قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُونَ فِيهَا بِالْإِسْلَامِ أَوْ بِالْإِيمَانِ أَوْ بِالْعَمَلِ؟ مِنْهُمْ مَنْ يَدْخُلُ بِالثَّلَاثَةِ؛ يَكُونُ مُسْلِمًا مُؤْمِنًا عَامِلًا فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِثَلَاثَةِ أَعْمَالٍ.

أَوْ يَكُونُ نَصْرَانِيًّا أَوْ يَهُودِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا فَيُسَلِّمُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ، وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ، وَيَخْلَعُ الْكُفْرَ مِنْ قَلْبِهِ، فَيَمُوتُ عَلَى مَكَانِهِ وَلَمْ يُخَلِّفْ مِنْ الْأَعْمَالِ شَيْئًا فَيَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَذَلِكَ إِيْمَانٌ بِلَا عَمَلٍ.

وَيَكُونُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا يَتَّصِفُ دَقُّ وَيُنْفِقُ فِي غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ، فَهُوَ عَلَى الْكُفْرِ وَالضَّلَالَةِ، يَعْبُدُ الْمَخْلُوقَ مِنْ دُونِ الْخَالِقِ، فَإِذَا مَاتَ عَلَى دِينِهِ كَانَ فَوْقَ عَمَلِهِ فِي النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ. (٤).

١- مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٣٢٠ ح ١٥٦٦٢ و ج ٦ ص ٣١١ ح ١٨٠٩٨، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ١٥٩، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٨٦ ح ٤٣٥١٠.

٢- يُسَدُّ: أَيْ يَقْتَصِدُ، فَلَا يَغْلُو وَلَا يُسْرِفُ (النهاية: ج ٢ ص ٣٥٢ «سد»).

٣- مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٧٩ ح ١٦٢١٦، صحيح ابن حبان: ج ١ ص ٤٤٥ ح ٢١٢ وليس فيه «واليوم الآخر» وكلاهما عن أبي بكر، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤٣٢ ح ٤٢٨٥، المعجم الكبير: ج ٥ ص ٥٠ ح ٤٥٥٧ كلاهما عن رفاعه الجهني نحوه، كنز العمال: ج ١٠ ص ٤٧٧ ح ٣٠١٤٧.

٤- الاختصاص: ص ٤٣، بحار الأنوار: ج ٩ ص ٣٣٧ ح ٢٠.

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به از پنج چیز که هر کس با یقین به آنها خداوند را دیدار کند، به بهشت می رود: ایمان به خدا و روز قیامت، و بهشت و دوزخ، و زنده شدن پس از مرگ، و حسابرسی. ۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، هر بنده ای که به خدا و آخرت، ایمان بیاورد و سپس راه درست را در پیش گیرد، بی گمان به بهشت می رود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به عبد الله بن سلام که گفت: مرا از اهل بهشت خبر دهید که آیا با اسلام، به بهشت می روند، یا با ایمان، یا با عمل: از آنان، یکی به واسطه هر سه اینها به بهشت می رود: هم مسلمان است، هم مؤمن و هم اهل عمل. پس با سه کار، به بهشت می رود.

یا این که نصرانی یا یهودی و یا مجوسی است و مابین دو نماز، مسلمان می شود و به خدا ایمان می آورد و کفر را از دلش می کند و در همان جا می میرد، در حالی که چیزی از اعمال را به جا نیاورده است. چنین کسی اهل بهشت است، و این، ایمان بدون عمل است.

دیگری، یهودی یا نصرانی است که صدقه می دهد و انفاق می کند؛ اما نه برای خدا. چنین کسی در کفر و گم راهی است. او مخلوق را به جای خالق می پرستد. چنین کسی اگر بر همان دینش بمیرد، روز قیامت بر فراز عملش در آتش خواهد بود؛ چرا که خداوند، [اعمال را] تنها از پرهیزگاران می پذیرد.

٦٤. عنه صلى الله عليه وآله: يُوضَعُ المِيزَانُ يَوْمَ القِيَامَةِ ، فَتُوزَنُ الحَسَنَاتُ وَالسَّيِّئَاتُ ، فَمَنْ رَجَحَتْ حَسَنَاتُهُ مِثْقَالَ صُؤَابِهِ (١) دَخَلَ الجَنَّةَ ، وَمَنْ رَجَحَتْ سَيِّئَاتُهُ عَلَى حَسَنَاتِهِ مِثْقَالَ صُؤَابِهِ دَخَلَ النَّارَ . (٢) عنه صلى الله عليه وآله : يَقُولُ اللَّهُ : يَا آدَمُ ! قَدْ جَعَلْتُكَ حَكَمًا بَيْنِي وَبَيْنَ ذُرِّيَّتِكَ ، قُمْ عِنْدَ المِيزَانِ فَانظُرْ مَا يُرْفَعُ إِلَيْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ ، فَمَنْ رَجَحَ مِنْهُمْ خَيْرُهُ عَلَى شَرِّهِ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فَلَهُ الجَنَّةُ ، حَتَّى تَعْلَمَ أَنِّي لَا أُدْخِلُ مِنْهُمْ النَّارَ إِلَّا ظَالِمًا . (٣) ٦٥. الإمام على عليه السلام : عَلَيْكُمْ بِإِخْلَاصِ الإِيمَانِ ، فَإِنَّهُ السَّبِيلُ إِلَى الجَنَّةِ ، وَالنَّجَاةُ مِنَ النَّارِ . (٤) عنه عليه السلام : تَمَنَّ الجَنَّةَ العَمَلُ الصَّالِحُ . (٥) ٦٦. عنه عليه السلام : عَلَيْكَ بِصَالِحِ العَمَلِ ، فَإِنَّهُ الزَّادُ إِلَى الجَنَّةِ . (٦) عنه عليه السلام : بِالعَمَلِ تَحْصُلُ الجَنَّةُ لَا بِالأَمَلِ . (٧) ٦٧. عنه عليه السلام : لَنْ يَفُوزَ بِالجَنَّةِ إِلَّا السَّاعِي لَهَا . (٨) .

- ١- الصُّؤَابَةُ : يبيضه البرغوث والقمل ، والصُّؤَابُ مِنَ الذهب : الدقاق (المحيط في اللغة : ج ٨ ص ٢٠٥ «صَاب»).
- ٢- تاريخ دمشق : ج ١٤ ص ٣١٣ ح ٣٥٨٥ ، تفسير القرطبي : ج ٧ ص ٢١١ ، فتح الباري : ج ١٣ ص ٥٣٩ وفيه «مِثْقَالُ حَبَّةِ خَرْدَلٍ» فِي كِلَا المَوْضِعَيْنِ ، كُنز العَمَالِ : ج ١٤ ص ٣٨٣ ح ٣٩٠٢٥ نقلًا عن ابن عساكر ، الدر المنثور : ج ٣ ص ٤١٩ نقلًا عن أبي الشيخ وليس فيه «مِثْقَالُ صُؤَابَةٍ» فِي كِلَا المَوْضِعَيْنِ وَكَلَّمَهَا عن جابر بن عبد الله الأنصاري .
- ٣- المعجم الصغير : ج ٢ ص ٣١ ، نواذر الأصول : ج ٢ ص ٧ ، تاريخ دمشق : ج ٧ ص ٤٥٤ ح ٢٠٥٢ كَلَّمَهَا عن أبي هريرة ، كُنز العَمَالِ : ج ١٤ ص ٦٤٤ ح ٣٩٧٦٨ .
- ٤- غرر الحكم : ح ٦١٦٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٤٢ ح ٥٨٤٥ .
- ٥- غرر الحكم : ح ٤٦٩٨ .
- ٦- غرر الحكم : ح ٦١٠٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣٥ ح ٥٧٣٢ .
- ٧- غرر الحكم : ح ٤٢٩٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٨٩ ح ٣٨٨٩ وفيه «بِحُسْنِ العَمَلِ ...» .
- ٨- غرر الحكم : ح ٧٤٠٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٠٧ ح ٦٨٨٧ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، ترازو [ی اعمال] را نصب و خوبی ها و بدی ها را وزن می کنند. پس هر که خوبی هایش به اندازه تخم شپشی [از بدی هایش] سنگین تر باشد، به بهشت می رود و هر کس بدی هایش به اندازه تخم شپشی از خوبی هایش سنگین تر باشد، به دوزخ می رود. ۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا می فرماید: «ای آدم! من تو را میان خودم و فرزندان داور قرار می دهم. کنار ترازو بایست و بنگر که کدام کفه اعمال آنها، به طرف تو بالا می آید. هر یک از آنها که خوبی هایش به وزن ذره ای بر بدی هایش سنگینی کرد، بهشتی است؛ تا بدانی که من، تنها آن کس از ایشان را به آتش می برم که [به خودش] ستم کرده است». امام علی علیه السلام: ایمان را خالص گردانید، که این، راه رسیدن به بهشت و رهیدن از آتش است. ۶۹. امام علی علیه السلام: بهای بهشت، کردار نیک است. امام علی علیه السلام: بر تو باد کردار نیک؛ چرا که ره توشه بهشت است. ۷۰. امام علی علیه السلام: بهشت، با تلاش به دست می آید، نه با آرزو. امام علی علیه السلام: هرگز به بهشت دست نمی یابد، مگر آن که برایش بکوشد.

٧١. عنه عليه السلام: لا- تَحْضُلُ الْجَنَّةَ بِالتَّمَنَّى . (١) عنه عليه السلام: طَلَبُ الْجَنَّةِ بِلا- عَمَلٍ حُمُقٌ . (٢) ٧٢. عنه عليه السلام: اِعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ عَمَلَهَا ؛ فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ بَيْلٍ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازًا (٣) ، لِتَمَرُّوْا مِنْهَا الْأَعْمَالَ إِلَى دَارِ قَرَارٍ . (٤) عنه عليه السلام: مَنِ اقْتَرَبَ إِلَى الْجَنَّةِ مِثْنِ عَامِلِهَا ؟ وَمَنِ اقْتَرَبَ إِلَى النَّارِ مِثْنِ عَامِلِهَا ؟ (٥) ٧٣. عنه عليه السلام: الْجَنَّةُ جَزَاءُ الْمُطِيعِ . (٦) الأما لي للمفيد عن داوود بن فرقد: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَقُولُ :

إِنَّ الْعَمَلَ الصَّالِحَ لِيَذْهَبَ إِلَى الْجَنَّةِ فَيَمَهَّدُ لِصَاحِبِهِ كَمَا يَبْعَثُ الرَّجُلُ غُلَامَهُ فَيَفْرُشُ لَهُ . ثُمَّ قَرَأَ : «وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ» (٧) . (٨) ٧٤. الإمام الصادق عليه السلام: يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَيْءٌ مِثْلُ الْكُبَّةِ (٩) فَيَدْفَعُ فِي ظَهْرِ الْمُؤْمِنِ ، فَيَدْخُلُهُ الْجَنَّةَ . فَيَقَالُ : هَذَا الْبِرُّ . (١٠) .

١- غرر الحكم : ح ١٠٥٦٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٣٣ ح ٩٧٣٣ .

٢- غرر الحكم : ح ٥٩٩١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١٧ ح ٥٥٣١ .

٣- مجازا : أى طريقا ومسلكا (الصحيح : ج ٣ ص ٨٧١ «جوز»).

٤- نهج البلاغه : الخطبه ١٣٢ .

٥- نهج البلاغه : الكتاب ٢٧ ، الأما لي للمفيد : ص ٢٦٣ ح ٣ ، معانى الأخبار : ص ٢٦٣ ح ٣ ، الأما لي للطوسي : ص ٢٧ ح ٣١ والثلاثه الأخيره عن أبى إسحاق الهمداني ، الغارات : ج ١ ص ٢٣٧ عن عبايه ، تحف العقول : ص ١٧٨ وفيه «أهلها» بدل «عاملها» فى الموضوع الثانى ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٥٨١ ح ٧٢٦ .

٦- غرر الحكم : ح ٤١٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣ ح ٦٠٧ .

٧- هذا المضمون اقتبسه الإمام عليه السلام من الآيه ٤٤ من سوره الروم .

٨- الأما لي للمفيد : ص ١٩٥ ح ٢٦ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٢١ ح ٤٦ وفيه «فيسهل» بدل «فيمهد» ، عدّه الداعى : ص ٢١٧ كلّها عن داوود بن فرقد ، مجمع البيان : ج ٨ ص ٤٨١ عن منصور بن حازم وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩٧ ح ١٨٩ .

٩- مثل الكُبة : أى الدَّفْعَة والصدمه ، أو مثل كُبة الغزل فى الصغر أو مثل البعير فى الكبر (بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٤٤) .

١٠- الكافى : ج ٢ ص ١٥٨ ح ٣ عن سيف ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٤٤ ح ٤ .

امام علی علیه السلام: بهشت با آرزو به دست نمی آید. ۷۵. امام علی علیه السلام: طلبیدن بهشت بدون عمل، حماقت است. امام علی علیه السلام: برای بهشت، کار کنید؛ چرا که دنیا برای اقامت دائمی شما آفریده نشده است؛ بلکه برایتان گذرگاهی آفریده شده تا از آن برای اقامتگاهتان توشه عمل بردارید. ۷۶. امام علی علیه السلام: چه کسی به بهشت، نزدیک تر از عمل کننده برای آن است؟ و چه کسی به دوزخ، نزدیک تر از عمل کننده برای آن است؟ امام علی علیه السلام: بهشت، پاداش فرمان برداران است. ۷۷. الأمالی، مفید به نقل از داوود بن فرقد: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «کردار نیک، [پیشاپیش] به بهشت می رود و برای صاحب خود، تدارک می بیند، چنان که شخص، غلام خود را جلوتر می فرستد و او برایش فرش می گستراند».

ایشان، سپس خواند: «و کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک کرده اند، برای خودشان آماده می کنند». (۱) امام صادق علیه السلام: در روز قیامت، چیزی شبیه گلوله نخ می آید و به پشت مؤمن می زند و او را داخل بهشت می کند. پس گفته می شود: «این، همان نیکی (۲) است».

-
- ۱- این عبارت، اقتباس امام علیه السلام از آیه ۴۴ سوره روم است.
 - ۲- ظاهراً مراد، نیکی کردن به والدین و اطاعت کردن از آنهاست.

٧ / ٦ ولأية أهل البيت عليهم السلام رسول الله صلى الله عليه وآله: من كان آخر كلامه الصلاة علي وعلى علي دخل الجنة. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: الحسن والحسين ابناي، من أحبهما أحبني، ومن أحبني أحب الله، ومن أحب الله أدخله الجنة، ومن أبغضهما أبغضني، ومن أبغضني أبغضه الله، ومن أبغضه الله أدخله النار. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: الزموا مودتنا أهل البيت، فإن من لقي الله عز وجل وهو يحبنا دخل الجنة بشفاعتنا، والذي نفسى بيده لا يتنفع عبد بعمله إلا بمعرفته بحقنا. (٣)

الإمام علي عليه السلام: إنما الأئمة قوام الله على خلقه، وعرفاؤه على عباده، ولا يدخل الجنة إلا من عرفهم وعرفوه، ولا يدخل النار إلا من أنكرهم وأنكروه. (٤)

الإمام الباقر عليه السلام: نحن السراج لمن استضاء بنا، ونحن السبيل لمن اقتدى بنا، ونحن الهداه إلى الجنة، ونحن عرى الإسلام، ونحن الجسور والقناطر، من مضى عليها لم يسبق ومن تخلف عنها لمحق. (٥). (٦)

١- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٦٤ ح ٢٧٣ عن الحسن بن عبد الله بن محمد الرازي التميمي، وسائل الشيعة: ج ٤ ص ١٢١٦ ح ٩١١٠.

٢- المستدرک على الصحيحين: ج ٣ ص ١٨١ ح ٤٧٧٦ عن سلمان، كنز العمال: ج ١٢ ص ١٢٠ ح ٣٤٢٨٦؛ إعلام الوری: ج ١ ص ٤٣٢ عن سلمان.

٣- الأمالی للمفيد: ص ١٣ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ١٣٥ ح ١٦٩ كلاهما عن ابن أبي لیلی عن الإمام الحسين عليه السلام، الأمالی للطوسی: ص ١٨٧ ح ٣١٤، المناقب للكوفي: ج ٢ ص ١٠٠ ح ٥٨٧ كلاهما عن أبي لیلی عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، شرح الأخبار: ج ١ ص ٤٤٥ ح ١٢٠ عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١٠١ ح ٦٣؛ المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٣٦٠ ح ٢٢٣٠ عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله.

٤- نهج البلاغه: الخطبة ١٥٢، غرر الحكم: ح ٣٩١١، تفسير نور الثقلين: ج ٢ ص ٣٣ ح ١٢٩ نقلاً عن كشف المحجّه نحوه، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ٢٥٥ ح ٢٠.

٥- المحقّق: النقص والمحو والإبطال (النهاية: ج ٤ ص ٣٠٣ «محق»).

٦- كمال الدين: ص ٢٠٦ ح ٢٠، الأمالی للطوسی: ص ٦٥٤ ح ١٣٥٤، بصائر الدرجات: ص ٦٣ ح ١٠، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٢٠٧ كلّها عن خيثمه الجعفي، بحار الأنوار: ج ٢٦ ص ٢٤٨ ح ١٨.

۷ / ۶ ولایت اهل بیت علیهم السلام

۷ / ۶ ولایت اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس آخرین سخنش ، صلوات بر من و بر علی باشد ، وارد بهشت می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حسن و حسین ، فرزندان من اند . هر که آن دو را دوست بدارد ، مرا دوست داشته است و هر که مرا دوست بدارد ، خدا او را دوست می دارد و هر که خدا دوستش بدارد ، او را به بهشت می برد ، و هر که آن دو را دشمن بدارد ، مرا دشمن داشته است و هر که مرا دشمن بدارد ، خدا او را دشمن می دارد و هر که خدا دشمنش بدارد ، او را به دوزخ می برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به دوستی با ما خاندان ، چنگک زنید ؛ زیرا هر کس خدای عز و جل را در حالی دیدار کند که ما را دوست دارد ، با شفاعت ما به بهشت می رود . سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هیچ بنده ای از کردار خود بهره مند نمی شود ، مگر با اعتقاد داشتن به حقانیت ما.

امام علی علیه السلام: امامان ، در حقیقت ، سرپرستان خدا بر خلق او ، و پیشکاران او در میان بندگانش هستند . به بهشت نمی رود ، مگر کسی که آنها را بشناسد و آنان او را بشناسند ، و به دوزخ نمی رود ، مگر کسی که ایشان را انکار کند و ایشان او را انکار کنند.

امام باقر علیه السلام: ما برای کسی که از ما روشنی بجوید ، چراغیم . ما برای آن که از ما پیروی کند ، راهیم . ما راه نمایان به سوی بهشتیم . ما دستگیره های اسلامیم . ما پُل و گذرگاهیم ، که هر کس بر آن بگذرد ، عقب نمی ماند و هر کس بر آن نگذرد ، نابود می شود.

الإمام الصادق عليه السلام في وصيته لعبد الله بن جندب: يَا بَنَ جُنْدَبٍ ، لَا تَقْعَلْ فِي الْمَدِينِينَ مِنْ أَهْلِ دَعْوَتِكُمْ إِلَّا خَيْرًا ، وَاسْتَكِينُوا إِلَى اللَّهِ فِي تَوْفِيقِهِمْ ، وَسَلُّوا التَّوْبَةَ لَهُمْ ، فَكُلُّ مَنْ قَصَدَنَا وَوَالَانَا وَلَمْ يُوَالِ عَدُوَّنَا وَقَالَ مَا يَعْلَمُ ، وَسَكَتَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَوْ أَشْكَلَ عَلَيْهِ ، فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ أَقَامَ فَرَائِضَ اللَّهِ ، وَاجْتَنَبَ مَحَارِمَ اللَّهِ ، وَأَحْسَنَ الْوَلَايَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّ اللَّهِ ، وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، فَلْيَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ شَاءَ . (٢)

عنه عليه السلام: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَفَرٍ إِذْ نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ ، فَلَمَّا رَكِبَ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ : رَأَيْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَدَقْتَ مَا لَمْ تَكُنْ تَصْنَعُهُ؟ قَالَ : نَعَمْ ، أَتَانِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَشَّرَنِي أَنَّ عَلِيًّا فِي الْجَنَّةِ ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ : وَفَاطِمَةُ فِي الْجَنَّةِ ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ : وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ : وَمَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ ، فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا ، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ : وَمَنْ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى . (٣)

١- تحف العقول : ص ٣٠٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٨٠ ح ١ .

٢- الأمالى للصدوق : ص ٥٦١ ح ٧٥٢ ، بشاره المصطفى : ص ١٧٦ كلاهما عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج ٢٧ ص ٨٨ ح ٣٧ .

٣- الأمالى للمفيد : ص ٢١ ح ٢ عن أبي عبد الرحمن ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ١١١ ح ٢٤ وراجع : الكافي : ج ٢ ص ٩٨ ح

امام صادق علیه السلام در سفارش به عبد الله بن جندب: ای پسر جندب! در باره گنهکاران همکیشان، جز خوب مگو، و از خدا برای آنان، تقاضای توفیق کنید و درخواست توبه نمایید؛ زیرا هر که به سوی ما بیاید و دوست ما باشد و دوستدار دشمن ما نباشد و چیزی را بگوید که می داند و از آنچه نمی داند یا فهمیدنش برای او مشکل است، دم فرو بندد، در بهشت است.

امام صادق علیه السلام: هر کس واجبات خدا را به جا آورد و از حرام های خدا دوری کند و ولایت اهل بیت پیامبر خدا را به خوبی داشته باشد و از دشمنان خدا برائت جوید، از هر دری از هشت در بهشت که بخواهد، وارد می شود.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از سفرهایش، ناگاه از مرکب خود، پایین آمد و پنج بار سجده کرد. چون سوار شد، یکی از یارانش گفت: ای پیامبر خدا! ما کاری از شما دیدیم که پیش تر چنان نکرده بودید؟ فرمود: «آری. جبرئیل علیه السلام نزد آمد و مرا مژده داد که علی، اهل بهشت است. من هم برای خدای بزرگ، سجده شکر به جا آوردم. چون سرم را از سجده برداشتم، جبرئیل گفت: فاطمه هم اهل بهشت است. پس دوباره برای خدای بزرگ، سجده شکر به جا آوردم. چون سرم را برداشتم، گفت: حسن و حسین هم سرور جوانان اهل بهشت اند. باز برای خدای بزرگ، سجده شکر به جا آوردم. چون سرم را برداشتم، گفت: هر کس هم که ایشان را دوست داشته باشد، اهل بهشت است. من باز برای خدای بزرگ، سجده شکر به جا آوردم، و چون سرم را برداشتم، گفت: هر کس دوستدار آنان را دوست بدارد نیز اهل بهشت است. پس برای خدای بزرگ، سجده شکر دیگری به جا آوردم».

الكافي عن صباح بن سيباه عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَجُوبُكُمْ وَمَا يَدْرِي مَا تَقُولُونَ فَيَدْخِلُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَبْغِضُكُمْ وَمَا يَدْرِي مَا تَقُولُونَ فَيَدْخِلُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّارَ ، وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَتَمَلَأُ صَحِيفَتَهُ مِنْ غَيْرِ عَمَلٍ ، قُلْتُ : وَكَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ : يَمُرُّ بِالْقَوْمِ يَنَالُونَ مِنَّا ، فَإِذَا رَأَوْهُ قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ : كُفُّوا ، فَإِنَّ هَذَا الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِهِمْ ، وَيَمُرُّ بِهِمُ الرَّجُلُ مِنْ شَيْعَتِنَا فَيَهْمُزُونَهُ وَيَقُولُونَ فِيهِ ، فَيَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ حَسَنَاتٍ حَتَّى يَمَلَأُ صَحِيفَتَهُ مِنْ غَيْرِ عَمَلٍ . (١)

ع : أهل البيت عليهم السلام فى الكتاب والسنة : (القسم الثامن : حقوق أهل البيت عليهم السلام) و(القسم التاسع : حب أهل البيت عليهم السلام) .

٧ / ٧ أداء الفرائض رسول الله صلى الله عليه وآله و آله : سِتُّ مَنْ عَمِلَ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ جَادَلَتْ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى تُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ ؛ تَقُولُ : أَيْ رَبِّ قَدْ كَانَ يَعْمَلُ بِي فِي الدُّنْيَا : الصَّلَاةَ ، وَالزَّكَاةَ ، وَالْحَجَّ ، وَالصِّيَامَ ، وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ ، وَصَلَةَ الرَّحِمِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي ، وَلَا أُمَّةَ بَعْدَكُمْ ، أَلَا فَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ ، وَصَلُّوا خَمْسَتَكُمْ ، وَصُومُوا شَهْرَكُمْ ، وَحُجُّوا بَيْتَ رَبِّكُمْ ، وَأَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ طَيِّبَةً بِهَا أَنْفُسُكُمْ ، وَأَطِيعُوا وِلَاةَ أَمْرِكُمْ ، تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ . (٣)

١- الكافي : ج ٨ ص ٣١٥ ح ٤٩٥ ، معانى الأخبار : ص ٣٩٢ ح ٤٠ وفيه «فينهزونه» بدل «فيهمزونه» ، فضائل الشيعة : ص ٧٥ ح ٣٩ وليس فيه «كفوا» وفيه «فيرمونه» بدل «فيهمزونه» ، بحار الأنوار : ج ٢٧ ص ١٣٦ ح ١٣٦ .

٢- الأمالى للمفيد : ص ٢٢٧ ح ٥ ، الأمالى للطوسى : ص ١٠ ح ١١ كلاهما عن أبى أمامه ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٣٧٨ ح ٢٦ .

٣- الخصال : ص ٣٢٢ ح ٦ عن أبى أمامه ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ٢٠٦ ح ١١ ؛ المعجم الكبير : ج ٨ ص ١١٥ ح ٧٥٣٥ ، مسند الشاميين : ج ١ ص ٣١٠ ح ٥٤٣ ، السنه لابن أبى عاصم : ص ٤٩١ ح ١٠٦١ ، تاريخ دمشق : ج ٢٤ ص ٥١ ح ٥١٥٦ كلها عن أبى أمامه نحوه ، كنز العمال : ج ٥ ص ٢٩٤ ح ١٢٩٢٢ و ١٢٩٢٣ .

۷ / ۷ به جا آوردن واجبات

الكافی به نقل از صباح بن سیّابه : امام صادق علیه السلام فرمود : «شخصی شما [شیعیان] را دوست دارد ، بدون آن که بداند شما چه می گوئید [و چه اعتقاداتی دارید] . خداوند عز و جل چنین شخصی را به بهشت می برد . شخصی شما را دشمن می دارد ، بدون آن که بداند شما چه می گوئید . خداوند عز و جل ، چنین شخصی را به دوزخ می برد . نیز شخصی از شما نامه اعمالش پُر است ، بدون آن که عملی انجام داده باشد» . گفتم : چگونه چنین می شود؟ فرمود : «بر عده ای می گذرد که از ما بدگویی می کنند ؛ اما همین که او را می بینند ، به یکدیگر می گویند : ساکت شوید ؛ زیرا این مرد ، از شیعیان آنهاست . یا شخصی از شیعیان ما ، بر آنها می گذرد و آنها به او پوزخند می زنند و در باره اش حرف می زنند و خداوند در برابر آن ، برای او آن قدر ثواب می نویسد که کارنامه اش پر می شود ، بدون آن که عملی انجام داده باشد» .

ر . ك : اهل البيت عليهم السلام در قرآن و حدیث : (بخش هشتم : حقوق اهل بیت عليهم السلام) و (بخش نهم : دوستی اهل بیت عليهم السلام) .

۷ / ۷ به جا آوردن واجبات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شش چیز است که هر کس به یکی از آنها عمل کند ، آن چیز در روز قیامت از او دفاع می کند تا آن که او را وارد بهشت کند . آن چیز [در دفاع از او] می گوید : «ای پروردگار من ! این شخص در دنیا به من عمل می کرد» . [آن شش چیز ، عبارت اند از :] نماز ، زکات ، حج ، روزه ، امانتداری و صلّه رحم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم ! پس از من ، پیامبری نیست و پس از شما ، امتی نیست . هان ! پروردگارتان را بندگی کنید و نمازهای پنجگانه خود را به جا آورید و ماه رمضان را روزه بگیرید و حجّ خانه خدایتان را بگذارید و زکات امواتان را با رضایت خاطر بپردازید و از زمامدارانتان فرمان برید تا به بهشت پروردگارتان وارد شوید .

عنه صلى الله عليه وآله: اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ، وَصَلُّوا حَمْسَكُمْ، وَصُومُوا شَهْرَكُمْ، وَأَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ، وَأَطِيعُوا ذَا أَمْرِكُمْ، تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: خَمْسٌ مَن جَاءَ بِهِنَّ مَعَ إِيمَانٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ: مَن حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ؛ عَلَى وَضُوءِهِنَّ وَرُكُوعِهِنَّ وَسُجُودِهِنَّ وَمَوَاقِيْتِهِنَّ، وَصَامَ رَمَضَانَ، وَحَجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَأَعْطَى الزَّكَاةَ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ، وَأَدَّى الْأَمَانَةَ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ رَبُّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: مَن صَلَّى الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا وَحَافَظَ عَلَيْهَا وَلَمْ يُضَيِّعْهَا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهَا، فَلَهُ عَلَى عَهْدِ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا صَلَّى الْمَرْأَةُ حَمْسِيَّهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا، وَحَفِظَتْ فَرْجَهَا، وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا، قِيلَ لَهَا: أُدْخِلِي الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شِئْتَ. (٤)

١- سنن الترمذى: ج ٢ ص ٥١٦ ح ٦١٦، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٧٤ ح ٢٢٢٢٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٥٢ ح ١٩ وفيهما «اعبدوا» بدل «اتقوا الله»، صحیح ابن حبان: ج ١٠ ص ٤٢٦ ح ٤٥٦٣، تاریخ دمشق: ج ٤٨ ص ٢٥٦ ح ١٠٤٢١ كلاهما نحوه وكلها عن أبي أمامه، كنز العمال: ج ١ ص ٣٣ ح ٤٦.

٢- سنن ابى داوود: ج ١ ص ١١٦ ح ٤٢٩، المعجم الصغير: ج ٢ ص ٥، تفسير الطبرى: ج ١٢ الجزء ٢٢ ص ٥٥، تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٤٧٩ كلها عن أبى الدرداء والثلاثة الأخيره نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٨٧ ح ٤٣٥١٣؛ عوالى اللالكى: ج ١ ص ٨٤ ح ٩ عن أبى الدرداء.

٣- مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٣٢٥ ح ١٨١٥٥، المعجم الكبير: ج ١٩ ص ١٤٢ ح ٣١١ ح ٣١٤ نحوه، المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٩٢ ح ٤٧٦٤ وكلها عن كعب بن عجره، كنز العمال: ج ٧ ص ٣١١ ح ١٩٠٣١.

٤- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٤٠٦ ح ١٦٦١ عن عبد الرحمن بن عوف، صحیح ابن حبان: ج ٩ ص ٤٧١ ح ٤١٦٣، المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٣٤ ح ٤٥٩٨ كلاهما عن أبى هريره، حليه الأولياء: ج ٦ ص ٣٠٨ عن أنس وكلها نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٤٠٦ ح ٤٥١٢٦.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خداوند، پروردگارتان، پروا دارید و نمازهای پنجگانه تان را به جا آورید و ماه رمضان را روزه بگیرید و زکات امواتان را پردازید و از فرمان روایتان فرمان برید تا به بهشت پروردگارتان وارد شوید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز است که هر کس آنها را با ایمان به جا آورد، به بهشت می رود: کسی که نمازهای پنجگانه را با وضو و رکوع و سجود و در اوقاتشان، به جا آورد و ماه رمضان را روزه بگیرد و در صورت استطاعت، حج خانه خدا بگزارد و با رضایت خاطر، زکات پردازد و امانت را به صاحبش بازگرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگارتان عز و جل می فرماید: «هر کس نماز را در وقتش بخواند و از نماز، مراقبت نماید و از سر بی اعتنایی در حق آن، فروگذارش نکند، به او پیمان می دهم که او را به بهشت ببرم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه زن، نمازهای پنجگانه اش را بخواند و رمضان را روزه بگیرد و دامنش را پاک نگه بدارد و از شوهرش اطاعت کند، به او گفته می شود: «از هر در بهشت که خواستی، وارد بهشت شو».

صحيح البخارى عن أبى هريره : إِنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ . قَالَ : تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا ، وَتَقِيمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ ، وَتُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ . قَالَ : وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ! لَا أَزِيدُ عَلَى هَذَا . فَلَمَّا وُلِّي ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا . (١)

مسند ابن حنبل عن المغيرة بن عبد الله عن أبيه : قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، حَدِّثْنِي أَوْ خَبِّرْنِي بِعَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَى الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُنِي مِنَ النَّارِ ، قَالَ : أَوْ ذَلِكَ أَعْمَلَكَ أَوْ أَنْصَيْتُ بِكَ ؟ قَالَ : قُلْتُ : نَعَمْ ، قَالَ : فَأَعْقِلْ إِذَا أَوْ أَفْهَمَ : تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا ، وَتَقِيمُ الصَّلَاةَ ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ ، وَتُحِجُّ الْبَيْتَ ، وَتَأْتِي إِلَى النَّاسِ مَا تُحِبُّ أَنْ يُؤْتِيَ إِلَيْكَ ، وَتَكْرَهُ لِلنَّاسِ مَا تَكْرَهُ أَنْ يُؤْتِيَ إِلَيْكَ . خَلَّ زَمَامَ النَّاقَةِ أَوْ خِطَامَهَا . (٢)

سنن الترمذى عن معاذ بن جبل : كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَفَرٍ فَأَصْبَحْتُ يَوْمًا قَرِيبًا مِنْهُ وَنَحْنُ نَسِيرٌ ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ وَيُبَاعِدُنِي مِنَ النَّارِ ، قَالَ : لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ عَظِيمٍ ، وَإِنَّهُ لَيْسَ يَرُ عَلَى مَنْ يَسْرُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ ، تَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا ، وَتَقِيمُ الصَّلَاةَ ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ ، وَتُحِجُّ الْبَيْتَ . (٣)

١- صحيح البخارى : ج ٢ ص ٥٠٦ ح ١٣٣٣ ، صحيح مسلم : ج ١ ص ٤٤ ح ١٥ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٤٨ ح ٨٥٢٣ ، السنن الكبرى : ج ٤ ص ١٤١ ح ٧٢٣٧ ، صحيح ابن خزيمة : ج ٤ ص ١٢ كلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج ١٥ ص ٩٤٤ ح ٤٣٦٢٩ .

٢- مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٥٥ ح ٢٣٢٢٤ و ج ٥ ص ٦٠٦ ح ١٦٧٠٥ عن المغيرة بن سعد عن أبيه أو عمّه ، الطبقات الكبرى : ج ٦ ص ٥٦ كلاهما نحوه وراجع : المعجم الكبير : ج ٦ ص ٤٩ ح ٥٤٧٨ و أسد الغابه : ج ٢ ص ٤١٧ الرقم ١٩٦٢ .

٣- سنن الترمذى : ج ٥ ص ١١ ح ٢٦١٦ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣١٤ ح ٣٩٧٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٣٥ ح ٢٢٠٧٧ ، المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ١٣١ ح ٢٦٦ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ٤٤٧ ح ٣٥٤٨ ، حليه الأولياء : ج ٤ ص ٣٧٦ كلاهما نحوه .

صحیح البخاری به نقل از ابو هریره : عربی بادیه نشین نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : مرا به عملی راه نمایی کن که وقتی آن را به جا آوردم ، به بهشت روم . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خدا را می پرستی و چیزی را شریکش نمی گردانی و نماز واجب را می خوانی و زکات واجب را می پردازی و رمضان را روزه می گیری» . بادیه نشین گفت : سوگند به آن که جانم در دست اوست ، بیش از اینها کاری نمی کنم . و چون باز می گشت ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند ، به این مرد بنگرد» .

مسند ابن حنبل به نقل از مغیره بن عبد الله ، از پدرش : گفتم : ای پیامبر خدا ! به من از عملی بگو یا خبر ده که به بهشت ، نزدیکم سازد و از آتش ، دورم گرداند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا به آن ، عمل می کنی؟» . گفتم : آری . فرمود : «پس ، گوش کن : خدا را می پرستی و هیچ چیز را شریک او نمی گردانی ، نماز را بر پا می داری ، زکات می پردازی ، رمضان را روزه می گیری ، حج خانه خدا را به جا می آوری ، با مردم ، چنان رفتار می کنی که دوست داری با تو رفتار شود و با مردم ، چنان نمی کنی که دوست نداری با تو شود . حال ، زمام یا مهار ناقه را رها کن [و بگذار شترم برود]» .

سنن الترمذی به نقل از معاذ بن جبل : در سفری با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم . روزی به ایشان نزدیک شدم و در کنار هم حرکت می کردیم . من گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا از عملی خبر ده که مرا به بهشت برَد و از آتش ، دورم گرداند . فرمود : «در باره مطلب بزرگی پرسیدی و این ، برای کسی که خدا آن را بر او آسان گرداند ، آسان خواهد بود : خدا را می پرستی و چیزی را شریکش قرار نمی دهی ، نماز را بر پا می داری ، زکات می پردازی ، رمضان را روزه می گیری و حج خانه خدا را به جا می آوری» .

مسند ابن حنبل عن ابن عباس: إِنَّ ضَمَامَ بْنَ ثَعْلَبَةَ أَخَا بَنِي سَعْدِ بْنِ بَكْرٍ لَمَّا أَسْلَمَ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ فَرَائِضِ الْإِسْلَامِ مِنَ الصَّلَاةِ وَغَيْرِهَا ، فَعَدَّ عَلَيْهِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ لَمْ يَزِدْ عَلَيْهِنَّ ، ثُمَّ الزَّكَاةَ ، ثُمَّ صِيَامَ رَمَضَانَ ، ثُمَّ حَجَّ الْبَيْتِ ، ثُمَّ أَعْلَمَهُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ . فَلَمَّا فَرَّغَ قَالَ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ ، وَسَأَفْعَلُ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ ، لَا أَزِيدُ وَلَا أَنْقُصُ ، قَالَ : ثُمَّ وَلَّى . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنْ يَصْدُقَ ذُو الْعَقِيصَتَيْنِ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ . (١)

صحيح مسلم عن أبي أيوب: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ أَعْمَلُهُ يُدِينِنِي مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُنِي مِنَ النَّارِ . قَالَ : تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا ، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ ، وَتَصِلُ ذَا رَحِمِكَ . فَلَمَّا أَدْبَرَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنْ تَمَسَّكَ بِمَا أَمَرَ بِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٢)

مسند الطيالسي عن عباده بن الصامت: أَشْهَدُ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : أَتَانِي جَبْرَائِيلُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لَكَ : إِنِّي قَدْ فَرَضْتُ عَلَى أُمَّتِكَ خَمْسَ صِلَوَاتٍ ، مَنْ وَاظَمَهُنَّ عَلَى وُضُوئِهِنَّ وَمَوَاقِيَتِهِنَّ وَسِيَّجُودِهِنَّ فَإِنَّ لَهُ عِنْدَكَ بِهِنَّ عَهْدًا أَنْ أَدْخِلَهُ بِهِنَّ الْجَنَّةَ ، وَمَنْ لَقِيَنِي قَدْ أَنْقَصَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا أَوْ كَلِمَةً نَسِيَتْهَا (٣) فَلَيْسَ لَهُ عِنْدَكَ عَهْدٌ ، إِنْ شِئْتَ عَذَّبْتَهُ وَإِنْ شِئْتَ رَحِمْتَهُ . (٤)

١- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٣٩ ح ٢٢٥٤ ، سنن الدارمي: ج ١ ص ١٧٥ ح ٦٥٧ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ٣ ص ٥٥ ح ٤٣٨٠ ، المعجم الكبير: ج ٨ ص ٣٠٥ ح ٨١٤٩ ، الاستيعاب: ج ٢ ص ٣٠٥ الرقم ١٢٧٠ کلها نحوه ، البدايه والنهائيه: ج ٥ ص ٦١ .

٢- صحيح مسلم: ج ١ ص ٤٣ ح ١٤ ، سنن النسائي: ج ١ ص ٢٣٤ ، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ١٣٩ ح ٢٣٥٩٧ كلاهما نحوه ، حليه الأولياء: ج ٤ ص ٣٧٤ ، كنز العمال: ج ٣ ص ٧٦٦ ح ٨٦٩٥ .

٣- ما بين الشارحتين من كلام الراوى .

٤- مسند الطيالسي: ص ٧٨ ح ٥٧٣ ، حليه الأولياء: ج ٥ ص ١٢٦ نحوه ، كنز العمال: ج ٧ ص ٢٨١ ح ١٨٨٨٠ .

مسند ابن حنبل به نقل از ابن عباس: ضَمَام بن ثعلبه از قبیله بنی سعد بن بکر، زمانی که اسلام آورد، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره فریضه های اسلام چون نماز و جز آن، پرسید. ایشان نمازهای پنجگانه را برایش بر شمرد و بر آنها چیزی نیفزود. سپس از زکات نام برد و سپس از روزه رمضان و سپس از حج خانه خدا. آن گاه چیزهایی را که خداوند بر او حرام ساخته است، به آگاهی اش رساند. سخنان ایشان که تمام شد، ضَمَام گفت: گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست و گواهی می دهم که تو فرستاده خدا هستی. آنچه را به من فرمودی، انجام خواهم داد، نه بیشتر و نه کمتر. و رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر دو گیسدار (ضَمَام) راست بگویند، وارد بهشت می شود».

صحیح مسلم به نقل از ابو ایوب: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: مرا به عملی راه نمایی فرما که آن را به جا آورم و مرا به بهشت، نزدیک و از دوزخ، دور گرداند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا را می پرستی و چیزی را شریک او نمی گردانی، نماز را برپا می داری، زکات می پردازی و صله رحم به جا می آوری». چون آن مرد رفت، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر آنچه را که به او دستور داده شد، به جا آورد، به بهشت می رود».

مسند الطیالسی به نقل از عباد بن صامت: گواهی می دهم که شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «جبرئیل که درود و سلام خدا بر او باد از نزد خدای بزرگ و والا، نزد من آمد و گفت: ای محمّد! خداوند عز و جل به تو فرمود: من بر امت تو، پنج نماز، واجب نمودم. هر که آنها را با وضوی آنها و در اوقاتشان و با سجودشان به جا آورد، به او تعهد بده که من به واسطه آنها او را به بهشت می برم، و اگر به دیدارم آمد، در حالی که چیزی (۱) از اینها را کاسته بود، تو هیچ تعهدی نسبت به او نداری. اگر خواستم، عذابش می کنم و اگر خواستم، او را می بخشم».

۱- راوی حدیث (عباده بن صامت)، در این جا می گوید: یا شاید کلمه دیگری [به همین معنا] فرمود که من فراموش کرده

سنن النسائي عن أبي أيوب الأنصاري قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ جَاءَ يَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَيُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَيُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَيَجْتَنِبُ الْكِبَائِرَ، كَانَ لَهُ الْجَنَّةُ. فَسَأَلُوهُ عَنِ الْكِبَائِرِ، فَقَالَ: الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الْمُسْلِمَةِ، وَالْفِرَارُ يَوْمَ الرَّحْفِ. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: أما تَرْضَوْنَ أَنْ تُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَتُؤْتُوا الزَّكَاةَ، وَتَكْفُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَتَدْخُلُوا الْجَنَّةَ. (٢)

عنه عليه السلام: عَشْرٌ مِنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَحُجُّ الْبَيْتِ، وَالْوَلَايَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ، وَاجْتِنَابُ كُلِّ مُسْكِرٍ. (٣)

كتاب من لا يحضره الفقيه: قال سليمان بن خالدٍ للصادق عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْفَرَائِضِ الَّتِي فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ مَا هِيَ؟ قَالَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ، وَحُجُّ الْبَيْتِ، وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالْوَلَايَةَ، فَمَنْ أَقَامَهُنَّ وَسَدَّدَ وَقَارَبَ، وَاجْتَنَبَ كُلَّ مُنْكَرٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (٤)

١- سنن النسائي: ج ٧ ص ٨٨، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ١٣١ ح ٢٣٥٦١ بزياده «ويصوم رمضان» بعد «الزكاة»، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧٤ ح ٦٠ نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٤٣ ح ٧٨١٦.

٢- الكافي: ج ٨ ص ٢٨٩ ح ٤٣٤ عن الفضيل، تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٧٠٣ ح ٣ عن الفضيل عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج ١ ص ٢٦٨ ح ٥١٩، أعلام الدين: ص ٢٣٤ كلاهما عن مالك بن أعين الجهني عن الإمام الصادق عليه السلام، شرح الأخبار: ج ٣ ص ٤٣٨ ح ١٢٩٦ عن حماد بن أعين الجهني عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٨٣ ح ٣٧.

٣- الخصال: ص ٤٣٢ ح ١٥، ثواب الأعمال: ص ٣٠ ح ١، المحاسن: ج ١ ص ٧٧ ح ٣٨، بشاره المصطفى: ص ٢٦٩ كلها عن الفضيل بن يسار، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣٧٧ ح ٢٤.

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٠٤ ح ٦١٢، المحاسن: ج ١ ص ٤٥٢ ح ١٠٤١، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣٨٦ ح ٣٦.

سنن النسائی به نقل از ابو ایوب انصاری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس خدا را بپرستد و چیزی را شریک او قرار ندهد و نماز را به جا آورد و زکات پردازد و از گناهان بزرگ دوری کند، بهشتی خواهد بود». از ایشان در باره گناهان بزرگ پرسیدند. فرمود: «شرک آوردن به خدا، کشتن انسان مسلمان و گریختن از جهاد».

امام باقر علیه السلام: آیا خوشنود نیستید که نماز بخوانید و زکات بدهید و زبان هایتان را نگه دارید و [در عوض،] به بهشت بروید؟

امام باقر علیه السلام: ده چیز است که هر کس با آنها خدای عز و جل را دیدار کند، به بهشت می رود: گواهی دادن به این که معبودی جز خدای یکتا نیست و این که محمد، فرستاده خداست، و اقرار کردن به آنچه او از نزد خدای عز و جل آورده است، و به جا آوردن نماز، و پرداخت زکات، و گرفتن روزه ماه رمضان، و حج خانه خدا، و دوستی با دوستان خدا، و بیزاری از دشمنان خدا، و دوری کردن از هر مستی آوری.

کتاب من لایحضره الفقیه: سلیمان بن خالد به امام صادق علیه السلام گفت: فدایت شوم! فرایضی که خداوند عز و جل بر عهده بندگان نهاده است، چیستند؟ فرمود: «گواهی دادن به این که معبودی جز خدای یکتا نیست و محمد، پیامبر خداست، و به جا آوردن نمازهای پنجگانه و دادن زکات و حج خانه خدا و روزه ماه رمضان و ولایت. پس، هر کس این فرایض را به جا آورد و راه راست و درست را در پیش گیرد و از هر منگری دوری کند، به بهشت می رود».

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ حَمْسًا، وَصَامَتْ شَهْرًا، وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا، وَعَرَفَتْ حَقَّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلْتَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ. (١)

راجع: ص ٣٤٠ (الفصل السابع / كلمه التوحيد مع شروطها / علامه الاخلاص ، طاعه الله ورسوله وولايه أهل البيت عليهم السلام).

٧ / ٨ اجتناب المحارم الكتاب «تلك الجنة التي نورث من عبادنا من كان تقياً». (٢)

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ * فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ». (٣)

«لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلَّائِبِرَارِ». (٤)

«وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ». (٥)

١- الكافي: ج ٥ ص ٥٥٥ ح ٣، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٤١ ح ٤٥٣١ كلاهما عن أبي الصباح الكناني وراجع: الأمل للصدوق: ص ٥٧٥ ح ٧٨٧ وبشاره المصطفى: ص ١٧٨.

٢- مريم: ٦٣.

٣- القمر: ٥٤ و ٥٥.

٤- آل عمران: ١٩٨.

٥- الشعراء: ٩٠.

۷ / ۸ دوری از حرام ها

امام صادق علیه السلام: هر گاه زن ، نمازهای پنجگانه را بخواند و یک ماه [رمضان] را روزه بگیرد و از شوهرش اطاعت کند و حقّ علی علیه السلام را بشناسد ، از هر درِ بهشت که بخواهد ، وارد می شود.

ر . ک : ص ۳۴۱ (فصل هفتم / شعار توحید ، با شروط آن / نشانه اخلاص ، فرمانبری از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیت علیهم السلام است) .

۷ / ۸ دوری از حرام ها قرآن «این ، همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند ، به میراث می دهیم».

«به راستی که پرهیزگاران ، در میان باغ ها و نهرها در قرارگاه صدق ، نزد پادشاهی توانايند».

«ولی کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته اند ، باغ هایی خواهند داشت که در آنها جویبارها روان است ، [و] در آن ، جاودانه می مانند . [این ،] پذیرایی از جانب خداست و آنچه نزد خداست ، برای نیکان ، بهتر است».

«و [آن روز ،] بهشت برای پرهیزگاران ، نزدیک می گردد».

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ . (١)

سنن الترمذى عن أبي هريره: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ أَكْثَرِ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ الْجَنَّةَ ، فَقَالَ : تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اجْتَنَبَ مِنَ الرِّجَالِ أَرْبَعًا فَتَحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ : الدَّمَاءَ وَالْأَمْوَالَ وَالْفُرُوجَ وَالْأَشْرَبَةَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: أَيُّمَا امْرَأَةٍ اتَّقَتْ رَبَّهَا ، وَحَفِظَتْ فَرْجَهَا ، وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا ، فَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ مِنَ الْجَنَّةِ فَقِيلَ لَهَا : ادْخُلِي مِنْ حَيْثُ شِئْتَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ وَقِيَ شَرَّ لِقَلْبِهِ (٥) وَقَفَّقَبِهِ (٦) وَذَبَذَبِهِ (٧) فَقَدْ وَجِبَ لَهُ الْجَنَّةُ . (٨)

١- الكافي: ج ٢ ص ١٠٠ ح ٦ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار: ص ٣٩٢ ح ١٢٨٥ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الجعفریات: ص ١٥٠ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الاختصاص: ص ٢٢٨ ، الخصال: ص ٧٨ ح ١٢٦ عن أبي هريره نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٨٨ ح ٢٠؛ مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٤٧ ح ٩١٠٧ عن أبي هريره وفيه «الإنسان» بدل «أمتي» ، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٠٣ ح ٤٤٠٧١.

٢- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٢٠٠٤ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤١٨ ح ٤٢٤٦ ، الأدب المفرد: ص ٩٦ ح ٢٩٤ ، صحيح ابن حبان: ج ٢ ص ٢٢٤ ح ٤٧٦ ، كنز العمال: ج ٣ ص ٦٩٨ ح ٨٤٩٨؛ صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ص ٢٣٠ ح ١٢٣ عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٧٣ ح ٢٠.

٣- تاريخ جرجان: ص ٣٦٩ الرقم ٦٠٤ ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٦٠ ح ٤٣٤٢٤ نقلاً عن مسند البرار نحوه وكلاهما عن أنس .

٤- المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٧٦ ح ٤٧١٥ عن أبي هريره ، الدر المنثور: ج ٧ ص ٢٦٦.

٥- اللُّقْلُقُ: اللِّسَانُ (النهايه: ج ٤ ص ٢٦٥ «لقلق»).

٦- الْقَبْقَبُ: الْبُطْنُ (النهايه: ج ٤ ص ٧ «ققب»).

٧- الذَّبَذَبُ: يَعْنِي الذِّكْرَ، سُمِّيَ لِتَدْبُذْبِهِ: أَي حركته (النهايه: ج ٢ ص ١٥٤ «ذبذب»).

٨- الفردوس: ج ٣ ص ٦٣٢ ح ٥٩٧٨ ، شعب الإيمان: ج ٤ ص ٣٦١ ح ٥٤٠٩ وفيه «فقد وقى الشر كله» بدل «فقد وجب له الجنة» وكلاهما عن أنس ، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٥٣ ح ٧٨٧٢؛ شرح على مئة كلمه: ص ١٤٧ وفيه «ضمنت» بدل «وجب» ، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣١٥ ح ٧.

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیشترین چیزی که ائمت به سبب آن به بهشت می روند ، پروامندی از خدا و اخلاق خوش است.

سنن الترمذی به نقل از ابو هریره : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره بیشترین چیزی که مردم را به بهشت می برد ، سؤال شد . فرمود : « پروامندی از خدا و خوش اخلاقی » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر مردی که از چهار چیز دوری کند ، درهای بهشت ، باز می شوند و او از هر دری که خواست ، وارد می شود : جان و مال و ناموس [مردم] و مشروبات [الکلی] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر زنی که از پروردگارش بترسد و دامن خود را حفظ کند و از شوهرش فرمان برد ، هشت در بهشت برایش گشوده می گردند و به او گفته می شود : از هر دری که خواستی ، داخل شو .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از گزند زبان و شکم و شهوتش محفوظ بماند ، بهشت بر او واجب می گردد.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ اتَّقَى مِنْ مَوْتِهِ لَفَلَقَهُ وَقَبِيهِ وَذَبَذِبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ حَفِظَ مَا بَيْنَ قُفْمَيْهِ (٢) وَرِجْلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : يَا شَبَابَ قُرَيْشٍ ، لَا تَزْنُوا! أَلَا مَنْ حَفِظَ فَرْجَهُ فَلَهُ الْجَنَّةَ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ حَفِظَ مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ (٥) وَرِجْلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ ، وَشَرَّ مَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ ، دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٧)

الموطأ عن عطاء بن يسار :إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : مَنْ وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ اثْنَيْنِ وَلَجَّ الْجَنَّةَ . فَقَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ لَا تُخْبِرُنَا؟ فَسَدَّكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ مِثْلَ مَقَالَتِهِ الْأُولَى . فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ : لَا- تُخْبِرُنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَسَدَّكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَ ذَلِكَ أَيْضًا . فَقَالَ الرَّجُلُ : لَا تُخْبِرُنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَ ذَلِكَ أَيْضًا . ثُمَّ ذَهَبَ الرَّجُلُ يَقُولُ مِثْلَ مَقَالَتِهِ الْأُولَى فَأَسَكَّتَهُ رَجُلٌ إِلَى جَنْبِهِ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ اثْنَيْنِ وَلَجَّ الْجَنَّةَ : مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ ، مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ ، مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ . (٨)

١- .جامع الأخبار : ص ٢٤٨ ح ٦٣٩ و ح ٦٤٠ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٢٨٧ ح ٤٢ .

٢- .الفقم بالضم والفتح اللحي، يريد من حفظ لسانه وفرجه (النهاية : ج ٣ ص ٤٦٥ «فقم»).

٣- .المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٣٩٩ ح ٨٠٦٣ ، التاريخ الكبير : ج ٧ ص ٥٤ الرقم ٢٤٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ١٣٧ ح ١٩٥٧٦ نحوه وكلها عن أبي موسى الأشعري ، المعجم الكبير : ج ١ ص ٣١١ ح ٩١٩ عن أبي رافع و ج ٦ ص ١٩٠ ح ٥٩٦٠ عن سهل بن سعد وكلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٥٥٣ ح ٧٨٦٩ .

٤- .المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٣٩٩ ح ٨٠٦٢ ، المعجم الكبير : ج ١٢ ص ١٢٨ ح ١٢٧٧٦ ، المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٦١ ح ٦٨٥٠ السنه لابن أبي عاصم : ص ٦٢٦ ح ١٥٤٣ كلاهما نحوه وكلها عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ٥ ص ٣١٨ ح ١٣٠١٩ .

٥- .اللحيان : حائطا الفم، وهما العظمان اللذان فيهما الأسنان من داخل الفم من كل ذي لحي (لسان العرب : ج ١٥ ص ٢٤٣ «لحا»).

٦- .المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٣٩٧ ح ٨٠٥٨ عن أبي هريره ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ٢٥٢ ، المعجم الكبير : ج ٦ ص ١٩٠ ح ٥٩٦٠ نحوه وكلاهما عن سهل بن سعد ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٠٦ ح ٤٣٢٠٣ ؛ الأمالى للطوسى : ص ٥٣٦ ح ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٧٨ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذر نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٨٨ ح ٣ .

- ٧- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٠٦ ح ٢٤٠٩ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٣٩٨ ح ٨٠٥٩ ، الأذکار المنتخبه : ص ٢٩٣ ، صحیح ابن حبان : ج ١٣ ص ٩ ح ٥٧٠٣ وفيه «وقى» بدل «وقاه الله» وكلها عن أبى هريره ، تفسير القرطبي : ج ٩ ص ٣٢٧ نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٥٥٣ ح ٧٨٧١ .
- ٨- الموطأ : ج ٢ ص ٩٨٧ ح ١١ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٣٥ ح ٢٣١٢٧ نحوه ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢٣ ح ٤٣٧٦٩ ؛ درر الأحاديث النبويه : ص ٤٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خود را از زبان و شکم و شهوتش نگه دارد، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس آنچه را میان دو فک او و دو پای اوست (۱) حفظ کند، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای جوانان قریش! زنا نکنید. بدانید که هر کس شهوت خود را نگه دارد، بهشتی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس آنچه را میان دو آرواره او و میان دو پای اوست، نگه دارد، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خداوند، او را از شر آنچه میان دو آرواره او و از شر آنچه میان دو پای اوست، حفظ کند، به بهشت می رود.

الموطأ به نقل از عطاء بن یسار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که خدا او را از شر دو چیز نگه دارد، به بهشت وارد می شود». مردی گفت: ای پیامبر خدا! به ما [از آن دو چیز]، خبر نمی دهی؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چیزی نفرمود و دوباره همان سخنش را تکرار فرمود. آن مرد، دوباره گفت: به ما خبر نمی دهی، ای پیامبر خدا؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باز سکوت کرد و همان سخنش را باز گفت. آن مرد، بار دیگر گفت: به ما خبر نمی دهی، ای پیامبر خدا؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باز همان سخنش را تکرار فرمود و مرد، باز همان سؤال را پرسید. مردی که در کنارش بود، او را به سکوت خواند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که خدا او را از شر دو چیز نگه دارد، به بهشت وارد می شود: آنچه میان دو آرواره اوست و آنچه میان دو پای اوست. آنچه میان دو آرواره اوست و آنچه میان دو پای اوست».

۱- مقصود، گفتار و شهوت جنسی است.

الإمام على عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ! أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ... إِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرِزُ وَالْجَنَّةُ ، وَفِي غَدِ الطَّرِيقِ إِلَى الْجَنَّةِ . (١)

عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِزُورِ الْيَقِينِ وَالتَّقْوَى ، فَإِنَّهُمَا يُبَلِّغَانِكُمْ جَنَّةَ الْمَأْوَى . (٢)

عنه عليه السلام: نَالَ الْجَنَّةَ مَنْ اتَّقَى عَنِ الْمَحَارِمِ . (٣)

عنه عليه السلام: نَيْلُ الْجَنَّةِ بِالتَّنَزُّهِ عَنِ الْمَآثِمِ . (٤)

عنه عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تَلِجَ الْجَنَّةَ حَتَّى تَزْدَجِرَ (٥) عَنْ غَيْبِكَ ، وَتَنْتَهِيَ وَتَرْتَدِعَ عَنِ مَعَاصِيكَ وَتَرْعَوَى . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَرَكَ مُسْكِرًا مَخَافَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ ، وَسَقَاهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ . (٧)

تنبيه الخواطر: قَالَ رَجُلٌ لِعَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ ، دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ أَنَالُ بِهِ الْجَنَّةَ ، فَقَالَ: اتَّقِ اللَّهَ فِي سِرِّكَ وَعَلَانِيَتِكَ ، وَبِرِّ وَالِدَيْكَ . (٨)

راجع: ص ٣٣٦ (كلمة التوحيد مع شروطها / علامه الإخلاص اجتناب المحارم) .

١- نهج البلاغه: الخطبه ١٩١ ، غرر الحكم: ح ٣٦٢٢ وليس فيه صدره .

٢- غرر الحكم: ح ٦١٦٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٤١ ح ٥٨١٤ .

٣- غرر الحكم: ح ٩٩٥٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٩٧ ح ٩١٦٢ .

٤- غرر الحكم: ح ٩٩٥٣ .

٥- اَزْدَجَرُهُ: مَنَعُهُ وَنَهَاهُ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٣٧ «زجر»).

٦- غرر الحكم: ح ٣٧٩٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧١ ح ٣٥٧٦ .

٧- الكافي: ج ٦ ص ٤٠٤ ح ١ عن عجلان أبي صالح ، وسائل الشيعة: ج ١٧ ص ٢٥٤ ح ٣١٩٨٥ .

٨- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٤٨ ، مستدرک الوسائل: ج ١٥ ص ١٧٥ ح ١٧٩١١ نقلاً عن كتاب الأخلاق لأبي القاسم الكوفي .

امام علی علیه السلام: ای بنندگان خدا! شما را به پروا از خدا سفارش می کنم ... پروامندی ، در امروز ، نگه دارنده و سپر است و در فردا راه به سوی بهشت.

امام علی علیه السلام: به یقین و پرهیزگاری ، چنگ زنید ؛ چرا که این دو ، شما را به بهشت مأوا می رسانند .

امام علی علیه السلام: آن که از حرام ها پرهیز کرد ، به بهشت رسید .

امام علی علیه السلام: رسیدن به بهشت ، در گرو دوری گزیدن از گناهان است.

امام علی علیه السلام: تو هرگز به بهشت وارد نمی شوی ، تا آن که از گم راهی ات دست برداری و از گناهانت خودداری کنی و باز ایستی.

امام صادق علیه السلام: هر کس مست کننده ای را از ترس خدا ترک کند ، خداوند ، او را به بهشت می برد و از باده ناب سر به مُهر [بهشتی] ، به او می نوشاند .

تنبيه الخواطر: مردی به عیسی بن مریم علیه السلام گفت: ای آموزگار خوبی! مرا به کاری راه نمایی فرما که با آن به بهشت برسم . عیسی علیه السلام فرمود: «در نهان و آشکارت از خدا بترس و به پدر و مادرت نیکی کن» .

ر . ک : ص ۳۳۷ (شعار توحید ، با شروط آن / نشانه اخلاص ، دوری کردن از حرام هاست) .

٧ / ٩ تَجَشُّمُ الْمَكَارِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حُفَّتِ ١ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ ، وَحُفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : حُجِبَتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ ، وَحُجِبَتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ . (٢)

-
- ١- . صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٧٤ ح ١ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٩٣ ح ٢٥٥٩ ، سنن الدارمى : ج ٢ ص ٧٩٦ ح ٢٧٣٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٣٠٨ ح ١٢٥٦٠ كلَّها عن أنس ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣٣٢ ح ٦٨٠٥ ؛ نهج البلاغه : الخطبه ١٧٦ نحوه ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٩٠ ، روضه الواعظين : ص ٤٦١ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٧٨ ح ١٢ .
- ٢- . صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢٣٨٠ ح ٦١٢٢ ، مشكاه المصابيح : ج ٢ ص ٦٤٩ ح ٥١٦٠ ، فتح البارى : ج ١١ ص ٣٢٠ ح ٦٤٨٧ كلَّها عن أبى هريره ، شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج ١٠ ص ١٧ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣٣١ ح ٦٨٠٤ .

۷ / ۹ تحمّل ناملايمات

۷ / ۹ تحمّل ناملايمات پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : بهشت ، با ناملايمات ، احاطه شده است و دوزخ با شهوات ، در ميان گرفته شده است . ۱

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : آتش [دوزخ] با پرده شهوات ، پوشانده شده است و بهشت ، با پرده ناملايمات .

عنه صلى الله عليه و آله: أَلَا إِنَّ عَمَلَ الْجَنَّةِ حُزْنَ بَرَبَوْهُ ، أَلَا إِنَّ عَمَلَ النَّارِ سَهْلٌ بِسَهْوِهِ (١) . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْجَنَّةَ حُزْنُهُ حُفَّتْ بِالْمَكَارِهِ ، وَإِنَّ النَّارَ حُفَّتْ بِالْهَوَى . أَلَا وَمَنْ كُشِفَ لَهُ بَابُ كَرْبٍ أَشْفَى (٣) عَلَى الْجَنَّةِ ، وَمَنْ كُشِفَ لَهُ بَابُ هَوَى أَشْفَى عَلَى النَّارِ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله: يَا قَوْمِ اطْلُبُوا الْجَنَّةَ جَهْدَكُمْ ، وَاهْرَبُوا مِنَ النَّارِ جَهْدَكُمْ! فَإِنَّ الْجَنَّةَ لَا يَنَامُ طَالِبُهَا وَإِنَّ النَّارَ لَا يَنَامُ هَارِبُهَا . أَلَا إِنَّ الْآخِرَةَ الْيَوْمَ مُحَقَّفَةٌ بِالْمَكَارِهِ . أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا مُحَقَّفَةٌ بِالشَّهَوَاتِ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ أَرْسَلَ جِبْرِيلَ إِلَى الْجَنَّةِ فَقَالَ: أَنْظِرِ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعَدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا . قال: فَجَاءَهَا وَنَظَرَ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لِأَهْلِهَا فِيهَا ، قال: فَرَجَعَ إِلَيْهَا ، قال: فَوَعَزَّتْكَ لَا يَسْمَعُ بِهَا أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَهَا! فَأَمَرَ بِهَا فَحُقَّتْ بِالْمَكَارِهِ ، فقال: ارْجِعْ إِلَيْهَا فَانظُرْ إِلَى مَا أَعَدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا ، قال: فَرَجَعَ إِلَيْهَا فَإِذَا هِيَ قَدْ حُقَّتْ بِالْمَكَارِهِ ، فَرَجَعَ إِلَيْهَا فَقَالَ: وَعَزَّتْكَ لَقَدْ خِفْتُ أَلَّا يَدْخُلَهَا أَحَدٌ! قال: اذْهَبْ إِلَى النَّارِ فَانظُرْ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعَدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا ، فَإِذَا هِيَ يَرْكَبُ بَعْضُهَا بَعْضًا ، فَرَجَعَ إِلَيْهَا فَقَالَ: وَعَزَّتْكَ لَا يَسْمَعُ بِهَا أَحَدٌ فَيَدْخُلَهَا! فَأَمَرَ بِهَا فَحُقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ ، فقال: ارْجِعْ إِلَيْهَا ، فَرَجَعَ إِلَيْهَا فَقَالَ: وَعَزَّتْكَ لَقَدْ خَشِيتُ أَلَّا يَنْجُوَ مِنْهَا أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَهَا . (٦)

١- قال الشريف الرضوي رحمه الله عليه في المجازات النبوية بعد أن ذكر الحديث: ... فجعل عليه الصلاة والسلام عمل الجنة كالحزن من الأرض؛ وهو ما غلظ منها، لأنه يصعب تجشّمه، وكذلك عمل الجنة يشقّ تكلفه، وزاد عليه الصلاة والسلام الكلام إيضاحاً بقوله: حزن بربوه، فلم يرض بأن جعله حزناً حتى جعله بربوه؛ وهي الأكمة العالیه، ليكون تجشّمه أشقّ، وتكلفه أصعب، ولم يرض عليه الصلاة والسلام بأن جعل عمل النار سهلاً وهو ضدّ الحزن، حتى جعله سهوياً ليكون أخفّ على فاعله وأهون على عامله .

٢- المجازات النبوية: ص ٣٦٤ ح ٢٨٢؛ مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٧٠٠ ح ٣٠١٧ عن ابن عباس بزياده «ثلاثاً» بعد «بربوه»، شعب الإيمان: ج ٢ ص ١٧٠ ح ٤٦١، الطبقات الكبرى: ج ٧ ص ٤٢٣ وفيه «بشقوه» بدل «بسوهو» وكلاهما عن أبي البجير، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٨٣ ح ٤٣٥٠٢.

٣- أشفى: أى أشرف (النهاية: ج ٢ ص ٤٨٩ «شفا»).

٤- أسد الغابه: ج ٦ ص ٤٠٤ الرقم ٦٥٨٠، تاريخ دمشق: ج ٣٢ ص ١٣ عن إسحاق بن بشر القرشي نحوه .

٥- المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٢٠٠ ح ٤٩٩، المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٧٣ ح ٣٦٤٣ وليس فيه ذيله من «ألا- إن الآخرة...». وكلاهما عن كليب بن حزن، أسد الغابه: ج ٤ ص ٤٧٠ الرقم ٤٤٩٨ عن كليب بن جزى، كنز العمالي: ج ١٥ ص ٩٣١ ح ٤٣٥٩٧ .

٦- سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٩٣ ح ٢٥٦٠، سنن النسائي: ج ٧ ص ٣، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٢٩ ح ٨٤٠٦، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٣٥٦ ح ٥٩١٤ وكلها عن أبي هريره والثلاثة الأخيره نحوه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که کارِ بهشت [همچون] زمین درشت و ناهموار است. آگاه باشید که کارِ دوزخ [همچون] زمین نرم و هموار است. (۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت، کوه درشتی است که با ناملایمات، در میان گرفته شده است و دوزخ را هوس‌ها احاطه کرده‌اند. آگاه باشید که هر کس در رنجی برایش باز شود، به بهشت نزدیک شده است و هر کس در هوسی برایش گشوده شود، به دوزخ نزدیک شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای قوم من! تا می‌توانید در طلب بهشت بر آید و با تمام توان، از آتش بگریزید، که جوینده بهشت و گریزنده از آتش، خواب ندارند. بدانید که آخرت، امروز، پوشیده در ناملایمات است. بدانید که دنیا احاطه شده در شهوات است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون خدا بهشت و دوزخ را آفرید، جبرئیل را به سوی بهشت فرستاد و فرمود: «به آن و آنچه در آن برای اهلش آماده ساخته‌ام، بنگر». جبرئیل به بهشت آمد و به آن و آنچه خدا در آن برای اهلش آماده ساخته بود، نگریست. پس باز گشت و گفت: به عزت سوگند که هر کس آوازه آن را بشنود، وارد آن می‌شود! خداوند، دستور داد و ناملایمات، بهشت را در میان گرفتند. پس فرمود: «حال باز گرد و آنچه را در آن جا برای اهلش آماده ساخته‌ام، تماشا کن». جبرئیل به سوی بهشت باز گشت و دید که پوشیده از ناملایمات شده است. نزد خداوند باز آمد و گفت: به عزت سوگند که می‌ترسم هیچ کس وارد آن نشود! خداوند به او فرمود: «به دوزخ برو و به آن و آنچه در آن برای اهلش آماده ساخته‌ام، بنگر». [جبرئیل آمد و دید که] آن، طبقات مختلفی دارد. به نزد خدا باز گشت و گفت: به عزت سوگند که هر کس وصف آن را بشنود، وارد آن نخواهد شد! پس خداوند، دستور داد و شهوات آن را در میان گرفتند. آن گاه به جبرئیل فرمود: «حال به سوی دوزخ باز گرد». جبرئیل باز گشت و گفت: به عزت سوگند که می‌ترسم هیچ کس از آن نَرهد؛ بلکه همگان دوزخی شوند!

۱- سید رضی رحمه الله در المجازات النبویه، پس از ذکر حدیث، نوشته است: ... این که پیامبر صلی الله علیه و آله، کار بهشت را همانند زمین خزن یعنی سخت و ناملایم معرفی کرده، از این روست که همان گونه که زمین ناملایم، سخت است، کار برای بهشت هم سخت و دشوار است. و ایشان که درود و سلام بر او باد برای توضیح، افزوده: «خَزْنٌ بَرَبَوَه (ناملایم ناهموار)» و به ناملایم تنها اکتفا نکرده و ناهموار را هم افزوده است و ناهموار، تپه بلند است. و از این روست که تحمل آن، سخت تر است و پیمودنش دشوارتر. در مقابل، در کار جهنم نیز به «سَهْل (آسانی)» اکتفا نکرده و «سَهْوَه (هموار)» را هم اضافه کرده تا روشن کند که راه آن، آسان است و برای انجام دهنده آن سبک.

الإمام علي عليه السلام: بِالْمَكَارِهِ تُنَالُ الْجَنَّةُ . (١)

عنه عليه السلام من كلام له خاطب به أهل البصرة: فَمَنْ اسْتَطَاعَ عِنْدَ ذَلِكَ أَنْ يَعْتَقِلَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا فَلْيَفْعَلْ، فَإِنْ أَطَعْتُمُونِي فَإِنِّي حَامِلُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْجَنَّةِ، وَإِنْ كَانَ ذَا مَشَقَّةٍ شَدِيدَةٍ وَمَذَاقِهِ (٢) مَرِيرَةٍ . (٣)

عنه عليه السلام من خطبه له يُبَيِّنُ فِيهَا فَضْلَ الْقُرْآنِ: اِنتَفِعُوا بِبَيَانِ اللَّهِ، وَاتَّعِظُوا بِمَوَاعِظِ اللَّهِ، وَاقْبَلُوا نَصِيحَةَ اللَّهِ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعَذَرَ إِلَيْكُمْ بِالْجَلِيلِ، وَاتَّخَذَ عَلَيْكُمْ الْحُجَّةَ، وَبَيَّنَّ لَكُمْ مَحَابَّةَ مِنَ الْأَعْمَالِ، وَمَكَارِهَهُ مِنْهَا، لِتَتَّبِعُوا هِدْيَهُ، وَتَجْتَنِبُوا هِدْيَهُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: «إِنَّ الْجَنَّةَ حُفَّتْ بِالْمَكَارِهِ، وَإِنَّ النَّارَ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ». وَعَلِمُوا أَنَّهُ مَا مِنْ طَاعَةٍ لِلَّهِ شَيْءٌ إِلَّا يَأْتِي فِي كُرْهِهِ، وَمَا مِنْ مَعْصِيَةٍ لِلَّهِ شَيْءٌ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَاهِ. فَارْحَمَ اللَّهُ أُمَّرَاءَ نَزَعَ عَن شَهْوَتِهِ، وَقَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ، فَإِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ أَبْعَدُ شَيْءٍ مَنْرَعًا، وَإِنَّهَا لَا تَزَالُ تَنْرَعُ إِلَى مَعْصِيَةِ فِي هَوَى. (٤)

الإمام الباقر عليه السلام: الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرِ، فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ. وَجَهَنَّمَ مَحْفُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ، فَمَنْ أَعْطَى نَفْسَهُ لَذَّتْهَا وَشَهَوَاتَهَا دَخَلَ النَّارَ. (٥)

١- غرر الحكم: ح ٤٢٠٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨٧ ح ٣٨٢٢.

٢- المذاق: طعم الشيء (لسان العرب: ج ١٠ ص ١١١ «ذوق»).

٣- نهج البلاغة: الخطبة ١٥٦، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٢٤٠ ح ١٩١.

٤- نهج البلاغة: الخطبة ١٧٦، أعلام الدين: ص ١٠٥، بحار الأنوار: ج ٢ ص ١٨٠ ح ١.

٥- الكافي: ج ٢ ص ٨٩ ح ٧ عن حمزة بن حمران، مسكن الفؤاد: ص ٥١، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٧٢ ح ٤.

امام علی علیه السلام: با ناملایمات است که بهشت به دست می آید.

امام علی علیه السلام از سخنان ایشان به مردم بصره: پس در آن هنگام (وقوع فتنه ها)، هر کس که می تواند خویشتن را بر طاعت خدای عز و جل بدارد، چنان کند. اگر شما از من فرمان برید، هر آینه من، شما را به خواست خدا، به راه بهشت می برم، هر چند که راهی سراسر دشواری و تلخکامی است.

امام علی علیه السلام از سخنرانی ایشان در بیان ارزش قرآن: از گفتار خدا سود برید، و اندرزهای خدا را به گوش گیرید، و پند خدا را پذیرا شوید؛ زیرا خداوند با دلایل آشکار، حجت را بر شما تمام کرده و هر گونه بهانه ای را از شما گرفته و کارهایی را که خوشایند و ناخوشایند اوست، برایتان بیان کرده است تا از آنها پیروی کنید و از اینها دوری ورزید؛ چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: «بهشت را ناخوشایندها در میان گرفته اند و دوزخ را خوشایندها احاطه کرده اند». بدانید که چیزی از طاعت خدا نیست، مگر آن که با بی میلی انجام می پذیرد، و چیزی از معصیت خدا نیست، مگر آن که با میل صورت می پذیرد. پس، خدای رحمت کند آن کسی را که از امیال خویش دست بردارد و هوای نفس خود را سرکوب کند؛ زیرا این نفس، به سختی، دست بر می دارد و پیوسته به نافرمانی و هوس، شوق دارد.

امام باقر علیه السلام: بهشت، پیچیده در ناملایمات و شکیبایی [بر آنها] است. پس هر که در دنیا بر ناملایمات بشکبید، به بهشت می رود؛ و دوزخ، پیچیده در خوشی ها و خواهش هاست. پس هر که خوشی و خواهش نفس را بر آورده کند، به دوزخ می رود.

١٠ / ٧ مكارم الأخلاق ومحاسن الأعمال الصبر الكتاب «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ
الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ». (١)

«وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى
الدَّارِ * جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ». (٢)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا» (٣): الغُرْفَةُ: الجَنَّةُ، بِمَا صَبَرُوا عَلَى الْفَقْرِ فِي
دار الدنيا. (٤)

١- البقرة: ٢١٤.

٢- الرعد: ٢٤ ٢٢.

٣- الفرقان: ٧٥.

٤- كشف الغمّة: ج ٢ ص ٣٤٤ عن ثابت، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٨٦ ح ١٩؛ البدايه والنهائيه: ج ٩ ص ٣١٠ عن ثابت.

۷ / ۱۰ خوی های والا و کردارهای نیکو

الف شکیبایی

۷ / ۱۰ خوی های والا و کردارهای نیکوالف شکیباییقرآن «آیا پنداشتید که به بهشت می روید، در حالی که آنچه بر پیشینیان شما آمد، هنوز بر شما نیامده است؟ به آنان، سختی و زیان رسید و به تکان در آمدند، تا جایی که پیامبر و کسانی که با وی ایمان آورده بودند، گفتند: یاری خدا، کی خواهد بود؟! هان! یاری خدا نزدیک است».

«و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز گزارند و از آنچه روزی شان نمودیم، نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی دور می کنند، ایشان اند که فرجام خوش آن سرای، از آن ایشان خواهد بود؛ همان بهشت های جاودانی که آنان با پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان که درستکارند، به آنها وارد می شوند و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می شوند [و به آنان می گویند: «درود بر شما که شکیبایی کردید!». راستی چه نیکوست فرجام آن سرای!«].»

حدیثامام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای بلندمرتبه: «اینان اند که به پاس آن که شکیبایی کردند، غرفه پاداش خواهند یافت»: «غرفه» یعنی بهشت، که به پاس آن که در دنیا در برابر فقر، شکیبایی ورزیدند، پاداش خواهند گرفت.

عنه عليه السلام: الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرِ، فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَجَهَنَّمَ مَحْفُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ، فَمَنْ أَعْطَى نَفْسَهُ لَذَّتَهَا وَشَهَوَاتَهَا دَخَلَ النَّارَ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ طَائِفَةً مِنَ الْمَلَائِكَةِ عَابُوا وُلْدَ آدَمَ فِي اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ، أَعْنَى لَكُمْ الْحَلَالَ لَيْسَ الْحَرَامَ، قَالَ: فَأَنْفَ اللَّهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ مِنْ تَعْيِيرِ الْمَلَائِكَةِ لَهُمْ، قَالَ: فَأَلْقَى اللَّهُ فِيهِمْ أَوْلِيَّكَ الْمَلَائِكَةَ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ كَى لَا يَعِيبُوا الْمُؤْمِنِينَ. قَالَ: فَلَمَّا أَحْسُوا ذَلِكَ مِنْ هِمَمِهِمْ عَجُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ، فَقَالُوا: رَبَّنَا عَفْوَكَ عَفْوَكَ، رُدُّنَا إِلَى مَا خَلَقْتَنَا لَهُ، وَأَجْبَرْتَنَا عَلَيْهِ، فَإِنَّا نَخَافُ أَنْ نَصِيرَ فِي أَمْرِ مَرِيحٍ. (٢) قَالَ: فَتَنَعَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْ هِمَمِهِمْ، قَالَ: فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَصَارَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ، اسْتَأْذَنَ أَوْلِيَّكَ الْمَلَائِكَةُ عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَيُؤْذَنُ لَهُمْ، فَيَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ فَيَسْأَلُونَ عَلَيْهِمْ، وَيَقُولُونَ لَهُمْ: «سَلِمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» فِي الدُّنْيَا عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ الْحَلَالِ. (٣)

تاريخ يعقوبى فى ذكر المأثور عن الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ: خَلَّتَانِ مَنْ لَزِمَهُمَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، فَقِيلَ: وَمَا هُمَا؟ قَالَ: إِحْتِمَالٌ مَاتَكَرَهُ إِذَا أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَتَرَكَ مَا تُحِبُّ إِذَا كَرِهَهُ اللَّهُ. فَقِيلَ لَهُ: مَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: مَنْ هَرَبَ مِنَ النَّارِ إِلَى الْجَنَّةِ. (٤)

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَى الشَّدَائِدِ، فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ. (٥)

١- الكافي: ج ٢ ص ٨٩ ح ٧ عن حمزة بن حمران، مسكن الفؤاد: ص ٥١، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٧٢ ح ٤.

٢- المريج: الملتوى الأعوج، الملتبس عليهم (لسان العرب: ج ٢ ص ٣٦٥ «مرج»).

٣- تفسير العياشى: ج ٢ ص ٢١١ ح ٤٢ عن أبى ولاد، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٤١ ح ٥٩.

٤- تاريخ يعقوبى: ج ٢ ص ٣٨٢.

٥- كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٣٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٠، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٥٦ ح ١١.

امام باقر علیه السلام: بهشت، پیچیده در ناملايمات و شكيبايي است. پس هر كه در دنيا بر ناملايمات بشكيبد، به بهشت مي رود. دوزخ نيز پيچيده در خوشي ها و خواهش هاي نفساني است. پس هر كه خوشي و خواهش نفس را بر آورده سازد، به دوزخ مي رود.

امام صادق عليه السلام: گروهی از فرشتگان بر فرزندان آدم به خاطر کامجویی ها و خواهش های نفسانی، خرده گرفتند. مقصودم حلال آنهاست، نه حرامشان. خداوند را از نکوهش فرشتگان نسبت به فرزندان مؤمن آدم، عار آمد. پس در دل های آن فرشتگان، کامجویی ها و خواهش های نفسانی افکند تا دیگر بر مؤمنان، خرده نگیرند. فرشتگان، چون چنین چیزی را در وجود خود احساس کردند، از آن به درگاه خدا نالیدند و گفتند: خداوندا! ما را ببخش. ما را ببخش و ما را به همان چیزی که برای آن آفریدی و بر آن مجبورمان ساختی، باز گردان؛ چرا که می ترسیم به کج راهه در آفتیم. پس خداوند، کامجویی و خواهش را از دل هایشان بر کند. چون روز قیامت شود و بهشتیان به بهشت روند، آن فرشتگان از بهشتیان اجازه ورود می خواهند و به آنها اجازه داده می شود. پس بر ایشان وارد می شوند و سلام می دهند و به ایشان می گویند: «سلام بر شما که شكيبايي كرديد» در دنيا در برابر خوشي ها و خواهش هاي نفساني حلال!

تاریخ اليعقوبي: امام صادق عليه السلام فرمود: «دو خصلت است که هر کس به آنها چنگ زند، به بهشت می رود». پرسیدند: آن دو چیست؟ فرمود: «تحمل آنچه تو خوش نداری؛ اما خداوند، آن را خوش می دارد، و ترک آنچه تو خوش می داری؛ اما خداوند، آن را خوش نمی دارد». به ایشان گفته شد: چه کسی طاقت این کار را دارد؟ فرمود: «کسی که از دوزخ به بهشت می گریزد».

امام رضا عليه السلام: کسی که از خدا بهشت بخواهد، ولی بر سختی ها تشکيبد، خود را ريشخند کرده است.

ب مُخَالَفَةُ الْهَوَى الْكِتَابِ «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» . (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: «مَنِ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَلًا (٢) عَنِ الشَّهَوَاتِ ، وَمَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: «أَنْتُمْ فِي الْيَوْمِ فِي الْمِضْمَارِ (٤) ، وَغَدَا فِي السَّبَاقِ . فَالَسَّبَقُ الْجَنَّةُ ، وَالْغَايَةُ النَّارُ . (٥)

الإمام علي عليه السلام: «أَلَا وَإِنَّ الْمِضْمَارَ الْيَوْمَ ، وَالسَّبَاقَ غَدًا . أَلَا وَإِنَّ السُّبْقَةَ الْجَنَّةُ ، وَالْغَايَةَ النَّارُ . (٦)

١- النازعات : ٤٠ و ٤١ .

٢- سَلَيْتُ فَلَانًا : أَي أَبْغَضْتُهُ وَتَرَكْتُهُ (لسان العرب : ج ١٤ ص ٣٩٥ «سلا»).

٣- حليه الأولياء : ج ١ ص ٧٤ عن خلاص بن عمرو عن الإمام علي عليه السلام ، المناقب للخوارزمي : ص ٣٧٢ ح ٣٩٠ عن العلاء بن عبد الرحمن عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال : ج ١ ص ٢٨٦ ح ١٣٨٩ ؛ الكافي : ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٥ عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عن الإمام زين العابدين عليهما السلام ، نهج البلاغه : الحكمة ٣١ عن الإمام علي عليه السلام ، الخصال : ص ٢٣١ ح ٧٤ عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علي عليه السلام ، الأمالي للمفيد : ص ٢٧٧ ح ٣ ، الأمالي للطوسي : ص ٣٧ ح ٤٠ كلاهما عن قبيصة بن جابر الأسدي عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٨٩ ح ١ .

٤- في المصدر : «المضمار» ، وما أثبتناه هو الصحيح . والمِضْمَارُ : الموضع الذي تَضَمَّرُ فِيهِ الْخَيْلُ ، وَهُوَ أَنْ يُظَاهِرَ عَلَيْهَا بِالْعَلْفِ حَتَّى تَسْمَنَ ، ثُمَّ لَا تَعْلَفُ إِلَّا قَوْلًا لَتَخَفَّ (النهاية : ج ٣ ص ٩٩ «ضم»).

٥- كنز العمال : ج ١٥ ص ٧٩٤ ح ٤٣١٥٣ نقلًا عن ابن لآل في مكارم الأخلاق عن جابر وراجع : المعجم الأوسط : ج ٣ ص ٣٠٧ ح ٣٢٤١ .

٦- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥١٦ ح ١٤٨٢ ، نهج البلاغه : الخطبة ٢٨ ، الإرشاد : ج ١ ص ٢٣٥ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص ٩٦ نحوه ، مصباح المتهجد : ص ٦٦١ ح ٧٢٨ عن جندب بن عبد الله الأزدي عن أبيه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٩٤ ح ٢ ؛ المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٦٥١ ح ٨٨٠٠ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ٢٠٠ ح ١ كلاهما عن أبي عبد الرحمن السلمى من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، تاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٤٩٧ عن أوفى بن دلهم والثلاثة الأخيره نحوه ، مطالب السؤول : ص ٥١ ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢٠٣ ح ٤٤٢٢٥ .

ب مخالفت با هوس

ب مخالفت با هوسقرآن «و اما آن که از مقام پروردگارش بترسد و نفس را از هوس باز دارد ، بهشت ، جایگاه اوست».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که مشتاق بهشت است ، از خواهش های نفسانی دست بر می دارد و کسی که از دوزخ بترسد ، از حرام ها روی می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شما امروز در آماد گاهید (۱) و فردا در مسابقه . جایزه ، بهشت است و خطّ پایان ، آتش.

امام علی علیه السلام :آگاه باشید که امروز ، گاه آماده شدن است و فردا ، گاه مسابقه . آگاه باشید که جایزه ، بهشت است و خطّ پایان ، دوزخ.

۱- در متن عربی ، واژه «مِضمار» آمده که جایی است که در آن ، اسب را برای مسابقه آماده می کنند.

عنه عليه السلام: جِهَادُ النَّفْسِ ثَمَنُ الْجَنَّةِ ، فَمَنْ جَاهَدَهَا مَلَكَهَا ، وَهِيَ أَكْرَمُ ثَوَابِ اللَّهِ لِمَنْ عَرَفَهَا . (١)

عنه عليه السلام: لَنْ يَحُوزَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ . (٢)

عنه عليه السلام: ظَفِرَ بَجَنِّهِ الْمَأْوَى مَنْ غَلَبَ الْهَوَى . (٣)

عنه عليه السلام: ظَفِرَ بَجَنِّهِ الْمَأْوَى مَنْ أَعْرَضَ عَنِ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: مَا كَانَ عَبْدٌ لِيُحْبِسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا أَدَخَلَهُ الْجَنَّةَ . (٥)

ج الْجِهَادُ بِالْمَالِ وَالنَّفْسِ الْكِتَابُ «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تَجْرِهِ تُجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكُمُ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (٦)

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَاللَّائِنِجِيلِ وَالْفُرْءَانِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِيَعْيِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكُمْ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (٧)

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ» . (٨)

١- .غرر الحكم : ح ٤٧٦٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٠٧ ح ٢٣٦٩ و ص ٢٢٣ ح ٤٣٣٦ .

٢- .غرر الحكم : ح ٧٤٢١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٠٧ ح ٦٨٨٥ .

٣- .غرر الحكم : ح ٦٠٥٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٢٤ ح ٥٦٠٧ .

٤- .غرر الحكم : ح ٦٠٦٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٢٣ ح ٥٥٧٣ وفيه «زخارف» بدل «شهوآت» .

٥- .الأمالى للمفيد : ص ٣٥٠ ح ٥ ، الأمالى للطوسى : ص ١٢٢ ح ١٨٩ كلاهما عن أبى الحسن العبدى ، مشكاه الأنوار : ص

٤٤٩ ح ١٥٠٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٧١ ح ١٩ .

٦- .الصف : ١٢١٠ .

٧- .التوبه : ١١١ .

٨- .آل عمران : ١٤٢ .

ج جهاد مالی و جانی

امام علی علیه السلام: جهاد با نفس، بهای بهشت است. پس هر که با آن (نفس) جهاد کند، بهشت را مالک می شود و این، ارجمندترین پاداش خداست برای کسی که [قدر و قیمت] آن را بشناسد.

امام علی علیه السلام: هرگز مالک بهشت نمی شود، مگر کسی که با نفسش مبارزه کند.

امام علی علیه السلام: بهشت جاویدان را آن کس به دست آورد که بر هوس، چیره آمد.

امام علی علیه السلام: بهشت جاویدان را کسی به دست آورد که از خواهش های دنیوی روی گرداند.

امام صادق علیه السلام: هیچ بنده ای نیست که خویشتن را وقف خدا کند، مگر این که خداوند او را به بهشت درمی آورد.

ج جهاد مالی و جانیققرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتنی راه بنمایم که شما را از عذاب دیناکی می رهند؟ به خدا و فرستاده او می گروید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد می کنید. این، برای شما بهتر است، اگر بدانید. [اگر چنین کنید، خداوند] گناهانتان را بر شما می بخشد و شما را در بهشت هایی که در آنها جویبارها روان است و در سراهایی خوش، در بهشت های همیشگی در می آورد. این است کامیابی بزرگ».

«به درستی که خدا از مؤمنان، جان و مالشان را خریده است، به ازای این که بهشت برای آنان باشد؛ همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کُشدند و کشته می شوند، [و این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن، بر عهده اوست، و چه کسی از خدا به عهد خویش، وفادارتر است؟! پس به این معامله ای که با او کرده اید، شادمان باشید و این، همان کامیابی بزرگ است».

«آیا پنداشتید که به بهشت می روید، بی آن که خداوند، مجاهدان و شکیبایان شما را معلوم بدارد؟».

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ فُوقَ (١) نَاقِهِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ آتَاهُ اللَّهُ جَمَالًا وَمَالًا ، فَعَفَّ فِي جَمَالِهِ وَبَدَّلَ مِنْ مَالِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَتَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ ، وَلَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ ، وَالسُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ .

(٤)

الإمام علي عليه السلام: الْجَنَّةُ تَحْتَ أَطْرَافِ الْعَوَالِي . (٥)

د الزُّهْدُ رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ عُرِضَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ فَأَخَذَ الْآخِرَةَ وَتَرَكَ الدُّنْيَا فَلَهُ الْجَنَّةُ ، وَإِنْ أَخَذَ الدُّنْيَا وَتَرَكَ

الْآخِرَةَ فَلَهُ النَّارُ . (٦)

١- فُوقَ نَاقِهِ : هو ما بين الحَلْبَتَيْنِ مِنَ الرَّاحَةِ (النهاية : ج ٣ ص ٤٧٩ «فوق»).

٢- سنن الترمذى : ج ٤ ص ١٨٥ ح ١٦٥٧ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ٩٣٣ ح ٢٧٩٢ ، سنن النسائي : ج ٦ ص ٢٥ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٢ ص ٨٧ ح ٢٤١٠ ، سنن ابی داود : ج ٣ ص ٢١ ح ٢٥٤١ ، سنن الدارمی : ج ٢ ص ٦٤٦ ح ٢٣٠٥ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٤٣ ح ٢٢١١١ وليس في الثلاثة الأخيره «من رجل مسلم» وكلها عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢٩٣ ح ١٠٥٥٦ .

٣- مشكاة الأنوار : ص ٢٩٨ ح ٩١٦ .

٤- الكافي : ج ٥ ص ٢ ح ١ ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ١٢٢ ح ٢١١ ، ثواب الأعمال : ص ٢٢٥ ح ٥ كلها عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالي للصدوق : ص ٦٧٤ ح ٩٠٩ عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، مشكاة الأنوار : ص ٢٦٩ ح ٨٠٢ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ٩ ح ١٠ .

٥- نهج البلاغه : الخطبه ١٢٤ ، الاختصاص : ص ١٣ عن عمّار بن ياسر من دون إسناده اليه عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ٤١ ح ٤٦ ؛ الطبقات الكبرى : ج ٣ ص ٢٥٨ ، تاريخ دمشق : ج ٤٣ ص ٤٦٥ كلاهما عن عمّار بن ياسر من دون إسناده اليه عليه السلام .

٦- تاريخ دمشق : ج ٦٥ ص ٣٢٣ ح ١٣٢٨٩ عن أبي هريره وابن عباس ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٢٧ ح ٦٢٧٦ .

د زهدورزی

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر مرد مسلمانی که به اندازه فاصله دو بار دوشیدن شتر (۱) در راه خدا بچنگد ، بهشت بر او واجب می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که خداوند به او زیبایی و ثروتی دهد و او در زیبایی اش پاک دامنی ورزد و از ثروتش ببخشد ، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوبی ، سراسر در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و مردم را چیزی جز شمشیر ، راست نمی کند . شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخ اند.

امام علی علیه السلام: بهشت ، زیر نوک نیزه هاست.

د زهدورزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دنیا و آخرت برایش پیش آید و او آخرت را بگیرد و دنیا را بگذارد ، بهشتی است و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را بگذارد ، دوزخی است .

الإمام علي عليه السلام: تَمَنُّ الْجَنَّةِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا. (١)

عنه عليه السلام: طَلَقُ الدُّنْيَا مَهْرُ الْجَنَّةِ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: لَا يَجْمَعُ اللَّهُ لِمُؤْمِنٍ الْوَرَعَ وَالزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا رَجَوْتُ لَهُ الْجَنَّةَ. (٣)

ه السَّمَاخُورُ رسول الله صلى الله عليه و آله: دَخَلَ رَجُلٌ الْجَنَّةَ بِسَمَاحَتِهِ قَاضِيًا وَمُتَقَاضِيًا. (٤)

و حُسْنُ السَّرِيرَةِ للإمام علي عليه السلام: لَا يَفُوزُ بِالْجَنَّةِ إِلَّا مَنْ حَسَنَتِ سَرِيرَتُهُ ، وَخَلَصَتْ نَيْتُهُ. (٥)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُدْخِلُ بِصِدْقِ النَّيِّهِ وَالسَّرِيرَةِ الصَّالِحَةِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الْجَنَّةَ. (٦)

-
- ١- غرر الحكم : ح ٤٧٠٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢١٨ ح ٤٢٧٢.
 - ٢- غرر الحكم : ح ٥٩٨٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١٧ ح ٥٥٣٢.
 - ٣- الأُمالي للمفيد : ص ١٤٩ ح ٧ ، ثواب الأعمال : ص ١٦٣ ح ١ كلاهما عن إبراهيم الكرخي ، أعلام الدين : ص ٣٩٠ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣٠٧ ح ٣٢.
 - ٤- مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٦٦٢ ح ٦٩٨١ ، مجمع الزوائد : ج ٤ ص ١٣٠ ح ٦٣١١ كلاهما عن عبد الله بن عمرو.
 - ٥- غرر الحكم : ح ١٠٨٦٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٣٥ ح ٩٨٠٦.
 - ٦- نهج البلاغه : الحكمه ٤٢ ، وقعه صفين : ص ٥٢٩ عن عبد الرحمن بن جندب وليس فيه «من يشاء» ، الأُمالي للطوسي : ص ٦٠٢ ح ١٢٤٥ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسنى عن الإمام الجواد عن آبائه عنه عليهم السلام نحوه ، تفسير العياشى : ج ٢ ص ١٠٤ ح ٩٩ عن عبد الرحمن بن حرب ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ١٧٤ ح ٢٤٣٦ وفيهما «جمًا» بدل «من يشاء» ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٣٦٧ ح ١٦ ؛ تاريخ الطبرى : ج ٥ ص ٦٠ عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه وفيه «عالما جمًا» بدل «من يشاء».

ه گذشت

و نیکویی نهاد

امام علی علیه السلام: بهای بهشت ، پشت کردن به دنیا است.

امام علی علیه السلام: طلاق دادن دنیا ، کابین بهشت است.

امام صادق علیه السلام: خداوند ، پارسایی و زهدورزی در دنیا را در هیچ مؤمنی گرد نمی آورد ، مگر آن که برایش امید بهشت دارم.

ه گذشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردی به سبب آن که در قرض دادن و پس گرفتن قرض ، گذشت داشت ، به بهشت رفت.

و نیکویی نهاد امام علی علیه السلام: به بهشت دست نمی یابد ، مگر آن که نیکو نهاد (خوش قلب) و پاک نیت باشد.

امام علی علیه السلام: خداوند منزّه ، به سبب درستی نیت و نهاد پاک ، هر یک از بندگانش را که بخواهد ، به بهشت می برد.

ز حُسْنُ الْخُلُقِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا سُئِلَ عَنْ أَكْثَرِ مَا يَلِجُ النَّاسُ بِهِ الْجَنَّةَ ، قَالَ : حُسْنُ الْخُلُقِ . (١)

الكافي عن فضيل: قَالَ (٢) : صَيْنَائِعِ الْمَعْرُوفِ وَحُسْنِ الْبَشْرِ يُكْسِبَانِ الْمَحَبَّةَ وَيُدْخِلَانِ الْجَنَّةَ ، وَالْبُخْلُ وَعُيُوسُ الْوَجْهِ يُبْعِدَانِ مِنَ اللَّهِ وَيُدْخِلَانِ النَّارَ . (٣)

ح كَظْمُ الْغَيْظِ الْمَعْجَمِ الْأَوْسَطِ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ: قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ ، قَالَ : لَا تَغْضَبْ وَلَكَ الْجَنَّةُ . (٤)

السنن الكبرى عن أبي سعيد الخدري: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، عَلَّمَنِي عَمَلًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ وَأَقِلُّ ، لَعَلِّي أَعْقِلُ! قَالَ : لَا تَغْضَبْ . (٥)

ط سَتْرُ الْعَيْبِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَرَى امْرُؤٌ مِنْ أَحْيِهِ عَوْرَةَ فَيَسْتُرُهَا إِلَّا سَتَرَهُ اللَّهُ وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ . (٦)

١- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٤٣ ح ٧٩١٢ ، مسند الطيالسي: ص ٣٢٤ ح ٢٤٧٤ وفيه «تقوى الله وحسن الخلق» وكلاهما عن أبي هريره .

٢- الظاهر أنه مضمّر، والضمير في «قال» راجع إلى الباقر أو الصادق عليهما السلام ، وكأنه سقط من النسخ أو الرواه. وصنابع المعروف: الإحسان إلى الغير بما يعرف حسنه شرعا وعقلا، وكان الإضافة للبيان (مرآة العقول: ج ٨ ص ١٧٩).

٣- الكافي: ج ٢ ص ١٠٣ ح ٥ ، مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٣٤٤ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب الأخلاق لأبي القاسم الكوفي نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٧٢ ح ٤٠ .

٤- المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٢٥ ح ٢٣٥٣ ، تاريخ أصبهان: ج ١ ص ١٥٤ الرقم ١٢١ عن عبد الرحمن بن دلهم ، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٢١ ح ٧٧١٠ .

٥- السنن الكبرى: ج ١٠ ص ١٨١ ح ٢٠٢٨٠ ؛ منيه المريد: ص ٣٢٠ عن أبي الدرداء وليس فيه «وأقلل لعلّي أعقل» ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢٦٤ ح ٨ .

٦- المعجم الكبير: ج ١٧ ص ٢٨٨ ح ٧٩٥ عن عتبه بن عامر ، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٢٧٩ ح ٨٨٥ ، المطالب العالیه: ج ٢ ص ٣٩٦ ح ٢٥٦٣ كلاهما عن أبي سعيد الخدري وليس فيهما «ستره الله» ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥١ ح ٦٣٩٧ .

ز نیکویی اخلاق

ح فرو خوردن خشم

ط عیبپوشی

ز نیکویی اخلاقیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ این سؤال که : بیشترین چیزی که مردم به سبب آن به بهشت می روند ، چیست؟ : نیکویی اخلاق .

الکافی به نقل از فضیل : فرمود (۱) : «نیکوکاری و خوش رویی ، محبت می آورند و به بهشت می برند ، و بخل و ترش رویی ، از خدا دور می گردانند و به دوزخ می برند» .

ح فرو خوردن خشمالمعجم الأوسط به نقل از ابو دَرْداء : گفتم : ای پیامبر خدا ! مرا به کاری راه نمایی فرما که مرا به بهشت ببرد . فرمود : «خشم مگیر . بهشت ، از آن تو خواهد بود» .

السنن الکبری به نقل از ابو سعید خُدَری : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! به من عملی را بیاموز که با آن به بهشت روم . مختصر باشد تا بفهمم ! فرمود : «خشم مگیر» .

ط عیبپوشیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از برادرش عیبی ببیند و آن را بپوشاند ، بی گمان ، خداوند نیز برای او پرده پوشی می کند و او را به بهشت می برد .

۱- مقصود ، امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام است.

ي ذَكَرَ الْقَبْرِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَكَرَ الْقَبْرِ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ . (١)

ك حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحْسِنَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ ، فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ بِاللَّهِ ثَمَنُ الْجَنَّةِ . (٢)

الإمام علي عليه السلام : مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ فَازَ بِالْجَنَّةِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : يُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمٍ لِنَفْسِهِ ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ : أَلَمْ أَمْرَكَ بِطَاعَتِي ؟ أَلَمْ أَنهَكَ عَن مَعْصِيَتِي ؟ فَيَقُولُ : بَلَى يَا رَبِّ ، وَلَكِنْ غَلَبَتْ عَلَيَّ شَهْوَتِي ، فَإِنَّ تُعَذِّبْنِي فَبِعَذَابِي ، لَمْ تَظْلِمْنِي . فَيَأْمُرُ اللَّهُ بِهِ إِلَى النَّارِ ، فَيَقُولُ : مَا كَانَ هَذَا ظَنِّي بِكَ ، فَيَقُولُ : مَا كَانَ ظَنُّكَ بِي ؟ قَالَ : كَانَ ظَنِّي بِكَ أَحْسَنَ الظَّنِّ . فَيَأْمُرُ اللَّهُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ . فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : لَقَدْ نَفَعَكَ حُسْنَ ظَنِّكَ بِي السَّاعَةَ . (٤)

عنه عليه السلام : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ آخِرَ عَبْدٍ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ ، فَإِذَا أُمِرَ بِهِ التَّفَتَّ ، فَيَقُولُ الْجَبَّارُ : رُدُّوهُ ، فَيُرَدُّوهُ ، فَيَقُولُ لَهُ : لِمَ التَّفَتَّ إِلَيَّ ؟ فَيَقُولُ : يَا رَبِّ ، لَمْ يَكُنْ ظَنِّي بِكَ هَذَا ! فَيَقُولُ : وَمَا كَانَ ظَنُّكَ بِي ؟ فَيَقُولُ : يَا رَبِّ كَانَ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي ، وَتُسَكِّنَنِي جَنَّتِكَ . قَالَ : فَيَقُولُ الْجَبَّارُ : يَا مَلَأَيْكِي ، لَا وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَآلَائِي وَعُلُوِّي وَارْتِفَاعَ مَكَانِي ! مَا ظَنَّ بِي عَبْدِي سَاعَةً مِنْ خَيْرٍ قَطُّ ، وَلَوْ ظَنَّ بِي سَاعَةً مِنْ خَيْرٍ مَا رَوَّعْتَهُ بِالنَّارِ . أَجِيزُوا لَهُ كَدِّبَهُ ، فَأَدْخِلُوهُ الْجَنَّةَ . ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يَظُنُّ بِاللَّهِ خَيْرًا إِلَّا كَانَ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ : « وَذَلِكَ لَكُمْ ظَنُّكُمْ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ » (٥) . (٤)

- ١- . كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٦٤ ح ٤٣٤٣٨ و ص ٩١٨ ح ٤٣٥٨٤ كلاهما نقلاً عن الديلمي عن معاذ .
- ٢- . الأمامي للطوسي : ص ٣٧٩ ح ٨١٤ عن أنس ، مشكاة الأنوار : ص ٧٨ ح ١٥٢ ، جامع الأخبار : ص ٢٦٤ ح ٧١٥ ، روضة الواعظين : ص ٥٥١ كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣٨٥ ح ٤٦ ؛ تاريخ بغداد : ج ١ ص ٣٩٦ ، تاريخ دمشق : ج ١٣ ص ٤٠٨ ح ٣٣٣٧ كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٣٧ ح ٥٨٦١ .
- ٣- . غرر الحكم : ح ٨٨٤٠ و ح ٨٤٥٧ وليس فيه «بالله» ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٥ ح ٧٥٢٧ وفيه «أحسن» بدل «حسن» .
- ٤- . المحاسن : ج ١ ص ٩٤ ح ٥٥ عن علي بن رثاب ، نوادر الأخبار : ص ٣٥٠ ح ٣ وفيه «منعك» بدل «نفعك» ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٢٨٨ ح ٤ .
- ٥- . فضلت : ٢٣ .

- ٦- . تفسير القمي : ج ٢ ص ٢٦٤ ، ثواب الأعمال : ص ٢٠٦ ح ١ من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٩٧ ح ٢٦٢ كلاهما نحوه وكلها عن عبد الرحمن بن الحجاج ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣٨٤ ح ٤٢ وراجع : الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص ٣٦١ .

ی یاد کردن گور

ک گمان نیک داشتن به خدا

ی یاد کردن گورپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کردن گور، شما را به بهشت، نزدیک می گرداند.

ک گمان نیک داشتن به خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما بکوشد تا با گمان نیک به خدای عز و جل، از دنیا برود؛ چرا که گمان نیک داشتن به خداوند، بهای بهشت است.

امام علی علیه السلام: هر کس به خدا گمان نیک داشته باشد، به بهشت دست می یابد.

امام صادق علیه السلام: روز قیامت، بنده ای را که به خویشتن ستم کرده است، می آورند و خدای بلندمرتبه به او می فرماید: «آیا فرمانت ندادم که از من اطاعت کنی؟ آیا تو را از نافرمانی ام نهی نکردم؟». او می گوید: چرا، ای پروردگار من؛ اما شهوتم بر من چیره آمد. پس اگر مرا عذاب کنی، به سبب گناه خود من است و تو به من ستم نکرده ای. خداوند، دستور دهد که او را به دوزخ برند. بنده می گوید: گمان من به تو، این نبود! خداوند می فرماید: «گمان تو به من، چه بود؟» بنده می گوید: نیکوترین گمان را به تو داشتم. پس خداوند، دستور می دهد که او را به بهشت ببرند و می فرماید: «گمان نیک تو به من، اکنون به دادت رسید».

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آخرین بنده ای را که دستور داده می شود به دوزخ ببرند، صورتش را به طرف خدا بر می گرداند. پادشاه عالم می فرماید: او را بر گردانید. او را بر می گردانند. به او می فرماید: چرا صورتت را به سوی من گرداندی؟ می گوید: خداوند! گمانم به تو، چنین نبود! خداوند می فرماید: گمانت به من، چه بود؟ می گوید: خداوند! گمانم به تو، این بود که گناهم را می آمرزی و مرا در بهشت جای می دهی. پادشاه عالم می فرماید: ای فرشتگان من! نه! به عزت و جلالم و به نعمت هایم و به والایی مقام و بلندی جایگاهم سوگند که این بنده ام هرگز لحظه ای به من گمان نیک نداشته است و اگر لحظه ای گمان نیک می داشت، او را به آتش نمی ترساندم. دروغش را راست پندارید و او را به بهشت ببرید». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس فرمود: «هیچ بنده ای نیست که به خدا گمان نیک برد، مگر آن که مطابق گمانش به او، با وی رفتار می شود. این، سخن خود اوست که: «و همین گمانتان که در باره پروردگارتان بردید، شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید»».

ل الإنصاف في معاشرته الناس الكافي عن أبي البلاد رفعه: جاء أعرابي إلى النبي صلى الله عليه وآله وهو يريد بعض غزواته ، فأخذ بعز راحلته ، فقال : يا رسول الله ، علمني عملاً أدخل به الجنة . فقال : ما أحببت أن يأتيه الناس إليك فأتته إليهم ، وما كرهت أن يأتيه الناس إليك فلا تأتيهم . خل سبيل الراحله . (١)

مسند ابن حنبل عن خالد بن عبد الله القسري : حدثنني أبي عن جدي أنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : أتجبت الجنة ؟ قال : قلت : نعم ، قال : فأحب لأخيك ما تحب لنفسك . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله : من سيرة أن يزحزح عن النار ويدخل الجنة ، فلتدركه موته وهو يؤمن بالله واليوم الآخر ، وليأت إلى الناس الذي يحب أن يأتوا إليه . (٣)

١- الكافي : ج ٢ ص ١٤٦ ح ١٠ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٢١ ح ٤٥ ، مستطرفات السرائر : ص ١٥٢ ح ٣ ، مشكاة الأنوار : ص ٣١٩ ح ١٠٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٣٦ ح ٣١ .

٢- مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٥٩٤ ح ١٦٦٥٥ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ١٨٦ ح ٧٣١٣ وزاد فيه «المسلم» بعد «الأخيك» ، تاريخ دمشق : ج ١٦ ص ١٣٦ ح ٣٨٧٠ وفيه «لأحد المسلمين» بدل «أخيك» وج ٣٣ ص ٣٧٢ ح ٦٨٩٨ ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٧٩٣ ح ٤٣١٤٧ .

٣- سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٠٧ ح ٣٩٥٦ ، صحيح مسلم : ج ٣ ص ١٤٧٣ ح ٤٦ ، سنن النسائي : ج ٧ ص ١٥٣ ، السنن الكبرى : ج ٨ ص ٢٩٢ ح ١٦٦٩٢ ، مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٥٥٦ ح ٦٥١٣ كلها عن عبد الله بن عمرو بن العاص والأربعة الأخيره نحوه ، كنز العمال : ج ٦ ص ٥٣ ح ١٤٨١٣ .

ل انصاف داشتن در معاشرت با مردم

ل انصاف داشتن در معاشرت با مردمالکافی به نقل از ابو البلاد ، در حدیثی که سند آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانده است : پیامبر صلی الله علیه و آله آماده رفتن به یکی از جنگ ها بود که بادیه نشینی آمد و رکاب اشتر ایشان را گرفت و گفت : ای پیامبر خدا ! به من کاری بیاموز که با انجام دادن آن به بهشت بروم . فرمود : «هر رفتاری که دوست داری مردم با تو بکنند ، تو با آنان همان کن و هر رفتاری که خوش نداری مردم با تو انجام دهند ، تو نیز با آنان چنان مکن . راه را بر شتر بگشای» .

مسند ابن حنبل به نقل از خالد بن عبد الله قسری : پدرم از جدّم برایم حدیث کرد که : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا بهشت را دوست داری؟» . گفتم : آری . فرمود : «پس آنچه را برای خود دوست داری ، برای برادرت نیز دوست بدار» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس خوش دارد که از آتش دور داشته شود و به بهشت وارد شود ، باید مرگ در حالی به سراغش بیاید که به خدا و روز قیامت ایمان دارد و با مردم نیز آن گونه رفتار کند که دوست دارد آنان با او رفتار کنند.

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ سِرَّهُ أَنْ يُزَحَّحَ عَنِ النَّارِ وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ فَلْتَأْتِهِ مَمِيَّتُهُ وَهُوَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، وَيَأْتِي إِلَى النَّاسِ مَا يُحِبُّ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْهِ . (١)

م خِدْمَةُ الْعِيَالِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، مَنْ لَمْ يَأْتَفِ مِنْ خِدْمَةِ الْعِيَالِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بغيرِ حِسَابٍ . يَا عَلِيُّ ، خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ ، وَتَطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ ، وَمُهِوْرُ حُورِ الْعَيْنِ ، وَتَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَالذَّرَجَاتِ . يَا عَلِيُّ ، لَا يَخْدُمُ الْعِيَالَ إِلَّا صِدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٢)

ن الْإِحْسَانُ إِلَى الْبَنَاتِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ ، فَأَدَّبَهُنَّ وَرَوَّجَهُنَّ وَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ ، فَلَهُ الْجَنَّةُ . (٣)

-
- ١- المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٨٤ ح ٤٧٤١ ، مسند الشاميين : ج ١ ص ٣٥٤ ح ٦١٣ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ٥٩٠ ح ١ ، تاريخ أصبهان : ج ٢ ص ٢٣ الرقم ٩٧٦ ، حليه الأولياء : ج ٤ ص ١٢٢ كلّها عن عبد الله بن عمرو والأربعة الأخيره نحوه ، كنز العمال : ج ١ ص ٥٨ ح ١٨٨ ؛ مجمع البيان : ج ٣ ص ٢١ وفيه «يحب أن يأتي» بدل «يأتي» .
 - ٢- جامع الأخبار : ص ٢٧٥ ح ٧٥١ عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١٠٤ ص ١٣٢ ح ١ .
 - ٣- سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٣٣٨ ح ٥١٤٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ١٩٣ ح ١١٩٢٤ كلاهما عن أبي سعيد الخدرى وفيه «رحمهن» بدل «رَوَّجَهُنَّ» ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٦ ص ١٠٣ ح ١ عن جابر بن عبد الله نحوه ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٤٤٩ ح ٤٥٣٧٣ .

م خدمت به خانواده

ن نیکی کردن به دختران

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خوش دارد که از آتش دوزخ به دور داشته شود و به بهشت برود، باید در حالی مرگ، او را در رسد که گواهی می دهد معبودی جز خدای یگانه نیست و محمد، بنده و فرستاده اوست، و نیز با مردم آن کند که دوست دارد با او چنان شود.

م خدمت به خانواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام: ای علی! کسی که از خدمت کردن به خانواده عارش نیاید، بدون حسابرسی به بهشت وارد می شود. ای علی! خدمت به خانواده، زداینده گناهان بزرگ است، خشم پروردگار را فرو می نشاند، کابین سیه چشمان بهشتی است و بر حَسَنَات و درجات می افزاید. ای علی! به خانواده خدمت نمی کند، مگر صدیق یا شهید یا مردی که خدا برایش خیر دنیا و آخرت را می خواهد.

ن نیکی کردن به دختران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سه دختر داشته باشد و آنها را تربیت کند و شوهر دهد و به ایشان نیکی کند، بهشتی است.

س تَكْفُلُ الْأَيْتَامَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَفَى يَتِيمًا فِي نَفَقَتِهِ بِمَالِهِ حَتَّى يَسْتَغْنَى ، وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْيَتِيمَ إِذَا بَكَى اهْتَزَّ لَهُ الْعَرْشُ ، فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : مَنْ هَذَا الَّذِي أَبْكَى عَبْدِي ! الَّذِي سَلَبْتَهُ أَبَوَيْهِ فِي صِغَرِهِ !؟ فَوَعَزَّتِي وَجَلَالِي لَا يُسَكِّتُهُ أَحَدٌ إِلَّا أَوْجِبْتُ لَهُ الْجَنَّةَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ ضَمَّ يَتِيمًا بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فِي طَعَامِهِ وَشَرَابِهِ حَتَّى يَسْتَغْنَى عَنْهُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ ، وَمَنْ أَدْرَكَ وَالِدَيْهِ أَوْ أَحَدَهُمَا ثُمَّ لَمْ يَبْرَهُمَا ثُمَّ دَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ ، وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُسْلِمَةً كَانَتْ فَكَأَكُهُ مِنَ النَّارِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ ضَمَّ يَتِيمًا لَهُ أَوْ لغيرِهِ حَتَّى يُغْنِيَهُ اللَّهُ عَنْهُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ ضَمَّ يَتِيمًا بَيْنَ أَبَوَيْنِ مُسْلِمِينَ إِلَى طَعَامِهِ وَشَرَابِهِ حَتَّى يَسْتَغْنَى عَنْهُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ ، وَمَنْ أَعْتَقَ امْرَأً مُسْلِمًا كَانَ فَكَأَكُهُ مِنَ النَّارِ ؛ يُجْزَى بِكُلِّ عُضْوٍ مِنْهُ عُضْوًا مِنْهُ مِنَ النَّارِ . (٥)

١- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٧٢ ح ٥٧٦٢ ، مستطرفات السرائر : ص ١١٩ ح ١ كلاهما عن حماد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٣٥ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، تهذيب الأحكام : ج ٩ ص ١٧٧ ح ٧١٤ عن سليم بن قيس عن الإمام عليّ عليه السلام ، تحف العقول : ص ١٩٨ عن الإمام عليّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٥٨ ح ٣ .

٢- .ثواب الأعمال : ص ٢٣٧ ح ١ عن أبي مريم الأنصاري ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ١٨٨ ح ٥٧٣ ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص ١٧٢ عن العالم عليه السلام ، مجمع البيان : ج ١٠ ص ٧٦٧ عن عمر نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ٨٠ ح ١٦ .

٣- .مسند أبي يعلى : ج ١ ص ٤٣٣ ح ٩٢٢ ، مسند الطيالسي : ص ١٨٧ ح ١٣٢٢ ، تاريخ دمشق : ج ٤١ ص ٤٨٦ ح ٨٣٤١ كلّها عن أبي مالك أو ابن مالك ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٢٨ ح ١٩٠٥٢ عن مالك بن عمرو القشيري نحوه ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٥٤ ح ٤٣٣٩٧ .

٤- .المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٢٩٠ ح ٥٣٤٥ عن عدّي بن حاتم ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٦٩ ح ٦٠٠٠ ؛ مشكاة الأنوار : ص ٢٩١ ح ٨٨٢ وفيه «بين أبوين مسلمين» بدل «له أو لغيره» .

٥- .مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٢٧ ح ١٩٠٤٧ ، تفسير ابن كثير : ج ٥ ص ٦٢ كلاهما عن مالك بن الحارث ، المعجم الكبير : ج ١٩ ص ٣٠٠ ح ٦٧٠ عن مالك بن عمرو .

س سرپرستی یتیمان

س سرپرستی یتیمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مخارج یتیمی را از مال خود به عهده گیرد تا او بی نیاز شود، البته بهشت بر او واجب می گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یتیم بگریید، عرش از گریه او به لرزه در می آید و پروردگار بزرگ و والا می فرماید: «کیست آن که بنده مرا که در خردی، پدر و مادرش را از او گرفتم، گریانند؟ به عزت و جلالم سوگند که هر کس او را ساکت کند، بهشت را بر وی واجب می گردانم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یتیم مسلمانی را آب و غذا دهد تا آن گاه که او از وی بی نیاز شود، البته بهشت برایش واجب می گردد. هر کس پدر و مادر خود یا یکی از آن دو را در یابد و به آنها نیکی نکند و به دوزخ رود، خدا او را [از رحمتش] دور می کند. هر مسلمانی بنده ای مسلمان را آزاد کند، این، مایه آزادی او از آتش دوزخ می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یتیمی از خود یا دیگران را سرپرستی کند تا خداوند، آن یتیم را از او بی نیاز گرداند، بهشت برایش واجب می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یتیمی را که پدر و مادرش مسلمان بوده اند، آب و غذا دهد تا آن گاه که وی از او بی نیاز گردد، البته بهشت برایش واجب می شود و هر کس مرد مسلمانی را آزاد کند، این، سبب آزادی او از آتش دوزخ می شود و به ازای هر عضوی از آن شخص [که آزاد می شود]، عضوی از او از آتش می رهد.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ ضَمَّ يَتِيمًا بَيْنَ أَبْوَيْهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ أَلْبَتَّةَ . (١)

ع إِطْعَامُ الْمَسَاكِينِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ :مَنْ أَطْعَمَ مِسْكِينًا لِلَّهِ عِزًّا وَ جَلَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام :لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ مُوسَى : ... إِلَهِي ، مَا جِزَاءُ مَنْ أَطْعَمَ مِسْكِينًا ابْتِغَاءً وَجْهِكَ ؟ قَالَ : يَا مُوسَى ، أَمْرٌ مُنَادِيًا يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ : فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ مِنْ عَتَقَاءِ اللَّهِ مِنَ النَّارِ . (٣)

المحاسن عن معمر بن خلاد :كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَكَلَ أَتَى بِصِحْفِهِ ، فَتَوَضَّعَ قُرْبَ مَا تَدْتِهِ ، فَيَعِمُّدُ إِلَى أَطْيَبِ الطَّعَامِ مِمَّا يُوتَى بِهِ ، فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئًا ، فَيُوضَعُ فِي تِلْكَ الصِّحْفَةِ ، ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ ، ثُمَّ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ : «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (٤) ، ثُمَّ يَقُولُ : عَلِمَ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا أَنْ لَيْسَ كُلُّ إِنْسَانٍ يَقْدِرُ عَلَى عِتْقِ رَقَبَةٍ ، فَجَعَلَ لَهُمْ سَبِيلًا إِلَى الْجَنَّةِ بِإِطْعَامِ الطَّعَامِ . (٥)

- ١- .مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٢٨ ح ١٩٠٤٨ عن عمرو بن مالك أو مالك بن عمرو ، المعجم الكبير : ج ١٩ ص ٣٠٠ ح ٦٦٩ عن مالك بن عمرو نحوه ، كنز العمال : ج ١٠ ص ٣١٧ ح ٢٩٥٨٣ وراجع : الدر المنثور : ج ٢ ص ٥٢٨ و ٥٢٩ .
- ٢- .تاريخ دمشق : ج ٤٣ ص ٥٦٧ ح ٩٤١٤ عن حذيفة بن اليمان ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢٢٨ ح ٤٤٢٦٦ .
- ٣- .فضائل الأشهر الثلاثة : ص ٨٨ ح ٦٨ عن زياد بن المنذر ، الأمالي للصدوق : ص ٢٧٦ ح ٣٠٧ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسنى عن الإمام الهادى عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣٨٣ ح ٤٦ .
- ٤- .البلد : ١١ .
- ٥- .المحاسن : ج ٢ ص ١٥١ ح ١٤٠٤ ، الكافي : ج ٤ ص ٥٢ ح ١٢ وليس فيه «ياطعام الطعام» ، بحار الأنوار : ج ٤٩ ص ٩٧ ح ١١ .

عِطْعَامِ مَسْتَمْنَدَانِ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یتیمی را که پدر و مادرش را از دست داده ، سرپرستی کند ، قطعا اهل بهشت خواهد بود .

عِطْعَامِ مَسْتَمْنَدَانِ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مستمندی را به خاطر خداوند عز و جل غذا دهد ، به بهشت می رود .

امام باقر علیه السلام: آن گاه که خدا با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت ، موسی گفت : ... بار خدایا ! پاداش کسی که به خاطر تو مستمندی را غذا دهد ، چیست؟ فرمود : «ای موسی! در روز رستاخیز به آوازگری فرمان می دهم که در برابر همگان آواز سردهد : که فلان پسر فلان ، از آزادشدگان خدا از آتش است» .

المحاسن به نقل از معمر بن خلّاد : امام رضا علیه السلام هر گاه غذا می خورد ، سینی ای می آوردند و کنار سفره اش می نهادند . ایشان به طرف لذیذترین غذاهایی که آورده شده بود ، دست می برد و از هر چیزی مقداری بر می داشت و در آن سینی می گذاشت و سپس دستور می داد که آنها را به مستمندان بدهند و آن گاه ، این آیه را می خواند : « و نخواست از گردنه بالا رود» . سپس می فرمود : «خداوند عز و جلمی دانست که هر انسانی قادر نیست برده ای آزاد کند . از این رو با [امر به] اطعام کردن ، راهی به سوی بهشت برای آنان قرار داد» .

ف إِطْعَامُ الْمُؤْمِنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَطْعَمَ مَرِيضًا شَهْوَتَهُ أَطْعَمَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ أَطْعَمَ مِسْكِينًا فِي يَوْمِ سَعْبٍ (٢) حَتَّى يُشْبِعَهُ ، أَدَخَلَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلِيَّةً الْقِيَامَةِ مِنْ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ لَا يَدْخُلُ فِيهَا إِلَّا مَنْ عَمِلَ مِثْلَ مَا عَمِلَهُ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ أَطْعَمَ كَبِدًا جَائِعًا ، أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ أَطْيَبِ طَعَامِ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا حَتَّى يُشْبِعَهُ مِنْ سَعْبٍ ، أَدَخَلَهُ اللَّهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا مَنْ كَانَ مِثْلَهُ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ ، وَمَنْ سَقَاهُ مِنْ ظَمَا؟ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام :ما أرى شيئاً يعدلُ زيارةَ المؤمنِ إلَّا إطعامُهُ ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُطْعِمَ مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ . (٧)

١- المعجم الكبير : ج ٦ ص ٢٤١ ح ٦١٠٧ عن سلمان ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٧٩١ ح ٤٣١٣١ نقلًا عن أبي الشيخ وحليه الأولياء عن أبي سعيد الخدرى ؛ الدعوات : ص ٢٣٠ ح ٦٣٩ ، بحار الأنوار : ج ٨١ ص ٢٢٤ ح ٣٢ .

٢- سَعِبٌ سَعْبًا : جَاعٌ ، وَالْمَسْعَبَةُ : الْمَجَاعَةُ . وَقِيلَ : لَا يَكُونُ السَّعْبُ إِلَّا الْجُوعُ مَعَ التَّعَبِ (المصباح المنير : ص ٢٧٨ «سغب») .
٣- الفردوس : ج ٣ ص ٥٧٧ ح ٥٨٠٨ عن جابر .

٤- تاريخ دمشق : ج ٢٧ ص ٢٤١ ح ٥٧٩٨ ، كنز العمال : ج ٦ ص ٤٢٤ ح ١٦٣٧٥ نقلًا عن الديلمي وكلاهما عن عبد الله .

٥- المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ٨٥ ح ١٦٢ ، مسند الشاميين : ج ٣ ص ٢٥٩ ح ٢٢٠٨ كلاهما عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ج ٦ ص ٤٢٤ ح ١٦٣٧٤ .

٦- مصادقه الإخوان : ص ١٤٥ ح ١ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الكافي : ج ٢ ص ٢٠١ ح ٥ ، الأمل للمفيد : ص ٩ ح ٥ ، ثواب الأعمال : ص ١٦٤ ح ٢ كلها عن أبي حمزة عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، المؤمن : ص ٦٣ ح ١٦١ عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، قرب الإسناد : ص ١٢٠ ح ٤٢٢ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣٨٢ ح ٤٤ .

٧- الكافي : ج ٢ ص ٢٠٣ ح ١٧ عن أبي شبل ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٧٨ ح ٧٩ .

ف اطعام مؤمن

ف اطعام مؤمن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به بیماری، آنچه را که او دلش هوس کرده است بخوراند، خداوند عز و جل از میوه های بهشت به او خواهد خوراند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز گار قحطی، مستمندی را سیر کند، خداوند عز و جل در روز قیامت، او را از دری وارد بهشت می کند که تنها کسی از آن در وارد می شود که کاری همانند او کرده باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس جگر گرسنه ای را غذا دهد، خداوند در روز قیامت، از بهترین غذاهای بهشت به او می خوراند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مؤمنی را غذا دهد تا آن که از گرسنگی سیرش کند، خداوند، او را از آن دری وارد بهشت می کند که تنها امثال او از آن در وارد می شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا دهد، خدای بلندمرتبه از میوه های بهشت به او می خوراند و هر کس مؤمن تشنه ای را آب دهد، خداوند از شراب ناب و سر به مُهر [بهشتی]، به او می نوشاند.

امام صادق علیه السلام: من کاری را که با دیدار با مؤمن برابری کند، نمی شناسم، مگر اطعام کردن او را، و بر خداست که به کسی که مؤمنی را اطعام کند، از خوراک بهشت بخوراند.

المحاسن عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام: مِنْ مُوجِبَاتِ الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ إِطْعَامُ الطَّعَامِ السَّغْبَانَ . ثُمَّ تَلَا قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «أَوْ إِطْعَمَ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ * ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا» (١) . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَطْعَمَ عَشْرَةَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ، أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ . (٣)

عنه عليه السلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُطْعَمُ مُؤْمِنًا شُبْعَةً مِنْ طَعَامٍ إِلَّا أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ ، وَلَا سِقَاةَ رِيَّةٍ إِلَّا سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ . (٤)

ص قضاء حاجه المسلم وإدخال السُّرُورِ عَلَيْهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ عَالَ يَتِيمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ مَشَى مَعَ أَحِبِّهِ فِي حَاجَةٍ فَصَاحَهُ فِيهَا ، جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَبْعَةَ (٦) خَنَادِقٍ ، بَيْنَ الْخَنَدَقِ وَالْخَنَدَقِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ . (٧)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَفْرَعُ إِلَيْهِمُ النَّاسُ فِي حَوَائِجِهِمْ ، أَوْلَيْكَ هُمْ الْآمِنُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٨)

١- البلد : ١٧١٤ .

٢- المحاسن : ج ٢ ص ١٤٥ ح ١٣٨١ ، الكافي : ج ٢ ص ٢٠١ ح ٦ ، ثواب الأعمال : ص ١٦٥ ح ١ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٦١ ح ١١ .

٣- المحاسن : ج ٢ ص ١٥٧ ح ١٤٢٧ عن حسين بن علي ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٦٧ ح ٥٠ .

٤- المحاسن : ج ٢ ص ١٥٢ ح ١٤٠٧ عن أبي حمزه الثمالي ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٦٦ ح ٤٣ .

٥- عوالي اللآلي : ج ٣ ص ٢٨٣ ح ١٦ .

٦- في المصدر : «سبع» ، والصواب ما أثبتناه .

٧- قضاء الحوائج لابن أبي الدنيا : ص ٤٦ ح ٣٥ ، حليه الأولياء : ج ٨ ص ٢٠٠ كلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ٦ ص ٤٤٦ ح ١٦٤٧٣ ؛ عوالي اللآلي : ج ١ ص ٣٧٥ ح ٩٤ .

٨- تحف العقول : ص ٥٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٥٧ ح ١٣٤ ؛ المعجم الكبير : ج ١٢ ص ٢٧٤ ح ١٣٣٣٤ ، مسند الشهاب : ج ٢ ص ١١٨ ح ١٠٠٧ ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ٢٢٥ كلها عن ابن عمر نحوه ، كنز العمال : ج ٦ ص ٣٥٠ ح ١٦٠٠٧ .

ص بر آوردن نیاز مؤمن و شاد کردن او

المحاسن به نقل از ابن قَدّاح: امام صادق علیه السلام فرمود: «از چیزهایی که موجب بهشت و آمرزش می شود، سیر کردن گرسنه است» و سپس این سخن خدای عز و جلرا تلاوت کرد: «یا در روز گرسنگی، طعام دادن به یتیمی خویشاوند یا مستمندی خاک نشین است. علاوه بر این، از زمره کسانی است که گرویده اند».

امام صادق علیه السلام: هر کس ده مسلمان را اطعام کند، خداوند، بهشت را برایش واجب می گرداند.

امام صادق علیه السلام: هر مؤمنی که یک مؤمن گرسنه را غذا دهد، خداوند از خوراک بهشت به او می خوراند، و هر گاه به مؤمن تشنه ای آب دهد، خداوند از شراب ناب و سر به مُهر [بهشتی]، به او می نوشاند.

ص بر آوردن نیاز مؤمن و شاد کردن او پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خانواده مسلمانی را سرپرستی کند، بهشتی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای حاجت برادرش او را همراهی کند و صادقانه در رفع حاجت او بکوشد، خداوند در روز قیامت، میان وی و آتش دوزخ، هفت خندق قرار می دهد که فاصله هر خندق با دیگری به فاصله آسمان تا زمین است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بندگان دارد که مردم در حاجت هایشان به آنها پناه می برند. اینان در روز قیامت، از عذاب خدا ایمن اند.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ شَفَعَ لِأَخِيهِ شَفَاعَةً طَلَبَهَا إِلَيْهِ ، نَظَرَ اللَّهُ عِزُّهُ وَ جَلُّ إِلَيْهِ ، وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَلَّا يُعَذِّبَهُ أَبَدًا . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ أَدَخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا فَقَدْ سَرَّنِي ، وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ اتَّخَذَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا ، وَ مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ تَمَسَّهُ النَّارُ أَبَدًا . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ أَدَخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ سُورًا ، لَمْ يَرْضَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ . (٣)

الإمام علي عليه السلام :إِنَّ الْجَنَّةَ لَتَسَاقُ (٤) إِلَى مَنْ سَعَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ لِيُصْلِحَ شَأْنَهُ عَلَى يَدَيْهِ ، فَاسْتَبَقُوا النَّعْمَ بِذَلِكَ ، فَإِنَّ اللَّهَ الْكَرِيمَ يَسْأَلُ الرَّجُلَ عَنْ جَاهِهِ وَ مَا بَدَّلَهُ كَمَا يَسْأَلُهُ عَنْ مَالِهِ فِيمَ أَنْفَقَهُ . (٥)

الإمام الباقر عليه السلام :إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَتَرِدُ عَلَيْهِ الْحَاجَةُ لِأَخِيهِ فَلَا تَكُونُ عِنْدَهُ فَيَهْتَمُّ بِهَا قَلْبُهُ ، فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهَمِّهِ الْجَنَّةَ (٦) .

١- .ثواب الأعمال : ص ٣٤٤ ح ١ عن أبي هريره و عبد الله بن عباس ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٧١ ح ٣٠ .

٢- .سير أعلام النبلاء : ج ٨ ص ٥٤٣ ، الدر المنثور : ج ٥ ص ٥٤٢ نقلاً عن ابن مردويه ، كنز العمال : ج ٦ ص ٤٣١ ح ١٦٤١١ نقلاً عن الدارقطني في الأفراد و أبي الشيخ في كتاب الثواب و كلها عن ابن عباس .

٣- .المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٢٨٩ ح ٧٥١٩ ، المعجم الصغير : ج ٢ ص ٥١ ، تاريخ أصبهان : ج ١ ص ١٦٤ الرقم ١٤٨ كلها عن عائشه .

٤- .في كنز العمال : «تشتاق» .

٥- .تاريخ بغداد : ج ٣ ص ١١٧ الرقم ١١٣٤ عن الحسن بن سعد عن أبيه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٧٨١ ح ٨٧٣٧ .

٦- .الكافي : ج ٢ ص ١٩٦ ح ١٤ عن عبد الله بن محمد الجعفي ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٣١ ح ١٠٤ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای برادرش وساطتی کند که آن را از او خواسته است ، خداوند عز و جل به او نظر می کند و بر خداست که هرگز عذابش نکند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مؤمنی را شاد کند ، مرا شاد کرده است و هر کس مرا شاد کند ، از خدا پیمانی ستانده است و هر کس از خدا پیمانی بستاند ، هرگز آتش دوزخ به او نمی رسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به خانواده ای از مسلمانان شادی ای رساند ، خداوند برای او به پاداشی کمتر از بهشت ، رضایت نمی دهد.

امام علی علیه السلام: کسی که برای بر آوردن نیازهای برادر مؤمنش بکوشد تا با دست خود ، گرفتاری او را برطرف کند ، بهشت به سویش سوق داده می شود . پس با این کار به سوی نعمت ها بشتابید ؛ زیرا خداوند کریم ، همان گونه که از شخص در باره دارایی اش می پرسد که آن را در چه راهی خرج کرده ، در باره منزلت اجتماعی او و دیگر چیزهایی که به او بخشیده است نیز می پرسد .

امام باقر علیه السلام: مؤمن ، حاجتی از برادرش به نزدش آورده می شود و او چیزی ندارد تا آن را برآورده سازد ؛ ولی دلش بدان اهتمام می ورزد . خدای بزرگ و والا ، به خاطر همین اهتمامش ، او را به بهشت می برد.

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ سَعَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا ، قَضَى اللَّهُ عِزَّ وَجَلَلَهُ بِهَا سَبْعِينَ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الآخِرَةِ ، أَيْسَرُهَا أَنْ يُزَحِّحَهُ عَنِ النَّارِ . (١)

عنه عليه السلام: ما مِنْ مُؤْمِنٍ بَدَلَ جَاهَهُ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ ، وَلَمْ يَمَسَّهُ قَتْرٌ وَلَا ذَلَّةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٢)

رجال النجاشي عن محمد بن إسماعيل بن بزيع عن الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِأَبْوَابِ الظَّالِمِينَ مِنْ نَوْرِ اللَّهِ لَهُ الْبُرْهَانُ ، وَمَكَانَ لَهُ فِي الْبِلَادِ ، لِيُدْفَعَ بِهِمْ عَنْ أَوْلِيَائِهِ ، وَيُصْلِحَ اللَّهُ بِهِمْ أُمُورَ الْمُسْلِمِينَ ، إِلَيْهِمْ مَلْجَأُ الْمُؤْمِنِ مِنَ الضَّرِّ ، وَإِلَيْهِمْ يَفْزَعُ ذُو الْحَاجَةِ مِنْ شِيَعَتِنَا ، وَبِهِمْ يُؤَمِّنُ اللَّهُ رَوْعَةَ الْمُؤْمِنِ فِي دَارِ الظُّلْمَةِ ، أَوْلِيكَ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ، أَوْلِيكَ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، أَوْلِيكَ نُورٌ فِي رَعِيَّتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَيَزْهَرُ نُورُهُمْ لَا-؟ هَلِ السَّمَاوَاتِ كَمَا تَزْهَرُ الْكَوَاكِبُ الدَّرِّيَّةُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ ، أَوْلِيكَ مِنْ نُورِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُضِيءُ مِنْهُمْ الْقِيَامَةَ ، خُلِقُوا وَاللَّهُ لِلْجَنَّةِ ، وَخُلِقَتْ الْجَنَّةُ لَهُمْ ، فَهَنِينًا لَهُمْ ، مَا عَلَى أَحَدِكُمْ أَنْ لَوْ شَاءَ لَنَالَ هَذَا كُلُّهُ . قَالَ : قُلْتُ : بِمَاذَا جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَكُونُ مَعَهُمْ فَيَسْرِئُنَا بِإِدْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْ شِيَعَتِنَا ، فَكُنْ مِنْهُمْ يَا مُحَمَّدُ . (٣)

ق زيارته الإخوان رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ إِكْرَامُهُ ، وَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَبْدًا أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ . (٤)

١- مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٤٠٩ ح ١٤٤٥١ نقلاً عن المفيد في الروضة .

٢- الأمل للطوسي: ص ٦٧٠ ح ١٤١١ عن الحسين بن أبي غندر، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٣١٧ ح ٧٨ .

٣- رجال النجاشي: ج ٢ ص ٢١٥ الرقم ٨٩٤ .

٤- مستدرک الوسائل: ج ١٠ ص ٣٧٩ ح ١٢٢١٧ نقلاً عن الأربعين لابن زهره عن عائشه .

ق دیدار برادران

امام صادق علیه السلام: هر کس برای بر آورده شدن حاجتی از حاجت های دنیوی برادر مؤمنش بکوشد ، خداوند عز و جلیه ازای آن ، هفتاد حاجت از حاجت های اخروی را برایش برآورده می سازد که کمترین آنها ، دور داشتن او از آتش دوزخ است.

امام صادق علیه السلام: هیچ مؤمنی نیست که از موقعیت خود برای [حلّ مشکل] برادر مؤمنش استفاده کند ، مگر آن که خداوند ، روی او را بر آتش حرام می گرداند و در روز قیامت ، گرد خواری بر او نمی نشیند .

رجال النجاشی به نقل از محمد بن اسماعیل بن بزیع : امام رضا علیه السلام فرمود : «خداى بلندمرتبه ، در دستگاه ستمگران ، کسانی را دارد که برهانش را برای آنها روشن کرده و در شهرها برایشان جایگاهی فراهم کرده تا به وسیله آنها از دوستانش دفاع کند و امور مسلمانان را به وسیله آنها اصلاح نماید . پناهگاه مؤمن در هر سختی ، آنهایند و رویکرد شیعیان نیازمند ما ، به سمت آنهاست . خداوند در خانه ستمگران ، به وسیله آنان ، وحشت مؤمن را برطرف می کند . آنان حقیقتاً مؤمن اند و امینان خدا در زمینش هستند . آنان ، در قیامت ، نوری در میان مردمشان اند و نورشان برای آسمانیان می درخشد ، همان گونه که ستارگان درخشان برای زمینیان می درخشند . روز قیامت ، از نور آنان ، قیامت روشن می شود . به خدا ، آنها برای بهشت آفریده شدند و بهشت برای آنان آفریده شد . گوارایشان باد ! هر یک از شما می تواند ، اگر بخواهد ، همه این [ثوابها] را به دست آورد . » . گفتم : چگونه ، فدایت گردم ؟ فرمود : «با آنها [ستمگران] باشد و [در عین حال] ما را با خوش حال کردن شیعیان مؤمن ، خوش حال کند . پس از آنان باش ، ای محمد !» .

ق دیدار برادران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به خاطر خدا به دیدن برادر خود رود ، بر خداست که او را گرامی بدارد و خداى بلندمرتبه ، هر بنده ای را که گرامی بدارد ، به بهشت می برد.

عنه صلى الله عليه و آله : إذا زارَ أحدُكمَ أخاهُ فالقَى له شيئاً يقيه من التُّرابِ ، وقاهُ اللهُ عذابَ النَّارِ . (١)

الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام : أيما مؤمنٍ خرَجَ إلى أخيه يزوره عارفاً بحقه ، كتبَ اللهُ له بكلِّ خطوهٍ حسنةً ، ومُحيت عنه سيئتهُ ، ورُفعتْ له درجتهُ ، وإذا طرَقَ البابَ فُتحتْ له أبوابُ السَّماءِ ، فإذا التقيا وتَصافحا وتَعانقا أقبلَ اللهُ عليهما بوجهه ، ثمَّ باهى بهما الملائكةَ ، فيقولُ : انظروا إلى عبدَيَّ تزاورا وتحاباً فيَّ ! حقٌّ عليَّ ألا أُعذَّبَهُما بالنَّارِ بعدَ هذا الموقِفِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : من زارَ أخاهُ في اللهِ قالَ اللهُ عز و جل : إِيَّايَ زُرتَ وثوابُكَ عليَّ ، ولستُ أرضى لك ثواباً دونَ الجنَّةِ . (٣)

قيامُ اللَّيْلِ رسولُ اللهُ صلى الله عليه و آله في وصيةٍ لِأبي ذرٍّ : يا أبا ذرٍّ ، احفظْ وصيةَ نبيِّكَ : من ختمَ له بقيامِ اللَّيْلِ ثمَّ ماتَ فله الجنَّةُ . (٤)

ش الصَّيَامُ تَطَوُّعاً رسولُ اللهُ صلى الله عليه و آله : من صامَ يوماً تطوُّعاً أدخله اللهُ عز و جل الجنَّةَ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله : من صامَ يوماً تطوُّعاً لم يَطَّلِعْ عليه أحدٌ ، لم يرضَ اللهُ له بثوابٍ دونَ الجنَّةِ . (٦)

- ١- المعجم الكبير : ج ٦ ص ٢٧١ ح ٦١٨٨ عن سلمان الفارسي ، كنز العمال : ج ٩ ص ٢٦ ح ٢٤٧٥٧ .
- ٢- الكافي : ج ٢ ص ١٨٤ ح ١ عن عبد الله بن محمد الجعفي ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٤ ح ٣٢ .
- ٣- الكافي : ج ٢ ص ١٧٦ ح ٤ عن الحصين ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٤٥ ح ٤ .
- ٤- تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ١٢٢ ح ٤٦٥ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٤٧٤ ح ١٣٧٣ .
- ٥- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٨٦ ح ١٨٠١ عن الإمام علي عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص ٧٧ ح ١ عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ٢٥٣ ح ٢٣ .
- ٦- تاريخ بغداد : ج ١ ص ٢٧٨ الرقم ١١٨ عن سهل بن سعد ، كنز العمال : ج ٨ ص ٤٤٩ ح ٢٣٦٠١ .

ر شب زنده داری**ش روزه مستحبی**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما برادرش را دیدار کرد و بر او چیزی افکند که از گرد و خاک نگاهش بدارد، خداوند، او را از عذاب آتش، نگاه می دارد.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام: هر مؤمنی که برای دیدار برادرش بیرون رود، در حالی که حق او را می شناسد، خداوند در برابر هر قدمی، یک ثواب برایش می نویسد و یک گناه از او می زداید، و چون در خانه اش را بکوبد، درهای آسمان برایش باز می شوند، و چون به هم رسند و دست دهند و معانقه کنند، خداوند به آنها روی می آورد. سپس به آن دو، بر فرشتگان می بالد و می فرماید: «دو بنده مرا که به خاطر من با یکدیگر دیدار و مهربانی کردند، تماشا کنید! بر من است که پس از این صحنه، آن دو را به آتش، عذاب نکنم».

امام صادق علیه السلام: هر کس برای خدا از برادرش دیدار کند، خدای عز و جل می فرماید: «تو از من دیدار کردی و پاداش تو بر عهده من است، و من به پاداش کمتر از بهشت، برایت رضایت نمی دهم».

ر شب زنده داری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر: ای ابو ذر! سفارش پیامبرت را نگاه دار: کسی که عمرش به شب زنده داری ختم شود و بمیرد، بهشتی است.

ش روزه مستحبی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک روز، داوطلبانه روزه بگیرد، خداوند عز و جل او را به بهشت می برد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک روز داوطلبانه روزه بگیرد و کسی از آن با خبر نشود، خداوند برایش به پاداشی کمتر از بهشت، رضایت نمی دهد.

ت قيادته الأعميرسول الله صلى الله عليه وآله: من قاد أعمى أربعين خطوةً وجبت له الجنة . (١)

ث إماطه الأذى عن الطريقرسول الله صلى الله عليه وآله: من أماط أذى عن طريق المسلمين كتب له حسنة، ومن تقبلت له حسنة دخل الجنة . (٢)

خ رد عاديه ماء أو ناررسول الله صلى الله عليه وآله: من رد عن قوم من المسلمين عاديه (٣) ماء أو نارا، وجبت له الجنة . (٤)

ذ بناء المسجدرسول الله صلى الله عليه وآله: من بنى لله مسجدا، أدخل الجنة . (٥)

-
- ١- المعجم الكبير: ج ١٢ ص ٢٧١ ح ١٣٣٢٢، شعب الإيمان: ج ٦ ص ١٠٩ ح ٧٦٢٨، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٢٤٣ ح ٥٥٨٧، تاريخ دمشق: ج ٤٣ ص ٩٠ ح ٩١٠٦ كلها عن ابن عمر، كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٧٥ ح ٤٣٠٤٨.
 - ٢- الأديب المفرد: ص ١٨٠ ح ٥٩٣، المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٢١٧ ح ٥٠٢، تهذيب الكمال: ج ٨ ص ٣٣٤ الرقم ١٧٢٦ كلها عن معقل بن يسار (المزني)، مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٤١٦ ح ٢٧٥٤٩، المعجم الأوسط: ج ١ ص ١٤ ح ٣٢ كلاهما عن أبي الدرداء نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٨٢ ح ٤٣٠٩٠.
 - ٣- عاديه فلان: أي ظلمه وشره (الصحيح: ج ٦ ص ٢٤٢٢ «عدا»).
 - ٤- الكافي: ج ٢ ص ١٦٤ ح ٨ عن عمر بن علي بن الحسين عن أبيه الإمام زين العابدين عليه السلام و ج ٥ ص ٥٥ ح ٣ عن فطر بن خليفة عن الإمام الباقر عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مشكاة الأنوار: ص ٣١٩ ح ١٠١٢، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٣٤٠ ح ١٢٣.
 - ٥- كنز العمال: ج ٧ ص ٦٥٤ ح ٢٠٧٦٠ نقلاً عن المعجم الكبير عن عمرو بن عبسة.

ت دستگیری از نابینا

ث کنار زدن شیء مزاحم از راه

خ دفع گزند آب یا آتش

ذ ساختن مسجد

ت دستگیری از نابیناپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نابینایی را چهل قدم راه برد، بهشت بر او واجب می شود.

ث کنار زدن شیء مزاحم از راهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شیء مزاحمی (۱) را از راه مسلمانان کنار زند، یک حسنه برایش نوشته می شود و هر کس یک حسنه از او پذیرفته شود، به بهشت می رود.

خ دفع گزند آب یا آتشیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس گزند آب یا آتشی را از عده ای مسلمان دور سازد، بهشت بر او واجب می شود.

ذ ساختن مسجدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای خدا مسجدی بسازد، به بهشت برده می شود.

۱- از قبیل: سنگ، نجاست و یا هر چیزی که به مسلمانی آسیب برساند.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِلَّهِ كَمَفْحَصٍ قَطَاهُ (١) أَوْ أَصْغَرَ ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا ، فَإِنَّ اللَّهَ يَبْنِي لَهُ بَيْتًا أَوْسَعَ مِنْهُ فِي الْجَنَّةِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا لِيُذَكَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا ، بَنَى اللَّهُ لَهُ مِثْلَهُ فِي الْجَنَّةِ . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا ، بَنَى اللَّهُ لَهُ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ دُرٍّ وَيَاقُوتٍ وَزَبَرْجَدٍ . (٧)

١- .المفحص : مفعَل من الفحص ، كالأفحوص ، وأفحوص القطاه : موضعها الذي تجثم فيه وتبيض ، كأنها تفحص عنه التراب ؛ أى تكشفه ، والفحص : البحث والكشف (النهاية : ج ٣ ص ٤١٥ «فحص»).

٢- .سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٢٤٤ ح ٧٣٨ عن جابر بن عبد الله ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٥١٩ ح ٢١٥٧ عن ابن عباس ، صحيح ابن حبان : ج ٤ ص ٤٩٠ ح ١٦١٠ المعجم الصغير : ج ٢ ص ١٢٠ كلاهما عن أبى ذرٍّ وكلها نحوه ، كنز العمال : ج ٧ ص ٦٥٠ ح ٢٠٧٣٢ ؛ كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٢٣٥ ح ٧٠٣ عن الإمام الباقر عليه السلام ، الأمالى للطوسى : ص ١٨٣ ح ٣٠٦ عن أبى قلابه ، عوالى اللآلى : ج ٢ ص ٣٠ ح ٧٥ كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٢٠ ح ٢٠ .

٣- .مسند ابن حنبل : ج ١٠ ص ٤٤٥ ح ٢٧٦٨٣ عن أسماء بنت يزيد ، المعجم الكبير : ج ٨ ص ٢٢٥ ح ٧٨٨٩ عن أبى أمامه و ج ٢٢ ص ٨٩ عن وائل بن الأسقع وفيه «أفضل منه» بدل «أوسع منه» ، كنز العمال : ج ٧ ص ٦٥٠ ح ٢٠٧٣٤ .

٤- .مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ١١٣ ح ١٩٤٥٧ ، السنن الكبرى للنسائى : ج ١ ص ٢٥٥ ح ٧٦٧ ، مسند الشاميين : ج ٢ ص ١٨٨ ح ١١٦٢ ، تفسير ابن كثير : ج ٨ ص ٤٢٩ كلها عن عمرو بن عبسه ، سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٢٤٣ ح ٧٣٥ عن عمر بن الخطاب نحوه .

٥- .سنن الترمذى : ج ٢ ص ١٣٥ ح ٣١٩ ، مسند أبى يعلى : ج ٧ ص ٢٧٧ ح ٤٢٩٨ ، التاريخ الكبير : ج ٥ ص ٣٣٠ ح ١٠٤٧ كلها عن أنس ، كنز العمال : ج ٧ ص ٦٥٠ ح ٢٠٧٣٣ .

٦- .سنن الترمذى : ج ٢ ص ١٣٤ ح ٣١٨ ، سنن الدارمى : ج ١ ص ٣٤٤ ح ١٣٦٤ ، سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٢٤٣ ح ٧٣٦ كلها عن عثمان ، مسند ابن حنبل : ج ١٠ ص ٤٤٥ ح ٢٧٦٨٣ عن أسماء بنت يزيد نحوه ، كنز العمال : ج ٧ ص ٦٤٩ ح ٢٠٧٢٨ ؛ مسند زيد : ص ١٥٤ عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «بيتا» بدل «مثله» .

٧- .كنز العمال : ج ٧ ص ٦٥٤ ح ٢٠٧٥٥ نقلاً عن ابن النجار عن أنس .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای خدا مسجدی [حَتَّى] به اندازه آشیانه یک مرغ سنگخواره یا کوچک تر بسازد ، خداوند در بهشت برای او خانه ای می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای خدا مسجدی بنا کند ، خداوند برای او در بهشت ، خانه ای وسیع تر از آن مسجد بنا می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای خدا مسجدی بسازد که در آن ، یاد خدای عز و جل شود ، خداوند در بهشت ، خانه ای برای او می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای خدا مسجدی بسازد ، کوچک باشد یا بزرگ ، خداوند در بهشت برای او خانه ای می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای خدا مسجدی بسازد ، خداوند همانند آن را در بهشت برای او می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای خدا مسجدی بسازد ، خداوند برایش در بهشت ، قصری از مروارید و یاقوت و زبرجد می سازد.

ض التَّائِدِينَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَدَّانَ فِي مِصْرٍ مِنْ أَمْصَارِ الْمُسْلِمِينَ سَنَّهُ ، وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ . (١)

عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُعَجَّبُ رَبُّكُمْ مِنْ رَاعِي غَنَمٍ فِي رَأْسِ شَطِئِهِ (٢) بِجَبَلٍ يُؤَدُّنُ بِالصَّلَاةِ وَيُصَلِّي ، فَيَقُولُ اللهُ عز و جل :
أَنْظُرُوا إِلَى عَبْدِي هَذَا يُؤَدُّنُ وَيَقِيمُ الصَّلَاةَ ، يَخَافُ مِنِّي ، فَقَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِي وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ . (٣)

ظ الإِسْتِرْجَاعِ عِنْدَ الْمُصِيبِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَلْهِمَ الْإِسْتِرْجَاعَ عِنْدَ الْمُصِيبِ ، وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ . (٤)

غ زِيَارَةُ قُبُورِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَتَانِي زَائِرًا وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي ، وَمَنْ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي
وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: بَيْنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ فِي حَجْرِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذِ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ:
يَا أَبَتِي ، مَا لِمَنْ زَارَكَ بَعْدَ مَوْتِكَ ؟ قَالَ : يَا بَنِيَّ ، مَنْ أَتَانِي زَائِرًا بَعْدَ مَوْتِي فَلَهُ الْجَنَّةُ ، وَمَنْ أَتَى أَبَاكَ زَائِرًا بَعْدَ مَوْتِهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ ،
وَمَنْ أَتَى أَخَاكَ زَائِرًا بَعْدَ مَوْتِهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ ، وَمَنْ أَتَاكَ زَائِرًا بَعْدَ مَوْتِكَ فَلَهُ الْجَنَّةُ . (٦)

١- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٨٣ ح ١١٢٦ ، ثواب الأعمال: ص ٥٢ ح ١ كلاهما عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٨٥ ح ٨٨١ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ١٤٧ ح ٤٠ .

٢- الشَّطِئَةُ: قِطْعَةٌ مُرْتَفِعَةٌ فِي رَأْسِ الْجَبَلِ (النهاية: ج ٢ ص ٤٧٦ «شطي»).

٣- سنن أبي داود: ج ٢ ص ٢ ح ١٢٠٣ ، سنن النسائي: ج ٢ ص ٢٠ ، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٤٧ ح ١٧٤٤٧ ، السنن الكبرى: ج ١ ص ٥٩٦ ح ١٩٠٥ نحوه ، تفسير القرطبي: ج ١٠ ص ٣٦٢ كَلَّهَا عَنْ عَقْبِهِ بْنِ عَامِرٍ ، كُنَزُ الْعَمَالِ: ج ٧ ص ٢٩٤ ح ١٨٩٤٨ .

٤- ثواب الأعمال: ص ٢٣٥ ح ٢ عن سيف بن عميرة ، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٢٨ ح ٢ .

٥- الكافي: ج ٤ ص ٥٤٨ ح ٥ عن أبي حجر الأسلمي عن الإمام الصادق عليه السلام ، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٤ ح ٥ ، المزار الكبير: ص ٣٣ ح ٥ كلاهما عن أبي يحيى الأسلمي عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٦٥ ح ٣١٥٧ ، علل الشرائع: ص ٤٦٠ ح ٧ كلاهما عن إبراهيم بن أبي حجر الأسلمي عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٤٠ ح ٥ .

٦- تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٢٠ ح ٤٤ عن عبد الله بن سنان ، المقنعه: ص ٤٦٥ ح ١٠ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كامل الزيارات: ص ٣٩ ح ١ عن عبد الله بن سنان وفيه «الحسين بن علي عليه السلام» بدل «الحسن بن علي عليه السلام» ، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٤٦ وليس فيه «ومن أتى أخاك زائرا بعد موته فله الجنة» ، روضه الواعظين: ص ١٨٦ ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٤٢ ح ١٦ .

ض اذان گفتن

ظ اَنَا لَلَّهْ كَفْتَن بَه هَنكَام مَصِيَّت

غ زيارت قبور اهل بيت عليهم السلام

ض اذان گفتن پيامبر خدا صلی الله عليه و آله: هر کس در شهری از شهرهای مسلمانان، یک سال اذان بگوید، بهشت بر او واجب می شود.

پيامبر خدا صلی الله عليه و آله: پروردگار شما را خوش می آید از آن گوسپندچرانی که بر قلّه کوهی اذان می گوید و نماز می گزارد. پس خداوند عز و جل می فرماید: «این بنده ام را که اذان می گوید و نماز می گزارد، تماشا کنید. او از من می ترسد. بنده ام را آمرزیدم و او را به بهشت وارد ساختم».

ظ اَنَا لَلَّهْ كَفْتَن بَه هَنكَام مَصِيَّتَام صَادَق عَلَيْهِ السَّلَام: هر که در هنگام مصیبت، گفتن استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ) به او الهام شود، بهشت بر او واجب می گردد.

غ زيارت قبور اهل بيت عليهم السلام پيامبر خدا صلی الله عليه و آله: هر کس به زيارت من بیاید، سزاوار شفاعتم می شود و کسی که سزاوار شفاعت من شود، سزاوار بهشت می گردد.

امام صادق عليه السلام: روزی حسن بن علی علیهما السلام بر زانوی پيامبر خدا صلی الله عليه و آله نشسته بود که سرش را بلند کرد و گفت: پدر جان! پاداش کسی که پس از وفات شما به زیارتتان بیاید، چیست؟ فرمود: «پسرم! هر کس پس از وفاتم به زیارت من بیاید، پاداشش بهشت است، و هر کس پدر تو را پس از وفاتش زیارت کند، پاداشش بهشت است، و هر کس برادرت را پس از وفاتش زیارت کند، پاداشش بهشت است، و هر کس تو را پس از وفاتت زیارت کند، پاداشش بهشت است».

يا الْحَرِصُّ عَلَى الْجَنَّةِ رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا حَرِيصٌ عَلَيْهَا. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ بَكَى عَلَى الْجَنَّةِ دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ بَكَى عَلَى الدُّنْيَا دَخَلَ النَّارَ. (٢)

يَبْ طَلَبُ الْجَنَّةِ الْكِتَابُ «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ * وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ». (٣)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: يَقْبُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنْظُرُوا فِي دِيوَانِ عَبْدِي، فَمَنْ رَأَيْتُمْ يُوهُ سَأَلَنِي الْجَنَّةَ أُعْطِيَتْهُ، وَمَنْ اسْتَعَاذَنِي مِنَ النَّارِ أَعَذْتُهُ. (٤)

الإمام علي عليه السلام في مُنَاجَاتِهِ: إِلَهِي أَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَى سُؤَالِ الْجَنَّةِ قَبْلَ مَعْرِفَتِهَا، فَأَقْبَلْتَ النَّفْسَ بَعْدَ الْعِرْفَانِ عَلَيَّ مَسْأَلَتِهَا. أَفْتَدُلُّ عَلَى خَيْرِكَ السُّؤَالَ ثُمَّ تَمَنُّهُمْ النَّوَالَ (٥)، وَأَنْتَ الْكَرِيمُ الْمَحْمُودُ فِي كُلِّ مَا تَصَنَعُهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (٦)

١- الفردوس: ج ٥ ص ١٠٦ ح ٧٦١٧ عن أنس .

٢- النوادر للراوندي: ص ١٠٧ ح ٨٥، الجعفریات: ص ١٩٢ وفيه «فعل على النار» بدل «بكى على الدنيا» وكلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٣٣ ح ٢٣.

٣- الشعراء: ٨٤ و ٨٥ .

٤- حليه الأولياء: ج ٦ ص ١٧٥، الفردوس: ج ٥ ص ٢٤٥ ح ٨٠٨٥ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٩ ح ٣١٦٤ .

٥- النّوَال: العطاء (لسان العرب: ج ١١ ص ٦٨٣ «نول»).

٦- البلد الأمين: ص ٣١٥، المصباح للكفعمي: ص ٤٩٢ كلاهما عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٠٥ ح ١٤ .

یا آزمندی به بهشت

یب جویای بهشت بودن

یا آزمندی به بهشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بهشت نمی رود، مگر کسی که آزمند به آن باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای بهشت بگرید، به بهشت می رود و هر که برای دنیا بگرید، به دوزخ می رود.

یب جویای بهشت بودن قرآن «و برایم در میان آیندگان، نامی نیک قرار ده و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای بلندمرتبه می فرماید: «به دیوان بنده ام بنگرید. هر که را دیدید که از من بهشت خواسته است، به او می دهم و هر که از آتش به من پناه برده، او را پناه می دهم».

امام علی علیه السلام در مناجاتش: معبود من! تو مرا پیش از آن که بهشت را بشناسم، به درخواست کردن آن راه نمایی کردی و نفس، پس از شناخت، به درخواست آن روی آورد. پس آیا می شود تو درخواست کنندگان را به خیر و نعمت، راه نمایی کنی و سپس آنان را از دهش، محروم سازی؟ در حالی که تو کریمی و همه کارهایت پسندیده و نیکوست، ای صاحب شکوه و کرامت!

عنه عليه السلام في دعاء يوم الخميس: اللَّهُمَّ ... أدرجني درج من أوجبت له حلول دار كرامتك مع أصفيائك وأهل اختصاصك بجزيل مواهبك، في درجات جناتك، مع الذين أنعمت عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين، وحسن أولئك رفيقا. (١)

الكافي عن زراره: قال أبو جعفر عليه السلام: لا تنسوا الموجبتين أو قال: عليكم بالموجبتين في دبر كل صلاه، قلت: وما الموجبتان؟ قال: تسأل الله الجنة، وتعوذ بالله من النار. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام في الدعاء: يا ذا الجلال والإكرام، أوجب لي الجنة التي حشوها رحمتك، وسكانها ملائكتك. (٣)

يج تلك الخصال الكتاب «قد أفصح المؤمنون * الذين هم في صلاتهم خشعون * والذين هم عن اللغو معرضون * والذين هم للركوة فعلون * والذين هم لفروجهم حفظون * إلا على أزواجهم أو ما ملكت أيمانهم فإنهم غير ملومين * فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون * والذين هم لأمتهم وعهدهم رعون * والذين هم على صلوتهم يحافظون * أولئك هم الرثون * الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون». (٤)

١- البلد الأمين: ص ١٣٧، جمال الأسبوع: ص ٨٣ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٢٠٨ ح ٣٥.

٢- الكافي: ج ٣ ص ٣٤٣ ح ١٩، تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ١٠٨ ح ٤٠٨، معاني الأخبار: ص ١٨٣ ح ١، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٦ ح ٢٨.

٣- مہج الدعوات: ص ٢٦٤، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٨٢.

٤- المؤمنون: ١١١.

یج و این چند عامل

امام علی علیه السلام در دعای روز پنجشنبه: بار خدایا! ... مرا به سان کسی که اقامت در کرامت خانه ات را برایش واجب ساختی، در درجات بهشت هایت جای ده، همراه با برگزیدگان و کسانی که به بخشش های فراوانت اختصاصشان داده ای، و همراه با کسانی که به آنان نعمت داده ای، یعنی پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان، که نیکو همشینی هستند.

الکافی به نقل از زراره: امام باقر علیه السلام فرمود: «دو موجب را در پی هر نماز، فراموش نکنید» یا فرمود: «بر شما باد دو موجب». گفتم: دو موجب چیست؟ فرمود: «درخواست بهشت از خدا و پناه بردن به خدا از آتش».

امام صادق علیه السلام در دعا: ای پروردگار بشکوه و گرامی! بهشت را که درونش رحمت توست و ساکنانش فرشتگانند، برایم واجب گردان.

یج و این چند عاملقرآن «به راستی که مؤمنان، رستگار شدند؛ همانان که در نمازشان خاشع اند، و آنان که از بیهوده، روی گردان اند، و آنان که زکات می پردازند، و کسانی که دامن خویش نگه می دارند، مگر از همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند، که در این صورت، بر آنان نکوهشی نیست پس هر که فراتر از این بجوید، آنان از حد درگذرندگان اند، و آنان که امانت ها و پیمان خود را رعایت می کنند، و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند. آنان وارثان اند؛ همانان که بهشت را به ارث می برند و در آن جاویدان اند».

الحديثسنن الترمذى عن عمر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أُنزِلَ عَلَيَّ عَشْرُ آيَاتٍ، مَنْ أَقَامَهُنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ، ثُمَّ قَرَأَ: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» حَتَّى خَتَمَ عَشْرَ آيَاتٍ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ كُلُّ ضَعِيفٍ مُتَضَعِّفٍ (٢)، لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لَمَأْبَرَةٌ! وَأَهْلُ النَّارِ كُلُّ جَوَاطِ (٣) عُتْلٍ (٤) مُسْتَكْبِرٍ. (٥)

الأمالى عن أبي ذرٍّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: كُلُّ أَشْعَثَ أَغْبَرَ ذِي طِمْرَيْنِ لَا يُؤْبَهُ بِهِ، لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لَمَأْبَرَةٌ. (٦)

١- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٣٢٦ ح ٣١٧٣، السنن الكبرى للنسائى: ج ١ ص ٤٥٠ ح ١٤٣٩، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٨١ ح ٢٢٣، المستدرک على الصحيحين: ج ٢ ص ٤٢٦ ح ٣٤٧٩، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٣ ص ٣٨٣ ح ٦٠٣٨، كنز العمال: ج ٢ ص ٣٠٦ ح ٤٠٧٠.

٢- المتضَعِّف: الذى يتضعّفه الناس ويتجبرون عليه فى الدنيا للفقير (النهايه: ج ٣ ص ٨٨ «ضعف»).

٣- الجَوَاطِ: المتكبر الجافى (لسان العرب: ج ٧ ص ٤٣٩ «جوظ»).

٤- العُتْلُ: الشديد الجافى والفظ الغليظ من الناس (النهايه: ج ٣ ص ١٨٠ «عتل»).

٥- صحيح البخارى: ج ٦ ص ٢٤٥٢ ح ٦٢٨١، صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٩٠ ح ٤٦، سنن الترمذى: ج ٤ ص ٧١٧ ح ٢٦٠٥، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٨ ح ٤١١٦ كلّها عن حارثه بن وهب والثلاثة الأخيره نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ١٥٣ ح ٥٩٣٤؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٨٢ وفيه «متعفف» بدل «متضعف» وليس فيه «عتل».

٦- الأمالى للطوسى: ص ٥٣٩ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٨١ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٦٦، أعلام الدين: ص ٢٠٤، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٩١ ح ٣.

حدیثسنن الترمذی به نقل از عمر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ده آیه بر من نازل شده که هر کس آنها را به کار بندد ، به بهشت می رود» و سپس خواند : «به راستی که مؤمنان ، رستگار شدند» تا پایان ده آیه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آیا شما را به اهل بهشت راه نمایی نکنم؟ هر ناتوان مستضعفی که اگر خدا را سوگند دهد ، خداوند ، دعایش را مستجاب می کند . و اهل دوزخ ، عبارت اند از هر گردن فراز درشت خوی مستکبری.

الأمالی ، طوسی به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای ابو ذر! آیا تو را از اهل بهشت خبر ندهم؟» . گفتم : چرا ، ای پیامبر خدا! فرمود : «هر ژولیده گرد گرفته ژنده پوشی که کسی به او بها نمی دهد ؛ اما اگر خدا را سوگند دهد ، خداوند ، دعایش را مستجاب می کند» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ كُلُّ شَيْءٍ أَشْعَثَ أَغْبَرَ ذِي طَمَرَيْنِ لَا يُؤْبَهُ لَهُ ، الَّذِينَ إِذَا اسْتَأْذَنُوا عَلَى الْأُمَرَاءِ لَمْ يُؤْذَنَ لَهُمْ ، وَإِذَا حَاطَبُوا النِّسَاءَ لَمْ يُنْكَحُوا ، وَإِذَا قَالُوا لَمْ يُنصِتْ لَهُمْ ، حَوَائِجُ أَحَدِهِمْ يَتَجَلَّجَلُ (١) فِي صَدْرِهِ ، لَوْ قَسَمَ نُورُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى النَّاسِ لَوَسِعَهُمْ . (٢)

تاريخ بغداد عن أنس: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَنْ أَهْلُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: كُلُّ هَيِّينٍ لَيِّنٍ سَهْلٍ قَرِيبٍ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ كُلُّ مُؤْمِنٍ هَيِّينٍ لَيِّنٍ . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يَحْرُمُ عَلَى النَّارِ ، أَوْ بِمَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ؟ عَلَى كُلِّ قَرِيبٍ هَيِّينٍ سَهْلٍ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: حُرِّمَ عَلَى النَّارِ كُلُّ هَيِّينٍ لَيِّنٍ سَهْلٍ ، قَرِيبٍ مِنَ النَّاسِ . (٦)

المنتخب من مسند عبد بن حميد عن أبي هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا رَحِيمٌ . قُلْنَا: كُلُّنَا رَحِيمٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ: لَيْسَتْ الرَّحْمَةُ أَنْ يَرْحَمَ أَحَدُكُمْ خَاصَّتَهُ حَتَّى يَرْحَمَ الْعَامَّةَ وَيَتَوَجَّعَ لِلْعَامَّةِ . (٧)

١- يَتَجَلَّجَلُ: يَتَخَرَّكُ، والجلجله: الحركه مع الصوت (لسان العرب: ج ١١ ص ١٢١ «جلل»).

٢- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٨٢ ، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٤٠٦ عن أبي هريره نحوه وراجع: أعلام الدين: ص ٢٧٦.

٣- تاريخ بغداد: ج ٤ ص ١٧٥ الرقم ١٨٥٧ ، المعجم الصغير: ج ١ ص ٣٦ عن جابر بن عبد الله نحوه ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٤٩ ح ٤٣٣٧٥.

٤- غرر الحكم: ح ٣٤٠٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٩ ح ٣٢٧٣.

٥- سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٥٤ ح ٢٤٨٨ ، المعجم الكبير: ج ١٠ ص ٢٣١ ح ١٠٥٦٢ وليس فيه «أو بمن تحرم عليه النار» ، مشكاة المصابيح: ج ٢ ص ٦٣٠ ح ٥٠٨٤ كلها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال: ج ٣ ص ١٦ ح ٥٢٢١.

٦- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٩٠ ح ٣٩٣٨ عن ابن مسعود ، المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٣٥٢ ح ٨٣٢ عن محمد بن معيقب عن أبيه نحوه ، كنز العمال: ج ٣ ص ١٢ ح ٥١٩٥.

٧- المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٤٢٤ ح ١٤٥٤ ، مجمع الزوائد: ج ٨ ص ٢٨٣ ح ١٣٤٧٧ نقلاً عن مسند البرار عن ابن عمر نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بهشت، هر ژولیده گرد گرفته زنده پوشی است که کسی به او اهمیت نمی دهد؛ همان کسانی که هر گاه از فرمان روایان اجازه [ی ورود] بخواهند، به آنان اجازه نمی دهند و هر گاه از زنی خواستگاری کنند، جواب رد می شنوند و هر گاه سخن بگویند، کسی به سخنان گوش نمی دهد. نیازهایشان در سینه هایشان بی قراری می کند. اگر در روز رستاخیز، نور یکی از آنها در میان مردم تقسیم شود، به همه آنها می رسد.

تاریخ بغداد به نقل از انس: مردی گفت: ای پیامبر خدا! چه کسی اهل بهشت است؟ فرمود: «هر شخص ساده و نرم و آرام و خون گرم (خودمانی)».

امام علی علیه السلام: همانا اهل بهشت، هر مؤمن نرم و ملایمی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شما را از کسی آگاه کنم که بر آتش حرام است، یا کسی که آتش بر او حرام است؟ بر هر شخص خون گرم ساده و ملایمی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر شخص ساده و نرم و ملایم و خون گرم با مردم، بر آتش، حرام شده است.

المنتخب من مسند عبد بن حمید به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، به بهشت نمی رود، مگر مهربان». گفتیم: همه ما مهربانیم، ای پیامبر خدا! فرمود: «مهربانی، این نیست که فردی از شما با نزدیکانش مهربان باشد؛ [بلکه] آن است که با همه مهربان باشد و با همگان همدردی کند».

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصْبَحَ صَائِمًا، مَنْ عَادَ مَرِيضًا، مَنْ شَيَّعَ جَنَازَةً، مَنْ جَمَعَهُنَّ فِي يَوْمٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (١)

تاريخ بغداد عن أبي مسلم عن رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي عَمَلًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ. قَالَ: أَحْيَيْهِ وَالِدَتُكَ؟ فَبَرَّهَا فَتَكُونَ قَرِيبًا مِنَ الْجَنَّةِ. قُلْتُ: لَيْسَ لِي وَالِدَةٌ! قَالَ: فَأَطْعِمِ الطَّعَامَ، وَأَطِبِ الْكَلَامَ. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: يُمَكِّنُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ طِيبُ الْكَلَامِ، وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (٣).

(٤)

سنن الترمذى عن أبي سعيد الخدرى: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَكَلَ طَيِّبًا، وَعَمِلَ فِي سُنَّتِهِ، وَأَمِنَ النَّاسَ بِوَائِقِهِ (٥)، دَخَلَ الْجَنَّةَ. فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ فِي النَّاسِ لَكَثِيرٌ! قَالَ: وَسَيَكُونُ فِي قُرُونٍ بَعْدِي. (٦)

١- المعجم الكبير: ج ١١ ص ١١٦ ح ١١٣٠٠ عن ابن عبياس، تاريخ دمشق: ج ٣٠ ص ٩٧ ح ٦٠٩٩ عن أنس نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٤٥ ح ٤٣٣٦٢.

٢- تاريخ بغداد: ج ٤ ص ٥٥ الرقم ١٦٦٥، أسد الغابه: ج ٦ ص ٢٨٤ الرقم ٦٢٥٥، كنز العمال: ج ١٦ ص ٤٧٢ ح ٤٥٥٠٣.

٣- البقره: ٨٣.

٤- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١١٠؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ١٧٩، المعجم الأوسط: ج ٥ ص ٢٨٤ ح ٥٣٢٥ عن جابر وليس فيه ذيله.

٥- بوائقه: أى عَوَائِلُهُ وَشُرُورُهُ (النهايه: ج ١ ص ١٦٢ «بوق»).

٦- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٦٩ ح ٢٥٢٠، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ١١٧ ح ٧٠٧٣، المعجم الأوسط: ج ٤ ص

٢٥ ح ٣٥٢٠، شعب الإيمان: ج ٥ ص ٥٤ ح ٥٧٥٢، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٤٦ ح ٤٣٣٦٥؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٨.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که روزه بگیرد، کسی که از بیماری عیادت کند، کسی که جنازه ای را تشییع کند، کسی که همه اینها را در یک روز انجام دهد، به بهشت می رود.

تاریخ بغداد به نقل از ابو مسلم، از مردی از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گفتم: ای پیامبر خدا! به من عملی بیاموز که به سبب آن، به بهشت روم فرمود: «آیا مادرت زنده است؟ به او نیکی کن تا به بهشت نزدیک باشی». گفتم: من مادر ندارم. فرمود: «پس اطعام کن و سخن نیکو بگو».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گفتار خوش و اطعام کردن، [دسترس به] بهشت را برای شما میسر می سازد. خدای بلندمرتبه فرموده است: «و با مردم، نیکو سخن بگویید».

سنن الترمذی به نقل از ابو سعید خُدَری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که حلال بخورد و به سنت، عمل کند و مردم از شر او در امان باشند، به بهشت می رود». مردی گفت: ای پیامبر خدا! این، امروز در مردم، بسیار است! فرمود: «در نسل های پس از من هم خواهد بود».

الزهد لابن المبارك عن الحسن: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُتِّبَ لَكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟ قَالُوا: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: فَاقْضُوا مِنَ الْأَمَلِ، وَتَبَتُّوا آجَالَكُمْ بَيْنَ أَبْصَارِكُمْ، وَاسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كُنَّا نَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ! قَالَ: لَيْسَ كَذَلِكَ الْحَيَاءُ مِنَ اللَّهِ، وَلَكِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ اللَّهِ أَنْ لَا تَنْسُوا الْمَقَابِرَ وَالْبَلَى، وَأَنْ لَا تَنْسُوا الْجَوْفَ وَمَا وَعَى، وَأَنْ لَا تَنْسُوا الرَّأْسَ وَمَا احْتَوَى، وَمَنْ يَشْتَهِي كَرَامَةَ الْآخِرَةِ يَدَعُ زِينَةَ الدُّنْيَا، هُنَالِكَ اسْتَحْيَى الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ، وَهُنَالِكَ أَصَابَ وَلَايَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (١)

الأمالى للطوسى عن أبى ذرٍّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، أَتُحِبُّ أَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، فَمَدَاكَ أَبِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَاقْضِ مِنَ الْأَمَلِ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ نُصَبَ عَيْنِكَ، وَاسْتَحِ مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ. قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كُنَّا نَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ! قَالَ: لَيْسَ كَذَلِكَ الْحَيَاءُ، وَلَكِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ اللَّهِ أَنْ لَا تَنْسَى الْمَقَابِرَ وَالْبَلَى، وَالْجَوْفَ وَمَا وَعَى، وَالرَّأْسَ وَمَا حَوَى. (٢)

-
- ١- الزهد لابن المبارك: ص ١٠٧ ح ٣١٧، حليه الأولياء: ج ٨ ص ١٨٥ نحوه، إحياء علوم الدين: ج ٤ ص ٦٦٠ وفيه صدره إلى «حقّ الحياء»، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٣٨ ح ٤٣٦١؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٢٧٢ وفيه صدره إلى «حقّ الحياء».
- ٢- الأمالى للطوسى: ص ٥٣٤ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٢ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٩، أعلام الدين: ص ١٩٧، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٨٣ ح ٣.

الزهد، ابن مبارک به نقل از حسن: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همه شما دوست دارید که به بهشت بروید؟». گفتند: آری، ای پیامبر خدا! فرمود: «پس آرزو را کوتاه کنید و مرگتان را در برابر دیدگان خود قرار دهید و از خدا، چنان که باید، شرم بدارید». گفتند: ای پیامبر خدا! همه ما از خدا شرم داریم. فرمود: «شرم داشتن از خدا، نه چنین است؛ بلکه شرم از خدا، آن است که گورها و پوسیده شدن را از یاد نبرید و نه شکم و آنچه را در آن جای می دهید، و نه سر و آنچه را در آن است، از یاد نبرید. (۱) کسی که نعمت آخرت را می خواهد، زینت دنیا را می نهد. این جاست که به راستی، بنده از خدا شرم کرده است و این جاست که به ولایت خداوند عز و جل دست یافته است».

الأمالی، طوسی به نقل از ابو ذر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای ابو ذر! آیا دوست داری به بهشت بروی؟». گفتم: آری، پدرم به فدایت! فرمود: «پس، آرزو کوتاه کن و مرگ را فرا چشم خود بدار و از خدا چنان که باید، شرم کن». گفتم: ای پیامبر خدا! همه ما از خدا شرم داریم. فرمود: «نه این شرم؛ بلکه شرم از خدا، آن است که گورستان و پوسیده شدن را، و شکم و آنچه را در خود جای می دهد، و سر و آنچه را در بر می گیرد، از یاد نبری».

۱- یعنی: مراقب خوراک و فکر و نیت خود باشید. حلال بخورید و پاک بیندیشید.

دعائم الإسلام عن أبي ذرٍّ: كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ ، فَقَالَ : أُدُنُّ مِنِّي يَا أَبَا ذَرٍّ أَسْتَسْتَدُّ إِلَيْكَ ، فَدَنَوْتُ فَاسْتَدَدْتُ إِلَى صَدْرِي إِلَى أَنْ دَخَلَ عَلَيَّ ، فَقَالَ لِي : قُمْ يَا أَبَا ذَرٍّ ؛ فَإِنَّ عَلَيْنَا أَحَقُّ بِهَذَا مِنْكَ . فَجَلَسَ عَلَيَّ فَاسْتَدَدَهُ إِلَى صَدْرِهِ ، ثُمَّ قَالَ لِي : هَا هُنَا بَيْنَ يَدَيَّ ، فَجَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَقَالَ لِي : اِعْتَمِدْ بِيَدِكَ ؛ مَنْ خُتِمَ لَهُ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ ، وَمَنْ خُتِمَ لَهُ بِإِطْعَامِ مَسْكِينٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ ، وَمَنْ خُتِمَ لَهُ بِحَجِّهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ ، وَمَنْ خُتِمَ لَهُ بِعُمْرِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ ، وَمَنْ خُتِمَ لَهُ بِجِهَادٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَوْ قَدَرَ فُوقَ نَاقِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ خَتَمَ اللَّهُ (بِهِ) بِصَوْمِ يَوْمٍ أَرَادَ بِهِ اللَّهُ تَعَالَى أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ ، وَمَنْ أَطْعَمَ جَائِعًا أَرَادَ بِهِ اللَّهُ تَعَالَى أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ ، وَمَنْ كَسَا عَارِيًا أَرَادَ بِهِ اللَّهُ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا حُذَيْفَةَ ، مَنْ خُتِمَ لَهُ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَادِقًا دَخَلَ الْجَنَّةَ . يَا حُذَيْفَةَ ، وَمَنْ خُتِمَ لَهُ بِصَوْمِ يَوْمٍ يَبْتَغِي بِهِ وَجَهَ اللَّهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ . يَا حُذَيْفَةَ ، مَنْ خُتِمَ لَهُ عِنْدَ الْمَوْتِ بِإِطْعَامِ مَسْكِينٍ يَبْتَغِي بِهِ وَجَهَ اللَّهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! أَفْشُوا السَّلَامَ ، وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ ، وَصَلُّوا الْأَرْحَامَ ، وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ ، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ . (٤)

١- دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢١٩، الجعفریات: ص ٢١٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٦٧ ح ٢.

٢- تاريخ دمشق: ج ١٢ ص ٢٧٠ ح ٢٩٤٣ عن حذيفه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٣٣ ح ٤٢٢٧٩.

٣- الأسماء والصفات: ج ٢ ص ٨٦ ح ٦٥٢ عن حذيفه، الدر المنثور: ج ٧ ص ٤٩٤.

٤- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٠٨٣ ح ٣٢٥١، سنن الدارمي: ج ١ ص ٣٦٣ ح ١٤٣٢، المستدرک علی الصحیحین: ج ٣ ص

١٤ ح ٤٢٨٣، السنن الكبرى: ج ٢ ص ٧٠٦ ح ٤٦٤٧ كلها عن عبد الله بن سلام، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٥١ ح ٧٩٣٧

دعائم الإسلام به نقل از ابو ذر: در بیماری ای که به فوت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله انجامید، در محضر ایشان بودم. فرمود: «نزدیک من بیا ای ابو ذر تا به تو تکیه دهم». من نزدیک رفتم. پیامبر صلی الله علیه و آله بر سینه ام تکیه داد تا آن که علی علیه السلام وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «برخیز ای ابو ذر؛ چرا که علی به این کار از تو سزاوارتر است». پس، علی علیه السلام نشست و پیامبر صلی الله علیه و آله را به سینه خود، تکیه داد. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «این جا، رو به روی من [بنشین]»، و من، رو به روی ایشان نشستم. ایشان به من فرمود: «با دست بشمار. هر که عمرش (دیوان عملش) به شهادت لا-إله إلا الله ختم شود، به بهشت می رود. هر که عمرش به غذا دادن به مستمندی ختم شود، به بهشت می رود. هر که عمرش به حج ختم شود، به بهشت می رود. هر که عمرش به عمره ختم شود، به بهشت می رود. هر که عمرش به جهاد در راه خدا اگرچه به اندازه فاصله دو دوشیدن شتر باشد، ختم شود، به بهشت می رود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خداوند، عمر (دیوان عمل) او را با روزه ای که نیتش از آن خدای بلندمرتبه باشد، ختم کند، او را به بهشت می برد، و هر کس گرسنه ای را سیر کند و نیتش از آن خدای بلندمرتبه باشد، خداوند، او را به بهشت می برد، و هر کس برهنه ای را بپوشاند و نیتش از آن خدا باشد، خداوند، او را به بهشت می برد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای حذیفه! هر کس عمرش با شهادت راستین «لا إله إلا الله» پایان پذیرد، به بهشت می رود. ای حذیفه! هر کس عمرش به روزه ای که برای جلب توجه خدا گرفته باشد، پایان پذیرد، به بهشت می رود. ای حذیفه! هر کس عمرش با غذا دادن به مستمندی برای رضای خداوند ختم شود، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! سلام کردن را رواج دهید و مردم را اطعام کنید و صله ارحام به جا آورید و شب، هنگامی که مردم غنوده اند، نماز بخوانید تا به سلامت، وارد بهشت شوید.

عنه صلى الله عليه و آله: أَعْبُدُوا الرَّحْمَنَ ، وَأَطِعُوا الطَّعَامَ ، وَأَفْشُوا السَّلَامَ ، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ . (١)

الإمام علي عليه السلام: صَاحِبِ الْحُكْمَاءِ ، وَجَالِسِ الْحُلَمَاءِ ، وَأَعْرِضْ عَنِ الدُّنْيَا ، تَسْكُنْ جَنَّةَ الْمَأْوَى . (٢)

عنه عليه السلام: لَا تَغْضَبُوا وَلَا تُغْضَبُوا ، أَفْشُوا السَّلَامَ ، وَأَطِيبُوا الْكَلَامَ ، وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ ، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ، ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ : أَيْنَ أَهْلُ الْفَضْلِ؟ قَالَ : فَيَقُومُ عُنُقُ (٤) مِنَ النَّاسِ ، فَتَلْقَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ، فَيَقُولُونَ : وَمَا كَانَ فَضْلُكُمْ؟ فَيَقُولُونَ : كُنَّا نَصِلُ مَنْ قَطَعَنَا ، وَنُعْطِي مَنْ حَرَمَنَا ، وَنَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنَا . قَالَ : فَيَقَالُ لَهُمْ : صَدَقْتُمْ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ، فَقَالَ : يَا بِنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ، أَفْشُوا السَّلَامَ ، وَصَلُّوا الْأَرْحَامَ ، وَتَهَجَّدُوا وَالنَّاسُ نِيَامٌ ، وَأَطِعُوا الطَّعَامَ ، وَأَطِيبُوا الْكَلَامَ ، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ . (٦)

١- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٢٨٧ ح ١٨٥٥ ، الأدب المفرد: ص ٢٩١ ح ٩٨١ سنن الدارمى: ج ١ ص ٥٤٢ ح ٢٠٠٨ ، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٧٧ ح ٦٥٩٨ ، صحيح ابن حبان: ج ٢ ص ٢٤٢ ح ٤٨٩ كلها عن عبد الله بن عمرو وفي الأربعة الأخيره «الجنان» بدل «الجنة بسلام» ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٢٦ ح ٤٣٢٨٥ .

٢- غرر الحكم: ح ٥٨٣٨ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٠١ ح ٥٣٤٥ .

٣- الكافى: ج ٢ ص ٦٤٥ ح ٧ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار: ص ٣٤٥ ح ١١٠٥ عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «كان علي عليه السلام يقول: ...» ، تحف العقول: ص ٢٠٤ وليس فيه ذيله من «وصلوا...» .

٤- عُنُقُ: جَمَاعَةٌ (النهاية: ج ٣ ص ٣١٠ «عنق»).

٥- الكافى: ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤ ، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٩٣ ح ٢٥٠ كلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٤٠٠ ح ٤ .

٦- المحاسن: ج ٢ ص ١٤٢ ح ١٣٦٧ عن سماعه بن مهران ، تاريخ يعقوبى: ج ٢ ص ٩٢ ، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢١١ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٣٦٠ ح ٥ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای مهربان را پرستید ، اطعام کنید و سلام کردن را رواج دهید تا به سلامت به بهشت وارد شوید .

امام علی علیه السلام: با دانایان ، یار شو و با بردباران (/ خردمندان) همنشینی کن و از دنیا روی بگردان تا در بهشت مأوا ، سُکنا گزینی.

امام علی علیه السلام: خشمگین نشوید و خشمگین مسازید ، سلام کردن را رواج دهید ، سخن خوش بگویید و شب ، هنگامی که مردم خفته اند ، نماز بخوانید تا به سلامت به بهشت وارد شوید .

امام زین العابدین علیه السلام: چون روز قیامت شود ، خدای بزرگ و والا ، اولین و آخرین انسان ها را در یک بیابان ، گرد می آورد . سپس آواز دهنده ای آواز می دهد که : اهل بخشش کجایند؟ پس ، گروهی از مردم بر می خیزند . فرشتگان به استقبالشان می روند و می گویند : بخشش شما ، چه بوده است ؟ می گویند : ما با کسی که از ما می بُرید ، پیوند برقرار می کردیم و به کسی که از ما دریغ می ورزید ، عطا می کردیم و از کسی که به ما ستم می کرد ، گذشت می کردیم . پس به ایشان گفته می شود : راست گفتید . به بهشت وارد شوید .

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، فرزندان عبد المطلب را جمع کرد و سپس فرمود : «ای فرزندان عبد المطلب! سلام کردن را رواج دهید و صلّه رحم به جا آورید و شب که مردم خفته اند ، به عبادت پردازید و اطعام کنید و سخن خوش بگویید تا به سلامت ، وارد بهشت شوید» .

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَغْتَبْ فَلَهُ الْجَنَّةُ ، وَمَنْ لَمْ يَغْضَبْ فَلَهُ الْجَنَّةُ ، وَمَنْ لَمْ يَحْسُدْ فَلَهُ الْجَنَّةُ . (١)

كنز العمال عن عبد الرحمن بن عبد الله بن عتبة بن مسعود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ مِنْ الصَّدَقَةِ أَنْ تُعْتِقَ النَّسَمَةَ ، وَتُفَسِّكَ الرَّقَبَةَ . قَالَ قَائِلٌ : أَوْلَيْسَ تَأْوِيلُهَا؟ قَالَ : لَا ، عِتْقُهَا أَنْ تُعْتِقَهَا ، وَفَكَأَنَّهَا أَنْ تُعَيَّنَ فِي تَمَنِّيِّهَا . قَالَ : أَفَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ أُسْتَطِعْ ذَلِكَ؟ قَالَ : تُطْعِمُ جَائِعًا ، أَوْ تَسْقِي ظِمْآنًا . قَالَ : فَإِنْ لَمْ أُسْتَطِعْ؟ قَالَ : تَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ . قَالَ : فَإِنْ لَمْ أُسْتَطِعْ؟ قَالَ : مَنَحَهُ (٢) وَكُوفٌ ، (٣) وَعَطْفَهُ عَلَى ذِي رَجَمٍ . قَالَ : فَإِنْ لَمْ أُسْتَطِعْ؟ قَالَ : تَكْفُّ عَنِ النَّاسِ إِذَا كَفَّ . (٤)

مسند ابن حنبل عن البراء بن عازب: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، عَلَّمَنِي عَمَلًا يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ ، فَقَالَ : لَئِنْ كُنْتَ أَقْصَرْتَ الْخُطْبَةَ لَقَدْ أَعْرَضْتَ الْمَسْأَلَةَ ؛ أَعْتِقِ النَّسِمَةَ وَفَسِّكِ الرَّقَبَةَ . فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَوْلَيْسَ تَأْوِيلُهَا بِوَأَحَدِهِ؟ قَالَ : لَا ، إِنَّ عِتْقَ النَّسِمَةِ أَنْ تَفْرَدَ بِعِتْقِهَا ، وَفَسِّكِ الرَّقَبَةَ أَنْ تُعَيَّنَ فِي عِتْقِهَا . وَالْمَنَحُ الْوَكُوفُ ، وَالْفِيءُ عَلَى ذِي الرَّجَمِ الظَّالِمِ ، فَإِنْ لَمْ تُطَقْ ذَلِكَ فَطَاطِعِ الْجَائِعِ ، وَاسْقِ الظَّمْآنَ ، وَأْمُرِ بِالْمَعْرُوفِ ، وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، فَإِنْ لَمْ تُطَقْ ذَلِكَ ، فَكُفِّ لِسَانَكَ إِلَّا مِنَ الْخَيْرِ . (٥)

١- جامع الأخبار : ص ٤٥٣ ح ١٢٧٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٢٦٥ ح ١٥ .

٢- المَنَحُ هنا : أَنْ يُعْطِيَ نَاقَةً أَوْ شَاةً يَنْتَفِعُ بِلَبْنِهَا وَيُعِيدُهَا (النهاية : ج ٤ ص ٣٦٤ «منح»).

٣- الوكوف : غزيره اللبن (النهاية : ج ٥ ص ٢٢٠ «وكف»).

٤- كنز العمال : ج ٦ ص ٤٣٧ ح ١٦٤٣٠ نقلاً عن مكارم الأخلاق للخرائطي .

٥- مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٤٣٦ ح ١٨٦٧٠ ، الأدب المفرد : ص ٣٤ ح ٦٩ ، صحيح ابن حبان : ج ٢ ص ٩٨ ح ٣٧٤ ،

المستدرک علی الصحیحین : ج ٢ ص ٢٣٦ ح ٢٨٦١ ، السنن الكبرى : ج ١٠ ص ٤٦١ ح ٢١٣١٣ كلها نحوه ، كنز العمال : ج ٦

ص ٤٣٨ ح ١٦٤٣١ ؛ مجمع البيان : ج ١٠ ص ٧٥٠ وراجع : تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٠٥ .

امام صادق علیه السلام: کسی که غیبت نکند، به بهشت می رود. کسی که خشم نگیرد، به بهشت می رود و کسی که حسادت نورزد، به بهشت می رود.

کنز العمال به نقل از عبد الرحمان بن عبد الله بن عتبه بن مسعود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از صدقه، آن است که جان، آزاد کنی و گردن، باز کنی». گوینده ای گفت: آیا این دو، یکی نیستند؟ فرمود: «نه. اولی، آزاد کردن بنده است و دومی، کمک کردن در پرداخت بهای [آزاد کردن] اوست». گوینده گفت: اگر نتوانستم این کارها را انجام دهم، چه کنم؟ فرمود: «گرسنه ای را سیر می کنی، یا تشنه ای را آب می دهی». گوینده گفت: اگر نتوانستم؟ فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر می کنی». گفت: اگر نتوانستم؟ فرمود: «عاریت دادن حیوانی پرشیر (۱) و مهرورزی با یک خویشاوند [، صدقه توست]». گفت: اگر باز هم نتوانستم؟ فرمود: «آزار خویش را از مردم باز می داری». (۲)

مسند ابن حنبل به نقل از براء بن عازب: بادیه نشینی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! کاری به من بیاموز که مرا به بهشت برَد. فرمود: «سؤالی کوتاه، ولی مهم پرسیدی. جان، آزاد کن و گردن بگشای». بادیه نشین گفت: ای پیامبر خدا! مگر این دو، یکی نیستند؟ فرمود: «نه. آزاد کردن جان، آن است که خودت به تنهایی، بنده ای را آزاد کنی و گشودن گردن، آن است که در آزاد کردن بنده، کمک [مالی] نمایی. نیز حیوانی پرشیر را عاریت بده و به خویشاوند ستمگر، نیکی کن. اگر توان اینها را نداشتی، گرسنه ای را غذا و تشنه ای را آب بده و امر به معروف و نهی از منکر کن و اگر توان این کارها را هم نداشتی، زبانت را جز از خوبی فرو بند.»

۱- یعنی شتری یا گوسفندی پرشیر را در اختیار فقیری گذاری تا از شیر آن استفاده کند و در پایان، خود حیوان را برگرداند

۲- یعنی اگر هیچ کار خیری از این قبیل از تو بر نمی آید، پس لااقل شری به کسی مرسان!

صحيح مسلم عن جابر: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّعْمَانُ بْنُ قَوْقَلٍ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ إِذْ صِلَيْتُ الْمَكْتُوبَةَ، وَحَرَمْتُ الْحَرَامَ، وَأَحَلَلْتُ الْحَلَالَ، أَدَخُلُ الْجَنَّةَ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ. (١)

تاريخ دمشق عن أبي هريره: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَلَا نُخَبِّرُكُمْ بِمَا يُدْخِلُكُمْ الْجَنَّةَ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: ضَرْبٌ بِالسَّيْفِ، وَطَعَامٌ الضَّيْفِ، وَاهْتِمَامٌ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ، وَإِسْبَاغُ الطُّهُورِ فِي اللَّيْلَةِ الْقَرَّةِ (٢)، وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ. (٣)

المعجم الكبير عن كعب بن عجرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِرِجَالِكُمْ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: النَّبِيُّ فِي الْجَنَّةِ، وَالشَّهِيدُ فِي الْجَنَّةِ، وَالصَّدِيقُ فِي الْجَنَّةِ، وَالْمَوْلُودُ فِي الْجَنَّةِ، وَالرُّجُلُ يَزُورُ أَخَاهُ فِي جَانِبِ الْمِصْرِ فِي الْجَنَّةِ. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِنِسَائِكُمْ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: الْوُدُودُ الْوُلُودُ، الَّتِي إِنْ ظَلَمْتَ أَوْ ظَلِمْتَ قَالَتْ: هَيْدِهِ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، لَا أَذُوقُ غَمُضًا (٤) حَتَّى تَرْضَى. (٥)

- ١- صحيح مسلم: ج ١ ص ٤٤ ح ١٦، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ١٥ ح ١٩٧٠٥، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٣٦٧ ح ١٩٣٦، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ١١٨ ح ١٤٧٥٣، المعجم الأوسط: ج ٨ ص ٢٨ ح ٧٨٦٠ كلاهما نحوه.
- ٢- لَيْلَةُ قَرَّةٍ: أَي بَارِدَةٌ (النَّهْيَةُ: ج ٤ ص ٣٨ «قرر»).
- ٣- تاريخ دمشق: ج ٣٧ ص ٢٩١ ح ٧٤٩٧، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٨٤ ح ٤٣٥٠٤.
- ٤- يُقَالُ: مَا اكْتَحَلْتُ غَمُضًا: أَي مَا نُمْتُ، وَمَا اغْتَمَضْتُ عَيْنَايَ (الصَّحَاحُ: ج ٣ ص ١٠٩٦ «غمض»).
- ٥- المعجم الكبير: ج ١٩ ص ١٤٠ ح ٣٠٧، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١١ ح ٥٦٤٨، تاريخ دمشق: ج ٥ ص ٣٦١ ح ١٢٩٠ عن ابن عباس وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٨٤ ح ٤٣٥٠٥.

صحیح مسلم به نقل از جابر: نعمان بن قَوقَل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! آیا اگر نمازهای واجب را بخوانم و حرام و حلال را رعایت کنم، به بهشت می روم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری».

تاریخ دمشق به نقل از ابو هریره: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید: «آیا از آنچه شما را به بهشت می برد، برایتان نگویم؟». یاران گفتند: چرا. فرمود: «شمشیر زدن [در راه خدا]، پذیرایی از میهمان، اهتمام ورزیدن به اوقات نماز، وضوی کامل گرفتن در شب سرد و اطعام کردن به عشق خدا».

المعجم الکبیر به نقل از کعب بن عُجره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را از مردان بهشتی تان خبر ندهم؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «پیامبر در بهشت است، شهید در بهشت است، صدیق (راست دین) در بهشت است، نوزاد در بهشت است، و مردی که در گوشه شهر به دیدار برادرش می رود، در بهشت است. آیا شما را از زنان بهشتی تان خبر ندهم؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «زن مهربان زایایی که هر گاه ستم کند، یا به او ستم شود، [به شوهرش] می گوید: اختیارم در کف توست، مزه خواب را نمی چشم تا از من راضی شوی».

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَكْفِيكُمْ مِنَ الْعِظَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ ، وَيَكْفِيكُمْ مِنَ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْآخِرَةِ ، وَيَكْفِيكُمْ مِنَ الْعِبَادَةِ الْوَرَعُ ، وَيَكْفِيكُمْ مِنَ الْاسْتِغْفَارِ تَرْكُ الذُّنُوبِ ، وَيَكْفِيكُمْ مِنَ الدُّعَاءِ النَّصِيحَةُ . مَنْ كَانَ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ وَاحِدَةً دَخَلَ الْجَنَّةَ مَعَ أَوْلِ زَمَرِهِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ . (١)

السَّيْنِ الْكَبِيرِ عَنْ كَدِيرِ الضَّبِّيِّ : إِنَّ رَجُلًا - أَعْرَابِيًّا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْ طَاعَتِهِ وَيُبَاعِدُنِي مِنَ النَّارِ ، قَالَ : أَوْهُمَا أَعْمَلْتَاكَ (٢) ؟ قَالَ : نَعَمْ ، قَالَ : تَقُولُ الْعِدْلَ ، وَتُعْطِي الْفَضْلَ . قَالَ : وَاللَّهِ مَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَقُولَ الْعِدْلَ كُلَّ سَاعَةٍ ، وَمَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أُعْطِيَ فَضْلَ مَالِي ! قَالَ : فَتَطْعِمُ الطَّعَامَ ، وَتُقَشِي السَّلَامَ . قَالَ : هَذِهِ أَيْضًا شَدِيدَةٌ ! قَالَ : فَهَلْ لَكَ إِبْلٌ ؟ قَالَ : نَعَمْ ، قَالَ : فَانْظُرْ بَعِيرًا مِنْ إِبِلِكَ وَسِقْمَاءً ثُمَّ ائْتِ إِلَى أَهْلِ أَبِياتٍ لَا يَشْرَبُونَ الْمَاءَ إِلَّا غَبَا (٣) فَاسْقِهِمْ ، فَلَعَلَّكَ أَنْ لَا يَهْلِكَ بَعِيرُكَ ، وَلَا يَنْخَرِقَ سِقَاؤُكَ حَتَّى تَجِبَ لِمَكَ الْجَنَّةُ . قَالَ : فَانْطَلَقَ الْأَعْرَابِيُّ يُكَبِّرُ . قَالَ : فَمَا انْخَرَقَ سِقَاؤُهُ ، وَلَا هَلَكَ بَعِيرُهُ حَتَّى قُتِلَ شَهِيدًا . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِرَجُلٍ أَتَاهُ : أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَمْرٍ يُدْخِلُكَ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ؟ قَالَ : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : أَنْ تَلِ مِمَّا أَنَا لَكَ اللَّهُ . قَالَ : فَإِنْ كُنْتُ أَحْوَجَ مِمَّنْ أُتِيهِ؟ قَالَ : فَانصُرِ الْمَظْلُومَ . قَالَ : وَإِنْ كُنْتُ أضعَفَ مِمَّنْ أَنْصُرُهُ؟ قَالَ : فَاصْنَعِ لِلْأَخْرَقِ (٥) يَعْنِي أَشْتَرِ عَلَيْهِ . قَالَ : فَإِنْ كُنْتُ أَخْرَقَ مِمَّنْ أَصْنَعُ لَهُ؟ قَالَ : فَاصْمِتْ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ ؛ أَمَا يَسُرُّكَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ خِصْلَةٌ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ تَجْرُكَ إِلَى الْجَنَّةِ؟ (٦)

١- .جامع الأخبار : ص ٣٥٩ ح ١٠٠٠ ؛ الفردوس : ج ٥ ص ٥٤٣ ح ٩٠٣٨ عن أسماء وفيه «النفل» بدل «التفكر» .

٢- .أعمل ذهنه : إذا دبره بفهمه (تاج العروس : ج ١٥ ص ٥٢٢ «عمل») .

٣- .الغب : من أورد الإبل ، أن ترد الماء يوما وتدعه يوما (النهاية : ج ٣ ص ٣٣٦ «غب») .

٤- .السنن الكبرى : ج ٤ ص ٣١٢ ح ٧٨٠٩ ، المعجم الكبير : ج ١٩ ص ١٨٨ ح ٤٢٢ ، المصنف لعبد الرزاق : ج ١٠ ص ٤٥٦ ح ١٩٦٩١ ، حليه الأولياء : ج ٤ ص ٣٤٦ عن كرز الضبي .

٥- .الأخرق : الجاهل بما يجب أن يعمل ولم يكن في يديه صنعه يكتسب بها (النهاية : ج ٢ ص ٢٦ «خرق») .

٦- .الكافي : ج ٢ ص ١١٣ ح ٥ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٨٩ كلاهما عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٢٩٦ ح ٦٩

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین اندرز برایتان یاد مرگ است. بهترین تفکر برایتان به یاد آخرت بودن است. بهترین عبادت برایتان پارسایی است. بهترین استغفار برایتان ترک گناه است و بهترین دعا برایتان خیرخواهی است. کسی که از این خصلت ها در او باشد، با نخستین گروه از پیامبران به بهشت وارد خواهد شد.

السنن الکبری به نقل از کدیر ضَبَّی: مردی بیابان نشین نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: مرا از کاری خبر ده که به طاعت خدا نزدیکم کند و از آتش، دورم گرداند. فرمود: «آیا این دو، ذهنت را به خود مشغول ساخته اند؟». بادیه نشین گفت: آری. فرمود: «حق را بگو و افزون [دارایی ات] را ببخش». مرد گفت: به خدا سوگند که نمی توانم هر لحظه حق بگویم و نمی توانم فزونی دارایی ام را ببخشم! فرمود: «پس، اطعام کن و به همگان سلام ده». مرد گفت: اینها نیز دشوارند. فرمود: «آیا شتر داری؟». مرد گفت: آری. فرمود: «شتری از شترهایت را با مشک بردار و به میان چادر نشینانی برو که یک روز در میان، آب می نوشند و به آنها آب بنوشان. امید که شترت نمیرد و مشکت پاره نشود تا این که بهشت بر تو واجب گردد». مرد بیابان نشین، تکبیر گویان رفت. مشک او پاره نشد و شترش نمرد تا آن که به شهادت رسید.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی که نزد ایشان آمد، فرمود: «آیا تو را به کاری راه نمایی نکنم که خداوند به سبب آن، تو را به بهشت برده؟». مرد گفت: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «از آنچه خدا به تو بخشیده است، ببخش». مرد گفت: اگر خودم از کسی که به او می بخشم، محتاج تر بودم؟ فرمود: «ستم دیده ای را یاری رسان». گفت: اگر خودم از کسی که یاری اش می رسانم، ناتوان تر بودم؟ فرمود: «به آن که حرفه ای نمی داند، مهارتی بیاموز؛ یعنی کاری یادش بده [که بتواند نان در بیاورد]». گفت: اگر خودم از او ناآشنا تر بودم؟ فرمود: «زبان را جز از خوبی فرو بند. آیا دوست نداری که یکی از این خصلت ها در تو باشد و تو را به بهشت بکشاند؟».

السِّنن الكبرى عن شعبه: أتى رَجُلٌ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ. قَالَ: قُلِ الْعَدْلَ وَأَعْطِ الْفَضْلَ. قَالَ: فَإِنْ لَمْ أُطِقْ ذَاكَ؟ قَالَ: فَأَطْعِمِ الطَّعَامَ وَأَفْشِ السَّلَامَ. قَالَ: فَإِنْ لَمْ أُطِقْ ذَاكَ أَوْ أَسْتَطِيعُ ذَاكَ؟ قَالَ: فَهَلْ لَكَ مِنْ إِبِلٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، [قَالَ:] (١) فَاَنْظُرْ بَعِيرًا مِنْ إِبِلِكَ وَسِقَاءً وَاَنْظُرْ أَهْلَ بَيْتٍ لَا يَشْرَبُونَ الْمَاءَ إِلَّا غُبَا فَاَسْقِهِمْ، فَإِنَّكَ لَعَلَّكَ أَنْ لَا يَنْفُقَ (٢) بَعِيرُكَ وَلَا يَنْخَرِقَ سِقَاؤُكَ حَتَّى تَجِبَ لَكَ الْجَنَّةُ. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُدْخِلَهُ اللهُ عِزَّ وَجَلَّ فِي رَحْمَتِهِ، وَيُسْكِنَهُ جَنَّتَهُ، فَلْيُحَسِّنْ خُلُقَهُ، وَلْيُعْطِ النَّصْفَةَ مِنْ نَفْسِهِ، وَلْيُرْحَمْ الْيَتِيمَ، وَلْيَعِنِ الضَّعِيفَ، وَلْيَتَوَاضَعَ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُ. (٤)

١- ما بين المعقوفين إضافه منّا يقتضيها السياق وقد سقطت من المصدر.

٢- نَفَقَ: ماتَ (لسان العرب: ج ١٠ ص ٣٥٧ «نفق»).

٣- السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٢٦٧ ح ٢٠٥٩٣، مسند الطيالسي: ص ١٩٤ ح ١٣٦١، أسد الغابه: ج ٤ ص ٤٣٨ الرقم ٤٤٣٩، تاريخ بغداد: ج ١٣ ص ٤٥٦ الرقم ٧٣٠٣ كلها عن كدير الضبي.

٤- الأماي للصدوق: ص ٤٧٣ ح ٦٣٦، الأماي للطوسي: ص ٤٣٢ ح ٩٦٨ نحوه وكلاهما عن علي بن ميمون الصائغ، روضه الواعظين: ص ٤١٣، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٧٠ ح ١٢.

السنن الکبریٰ به نقل از شعبه: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا از کاری خبر ده که مرا به بهشت برد. فرمود: «حق را بگو و زیادی [مال خود] را ببخش». مرد گفت: اگر از عهده این کارها بر نیامدم؟ فرمود: «خوراک بخوران و به همگان سلام کن». گفت: اگر نتوانستم؟ فرمود: «آیا شتر داری؟». گفت: آری. فرمود: «شترت را با مَشکی بردار و بین چه خانواده ای، یک روز در میان، آب دارند. به آنها آب بده. در این صورت، امید است که شترت نمیرد و مَشکت پاره نشود تا آن که بهشت بر تو واجب شود».

امام صادق علیه السلام: هر که می خواهد خداوند عز و جل او را در رحمت خویش وارد کند و در بهشت خود، جای دهد، باید اخلاقش را نیکو گرداند و انصاف، پیشه کند و بر یتیم، رحم آورد و به ناتوان، یاری رساند و در برابر خدایی که او را آفریده است، فروتن باشد.

عنه عليه السلام: لا تَجْتَمِعُ الرَّغْبَةُ وَالرَّهْبَةُ فِي قَلْبٍ إِلَّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ، فَإِذَا صَلَّيْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ عَلَى اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ عَلَى اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ عِزُّهُ وَجَلُّهُ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ ، وَأَيْدِيَهُمْ مَعَ مَوَدَّتِهِمْ إِيَّاهُ بِالْجَنَّةِ . (١)

عنه عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَالْكَسَلَ! إِنَّ رَبَّكُمْ رَحِيمٌ ، يَشْكُرُ الْقَلِيلَ ، إِنَّ الرَّجُلَ لِيُصَيِّمَ لِي الرِّكَعَتَيْنِ تَطَوُّعًا يُرِيدُ بِهِمَا وَجَهَ اللَّهِ فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِمَا الْجَنَّةَ ، وَإِنَّهُ لَيَتَّصِي بِدَقِّ الدَّرْهِمِ تَطَوُّعًا يُرِيدُ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ ، وَإِنَّهُ لَيُصُومُ الْيَوْمَ تَطَوُّعًا يُرِيدُ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ . (٢)

معدن الجواهر: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِسُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ: يَا سُفْيَانُ ، خَصَلْتَانِ مَنْ لَزِمَهُمَا دَخَلَ الْجَنَّةَ ، قَالَ: وَمَا هُمَا يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: احْتِمَالٌ مَا يَكْرَهُ إِذَا أَحَبَّهُ اللَّهُ ، وَتَرْكٌ مَا يُحِبُّ إِذَا أَبْغَضَهُ اللَّهُ ، فَاعْمَلْ بِهِمَا وَأَنَا شَرِيكَكَ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، عَلَّمَنِي عَمَلًا لَا يُحَالُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ . قَالَ: لَا تَغْضَبْ وَلَا تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا ، وَارْضَ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ . فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ زِدْنِي . قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ سَبْعًا وَسَبْعِينَ مَرَّةً ، يَحُطُّ عَنْكَ عَمَلٌ سَبْعٌ وَسَبْعِينَ سَنَةً . قَالَ: مَا لِي سَبْعٌ وَسَبْعُونَ سَنَةً! فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ: اِعْمَلْهَا لَكَ وَلِأَيِّكَ . قَالَ: مَا لِي وَلِأَبِي سَبْعٌ وَسَبْعُونَ سَنَةً! فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اِجْعَلْهَا لَكَ وَلِأَيِّكَ وَلِأُمَّكَ وَلِقَرَابَتِكَ . (٤)

١- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٠٩ ح ٦٣٢ ، بحار الأنوار: ج ٨٤ ص ٢٦٠ ح ٥٩ نقلًا عن أسرار الصلاة للشهيد الثاني .

٢- .تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٣٨ ح ٩٤١ ، ثواب الأعمال: ص ٦٢ ح ١ كلاهما عن إسماعيل بن يسار ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٠٩ ح ٦٣١ ، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٢١٦ ح ٣١ .

٣- .معدن الجواهر: ص ٢٧ ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٠٩ .

٤- .الأمالى للطوسى: ص ٥٠٧ ح ١١١٠ عن محمد بن فضيل الصيرفي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٢٣ ح ٢٦ .

امام صادق علیه السلام: امید و بیم، در هیچ دلی جمع نمی شوند، مگر آن که بهشت برایش واجب می گردد. هر گاه نماز می خوانی، با دلت به خدای عز و جل رو کن؛ زیرا هیچ بنده مؤمنی نیست که در نماز و دعای خود، با دلش به خداوند عز و جل رو کند، مگر آن که خداوند، دل های مؤمنان را متوجه او می سازد و علاوه بر محبت آنان نسبت به او، بهشت را نیز پشتوانه اش می گرداند.

امام صادق علیه السلام: از تنبلی بپرهیزید! پروردگار شما، مهربان است و از اندک، سپاس گزاری می کند. آدمی، دو رکعت نماز مستحبی برای رضای خدا می خواند و خداوند به واسطه همان دو رکعت، او را به بهشت می برد. یک درهم صدقه مستحبی برای رضای خدا می دهد و خداوند به سبب همان یک درهم، او را به بهشت می برد. یک روز روزه مستحبی برای رضای خدا می گیرد و خداوند به خاطر همان یک روز، او را به بهشت می برد.

معدن الجواهر: امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری فرمود: «ای سفیان! دو کار است که هر کس رعایت کند، به بهشت می رود». گفت: آن دو چیست، ای فرزند پیامبر خدا؟ فرمود: «به جا آوردن آنچه خوش ندارد؛ ولی خدا آن را دوست می دارد، و ترک آنچه دوست دارد؛ اما خدا آن را خوش نمی دارد. این دو کار را بکن و من هم شریک تو هستم».

امام علی علیه السلام: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای پیامبر خدا! به من عملی بیاموز که میان آن و بهشت، چیزی مانع نشود. فرمود: «خشم مگیر و از مردم، چیزی مخواه و برای مردم، چیزی را پسند که برای خودت می پسندی». مرد گفت: بیشتر بفرمایید، ای پیامبر خدا! فرمود: «چون نماز عصر را گزاردی، هفتاد و هفت مرتبه از خدا طلب آمرزش کن، که گناه هفتاد و هفت سال از تو می ریزد». مرد گفت: من، هفتاد و هفت سال گناه ندارم! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «[آن استغفارها را] برای خودت و پدرت قرار ده». مرد گفت: من و پدرم نیز هفتاد و هفت سال گناه نداریم! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آنها را برای خودت و پدر و مادرت و خویشاوندانت قرار بده».

رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثٌ من لقي الله عز وجل بهنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ: مَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ، وَخَشِيَ اللَّهَ فِي الْمَغِيبِ وَالْمَحْضَرِ، وَتَرَكَ الْمِرَاءَ (١) وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا. (٢)

المستدرک علی الصحیحین عن أبی هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ حَاسِبَةٌ اللَّهُ حِسَابًا يَسِيرًا وَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ. قَالُوا: لِمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: تُعْطَى مِنْ حَرَمَيْكَ، وَتَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ. قَالَ: فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ فَمَا لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْ تُحَاسِبَ حِسَابًا يَسِيرًا، وَيُدْخِلَكَ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثٌ من كُنَّ فِيهِ سِتْرَ اللَّهِ عَلَيْهِ كَنَفُهُ (٤)، وَأَدْخَلَهُ جَنَّتَهُ: رَفِقٌ بِالضَّعِيفِ، وَشَفَقَةٌ عَلَى الْوَالِدَيْنِ، وَإِحْسَانٌ إِلَى الْمَمْلُوكِ. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: أَهْلُ الْجَنَّةِ ثَلَاثَةٌ: ذُو سُلْطَانٍ مُقْسِطٌ مُتَّصِدٌّ مُؤَفَّقٌ، وَرَجُلٌ رَحِيمٌ رَقِيقُ الْقَلْبِ لِكُلِّ ذِي قُرْبَى وَمُسْلِمٍ، وَعَفِيفٌ مُتَعَفِّفٌ ذُو عِيَالٍ. (٦)

١- المِرَاءُ: الجِدَالُ (النهاية: ج ٤ ص ٣٢٢ «مرا»).

٢- الكافي: ج ٢ ص ٣٠٠ ح ٢ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام، منيه المريد: ص ٣١٦، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٩٩ ح ٥.

٣- المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٥٦٣ ح ٣٩١٢، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٣٩٩ ح ٢١٠٩٢، المعجم الأوسط: ج ٥ ص ١٩٦ ح ٥٠٦٤ نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٠٨ ح ٤٣٢١٥.

٤- الكَنَفُ: الْجَانِبُ وَالنَّاحِيَةُ، أَيْ يَرْحَمُهُ وَيَلْطَفُ عَلَيْهِ (النهاية: ج ٤ ص ٢٠٥ «كنف»).

٥- سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٥٦ ح ٢٤٩٤ عن جابر، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٠٨ ح ٤٣٢١٣.

٦- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٩٨ ح ٦٣، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٥٧ ح ١٧٤٩١ وفيه «متصدق» بدل «متعفف»، حليه الأولياء: ج ٢ ص ١٦ الرقم ١٠٩ كلها عن عياض بن حمار، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٩٩ ح ٧٠٠٥ عن عياض بن حماد وفيها «فقير» بدل «ذو عيال» وليس فيه «متعفف»، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٠١ ح ٤٤٠٦١.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که هر کس با آنها خداوند عز و جل را دیدار کند، از هر در بهشت که می خواهد، وارد می شود: کسی که اخلاقش نیکو باشد، و در نهان و آشکار از خدا بترسد، و بگو مگو کردن [در بحث] را رها کند، اگرچه حق با او باشد.

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سه خصلت است که در هر که باشد، خداوند از او حسابرسی آسانی به عمل می آورد و به رحمت خویش، او را به بهشت می برد». گفتند: آنها چیستند، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «به کسی که از تو دریغ کرده است، عطا کنی، از کسی که به تو ستم کرده است، در گذری و با کسی که از تو بریده است، پیوند برقرار کنی». گفت [م]: اگر این کارها را انجام دهم، چه پاداشی دارم، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «این که حسابرسی آسانی از تو می شود و خداوند به رحمت خویش، تو را به بهشت می برد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه خصلت است که هر کس آنها را داشته باشد، خداوند، او را در پناه خود می گیرد و او را به بهشت می برد: مدارا با ناتوان، مهربانی به پدر و مادر، و نیکی کردن به غلام.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بهشت، سه دسته اند: فرمان روای دادگر صدقه دهنده توفیق یافته، مرد مهربان دل رحیم نسبت به هر خویشاوند و مسلمانی، و عیالوارِ خویشندار آبرودار. (۱)

۱- مقصود، شخصی است که عیالوار و نیازمند است؛ اما آبروداری و مناعت (بلند طبعی) به خرج می دهد و از دست دراز کردن پیش این و آن، خودداری می ورزد.

الإمام الصادق عليه السلام: ثلاثٌ من أتى الله بواحدٍ منهنَّ أوجبَ اللهُ له الجنَّةَ: الإنفاقُ من إقتارٍ (١)، والبشرُ لجميعِ العالمِ، والإنصافُ من نفسه (٢).

رسول الله صلى الله عليه وآله: أربعٌ من جمعهنَّ في يومٍ دخَلَ الجنَّةَ: من أصبحَ صائماً، وأعطى سائلاً، وعادَ مريضاً، وشيخَ جنازةً (٣).

عنه صلى الله عليه وآله: من سَلِمَ من أُمَّتى من أربعِ خصالٍ فَلَهُ الجنَّةُ: من الدُّخولِ فى الدُّنيا، وأتباعِ الهوى، وشَهوةِ البطنِ، وشَهوةِ الفرجِ. ومن سَلِمَ من نساءِ أُمَّتى من أربعِ خصالٍ فَلَهَا الجنَّةُ: إذا حَفِظَتْ (مِياً) بينَ رجليها، وأطاعتَ زوجها، وصَلَّتْ خَمْسَها، وصامتَ شَهْرَها (٤).

عنه صلى الله عليه وآله: أربعٌ من كُنَّ فيه نَشَرَ اللهُ عليه كنفه، وأدخَلَهُ الجنَّةَ فى رَحْمَتِهِ: حُسْنُ الخُلُقِ يَعِيشُ بِهِ فى النَّاسِ، وَرِفْقٌ بِالْمَكْرُوبِ، وَشَفَقَةٌ عَلَى الوالِدَيْنِ، وَإِحْسَانٌ إِلَى المَمْلُوكِ (٥).

١- الإقتار: التضييق على الإنسان فى الرزق (النهاية: ج ٤ ص ١٢ «قتر»).

٢- الكافى: ج ٢ ص ١٠٣ ح ٢ عن سماعه بن مهران، مشكاة الأنوار: ص ٣١٥ ح ٩٩٢، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٨٨، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٣٢٩ ح ١٢٤٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٦٩ ح ٣٧.

٣- نثر الدر: ج ١ ص ٢٥٠.

٤- الخصال: ص ٢٢٣ ح ٥٤ عن الحسين بن زيد بن على عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١٠٤ ص ١٠٧ ح ٢.

٥- الخصال: ص ٢٢٥ ح ٥٧ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٧١ ح ٥١.

امام صادق علیه السلام: سه کار است که هر کس یکی از آنها را انجام دهد، خداوند، بهشت را بر او واجب می کند: انفاق کردن در تنگ دستی، خوش رویی با همه عالم و انصاف داشتن.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار کار است که هر کس همه آنها را در یک روز انجام دهد، به بهشت می رود: کسی که صبح خود را با روزه داری آغاز کند و به نیازمند، عطا کند و از بیماری عیادت نماید و جنازه ای را تشییع کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از [مردان] امت من که از چهار چیز به سلامت ماند، بهشت دارد: وارد شدن به دنیا، پیروی از هوس، شهوت شکم و شهوت جنسی. و هر یک از زنان امت من که از چهار چیز به سلامت ماند، بهشت دارد: هر گاه دامن خود را حفظ کند، از شوهرش فرمان برد، نمازهای پنجگانه اش را بخواند و ماهش را روزه بگیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز است که در هر کس وجود داشته باشد، خداوند، سایه حمایت خود را بر او می گستراند و به رحمت خود، او را به بهشت می برد: اخلاق خوش که با آن در میان مردم زندگی کند، ملاحظت با غم دیده، مهربانی با پدر و مادر، و نیکی کردن به غلام.

عنه صلى الله عليه وآله: أُرْبِعَ مَنْ كُنَّ فِيهِ تَشَرُّرَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ رَحْمَتُهُ ، وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ : مَنْ آوَى مِسْكِينًا ، وَرَجِمَ الضَّعِيفَ ، وَرَفَقَ بِالْمَمْلُوكِ ، وَأَنْفَقَ عَلَى الْوَالِدَيْنِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: أُرْبِعَ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَتْبَةُ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ : مَنْ كَانَ عِصْمَتُهُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْنَى مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، وَمَنْ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَمَنْ إِذَا أَصَابَ ذَنْبًا قَالَ : أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ، وَمَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ : إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام في ذكر حديث معراج النبي صلى الله عليه وآله : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ... يَا أَحْمَدُ ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي ! مَا مِنْ عَبْدٍ ضَمَّنَ لِي بِأَرْبَعِ خِصَالٍ إِلَّا أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ : يَطْوِي لِسَانَهُ فَلَا يَفْتَحُهُ إِلَّا بِمَا يَعْنِيهِ ، وَيَحْفَظُ قَلْبَهُ مِنَ الْوَسْوَاسِ ، وَيَحْفَظُ عِلْمِي وَنَظْرِي إِلَيْهِ ، وَيَكُونُ قُرَّةَ عَيْنِيهِ الْجُوعَ . (٣)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه : أَرْبَعَةٌ تَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ : كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ ، وَكِتْمَانُ الصَّدَقَةِ ، وَبُرُّ الْوَالِدَيْنِ ، وَالْإِكْتَارُ مِنْ قَوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ يَضْمَنُ أَرْبَعَةً بِأَرْبَعَةِ آيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ؟ أَنْفَقَ وَلَا تَخَفَ فَقْرًا ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ ، وَأَفْشَى السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ ، وَاتَّزَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا . (٥)

١- . كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٥٨ ح ٤٣٤١٥ نقلًا عن الحكيم الترمذي في نوادر الأصول : ج ٢ ص ٣٠٣ وفي الطبعة التي بأيدينا «أدخله في محبته» بدل «أدخله الجنة» عن أبي هريره.

٢- . الأمالي للمفيد : ص ٧٦ ح ١ عن عليّ بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، تفسير العياشي : ج ١ ص ٦٩ ح ١٢٧ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٧٦ ح ٢١٨٨ ، جامع الأخبار : ص ١٣٤ ح ٢٧٢ كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢٢٣ وليس فيها «وإنني محمد رسول الله» ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣٩٦ ح ٨٢ .

٣- . إرشاد القلوب : ص ١٩٩ ٢٠٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٢ ح ٦ .

٤- . شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ٢٠ ص ٢٧٦ ح ١٩٢ .

٥- . الكافي : ج ٤ ص ٤٤ ح ١٠ و ج ٢ ص ١٤٤ ح ٢ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٦٢ ح ١٧١١ ، الخصال : ص ٢٢٣ ح ٥٢ ، المحاسن : ج ١ ص ٧٠ ح ٢٢ كلها عن معاوية بن وهب ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٤ ح ٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز است که هر کس آنها را دارا باشد، خدای بلندمرتبه، رحمت خود را بر او می گستراند و او را به بهشت وارد می کند: کسی که مستمندی را سرپناه دهد و بر ناتوان رحم آورد و با غلام، ملاطفت ورزد و به پدر و مادر، انفاق کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز است که در هر کس باشد، خداوند، او را از بهشتیان می نویسد: آن کس که [ذکر] محافظش شهادت دادن به این باشد که معبودی جز خدای یکتا نیست و من محمد، فرستاده خدا هستم، و آن کس که هر گاه خداوند، نعمتی به او می بخشد، «الحمد لله» بگوید، و آن کس که هر گاه گناهی می کند، «استغفر الله» بگوید، و آن کس که هر گاه مصیبتی به او می رسد، «إنا لله و إنا إليه راجعون» بگوید.

امام علی علیه السلام در یاد کرد از حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خدای بلندمرتبه فرمود: «... ای احمد! به عزت و جلالم سوگند، هیچ بنده ای نیست که انجام چهار کار را برایم ضمانت کند، مگر آن که او را به بهشت درمی آورم: زبان در کام پیچد و آن را جز به سخنان سودمند نگشاید، دلش را از وسوسه نگه دارد، مراقب آگاهی و نگاه من به خود باشد، و نور چشمش گرسنگی کشیدن (روزه داری) باشد».

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: چهار کارند که به بهشت می برند: پنهان داشتن مصیبت، پنهانی دادن صدقه، خوش رفتاری با پدر و مادر، و بسیار گفتن جمله «لا إله إلا الله».

امام صادق علیه السلام: کیست که چهار کار را به ازای چهار خانه در بهشت، متعهد شود؟ انفاق کن و از فقر نترس، با مردم انصاف داشته باش، به همه سلام کن، و مجادله کردن را رها کن هر چند حق با تو باشد.

عنه عليه السلام: إِنَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعَ عَلاماتٍ: وَجْهٌ مُتَبَسِّطٌ، وَلِسَانٌ لَطِيفٌ، وَقَلْبٌ رَحِيمٌ، وَيَدٌ مُعْطِيَةٌ. (١)

عنه عليه السلام: مَنْ رُزِقَ مِنْ أَرْبَعِهِ خِصالٍ واحِدَةً دَخَلَ الْجَنَّةَ: بُرِّ الوالِدَيْنِ، أَوْ صِلَةُ الرَّحِمِ، أَوْ حُسْنُ الْجِوارِ، أَوْ حُسْنُ الخُلُقِ. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: خَمْسٌ لا يَجْتَمِعْنَ إِلا في مُؤْمِنٍ حَقًّا يُوجِبُ اللهُ لَهُ بِهِنَّ الْجَنَّةَ: النُّورُ في القَلْبِ، وَالْفِيقَةُ في الإسلامِ، وَالوَرَعُ في الدِّينِ، وَالْمَوَدَّةُ في النَّاسِ، وَحُسْنُ السَّمْتِ (٣) في الوَجْهِ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: خَمْسٌ مَنْ عَمِلَهُنَّ في يَوْمٍ كَتَبَهُ اللهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ: مَنْ عادَ مَرِيضًا، وَشَهِدَ جَنائزَهُ، وَصامَ يَوْمًا، وَراحَ يَوْمًا (٥) الجُمُعَةِ، وَأَعْتَقَ رَقَبَةً. (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: خَمْسٌ مَنْ أَتى اللهُ عِزًّا وَجَلَّ بِهِنَّ أَوْ بِواجِدَةٍ مِنْهُنَّ أَوْجَبَ لَهُ الْجَنَّةَ: مَنْ سَاقَى هَامَةً صَادِيَةً (٧)، أَوْ أَطْعَمَ كَبِداً هافِيَةً (٨)، أَوْ كَسَا جِلْدَةً عارِيَةً، أَوْ حَمَلَ قَدَمًا حافِيَةً، أَوْ أَعْتَقَ رَقَبَةً عانِيَةً (٩). (١٠)

- ١- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٩١ عن عبد الله بن سنان، إرشاد القلوب: ص ١٧٣ بزياده «فصيح» بعد «لسان»، الاختصاص: ص ٣٣٥ عن بعض الحكماء من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام.
- ٢- جامع الأخبار: ص ٢٨٧ ح ٧٧٣.
- ٣- السَّمْتُ: أى الهَيْئَةُ الحَسَنَةُ (النهاية: ج ٢ ص ٣٩٧ «سمت»).
- ٤- كنز الفوائد: ج ٢ ص ١٠، أعلام الدين: ص ١٤٤، معدن الجواهر: ص ٤٩، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢١٩ ح ٤٩.
- ٥- فى مسند أبى يعلى وكنز العمال: «إلى» بدل «يوم».
- ٦- صحيح ابن حبان: ج ٧ ص ٦ ح ٢٧٧١، مسند أبى يعلى: ج ٢ ص ١٤ ح ١٠٤٠ نحوه وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٨٧ ح ٤٣٥١٤.
- ٧- الصَّدَى: شِدَّةُ العَطَشِ (لسان العرب: ج ١٤ ص ٤٥٣ «صدا»).
- ٨- الهَفْوُ: الجُوعُ، وَرجلُ هافٍ: جائعٌ (لسان العرب: ج ١٥ ص ٣٦٣ «هفا»).
- ٩- العانِي: الأسير (النهاية: ج ٣ ص ٣١٤ «عنا»).
- ١٠- نثر الدر: ج ١ ص ١٥٩، نزهة الناظر: ص ١٣ ح ١٨، أعلام الدين: ص ٢٩٤، تاريخ يعقوبى: ج ٢ ص ٩٢ وفيه «أربع» بدل «خمس» وليس فيه «أو حمل قدما حافية»، المحاسن: ج ١ ص ٤٥٨ ح ١٠٦٠ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٣٦٩ ح ٥٩؛ شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد: ج ١٦ ص ٨٦.

امام صادق علیه السلام: اهل بهشت، چهار نشانه دارند: روی گشاده، زبان خوش، دل مهربان و دستِ دهنده.

امام صادق علیه السلام: کسی که یکی از این چهار کار روزی اش شود، به بهشت می رود: نیکی کردن به پدر و مادر، یا صلّه رحم، یا خوش رفتاری با همسایه و یا اخلاق خوش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیزند که جز در مؤمن حقیقی جمع نمی شوند و خداوند به سبب آنها بهشت را بر او واجب می گرداند: نورانیت دل، فهم اسلام، پارسایی در دین، دوستی با مردم، و سیمای خوش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج کار است که هر کس آنها را در یک روز انجام دهد، خداوند، او را در زمره بهشتیان می نویسد: کسی که بیماری را عیادت کند و جنازه ای را تشییع نماید و آن روز را روزه بگیرد و در نماز جمعه حضور یابد و بنده ای را آزاد کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج کار است که هر کس همه آنها یا یکی از آنها را به نزد خداوند عز و جلّ ببرد، خداوند، بهشت را بر او واجب می گرداند: کسی که تن تشنه ای را سیراب کند، یا شکم گرسنه ای را غذا دهد، یا پوست برهنه ای را بپوشاند، یا پای برهنه ای را سوار کند، یا گردن اسیری را آزاد کند.

عنه صلى الله عليه و آله :عَلَامَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ فِي سَبْعِ خِصَالٍ : يَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ ، وَيُحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ ، وَيُعْطِي لِمَنْ حَرَمَهُ ، إِنْ أُعْطِيَ شَكَرَ ، وَإِنْ ابْتُلِيَ صَبَرَ ، وَإِنْ قَالَ صَدَقَ ، فَهُوَ يَمْشِي بَيْنَ النَّاسِ كَحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :أَرْبَعُونَ خَصَلَةً ؛ أَعْلَاهُنَّ مَنِيحَةُ (٢) الْعَنَزِ ، مَا مِنْ عَامِلٍ يَعْمَلُ بِخَصَلَةٍ مِنْهَا رَجَاءً ثَوَابِهَا وَتَصَدِيقَ مَوْعُودِهَا إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهَا الْجَنَّةَ . (٣)

١- الفردوس : ج ٣ ص ٥٤ ح ٤١٤٣ عن البراء بن عازب.

٢- المنيحة : منحة اللبن، كالناقة أو الشاه، تعطىها غيرك يحتلبها ثم يردّها عليك (الصحاح : ج ١ ص ٤٠٨ «منح»).

٣- صحيح البخارى : ج ٢ ص ٩٢٧ ح ٢٤٨٨ ، سنن ابى داوود : ج ٢ ص ١٣٠ ح ١٦٨٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٦٣٤ ح ٦٨٦٩ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٢٦٢ ح ٧٥٧٨ ، السنن الكبرى : ج ٤ ص ٣٠٩ ح ٧٧٩٩ كلّها عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج ٦ ص ٤١٦ ح ١٦٣٣١.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه بهشتیان ، هفت چیز است : کسی را که به او ستم می کند ، می بخشد ؛ به کسی که به او بدی می کند ، نیکی می نماید ؛ به کسی که از او مضایقه می کند ، عطا می نماید ؛ اگر به او [از جانب خداوند] چیزی داده شود ، شکر می گزارد ؛ اگر گرفتار شود ، شکیبایی می ورزد ؛ و هر گاه سخن بگوید ، راست می گوید . او در میان مردم ، به سان زنده ای در میان مردگان ، راه می رود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهل کارند که بالاترین آنها ، عاریت دادن بز [به نیازمند برای استفاده موقت از شیر آن] است . هر کس به امید ثواب آنها و از سر تصدیق وعده پاداش آنها ، به یکی از آنها عمل کند ، بی گمان ، خداوند به سبب آن ، او را به بهشت می برد .

الفصل الثامن : رياض الجنّة ٨ / ١ مَجَالِسُ الْعِلْمِ الْمَعْجَمِ الْكَبِيرِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعَوْا ، قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ : مَجَالِسُ الْعِلْمِ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله : أَلَا فَاعْتَنِمُوا مَجْلِسَ الْعُلَمَاءِ ؛ فَإِنَّهَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ . (٢)

٨ / ٢ مَجَالِسُ الذِّكْرِ كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه : قَالَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بَادِرُوا إِلَى رِيَاضِ الْجَنَّةِ . قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ : حَلَقُ الذِّكْرِ . (٣)

١- المعجم الكبير: ج ١١ ص ٧٨ ح ١١١٥٨ ، كنز العمال: ج ١٠ ص ١٣٨ ح ٢٨٦٩٥ ، الأمل للشمس: ج ١ ص ٦١ .

٢- جامع الأخبار: ص ١١١ ح ١٩٦ عن أبي هريرة .

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤٠٩ ح ٥٨٨٨ ، معاني الأخبار: ص ٣٢١ ح ١ عن علي بن الحسن عن أبيه الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الأمل للصدوق: ص ٤٤٤ ح ٥٩٢ عن الحسين بن علي عن علي بن الحسين عن الإمام الحسين عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٨٥ ح ٢٢٢٩ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٥٦ ح ٢٠ .

فصل هشتم: باغ های بهشت

۸ / ۱ مجالس علم

۸ / ۲ مجالس ذکر خدا

فصل هشتم: باغ های بهشت ۸ / ۱ مجالس علمالمعجم الکبیر به نقل از ابن عباس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر گاه بر باغ های بهشت گذشتید ، بچرید» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! باغ های بهشت چیستند ؟ فرمود : «مجالس علم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان! مجلس های دانشمندان را مغتنم شمارید ؛ چرا که باغی از باغ های بهشت اند.

۸ / ۲ مجالس ذکر خدا کتاب من لایحضره الفقیه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «به سوی باغ های بهشت بشتابید» . گفتند : باغ های بهشت چیستند ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «حلقه های ذکر» .

سنن الترمذى عن أنس بن مالك عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا. قَالَ: وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: حَلَقُ الذُّكْرِ. (١)

المستدرک علی الصحیحین عن جابر بن عبد الله: خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِلَّهِ سَرَايَا (٢) مِنْ الْمَلَائِكَةِ، تَحَلَّى وَتَقِفُ عَلَى مَجَالِسِ الذُّكْرِ فِي الْأَرْضِ، فَارْتَعُوا فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ. قَالُوا: وَأَيْنَ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَجَالِسُ الذُّكْرِ، فَاعْدُوا وَرَوْحُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ وَذَكْرُوهُ أَنْفُسَكُمْ. (٣)

٨ / ٣ المساجدُ سنن الترمذى عن أبي هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: الْمَسَاجِدُ، قِيلَ: وَمَا الرَّتْعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (٤)

٨ / ٤ ما بَيْنَ مِئْبَرِ النَّبِيِّ وَبَيْتِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ما بَيْنَ مِئْبَرِي وَمِئْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَمِئْبَرِي عَلَى تَرْعِهِ (٥) مِنْ تَرْعِ الْجَنَّةِ. (٦)

١- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٣٢ ح ٣٥١٠، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٠٢ ح ١٢٥٢٥، شعب الإيمان: ج ١ ص ٣٩٨ ح ٥٢٩، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٧ ح ١٨٨٥؛ منيه المريد: ص ١٠٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣٤ وفيه «مجالس» بدل «حلق»، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٥ ح ٣٤.

٢- السرايا: جمع سرية؛ وهى طائفه من الجيش يبلغ أقصاها أربعمئة (النهاية: ج ٢ ص ٣٦٣ «سرى»).

٣- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٧٢ ح ١٨٢٠، مسند أبى يعلى: ج ٢ ص ٣٤٥ ح ١٨٦٠، شعب الإيمان: ج ١ ص ٣٩٨ ح ٥٢٨، كنز العمال: ج ١ ص ٤٣٧ ح ١٨٨٢؛ عدّه الداعى: ص ٢٣٨، أعلام الدين: ص ٢٧٥، إرشاد القلوب: ص ٦٠، كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٦٣ ح ٤٢.

٤- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٣٢ ح ٣٥٠٩، مشكاه المصابيح: ج ١ ص ٢٢٧ ح ٧٢٩، كنز العمال: ج ٧ ص ٦٥١ ح ٢٠٧٣٩.

٥- الترع: الباب، كأنه قال: منبرى على باب من أبواب الجنة. وقيل: الترع فى الحديث: الدرجه. وقيل: الرّوضه (لسان العرب: ج ٨ ص ٣٣ «ترع»).

٦- الكافى: ج ٤ ص ٥٥٦ ح ١٠، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٧ ح ١٣ وفيه «بيتى» بدل «بيوتى» وكلاهما عن جميل بن دراج عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٤٦ ح ٤؛ مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٢٠٠ ح ١٥١٨٩ عن جابر بن عبد الله وفيه «إلى حجرتى» بدل «وبيوتى»، مسند أبى يعلى: ج ١ ص ٩١ ح ١١٣ عن أبى بكر وفيه «بيتى» بدل «بيوتى»، كنز العمال: ج ١٢ ص ٢٦١ ح ٣٤٩٥٥.

۸ / ۴ میان منبر و خانه پیامبر صلی الله علیه و آله

سنن الترمذی به نقل از انس بن مالک: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه بر باغ های بهشت گذر کردید، به چرا پردازید». گفت [م] باغ های بهشت چیستند؟ فرمود: «انجمن های ذکر».

المستدرک علی الصحیحین به نقل از جابر بن عبد الله: پیامبر صلی الله علیه و آله به میان ما آمد و فرمود: «ای مردم! خداوند، گردان هایی از فرشتگان دارد که در مجالس ذکر زمینیان، فرود می آیند و می مانند. پس در باغ های بهشت بچرید». گفتند: باغ های بهشت، کدام اند؟ فرمود: «مجالس ذکر. پس، صبح و شام، به یاد خدا پردازید و آن را به خویشان یادآوری کنید».

۸ / ۳ مسجدها سنن الترمذی به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه به باغ های بهشت برخوردید، بچرید». گفتم: ای پیامبر خدا! باغ های بهشت چیستند؟ فرمود: «مسجدها». گفته شد: چریدن در آنها چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «[ذکر] سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر».

۸ / ۴ میان منبر و خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و آله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میان منبرم و خانه هایم، (۱) باغی از باغ های بهشت است و منبرم بر روی دریچه ای از دریچه های بهشت، قرار دارد.

۱- مقصود، فاصله میان منبر پیامبر صلی الله علیه و آله و آله در مسجد النبی و خانه ایشان در گوشه مسجد است. گفتنی است خانه پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات ایشان، دارای چند اتاق مستقل بود که چند تن از همسران ایشان، در آنها زندگی می کردند.

الكافي عن أبي بكر الحضرمي: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَمِنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ، وَقَوَائِمُ مِنْبَرِي رُبَّتْ (١) فِي الْجَنَّةِ. قَالَ: قُلْتُ: هِيَ رَوْضَةُ الْيَوْمِ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُ لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ لَرَأَيْتُمْ. (٢)

كتاب من لا يحضره الفقيه: قَالَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]: مَا بَيْنَ قَبْرِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ مِنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ قَوَائِمُ الْمِنْبَرِ رُبَّتْ فِي الْجَنَّةِ. وَالتُّرْعَةُ: هِيَ الْبَابُ الصَّغِيرُ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما بين بيتي ومنبري روضة من رياض الجنة، ومنبري على حوضي. (٤)

١- قال العلامة المجلسي قدس سره: ربيت بالتشديد: من التربيته على بناء المفعول، أو بالتخفيف من الربو؛ بمعنى النمو والارتفاع، والأول أظهر (مرآة العقول: ج ١٨ ص ٢٦٦). وفي بعض النسخ: «رتب».

٢- الكافي: ج ٤ ص ٥٥٤ ح ٣، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٤٦ ح ١.

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٦٨ ح ٣١٥٨، كامل الزيارات: ص ٥١ ح ٢٨ عن معاوية بن عمارة عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «رتب» بدل «ربت»، معاني الأخبار: ص ٢٦٧ ح ١ عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابنا عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، مصباح المتهجد: ص ٧١٠ ح ٧٩٠ وليس فيهما ذيله من «قوائم المنبر...» ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٥١ ح ١٩؛ تاريخ بغداد: ج ١١ ص ٢٢٨ الرقم ٥٩٦١ عن جابر وليس فيه ذيله من «وإن منبري...».

٤- صحيح البخاري: ج ٢ ص ٦٦٧ ح ١٧٨٩، صحيح مسلم: ج ٢ ص ١٠١١ ح ٥٠٢ كلاهما عن أبي هريرة، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٩ ح ١١٠٠٣ عن أبي هريرة وأبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١٢ ص ٢٥٩ ح ٣٤٩٤٤.

الکافی به نقل از ابوبکر حزمی: امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: میان خانه ام و منبرم، باغی از باغ های بهشت است و منبرم بر روی دریاچه ای از دریاچه های بهشت است و پایه های منبرم، در بهشت جای دارند». گفتم: آن باغ، هم اینک وجود دارد؟ فرمود: «آری. اگر پرده کنار رود، آن را می بینید».

کتاب من لایحضره الفقیه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «میان قبر من و منبرم، باغی از باغ های بهشت است و منبرم بر روی تَرعه ای (۱) از تَرعه های بهشت، جای دارد و پایه های منبر، در بهشت قرار گرفته است». تَرعه، به معنای دریاچه است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میان خانه ام و منبرم، باغی از باغ های بهشت است و منبرم بر روی حوضم قرار گرفته است.

۱- در عربی، واژه «تَرعه» به این معانی آمده است: تنگه، دریاچه، دریاچه ای که از کف بنا به جویبار یا آب راهه ای باز می شود، در خانه، بوستان در زمین بلند، آب راهه، راه رسیدن آب به باغ. همه این معانی، در این حدیث نبوی، محتمل اند؛ ولی مترجم، معنای دوم و سوم را ترجیح داده است.

عنه صلى الله عليه و آله : ما بين حُجْرَتِي إِلَى مِثْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ ، وَحَوْضِي عَلَى تُرْعِهِ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُصَلِّيَ فِي رَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ فَلْيُصَلِّ بَيْنَ قَبْرِي وَمِثْبَرِي . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ قَوَائِمَ مِثْبَرِي هَذَا رَوَاتِبٌ فِي الْجَنَّةِ . (٣)

٨ / ٥ موضع قبر الإمام الحسين عليه السلام: موضع قبر الحسين عليه السلام منذ يوم دفن فيه روضه من رياض الجنة . (٤)

عنه عليه السلام : موضع قبر الحسين عليه السلام ترعه من ترع الجنة . (٥)

٨ / ٦ الكوفة الإمام علي عليه السلام : أدخل إلى جامع الكوفة من الباب الأعظم ، فإنه روضه من رياض الجنة . (٦)

١- تاريخ بغداد : ج ٣ ص ٣٦٠ الرقم ١٤٧١ عن جابر .

٢- الفردوس : ج ٣ ص ٥٣٨ ح ٥٦٧٦ عن عبد الله بن لبيد ، كنز العمال : ج ١٢ ص ٢٦٠ ح ٣٤٩٥٠ .

٣- سنن النسائي : ج ٢ ص ٣٦ ، مسند ابن حنبل : ج ١٠ ص ١٧١ ح ٢٦٥٣٨ ، السنن الكبرى : ج ٥ ص ٤٠٧ ح ١٠٢٩٠ ، حليه الأولياء : ج ٧ ص ٢٤٨ كلها عن أم سلمه ، المستدرک على الصحيحين : ج ٣ ص ٦١٢ ح ٦٢٦٨ عن أبي واقد الليثي ، كنز العمال : ج ١٢ ص ٥٠٦ ح ٣٥٦٥٢ .

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٦٠٠ ح ٣٢٠٧ ، ثواب الأعمال : ص ١٢٠ ح ٤٣ ، كامل الزيارات : ص ٤٥٦ ح ٦٩١ كلها عن إسحاق بن عمار ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ١١١ ح ٢٣ .

٥- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٦٠٠ ح ٣٢٠٨ ، ثواب الأعمال : ص ١٢٠ ح ٤٣ ، كامل الزيارات : ص ٤٥٦ ح ١ كلاهما عن إسحاق بن عمار ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ١١١ ح ٢٣ .

٦- المزار للشهيد الأول : ص ٢٢٩ ، المزار للمشهدي : ص ١٦١ ، بحار الأنوار : ج ١٠٠ ص ٤٠٩ ح ٦٧ .

۸ / ۵ جایگاه قبر امام حسین علیه السلام

۸ / ۶ کوفه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میان اتاقم و منبرم، باغی از باغ های بهشت است و حوضم بالای دریچه ای از دریچه های بهشت، جای دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خوش دارد در باغی از باغ های بهشت نماز بگزارد، میان قبر و منبر من نماز بخواند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پایه های این منبر من، ریشه در بهشت دارند.

۸ / ۵ جایگاه قبر امام حسین علیه السلام امام صادق علیه السلام: جایگاه قبر حسین علیه السلام از زمانی که در آن به خاک سپرده شد، به باغی از باغ های بهشت تبدیل شد.

امام صادق علیه السلام: جایگاه قبر حسین علیه السلام، دریچه ای از دریچه های بهشت است.

۸ / ۶ کوفه امام علی علیه السلام: به مسجد کوفه از در بزرگ وارد شو؛ چرا که این مسجد، باغی از باغ های بهشت است.

الإمام الباقر عليه السلام: مَسْجِدُ كُوفَانَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: نَعَمَ الْمَسْجِدُ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ ، صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ ، وَأَلْفُ وَصِيٍّ ، وَمِنْهُ فَارَ التَّنُورُ ، وَفِيهِ نُجْرَتِ السَّفِينَةُ ، مَيِّمَتُهُ رِضْوَانُ اللَّهِ ، وَوَسْطُهُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ ، وَمَيْسَرَتُهُ مَكْرٌ (٢) . (٣)

عنه عليه السلام: الْكُوفَةُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ ، فِيهَا قَبْرُ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ ، وَقُبُورُ ثَلَاثِمِئَةِ نَبِيٍّ وَسَبْعِينَ نَبِيًّا ، وَسِتِّمَتُهُ وَصِيٍّ ، وَقَبْرُ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ . (٤)

الكافي عن هارون بن خارجه: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هَارُونَ بْنَ خَارِجَةَ ، كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ، يَكُونُ مِيلاً؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَتَصِلُنِي فِيهِ الصَّلَوَاتُ كُلُّهَا؟ قُلْتُ: لَا، فَقَالَ: أَمَا لَوْ كُنْتُ بِحَضْرَتِهِ لَرَجَوْتُ أَنْ لَا تَفُوتَنِي فِيهِ صَلَاةٌ ، وَتَدْرِي مَا فَضْلُ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ؟ مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا وَقَدِ صِلَى فِي مَسْجِدِ كُوفَانَ ، حَتَّى إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أُسْرِيَ اللَّهُ بِهِ قَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّاعَةَ؟ أَنْتَ مُقَابِلُ مَسْجِدِ كُوفَانَ . قَالَ: فَاسْتَأْذِنَ لِي رَبِّي حَتَّى آتِيَهُ فَأُصَلِّيَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ ، فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَذِنَ لَهُ . وَإِنَّ مَيِّمَتَهُ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ ، وَإِنَّ وَسْطَهُ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ ، وَإِنَّ مُؤَخَّرَهُ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ ، وَإِنَّ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ أَلْفَ صِيْلَةٍ ، وَإِنَّ النَّافِلَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ خَمْسَةَ مِئَةِ صَلَاةٍ ، وَإِنَّ الْجُلُوسَ فِيهِ بِغَيْرِ تَلَاوِهِ وَلَا ذِكْرِ لِعِبَادَةٍ ، وَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِيهِ لَأَتَوْهُ وَلَوْ حَبَّوْا (٥) . (٦)

- ١- الكافي: ج ٣ ص ٤٩٣ ح ٩ ، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٥٢ ح ٦٩١ ، المزار للمشهدي: ص ١٢٥ ح ٦ كلها عن أبي عبيده ، روضه الواعظين: ص ٤٥٠ ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٣٨٩ ح ١٣ .
- ٢- ميسرته مكر: قيل كانت السوق إلى جانبه الأيسر، وفيها يقع المكر والخداع (النهاية: ج ٤ ص ٣٤٩ «مكر»).
- ٣- الكافي: ج ٣ ص ٤٩٢ ح ٣ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٢٣١ ح ٦٩٣ ، ثواب الأعمال: ص ٥٠ ح ١ كلها عن أبي بصير ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٣٩٧ ح ٣٧ .
- ٤- فرحه الغرى: ص ٦٩ عن أبي أسامة ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٤٠٥ ح ٦١ .
- ٥- الحجو: أن يمشى على يديه وركبتيه أو أشتيه (النهاية: ج ١ ص ٣٣٦ «حبا»).
- ٦- الكافي: ج ٣ ص ٤٩٠ ح ١ ، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٥٠ ح ٦٨٨ ، كامل الزيارات: ص ٧٢ ح ٦٣ ، المحاسن: ج ١ ص ١٢٨ ح ١٤٩ وليس فيه ذيله من «وإنَّ الجلوس ...» ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ٣٩٨ ح ٣٩ .

امام باقر علیه السلام: مسجد کوفان (کوفه)، باغی از باغ های بهشت است.

امام صادق علیه السلام: نیکو مسجدی است مسجد کوفه! هزار پیامبر و هزار وصی، در آن، نماز خوانده اند، تنور [زمان توفان نوح] در محل آن جوشید و کشتی [نوح] در آن جا ساخته شد. سمت راست آن، رضوان خداست، وسطش باغی از باغ های بهشت است و سمت چپش فریب است. (۱)

امام صادق علیه السلام: کوفه، باغی از باغ های بهشت است. قبر نوح و ابراهیم و قبر سید و هفتاد پیامبر و ششصد وصی، و قبر سالار اوصیا، امیر مؤمنان علیه السلام، در آن است.

الکافی به نقل از هارون بن خارجه: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای هارون بن خارجه! تا مسجد کوفه، چه قدر فاصله داری؟ یک میل می شود؟». گفتم: خیر. فرمود: «پس همه نمازها را در آن می خوانی؟». گفتم: خیر. فرمود: «بدان که اگر من در کنار آن بودم، امید داشتم که حتی یک نماز از آن مسجد فوت نشود. آیا می دانی آن جا چه فضیلتی دارد؟ هیچ بنده شایسته و هیچ پیامبری نبوده، مگر این که در مسجد کوفه نماز خوانده است. حتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شبی که خداوند، او را به معراج برد، جبرئیل به او گفت: می دانی تو اکنون کجا هستی، ای پیامبر خدا؟ تو در برابر مسجد کوفه ای! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پس، از پروردگارم برایم اجازه بگیر که به آن بروم و در آن جا دو رکعت نماز بخوانم. و جبرئیل از خداوند، اجازه گرفت و خدا هم به او اجازه داد. سمت راست آن، باغی از باغ های بهشت است، وسطش باغی از باغ های بهشت است و عقب آن نیز باغی از باغ های بهشت است. یک نماز واجب در آن، با هزار نماز، برابری می کند و یک نماز مستحبی در آن، با پانصد نماز، همسنگ است. نشستن در آن [حتی] بدون تلاوت [قرآن] و گفتن ذکر، خود، عبادت است. اگر مردم می دانستند که چه ثواب هایی در این مسجد است، خود را به آن می رساندند، حتی با خزیدن».

۱- گفته می شود که بازار کوفه در سمت چپ این مسجد بوده است و فریب هم در بازار، صورت می گیرد.

٨ / ٧ الحواميم رسول الله صلى الله عليه وآله: الحواميم روضة من رياض الجنة . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: لكل شجره ثمر، وإن ثمرات القرآن ذوات «حم» من روضات مخصبات معشبات متجاورات، فمن أحب أن يرتع في رياض الجنة فليقرأ الحواميم . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: من أحب أن يرتع في رياض الجنة، فليقرأ الحواميم في صلاة الليل . (٣)

٨ / ٨ مرص المؤمن الإمام على عليه السلام: وعكك (٤) أبو ذر، فأثبت رسول الله صلى الله عليه وآله فقلت: يا رسول الله، إن أبا ذر قد وعكك، فقال: امض بنا إليه نعوذ، فمضنا إليه جميعاً، فلما جلسنا قال له رسول الله صلى الله عليه وآله: كيف أصبحت يا أبا ذر؟ قال: أصبحت وعكاً يا رسول الله، فقال: أصبحت في روضه من رياض الجنة، قد انغمست في ماء الحيوان، وقد غفر الله لك ما تقدم من ذنبك، فأبشر يا أبا ذر . (٥)

راجع: ص ٤٨٦ (الفصل الحادي عشر: كنوز الجنة / تلك الخصال) .

- ١- الفردوس: ج ٢ ص ١٦٠ ح ٢٨١٦، الدر المنثور: ج ٧ ص ٢٦٩، كنز العمال: ج ١ ص ٥٨٠ ح ٢٦٢٣ كلاهما نقلاً عن ابن مردويه وكلها عن سمره بن جندب؛ بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٠٢ ح ٢ .
- ٢- الدر المنثور: ج ٧ ص ٢٦٩ نقلاً عن ابن الضريس عن إسحاق بن عبد الله؛ بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٠٢ ح ٢ .
- ٣- مجمع البيان: ج ٨ ص ٧٩٧ عن أبي بريدة الأسلمي، كنز العمال: ج ١ ص ٥٩٢ ح ٢٦٩٦ نقلاً عن أبي نعيم عن ابن عباس نحوه .
- ٤- الوعك: الحمى وقيل: ألمها (لسان العرب: ج ١٠ ص ٥١٤ «وعك»).
- ٥- الدعوات: ص ١٦٧ ح ٤٦٧، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٤٣٤ ح ٤٨ .

۸ / ۷ «حامیم» ها

۸ / ۸ بیماری مؤمن

۸ / ۷ «حامیم» های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «حامیم» ها، (۱) باغ هایی از باغ های بهشت اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر درختی میوه ای دارد و میوه های قرآن، سوره های «حامیم» دار هستند که باغ هایی سرسبز و پُر گل و گیاه و به هم چسبیده اند. پس هر که دوست دارد در باغ های بهشت خوش بگذراند، «حامیم» ها را بخواند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دوست دارد در باغ های بهشت به گردش پردازد، «حامیم» ها را در نماز شب بخواند.

۸ / ۸ بیماری مؤمن امام علی علیه السلام: ابو ذر، ناخوش احوال شد. من نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم: ای پیامبر خدا! ابو ذر، ناخوش شده است. فرمود: «ما را نزد او ببر تا عیادتش کنیم». همگی نزد ابو ذر رفتیم. چون نشستیم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «حالت چگونه است، ای ابو ذر؟». گفت: ناخوش احوالم، ای پیامبر خدا! فرمود: «در باغی از باغ های بهشت، قرار گرفته ای و در آب زندگانی، فرو رفته ای و خداوند، گناهان گذشته تو را آمرزیده است. پس خوش باش، ای ابو ذر!».

ر. ک: ص ۴۸۷ (فصل یازدهم: گنج های بهشت / و این چند خصلت).

۱- مقصود، سوره هایی از قرآن هستند که با «حم» آغاز می شوند.

٨ / ٩ زيارَةُ الإخْوَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ خَاصًّا فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ . (١)

١- المعجم الكبير: ج ٨ ص ٦٧ ح ٧٣٨٩ عن صفوان بن عسال .

۸ / ۹ دیدار برادران

۸ / ۹ دیدار برادران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به دیدن برادرش برود، در باغ های بهشت، قدم نهاده است تا آن گاه که برگردد.

الفصل التاسع : غراس الجنة ٩ / ١١ التَّهْلِيلُ رسول الله صلى الله عليه وآله : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» غُرِسَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ ، مِنْ يَأْقُوتَةٍ حَمْرَاءَ ، مَنبَتُهَا فِي مِسْكِ أبيضَ ، أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ ، وَأَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ التَّلْجِ ، وَأَطْيَبُ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ ، فِيهَا أَمْثَالُ تَمْدِي الْأَبْكَارِ ، تَعْلُو عَنْ سَبْعِينَ حُلَّةً . (١)

٩ / ١٢ التَّسْيِيحُ رسول الله صلى الله عليه وآله : الجنة قِيَعَانُ (٢) ، وَغِرَاسُهَا : سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» نَبَتَ لَهُ غَرْسٌ فِي الْجَنَّةِ . (٤)

-
- ١- الكافي : ج ٢ ص ٥١٧ ح ٢ ، ثواب الأعمال : ص ١٦ ح ٥ بزياده «ثمار» بعد «فيها» ، المحاسن : ج ١ ص ٩٨ ح ٦٧ وفيهما «تفلق» بدل «تعلو» ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٨٣ ح ١٤٦ .
 - ٢- القاع : أرض واسعة سهله مطمئنه ، لا حزنه فيها ولا ارتفاع (لسان العرب : ج ٨ ص ٣٠٤ «قوع»).
 - ٣- عوالي اللآلي : ج ٤ ص ٨ ح ١٠ .
 - ٤- مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٣١٤ ح ١٥٦٤٥ عن سهل عن أبيه ، المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ١٩٨ ح ٤٤٥ عن معاذ بن أنس وفيه «بنى» بدل «نبت» ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٧٤ ح ٢٠٦٠ .

فصل نهم: نهال های بهشت

۹ / ۱ لا إله إلا الله

۹ / ۲ سبحان الله

فصل نهم: نهال های بهشت ۹ / ۱ لا إله إلا الله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس «لا إله إلا الله» بگوید، درختی از یاقوت سرخ در بهشت برایش نشانده می شود که ریشه اش در مُشک سفید است و [میوه اش] از شهد، شیرین تر و از برف، سفیدتر و از مُشک، خوش بوتر است، و در آن، مانند نارپستان های دوشیزگان است که از زیر هفتاد پیراهن، بر آمده اند.

۹ / ۲ سبحان الله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت، سراسر، دشت است و نهال های آن، «سبحان ربی العظیم و بحمده» است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس «سبحان الله العظیم» بگوید، برایش یک نهال در بهشت می روید.

عنه صلى الله عليه و آله : ما من مؤمنٍ ولا- مؤمنَةٍ إلا وله وكييلٌ في الجنّة ، إن قرأ القرآنَ بنى له القصرَ ، وإن سبَّحَ غرسَ له الأشجارَ ، وإن كفَّ كفَّ . (١)

٩ / ٣ التّسبيحاتُ الأربَعُ الإمامِ الباقرِ عليه السلام : مرَّ رسولُ اللهِ صلى الله عليه و آله برَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا فِي حَائِطٍ (٢) لَهُ ، فَوَقَفَ لَهُ وَقَالَ : أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى غَرْسٍ أُثْبِتُ أَصْلًا ، وَأَسْرَعُ إِبْنَاعًا ، وَأَطْيَبُ ثَمْرًا وَأَبْقَى ؟ قَالَ : بَلَى فَدَلَّنِي يَا رَسُولَ اللهِ ! فَقَالَ : إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ ، فَقُلْ : «سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّ لَكَ إِِنْ قُلْتَهُ بِكُلِّ تَسْبِيحِهِ عَشْرَ شَجَرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَاكِهَةِ ، وَهِنَّ مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ . فَقَالَ الرَّجُلُ : فَإِنِّي أَشْهَدُكَ يَا رَسُولَ اللهِ أَنَّ حَائِطِي هَذَا صَدَقَهُ مَقْبُوضَةٌ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَهْلِ الصَّدَقَةِ . فَأَنْزَلَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» (٣) . (٤)

١- الفردوس : ج ٤ ص ٢٧ ح ٦٠٨٠ عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٥٤٩ ح ٢٤٥٨ .

٢- الحائط : البستان من النخيل إذا كان عليه حائط (النهاية : ج ١ ص ٤٦٢ «حوط»).

٣- الليل : ٧٥ .

٤- الكافي : ج ٢ ص ٥٠٦ ح ٤ ، المحاسن : ج ١ ص ١٠٧ ح ٩٢ كلاهما عن ضريس الكناسي ، الأملالي للصدوق : ص ٢٧٠ ح

٢٩٨ عن ضريس الكناسي عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٣

ص ١٦٧ ح ٢ .

۳ / ۹ تسبیحات چهارگانه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ مرد یا زن مؤمنی نیست، مگر آن که در بهشت، کارگزاری دارد. اگر قرآن بخواند، آن کارگزار برایش کاخ می سازد و اگر تسبیح بگوید، برایش درخت می کارد و اگر باز ایستد، او نیز باز می ایستد.

۳ / ۹ تسبیحات چهارگانه امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر مردی گذر کرد که در باغش نهال می کاشت. نزد او ایستاد و فرمود: «آیا تو را به نهال هایی راه نمایی نکنم که ریشه هایشان استوارترند و زودتر به بار می نشینند و میوه هایشان لذیذتر و ماندگارترند؟». گفت: چرا، راه نمایی ام کنید، ای پیامبر خدا! فرمود: «هر بام و شام بگو: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر؛ زیرا به ازای هر تسبیحی که بگویی، ده درخت از انواع میوه ها در بهشت برایت خواهد بود، و اینها را مانند گاران نیک». مرد گفت: پس من، شما را گواه می گیرم ای پیامبر خدا که این باغم را وقف مسلمانان تهی دست که مستحق صدقه اند، قرار دادم. در این هنگام، خداوند عز و جل آیه ای از قرآن را فرو فرستاد: «اما آن که بخشید و پرهیزگاری کرد و [پاداش] نیکوتر را تصدیق نمود، زودا که او را به سوی گشایش، ره نمون شویم».

عنه عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ. فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ شَجَرَنَا فِي الْجَنَّةِ لَكَثِيرٌ! قَالَ: نَعَمْ، وَلَكِنْ إِيَّاكُمْ أَنْ تُرْسَلُوا عَلَيْهَا نِيرَانًا فَتَحْرِقُوهَا، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَلَكُمْ» (١).

(٢)

تنبيه الخواطر عن أبي هريره: مَرَّ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَعِيَ أَغْرَاسٌ، فَقَالَ: هَلْ أَذُّكُمْ عَلَى أَغْرَاسٍ أَفْضَلَ مِنْهَا؟ قُلْتُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فَلَيْسَ مِنْهَا كَلِمَةٌ تَقُولُهَا إِلَّا غَرَسَ اللَّهُ لَكَ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: لَقِيتُ إِبْرَاهِيمَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَقْرَأُ أُمَّتَكَ مِثْلَ السَّلَامِ وَأَخْبِرُهُمْ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةٌ التُّرْبَةُ، عَذْبَةُ الْمَاءِ، وَأَنَّهَا قِيَعَانٌ، وَأَنَّ غِرَاسَهَا: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». (٥)

راجع: ص ٤٧٦ (الفصل العاشر: نفقه بناء الجنة / التسيحات الأربعة).

١- محمد: ٣٣.

٢- ثواب الأعمال: ص ٢٦ ح ٣ عن أبي الجارود، الأمالى للصدوق: ص ٧٠٥ ح ٩٦٨ عن أبي الجارود عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٨٦ ح ١٥٤.

٣- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٦٨.

٤- المعجم الأوسط: ج ٨ ص ٢٢٦ ح ٨٤٧٥، التاريخ الكبير: ج ٦ ص ٤٢٧ ح ٢٨٧٦ كلاهما عن ابن عباس.

٥- سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥١٠ ح ٣٤٦٢، مشكاة المصابيح: ج ١ ص ٧١١ ح ٢٣١٥، الأذكار المنتخبه: ص ٢٥، تاريخ بغداد: ج ٢ ص ٢٩٢ الرقم ٧٧٦ بزياده «ولا حول ولا قوة إلا بالله» فى آخره وكلها عن ابن مسعود، كنز العمال: ج ١ ص ٤٦٠ ح ١٩٨٩.

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس سبحان الله بگوید، خداوند در برابر آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس الحمد لله بگوید، خداوند به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس لا إله إلا الله بگوید، خداوند به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد، و هر کس الله أكبر بگوید، خداوند به ازای آن، یک درخت در بهشت برایش می‌کارد». مردی قریشی گفت: ای پیامبر خدا! درخت‌های ما در بهشت، فراوان اند! فرمود: «آری؛ اما مواظب باشید که آتشی نفرستید و همه آنها را بسوزانید؛ چرا که خدای عز و جل می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا و از پیامبر، فرمان برید و اعمالتان را از بین نبرید».

تنبيه الخواطر به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من بر خورد و من چند نهال با خود داشتم. فرمود: «آیا شما را به نهال‌هایی بهتر از اینها راه‌نمایی نکنم؟ بگو: سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر؛ زیرا هر کلمه‌ای از اینها را که بگویی، خداوند به ازای آن، درختی در بهشت برایت می‌نشانند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر» بگوید، خداوند به ازای هر یک از آنها، برایش یک درخت در بهشت می‌کارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که به معراج برده شدم، به ابراهیم علیه السلام بر خوردم. گفت: ای محمد! سلام مرا به امتت برسان و به ایشان بگو که بهشت، خاکی خوش و آبی شیرین دارد و سراسر، دشت است و درخت‌هایش، «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر» است.

ر. ک: ص ۴۷۷ (فصل دهم: هزینه ساخت بهشت / تسیحات چهارگانه).

٩ / ٤ الْحَوْقَلُهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْتَبُوا مِنْ غَرَسِ الْجَنَّةِ ، فَإِنَّهُ عَيْدَبُ مَاؤُهَا ، طَيِّبٌ تُرَابُهَا ، فَأَكْتَبُوا مِنْ غَرَسِهَا : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» . (١)

راجع : ص ٤٨٠ (الفصل الحادى عشر : كنوز الجنة / الحوقله) .

١- .المعجم الكبير : ج ١٢ ص ٢٧٩ ح ١٣٣٥٤ ، كتاب الدعاء : ص ٤٧٤ ح ١٦٥٨ كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٥٤ ح ١٩٥٩ .

۹ / ۴ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

۹ / ۴- لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: در بهشت، نهال بسیار بکارید؛ زیرا آبش شیرین و خاکش حاصلخیز است. پس، نهال «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» را در آن، زیاد بکارید.
ر. ک: ص ۴۸۱ (فصل یازدهم: گنج های بهشت / لا حول و لا قوه إلا بالله).

الفصل العاشر: نفقه بناء الجَنَّة ١٠ / ١ التَّسْبِيحَاتُ الْأَرْبَعُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ ، فَرَأَيْتُ فِيهَا قِيَعَانَا يَفَقَا (١) مِنْ مِسْكٍ ، وَرَأَيْتُ فِيهَا مَلَائِكَةً يَبْنُونَ لَبَنَهُ مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنَهُ مِنْ فِضَّةٍ ، وَرُبَّمَا أَمْسَدُوا ، فَقُلْتُ لَهُمْ : مَا لَكُمْ رُبَّمَا بَنَيْتُمْ وَرُبَّمَا أَمْسَدْتُمْ؟ قَالُوا : حَتَّى تَأْتِينَا النَّفَقَةُ . قُلْتُ : وَمَا نَفَقَتُكُمْ؟ قَالُوا : قَوْلُ الْمُؤْمِنِ : «سُبْحَانَ [اللَّهِ]» (٢) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ، فَإِذَا قَالَهُنَّ بَنَيْنَا ، وَإِذَا سَكَتَ وَأَمْسَكَ أَمْسَكْنَا . (٣)

١٠ / ٢ مُلَازِمَةُ الْمَسْجِدِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ وَالْمَسْجِدُ بَيْتَهُ ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ . (٤)

راجع: ص ٤١٢ (الفصل السابع: مكارم الأخلاق و محاسن الأعمال / بناء المسجد) .

١- .الْيَقَقُ : شَدِيدُ الْبِيَاضِ ، نَاصِعُهُ (لسان العرب: ج ١٠ ص ٣٨٧ «يقق»).

٢- .سقط ما بين المعقوفين من المصدر.

٣- .الأمالي للطوسي: ص ٤٧٤ ح ١٠٣٥ ، عدّه الداعى: ص ٢٤٩ كلاهما عن حمّاد بن عثمان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تفسير القمى: ج ٢ ص ٥٣ عن جميل عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «يقق» بدل «يققا من مسك» ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٢٣ ح ١٩.

٤- .تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٢٥٥ ح ٧٠٧ عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، ثواب الأعمال: ص ٤٧ ح ١ ، الأمالي للصدوق: ص ٥٩١ ح ٨١٩ كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٤٨ ، بحار الأنوار: ج ٨٣ ص ٣٨٥ ح ٦٢ .

فصل دهم: هزینه ساخت بهشت

۱۰ / ۱ تسبیحات چهارگانه

۱۰ / ۲ رفیق مسجد بودن

فصل دهم: هزینه ساخت بهشت ۱۰ / ۱ تسبیحات چهارگانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که به آسمان برده شدم، به بهشت وارد شدم. در آن جا سرزمینی مُشکین دیدم و در آن جا دیدم که فرشتگانی، خشتی از زر و خشتی از سیم بر هم می گذارند و گاه، دست از کار می کشند. به آنان گفتم: چرا گاهی می سازید و گاهی باز می ایستید؟ گفتند: تا خرجی به ما برسد. گفتم: «خرجی تان چیست؟ گفتند: این سخن مؤمن: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر». هر گاه این را بگویند، ما شروع به ساختن می کنیم و هر گاه ساکت شود و نگویند، ما نیز دست نگه می داریم.

۱۰ / ۲ رفیق مسجد بودن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که قرآن، سخن او و مسجد، خانه اش باشد، خداوند برایش خانه ای در بهشت می سازد.

ر. ک: ص ۴۱۳ (فصل هفتم / خوی های والا و کردارهای نیکو / ساختن مسجد).

١٠ / ١٣ الإخاء في اللّهُرسول اللّهُ صلى اللّهُ عليه و آله :مَن جَدَّدَ أَخَا فِي الإِسْلَامِ بَنَى اللّهُ لَهُ بُرْجًا فِي الجَنَّةِ مِنْ جَوْهَرِهِ . (١)

الإمام الرضا عليه السلام :مَن اسْتَفَادَ أَخَا فِي اللّهِ فَقَدِ اسْتَفَادَ بَيْتًا فِي الجَنَّةِ . (٢)

١٠ / ١٤ إنشاء الشُّعْرِ فِي أَهْلِ البَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :مَن قَالَ فِينَا بَيْتَ شَعْرِ بَنَى اللّهُ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الجَنَّةِ .

(٣)

١٠ / ١٥ أَرْبَعُ خِصَالِ رَسولِ اللّهِ صلى اللّهُ عليه و آله فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَرْبَعٌ مَن كُنَّ فِيهِ بَنَى اللّهُ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الجَنَّةِ : مَن آوَى اليَتِيمَ ، وَرَجَمَ الضَّعِيفَ ، وَأَشْفَقَ عَلَى وَالِدِيهِ ، وَرَفَقَ بِمَمْلُوكِهِ . (٤)

١- الاختصاص : ص ٢٢٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٢٦٠ ح ٥٦ .

٢- الأمالى للمفيد : ص ٣١٦ ح ٨ ، الأمالى للطوسى : ص ٨٤ ح ١٢٤ كلاهما عن داوود بن سليمان الغازى ، ثواب الأعمال : ص ١٨٢ ح ١ عن محمّد بن زيد ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٢٧٦ ح ٤ .

٣- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ٧ ح ١ ، بشاره المصطفى : ص ٢٠٨ كلاهما عن عبد اللّهُ بن الفضل الهاشمى ، بحار الأنوار : ج ٢٦ ص ٢٣١ ح ٣ .

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٥٨ ح ٥٧٦٢ عن حمّاد بن عمرو و أنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ص ٢٢٣ ح ٥٣ ، ثواب الأعمال : ص ١٦١ ح ١ كلاهما عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٧١ ح ٥١ وراجع : الأمالى للمفيد : ص ١٦٧ ح ١ .

۱۰ / ۳ برادری کردن برای خدا

۱۰ / ۴ شعر سرایی در باره اهل بیت علیهم السلام

۱۰ / ۵ و این چهار خصلت

۱۰ / ۳ برادری کردن برای خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برادری جدید در اسلام بگیرد، خداوند برایش در بهشت، برجی از جواهر بنا می کند.

امام رضا علیه السلام: هر کس برای خدا برادری بگیرد، خانه ای در بهشت گرفته است.

۱۰ / ۴ شعر سرایی در باره اهل بیت علیهم السلام امام صادق علیه السلام: هر کس در باره ما یک بیت شعر بگوید، خدای بلندمرتبه برایش یک خانه در بهشت می سازد.

۱۰ / ۵ و این چهار خصلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به امام علی علیه السلام: چهار خصلت است که در هر کس باشد، خدای بلندمرتبه برایش خانه ای در بهشت می سازد: کسی که یتیم را پناه دهد، و به ناتوان رحم آورد، و با پدر و مادرش مهربان باشد و با غلامش نرمی کند.

الفصل الحادى عشر: كنوز الجنه ١١ / الحوقلهسنن ابن ماجه عن أبى ذرّ: قَالَ لى رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَلَا أُدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِّنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ : بلى يَا رَسُولَ اللّهِ ، قَالَ : لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ . (١)

رسول الله صلى الله عليه و آله لِأَبى مُوسَى الأشعريّ : يَا عَبْدَ اللّهِ بَنَ قَيْسٍ ، أَلَا أُعَلِّمُكَ كَلِمَةً هى مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : أَكْثَرُ مِنْ قَوْلِ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ» فَإِنَّهَا كَنْزٌ مِّنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ . (٣)

-
- ١- سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٥٦ ح ٣٨٢٥ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٦٧ ح ٢١٣٥٦ ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ٦٦ ، الزهد لابن المبارك : ص ٣٩٦ ح ١١٢٢ عن أبى موسى الأشعريّ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٥٥ ح ١٩٦٤ .
 - ٢- صحيح البخارى : ج ٦ ص ٢٤٣٧ ح ٦٢٣٦ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٧٧ ح ٤٥ ، سنن أبى داوود : ج ٢ ص ٨٧ ح ١٥٢٦ ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ٤٥٧ ح ٣٣٧٤ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢٥٦ ح ٣٨٢٤ كلّها عن أبى موسى الأشعريّ ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٥٦ ح ١٩٦٦ .
 - ٣- سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٨٠ ح ٣٦٠١ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٣١ ح ٨٤١٤ كلاهما عن أبى هريره ، المعجم الكبير : ج ٤ ص ١٣٣ ح ٣٩٠٠ عن أبى أيوب ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٥٤ ح ١٩٥٧ ؛ المحاسن : ج ١ ص ٧٥ ح ٣٤ بزياده «العلّى العظيم» بعد «إلّا باللّهِ» ، بشاره المصطفى : ص ٢٢٢ كلاهما عن سلمان ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٢٩ ح ٣٥ .

فصل یازدهم: گنج های بهشت

۱۱ / ۱ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

فصل یازدهم: گنج های بهشت ۱۱ / ۱ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سنن ابن ماجه به نقل از ابو ذر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت، راه نمایی نکنم؟». گفتم: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ هیچ نیرو و توانی جز از سوی خداوند نیست».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو موسی اشعری: ای عبد الله بن قیس! آیا جمله ای را به تو نیاموزم که از گنج های بهشت است؟ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جمله «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» را زیاد بگو؛ چرا که از گنج های بهشت است.

مسند ابن حنبل عن أبي هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» قَالَ: أَحْسَبُهُ قَالَ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَسَلَّمَ عَبْدِي وَاسْتَسَلَّمَ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَظَاهَرَتْ عَلَيْهِ النَّعْمُ فَلْيَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، وَمَنْ أَلَحَّ عَلَيْهِ الْفَقْرُ فَلْيُكْتِزْ مِنْ قَوْلِ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» فَإِنَّهُ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، وَفِيهِ شِفَاءٌ مِنْ إِثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ دَاءً أَدْنَاهَا أَلْهَمُ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: قَوْلُ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، وَهِيَ شِفَاءٌ مِنْ تِسْعَةٍ وَسَبْعِينَ دَاءً أَدْنَاهُ أَلْهَمُ. (٣)

المحاسن عن الحسن البصرى: كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِنَى وَقَدِمَتْ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ، فَقَالَ: يَا أَبَا سَعِيدٍ، قُمْ بِنَا إِلَى جِنَازَتِهِ، فَلَمَّا دَخَلْنَا الْمَقَابِرَ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَمْسِ خِصَالٍ هِيَ مِنَ الْبِرِّ، وَالْبِرُّ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: إِخْفَاءُ الْمُصِيبَةِ وَكِتْمَانُهَا، وَالصَّدَقَةُ تُعْطِيهَا بِيَمِينِكَ لَا تَعْلَمُ بِهَا شِمَالُكَ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ؛ فَإِنَّ بَرَّهُمَا لِلَّهِ رِضًا، وَالْإِكْتِنَارُ مِنْ قَوْلِ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» فَإِنَّهُ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، وَالْحُبُّ لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمْ أَجْمَعِينَ. (٤)

١- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٦٠٦ ح ١٠٧٤١، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧١ ح ٥٤ نحوه، مسند إسحاق بن راهويه: ج ١ ص ٢٨٠ ح ٢٥٢، كنز العمال: ج ١ ص ٤٥٣ ح ١٩٥١.

٢- الأملی للصدوق: ص ٦٥١ ح ٨٨٥ عن محمد بن جعفر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، روضه الواعظین: ص ٥١٩، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٦ ح ٦.

٣- الجعفریات: ص ١٨٨، النوادر للراوندى: ص ٩٤ ح ٣٨ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٣٣١ ح ١٢٤٩ وليس فيه «العلی العظيم» وفيه «أولها» بدل «أدناه»، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٤ ح ١؛ المعجم الأوسط: ج ١ ص ٢٨٩ ح ٩٤٣، كنز العمال: ج ١ ص ٤٥٦ ح ١٩٧٠ نقلاً عن ميسره بن علي في مشيخته نحوه وكلاهما عن بهز بن حكيم عن أبيه عن جدّه.

٤- المحاسن: ج ١ ص ٧٢ ح ٢٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٨ ح ١٧.

مسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت، راه نمایی نکنم؟». گفتم : چرا . فرمود : «لا- حَوْلَ و لا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». گمان می کنم که فرمود : «خداوند عز و جل می فرماید : بنده ام گردن نهاد و تسلیم شد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس پیایی به او نعمت رسید ، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ ستایش، از آن خداوند جهانیان است» بگوید و هر کس فقر بر او فشار آورد ، جمله «لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» را زیاد بگوید ؛ چرا که گنجی از گنج های بهشت است و هفتاد و دو درد را شفا می بخشد که کمترین آنها، نگرانی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جمله «لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، گنجی از گنج های بهشت است و نود و نه درد را شفا می بخشد که کمترین آنها، اندوه است .

المحاسن به نقل از حسن بصری : با امام باقر علیه السلام در مِنا بودم که مردی از قریش در گذشت . فرمود : «ای ابو سعید! برخیز که نزد جنازه او برویم». چون به گورستان وارد شدیم ، فرمود : «آیا شما را به پنج کاری خبر ندهم که از شمار طاعت اند و طاعت ، به بهشت می کشاند؟». من گفتم : چرا . فرمود : «پنهان داشتن و کتمان مصیبت ؛ صدقه دادن با دست راست، چنان که دست چپ از آن آگاه نشود ؛ اطاعت از پدر و مادر ، که اطاعت از آنان، مورد پسند خداوند است ؛ بسیار گفتن جمله «لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ؛ چرا که [این جمله] از گنج های بهشت است ؛ و دوست داشتن محمّد و خاندان محمّد که درود خدا بر او و بر ایشان ، همگی ، باد».

١١ / ٢ التَّسْبِيحَاتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُلْتُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ فَإِنَّهُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ، وَهُنَّ يَحْطُطْنَ الْخَطَايَا كَمَا تَحْطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا، وَهِيَ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا- أَعْلَمُكُمْ خَمْسَ كَلِمَاتٍ؟ خَفِيفَاتٍ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَاتٍ فِي الْمِيزَانِ، يُرْضِيَنَّ الرَّحْمَنَ، وَيَطْرُدَنَّ الشَّيْطَانَ، وَهُنَّ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، وَمِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ، وَهُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُولُوا: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (٢)

١١ / ٣ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ تَفْسِيرُ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْلَمٍ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (٣) فَقَالَ: فَاتِحَةُ الْكِتَابِ؛ يُثْنَى فِيهَا الْقَوْلُ. قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ مَنْ عَلَيَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ. (٤)

-
- ١- كُنز العميَّال: ج ١٥ ص ٩٥٤ ح ٤٣٦٦٥ نقلاً عن المعجم الكبير وابن مردويه عن أبي الدرداء وراجع: تفسير الطبري: ج ٩ الجزء ١٦ ص ١٢٠ وتاريخ دمشق: ج ٤٧ ص ١٥٠ وتفسير القرطبي: ج ١٠ ص ٤١٥.
 - ٢- عدّه الداعى: ص ٢٤٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٧٥ ح ٢٢.
 - ٣- الحجر: ٨٧.
 - ٤- تفسير العيَّاشي: ج ١ ص ٢٢ ح ١٧، مجمع البيان: ج ١ ص ١٠٩، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٣٨ ح ٤٠.

۱۱ / ۲ تسبیحات

۱۱ / ۳ فاتحه الكتاب

۱۱ / ۲ تسبیحات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بگو: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر و لا حول و لا قوة إلا بالله؛ پاک است خدا. ستایش، از آن خداست. معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگترین است، و هیچ توان و نیرویی جز از سوی خدا نیست»؛ چرا که اینها باقیات صالحات اند، گناهان را همچون برگ درخت می ریزند و از گنج های بهشت اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آیا پنج کلمه به شما نیاموزم که بر زبان، سُبُك، ولی در ترازو [ای اعمال] سنگین اند و خدای مهربان را خشنود می سازند و شیطان را می رانند و از گنج های بهشت اند و در زیر عرش اند و باقیات الصالحات اند؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «بگویید: سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر و لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظیم».

۱۱ / ۳ فاتحه الكتاب تفسیر العیاشی به نقل از محمد بن مسلم: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل: «و ما به تو هفت دوگان و قرآن بزرگ را دادیم» پرسیدم. فرمود: «[مقصود،] فاتحه الكتاب است که در آن، گفته ها دو به دو اند». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند با فاتحه الكتاب که از گنج بهشت است بر من منت نهاد».

رسول الله صلى الله عليه وآله: فَاتِحَةُ الْكِتَابِ أَنْزَلَتْ مِنْ كُنْزِ تَحْتِ الْعَرْشِ . (١)

١١ / ٤: اِنْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اِنْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ كُنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ . (٢)

راجع: ص ٤٩٠ (الفصل الثاني عشر: مفاتيح الجنة / الصلاة).

١١ / ٥: الصَّبْرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّبْرُ كُنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ . (٣)

راجع: ص ٤٩٠ (الفصل الثاني عشر: مفاتيح الجنة / الصبر).

١١ / ٦: تِلْكَ الْخِصَالُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ مِنْ كُنْزِ الْجَنَّةِ: إِخْفَاءُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ، وَقَوْلُ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ: كِتْمَانُ الْفَاقَةِ، وَكِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، وَكِتْمَانُ الْوَجَعِ . (٥)

١- كنز العميال: ج ١ ص ٥٥٧ ح ٢٥٠١ نقلاً عن ابن راهويه عن الإمام علي عليه السلام، المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٢٢٦ ح ٥٢٥ عن معقل بن يسار، الفردوس: ج ٤ ص ٢٧٧ ح ٦٨١٦، أسباب نزول القرآن: ص ٢٢ ح ٢٠ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام وكلها نحوه.

٢- تهذيب الأحكام: ج ٢ ص ٢٣٧ ح ٩٣٧ عن عبد الله الهاشمي عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام.

٣- مسكن الفؤاد: ص ٤٧ عن جابر، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٣٧ ح ٢٢، إحياء علوم الدين: ج ٤ ص ٩١.

٤- تاريخ بغداد: ج ٣ ص ١٨٦ الرقم ١٢٢٥ عن الحارث بن علي، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٥٩ ح ٤٣٤٢٠.

٥- الدعوات: ص ١٦٤ ح ٤٥٢، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٠٨ ح ٢٣.

۱۱ / ۴ انتظار کشیدن برای نماز، پس از هر نماز

۱۱ / ۵ شکیبایی

۱۱ / ۶ و این چند خصلت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فاتحه الکتاب، از گنجی در زیر عرش، نازل شد.

۱۱ / ۴ انتظار کشیدن برای نماز، پس از هر نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : انتظار کشیدن برای نماز [بعدی] پس از هر نماز ، گنجی از گنج های بهشت است.

ر . ک : ص ۴۹۱ (فصل دوازدهم : کلیدهای بهشت / نماز) .

۱۱ / ۵ شکیبایی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شکیبایی ، گنجی از گنج های بهشت است.

ر . ک : ص ۴۹۱ (فصل دوازدهم : کلیدهای بهشت / شکیبایی) .

۱۱ / ۶ و این چند خصلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار چیز، از گنج های بهشت اند : پنهانی دادن صدقه ، پنهان داشتن مصیبت ، صله رحم و ذکر «لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار چیز، از گنج های بهشت اند : نمان داشتن ناداری ، نمانی دادن صدقه ، نمان داشتن مصیبت و نمان داشتن بیماری .

الإمام عليّ عليه السلام: مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ: الْبِرُّ، وَإِخْفَاءُ الْعَمَلِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا، وَكِتْمَانُ الْمَصَائِبِ. (١)

عنه عليه السلام: ثَلَاثٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ: كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، وَكِتْمَانُ الْمَرَضِ. (٢)

١- تحف العقول: ص ٢٠٠، التمهيص: ص ٦٦ ح ١٥٣ عن جابر، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٩٥ ح ٥٩.

٢- الإرشاد: ج ١ ص ٣٠٣، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٢١ ح ٤٠.

امام علی علیه السلام: نیکوکاری، پنهان کردن عمل، شکیبایی در برابر مصیبت‌ها و پوشیده داشتن گرفتاری‌ها، از گنج‌های بهشت‌اند.

امام علی علیه السلام: سه چیز، از گنج‌های بهشت‌اند: پنهانی دادن صدقه، پنهان داشتن مصیبت و پنهان داشتن بیماری.

الفصل الثاني عشر : مفاتيح الجنّة ١٢ / ١ التوحيد رسول الله صلى الله عليه و آله :مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . (١)

١٢ / ٢ الصَّبْرُ الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ الصَّبْرُ . (٢)

١٢ / ٣ الصَّلَاةُ رُسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله :مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ الصَّلَاةُ ، وَمِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الْوُضُوءُ . (٣)

-
- ١- .مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٢٥٧ ح ٢٢١٦٣، مشكاة المصابيح: ج ١ ص ١٩ ح ٤٠، تفسير ابن كثير: ج ٧ ص ١١٢ نحوه وكلها عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ج ١ ص ٤٢٥ ح ١٨٢٥ ؛ المجازات النبويّة : ص ٢٢٧ ح ١٨٢ ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ٣١٢ عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٤٨ ص ١٠٥ ح ٨ .
 - ٢- .مطالب السؤل : ص ٥٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٩ ح ٦٥ .
 - ٣- .سنن الترمذى : ج ١ ص ١٠ ح ٤ ، المعجم الأوسط : ج ٤ ص ٣٣٦ ح ٤٣٦٤ كلاهما عن جابر ، عوالى اللآلى : ج ١ ص ٣٢٢ ح ٥٦ وليس فيه ذيله ، كنز العمال : ج ٢ ص ٦٢ ح ٣١١٦ .

فصل دوازدهم: کلیدهای بهشت

۱ / ۱۲ یکتاپرستی

۲ / ۱۲ شکیبایی

۳ / ۱۲ نماز

فصل دوازدهم: کلیدهای بهشت ۱۲ / ۱ یکتاپرستپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کلیدهای بهشت ، گواهی دادن به یگانگی خدا هستند .

۱۲ / ۲ شکیباییامام علی علیه السلام : کلید بهشت ، شکیبایی است.

۱۲ / ۳ نمازپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کلید بهشت، نماز است و کلید نماز، وضوست.

١٢ / ٤ الجهادُ رسول الله صلى الله عليه و آله :السُّيُوفُ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ . (١)

١- .المستدرك على الصحيحين : ج ٣ ص ٥٦٤ ح ٦٠٨٦ ، تاريخ دمشق : ج ٦٥ ص ٢٢٠ ، الفردوس : ج ٢ ص ٣٤٤ ح ٣٥٥٦
كلها عن يزيد بن شجرة ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢٩٨ ح ١٠٥٨٠ ؛ مستدرك الوسائل : ج ١١ ص ١٣ ح ١٢٢٩٣ نقلاً عن القطب
الراوندى فى لبّ اللباب .

۴ / ۱۲ جهاد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شمشیرها، کلیدهای بهشت اند.

الفصل الثالث عشر : من ضمنته له الجنة ١٣ / ١ من ضم الله له الجنة الكتاب «تلك الجنة التي نورت من عبادنا من كان تقياً» .

(١)

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» . (٢)

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِوْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَٰلِكُمْ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (٣)

الحديث للإمام علي عليه السلام في ذكر حديث معراج النبي صلى الله عليه وآله : قال الله تعالى : ... يا أحمد ، وعزتي وجلالي ، ما من عبد ضمه من لي بأربع خصال إنما أدخلته الجنة : يطوى لسانه فلا يفتحه إلا بما يعينه ، ويحفظ قلبه من الوسواس ، ويحفظ علمي ونظري إليه ، ويكون قرة عينه الجوع . يا أحمد ، لو ذقت حلاوة الجوع والصمت والخلو ، وما ورثوا منها! قال : يا رب ، ما ميراث الجوع؟ قال : الحكمة ، وحفظ القلب ، والتقرب إلى ، والحزن الدائم ، وخفة المؤمن بين الناس ، وقول الحق ، ولا يبالي عاش يبسر أو بعسر . يا أحمد ، هل تدري بأي وقت يتقرب العبد إلى؟ [قال : لا يا رب] (٤) ، قال : إذا كان جائعاً ، أو ساجداً ... يا أحمد ، إن العبد إذا جاع بطنه وحفظ لسانه ، علمته الحكمة ، وإن كان كافراً تكون حكمته حجة عليه ووبالاً . (٥)

١- مريم : ٦٣ .

٢- النساء : ١٢٤ .

٣- التوبة : ١١١ .

٤- ما بين المعقوفين سقط من المصدر ، وأثبتناه من بحار الأنوار .

٥- إرشاد القلوب : ص ١٩٩ ، ٢٠٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٢ ح ٦ .

فصل سیزدهم: کسانی که بهشت برایشان ضمانت شده است

۱۳ / ۱ کسانی که خدا بهشت را برایشان ضمانت کرده است

فصل سیزدهم: کسانی که بهشت برایشان ضمانت شده است ۱۳ / ۱ کسانی که خدا بهشت را برایشان ضمانت کرده استقرآن «این، همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند، به میراث می دهیم».

«و هر کس ، از مرد یا زن ، کار نیک کند و مؤمن هم باشد ، اینان به بهشت می روند و به قدر ارزشی ستم نمی بینند».

«خدا از مؤمنان ، جان و مالشان را خریده است، به بهای این که بهشت برای آنان باشد؛ همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کُشند و کشته می شوند . این به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن، بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش، وفادارتر است؟ پس به این معامله ای که با او کرده اید، شادمان باشید و این، همان کامیابی بزرگ است».

حدیث امام علی علیه السلام در یادکرد از حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : خدای بلندمرتبه فرمود : «ای احمد ! به عزّت و جلالم سوگند، هیچ بنده ای نیست که چهار کار را به من تعهد دهد، مگر آن که او را به بهشت می برم : زبانش را فرو بندد و آن را جز به آنچه برایش سودمند است، نگشاید ؛ دلش را از وسوسه نگه دارد ؛ مراقب کردار خود و نگاه من به خود باشد ؛ و نور چشمش ، گرسنگی کشیدن (روزه داری) باشد . ای احمد! اگر شیرینی گرسنگی و خاموشی و تنهایی و آنچه را از اینها به ارث برده اند، می چشیدی!». پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : پروردگارا ! میراث گرسنگی چیست؟ فرمود : «فرزانگی و نگهداشت دل و نزدیک شدن به من و اندوه همیشگی و سبکبار بودن در میان مردم و گفتن حق و باکی نداشته باشد که در آسانی به سر برد، یا در دشواری . ای احمد! آیا می دانی که چه هنگام، بنده به من نزدیک می شود؟». پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : نه، ای پروردگار ! فرمود : «آن گاه که گرسنه باشد ، یا در سجده باشد ... ای احمد! بنده، هر گاه شکمش گرسنه باشد و زبانش را نگه دارد ، به او حکمت می آموزم و اگر کافر بود ، حکمتش حجت بر ضدّ او و وبالش خواهد بود».

١٣ / ٢ مَنْ ضَمَّنَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْجَنَّةَ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ يَضْمَنُ لِي مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ
أَضْمَنُ لَهُ الْجَنَّةَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَوَكَّلَ لِي مَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ وَمَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ تَوَكَّلْتُ لَهُ بِالْجَنَّةِ . (٢)

-
- ١- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٧٦ ح ٦١٠٩، السنن الكبرى: ج ٨ ص ٢٨٧ ح ١٦٦٧١، مشكاة المصابيح: ج ٢ ص ٥٧٧ ح ٤٨١٢ كلها عن سهل بن سعد، شعب الإيمان: ج ٤ ص ٢٣٦ ح ٤٩١٥ عن جابر، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٠٦ ح ٤٣٢٠٥؛ معانى الأخبار: ص ٤١١ ح ٩٩ عن أبي هريره وفيه «ضمنت» بدل «أضمن»، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٧٢ ح ١٨.
- ٢- صحيح البخارى: ج ٦ ص ٢٤٩٧ ح ٦٤٢٢، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٣١ ح ٢٢٨٨٦، صحيح ابن حبان: ج ١٣ ص ٨ ح ٥٧٠١، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٣٩٩ ح ٨٠٦٥، سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٠٦ ح ٢٤٠٨ نحوه وكلها عن سهل بن سعد، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٠٦ ح ٤٣٢٠٢.

۱۳ / ۲ کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله بهشت را برایشان ضمانت کرده است

۱۳ / ۲ کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله بهشت را برایشان ضمانت کرده است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به من تضمین دهد که زبان و دامنش را نگه می دارد، من بهشت را برایش ضمانت می کنم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حفظ دامن و زبانش را به من تضمین دهد، من بهشت را برایش ضمانت می کنم.

حليه الأولياء عن عبد الله بن مسعود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ ضَمَّ بَطْنَ هَذَا وَأَشَارَ إِلَى لِسَانِهِ وَهَذَا وَأَشَارَ إِلَى بَطْنِهِ ضَمِنْتُ لَهُ الْجَنَّةَ. (١)

سنن ابن ماجه عن عبد الرحمن بن يزيد: قَالَ ثَوْبَانُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ يَتَقَبَّلُ لِي بِوَاحِدِهِ وَأَتَقَبَّلُ لَهُ بِالْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: أُنَا، قَالَ: لَا- تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا. قَالَ [عَبْدُ الرَّحْمَنِ]: فَكَانَ ثَوْبَانُ يَقَعُ سَوْطُهُ وَهُوَ رَاكِبٌ، فَلَا يَقُولُ لِأَحَدٍ: نَاوِلْنِي، حَتَّى يَنْزِلَ فَيَأْخُذَهُ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: جَاءَتْ فِخْذٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ، فَرَدَّ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَنَا إِلَيْكَ حَاجَةٌ، فَقَالَ: هَاتُوا حَاجَتَكُمْ، قَالُوا: إِنَّهَا حَاجَةٌ عَظِيمَةٌ، فَقَالَ: هَاتُوهَا مَا هِيَ؟ قَالُوا: تَضَمَّنَ لَنَا عَلَى رَبِّكَ الْجَنَّةَ! قَالَ: فَنَكَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأْسَهُ ثُمَّ نَكَتَ فِي الْأَرْضِ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: أَفَعَلُ ذَلِكَ بِكُمْ عَلَى أَنْ لَا تَسْأَلُوا أَحَدًا شَيْئًا. (٣)

عنه عليه السلام: إِنَّ قَوْمًا أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِضْمَنْ لَنَا عَلَى رَبِّكَ الْجَنَّةَ! قَالَ: فَقَالَ: عَلَى أَنْ تُعِينُونِي بِطُولِ السُّجُودِ، قَالُوا: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَضَمِنَ لَهُمُ الْجَنَّةَ. قَالَ: فَبَلَغَ ذَلِكَ قَوْمًا مِنَ الْأَنْصَارِ، فَأَتَوْهُ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِضْمَنْ لَنَا الْجَنَّةَ! قَالَ: عَلَى أَنْ لَا تَسْأَلُوا أَحَدًا شَيْئًا، قَالُوا: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: فَضَمِنَ لَهُمُ الْجَنَّةَ. فَكَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَسْقُطُ سَوْطُهُ وَهُوَ عَلَى دَابَّتِهِ، فَيَنْزِلُ حَتَّى يَتَنَاوَلَهُ، كَرَاهِيَةَ أَنْ يَسْأَلَ أَحَدًا شَيْئًا، وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ لَيَنْقَطِعَ شِسْعُهُ (٤) فَيَكْرَهُ أَنْ يَطْلُبَ مِنْ أَحَدٍ شِسْعًا. (٥)

- ١- .حليه الأولياء: ج ٩ ص ٣٢٥، تاريخ دمشق: ج ٥٨ ص ٢٨١ ح ١٢١١٥، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٥٧ ح ٧٨٩٤.
- ٢- .سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٥٨٨ ح ١٨٣٧، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٣٢٤ ح ٢٢٤٤٨، السنن الكبرى: ج ٤ ص ٣٣٠ ح ٧٨٧٥، حليه الأولياء: ج ١ ص ١٨١، كنز العمال: ج ٦ ص ٤٩٦ ح ١٦٦٩٦ وراجع: سنن ابى داوود: ج ٢ ص ١٢١ ح ١٦٤٣ و تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٤٥.
- ٣- .الكافي: ج ٤ ص ٢١ ح ٥ عن أبى بصير، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٧١ ح ١٧٥٨ من دون إسنادٍ إلى الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ١٢٩ ح ١٠٤.
- ٤- .الشُّعْبُ: أحد سيور النعل؛ وهو الذى يدخل بين الإصبعين (لسان العرب: ج ٨ ص ١٨٠ «شسع»).
- ٥- .الأمالى للطوسى: ص ٦٦٤ ح ١٣٨٩، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧٩ كلاهما عن هشام، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ١٥٧ ح ٣٤.

حلیه الأولیاء به نقل از عبد الله بن مسعود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس این (به زبانش اشاره فرمود) و این را (به شکمش اشاره فرمود) نگه دارد، بهشت را برایش ضمانت می کنم».

سنن ابن ماجه به نقل از عبد الرحمان بن یزید: ثوبان گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کیست که یک چیز را برای من متعهد شود و من، بهشت را برایش تعهد کنم؟». گفتم: من. فرمود: «از مردم چیزی خواه». از آن پس، ثوبان اگر سواره بود و تازیانه اش می افتاد، به هیچ کس نمی گفت: تازیانه ام را بده. بلکه خودش پیاده می شد و آن را بر می داشت.

امام صادق علیه السلام: طایفه ای از انصار، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند و بر ایشان سلام گفتند و ایشان پاسخ سلامشان را داد. آنها گفتند: ای پیامبر خدا! با شما حاجتی داریم. فرمود: «حاجتان را بگویید». گفتند: حاجت بزرگی است! فرمود: «آن را بگویید. آن چیست؟». گفتند: بهشت را نزد پروردگارت برای ما ضمانت کن. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سرش را پایین انداخت و لختی [متفکرانه] به زمین، خیره شد. سپس سرش را بلند کرد و فرمود: «این کار را برایتان می کنم، به شرط آن که شما نیز از هیچ کس چیزی نخواهید».

امام صادق علیه السلام: گروهی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: «ای پیامبر خدا! بهشت را برایمان نزد پروردگارت ضمانت کن». فرمود: «به شرط آن که شما نیز با سجده طولانی، مرا کمک کنید». گفتند: قبول است، ای پیامبر خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بهشت را برایشان ضمانت کرد. این خبر به گوش گروهی از انصار رسید. آنها نیز نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا! بهشت را برای ما ضمانت کن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به شرط آن که از کسی چیزی نخواهید». گفتند: قبول است، ای پیامبر خدا! آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله بهشت را برایشان ضمانت کرد. از آن پس، هر گاه مردی از آنان بر چارپایش سوار بود و شلاقش می افتاد، خودش پیاده می شد و آن را بر می داشت؛ چون دوست نداشت از کسی چیزی بخواهد، و اگر بند کفش یکی از آنان پاره می شد، دوست نداشت از کسی، بند کفشی بخواهد.

كنز الفوائد فى ذكر غزوة الخندق: روى فى الحديث أنه لما أتت الأحزاب وحاصرت المدينة بضعا وعشرين ليلة، طاف المشركون بالخندق فلم يكن منهم من يقدم عليه غير عمرو بن عبد ود، فبأنه ضرب فرسه فعبر به عرضه، وحصّل فى حيز المدينة، فأخذ يرتجز فى ممره ومجيئه على رسول الله صلى الله عليه وآله وينادى بالبراز، ولا يجيبه أحد! فقال رسول الله صلى الله عليه وآله لأصحابه وهم مطيفون به: أيكم يبرز إلى عمرو، أضمن له على الله الجنة؟ فلم يجبه منهم أحد؛ هيبه لعمرو واستعظاما لأمره. فقام علي بن أبي طالب عليه السلام، فقال له: اجلس. ونادى أصحابه دفعة أخرى، فلم يقم منهم أحد، والقوم ناكسوا رؤوسهم. فقام علي بن أبي طالب عليه السلام، فأمره بالجلوس. ونادى الثالثة، فلما لم يجبه أحد سواه، استدناه وعممه بيده، وأمره بالبروز إلى عدوه. فتقدم إليه، ورسول الله صلى الله عليه وآله يقول: برز الإيمان كله إلى الشرك كله. (١)

عوالى اللآلى: روى عنه صلى الله عليه وآله: من أقام الصلوات الخمس واجتنب الكبائر السبع، نودى يوم القيامة يدخل الجنة من أي باب شاء. فقال رجل للزاوى: الكبائر السبع سمعتهن من رسول الله صلى الله عليه وآله؟ قال: نعم؛ الشرك بالله، وعقوق الوالدين، وقذف المحصنات، والقتل، والفرار من الزحف، وأكل مال اليتيم، والزنا. (٢)

١- كنز الفوائد: ج ١ ص ٢٩٧.

٢- عوالى اللآلى: ج ٣ ص ٥٦١ ح ٥٨؛ تفسير ابن كثير: ج ٢ ص ٢٣٨ عن عبد الله عمرو، كنز العمّال: ج ٣ ص ٥٤٤ ح ٧٨١٧ نقلاً عن المعجم الكبير عن عبد الله بن عمر وكلاهما نحوه.

کنز الفوائد: در جنگ خندق، مشرکان، بیست شب، خندق را در میان گرفته بودند و کسی از آنان از خندق عبور نکرد، بجز عمرو بن عبدود که اسبش را هی زد و از خندق گذشت و در طرف مدینه قرار گرفت. او به سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می رفت و می آمد و رجز می خواند و مبارز می طلبید؛ اما کسی جوابش را نمی داد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یارانش که گرداگردش را گرفته بودند، فرمود: «کدام یک از شما به جنگ عمرو می رود و من در نزد خداوند، بهشت را برایش ضمانت می کنم؟». هیچ یک از آنان از ترس عمرو، جواب پیامبر صلی الله علیه و آله را نداد. علی بن ابی طالب علیه السلام برخاست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بنشین». پیامبر صلی الله علیه و آله بار دیگر از یارانش خواست؛ اما این بار نیز کسی برخاست و همگی سرهایشان را به زیر انداخته بودند. دوباره علی بن ابی طالب علیه السلام برخاست و باز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که بنشینند. پیامبر صلی الله علیه و آله بار سوم به یارانش فرمود و این بار نیز جز علی علیه السلام، کسی اجابت نکرد. پس، پیامبر صلی الله علیه و آله او را به نزدیک خود، فرا خواند و با دست خویش، دستار بر سرش نهاد و فرمود که به جنگ دشمنش برود و علی علیه السلام به سوی او رفت، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [همیشه، در نقل آن واقعه] می فرمود: «همه ایمان به مبارزه با همه شرک رفت».

عوالی اللالی: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که: «هر کس نمازهای پنجگانه را به جا آورد و از گناهان هفتگانه دوری کند، روز قیامت به او گفته می شود که از هر در بهشت که می خواهد، وارد آن شود». مردی به راوی گفت: آن گناهان هفتگانه را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدی که چیستند؟ راوی گفت: آری؛ شرک به خدا، آزردن پدر و مادر، تهمت زدن به زنان پاک دامن، قتل، فرار از میدان جهاد، خوردن مال یتیم و زنا.

تاريخ دمشق عن أبي هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَمَضَانَ فَسَيَلِمَ مِنْ ثَلَاثٍ ضَمِنْتُ لَهُ الْجَنَّةَ .
فَقَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَعْلَى مَا فِيهِ سِوَى الثَّلَاثَةِ؟ قَالَ: عَلَى مَا فِيهِ سِوَى الثَّلَاثَةِ: لِسَانِهِ، وَبَطْنِهِ، وَفَرْجِهِ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِبْنُ آدَمَ! أَكْفَلُ لِي بِثَلَاثٍ، أَكْفَلُ لَكَ بِالْجَنَّةِ: إِنْ قَنَعْتَ بِمَا رَزَقَكَ اللَّهُ فَأَنْتَ أَغْنَى النَّاسِ، وَإِنْ
انْتَهَيْتَ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ فَأَنْتَ أَرْبِحُ النَّاسِ، وَإِنْ عَمِلْتَ بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَأَنْتَ أَوْفَرُ النَّاسِ . (٢)

الخصال عن تميم الدارى: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ يَضْمَنُ لِي خَمْسًا أَضْمَنُ لَهُ الْجَنَّةَ، قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ
اللَّهِ؟ قَالَ: النَّصِيحَةُ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَالنَّصِيحَةُ لِرَسُولِهِ، وَالنَّصِيحَةُ لِكِتَابِ اللَّهِ، وَالنَّصِيحَةُ لِذَيْنِ اللَّهِ، وَالنَّصِيحَةُ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ .
(٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِضْمَنُوا لِي سِتَّةَ أَضْمَنَ لَكُمْ الْجَنَّةَ: لَا- تَظْلِمُوا عِنْدَ قِسْمِهِ مَوَارِيثِكُمْ، وَلَا- تَعْلُوا غَنَائِمَكُمْ، وَلَا
تَجْتَبِئُوا عَنْ قِتَالِ عَدُوِّكُمْ، وَامْنَعُوا ظَالِمَكُمْ مِنْ مَظْلُومِكُمْ، وَأَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، وَلَا تَحْمِلُوا عَلَى اللَّهِ ذُنُوبَكُمْ . (٤)

١- تاريخ دمشق: ج ٥٤ ص ١٦٦ ح ١١٤٢٣، كنز العمال: ج ٨ ص ٥٨٥ ح ٢٤٢٧٩ .

٢- تيسير المطالب: ص ٣٧٦ عن الأصبغ بن نباته عن الإمام الحسن عليه السلام .

٣- الخصال: ص ٢٩٤ ح ٦٠، مشكاة الأنوار: ص ٥٣٣ ح ١٧٨٦، روضه الواعظين: ص ٤٦٤ وليس فيهما «قيل: وما هي يا
رسول الله؟»، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٦٥ ح ١ .

٤- تيسير المطالب: ص ٣٩٥، المعجم الكبير: ج ٨ ص ٢٨٢ ح ٨٠٨٢ نحوه وكلاهما عن أبي أمامه، كنز العمال: ج ١٥ ص
٨٩٣ ح ٤٣٥٣٣ .

تاریخ دمشق به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس یک روز از رمضان را روزه بگیرد و از سه چیز به سلامت ماند، بهشت را برایش ضمانت می‌کنم». ابو عبیده جراح گفت: ای پیامبر خدا! اگر چه هر عیب دیگری داشته باشد؟ فرمود: «اگر چه هر عیب دیگری داشته باشد. آن سه عبارت اند از: زبان و شکم و شهوت».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای پسر آدم! سه چیز را برایم بر عهده گیر تا بهشت را برایت بر عهده بگیرم: اگر به آنچه خدا روزی تو کرده است، خرسند باشی، تو بی نیازترین مردمانی. اگر از آنچه خدا حرام کرده است، خودداری ورزی، تو برنده ترین مردمانی و اگر به آنچه خدا بر تو واجب گردانیده است، عمل کنی، تو داراترین مردمانی.

الخصال به نقل از تمیم داری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس پنج چیز را برایم ضمانت کند، من بهشت را برایش ضمانت می‌کنم». گفته شد: ای پیامبر خدا! آن پنج چیز، کدام اند؟ فرمود: «یک دلی با خداوند عز و جل، یک دلی با پیامبر او، یک دلی با کتاب خدا، یک دلی با دین خدا و یک دلی با جامعه مسلمانان».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شش کار را برایم تعهد کنید، من بهشت را برایتان متعهد می‌شوم: در هنگام تقسیم میراثتان، ستم روا مدارید، به غنایمتان دستبرد نزنید، از جنگیدن با دشمنان دوری نکنید، ستمگرتان را از ستم دیده تان باز دارید، با مردم، انصاف بورزید و گناهانتان را به گردن خدا نیندازید.

المعجم الأوسط عن أبي هريره عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ قَالَ لِمَنْ حَوَّلَهُ مِنْ أُمَّتِهِ: أَكْفُلُوا لِي بِسِتِّ خِصَالٍ وَأَكْفُلْ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ . قُلْتُ : مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : الصَّلَاةُ ، وَالزَّكَاةُ ، وَالْأَمَانَةُ ، وَالْفَرَجُ ، وَالْبَطْنُ وَاللِّسَانُ . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله :إِضْمَنُوا لِي سِتًّا مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَضْمَنَ لَكُمْ الْجَنَّةَ : أَصْدُقُوا إِذَا حَدَّثْتُمْ ، وَأَوْفُوا إِذَا وَعَدْتُمْ ، وَأَدُّوا إِذَا ائْتَمْتُمْ ، وَاحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ ، وَغَضُّوا أَبْصَارَكُمْ ، وَكَفُّوا أَيْدِيَكُمْ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله :تَقَبَّلُوا لِي سِتًّا أَتَقَبَّلُ لَكُمْ الْجَنَّةَ : إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا ، وَإِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا ، وَإِذَا ائْتَمْتُمْ فَلَا تَخُونُوا ، وَغَضُّوا أَبْصَارَكُمْ ، وَاحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ ، وَكَفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ عَنِ الْحَرَامِ ، تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله :أَنَا زَعِيمٌ بِبَيْتٍ فِي رِبْضِ الْجَنَّةِ (٤) لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ (٥) وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا ، وَبَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْكِذْبَ وَإِنْ كَانَ مَازِحًا ، وَبَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ لِمَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ . (٦)

- ١- المعجم الأوسط : ج ٥ ص ١٥٤ ح ٤٩٢٥ و ج ٨ ص ٢٦٨ ح ٨٥٩٩ ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٩٣ ح ٤٣٥٣٠ .
- ٢- مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٤١٢ ح ٢٢٨٢١ ، صحيح ابن حبان : ج ١ ص ٥٠٦ ح ٢٧١ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٣٩٩ ح ٨٠٦٦ كلاً عن عباده بن الصامت ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٩٣ ح ٤٣٥٣١ .
- ٣- تنبيه الغافلين : ص ٤٧١ ح ٧٣٣ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٤٠٠ ح ٨٠٦٧ ، شعب الإيمان : ج ٤ ص ٧٨ ح ٤٣٥٥ كلاهما نحوه ؛ الخصال : ص ٣٢١ ح ٥ كلاً عن أنس ، مشكاة الأنوار : ص ٣٠١ ح ٩٣٣ روضه الواعظين : ص ٥١٣ وفي الثلاثة الأخيره «وألستكم» بدل «وأرجلكم عن الحرام، تدخلوا جنة ربكم» .
- ٤- رِبْضُ الْجَنَّةِ : ما حولها خارجا عنها، تشبيها بالأبنية التي تكون حول المدن (النهاية : ج ٢ ص ١٨٥ «ربض»).
- ٥- المِرَاءُ : الجدال (النهاية : ج ٤ ص ٣٢٢ «مرا»).
- ٦- سنن ابى داوود : ج ٤ ص ٢٥٣ ح ٤٨٠٠ ، السنن الكبرى : ج ١٠ ص ٤٢٠ ح ٢١١٧٦ كلاهما عن أبى أمامه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٦٤٢ ح ٨٢٩٩ ؛ الخصال : ص ١٤٤ ح ١٧٠ عن جبله الإفريقي نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٣٨٨ ح ٣٩ وراجع : سنن الترمذى : ج ٤ ص ٣٥٨ ح ١٩٩٣ وسنن ابن ماجه : ج ١ ص ١٩ ح ٥١ .

المعجم الأوسط به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به کسانی از امتش که پیرامون او بودند ، فرمود : «نگهداری از [شش چیز را برای من متعهد شوید ، من بهشت را برایتان متعهد می شوم] . من گفتم : آنها چیستند، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «نماز ، زکات ، امانت ، دامن ، شکم و زبان» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شش کار را برایم ضمانت دهید ، من بهشت را برایتان ضمانت می کنم : هر گاه سخن گفتید ، راست بگویید ؛ هر گاه وعده دادید ، وفا کنید ؛ هر گاه امانتی به شما سپرده شد ، آن را به صاحبش باز گردانید ؛ دامن خود را پاک نگه دارید ؛ چشمانتان را [از حرام] فرو بندید ؛ و دست هایتان را [از حرام و ستم] باز دارید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شش چیز را برای من تقبل کنید ، من بهشت را برای شما تقبل می کنم : هر گاه سخن گفتید ، دروغ نگویید ؛ هر گاه وعده دادید ، خلف وعده نکنید ؛ هر گاه امانتی به شما سپرده شد ، خیانت نکنید ؛ چشمانتان را [از حرام] فرو بندید ؛ دامن خویش را حفظ کنید ؛ و دست و پای خود را از حرام نگه دارید تا به بهشت پروردگارتان وارد شوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من برای کسی که از مجادله دست بردارد ، اگرچه حق با او باشد ، خانه ای را در حومه (پایین) بهشت ، ضمانت می کنم ، و برای کسی که از دروغ گفتن ، حتی به شوخی ، خودداری کند ، خانه ای را در وسط بهشت ، ضمانت می کنم ، و برای کسی که خوش اخلاق باشد ، خانه ای را در بالای بهشت ، ضمانت می کنم .

عنه صلى الله عليه و آله :أَنَا زَعِيمٌ وَالزَّعِيمُ الْحَمِيلُ (١) لِمَنْ آمَنَ بِي وَأَسْلَمَ وَهَاجَرَ ، بَيْتٍ فِي رَبْضِ الْجَنَّةِ وَبَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ .
وَأَنَا زَعِيمٌ لِمَنْ آمَنَ بِي وَأَسْلَمَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، بَيْتٍ فِي رَبْضِ الْجَنَّةِ وَبَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ وَبَيْتٍ فِي أَعْلَى غُرْفِ الْجَنَّةِ .
مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَلَمْ يَدْعِ لِلْخَيْرِ مَطْلَبًا وَلَا مِنَ الشَّرِّ مَهْرَبًا يَمُوتُ حَيْثُ شَاءَ أَنْ يَمُوتَ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ يَضْمَنُ لِي أَرْبَعًا بِأَرْبَعِهِ آيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ؟ أَنْفَقَ وَلَا تَخَفَ فَقْرًا ، وَأَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ ، وَأَفْشِ
السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ ، وَاتْرُكِ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا . (٣)

١٣ / ٣ من ضَمِنَ لَهُ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْجَنَّةَ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :ضَمِنْتُ لِسِتَّةِ الْجَنَّةِ : رَجُلٌ خَرَجَ بِصَدَقَةٍ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ ،
وَرَجُلٌ خَرَجَ يَعُودُ مَرِيضًا فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ ، وَرَجُلٌ خَرَجَ مُجَاهِدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ ، وَرَجُلٌ خَرَجَ حَاجًّا فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ ،
وَرَجُلٌ خَرَجَ إِلَى الْجُمُعَةِ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ ، وَرَجُلٌ خَرَجَ فِي جِنَازِهِ رَجُلٌ مُسْلِمٌ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ . (٤)

١- .الْحَمِيلُ : الكَفِيلُ (النهاية : ج ١ ص ٤٤٢ «حمل»). قال ابن حَبَّانَ : الزعيم لغة أهل المدينة، والحميل لغة أهل المصر،
والكفيل لغة أهل العراق ويشبه أن يكون قوله «والزعيم الحميل» من قول ابن وهب [أحد رواه الخبر] أدرج في الخبر (هامش
المصدر).

٢- .سنن النسائي : ج ٦ ص ٢١ ، صحيح ابن حَبَّانَ : ج ١٠ ص ٤٨٠ ح ٤٦١٩ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٢ ص ٨١ ح
٢٣٩١ ، السنن الكبرى : ج ٦ ص ١١٩ ح ١١٣٩٤ كلاهما نحوه وكلها عن فضالة بن عبيد ، كنز العمال : ج ١ ص ٧٠ ح ٢٧٤ .

٣- .الزهدي للحسين بن سعيد : ص ٤ ح ٣ عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافي : ج ٢ ص ١٤٤ ح ٢ ،
الخصال : ص ٢٢٣ ح ٥٢ ، المحاسن : ج ١ ص ٧٠ ح ٢٢ والثلاثة الأخيره عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام
من دون إسنادٍ إلى النبي صلى الله عليه و آله ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٦٢ ح ١٧١١ عن الإمام الصادق عليه السلام
، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣٩٠ ح ٦١ .

٤- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ١٤٠ ح ٣٨٤ .

۱۳ / ۳ کسانی که امام علی علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من برای کسی که به من ایمان آورد و مسلمان شود و هجرت کند، خانه ای را در حومه (پایین) بهشت و خانه ای را در وسط بهشت، ضمانت می کنم، و برای کسی که به من ایمان آورد و مسلمان شود و در راه خدا جهاد کند، خانه ای را در حومه بهشت و خانه ای را در وسط بهشت و خانه ای را در بالاترین بالاخانه های بهشت، ضمانت می کنم. کسی که چنین کند، جایی برای طلب خوبی ها و گریز از بدی ها فرو نگذاشته است. بمیرد، هر جا که خواست بمیرد. (۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کیست که چهار کار را به من ضمانت دهد تا در برابر آنها، من چهار خانه در بهشت برایش ضمانت کنم؟ انفاق کن و از دچار شدن به فقر، بیم مدار؛ با مردم به انصاف، رفتار کن؛ سلام گفتن را در عالم، رواج بده؛ و مجادله را وا گذار، اگرچه تو بر حق باشی.

۱۳ / ۳ کسانی که امام علی علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است امام علی علیه السلام: من بهشت را برای شش کس ضمانت می کنم: مردی که برای دادن صدقه ای [واجب یا مستحبی] بیرون رود [تا آنان را به اهلش برساند] و [در راه] بمیرد، بهشتی است؛ مردی که برای عیادت بیماری بیرون رود و بمیرد، بهشتی است؛ مردی که برای جهاد در راه خدا بیرون رود و بمیرد، بهشتی است؛ مردی که برای حج بیرون رود و بمیرد، بهشتی است؛ مردی که برای شرکت در نماز جمعه بیرون رود و بمیرد، بهشتی است؛ و مردی که برای تشییع جنازه مرد مسلمانی بیرون رود و بمیرد، بهشتی است.

۱- ظاهر امر، این است که چنین شخصی هر آنچه خوبی است، به دست آورده و از هر آنچه بدی است، رهیده است و دیگر مهم نیست که در چه جایی بمیرد؛ در هجرت یا در میدان جهاد.

١٣ / ٤ من ضمّن له الإمام الباقر عليه السلام الجنّة الخرائج والجرائح عن أبي بصير: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ دَرَّاجٍ عِنْدَ الْمَوْتِ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: إِنَّ الْمُخْتَارَ اسْتَعْمَلَنِي عَلَى بَعْضِ أَعْمَالِهِ وَأَصَبْتُ مَا لَمْ أَفْزَعْ بَعْضُهُ وَأَكَلْتُ وَأَعْطَيْتُ بَعْضًا، فَأَنَا أَحِبُّ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي حِلٍّ مِنْ ذِلَّتِكَ. قَالَ: أَنْتَ مِنْهُ فِي حِلٍّ. فَقُلْتُ: وَإِنَّ فُلَانًا حَدَّثَنِي أَنَّهُ سَأَلَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يُقَطِّعَنَا أَرْضًا فِي الرَّجْعَةِ، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا أَصْنَعُ بِكَ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ: أَضْمَنُ لَكَ الْجَنَّةَ عَلَيَّ وَعَلَى آبَائِي. فَهَوَّلَ كَانَ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ. فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ ذَلِكَ: إِضْمَنْ لِي الْجَنَّةَ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ السَّلَامُ كَمَا ضَمَّنَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِفُلَانٍ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: حَدَّثَنِي هُوَ بِهَذَا ثُمَّ مَاتَ، وَمَا حَدَّثْتُ بِهَذَا أَحَدًا. ثُمَّ خَرَجْتُ وَدَخَلْتُ الْمَدِينَةَ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا نَظَرُ إِلَيَّ قَالَ: مَاتَ عَلِيٌّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ وَرَحِمَهُ اللَّهُ. فَقَالَ: حَدَّثَكَ كَذَا وَكَذَا، فَلَمْ يَدَعْ شَيْئًا مِمَّا حَدَّثَنِي عَلَيْهَا إِلَّا حَدَّثَنِي بِهِ. فَقُلْتُ: وَاللَّهِ مَا كَانَ عِنْدِي حِينَ حَدَّثَنِي هُوَ بِهَذَا أَحَدٌ وَلَا خَرَجَ مِنِّي إِلَى أَحَدٍ، فَمِنْ أَيْنَ عَلِمْتَ هَذَا؟! فَغَمَزَ فِخْذِي بِيَدِهِ فَقَالَ هِيَ، هِيَ! أَسْكُتِ الْآنَ. (١)

١٣ / ٥ من ضمّن له الإمام الصادق عليه السلام الجنّة للإمام الصادق عليه السلام: مَنْ يَضْمَنُ لِي أَرْبَعَةَ بَارِئَةٍ فِي الْجَنَّةِ؟ أَنْفِقْ وَلَا تَخَفْ فَقْرًا، وَأَفْشِ السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ، وَاتْرُكِ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا، وَأَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ. (٢)

١- الخرائج والجرائح: ج ٢ ص ٧٢٩ ح ٣ وراجع: بصائر الدرجات: ص ٢٤٨ ح ١٤.

٢- الكافي: ج ٢ ص ١٤٤ ح ٢ و ج ٤ ص ٤٤ ح ١٠، الخصال: ص ٢٢٣ ح ٥٢، المحاسن: ج ١ ص ٧٠ ح ٢٢ كلّها عن معاوية بن وهب، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٦٢ ح ١٧١١، بحار الأنوار: ج ٩٦ ص ١٢٠ ح ٢١.

۱۳ / ۴ کسانی که امام باقر علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است**۱۳ / ۵ کسانی که امام صادق علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است**

۱۳ / ۴ کسانی که امام باقر علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده استالخراج و الجرائح به نقل از ابو بصیر: علی بن دَرّاج در حال احتضار برایم نقل کرد که بر امام باقر علیه السلام وارد شده و گفته: مختار، مرا برای انجام دادن برخی کارهایش گماشت و من مالی را به دست آوردم. مقداری از آن از دست رفت، مقداری را خودم برداشتم و مصرف کردم و مقداری را هم بخشیدم. مایلیم که آن را برایم حلال کنید. فرمود: «حلال باشد». [ابن دَرّاج گفت:]: گفتم: فلانی برایم روایت کرد که از امام حسن علیه السلام خواسته که زمینی را در رجعه به ما واگذار نماید و امام حسن علیه السلام به او فرموده: «من برایت بهتر از این را انجام می‌دهم. بهشت را برایت ضمانت می‌کنم. بر عهده من و پدرانم باشد!». آیا چنین چیزی بوده؟ فرمود: «آری». این جا بود که به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا شما هم برای من، بهشت را تضمین می‌کنی سلام بر تو و بر پدرانانت، همان طور که امام حسن علیه السلام برای فلانی تضمین کرد؟ فرمود: «آری». علی بن دَرّاج این را به من گفت و مُرد و من هم این خبر را به کسی نگفتم. سپس رفتم و وارد مدینه شدم و خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. وقتی به من نگاه انداخت، فرمود: «علی مُرد؟». گفتم: آری. خدا رحمتش کند! فرمود: «فلان و بهمان مطلب را به تو گفت» و از آنچه علی بن دَرّاج به من گفته بود، چیزی را فروگذار نکرد، مگر این که به من فرمود. گفتم: به خدا سوگند، آن هنگام که علی این حرف‌ها را به من گفت، هیچ کس نزد من نبود و از ناحیه من هم به کسی گفته نشده است. پس شما از کجا اینها را فهمیدی؟». ایشان را با دستش فشار داد و فرمود: «خاموش، خاموش! اکنون ساکت باش».

۱۳ / ۵ کسانی که امام صادق علیه السلام بهشت را برایشان ضمانت کرده است امام صادق علیه السلام: چه کسی چهار چیز را به من تضمین می‌دهد تا من چهار خانه در بهشت را برای او تضمین کنم؟ انفاق کن و از تنگ دستی مترس؛ به همه در هر کجا سلام کن؛ مجادله کردن را رها کن، اگر چه حق به جانب تو باشد؛ و با مردم، انصاف داشته باش.

مشكاة الأنوار عن عبد الملك النوفلي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أبلغ مَوَالِيَّ عَنِّي السَّلَامَ وَأخبرهم أَنِّي أَضْمَنُ لَهُمُ الْجَنَّةَ مَا خَلَا سَبْعًا: مُدْمِنٌ خَمْرٍ أَوْ مَيْسِرٍ، أَوْ رَادٌّ عَلَى مُؤْمِنٍ، أَوْ مُسْتَكْبِرٌ عَلَى مُؤْمِنٍ، أَوْ مَنَعَ مُؤْمِنًا مِنْ حَاجَتِهِ، أَوْ مَنَ أَتَاهُ مُؤْمِنٌ فِي حَاجَتِهِ فَلَمْ يَقْضِهَا لَهُ، أَوْ مَنَ خَطَبَ إِلَيْهِ مُؤْمِنٌ فَلَمْ يُزَوِّجْهُ. قَالَ: قُلْتُ: لَا وَاللَّهِ، لَا يَرِدُ عَلَيَّ أَحَدٌ مِمَّنْ وَحَدَّ اللَّهُ بِكَمَالِهِ كَانِنًا مَن كَانَ فَأَخْلَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَالِي، فَقَالَ: صَدَقْتَ، إِنَّكَ صَدِيقٌ قَدِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَكَ لِلتَّسْلِيمِ وَالْإِيمَانِ. (١)

فضائل الشيعة عن محمد بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام، قَالَ [محمد]: خَرَجْتُ أَنَا وَأَبِي ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَإِذَا هُوَ بِأَنَاسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْمِنْبَرِ، قَالَ: فَدَنَا مِنْهُمْ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَقَالَ: إِنِّي وَاللَّهِ لَأُحِبُّ رِيحَكُمْ وَأُرَوِّحُكُمْ فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ. وَعَلِمُوا أَنَّ وَلَايَتَنَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ مَنِ اتَّمَّ مِنْكُمْ بِقَوْمٍ فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِهِمْ. أَنْتُمْ شِيعَةُ اللَّهِ وَأَنْتُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ، وَأَنْتُمْ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ، وَالسَّابِقُونَ الْآخِرُونَ، وَالسَّابِقُونَ فِي الدُّنْيَا إِلَى مَحَبَّتِنَا، وَالسَّابِقُونَ فِي الْآخِرَةِ إِلَى الْجَنَّةِ: ضَمِنْتُ لَكُمْ الْجَنَّةَ بِضَمَانِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَضَمَانِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْتُمْ الطَّيِّبُونَ وَنَسَاؤُكُمْ الطَّيِّبَاتُ، كُلُّ مُؤْمِنَةٍ حَوْرَاءٍ، وَكُلُّ مُؤْمِنٍ صَدِيقٌ. (٢)

١- مشكاة الأنوار: ص ١٨٢ ح ٤٦٨، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٠ ح ٨.

٢- فضائل الشيعة: ص ٥١ ح ٨، الأمالى للصدوق: ص ٧٢٥ ح ٩٩٢ عن أبي بصير، مشكاة الأنوار: ص ١٦٩ ح ٤٣٧ عن علي بن حمران عن أبيه، روضه الواعظين: ص ٣٢٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٦٥ ح ١١٨.

مشکاه الأنوار به نقل از عبد الملک توفلی: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. به من فرمود: «از من به دوستانم سلام برسان و به ایشان بگو که: من بهشت را برایشان ضمانت می کنم، مگر برای هفت نفر: شرابخوار، یا قمارباز، یا آن که مؤمنی را رد کند، یا آن که بر مؤمنی بزرگی فروشد، یا آن که مؤمنی را از حاجتی محروم سازد، یا آن که مؤمنی حاجتی نزد او آورد و او حاجتش را برآورده نسازد، یا آن که مؤمنی دخترش را از او خواستگاری کند و او موافقت نکند». من گفتم: به خدا سوگند، هر مؤمنی که موخید کامل باشد و [برای حاجتی] نزد من آید، هر کس که باشد، دست او را در اموالم کاملاً باز می گذارم. فرمود: «درست می گویی. تو، مؤمن راستینی هستی که خداوند، دلت را برای تسلیم و ایمان، خالص گردانیده است».

فضائل الشیعه به نقل از محمد بن حمران: روزی، من و پدرم به مسجد رفتیم. گروهی از یاران امام صادق علیه السلام را دیدیم که میان قبر و منبر [پیامبر صلی الله علیه و آله]، گرد آمده اند. امام علیه السلام به نزدیک ایشان رفت و سلام گفت. و فرمود: «به خدا سوگند که من بوی شما و جان های شما را دوست می دارم. پس با پارسایی و کوشایی، ما را در [ادامه] این امر، کمک رسانید و بدانید که ولایت ما، جز با پارسایی و کوشایی [در طاعت و عبادت] به دست نمی آید. هر یک از شما به قومی اقتدا کند، باید به کردار آنها عمل نماید. شما شیعه خدا هستید. شما یاران خدا هستید. شما اولین پیشتازان و آخرین پیشتازان هستید. در دنیا به سوی محبت ما و در آخرت به سوی بهشت، پیشی گرفته اید. من با ضمانت خداوند عز و جل و ضمانت پیامبر صلی الله علیه و آله، بهشت را برای شما ضمانت می کنم. (۱) شما پاک هستید و زنانتان نیز پاک اند. هر زن مؤمنی، یک حور العین است و هر مرد مؤمنی، صدیق (۲) است».

-
- ۱- یعنی: به سبب آن که خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله بهشت را برای شما ضمانت کرده اند، یا از جانب خدا و به فرمان او بهشت را برایتان ضمانت می کنم. احتمال هم دارد که «با» در متن عربی حدیث به معنای «مَعَ» باشد، یعنی: همراه با ضمانت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، من نیز برایتان ضمانت می کنم.
 - ۲- صدیق: موخید راستین. کسی که کردارش، گفتارش را تصدیق می کند و کسی که در همه کارهایش، ظاهر و باطنش یکسان است.

الفصل الرابع عشر: موانع دخول الجنه الكتاب «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» . (١)

«إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يُلَاجِ الْجَعْلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ» . (٢)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَلَا كُتِّبَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ! إِلَّا مَنْ شَرَدَ عَلَى اللَّهِ شِرَادَ الْبَعِيرِ (٣) عَلَى أَهْلِهِ . (٤)

صحيح البخارى عن أبى هريره عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبَى، قالوا: يا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يَأْبَى؟! قال: مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى . (٥)

١- المائده : ٧٢.

٢- الأعراف : ٤٠.

٣- شَرَدَ البعير شِرَادًا : إذا نَفَرَ وذهب فى الأرض (النهايه : ج ٢ ص ٤٥٧ «شرد»).

٤- مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٨٨ ح ٢٢٢٨٩ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ١٢٣ ح ١٨٤ ، المعجم الأوسط : ج ٣ ص ٢٨١ ح ٣١٤٩ ، أسد الغابه : ج ٢ ص ١٤٦ الرقم ١٤٠٥ ، تاريخ دمشق : ج ١٦ ص ٣٠٣ ح ٣٩٣٧ ، المصنّف لابن أبى شيبه : ج ٨ ص ١٩١ ح ٢ نحوه وكلّها عن أبى أمامه الباهلى ، كنز العمّال : ج ٤ ص ٢١٥ ح ١٠٢٢١ ؛ المجازات النبويه : ص ٤٢٥ ح ٣٤٣.

٥- صحيح البخارى : ج ٦ ص ٢٦٥٥ ح ٦٨٥١ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٢٧٥ ح ٧٦٢٦ ، صحيح ابن حبان : ج ١ ص ١٩٦ ح ١٧ عن أبى سعيد الخدرى نحوه ، تاريخ دمشق : ج ٤٩ ص ١٥٢ ح ١٠٥١٣ ، كنز العمّال : ج ٤ ص ٢١٥ ح ١٠٢١٩ وراجع : مسند إسحاق بن راهويه : ج ١ ص ٣٨٠ ح ٤٠٤ .

فصل چهاردهم: موانع ورود به بهشت

فصل چهاردهم: موانع ورود به بهشتقرآن «کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است»، قطعاً کافر شدند، حال آن که مسیح، خود، می گفت: ای بنی اسرائیل! خدا را که پروردگار من و شماست، بندگی کنید، که هر کس به خدا شرک آورد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است، و ستمکاران، یاورانی ندارند».

«کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و در [پذیرفتن] آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان را برایشان نمی گشایند و در بهشت وارد نمی شوند، مگر آن که شتر (۱) در سوراخ سوزن داخل شود، و بدین سان، بزهکاران را سزا می دهیم».

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! همه شما به بهشت می روید، بجز کسی که از خدا فراری باشد، آن سان که اشتر از صاحبش فراری می گردد.

صحیح البخاری به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همه ائمتم به بهشت می روند، مگر کسی که خود، سر باز زند». گفتند: ای پیامبر خدا! کیست که [از رفتن به بهشت] سر باز زند؟! فرمود: «کسی که از من فرمان برد، به بهشت می رود و کسی که از من نافرمانی کند، در واقع، سر باز زده است».

۱- «جَمَل» که در اصل عربی آیه به کار رفته، هم به معنای شتر و هم به معنای طناب کِشتی است. و در هر صورت، اشاره به این است که کسانی که آیات الهی را تکذیب می کنند و از پذیرفتن ایمان کبر می ورزند، امکان ندارد به بهشت داخل شوند

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ عَبْدٌ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ كِبَرٍ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ جَسَدٌ غُدِّيَ بِحَرَامٍ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: الْجَنَّةُ حَرَامٌ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ أَنْ يَدْخُلَهَا . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ بَدِيٍّ ، قَلِيلِ الْحَيَاءِ ، لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ ، فَإِنَّكَ إِنْ فَتَشْتَهُ لَمْ تَجِدْهُ إِلَّا لِعَيْتِهِ (٤) أَوْ شَرِكِ شَيْطَانٍ . (٥)

١- معانى الأخبار: ص ٢٤١ ح ١ عن عبد الله بن طلحة عن الإمام الصادق عليه السلام و ح ٢ عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام ، الكافي: ج ٢ ص ٣١٠ ح ٦ عن زرارة عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢٣٥ ح ٣٨ ؛ سنن الترمذى: ج ٤ ص ٣٦٠ ح ١٩٩٨ ، سنن أبى داود: ج ٤ ص ٥٩ ح ٤٠٩١ ، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٢٢ ح ٥٩ كلها عن عبد الله ، المستدرک على الصحيحين: ج ٣ ص ٤٧٠ ح ٥٧٥٧ عن عبد الله بن سلام ، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٣٤ ح ٧٧٧٤.

٢- مسند أبى يعلى: ج ١ ص ٧٥ ح ٧٨ و ٧٩ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٣٠ ح ٨٣ نحوه ، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١١٣ ح ٥٩٦١ ، مشكاة المصابيح: ج ٢ ص ٧٩ ح ٢٧٨٧ تاريخ دمشق: ج ٣٧ ص ٢١٦ ح ٧٤٦١ كلها عن أبى بكر ، كنز العمال: ج ٤ ص ١٦ ح ٩٢٧٦.

٣- الصمت و حفظ اللسان لابن أبى الدنيا: ص ١٧٩ ح ٣٢٢ ، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ١٨١ ، الفردوس: ج ٢ ص ١١٥ ح ٢٦٠٦ كلاهما عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال: ج ٣ ص ٥٩٨ ح ٨٠٨٥.

٤- أى مُلغَى، والظاهر المراد به المخلوق من الزنا (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٣٧ «لغا»).

٥- الكافي: ج ٢ ص ٣٢٣ ح ٣ ، تفسير العياشى: ج ٢ ص ٢٩٩ ح ١٠٥ كتاب سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ: ج ٢ ص ٩٥٦ ح ٨٩ كلها عن سليم بن قيس عن الإمام على عليه السلام ، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٧ ح ١٢ عن سليمان بن قيس عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، تحف العقول: ص ٤٤ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٩ ص ١١٢ ح ١٠.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده ای که در دلش به وزن یک دانه خردل تکبر باشد، هرگز وارد بهشت نخواهد شد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدنی که با حرام تغذیه شده باشد، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وارد شدن افراد بدزبان زشتگو به بهشت، ممنوع است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بهشت را بر هر زشتگوی بدزبان بی حیایی که باکی ندارد چه می گوید و چه به او گفته می شود، حرام [و ممنوع] کرده است؛ زیرا اگر در باره چنین کسی بررسی کنی، خواهی دید که یا سرِ راهی [با نطفه حرام] است و یا شیطان در نطفه اش شریک شده است.

عنه صلى الله عليه و آله :يا كعب بن عجرة! إِنَّهُ لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ لَحْمٌ نَبَتَ مِنْ سُحْتٍ (١). (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ غَيْرُ أَبِيهِ فَالْجَنَّةُ عَلَيْهِ حَرَامٌ. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام :حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى الدُّيُوثِ (٤). (٥)

رسول الله صلى الله عليه و آله :لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ. (٦)

عنه صلى الله عليه و آله :الْجَنَّةُ حَرَامٌ عَلَى عَاقٍ وَالدِّيَةِ. (٧)

١- السُّحْتُ : الحَرَامُ الَّذِي لَا يَحِلُّ كَسْبُهُ (النهاية : ج ٢ ص ٣٤٥ «سحت»).

٢- سنن الدارمي : ج ٢ ص ٧٧٤ ح ٢٦٧٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٦٤ ح ١٤٤٤٨ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٤٦٩ ح ٨٣٠٢ کلها عن جابر بن عبد الله ، صحیح ابن حبان : ج ١٢ ص ٣٧٨ ح ٥٥٦٧ وفي الثلاثة الأخيره زياده «النار أولى به» فى آخره ، المعجم الكبير : ج ١٩ ص ١٠٦ ح ٢١٢ نحوه و كلاهما عن كعب بن عجره ، كنز العمال : ج ٦ ص ٧٢ ح ١٤٨٩٣ .

٣- صحیح البخارى : ج ٦ ص ٢٤٨٥ ح ٦٣٨٥ عن سعد و ج ٤ ص ١٥٧٢ ح ٤٠٧١ نحوه ، صحیح مسلم : ج ١ ص ٨٠ ح ١١٥ ، سنن ابى داوود : ج ٤ ص ٣٣٠ ح ٥١١٣ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ٨٧٠ ح ٢٦١٠ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٣٦٨ ح ١٤٩٧ کلها عن سعد و أبى بكره و ح ١٤٩٩ عن سعد بن مالك نحوه ، كنز العمال : ج ٦ ص ١٩١ ح ١٥٣٠٤ .

٤- الدُّيُوثُ : وهو القَوَادُ عَلَى أَهْلِهِ ، وَالَّذِي لَا يَغَارُ عَلَى أَهْلِهِ (تاج العروس : ج ٣ ص ٢١٣ «ديث»).

٥- الكافى : ج ٥ ص ٥٣٧ ح ٨ عن عبد الله بن ميمون القَدَّاحِ ، ثواب الأعمال : ص ٢٦٢ ح ٣ ، مسائل علي بن جعفر : ص ٣٤٩ ح ٨٦٣ كلاهما عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٩ ص ١١٤ ح ٤ .

٦- صحیح البخارى : ج ٥ ص ٢٢٣١ ح ٥٦٣٨ ، صحیح مسلم : ج ٤ ص ١٩٨١ ح ١٩ ، سنن ابى داوود : ج ٢ ص ١٣٣ ح ١٦٩٦ وفيهما «قاطع رَحِمٍ» ، مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٦١٥ ح ١٦٧٣٢ ، السنن الكبرى : ج ٧ ص ٤٢ ح ١٣٢١٨ ، المعجم الكبير : ج ٢ ص ١١٨ ح ١٥١١ کلها عن جبير بن مطعم ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣٦٩ ح ٦٩٨٨ ؛ جامع الأحاديث للقمي : ص ٢٨٣ عن جبير بن مطعم .

٧- تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١١٨ ، الخصال : ص ٤٣٦ ح ٢٣ ، عوالى اللآلى : ج ١ ص ١٨٤ ح ٢٥٣ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ١١ ح ١٦ ؛ السنن الكبرى للنسائي : ج ٣ ص ١٧٥ ح ٤٩١٦ ، مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٦٤٤ ح ٦٨٩٩ كلاهما عن عبد الله بن عمرو نحوه ، الدر المنثور : ج ٥ ص ٢٦٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای کعب بن عُجره! گوشتی که از حرام روییده باشد، هرگز وارد بهشت نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خود را به غیر پدرش نسبت دهد، با آن که می داند او پدرش نیست، بهشت بر او حرام می گردد.

امام صادق علیه السلام: بهشت بر شخص بی غیرت، حرام است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بُرنده [ی پیوند خویشاوندی] به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت بر کسی که از پدر و مادرش نافرمانی کند، حرام است.

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٌ (١) . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ ... الظُّلْمُ لِلنَّاسِ . (٣)

الإمام عليّ عليه السلام : إِيَّاكَ وَالْجَوْرَ! فَإِنَّ الْجَائِرَ لَا يَرِيحُ (٤) رَائِحَةَ الْجَنَّةِ . (٥)

رسول الله صلى الله عليه و آله : إِذَا خَلَصَ الْمُؤْمِنُونَ مِنَ النَّارِ حَبِسُوا بِقَنْطَرِهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، فَيَتَفَاضُونَ مَطَالِمَ كَانَتْ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَتَّى إِذَا نَقُّوا وَهَيَّذُوا أُذِنَ لَهُمْ بِدُخُولِ الْجَنَّةِ . فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ! لَأَحَدُهُمْ بِمَسْكَنِهِ فِي الْجَنَّةِ أَذَلُّ بِمَنْزِلِهِ كَانَ فِي الدُّنْيَا . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله : ما مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرِعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّتَهُ ، فَلَمْ يُحِطْهَا بِنُصْحِهِ ، إِلَّا لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ . (٧)

عنه صلى الله عليه و آله : ما مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرِعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّتَهُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٍ لِرَعِيَّتِهِ ، إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ . (٨)

١- . هو النَّوْمُ ، وَقِيلَ : النَّوْمُ : الَّذِي يَكُونُ مَعَ الْقَوْمِ يَتَحَدَّثُونَ فِيئَمَّ عَلَيْهِمْ ، وَالْقَتَاتُ : الَّذِي يَتَسَمَّعُ عَلَى الْقَوْمِ وَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ثُمَّ يَنِمُّ (النهاية : ج ٤ ص ١١ «قتت»).

٢- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٧ ح ٤٩٦٨ عن حسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى : ص ٣٨٣ ح ٨٢٥ عن حذيفه ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٢٦٥ ح ٨ ؛ صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢٢٥٠ ح ٥٧٠٩ ، صحيح مسلم : ج ١ ص ١٠١ ح ١٦٩ ، سنن ابى داوود : ج ٤ ص ٢٦٨ ح ٤٨٧١ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٣٧٥ ح ٢٠٢٦ كلّها عن حذيفه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٦٥٥ ح ٨٣٥٠ .

٣- . كنز العمال : ج ١٦ ص ١٧ ح ٤٣٧٤٤ نقلاً عن مسند ابن حنبل عن عبد الرحمن بن غنم .

٤- . لم يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ : أَى لَمْ يَشْمِ رِيحَهَا (النهاية: ج ٢ ص ٢٧٢ «روح»).

٥- . غرر الحكم : ح ٢٦٧٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٩٥ ح ٢١٩٥ وفيه «يشم» بدل «يريح».

٦- . صحيح البخارى : ج ٢ ص ٨٦١ ح ٢٣٠٨ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٢٨ ح ١١٠٩٥ نحوه ، صحيح ابن حبان : ج ١٦ ص ٤٦١ ح ٧٤٣٤ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ٣٨٥ ح ٣٣٤٩ ، مسند أبى يعلى : ج ٢ ص ٦٤ ح ١١٨١ كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٣٧٠ ح ٣٨٩٧٨ .

٧- . صحيح البخارى : ج ٦ ص ٢٦١٤ ح ٦٧٣١ عن معقل بن يسار ، مسند الشهاب : ج ٢ ص ٢١ ح ٨٠٤ ، كنز العمال : ج ٦ ص ٣٣ ح ١٤٧٢٦ نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن عبد الرحمن بن سمره نحوه .

٨- . صحيح مسلم : ج ١ ص ١٢٥ ح ٢٢٧ ، سنن الدارمى : ج ٢ ص ٧٨٠ ح ٢٦٩٣ ، السنن الكبرى : ج ٩ ص ٧١ ح ١٧٩٠٢ ، شعب الإيمان : ج ٦ ص ١٣ ح ٧٣٦٢ كلّها عن معقل بن يسار ، كنز العمال : ج ٦ ص ٢٥ ح ١٤٦٨٥ ، تاريخ دمشق : ج ٣٧ ص

٤٤٩ ح ٧٥٦٢ ، مسند ابن الجعد : ص ٤٥٨ ح ٣١٤٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٢٨٤ ح ٢٠٣١٣ ، المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ٢٠٧ ح ٤٧٤ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خبرچین ، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که به مردم ستم کند ، به بهشت نمی رود.

امام علی علیه السلام :از ستم کردن پرهیز ؛ زیرا ستمکار ، بوی بهشت را استشمام نمی کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون مؤمنان از آتش بَرَهَند ، آنان را بر روی پُلی میان بهشت و دوزخ ، نگاه می دارند و آنان برای ستم هایی که در دنیا به یکدیگر کرده اند ، از هم تقاص می کشند و آن گاه که [از آلودگی ستم خویش] پاک و پیراسته شدند ، اجازه می یابند که به بهشت وارد شوند . سو گند به آن که جان محمّد در دست اوست ، هر یک از آنان ، راه خانه خود را در بهشت ، بهتر از راه خانه ای که در دنیا داشته است ، می شناسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای که خداوند ، او را سرپرست عده ای قرار دهد ، اما او نسبت به آنان خیرخواهی نکند ، قطعاً بوی بهشت به مشامش نخواهد خورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای که خداوند ، او را سرپرست عده ای قرار دهد و او در روزی که می میرد ، در حالی بمیرد که نسبت به زیردستانش ناخالصی کرده باشد ، قطعاً خداوند ، بهشت را بر او حرام می گرداند .

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ لا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ (١). (٢).

عنه صلى الله عليه و آله فى ذِكْرٍ ما خَصَّ اللهُ تَعَالَى بِهِ أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ : ... يَا مُحَمَّدُ ، لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَيَّدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَيَصْتَبِرَ كَالشَّنِّ (٣) الْبَالِي ، ثُمَّ أَتَانِي جَارِدًا لَوْلَا يَتِيهِمْ ، فَمَا أَسْكَنْتُهُ جَنَّتِي ، وَلَا أَظَلَّتُهُ تَحْتَ عَرْشِي . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي ، وَعَلَى مَنْ قَاتَلَهُمْ ، وَعَلَى الْمُعِينِ عَلَيْهِمْ ، وَعَلَى مَنْ سَبَّهُمْ «أَوْلَائِكَ لَا خَلَقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (٥) . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ إِلَى لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ ، وَإِنْ رِيحَهَا لِيُوجَدُ مِنْ مَسِيرِهِ خَمْسِمِئَةِ عَامٍ . (٧)

١- بَوَائِقُهُ: أى غوائله وشروره (النهاية: ج ١ ص ١٦٢ «بوق»).

٢- صحيح مسلم: ج ١ ص ٦٨ ح ٧٣ ، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٣٠٧ ح ٨٨٦٤ ، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٥٤ ح ٢١ ، الفردوس: ج ٥ ص ١٠٨ ح ٧٦٢٣ كلها عن أبى هريره ، المعجم الكبير: ج ١٠ ص ٢٢٧ ح ١٠٥٥٣ عن عبد الله ، كنز العمال: ج ٩ ص ٥٤ ح ٢٤٩٠٨ ؛ جامع الأحاديث للقمي: ص ٢٨١ عن عبد الرحمن بن صخر وراجع: الأمالى للصدوق: ص ٥١٤ ح ٧٠٧.

٣- الشَّنَّان: الأَسْقِيَةِ الخَلِيقَةِ ، واحدا شَنَّ (النهاية: ج ٢ ص ٥٠٦ «شَنَّ»).

٤- كمال الدين: ص ٢٥٢ ح ٢ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٥٨ ح ٢٧ كلاهما عن المفصل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٣٦ ص ٢٤٥ ح ٥٨ وراجع: مئة منقبه: ص ٦٣ و تفسير فرات: ص ٧٤ ح ٤٧ .

٥- آل عمران: ٧٧.

٦- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٣٤ ح ٦٥ ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ص ٩٩ ح ٣٩ عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى: ص ١٦٤ ح ٢٧٢ عن داوود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كشف الغمّة: ج ٢ ص ١٥ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأخبار: ص ٤٥٦ ح ١٢٨٤ ، روضه الواعظين: ص ٣٠٠ ، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ٢٢٢ ح ١٠.

٧- الأمالى للصدوق: ص ٢٦٧ ح ٢٩١ عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام و ص ٤٦٢ ح ٦١٦ ، الأمالى للطوسى: ص ٤٢٤ ح ٩٤٨ كلاهما عن عبد الله بن الحسن عن أبيه عن جدّه عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين: ص ٣٥٤ ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٨٦ ح ١٥٠.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که همسایه اش (/ پناهنده اش) از گزند او در امان نباشد ، به بهشت نمی رود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان امتیازاتی که خدای بلندمرتبه به اهل بیت علیهم السلام اختصاص داده است : شبی که به آسمان (معراج) برده شدم ، پروردگارم عز و جل به من وحی کرد و فرمود : « ... ای محمّد! اگر بنده ای ، چندان مرا عبادت کند که از هم بگسلد و مانند مَشک پوسیده شود، اما با انکار ولایت ایشان (اهل بیت) نزد من آید، هرگز او را در بهشتم جای نمی دهم و در زیر سایه عرشم در نمی آورم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهشت ، حرام شده است بر کسی که به اهل بیت ستم کند ، یا کسی که با آنان بجنگد ، یا بر ضدّ آنان کمک رساند و یا کسی که به ایشان ناسزا گوید . «چنین کسانی را در آخرت ، بهره ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به ایشان نمی نگرد و پاکشان نمی گرداند ، و عذابی دردناک خواهند داشت» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که بر من صلوات فرستد و بر خاندان من صلوات نفرستد ، بوی بهشت را نخواهد یافت ، در حالی که بوی آن از فاصله پانصد سال [راه] ، احساس می شود .

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ صَاحِبُ مَكْسٍ (١) . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ ، وَإِنَّ رِيحَهَا تُوجَدُ مِنْ مَسِيرِهِ أَرْبَعِينَ عَامًا . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا فِي غَيْرِ كُنْهِهِ (٤) حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سَيِّءُ الْمَلَكِ . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله : خَلَقَ اللَّهُ جَنَّةَ عَدْنٍ بِيَدِهِ ، وَدَلَّى فِيهَا ثِمَارَهَا ، وَشَقَّ فِيهَا أَنْهَارَهَا . ثُمَّ نَظَرَ إِلَيْهَا فَقَالَ : «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»

(٧) قَالَ : وَعِزَّتِي لَا يُجَاوِزُنِي فِيكَ بَخِيلٌ . (٨)

عنه صلى الله عليه و آله : أَقْسَمَ اللَّهُ تَعَالَى بِعِزَّتِهِ وَعَظَمَتِهِ وَجَلَالِهِ! لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بَخِيلًا وَلَا شَحِيحًا (٩) . (١٠)

١- الماكس: الضريبه التي يأخذها الماكس ؛ وهو العشار (النهايه: ج ٤ ص ٣٤٩ «مكس»).

٢- سنن ابى داوود : ج ٣ ص ١٣٢ ح ٢٩٣٧ ، سنن الدارمى : ج ١ ص ٤٢١ ح ١٦٢٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ١١٨ ح ١٧٢٩٥ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٥٦٢ ح ١٤٦٩ كلها عن عقبه بن عامر ، الفردوس : ج ٥ ص ١٠٨ ح ٧٦٢٦ عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٣ ص ٥٠٤ ح ٧٦٣٢ .

٣- صحيح البخارى : ج ٣ ص ١١٥٥ ح ٢٩٩٥ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ٨٩٦ ح ٢٦٨٦ ، سنن النسائى : ج ٨ ص ٢٥ ، السنن الكبرى : ج ٨ ص ٢٢٩ ح ١٦٤٨٢ كلها عن عبد الله بن عمرو ، صحيح ابن حبان : ج ١٦ ص ٣٩٢ ح ٧٣٨٣ عن أبى بكره وفيه «خمسئته» بدل «أربعين» ، كنز العمال : ج ٤ ص ٣٦٢ ح ١٠٩١٤ .

٤- يعنى من قتله فى غير وقته أو غايه أمره الذى يجوز فيه قتله (النهايه: ج ٤ ص ٢٠٦ «كنه»).

٥- سنن ابى داوود : ج ٣ ص ٨٣ ح ٢٧٦٠ ، سنن الدارمى : ج ٢ ص ٦٨٥ ح ٢٤٠٩ ، سنن النسائى : ج ٨ ص ٢٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٣٠٥ ح ٢٠٣٩٩ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ١٥٥ ح ٢٦٣١ ، السنن الكبرى : ج ٩ ص ٣٨٦ ح ١٨٨٤٩ كلها عن أبى بكره ، كنز العمال : ج ٤ ص ٣٦٣ ح ١٠٩١٥ .

٦- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٣٣٤ ح ١٩٤٦ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٢١٧ ح ٣٦٩١ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٢٦ ح ٣١ ، المعجم الأوسط : ج ٩ ص ١٢٤ ح ٩٣١٢ ، مسند أبى يعلى : ج ١ ص ٨٢ ح ٩١ كلها عن أبى بكر ، المصنّف لعبد الرزاق : ج ١١ ص ٤٥٦ ح ٢٠٩٩٣ عن مره الطيب ، كنز العمال : ج ٩ ص ١٩٦ ح ٢٥٦٤٥ ؛ عوالى اللالكى : ج ١ ص ٢٧١ ح ٨٦ .

٧- المؤمنون : ١ .

٨- المعجم الكبير : ج ١٢ ص ١١٤ ح ١٢٧٢٣ المعجم الأوسط : ج ٥ ص ٣٤٩ ح ٥٥١٨ ، تفسير ابن كثير : ج ٥ ص ٤٥٥ كلها عن ابن عباس ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ١٠٢ ح ٢٧٧ من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨ ص

- ٩- الشُّحُّ: أشدُّ البُخل، وهو أبلغ في المنع من البخل، وقيل: هو البخل مع الحرص (النهايه: ج ٢ ص ٤٤٨ «شح»).
- ١٠- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٧٢؛ البخلاء: ص ٥٥ عن أبي شجره نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٥٢ ح ٧٤٠٧.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : باجگیر ، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : که از فاصله چهل سال راه ، به مشام می رسد کسی که مُعَاهِدِی (۱) را بکشد ، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس مُعَاهِدِی را بی جهت (۲) بکشد ، خدا بهشت را بر او حرام می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بَدْمَنِش ، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بهشت عَیْدُن (دست نخورده) را با دست خود آفرید و میوه هایش را آویزان کرد و جویبارهایش را روان ساخت . سپس به آن ، نگاه کرد و فرمود : « به راستی که مؤمنان ، رستگار شدند » و فرمود : « به عزّتِ سوگند که هیچ بخیلی ، همسایه من در تو نخواهد شد » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای بلندمرتبه ، به عزّت و عظمت و جلالش سوگند خورده است که هیچ بخیل و آزمندی را وارد بهشت نکند .

۱- .مُعَاهِد به کافری گفته می شود که در عوض پرداخت جزیه ، در پناه حکومت اسلامی قرار گرفته است ؛ کافر ذمی .

۲- .یعنی در غیر وقتش ، یا پیش از آن که کارش به جایی برسد که کشتنش جایز شود.

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ الْجَنَّةَ تَكَلَّمَتْ وَقَالَتْ : إِنِّي حَرَامٌ عَلَى كُلِّ بَخِيلٍ وَمُرَاءٍ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : أَلَا - أَخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ أَمَرَ بِهِ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ؟ إِنَّ نُوحًا قَالَ لِابْنِهِ : ... يَا بَنِيَّ وَأَنْهَاكَ عَنْ أَمْرَيْنِ : لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ! فَإِنَّهُ مَنْ أَشْرَكَ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ ، وَأَنْهَاكَ عَنِ الْكِبْرِ! فَإِنَّ أَحَدًا لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَفِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ كِبَرٍ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَنَى الْفِرْدَوْسَ بِيَدِهِ ، وَحَظَرَهُ عَلَى كُلِّ مُشْرِكٍ ، وَكُلِّ مُدْمِنٍ الْخَمْرِ سَكِيرٍ . (٣)

كتاب من لا يحضره الفقيه : قال [رسول الله] صلى الله عليه و آله : إِنَّ الْجَنَّةَ لَتُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسَةِ مِائَةِ عَامٍ ، وَلَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَلَا دَيْوُثٌ . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا الدَّيُوثُ؟ قَالَ : الَّذِي تَرْنِي امْرَأَتُهُ وَهُوَ يَعْلَمُ بِهَا . (٤)

سنن أبي داود عن حارثه بن وهب : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْجَوَّازُ ، وَلَا الْجَعْفَرِيُّ . قَالَ : وَالْجَوَّازُ : الْغَلِيظُ الْفُظُّ . (٥)

١- بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٣٠٥ ح ٥٢ نقلًا عن كتاب أسرار الصلاة .

٢- جامع الأحاديث للقمي : ص ٢٨٥ عن جابر بن عبد الله ، مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٣٤ ح ١٣٤٤٣ ؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٣٤٨ ح ١١٥١ ، تاريخ دمشق : ج ٦٢ ص ٢٨٣ ح ١٢٨٢٠ كلاهما عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال : ج ١٦ ص ١٠٦ ح ٤٤٠٧٧ .

٣- شعب الإيمان : ج ٥ ص ١١ ح ٥٥٩٠ ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ٩٥ ، تاريخ دمشق : ج ٥٣ ص ٣٠٦ ح ١١٢٦١ ، الفردوس : ج ١ ص ١٦٤ ح ٦٠٣ كلها عن أنس ، كنز العمال : ج ٥ ص ٣٤٩ ح ١٣١٨٥ ؛ جامع الأحاديث للقمي : ص ٢٨٦ عن أنس .

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٤٤٤ ح ٤٥٤٢ ، الخصال : ص ٣٧ ح ١٥ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : ص ٤٠١ عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٧٩ ص ١١٤ ح ١ وراجع : مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٣٥١ ح ٥٣٧٢ .

٥- سنن أبي داود : ج ٤ ص ٢٥٣ ح ٤٨٠١ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ١٧٤ ح ٤٨٠ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٦ ص ٨٩ ح ٩ ، مسند أبي يعلى : ج ٢ ص ١٧٢ ح ١٤٧٢ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٤٤٢ ح ٧٣٥٨ ؛ مجمع البيان : ج ١٠ ص ٥٠٢ عن شدّاد بن أوس نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت به سخن در آمد و گفت: من بر هر بخیل و ریاکاری، ممنوعم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شما را خبر ندهم از چیزی که نوح، پسرش را بدان فرمان داد؟ نوح به پسرش گفت: «... پسرم! تو را از دو کار، نهی می‌کنم: به خدا شرک مَورز؛ زیرا کسی که به خدا شرک ورزد، خداوند، بهشت را بر او حرام می‌گرداند. و تو را از تکبر، نهی می‌کنم؛ زیرا کسی که به اندازه یک دانه خردل، در دلش تکبر باشد، وارد بهشت نمی‌شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای بزرگ و والا، فردوس را با دست خود ساخت و آن را بر هر مشرک و هر شرابخوار دائم الخمری قدغن کرد.

کتاب من لایحضره الفقیه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بوی بهشت، از مسافت پانصد سال راه، به مشام می‌رسد؛ اما چنین بویی را نافرمان بردار از پدر و مادر و دیوث، استشمام نمی‌کنند». گفته شد: ای پیامبر خدا! دیوث کیست؟ فرمود: «مردی است که همسرش زنا می‌دهد و او از آن آگاه است [و اهمّیت نمی‌دهد]».

سنن أبی داوود به نقل از حارثه بن وهب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «درشت خوی بد اخلاق، به بهشت نمی‌رود».

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يدخل الجنة جبارٌ، ولا بخيلٌ، ولا سيء المَلَكَةِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ عز و جل : حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى الْمَنَّانِ ، وَالْبَخِيلِ ، وَالْقَتَاتِ وَهُوَ النَّمَامُ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: لا يدخل الجنة سافك الدَّمِ ، وَلَا شَارِبُ الْخَمْرِ ، وَلَا مَشَاءُ بَنِيمٍ . (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ مَاتَ وَهُوَ بَرِيءٌ مِنْ ثَلَاثٍ : الْكِبْرِ ، وَالْعُلُولِ (٤) ، وَالذَّنِّ ، دَخَلَ الْجَنَّةَ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: الْجَنَّةُ طَيِّبَةٌ ، طَيِّبُهَا اللَّهُ وَطَيَّبَ رِيحُهَا ، يُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفَى عَامٍ ، وَلَا يَجِدُ رِيحَ الْجَنَّةِ عَاقٌ ، وَلَا قَاطِعٌ رَجِيمٌ ، وَلَا مُرْخِي الْإِزَارِ خَيْلَاءٌ (٦) . (٧)

- ١- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٩٨ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٤٩١ ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٦٤ ح ٤٣٩٥٥ .
- ٢- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ١٧ ح ٤٩٦٨ ، الأمل للصدوق : ص ٥١٧ ح ٧٠٧ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣١٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٠١ ح ٦ .
- ٣- الكافي : ج ٧ ص ٢٧٣ ح ١١ ، الخصال : ص ١٨٠ ح ٢٤٤ ، ثواب الأعمال : ص ٢٦٢ ح ١ ، روضه الواعظين : ص ٥٠٨ كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٢٦٥ ح ١١ .
- ٤- العُلُولُ : الخِيَانَةُ فِي الْمَغْنَمِ وَالسَّرْقَةِ مِنَ الْغَنِيمَةِ قَبْلَ الْقِسْمَةِ (النهاية : ج ٣ ص ٣٨٠ «غلل»).
- ٥- سنن الترمذی : ج ٤ ص ١٣٨ ح ١٥٧٢ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ٨٠٦ ح ٢٤١٢ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٣٢٢ ح ٢٢٤٣٢ ، سنن الدارمی : ج ٢ ص ٧١٤ ح ٢٤٩٤ وفيها «فارق الروح والجسد» بدل «مات» ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٢ ص ٣١ ح ٢٢١٨ كلها عن ثوبان ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٢١ ح ٤٣٢٦١ .
- ٦- الخَيْلَاءُ بِالضَّمِّ وَالْكَسْرِ : الْكِبْرُ وَالْعُجْبُ (لسان العرب : ج ١١ ص ٢٢٨ «خيل»).
- ٧- الكافي : ج ٦ ص ٥٠ ح ٦ ، تهذيب الأحكام : ج ٨ ص ١١٣ ح ٣٩٠ ، مستطرفات السرائر : ص ٨٥ ح ٣٠ كلها عن يونس بن رباط عن الإمام الصادق عليه السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ متکبر و بخیل و بدسیرتی ، به بهشت نمی رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای عز و جل می فرماید: «بهشت بر شخص منت گذار و بخیل و خیرچین ، حرام شده است».

امام صادق علیه السلام: خونریز و شرابخوار و سخن چین ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بمیرد و از سه چیز: تکبر و دست بردن در غنایم و بدهکاری پاک باشد ، به بهشت می رود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت ، خوش جایی است ! خداوند ، آن را خوش و خوش بو قرار داده است و بویش از مسافت دو هزار سال راه ، به مشام می رسد ؛ اما کسی که از پدر و مادرش نافرمانی کند و کسی که با خویشاوندش قطع رابطه کند و کسی که از روی تکبر ، دامن کشان راه رود ، بوی بهشت را استشمام نمی کنند.

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ حَبٌّ (١) ، وَلَا مَنَّا ، وَلَا بَخِيلٌ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ عَاقٌ ، وَلَا مُدْمِنٌ خَمْرٍ ، وَلَا مُكْذِبٌ بَقَدْرٍ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنَّا ، وَلَا عَاقٌ ، وَلَا مُدْمِنٌ خَمْرٍ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مُسْكِينٌ مُسْتَكْبِرٌ ، وَلَا شَيْخٌ زَانٍ ، وَلَا مَنَّا عَلَى اللَّهِ بِعَمَلِهِ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْجَوَاظُ ، وَالْجَعْظَرِيُّ ، وَالْعُتْلُ الزَّيْمُ . (٦)

مجمع البيان عن شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ جَوَاظٌ ، وَلَا جَعْظَرِيُّ ، وَلَا عُتْلُ زَيْمٍ . قُلْتُ : فَمَا الْجَوَاظُ؟ قَالَ : كُلُّ جَمَاعٍ مَنَاعٍ . قُلْتُ : فَمَا الْجَعْظَرِيُّ؟ قَالَ : الْفِظُّ الْغَلِيظُ . قُلْتُ : فَمَا الْعُتْلُ الزَّيْمُ؟ قَالَ : كُلُّ رَحِيبِ الْجَوْفِ ، سَيِّءِ الْخُلُقِ ، أَكُولٌ ، شَرُوبٌ ، غَشُومٌ ، ظُلُومٌ ، زَيْمٌ . (٧)

١- الخَبُّ : الخَدَاعُ ، وَهُوَ الَّذِي يَسْعَى بَيْنَ النَّاسِ بِالْفَسَادِ (النَّهْيَايَةُ : ج ٢ ص ٤ «خب»).

٢- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٣٤٣ ح ١٩٦٣ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٢٧ ح ٣٢ ، مسند أبي يعلى : ج ١ ص ٨١ ح ٩٠ وفيهما بزياده «ولا سَيِّءُ الْمَلِكَةِ» وَكُلُّهَا عَنْ أَبِي بَكْرٍ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ٣ ص ٥٤٦ ح ٧٨٢٦ .

٣- مسند ابن حنبل : ج ١٠ ص ٤١٦ ح ٢٧٥٥٤ ، مسند الشاميين : ج ٣ ص ٢٦١ ح ٢٢١٢ ، تفسير ابن كثير : ج ١ ص ٤٧٠ وفيهما بزياده «ولا مَنَّا» بَعْدَ «عَاقٌ» ، السَّنَةُ لِابْنِ أَبِي عَاصِمٍ : ص ١٤١ ح ٣٢١ ، تاريخ دمشق : ج ٥٦ ص ١٣٥ ح ١١٨٠٥ بزياده «ولا مؤمن بسحر» بَعْدَ «عَاقٌ» وَكُلُّهَا عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ ، مسند الطيالسى : ص ١٥٤ ح ١١٣١ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ وَفِيهِ «ولا مَنَّا» بَدَلَ «ولا مَدْمِنٌ خَمْرٍ» ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ١٦ ص ٥٤ ح ٤٣٩٠٩ .

٤- سنن النسائى : ج ٨ ص ٣١٨ ، سنن الدارمى : ج ١ ص ٥٤٧ ح ٢٠١٩ صحيح ابن حبان : ج ٨ ص ١٧٦ ح ٣٣٨٣ ، المعجم الأوسط : ج ٣ ص ١٩ ح ٢٣٣٥ كُلُّهَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٨٨ ح ١١٣٩٨ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِى وَفِيهِ «خَمْرٍ» ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ١٦ ص ٤٠ ح ٤٣٨٤٥ ؛ جَامِعُ الْأَحَادِيثِ لِلْقَمِّى : ص ٢٨٣ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِى .

٥- التاريخ الكبير : ج ٨ ص ٨٢ الرقم ٢٢٥٥ ، تاريخ دمشق : ج ٤ ص ٢٨٥ ح ١٠٥٠ ، أسد الغابه : ج ٥ ص ٢٨٦ الرقم ٥١٧٨ ، الفردوس : ج ٥ ص ١٠٦ ح ٧٦١٨ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ١٦ ص ٥٤ ح ٤٣٩٠٦ نَقْلًا عَنْ الطَّبْرَانِى وَابْنِ مَنْدَةَ وَكُلُّهَا عَنْ نَافِعِ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

٦- مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٢٩٠ ح ١٨٠١٥ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ غَنَمٍ ، الْفَرْدُوسُ : ج ٥ ص ١٠٦ ح ٧٦١٦ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ بزياده «الأثيم» بَعْدَ «العتل» ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ١٦ ص ١٧ ح ٤٣٧٤٤ .

٧- مجمع البيان : ج ١٠ ص ٥٠٢ ؛ تفسير ابن كثير : ج ٨ ص ٢١٩ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ غَنَمٍ ، تفسير القرطبى : ج ١٨ ص ٢٣٣

عن ابن مسعود و كلاهما نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حیله گر و مَنّت گذار و بخیل ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نافرمان از پدر و مادر و دائم الخمر و بی اعتقاد به تقدیر ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مَنّت گذار و نافرمان از پدر و مادر و باده گسار ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسکین متکبر و پیر زناکار ، و کسی که با عمل خود ، بر خدا مَنّت می گذارد ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :متکبر و بداخلاق و درشت خوی فرومایه ، به بهشت نمی روند.

مجمع البیان به نقل از شدّاد بن اوس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «جَوَّاز و جَعْظَری و عُتْلَ زَنیم ، به بهشت نمی روند» . پرسیدم : جَوَّاز ، چه کسی است؟ فرمود : «هر مالدار بسیار خسیس» . پرسیدم : جَعْظَری ، چه کسی است؟ فرمود : «درشت خوی بی رحم» . پرسیدم : عُتْلَ زَنیم ، چه کسی است؟ فرمود : «هر شکم فراخ بدخوی پرخور پرنوش بی رحم ستمگر ناکس» .

الدرّ المنثور عن عبد الرحمن بن غنم: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ جَوْاطٌ، وَلَا جَعْظَرِيٌّ، وَلَا الْعُتْلُ الزَّيْمُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ: مَا الْجَوْاطُ وَالْجَعْظَرِيُّ وَالْعُتْلُ الزَّيْمُ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَّا الْجَوْاطُ: فَالَّذِي جَمَعَ وَمَنَعَ، تَدَعُوهُ لَظِي (١)، نَزَاعَهُ لِلشَّوَى (٢). وَأَمَّا الْجَعْظَرِيُّ: فَالْفَظُّ الْعَلِيظُ، قَالَ اللَّهُ: «فَبِمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتُمْ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكُمْ». (٣) وَأَمَّا الْعُتْلُ الزَّيْمُ: فَشَدِيدُ الْخُلُقِ، رَحِيبُ الْجَوْفِ، مُصَيِّحٌ شَرُوبٌ، وَاجِدٌ لِلطَّعَامِ وَالشَّرَابِ، ظَلُومٌ لِلنَّاسِ. (٤)

الإمام عليّ عليه السلام: أوصاني رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ زَوَّجَنِي فَاطِمَةَ، فَقَالَ: إِيَّاكَ وَالْكَذِبَ! إِلَى أَنْ قَالَ: وَاحْذَرِ الْغَيْبَةَ وَالنَّمِيمَةَ! فَإِنَّ الْغَيْبَةَ تُفْطِرُ الصَّائِمَ، وَالنَّمِيمَةَ تُوجِبُ عَذَابَ الْقَبْرِ، وَالْمُغْتَابُ هُوَ الْمَحْجُوبُ عَنِ الْجَنَّةِ. (٥)

الإمام الباقر عليه السلام: مُحَرَّمَةٌ الْجَنَّةُ عَلَى الْقَتَاتَيْنِ الْمَشَائِينَ بِالنَّمِيمَةِ. (٦)

- ١- لظي: اسم من أسماء النار (النهاية: ج ٤ ص ٢٥٢ «لظا»). وراجع: القسم الثاني: أسماء جهنم / لظي.
- ٢- الشّوى: جلد الرأس، وقيل: أطراف البدن كالرأس واليد والرجل (النهاية: ج ٢ ص ٥١١ «شوى»).
- ٣- آل عمران: ١٥٩.
- ٤- الدرّ المنثور: ج ٨ ص ٢٤٧ نقلاً عن أحمد و عبد بن حميد وابن أبي حاتم وابن مردويه وابن عساكر، تفسير القرطبي: ج ١٨ ص ٢٣٣ عن ابن مسعود نحوه.
- ٥- مستدرک الوسائل: ج ٩ ص ١٢٥ ح ١٠٤٣٤ نقلاً عن لبّ اللباب، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦٧ ح ٦ نقلاً عن تحف العقول.
- ٦- الكافي: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢ عن محمد بن قيس، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٠٩ وفيه «الفتّانين» بدل «القتّانين»، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٦٧ ح ١٨.

الدرّ المنثور به نقل از عبد الرحمان بن غنم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «جَوَاطُ و جَعْظَرُ و عُتْلُ زَنِيم، به بهشت نمی روند». مردی از مسلمانان گفت: جَوَاطُ و جَعْظَرُ و عُتْلُ زَنِيم چیستند؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «جَوَاطُ، کسی است که گرد می آورد و دریغ می ورزد. زبان آتش، او را فرا می خواند؛ همان آتشی که پوست از سر می کنند. جَعْظَرُ، تندخوی سخت دل است. خدا فرمود: «پس به رحمتی از جانب خدا بود که با آنان نرم خوش شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از پیرامونت پراکنده می شدند». و عُتْلُ زَنِيم، یعنی درشت خوی شکم فراخ تن درست پر آشام برخوردار از خوراک و نوشاک، و ستمگر به مردم».

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زمانی که فاطمه را به همسری ام در آورد، به من سفارش کرد و فرمود: «از دروغ بپرهیز» تا آن که فرمود: «و از غیبت و سخن چینی، دوری کن؛ زیرا غیبت، روزه را باطل می کند و سخن چینی، سبب عذاب قبر می شود، و غیبت کننده، از بهشت، محروم است».

امام باقر علیه السلام: بهشت بر خبرکشان (۱) و سخن چینان، حرام شده است.

۱- واژه «قَتَات» در متن عربی، به معنای سخن چین یا کسی است که دزدکی به صحبت های مردم گوش می دهد، خواه آن را به دیگران منتقل کند یا نکند و یا کسی است که سخنان مردم را گوش می کند و آن را به دشمنشان اطلاع می دهد (لسان العرب).

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يدخل الجنة بخيل، ولا خب، ولا خائن، ولا سيء الملكة. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: لا تحل الدرجات العلى للعاق، ولا للزاني، ولا للبخيل، ولا للحسود. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: لا يدخل الجنة مئيد من حمر، ولا قاطع رحم، ولا ولد زنيه، ولا عاق والديه، ولا من أتى ذات محرمة.

(٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إياكم وعقوق الوالدين؛ فإن ريح الجنة توجد من مسيره ألف عام، ولا يجدها عاق، ولا قاطع رحم، ولا شيخ زان، ولا جار إزاره خيلاء، إنما الكبرياء لله رب العالمين. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: لا يدخل الجنة بخيل، ولا خب، ولا خائن، ولا سيء الملكة، ولا خبال، ولا منان. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: ألا- وإن الله عز وجل حرم على المنان، والمختال، والقنات، ومئيد من الحمر، والجواظ، والجعظري، والعتل الزنيم، الجنة. (٦)

١- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٢٠ ح ١٣، تاريخ دمشق: ج ١٤ ص ٢٦٥ ح ٣٥٥١ كلاهما عن أبي بكر، كنز العمال: ج ١٦ ص ٦٤ ح ٤٣٩٥٥.

٢- الفردوس: ج ٥ ص ١١٤ ح ٧٦٥٠ عن معاذ بن جبل.

٣- شعب الإيمان: ج ٦ ص ١٩٢ ح ٧٨٧٦، السنن الكبرى للنسائي: ج ٣ ص ١٧٥ ح ٤٩١٦ نحوه وكلاهما عن عبد الله بن عمرو، المصنف لعبد الرزاق: ج ٧ ص ١٩٩ ح ١٢٧٧١ عن مجاهد، حليه الأولياء: ج ٤ ص ٧٢ عن ابن عباس وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٥ ص ٣١٩ ح ١٣٠٢٤؛ جامع الأحاديث للقمي: ص ٢٨٣ عن أبي سعيد الخدري نحوه.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٣٤٩ ح ٦ عن محمد بن فرات عن الإمام الباقر عليه السلام، مشكاة الأنوار: ج ٢٨١ ح ٨٤٤ عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله و آله جامع الأحاديث للقمي: ص ٢٨٣ عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٦٢ ح ٢٧؛ المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٨ ح ٥٦٦٤ عن جابر بن عبد الله، تاريخ دمشق: ج ١٨ ص ٨١ ح ٤١٩١ عن الحارث عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج ١٦ ص ٧٧ ح ٤٤٠٠٠.

٥- كذا في المصدر، وفي هامشه: في بعض النسخ «ختار»، وفي بعضها «جبار».

٦- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٧١، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٧٢ وفيه «ولا جبار» بدل «ولا خبال».

٧- ثواب الأعمال: ص ٣٤٢ ح ١ عن عبد الله بن عباس وأبي هريره، أعلام الدين: ص ٤٢٢ عن عبد الله بن عباس وفيه «الحريص» بدل «الجواظ»، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٣٦٩ ح ٣٠.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بخیل و حیلہ گر و خیانتکار و بدسرشت ، به بهشت نمی روند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درجات بالا [ی بهشت] بر فرزند ناخلف و بر زناکار و بخیل و حسود ، روا نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: باده گسار و کسی که با خویشاوند ، قطع رابطه کند و زنازاده و فرزندی که با پدر و مادرش بدرفتاری کند و کسی که با محرم ، زنا کند ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : که از هزار سال راه به مشام می رسد از نافرمانی پدر و مادر پرهیزید ؛ زیرا فرزند نافرمان از پدر و مادر ، و کسی که از خویشاوندان بُرد ، و پیرمرد زناکار ، و کسی که متکبرانه راه رود ، بوی بهشت را ، استشمام نمی کنند . کبریا تنها از آنِ خداست که پروردگار جهانیان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بخیل و فریبکار و خیانتکار و بدسیرت و متکبر و منت گذار ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که خداوند عز و جل ، بهشت را بر منت گذار و متکبر و سخن چین و باده گسار و ددمنش و درشت خو ، و سنگ دل فرومایه ، حرام کرده است.

عنه صلى الله عليه و آله : قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ : وَعِزَّتِي وَجَلَالِي ! لَا يَدْخُلُهَا [الْجَنَّةُ] مُدْمِنٌ خَمْرٍ ، وَلَا نَمَامٌ ، وَلَا دَيْوُثٌ ، وَلَا شُرْطِيٌّ ، وَلَا مُخَنَّثٌ ، وَلَا تَبَاشٌ ، وَلَا عَشَّارٌ ، وَلَا قَاطِعٌ رَحِمٍ ، وَلَا قَدَرِيٌّ . (١)

معانى الأخبار عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ يُوجَدُ مِنْ مَسِيرِهِ أَلْفِ عَامٍ ، مَا يَجِدُهَا عَاقٌ ، وَلَا قَاطِعٌ رَحِمٍ ، وَلَا شَيْخٌ زَانٍ ، وَلَا جَارٌ إِزَارَهُ خِيَلَاءٌ ، وَلَا فَتَانٌ ، وَلَا مَنَانٌ ، وَلَا جَعْظَرِيٌّ» . قَالَ : قُلْتُ : فَمَا الْجَعْظَرِيُّ؟ قَالَ : الَّذِي لَا يَشْبَعُ مِنَ الدُّنْيَا . (٢)

الإمام الصِّادِقُ عن آبائه عليهم السلام : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ جَنَّةَ عَدْنٍ خَلَقَ لِبَنَاتِهَا مِنْ ذَهَبٍ يَتَلَأَأُ ، وَمِسْكِ مَدُوفٍ (٣) ، ثُمَّ أَمَرَهَا فَاهْتَرَّتْ وَنَطَقَتْ ، فَقَالَتْ : أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، فَطُوبَى لِمَنْ قَدَّرَ لَهُ دُخُولِي ! قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَارْتِفَاعَ مَكَانِي ! لَا يَدْخُلُكَ مُدْمِنٌ خَمْرٍ ، وَلَا مُصِرٌّ عَلَى رَبَا ، وَلَا فَتَانٌ ؛ وَهُوَ النَّمَامُ ، وَلَا دَيْوُثٌ ؛ وَهُوَ الَّذِي لَا يَغَارُ وَيُجْتَمَعُ فِي بَيْتِهِ عَلَى الْفُجُورِ ، وَلَا قَلَاعٌ ؛ وَهُوَ الَّذِي يَسْعَى بِالنَّاسِ عِنْدَ السُّلْطَانِ لِيُهْلِكَهُمْ ، وَلَا جَيْوُفٌ ؛ وَهُوَ التَّبَاشُ ، وَلَا خَتَارٌ ؛ وَهُوَ الَّذِي لَا يُوفَى بِالْعَهْدِ . (٤)

- ١- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٥٦ ح ٥٧٦٢ عن أنس بن محمّد عن أبيه وحمّاد بن عمر جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٢٢ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، جامع الأخبار : ص ٤٢٦ ح ١١٨٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤٩ ح ٣ .
- ٢- .معانى الأخبار : ص ٣٣٠ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩٣ ح ١٧٤ .
- ٣- .مدّوف : أى مخلوط وممزوج (مجمع البحرين : ج ١ ص ٦٢٠ «دوف»).
- ٤- .النوادر للراوندى : ص ١٢٩ ح ١٥٨ عن الإمام الكاظم عليه السلام ، دعائم الإسلام : ج ٢ ص ٩٤ عن رسول الله صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩٩ ح ٢٠١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود : «به عزّت و جلالم سوگند که هیچ باده گسار و سخن چین و دیوث و گزمه و اُبنه ای و کفن دزد و باجگیر و بُرنده از خویشاوند و قَدّری مذهبی ، به بهشت نمی رود» .

معانی الأخبار به نقل از جابر ، از امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که بوی بهشت از فاصله هزار سال راه به مشام می رسد ؛ ولی فرزندِ ناخلف و کسی که از خویشاوند بُرد و پیرمرد زناکار و کسی که متکبران راه رود و فتنه انگیز و مَنّت گذار و جَعَطّری ، آن را نمی یابند» . من گفتم : جَعَطّری چیست؟ فرمود : «کسی که از دنیا سیر نمی شود» .

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «چون خداوند ، بهشت عدن را آفرید ، خشت آن را از طلای درخشان و مُشک آمیخته خلق کرد . سپس به آن فرمان داد و بهشت عدن ، تکان خورد و به سخن آمد و گفت : تویی خدا . معبودی نیست جز تو زنده جاویدان . خوشا به حال کسی که وارد شدن به من برایش مقَدّر شده باشد! . خدای بلندمرتبه فرمود : به عزّت و جلالم و بلندی جایگاهم ، سوگند که باده گسار و رباخوار و فتنه انگیز یعنی سخن چین و دیوث یعنی کسی که در خانه اش زنا می شود و او غیرت به خرج نمی دهد و قَلّاع یعنی کسی که نزد سلطان از مردم ، سعایت می کند تا آنها را از بین ببرد و جَیّوف یعنی کفن دزد و خَتّار یعنی کسی که به پیمان ، وفا نمی کند ، به تو قدم نخواهند گذاشت» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يدخل الجنة مدمن خمر، ولا سكير، ولا عاق، ولا شديد السواد (١)، ولا ديوث، ولا قلاع؛ وهو الشرطي، ولا زئوق؛ وهو الخنثى، ولا خيوف؛ وهو التباش، ولا عشار، ولا قاطع رحم، ولا قدرى. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل لم يخلق الجنة... فقال لها: تكلمي! فقالت: لا إله إلا أنت الحي القيوم قد سجد من يدخلني. فقال عز وجل: بعزتي وعظمتي وجلالي وارتفاعي! لا يدخلها مدمن خمر، ولا سكير، ولا قتات؛ وهو النمام، ولا ديوث؛ وهو القلطبان، ولا قلاع؛ وهو الشرطي، ولا زئوق؛ وهو الخنثى، ولا خيوف؛ وهو التباش، ولا عشار، ولا قاطع رحم، ولا قدرى (٣). (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: تحرم الجنة على ثلاثة: على المنان، وعلى المغتاب، وعلى مدمن الخمر. (٥)

الإمام علي عليه السلام: تحرم الجنة على ثلاثة: النمام، والقتال (٦)، وعلى مدمن الخمر. (٧)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثة لا يدخلون الجنة: العاق بوالديه، والدثوث، ورجله (٨) النساء. (٩)

١- قال الصدوق: يعنى بشديد السواد الذى لا يبيض شىء من شعر رأسه ولا من شعر لحيته مع كبر السن، ويسمى الغريب.

٢- الخصال: ص ٤٣٦ ح ٢٣، بحار الأنوار: ج ٥ ص ١٠ ح ١٦.

٣- فى الحديث ذكر القدرى، وهم المنسوبون إلى القدر، ويزعمون أن كل عبد خالق فعله. وفى الحديث «لا يدخل الجنة قدرى» وهو الذى يقول: لا يكون ما شاء الله، ويكون ما شاء الشيطان (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٤٤٨ «قدر»).

٤- الخصال: ص ٤٣٦ ح ٢٢ عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٣٢ ح ٣٦.

٥- الزهد للحسين بن سعيد: ص ٩ ح ١٧ عن زيد بن علي عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٦٠ ح ٦١.

٦- كذا، والظاهر كما فى سائر الأحاديث «القتات»، وهو هنا بمعنى الكذاب أو الساعى إلى السلطان (هامش المصدر).

٧- ثواب الأعمال: ص ٢٦٢ ح ٢ عن زيد بن علي عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٩ ص ١٣٨ ح ٣٨.

٨- الرجل من النساء: المترجله، والمترجلات: اللاتي يتشبهن بالرجال فى زيهم وهياتهم (النهاية: ج ٢ ص ٢٠٣ «رجل»).

٩- المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ١٤٤ ح ٢٤٤، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٣٨٢ ح ٢١٠٢٥ كلاهما عن عبد الله بن

عمر، الفردوس: ج ٥ ص ١٠٧ ح ٧٦٢١ عن ابن عيَّاس، كنز العمال: ج ١٦ ص ٣٢ ح ٤٣٨٠٧ وراجع: مسند ابن حنبل: ج ٢

ص ٤٩٦ ح ٦١٨٨ و شعب الإيمان: ج ٦ ص ١٩٢ ح ٧٨٧٧.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شرابخوار و دائم الخمر و نافرمان از پدر و مادر و پیر مومشکی (۱) و دیوث و قَلَاع یا همان گزمه ، و زَنُوق یا همان اُبه ای ، و خَیُوف یا همان کفن دزد ، و باجگیر و خویشاوند گُسل و قَدَری مذهب ، به بهشت نمی روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل چون بهشت را آفرید ... ، به آن فرمود: «سخن بگو» و بهشت گفت: معبودی جز تو زنده جاویدان نیست . خوش بخت ، کسی که به من وارد شود! خداوند عز و جل فرمود: «به عزّت و عظمت و جلالم و بلندی جایگاهم ، سوگند که شرابخوار و دائم الخمر و قَتَات یا همان سخن چین ، و دیوث یا همان قَلَتَبان ، و قَلَاع یا همان گزمه ، و زَنُوق یا همان اُبه ای ، و خَیُوف یا همان کفن دزد ، و باجگیر و کسی که پیوند خویشی می بُرد ، و قَدَری مذهب ، به بهشت در نمی روند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت بر سه کس ، حرام است: بر منت گذار و بر غیبت کننده و بر می گسار.

امام علی علیه السلام: بهشت بر سه کس ، حرام است: سخن چین و قاتل و بر می گسار.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه کس اند که وارد بهشت نمی شوند: بدرفتار با پدر و مادر ، دیوث و زن مردنما.

۱- . کسی که با وجود پیری و سال خوردگی ، موی سر و ریشش را سیاه رنگ می کند .

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ : الْعَاقُ لِوَالِدَيْهِ ، وَالْمُدْمِنُ عَلَى الْخَمْرِ ، وَالْمَنَانُ بِمَا أُعْطِيَ. (١)

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ : مُدْمِنٌ خَمْرٍ ، وَقَاطِعٌ رَجِيمٍ ، وَمُصَدِّقٌ بِالسَّحْرِ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام :حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ : مُدْمِنِ الْخَمْرِ ، وَعَابِدِ وَثْنٍ ، وَعَيْدُو آلِ مُحَمَّدٍ ، وَمَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فَمَاتَ بَعْدَهَا شَرِبَهَا بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَثْنٍ. (٣)

رسول الله صلى الله عليه و آله :ثَلَاثَةٌ لَا يَرِيحُونَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ : رَجُلٌ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ ، وَرَجُلٌ كَذَبَ عَلَى ، وَرَجُلٌ كَذَبَ عَلَى عَيْنَيْهِ. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى آلَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يُسَكِّنَ جَنَّتَهُ أَصْنَافًا ثَلَاثَةً : رَاذُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، أَوْ رَاذُ عَلَى إِمَامٍ هُدًى ، أَوْ مَنْ حَبَسَ حَقَّ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ. (٥)

١- سنن النسائي : ج ٥ ص ٨٠ و ص ٨١ عن سالم بن عبد الله عن أبيه ، سنن الدارمي : ج ١ ص ٥٤٧ ح ٢٠١٩ عن عبد الله بن عمرو نحوه ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٣٤ ح ٤٣٨١٩ ؛ قرب الإسناد : ص ٨٢ ح ٢٦٧ عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٧٤ ح ٦٣ ، وراجع : عوالي اللآلى : ج ١ ص ١٨٤ ح ٢٥٣.

٢- مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ١٣٩ ح ١٩٥٨٦ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ١٦٣ ح ٧٢٣٤ ، صحيح ابن حبان : ج ١٢ ص ١٦٥ ح ٥٣٤٦ كلها عن أبي موسى الأشعري ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٣١ ح ٤٣٨٠٦ ؛ معاني الأخبار : ص ٣٣٠ ح ١ عن أبي موسى الأشعري وفيه «مدمن سحر» بدل «مصدق بالسحر».

٣- دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٣١ ح ٤٦٠ ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ٤٩٤ ح ٤١.

٤- تاريخ دمشق : ج ٨ ص ٢٦٥ ح ٢١٩٧ ، الفردوس : ج ٢ ص ٩٥ ح ٢٥٠٧ ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٣٢ ح ٤٣٨٠٩ نقلًا عن الخطيب وكلها عن أبي هريره وراجع : المعجم الكبير : ج ١ ص ٢١٧ ح ٥٩١.

٥- الخصال : ص ١٥١ ح ١٨٥ عن أبي هارون المكفوف ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٣٥٧ ح ١٦.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه کس اند که وارد بهشت نمی شوند : بدرفتار با پدر و مادر ، دائم الخمر و کسی که برای آنچه می دهد ، مَّت می گذارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه کس به بهشت نمی روند : می گسار و کسی که پیوند خویشی بُرد و تصدیق کننده جادو .

امام صادق علیه السلام :بهشت بر سه کس ، حرام شده است : دائم الخمر و بت پرست و دشمن خاندان محمّد صلی الله علیه و آله . کسی که شراب بنوشد و چهل روز پس از نوشیدن آن بمیرد ، همچون بت پرست ، خدای عز و جل را دیدار می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه کس ، بوی بهشت را نمی شنوند : مردی که خودش را به غیر پدرش نسبت دهد ، مردی که بر من دروغ بنهد و مردی که به چشمانش دروغ بگوید .

امام صادق علیه السلام :خدای بزرگ و والا ، با خویش عهد کرده است که سه گروه را در بهشت خود ، جای ندهد : انکار کننده خدا ، انکار کننده پیشوای هدایت ، و کسی که حقّ انسان مؤمنی را از وی باز دارد .

عنه عليه السلام: أَرْبَعَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ: الْكَاهِنُ (١)، وَالْمُنَافِقُ، وَمُدْمِنُ الْخَمْرِ، وَالْقَتَاتُ؛ وَهُوَ النَّمَامُ. (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَرْبَعَةٌ حَقَّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ وَلَا يُدْيِقَهُمْ نَعِيمَهَا: مُدْمِنُ الْخَمْرِ، وَآكِلُ الرِّبَا، وَآكِلُ مَالِ الْيَتِيمِ بِغَيْرِ حَقٍّ، وَالْعَاقُ لَوَالِدِيهِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْجَنَّةَ، قَالَ لَهَا: تَكَلَّمِي، قَالَتْ: سَعِدَ مَنْ دَخَلَنِي، فَقَالَ الْجَبَّارُ جَلَّ وَعَلَا: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي! لَا- يَسْكُنُ فِيكَ ثَمَانِيَةَ نَفَرٍ مِنَ النَّاسِ: مُدْمِنُ خَمْرٍ، وَلَا- مُصَترِّ عَلَى الرِّبَا، وَلَا نَمَامٌ، وَلَا دَيْوُثٌ، وَهُوَ الْقَرِطْبَانُ، وَلَا الشُّرْطِيُّ، وَلَا الْمُخَنَّثُ، وَلَا قَاطِعُ الرَّحِمِ، وَلَا الَّذِي يَقُولُ: عَلَى عَهْدِ اللَّهِ إِنْ لَمْ أَفْعَلْ كَذَا وَكَذَا ثُمَّ لَمْ يَفِ بِهِ. ٤

١- الكاهن: الذي يتعاطى الخبر عن الكائنات في مستقبل الزمان، ويدعى معرفه الأسرار (النهاية: ج ٤ ص ٢١٤ «كهن»).

٢- الأمالى للصدوق: ص ٤٨٩ ح ٦٦٣ عن أبي سعيد هاشم، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٣٥٧ ح ١٥.

٣- المستدرک على الصحيحين: ج ٢ ص ٤٣ ح ٢٢٦٠، شعب الإيمان: ج ٤ ص ٣٩٧ ح ٥٥٣٠ كلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١٦ ص ٦٧ ح ٤٣٩٦٦.

امام صادق علیه السلام: چهار کس اند که به بهشت نمی روند: کاهن، (۱) منافق، باده گسار و سخن چین.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار کس اند که بر خداست آنان را به بهشت، داخل نگرداند و نعمت های آن را به آنان نچشانند: باده گسار، رباخوار، به ناحق خورنده مال یتیم، و نافرمان بردار از پدر و مادر خویش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای بلندمرتبه، چون بهشت را آفرید، به آن فرمود: «سخن بگو». بهشت گفت: خوش بخت، کسی است که وارد من شود. پادشاه بزرگ و بلندمرتبه [ی عالم] فرمود: «به عزّت و جلالم، سوگند که هشت دسته از مردم، ساکن [آن] نمی شوند: باده گسار، کسی که بر زنا مداومت ورزد، سخن چین، دیوث، گزمه، مرد اُبنه، کسی که پیوند خویشاوندی بُرد، و کسی که بگوید: مدیون خدا باشم، اگر چنین و چنان نکنم و به عهدش وفا نکند».

۱- کاهن، کسی است که از آنچه در آینده اتفاق می افتد، خبر دهد و ادّعا کند که نسبت به اسرار و رموز آفرینش، آگاهی دارد.

الفصل الخامس عشر: نظامُ الجنَّةِ ١٥ / ١ جوازُ الجنَّةِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله: لا- يَدْخُلُ الجنَّةَ أَحَدٌ إِلَّا بِجَوازٍ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ لِفُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ ، أَدْخَلُوهُ جَنَّةً عَالِيَةً ، قُطُوفُهَا دَائِمَةٌ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله في أحوالِ المُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : فَإِذَا انْتَهَى إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ قِيلَ لَهُ : هَاتِ الْجَوازَ ، قَالَ : هَذَا جَوازِي مَكْتُوبٌ فِيهِ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، هَذَا جَوازٌ جَائِزٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بِنِ فُلَانٍ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ . فَيُنَادِي مُنَادٍ يُسْمِعُ أَهْلَ الْجَمْعِ كُلَّهُمْ : أَلَا إِنَّ فُلَانَ بِنَ فُلَانٍ قَدْ سَعِدَ سَعَادَةً لَا يَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ الْحَوْضِ ، لَا يَدْخُلُ الجنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِجَوازٍ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٣)

- ١- المعجم الكبير: ج ٦ ص ٢٧٢ ح ٦١٩١ ، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٢٢٤ ح ٢٩٨٧ ، تاريخ بغداد: ج ٧ ص ٩٥ الرقم ٣٥٣٣ ، تفسير ابن كثير: ج ٨ ص ٢٤٢ كلها عن سلمان ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٨٢ ح ٣٩٣٥٣ ؛ مجمع البيان: ج ١٠ ص ٥٢١ ، أعلام الدين: ص ١٤٨ كلاهما عن سلمان ، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٨٣ .
- ٢- الاختصاص: ص ٣٥٠ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٢١٢ ح ٢٠٥ .
- ٣- المناقب لابن المغازلي: ص ١١٩ ح ١٥٦ ، كشف اليقين: ص ٣٢٠ ح ٣٧٨ ، العمدة: ص ٣٧٣ ح ٧٣٤ و ص ٣٠٠ ح ٥٠٢ ، كلها عن ابن عباس ، الصراط المستقيم: ج ١ ص ٢٠٠ ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٤٤١ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١٤٢ ح ١٥٢ .

فصل پانزدهم: نظام بهشت

۱۵ / پروانه ورود به بهشت

فصل پانزدهم: نظام بهشت ۱۵ / پروانه ورود به بهشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس وارد بهشت نمی شود، مگر با این پروانه (مجوز) عبور: «به نام خدای مهرگستر مهربان. این، نامه ای است از خدا برای فلان، پسر فلان. او را وارد بهشتی برین کنید که میوه هایش در دسترس است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در احوال مؤمن در روز رستاخیز: چون بر در بهشت رسد، به او گفته می شود: پروانه ات (جواز ورودت) را نشان بده. او می گوید: این، پروانه ام است. و در آن، نوشته است: «به نام خدای مهرگستر مهربان. این پروانه ای تأیید شده از سوی خداوند توانا و داناست، برای فلان پسر فلان، از جانب پروردگار جهانیان». پس آواز دهنده ای، چنان که همه جمعیت بشنوند، آواز می دهد که: بدانید فلان پسر فلان، به چنان سعادت دست یافته که از این پس، هرگز دچار نگون بختی نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز قیامت، علی، نگهبان حوض است و کسی وارد بهشت نمی شود، مگر این که پروانه عبوری از جانب علی بن ابی طالب بیاورد.

١٥ / ٢ تَحِيَّهَ الْجَنَّةِ الْكِتَابَ «تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا». (١)

«وَأَدْخَلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ». (٢)

«ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَامِنِينَ». (٣)

«وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ». (٤)

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ * دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (٥)

«وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنِ اتَّكُمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ». (٦)

«إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ * هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِئُونَ * لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ لَهُمْ مَا يَدَّعُونَ * سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ». (٧)

١- الأَحْزَابُ : ٤٤.

٢- إِبْرَاهِيمَ : ٢٣.

٣- الْحِجْر : ٤٦.

٤- الزَّمَر : ٧٣.

٥- يُونُس : ١٠٩.

٦- الْأَعْرَافُ : ٤٣.

٧- يَس : ٥٨ ٥٥.

۱۵ / ۲ درود بهشت

۱۵ / ۲ درود بهشتقرآن «درودشان ، در روزی که دیدارش می کنند ، سلام است ، و برای آنان ، پاداشی نیکو آماده کرده است».

«و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، وارد بهشت هایی گردیده می شوند که در آنها جویبارها روان است که به اذن پروردگارشان در آن جا جاودانه به سر می برند و درودشان در آن جا سلام است».

«با سلامت و ایمنی ، به آن جا وارد شوید».

«و نگهبانان آن ، به ایشان می گویند : سلام بر شما ! خوش آمدید ! به آن ، جاودانه وارد شوید».

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، پروردگارشان به پاس ایمانشان ، آنان را به باغ های پر نعمت که در آنها نهرها روان اند ، هدایت می کند . دعایشان در آن جا «منزهی تو ، ای خدا!» ، و درودشان در آن جا سلام است و پایان دعایشان ، این است که : «ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است !»».

«و هر گونه کینه ای را از دل هایشان می زداییم . از زیر پاهایشان ، نهرهایی جاری است و می گویند : «ستایش ، خدایی را که ما را بدین ، ره نمون شد و اگر خدا ما را راه نمایی نمی کرد ، ما خود ، هدایت نمی یافتیم . در حقیقت ، فرستادگان پروردگار ما ، حق را آوردند» . و به آنان ندا داده می شود که : این ، همان بهشتی است که آن را به پاداش آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید».

«در این روز ، اهل بهشت ، کار و باری خوش در پیش دارند . آنها با همسرانشان در زیر سایه ها بر تخت ها تکیه می زنند . در آن جا برای آنها هر گونه میوه و هر چه دلشان بخواهد ، هست . از جانب پروردگاری مهربان ، [به آنان] سلام گفته می شود».

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قال العبد: «سُبْحَانَ اللَّهِ» سَبَّحَ مَعَهُ مَا دُونَ الْعَرْشِ، فَيُعْطَى قَائِلُهَا عَشْرَ أَمْثَالِهَا. وَإِذَا قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمِ الدُّنْيَا مَوْصُولًا بِنِعْمِ الْآخِرَةِ، وَهِيَ الْكَلِمَةُ الَّتِي يَقُولُهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ إِذَا دَخَلُوهَا، وَيَنْقَطِعُ الْكَلَامُ الَّذِي يَقُولُونَهُ فِي الدُّنْيَا مَا خِلا «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبِّحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجَ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (١).

المعجم الكبير عن محمد بن جعفر بن الزبير: بَيْنَا عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ بِالْمَدِينَةِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَتَذَاكَرُونَ يَوْمَ بَدْرٍ وَمَا أَكْرَمَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَمَا أَرَاهُمْ مِنْ عَيْدُوهُمْ، إِذْ نَظَرَ إِلَى عُمَيْرِ بْنِ وَهَبٍ قَدْ أَنَاخَ بَابَ الْمَسْجِدِ مُتَوَشِّحَ السَّيْفِ، فَقَالَ: هَذَا الْكَلْبُ عَيْدُو اللَّهِ عُمَيْرُ بْنُ وَهَبٍ مَا جَاءَ إِلَّا لِشَرٍّ، هَذَا الَّذِي حَرَّشَ بَيْنَنَا وَحَزْرَنَا (٢) لِلْقَوْمِ يَوْمَ بَدْرٍ. ثُمَّ دَخَلَ عُمَرُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا عَيْدُو اللَّهِ عُمَيْرُ بْنُ وَهَبٍ، قَدْ جَاءَ مُتَوَشِّحَ السَّيْفِ، قَالَ: فَادْخُلْهُ فَأَقْبَلْ عُمَرَ حَتَّى أَخَذَ بِجِمَالِهِ سَيْفِهِ فِي عُنُقِهِ فَلَبَّبَهُ بِهَا (٣)، وَقَالَ عُمَرُ لِرِجَالٍ مِمَّنْ كَانَ مَعَهُ مِنَ الْأَنْصَارِ: ادْخُلُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاجْلِسُوا عِنْدَهُ، وَاحْدَرُوا هَذَا الْكَلْبَ عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَأْمُونٍ. ثُمَّ دَخَلَ بِهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعُمَرَ أَخَذَ بِجِمَالِهِ سَيْفِهِ. فَقَالَ: أَرَسِلَهُ يَا عُمَرُ. أَدُنُّ يَا عُمَيْرُ، فَدَنَا فَقَالَ: أَنْعَمُوا صَبَاحًا وَكَانَتْ تَحِيَّةَ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ بَيْنَهُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَدْ أَكْرَمَنَا اللَّهُ بِتَحِيَّةٍ خَيْرٍ مِنْ تَحِيَّتِكُمْ يَا عُمَيْرُ، أَلَسَلَامٌ تَحِيَّةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ (٤).

١- علل الشرائع: ص ٢٥١ ح ٨ عن الحسن بن عبد الله عن آبائه عن الإمام الحسن عليه السلام، الأمامي للصدوق: ص ٢٥٥ ح ٢٧٩ عن الحسن بن عبد الله عن أبيه عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الاختصاص: ص ٣٤ عن الحسين بن عبد الله عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٩ ص ٢٩٥ ح ٥.

٢- الحزْر: التقدير والخرص، حَزَرْتُ الشَّيْءَ: قَدَّرْتُهُ (مجمع البحرين: ج ١ ص ٣٩٦ «حزر»).

٣- لَبَّبَتِ الرَّجُلَ: إِذَا جَعَلَتْ فِي عُنُقِهِ ثَوْبًا أَوْ غَيْرَهُ وَجَرَّرَتْهُ بِهِ (النهاية: ج ٤ ص ٢٢٣ «لب»).

٤- المعجم الكبير: ج ١٧ ص ٥٨ ح ١١٨، السيرة النبوية لابن هشام: ج ٢ ص ٣١٧، تاريخ الطبري: ج ٢ ص ٤٧٣، أسد الغابة: ج ٤ ص ٢٨٨ الرقم ٤٠٩٦، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج ١٤ ص ١٥٤ كلّها نحوه، كتر العمال: ج ١٣ ص ٥٦٤ ح ٣٧٤٥٥؛ بحار الأنوار: ج ١٩ ص ٣٢٦ ح ٨٢ نقلًا عن الكازروني في المنتقى وفيه ذيله من «أنعموا صباحا...».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده «سبحان الله» بگوید، هر آنچه زیر عرش است، هم صدا با او تسبیح می گوید و به گوینده اش، ده برابر پاداش داده می شود؛ و هر گاه «الحمد لله» بگوید، خداوند، نعمت های دنیا را به او ارزانی می دارد و آنها را به نعمت های آخرت وصل می کند. «الحمد لله»، گفته ای است که اهل بهشت، هر گاه وارد آن شدند، می گویند و هر گونه سخنی که در دنیا می گویند، قطع می شود، بجز «الحمد لله» و این، همان سخن خدای بلندمرتبه است که: «دعایشان در آن جا منزّهی تو، ای خدا!»، و درودشان در آن جا سلام است و پایان دعایشان، این است که: «ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است».

المعجم الكبير به نقل از محمد بن جعفر بن زبیر: عمر بن خطاب، در مدینه با گروهی از مسلمانان در باره جنگ بدر و لطف و عنایاتی که خداوند در آن روز به آنان نمود و بلایی که بر سر دشمنشان آورد، سخن می گفتند که دید عمیر بن وهب، در حالی که شمشیری را حمایل بسته است، شترش را جلوی در مسجد، خوابانید. عمر بن خطاب گفت: این سگ، دشمن خدا، عمیر بن وهب، جز برای شر نیامده است! او همان کسی است که میان ما آشوب افکنید و در روز بدر، شمار ما را برای دشمن تخمین زد. عمر، سپس نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت و گفت: ای پیامبر خدا! آن دشمن خدا، عمیر بن وهب، با شمشیر حمایل کرده بر گردن، آمده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «او را به داخل بیاور». عمر رفت و دوال شمشیر او را از گردنش گرفت و کشان کشان برد و به مردانی از انصار که همراهش بودند، گفت: شما نزد پیامبر خدا بروید و کنارش بنشینید و مواظب ایشان در برابر این سگ باشید؛ زیرا به او، اطمینانی نیست! آن گاه او را در حالی که دوال شمشیرش را همچنان گرفته بود، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «رهاش کن، ای عمر! نزدیک بیا، عمیر!». عمیر، نزدیک رفت و گفت: روز، خوش! (این، درود مردم جاهلیت به یکدیگر بود). پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای عمیر! خداوند به ما درودی بهتر از این درود تو، ارزانی داشته است. سلام، درود بهشتیان است».

تفسير القمى: كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْتُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَسْأَلُونَهُ أَنْ يَسْأَلَ اللَّهُ لَهُمْ ، وَكَانُوا يَسْأَلُونَهُ مَا لَا يَحِلُّ لَهُمْ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ : « وَ يَتَنَجَّوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّجْوَى وَمَعِصِيَةِ الرَّسُولِ » . وَقَوْلُهُمْ لَهُ إِذَا أْتَوْهُ : أَنْعِمَ صَبَاحًا وَأَنْعِمَ مَسَاءً ؛ وَهِيَ تَحِيَّةُ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ : « وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ » (١) فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : وَقَدْ أَبَدَلْنَا اللَّهُ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ تَحِيَّةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ : «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: حَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : ... جَعَلَ اللَّهُ الْعَاقِبَةَ لِلتَّقْوَى ، وَالْجَنَّةَ لِأَهْلِهَا مَأْوَى ، دُعَاؤُهُمْ فِيهَا أَحْسَنُ الدُّعَاءِ : «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» ، دَعَاؤُهُمُ الْمَوْلَى عَلَى مَا آتَاهُمْ «وَأَخْرَجُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . (٣)

الإمام علي عليه السلام في ذكر أحوال أهل الجنة: يَجِيئُونَ فَيَدْخُلُونَ ، فَمَاذَا أَسَاسُ (٤) بُيُوتِهِمْ مِنْ جَنَدَلِ (٥) اللُّؤْلُؤِ ، وَسِرِّرِ مَرْفُوعَةٍ وَأَكْوَابِ مَوْضُوعَةٍ وَنَمَارِقَ مَصْفُوفَةٍ وَزُرَابِي مَبْثُوثَةٍ ، وَلَوْلَا- أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدَّرَهَا لَهُمْ لَمَاتَمَعَتْ أَبْصَارُهُمْ بِمَا يَرُونَ ، وَيُعَانِقُونَ الْأَزْوَاجَ ، وَيَعْقِدُونَ عَلَى السُّرُرِ وَيَقُولُونَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا» (٦) . (٧)

١- المجادلة : ٨ .

٢- تفسير القمى : ج ٢ ص ٣٥٥ ، بحار الأنوار : ج ١٧ ص ٢٨ ح ٤ .

٣- الكافي : ج ٨ ص ١٧٣ ح ١٩٣ عن جابر ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٥٠ ح ٣٠ .

٤- فى المصدر: «أسلس»، والتصويب من بحار الأنوار .

٥- الجندل : الحجارة (لسان العرب : ج ١١ ص ١٢٨ «جندل»).

٦- الأعراف : ٤٣ .

٧- مجمع البيان : ج ١٠ ص ٧٢٧ عن عاصم بن ضميره ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ١٧٠ ؛ المصنّف لابن أبي شيبه : ج ٨ ص ٧٥ ح ٥١ ، مسند ابن الجعد : ص ٣٧٤ ح ٢٥٦٩ كلاهما عن عاصم بن ضميره ، تفسير الطبرى : ج ١٢ الجزء ٢٤ ص ٣٥ عن الحارث وكلّها نحوه ، كتر العمّال : ج ١٤ ص ٦٤٦ ح ٣٩٧٧٤ .

۵۷. المناقب للخوارزمی عن محمّد بن حبيب البغدادی صاحب (فی بیان صِفَاتِهِ عَلَيْهِ السَّلَام) تفسیر القمّی: یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می آمدند و از ایشان می خواستند که از خداوند برایشان بخواهد و چیزهایی می خواستند که برایشان روا نبود . پس خداوند ، این آیه را فرو فرستاد : «و با همدیگر به گناه و تعدّی و سرپیچی از پیامبر ، محرمانه گفتگو می کنند» .

درود آنان در هنگام ورود بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، این بود : روز ، خوش ! شب ، خوش ! و این ، درود اهل جاهلیت بود . پس خداوند ، نازل کرد : «و چون به نزد تو می آیند ، تو را بدانچه خدا به آن [شیوه] درود نگفته ، درود می گویند» . پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود : «خداوند به جای این درود ، درودی بهتر به ما ارزانی داشته است ؛ همان درود اهل بهشت را : سلامّ علیکم» . ۵۶. وقعه صفین : امام باقر علیه السلام : امیر مؤمنان علیه السلام به سخنرانی پرداخت و فرمود : «... خدا فرجام را از آن پرهیزگاری قرار داد و بهشت را خانه پرهیزگاران . دعایشان در آن جا بهترین دعاست : «منزّهی تو ، ای خدا !» . دعایشان در پیشگاه مولاست ، برای آنچه [از نعمت بهشت] به ایشان داده است : «و پایان دعایشان ، این است که : ستایش ، خدای را که پروردگار جهانیان است !» . ۵۵. الطبقات الکبری عن رزام بن سعد الضبّی : امام علی علیه السلام در بیان احوال بهشتیان : می آیند و وارد [بهشت] می شوند و خانه های خود را می بینند که پایه های آنها از سنگ مروارید است ، و تخت هایی برپا شده ، و جام هایی نهاده و بالش هایی در کنار هم چیده ، و فرش هایی گسترده شده . [چنان باشکوه و خیره کننده اند که] اگر نبود این که خداوند بلندمرتبه ، آنها را برایشان مقدّر کرده است ، چشمانشان از آنچه می دیدند ، کور می شد . با همسران معانقه می کنند و بر تخت ها می نشینند و می گویند : «ستایش ، خدای را که ما را به اینها ره نمون شد» . .

٥٤. مقاتل الطالبيين عن داوود بن عبد الجبار عن أبي الإمام علي عليه السلام: ألا- وإن التتوى مطايا ذلل حمل عليها أهلها ، وأعطوا أزممتها ، فأوردتهم الجنة ، وفتحت لهم أبوابها ، ووجدوا ريحها وطيبها ، وقيل لهم : أدخلوها بسلام آمين . (١) ٥٣. فضائل الصحابة عن أبي إسحاق: تفسير العياشي عن زيد الشحام عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سألته عن التسيح ، فقال : هو اسم من أسماء الله ، ودعوى أهل الجنة . (٢) ١٥ / ٣ أول من يدخل الجنة محمد وأهل بيته عليهم السلام ٤٩. الغارات عن قدامه بن عتاب : رسول الله صلى الله عليه وآله : الجنة محرمة على الأنبياء حتى أدخلها ، ومحرمة على الأمم كلها حتى تدخلها شيعتنا أهل البيت . (٣) .

١- الكافي : ج ٨ ص ٦٧ ح ٢٣ ، نهج البلاغة : الخطبه ١٦ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص ١١٤ وفيهما صدره إلى «فأوردتهم الجنة» ، شرح الأخبار: ج ١ ص ٣٧٢ ح ٣١٦ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٨٣ ح ١٤٥ وراجع : مطالب السؤل : ص ٢٨ .

٢- تفسير العياشي : ج ٢ ص ١٢٠ ح ٩ ، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ١٨٣ ح ٢٢ .

٣- الأمالى للمفيد: ص ٧٤ ح ٨ ، الاختصاص : ص ٣٥٦ كلاهما عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال : ص ٥٧٤ ح ١ عن مكحول عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٣ ص ٢٢٩ عن جابر بن عبد الله وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٤٣ ح ٦٥ ؛ المعجم الأوسط : ج ١ ص ٢٨٩ ح ٩٤٢ عن عمر بن الخطاب نحوه ، كنز العمال : ج ١١ ص ٤١٦ ح ٣١٩٥٣ .

۱۵ / ۳ نخستین کسانی که به بهشت ، وارد می شوند**الف محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش**

۴۸. الطبقات الکبری عن إسحاق بن عبد الله بن أبي فروهامام علی علیه السلام: بدانید که پرهیزگاری ، [همچون] مرکبی رام است که پرهیزگاران را بر آن نشانده اند و افسارش را به دست آنان داده اند و این مرکب ، آنها را به بهشت می رساند و درهای بهشت را برایشان می گشاید و باد و بوی خوش بهشت ، به مشامشان می خورد و به آنان گفته می شود: به سلامت و ایمنی ، وارد شوید. ۴۷. تاج العروس: تفسیر العیاشی به نقل از زید شحام: از امام صادق علیه السلام در باره ذکر «تسیح» پرسیدم . فرمود: «آن ، نامی از نام های خدا ، و دعای اهل بهشت است». ۱۵ / ۳ نخستین کسانی که به بهشت ، وارد می شوند الف محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش ۴۳. الکافی عن علی بن ابی حمزه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت بر پیامبران ، حرام است تا آن که نخست ، من داخل شوم ، و نیز بر همه امت ها حرام است تا آن که نخست ، پیروان ما خاندان ، به آن داخل شوند.

٤٢. تاريخ دمشق عن أنس بن مالك: عنه صلى الله عليه وآله: إني لأوّل الناس تنشق الأرض عن جُمجَمَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ ، وَأُعْطَى لِوَاءِ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ ، وَأَنَا سَيِّدُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ ، وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ . (١) ٤١. تذكره الخواصّ: الإمام عليّ عليه السلام: أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ . قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَمَجُّبُونَا؟ قَالَ : مِنْ وَرَائِكُمْ . (٢) ٤٠. علل الشرائع عن ابن عمر: رسول الله صلى الله عليه وآله: يا عليّ ، إِنَّ أَوَّلَ أَرْبَعَةٍ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ : أَنَا وَأَنْتَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ، وَذُرِّيَّتُنَا خَلْفَ ظُهُورِنَا ، وَأَحِبَّائُنَا خَلْفَ ذُرِّيَّتِنَا ، وَأَشْيَاعُنَا عَنْ أَيْمَانِنَا وَشِمَائِلِنَا . (٣) ٣٩. صحيح البخارى عن أبي حازم: شرح الأخبار عن سلمان: لَمَّا انصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ غَزْوَةِ بَنِي الْمُصْطَلِقِ تَقَدَّمَ فِي مُقَدِّمَةِ النَّاسِ ... ثُمَّ قَالَ : يَا أَيُّكُمْ السَّاعَةَ مِنْ هَذِهِ الشُّعْبَةِ وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَعْضِ الشُّعَابِ رَجُلٌ أَشْبَهَ النَّاسَ بِالْمَسِيحِ ، وَهُوَ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَأَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ . فَجَعَلْنَا نَنْظُرُ إِلَى الشُّعْبِ ، فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ طَلَعَ مِنْهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٤) .

١- .سنن الدارمى: ج ١ ص ٣١ ح ٥٢ ، مسند أبى يعلى: ج ٤ ص ٢٢٣ ح ٤٢٨٩ ، السنن الكبرى للنسائى: ج ٤ ص ٤٠١ ح ٧٦٩٠ كلاهما نحوه وكلها عن أنس ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٨٩ ح ١٢٤٧١ عن عمرو بن أنس ، كنز العمّال: ج ١٤ ص ٤٠٤ ح ٣٩٠٨٩ .

٢- .المستدرک على الصحيحين: ج ٣ ص ١٦٤ ح ٤٧٢٣ عن عاصم بن ضميره ، ذخائر العقبى: ص ٢١٤ ، كنز العمّال: ج ١٢ ص ٩٨ ح ٣٤١٦٦؛ بشاره المصطفى: ص ٤٦ عن عاصم بن ضميره وفيه «أنا وأنت وفاطمه...» ، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١٢٧ ح ٥٦ .

٣- .الإرشاد: ج ١ ص ٤٣ ، الخصال: ص ٢٥٤ ح ١٢٨ نحوه ، العمده: ص ٥٠ كلّها عن زيد بن عليّ عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، شرح الأخبار: ج ٣ ص ٤٥٠ ح ١٣١٩ عن أبى رافع عنه صلى الله عليه وآله ، روضه الواعظين: ص ١٧٥ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣٢ ح ٦٧؛ المعجم الكبير: ج ١ ص ٣١٩ ح ٩٥٠ وفيه «أزواجنا» بدل «أحبّائنا» ، كنز العمّال: ج ١٢ ص ١٠٤ ح ٣٤٢٠٥ نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن أبى رافع وراجع: بشاره المصطفى: ص ٢٤٣ .

٤- .شرح الأخبار: ج ٢ ص ٤٦٦ ح ٨١٩ .

۳۸. صحیح مسلم عن ابي حازم عن سهل بن سعد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فخر فروشی نباشد! من، نخستین انسانی هستم که در روز رستاخیز، زمین از روی جمجمه ام کنار می رود. فخر فروشی نباشد! پرچم ستایش (لواء الحمد) به من داده می شود. فخر فروشی نباشد! من، آقای مردمان در روز رستاخیز هستم. فخر فروشی نباشد! من، نخستین کسی هستم که در روز رستاخیز، وارد بهشت می شوم. ۳۷. رسول الله صلی الله علیه و آله (أَنْتَ كَأَنَّ يَقُولُ) امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد که نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند، من هستم و فاطمه و حسن و حسین.

گفتم: پس دوستانان ما چه، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «پشت سر شما [وارد می شوند]». ۳۶. المعجم الأوسط عن أبي الطفيل: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! نخستین چهار نفری که وارد بهشت می شوند، من هستم و تو و حسن و حسین، و فرزندان ما در پی ما و دوستانانمان در پی فرزندان ما، و شیعیانمان از سمت راست و چپ ما [وارد می شوند]. ۳۵. مسند ابن حنبل عن عمّار بن یاسر: شرح الأخبار به نقل از سلمان: چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از غزوه بنی مصطلق باز گشت، پیشاپیش پیش قراولان حرکت کرد... سپس با دستش یکی از درّه ها را نشان داد و فرمود: «هم اینک از این درّه مردی پیدا می شود که مانندترین مردمان به مسیح است و در روز قیامت، برترین مردمان پس از من است و نخستین کسی است که وارد بهشت می شود».

ما شروع به نگاه کردن به سوی آن درّه کردیم و نخستین کسی که از آن نمایان شد، علی بن ابی طالب علیه السلام بود..

٣٤. الطبقات الكبرى (في ذكر غزوه ذي العُشَيْرَة) رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام : أنت أول من يدخل الجنة ، ويبيدك لوائى وهو لواء الحمد ، وهو سبعون شقة ، الشقة منه أوسع من الشمس والقمر . (١) ٣٣. عنه عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : إن علي بن أبي طالب لصاحب لوائى فى الآخرة كما كان صاحب لوائى فى الدنيا ، وإنه أول من يدخل الجنة لأنه يقدمنى ويديه لوائى ، تحته آدم ومن دونه من الأنبياء . (٢) ٣٢. الإمام على عليه السلام : منه منقبه عن جابر بن عبد الله الأنصارى : سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول : أول من يدخل الجنة من النبيين والصدّيقين على بن أبي طالب .

فقام إليه أبو دجانة وقال : يا رسول الله ، ألم تخبرنا عن الله تعالى أنه أخبرك أن الجنة محرمة على الأنبياء حتى تدخلها أنت ، وعلى الأمم حتى تدخلها أممك ؟ قال : بلى ، ولكن أما علمت أن حامل لواء القوم أمامهم ، وعلي بن أبي طالب حامل لواء الحمد يوم القيامة بين يدي ، وهو صاحب رايى ، فيدخل الجنة قبلى ، فإن العلم معه وأنا على أثره . (٣) ٣١. شرح نهج البلاغه : رسول الله صلى الله عليه وآله : أول شخص يدخل الجنة فاطمه . (٤) .

١- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ٣٠٤ ح ٦٣ عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بشاره المصطفى : ص ١٢٦ عن إسماعيل بن رزين ابن أخى دعبل الخزاعى عن أبيه عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٤ ح ٤ وراجع : الخصال : ص ٥٨٣ ح ٧ والأمالى للصدوق : ص ٧٥٦ ح ١٠١٩ وروضه الواعظين : ص ١٢٣ .

٢- الأمالى للصدوق : ص ٣٥٤ ح ٤٣٢ عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، علل الشرائع : ص ١٧٣ ح ١ عن الحسين بن على عن أبيه الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٣٨ ص ٩٩ ح ١٨ .

٣- منه منقبه : ص ١٠٤ ، شرح الأخبار : ج ٢ ص ٤٧٢ ح ٨٢٩ عن ابن عباس ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٣ ص ٢٢٩ ، تفسير فرات : ص ٤٥٦ ح ٥٩٧ ، كشف الغمّة : ج ١ ص ٣٢١ ، تأويل الآيات الظاهرة : ج ٢ ص ٦٢٩ ح ٢ كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٣٩ ص ٢١٤ ح ٥ ؛ المناقب للخوارزمى : ص ٣١٧ ح ٣١٩ نحوه .

٤- المناقب لابن شهر آشوب : ج ٣ ص ٣٢٩ عن أبي هريره ، بحار الأنوار : ج ٣٧ ص ٧٠ ، الفردوس : ج ١ ص ٣٨ ح ٨١ بزياده «على» بعد «يدخل» ، الفصول المهمّة : ص ١٤٣ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمّال : ج ١٢ ص ١١٠ ح ٣٤٢٣٤ نقلًا عن ابن ميمون فى كتاب فضائل على عليه السلام والرافعى عن أبي يزيد المدنى .

۳۰. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام : تو نخستین کسی هستی که وارد بهشت می شود ، در حالی که پرچم من ، یعنی پرچم حمد ، در دست توست . آن پرچم ، هفتاد تکه دارد و هر تکه آن بزرگ تر از خورشید و ماه است . ۲۹. الإمام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : علی بن ابی طالب ، پرچمدار من در آخرت است ، چنان که پرچمدار من در دنیا بوده است . او نخستین کسی است که وارد بهشت می شود ؛ چون پیش قراول و پرچمدار من است و آدم و دیگر پیامبران ، در زیر پرچم او هستند . ۲۸. الإمام زین العابدین علیه السلام : منته منقبه به نقل از جابر بن عبد الله انصاری : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : «نخستین کسی از پیامبران و صدیقان که وارد بهشت می شود ، علی بن ابی طالب است» .

ابو دُجانة برخاست و گفت : ای پیامبر خدا ! مگر شما از جانب خدای بلندمرتبه ، به ما خبر ندادید که او به شما خبر داد : بهشت بر پیامبران ، حرام است تا آن که نخست ، شما وارد آن شوید ، و بر ائمت ها نیز حرام است تا آن که نخست ، ائمت شما وارد شوند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «چرا ؛ اما مگر نمی دانی که پرچمدار یک گروه ، پیشاپیش آنان است ؟ علی بن ابی طالب ، در روز قیامت ، حمل کننده پرچم حمد در پیشاپیش من است . او علمدار من است . بنا بر این ، پیش از من ، وارد بهشت می شود ؛ زیرا عَلم با اوست و من در پی او خواهم بود» . ۲۷. ینابیع المودّه عن العباس بن عبد المطلب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخستین شخصی که وارد بهشت می شود ، فاطمه است .

٢٦. علل الشرائع عن فاطمه بنت أسد: عنه صلى الله عليه وآله: أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ عَلَيَّ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَمَتَّلَهَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُ مَرِيَمَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ. (١) ٢٥. ديوان السيد الحميري (مِنْ قَصِيدِهِ لَهُ فِي وِلَادَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ) الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا أَوَّلَ قَارِعِ لِبَابِ الْجَنَّةِ، وَأَوَّلَ دَاخِلٍ، وَأَوَّلَ شَافِعٍ، وَأَوَّلَ مُشَفِّعٍ. (٢) ب الحَمَادُونَ ٢٣. الإمام الباقر عن الإمام زين العابدين عليهما السلام رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوَّلَ مَنْ يُدْعَى إِلَى الْجَنَّةِ الْحَمَادُونَ؛ الَّذِينَ يَحْمَدُونَ اللَّهَ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ. (٣) ج الشُّهَدَاءُ ٢١. الإرشاد: رسول الله صلى الله عليه وآله: عَرَضَ عَلَيَّ أَوَّلَ ثَلَاثَةِ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ: شَهِيدٌ، وَعَفِيفٌ مُتَعَفِّفٌ، وَعَبْدٌ أَحْسَنَ عِبَادَةَ اللَّهِ وَنَصَحَ لِمَوَالِيهِ. (٤).

١- دلائل النبوة لأبي نعيم: ص ٦٦ ح ٢٧، الفردوس: ج ١ ص ٣٨ ح ٨١ كلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١٢ ص ١١٠ ح ٣٤٢٣٤ نقلاً عن أحمد بن ميمون في كتاب فضائل علي عليه السلام والرافعي عن أبي يزيد المدني؛ بحار الأنوار: ج ٣٧ ص ٧٠.

٢- مصباح المتهجد: ص ٣٩٣ ح ٥١٧، جمال الأسبوع: ص ٢٩٤ عن مهران، المصباح للكفعمي: ص ٥٧١، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٨٧ ح ٣.

٣- المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١٥ ح ١٢٣٤٥، المعجم الأوسط: ج ٣ ص ٢٤٠ ح ٣٠٣٣، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٦٨١ ح ١٨٥١، شعب الإيمان: ج ٤ ص ١١٥ ح ٤٤٨٣ وليس فيهما «الحَمَادُونَ»، حليه الأولياء: ج ٥ ص ٦٩ كلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥٤ ح ٦٤١٠؛ مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٧٧ ح ٢١٩٣، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢١٥ ح ١٨.

٤- سنن الترمذی: ج ٤ ص ١٧٦ ح ١٦٤٢، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٤١٢ ح ٩٤٩٧، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٥٤٤ ح ١٤٢٩، صحيح ابن حبان: ج ١٠ ص ١٥١ ح ٤٣١٢ كلها عن أبي هريره والثلاثة الأخيره نحوه، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٢٠ ح ٤٣٢٦٠؛ صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ص ٨٣ ح ٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٩٣ ح ٧٥.

ب ستایشگران**ج شهیدان**

۲۰. روضه الواعظین عن جابر بن عبد الله الأنصاری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین شخصی که در بهشت بر من وارد می شود، فاطمه دخت محمد است. حکایت او در این امت، حکایت مریم در میان بنی اسرائیل است. ۱۹. المستدرک علی الصحیحین: امام صادق علیه السلام: بار خدایا! محمد را نخستین کوبنده در بهشت، و نخستین داخل شونده، و نخستین شفاعت کننده، و نخستین شفاعت شده قرار بده. ب ستایشگران ۱۷. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین کسانی که به بهشت فرا خوانده می شوند، ستایشگران اند؛ همانان که خداوند را در خوشی و ناخوشی، ستایش می گویند. ج شهیدان ۱۵. المناقب لابن شهر آشوب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین سه نفری که وارد بهشت می شوند، به من نمایانده شدند: شهید، پاک دامن خویشتندار، و بنده ای که [هم] خداوند را نیکو عبادت کرده و [هم] برای صاحبان خود، خیرخواه بوده است.

د أهل المعروف^{١٣}. إيمان أبي طالب عن الحسن بن جمهور العمى يرفعه: رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْمَعْرُوفُ وَأَهْلُهُ، وَأَوَّلُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ الْحَيَوْضَ». (١) ه الفقراء المهاجرون^{١١}. الفصول المختاره (في ذكر ما جرى في شتعب أبي طالب) صحيح مسلم عن ثوبان مولى النبي صلى الله عليه وآله: «كُنْتُ قَائِمًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَجَاءَ حَبْرٌ (٢) مِنْ أَحْبَابِ الْيَهُودِ... فَقَالَ: جِئْتُ أَسْأَلُكَ! ... فَقَالَ: سَلْ، فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: أَيْنَ يَكُونُ النَّاسُ يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَيْمَ فِي الظُّلْمَةِ دُونَ الْجِسْرِ. قَالَ: فَمَنْ أَوَّلُ النَّاسِ إِجَارَةٌ؟ قَالَ: فَقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ. (٣) ١٠. إيمان أبي طالب عن ضوء بن صلصال: رسول الله صلى الله عليه وآله: «إِنَّ أَوَّلَ تَلَّةٍ تَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْفُقَرَاءُ الْمُهَاجِرُونَ، الَّذِينَ تَتَّقَى بِهِمُ الْمَكَارِهِ. إِذَا أَمُرُوا سَجِعُوا وَأَطَاعُوا، وَإِنْ كَانَتْ لِرَجُلٍ مِنْهُمْ حَاجَةٌ إِلَى السُّلْطَانِ لَمْ تُفَضَّ لَهُ حَتَّى يَمُوتَ وَهِيَ فِي صَدْرِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْعُو يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْجَنَّةَ فَتَأْتِي بِزُخْرُفِهَا وَرِيَّهَا فَيَقُولُ: أَيْنَ عِبَادِي الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقَتَلُوا وَأُودُوا فِي سَبِيلِي، وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِي؟! ادْخُلُوا الْجَنَّةَ. فَيَدْخُلُونَهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ، فَتَأْتِي الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا نَحْنُ نَسَبِحُ لَكَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَنُقَدِّسُ لَكَ، مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ آثَرْتَهُمْ عَلَيْنَا؟ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِي، وَأُودُوا فِي سَبِيلِي.»

فَتَدْخُلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ مِنْ كُلِّ بَابٍ «سَلِّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (٤). (٥).

١- الكافي: ج ٤ ص ٢٨ ح ١١ عن عبد الله بن الوليد عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٤ ح ١٦٨٠، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٢٩٤ ح ٩١٣، الجعفریات: ص ١٥٢ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه ذيله، عوالي اللآلئ: ج ١ ص ٣٧٧ ح ١١٠؛ كنز العمال: ج ٦ ص ٤٣٩ ح ١٦٤٤٢ نقلًا عن أبي الشيخ في الثواب نحوه.

٢- حبر و حبر: العالم (لسان العرب: ج ٤ ص ١٥٧ «حبر»).

٣- صحيح مسلم: ج ١ ص ٢٥٢ ح ٣١٥، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤٤٠ ح ٧٤٢٢، صحيح ابن خزيمة: ج ١ ص ١١٦ ح ٢٣٢، السنن الكبرى: ج ١ ص ٢٤١ ح ٧٩٨، المعجم الكبير: ج ٢ ص ٩٣ ح ١٤١٤، حليه الأولياء: ج ١ ص ٣٥١.

٤- الرعد: ٢٤.

٥- المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٨١ ح ٢٣٩٣، شعب الإيمان: ج ٤ ص ٢٨ ح ٤٢٥٩، تفسير الطبري: ج ٣ الجزء ٤ ص ٢١٦، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٣٧٣ وفي الثلاثة الأخيره «وزيتها» بدل «وريها»، الفردوس: ج ١ ص ٣٧ ح ٧٣ وفيه صدره إلى «وهي في صدره» وكلها عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج ٦ ص ٤٨٠ ح ١٦٦٣٥.

د اهل نیکی

ه تهی دستان مهاجر

د اهل نیکی ۸. شرح نهج البلاغه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین کسی که وارد بهشت می شود، نیکی و اهل آن است و آن، نخستین کسی است که در کنار حوض بر من وارد می شود. ه تهی دستان مهاجر ۱۰۵. به نقل از معمر بن خلاد و جماعتی گفتند: صحیح مسلم به نقل از ثوبان، غلام آزاد شده پیامبر صلی الله علیه و آله: نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایستاده بودم که یکی از علمای یهود آمد ... و گفت: آمده ام که از تو سؤال کنم ...!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سؤال کن».

یهودی گفت: روزی که زمین و آسمان به زمین و آسمانی دیگر مبدل می شوند، مردم در کجایند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آنان در تاریکی زیر پل [صراط] هستند».

یهودی گفت: نخستین مردمانی که عبور می کنند، کیان اند؟

فرمود: «مهاجران تهی دست». ۱۰۵. حدیثنا علی بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق رضی الله عنه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین گروهی که وارد بهشت می شوند، تهی دستان مهاجرند؛ همانان که سپر بلاهیند و هر گاه فرمان داده شوند، می شنوند و اطاعت می کنند، و اگر فردی از آنان را به سلطان نیازی افتد، نیازش برآورده نمی شود تا آن که بمیرد و آن نیاز، همچنان در سینه او باشد.

در روز قیامت، خدای بلندمرتبه بهشت را فرا می خواند و بهشت با زیورها و نعمت هایش می آید. خداوند می فرماید: «کجایند آن بندگان من که در راه خدا جنگیدند و در راه من، کشته شدند و رنج کشیدند، و در راه من، جهاد کردند؟! به بهشت وارد شوید» و آنان بدون حسابرسی و چشیدن عذابی، وارد آن می شوند.

پس فرشتگان می آیند و می گویند: پروردگارا! ما شب و روز، تو را تسبیح و تقدیس می گوئیم. اینان کیستند که بر ما ترجیحشان دادی؟

خداوند بزرگ و والا می فرماید: «اینان، کسانی هستند که در راه من جنگیدند و در راه من، رنج و آزار دیدند».

پس، فرشتگان از هر دری بر ایشان وارد می شوند [و می گویند]: «سلام بر شما که شکیبایی کردید! پس چه نیکوست فرجام [این] سرای!».

١٠٤... . از امام عسكري عليه السلام شنيدم كه مى فرمود مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمرو بن العاصى عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: هل تدرون أول من يدخل الجنة من خلق الله؟ قالوا: الله ورسوله أعلم، قال: أول من يدخل الجنة من خلق الله الفقراء والمهاجرون، الذين تسد بهم الثغور، ويتقى بهم المكاره، ويموت أحدهم وحاجته فى صدره لا يستطيع لها قضاء. فيقول الله عز وجل لمن يشاء من ملائكته: ايتوهم فحيوهم، فتقول الملائكة: نحن سيكان سمائك وخيرتك من خلقك، أفأمرنا أن نأتى هؤلاء فنسلم عليهم؟ قال: إنهم كانوا عبادا يعبدونى لا يشركون بى شيئا، وتسد بهم الثغور، ويتقى بهم المكاره، ويموت أحدهم وحاجته فى صدره لا يستطيع لها قضاء.

قال: فتأتىهم الملائكة عند ذلك فيدخلون عليهم من كل باب: «سَلِّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ». (١) والفقراء الراضون ١٠٤. حدثنا على بن أحمد بن محمد بن رضى الله عنه قال: رسول الله صلى الله عليه وآله: أول من يقرع باب الجنة من أمتى فقراؤهم، وأكثر أهل الجنة صفاؤهم، وأول من يساق إلى النار من أمتى يوم القيامة: (الأقماع) (٢) الذين إذا أكلوا لم يشبعوا، وإذا جمعوا استغنوا، إنما همتهم الدنيا. (٣).

١- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٥٧٢ ح ٦٥٨١، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤٣٨ ح ٧٤٢١ وفيه «سماواتك» بدل «سمائك»، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ١٣٨ ح ٣٥٢، حليه الأولياء: ج ١ ص ٣٤٧ نحوه، تفسير ابن كثير: ج ٤ ص ٣٧٣، كنز العمال: ج ٦ ص ٤٨١ ح ١٦٦٣٦.

٢- الأقماع: جمع قمع؛ وهو الإناء الذى يترك فى رؤوس الظروف لئلا بالماءات من الأشربة والأدهان. أى كأن ما يأكلونه ويجمعونه يمر بهم مجتازا غير ثابت فيهم ولا باقى عندهم (النهاية: ج ٤ ص ١٠٩ «قمع»).

٣- الفردوس: ج ١ ص ٢٥ ح ٣٤ عن أنس.

و تهی دستان قانع

۹۴. حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ عَيْسَى بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَجَلِيُّ قَالَ: مَسَّنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ بِهِ نَقْلٌ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَاصِيٍّ: «يَا مَبْرُكُ خَدَا صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَيَا مِي دَانِيْدُ نَخْسْتِيْنُ كَسَانِيْ كِهْ مِنْ خَلْقِ خَدَا وَارِدِ بَهْسْتِ مِي شُونْدُ ، كِيْسْتَنْدُ؟» .

گفتند : خدا و پیامبرش داناترند .

فرمود : «نخستین کسانی که از خلق خدا که وارد بهشت می شوند ، تهی دستان و مهاجران اند ؛ همانان که به واسطه ایشان ، مرزها حمایت ، و بلاها و ناملايمات ، دفع می شوند ، و هر يك از آنها می میرد و حاجتش در سینه اش می ماند و نمی تواند آن را برآورده سازد .

پس ، خدای عز و جل به هر شمار از فرشتگانش که می خواهد ، می فرماید : نزد ایشان بروید و درودشان بگویید .

فرشتگان می گویند : ما ساکنان آسمان تو و برگزیدگان تو از میان آفریدگانت هستیم . آیا به ما دستور می دهی که نزد آنان برویم و سلامشان کنیم؟

خداوند می فرماید : آنان ، بندگانی بودند که مرا می پرستیدند و هیچ چیزی را شریک من نمی گردانیدند . به واسطه آنها مرزها نگهداری ، و بلاها و ناملايمات ، دفع می شدند ، و هر يك از آنها می مُرد و حاجتش را همچنان در سینه اش داشت و نمی توانست آن را برآورده سازد .

در این هنگام ، فرشتگان ، نزد ایشان می روند و از هر دری بر آنان وارد می شوند [و می گویند :] «سلام بر شما که شکیبایی کردید ! پس چه نیکوست فرجام [این] سرای !» . و تهی دستان قانع ۹۳. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَّاقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قِيَامِ مَبْرُكُ خَدَا صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: نَخْسْتِيْنُ گِرُوْهْ مِنْ بَهْسْتِ كِهْ دَرِ بَهْسْتِ رَا مِي زَنْدُ ، تَهِي دَسْتَانِ اَنَانِ اَنْدُ وَ بِيْشْتَرِيْنِ اَهْلِ بَهْسْتِ رَا مَسْتَضْعَفَانِ اَنَانِ ، تَشْكِيْلِ مِي دَهْنْدُ ، وَ نَخْسْتِيْنِ گِرُوْهْ مِنْ اَمْتِ مَنْ كِهْ دَرِ رُوْزِ قِيَامَتِ بَهْ سُوِيْ دُوْزَخِ رَا نِهْنْدُ مِي شُونْدُ ، قِيْفِ صِفْتَانِ اَنْدُ ؛ (۱) هِمَانَانِ كِهْ هَر چِه مِي خُوْرَنْدُ ، سِيْرِ نَمِي شُونْدُ وَ هَر چِه گِرْدِ مِي آوَرَنْدُ ، بِي نِيْازِ نَمِي شُونْدُ . تَمَامِ هَمَّ وَ غَمِ اِيْشَانِ ، دَنِيَاْسْتِ .

۱- . یعنی مانند قیف اند و چیزی را در خود نگه نمی دارند ؛ بلکه به داخل ظرف ، رد می کنند . اینان هر چه می خورند و جمع می کنند ، گویی از آنها عبور می کند و در آنان نمی ماند و اشباعشان نمی کند .

٩٢. أبو خالد كابلِي كُويِد: الزَّهْد لابن المبارك عن سعيد بن المسيَّب: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: ... مَنْ أَوَّلُ النَّاسِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: الْفُقَرَاءُ يَسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ، فَيَخْرُجُ إِلَيْهِمْ مِنْهَا مَلَائِكَةٌ يَقُولُونَ: ارْجِعُوا إِلَى الْحِسَابِ، فَيَقُولُونَ: عَلَى مَا نُحَاسَبُ؟! وَاللَّهِ مَا أُفِيضَتْ عَلَيْنَا مِنَ الْأَمْوَالِ فِي الدُّنْيَا فَتَقْبِضَ فِيهَا وَتَبْسِطَ، وَمَا كُنَّا أُمَّرَاءَ نَعْدِلُ وَنَجُورُ. (١) ٩٢. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ قَالَ: تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ: فِي الْوَحْيِ الْقَدِيمِ: هَلْ تَدْرُونَ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ الْفُقَرَاءُ الرَّاغِبُونَ. (٢) ز الْمُوَذَّنُونَ ٩٠. عبد العظيم حسنى از حضرت جواد عليه السلام و او از آخبار مكه للفاكهى عن جابر بن عبد الله: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأَنْبِيَاءُ، وَالشُّهَدَاءُ، وَالْمُوَذَّنُونَ؛ مُوَذَّنُو الْكَعْبَةِ، وَمُوَذَّنُو بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَمُوَذَّنُو مَسْجِدِي، ثُمَّ سَائِرُ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِمْ. (٣) ح التَّاجِرُ الصَّدُوقُ ٩٠. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ التَّاجِرُ الصَّدُوقُ. (٤).

-
- ١- الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص ٨٠ ح ٢٨٣، حليه الأولياء: ج ٨ ص ١٤٣ وراجع: مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢٦٦١ وعدّه الداعي: ص ١٠٥ وأعلام الدين: ص ١٩٥.
- ٢- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٥.
- ٣- أخبار مكه للفاكهى: ج ٢ ص ١٣٤ ح ١٣٠٥، شعب الإيمان: ج ٣ ص ١٢١ ح ٣٠٦٤ نحوه، كنز العمال: ج ٧ ص ٦٨٩ ح ٢٠٩٣٧.
- ٤- المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٣٦١ ح ٣١١ عن أبي ذرّ، كنز العمال: ج ٤ ص ١١ ح ٩٢٤٥.

ز مؤذنان

ح بازرگان راستگو

۸۹. علی بن هاشم از پدرش از حضرت باقر علیه السلام روایالزهد ، ابن مبارک به نقل از سعید بن مسیب : مردی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ... نخستین مردمانی که به بهشت وارد می شوند ، چه کسانی هستند؟

فرمود : «تهی دستان ، از دیگر مردمان ، به سوی بهشت ، سبقت می گیرند . پس فرشتگان از بهشت ، بیرون می آیند و می گویند : برای حسابرسی برگردید .

آنان می گویند : برای چه چیزی ، حسابرسی شویم؟! به خدا سوگند که از مال دنیا چیزی به ما داده نشد تا جمع و خرج کنیم و فرمان روا هم نبودیم تا دادگری و بیدادگری کرده باشیم . « ۸۸. سلیمان بن حفص مروزی گوید : تنبیه الخواطر : در وحی دیرین ، آمده است که : آیا می دانید نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند ، کیان اند؟ تهی دستان راضی. ز مؤذنان ۸۹. الحسین بن علی العلوی ، عن سهل بن جمهور ، عن عبدالأخبار مکه ، فاکهی به نقل از جابر بن عبد الله : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد : چه کسی پیش از همه ، وارد بهشت می شود؟

فرمود : «پیامبران ، شهیدان ، مؤذنان ، مؤذنان کعبه ، مؤذنان بیت المقدس و مؤذنان مسجد من . سپس دیگر مردمان بر حسب اعمالشان» . ح بازرگان راستگو ۸۷. عن عبدالعظیم ابن عبدالله قال : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخستین کسی که وارد بهشت می شود ، بازرگان راستگوست .

ط العبد الأسود ٨٥. عبد العظيم حسنى از حضرت جواد عليه السلام روايت كرد رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْعَبْدُ الْأَسْوَدُ . (١) ١٥ / ٤ صِفَهُ أَوَّلِ زُمْرِهِ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ ٧٢. محمد بن يعقوب كلينى از برخى كسان از عبد العظيم بن رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَوَّلَ زُمْرِهِ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ضَوْءٌ وَجُوهِهِمْ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ ، وَالزُّمْرَةُ الثَّانِيَةُ عَلَى مِثْلِ أَحْسَنِ كَوْكَبٍ دُرِّيٍّ فِي السَّمَاءِ ، لِكُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ زَوْجَتَانِ ، عَلَى كُلِّ زَوْجَةٍ سَبْعُونَ حُلَّةً ، يُرَى مُخِّ سَاقِهَا مِنْ وَرَائِهَا . (٢) ٧١. عبد العظيم حسنى گوید : سنن الدارمى عن أبى هريره : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ أَوَّلَ زُمْرِهِ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِي عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ عَلَى أَحْسَنِ كَوْكَبٍ إِضَاءَةً فِي السَّمَاءِ .

فَقَامَ عُكَّاشُهُ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَدْعُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ لِي مِنْهُمْ . فَقَالَ : اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مِنْهُمْ . ثُمَّ قَامَ رَجُلٌ آخَرُ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَدْعُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ لِي مِنْهُمْ . فَقَالَ : سَبَقَكَ بِهَا عُكَّاشُهُ . (٣) .

-
- ١- تفسير الطبرى : ج ١١ الجزء ١٩ ص ١٤ ، تفسير ابن كثير : ج ٦ ص ١٢٠ ، البدايه والنهايه : ج ١ ص ٢٢٨ ، الدر المنثور : ج ٦ ص ٢٥٧ نقلاً عن ابن إسحاق وكلها عن محمد بن كعب القرظى .
 - ٢- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٧٧ ح ٢٥٣٥ ، المصنّف لابن أبى شييبه : ج ٨ ص ٧٨ ح ٦٤ كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٨ ح ٧١٥٥ ، صحيح ابن حبان : ج ١٦ ص ٤٣٦ ح ٧٤٢٠ كلاهما عن أبى هريره نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧١ ح ٣٩٣٠٢ وراجع : صحيح البخارى : ج ٣ ص ١١٨٦ ح ٣٠٧٤ و سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٤٤٩ ح ٤٣٣٣ .
 - ٣- سنن الدارمى : ج ٢ ص ٧٩٠ ح ٢٧١٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٥٧٠ ح ١٠٥٢٩ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٣ ص ٢٥٣ ح ٥٠١٠ ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٨٧ ح ٣٩٣٧٠ .

۱۵ / ۴ ویژگی نخستین گروه وارد شونده به بهشت

ط برده سیاه ۷۲. حدّثنا محمّد بن یعقوب الکلبینی ، عن بعض رجاله ، عن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخستین انسانی که در روز قیامت وارد بهشت می شود ، برده سیاه است . ۱۵ / ۴ ویژگی نخستین گروه وارد شونده به بهشت ۷۰. حدّثنا علی بن أحمد بن عمران الدقاق رضی الله عنهما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نخستین گروهی که در روز قیامت ، وارد بهشت می شوند ، نور چهره هایشان همچون نور ماه شب چهارده است ، و گروه دوم ، مانند زیباترین ستاره درخشان در آسمان اند . هر مردی از ایشان دو همسر دارد و بر هر همسری ، هفتاد جامه پوشیده است که مغز ساق او از پشت آنها دیده می شود . ۶۹. عبدالعظیم حسنی گفت : سنن الدارمی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «نخستین گروه از امت من که وارد بهشت می شوند ، مانند ماه شب چهارده می درخشند ، و کسانی که پس از آنان وارد می شوند ، چونان درخشان ترین اختر آسمان اند» .

عُکاشه برخاست و گفت : ای پیامبر خدا ! دعا کن که خداوند ، مرا از ایشان قرار دهد .

فرمود : «بار خدایا! او را از ایشان قرار ده» .

مرد دیگری برخاست و گفت : ای پیامبر ! دعا کن که خداوند ، مرا نیز از ایشان قرار دهد .

فرمود : «عُکاشه در آن ، از تو سبقت گرفت» .

١٥ / ٥١ من يدخل الجنة بغير حساب. جابر از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده که آن جنس رسول الله صلى الله عليه وآله إذا كان يوم القيامة جمع الله الخلائق في صعيد (١) واحد، وينادي مناد من عند الله، يسمع آخرهم كما يسمع أولهم، يقول: أين أهل الصبر؟ فيقوم عنق من الناس، فتستقبلهم زمرة من الملائكة، فيقولون لهم: ما كان صبركم هذا الذي صبرتم؟ فيقولون: صبرنا أنفسنا على طاعة الله، وصبرناها عن معصية الله. قال: فينادي مناد من عند الله: صدق عبادي، خلوا سبيلهم ليدخلوا الجنة بغير حساب.

قال: ثم ينادي مناد آخر، يسمع آخرهم كما يسمع أولهم، فيقول: أين أهل الفضل؟ فيقوم عنق من الناس، فتستقبلهم زمرة من الملائكة، فيقولون: ما فضلكم هذا الذي نوديتم به؟ فيقولون: كنا يجهل علينا في الدنيا فنحنم، ويساء إلينا فنعمو. قال: فينادي مناد من عند الله تعالى: صدق عبادي، خلوا سبيلهم ليدخلوا الجنة بغير حساب.

قال: ثم ينادي مناد من عند الله عز وجل، يسمع آخرهم كما يسمع أولهم، فيقول: أين جيران الله جل جلاله في داره؟ فيقوم عنق من الناس، فتستقبلهم زمرة من الملائكة، فيقولون لهم: ماذا كان عملكم في دار الدنيا فصرتم به اليوم جيران الله تعالى في داره؟ فيقولون: كنا نتحاب في الله عز وجل وتبادل في الله، وتوازروا في الله، فينادي مناد من عند الله: صدق عبادي، خلوا سبيلهم لينطلقوا إلى جوار الله في الجنة بغير حساب. قال: فينطلقون إلى الجنة بغير حساب. (٢) راجع: ص ٥٩٤ (الفصل السادس عشر: درجات الجنة / اصناف درجات الجنة).

١- الصَّعِيدُ: المَوْضِعُ العَرِيضُ الواسِعُ (لسان العرب: ج ٣ ص ٢٥٥ «صعد»).

٢- الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص ١٠٣ ح ١٥٨ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٣٩٣ ح ١٤ و راجع: دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٣٢٥ والبدايه والنهايه: ج ٩ ص ١١٤.

۱۵ / ۵ کسانی که بدون حسابرسی ، به بهشت می روند

۱۵ / ۵ کسانی که بدون حسابرسی ، به بهشت می روند ۳۸. ابراهیم بن ابی محمود گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون روز قیامت شود ، خداوند ، خلاق را در فلاتی پهناور گرد می آورد و آواز دهنده ای از جانب خدا با صدایی که همگان ، یکسان آن را می شنوند ، بانگ می زند که : اهل شکیبایی ، کجایند؟

پس ، شماری از مردم بر می خیزند . گروهی از فرشتگان ، جلو آنان را می گیرند و می گویند : این ، شکیبایی ای که شما نشان داده اید ، چه بوده است؟

آنان می گویند : ما خویشان را بر طاعت خدا و خودداری از معصیت او ، به شکیبایی وا داشتیم .

در این هنگام ، آواز دهنده ای از جانب خدا بانگ می زند که : «بند گانم ، راست می گویند . راه را بر آنان بگشایید تا بدون حسابرسی ، وارد بهشت شوند».

سپس آواز دهنده دیگری از جانب خدا با صدایی که همگان ، یکسان آن را می شنوند ، بانگ می زند که : اهل بزرگواری ، کجایند؟

پس ، شماری از مردم بر می خیزند . گروهی از فرشتگان ، راه را بر ایشان می گیرند و می گویند : این بزرگواری شما که در باره آن بانگ زده شدید ، چه بوده است؟

می گویند : ما در دنیا چنان بودیم که هر گاه به ما نادانی و اهانتی می شد ، تحمل می کردیم و هر گاه به ما بدی می شد ، گذشت می کردیم .

در این هنگام ، آواز دهنده ای از جانب خدای بلندمرتبه ، بانگ می زند که : «بند گانم راست می گویند . راه را بر آنان بگشایید تا بدون حسابرسی ، وارد بهشت شوند» .

باز ، آواز دهنده ای از جانب خدای عز و جل با صدایی که همگان آن را یکسان می شنوند ، بانگ می زند که : همسایگان خانه خداوند بزرگ ، کجایند؟

پس ، شماری از مردم بر می خیزند . گروهی از فرشتگان ، راه را بر ایشان می گیرند و می گویند : عمل شما در سرای دنیا چه بوده که به سبب آن ، امروز ، همسایگان خانه خدای بلندمرتبه شده اید؟

آنان می گویند : ما برای خداوند عز و جل ، یکدیگر را دوست می داشتیم ، برای خدا به یکدیگر بخشش می کردیم ، و برای خدا به همدیگر کمک می نمودیم .

در این هنگام ، آواز دهنده ای از جانب خدا بانگ می زند که : «بندگانم راست می گویند . راه را بر آنان بگشایید تا بدون حسابرسی ، به همسایگی خدا در بهشت روند» و آنان بدون حسابرسی ، به بهشت می روند. ک : ص ۵۹۵ (فصل شانزدهم : درجات بهشت / انواع درجات بهشت) .

١٥ / ٦ من يدخل الجنة سراً. ٢١١. امام باقر عليه السلام درباره قول خدای عز وجل: الإمام الصادق عليه السلام: إذا كان يوم القيامة نظر رضوان خازن الجنان إلى قوم لم يمروا به، فيقول: من أنتم؟ ومن أين دخلتم؟ يقولون: إياك عنا، فإننا قوم عيّدنا الله سراً فأدخلنا الله الجنة سراً. (١) ١٥ / ٧ آخر من يدخل الجنة من الأنبياء ١٨. حضرت باقر عليه السلام درباره آیه شریفه {Q} « وأرسول الله صلى الله عليه وآله يدخل سليمان الجنة بعد دخول الأنبياء بأربعين عاماً؛ للسبب الذي أعطاه الله عز وجل. (٢) ٢١. أحمد بن مهران، عن عبدالعظيم ابن عبدالله الحسني الإمام الصادق عليه السلام: آخر من يدخل الجنة من النبيين سليمان بن داود عليه السلام؛ وذلك لما أعطى في الدنيا. (٣) ١٥ / ٨ ما روى في آخر من يدخل الجنة من الناس (٤) ١٧. يحيى بن سالم از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده صحیح مسلم عن عبد الله بن مسعود: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إني لأعلم آخر أهل النار خروجا منها، وآخر أهل الجنة دخولا الجنة؛ رجل يخرج من النار حبوا (٥)، فيقول الله تبارك وتعالى له: اذهب فادخل الجنة، فيأتيها فيخيل إليه أنها ملأى، فيرجع فيقول: يا ربّ وحيدها ملأى! فيقول الله تبارك وتعالى له: اذهب فادخل الجنة. قال: فيأتيها فيخيل إليه أنها ملأى. فيرجع فيقول: يا ربّ وحيدها ملأى! فيقول الله له: اذهب فادخل الجنة، فإن لك مثل الدنيا وعشرة أمثالها أو: إن لك عشرة أمثال الدنيا قال: فيقول: أتسخري بي (أو: أتضحك بي) ٦ وأنت الملك؟

قال: لقد رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله ضحكك حتى بدت نواجذهُ. (٦).

- ١- فلاح السائل: ص ٩٢ ح ٢٧ عن صفوان الجمال، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤١١ ح ٦٠.
- ٢- الفردوس: ج ٥ ص ٥٠٧ ح ٨٩٠٨ و ص ٥٠٨ ح ٨٩١٤ كلاهما عن أنس.
- ٣- مستطرفات السرائر: ص ٤١ ح ٧ عن زراره، التمهيص: ص ٤٩ ح ٨٠ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٧٤ ح ١٦.
- ٤- جدير بالذكر أن هذه الروايات وان وردت في المصادر المعتمدة لأهل السنه إلا أنها في نظرنا ضعيفه سنداً و متناً و تستحق التأمل.
- ٥- الحبو: أن يمشى على يديه وركبتيه أو استه (النهايه: ج ١ ص ٣٣٦ «حبا»).
- ٦- صحیح مسلم: ج ١ ص ١٧٣ ح ٣٠٨، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤٥٢ ح ٤٣٣٩، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ١٨٥ ح ٤٣٩١ نحوه، صحیح ابن حبان: ج ١٦ ص ٥١٧ ح ٧٤٧٥، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٧٥ ح ٥١١٧، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥٠٤ ح ٣٩٤٢٢ وراجع: صحیح البخارى: ج ٦ ص ٢٧٢٨ ح ٧٠٧٣ والمعجم الكبير: ج ١٠ ص ١٦٥ ح ١٠٣٣٩ والمصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٧٨ ح ٦٣.

۱۵ / ۶ کسانی که پنهانی ، وارد بهشت می شوند

۱۵ / ۷ آخرین پیامبری که وارد بهشت می شود

۱۵ / ۸ احادیثی در باره آخرین کس از مردم که وارد بهشت می شود

۱۵ / ۶ کسانی که پنهانی ، وارد بهشت می شوند ۱۸. أحمد بن مهران ، عن عبدالعظیم ابن عبداللّٰه الحسینامام صادق علیه السلام : چون روز قیامت شود ، رضوان ، نگهبان باغ های بهشت ، شماری را می بیند که از برابر او نگذشته اند . می گوید : شما کیستید؟ و از کجا آمده اید؟

می گویند : با ما کاری نداشته باش . ما گروهی هستیم که خدا را نهنانی عبادت کردیم و خدا هم ما را نهنانی به بهشت در آورد . ۱۵ / ۷ آخرین پیامبری که وارد بهشت می شود ۱۵. وبهذا الإسناد عن عبدالعظیم ابن عبداللّٰه الحسنی قایمبیر خدا صلی الله علیه و آله : سلیمان ، چهل سال بعد از ورود پیامبران ، وارد بهشت می شود و این به سبب سلطنتی است که خداوند عز و جل [در دنیا] به او عطا کرد. ۱۴. ابراهیم بن ابی محمود گوید : امام صادق علیه السلام : آخرین کس از پیامبران که وارد بهشت می شود ، سلیمان بن داوود است و این ، به سبب چیزی است که در دنیا به او داده شد. ۱۵ / ۸ احادیثی در باره آخرین کس از مردم که وارد بهشت می شود (۱) ۱۴. حدّثنا محمّد بن أحمد السنانی قال : صحیح مسلم به نقل از عبد الله بن مسعود : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «من می دانم آخرین دوزخی ای که از دوزخ ، بیرون می آید و آخرین بهشتی ای که وارد بهشت می شود ، چه کسی است : مردی که چهار دست و پا از آتش بیرون می رود . پس خدای بزرگ و والا-، به او می فرماید : برو و وارد بهشت شو .

او خود را به بهشت می رساند ؛ اما به نظرش می رسد که پُر است . از این رو ، باز می گردد و می گوید : پروردگارا ! بهشت ، پُر بود!

خدای بزرگ و والا ، به او می فرماید : برو و وارد بهشت شو .

او می رود و باز بهشت به نظرش پُر می آید . دوباره بر می گردد و می گوید : پروردگارا ! بهشت ، پُر بود!

خدا به او می فرماید : برو و وارد بهشت شو . برای تو به اندازه دنیا و بلکه ده برابر آن ، جا هست یا : برای تو ده برابر دنیا ، جا هست .

او می گوید : مرا دست می اندازی یا مرا ریشخند می کنی ، در حالی که تو پادشاهی؟! .

دیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنان خندید که دندان های آسیایش نمایان شد .

۱- گفتنی است این احادیث ، در مصادر اهل سنت آمده اند ، ولی از نظر ما سند و متن آنها بسیار ضعیف و قابل تأمل است .

١٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: صَحِيحٌ مُسْلِمٌ عَنْ أَبِي ذَرٍّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي لَأَعْلَمُ آخِرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ دُخُولًا الْجَنَّةَ وَآخِرَ أَهْلِ النَّارِ خُرُوجًا مِنْهَا؛ رَجُلٌ يُؤْتَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقَالُ: اعْرِضُوا عَلَيْهِ صِغَارَ ذُنُوبِهِ وَارْفَعُوا عَنْهُ كِبَارَهَا، فَتُعْرَضُ عَلَيْهِ صِغَارُ ذُنُوبِهِ، فَيَقَالُ: عَمِلْتَ يَوْمَ كَذَا وَكَذَا، كَذَا وَكَذَا، وَعَمِلْتَ يَوْمَ كَذَا وَكَذَا، كَذَا وَكَذَا.

فَيَقُولُ: نَعَمْ. لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ، وَهُوَ مُشْفِقٌ مِنْ كِبَارِ ذُنُوبِهِ أَنْ تُعْرَضَ عَلَيْهِ.

فَيَقَالُ لَهُ: فَإِنَّ لَكَ مَكَانَ كُلِّ سَيِّئَةٍ حَسَنَةً.

فَيَقُولُ: رَبِّ! قَدْ عَمِلْتُ أَشْيَاءَ لَا أَرَاهَا هَاهُنَا!!

فَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ضَحِكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ. (١).

١- صحیح مسلم: ج ١ ص ١٧٧ ح ٣١٤، سنن الترمذی: ج ٤ ص ٧١٣ ح ٢٥٩٦، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١١٥ ح ٢١٥٤٨، صحیح ابن حبان: ج ١٦ ص ٣٧٥ ح ٧٣٧٥ کلها نحوه، السنن الکبری: ج ١٠ ص ٣٢٠ ح ٢٠٧٧٢ وراجع: عوالی اللالی: ج ١ ص ١٢٤ ح ٥٦.

۱۲. أحمد بن مهران ، عن عبدالعظیم ابن عبداللہ ، عن محصحیح مسلم به نقل از ابو ذر : پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود : «من آخرین بهشتی ای را که وارد بهشت می شود و آخرین دوزخی ای را که از دوزخ خارج می شود ، می دانم کیست ؟ مردی است که در روز قیامت ، او را می آورند و گفته می شود : گناهان کوچکش را به او نشان دهید و گناهان بزرگش را از وی پنهان دارید .

پس گناهان کوچکش به او نشان داده می شوند و گفته می شود : تو در روز فلان و بهمان ، چنین و چنان کردی و در روز فلان و بهمان ، چنین و چنان کردی .

او می گوید : بله . و نمی تواند انکار کند. او بیمناک است که گناهان بزرگش بر او عرضه شوند ؛ اما به او گفته می شود : اینک به جای هر یک گناه ، یک ثواب داده می شوی.

او می گوید : پروردگارا ! من کارهایی [زشت] کرده ام که آنها را در این جا نمی بینم! .

دیدم پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چنان خندید که دندان های آسیایش نمایان شد . .

١١. مالك جهني گفتم: رسول الله صلى الله عليه و آله: آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلٌ، فَهُوَ يَمْشِي مَرَّةً وَيَكْبُو مَرَّةً وَتَسْفَعُهُ (١) النَّارُ مَرَّةً، فَإِذَا مَا جَاوَزَهَا التَّفَّتْ إِلَيْهَا، فَقَالَ: تَبَارَكَ الَّذِي نَجَّانِي مِنْكَ، لَقَدْ أَعْطَانِي اللَّهُ شَيْئًا مَا أَعْطَاهُ أَحَدًا مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ. فَتَرَفَّعَ لَهُ شَجَرَةٌ، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ! أَدْنِي مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَلَأَسْتَظِلَّ بِظِلِّهَا وَأَشْرَبَ مِنْ مَائِهَا، فَيَقُولُ اللَّهُ عز و جل: يَا بَنَ آدَمَ! لَعَلِّي إِنْ أَعْطَيْتُكَهَا سَأَلْتَنِي غَيْرَهَا؟ فَيَقُولُ: لَا يَا رَبِّ! وَيُعَاهِدُهُ أَنْ لَا يَسْأَلَهُ غَيْرَهَا، وَرَبُّهُ يُعَذِّرُهُ لِأَنَّهُ يَرَى مَا لَا صَبْرَ لَهُ عَلَيْهِ، فَيُدْنِيهِ مِنْهَا، فَيَسْتَظِلُّ بِظِلِّهَا وَيَشْرَبُ مِنْ مَائِهَا.

ثُمَّ تَرَفَّعَ لَهُ شَجَرَةٌ هِيَ أَحْسَنُ مِنَ الْأُولَى، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ! أَدْنِي مِنْ هَذِهِ لِأَشْرَبَ مِنْ مَائِهَا وَأَسْتَظِلَّ بِظِلِّهَا، لَا أَسْأَلُكَ غَيْرَهَا، فَيَقُولُ: يَا بَنَ آدَمَ! أَلَمْ تُعَاهِدْنِي أَنْ لَا تَسْأَلَنِي غَيْرَهَا؟ فَيَقُولُ: لَعَلِّي إِنْ أَدْنَيْتُكَ مِنْهَا تَسَأَلَنِي غَيْرَهَا؟ فَيُعَاهِدُهُ أَنْ لَا يَسْأَلَهُ غَيْرَهَا، وَرَبُّهُ يُعَذِّرُهُ لِأَنَّهُ يَرَى مَا لَا صَبْرَ لَهُ عَلَيْهِ، فَيُدْنِيهِ مِنْهَا، فَيَسْتَظِلُّ بِظِلِّهَا وَيَشْرَبُ مِنْ مَائِهَا.

ثُمَّ تَرَفَّعَ لَهُ شَجَرَةٌ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ هِيَ أَحْسَنُ مِنَ الْأُولَى، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ! أَدْنِي مِنْ هَذِهِ لِأَسْتَظِلَّ بِظِلِّهَا وَأَشْرَبَ مِنْ مَائِهَا، لَا أَسْأَلُكَ غَيْرَهَا، فَيَقُولُ: يَا بَنَ آدَمَ! أَلَمْ تُعَاهِدْنِي أَنْ لَا تَسْأَلَنِي غَيْرَهَا؟ قَالَ: بَلَى يَا رَبِّ! هَذِهِ لَا أَسْأَلُكَ غَيْرَهَا، وَرَبُّهُ يُعَذِّرُهُ لِأَنَّهُ يَرَى مَا لَا صَبْرَ لَهُ عَلَيْهَا، فَيُدْنِيهِ مِنْهَا.

فَإِذَا أَدْنَاهُ مِنْهَا، فَيَسْمَعُ أَصْوَاتَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ! أَدْخِلْنِيهَا، فَيَقُولُ: يَا بَنَ آدَمَ! مَا يَصْرِيئِي مِنْكَ (٢)؟ أَيُّرْضِيكَ أَنْ أُعْطِيكَ الدُّنْيَا وَمِثْلَهَا مَعَهَا؟ قَالَ: يَا رَبِّ! أَتَسْتَهْزِئُ مِنِّي وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟! (٣).

١- سَفَعَتْهُ النَّارُ: لَفَحَتْهُ لِفْحًا يَسِيرًا فغَيَّرَتْ لَوْنَ بَشَرَتِهِ وَسَوَّدَتْهُ (لسان العرب: ج ٨ ص ١٥٧ «سفع»).

٢- مَا يَصْرِيئِي مِنْكَ: أَيُّ مَا يَقْطَعُ مَسْأَلَتَكَ وَيَمْنَعُكَ مِنْ سْؤَالِي (النهاية: ج ٣ ص ٢٧ «صرا»).

٣- صحيح مسلم: ج ١ ص ١٧٤ ح ٣١٠، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٨١ ح ٣٨٩٩، المعجم الكبير: ج ١٥ ص ٩ ح ٩٧٧٥ كلاهما نحوه وكلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥٠٠ ح ٣٩٤١٨.

۱۰. ابو بصیر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آخرین کسی که وارد بهشت می شود، مردی است که افتان و خیزان می رود و گاه، آتش بر چهره او می زند و آن را سیاه می کند، و چون از آن گذشت، به طرف آن، نگاهی می اندازد و می گوید: بزرگ است آن که مرا از تو (آتش دوزخ) رهانید! خدا چیزی به من داد که به هیچ یک از اولین و آخرین انسان ها نداده است.

در این هنگام، درختی در نظرش ظاهر می شود. می گوید: پروردگارا! مرا به آن درخت، نزدیک گردان تا در سایه آن، آرام گیرم و از آتش بنوشم.

خداوند عز و جل می فرماید: «ای پسر آدم! اگر خواسته ات را بر آورم، چیز دیگری از من درخواست نمی کنی؟».

می گوید: نه، ای پروردگار! و قول می دهد که درخواست دیگری از او نکند؛ اما پروردگارش او را معذور می دارد؛ چون چیز دیگری را می بیند که [دلش آن را می خواهد و] در برابرش یارای شکیبایی ندارد. پس خداوند، او را به آن درخت، نزدیک می گرداند و او در سایه اش می آرمند و از آتش می نوشد.

در این هنگام، درختی زیباتر از درخت اولی در نظرش ظاهر می شود. او می گوید: پروردگارا! مرا به این درخت، نزدیک گردان تا از آب آن بنوشم و در سایه اش بیارم. جز این هم چیز دیگری از تو نخواهم خواست.

خداوند می فرماید: «ای پسر آدم! مگر به من قول ندادی که درخواست دیگری از من نمایی؟» و سپس می فرماید: «اگر تو را نزدیکش بردم، درخواست دیگری از من نخواهی کرد؟».

او عهد می بندد که درخواست دیگری نکند؛ اما باز پروردگارش او را معذور می دارد؛ زیرا چیزی را می بیند که در برابرش طاقت شکیبایی ندارد. پس خداوند، او را به آن درخت، نزدیک می گرداند و او در سایه اش می آرمند و از آتش می نوشد.

دیگر بار، درختی زیباتر از آن دو درخت قبلی، جلو در بهشت در نظرش ظاهر می شود و او می گوید: پروردگارا! مرا به این درخت نزدیک گردان تا در سایه اش بیارم و از آب آن بنوشم. جز این هم چیز دیگری از تو نخواهم خواست.

خدا می فرماید: «ای پسر آدم! مگر به من وعده ندادی که چیز دیگری از من نخواهی؟».

می گوید: آری، پروردگارا! این [را می خواهم] و جز این، درخواستی نخواهم کرد.

پروردگارش او را معذور می دارد؛ زیرا وی چیزی را می بیند که در برابرش، توان

شکیبایی ندارد. پس خداوند، او را به آن درخت، نزدیک می گرداند. پس چون او را به آن نزدیک ساخت، وی صدای

بهشتیان را می شنود . او می گوید : پروردگارا ! مرا داخل آن (بهشت) گردان .

خدا می فرماید : «ای پسر آدم! چه چیزی خواسته تو را از من تمام می کند؟ دنیا و مانند آن را به تو بدهم ، راضی ات می کند؟» .

او می گوید : پروردگارا! مرا مسخره می کنی ، در حالی که تو پروردگار جهانیانی؟! .

٩. مالك جهني گويد: رسول الله صلى الله عليه وآله: حَدَّثَنِي جَبْرَائِيلُ وَهُوَ يَتَّبِسُّمُ ، قَالَ : آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُقَالُ لَهُ : مُرَّ عَلَى الصُّرَاطِ ، فَتَرُلُ قَدَمُهُ وَيَتَعَلَّقُ بِالْأُخْرَى ، وَتَرُلُ رُكْبَتُهُ وَيَتَعَلَّقُ بِالْأُخْرَى ، وَتَرُلُ يَدُهُ وَيَتَعَلَّقُ بِالْأُخْرَى ، وَالنَّارُ تَرْمِيهِ بِشَرَرِهَا وَتَلْدَعُهُ بِلَهَبِهَا ، كُلَّمَا أَصَابَهُ شَيْءٌ مِنْهَا ضَرَبَ بِيَدَيْهِ عَلَيْهِ وَقَالَ : اِخْسِئَا ، حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهَا بِرَحْمَةِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ . (١) ١١. أحمد ، عن عبدالعظيم ، عن ابن أذينة ، عن مالك الجعنه صلى الله عليه وآله : آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلٌ مِنْ جُهَيْنَةَ ، فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَنَّةِ : عِنْدَ جُهَيْنَةَ الْخَبْرُ الْيَقِينُ ، سَلِمُوهُ ، هَلْ بَقِيَ مِنَ الْخَلَائِقِ أَحَدٌ يُعَذِّبُ؟ فَيَقُولُ : لا . (٢) ١٠. أحمد بن مهرا ، عن عبدالعظيم الحسنى ، عن على بن أتبنيه الغافلين عن عبد الله بن مسعود : يَمُرُّ رَجُلٌ ، وَهُوَ آخِرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ دُخُولًا ، فَإِذَا جازَ الصُّرَاطَ رُفِعَ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ ، فَلَا يَدْرِى أَلَّهُ فِي الْجَنَّةِ مَقْعِدًا! فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا قَالَ : رَبِّ أَنْزِلْنِي هَاهُنَا ، فَيَقُولُ لَهُ : فَلَعَلَّكَ إِنْ أَنْزَلْتُكَ هُنَا تَسْأَلُنِي غَيْرَهُ؟ فَيَقُولُ : لا وَعَزَّتْكَ! فَيَنْزِلُهُ .

ثُمَّ يُرْفَعُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مَنَازِلُ ، فَيَتَحَاقَرُ إِلَيْهِ مَا أُعْطِيَ مِمَّا يَرَى ، فَيَقُولُ : رَبِّ أَنْزِلْنِي هُنَاكَ ، فَيَقُولُ : فَلَعَلَّكَ إِنْ أَنْزَلْتُكَ هَاهُنَا أَنْ تَسْأَلُنِي غَيْرَهُ؟ فَيَقُولُ : لا وَعَزَّتْكَ! فَيَنْزِلُهُ .

ثُمَّ يُرْفَعُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ حَتَّى الرَّابِعِهِ ، فَإِذَا كَانَتِ الرَّابِعَةُ ، رُفِعَ لَهُ ، فَيَتَحَاقَرُ إِلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ أُعْطِيَ ، فَيَسْكُتُ ، فَلَا يَسْأَلُ شَيْئًا ، فَيَقُولُ لَهُ : أَلَا تَسْأَلُ؟ فَيَقُولُ : سَأَلْتُ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ! فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى : لَكَ مِثْلُ الدُّنْيَا وَعَشْرَةُ أَمْثَالِهَا . فَهَذَا أَوْضَعُ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنَزِلًا .

قالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ : كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَتَحَدَّثُ بِذَلِكَ إِلَّا ضَحِكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ . (٣) .

- ١- .جامع الأحاديث للقمي : ص ٢٥٤ عن أنس .
- ٢- .كنز العمال : ج ١٤ ص ٥٠٩ ح ٣٩٤٣٣ و ص ٥٠٧ ح ٣٩٤٣٠ كلاهما نقلًا عن الخطيب ، فتح الباري : ج ١١ ص ٤٥٩ كلها عن ابن عمرو وفي الأخيرين صدره إلى «الخبر اليقين» .
- ٣- .تنبيه الغافلين : ص ٨٣ ح ٧١ .

۸. امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل ، تبسم کنان به من گفت : به آخرین کسی که وارد بهشت می شود ، گفته می شود : از صراط بگذر . پس ، یک پایش می لغزد و به پای دیگرش می آویزد . یک زانویش می لغزد و به زانوی دیگرش می آویزد ، و یک دستش می لغزد و به دست دیگرش می آویزد ، و آتش با شراره های خود بر او می زند و با شعله هایش او را می گزد . هر گاه چیزی از آتش به او می خورد ، با دستش بر آن می زند و می گوید : «دور شو» تا آن که به لطف و رحمت خداوند عز و جل ، از آن بیرون می رود. ۷. عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل می کند: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آخرین کسی که وارد بهشت می شود ، مردی از جُهینه است . پس اهل بهشت می گویند : «خبر یقینی ، نزد جُهینه است . از او پرسید که : آیا از خلائق ، کسی مانده است که عذاب شود؟» و او می گوید : نه. ۶. زید شحام گوید : تنبیه الغافلین به نقل از عبد الله بن مسعود : [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود :] مردی که آخرین وارد شونده به بهشت است ، عبور می کند . از صراط که گذشت ، دری از بهشت برای او بالا می رود ، و او نمی داند که آیا در بهشت برایش جای نشستن هست یا نه ! چشمش که به بهشت می افتد ، می گوید : پروردگارا ! مرا در همین جا منزل ده . خدا به او می فرماید : «اگر تو را در این جا جای دهم ، شاید جز آن را از من بخواهی!» . او می گوید : نه ، به عزّت سوگند!

پس خداوند ، او را در آن بهشت ، منزل می دهد. آن گاه ، منزل های دیگر در بهشت برایش نمایان می شود ، و آنچه به او داده شده است ، در برابر آنچه می بیند ، به نظرش حقیر می آید . می گوید : پروردگارا ! مرا در آن جا منزل ده .

خدا می فرماید : «اگر تو را در آن جا منزل دهم ، شاید که جز آنها را از من درخواست کنی!» . او می گوید : نه ، به عزّت سوگند!

و خداوند ، او را در آن جا منزل می دهد. سپس منزل های دیگری در بهشت برایش نمایان می شوند ، تا مرتبه چهارم . در مرتبه چهارم که برایش نمایان می شوند ، همه آنچه به او داده شده است ، در نظرش حقیر می آید ؛ اما سکوت می کند و چیزی درخواست نمی کند . خداوند به او می فرماید : «چرا درخواست نمی کنی؟» .

می گوید : چندان درخواست کردم که دیگر خجالت می کشم!

خداوند بزرگ می فرماید : «به اندازه دنیا و ده برابر آن ، از آن تو باد» .

این است وضع دون پایه ترین اهل بهشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه این مطلب را می فرمود ، می خندید ، چندان که دندان های آسیایش نمایان می شد . .

٩. أحمد بن مهران ، عن عبد العظيم ابن عبد الله الحسيني صلى الله عليه وآله : إذا خلاص المؤمنون من النار ، حبسوا بقنطرة بين الجنة والنار ، فيتفأصون مظالم كانت بينهم في الدنيا ، حتى إذا تقوا وهذبوا ، أذن لهم بدخول الجنة ، فالذي نفس محمد صلى الله عليه وآله بيده ، لأخدهم بمسكنه في الجنة أدل بمنزله كان في الدنيا . (١) أحمد بن مهران ، عن عبد العظيم ، عن بكار ، عن جابر ، المعجم الكبير عن رسول الله صلى الله عليه وآله : إن آخر رجل يدخل الجنة رجل يتقلب على الصراط ظهرا لبطن ، كالغلام يضربه أبوه وهو يفر منه يعجز عنه عمله أن يسعى ، فيقول : يا رب بلغ بي الجنة ونجني من النار!

فيوحي الله تعالى إليه : عبدى ، إن أنا نجيتك من النار وأدخلتك الجنة أتعترف لى بدنوبك وخطاياك؟ فيقول العبد : نعم يا رب ، وعزتك وجلالك لئن تنجينى من النار لأعترفن لك بدنوبى وخطاياى! فيجوز الجسر ، ويقول العبد فيما بينه وبين نفسه : لئن اعترفت له بدنوبى وخطاياى ليردنى إلى النار .

فيوحي الله إليه : عبدى اعترف لى بدنوبك وخطاياك أغفرها لك وأدخلك الجنة ، فيقول العبد : لا وعزتك ، ما أذنبت ذنبا قط ولا أخطأت خطيئة قط!

فيوحي الله إليه : عبدى إن لى عليك بينة ، فلتفت العبد يمينا وشمالا فلا يرى أحدا ، فيقول : يا رب أرنى بينتك؟ فيستطق الله جلده بالمحقرات ، فإذا رأى ذلك العبد يقول : يا رب عندى وعزتك العظام المضمرات .

فيوحي الله عز وجل إليه : عبدى أنا أعرف بها منك ، اعترف لى بها أغفرها لك وأدخلك الجنة ، فيعترف العبد بدنوبه فيدخل الجنة . ثم ضحك رسول الله صلى الله عليه وآله حتى يادت نواجذُه ، يقول : «هذا أدنى أهل الجنة منزلة ، فكيف بالذى فوقه؟!» . (٢) .

١- صحیح البخاری : ج ٢ ص ٨٦١ ح ٢٣٠٨ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٢ ص ٣٨٥ ح ٣٣٤٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ١٢٦ ح ١١٦٠٣ نحوه وكلها عن أبى سعيد الخدرى .

٢- المعجم الكبير : ج ٨ ص ١٥٨ ح ٧٦٦٩ عن أبى أمامه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٥٠٧ ح ٣٩٤٣١ .

۷. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى قَالَ: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آن گاه که مؤمنان از دوزخ خلاص می شوند ، آنان را بر پلی میان بهشت و دوزخ نگه می دارند و تقاص ستم هایی را که به یکدیگر کرده اند ، از هم می ستانند و چون پاک و پیراسته شدند ، به آنان اجازه ورود به بهشت داده می شود . سوگند به آن که جان محمد در دست اوست ، هر یک از آنان به منزلی که در بهشت دارد ، بیش از منزلی که در دنیا داشته است ، می نازد. ۵. حسین بن میاح از کسی نقل می کند که گفت : المعجم الکبیر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آخرین مردی که وارد بهشت می شود ، مردی است که بر صراط به پشت و رو غلت می خورد ، همانند پسر بچه ای که پدرش او را می زند و او از وی می گریزد ، و اعمالش نمی گذارد که بدود . پس می گوید : پروردگارا ! مرا به بهشت برسان و از آتش ، نجاتم بخش !

خدای بلندمرتبه به او وحی می کند که : ای بنده ام ! اگر تو را از آتش برهانم و وارد بهشت نمایم ، در برابرم به گناهان و لغزش های تاعتراف می کنی ؟

بنده می گوید : بله ، ای خداوند ! به عزت و جلالت ، سوگند که اگر مرا از آتش برهانی ، در برابرت به گناهان و لغزش هایم اعتراف می کنم .

پس ، از پل می گذرد . او با خودش می گوید : اگر به گناهان و لغزش هایم اعتراف کنم ، مرا به آتش باز می گرداند .

پس خداوند به او وحی می کند که : بنده ام ! به گناهان و خطاهای تاعتراف کن تا آنها را بر تو ببخشایم و تو را وارد بهشت نمایم .

بنده می گوید : نه ، به عزت سوگند ! من هرگز گناهی نکرده ام و هیچ خطایی از من سر نزده است .

خداوند به او وحی می فرماید که : بنده من ! من بر ضد تو شاهد دارم .

بنده به راست و پیش می نگردد و کسی را نمی بیند . می گوید : پروردگارا ! شاهدت را به من نشان بده .

خداوند ، پوست او را به سخن در می آورد و پوستش از گناهان کوچک او می گوید . بنده چون این را می بیند ، می گوید : ای پروردگار ! به عزت سوگند که گناهان بزرگ پوشیده ای دارم !

خداوند عز و جل به او وحی می فرماید که : بنده ام ! من از خودت به آنها آگاه ترم . به آنها اعتراف کن تا آنها را بر تو ببخشایم و تو را به بهشت ببرم .

پس ، بنده به گناهانش اعتراف می کند و وارد بهشت می شود .

در این هنگام ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خندید ، چنان که دندان های آسیایش نمایان شد و فرمود : «این است وضع کم

منزلت ترین فرد اهل بهشت . حال ، چگونه است وضع آن که بالاتر از او است؟!» . .

١٥ / ٩ خُلُودُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْكِتَابِ «وَسَيِّقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلِمَ عَلَيْكُمْ طَبَقْتُمْ فَأَدْخَلُوهَا خَالِدِينَ * وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (١)».

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا * خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا» (٢).

«يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ * خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (٣).

الحديث ٢. أحمد بن مهرا، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسنى، رسول الله صلى الله عليه وآله: لَوْ قِيلَ لِأَهْلِ النَّارِ: إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ فِي النَّارِ عِدَدَ كُلِّ حَصَاةٍ فِي الدُّنْيَا لَفَرِحُوا بِهَا، وَلَوْ قِيلَ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ: إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ فِي الْجَنَّةِ عِدَدَ كُلِّ حَصَاةٍ فِي الدُّنْيَا لَحَزَنُوا، وَلَكِنْ جُعِلَ لَهُمُ الْأَبَدُ. (٤).

١- الزمر: ٧٣ ٧٤.

٢- الكهف: ١٠٧ ١٠٨.

٣- التوبة: ٢١ ٢٢.

٤- المعجم الكبير: ج ١٠ ص ١٨٠ ح ١٠٣٨٤، حليه الأولياء: ج ٤ ص ١٦٨ كلاهما عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥٣٢ ح ٣٩٥٣٠؛ الأمل للشمس: ج ٢ ص ٣٠٧ عن عبد الله بن مسعود.

۱۵ / ۹ جاودانگی بهشتیان

۱۵ / ۹ جاودانگی بهشتیانقرآن «و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته اند، گروه گروه به سوی بهشت، سوق داده می شوند ، تا بدان رسند و درهای آن ، گشوده گردد و نگهبانان آن ، به ایشان سلام گویند : «سلام بر شما ! خوش آمدید ! به آن ، جاودانه وارد شوید» و [ایشان] گویند : ستایش ، خدایی را که وعده اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد . از هر جای آن باغ که بخواهیم ، جای بر می گزینیم . چه نیک است پاداش عمل کنندگان !» .

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، باغ های فردوس ، جایگاه پذیرایی آنان است . جاودانه در آن خواهند بود و در آن جا درخواست انتقال نمی کنند» .

«پروردگارشان آنان را از جانب خود ، به رحمت و خشنودی و باغ هایی که در آنها نعمت هایی پایدار دارند ، مژده می دهد . جاودانه در آنها خواهند بود . در حقیقت ، خداست که نزد او پاداشی بزرگ است» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر به اهل دوزخ گفته شود : شما به شمار ریگ های دنیا در آتش خواهید ماند ، از آن خوش حال می شوند ، و اگر به اهل بهشت گفته شود : شما به شمار ریگ های دنیا در بهشت ، ماندگار خواهید بود ، اندوهگین می شوند ؛ اما جاودانگی برای آنها رقم خورده است .

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلُ النَّارِ النَّارَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ، كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عِيْدًا سِنِينَ؟ قَالُوا: لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ. قَالَ: نَعَمْ مَا أَتَجَرْتُمْ فِي يَوْمٍ أَوْ بَعْضِ يَوْمٍ، رَحْمَتِي وَرِضْوَانِي وَجَنَّتِي، أَمْكُثُوا فِيهَا خَالِدِينَ مُخَلَّدِينَ. ثُمَّ يَقُولُ لِأَهْلِ النَّارِ: كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عِيْدًا سِنِينَ؟ قَالُوا: لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ. فَيَقُولُ: بِئْسَ مَا أَتَجَرْتُمْ فِي يَوْمٍ أَوْ بَعْضِ يَوْمٍ سَخَطِي وَمَعْصِيَتِي وَنَارِي أَمْكُثُوا فِيهَا خَالِدِينَ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّ نَعِيمٍ زَائِلٌ إِلَّا نَعِيمَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَكُلُّ هَمٍّ مُنْقَطِعٌ إِلَّا هَمَّ أَهْلِ النَّارِ. (٢)

الإمام عليّ عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ خُلُودٌ وَبَقَاءٌ. (٣)

عنه عليه السلام: أَلَدُنِيَا أَمَدٌ (٤)، الْآخِرَةُ أَبَدٌ. (٥)

- ١- حليه الأولياء: ج ٥ ص ١٣٢ الرقم ٣١٢، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ٤٩٣، أسد الغابه: ج ١ ص ٣٤٤ الرقم ٣٥٠ كلها عن أئمة بن عبد الكلاعي، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٨٥ ح ٣٩٣٦٣.
- ٢- كنز العمالي: ج ١٤ ص ٤٧٣ ح ٣٩٣١٤ نقلاً عن ابن لآل و ج ١٥ ص ٧٩٩ ح ٤٣١٧٠ نقلاً عن ابن أبي الدنيا وابن عساكر كلاهما عن أنس و ج ٦ ص ٥٩٧ ح ١٧٠٤٧ نقلاً عن النرسی في قضاء الحوائج عن ابن عمر عن الإمام عليّ عليه السلام.
- ٣- غرر الحكم: ح ٧٢٩٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٠٢ ح ٦٧٨٣.
- ٤- الأمد: نهايه البلوغ (مجمع البحرين: ج ١ ص ٦٨ «أمد»).
- ٥- غرر الحكم: ح ٤.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن گاه که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند، خدای متعال می فرماید: «ای اهل بهشت! شما در زمین [دنیا]، چند سال درنگ داشتید؟». می گویند: یک روز یا پاره ای از روز، درنگ داشتیم. خدا می فرماید: «چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا پاره ای از روز! رحمت و خشنودی و بهشت را کسب کردید. جاویدان و ابدی، در آن بمانید». سپس به اهل دوزخ می فرماید: «شما چند سال در زمین، درنگ کردید؟». می گویند: یک روز یا پاره ای از روز، درنگ داشتیم. خدا می فرماید: «چه بد تجارتی کردید در یک روز یا پاره ای از روز! خشم و نافرمانی و آتش مرا کسب کردید. جاودانه در آن بمانید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر نعمتی زایل شدنی است، مگر نعمت اهل بهشت، و هر اندوهی به سر آمدنی است، جز اندوه اهل دوزخ.

امام علی علیه السلام: هر چیز آخرت، جاویدان و ماندنی است.

امام علی علیه السلام: دنیا موقت است. آخرت، ابدی است.

عنه عليه السلام : وَفِدَ الْجَنَّةِ أَبَدًا مُنْعَمُونَ . (١)

عنه عليه السلام : وَارِدُ الْجَنَّةِ مُخَلَّدُ النَّعْمَاءِ . (٢)

عنه عليه السلام في قوله تعالى : « وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا » (٣) : قَدِ أَمِنَ الْعَذَابُ ، وَانْقَطَعَ الْعِتَابُ ، وَزَحِرْ حُوا عَنِ النَّارِ ، وَاطْمَآنَتْ بِهِمُ الدَّارُ ، وَرَضُوا الْمَثْوَى وَالْقَرَارَ . الَّذِينَ كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا زَاكِيَةً ، وَأَعْيُنُهُمْ بَاكِيَةً ، وَكَانَ لِيْلَهُمْ فِي دُنْيَاهُمْ نَهَارًا ؛ تَخَشُّعًا وَاسْتِغْفَارًا ، وَكَانَ نَهَارُهُمْ لَيْلًا ؛ تَوْحُّشًا وَانْقِطَاعًا ، فَجَعَلَ اللَّهُ لَهُمُ الْجَنَّةَ مَأْبَا ، وَالْجَزَاءَ ثَوَابًا ، وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ، فِي مُلْكٍ دَائِمٍ ، وَنَعِيمٍ قَائِمٍ . (٤)

عنه عليه السلام في وصف أهل الجنة : ثُمَّ انْتَهَوْا إِلَى خَزَنِهِ الْجَنَّةِ ، فَقَالُوا : « سَلِمْتُ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ » (٥) . ثُمَّ تَلَقَّاهُمْ الْوَالِدَانُ يُطْفُونَ بِهِمْ كَمَا يُطِيفُ أَهْلُ الدُّنْيَا بِالْحَمِيمِ (٦) ، فَيَقُولُونَ : أَبَشِّرْ بِمَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ . ثُمَّ يَنْطِقُ غُلَامٌ مِنْ أَوْلَادِكَ الْوَالِدَانِ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ ، فَيَقُولُ : قَدْ جَاءَ فُلَانٌ بِاسْمِهِ الَّذِي يُدْعَى بِهِ فِي الدُّنْيَا فَتَقُولُ : أَنْتَ رَأَيْتَهُ؟ فَيَقُولُ : أَنَا رَأَيْتُهُ ، فَيَسْتَخْفِئُهَا الْفَرْحَ حَتَّى تَقُومَ عَلَى أَسْكَفِهِ (٧) بِأَبِيهَا . فَإِذَا انْتَهَى إِلَى مَنْزِلِهِ نَظَرَ شَيْئًا مِنْ أَسَاسِ بُيَانِهِ فَإِذَا جَسَدٌ اللَّوْلُو؟ فَوْقَهُ أَخْضَرٌ وَأَصْفَرٌ وَأَحْمَرٌ مِنْ كُلِّ لَوْنٍ . ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَنَظَرَ إِلَى سَقْفِهِ فَإِذَا مِثْلُ الْبَرْقِ ، وَلَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدَّرَ أَنَّهُ لَا أَلَمَ لَذَهَبَ بِبَصَرِهِ . ثُمَّ طَاطَأَ بِرَأْسِهِ فَنَظَرَ إِلَى أَزْوَاجِهِ « وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ * وَ نَمَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ * وَ زَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ » (٨) ، فَنَظَرَ إِلَى تِلْكَ النَّعْمَةِ ، ثُمَّ اتَّكَأَ عَلَى أَرِيكِهِ مِنْ أَرِيكَتِهِ ، ثُمَّ قَالَ : « الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ... » (٩) ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ : تَحْيَوْنَ وَلَا تَمُوتُوا أَبَدًا ، وَتُقِيمُونَ فَلَا تَطْعَنُونَ أَبَدًا ، وَتَصِحُّونَ فَلَا تَمْرَضُونَ أَبَدًا . (١٠)

١- .غرر الحكم : ح ١٠١١٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٠٥ ح ٩٢٦٨.

٢- .غرر الحكم : ح ١٠١١٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٠٥ ح ٩٢٧٠.

٣- .الزمر : ٧٣.

٤- .نهج البلاغه : الخطبة ١٩٠ ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٢٠٧ ح ٩٥.

٥- .الزمر : ٧٣.

٦- .الحميم : القريب المشفق (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٢٥٥ «حمم»).

٧- .الاسكفة : عتبه الباب التي يوطأ عليها (لسان العرب : ج ٩ ص ١٥٦ «سكف»).

٨- .الغاشية : ١٤ ١٦.

٩- .الأعراف : ٤٣.

١٠- .الدر المنثور : ج ٧ ص ٢٦٣ نقلًا عن ابن المبارك في الزهد وعبد الرزاق وابن أبي شيبة وابن راهويه وعبد بن حميد وابن أبي الدنيا في صفه الجنة والبيهقي في البعث والضياء في المختاره ، تفسير ابن كثير : ج ٧ ص ١١٤ ، تفسير ابن أبي حاتم : ج ١٠ ص ٣٢٦٢ ح ١٨٤١٣ كلاهما عن عاصم بن ضمير نحوه .

امام علی علیه السلام: وارد شوندگان به بهشت، تا ابد در نعمت اند.

امام علی علیه السلام: وارد شونده به بهشت، از نعمت های جاویدان، برخوردار است.

امام علی علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته اند، گروه گروه به سوی بهشت، سوق داده می شوند»: نه عذابی در کار است و نه عتابی. از آتش، دور داشته شده اند و در سرای بهشت، آرام گرفته اند و به این خانه و کاشانه خرسندند. اینان، کسانی هستند که کردارهایشان در دنیا، پاک و چشمانشان گریان بوده و شب هایشان از خاکساری نمودن و آمرزشی خواهی [در پیشگاه خدا]، روز بوده و روزهایشان از تنهایی و بریدن [از خلق]، شب بوده است. از این روی، خداوند، بهشت را کاشانه آنان و جزای اعمالشان را پاداش [خود]، قرار داد و بدینها سزاوارترین بودند و شایسته آن بودند، در مُلکی مانا، و نعمتی پایا.

امام علی علیه السلام در توصیف اهل بهشت: آن گاه به جانب نگهبانان بهشت می روند و آنان می گویند: «سلام بر شما! خوش آمدید! به بهشت، جاودانه وارد شوید». سپس فرزندان به دیدارشان می آیند و بر گردشان می چرخند، آن گونه که مردم دنیا بر گرد عزیزی می چرخند. فرزندان می گویند: «بشارت باد تو را به کرامتی که خدا برایت آماده ساخته است!». آن گاه پسرکی از میان آن فرزندان، به حوری ای از همسران او می گوید: «فلانی آمده است» و نام او را که در دنیا به آن خوانده می شده است، می برد. آن حوری می گوید: تو خود، او را دیدی؟ می گوید: آری، خودم دیدمش. حوری، شادی کنان می دود و بر درگاه بهشت می ایستد. چون [آن بهستی] به منزل خود می رسد، چشمش به قسمتی از پی ساختمانش می افتد. سنگ هایی از مروارید را می بیند که روی آن، مرواریدهای سبز و زرد و سرخ، از هر رنگ، قرار گرفته است. سپس سرش را بلند می کند و سقف آن را می بیند که چون برق می درخشد، و اگر نبود که خدای متعال، مقدر کرده است که [در بهشت] درد و رنجی نباشد، [از برق آن]، کور می شد. آن گاه پایین را می نگرد و همسرانش «وقدح هایی نهاده و بالش هایی پهلوی هم چیده و فرش هایی زربفت گسترده» را می بیند. به آن نعمت ها می نگرد و سپس بر تختی از تخت هایش تکیه می زند و می گوید: «ستایش، خدایی را که ما را به این، ره نمون شد و اگر خدا ره نمونمان نمی شد، ما خود، هدایت نمی شدیم...». در این هنگام، منادی ای ندا می دهد که: [از این پس] زندگی می کنید و هرگز نخواهید مُرد. ماندگارید و هرگز نخواهید کوچید، و تن درست خواهید بود و هرگز بیمار نخواهید شد.

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «خَلِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا» (١): «خَلِدِينَ فِيهَا»: لا يَخْرُجُونَ مِنْهَا، وَ «لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا»: قَالَ: لَا يُرِيدُونَ بِهَا بَدَلًا. (٢)

الكافي عن أبي هاشم عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَيْدًا، وَإِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَيْدًا، فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ، وَهَؤُلَاءِ. ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (٣)، قَالَ: عَلَى نِيَّتِهِ. (٤)

١- الكهف: ١٠٨.

٢- تفسير القمى: ج ٢ ص ٤٦ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٢٣ ح ١٨.

٣- الإسراء: ٨٤.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٨٥ ح ٥، علل الشرائع: ص ٥٢٣ ح ١، المحاسن: ج ٢ ص ٥٦ ح ١١٦٥، تفسير العياشى: ج ٢ ص ٣١٦ ح ١٥٨، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٣٤٧ ح ٥.

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «جاودانه در آن خواهند بود. از آن جا درخواست انتقال نمی کنند»: «جاودانه در آن خواهند بود»، یعنی هیچ گاه از بهشت، خارج نمی شوند و «از آن جا درخواست انتقال نمی کنند»، یعنی عوض آن، چیزی نمی خواهند.

الکافی به نقل از ابو هاشم: امام صادق علیه السلام فرمود: «دوزخیان از آن روی در دوزخ، جاویدان اند که در دنیا نیتشان آن بود که اگر در دنیا جاویدان بمانند، تا ابد، خدا را نافرمانی کنند و بهشتیان نیز از آن روی در بهشت، جاویدان اند که در دنیا نیتشان آن بود که اگر در دنیا جاویدان بمانند، تا ابد، خدا را فرمان برند. پس به سبب نیت هاست که آنان و اینان جاویدان اند». ایشان سپس این سخن خدای متعال را تلاوت نمود: «بگو: هر کس بر حسب شاکله خویش عمل می کند» و فرمود: «یعنی بر حسب نیت خویش».

١٥ / ١٠ وراثته أهل الجنة الكتاب «وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» . (١)

راجع: مريم: ٦٣، الأعراف: ٤٣، المؤمنون: ١٠ و ١١، الشعراء: ٨٥، الزمر: ٧٤.

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في ذكر أحوال أهل الجنة: يُنَادِي مُنَادٍ: إِنَّ لَكُمْ أَنْ تَصَبَّحُوا فَلَا تَسْقُمُوا أَبَدًا، وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَحْيُوا فَلَا تَمُوتُوا أَبَدًا، وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَشْبُوا فَلَا تَهْرَمُوا أَبَدًا، وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَنَعَمُوا فَلَا تَبْأَسُوا أَبَدًا، فَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (٢). (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: ما منكم من أحدٍ إلا له منزلان: منزل في الجنة ومنزل في النار. فإذا مات فدخل النار ورث أهل الجنة منزله، فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ» (٤). (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من أحدٍ إلا وله منزل في الجنة ومنزل في النار. فالكافر يرث المؤمن منزله من النار، والمؤمن يرث الكافر منزله من الجنة. وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» . (٦)

١- الزخرف: ٧٢.

٢- الأعراف: ٤٣.

٣- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٨٢ ح ٢٢، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٣٧٤ ح ٣٢٤٦، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٠٣ ح ٨٢٦٥، المعجم الصغير: ج ١ ص ٧٩، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٢٩٣ ح ٩٤٢، تاريخ دمشق: ج ٥٣ ص ١٠٩ ح ١١١٩٠، كلها عن أبي هريرة وأبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٩٢ ح ٣٩٣٩٤.

٤- المؤمنون: ١٠.

٥- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤٥٣ ح ٤٣٤١، تفسير الطبري: ج ١٠ الجزء ١٨ ص ٦، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ٤٥٩ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٢ ص ٨ ح ٢٩١٣؛ التبيان في تفسير القرآن: ج ٧ ص ٣٥١، مجمع البيان: ج ٧ ص ١٥٩ وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٩١.

٦- تفسير ابن كثير: ج ٧ ص ٢٢٦، الدر المنثور: ج ٧ ص ٣٩٤ نقلًا عن ابن أبي حاتم وابن مردويه وكلاهما عن أبي هريرة.

۱۵ / ۱۰ وراثت بهشتیان

۱۵ / ۱۰ وراثت بهشتیانقرآن (و این است همان بهشتی که به [پاداش] آنچه عمل می کردید ، میراث یافته اید) .

ر . ک : مریم : آیه ۶۳ ، اعراف : آیه ۴۳ ، مؤمنون : آیه ۱۰ ۱۱ ، شعرا : آیه ۸۵ ، زمر : آیه ۷۴ .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان احوال بهشتیان : منادی ای ندا می دهد : حقّ شماست که تن درست بمانید و هرگز بیمار نشوید ، و حقّ شماست که زنده بمانید و هرگز نمیرید ، و حقّ شماست که همواره جوان باشید و هرگز پیر نشوید ، و حقّ شماست که همواره برخوردار باشید و هرگز فقیر نشوید . این همان سخن خدا عز و جل است که : «و به ایشان ندا داده می شود که : این ، همان بهشتی است که آن را به پاداش آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید» .

۱۹۸. الإمام علیّ علیه السلام (فی فَتْحِ خَيْبَرَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ یک از شما نیست ، مگر آن که دو منزل دارد : منزلی در بهشت و منزلی در دوزخ . پس هر گاه بمیرد و [چنانچه] به دوزخ رود ، بهشتیان ، وارث منزل [بهشتی] او می شوند . این ، همان سخن خدای متعال است که : «ایشان اند همان وارثان» . ۱۹۷. رسول الله صلی الله علیه و آله (فی یَوْمِ فَتْحِ خَيْبَرَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ کس نیست ، مگر آن که منزلی در بهشت دارد و منزلی در دوزخ . کافر ، وارث منزل دوزخی مؤمن می شود و مؤمن ، وارث منزل بهشتی کافر . این ، همان سخن خدای متعال است که : «و این ، همان بهشتی است که به [پاداش] آنچه انجام می دادید ، میراث یافته اید» .

١٩٦. الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من عبد إلا وله بيتان: بيت في الجنة وبيت في النار. فأما المؤمن فيبنى له بيته في الجنة ويهدم بيته في النار، وأما الكافر فيهدم بيته في الجنة ويبني بيته في النار. (١) ١٩٥. صحيح البخاري عن البراء بن عازب: الإمام زين العابدين في الدعاء: أَللَّهُمَّ ... اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ، «الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (٢). (٣) ١٩٤. الإرشاد عن فايد مولى عبد الله بن سالم: الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ» (٤)

: يَعْنِي أَرْضَ الْجَنَّةِ . (٥) ١٩٣. شرح نهج البلاغه عن أبي بكر بن عياش: الإمام الصادق عليه السلام: ما خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلًا وَفِي النَّارِ مَنْزِلًا ، فَإِذَا سَكَنَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلُ النَّارِ النَّارَ نَادَى مُنَادٍ : يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ أَشْرَفُوا ، فَيُشْرِفُونَ عَلَى النَّارِ ، وَتُرْفَعُ لَهُمْ مَنَازِلُهُمْ فِي النَّارِ ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُمْ : هَذِهِ مَنَازِلُكُمْ الَّتِي لَوْ عَصَيْتُمْ رَبَّكُمْ دَخَلْتُمُوهَا . فَلَوْ أَنَّ أَحَدًا مَاتَ فَرَحًا لَمَاتَ أَهْلُ الْجَنَّةِ ذَلِكَ الْيَوْمَ فَرَحًا بِمَا صُيرِفَ عَنْهُمْ مِنَ الْعَذَابِ . ثُمَّ يُنَادُونَ : يَا مَعْاشِرَ أَهْلِ النَّارِ! اِرْفَعُوا رُؤُوسَكُمْ فَانظُرُوا إِلَى مَنَازِلِكُمْ فِي الْجَنَّةِ ، فَيَرْفَعُونَ رُؤُوسَهُمْ فَيَنْظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِهِمْ فِي الْجَنَّةِ وَمَا فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ ، فَيُقَالُ لَهُمْ : هَذِهِ مَنَازِلُكُمْ الَّتِي لَوْ أَطَعْتُمْ رَبَّكُمْ دَخَلْتُمُوهَا. قَالَ : فَلَوْ أَنَّ أَحَدًا مَاتَ حُزْنًا لَمَاتَ أَهْلُ النَّارِ ذَلِكَ الْيَوْمَ حُزْنًا، فَيُورَثُ هَوْلًا هَوْلًا هَوْلًا ، وَهَوْلًا هَوْلًا هَوْلًا ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى : «أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ * الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (٦) . (٧) .

- ١- الفردوس: ج ٤ ص ١٣ ح ٦٠٣٧ عن أبي سعيد الخدري، تفسير الطبري: ج ١٠ الجزء ١٨ ص ٦، تفسير ابن كثير: ج ٥ ص ٤٥٩ كلاهما عن مجاهد نحوه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٩٦ ح ٣٩٤٠٥.
- ٢- المؤمنون: ١١ .
- ٣- الصحيفه السجادية: ص ١٦٩ الدعاء ٤٤، مصباح المتهجد: ص ٦١٠ ح ٦٩٥، المصباح للكفعمي: ص ٨١٠.
- ٤- الزمر: ٧٤.
- ٥- تفسير القمي: ج ٢ ص ٢٥٤ عن أبي الجارود، مجمع البيان: ج ٨ ص ٧٩٦، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٢٥ ح ٢٥.
- ٦- المؤمنون: ١١٠ .
- ٧- ثواب الأعمال: ص ٣٠٧ ح ١، تفسير القمي: ج ٢ ص ٨٩ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٢٨٧ ح ١٩.

۱۹۲.المستدرک علی الصحیحین: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست، مگر آن که دو خانه دارد: خانه ای در بهشت و خانه ای در دوزخ. مؤمن، خانه اش در بهشت، ساخته می شود و خانه دوزخش ویران می گردد و کافر، خانه اش در بهشت، ویران می گردد و خانه دوزخش ساخته می شود. ۱۹۱. عنه صلی الله علیه و آله: امام زین العابدین علیه السلام در دعا: بار خدایا! ... ما را از بندگان شایسته ات قرار ده؛ «همانان که فردوس را به ارث می برند و در آن، جاویدان اند» ۱۹۰. عنه صلی الله علیه و آله: امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «ستایش، خدایی را که وعده اش به ما را تحقق بخشید و سرزمین را به ما میراث داد. در هر جای بهشت که بخواهیم، جای می گزینیم»: مقصود [از سرزمین]، سرزمین بهشت است. ۱۸۹. رسول الله صلی الله علیه و آله (عِنْدَ مُبَارَزَةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ع) امام صادق علیه السلام: خداوند، هیچ مخلوقی نیافرید، مگر آن که برای او منزلی در بهشت و منزلی در دوزخ قرار داد. پس چون اهل بهشت در بهشت و اهل دوزخ در دوزخ جای گیرند، منادی ای بانگ می زند که: «ای اهل بهشت! بنگرید». بهشتیان به دوزخ می نگرند و منزل هایشان در دوزخ برایشان بالا آورده می شود. سپس به ایشان گفته می شود: «اینها منزل های شما بود که اگر پروردگارتان را نافرمانی می کردید، به آنها وارد می شدید». پس اگر بنا بود کسی از خوش حالی بمیرد، بهشتیان در آن روز از خوش حالی این که عذاب از ایشان برطرف شده است، می مُردند.

آن گاه [به دوزخیان] ندا می شود که: «ای گروه های دوزخی! سرهایتان را بلند کنید و به منزل های خود در بهشت بنگرید». دوزخیان، سرهای خود را بلند می کنند و منزل های خود در بهشت و نعمت های آن را می بینند. پس به ایشان گفته می شود: «اینها منزل های شما بود که اگر پروردگارتان را فرمان می بردید، به آنها وارد می شدید». پس اگر بنا بود کسی از اندوه بمیرد، دوزخیان در آن روز از اندوه می مُردند.

آن گاه بهشتیان، منزل های [بهشتی] دوزخیان را و دوزخیان، منزل های [دوزخی] بهشتیان را به ارث می برند. این، همان سخن خدای متعال است که: «ایشان اند وارثان؛ همانان که فردوس را به ارث می برند و در آن، جاویدان اند»..

الفصل السادس عشر : درجات الجنة ١٦ / ١ تفاضل درجات الجنة الكتاب «وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى * جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى». (١)

«انظروا كيف فضلنا بعضهم على بعض وللآخرة أكبر درجات وأكبر تفضيلاً». (٢)

الحديث ١٨١. السيرة النبوية (في ذكر نزول بني قريظة على حكم سعد) رسول الله صلى الله عليه وآله في الجنة منه درجة ، ما بين كل درجتين كما بين السماء والأرض ، والفردوس أعلاها درجة ، ومنها تفجر أنهار الجنة الأربعة ، ومن فوقها يكون العرش ، فإذا سألتهم الله فسألوه الفردوس . (٣)

١- طه : ٧٥ ٧٦.

٢- الإسراء : ٢١.

٣- سنن الترمذی : ج ٤ ص ٦٧٥ ح ٢٥٣١ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٤٠٨ ح ٢٢٨٠٢ و ص ٣٩٨ ح ٢٢٧٥٨ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ١ ص ١٥٣ ح ٢٦٩ ، تفسير الطبري : ج ٩ الجزء ١٦ ص ٣٧ وليس فيهما «ومن فوقها يكون العرش» وكلها عن عباده بن الصامت ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٥٣ ح ٣٩٢٣٠ وراجع : شرح الأخبار : ج ١ ص ٣٢٧ ح ٢٩٩ .

فصل شانزدهم: درجات بهشت**۱۶ / تفاوت درجات بهشت**

فصل شانزدهم: درجات بهشت ۱۶ / تفاوت درجات بهشتقرآن» و هر که با ایمان به نزد او رود، در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد، برای آنان درجات بالا خواهد بود؛ بهشت‌هایی جاویدان که در آنها جویبارها روان اند. جاودانه در آن می‌مانند و این، پاداش کسی است که به پاکی گراید».

«بنگر که چگونه ما برخی از ایشان را بر برخی دیگر، برتری دادیم، و قطعاً درجات آخرت و برتری آن، بزرگ‌تر است».

حدیث ۱۷۳.الإرشاد عن سعید بن المسیب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، صد درجه است که فاصله هر درجه با دیگری، به اندازه فاصله آسمان و زمین است، و فردوس، بالاترین آنهاست که چهار نهر بهشت، از آن جا سرچشمه می‌گیرد و بالای آن، عرش است. پس هر گاه از خدا درخواستی کردید، فردوس را از او بخواهید.

١٧٢. المغازى عن الإمام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: فى الجنة مئة درجته ، ما بين كل درجتين مئة عام .
 (١) ١٧١. الإمام على عليه السلام (حينما رجع من غزوه أُحُدٍ وأعطى فاطمة) عنه صلى الله عليه وآله: إن بين أعلى أهل الجنة وأسفلهم درجة كالنجم يرى فى مشارق الأرض ومغاربها . (٢) ١٧٠. الإرشاد: عنه صلى الله عليه وآله: إن فى الجنة مئة درجة ، لو أن العالمين اجتمعوا فى إحداهن لوسد عنقهن . (٣) ١٦٩. تاريخ الطبرى: عنه صلى الله عليه وآله: إن الرُّجُلَ من أهل عليّين ليُشرف على أهل الجنة فتصيه لوجهه كأنها كوكب درى . (٤) ١٦٨. المناقب للخوارزمى عن أبى ذر عن الإمام على عليه (للمهاجرين والأنصار بعد حصول البيعة) مجمع البيان: روى أن ما بين أعلى درجات الجنة وأسفلها ما بين السماء والأرض .
 (٥) ١٦ / ٢ أصناف درجات الجنة الكتاب «و السَّبَقُونَ السَّبِقُونَ * أوَّلَاءِ كَ الْمُقَرَّبُونَ * فى جَنَّةِ النَّعِيمِ * ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ * وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ * عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ * مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَّقِلِينَ * يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ * بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ * لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزَفُونَ * وَفِيهَا مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ * وَ لَحْمٌ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ * وَ حُورٌ عِينٌ * كَأَمْثَلِ اللَّوْلُوءِ الْمَكْنُونِ * جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَعْوًا وَلَا تَأْتِيهَا * إِلَّا قِيلاً سَلماً سَلماً * وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فى سِدْرٍ مَخْضُودٍ * وَ طَلْحٍ مَنضُودٍ * وَ ظِلٍّ مَمْدُودٍ * وَ مِآءٍ مَسْكُوبٍ * وَ فِكْهِهِ كَثِيرٍ * لَا مَقْطُوعَةٍ وَ لَا مَمْنُوعَةٍ * وَ فُرْشٍ مَرْفُوعَةٍ * إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً * فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا * عُرْبًا أَتْرَابًا * لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ * ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ * وَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ .» (٦)

«فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جَنَّتُ نَعِيمٍ * وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ * فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ .» (٧)

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ * تَعْرِفُ فى وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ * يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ * خِتْمُهُ مِسْكَ وَ فى ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ * وَ مِرَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ .» (٨)

«ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يَا ذَنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * جَنَّتْ عِدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَوْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ * وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِى أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَّا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَّا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ .» (٩)

١- .سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٧٤ ح ٢٥٢٩ ، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٤٦ ح ٧٩٢٨ ، المعجم الأوسط: ج ٦ ص ٥٢ ح ٥٧٦٥ وفيه «مسيره خمسمئه عام» وكلها عن أبى هريره ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٥٨ ح ٣٩٢٥٤ .

٢- .تفسير الطبرى: ج ٩ الجزء ١٥ ص ٦١ ، الدرر المشور: ج ٥ ص ٢٥٦ ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٩٤ ح ٣٩٤٠٠ كلاهما عن ابن جرير وابن أبى حاتم وكلها عن قتاده .

٣- .سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٧٦ ح ٢٥٣٢ ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٥٨ ح ١١٢٣٦ ، مسند أبى يعلى: ج ٢ ص ١٣٧ ح ١٣٩٤ كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٥١ ح ٣٩٢٢٢ .

٤- .سنن أبى داود: ج ٤ ص ٣٤ ح ٣٩٨٧ ، المعجم الأوسط: ج ٢ ص ٢١٧ ح ١٧٧٨ نحوه وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى ،

كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٦٨ ح ٣٩٢٨٩.

٥- مجمع البيان : ج ٦ ص ٦٢٨ ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ١٥٥.

٦- الواقعه : ١٠ ٤٠.

٧- الواقعه : ٨٨ ٩١.

٨- المطففين : ٢٢ ٢٨.

٩- فاطر : ٣٢ ٣٥.

۱۶ / ۲ انواع درجات بهشت

۱۶۰. تاریخ الطبری عن أبي رافع: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، صد درجه است و فاصله میان هر دو درجه، صد سال راه است. ۱۵۹. المعجم الکبیر عن أبي رافع: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فاصله میان بلندپایه ترین بهشتیان و دون پایه ترین آنها، به مانند ستاره ای است که در مشرق و مغرب زمین دیده می شود. ۱۵۸. المناقب لابن شهر آشوب عن زید بن علی عن آبائه علییامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، صد درجه است که اگر همه جهانیان در یکی از آنها جمع شوند، گنجایش آنان را دارد. ۱۵۷. السیره النبویه عن مسلم بن علقمه المازنی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فردی از اهل علیین به اهل بهشت می نگرند. پس بهشت از [نور] چهره او، مانند ستاره ای درخشان، روشن می شود. ۱۵۶. الإرشاد عن ابن إسحاق: مجمع البیان: روایت شده است که فاصله بالاترین درجه بهشت تا پایین ترین درجه آن، به فاصله آسمان تا زمین است. ۱۶ / ۲ انواع درجات بهشتقرآن (و پیشی گیرندگان پیش گام، ایشان اند مقربان [خدا]، در بهشت های پُر ناز و نعمت. گروهی از پیشینیان و اندکی از پسینیان [اند]. بر تخت هایی جواهر نشان که رو به روی هم، بر آنها تکیه داده اند. بر گردشان، پسرانی جاویدان [به خدمت] می گردند، با جام ها و آبریزها و پیاله هایی از باده ناب روان که نه از آن، سردرد می گیرند و نه بی خرد می گردند و میوه، از هر چه اختیار کنند و از گوشت پرنده، هر چه بخواهند. و حوریان چشم درشت، مثل لؤلؤ نهان شده [در میان صدف] اند. پاداشی است برای آنچه به جای می آوردند. در آن جا نه بیهوده ای می شنوند و نه [سخنی] گناه آلود. سخنی جز سلام و درود نیست. و یاران راست، چه یاران راستی! در [زیر] درختان کنار بی خار، و درختان موز که میوه شان خوشه خوشه چیده شده اند، و سایه ای کشیده و آبی ریزان و میوه ای فراوان که نه تمام شدنی است و نه قدغن، و [با] همخوابگانی بلندبالا. ما آنان را پدید آورده ایم، چه پدید آوردنی! و ایشان را دوشیزگانی قرار دادیم شوی دوست همسال، برای یاران راست، که گروهی از پیشینیان اند و گروهی از پسینیان».

«و اما اگر از مقربان باشد، [در] آسایش و راحت و بهشت پر نعمت است. و اما اگر از یاران راست باشد، از یاران راست، بر تو سلام باد!».

«به راستی که نیکان، در ناز و نعمت اند. بر تخت ها [نشسته و] می نگرند. در چهره هایشان طراوت نعمت را در می یابی. از باده ای مهر شده، نوشانیده می شوند که مُهر آن، مُشک است و در این [نعمت ها]، رقابت کنندگان باید بر یکدیگر پیشی بگیرند و ترکیبش از [چشمه] تسنیم است؛ چشمه ای که مقربان، از آن می نوشند».

«سپس این کتاب را به آن بندگان خود که برگزیده بودیم، به میراث دادیم. پس برخی از ایشان بر خود، ستمکارند و برخی از ایشان، میانه روند و برخی از آنان، در کارهای نیک، به خواست خدا پیش گام اند و این است فضل بزرگ. بهشت های عدنی (دست نخورده ای) که به آنها وارد خواهند شد، در آن جا با دستبندهایی از زر و مروارید، زیور می یابند و در آن جا جامه شان پرنیان است، و می گویند: «ستایش، خدایی را که اندوه را از ما زدود. به راستی که پروردگار ما، آمرزگار و حق شناس است؛ همان خدایی که به فضل خویش، ما را در سرایی ابدی جای داد که در آن، رنجی به ما نمی رسد و در آن

، درماندگی ای به ما دست نمی دهد « .

الحديث ١٤٧. الإرشاد عن الزهري: رسول الله صلى الله عليه وآله: في قوله تعالى: «تُمْ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» قَالَ: هَؤُلَاءِ كُلُّهُمْ بِمَنْزِلِهِ وَاحِدٍ، وَكُلُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ. (١).

١- سنن الترمذی: ج ٥ ص ٣٦٣ ح ٣٢٢٥، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥٧ ح ١١٧٤٥، مسند الطيالسی: ص ٢٩٦ ح ٢٢٣٦، کلها عن أبی سعید، تاریخ بغداد: ج ١٢ ص ٣٧١ الرقم ٦٨١٢ عن أسامه بن زید، تحف العقول: ص ٤٢٥ عن الإمام الرضا علیه السلام، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٣ و ليس في الخمسه الأخيره «هؤلاء كلهم بمنزله واحده».

حدیث ۱۴۵.الإرشاد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای متعال: «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که برگزیده بودیم، به میراث دادیم. پس برخی از ایشان بر خود، ستمکارند و برخی از ایشان، میانه روند و برخی از ایشان، در کارهای نیک، پیش گام اند.» همه ایشان، یک منزلت دارند و همگی شان در بهشت اند. .

١٤٤. الإمام علي عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: في قوله عز وجل: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرِ» قال: السابِقُ وَالْمُقْتَصِدُ يَدْخُلَانِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَالظَّالِمُ لِنَفْسِهِ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ثُمَّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ. (١) ١٤٣. المناقب لابن شهر آشوب: عنه صلى الله عليه وآله: يُبْعَثُ النَّاسُ ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرِ» ، فَالسَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَالْمُقْتَصِدُ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا، وَالظَّالِمُ لِنَفْسِهِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (٢) ١٤٢. السيره النبويه عن ابن إسحاق (في ذكر أحداث معركه بدر) مسند ابن حنبل عن أبي الدرداء: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُذِنُ اللَّهُ»، فَأَمَّا الَّذِينَ سَبَقُوا بِالْخَيْرَاتِ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَأَمَّا الَّذِينَ اقْتَصَدُوا فَأُولَئِكَ يُحَاسَبُونَ حِسَابًا يَسِيرًا، وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ يُحْبَسُونَ فِي طُولِ الْمَحْشَرِ، ثُمَّ هُمْ الَّذِينَ تَلَفَاهُمْ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ، فَهُمْ الَّذِينَ يَقُولُونَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» (٣). (٤).

١- المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٤٦٢ ح ٣٥٩٢، البعث والنشور: ص ٨٣ ح ٥٨ كلاهما عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٨٧ ح ٤٥٦٧.

٢- الفردوس: ج ٥ ص ٤٦٦ ح ٨٧٧٤ عن حذيفه، كنز العمال: ج ٢ ص ٤٨٦ ح ٤٥٦٦.

٣- فاطر: ٣٤.

٤- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٧٠ ح ٢١٧٨٦، تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٥٣٣، كنز العمال: ج ٢ ص ٣٨ ح ٣٠٣١؛ مجمع البيان: ج ٨ ص ٦٣٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ٢١٣.

۱۴۱. الإمام زين العابدين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای عز و جل: «پس برخی از ایشان بر خود، ستمکارند و برخی از ایشان، میانه رو و برخی از ایشان، در کارهای نیک، پیش گام اند.»: پیش گام و میانه رو، بدون حسابرسی به بهشت می روند؛ ولی ستمکار بر خویش، مختصری حسابرسی می شود و سپس به بهشت می رود. ۱۴۰. الإمام علیّ علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم در سه گروه، برانگیخته می شوند و این، سخن خدای متعال است، آن جا که می فرماید: «پس برخی از ایشان بر خود، ستمکارند و برخی از ایشان، میانه رو و برخی از ایشان، در کارهای نیک، پیش گام اند.»: پیش گام در کارهای نیک، بدون حسابرسی به بهشت می رود. میانه رو، مختصری حسابرسی می شود و ستمکار بر خویش، با لطف خدای عز و جل به بهشت می رود. ۱۳۹. المناقب لابن شهر آشوب عن محمد ابن الحنفیه: مسند ابن حنبل به نقل از ابو درداء: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید: «خدای عز و جل فرموده است: «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که برگزیده بودیم، به میراث دادیم. پس برخی از ایشان بر خود، ستمکارند و برخی از ایشان، میانه روند و برخی از ایشان، در کارهای نیک، به خواست خدا پیش گام اند.»: کسانی که در کارهای نیک پیشی گرفته اند، بدون حسابرسی وارد بهشت می شوند. کسانی که میانه رو بوده اند، مختصری حسابرسی می شوند و کسانی که به خود ستم کرده اند، در تمام مدّت محشر، نگه داشته می شوند و سپس خداوند به لطف خویش با آنان رفتار می کند [و آنان را به بهشت می برد]. اینان هستند که می گویند: «ستایش، خدایی را که اندوه از ما زدود. به راستی که پروردگار ما، آمرزگار و حق شناس است»..

١٣٨. فضائل الصحابه عن الحارث عن الإمام علي عليه السلاتفسير فرات عن أبي الدرداء: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصِطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْذِنُ اللَّهُ ذَ لِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * جَنَّتْ عَدْنٌ» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: السَّابِقُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَالْمُقْتَصِدُ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا، وَالظَّالِمُ لِنَفْسِهِ يُحْبَسُ فِي يَوْمٍ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، حَتَّى يَدْخُلَ الْحُزْنَ فِي جَوْفِهِ، ثُمَّ يَرْحَمُهُ فَيَدْخُلُهُ الْجَنَّةَ. (١) ١٦ / ٣ ما يُوجِبُ تَفَاوُضَ الدَّرَجَاتِ الْمَعْرِفَةُ ١٣٤. الطبقات الكبرى عن قتاده: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا يَرْتَفِعُ الْعِبَادُ عُدَا فِي الدَّرَجَاتِ، وَيُنَالُونَ الزُّلْفَى (٢) مِنْ رَبِّهِمْ عَلَى قَدَرِ عَمَلِهِمْ. (٣) ب الْعَمَلُ ١٣٢. الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ عَنْ أُمِّ هَانِي بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ رَجُلًا أَدْخَلَ الْجَنَّةَ فَرَأَى عَبْدَهُ فَوْقَ دَرَجَتِهِ، فَقَالَ: يَا رَبِّ، هَذَا عَبْدِي فَوْقَ دَرَجَتِي فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ لَهُ: نَعَمْ، جَزَيْتَهُ بِعَمَلِهِ وَجَزَيْتَكَ بِعَمَلِكَ. (٤) ١٣١. الطبقات الكبرى عن محمد بن عماره بن خزيمه بن ثابت عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدَّرَجَةَ فِي الْجَنَّةِ فَوْقَ الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَرْفَعُ بِصِرِّهِ فَيَلْمَعُ لَهُ بَرْقٌ يَكَادُ يَخْطِفُ بِصِرِّهِ، فَيَفْرَعُ لِذَلِكَ فَيَقُولُ: مَا هَذَا؟ فَيُقَالُ لَهُ: هَذَا نُورٌ أَخِيكَ فُلَانٍ، فَيَقُولُ: أَخِي فُلَانٍ! كُنَّا نَعْمَلُ فِي الدُّنْيَا جَمِيعًا وَقَدْ فَضَّلَ عَلَيَّ هَكَذَا! قَالَ: فَيُقَالُ لَهُ: إِنَّهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْكَ عَمَلًا، ثُمَّ يُجْعَلُ فِي قَلْبِهِ الرِّضَى حَتَّى يَرْضَى. (٥).

١- تفسير فرات: ص ٣٥٠ ح ٤٧٧، بحار الأنوار: ج ٧ ص ١٩٩ ح ٧٥.

٢- الزُّلْفَى: الحَظْوَةُ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣٨٢ «زلف»).

٣- تحف العقول: ص ٥٤، تفسير نور الثقلين: ج ٣ ص ١٤٧ ح ١٢٥ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٧ ص ١٥٨ ح ١٤٤.

٤- المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٢٣١ ح ٧٣٥٦، تاريخ بغداد: ج ٧ ص ١٢٩ الرقم ٣٥٦٧ كلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٩ ص ٨٩ ح ٢٥١١١.

٥- الزهد لابن المبارك: ص ٣٣ ح ١٠٠ عن أبي المتوكل الناجي؛ الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ: ص ٥٢٩ ح ١١٦٢ وفيه «يفرح» بدل «يفزع»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٦ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٧٨ ح ٣.

الف شناخت

ب کردار

۱۳۰. الأمالی للطوسی عن مجاهد: تفسیر فرات به نقل از ابو درداء: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که این آیه را تلاوت کرد: «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که برگزیده بودیم، به میراث دادیم. پس برخی از ایشان بر خود، ستمکارند و برخی از ایشان، میانه روند و برخی از ایشان، در کارهای نیک، به خواست خدا پیش گام اند. این است فضل بزرگ. بهشت های عدن» و آن گاه فرمود: «پیش گام، بدون حسابرسی به بهشت می رود. از میانه رو، اندکی حسابرسی می شود و ستمکار بر خویش را یک روز که مقدارش پنجاه هزار سال است نگه می دارند، تا جایی که اندوه، وجودش را فرا می گیرد. سپس خداوند بر او رحم می آورد و او را به بهشت می برد». ۱۶ / ۳ آنچه موجب تفاوت درجات می شود الف شناخت ۱۲۶. تاریخ الطبری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فردای قیامت، بندگان بر حسب اندازه خردهایشان، به درجات دست می یابند و به مقام قرب پروردگارش نایل می شوند. ب کردار ۱۲۴. المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردی را به بهشت آوردند. بنده اش را دید که درجه اش از او بالاتر است. گفت: پروردگارا! این بنده من، درجه اش در بهشت، از من بالاتر است!

خداوند به او فرمود: «آری. او را به کردارش پاداش داده ام و تو را هم به کردارت پاداش داده ام». ۱۲۳. الطبقات الکبری عن عائشه وابن عباس وعائشه بنت قدا (دَخَلَ حَدِيثٌ بَعْضُهُمْ فِي حَدِيثِ بَعْضٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فاصله یک درجه در بهشت با درجه دیگر آن، به اندازه فاصله میان آسمان و زمین است. بنده نگاهش را به بالا می دوزد و برقی برای او می درخشد که نزدیک است چشمش را کور کند. از آن، وحشت زده می شود و می گوید: این چیست؟

به او گفته می شود: «این، نور برادرت فلانی است».

می گوید: برادرم فلانی! ما هر دو در دنیا عمل [نیک] می کردیم؛ ولی اینک این چنین بر من برتری داده شده است!

به او گفته می شود: «او در عمل، از تو برتر بود». و آن گاه در دلش احساس رضایت نهاده می شود تا خشنود گردد.

١٢٢. الإمام علي عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: يا أبا ذرٍّ، إنَّ اللهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَيَدْخُلُ قَوْمَا الْجَنَّةِ فَيُعْطِيهِمْ حَتَّى تَنْتَهِيَ أَمَايُهُمْ ، وَفَوْقَهُمْ قَوْمٌ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى ، فَمَاذَا نَظَرُوا إِلَيْهِمْ عَرَفُوهُمْ ، فَيَقُولُونَ : رَبَّنَا إِخْوَانُنَا كُنَّا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا ، فَبِمَ فَضَّلْتَهُمْ عَلَيْنَا؟! فَيُقَالُ : هِيَ هَاتِ! إِنَّهُمْ كَانُوا يَجُوعُونَ حِينَ تَشْبَعُونَ ، وَيَظْمَأُونَ حِينَ تَرَوْنَ ، وَيَقُومُونَ حِينَ تَنَامُونَ ، وَيَشْخَصُونَ (١) حِينَ تَخْفِضُونَ (٢) . (٣) ١٢١. مسند ابن حنبل عن ابن عباس (فيقول له تعالى : { Q } « وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ آلُ) عنه صلى الله عليه وآله : إنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرَةً تُخْرَجُ مِنْ أَعْلَاهَا الْحُلْمُ ، وَمِنْ أَسْفَلِهَا حَيْلٌ بَلَقُ (٤) مِنْ ذَهَبٍ مُسَيَّرَجَةٍ ، مُلْجَمَةٌ بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ ، لَا تَرُوثُ وَلَا تَبُولُ ، ذَوَاتُ أَجْنِحَةٍ ، فَيَجْلِسُ عَلَيْهَا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ ، فَتَطِيرُ بِهِمْ حَيْثُ شَاءُوا .

فَيَقُولُ الَّذِينَ أَسْفَلَ مِنْهُمْ : يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ ، نَاصِفُونَا . يَا رَبِّ مَا بَلَغَ بِهِؤُلَاءِ هَذِهِ الْكِرَامَةَ؟ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : إِنَّهُمْ كَانُوا يَصُومُونَ وَكُنْتُمْ تُفْطِرُونَ ، وَكَانُوا يَقُومُونَ اللَّيْلَ وَكُنْتُمْ تَنَامُونَ ، وَكَانُوا يَنْفِقُونَ وَكُنْتُمْ تَبْخُلُونَ ، وَكَانُوا يُجَاهِدُونَ الْعَدُوَّ وَكُنْتُمْ تَجُبُّونَ . (٥) .

١- الشَّخْصُ : السَّيْرُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ ، وَشَخِصَ بِهِ : أَتَى إِلَيْهِ أَمْرٌ يُقْلِقُهُ (لسان العرب : ج ٧ ص ٤٦ «شخص»).

٢- الْخَفِضُ : الدَّعَاةُ وَالسُّكُونُ (النهاية : ج ٢ ص ٥٤ «خفض»).

٣- الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ : ص ٥٢٨ ح ١١٦٢ ، مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ : ج ٢ ص ٣٦٥ ح ٢٦٦١ وفيه «حتى يملوا» بدل «حتى تنتهي أمانيتهم» و كلاهما عن أبي ذرٍّ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٧٧ ح ٣ ؛ حلية الأولياء : ج ٤ ص ٢٤٧ عن عون بن عبد الله نحوه .

٤- الْبَلَقُ : سَوَادٌ وَبِيَاضٌ (الصحاح : ج ٤ ص ١٤٥١ «بلق»).

٥- تاريخ بغداد : ج ١ ص ٢٦٦ الرقم ١٠٠ عن زيد بن علي عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٧٠ ح ٤٣٤٦١ نقلاً عن أبي الشيخ في العظمة ؛ الأمالي للصدوق : ص ٣٦٦ ح ٤٥٧ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ١٠١ ح ٢٧٤ كلاهما عن زيد بن علي عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١١٨ ح ٤ .

۱۲۰. الأمالی للطوسی عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ای ابو ذر! خداوند عز و جل گروهی را وارد بهشت می کند و به آنان چندان عطا می فرماید که آرزوهایشان تمام می شود. بالاتر از آنها نیز گروهی دیگر در درجاتی عالی به سر می برند. این گروه، چون آن گروه را می بینند، ایشان را می شناسند. پس می گویند: پروردگارا! اینان، همان برادران ما هستند که در دنیا با هم بودیم. پس به چه سبب، ایشان را بر ما برتری داده ای؟

گفته می شود: هیئات! زمانی که شما سیر بودید، آنان گرسنه بودند. زمانی که شما سیراب بودید، آنان تشنه بودند. زمانی که شما می خوابیدید، آنان به عبادت می پرداختند، و زمانی که شما در آسایش به سر می برید، آنان در سختی بودند. ۱۱۹. مجمع البیان (فی ذکر مَبِیتِ عَلِیِّ عَلَیْهِ السَّلَامُ عَلَی فِرَاشِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، درختی است که از بالای آن، جامه ها می رویند و از پایینش، اسب های ابلق با زین زرین و لگام هایی از مروارید و یاقوت، که نه سرگین می کنند و نه ادرار. بال دارند و دوستان خدا بر آنها سوار می شوند و در هر جای بهشت که آنان بخواهند، به پرواز در می آیند.

در این هنگام، کسانی که پایین تر از ایشان اند، می گویند: ای بهشتیان! به ما هم سهمی دهید. پروردگارا! چه چیز، ایشان را به این منزلت رسانید؟

خدای متعال می فرماید: «آنان روزه می گرفتند و شما نمی گرفتید. آنان شب را بیدار می ماندند و شما می خوابیدید. آنان انفاق می کردند و شما بخل می ورزیدید. آنان با دشمن، جهاد می کردند و شما می ترسیدید» ..

١١٨. تاريخ يعقوبى: الإمام الصادق عليه السلام: لا تقول درجته واحده، إن الله يقول: «درجات بعضها فوق بعض» (١). إنما تفاضل القوم بالأعمال. (٢) ١١٧. الأمامى للطوسى عن أنس: مجمع البيان عن أبى بصير: قال الصادق عليه السلام: لا تقولن: الجنة واحده، إن الله يقول: «و من دونهما جنتان» (٣)، ولا تقولن: درجته واحده، إن الله يقول: «درجات بعضها فوق بعض»، إنما تفاضل القوم بالأعمال.

قال: وقلت له: إن المؤمنين يدخلان الجنة، فيكون أحدهما أرفع مكانا من الآخر، فيشتهى أن يلقي صاحبه! قال: من كان فوقه فله أن يهبط، ومن كان تحته لم يكن له أن يصعد، لأنه لا يبلغ ذمك المكان، ولكنهم إذا أحبوا ذلك واشتهوه التقوا على الأسر. (٤) ١٦ / ٤ درجته أهل القول ودرجته أهل الفعل ١١٤. الإمام على عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: إن الجنة درجات: فدرجته أهل الفعل؛ لا يدرکها أحد من أهل القول، ودرجته أهل القول؛ لا يدرکها غيرهم. (٥) ١٦ / ٥ سادة أهل الجنة ١١١. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: نحن بنو عبد المطلب سادة أهل الجنة: رسول الله، وحمزة سيّد الشهداء، وجعفر ذو الجناحين، وعلي وفاطمة والحسن والحسين والمهدى. (٦).

- ١- إشاره إلى الآية ١٦٥ من سوره الأنعام.
- ٢- تفسير العياشى: ج ١ ص ٣٨٨ ح ١٤٧ عن أبى بصير، مجمع البيان: ج ٩ ص ٣١٨، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ١٧٢ ح ١٥ وراجع: الزهد للحسين بن سعيد: ص ٩٩ ح ٢٧٠.
- ٣- الرحمن: ٦٢.
- ٤- مجمع البيان: ج ٩ ص ٣١٨، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٠٦.
- ٥- الكافى: ج ٨ ص ٢٢٨ ح ٢٨٩ عن أبى مريم.
- ٦- الأمامى للصدوق: ص ٥٦٢ ح ٧٥٧، روضه الواعظين: ص ٢٩٤، العمده: ص ٢٨١ ح ٤٥٥، بشاره المصطفى: ص ٢١٢ وليس فيهما «والمهدى» وكلها عن أنس، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ١٤٩ ح ١٤٢ نقلًا عن كتاب سليم بن قيس.

۱۶ / ۴ درجه اهل گفتار و درجه اهل کردار

۱۶ / ۵ سروران اهل بهشت

۱۱۰. الإمام علیّ علیه السلام: امام صادق علیه السلام: ما نمی گوئیم که [بهشت] فقط یک درجه دارد . خدا می فرماید : «درجاتی دارد ، یکی بالای دیگری» . (۱) تفاوت [درجات] بهشتیان ، به سبب اعمال آنهاست. ۱۰۹. مقاتل الطالیین عن الضحاک المشرقی: مجمع البیان به نقل از ابو بصیر: امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگز نگوئید: بهشت ، یکی است . خدا می فرماید: « و پایین تر از آن دو ، دو بهشت دیگر است» و هرگز نگوئید: یک درجه است . خدا می فرماید که درجاتی دارد ، یکی بالای دیگری . تفاوت بهشتیان ، در واقع ، به سبب اعمال آنهاست» .

به ایشان گفتم: دو مؤمن ، وارد بهشت می شوند و یکی از آنها ، جایگاهی بالاتر از دیگری دارد و او می خواهد این دیگری را دیدار کند! [دیدارشان ، چگونه انجام می شود؟] .

فرمود: «آن که بالاتر است ، می تواند پایین بیاید ؛ اما آن که پایین تر است ، نمی تواند بالا برود ؛ زیرا به آن مکان نمی رسد . البته اگر دوست داشتند و خواستند همدیگر را ملاقات کنند ، روی تخت ها دیدار می کنند» . ۱۶ / ۴ درجه اهل گفتار و درجه اهل کردار ۱۰۶. الإمام الصادق علیه السلام: امام باقر علیه السلام: بهشت ، درجاتی دارد . هیچ یک از اهل گفتار ، به درجه اهل کردار نمی رسد و دیگران به درجه اهل گفتار نیز نمی رسند. ۱۶ / ۵ سروران اهل بهشت ۱۰۳. شرح نهج البلاغه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ما فرزندان عبد المطلب ، سروران اهل بهشتیم: [من] پیامبر خدا و حمزه سید الشهداء و جعفر صاحب دو بال و علی و فاطمه و حسن و حسین و مهدی .

۱- اشاره است به آیه ۱۶۵ از سوره انعام .

١٠٢. ربيع الأبرار: عنه صلى الله عليه وآله: نَحْنُ وُلْدُ عَبْدِ الْمُطَلِّبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ: أَنَا وَحَمْرَةُ وَعَلِيٌّ وَجَعْفَرُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمَهْدِيُّ. (١) ١٠١. نشر الدرر: عنه صلى الله عليه وآله: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (٢) ١٠٠. تاريخ دمشق عن الزهري: الإمام عليّ عليه السلام: سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْأَسْخِيَاءُ وَالْمُتَّقُونَ. (٣) ٩٩. أسد الغابه (في ترجمه زينب عليها السلام) عنه عليه السلام: سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْأَتْقِيَاءُ الْأَبْرَارُ. (٤) ٩٨. تهذيب الكمال: عنه عليه السلام: سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْمُخْلِصُونَ. (٥) ٩٧. صحيح البخاري عن أبي موسى: عنه عليه السلام: مُلُوكُ الْجَنَّةِ الْأَتْقِيَاءُ وَالْمُخْلِصُونَ. (٦) ٩٦. تهذيب الكمال (في ترجمه أسماء بنت عميس) الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَفَّلَ إِبْرَاهِيمَ وَسَارَةَ أَطْفَالَ الْمُؤْمِنِينَ، يَغْدُوَانِهِمْ بِشَجَرِهِ فِي الْجَنَّةِ، لَهَا أَخْلَافٌ (٧) كَأَخْلَافِ الْبَقَرِ، فِي قَصْرِ مِنْ دُرِّهِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أُلْبَسُوا وَطُيَّبُوا وَأُهْدُوا إِلَى آبَائِهِمْ، فَهُمْ مُلُوكٌ فِي الْجَنَّةِ مَعَ آبَائِهِمْ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» (٨). (٩).

- ١- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٦٨ ح ٤٠٨٧، المستدرک علی الصحیحین: ج ٣ ص ٢٣٣ ح ٤٩٤٠ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ١٢ ص ٩٧ ح ٣٤١٦٢؛ الغيبة للطوسي: ص ١٨٣ ح ١٤٢، العمدة: ص ٥٢ ح ٤٨ كلاهما عن أنس، بحار الأنوار: ج ٢٦ ص ٢٦١ ح ٤٠.
- ٢- سنن الترمذی: ج ٥ ص ٦٥٦ ح ٣٧٦٨، الفردوس: ج ٢ ص ١٥٨ ح ٢٨٠١ كلاهما عن أبي سعيد الخدري، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٤٤ ح ١١٨ عن ابن عمر؛ الأمالی للطوسي: ص ٣١٢ ح ٦٣٤ عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٣١٦.
- ٣- غرر الحكم: ح ٥٥٨٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٣ ح ٥١٠١.
- ٤- غرر الحكم: ح ٥٥٩٩.
- ٥- غرر الحكم: ح ٥٥٩١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٤ ح ٥١١٢.
- ٦- غرر الحكم: ح ٩٨١٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٧ ح ٩٠٠١.
- ٧- الأخلاف: جمع خَلْفٍ بالكسر: وهو الضَّرْعُ لِكُلِّ ذَاتِ خُفٍّ وَظَلْفٍ (النهاية: ج ٢ ص ٦٨ «خلف»).
- ٨- الطور: ٢١.
- ٩- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٩٠ ح ٤٧٣٢، التوحيد: ص ٣٩٣ ح ٦ وليس فيه ذيله، عوالي اللآلي: ج ٣ ص ٢٨٧ ح ٣٣ كلها عن الحلبي، بحار الأنوار: ج ٥ ص ٢٩٣ ح ١٨.

۹۵. أسد الغابه (فی تَرْجَمَهُ أُمَامَهُ بِنْتِ أَبِي الْعَاصِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ما فرزندان عبد المطلب ، سِروران اهل بهشتیم : من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی. ۹۴. المناقب لابن شهر آشوب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حسن و حسین ، سِرور جوانان اهل بهشت اند . ۹۳. الإمام الباقر علیه السلام : امام علی علیه السلام : سِروران اهل بهشت ، سخاوتمندان و پرهیزگاران اند . ۹۲. الإمام علی علیه السلام (فی ذِکْرِ زَوَاجِهِ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام) امام علی علیه السلام : سِروران اهل بهشت ، پرهیزگاران نیکوکارند . ۹۱. کتاب من لا یحضره الفقیه عن جابر بن عبد الله الأن (فی ذِکْرِ زَوَاجِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام) امام علی علیه السلام : سِروران اهل بهشت ، مردمان با اخلاص اند . ۹۰. المصنّف عن ابن عبّاس : امام علی علیه السلام : شهریاران بهشت ، پرهیزگاران و اخلاصمندان اند . ۸۹. الإمام علی علیه السلام : امام صادق علیه السلام : خداوند بزرگ و والا ، ابراهیم و ساره را سرپرست کودکان اهل ایمان ، قرار داده است و آن دو ، آنها را با درختی در بهشت که پستان هایی مانند پستان گاو دارد ، در قصری از دُر ، تغذیه می کنند و چون روز قیامت شود ، بر آنان لباس می پوشانند و خوش بویشان می سازند و آنان را به پدرانشان هدیه می کنند . اینان در بهشت با پدرانشان پادشاهی می کنند . این ، سخن خدای عز و جل است ، آن جا که می فرماید : « و کسانی که ایمان آورده اند و فرزندانشان آنان را در ایمان پیروی کرده اند ، فرزندانشان را به ایشان ملحق خواهیم کرد » . .

١٦ / ٦ عُرْفَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ ٨٦. المعجم الأوسط عن جابر بن عبد الله: رسول الله صلى الله عليه وآله: حَمَلَهُ الْقُرْآنُ عُرْفَاءَ أَهْلِ الْجَنَّةِ .
 (١) ٨٥. الأُمَالِي لِلطُّوسِي: عنه صلى الله عليه وآله: حَمَلَهُ الْقُرْآنُ عُرْفَاءَ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَالْمُجْتَهِدُونَ قُودًا أَهْلَ الْجَنَّةِ ، وَالرُّسُلُ سَادَةٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ . (٢) ٨٤. تاريخ يعقوبى (فى ذِكْرِ زَوْجِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام) عنه صلى الله عليه وآله: النَّبِيُّونَ وَالْمُرْسَلُونَ سَادَةٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَالشُّهَدَاءُ قُودًا أَهْلَ الْجَنَّةِ ، وَحَمَلَهُ الْقُرْآنُ عُرْفَاءَ أَهْلِ الْجَنَّةِ . (٣) ١٦ / ٧ زَيْنَةُ الْجَنَّةِ ٨١. السنن الكبرى عن مجاهد عن الإمام علي عليه السلام رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ شَنَفَا (٤) الْعَرْشَ ، وَإِنَّ الْجَنَّةَ قَالَتْ: يَا رَبِّ ، أَسَكَّنْتِنِي الضُّعْفَاءَ وَالْمَسَاكِينَ! فَقَالَ اللَّهُ لَهَا: أَلَا تَرْضَيْنَ أَنِّي زَيَّنْتُ أَرْكَانَكَ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ؟! قَالَ: فَمَا سَتَ (٥)

كَمَا تَمِيسُ الْعُرُوسُ فَرَحًا . (٦) .

- ١- .معاني الأخبار: ص ٣٢٣ ح ١، الخصال: ص ٢٨ ح ١٠٠ ، مجمع البيان: ج ١ ص ٨٥ وزاد فى آخره «يوم القيامة» وكلها عن أبى سعيد الخدرى ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ١٧٧ ح ٣؛ المعجم الكبير: ج ٣ ص ١٣٢ ح ٢٨٩٩ عن سكينه عن أبيها الإمام الحسين عليه السلام وزاد فى آخره «يوم القيامة»، كنز العمال: ج ١ ص ٥١٤ ح ٢٢٨٩.
- ٢- .الكافي: ج ٢ ص ٦٠٦ ح ١١ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، النوادر للراوندى: ص ١٣٧ ح ١٨٠ ، الجعفریات: ص ٧٦ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٣٤٣ وفيها «والمجاهدون فى سبيل الله» بدل «والمجاهدون» ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٩٩ ح ٢٠٢؛ كنز العمال: ج ١ ص ٥٥٠ ح ٢٤٦٤ نقلًا عن ابن النجار عن أبى هريره.
- ٣- .حليه الأولياء: ج ٦ ص ٦٥ ، تاريخ أصبهان: ج ٢ ص ٢٩٧ الرقم ١٧٨٥ نحوه وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٧٤ ح ٣٩٣٢٠ .
- ٤- .الشَّنْفُ: الذى يلبس فى أعلى الأذن، والذى فى أسفلها القِرْط (لسان العرب: ج ٩ ص ١٨٣ «شنف»).
- ٥- .يَمِيسُ: إذا تبختر فى مشيه وتثنى (النهايه: ج ٤ ص ٣٨٠ «ميس»).
- ٦- .الإرشاد: ج ٢ ص ١٢٧ ، إعلام الورى: ج ١ ص ٤٣٢ ، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٢٧٥ ح ٤٤.

۱۶ / ۶ سردارانِ اهل بهشت

۱۶ / ۷ زیور بهشت

۱۶ / ۶ سردارانِ اهل بهشت ۷۸. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حاملان قرآن، سرداران (۱) اهل بهشت اند. ۷۷. عنه صلی الله علیه و آله (لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حاملان قرآن، سرداران اهل بهشت اند و کوشندگان، (۲)

هدایتگران اهل بهشت اند و پیامبران، سَرووران اهل بهشت اند. ۷۶. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبران و فرستادگان، سَرووران اهل بهشت اند و شهیدان، هدایتگران اهل بهشت اند و حاملان قرآن، سرداران اهل بهشت اند. ۱۶ / ۷ زیور بهشت ۷۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حسن و حسین، گوشواره های عرش اند. بهشت گفت: پروردگارا! ناتوانان و مستمندان را در من سکنا دادی!

خداوند به او فرمود: «آیا خرسند نیستی که ارکان تو را با حسن و حسین، زینت بخشیدم؟!». .

بهشت [با شنیدن این سخن] از شادی چون عروس، نازید و خرامید.

۱- در متن عربی، «عُرْفَا» آمده که جمع «عَرِيف» به معنای پایین تر از رئیس در قبیله، کارگزار قوم، نقیب، سردار، سالار، خلیفه یا مُبصر در مکتب خانه و مدرسه است. از ابن عباس در باره معنای «عرفاء» در همین حدیث پرسیدند. گفت: یعنی آنان رؤسای اهل بهشت اند (النهایه: ج ۳ ص ۲۱۸).

۲- یعنی کوشندگان در راه قرآن، یا کوشندگان در عمل صالح و اطاعت از خداوند.

٧٢. الطبقات الكبرى عن عطاء: عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا اسْتَقَرَّ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ قَالَتِ الْجَنَّةُ: يَا رَبِّ! أَلَيْسَ وَعِيدَتْنِي أَنْ تُزَيِّنِي بِرُكْنَيْنِ مِنْ أَرْكَانِكَ؟ قَالَ: أَلَمْ أُزَيِّنِكَ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ؟ قَالَ: فَمَا سَتِ الْجَنَّةُ مَيْسًا كَمَا تَمِيسُ الْعُرُوسُ. (١) / ١٦ / ٨ دَرَجَةُ النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ٦٩. شرح نهج البلاغه عن الفضل بن عباس: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَوْ سَيَلَّمَهُ دَرَجَةٌ عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ فَوْقَهَا دَرَجَةٌ، فَسَيَلَّمُوا اللَّهَ أَنْ يُؤَيِّنِي الْوَسِيْلَةَ. (٢) / ٦٨. السيره النبويه عن ابن إسحاق: الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ تُدْعَى الْوَسِيْلَةَ، فَمَاذَا سَيَلَّمُوا لِي الْوَسِيْلَةَ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ يَسْكُنُ مَعَكَ؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ. (٣) / ٦٧. الإمام علي عليه السلام (فِي خُطْبَتِهِ الْمُسَمَّاهِ بِالْقَاصِعَةِ) إِحْقَاقُ الْحَقِّ عَنْ عَائِشَةَ: مَا رَأَيْتُ رَجُلًا قَطُّ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ عَلِيٍّ وَمِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. قَالَتْ فَاطِمَةُ يَوْمًا وَأَنَا حَاضِرَةٌ: فَدَتَكَ نَفْسِي يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، أَى شَيْءٍ رَأَيْتَ لِي؟ فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ، أَنْتِ خَيْرُ النِّسَاءِ فِي الْبَرِيَّةِ، وَأَنْتِ أَهْلُ الْجَنَّةِ وَأَهْلُهَا (٤). قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا لِبَابِنِ عَمَّكَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ لَهَا: لَا يُقَاسُ بِهِ أَحَدٌ مِمَّنْ خَلَقَ اللَّهُ. قَالَتْ: وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ؟ قَالَ: هُمَا وَلَدَايَ وَسِبْطَايَ وَرِيحَانَتَايَ أَيَّامَ حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي.

قَالَتْ: فَبَيْنَمَا هُمَا فِي الْحَدِيثِ إِذْ أَتَى عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، أَى شَيْءٍ رَأَيْتَ لِي؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! أَنَا وَأَنْتَ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فِي غُرْفَةٍ مِنْ دُورِهِ، أَسَاسُهَا مِنْ رَحْمَةٍ، وَأَطْرَافُهَا مِنْ رِضْوَانٍ، وَهِيَ تَحْتَ عَرْشِ اللَّهِ. يَا عَلِيُّ، بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ نُورِ اللَّهِ بَابٌ، فَتَنْظُرُ إِلَيْهِ وَيَنْظُرُ إِلَيْكَ، وَعَلَى رَأْسِكَ تَاجٌ مِنْ نُورٍ قَدْ أَضَاءَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَأَنْتَ تَرْفَعُ (٥) فِي حُلَّةٍ مِنْ حُلَلِ حُمْرٍ وَرَدِيَّةٍ، وَخُلِقْتَ وَخُلِقْتَنِي رَبِّي وَخَلَقَ مُجِيبِنَا مِنْ طِينِهِ تَحْتَ الْعَرْشِ، وَخَلَقَ مُبْغِضِنَا مِنْ طِينِهِ الْخَبَالِ (٦). (٧).

- ١- تاريخ بغداد: ج ٢ ص ٢٣٨ الرقم ٦٩٧، تاريخ دمشق: ج ١٣ ص ٢٢٨ ح ٣٢٣٦، المعجم الأوسط: ج ١ ص ١٠٨ ح ٣٣٧ نحوه وكلها عن عقبه بن عامر، كنز العمال: ج ١٢ ص ١٢١ ح ٣٤٢٩٠.
- ٢- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٦٥ ح ١١٧٨٣، كنز العمال: ج ٧ ص ٦٩٨ ح ٢٠٩٨٤ نقلاً عن ابن مردويه وكلاهما عن أبي سعيد الخدري.
- ٣- تفسير ابن كثير: ج ٣ ص ٩٨ عن الحارث، كنز العمال: ج ١٢ ص ١٠٣ ح ٣٤١٩٥ نقلاً عن ابن مردويه؛ بشاره المصطفى: ص ٢٧٠ عن الحارث نحوه.
- ٤- كذا في المصدر.
- ٥- رَفَلٌ يَرْفَلُ رَفْلًا: جَرَّ ذَيْلَهُ وَتَبَخَّرَ (لسان العرب: ج ١١ ص ٢٩٢ «رفل»).
- ٦- طِينَةُ الْخَبَالِ: مَا سَالَ مِنْ جُلُودِ أَهْلِ النَّارِ (لسان العرب: ج ١١ ص ١٩٨ «خبال»).
- ٧- إِحْقَاقُ الْحَقِّ: ج ٥ ص ٩٠ ح ٩٥ وراجع: الفضائل: ص ١٤٢ و بحار الأنوار: ج ٣٧ ص ٧٨ ح ٤٧.

۱۶ / ۸ درجه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او

۶۶. المستدرک علی الصحیحین عن مجاهد بن جبر أبی الحجاج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون بهشتیان در بهشت جای گیرند، بهشت می گوید: پروردگارا! مگر وعده ام ندادی که مرا به دو رکن از ارکانت زینت بخشی؟ خداوند می فرماید: «مگر تو را به حسن و حسین، زینت نبخشیدم؟».

پس، بهشت، همچون عروس، می نازد و می خرامد. ۱۶ / ۸ درجه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او ۶۳. أنساب الأشراف: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وسیله، درجه ای است در نزد خدا که بالاتر از آن، درجه ای نیست. پس، از خدا بخواهید که وسیله را به من عطا فرماید. ۶۲. شرح نهج البلاغه عن الحسین بن زید بن علی بن الحسیامام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت، درجه ای است که وسیله خوانده می شود. پس هر گاه از خدا درخواست کردید، وسیله را برای من درخواست کنید».

گفتند: ای پیامبر خدا! چه کسی با تو ساکن می شود؟

فرمود: «علی و فاطمه و حسن و حسین». ۶۱. کشف الیقین عن یزید بن قعب: إحقاق الحقّ به نقل از عایشه: هرگز کسی را در نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، محبوب تر از علی و فاطمه ندیدم. روزی فاطمه در حضور من، به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: جانم به فدایت، ای پیامبر خدا! درود خدا بر تو! نظرتان در باره من چیست؟

فرمود: «ای فاطمه! تو بهترین زن عالم هستی. تو اهل بهشت و سزاوار آن هستی».

فاطمه گفت: ای پیامبر خدا! در باره پسر عمویت علی، چه؟

فرمود: «هیچ یک از خلق خدا با او قابل قیاس نیست».

فاطمه گفت: و حسن و حسین؟

فرمود: «آن دو، در زندگی ام و پس از مرگم، فرزندان و نوادگان من و دسته گل های من اند».

در همین حال که آن دو با هم سخن می گفتند، علی آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: پدرم و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! درود خدا بر تو باد! نظرتان در باره من چیست؟

فرمود: «ای علی! من و تو و فاطمه و حسن و حسین، در غرفه ای از دُر هستیم که پایه اش از رحمت است و دیوارهایش از رضوان، و آن غرفه در زیر عرش جای دارد».

ای علی! میان شما و نور خدا، دری است که تو [از آن] به او (خداوند) می نگری و او [از آن] به تو می نگرد ، و بر سرت ، تاجی از نور است که از مشرق تا مغرب را روشن می کند ، و تو در جامه ای از جامه های سرخ گل رنگ می خرامی . پروردگارم ، تو و مرا و دوستان ما را از گلی در زیر عرش آفریده و دشمنان ما را از چرکابه پوست دوزخیان ، خلق کرده است.» .

٦٠. المناقب لابن شهر آشوب عن ابن إسحاق وابن شهاب: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كان يوم القيامة يقعد على بن أبي طالب على الفردوس؛ وهو جليلٌ قد علا على الجنة، وفوقه عرش رب العالمين، ومن سيفه تتفجر أنهار الجنة، وتتفرق في الجنان، وهو جالس على كرسي من نور، يجرى بين يديه نهر من التسنيم (١)، لا يجوز أحد على الصراط إلا ومعه براءة بولائه وولائه أهل بيته، وهو مشرف على الجنة فيدخلها مجبوه، ومشرف على النار فيدخلها مبغضوه. (٢).

١- التسنيم: قيل هو عين في الجنة رفيعه القدر (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٤٢٩ «سنم»).

٢- منه منقبه: ص ١٠٧، كشف الغميه: ج ١ ص ١٠٣، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٥٦ وليس فيه صدره إلى «الجنان» وكلها عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١١٦ ح ٩٣؛ المناقب للخوارزمي: ص ٧١ ح ٤٨، فرائد السمطين: ج ١ ص ٢٩٢ ح ٢٣٠ كلاهما عن عبد الله بن مسعود.

۵۹. نثر الدرّ: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون روز قیامت شود ، علی بن ابی طالب بر فراز فردوس می نشیند . فردوس ، کوهی است بر بلندای بهشت که بالای آن ، عرش پروردگار جهانیان قرار دارد و از دامنه آن ، جویبارهای بهشت ، سرچشمه می گیرند و در باغ های بهشت ، پراکنده می شوند . او بر تختی از نور می نشیند و نهری از تسنیم (۱) در برابرش جاری است ، و هیچ کس از صراط نمی گذرد ، مگر آن که جواز عبوری از ولایت او و ولایت اهل بیتش داشته باشد . او مُشرف بر بهشت است و دوستانش وارد آن می شوند . نیز بر آتش ، مُشرف است و دشمنانش وارد آن می شوند . .

۱- . تسنیم ، چشمه ای در بهشت است .

٥٨. تاريخ دمشق عن مُدْرِك: الإمام عليّ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِسْأَلُوا اللَّهَ تَعَالَى لِي الدَّرَجَةَ الوَسِيْلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الدَّرَجَةُ الوَسِيْلَةُ مِنَ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: هِيَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ، لَا يَنَالُهَا إِلَّا نَبِيٌّ، أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ. (١) ١٩٩. مجمع الزوائد عن ابن عباس: رسول الله صلى الله عليه وآله: بَيْنَمَا أَنَا أَسِيرُ فِي الْجَنَّةِ، إِذَا أَنَا بِنَهْرٍ، حَافَتَاهُ قُبَابُ الدَّرَجِ المَجْرُوفِ، قُلْتُ: مَا هَذَا يَا جَبْرَيْلُ؟ قَالَ: هَذَا الكَوْتَرُ الَّذِي أَعْطَاكَ رَبُّكَ، فَإِذَا طِينُهُ أَوْ طِيْبُهُ (٢) مِسْكٌ أَذْفَرُ (٣). (٤) ٢٠٠. مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري: عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ فِي جَنَّةٍ عَدْنٍ مَنَزَلٌ أَشْرَفَ وَلَا أَفْضَلَ وَلَا أَقْرَبَ إِلَى عَرْشِ رَبِّي مِنْ مَنَزَلِي، نَحْنُ فِيهِ أَرْبَعَةَ عَشَرَ إِنْسَانًا، أَنَا، وَأَخِي عَلِيٌّ وَهُوَ خَيْرُهُمْ وَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ، وَفَاطِمَةُ وَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَتِسْعَةُ أَئِمَّةٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ. فَنَحْنُ فِيهِ أَرْبَعَةَ عَشَرَ إِنْسَانًا فِي مَنَزَلٍ وَاحِدٍ، أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الرَّجْسَ وَطَهَّرَنَا تَطْهِيرًا، هُدَاهُ مَهْدِيَيْنِ. (٥) ٢٠١. الطبقات الكبرى: سنن الترمذي عن أبي هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَلُوا اللَّهَ لِي الوَسِيْلَةَ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الوَسِيْلَةُ؟ قَالَ: أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ، لَا يَنَالُهَا إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ، أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ. (٦).

- ١- مسند زيد: ص ١٥٦ عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام، جامع الأخبار: ص ١٥٧ ح ٣٧٠، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٥ ح ٥٢.
- ٢- الشك من هديه، أحد رواه الحديث.
- ٣- الأذفر: أي طيب الريح (النهاية: ج ٢ ص ١٦١ «ذفر»).
- ٤- صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٤٠٦ ح ٦٢١٠، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٨٢ ح ١٢٩٨٨ وليس فيه «أو طيبه»، المستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ١٥٢ ح ٢٦٦ نحوه وكلها عن أنس وراجع: سنن الترمذي: ج ٥ ص ٤٤٩ ح ٣٣٦٠ و ح ٣٣٥٩.
- ٥- كتاب سليم بن قيس: ج ٢ ص ٨٤٠ ح ٤٢ عن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٢٦٧ ح ٥٣٤.
- ٦- سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٨٦ ح ٣٦١٢ عن أبي هريره و ح ٣٦١٤ عن عبد الله بن عمر نحوه، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٩٢ ح ٨٧٧٨ زياده «صلوا علي فإنها زكاه لكم» في صدره و ص ٨٦ ح ٧٦٠١ كلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٢ ص ٧٩ ح ٣٢٢٧.

۲۰۲. المغازی عن یعقوب بن عتبہ: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از خداوند متعال برای من ، درجه وسیله را در بهشت بخواهید» .

گفته شد: ای پیامبر خدا! درجه وسیله در بهشت چیست؟

فرمود: «بالاترین درجه بهشت است و تنها یک پیامبر به آن دست می یابد ، که امیدوارم من ، آن پیامبر باشم»
۲۰۳. المستدرک علی الصحیحین عن جابر بن عبد الله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت می گشتم که به نهری رسیدم که در دو کرانه آن ، گنبدخانه هایی از دُرّ میان تهی بود . گفتم: این چیست ، ای جبرئیل؟

گفت: این ، همان کوثر است که پروردگارت به تو عطا فرمود .

گیل آن نهر یا عطر آن (۱) مشک تندبوی بود. ۲۰۴. السیره النبویه لابن هشام عن سفيان بن فروه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بهشت عدن ، هیچ منزلی بهتر و برتر و به عرش پروردگار ، نزدیک تر از منزل من نیست . در آن منزل ، چهارده نفر هستیم : من و برادرم علی که بهترین و محبوب ترین آنان در نزد من است ، و فاطمه که بانوی زنان بهشتی است ، و حسن و حسین و نه امام از نسل حسین . پس ما چهارده انسان هستیم در آن یک منزل ، که خداوند ، پلیدی را از ما زدوده و پاک پاکمان گردانیده است ، و همگی هدایتگرانی هدایت شده ایم. ۲۰۵. الکامل فی التاریخ عن بریده الأسلمی: سنن الترمذی به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از خدا برای من ، وسیله را بخواهید» .

گفتند: وسیله چیست ، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «بالاترین درجه بهشت است و جز یک نفر به آن دست نمی یابد . امیدوارم که من ، آن یک نفر باشم» . .

۱- . تردید ، از هُدهبه (یکی از راویان حدیث) است .

٢٠٦. صحيح البخارى عن سهل بن سعد: رسول الله صلى الله عليه وآله: حَطِيبُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ .
 (١) ٢٠٧. صحيح مسلم عن أبي هريره: الإمام على عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ ذِرْوَةٌ (٢) ، وَذِرْوَةُ الْجَنَّةِ الْفِرْدَوْسُ ، وَهِيَ لِمُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ صِلَاوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ. (٣) ٢٠٨. صحيح البخارى عن سلمه: عنه عليه السلام: إِنَّ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَى عَشَرَ إِمَامًا هُدَى مِنْ
 ذُرِّيَةِ نَبِيِّهَا ، وَهُمْ مِنِّي . وَأَمَّا مَنْزِلُ نَبِيِّنَا فِي الْجَنَّةِ فَفِي أَفْضَلِهَا وَأَشْرَفِهَا ؛ جَنَّةِ عَدْنٍ ، وَأَمَّا مَنْ مَعَهُ فِي مَنْزِلِهِ فِيهَا فَهُوَ لِأَيِّ الْإِثْنَا عَشَرَ
 مِنْ ذُرِّيَّتِهِ ، وَأُمَّهُمْ وَجَدَّتُهُمْ وَأُمُّ أُمَّهُمْ وَذَرَارِيُّهُمْ ؛ لَا يَشْرَكُهُمْ فِيهَا أَحَدٌ. (٤) ٢٠٩. صحيح مسلم عن سلمه: الإمام الصادق عليه
 السلام فِي خَبْرِ الْيَهُودِيِّ الَّذِي سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ بَعْضِ الْمَسَائِلِ : قَالَ [الْيَهُودِيُّ] : وَأَيْنَ يَسْكُنُ نَبِيُّكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ ؟
 قَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] : فِي أَعْلَاهَا دَرَجَةً ، وَأَشْرَفِهَا مَكَانًا ؛ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ . قَالَ : صِدَقَتْ وَاللَّهِ ! إِنَّهُ لَيَخْطُ هَارُونَ وَإِمْلَاءُ مُوسَى
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ . (٥) ٢١٠. الاستيعاب: الإمام على عليه السلام فِي جَوَابِهِ لِلْيَهُودِيِّ لَمَّا سَأَلَهُ عَنْ مَنْزِلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيْنَ
 هُوَ مِنَ الْجَنَّةِ ؟ : أَمَّا مَنْزِلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْجَنَّةِ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ ، وَهِيَ وَسَطُ الْجَنَانِ ، وَأَقْرَبُهَا مِنْ عَرْشِ الرَّحْمَنِ جَلَّ
 جَلَالُهُ ... وَالَّذِينَ يَسْكُنُونَ مَعَهُ فِي الْجَنَّةِ هُوَ لِأَيِّ الْأُمَّةِ الْإِثْنَا عَشَرَ. (٤) .

١- .جامع الأخبار : ص ٣٤٨ ح ٩٤١ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٤٧ ح ٧٢ .

٢- ذِرْوَةٌ كُلُّ شَيْءٍ : أَعْلَاهُ (النَّهْيَةُ) : ج ٢ ص ١٥٩ «ذرا» .

٣- .تأويل الآيات الظاهرة : ج ١ ص ٢٩٨ ح ١١ عن الحارث ، بحار الأنوار : ج ٢٤ ص ٢٦٩ ح ٤١ ؛ كنز العمال : ج ١٠ ص ٢٦١
 ح ٢٩٣٨٧ نقلًا عن المرهبي و ص ٣٠٩ ح ٢٩٥٤٦ نقلًا عن الجوهرى وليس فيهما «وآل محمد صلى الله عليه وآله» .

٤- .الكافي : ج ١ ص ٥٣٢ ح ٨ ، الغيبة للطوسي : ص ١٥٣ ح ١١٣ ، إعلام الورى : ج ٢ ص ١٦٨ ، المناقب لابن شهر آشوب :
 ج ١ ص ٢٩٨ وليس فيه ذيله من «وأمهم وجدتهم...» وكلها عن أبي سعيد الخدرى ، بحار الأنوار : ج ٣٦ ص ٣٨١ ح ٨ .

٥- .كمال الدين : ص ٣٠١ ح ٨ ، الخصال : ص ٤٧٧ ح ٤٠ ، الاحتجاج : ج ١ ص ٥٣٩ ح ١٢٨ كلها عن صالح بن عقبه عن
 الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩٥ ح ١٧٧ .

٦- .كمال الدين : ص ٢٩٦ ح ٣ عن أبي الطفيل عامر بن واثله ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٨٩ ح ١٤١ .

۲۱۱. الإرشاد عن عبد الملك بن هشام ومحمد بن إسحاق وغير پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خطیب بهشتیان ، من ، محمد پیامبر خدا ، هستم. ۲۱۲. المغازی : امام علی علیه السلام : هر چیزی را چکادی است و چکاد بهشت ، پردیس است و آن ، از آن محمد و خاندان محمد است . درودهای خدا بر او و بر ایشان باد ! ۲۱۳. المغازی : امام علی علیه السلام : این امت را دوازده راهبر از نسل پیامبرشان است و آنان از نژاد من اند . و منزل پیامبر ما در بهشت ، در بهترین و برترین جای آن ، یعنی بهشت عدن ، است و همراهان او در آن منزل نیز همین دوازده امام از نسل او هستند ، به علاوه مادرشان و مادر بزرگشان و مادرشان و فرزندانشان . هیچ کس دیگر در آن منزل با ایشان همراه نیست . ۲۱۴. الإرشاد : امام صادق علیه السلام در داستان آن مرد یهودی که از امیر مؤمنان علیه السلام سؤالاتی کرد : یهودی گفت : پیامبر شما در کجای بهشت ، ساکن می شود؟

فرمود : «در بالاترین درجه و ارجمندترین مکان آن ، در بهشت های عدن» .

یهودی گفت : به خدا سوگند که درست گفتم! این مطلب با خط هارون و املائی موسی علیه السلام آمده است . ۲۱۵. المصنّف عن جابر بن عبد الله : امام علی علیه السلام در پاسخش به آن مرد یهودی که در باره منزل پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید که : در کجای بهشت است؟ : منزل محمد در بهشت ، در بهشت عدن است ، که وسط (/ بهترین جای) بهشت ها و نزدیک ترین آنها به عرش خدای رحمان عز و جلاست ... و کسانی که با او در بهشت ساکن اند ، همین امامان دوازده گانه اند . .

٢١٦. مسند ابن حنبل عن أبي رافع مولى رسول الله صلى الله على الل (فى مَعْرَكِهِ خَيْرٌ) عنه عليه السلام فى خُطْبِهِ لَهُ : يَا أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّ فى الْجَنَّةِ لَوْلُؤَتَيْنِ : إِحْدَاهُمَا بَيْضَاءُ وَالْأُخْرَى صَيْفَرَاءُ ، أَمَّا الصَّفْرَاءُ فَإِنَّهَا إِلَى بَطْنَانِ الْعَرْشِ وَالْمَقَامِ الْمَحْمُودِ مِنَ اللُّؤْلُؤِ الْبَيْضَاءِ سَبْعُونَ أَلْفَ غُرْفَةٍ ، كُلُّ بَيْتٍ مِنْهَا ثَلَاثَةُ أَمْيَالٍ ، وَغُرْفُهَا وَأَبْوَابُهَا وَأَسْرَتُهَا وَكَأَنَّهَا مِنْ عَرَقٍ وَاحِدٍ ، وَأَسْمُهَا الْوَسِيلَةَ ، هِيَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ . (١) ٢١٧. الأمالى للصدوق عن عبد الله بن عمرو بن العاص : عنه عليه السلام فى خُطْبِهِ الْوَسِيلَةَ : أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَعَدَدَ نَبِيِّهِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ ، وَوَعْدَهُ الْحَقُّ وَلَنْ يُخْلِفَ اللهُ وَعْدَهُ . أَلَا وَإِنَّ الْوَسِيلَةَ عَلَى دَرَجِ الْجَنَّةِ ، وَذُرُوهَ ذَوَائِبِ الرُّلْفَةِ ، وَنَهَائِهِ غَايَةَ الْأُمِّيَّةِ ... قَدْ أَنَا فَتْ عَلَى كُلِّ الْجَنَانِ ، وَرَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَئِذٍ قَاعِدٌ عَلَيْهَا ، مُرْتَدٍ بَرِيظَتَيْنِ (٢) : رَيْطَهُ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ ، وَرَيْطَهُ مِنْ نُورِ اللهِ ، عَلَيْهِ تَأْجُ التُّبُوهُ وَإِكْلِيلُ (٣) الرَّسَالَةِ ، قَدْ أَشْرَقَ بُنُورُهُ الْمَوْقِفُ ، وَأَنَا يَوْمَئِذٍ عَلَى الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ ، وَهِيَ دُونَ دَرَجَتِهِ . (٤) ٢١٨. الإرشاد عن أبى عبد الله الجدلى : عنه عليه السلام : كَانَ لِي عَشْرٌ مِنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي ، وَلَا يُعْطَاهُنَّ أَحَدٌ بَعْدِي ، قَالَ لِي : يَا عَلِيُّ ، أَنْتَ أَخِي فى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَنْتَ أَقْرَبُ النَّاسِ مِنِّي مَوْقِفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَمَنْزِلِي وَمَنْزِلِكَ فى الْجَنَّةِ مُتَوَاجِهَيْنِ كَمَنْزِلِ الْأَخَوَيْنِ (٥) ٢١٩. الإمام على عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام فى الدُّعَاءِ عِنْدَ زِيَارَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صِيْلَمَاتِكَ وَصِيْلَمَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ ، وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصِيْفِيَّكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ ، وَأَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا ، يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ . (٤) .

- ١- تفسير ابن كثير : ج ٣ ص ٩٨ عن على بن الحسين الأزدي مولى سالم بن ثوبان ، إحقاق الحق : ج ٩ ص ٥٢٢ وراجع : شرح الأخبار : ج ٢ ص ٤٨٢ ح ٨٤٤ .
- ٢- الرِّيطَةُ : كُلُّ ثُوبٍ رَقِيقٍ لَيْنٍ (النهاية : ج ٢ ص ٢٨٩ «ريط»).
- ٣- الإكليل : شَبَّهُ عِصَابَهُ مُزَيَّنَةً بِالْجَوْهَرِ (النهاية : ج ٤ ص ١٩٧ «كلل»).
- ٤- الكافى : ج ٨ ص ٢٤ ح ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام .
- ٥- الخصال : ص ٤٢٩ ح ٧ ، الأمالى للطوسى : ص ١٣٧ ح ٢٢٢ ، الأمالى للصدوق : ص ١٣٦ ح ١٣٥ ، شرح الأخبار : ج ٢ ص ٥٤١ ح ٥٢٨ ، بشاره المصطفى : ص ١٢٨ كلها عن زيد بن على بن الحسين عن أبيه عن جدّه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٨٥ ح ١٤٨ وراجع : المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ١٥٤ .
- ٦- الكافى : ج ٤ ص ٥٥١ ح ١ ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ٥ ح ٨ نحوه وكلاهما عن معاوية بن عمّار ، بحار الأنوار : ج ١٠ ص ١٤١ ح ٤١ .

۲۲۰. عنه علیه السلام (فی رسالته إلی سهل بن حنیف) امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی هایش : ای مردم! در بهشت ، دو مروارید است : یکی از آنها سفید است و دیگری زرد . مروارید زرد ، تا دل عرش ، کشیده شده است ، و آن جایگاه ستودنی (مقام محمود) ، در مروارید سفید است که هفتاد هزار غرفه دارد و هر خانه ای از آن ، سه میل است و غرفه ها و درها و تخت هایش گویی از یک جنس اند . نام آن [جایگاه ستودنی] ، وسیله است و متعلق به محمد صلی الله علیه و آله و خاندان اوست . ۲۲۱. مشارق أنوار الیقین : امام علی علیه السلام در خطبه وسیله : ای مردم ! خدای متعال به پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله ، وسیله را وعده داده است و وعده او راست است و خدا هرگز خلف وعده نمی کند . بدانید که وسیله ، بالاترین درجه بهشت و نوک کاکل قرب به خدا و نقطه نهایی آرزوست ... و بالاتر از همه بهشت هاست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن روز ، در آن می نشیند ، در حالی که دو جامه نرم و نازک بر تن دارد : جامه ای از رحمت خدا و جامه ای از نور خدا . تاج پیامبری و پیشانی بند جواهر نشان رسالت ، بر سر اوست و نورش محشر را روشن کرده است . در آن روز ، من نیز بر درجه بلندی هستم ؛ ولی از درجه او پایین تر است . ۲۲۲. تفسیر الفخر الرازی : امام علی علیه السلام : من ده چیز از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دارم که پیش از من به هیچ کس داده نشده اند و پس از من نیز به هیچ کس داده نخواهند شد . به من فرمود : «ای علی! تو در دنیا و آخرت ، برادر من هستی . تو در روز قیامت ، نزدیک ترین جایگاه را به من داری و منزل من و منزل تو در بهشت ، رو به روی هم است . همانند منزل دو برادر ... » . ۲۲۳. الإرشاد : امام صادق علیه السلام در دعا به هنگام زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله : بار خدایا! درودهای را و درودهای فرشتگان مقرب و بندگان شایسته ات و پیامبران مرسلت و اهل آسمان ها و زمین را و درودهای همه کسانی را که تو را ای پروردگار جهانیان تسبیح گفته اند ، از اولین و آخرین مخلوقات ، بر محمد ، بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت و امینت و گزیده ات و محبوبت و دوست خالصت و بنده ویژه ات و منتخبت و برگزیده ات از میان آفریدگانت ، قرار ده . بار خدایا! درجه و وسیله بهشت را به او عطا فرما و او را به چنان مقام پسندیده ای برسان که اولین و آخرین (همه جهانیان) بر او غبطه خورند . .

٢٢٤. تذكره الخواص: عنه عليه السلام: كَانَ فِيما وَعَظَ اللَّهُ عز و جل بِهِ عِيسَى بنَ مَرِيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... ثُمَّ إِنِّي أُوصِيكَ يَا بَنَ مَرِيَمَ الْبِكْرِ الْبُتُولِ بِسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَحَبِيبِي مِنْهُمْ ، أَحْمَدُ ، صَاحِبِ الْجَمَلِ الْأَحْمَرِ ، وَالْوَجْهِ الْأَقْمَرِ ... لَهُ الْكَوْثَرُ وَالْمَقَامُ الْأَكْبَرُ مِنْ جَنَّاتِ عَدْنٍ ، يَعِيشُ أَكْرَمَ مَعَاشٍ ، وَيُقْبَضُ شَهِيدًا ، لَهُ حَوْضٌ أَبْعَدُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى مَطْلَعِ الشَّمْسِ ، مِنْ رَحِيقِ مَخْتُومٍ ، فِيهِ آيَةٌ مِثْلُ نُجُومِ السَّمَاءِ ، مَائُهُ عَذْبٌ ، فِيهِ مِنْ كُلِّ شَرَابٍ وَطَعْمٌ كُلُّ ثِمَارٍ فِي الْجَنَّةِ ، مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَهُ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا . (١) راجع : ص ١٤٦ (الفصل الرابع : مواصفات الجنة / أنهار الجنة) و ص ١٥٤ (أشجار الجنة) و ص ١٩٠ (شراب أهل الجنة) و ص ٥٥٠ (الفصل الخامس عشر : نظام الجنة / أول من يدخل الجنة) .

١٦ / ٩ أقرب النَّاسِ دَرَجَةً إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِا شَيْعَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ٢٢٩. تاريخ يعقوبي: الإمام علي عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَخَذَ بِيَدِ حَسَنِ وَحُسَيْنٍ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَذَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٢) .

-
- ١- الأُمالي للصدوق : ص ٦١٠ ص ٦١٢ ح ٨٤٢ عن أبي بصير ، الكافي : ج ٨ ص ١٣١ ص ١٣٩ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط ، عنهم عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٢٩٧ ح ١٤ .
 - ٢- سنن الترمذي : ج ٥ ص ٦٤١ ح ٣٧٣٣ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ١٦٨ ح ٥٧٦ ، فضائل الصحابة لابن حنبل : ج ٢ ص ٦٩٤ ح ١١٨٥ كلها عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، كنز العمال : ج ١٢ ص ٩٧ ح ٣٤١٦١ ؛ العمدة : ص ٢٧٤ ح ٤٣٦ عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٤٣ ص ٢٨٠ ح ٤٨ .

۱۶ / ۹ نزدیک ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر درجه

الف شیعیان اهل بیت علیهم السلام

۲۳۰. تاریخ الإسلام عن الواقدي: امام صادق علیه السلام: از اندرزه‌های خدای عز و جل به عیسی بن مریم علیه السلام این بود که: «... و نیز تو را ای پسر مریم باکره پارسا سفارش می‌کنم در باره سِرور پیامبران و محبوبم از میان آنان، یعنی احمد؛ همان صاحب آن اُشتر سرخ موی و چهره نورانی... که کوثر و بزرگ‌ترین جایگاه را در بهشت‌های عدن دارد و در کمال ارجمندی زندگی می‌کند و شهید از دنیا می‌رود. حوضی دارد که وسیع‌تر از مکه تا طلوعگاه خورشید است. آب آن، از باده سر به مُهر است و در آن، ظرف‌هایی بلورین همانند ستارگان آسمان است. آبش شیرین و گواراست و در آن، از هر نوشیدنی و مزه هر میوه بهشتی هست. هر کس جرعه‌ای از آن بنوشد، تا ابد تشنه نمی‌گردد. ر. ک: ص ۱۴۷ (فصل چهارم: ویژگی‌های بهشت / نهرهای بهشت) و ص ۱۵۵ (درختهای بهشت) و ص ۱۹۰ (نوشیدنی بهشتیان) و ص ۵۵۱ (فصل پانزدهم: نظام بهشت / نخستین کسانی که به بهشت، وارد می‌شوند).

۱۶ / ۹ نزدیک ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر درجه‌الف شیعیان اهل بیت علیهم السلام ۲۳۵. مسند أبی یعلی عن أنس: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت و فرمود: «هر کس مرا و این دو را و پدر و مادر این دو را دوست داشته باشد، روز قیامت با من در یک درجه خواهد بود».

٢٣٦. الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ عَلَيْنَا وَأَطَاعَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَرَدَّ عَلَيْنَا حَوْضِي غَدَا، وَكَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي فِي الْجَنَّةِ . وَمَنْ أَبْغَضَ عَلَيْنَا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَعَصَاهُ لَمْ أَرَهُ وَلَمْ يَرِنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَاخْتَلَجَ (١) دُونِي، وَأَخَذَ بِهِ ذَاتَ الشَّمَالِ إِلَى النَّارِ . (٢) ٢٣٧. الإرشاد (في ذكر وقائع ما بعد غزوه حنين) عنه صلى الله عليه وآله: فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ ، وَفِي النَّارِ ثَلَاثُ دَرَكَاتٍ : فَأَعْلَى دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ لِمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَنَصَرَنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ ، وَفِي الدَّرَجَةِ الثَّانِيَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَنَصَرَنَا بِلِسَانِهِ ، وَفِي الدَّرَجَةِ الثَّلَاثَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ . وَفِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ ، وَفِي الدَّرَكِ الثَّانِيَةِ مَنْ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ ، وَفِي الدَّرَكِ الثَّلَاثَةِ مَنْ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ . (٣) ٢٣٨. الطبقات الكبرى عن البراء بن عازب وزيد بن أرقم: الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ ، وَكَانَ مَعَنَا بِلِسَانِهِ ، وَقَاتَلَ عِدُوَّنَا بِسَيْفِهِ ، فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا . (٤) ٢٣٩. تاريخ الطبري عن ابن إسحاق (في خروج النبي صلى الله عليه وآله إلى غ) عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ ، وَأَعَانَنا بِلِسَانِهِ ، وَلَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا يَدِهِ ، فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ دُونَ دَرَجَتِنَا . (٥) .

١- اخْتَلَجَهُ : جَذَبَهُ وَانْتَزَعَهُ (الصحيح: ج ١ ص ٣١١ «خلاج»).

٢- الأمالى للصدوق: ص ٣٧٤ ح ٤٧١، بشاره المصطفى: ص ٣٤ كلاهما عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٨ ص ٢٢ ح ١٥.

٣- المحاسن: ج ١ ص ٢٥١ ح ٤٧٢ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ٩٣ ح ٥٣ وراجع: شرح الأخبار: ج ٣ ص ٤٤٨ ح ١٣١٣.

٤- غرر الحكم: ح ٨١٤٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٣ ح ٧٧٤٣ وفيه «وأعاننا» بدل «وكان معنا» .

٥- غرر الحكم: ح ٨١٤٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٣ ح ٧٧٤٤ نحوه .

۲۴۰.الإرشاد (فی غزوه تبوک) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس علی را در سرای دنیا دوست بدارد و از او اطاعت کند، فردا در کنار حوض من بر من وارد می شود و در بهشت، هم درجه من است، و هر کس علی را در سرای دنیا دشمن بدارد و نافرمانی اش کند، در روز قیامت، نه من او را می بینم و نه او مرا می بیند. او از برابر من ربوده می شود و او را از سمت چپ به دوزخ می برند. ۲۴۱.الإرشاد (فی ذکر وقایع ما بعد غزوه حنین) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، سه درجه است و در دوزخ، سه درک. بالاترین درجه بهشت، برای کسی است که ما را قلبا دوست بدارد و با زبان و دستش یاری مان رساند. در درجه دوم، کسی است که قلبا ما را دوست بدارد و با زبانش یاری مان رساند و در درجه سوم، کسی جای دارد که قلبا ما را دوست بدارد.

در پایین ترین درک دوزخ نیز کسی جای دارد که قلبا ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش بر ضد ما کمک کند. در درک دوم دوزخ، کسی است که قلبا ما را دشمن بدارد و با زبانش بر ضد ما کمک کند و در درک سوم دوزخ، کسی است که قلبا ما را دشمن بدارد. ۲۴۲.الإمام الباقر علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر کس قلبا ما را دوست بدارد و با زبانش با ما باشد و با شمشیرش با دشمن ما بجنگد، در بهشت با ما هم درجه است. ۲۴۳.الطبقات الکبری: امام علی علیه السلام: هر که قلبا ما را دوست بدارد و با زبانش یاری مان رساند، اما با دستش همراه ما نجنجد، در بهشت با ماست؛ اما پایین تر از درجه ما.

٢٤٤.الإمام علي عليه السلام:الإمام الحسن عليه السلام:مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَنَصَرَ رَنَا بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْعُرْفَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا ، وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَنَصَرَ رَنَا بِلسَانِهِ فَهُوَ دُونَ ذَلِكَ بِدَرَجَةٍ ، وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَكَفَّ بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ . (١)٢٤٥.مسند ابن حنبل عن أنس بن مالك: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي وَيَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنِ الَّتِي غَرَسَهَا رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ بِيَدِهِ ، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَأَوْصِيَاءَهُ ، فَهُمْ الْأَوْلِيَاءُ وَالْأَيْمَنُ مِنْ بَعْدِي ، أَعْطَاهُمُ اللَّهُ عِلْمِي وَفَهْمِي ، وَهُمْ عِزَّتِي مِنْ لَحْمِي وَدَمِي ، إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ شُكْرًا مِنْ ظَالِمِهِمْ مِنْ أُمَّتِي ، وَاللَّهُ لَتَقْتُلَنَّهُمْ أُمَّتِي! لا- أَنَالَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَفَاعَتِي . (٢)٢٤٦.فضائل الصحابة عن أنس بن مالك: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي ، وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنِيهَا رَبِّي ، وَيَتَمَسَّكَ بِقَضِيْبِ غَرَسَهُ رَبِّي بِيَدِهِ ، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَأَوْصِيَاءَهُ مِنْ بَعْدِهِ ، فَإِنَّهُمْ لَا يُدْخِلُونَكُمْ فِي بَابِ ضَلَالٍ ، وَلَا يُخْرِجُونَكُمْ مِنْ بَابِ هُدًى ، فَلَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ . (٣)٢٤٧.خصائص أمير المؤمنين عن زيد بن شبيب عن الإمام علي عليه السلام: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي ، وَيَسْكُنَ جَنَّةَ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي ، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، فَإِنَّهُ لَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يُدْخِلَكُمْ فِي ضَلَالَةٍ . (٤)

١- الأمامي للمفيد: ص ٣٣ ح ٨ عن أبي المقدم ، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١٠١ ح ٦٤ وراجع: الخصال: ص ٦٢٩ ح ١٠ و تحف العقول: ص ١١٩.

٢- الأمامي للشجري: ج ١ ص ١٣٦ عن ابن عبيد ، الكافي: ج ١ ص ٢٠٩ ح ٥ عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بصائر الدرجات: ص ٤٨ ح ١ عن سعد بن طريف عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بشاره المصطفى: ص ١٩١ ؛ حليه الأولياء: ج ١ ص ٨٦ كلاهما عن ابن عباس وكلها نحوه.

٣- الكافي: ج ١ ص ٢٠٩ ح ٦ ، بصائر الدرجات: ص ٤٩ ح ٦ كلاهما عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال: ص ٥٥٨ ح ٣١ عن عامر بن واثله عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ١٣٨ ح ٨٤.

٤- المستدرک علی الصحیحین: ج ٣ ص ١٣٩ ح ٤٦٤٢ عن زيد بن أرقم ، كنز العمال: ج ١١ ص ٦١١ ح ٣٢٩٥٩ ؛ بشاره المصطفى: ص ٥٣ عن زيد بن مطرف بزياده «وذريته» بعد «علي بن أبي طالب عليه السلام» ، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ١٠٦ ح ٧٦.

۲۴۸. مسند ابن حنبل عن زید بن یثیع عن أبی بکر: امام حسن علیه السلام: هر که ما را قلبا دوست بدارد و با دست و زبانش یاری مان رساند، [در بهشت] با ما در یک غرفه است و هر که ما را قلبا دوست بدارد و [تنها] با زبانش یاری مان رساند، یک درجه پایین تر از آن خواهد بود و هر که ما را قلبا دوست بدارد و دست و زبانش را از ما دریغ بدارد، در بهشت خواهد بود. ۲۴۹. المستدرک علی الصحیحین عن جمیع بن عمیر الیثی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دوست دارد مانند من زندگی کند و مانند من بمیرد و به بهشت عدن که پروردگرم عز و جلا دست خود، درخت های آن را کاشته است وارد شود، باید ولایت علی بن ابی طالب و جانشینان او را بپذیرد؛ زیرا آنان، اولیا و پیشوایانِ پس از من هستند و خداوند، دانش و فهم مرا به ایشان عطا فرموده است، و آنان، خانواده من و از گوشت و خون من هستند و به خدا شکایت می کنم از آن کسان ائمتم که بر ایشان ستم می کنند. به خدا سوگند که ائمتم، آنان را می کشند! خدا شفاعتم را به آنها نرساند! ۲۵۰. الإرشاد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خوش دارد که چون من زندگی کند و چون من بمیرد و در بهشتی که پروردگرم آن را به من وعده داده است، وارد شود و به شاخه ای که پروردگرم آن را با دست خود کاشته است، چنگ زند، باید ولایت علی بن ابی طالب و جانشینان او را بپذیرد؛ چرا که آنان هیچ گاه شما را به گم راهی نمی کشانند و از راه راست، بیرون نمی برند. شما به ایشان یاد ندهید؛ چرا که آنها از شما داناترند. ۲۵۱. تاریخ دمشق عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که می خواهد چون زندگی من زندگی کند و مانند مردن من بمیرد و در بهشت جاویدانی که پروردگرم به من وعده داده است، سکنا گزیند، ولایت علی بن ابی طالب را بپذیرد؛ چرا که او هرگز شما را از راه به در نمی برد و هیچ گاه شما را در گم راهی نمی افکند..

٢٥٢. تاريخ الطبري عن أبي إسحاق عن البراء بن عازب: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَوْتِي ، وَيَسْكُنَ جَنَّةَ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي ، فَإِنَّ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ غَرَسَ قَصَبًا بِهَا يَبْدِيهِ ، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ؛ فَإِنَّهُ لَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ هَدْيِي وَلَنْ يُدْخِلَكُمْ فِي ضَلَالِهِ . (١) ٢٥٣. الطبقات الكبرى: عنه صلى الله عليه وآله: مَا نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى وَلِيٍّ لَهُ يُجَاهِدُ نَفْسَهُ بِالطَّاعَةِ لِإِمَامِهِ وَالنَّصِيحَةِ إِلَيْهِ إِلَّا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى . (٢) ٢٥٤. الإمام علي عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعَدَ مَوْتِي ، أَوْ زَارَكَ فِي حَيَاتِكَ أَوْ بَعَدَ مَوْتِكَ ، أَوْ زَارَ ابْنَيْكَ فِي حَيَاتِهِمَا أَوْ بَعَدَ مَوْتِهِمَا ، ضَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا وَشَدَائِدِهَا حَتَّى أَصِيرَهُ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي . (٣) ٢٥٥. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَنْظُرُونَ إِلَى مَنْزِلِ شَيْعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ فِي السَّمَاءِ . (٤) ٢٥٦. السير النبوية عن أبي عمرو المدني: عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا ، وَاخْتَارَ لَنَا شَيْعَةً يَنْصُرُونَنَا ، وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا ، وَيَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا ، وَيَبْذُلُونَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ فِيْنَا ، فَأَوْلَيْكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا ، وَهُمْ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ . (٥) .

١- المعجم الكبير: ج ٥ ص ١٩٤ ح ٥٠٦٧ عن زيد بن أرقم ، كثر العمال: ج ١١ ص ٦١١ ح ٣٢٩٦٠ نقلاً عن مطير والبارودي وابن شاهين وابن منده وفيه «فليتول علياً وذريته...» ؛ بشاره المصطفى: ص ١٨٨ ، المناقب للكوفي: ج ١ ص ٤٢٦ ح ٣٣٢ كلاهما عن زيد بن أرقم ، بصائر الدرجات: ص ٥١ ح ١١ عن الأصمغ بن نباته عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله و آله و ح ١٣ عن زياد بن مطرف ، المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ٢٩١ عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله و آله و كلها نحوه ، بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ١٣٧ ح ٨٠ .

٢- الكافي: ج ١ ص ٤٠٤ ح ٣ عن يزيد بن معاوية عن الإمام الباقر عليه السلام ، تهذيب الأحكام: ج ٤ ص ٩٧ ح ٢٧٤ عن يزيد بن معاوية عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الغارات: ج ١ ص ١٣٠ عن عبد الرحمن بن سليمان عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله و آله نحوه ، بحار الأنوار: ج ٢٧ ص ٧٢ ح ٧ .

٣- الكافي: ج ٤ ص ٥٧٩ ح ٢ ، كامل الزيارات: ص ٤٠ ح ٣ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٥٧٨ ح ٣١٦٤ ، بحار الأنوار: ج ١٠٠ ص ١٢٣ ح ٣٠ وراجع: عوالي اللآلي: ج ٤ ص ٨٣ ح ٩٢ .

٤- الخصال: ص ٦٢٩ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول: ص ١١٩ ، جامع الأخبار: ص ٤٩٥ ح ١٣٧٧ وليس فيه «في السماء» ، غرر الحكم: ح ٣٥١٤ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٤٨ ح ٧٨ .

٥- غرر الحكم: ح ٣٥٥٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٢ ح ٣٣٤٠ .

۲۵۷.الإرشاد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دوست دارد چون من زندگی کند و چون من بمیرد و در بهشت جاویدانی که پروردگارم به من وعده داده و نهال های آن را با دست خودش نشانده است ، سکنا گزیند ، پیرو ولایت علی بن ابی طالب باشد ؛ چرا که او هرگز شما را از راه من ، بیرون نمی برد و هرگز شما را به گم راهی نمی کشاند .۲۵۸.رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل ، هر یک از دوستان خود را ببیند که در اطاعت از امامش و یک دلی با او می کوشد ، قطعاً آن شخص در جایگاه برین [بهشتی] با ما خواهد بود.۲۵۹.الإمام الباقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام: ای علی! هر که مرا در زندگی ام یا پس از مرگم زیارت کند ، یا تو را در زندگی ات یا پس از مرگت زیارت کند ، یا دو پسرت را در زمان حیاتشان یا پس از مرگشان زیارت کند ، برایش ضمانت می کنم که در روز قیامت ، او را از هراس ها و سختی های آن ، نجات دهم و با خودم هم درجه اش گردانم.۲۶۰.رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: اهل بهشت ، به جایگاه های شیعیان ما ، آن گونه می نگرند که انسان به ستارگان آسمان می نگرد .۲۶۱.الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: خداوند متعال به زمین نگریست و ما را برگزید ، و برای ما شیعیانی برگزید که ما را یاری می رسانند و با شادی ما ، شاد می شوند و با اندوه ما ، اندوهناک می گردند و جان و مالشان را برای ما نثار می کنند . آنان از ما هستند و به ما مراجعه می کنند و در بهشت با مایند . .

ب كَافِلِ الْيَتِيمِ ٢٦٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: صحيح البخارى عن سهل بن سعد: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا وَكَافِلِ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا. وَأَشَارَ بِالسَّبَابِهِ وَالْوَسْطَى، وَفَرَّجَ بَيْنَهُمَا شَيْئًا. (١) ج مَن لَّهُ هَذِهِ الْخِصَالُ ٢٦٥. الإرشاد: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَن قَلَّ مَالُهُ، وَكَثُرَ عِيَالُهُ، وَحَسِبَتْ صِدَائِقَتُهُ، وَلَمْ يَغْتَبِ الْمُسْلِمِينَ؛ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ مَعَ كَهَاتَيْنِ. (٢) ٢٦٦. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: الْكِبَائِرُ تِسْعٌ: أَعْظَمُهُنَّ إِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَقَتْلُ نَفْسٍ مُّؤْمِنٍ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَةِ، وَالْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَالسَّحْرُ، وَاسْتِحْلَالُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ. مَن لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ بَرِيءٌ مِنْهُنَّ كَانَ مَعِيَ فِي جَنَّةٍ مَّصَارِيْعُهَا مِنْ ذَهَبٍ. (٣) ٢٦٧. عنه صلى الله عليه وآله: الْمُسْتَدْرِكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ عَمِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ: إِنَّ رَجُلًا سَأَلَهُ [أَيُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْكِبَائِرُ؟ فَقَالَ: هِيَ تِسْعٌ: الشُّرْكُ بِاللَّهِ، وَقَتْلُ نَفْسٍ مُّؤْمِنٍ بِغَيْرِ حَقٍّ، وَفِرَارُ يَوْمِ الرَّحْفِ، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَةِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ الْمُسْلِمِينَ، وَاسْتِحْلَالُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ قَبْلَتِكُمْ أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا.

ثُمَّ قَالَ: لَا- يَمُوتُ رَجُلٌ لَمْ يَعْمَلْ هَذِهِ الْكِبَائِرَ، وَيُقِيمُ الصَّلَاةَ وَيُؤْتِيَ الزَّكَاةَ إِلَّا كَانَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دَارِ أَسْوَأِهَا مَّصَارِيْعٍ مِنْ ذَهَبٍ. (٤).

-
- ١- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٠٣٢ ح ٤٩٩٨، سنن ابى داوود: ج ٤ ص ٣٣٨ ح ٥١٥٠، سنن الترمذى: ج ٤ ص ٣٢١ ح ١٩١٨ كلاهما نحوه، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٣٠ ح ٢٢٨٨٣، صحيح ابن حبان: ج ٢ ص ٢٠٧ ح ٤٦٠ وليس فيه ذيله، كنز العمال: ج ٣ ص ١٧٥ ح ٦٠٢٥.
 - ٢- مسند أبى يعلى: ج ١ ص ٤٦٣ ح ٩٨٦، المطالب العالى: ج ٣ ص ١٦٧ ح ٣١٥٥، تاريخ بغداد: ج ١١ ص ٢٥٩ الرقم ٦٠١٧ كلها عن أبى سعيد الخدرى، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٠٠ ح ٧١٤٢.
 - ٣- السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٣١٤ ح ٢٠٧٥٢ عن عمير؛ كنز الفوائد: ج ٢ ص ١١، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٧٠ ح ٧.
 - ٤- المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٨٨ ح ٧٦٦٦، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٥٧٣ ح ٦٧٢٣، المعجم الكبير: ج ١٧ ص ٤٧ ح ١٠١ نحوه.

ب سرپرست یتیم

ج دارنده این ویژگی ها

ب سرپرست یتیم ۲۶۹. عنه صلی الله علیه و آله: صحیح البخاری به نقل از سهل بن سعد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من و سرپرست یتیم، در بهشت، این گونه هستیم» و انگشت نشانه و میانه اش را نشان داد و آن دو را اندکی از هم باز نگه داشت. ج دارنده این ویژگی ها ۲۷۱. عنه صلی الله علیه و آله (فی حَجَّهِ الْوَدَاعِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دارایی اش اندک و نانخورش بسیار و نمازش نیکو باشد و از مسلمانان، غیبت نکند، روز قیامت با من، همانند این دو [انگشت در کنار هم] است. ۲۷۲. تاریخ دمشق عن عمرو ذو مَرَّ وسعید بن وهب وعن زید بن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گناهان بزرگ، نه تاینند: بزرگ ترین آنها شرک آوردن به خداست، و کشتن انسان مؤمن، و رباخواری، و خوردن مال یتیم، و تهمت زدن به زنان پاک دامن، و گریختن از میدان جنگ، و نافرمانی از پدر و مادر، و جادوگری، و شکستن حرمت خانه خدا. هر کس خداوند را پاک از این گناهان، دیدار کند، با من در بهشتی خواهد بود که لنگه های در آن، از طلاست. ۲۷۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: المستدرک علی الصحیحین به نقل از عُبَید بن عُمَیر، از پدرش: مردی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید و گفت: ای پیامبر خدا! گناهان بزرگ کدام اند؟

فرمود: «تعداد آنها نه تاست: شرک به خدا، به ناحق کشتن انسان مؤمن، گریختن از میدان جنگ، خوردن مال یتیم، رباخواری، تهمت زدن به زن پاک دامن، نافرمانی از پدر و مادر مسلمان، شکستن حرمت بیت الحرام که قبله زنده و مرده شماست».

سپس فرمود: «هر کس در حالی از دنیا برود که این گناهان بزرگ را مرتکب نشده باشد و نماز را به جا آورده و زکات را پرداخته باشد، قطعاً با پیامبر، در سرایی خواهد بود که درهای آن، لنگه هایش از طلاست».

٢٧٤. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ أُمَّتِي فَحَسَنْتَ سَرِيرَتَهُ لَهُمْ، رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى الْهَيْبَةَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَمَنْ بَسِطَ كَفَّهُ لَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ رَزَقَ الْمَحَبَّةَ مِنْهُمْ ، وَمَنْ كَفَّ يَدَهُ عَنِ أَمْوَالِهِمْ وَقَى اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ مَالَهُ ، وَمَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا ، وَمَنْ كَثُرَ عَفْوُهُ مُدَّ فِي عُمُرِهِ ، وَمَنْ عَمَّ عَدْلُهُ نُصِرَ عَلَى عَدُوِّهِ ، وَمَنْ خَرَجَ مِنْ ذُلِّ الْمَعْصِيَةِ إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ ، آتَسَهُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِغَيْرِ أُنَيْسٍ ، وَأَعَانَهُ بِغَيْرِ مَالٍ . (١) ٢٧٥. رسول الله صلى الله عليه وآله (في عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَا أَسْتَطِيعُ فِرَاقَكَ وَإِنِّي لَأَدْخُلُ مَنْزِلِي فَأَذْكُرُكَ فَأَتْرُكُ ضَيْعَتِي ، وَأَقْبِلُ حَتَّى أَنْظُرَ إِلَيْكَ حُبًّا لَكَ ، فَذَكَرْتُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَدْخِلْتَ الْجَنَّةَ فَرَفَعْتَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ ، فَكَيْفَ لِي بِكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ!؟

فَنَزَلَتْ : « وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا » (٢) ، فَدَعَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الرَّجُلَ ، فَقَرَأَهَا عَلَيْهِ وَبَشَّرَهُ بِذَلِكَ . (٣) .

١- . كنز الفوائد : ج ١ ص ١٣٥ ، أعلام الدين : ص ٣١٥ عن الإمام العسكري عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٣٥٩ ح ٧٤ .

٢- . النساء : ٦٩ .

٣- . الأمالي للطوسي : ص ٦٢١ ح ١٢٨٠ عن عبد الله بن حسن عن أبيه وخاله علي بن الحسين عن الإمام الحسن والإمام الحسين عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٨٨ ح ١٥٩ وراجع : المعجم الأوسط : ج ١ ص ١٥٣ ح ٤٧٧ .

۲۷۶. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس عهده دار امری از امور امت من شود و باطنش نسبت به آنان نیکو باشد، خداوند متعال، هیبت او را در دل هایشان قرار می دهد، و هر کس دست نیکی به سوی آنان بگشاید، محبت آنان [به او]، روزی اش می شود، و هر کس از تعدی به اموال آنان، دست نگه دارد، خداوند عز و جل اموال او را نگه می دارد، و هر کس دادِ ستم دیده را از ستمگر بستاند، در بهشت، هم نشین من خواهد بود، و کسی که گذشتش زیاد باشد، عمرش دراز می شود، و هر کس دادگری اش فراگیر باشد، بر دشمنش یاری داده شود، و هر کس از خواری گناه به عزت طاعت در آید، خداوند عز و جل او را بی هیچ انیسی، انس می دهد و بی هیچ مالی کمک می کند. ۲۷۷. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: مردی از انصار، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من تاب جدایی از شما را ندارم، چنان که وقتی به منزل می روم، به یاد شما می افتم و خانه ام را رها می کنم و می آیم تا شما را ببینم؛ چون دوستان دارم. با خود گفتم: آن گاه که روز قیامت شود و مرا به بهشت برند و شما را به اعلیٰ علین بالا برند، چگونه با شما باشم، ای پیامبر خدا!

پس، این آیه نازل شد: «و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، با کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته؛ یعنی پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان، و آنان، چه نیکو همدمانی اند!».

پیامبر صلی الله علیه و آله آن مرد را فرا خواند و این آیه را برایش خواند و بدان نویدش داد.

٢٧٨. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: «إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَكُونُوا مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، لَا يَلْعَنُ بَعْضُ بَعْضًا ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا! فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ : «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْمِهِمْ» (١)

(٢) ٢٧٩. المعجم الكبير عن ابن عباس: الأمامي للطوسي عن إبراهيم المخارقي: وَصَفْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دِينِي ، فَقُلْتُ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسُولُ اللَّهِ ، وَأَنَّ عَلِيًّا إِمَامٌ عَدَلٌ بَعْدَهُ ، ثُمَّ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ، ثُمَّ أَنْتَ .

فَقَالَ : رَحِمَكَ اللَّهُ . ثُمَّ قَالَ : اتَّقُوا اللَّهَ ، اتَّقُوا اللَّهَ ، اتَّقُوا اللَّهَ! عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ ، وَعَفْفِ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ ، تَكُونُوا مَعَنَا بِالرِّفْقِ الْأَعْلَى . (٣) ٢٨٠. رسول الله صلى الله عليه وآله (في عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ) الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا ، وَبَكَى لِمَا ارْتَكَبَ مِنَّا ، كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٤) ٢٨١. تاريخ دمشق عن أبي ذر: عنه عليه السلام للريان بن شبيب: يَا بَنَ شَيْبٍ! إِنْ سَرَّكَ أَنْ تُكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ ، فَاحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَافْرَحْ لِفَرَحِنَا ، وَعَلَيْكَ بِوَلَايَتِنَا ؛ فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لِحَشْرِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٥)

١- الإسراء : ٧١.

٢- تفسير العياشي : ج ٢ ص ٣٠٥ ح ١٢٦ عن محمد بن حمران ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٤ ح ١٨ .

٣- الأمامي للطوسي : ص ٢٢٢ ح ٣٨٤ ، بشاره المصطفى : ص ١٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣ ح ٣ .

٤- الأمامي للصدوق : ص ١٣١ ح ١١٩ عن علي بن فضال عن أبيه ، بحار الأنوار : ج ٤٤ ص ٢٧٨ ح ١ .

٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ٣٠٠ ح ٥٨ ، الأمامي للصدوق : ص ١٩٣ ح ٢٠٢ وفيه «تولّى» بدل «أحب» وكلاهما

عن الريان بن شبيب ، بحار الأنوار : ج ٤٤ ص ٢٨٦ ح ٢٣ .

۲۲. وبهذا الإسناد ، عن عبدالعظیم ابن عبداللہ الحسنیامام صادق علیه السلام : اگر می خواهید که در روز رستاخیز با ما باشید ، یکدیگر را لعنت نکنید و از خدا بترسید و [او را] اطاعت کنید ؛ چرا که خداوند می فرماید : « روزی که هر مردمی را با پیشوایشان فرا می خوانیم » . ۲۳. أحمد ، عن عبدالعظیم ، عن محمّد بن الفضیل ، عن أبيالأمالي ، طوسی به نقل از ابراهیم مخارقی : دینم را برای امام صادق علیه السلام بیان داشتم و چنین گفتم : گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست و یگانه و بی انباز است ، و گواهی می دهم که محمّد صلی الله علیه و آله ، فرستاده خداست و علی ، پیشوای عادل پس از اوست و سپس حسن و حسین ، و سپس علی بن الحسین و سپس محمّد بن علی و سپس شما [پیشوای حقید] .

فرمود : « رحمت خدا بر تو باد ! » و سپس فرمود : « از خدا بترسید ، از خدا بترسید ، از خدا بترسید ! پارسایی و راستگویی و امانتداری و پاکی شکم و دامن را پیشه کنید ، تا در جایگاه برین ، با ما باشید » . ۲۴. أحمد ، عن عبدالعظیم ، عن هشام بن الحکم ، عن أبي عامر رضا علیه السلام : هر کس یاد مصیبت ما کند و برای آنچه بر سر ما آمده است ، بگرید ، روز قیامت با ما هم درجه خواهد بود . ۲۲. امام باقر علیه السلام فرمود : امام رضا علیه السلام به ریّان بن شیب : ای پسر شیب ! اگر این ، تو را خوش حال می کند که در درجات بالای بهشت با ما باشی ، پس با اندوه ما ، اندوهگین شو و با شادی ما شاد شو و دست از ولایت ما بردار ؛ زیرا اگر مردی [حتی] سنگی را دوست داشته باشد ، خداوند در روز قیامت ، او را با آن سنگ ، محشور می نماید . .

١٦ / ١٠ من له دَرَجَةٌ خَاصَّةٌ فِي الْجَنَّةِ الْمُجَاهِدُ ٢٥. عبدالعظيم حسنى كفت: رسول الله صلى الله عليه و آله: الْجَنَّةُ مِثَّةُ دَرَجَةٍ ، أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ . (١) ٢٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ : عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِثَّةَ دَرَجَةٍ ، أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ . فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَاسْأَلُوهُ الْفِرْدَوْسَ ، فَإِنَّهُ أَوْسَطُ الْجَنَّةِ ، وَأَعْلَى الْجَنَّةِ أَرَاهُ فَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ ، وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ . (٢) ٢٧. عن عبدالعظيم الحسنى رضى الله عنه قال: المنتخب من مسند عبد بن حميد عن أبي سعيد الخدرى: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مِثَّةُ دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ ، مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَوْ أَعْيَدَ . قُلْتُ : يَا أَبَى أَنْتَ وَآمَى لِمَنْ؟ قَالَ : لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ . (٣) ٢٦. عبدالعظيم حسنى گوید: صحيح مسلم عن أبي عبد الرحمن الحبلى عن أبي سعيد الخدرى: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : يَا أَبَا سَعِيدٍ! مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِ مُحَمَّدٍ نَبِيًّا، وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ .

فَعَجِبَ لَهَا أَبُو سَعِيدٍ ، فَقَالَ : أَعِدَّهَا عَلَيَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ!

فَفَعَلَ ، ثُمَّ قَالَ : وَأُخْرَى يُرْفَعُ بِهَا الْعَبْدُ مِثَّةَ دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ ، مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ .

قَالَ : وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ : الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٤) .

١- .التاريخ الكبير : ج ١ ص ٢٠٣ ح ٦٣٢ ، تاريخ دمشق : ج ٥٥ ص ٦٦ ح ١١٦١١ كلاهما عن أبي الدرداء ، كنز العمال : ج ٤ ص ٣١٠ ح ١٠٦٤٥ .

٢- .صحيح البخارى : ج ٣ ص ١٠٢٨ ح ٢٦٣٧ و ج ٦ ص ٢٧٠٠ ح ٦٩٨٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٣٣ ح ٨٤٢٧ ، السنن الكبرى : ج ٩ ص ٢٧ ح ١٧٧٦٦ ، الزهد لابن المبارك : ص ٥٣٧ ح ١٥٣٦ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢٨٨ ح ١٠٥٣٥ .

٣- .المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٢٨٨ ح ٩٢٢ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٤٢ ح ٨٤٨٢ عن أبي هريره نحوه ، كنز العمال : ج ١ ص ٣٠٥ ح ١٤٤٩ نقلًا عن مسند أبي الدرداء .

٤- .صحيح مسلم : ج ٣ ص ١٥٠١ ح ١١٦ ، سنن النسائى : ج ٦ ص ١٩ ، السنن الكبرى : ج ٩ ص ٢٦٦ ح ١٨٤٩٣ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ١٠٢ ح ٢٤٦١ نحوه .

۱۶ / ۱۰ کسانی که در بهشت ، درجه ویژه دارند

الف مجاهد

۱۶ / ۱۰ کسانی که در بهشت ، درجه ویژه دارند الف مجاهد ۲۹. حدّثنا المظفّر بن جعفر بن المظفّر العلوی قال : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهشت ، صد درجه دارد که خداوند ، آنها را برای مجاهدان ، آماده کرده است . ۲۹. معاویه بن عمّار روایت کرده که حضرت صادق علیه السلیپامبر خدا صلی الله علیه و آله : در بهشت ، صد درجه است که خداوند ، آنها را برای مجاهدان در راه خدا ، آماده ساخته است ، و فاصله هر درجه با دیگری ، به اندازه آسمان تا زمین است . پس هر گاه از خدا درخواست کردید ، فردوس را از او بخواهید ؛ چرا که آن ، میان بهشت و بالا-ترین نقطه بهشت است . [تنها] عرش خدای مهربان را بالاتر از آن می بینم و نهرهای بهشت از آن جا سرچشمه می گیرند . ۳۰. وعنه قال : المنتخب من مسند عبد بن حمید به نقل از ابو سعید خُدَری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «صد درجه در بهشت هست که فاصله میان هر دو درجه ای ، به اندازه فاصله میان آسمان و زمین یا بیشتر است» .

گفتم : پدر و مادرم به فدایت ! اینها برای چه کسانی اند؟

فرمود : «برای مجاهدان در راه خدا» . ۳۱. حدّثنا محمّد بن أحمد الشیبانی رضی الله عنه قال : صحیح مسلم به نقل از ابو عبد الرحمن حُبَلّی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای ابو سعید! هر که خدا را پروردگار خود و اسلام را دین خود و محمّد را پیامبر خود بگیرد ، بهشت بر او واجب می گردد» .

ابو سعید [از این سخن] به شگفت آمد و گفت : آن را برایم تکرار کنید ، ای پیامبر خدا!

پیامبر صلی الله علیه و آله آن را تکرار کرد و سپس فرمود : «و یک چیز دیگر ، که به سبب آن ، بنده صد درجه در بهشت ، بالا برده می شود ، که فاصله میان هر دو درجه ، به اندازه آسمان تا زمین است» .

ابو سعید گفت : آن چیست ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «جهاد در راه خدا ! جهاد در راه خدا!»

٣٢. أخبرنا محمد بن محمد قال: التاريخ الكبير عن عبد الرحمن بن غنم الأشعري عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ، وَمَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا، فَإِنَّ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلِيغْفِرُ لَهُ إِنْ هَاجَرَ أَوْ مَاتَ فِي مَوْلِدِهِ .

قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَا تُبَشِّرُ بِهَا أَصْحَابَكَ؟

قَالَ: دَعُوا النَّاسَ فَلْيَعْمَلُوا! فَإِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِثَّةَ دَرَجَةٍ، مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ . (١) ب الشَّهِيدُ ٣١. عبد العظيم حسنى كفت: رسول الله صلى الله عليه وآله: الشَّهَادَةُ عَلَى بَارِقِ نَهْرٍ بِيَابِ الْجَنَّةِ فِي قُبَّةِ خَضْرَاءَ، يَخْرُجُ عَلَيْهِمْ رِزْقُهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ بُكْرَةً وَعَشِيًّا. (٢) ج الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ ٣٣. محمد بن علي بن الحسين قال: كتاب الإخوان عن أبي هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ عَمُودًا مِنْ ذَهَبٍ، عَلَيْهِ مِدَائِنٌ مِنْ زَبْرَجَدٍ، تُضَيُّ لَأَهْلِ الْجَنَّةِ كَمَا يُضِيءُ الْكَوَكَبُ الدَّرِّيُّ فِي جَوْ السَّمَاءِ .

قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَنْ هَذَا؟

قَالَ: لِلْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ . (٣) .

-
- ١- التاريخ الكبير: ج ٧ ص ١٢ ح ٥٣، السنن الكبرى للنسائي: ج ٣ ص ١٥ ح ٤٣٤٠، مسند الشاميين: ج ٢ ص ٢٠٩ ح ١٢٠٠، تاريخ دمشق: ج ٥٢ ص ١٣٥ كلها عن أبي الدرداء نحوه .
 - ٢- مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٧١ ح ٢٣٩٠، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٨٤ ح ٢٤٠٣، صحيح ابن حبان: ج ١٠ ص ٥١٥ ح ٤٦٥٨، المعجم الكبير: ج ١٠ ص ٣٣٣ ح ١٠٨٢٥، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٤ ص ٥٦٣ ح ١٩ كلها عن ابن عباس، كتر العمال: ج ٤ ص ٣٩٧ ح ١١٠٩٩ .
 - ٣- الإخوان لابن أبي الدنيا: ص ٩٧ ح ١١، كتر العمال: ج ٩ ص ١٦ ح ٢٤٧٠٨ نقلًا عن أبي الشيخ وكلاهما عن أبي هريره؛ الاختصاص: ص ٣٦٥ .

ب شهید**ج دوستی ورزان در راه خدا**

۳۳. عبدالله بن محمّد بن جعفر از پدرش و او از جدش روالالتاریخ الکبیر به نقل از عبد الرحمان بن غنم اشعری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس نماز بگذارد و زکات پردازد و بدون شرک ورزی به خدا، از دنیا برود، بر خدای عز و جل است که او را بیامرزد، خواه هجرت کرده باشد یا در زادگاهش بمیرد».

گفتند: ای پیامبر خدا! آیا این خبر خوش را به یارانتان بدهیم؟

فرمود: «بگذارید مردم، عمل کنند؛ چرا که در بهشت، صد درجه است و میان هر دو درجه، به اندازه آسمان تا زمین، فاصله است. خداوند، اینها را برای مجاهدان در راهش، آماده کرده است.» ب شهید ۳۵. محمّد بن الحسن الطوسی قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شهیدان، در کرانه نهری بر در بهشت، در برج و بارویی سبزرنگ به سر می برند و روزی آنان، هر بام و شام، از بهشت برایشان بیرون می آید. ج دوستی ورزان در راه خدا ۳۵. عبدالعظیم حسنی روایت می کند که امام جواد علیه السکتاب الإخوان به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت، ستونی از طلاست و بر روی آن، شهرهایی از زبرجد بنا شده است که برای اهل بهشت، چنان می درخشند که ستاره تابناک در وسط آسمان می درخشد».

گفتیم: ای پیامبر خدا! اینها برای چه کسی است؟

فرمود: «برای آنان که برای خدا، یکدیگر را دوست می دارند».

٣٦. أخبرنا جماعه ، عن أبي المفضل قال : رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ فِي الْجَنَّةِ عُرْفًا يُرَى ظَوَاهِرُهَا مِنْ بَوَاطِنِهَا ، وَبَوَاطِنُهَا مِنْ ظَوَاهِرِهَا ، أَعْيَدَهَا اللَّهُ لِلْمُتَحَابِّينَ فِيهِ ، وَالْمُتَزَاوِرِينَ فِيهِ ، وَالْمُتَبَادِلِينَ فِيهِ . (١) ٣٦. حضرت رسول صلى الله عليه وآله فرمود : شعب الإيمان عن أبي هريره : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَعُمْدًا مِنْ يَاقُوتٍ ، عَلَيْهَا عُرْفٌ مِنْ زَبْرَجِدٍ ، لَهَا أَبْوَابٌ مُفْتَتِحَةٌ ، تُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْكَوْكَبُ الدُّرِّيُّ .

قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَنْ يَسْكُنُهَا؟

قَالَ : الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ ، وَالْمُتَجَالِسُونَ فِي اللَّهِ ، وَالْمُتَلَاقُونَ فِي اللَّهِ . (٢) د أصحابُ البِلَايَا وَالْهُمُومِ وَالْأَسْقَامِ ٢٨٢. رسول الله صلى الله عليه وآله (في عِلِّيِّ عَلَيْهِ السَّلَام) الدَّرُّ المُنْتَوِرُ عَنْ أَنَسٍ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَعُرْفًا ، لَيْسَ فِيهَا مَغَالِيقٌ مِنْ فَوْقِهَا ، وَلَا عِمَادٌ مِنْ تَحْتِهَا . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَكَيْفَ يَدْخُلُهَا أَهْلُهَا؟ قَالَ : يَدْخُلُونَهَا أَشْبَاهُ الطَّيْرِ . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لِمَنْ هِيَ؟ قَالَ : لِأَهْلِ الْأَسْقَامِ وَالْأَوْجَاعِ وَالْبَلْوَى . (٣) ٢٨٣. الإمام علي عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا يَنَالُهَا إِلَّا أَرْبَابُ الْهُمُومِ . (٤) .

- ١- المعجم الأوسط : ج ٣ ص ١٩٣ ح ٢٩٠٣ ، حليه الأولياء : ج ٦ ص ٢٠٥ كلاهما عن عبد الله بن بريده عن أبيه .
- ٢- شعب الإيمان : ج ٦ ص ٤٨٧ ح ٩٠٠٢ ، مشكاة المصابيح : ج ٢ ص ٦١٩ ح ٥٠٢٦ ، المطالب العالیه : ج ٣ ص ١١ ح ٢٧٣٦ وفيه «المتبادلون» بدل «المتلاقون» ، كنز العمال : ج ٩ ص ٥ ح ٢٤٦٥١ نقلًا عن الإخوان لابن أبي الدنيا ؛ مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٢٢٢ ح ١٣٩٣٦ نقلًا عن الأربعين للسيد محيي الدين ابن أخي ابن زهره وليس فيه «والمتجالسون في الله» .
- ٣- الدر المنثور : ج ٦ ص ٢٨٦ نقلًا عن زاهر بن طاهر الشحامي .
- ٤- الفردوس : ج ١ ص ٢١٩ ح ٨٤٠ عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٦ ص ٤٨٢ ح ١٦٦٣٩ .

د غم دیدگان و گرفتاران و بیماران

۲۸۴. سنن ابن ماجه عن عبد الرحمن بن أبي لیلی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، غرفه هایی است که بیرون آنها از درونشان و درونشان از بیرونشان دیده می شود. خداوند، این غرفه ها را برای کسانی که برای او با یکدیگر دوستی می ورزند و کسانی که با یکدیگر دید و بازدید می کنند و کسانی که به یکدیگر بخشش می نمایند، آماده کرده است. ۲۸۵. مسند البزار عن أبي لیلی: شعب الإيمان به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت، ستون هایی از یاقوت است که غرفه هایی از زبرجد بر روی آنها بنا شده است. این غرفه ها درهایی گشوده دارند که همچون ستاره درخشان می تابند».

یاران گفتند: ای پیامبر خدا! چه کسانی در این غرفه ها سکونت می کنند؟

فرمود: «کسانی که برای خدا با هم دوستی می کنند و کسانی که برای خدا همنشینی می کنند و کسانی که برای خدا دید و بازدید می کنند». د غم دیدگان و گرفتاران و بیماران ۴۰. مجالس الصدوق: الدر المنثور به نقل از آنس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت، غرفه هایی است که نه در بالای آنها چفت و بست، قرار داده شده و نه در زیرشان، ستونی است».

گفته شد: ای پیامبر خدا! چگونه صاحبانشان به آنها داخل می شوند؟

فرمود: «مانند پرندگان، داخل می شوند».

گفته شد: ای پیامبر خدا! این غرفه ها برای چه کسانی است؟

فرمود: «برای بیماران و دردمندان و گرفتاران». ۴۱. مجالس الصدوق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، درجه ای است که جز گرفتاران، کسی به آن دست نمی یابد.

٤٢. لى: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَارَفَ الذُّنُوبَ وَابْتَلَىٰ بِهَا ، ابْتَلَىٰ بِالفَقْرِ ، فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِهِ وَإِلَّا ابْتَلَىٰ بِالمَرَضِ ، فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِهِ وَإِلَّا ابْتَلَىٰ بِالخَوْفِ مِنَ السُّلْطَانِ يَطْلُبُهُ ، فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِهِ وَإِلَّا ضَيَّقَ عَلَيْهِ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِهِ ، حَتَّىٰ يَلْقَاهُ وَمَا لَهُ مِنْ ذَنْبٍ يَدَّعِيهِ عَلَيْهِ ، فَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ . (١) ٤٣. لى: عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : مَا مِنْ عَبْدٍ (لِلَّهِ) (٢) أُرِيدَ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ إِلَّا ابْتَلَيْتُهُ فِي جَسَدِهِ ، فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِهِ وَإِلَّا سَلَّطْتُ عَلَيْهِ سُلْطَانًا ، فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِهِ وَإِلَّا ضَيَّقْتُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ ، فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِهِ وَإِلَّا شَدَّدْتُ عَلَيْهِ عِنْدَ المَوْتِ ، حَتَّىٰ يَأْتِيَنِي وَلَا ذَنْبَ لَهُ ، ثُمَّ أُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ . (٣) ٤٤. لى: الإمام الباقر عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى خَدِيجَةَ حِينَ مَاتَ القَاسِمُ ابْنُهَا وَهِيَ تَبْكِي ، فَقَالَ لَهَا : مَا يُبْكِيكِ ؟ فَقَالَتْ : دَرَّتْ دُرَيْرَةُ فَبَكَيْتُ ، فَقَالَ : يَا خَدِيجَةُ ، أَمَا تَرْضَيْنَ إِذَا كَانَ يَوْمَ القِيَامَةِ أَنْ تَجِيئِي إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ وَهُوَ قَائِمٌ ، فَيَأْخُذُ بِيَدِكَ فَيُدْخِلُكَ الْجَنَّةَ وَيُنْزِلُكَ أَفْضَلَهَا ، وَذَلِكَ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحْكَمُ وَأَكْرَمُ أَنْ يَسْلُبَ الْمُؤْمِنَ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ ، ثُمَّ يُعَذِّبَهُ بَعْدَهَا أَبَدًا . (٤) .

١- مشكاة الأنوار: ص ١٧٥ ح ٤٥٢ ، جامع الأخبار: ص ٣١٤ ح ٨٧٣ كلاهما عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٣٧ ح ٥٤ .

٢- هكذا في المصدر، ولعلها تصحيف «لى»، أو كونها زائده؛ إذ لا توجد في المصادر الأخرى .

٣- التمهيص: ص ٣٨ ح ٣٦ عن منصور بن معاوية عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافي: ج ٢ ص ٤٤٦ ح ١٠ عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه من «وإلا سلطت على» إلى «كفاره لذنوبه» في الموضع الثالث ، مشكاة الأنوار: ص ٥٠٤ ح ١٦٨٩ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، جامع الأخبار: ص ٣١١ ح ٨٦٢ وليس فيهما من «وإلا سلطت عليه» إلى «كفاره لذنوبه» في الموضع الثاني ، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٧٢ ح ٤٩ .

٤- الكافي: ج ٣ ص ٢١٨ ح ٢ ، مشكاة الأنوار: ص ٥٩ ح ٧٣ نحوه وكلاهما عن جابر ، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ١٥ ح ١٤ .

۴۰. امام هادی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن ، هر گاه به گناهان دست یازد و بدانها دچار شود ، به فقر دچار می گردد و اگر این ، کفاره گناهانش نشد ، به بیماری دچار می گردد و اگر این هم کفاره گناهانش نشد ، به ترس و تعقیب از جانب حکومت دچار می گردد و اگر این نیز کفاره گناهانش نشد ، هنگام جان دادن ، بر او سخت گرفته خواهد شد تا در حالی خدای را دیدار کند که گناهی نداشته باشد تا به خاطر آن ، بازخواست شود . آن گاه [خدا] دستور می دهد که او را به بهشت برند. ۴۱. امام هادی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای متعال فرمود : «هیچ بنده خدایی نیست که بخواهم او را به بهشت ببرم ، مگر آن که او را دچار رنج و گرفتاری جسمی می کنم . اگر این ، کفاره گناهانش شد که شد ، و گر نه حکمران را بر او مسلط می گردانم و اگر این ، کفاره گناهانش نشد ، در روزی اش بر او تنگ می گیرم و اگر این هم کفاره گناهانش نشد ، هنگام مُردن بر او سخت می گیرم تا آن که بدون گناه ، نزد من آید . سپس او را به بهشت می برم» . ۴۲. حضرت هادی علیه السلام فرمود: امام باقر علیه السلام : چون قاسم پسر خدیجه از دنیا رفت ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نزد خدیجه رفت و دید او گریه می کند . فرمود : «چرا گریه می کنی؟» .

خدیجه گفت : اشکم بی اختیار ، جاری شد و گریه ام گرفت .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «ای خدیجه ! آیا حاضر نیستی که چون روز قیامت شود ، به درِ بهشت بیایی و او آن جا ایستاده باشد و دستت را بگیرد و تو را به بهشت ببرد و تو را در بهترین مکان آن جای دهد ؟ این ، برای هر مؤمنی هست . خدای عز و جل ، حکیم تر و کریم تر از آن است که از مؤمن ، میوه دلش را بگیرد و سپس با این حال ، او را برای همیشه عذاب کند» ..

۱- .. در مأخذ ، «لله» آمده است ؛ اما شاید تصحیف شده «لی (برای من)» و یا زائد باشد ؛ چرا که در منابع دیگر ، وجود ندارد.

٤٣. حضرت هادى عليه السلام فرمود: عنه عليه السلام: خَرَجَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَرَّ بِرَجُلٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، فَذَهَبَ بِهِ حَتَّى خَرَجَ إِلَى الطُّورِ ، فَقَالَ لَهُ : اجْلِسْ حَتَّى أَجِيبَكَ ، وَخَطَّ عَلَيْهِ خَطَّهُ ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ ، فَقَالَ : اسْتَوْدَعْتُكَ صَاحِبِي وَأَنْتَ خَيْرٌ مُسْتَوْدَعٍ . ثُمَّ مَضَى ، فَنَاجَاهُ اللَّهُ بِمَا أَحَبَّ أَنْ يُنَاجِيَهُ ، ثُمَّ انصَرَفَ نَحْوَ صَاحِبِهِ ، فَإِذَا أَسَدٌ قَدْ وَثَبَ عَلَيْهِ فَشَقَّ بَطْنَهُ ، وَفَرَّتْ لَحْمُهُ ، وَشَرِبَ دَمَهُ

فَرَفَعَ مُوسَى رَأْسَهُ فَقَالَ : يَا رَبِّ ، اسْتَوْدَعْتُكَ وَأَنْتَ خَيْرٌ مُسْتَوْدَعٍ ، فَسَلَّمْتَ عَلَيْهِ شَرَّ كِلَابِكَ فَشَقَّ بَطْنَهُ ، وَفَرَّتْ لَحْمُهُ ، وَشَرِبَ دَمَهُ!!

فَقِيلَ : يَا مُوسَى ، إِنَّ صَاحِبَكَ كَانَتْ لَهُ مَنَزَلَةٌ فِي الْجَنَّةِ ، لَمْ يَكُنْ يَبْلُغُهَا إِلَّا بِمَا صَيَّرْتَهُ بِهِ . يَا مُوسَى أَنْظِرْ وَكَشَفَ لَهُ الْغِطَاءَ فَنَظَرَ مُوسَى ، فَإِذَا بِمَنْزِلٍ شَرِيفٍ ، فَقَالَ : رَبِّ رَضَيْتَ . (١) ٤٤. حضرت هادى عليه السلام فرمود: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنَزَلَةً ، لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِبْتِلَاءِ فِي جَسَدِهِ . (٢) ٤٥. لى: عنه عليه السلام: إِنَّ وَلَيْسَا لِيَرْتَكِبُ ذُنُوبًا يَسْتَحِقُّ (بِهَا) مِنَ اللَّهِ الْعِذَابَ ، فَيَبْتَلِيهِ اللَّهُ فِي يَدَيْهِ بِالسَّقَمِ حَتَّى يُمَحِّصَ عَنْهُ الذُّنُوبَ ، فَإِنْ عَافَاهُ فِي يَدَيْهِ ابْتِلَاءٌ فِي مَالِهِ ، فَإِنْ عَافَاهُ فِي مَالِهِ ابْتِلَاءٌ فِي وُلْدِهِ ، فَإِنْ عَافَاهُ فِي وُلْدِهِ ابْتِلَاءٌ فِي أَهْلِهِ ، فَإِنْ عَافَاهُ فِي أَهْلِهِ ابْتِلَاءٌ بِجَارٍ سَوْءٍ يُؤْذِيهِ ، فَإِنْ عَافَاهُ مِنْ بَوَائِقِ (٣) الدُّهُورِ شَدَّدَ عَلَيْهِ خُرُوجَ نَفْسِهِ ، حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ حِينَ يَلْقَاهُ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ قَدْ أُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةُ . (٤) ٤٦. لى: الخرائج والجرائح عن شعيب: دَخَلْتُ عَلَيْهِ [أَي عَلَى الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] فَقَالَ لِي : مَنْ كَانَ زَمِيلَكَ؟ قُلْتُ : الْخَيْرُ الْفَاضِلُ أَبُو مُوسَى النَّبَالُ . قَالَ : اسْتَوْصِ بِهِ خَيْرًا ، فَإِنَّ لَهُ عَلَيْكَ حُقُوقًا كَثِيرَةً : فَأَمَّا أَوْلَاهُمْ فَمَا أَنْتَ عَلَيْهِ مِنْ دِينِ اللَّهِ ، وَحَقُّ الصُّحْبَةِ . قُلْتُ : لَوْ اسْتَطَعْتُ مَا مَشَى عَلَى الْأَرْضِ . قَالَ : اسْتَوْصِ بِهِ خَيْرًا . قُلْتُ : دُونَ هَذَا أَكْتَفِي بِهِ مِنْكَ .

قَالَ : فَخَرَجْنَا حَتَّى نَزَلْنَا مَنَزَلًا فِي الطَّرِيقِ يُقَالُ لَهُ : «وَنَقْر» فَزَلْنَا ، وَأَمَرْتُ الْغِلْمَانَ أَنْ تَلْقَى لِلإِبِلِ الْعَلْفَ ، وَتَصْنَعَ طَعَامًا ، فَفَعَلُوا . وَنَظَرْتُ إِلَى أَبِي مُوسَى وَمَعَهُ كُوزٌ مِنْ مَاءٍ ، وَأَخَذَ طَرِيقَهُ لِلْوُضُوءِ وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَيْهِ ، حَتَّى هَبَطَ فِي وَهْدِهِ مِنَ الْأَرْضِ .

وَأَدْرَكَ الطَّعَامَ ، فَقَالَ لِي الْغِلْمَانُ : قَدْ أَدْرَكَ الطَّعَامَ ، تَتَغَدَّوْنَ؟ قُلْتُ لَهُمْ : أَطْلُبُوا أَبَا مُوسَى ، فَإِنَّهُ أَخَذَ فِي هَذَا الْوَجْهِ يَتَوَضَّأُ . فَطَلَبَهُ الْغِلْمَانُ ، فَلَمْ يُصَبِّهُ . قُلْتُ لَهُمْ : أَطْلُبُوا أَبَا مُوسَى ، وَأَعْطَيْتُ اللَّهَ عَهْدًا أَنْ لَا أَبْرَحَ مِنْ مَوْضِعِي الَّذِي أَنَا فِيهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَطْلُبُهُ ، حَتَّى أُبْلَى إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . فَكَتَرِيْتُ الْأَعْرَابَ فِي طَلَبِهِ ، وَجَعَلْتُ لِمَنْ جَاءَ بِهِ عَشْرَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ وَهِيَ دَيْتُهُ فَانْطَلَقَ الْأَعْرَابُ فِي طَلَبِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ، فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الرَّابِعَ أَتَانِي الْقَوْمُ آيِسُونَ مِنْهُ ، فَقَالُوا لِي : يَا عَبْدَ اللَّهِ ، مَا نَرَى صَاحِبَكَ إِلَّا وَقَدْ أُخْطِفَ ، إِنَّ هَذِهِ بِلَادٌ مَحْضُورَةٌ فُيَدَّ فِيهَا غَيْرٌ وَاحِدٍ ، وَنَحْنُ نَرَى لَكَ أَنْ تَرْتَحِلَ مِنْهَا!

فَلَمَّا قَالُوا لِي هَذِهِ الْمَقَالَةَ ارْتَحَلْتُ ، حَتَّى قَدِمْنَا الْكُوفَةَ ، وَأَخْبَرْتُ أَهْلَهُ بِقِصَّتِهِ .

وَخَرَجْتُ مِنْ قَابِلٍ ، حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَقَالَ لِي : يَا شُعَيْبُ ، أَلَمْ آمُرَكَ أَنْ تَسْتَوْصِيَ بِأَبِي مُوسَى النَّبَالِ خَيْرًا؟! قُلْتُ : بَلَى ، وَلَكِنْ لَمْ أَذْهَبْ حَيْثُ ذَهَبَ .

فَقَالَ : رَحِمَ اللَّهُ أَبَا مُوسَى ، لَوْ رَأَيْتَ مَنْزِلَ أَبِي مُوسَى فِي الْجَنَّةِ لَأَقْرَأَ اللَّهُ عَيْنَكَ . ثُمَّ قَالَ : كَانَتْ لِأَبِي مُوسَى دَرَجَةٌ عِنْدَ اللَّهِ ، لَمْ

- ١- مشكاه الأنوار: ص ٥٠٨ ح ١٧٠٦ ، جامع الأخبار: ص ٣١٢ ح ٨٦٧ ، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٣٧ ح ٥٤ .
- ٢- الكافي: ج ٢ ص ٢٥٥ ح ١٤ عن فضيل بن عثمان ، جامع الأخبار: ص ٣١٢ ح ٨٦٦ ، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢١٢ ح ١٦ .
- ٣- بَوَائِقُهُ: أى غوائله وشروره (النهايه: ج ١ ص ١٦٢ «بوق»).
- ٤- التمحيص: ص ٣٩ ح ٣٨ عن عمر صاحب السابري ، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٢٠٠ ح ٦ .
- ٥- الخرائج والجرائح: ج ٢ ص ٦٣٣ ح ٣٤ ، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ١٠٥ ح ١٣٣ .

۴۷. حدّثنا علی بن أحمد رحمه الله قال: امام باقر علیه السلام: موسی علیه السلام بیرون رفت. در راه به مردی از بنی اسرائیل برخورد و او را نیز با خود بُرد تا آن که به جانب طور رفت. به آن مرد فرمود: «بنشین تا برگردم» و گرداگرد او خطی کشید. سپس سرش را به سوی آسمان برداشت و گفت: «رفیقم را به تو سپردم و تو، بهترین نگهداری» و آن گاه رفت.

خداوند، چندان که خواست، با موسی به نجوا پرداخت و پس از آن، موسی به سوی رفیق خود باز گشت؛ ولی دید شیری به او حمله برده و شکمش را دریده و گوشتش را خورده و خونش را آشامیده است ...

موسی سر به آسمان برداشت و گفت: «پروردگارا! من او را به تو که بهترین امانتداری، سپردم؛ ولی تو بدترین درنده ات را بر او مسلط ساختی و شکمش را درید و گوشتش را خورد و خونش را آشامید!».

گفته شد: ای موسی! رفیق تو را در بهشت، منزلتی بود که جز با کاری که با او کردم، به آن منزلت دست نمی یافت. ای موسی! بنگر.

پرده برای موسی کنار رفت. موسی نگاه کرد و جایگاهی والا دید. آن گاه گفت: «پروردگارا! راضی شدم». ۴۵. حضرت هادی علیه السلام فرمود: امام صادق علیه السلام: در بهشت، منزلتی است که هیچ بنده ای به آن نمی رسد، مگر با رنجوری در جسمش. ۴۶. حضرت هادی علیه السلام فرمودند: امام صادق علیه السلام: دوستدار ما، مرتکب گناهانی می شود که به سبب آنها، سزاوار عذاب خداوند می گردد؛ اما خداوند، او را به بیماری در بدنش دچار می سازد تا گناهانش را از او بزداید و اگر بدنش را به سلامت داشت، در دارایی اش برای او گرفتاری پیش می آورد و اگر در دارایی اش او را بی گزند داشت، در فرزندش برای او گرفتاری پیش می آورد و اگر در فرزندش او را بی گزند داشت، نسبت به همسرش برای او گرفتاری پیش می آورد و اگر نسبت به همسرش او را بی گزند داشت، به همسایه بد گرفتارش می سازد تا به او آزار و اذیت رساند و اگر او را از رنج و گزندهای روزگار به سلامت داشت، جان کندنش را بر او سخت می گرداند تا وقتی خدا را دیدار می کند، خداوند از او راضی باشد و بهشت را بر او واجب کرده باشد. ۴۷. سهل بن سعد گوید: الخرائج و الجرائح به نقل از شعیب: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. به من فرمود: «همسفرت کیست؟». گفتم: نیک مرد فاضل، ابو موسی ثمالی. فرمود: «هوای او را داشته باش؛ زیرا حقوق بسیاری بر تو دارد و نخستین آنها، این است که همکیش توست و حق همراهی دارد». گفتم: اگر توانستم، نخواهم گذاشت حتی پیاده راه بروم. (۱)

ایشان دوباره فرمود: «هوای او را داشته باش». من گفتم: همان یک بار سفارش، برایم کافی بود. ما راهی شدیم تا آن که در راه، در منزلگاهی به نام «ونقر» فرود آمدیم. به غلامان، دستور دادم که برای اُشتران، علوفه بریزند و غذایی آماده کنند و چنین کردند. دیدم ابو موسی، کوزه ای آب با خود برداشت و برای وضو گرفتن، دور شد و من همچنان به او می نگرستم تا آن که به مکانی پست رفت. غذا آماده شد و غلامان به من گفتند: غذا آماده است. می خورید؟ گفتم: در پی ابو موسی بروید. او از آن سوی رفت تا وضو بگیرد.

غلامان در پی او رفتند؛ اما پیدایش نکردند. به آنها گفتم: ابو موسی را بیابید.

آن گاه با خدا عهد بستم که تا سه روز در آن جا بمانم و دنبال او بگردم تا نزد خداوند، معذور باشم. پس برای جستجوی او، بادیه نشینان را اجیر کردم و گفتم: هر کس او را بیاورد، ده هزار درهم که دیه او بود پاداش دارد. بادیه نشینان، سه روز در جستجوی ابو موسی بودند.

روز چهارم، در حالی که از یافتن او نومید شده بودند، نزد من آمدند و به من گفتند: ای بنده خدا! به نظر ما، رفیقت ربوده شده است. این جا سرزمین اجنه و شیاطین است و تا کنون چندین نفر ناپدید گشته اند. به نظر ما تو نیز باید از این مکان بروی!

چون این سخن را گفتند، من به راه افتادم تا به کوفه رسیدم و داستان او را به خانواده اش گفتم. سال بعد، عازم سفر شدم و خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. به من فرمود: «ای شعیب! مگر به تو نگفتم که هوای ابو موسی دنبال را داشته باش؟!».

گفتم: چرا؛ اما فکر نمی کردم این بلا بر سرش بیاید.

فرمود: «خدا رحمت کند ابو موسی را! اگر جایگاه ابو موسی را در بهشت می دیدی، قطعا شادمان می شدی» و سپس فرمود: «ابو موسی نزد خدا درجه ای داشت که جز با بلایی که سرش آمد، به آن، نایل نمی شد»..

۱- یعنی او را بر مرکب خود یا حتی بر دوش خود، سوار خواهیم کرد و نخواهم گذاشت کمترین رنجی در این سفر به او برسد.

ص: ٦٤٤

..

ه أهل الورع ٤٩. حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق ومحمداً الإمام الصادق عليه السلام: فيما ناجى الله عز وجل به موسى عليه السلام: يا موسى، ما تقرب إلى المتقربون بمثل الورع عن محارمي، فإني أبيعهم جنات عدين، لا أشرك معهم أحداً. (١) ومعلم القرآن ٤٨. مفضل بن عمر گوید: رسول الله صلى الله عليه وآله من تعلم القرآن، وتواضع في العلم، وعلم عباد الله وهو يريد ما عند الله، لم يكن في الجنة أحد أعظم ثواباً منه ولا أعظم منزلة منه، ولم يكن في الجنة منزل ولا درجة رفيعة ولا نيفسه إلا كان له فيها أوفر النصيب، أو أشرف المنازل. (٢) زقارئ القرآن ٥٠. عبد العظيم حسنى از حضرت رضا عليه السلام روایت کرد هر رسول الله صلى الله عليه وآله: إن عِدَدَ دَرَجِ الْجَنَّةِ عِدَدُ آيِ الْقُرْآنِ، فَمَنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ مِمَّنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ لَمْ يَكُنْ فَوْقَهُ أَحَدٌ. (٣) ابن المتوكل عن السعدآبادى عن البرقى عن عبد العظيم صلى الله عليه وآله: عِدَدُ دَرَجِ الْجَنَّةِ عِدَدُ آيِ الْقُرْآنِ، فإِذَا دَخَلَ صَاحِبُ الْقُرْآنِ الْجَنَّةَ قِيلَ لَهُ: إِرْقَأْ وَاقْرَأْ (٤) لِكُلِّ آيَةٍ دَرَجَةٌ، فَلَا تَكُونُ فَوْقَ حَافِظِ الْقُرْآنِ دَرَجَةٌ. (٥) الغارات ٢٨٦. عن أبي إسحاق السبيعي: سنن الدارمي عن بريده: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: ... إِنَّ الْقُرْآنَ يَلْقَى صَاحِبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِينَ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ كَالرَّجُلِ الشَّاحِبِ، يَقُولُ لَهُ: هَلْ تَعْرِفُنِي؟ فَيَقُولُ: مَا أَعْرِفُكَ! فَيَقُولُ: أَنَا صَاحِبُكَ الْقُرْآنَ، الَّذِي أَظْمَأْتِكَ فِي الْهَوَاجِرِ، وَأَسَهَرْتُ لَيْلَكَ، وَإِنَّ كُلَّ تَاجِرٍ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَتِهِ، وَإِنَّكَ الْيَوْمَ مِنْ وَرَاءِ كُلِّ تِجَارَةٍ. فَيُعْطَى الْمَلِكُ بِيَمِينِهِ وَالْخُلْدَ بِشِمَالِهِ، وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْوَقَارِ، وَيُكْسَى وَالِدَاةُ حُلَّتَيْنِ لَا يَقُومُ لَهُمَا الدُّنْيَا. فَيَقُولَانِ: بِمِ كَسِينَا هَذَا؟ وَيُقَالُ لَهُمَا: بِأَخْذِ وَلَدِكُمَا الْقُرْآنَ.

ثم يُقَالُ لَهُ: إِرْقَأْ وَاصْعَدْ فِي دَرَجِ الْجَنَّةِ وَغَرْفِهَا، فَهُوَ فِي صُعُودٍ مَا دَامَ يَقْرَأُ، هَذَا (٦) كَانَ أَوْ تَرْتِيلاً. (٧).

- ١- الكافي: ج ٢ ص ٨٠ ح ٣ عن يونس عمّن ذكره، مشكاة الأنوار: ص ٩٥ ح ٢٠٨، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٠٤ ح ٨.
- ٢- ثواب الأعمال: ص ٣٤٦ ح ١ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٣٧٣ ح ٣٠.
- ٣- كنز العمال: ج ١ ص ٥١٢ ح ٢٢٧٢ نقلاً عن ابن مردويه وح ٢٢٧٣ نقلاً عن البيهقي وكلاهما عن عائشه.
- ٤- لعل الصواب: «اقرأ وارقأ» كما في الدرّ المنثور.
- ٥- بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٢ ح ٢٢ نقلاً عن الإمامه والتبصره عن موسى بن إسماعيل عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الدرّ المنثور: ج ٨ ص ٤٥٠ نقلاً عن ابن الضريس عن أمّ الدرداء من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله نحوه.
- ٦- الهذّ: الإسراع في القطع وفي القراءة (الصحاح: ج ٢ ص ٥٧٧ «هذذ»).
- ٧- سنن الدارمي: ج ٢ ص ٩٠٧ ح ٣٢٦٨، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٩ ح ٢٣٠١١ وفيه «أهل الدنيا» بدل «الدنيا»، كنز العمال: ج ١ ص ٥٧١ ح ٢٥٧٨.

ه پارسایان

و آموزگار قرآن

ز قاری قرآن

ه پارسایان ۲۸۸. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: از جمله نخواستگان خداوند عز و جل با موسی علیه السلام، این بود که: «ای موسی! تقرب جویان به من، به چیزی چون پرهیز از حرام هایم، به من نزدیک نشده اند. من، بهشت های ماندگار خود را بر آنان روا می دارم و هیچ کس را شریکشان قرار نمی دهم». و آموزگار قرآن ۵۲. عبدالعظیم حسنی برای حضرت جواد علیه السلام نامه ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس قرآن را بیاموزد و در [آموختن] علم، فروتنی کند و برای رسیدن به پاداش الهی، به بندگان خدا بیاموزد، در بهشت، هیچ کس ثوابش از او بیشتر و منزلتش از او والاتر نخواهد بود و هیچ منزلت و درجه بالا- و پُرجی در بهشت نیست، مگر این که او از آن، بیشترین بهره یا ارجمندترین منزلت را دارد. ز قاری قرآن ۵۴. سلیمان بن جعفر جعفری گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شمار درجه های بهشت، به شمار آیات قرآن است. پس هر قاری قرآن که وارد بهشت شود، هیچ کس بالاتر از او نخواهد بود. ۵۵. حدیثی اُبی رحمه الله، عن سعد بن عبدالله و عبداللیمبر خدا صلی الله علیه و آله: شمار درجه های بهشت، به شمار آیه های قرآن است. پس هر گاه هم نشین قرآن به بهشت وارد شود، به او گفته می شود: «بخوان و به ازای هر آیه، یک درجه بالا برو» و بالاتر از حافظ قرآن، درجه ای نیست. ۵۶. عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن عسّان الدارمی به نقل از بُریده: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم که شنیدم فرمود: «... در روز قیامت، هنگامی که قاری قرآن، همچون انسان رنگ پریده ای، از قبر بیرون می آید، قرآن نزد او می رود و به او می گوید: آیا مرا می شناسی؟

او می گوید: تو را نمی شناسم!

قرآن می گوید: من دوست تو، قرآن، هستم؛ همان که باعث شدم در روزهای داغ، تشنگی بکشی و شب ها را به عبادت بگذرانی. هر تاجری به دنبال [سود] تجارت خویش است و تو امروز، جلودار هر تجارتی هستی [و بیشترین سود را میبری].

آن گاه، پادشاهی را به دست راست او و جاودانگی را به دست چپش می دهند و تاج و قار بر سرش می نهند و بر پدر و مادرش نیز دو جامه [ی بهشتی] می پوشانند که دنیا با آن، برابری نمی کند. آن دو می گویند: به چه سبب، این دو جامه بر ما پوشانیده شد؟

گفته می شود: به سبب پیروی فرزندان از قرآن.

سپس به او گفته می شود : بخوان و از درجات و غرفه های بهشت ، بالا برو .

او تا زمانی که بخواند ، پیوسته بالا می رود ، خواه تند تند بخواند یا [آهسته و] با ترتیل» .

ح أصحاب هذه الخصال ٥٦. عبد العظيم حسنى گوید: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً ، لَا يَنَالُهَا إِلَّا إِمَامٌ عَادِلٌ ، أَوْ ذُو رَحِمٍ وَصُولٌ ، أَوْ ذُو عِيَالٍ صَبُورٌ . (١) ٥٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ : عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا يَبْلُغُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ : إِمَامٌ عَادِلٌ ، أَوْ ذُو رَحِمٍ وَصِيُولٌ ، أَوْ ذُو عِيَالٍ صَبُورٌ ؛ لَا يَمُنُّ عَلَى أَهْلِهِ بِمَا يُنْفِقُ عَلَيْهِمْ . (٢) ٥٨. وبهذا الإسناد ، عن عبد العظيم ابن عبد الله الحسيني صلى الله عليه وآله : مَنْ تَرَكَ الْكَذِبَ وَهُوَ بَاطِلٌ بُنِيَ لَهُ قَصْرٌ فِي رَبَضِ (٣) الْجَنَّةِ ، وَمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَهُوَ مُحِقٌّ بُنِيَ لَهُ فِي وَسْطِهَا ، وَمَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ بُنِيَ لَهُ فِي أَعْلَاهَا . (٤) .

- ١- الخصال : ص ٩٣ ح ٣٩ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٩٠ ح ٩ .
- ٢- الفردوس : ج ١ ص ٢١٩ ح ٨٤٢ عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨٣٤ ح ٤٣٣١٤ .
- ٣- رَبَضِ الْجَنَّةِ : ما حولها خارجا عنها تشبيها بالأبنية التي تكون حول المدن وتحت القلاع (النهاية : ج ٢ ص ١٨٥ «ربض»).
- ٤- سنن ابن ماجه : ج ١ ص ١٩ ح ٥١ ، سنن الترمذی : ج ٤ ص ٣٥٨ ح ١٩٩٣ وليس فيه «قصر» وكلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج ٣ ص ٦٤٢ ح ٨٣٠٠ .

ح صاحبان این صفات

ح صاحبان این صفات ۵۷. عمر بن یزید گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، درجه ای است که به آن دست نمی یابد، مگر پیشوای دادگر یا خویشاوندی که صله رحم به جا آورد، و یا عیالوار شکیا. ۵۸. ذریح گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، درجه ای است که به آن دست نمی یابد، مگر سه کس: پیشوای دادگر، یا خویشاوندی که صله رحم به جا آورد، یا عیالوار شکیا که برای آنچه خرج خانواده اش می کند، بر آنان منت نگذارد. ۵۹. یعقوب بن شعیب گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دروغ باطل را ترک کند، برایش قصری در حومه (/ پایین) بهشت بنا می شود، و هر کس مجادله را گرچه حق با او باشد ترک کند، برایش قصری در وسط بهشت بنا می شود، و هر کس اخلاقش نیکو باشد، برایش قصری در بالای بهشت بنا می شود.

٦٠. ابن المتوكل عن السعدآبادى عن البرقى عن عبدالعظيمه صلى الله عليه و آله :مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَهُوَ مُحِقُّ بَيْتِ لَهٗ بَيْتٌ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ ، وَمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَهُوَ مُبْطِلٌ بَيْتِ لَهٗ بَيْتٌ فِي رِبْصِ الْجَنَّةِ . (١) ٦١. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ السَّعْدِآبَادِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَرْبَعَةٌ فِي حَدِيثِهِ قُدْسِيَّةٌ فِي الْجَنَّةِ : الْمَعْتَصِمُ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا يَشْكُ فِيهَا ، وَمَنْ إِذَا عَمِلَ حَسَنَةً سَرَتْهُ وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا ، وَمَنْ إِذَا عَمِلَ سَيِّئَةً سَاءَتْهُ وَاسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهَا ، وَإِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ : إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ . (٢) ٦٢. عَدَّهُ مِنْ أَصْحَابِنَا ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ ، عَنْ عِنِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَرْبَعٌ مِنْ عَجَلٍ لَهِنَّ (٣) إِذَا أَصْبَحَ ، أَجْرَى اللَّهُ لَهُ نَهْرًا فِي الْجَنَّةِ : مَنْ أَصْبَحَ صَائِمًا ، وَعَادَ مَرِيضًا ، وَشَدَّ جِنَازَةً ، وَتَصَدَّقَ عَلَى مِسْكِينٍ . (٤) ٦٠. حَضَرَتْ بَاقِرَ بْنَ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ فَرَمُودَ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَطْعَمَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثِ جَنَّاتٍ فِي مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ : الْفِرْدَوْسِ ، وَجَنَّةِ عَدْنٍ ، وَطُوبَى (٥) شَجَرَهُ تَخْرُجُ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبُّنَا بِيَدِهِ (٥) . (٦) ٦١. عَبْدِ الْعَظِيمِ حَسَنَى أَسْرَى بِي إِلَى جَدِّهِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ ، فَرَأَيْتُ فِيهَا قَصْرًا مِنْ يَاقُوتِ أَحْمَرَ ، يُرَى بَاطِنُهُ مِنْ ظَاهِرِهِ لِضِيَائِهِ وَنُورِهِ ، وَفِيهِ قُبَّتَانِ مِنْ دُرٍّ وَزَبَرْجَدٍ ، فَقُلْتُ : يَا جَبْرَيْلُ ، لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ؟ قَالَ : هَذَا لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ ، وَأَدَامَ الصِّيَامَ ، وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ ، وَتَهَجَّدَ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَفِي أُمَّتِكَ مَنْ يُطِيقُ هَذَا؟

قَالَ : أَتَدْرِي مَا إِطَابَهُ الْكَلَامُ؟ فَقُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ . قَالَ : مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» .

أَتَدْرِي مَا إِدَامَهُ الصِّيَامَ؟ قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ . قَالَ : مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَلَمْ يُفِطْرْ مِنْهُ يَوْمًا .

أَتَدْرِي مَا إِطْعَمَ الطَّعَامَ؟ قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ . قَالَ : مَنْ طَلَبَ لِعِيَالِهِ مَا يَكْفِي بِهِ وَجُوهَهُمْ عَنِ النَّاسِ .

أَتَدْرِي مَا تَهَجَّدَ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامًا؟ قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ . قَالَ : مَنْ لَمْ يَتَمَّ حَتَّى يُصَلِّيَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَالنَّاسُ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَغَيْرِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ نِيَامًا بَيْنَهُمَا . (٧) .

١- منيه المرید : ص ١٧٠ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٠٨ ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ١٣٨ ح ٥١ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ١٧٥٣ .

٢- شعب الإيمان : ج ٥ ص ٣٧٢ ح ٦٩٩٥ ، الدر المنثور : ج ٢ ص ٣٢٧ كلاهما عن أبي هريره .

٣- جاء هنا في هامش المصدر هكذا : «في هامش النسخة : من عمل بهن ظ» .

٤- معدن الجواهر : ص ٣٩ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٠٩ .

٥- قال الفيض الكاشاني قدس سره : عد طوبى من الجنان لأن فيه من أنواع الثمار ، «وشجره» عطف على «ثلاث» ؛ يعنى : أطعمه الله من ثلاث جنان ومن شجره فى إحداها غرسها الله بيده (الوافى : ج ٥ ص ٦٧٣) .

٦- الكافى : ج ٢ ص ٢٠٠ ح ٣ عن أبي حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص ١٦٥ ح ١ عن علي بن أبي علي اللهبى عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج ٢ ص ١٥٢ ح ١٤٠٨ عن أبي حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما

نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٣٧١ ح ٦٥ .

٧- .الأمالى للطوسى : ص ٤٥٨ ح ١٠٢٤ عن حمّاد بن عثمان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تفسير القمى : ج ١ ص ٢١ عن حمّاد بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ١٩٠ ح ١٦٤ .

۶۲. عبدالعظیم حسنی مرفوعاً روایت می کند که امام علیهما السلام خدا صلی الله علیه و آله هر کس مجادله را در حالی که حق با اوست، رها کند، خانه ای در بالای بهشت برایش بنا می شود، و هر کس مجادله را در حالی که حق با او نیست، رها کند، خانه ای در حومه بهشت برایش بنا می شود. ۶۳. الحسن بن علی العلوی، عن سهل بن جمهور، عن عبدالعیما بر خدا صلی الله علیه و آله: چهار نفرند که در باغی قدسی در بهشت، جای دارند: کسی که به «لا إله إلا الله» چنگ زند و در آن شک نکند، کسی که هر گاه کار نیکی کند، شادمانش می سازد و خدا را بر آن سپاس می گوید، کسی که هر گاه کار بدی انجام دهد، او را ناراحت می کند و از آن آمرزش می خواهد، و کسی که هر گاه مصیبتی به او رسد، می گوید: «ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم». ۶۴. عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبدالله، عن عیما بر خدا صلی الله علیه و آله: چهار کار است که هر کس چون صبح کند در آنها بشتابد، خداوند، نهری در بهشت برایش روان می سازد: کسی که صبح را با روزه آغاز نماید، و بیماری را عیادت کند و جنازه ای را تشییع کند و به فقیری صدقه دهد. ۶۵. وعنه قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر که سه نفر مسلمان را غذا دهد، خداوند، او را از سه بهشت در ملکوت آسمان ها غذا می دهد: فردوس (پردیس)، بهشت عیدن، و طوبا؛ و نیز از درختی که در بهشت عیدن می روید و پروردگاران آن را با دست خود نشانده است. (۱) ۶۳. عمرو بن جمیع گوید: امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش، از امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شبی که به آسمان (معراج) برده شدم، وارد بهشت گردیدم. در آن جا کاخی از یاقوت سرخ دیدم که از فرط روشنایی و نورانیتش، درون آن از بیرونش دیده می شد و در آن، دو سراپرده از دُر و زبرجد بود. گفتم: ای جبرئیل! این کاخ برای کیست؟

گفت: این برای کسی است که سخن خوش بگوید و پیوسته روزه بدارد و اطعام کند و شب که مردم خفته اند، به عبادت پردازد».

گفتم: ای پیامبر خدا! در میان امت کیست که از عهده این کارها بر آید؟

فرمود: «آیا می دانی سخن خوش چیست؟».

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: «گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر. آیا می دانی پیوسته روزه داشتن چیست؟».

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: «کسی که ماه رمضان را روزه بگیرد و [حتی] یک روز از آن را نخورد. آیا می دانی اطعام چیست؟».

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: «کسی که برای خانواده اش روزی کسب کند تا مانع رو انداختن آنان به مردم شود. آیا می دانی عبادت در شب، آن

گاه که مردم خفته اند ، چیست؟» .

گفتم : خدا و پیامبرش داناترند .

فرمود : «کسی که نخوابد تا آن که وقتی مردمان یعنی یهود و نصارا و مشرکان می خوابند ، او نماز خفتن را بخواند» .

۱- .فیض کاشانی رحمه الله می گوید : طوبا ، از جمله بهشت ها شمرده شده است ؛ چون در آن ، انواع میوه هاست .

٦٤. بعضی از اصحاب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که از امام الصادق عن آبائه علیهم السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا، يَسْكُنُهَا مِنْ أُمَّتِي مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ، وَأَطَعَمَ الطَّعَامَ، وَأَفْشَى السَّلَامَ، وَأَدَامَ الصِّيَامَ، وَصَلَّى بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يُطِيقُ هَذَا مِنْ أُمَّتِكَ؟!

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، أَوْ مَا تَدْرِي مَا إِطَابَهُ الْكَلَامُ؟ مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» عَشْرَ مَرَّاتٍ. وَإِطَاعَمَ الطَّعَامَ: نَفَقَهُ الرَّجُلُ عَلَى عِيَالِهِ. وَأَدَامَهُ الصِّيَامَ: فَهُوَ أَنْ يَصُومَ الرَّجُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ يُكْتَبُ لَهُ صَوْمُ الدَّهْرِ. وَأَمَّا الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ: فَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَصَلَاةَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ وَصَلَاةَ الْغَدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ. وَإِفْشَاءَ السَّلَامِ: أَلَّا يَبْخَلَ بِالسَّلَامِ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ. (١).

١- معانی الأخبار: ص ٢٥١ ح ١، الأمالی للصدوق: ص ٤٠٧ ح ٥٢٥ كلاهما عن أبي بصير، روضه الواعظین: ص ٤٠٦ وليس فیهما من «وأما إدامه الصيام» إلى «صوم الدهر»، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١١٩ ح ٥.

۶۵. حضرت امام حسین از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیهماصالح علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام، از امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت، غرفه هایی هستند که بیرون آنها از درونشان و درون آنها از بیرونشان دیده می شود. در این غرفه ها آن کس از امت ساکن می شود که سخن خوش بگوید و اطعام کند و سلام را رواج دهد و پیوسته روزه بدارد و شب که مردم خوابند، نماز بخواند».

گفتم: ای پیامبر خدا! در میان امت کیست که از عهده این کارها بر آید؟

فرمود: «ای علی! آیا می دانی سخن خوش چیست؟ کسی که هر صبح و عصر، ده مرتبه بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر. اطعام کردن نیز خرجی دادن مرد به عائله اش است، و پیوسته روزه داشتن، این است که انسان، ماه رمضان و سه روز از هر ماه را روزه بگیرد که برایش روزه مادام العمر نوشته می شود، و نماز خواندن در شب در حالی که مردم خفته اند، این است که کسی نماز مغرب و نماز عشا و نماز صبح را در مسجد با جماعت بخواند و در این صورت، چنان است که سرتاسر شب را به عبادت گذرانده است، و رواج دادن سلام، این است که از سلام کردن بر هیچ مسلمانی بخل نوزد».

٦٦. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ: ... إِلَهِي، فَمَنْ يَنْزِلُ دَارَ الْقُدْسِ عِنْدَكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ لَا يَنْظُرُ أَعْيُنُهُمْ إِلَى الدُّنْيَا، وَلَا يُذَيِّعُونَ أَسْرَارَهُمْ فِي الدِّينِ، وَلَا يَأْخُذُونَ عَلَى الْحُكُومَةِ الرَّشَاءَ. الْحَقُّ فِي قُلُوبِهِمْ، وَالصَّدْقُ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، فَأَوْلِيكَ فِي سَتْرِي فِي الدُّنْيَا، وَفِي دَارِ الْقُدْسِ عِنْدِي فِي الْآخِرَةِ. (١) ٦٦. عبد العظيم حسنى از حضرت رضا و او از آباء گرامش از الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ عِزَّ وَجَلَّ جَنَّةً لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحَقِّ، وَرَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ، وَرَجُلٌ آثَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ. (٢) ١٦ / ١١ ما روى فى أدنى أهل الجنة درجة (٣) ٦٧. ابراهيم بن ابى محمود گوید: رسول الله صلى الله عليه و آله: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ! إِنَّ أَسْفَلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَخْسَهُمْ نَصِيبًا لَيُعْطَى مِثْلَ الدُّنْيَا وَعَشْرَةَ أَمْثَالِهَا. (٤) ٢٩٠. الإمام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه و آله: يُعْطَى كُلُّ مُؤْمِنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ الْجَنَّةِ مِثْلَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ. (٥) ٢٩١. أسد الغابه عن أبى رافع (فى هجره النبى صلى الله عليه و آله) مسند ابن حنبل عن ابن مسعود عن رسول الله صلى الله عليه و آله: يَكُونُ قَوْمٌ فِي النَّارِ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونُوا، ثُمَّ يَرْحَمُهُمُ اللَّهُ فَيُخْرِجُهُمْ مِنْهَا، فَيَكُونُونَ فِي أَدْنَى الْجَنَّةِ، فَيَغْتَسِلُونَ فِي نَهْرٍ يُقَالُ لَهُ: الْحَيَوَانُ، يُسَمِّيهِمْ أَهْلَ الْجَنَّةِ: الْجَهَنَّمِيُّونَ، لَوْ ضَافَ (٦) أَحَدُهُمْ أَهْلَ الدُّنْيَا لَفَرَشَهُمْ وَأَطْعَمَهُمْ وَسَقَاهُمْ وَلَحَفَهُمْ. وَلَا أَظُنُّهُ إِلَّا قَالَ: وَلَزَوْجَهُمْ. (٧).

- ١- الأمالى للمفيد: ص ٨٥ ح ١ عن أبى حمزه الثمالى، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٢٧٨ ح ١٣.
- ٢- الكافى: ج ٢ ص ١٧٨ ح ١١، الخصال: ص ١٣١ ح ١٣٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٨ كلها عن محمد بن قيس، مشكاة الأنوار: ص ٣٦٤ ح ١١٩١، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٣٤٨ ح ١١.
- ٣- جدير بالذكر أن أكثر روايات هذا الباب وردت فى مصادر أهل السنه وفى نظرنا ضعيفه سندا وممتنا وتستحق التأمل.
- ٤- الفردوس: ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٧٠٤٧ عن ابن عباس.
- ٥- عوالى اللآلى: ج ٤ ص ١٠١ ح ١٤٦.
- ٦- فى المصدر: «ضاعف»، والصواب ما أثبتناه كما فى مسند أبى يعلى وكنز العمال، وهو الذى يقتضيه السياق.
- ٧- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ١٧٢ ح ٤٣٣٧، مسند أبى يعلى: ج ٥ ص ١٠ ح ٤٩٥٨ نحوه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥١٤ ح ٣٩٤٤٨ وراجع: صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤٦٠ ح ٧٤٣٣ والزهد للحسين بن سعيد: ص ٩٦ ح ٢٦٠ و بحار الأنوار: ج ٨ ص ٣٦١ ح ٣٣.

۱۶ / ۱۱ احادیثی در باره دون پایه ترین بهشتیان

۲۹۲. رسول الله صلی الله علیه و آله (یَوْمَ الْأَحْزَابِ) امام باقر علیه السلام: موسی بن عمران گفت: ... بار خدایا! چه کسی در دار القدس تو، ساکن خواهد شد؟

فرمود: «کسانی که به دنیا چشم ندوخته اند و اسرار دینی خود را فاش نمی سازند و در داوری، رشوه نمی ستانند. حق در دل هایشان است و راستگویی بر زبان هایشان. اینان در دنیا، در پناه من اند و در آخرت، در دار القدس من». ۲۹۳. شرح نهج البلاغه: امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل بهشتی دارد که به آن، جز سه کس وارد نمی شود: مردی که به ضرر خود، حق را بگوید، مردی که برای خدا به دیدار برادر مؤمن خود برود و مردی که برای خدا برادر مؤمنش را بر خود ترجیح دهد. ۱۶ / ۱۱ احادیثی در باره دون پایه ترین بهشتیان (۱) ۲۹۶. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، به پایین ترین فرد اهل بهشت و کم بهره ترین آنها، به اندازه دنیا و ده برابر دنیا عطا می شود. ۲۹۷. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز قیامت، به هر مؤمنی، از بهشت به اندازه هفت برابر دنیا داده می شود. ۲۹۸. عنه علیه السلام: مسند ابن حنبل به نقل از ابن مسعود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «گروهی، تا هر مدّت که خدا بخواهد، در دوزخ می مانند. سپس خدا بر ایشان رحم می کند و از آن جا بیرونشان می آورد و در پایین ترین جای بهشت، جای می گیرند و خود را در نهری به نام زندگانی، شستشو می دهند. اهل بهشت، به آنان دوزخیان می گویند. هر یک از این افراد اگر همه مردم دنیا را میهمان کند، می تواند برای آنان فرش بگستراند و به آنان غذا بدهد و به آنان بنوشاند و برای آنها روانداز فراهم کند» و به گمانم فرمود: «و به آنان زن دهد».

۱- گفتنی است بسیاری از روایات این باب در منابع اهل سنت آمده اند و از نظر ما سند و متن آنها ضعیف و قابل تأمل است

٢٩٩. تاريخ دمشق عن عبد الله بن الحارث: سنن الدارمي عن أبي هريره: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا - مَنْ يَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ، فَيَقَالَ لَهُ: لَكَ ذَلِكَ وَمِثْلُهُ مَعَهُ، إِلَّا أَنَّهُ يَلْقَى (١): سَلْ كَذَا وَكَذَا، فَيَقَالَ لَهُ: ذَلِكَ لَكَ وَمِثْلُهُ مَعَهُ.

قال أبو سعيد الخدري: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: فَيَقَالَ لَهُ: ذَلِكَ لَكَ وَعَشْرُهُ أَمْثَالِهِ (٢) ٧٣. سليمان بن عبد الله هاشمي گوید: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةٌ مَنْ يُنَادِي الْخَادِمَ مِنْ خَدَمِهِ فَيَجِئُهُ أَلْفٌ، كُلُّهُمْ: «لَيْبِكَ»، (٣) ٧٤. أحمد بن مهرا، عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني، سنن الترمذي عن عبد الله بن عمر عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةٌ لِمَنْ يَنْظُرُ إِلَى جَنَانِهِ وَأَزْوَاجِهِ وَنَعِيمِهِ وَخَدَمِهِ وَسُرْرِهِ مَسِيرَةَ أَلْفِ سَنَةٍ، وَأَكْرَمَهُمْ عَلَى اللَّهِ مَن يَنْظُرُ إِلَى وَجْهِهِ غُدْوَةً وَعَشِيَّةً. ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَجِوَةٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» (٤). (٥) ٧٥. حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رضى الله عنه قال: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَهُ ثَمَانُونَ أَلْفَ خَادِمٍ، وَاثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ زَوْجَةً، وَتُنْصَبُ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ لُؤْلُؤٍ وَزَبَرْجَدٍ وَيَاقُوتٍ، كَمَا بَيَّنَّ الْجَابِيَةُ (٦) إِلَى صَنْعَاءَ (٧).

١- وفي نسخة: «إلى أن يلقى»، وفي بعض الأصول: «إلما أن يلقن فيقول»، والمعنى قريب؛ أى يقال ويملى عليه ذلك ليقوله ويسأله (هامش المصدر).

٢- سنن الدارمي: ج ٢ ص ٧٩٢ ح ٢٧٢٥، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٤٦٣ ح ٩٨٢٢، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ٧٤ ح ٤٦ وفيهما «يُلَقَّن» بدل «يَلْقَى».

٣- تفسير القرطبي: ج ١٧ ص ٦٩، الفردوس: ج ١ ص ٢١٧ ح ٨٣١ كلاهما عن عائشه.

٤- القيامة: ٢٢ و ٢٣.

٥- سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٨٨ ح ٢٥٥٣، مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٢٧٦ ح ٥٦٨٦، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٩٣ ح ٣٩٣٩٧ وراجع: مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٢٧ ح ٤٦٢٣ والمستدرک على الصحيحين: ج ٢ ص ٥٥٣ ح ٣٨٨٠ وجليه الأولياء: ج ٥ ص ٨٧.

٦- الجابيه: قريه من أعمال دمشق من ناحيه الجولان (معجم البلدان: ج ٢ ص ٩١).

٧- سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٩٥ ح ٢٥٦٢، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ١٥١ ح ١١٧٢٣، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤١٤ ح ٧٤٠١، مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ١٣٨ ح ١٤٠٠ كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١٤ ص ٤٧٦ ح ٣٩٣٢٧.

۷۶. حدّثنی اَبی رحمہ اللہ ، عن سعد بن عبداللہ و عبداللسن الدارمی به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود : « [حتّی] دون پایه ترین بهشتیان ، هر چه از خدا آرزو کند ، به او گفته می شود : آنچه خواستی و دو برابر آن ، از آن تو . حتّی به او القا می شود که : فلان و بهمان چیز را هم بخواه . و [پس از درخواستش] به او گفته می شود : آن نیز و دو برابرش ، از آن تو » .

ابو سعید خُدری گفت : پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود : « به او گفته می شود : آن و ده برابر آن ، از آن تو » . ۷۴. ابو خالد کابلی گفت : پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ : فرو پایه ترین اهل بهشت ، کسی است که وقتی یکی از خدمتکارانش را فرا می خواند ، هزار نفر جوابش را می دهند و همگی می گویند : « بله قربان ! بله قربان ! » . ۷۵. عبدالعظیم حسنی از حضرت جواد روایت کرده که آن جناب سنن الترمذی به نقل از عبد اللہ بن عمر : پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود : « [حتّی] آن که در بهشت ، کمترین منزلت را دارد ، به باغستان ها و همسران و نعمت ها و خدمتکاران و تخت هایش تا مسافت هزار سال راه می نگرد ، و آن که نزد خدا از همه گرامی تر است ، کسی است که هر بام و شام به چهره او (خداوند) می نگرد » .

پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ سپس این آیات را خواند : « در آن روز ، چهره هایی خرم اند . به پروردگارشان می نگرند » . ۷۷. حدّثنا أحمد بن محمد الشیبانی رضی اللہ عنہ قال : پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ : پست ترین فرد اهل بهشت ، هشتاد هزار خدمتکار و هفتاد و دو همسر دارد و برایش برج و بارو از مروارید و زبرجد و یاقوت ، به اندازه از جایبه (۱) تا صنعا برپا می شود . .

۱- . جایبه ، روستایی است از توابع دمشق در ناحیه جولان.

٧٨. عن محمد بن يعقوب عن الحسن بن علي العلوي ، عن سهل بن عبد الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَهُ لَرَجُلٌ لَهُ دَائِرٌ مِنْ لَوْلُوهِ وَاحِدَةٌ ، مِنْهَا غُرْفُهَا وَأَبْوَابُهَا . (١) ٧٩. وحدثني أبي رحمه الله ، عن سعد بن عبد الله ، عن أئنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَسْفَلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ دَرَجَةٌ لَمَنْ يَقُومُ عَلَى رَأْسِهِ عَشْرَةُ آلَافٍ خَادِمٍ ، يَبِيدُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ صِيحْفَتَانِ (٢) ، وَاحِدَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَالْأُخْرَى مِنْ فِضَّةٍ ، فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ لَوْ نُؤْنُ لَيْسَ فِي الْأُخْرَى مِثْلُهُ ، يَأْكُلُ مِنْ آخِرِهَا مِثْلَ مَا يَأْكُلُ مِنْ أَوَّلِهَا ، يَجِدُ لِآخِرِهَا مِنَ الطَّيِّبِ وَاللَّذَّةِ مِثْلَ الَّذِي يَجِدُ لِأَوَّلِهَا، ثُمَّ يَكُونُ ذَلِكَ كَرِيحِ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ ، لَا يَبُولُونَ ، وَلَا يَتَغَوَّطُونَ ، وَلَا يَمْتَخِطُونَ ، إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ . (٣) ٨٠. حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رضى الله عنه قال عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَهُ لَمَنْ يُغْدَى عَلَيْهِ وَيُرَاحُ بِعَشْرَةِ آلَافٍ صَحْفَةٍ ، فِي كُلِّ صَحْفَةٍ (٤) لَوْ مِنْ الطَّعَامِ لَهُ رَائِحَةٌ وَطَعْمٌ لَيْسَ لِلْآخِرِ .

وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَيَمُرُّ بِهِ الطَّائِرُ فَيَشْتَهِيهِ فَيَخْرُ بَيْنَ يَدَيْهِ إِمَّا طَبِيخًا وَإِمَّا مَشْوِيًا، مَا حَطَرَ بِإِلَهِ مِنَ الشَّهْوَةِ .

وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَيَكُونُ فِي جَنَّةٍ مِنْ جَنَّاتِهِ بَيْنَ أَنْوَاعِ الشَّجَرِ إِذْ يَشْتَهِي ثَمَرَةً مِنْ تِلْكَ الثَّمَارِ ، فَتَدَلِّي إِلَيْهِ ، فَيَأْكُلُ مِنْهَا مَا أَرَادَ .

وَلَوْ أَنَّ حُورِيًّا مِنْ حُورِهِمْ بَرَزَتْ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَأَعَشَّتْ ضَوْءَ الشَّمْسِ ، وَلَافَتَتَنَ بِهَا أَهْلُ الْأَرْضِ . (٥) .

- ١- .المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ٧٣ ح ٤٤ ، الزهد لهناد : ج ١ ص ١٠٤ ح ١٢٦ ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ٢٧٤ كلّها عن عبيد بن عمير ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٦٩ ح ٣٩٢٩٣ .
- ٢- .الصحفة : إناء كالفصحة المبسوطة ونحوها (النهاية : ج ٣ ص ١٣ «صحف»).
- ٣- .المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٣٤٢ ح ٧٦٧٤ ، الزهد لابن المبارك : ص ٥٣٦ ح ١٥٣٠ ، حليه الأولياء : ج ٦ ص ١٧٥ وليس فيهما ذيله وكلّها عن أنس ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٨٢ ح ٣٩٣٥٤ .
- ٤- .في المصدر : «صفحة» في الموردين ، والصواب ما أثبتناه .
- ٥- .مسند زيد : ص ٤١٧ عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام .

۷۶. سدیر صیرفی گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دون پایه ترین مرد اهل بهشت، خانه ای دارد که از مروارید یک پارچه ساخته شده و غرفه ها و درهایش نیز از همان مروارید است. ۷۷. عبدالعظیم حسنی گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حتی کسی که درجه اش در بهشت از همه بهشتیان پایین تر است، ده هزار خدمتکار در پیشگاهش می ایستند و در دست هر یک از آنان، دو سینی است: یکی از طلا و دیگری از نقره، و در هر یک، رنگی (خوراکی ای) است متفاوت با دیگری. آنچه از آخرین ظرف می خورد، همانند چیزی است که از اولین آنها می خورد و از آخرین آن، همان طعم و لذتی را می چشد که از اولین آنها چشیده است و سپس به بویی چونان بوی مشک تیز تبدیل می شوند. نه ادرار می کنند، نه مدفوع، و نه آب بینی می اندازند. برادروار بر تخت هایی رو در روی هم می نشینند. ۷۸. غیاث بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حتی برای دون پایه ترین اهل بهشت، هر بام و شام، ده هزار سینی می آورند و در هر سینی، رنگی از غذاست که بو و طعمی متفاوت با دیگری دارد.

شخص در بهشت، چنان است که پرنده ای بر او می گذرد و او هوس آن را می کند. در دم، آن پرنده به صورت پخته یا بریان شده، به هر صورتی که دل او خواسته باشد، در برابرش می افتد.

و شخص در بهشت، چنان است که در باغی از باغ های خود، میان درختان گوناگون، گردش می کند و دلش هوس میوه ای از آن میوه ها را می کند. بلافاصله آن میوه به او نزدیک می شود و او هر چه می خواهد، از آن می خورد.

اگر حوری از حوریان بهشتی، برای اهل زمین آشکار شود، نور خورشید را تار می کند و زمینیان، مفتون او می شوند.

٧٩. ابو سلمه گوید: عنه صلى الله عليه و آله: لَوْ أَنَّ أَدْنَىٰ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَلِيَّةً عَمِدَتْ حَلِيَّتَهُ بِحَلِيَّةِ أَهْلِ الدُّنْيَا جَمِيعًا ، لَكَانَ مَا يُحَلِّيهِ اللَّهُ بِهِ فِي الآخِرَةِ أَفْضَلَ مِنْ حَلِيَّةِ أَهْلِ الدُّنْيَا جَمِيعًا. (١) ٨١. حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آله : إِنَّ أَدْنَىٰ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً ، الَّتِي يَرْكَبُ فِي أَلْفِ أَلْفٍ مِنْ خَدَمِهِ مِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ ، عَلَىٰ خَيْلٍ مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ ، لَهَا أَجْنَحَةٌ مِنْ ذَهَبٍ «إِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا» (٢) . (٣) ٨٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَىٰ بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ : عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : وَلَا - أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ : مِنْ ذَهَبٍ إِنَّ أَدْنَىٰ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً (٤) ، إِنَّ لَهُ لَسَبْعَ دَرَجَاتٍ ، وَهُوَ عَلَى السَّادِسَةِ وَفَوْقَهُ السَّابِعَةُ ، وَإِنَّ لَهُ لثَلَاثِمِئَةَ خَادِمٍ ، وَيُعْدَىٰ عَلَيْهِ وَيُرَاحُ كُلُّ يَوْمٍ ثَلَاثِمِئَةَ صَحْفَةٍ فِي كُلِّ صَحْفَةٍ لَوْنٌ لَيْسَ فِي الْأُخْرَى ، وَإِنَّهُ لَيَلْدُ أَوَّلَهُ كَمَا يَلْدُ آخِرُهُ ، وَإِنَّهُ لَيَقُولُ : يَا رَبِّ! لَوْ أَذْنَتُ لِي لَأَطَعْتُ أَهْلَ الْجَنَّةِ وَسَقَيْتُهُمْ ، لَمْ يَنْقُصْ مِنِّي شَيْءٌ ... (٥) ٨٠. عبد العظيم حسنى از حضرت جواد و او از پدرش روایت نمازهد لابن المبارك عن المغيرة بن شعبه: قَالَ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَبِّهِ : يَا رَبِّ أَيُّ عِبَادِكَ أَدْنَىٰ عِنْدَكَ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً؟

قَالَ : عَبْدٌ يَبْقَىٰ فِي الدِّمَنِ (٦) بَعْدَمَا يَدْخُلُ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ ، وَأَهْلُ النَّارِ النَّارَ ، فَيَقُولُ لَهُ رَبُّهُ : أَنْظِرْ أَرْبَعَةَ مَلُوكٍ مِنْ مَلُوكِ الدُّنْيَا فَسَمِّ مِنْ مَلِكِهِمْ مَا اشْتَهَتْ نَفْسُكَ ، فَيَقُولُ : يَا رَبِّ اشْتَهَيْ كَذَا ، وَاشْتَهَيْ كَذَا ، وَاشْتَهَيْ كَذَا ، قَالَ : فَسَمِّ مِنْ مَلِكِهِمْ مَا لَدَّتْ عَيْنُكَ ، فَيَقُولُ : يَلْدُ عَيْنِي كَذَا ، يَلْدُ عَيْنِي كَذَا ، قَالَ : أَرْضَيْتَ؟ قَالَ : نَعَمْ ، قَالَ : وَهُوَ لَكَ وَعَشْرُهُ أَمْثَالِهِ .

قَالَ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَبِّ هَذَا لِأَدْنَىٰ مَنْ فِي الْجَنَّةِ ، فَمَا لِأَهْلِ صَفْوَتِكَ؟

قَالَ : هَذِهِ الَّتِي أَرَدْتُ ، يَا مُوسَىٰ! خَلَقْتُ كَرَامَتَهُمْ بِيَدِي ، وَعَمَلْتُهَا وَخَتَمْتُ عَلَىٰ خَزَائِنِهَا ، وَفِيهَا مَا لَمْ تَرَ عَيْنٌ وَكَمْ يَسْمَعُ أُذُنٌ ، وَكَمْ يَخْطُرُ عَلَىٰ قَلْبِ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ . (٧) .

- ١- المعجم الأوسط : ج ٨ ص ٣٦٢ ح ٨٨٧٨ ، البعث والنشور : ص ١٩٨ ح ٣٠٢ ، تاريخ دمشق : ج ٤٠ ص ٤١٣ ح ٨١٣٤ ، كنز العمال : ج ٥ ص ٣٥٧ ح ١٣٢٢٠ وكلها عن أبي هريره.
- ٢- الإنسان : ٢٠.
- ٣- الدر المنثور : ج ٨ ص ٣٧٦ نقلاً عن ابن وهب عن الحسن البصرى.
- ٤- يوجد هنا بياض فى الأصل (هامش المصدر).
- ٥- مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٦٤٠ ح ١٠٩٣٢ ، تفسير ابن كثير : ج ٧ ص ٢٢٦ كلاهما عن أبى هريره.
- ٦- الدر المنثور : الموضوع الذى يلبد فيه السرقين ، وكذلك ما اختلط من البعر والطين (لسان العرب : ج ١٣ ص ١٥٨ «دمن»).
- ٧- الزهد لابن المبارك (الملحقات) : ص ٦٦ ح ٢٢٧.

۸۱. کثیر بن شهاب حارثی گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کم زیورترین اهل بهشت، زیورش با زیور همه اهل دنیا مقایسه شود، زیوری که خدا او را با آن در آخرت آراسته می سازد، از زیور همه اهل دنیا برتر خواهد آمد. ۸۲. حسن بن عبدالله گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حتی دون پایه ترین اهل بهشت، چنان است که در میان هزار هزار خدمتکار، از پسرکان جاویدان، بر اسبانی از یاقوت سرخ که بال هایی از طلا دارند، می نشیند. «هر گاه بنگری، آن جا نعمت می بینی و سلطنتی باشکوه را» ۸۳. حدیثنا علی بن أحمد بن موسی الدقاق رضی الله عنه و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کم منزلت ترین اهل بهشت، دارای هفت درجه (رتبه / پله) است و او بر درجه ششم است و درجه هفتم، بالاتر از اوست. سیصد خدمتکار دارد و هر بام و شام، سیصد سینی طلا به حضورش آورده می شود که در هر سینی، رنگی (خوراکی ای) متفاوت با دیگری است، و از اولین آنها، همان اندازه لذت می برد که از آخرینشان لذت می برد، و می گوید: پروردگارا! اگر اجازه ام می دادی، همه اهل بهشت را خوراکی و نوشیدنی می دادم، بی آن که از آنچه دارم، چیزی کاسته شود ... ۸۳. عبدالعظیم حسنی فرمود: الزهد، ابن مبارک به نقل از مغیره بن شعبه: موسی علیه السلام به پروردگارش گفت: پروردگارا! کدام بنده ات در بهشت به نزد تو، کم منزلت ترین است؟

فرمود: «بنده ای که وقتی بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند، در میان خرابه (دَمْنَه) (۱) می ماند. پس، پروردگارش به او می گوید: چهار پادشاه از پادشاهان دنیا را در نظر بیاور و از پادشاهی آنان، آنچه دلت می خواهد، نام ببر. او می گوید: پروردگارا! فلان چیز و فلان چیز و فلان چیز را می خواهم. خدا می گوید: از پادشاهی آنان، آنچه را دیده ات از آن لذت می برد، نام ببر. او می گوید: دیده ام از فلان چیز و بهمان چیز، لذت می برد. خدا می گوید: راضی شدی؟ می گوید: آری. خدا می گوید: اینها و ده برابرشان، از آن تو باد».

موسی علیه السلام گفت: پروردگارا! این برای کم منزلت ترین فرد بهشتی است. پس برای برگزیدگانت چیست؟

فرمود: «برای آنان، چیزهایی اراده کرده ام. (۲) ای موسی! کرامت های آنان را من با دست خودم آفریده ام و آنها (کرامت ها) را به عمل آورده ام و بر خزانه های آنها مهر زده ام. در آن خزانه ها چیزهایی است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر دل هیچ کدام از مخلوقات، گذر نکرده است».

۱- دَمْنَه: مکانی که در آن، سرگین، انباشته شده باشد. مخلوطی از پهن و گل؛ سرگینگاه (لسان العرب: ج ۱۳ ص ۱۵۸) «دمن».

۲- نه این که به خواست و اراده آنان واگذارم که چه می خواهند.

٨٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَأَلَ مُوسَى رَبَّهُ: مَا أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً؟ قَالَ: هُوَ رَجُلٌ يَجِيءُ بَعْدَ مَا أُدْخِلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ، فَيُقَالُ لَهُ: أُدْخِلِ الْجَنَّةَ، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ! كَيْفَ وَقَدْ نَزَلَ النَّاسُ مَنْزِلَهُمْ وَأَخَذُوا أَخْدَاتِهِمْ؟ فَيُقَالُ لَهُ: أَتَرْضَى أَنْ يَكُونَ لَكَ مِثْلُ مَلِكٍ مَلِكٍ مِنْ مُلُوكِ الدُّنْيَا؟ فَيَقُولُ: رَضِيْتُ، رَبِّ! فَيَقُولُ: لَكَ ذَلِكَ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ. فَقَالَ فِي الْخَامِسَةِ: رَضِيْتُ، رَبِّ! فَيَقُولُ: هَذَا لَكَ وَعَشْرُهُ أَمْثَالِهِ، وَلَكَ مَا اشْتَهَتْ نَفْسُكَ وَلَمَذَتْ عَيْنُكَ. فَيَقُولُ: رَضِيْتُ، رَبِّ!

قَالَ: رَبِّ! فَأَعْلَاهُمْ مَنْزِلَةً؟ قَالَ: أَوْلَيْكَ الَّذِينَ أَرَدْتُ، غَرَسْتُ كَرَامَتَهُمْ بِيَدِي، وَخَتَمْتُ عَلَيْهَا، فَلَمْ تَرَ عَيْنٌ وَلَمْ تَسْمَعْ أُذُنٌ وَلَمْ يَخْطُرْ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٌ. (١) ٨٤. عبد العظیم حسنی گوید: عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ أَدْنَى مَقْعَدٍ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ أَنْ يَقُولَ لَهُ: تَمَنَّ! فَيَتَمَنَّى وَيَتَمَنَّى، فَيَقُولُ لَهُ: هَلْ تَمَنَيْتَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقُولُ لَهُ: فَإِنَّ لَكَ مَا تَمَنَيْتَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ. (٢).

١- صحيح مسلم: ج ١ ص ١٧٦ ح ٣١٢، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٣٤٧ ح ٣١٩٨، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ٤٤٦ ح ٧٤٢٦ وفيهما صدره إلى «ولذت عينك»، مسند الحميدى: ج ٢ ص ٣٣٥ ح ٧٦١، تفسير الطبرى: ج ١١ الجزء ٢١ ص ١٠٤ كلها عن المغيرة بن شعبه، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥٠٤ ح ٣٩٤٢٣.

٢- صحيح مسلم: ج ١ ص ١٦٧ ح ٣٠١، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٨١٧٤ كلاهما عن أبي هريرة.

۳۰۰. کتاب سلیم بن قیس عن المقداد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی از پروردگارش پرسید: کم منزلت ترین اهل بهشت کیست؟ پروردگارش فرمود: «مردی که پس از آن که همه بهشتیان به بهشت برده شدند، می آید و به او گفته می شود: وارد بهشت شو. او می گوید: ای پروردگار! چگونه وارد شوم، در حالی که مردم در منزل های خود فرود آمده اند و همه جا را گرفته اند؟ به او گفته می شود: آیا راضی هستی که همانند قلمرو پادشاهی از پادشاهان دنیا داشته باشی؟ او می گوید: راضی ام، پروردگار! خدا می گوید: آن اندازه و مانند آن و مانند آن و مانند آن و مانند آن و مانند آن به تو دادم. و او در بار پنجم، می گوید: راضی شدم، ای پروردگار! خدا می گوید: این همه و ده برابر آن، برای تو باشد. اصلاً هر چه دلت می خواهد و دیده ات لذت می برد، برای تو باشد. و او می گوید: راضی شدم، پروردگار!».

موسی علیه السلام گفت: پروردگار! پس بامنزلت ترین آنان چگونه است؟ خداوند فرمود: «برای آنان من خود، اراده کرده ام! بهشت آنان را با دست خود کاشته ام و بر آن مهر زده ام. نه چشمی آن را دیده و نه گوشی شنیده و نه بر دل بشری، گذر کرده است». ۳۰۱. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [حتی] آن یک از شما که پایین ترین جایگاه را در بهشت دارد، چنان است که [خداوند] به او می فرماید: «آرزو کن!» و او آرزو می کند و آرزو می کند. پس به او می فرماید: «آرزو کردی؟». می گوید: آری.

به او می فرماید: «آنچه آرزو کردی و مانند آن، از آن تو باد»..

٣٠٢. تاريخ دمشق عن ابن عباس: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَهُ، رَجُلٌ صَرَفَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ قَبْلَ الْجَنَّةِ، وَمَثَلُ لَهُ شَجَرَةٌ ذَاتُ ظِلٍّ، فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ، قَدَّمَنِي إِلَى هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَأَكُونُ فِي ظِلِّهَا! فَقَالَ اللَّهُ: هَلْ عَسَيْتَ إِنْ فَعَلْتَ أَنْ تَسْأَلَنِي غَيْرَهَا؟ قَالَ: لَا وَعَزَّتْكَ! فَقَدَّمَهُ اللَّهُ إِلَيْهَا.

وَمَثَلُ لَهُ شَجَرَةٌ ذَاتُ ظِلٍّ وَثَمَرٍ، فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ، قَدَّمَنِي إِلَى هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَكُونُ فِي ظِلِّهَا وَأَكُلُ مِنْ ثَمَرِهَا! فَقَالَ اللَّهُ لَهُ: هَلْ عَسَيْتَ إِنْ أَعْطَيْتَكَ ذَلِكَ أَنْ تَسْأَلَنِي غَيْرَهُ؟ فَيَقُولُ: لَا وَعَزَّتْكَ! فَيَقَدِّمُهُ اللَّهُ إِلَيْهَا.

فَتَمَثَّلُ لَهُ شَجَرَةٌ أُخْرَى ذَاتُ ظِلٍّ وَثَمَرٍ وَمَاءٍ، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ، قَدَّمَنِي إِلَى هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَكُونُ فِي ظِلِّهَا وَأَكُلُ مِنْ ثَمَرِهَا وَأَشْرَبُ مِنْ مَائِهَا! فَيَقُولُ لَهُ: هَلْ عَسَيْتَ إِنْ فَعَلْتَ أَنْ تَسْأَلَنِي غَيْرَهُ؟ فَيَقُولُ: لَا، وَعَزَّتْكَ لَا أَسْأَلُكَ غَيْرَهُ! فَيَقَدِّمُهُ اللَّهُ إِلَيْهَا.

فَيَبْرُزُ لَهُ بَابُ الْجَنَّةِ، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ، قَدَّمَنِي إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَأَكُونُ تَحْتَ نِجَافِ (١) الْجَنَّةِ، وَأَنْظُرُ إِلَى أَهْلِهَا! فَيَقَدِّمُهُ اللَّهُ إِلَيْهَا فَيَرَى أَهْلَ الْجَنَّةِ وَمَا فِيهَا، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ، أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ! قَالَ: فَيَدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.

قَالَ: فَإِذَا أَدْخَلَ الْجَنَّةَ، قَالَ: هَذَا لِي، قَالَ: فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: تَمَنَّ، فَيَتَمَنَّى، وَيُذَكِّرُهُ اللَّهُ: سَلْ مِنْ كَذَا وَكَذَا، حَتَّى إِذَا انْقَطَعَتْ بِهِ الْأَمَانِيُّ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: هُوَ لَكَ وَعَشْرُهُ أَمْثَالِهِ.

قَالَ: ثُمَّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ، يَدْخُلُ عَلَيْهِ زَوْجَتَاهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، فَيَقُولَانِ لَهُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَاكَ لَنَا وَأَحْيَانَا لَكَ. فَيَقُولُ: مَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُعْطِيَ. (٢).

١- النِّجَافُ: العَتَبَةُ وَهِيَ أُسْكُفَةُ البَابِ (الصَّحَاحُ: ج ٤ ص ١٤٢٩ «نِجَف»).

٢- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٥٥ ح ١١٢١٦، صحيح مسلم: ج ١ ص ١٧٥ ح ٣١١ نحوه وكلاهما عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥٠٢ ح ٣٩٤١٩.

۳۰۳.الإرشاد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دون پایه ترین اهل بهشت، کسی است که خداوند، روی او را از آتش به جانب بهشت گردانیده و درختی سایه دار برایش رویانیده است. پس می گوید: ای پروردگار! مرا به نزد این درخت ببر تا در سایه اش باشم. خدا می فرماید: «اگر چنین کنم، ممکن است چیز دیگری از من بخواهی». می گوید: به عزّت سوگند که نمی خواهم.

پس خداوند، او را نزد آن درخت می بَرَد و [سپس] درخت دیگری با سایه و میوه برایش مجسم می گردد. او می گوید: ای پروردگار! مرا به نزد این درخت ببر تا در سایه اش بیارمَم و از میوه اش بخورم. خداوند می فرماید: «اگر آن را به تو بدهم، ممکن است چیز دیگری از من بخواهی!». می گوید: به عزّت سوگند که نمی خواهم. پس خداوند، او را به نزد آن درخت می برد. باز درخت دیگری با سایه و میوه و آب برایش نمایان می شود. او می گوید: ای پروردگار! مرا به نزد آن درخت ببر تا در سایه اش باشم و از میوه اش بخورم و از آبش بنوشم.

خداوند می فرماید: «اگر چنین کنم، شاید چیز دیگری از من بخواهی!».

می گوید: نه، به عزّت سوگند که چیز دیگری از تو نمی خواهم.

پس خداوند، او را به نزد آن می برد. در این هنگام، در بهشت برای او نمایان می شود. می گوید: ای پروردگار! مرا به در بهشت ببر تا زیر سر در بهشت باشم و به اهل آن بنگرم.

خداوند، او را به آن جا می برد و او اهل بهشت و آنچه را در آن است، می بیند و می گوید: ای پروردگار! مرا وارد بهشت گردان.

خداوند، او را وارد بهشت می کند.

چون وارد بهشت شد، می گوید: این، مال من!

خداوند عز و جل به او می فرماید: «آرزو کن» و خود، به او یادآوری می کند که: «از فلان چیز و فلان چیز بخواه»، تا این که چون آرزوهایش تمام شد، خدای عز و جلمی فرماید: «اینها و ده برابر اینها، مال تو باشد».

سپس وارد بهشت می شود و دو همسرش از حور العین به نزدش می روند و به او می گویند: ستایش، خدای را که تو را برای ما و ما را برای تو، زنده نگه داشت.

او می گوید: نعمتی که به من داده شده، به هیچ کس داده نشده است..

الفصل السابع عشر: المبشرون بالجنة ١٧ / أهل بيت النبي عليهم السلام ٣٠٧. الإرشاد: رسول الله صلى الله عليه وآله: وَسَيَطُ الْجَنَّةِ لِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي . (١) ٣٠٨. الإمام علي عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ فَاطِمَةَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ ، فِي قُبَّةِ بَيْضَاءَ ، سَقْفُهَا عَرْشُ الرَّحْمَنِ . (٢) راجع: ص ٥٥٠ (الفصل الخامس عشر: نظام الجنة / اول من يدخل الجنة) و ص ٦١٠ (الفصل السادس عشر: درجات الجنة / درجة النبي صلى الله عليه وآله واهل بيته) .

-
- ١- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ٢ ص ٦٨ ح ٣١٤ عن الحسن بن عبد الله التميمي عن أبيه عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٧٨ ح ١٣١ .
 - ٢- تاريخ دمشق: ج ١٣ ص ٢٢٩ ح ٣٢٣٩ ، المناقب للخوارزمي: ص ٣٠٣ ح ٢٩٨ كلاهما عن عمر بن الخطاب ، كنز العمال: ج ١٢ ص ٩٨ ح ٣٤١٦٧؛ بشاره المصطفى: ص ٤٨ نحوه ، كشف الغمّة: ج ٢ ص ١٥٢ عن عمر ، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٣٠٣ .

فصل هفدهم: نوید داده شدگان به بهشت

۱۷ / ۱ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل هفدهم: نوید داده شدگان به بهشت ۱۷ / ۱ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۱۳. الطبقات الکبری عن عمر بن علی بن أبی طالب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وسط بهشت، از آن من و اهل بیت من است. ۳۱۴. تاریخ الطبری عن ابن إسحاق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فاطمه و علی و حسن و حسین، [در بهشت]، در پَرچینِ پاکی، در سراپرده ای سپید که سقف آن، عرش خدای مهربان است، جای دارند. ر. ک: ص ۵۵۱ (فصل پانزدهم: نظام بهشت / نخستین کسانی که به بهشت، وارد می شوند) و ص ۶۱۱ (فصل شانزدهم: درجات بهشت / درجه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او).

١٧ / ٢ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ١. أَبُو الدَّحْدَاحِ (١) ٩٤. عاصم بن بهدله گوید: تفسیر القرطبی عن زید بن أسلم: لَمَّا نَزَلَ: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» (٢) قَالَ أَبُو الدَّحْدَاحِ: فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ اللَّهَ يَسْتَقْرِضُنَا وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِ الْقَرْضِ!؟

قَالَ: نَعَمْ، يُرِيدُ أَنْ يُدْخِلَكُمُ الْجَنَّةَ بِهِ. قَالَ: فَإِنِّي إِنْ أَقْرَضْتُ رَبِّي قَرْضًا يَضْمَنُ لِي بِهِ وَلِصَبِيَّتِي الدَّحْدَاحَةَ (٣) مَعِيَ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَنَاوَلَنِي يَدَكَ، فَنَاوَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدَهُ. فَقَالَ: إِنَّ لِي حَيْدِيَّتَيْنِ؛ إِحْدَاهُمَا بِالسَّافِلَةِ وَالْأُخْرَى بِالْعَالِيَةِ، وَاللَّهِ! لَا أَمْلِكُ غَيْرَهُمَا، قَدْ جَعَلْتُهُمَا قَرْضًا لِلَّهِ تَعَالَى.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اجْعَلْ إِحْدَاهُمَا لِلَّهِ، وَالْأُخْرَى دَعَاهَا مَعِيشَةً لَكَ وَلِعِيَالِكَ.

قَالَ: فَأَشْهَدُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ خَيْرَهُمَا لِلَّهِ تَعَالَى، وَهُوَ حَائِطٌ فِيهِ سِتْمَتُهُ نَخْلِهِ.

قَالَ: إِذَا يَجْزِيكَ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ.

فَانطَلَقَ أَبُو الدَّحْدَاحِ حَتَّى جَاءَ أُمَّ الدَّحْدَاحِ، وَهِيَ مَعَ صَبِيَّانِهَا فِي الْحَدِيقَةِ تَدْوُرُ تَحْتَ النَّخْلِ، فَأَنْشَأَ يَقُولُ:

هَيْدَاكَ رَبِّي سُبُلَ الرَّشَادِ إِلَى سَبِيلِ الْخَيْرِ وَالسَّدَادِ بَيْنِي مَتْنِ الْحَائِطِ بِالْوَدَادِ فَقَدْ مَضَى قَرْضًا إِلَى التَّنَادِ (٤) أَقْرَضْتُهُ اللَّهُ عَلَى اعْتِمَادِ بِيَاطُوعٍ لَا مَنٍّ وَلَا ارْتِمَادٍ إِلَّا رَجَاءَ الضُّعْفِ فِي الْمَعَادِ فَسَارَتْحَلِي بِالنَّفْسِ وَالْأَوْلَادِ وَالْبِرِّ لَا شَكَّ فَخَيْرُ زَادٍ قَدَّمَهُ الْمَرْءُ إِلَى الْمَعَادِ

قَالَتْ أُمُّ الدَّحْدَاحِ: رِبْحٌ بَيْعُكَ! بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِيمَا اشْتَرَيْتَ.

ثُمَّ أَجَابَتْهُ أُمُّ الدَّحْدَاحِ وَأَنْشَأَتْ تَقُولُ:

بَشَّرَكَ اللَّهُ بِخَيْرٍ وَفَرَحِمْتِكَ أَدَى مَا لَدَيْهِ وَنَصَحَ قَدْ مَنَّ اللَّهُ عِيَالِي وَمَنْحِبَالِعَجْوِهِ (٥) السُّودَاءِ وَالرَّهْوِ الْبَلْحِ وَالْعَبْدُ يَسْعَى وَلَهُ مَا قَدْ كَدَّحَطُولَ اللَّيَالِي وَعَلَيْهِ مَا اجْتَرَحَ

ثُمَّ أَقْبَلَتْ أُمَّ الدَّحْدَاحِ عَلَى صَبِيَّانِهَا، تُخْرِجُ مَا فِي أَفْوَاهِهِمْ وَتَنْفُضُ مَا فِي أَكْمَامِهِمْ، حَتَّى أَفْضَتْ إِلَى الْحَائِطِ الْآخِرِ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَمَ مِنْ عَذَقٍ رِدَاحٍ (٦)، وَدَارٍ فَيَاحٍ، لِأَبِي الدَّحْدَاحِ. (٧).

١- أبو الدَّحْدَاحِ، وَيُقَالُ: أَبُو الدَّحْدَاحِ، فَلَانُ بِنُ الدَّحْدَاحِ مَذْكَورٌ فِي الصَّحَابَةِ، لَا أَقِفُ عَلَى اسْمٍ وَلَا نَسَبٍ أَكْثَرَ مِنْ أَنَّهُ مِنْ الْأَنْصَارِ؛ حَلِيفٌ لَهُمْ. وَقَدْ قِيلَ: إِنَّ أَبَا الدَّحْدَاحِ هَذَا اسْمُهُ ثَابِتُ بِنُ الدَّحْدَاحِ... (الاستيعاب: ج ٤ ص ٢١٠ الرقم ٢٩٦٩ وراجع

: أَسَدُ الْغَابَةِ : ج ٥ ص ١٨٥ ، الإِصَابَةُ : ج ٧ ص ١٠١) .

٢- .البقره : ٢٤٥ .

٣- .كَذَا فِي الْمَصْدَرِ ، وَجَاءَ فِي تَفْسِيرِ الثَّعْلَبِيِّ كَمَا يَلِي : «قَالَ : فَزَوَّجِي أُمَّ الدَّحْدَاحِ مَعِيَ؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ : الدَّحْدَاحُ مَعِيَ؟ قَالَ : نَعَمْ» ، وَهُوَ الْأَصْحَحُ .

٤- .يَوْمُ التَّنَادِ : يَوْمُ الْقِيَامَةِ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ : ج ٣ ص ١٧٦٥ «نَدَا»).

٥- .الْعَجْوَةُ : نَوْعٌ مِنْ تَمْرِ الْمَدِينَةِ (الْنَهَائِيَّةُ : ج ٣ ص ١٨٨ «عَجَا»).

٦- .رِدَاحٌ : أَيُّ ثَقِيلٍ (الْنَهَائِيَّةُ : ج ٢ ص ٢١٣ «رَدَحَ»).

٧- .تَفْسِيرُ الْقُرْطُبِيِّ : ج ٣ ص ٢٣٨ ، شَعْبُ الْإِيْمَانِ : ج ٣ ص ٢٥٠ ح ٣٤٥٢ ، تَفْسِيرُ ابْنِ كَثِيرٍ : ج ٨ ص ٤٠ كِلَاهِمَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، تَفْسِيرُ الطَّبْرِيِّ : ج ٢ الْجُزْءُ الثَّانِي ص ٥٩٣ ، تَفْسِيرُ الثَّعْلَبِيِّ : ج ٢ ص ٢٠٧ كُلُّهَا نَحْوَهُ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ٢ ص ٣٥٤ ح ٤٢٢٤ .

۱۷ / ۲ شماری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. ابو دحداح

۱۷ / ۲ شماری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله ۱. ابو دحداح (۱) ۹۷. الشریف أبو جعفر محمّد بن أحمد [بن] عیسی العلوی جتفسیر القرطبی به نقل از زید بن اسلم: چون آیه «کیست که به خدا قرضی نیکو دهد» نازل شد، ابو دحداح گفت: پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! خدا از ما تقاضای قرض می کند، در صورتی که او از قرض کردن، بی نیاز است؟

فرمود: «آری. می خواهد از این طریق. شما را به بهشت ببرد».

ابو دحداح گفت: پس اگر من به پروردگارم قرض بدهم، در ازای آن، بهشت را برای من و دخترم دحداحه، ضمانت می کند؟

فرمود: «آری».

ابو دحداح گفت: پس دستت را به من بده.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست خود را به او داد. ابو دحداح گفت: من دو باغ دارم: یکی در سافله (پایین دست مدینه) و دیگری در عالیه (بالا دست مدینه) و به خدا سوگند که جز این دو، چیزی ندارم. اینها را هم به خداوند متعال، قرض دادم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یکی را برای خدا قرار بده و دیگری را برای گذران زندگی خودت و عائله ات بگذار».

ابو دحداح گفت: پس گواه باش ای پیامبر خدا که من بهترین آن دو را برای خداوند متعال قرار دادم، که باغی است با ششصد خرما بن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا نیز به پاداش آن، بهشت را به تو عطا می فرماید».

ابو دحداح به راه افتاد و نزد امّ دحداح که با کودکش در باغ، زیر درختان خرما می گشت رفت و شروع به خواندن این اشعار کرد:

پروردگارم، تو را به راه راست، هدایت کند

به راه خیر و درستی!

باغ را با عشق ، ترک کن ؛

چرا که به قرضِ روزِ قیامت رفت .

آن را با اطمینان ، به خدا قرض دادم

داوطلبانه ، نه با منت و نه باز گرفتنی

و فقط به امید دستگیری در معاد .

پس ، خود با فرزندان ، آن را ترک کن .

نیکی ، بی گمان ، بهترین توشه است

که آدمی به سوی معاد می فرستد .

اُمّ دحداح گفت : سودایت سودمند باد! خدا برای آنچه معامله کردی ، به تو برکت دهد !

آن گاه اُمّ دحداح ، در پاسخ ، این ابیات را خواند :

خدا تو را به خیر و شادمانی ، بشارت دهد!

چونان تو ، آنچه را که دارد ، خالصانه می بخشد .

خدا خانواده مرا بهره مند ساخته و

خرمای سیاه عجوه و خرمای سبز کال بخشیده است .

بنده می کوشد و برای اوست نتیجه کوشش های او

در طول شب ها ، و نیز هر گناهی که مرتکب شود ، بر گردن اوست .

او این ابیات را گفت . آن گاه به طرف کودکش رفت و آنچه را در دهان هایشان بود ، بیرون آورد و آنچه را در آستین

هایشان بود ، بر زمین ریخت و به باغ دیگر رفتند .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بسا خرمائیان [پُربار و] سنگین و [نیز] سرایی وسیع که [در بهشت] برای ابو دحداح

است» .

۱- گفته می شود: ابو دحداحه ، فلان بن دحداحه ، نامش جزء صحابه آمده ؛ ولی اطلاعاتی بیش از این که او از انصار یا هم پیمان آنها بوده ، نیافتیم . گفته شده که نام ابو دحداح ، ثابت بن دحداح است (الاستیعاب : ج ۴ ص ۲۱۰) .

ص: ٦٧١

..

٢. أَبُو ذَرِّ الْغِفَارِيِّ ١٩٧. نافع غلام عائشه گوید: رسول الله صلى الله عليه و آله: ما أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ وَلَا أَقَلَّتِ الْعَبْرَاءُ (١) عَلَى ذِي لَهَجِهِ أَصْدَقَ مِنْ أَبِي ذَرٍّ، يَعْيشُ وَحَدَهُ، وَيَمُوتُ وَحَدَهُ، وَيُبْعَثُ وَحَدَهُ، وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَحَدَهُ. (٢) ٣. أَبُو طَالِبٍ ٤٩٩. ومنها {Q} « فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفَيَايَمَانَ أَبِي طَالِبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ أَبَا طَالِبٍ فِي ضَحَضَاحٍ (٣) مِنْ نَارٍ! فَقَالَ: كَذَبُوا، مَا بِهَذَا نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛

قُلْتُ: وَبِمَا نَزَلَ؟ قَالَ: أَتَى جِبْرَائِيلُ فِي بَعْضِ مَا كَانَ عَلَيْهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ رَبَّكَ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: إِنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ أَسِيرُوا الْإِيمَانَ وَأَظْهَرُوا الشُّرْكَ، فَآتَاهُمُ اللَّهُ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ، وَإِنَّ أَبَا طَالِبٍ أَسِيرَ الْإِيمَانَ وَأَظْهَرَ الشُّرْكَ، فَآتَاهُ اللَّهُ أَجْرَهُ مَرَّتَيْنِ، وَ مَا خَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَتَتْهُ الْبِشَارَةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِالْجَنَّةِ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ يَصِفُ فُؤُوهَ بِهَذَا الْمَلَاعِينُ وَقَدْ نَزَلَ جِبْرَائِيلُ لَيْلَهُ مَاتَ أَبُو طَالِبٍ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْرَجَ مِنْ مَكَّةَ فَمَا لَكَ بِهَا نَاصِرٌ بَعْدَ أَبِي طَالِبٍ. (٤).

١- الْعَبْرَاءُ: الْأَرْضُ، وَالْخَضْرَاءُ: السَّمَاءُ؛ لِوَلَوْنِهِمَا (النهاية: ج ٣ ص ٣٣٧ «غبر»).

٢- رجال الكشي: ج ١ ص ٩٨ ح ٤٨، روضه الواعظين: ص ٣١١، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٣٩٨ ح ٤.

٣- الضَّحَضَاحُ فِي الْأَصْلِ: مَا رَقَّ مِنَ الْمَاءِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مَا يَبْلُغُ الْكَعْبِينَ، فَاسْتَعَارَهُ لِلنَّارِ (النهاية: ج ٣ ص ٧٥ «ضحضح»).

٤- إيمان أبي طالب: ص ٨٣، بحار الأنوار: ج ٣٥ ص ١١١ ح ٤٣ وراجع: الكافي: ج ١ ص ٤٤٨ ح ٢٨ و معاني الأخبار: ص ٢٨٥ ح ١ والأمالى للصدوق: ص ٧١٢ ح ٩٨١.

۲. ابو ذر غفاری

۳. ابو طالب

۲. ابو ذر غفاری ۱۹۹. عبدالعظیم با سند خود از امام باقر علیه السلام نقل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آسمان، بر گوینده ای راستگوتر از ابو ذر، سایه نیفکنده و زمین، راستگوتر از او را بر پشت خود، حمل نکرده است. او، تنها زندگی می کند و تنها می میرد و تنها برانگیخته می شود و تنها وارد بهشت می شود. ۳. ابو طالب ۲۱۰۱. حدیثی جعفر بن أحمد بن سعید الرازی، عن بکر بن صایمان اَبی طالب به نقل از عبد الرحمان بن کثیر: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم، مدّعی اند که ابو طالب در برکه ای از آتش است.

فرمود: «دروغ می گویند! جبرئیل، چنین چیزی را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نکرده است».

گفتم: پس چه نازل کرده است؟

فرمود: «جبرئیل در یکی از نازل شدن هایش بر پیامبر صلی الله علیه و آله، گفت: ای محمّد! پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید: اصحاب کهف، ایمان را نماند و به ظاهر، شرک می ورزیدند. پس خداوند به آنان دو بار مزد داد. ابو طالب نیز در باطن، مؤمن بود و به ظاهر، مشرک، و خداوند به او هم دو بار مزد داد. او از دنیا نرفت تا آن که از جانب خدای متعال برایش بشارت بهشت آمد».

سپس فرمود: «چگونه این ملعون ها در باره او چنین می گویند، حال آن که در شب وفات ابو طالب، جبرئیل نازل شد و گفت: محمّد! از مکه برو؛ زیرا بعد از ابو طالب، دیگر در این جا یآوری نداری؟!».

٤ . بلال (١) ١٠٠. ابى عبدالله عليه السلام :رسول الله صلى الله عليه و آله :اشتاقَتِ الْجَنَّةُ إِلَى ثَلَاثَةٍ : إِلَى عَلِيٍّ وَعَمَّارٍ وَبِلَالٍ .
 (٢) ١٠١... به ابى عبدالله عرض كردم :صحيح البخارى عن أبى هريره :إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِبِلَالٍ عِنْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ :
 يَا بِلَالُ ، حَدِّثْنِي بِأَرْجَى عَمَلٍ عَمِلْتَهُ فِي الْإِسْلَامِ ، فَإِنِّي سَمِعْتُ دَفَّ نَعْلَيْكَ بَيْنَ يَدَيَّ فِي الْجَنَّةِ .

قَالَ : مَا عَمِلْتُ عَمَلًا أَرْجَى عِنْدِي : إِنِّي لَمْ أَتَطَهَّرْ طُهُورًا فِي سَاعَةِ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ ، إِلَّا صَيَّيْتُ بِذَلِكَ الطُّهُورِ مَا كُتِبَ لِي أَنْ أُصَلِّيَ .
 (٣) .

١- .هُوَ بِلَالُ بْنُ رَبَاحٍ مَوْلَى أَبِي بَكْرٍ وَ يُكْنَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، وَكَانَ مِنْ مُوَلَّدِي السُّرَاهِ ، وَاسْمُ أُمِّهِ حَمَامَةٌ . هُوَ مِنَ الْأَوَائِلِ الَّذِينَ دَخَلُوا فِي الْإِسْلَامِ فَعَزَّزَتْهُ قَوْمُهُ فَأَمَرَ النَّبِيُّ بِشِرَائِهِ وَأَعْتَقَهُ ، وَعُرِفَ بِمُؤَدِّنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . شَهِدَ حُرُوبَ صَيْدِ الْإِسْلَامِ ، وَسَافَرَ فِي عَهْدِ عُمَرَ إِلَى الشَّامِ وَتُوفِّيَ فِيهَا سَنَةَ ٢٠ هـ عَنْ عُمَرَ يُنَاهِزُ ال ٦٣ عَامًا .

٢- .تاريخ دمشق : ج ١٠ ص ٤٥١ ح ٢٦٣٦ ، سير أعلام النبلاء : ج ١ ص ٣٥٥ ، تهذيب الكمال : ج ٣٣ ص ٣٠٧ الرقم ٧٣٥٦ ، شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد : ج ١٠ ص ١٠٤ كلها عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٣١ ص ٢٠٢ .

٣- .صحيح البخارى : ج ١ ص ٣٨٦ ح ١٠٩٨ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٢٣٠ ح ٨٤١١ ، صحيح ابن حبان : ج ١٥ ص ٥٦٠ ح

٧٠٨٥ ، صحيح ابن خزيمة : ج ٢ ص ٢١٣ ح ١٢٠٨ ، مسند إسحاق بن راهويه : ج ١ ص ٢١٨ ح ١٧٤ نحوه ، كنز العمال : ج ١١ ص ٦٥٧ ح ٣٣١٧٥ .

۴. بلال

۴. بلال (۱) ۱۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت به سه کس، مشتاق است؛ به علی و عمار و بلال. ۳۱۹. عنه صلی الله علیه و آله: صحیح البخاری به نقل از ابو هریره: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام نماز صبح، به بلال فرمود: «ای بلال! برایم بگو که به کدام عملی که در مسلمانی ات کرده ای، امیدوارتری؛ زیرا من در بهشت، صدای کفش های تو را خیلی نزدیک به خودم در بهشت شنیدم».

گفت: امیدبخش ترین عملی که از نظر خودم انجام داده ام، این است که در هیچ ساعتی از شب یا روز، وضو نساختم، مگر این که با آن وضو، نمازی را که بر من واجب شده بود، خواندم.

۱- بلال بن رباح، غلام آزاد شده ابو بکر، با کنیه ابو عبد الله، و متولد سیرات است. نام مادرش حمامه بود. از نخستین کسانی بود که به اسلام گروید؛ ولی قومش او را شکنجه می دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد او را خریدند و آزاد شد. معروف به مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله است. وی در جنگ های صدر اسلام، شرکت داشت و در زمان عمر، به شام رفت و در همان جا در سال بیست هجری در ۶۳ سالگی، از دنیا رفت و به خاک سپرده شد.

٣٢٠. عنه صلى الله عليه وآله: مسند ابن حنبل عن ابن عباس: لَيْلَةَ أُسْرَى بِنْتِي اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَدَخَلَ الْجَنَّةَ ، فَسَجَّعَ مِنْ جَانِبِهَا وَجَسًا (١) ، قَالَ : يَا جَبْرِيلُ ، مَا هَذَا؟ قَالَ : بِلَالُ الْمُؤَدَّبِ . (٢) ٣٢١. إثبات الوصية (في خبر دَعَوِهِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تهذيب الأحكام عن سليمان بن جعفر عن أبيه: دَخَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ لَهُ ، إِنَّ أَوَّلَ مَنْ سَبَقَ إِلَى الْجَنَّةِ بِلَالٌ . قَالَ : وَ لِمَ ؟ قَالَ : لِأَنَّهُ أَوَّلُ مَنْ أَدَّ . (٣) ٥ . جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الطَّيَّارُ (٤) ٣٢٣. الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله لَمَّا اسْتَشْهَدَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَقَطَعَتْ يَدَاهُ فِي غَزْوِهِ مُوتَهُ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَدَّلَهُ بِيَدَيْهِ جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَ . (٥) راجع : ص ٦٨٢ (زيد بن حارثة) .

١- الوَجْسُ : الصوتُ الخفيُّ ، وَتَوَجَّسَ بِالشَّيْءِ : أَحَسَّ بِهِ فَتَسَمَّعَ لَهُ (النهاية : ج ٥ ص ١٥٦ «وجس»).

٢- مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٥٥٣ ح ٢٣٢٤ ، تاريخ دمشق : ج ١٠ ص ٤٥٧ ح ٢٦٥١ ، كنز العمال : ج ١١ ص ٦٥٣ ح ٣٣١٦٣

٣- تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ٢٨٤ ح ١١٣٣ ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ١٤٢ ح ١٢٨ .

٤- هُوَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَمُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَخُو الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . كُنِيَّتُهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ . آمَنَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ أَنْ يُعْلَنَ دَعْوَتُهُ فِي دَارِ الْأَرْقَمِ ، وَعِنْدَمَا تَحَمَّلَ الْمُسْلِمُونَ الْعَنَاءَ وَالْأَذَى فِي مَكَّةَ هَاجَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى الْحَبَشَةِ بِأَمْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهَاجَرَ مَعَهُمْ جَعْفَرٌ وَتَوَلَّى قِيَادَتَهُمْ . وَبَعْدَمَا فَتَحَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَيْبَرَ وَهَاجَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ رَجَعَ جَعْفَرٌ مِنَ الْحَبَشَةِ . نَصَبَهُ النَّبِيُّ قَائِدًا لِلجَيْشِ فِي وَقْعِهِ مُوتَهُ بَعْدَ اسْتِشْهَادِ زَيْدِ بْنِ الْحَارِثَةِ ، فَاسْتَشْهَدَ هُوَ أَيْضًا وَكَانَ لَهُ مِنَ الْعُمَرِ ٤٠ عَامًا (راجع : الإصابه : ج ١ ص ٥٩٢ الرقم ١١٦٩ والطبقات الكبرى : ج ٤ ص ٣٤ و سير أعلام النبلاء : ج ١ ص ٢٠٦ الرقم ٣٤) .

٥- الاستيعاب : ج ١ ص ٣١٣ الرقم ٣٣١ ، ذخائر العقبى : ص ٣٦٠ كلاهما عن الزبير ، الأنساب : ج ٤ ص ٩١ ؛ بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ٢٧٦ ح ٢٥ .

۵. جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار)

۱۰۷. عبدالعظیم الحسنی عن الصادق علیه السلام فی خبر: مسند ابن حنبل به نقل از ابن عباس: شبی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به معراج بردند و ایشان وارد بهشت شد، از گوشه آن زمزمه ای شنید. فرمود: ای جبرئیل! این چیست؟».

جعبرئیل گفت: [صدای] بلال مؤذن است. ۱۰۶. ابراهیم علوی گوید: تهذیب الأحکام به نقل از سلیمان بن جعفر، از پدرش: مردی از اهالی شام بر امام صادق علیه السلام وارد شد و ایشان به او فرمود: «نخستین کسی که به سوی بهشت پیشی گرفت، بلال بود».

مرد شامی پرسید: چرا؟

فرمود: «زیرا او نخستین کسی بود که اذان گفت». ۵. جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار) (۱) ۱۰۸. عن سهل بن زیاد، عن عبدالعظیم الحسنی، عن اسحاق النبیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از به شهادت رسیدن جعفر بن ابی طالب و قطع شدن دو دست او در جنگ موته: خداوند عز و جل به جای دو دستش، دو بال به او عطا فرمود که با آنها در بهشت، هر کجا که بخواهد، پرواز می کند. ر. ک: ص ۶۸۳ (زید بن حارثه).

۱- جعفر، فرزند ابو طالب، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و برادر گرامی امام علی علیه السلام است و کنیه اش ابو عبد الله است. وی قبل از آن که پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت خود را در خانه ارقم آشکار نماید، اسلام آورد و هنگامی که زندگی برای مسلمانان در مکه سخت شد و گروهی از مسلمانان به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله به حبشه هجرت کردند، رهبری آنها را به عهده داشت. او پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه، هنگام فتح خیبر، از حبشه باز گشت. پیامبر صلی الله علیه و آله او را در جنگ موته به عنوان فرمانده دوم جنگ (بعد از شهادت زید بن حارثه) تعیین کردند که در آن جنگ به شهادت رسید و هنگام شهادت، چهل سال داشت.

٦ . حَارِثَةُ بِنُ سُرَاقَةَ (١) ١٠٩... به نقل از ابراهیم بن ابی محمود ، گفت : رسول الله صلى الله عليه و آله لَأُمِّ حَارِثَةَ وَقَدْ أُصِيبَ ابْنُهَا يَوْمَ يَدْرِ : يَا أُمَّ حَارِثَةَ! إِنَّهَا جَنَّتْ فِي جَنَّتِهِ ، وَإِنَّ ابْنَكَ أَصَابَ الْفِرْدَوْسَ الْأَعْلَى ، وَالْفِرْدَوْسُ رَبْوَةُ الْجَنَّةِ وَأَوْسَطُهَا وَأَفْضَلُهَا . (٢) ١١٠ . وفي كتاب النبوه بالإسناد عن عبدالعظيم بن عبداللشرح نهج البلاغه عن الواقدي : أَصَابَ حَارِثَةَ بِنُ سُرَاقَةَ وَهُوَ يَكْرَعُ (٣) فِي الْحَوْضِ سَهْمٌ غَرَبٌ (٤) مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَوَقَعَ فِي نَحْرِهِ فَمَاتَ . . . فَلَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَدْرِ جَاءَتْ أُمُّهُ إِلَيْهِ ، فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَدْ عَرَفْتَ مَوْضِعَ حَارِثَةَ فِي قَلْبِي ، فَأَرَدْتُ أَنْ أَبْكِيَ عَلَيْهِ ، ثُمَّ قُلْتُ : لَا أَفْعَلُ حَتَّى أَسْأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْهُ ؛ فَإِنْ كَانَ فِي الْجَنَّةِ لَمْ أَبْكِهِ ، وَإِنْ كَانَ فِي النَّارِ بَكَيْتُهُ فَأَعْوَلْتُهُ .

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هَبَلَتْ ، أَجَنَّتْ وَاحِدَةً! إِنَّهَا جِنَانٌ كَثِيرَةٌ ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهُ لَفِي الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى .

قَالَتْ : فَلَا أَبْكِي عَلَيْهِ أَبَدًا . (٥) .

١- .هُوَ حَارِثَةُ بِنُ سُرَاقَةَ بِنِ الْحَارِثِ بْنِ عَدِيِّ بْنِ مَالِكٍ ، وَأُمُّهُ أُمُّ حَارِثَةَ اسْمُهَا الرَّبِيعُ بِنْتُ النَّضْرِ ، وَهِيَ عَمَّةُ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ بْنِ النَّضْرِ خَادِمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، شَهِدَ بَدْرًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَقُتِلَ يَوْمَئِذٍ شَهِيدًا ، وَكَانَ أَوَّلَ فَارِسٍ اسْتَشْهِدَ (راجع : الطبقات الكبرى : ج ٣ ص ٥١٠ وأسَدُ الْغَابَةِ : ج ١ ص ٦٥٠ الرقم ٩٩٣ و موسوعه حياه الصحابه : ج ٢ ص ٥٩٥ الرقم ١٤٠٤)

٢- .سنن الترمذی : ج ٥ ص ٣٢٧ ح ٣١٧٤ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٥١٨ ح ١٣٧٤٣ ، السنن الكبرى : ج ٩ ص ٢٨١ ح ١٨٥٤٠ ، صحيح البخاری : ج ٣ ص ١٠٣٤ ح ٢٦٥٤ ، المعجم الكبير : ج ٢٤ ص ٢٦٣ ح ٦٦٥ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ٤٨١ ح ٦١ وليس في الثلاثة الأخيره ذيله من «والفردوس ربوه الجنة . . .» وكلها عن أنس ، كتر العمال : ج ١١ ص ٦٧٠ ح ٣٣٢٤١ .

٣- .يَكْرَعُ الْمَاءَ : إِذَا تَنَاوَلَهُ بِفِيهِ مِنْ مَوْضِعِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَشْرَبَ بِكَفِّهِ وَلَا يَأْنَاءَ (الصحيح : ج ٣ ص ١٢٧٥ «كرع»).

٤- .أَصَابَهُ سَهْمٌ غَرَبٌ وَغَرَبٌ : إِذَا كَانَ لَا يَدْرِي مَنْ رَمَاهُ (لسان العرب : ج ١ ص ٦٤١ «غرب»).

٥- .شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ١٤ ص ١٤٧ ؛ بحار الأنوار : ج ١٩ ص ٣٤١ .

۶. حارثه بن سراقه

۶. حارثه بن سراقه (۱) ۱۱۲. و فی الحسن بل الصحیح عن عبدالعظیم الحسنی، عن ابیپامبر خدا صلی الله علیه و آله به مادر حارثه، آن گاه که فرزندش در جنگ بدر، به شهادت رسید: ای اُم حارثه! در بهشت، بهشتی دیگر است و فرزند تو، در فردوس برین، جای گرفت و فردوس، بلندای بهشت و وسط آن و بهترین جای آن است. ۱۱۰. در کتاب النبوه به سند عبدالعظیم الحسنی: شرح نهج البلاغه به نقل از واقدی: حارثه بن سراقه مشغول آب خوردن با دهانش از آبگیر بود که تیری از سوی مشرکان آمد و بر گلویش نشست و جان داد... چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بدر باز گشت، مادر حارثه نزد ایشان آمد و گفت: ای پیامبر خدا! شما از جایگاه حارثه در قلبم آگاهی. من خواستم بر او گریه کنم؛ ولی با خود گفتم: گریه نکنم تا از پیامبر خدا در باره اش بپرسم. اگر در بهشت بود، بر او نگریم و اگر در آتش بود، بر او بگریم و ناله و فغان سر دهم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای داغ دیده! مگر یک بهشت هست؟! بهشت های بسیار وجود دارد و سوگند به آن که جانم در دست اوست، فرزند تو در فردوس برین است».

مادرش گفت: پس هرگز بر او نخواهم گریست.

۱- حارثه بن سراقه بن حارث بن عَبدی بن مالک، مادرش اُم حارثه ربیع دختر نضر، همان عمه آنس بن مالک بن نضر، خدمتکار پیامبر خداست. حارثه در جنگ بدر با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود و در همان جنگ، به شهادت رسید. او نخستین سوار اسلام بود که شهید شد.

٧. حَمْزَةُ بِنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ١١١٢.... به نقل از امام کاظم علیه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: دَخَلَتْ الْجَنَّةَ الْبَارِحَةَ ، فَنَظَرْتُ فِيهَا فَإِذَا جَعْفَرٌ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ ، وَإِذَا حَمْزَةُ مُتَّكِيَةٌ عَلَى سِرِيرٍ . (١) ١١٣. كتاب المسلسلات: عنه صلى الله عليه وآله: ما فى القيامة راكب غيرنا ، ونحن أربعة ... وعمى حمزة بن عبد المطلب أسد الله وأسود رسول سيد الشهداء ، على ناقتى العصابة . (٢) ١١٤. وأخبرنى عبدالحميد بن عبدالله ، عن عمر بن الحسين الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي ، ليس فى القيامة راكب غيرنا ونحن أربعة ، فقام إليه رجل من الأنصار فقال: فداك أبى وأمى ، ومن هم؟

قال: أنا على دابة الله الثبراق ، وأخى صالح على ناقه الله التى عقرت ، وعمى حمزة على ناقتى العصابة ، وأخى علي على ناقه من نوق الجنة . (٣) .

-
- ١- المستدرک على الصحيحين : ج ٣ ص ٢١٧ ح ٤٨٩٠ و ص ٢٣١ ح ٤٩٣٣ ، تهذيب الكمال : ج ٥ ص ٦١ الرقم ٩٤٤ كلها عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١١ ص ٦٦١ ح ٣٣١٩٢ .
 - ٢- الخصال : ص ٢٠٣ ح ١٩ ، الأمالى للطوسى : ص ٢٥٨ ح ٤٦٦ ، اليقين : ص ١٤٩ كلاهما نحوه وكلها عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٢٣٣ ح ٤ ؛ تاريخ بغداد : ج ١٣ ص ١٢٣ الرقم ٧١٠٦ ، تاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٣٢٦ ح ٨٨٨٧ كلاهما عن ابن عباس نحوه ، كنز العمال : ج ١٣ ص ١٥٣ ح ٣٦٤٧٨ .
 - ٣- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ٤٨ ح ١٨٩ ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص ٢٤٧ ح ١٥٩ كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى ، كفايه الأثر : ص ١٠٠ عن زيد بن أرقم عن رسول الله صلى الله عليه وآله ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٣ ص ٢٣١ ، بحار الأنوار : ج ٣٦ ص ٣١٩ ح ١٧١ .

۷. حمزه بن عبد المطلب

۷. حمزه بن عبد المطلب (۱) ۱۱۳. از کتاب المسلسلات: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دیشب، وارد بهشت شدم و در آن نگریستم. جعفر را دیدم که با فرشتگان در پرواز است و حمزه را دیدم که بر تختی تکیه زده بود. ۱۱۴... محمد بن علی بن بابویه با سند خود نقل می کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در قیامت، سواره ای جز ما چهار نفر نیست: ... و عمویم حمزه بن عبد المطلب، شیر خدا و شیر پیامبر او و سالار شهیدان، که بر ناقه ام عَصْبَا، سوار است. ۱۱۶. المتهدجد: امام رضا به نقل از پدرانش، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! در قیامت، سواره ای جز ما نیست و ما چهار نفریم».

مردی از انصار برخاست و گفت: پدر و مادرم فدای تو! آنان کیان اند؟

فرمود: «من بر مرکب خدا [یعنی] بُراق، برادرم صالح بر شتر پی شده خدا، عمویم حمزه بر شتر تندرو من [یعنی] عَصْبَا، و برادرم علی بر شتری از شتران بهشت».

۱- حمزه، شیر خدا و شیر پیامبر خدا، و عمو و برادر رضاعی ایشان است. مادرش هاله دختر اَهِیب و کنیه اش ابو عُمارة و ابو یعلی بود. او در همان ابتدای بعثت، ایمان آورد و از پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل رؤسای مشرک قریش، حمایت کرد. در جنگ بدر، پرچمدار بود و در جنگ اُحُد تا آخرین لحظه از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع کرد تا این که به دست غلام حبشی در ۵۹ سالگی به شهادت رسید.

٨. حَنْظَلَمَهُ ١١١٦... . امام جواد عليه السلام اين استعاذه را برای فر رسول الله صلى الله عليه وآله :رَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ تُغَسِّلُ حَنْظَلَمَهُ بِمَاءِ الْمُزْنِ (١) فِي صِحَاحٍ مِّنْ فَضِّهِ . (٢) ٩. زَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ ٤١١٨. عن عبد العظیم بن عبد الله الحسنی قال: المغازی عن عاصم بن عمر بن قتاده و عبد الجبار بن عماره :لَمَّا التَقَى النَّاسُ

بِمُوتِهِ جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى الْمِثْبَرِ وَكُشِفَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الشَّامِ ، فَهُوَ يَنْظُرُ إِلَى مُعْتَرِكِهِمْ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَخَذَ الرَّايَةَ زَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ ، فَجَاءَهُ الشَّيْطَانُ فَحَبَّبَ إِلَيْهِ الْحَيَاةَ وَكَرَّهَ إِلَيْهِ الْمَوْتَ وَحَبَّبَ إِلَيْهِ الدُّنْيَا! فَقَالَ : الْآنَ حِينَ اسْتَحَكَمَ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ تُحَبَّبُ إِلَيَّ الدُّنْيَا؟! فَمَضَى قُدَمَا حَتَّى اسْتُشْهِدَ . فَصَلَّى عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَقَالَ : اسْتَغْفِرُوا لَهُ فَقَدْ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَهُوَ يَسْعَى .

ثُمَّ أَخَذَ الرَّايَةَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، فَجَاءَهُ الشَّيْطَانُ فَمَنَّاهُ الْحَيَاةَ وَكَرَّهَ إِلَيْهِ الْمَوْتَ وَمَنَّاهُ الدُّنْيَا! فَقَالَ : الْآنَ حِينَ اسْتَحَكَمَ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ تُمْنِنِي الدُّنْيَا؟! ثُمَّ مَضَى قُدَمَا حَتَّى اسْتُشْهِدَ . فَصَلَّى عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَدَعَا لَهُ ، ثُمَّ قَالَ : اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ فَإِنَّهُ شَهِيدٌ ، دَخَلَ الْجَنَّةَ فَهُوَ يَطِيرُ فِي الْجَنَّةِ بِجَنَاحَيْنِ مِنْ يَأْقُوتٍ حَيْثُ يَشَاءُ مِنَ الْجَنَّةِ .

ثُمَّ أَخَذَ الرَّايَةَ بَعْدَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ ، فَاسْتُشْهِدَ وَدَخَلَ الْجَنَّةَ مُعْتَرِضًا . فَسَقَّ ذَلِكَ عَلَى الْأَنْصَارِ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَصَابَهُ الْجِرَاحُ . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا اعْتَرَضَهُ ؟ قَالَ : لَمَّا أَصَابَتْهُ الْجِرَاحُ نَكَلَ (٣) ، فَعَاتَبَ نَفْسَهُ فَشَجَعَ ، فَاسْتُشْهِدَ فَدَخَلَ الْجَنَّةَ . فَسَرَى عَنْ قَوْمِهِ . (٤) .

- ١- . الْمُزْنَةُ : الْمَطْرَةُ ، وَالْمُزْنُ : السَّحَابُ عَامَّةً ، وَقِيلَ : السَّحَابُ ذُو الْمَاءِ وَاحِدَتُهُ مُزْنَةٌ (لسان العرب : ج ١٣ ص ٤٠٦ «مزن»).
- ٢- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ١٥٩ ح ٤٤٥ ، تفسير القمى : ج ١ ص ١١٨ وفيه «ذهب» بدل «فضه» و ج ٢ ص ١١٠ ، بحار الأنوار : ج ٢٠ ص ٤٧ ح ٢ ؛ شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ١٤ ص ٢٧١ عن الواقدي ، تاريخ دمشق : ج ٢٧ ص ٤٢٤ و ليس فيه ذيله من «بماء المزن . . .» ، كنز العمال : ج ١١ ص ٦٧٤ ح ٣٣٢٥٧ نقلاً عن ابن سعد عن خزيمه بن ثابت .
- ٣- . نَكَلَ : امْتَنَعَ ، وَتَرَكَ الْإِقْدَامَ (النهاية : ج ٥ ص ١١٦ «نكل»).
- ٤- . المغازی : ج ٢ ص ٧٦١ ، البدايه والنهايه : ج ٤ ص ٢٤٦ ؛ الثاقب في المناقب : ص ١٠١ ح ٩٤ عن ابن شهاب ، الدرجات الرفيعة : ص ٧٥ وراجع : الخرائج والجرائح : ج ١ ص ١٦٦ ح ٢٥٦ .

۸ . حنظله**۹ . زید بن حارثه**

۸ . حنظله (۱) ۱۱۸. عبدالعظیم حسنی از امام صادق علیه السلام نقل می کنیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرشتگان را در میان آسمان و زمین دیدم که حنظله را با آب ابرها در تشت هایی سیمین ، غسل می دهند. ۹ . زید بن حارثه ۲۲. شرح نهج البلاغه :المغازی به نقل از عاصم بن عمر بن قتاده و عبد الجبار بن عماره :چون سپاهیان [اسلام و کفر] در موته رو به رو شدند ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر منبر نشست و موانع میان او و شام ، کنار زده شدند و ایشان به آورد گاه می نگریست . آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «اکنون ، زید بن حارثه پرچم را بر گرفت و شیطان به سراغش آمد و کوشید که زندگی را محبوب او و مرگ را منفورش گرداند و دنیا را نزدش دوست داشتنی سازد! زید گفت : اینک که ایمان در دل های مؤمنان ، استوار گشته ، می کوشی تا دنیا را در نزدم محبوب گردانی؟! و پیش رفت تا به شهادت رسید» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر او نماز خواند و فرمود : «برایش آموزش بخواهید که او دوان دوان به بهشت وارد شد» .

سپس جعفر بن ابی طالب پرچم را بر گرفت و شیطان به سراغش رفت و کوشید او را به زندگی آرزومند سازد و مرگ را در نظرش منفور گرداند و به دنیا نیز آرزومندش کند ؛ اما او گفت : اینک که ایمان در دل های مؤمنان ، استوار گشته است ، می خواهی آرزوی دنیا را در دلم افکنی؟! و آن گاه پیش رفت ، تا آن که به شهادت رسید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر او نماز خواند و برایش دعا کرد و سپس فرمود : «برای برادران آمرزش بخواهید ، که او شهید شد و به بهشت رفت و در بهشت با دو بال از یاقوت ، به هر جای بهشت که بخواهد ، پرواز می کند» .

در پی او ، عبد الله بن رواحه پرچم را بر گرفت و او نیز به شهادت رسید ؛ ولی با ترس و تردید ، به بهشت رفت . این امر بر انصار ، دشوار آمد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «به او جراحات رسید» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! چرا با ترس و تردید؟

فرمود : «وقتی به او جراحات رسید ، از پیشروی باز ایستاد ؛ اما سپس خویشتن را سرزنش کرد و قوت قلب گرفت تا آن که شهید شد و به بهشت وارد گشت» .

[با این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله] قوم او خوش حال شدند.

۱- پدر او، ابو عامر معروف به راهب بود. وی از انصار قبیله اوس است که بر خلاف پدرش اسلام آورد. در جنگ اُحد شرکت کرد و به شهادت رسید. و چون جُنُب بود، پیامبر صلی الله علیه و آله در باره او فرمود: «ملائکه او را غسل می دهند» از این رو، به «غسیل الملائکه» معروف شد.

١٠ . سَلَمَانُ الْفَارِسِيُّ ١٤. رسول الله صلى الله عليه و آله :رسول الله صلى الله عليه و آله :إِنَّ الْجَنَّةَ لَتَشْتَاقُ إِلَى ثَلَاثَةٍ : عَلِيٍّ وَعَمَّارٍ وَسَلْمَانَ . (١)٥. كمال الدين عن الأصمغ بن نباته : سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمَالِإِمَامِ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ قُلْتَ : إِنَّ الْجَنَّةَ لَتَشْتَاقُ إِلَى ثَلَاثَةٍ ، فَمَنْ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةُ ؟

قَالَ : أَنْتَ مِنْهُمْ وَأَنْتَ أَوْلُهُمْ . وَسَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَإِنَّهُ قَلِيلُ الْكَبِيرِ ، وَهُوَ لَكَ نَاصِحٌ فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ . وَعَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ شَهِدَ مَعَكَ مَشَاهِدَ غَيْرِ وَاحِدَةٍ ، لَيْسَ مِنْهَا إِلَهٌ وَهُوَ فِيهَا ، كَثِيرٌ خَيْرُهُ ، ضَوْئُ نُورِهِ ، عَظِيمٌ أَجْرُهُ . (٢)٦.الإمام الصادق عليه السلام :الإمام الحسين عليه السلام :أتى جبرئيل النبي صلى الله عليه و آله فقال : ... يا مُحَمَّدُ إِنَّ الْجَنَّةَ لَتَشْتَاقُ إِلَى ثَلَاثَةٍ مِنْ أَصْحَابِكَ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... فَمَنْ هُمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ ؟ قَالَ : أَنْتَ مِنْهُمْ يَا عَلِيُّ ، وَعَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ سَيَشْهَدُ مَعَكَ مَشَاهِدَ بَيْنَ فَضْلُهَا عَظِيمٌ خَيْرُهَا ، وَسَلْمَانُ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ وَهُوَ نَاصِحٌ فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ . (٣)

- ١- .سنن الترمذى : ج ٥ ص ٦٦٧ ح ٣٧٩٧ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٣ ص ١٤٨ ح ٤٦٦٦ ، مسند أبی یعلی : ج ٣ ص ١٨٦ ح ٢٧٧٢ کلها عن أنس ، کنز العمال : ج ١١ ص ٦٣٩ ح ٣٣١١٢ ؛ وقعه صفین : ص ٣٢٣ عن الحسن ، شرح الأخبار : ج ٢ ص ٤٦٥ ح ٨١٦ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٢٥ ح ٣٨٠ .
- ٢- .رجال الکشي : ج ١ ص ١٣٧ ح ٥٨ عن بريده الأسلمي ، روضه الواعظین : ص ٣١٤ .
- ٣- .مسند أبی یعلی : ج ٦ ص ١٧٧ ح ٦٧٣٩ ، تاريخ دمشق : ج ٢١ ص ٤١٢ ح ٤٨٣٩ كلاهما عن سعد الاسکاف عن الإمام الباقر عن أبيه عليهما السلام ، کنز العمال : ج ١١ ص ٧٥٤ ح ٣٣٦٧١ ؛ المناقب للکوفي : ج ١ ص ٤٨٢ ح ٣٨٩ عن أنس نحوه .

۱۰. سلمان فارسی

۱۰. سلمان فارسی (۱) ۳۲۵. الإمام الباقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت به سه کس، مشتاق است: علی و عمار و سلمان. ۳۲۶. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتم: ای پیامبر خدا! شما فرمودی: بهشت به سه کس، مشتاق است. این سه کس کیان اند؟

فرمود: «تو یکی از آنان و اولین آنانی. و سلمان فارسی؛ چرا که او کم تکبر است. او با تو یک دل است. پس او را برای خویش برگزین. و عمار بن یاسر که در صحنه های بسیاری، تو را همراهی می کند و هیچ کارزاری نیست، مگر این که در آن با تو خواهد بود. خیرش بسیار و نورش تابان و پاداشش بزرگ است». ۳۲۷. الإمام الصادق علیه السلام: امام حسین علیه السلام: جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ... ای محمد! بهشت به سه تن از یاران تو، مشتاق است ...

علی علیه السلام فرمود: ... آنان کیان اند، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «تو یکی از آنان هستی ای علی و عمار بن یاسر که به زودی در جنگ هایی، تو را همراهی خواهد کرد که ارزش آنها آشکار و خیرشان بسیار است، و سلمان که از ما خاندان است و با تو یک دل است. او را برای خودت برگزین».

۱- ابو عبد الله، سلمان فارسی، یا سلمان محمدی، ایرانی بود. در رامهرمز (شهری مشهور در ناحیه خوزستان) به دنیا آمد؛ امّا اصالتاً اصفهانی بود. او از صحابه جلیل القدر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. زمانی که پیامبر خدا به مدینه آمد، به خدمت ایشان رسید و اسلام آورد. او در جنگ خندق شرکت داشت و مسلمانان را با ارائه فنون جنگ، یاری رساند. همو بود که پیشنهاد حفر خندق را داد. سلمان در نهایت زهد می زیست و از شیفتگان امام علی و اهل بیت علیهم السلام بود. عمر، او را بر مداین گماشت و نزدیک به دو بیست و پنجاه سال زندگی کرد و در روزگار حکومت عمر یا عثمان، در مداین در گذشت.

٣٢٨. الكامل فى التاريخ: رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام أَلَجَنَّهُ تَشْتَاقُ إِلَيْكَ وَإِلَى عَمَارٍ وَإِلَى سَيِّمَانَ وَأَبِي ذَرٍّ وَالْمِقْدَادِ . (١) ٣٢٩. تاريخ الطبرى: الاختصاص عن عيسى بن حمزه: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَحَدِيثُ الَّذِي جَاءَ فِي الْأَرْبَعَةِ؟ قَالَ: وَمَا هُوَ؟ قُلْتُ: الْأَرْبَعَةُ الَّتِي اشْتَاقَتْ إِلَيْهِمُ الْجَنَّةُ. قَالَ: نَعَمْ، مِنْهُمْ سَيِّمَانٌ وَأَبُو ذَرٍّ وَالْمِقْدَادُ وَعَمَارٌ. قُلْتُ: فَأَيُّهُمْ أَفْضَلُ؟ قَالَ: سَلْمَانٌ.

ثُمَّ أَطْرَقَ، ثُمَّ قَالَ: عَلِمَ سَيِّمَانٌ عِلْمًا لَوْ عَلِمَهُ أَبُو ذَرٍّ كَفَرَ . (٢) ١١. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ (٣) ٣٣١. الإمام الباقر عليه السلام: السيره النبويه لابن هشام عن ابن إسحاق: فِيمَا بَلَغَنِي لَمَّا أَصِيبَ الْقَوْمُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَخَذَ الرَّايَةَ زَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ فَقَاتَلَ بِهَا حَتَّى قُتِلَ شَهِيدًا، ثُمَّ أَخَذَهَا جَعْفَرُ فَقَاتَلَ بِهَا حَتَّى قُتِلَ شَهِيدًا، ثُمَّ صَيَّمَتِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى تَغَيَّرَتْ وَجُوهُ الْأَنْصَارِ وَظَنُّوا أَنَّهُ قَدْ كَانَ فِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَوَاحَةَ بَعْضُ مَا يَكْرَهُونَ، ثُمَّ قَالَ: ثُمَّ أَخَذَهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ فَقَاتَلَ حَتَّى قُتِلَ شَهِيدًا، ثُمَّ قَالَ: لَقَدْ رُفِعُوا إِلَيَّ فِي الْجَنَّةِ فِيمَا يَرَى النَّائِمُ عَلَى سُرُرٍ مِنْ ذَهَبٍ، فَرَأَيْتُ فِي سِرِيرِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَوَاحَةَ أَزُورَارًا عَن سَرِيرِي صَاحِبِيهِ، فَقُلْتُ: عَمَّ هَذَا؟ فَقِيلَ لِي: مَضِيًا وَتَرَدَّدَ عَبْدُ اللَّهِ بِبَعْضِ التَّرَدُّدِ ثُمَّ مَضَى . (٤) .

١- الخصال: ص ٣٠٣ ح ٨٠، عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ٦٧ ح ٣٠٦ كلاهما عن عبد الله بن محمّد بن علي بن العباس الرازى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، روضه الواعظين: ص ٣٠٧، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٣٢٥ ح ٢٢؛ شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج ١٠ ص ١٠٤ عن أنس .

٢- الاختصاص: ص ١٢، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٣٤٦ ح ٦٠ .

٣- هُوَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ بْنِ امْرِئِ الْقَيْسِ الْأَنْصَارِيِّ، وَأُمُّهُ كَبْشَةُ بِنْتُ وَاقِدِ بْنِ عَمْرِو، وَكَانَ يُكْنَى أَبُو مُحَمَّدٍ وَيُقَالُ أَبُو رَوَاحَةَ، أَحَدُ أَجَلَاءِ الصَّحَابَةِ، وَمِنْ شُعْرَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَهِدَ غَزَوَاتِ النَّبِيِّ، وَاسْتَشْهِدَ يَوْمَ مَوْثَةَ سِنَةَ سَبْعٍ (راجع: تاريخ دمشق: ج ٢٨ ص ٨٠ الرقم ٢٢٩٣) .

٤- السيره النبويه لابن هشام: ج ٤ ص ٢٤، تاريخ الإسلام للذهبي: ج ٢ ص ٤٨٦، أسد الغابه: ج ٣ ص ٢٣٨ الرقم ٢٩٤٣ نحوه و ج ١ ص ٥٤٣ الرقم ٧٥٩، تاريخ دمشق: ج ٢٨ ص ١٢٠ ح ٥٨٨٧، كنز العمال: ج ١٠ ص ٣٨٦ ح ٢٩٩١٦ .

۱۱. عبد الله بن رواحه

۳۳۲. الإمام الصادق عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام: بهشت به تو و به عمار و به سلمان و ابو ذر و مقداد، مشتاق است. ۳۳۳. الإمام الباقر علیه السلام: الاختصاص به نقل از عیسی بن حمزه: به امام صادق علیه السلام گفتم: حدیثی که در باره چهار نفر آمده است [تا چه حد، صحت دارد]؟

فرمود: «چه حدیثی؟».

گفتم: چهار نفری که بهشت، مشتاق آنهاست.

فرمود: «درست است. از ایشان اند سلمان و ابو ذر و مقداد و عمار».

گفتم: کدام یک از آنان، برتر است؟

فرمود: «سلمان».

ایشان سپس مدتی سرش را [به تفکر] پایین انداخت و آن گاه فرمود: «سلمان، دانشی را می دانست که اگر ابو ذر آن را می دانست، کافر می شد». ۱۱. عبد الله بن رواحه (۱) ۳۳۵. عنه علیه السلام (فی خَبَرِ وَفَاهِ موسى علیه السلام) السیره النبویه، ابن هشام به نقل از ابو اسحاق: چون آن عده به شهادت رسیدند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا آن جا که به من رسیده است فرمود: «زید بن حارثه پرچم را بر گرفت و جنگید، تا آن که به شهادت رسید. سپس جعفر آن را بر گرفت و او نیز جنگید تا به شهادت رسید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس خاموش شد تا جایی که رنگ از چهره انصار بر گشت و گمان بردند که برای عبد الله بن رواحه مسئله ناخوشایندی پیش آمده است. در این هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سپس عبد الله بن رواحه پرچم را بر گرفت و جنگید تا به شهادت رسید».

آن گاه فرمود: «آنان را در بهشت، به من، آن گونه که شخص در خواب می بیند، بر تخت هایی از طلا نشان دادند. در تخت عبد الله بن رواحه نسبت به تخت های دو همزمش انحرافی دیدم. پرسیدم: سبب چیست؟ به من گفته شد: آن دو [بی تردید، به جنگ] رفتند؛ ولی عبد الله، نخست اندکی دچار تردید شد و سپس ادامه داد».

۱- عبد الله بن رواحه بن امرئ القیس انصاری که مادرش کبشه دختر واقد بن عمرو و کنیه اش ابو محمد و به قولی ابو رواحه

بود ، یکی از صحابه جلیل القدر و از شاعران پیامبر صلی الله علیه و آله است . وی در غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشت و در سال هفتم هجرت ، در جنگ موتة به شهادت رسید .

١٢ . عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ ١٣٣٧. تاريخ يعقوبى: وقعه صفين عن حبيب بن ابي ثابت: لَمَّا بِنَى الْمَسْجِدَ جَعَلَ عَمَّارٌ يَحْمِلُ حَجْرَيْنِ ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : « يَا أَبَا الْيَقْظَانِ ، لَا تَشْتَقُّ عَلَيَّ نَفْسِكَ » . قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَعْمَلَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ .

قَالَ : ثُمَّ مَسَّحَ ظَهْرَهُ ثُمَّ قَالَ : إِنَّكَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَةُ . (١) ٣٣٨. رسول الله صلى الله عليه وآله : المستدرک على الصحيحين عن ابن إسحاق : كَانَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَأَبُوهُ وَأُمُّهُ أَهْلَ بَيْتِ إِسْلَامٍ ، وَكَانَ بَنُو مَخْزُومٍ يُعَذِّبُونَهُمْ .

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : صَبِرَا يَا آلَ يَاسِرٍ ، فَإِنَّ مَوْعِدَكُمْ الْجَنَّةُ . (٢) ٣٣٩. عنه صلى الله عليه وآله : المستدرک على الصحيحين عن جابر : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ بِعَمَّارٍ وَأَهْلِهِ وَهُمْ يُعَذِّبُونَ . فَقَالَ : أَبَشِّرُوا آلَ عَمَّارٍ وَآلَ يَاسِرٍ ، فَإِنَّ مَوْعِدَكُمْ الْجَنَّةُ . (٣) .

١- .وقعه صفين : ص ٣٢٤ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٢٥ ح ٣٨٠ .

٢- .المستدرک على الصحيحين : ج ٣ ص ٤٣٢ ح ٥٦٤٦ ، المعجم الكبير : ج ٢٤ ص ٣٠٣ ح ٧٦٩ عن عثمان بن عفان ، أسد الغابه : ج ٧ ص ١٥٢ الرقم : ٧٠٢١ ، الإصابه : ج ٨ ص ١٩٠ الرقم ١١٣٤٢ وكلها نحوه ، كنز العمال : ج ١١ ص ٧٢٨ ح ٣٣٥٦٦ ؛ رجال الكشي : ج ١ ص ١٢٧ الرقم ٥٧ عن عمار بن ياسر وليس فيه صدره إلى «يعذبونهم» .

٣- .المستدرک على الصحيحين : ج ٣ ص ٤٣٨ ح ٥٦٦٦ ، المعجم الأوسط : ج ٢ ص ١٤١ ح ١٥٠٨ وليس فيه «آل عمار» ، دلائل النبوه للبيهقى : ج ٢ ص ٢٨٢ ، تاريخ بغداد : ج ١ ص ١٥٠ الرقم ٦ ، تاريخ دمشق : ج ٤٣ ص ٣٦٠ ح ٩٢٢١ كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ١٣ ص ٥٢٩ ح ٣٧٣٧١ ؛ إعلام الوری : ج ١ ص ١٢٢ ، بحار الأنوار : ج ١٨ ص ٢١٠ ح ٣٨ .

۱۲. عمّار بن یاسر

۱۲. عمّار بن یاسر (۱) ۳۴۱. إثبات الوصیه: وقعه صفین به نقل از حبیب بن ابی ثابت: چون ساختن مسجد [پیامبر صلی الله علیه و آله] شروع شد، عمّار دو تا دو تا، سنگ حمل می کرد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای ابو یقظان! خودت را اذیت مکن».

گفت: ای پیامبر خدا! دوست دارم که در این مسجد کار کنم!

پیامبر صلی الله علیه و آله، دستی به پشت او کشید و فرمود: «تو اهل بهشتی. تو را گروه متجاوز، می کشند». ۳۴۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن اسحاق: عمّار بن یاسر و پدر و مادرش، یک خانواده مسلمان بودند و بنی مخزوم، آنان را شکنجه می کردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شکیبا باشید ای خاندان یاسر؛ چرا که وعده گاه شما، بهشت است». ۳۴۳. المعجم الکبیر عن سلمان: المستدرک علی الصحیحین به نقل از جابر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر عمّار و خانواده اش که شکنجه می شدند، گذشت. فرمود: «بشارت باد شما را ای خاندان عمّار و ای خاندان یاسر؛ چرا که وعده گاه شما، بهشت است».

۱- ابو یقظان، عمّار بن یاسر بن عامر مذحجی، از پیش گامان در ایمان و هجرت بود و از همان نخستین روزهای طلوع خورشید اسلام، همراه با پدر و مادرش از سوی مشرکان، شکنجه های بسیاری را تحمل کرد. از ملازمان امیر مؤمنان امام علی علیه السلام بود. در روزگار عمر، مدّتی والی کوفه شد. او از مخالفان عثمان بود و به دلیل صراحت لهجه اش به فرمان وی تازیانه خورد. در جنگ جمل، فرماندهی سواره نظام و در جنگ صفین، فرماندهی پیاده نظام را داشت و در همین جنگ، در حالی که نود و سه سال از عمرش می گذشت، به شهادت رسید.

١٣ . المِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ (١) ٣٤٥. رسول الله صلى الله عليه وآله :الإمام علي عليه السلام :قال النبي صلى الله عليه وآله : الْجَنَّةُ تَشْتَاقُ إِلَيْكَ ، وَإِلَى عَمَارٍ ، وَ(إلى) سَلِمَانَ وَأَبِي ذَرٍّ وَالْمِقْدَادِ . (٢) ٣٤٦. كفايه الأثر عن حذيفة بن اليمان :رسول الله صلى الله عليه وآله :إِنَّ الْجَنَّةَ تَشْتَاقُ إِلَى أَرْبَعَةٍ : عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَعَمَارِ بْنِ يَاسِرٍ ، وَسَلِمَانَ الْفَارِسِيِّ ، وَالْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ . (٣) ١٤ . يَزِيدُ بْنُ نُؤَيْرَةَ (٤) ٣٤٨. عنه عليه السلام :رجال الطوسي :يَزِيدُ بْنُ نُؤَيْرَةَ ، قُتِلَ يَوْمَ النَّهْرَوَانَ ، وَهُوَ الَّذِي قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ جَاوَزَ هَذَا التَّلَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ . فَقَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا بَيْنِي وَبَيْنَ الْجَنَّةِ إِلَّا التَّلُّ ؟

فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : نَعَمْ ، فَضْرَبَ بِسَيْفِهِ حَتَّى جَاوَزَهُ .

ثُمَّ قَالَ ابْنُ عَمِّ لَهْ : إِنْ أَنَا جَاوَزْتُ فَلِي مِثْلُ مَا لَابِنِ عَمِّي ؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : نَعَمْ ؛ فَمَضَى حَتَّى جَاوَزَهُ ، ثُمَّ أَقْبَلَ يَخْتَصِمَانِ فِي قَتِيلٍ قَتَلَاهُ .

فَقَالَ لَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَبَشِرَا فِكِلَا كَمَا قَدِ اسْتَوْجِبَا الْجَنَّةَ . (٥) .

١- .هُوَ الْمِقْدَادُ بْنُ عَمْرِو بْنِ تَعَلْبَةَ الْبَهْرَاوِيُّ الْكِنْدِيُّ ، الْمَعْرُوفُ بِالْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ ، كَانَ مِنْ أَبْطَالِ الصَّحَابَةِ ، شَهِدَ الْمَشَاهِدَ كُلَّهَا ، وَهُوَ أَحَدُ الْأَرْكَانِ الْأَرْبَعَةِ وَكَانَ مِنَ الْأَصْحَابِ الْخَاصِّينَ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَخَالَفَ حُكُومَةَ عُثْمَانَ ، وَتُوْفِّيَ سِنَةَ ٣٢ هـ وَهُوَ فِي السَّبْعِينَ مِنْ عُمُرِهِ (راجع : موسوعه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام : ج ١٢ ص ٣١١ إلى ٣١٤ و الإصابه : ج ٦ ص ١٥٩ الرقم ٨٢٠١ و حليه الأولياء : ج ١ ص ١٧٢ الرقم ٢٨ و الخصال : ص ٤٦٣ ح ٤ و الكامل في التاريخ : ج ٢ ص ٢٢٣ و الطبقات الكبرى : ج ٣ ص ١٦٣) .

٢- .الخصال : ص ٣٠٣ ح ٨٠ ، عيون أخبار الرضا : ج ٢ ، ص ٦٧ ح ٣٠٦ كلاهما عن عبد الله بن محمّد بن علي بن العباس الرازي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص ٣٠٧ ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ٣٢٥ ح ٢٢ ؛ شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ١٠ ص ١٠٤ عن أنس .

٣- .المعجم الكبير : ج ٦ ص ٢١٥ ح ٦٠٤٥ ، تاريخ أصبهان : ج ١ ص ٧٥ الرقم ٣ ، تاريخ دمشق : ج ٦٠ ص ١٧٦ ح ١٢٤٢٨ كلّها عن أنس ، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد : ج ٧ ص ٢٩٦ ، كنز العمال : ج ١١ ص ٧٥٤ ح ٣٣٦٧٣ .

٤- .هُوَ يَزِيدُ بْنُ نُؤَيْرَةَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ عَدِيٍّ الْأَنْصَارِيُّ ، شَهِدَ أُحُدًا وَقَاتَلَ يَوْمَ النَّهْرَوَانَ ، وَكَانَ أَوَّلَ قَتِيلٍ قُتِلَ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيِّ يَوْمَ النَّهْرَوَانَ (راجع : الإصابه : ج ٦ ص ٥٣٠ الرقم ٩٣٤١ وموسوعه حياه الصحابه : ج ٧ ص ٣٨٧٠ الرقم ٨٢٩٤)

٥- .رجال الطوسي : ص ٨٥ الرقم ٨٥٩ ، خلاصه الأقوال : ص ٢٩٥ ، تاريخ بغداد : ج ١ ص ٢٠٤ الرقم ٤٤ ، الإصابه : ج ٦ ص ٥٣١ الرقم ٩٣٤١ كلاهما نحوه .

۱۳. مقداد بن اسود**۱۴. یزید بن نُویره**

۱۳. مقداد بن اسود (۱) ۳۵۰. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهشت به تو و به عمار و به سلمان و ابو ذر و مقداد، مشتاق است». ۳۵۱. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت به چهار تن، مشتاق است: علی بن ابی طالب، عمار بن یاسر، سلمان فارسی و مقداد بن اسود. ۱۴. یزید بن نُویره (۲) ۳۵۳. عنه علیه السلام: رجال الطوسی: یزید بن نُویره، در جنگ نهروان کشته شد. او همان کسی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به وی فرمود: «هر کس از این پُشته بگذرد، بهشتی است».

او به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: پس میان من و بهشت، جز این پشته نیست؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «بله».

او شمشیر زد تا از آن پشته گذشت. آن گاه پسرعمویش گفت: من نیز اگر بگذرم، آیا همچون پسرعمویم به بهشت می روم؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بله». او نیز رفت تا از پشته گذشت. سپس آن دو آمدند و در باره کسانی که کشته بودند، با یکدیگر ستیزه می کردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن دو فرمود: «دل خوش دارید، که هر دوی شما سزاوار بهشتید».

۱- مقداد بن عمرو بن ثعلبه بهراوی کندی معروف به مقداد بن اسود، از پهلوانان صحابه بود و در همه جنگ های اسلام شرکت داشت. او یکی از ارکان چهارگانه و از یاران خاص امام علی علیه السلام بود و با حکومت عثمان مخالفت ورزید. وی در سال ۳۲ ق، در هفتاد سالگی، از دنیا رفت.

۲- یزید بن نُویره بن حارث بن عدی انصاری، در جنگ اُحد شرکت داشت. او در جنگ نهروان نیز جنگید و نخستین کس از یاران امام علی علیه السلام بود که در این جنگ، به شهادت رسید.

١٧ / ٣ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ١ . أُوَيْسُ الْقَرْنِيُّ (١) ٣٥٧. مروج الذهب عن محمد بن أبي بكر (في كتابه إلى معاوية) رسول الله صلى الله عليه وآله : نَزَلَ دُخْلُ الْجَنَّةِ بِشَفَاعَةِ أُوَيْسٍ مِثْلُ رَبِيعَةَ وَمُضَرَ . (٢) ٢ . جُنْدَبُ الْخَيْرِيُّ (٣) ٣٥٩. الفتوح عن مالك الأشر: الإمام الباقر عليه السلام : شَهِدَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ التَّابِعِينَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ بَصِيفِينَ ، شَهِدَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْجَنَّةِ وَلَمْ يَرَهُمْ : أُوَيْسُ الْقَرْنِيُّ ، وَزَيْدُ بْنُ صُوحَانَ الْعَبْدِيُّ ، وَجُنْدَبُ الْخَيْرِيُّ الْأَزْدِيُّ ، رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ . (٤) .

١- .هُوَ أُوَيْسُ بْنُ عَامِرِ بْنِ جَزَاءِ الْمُرَادِيُّ الْقَرْنِيُّ ، أَسْلَمَ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ لِكَنَّهُ مَا رَأَاهُ ، وَكَانَ فِي عِدَادِ الزُّهَادِ الْمَشْهُورِينَ ، وَكَانَ نَصِيْبًا فِي الْعِبَادَةِ ، شَهِدَ مَعَ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْجَمَلِ وَصِيفِينَ وَعَاهِدَهُ عَلَى الشَّهَادَةِ فِي صِيفِينَ ، وَفِيهَا نَالَ ذَلِكَ الْوِسَامَ بِوَجْهِهُ مُدْمِي ، وَدُفِنَ هُنَاكَ (راجع : موسوعه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام : ج ٧ ص ٢٦٧) .

٢- .سير أعلام النبلاء : ج ٤ ص ٣١ عن عمر ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٣ ص ٤٥٨ ح ٥٧٢١ ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٧ ص ٥٣٩ ح ١ كلاهما عن الحسن و فيهما «رجل من أمّتي» بدل «أويس» ولكن أشير إليه في ذيل الحديث ، تاريخ دمشق : ج ٩ ص ٤٣٨ ح ٢٤٥٥ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١٢ ص ٧٦ ح ٣٤٠٦٥ ؛ الفضائل : ص ٩١ ، الإرشاد : ج ١ ص ٣١٦ عن ابن عباس عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، رجال الكشي : ج ١ ص ٣١٦ ح ١٥٦ عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيهما «الجنة» .

٣- .هُوَ جُنْدَبُ بْنُ كَعْبِ بْنِ عَبِيدِ اللَّهِ الْأَزْدِيُّ الْغَامِدِيُّ وَهُوَ جُنْدَبُ الْخَيْرِيُّ ، مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَعَدَدَهُ الطُّوسِيُّ فِي رِجَالِهِ مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، نَفَاهُ عُثْمَانُ إِلَى الشَّامِ لِأَنَّهُ كَانَ يَذْكُرُ مَسَاوِيَّ عُثْمَانَ ؛ شَهِدَ حُرُوبَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ كُلِّهَا (راجع : موسوعه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام : ج ٧ ص ٢٧٩) .

٤- .الاختصاص : ص ٨١ عن جابر الجعفي ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٦١٨ ح ٤٨٤ ؛ تاريخ دمشق : ج ١٩ ص ٤٤٢ عن جابر .

۱۷ / ۳ شماری از یاران امام علی علیه السلام

۱. اویس قرنی

۲. جُنْدَب الخیر ازدی

۱۷ / ۳ شماری از یاران امام علی علیه السلام ۱. اویس قرنی (۱) ۳۶۳. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با شفاعت اویس ، به اندازه [دو قبیله] ربیع و مُضَر ، به بهشت می روند . ۲. جُنْدَب الخیر ازدی (۲) ۳۶۵. رسول الله صلی الله علیه و آله (لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى {Q} «وَأ») امام باقر علیه السلام: از تابعیان ، سه کس با علی بن ابی طالب علیه السلام در صفین حاضر بودند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، به بهشتی بودنشان شهادت داد ، در حالی که آنان را ندیده بود : اویس قرنی ، زید بن صوحان عبدی و جُنْدَب الخیر ازدی . رحمت خدا بر ایشان باد !

-
- ۱- اویس بن عامر بن جزء مرادی قرنی ، در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آورد ؛ اما موفق به دیدار ایشان نشد . او در شمار زاهدان نامدار و در عبادت ، سختکوش بود . با امیر مؤمنان امام علی علیه السلام در جنگ جمل و صفین حاضر بود و در صفین بر سر پیمان خود با آن امام علیه السلام ، با رخساری خونین به شهادت رسید و در همان جا به خاک سپرده شد .
 - ۲- جُنْدَب بن کعب بن عبد الله ازدی غامدی ، معروف به جُنْدَب الخیر ، از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بود . شیخ طوسی ، در کتاب رجال خود ، او را از یاران امام علی علیه السلام بر شمرده است . عثمان ، او را به شام تبعید کرد ؛ زیرا از کجروی های وی یاد می کرد . جندب ، در همه جنگ های امیر مؤمنان علیه السلام حاضر بود .

٣. رُشَيْدُ الْهَجْرِيِّ (١) ٣٦٧. عنه صلى الله عليه وآله: رجال الكشي عن أبي حيان البجلي عن قنواء بنت رشيد الهجري: قُلْتُ لَهَا: أَخْبِرْنِي بِمَا سَمِعْتِ مِنْ أَبِيكَ؟ قَالَتْ: سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: أَخْبَرَنِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا رُشَيْدُ، كَيْفَ صَبْرُكَ إِذَا أُرْسِلَ إِلَيْكَ دَعَى بَنِي أُمَّيَةَ فَقَطَّعَ يَدَيْكَ وَرَجَلَيْكَ وَلِسَانَكَ؟ قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَخِرْ ذَلِكَ إِلَى الْجَنَّةِ؟ فَقَالَ: يَا رُشَيْدُ، أَنْتَ مَعِيَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٢) ٤. زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ (٣) ٣٦٩. الإمام علي عليه السلام (فِي احْتِجَاجِهِ مَعَ الْخَوَارِجِ) رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ يَسْبِقُهُ بَعْضُ أَعْضَائِهِ إِلَى الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى زَيْدِ بْنِ صُوحَانَ. (٤) راجع: ص ٦٩٤ (جندب الخير الأزدي).

- ١- من أصحاب أمير المؤمنين الواعين الراسخين، كان الإمام يُسَمِّيهِ «رُشَيْدَ الْبَلَايَا» وَاخْتَرَقَتْ نَظْرَتُهُ الثَّاقِبَةُ النَّافِذَةُ مَا وَرَاءَ عَالَمِ الشَّهَادَةِ، فَعُرِفَ بِ «عَالِمِ الْبَلَايَا وَالْمَنَايَا» (راجع: موسوعه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: ج ٧ ص ٣٠٩).
- ٢- رجال الكشي: ج ١ ص ٢٩٠ ح ١٣١، الأمالى للطوسى: ص ١٦٥ ح ٢٧٦، الاختصاص: ٧٧، بشاره المصطفى: ص ٩٣ كلها عن أبي حسان العجلي، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٤٣٣ ح ٩٥.
- ٣- هُوَ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ بْنِ حُجْرِ الْعَبْدِيِّ، كَانَ خَطِيْبًا شُجَاعًا ثَابِتَ الْخُطْبَى، وَكَانَ مِنَ الْعُظَمَاءِ وَالرُّهَادِ وَالْأَبْدَالِ وَمِنْ أَصْحَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْأَوْفِيَاءِ، أَسْلَمَ فِي عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَعُدَّ مِنَ الصَّحَابَةِ، وَلَهُ وَفَادَةُ عَلِيِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، كَانَ لَهُ لِسَانٌ نَاطِقٌ بِالْحَقِّ فَلَمْ يُطَقْ عُثْمَانُ وَجُودُهُ بِالْكَوْفَةِ فَنَفَاهُ إِلَى الشَّامِ، اشْتَرَكَ فِي حَرْبِ الْجَمَلِ، وَأَخْبَرَ بِشَهَادَتِهِ (راجع: موسوعه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: ج ٧ ص ٣٣٢).
- ٤- مسند أبي يعلى: ج ١ ص ٢٦٧ ح ٥٠٧، دلائل النبوة للبيهقي: ج ٦ ص ٤١٧، تاريخ بغداد: ج ٨ ص ٤٤٠ الرقم ٤٥٤٩، تاريخ دمشق: ج ١٩ ص ٤٣٤ ح ٤٥٤١ كلها عن عبد الرحمن بن مسعود العبدى عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج ١١ ص ٦٨٥ ح ٣٣٣٠٩.

۳. رُشید هَجْرِي

۴. زید بن صوحان

۳. رُشید هَجْرِي (۱) ۳۷۲. عنه صلى الله عليه و آله (لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام) رجال الكشّی به نقل از ابو حنیان بَجَلِي : به قنواء (دختر رُشید هَجْرِي) گفتم : سخنی را که از پدرت شنیده ای ، برایم باز گو .

گفت : از پدرم شنیدم که می گوید : امیر مؤمنان علیه السلام به من خبر داد و فرمود : «ای رُشید ! شکیبایی تو چگونه خواهد بود ، آن گاه که حرام زاده بنی امیه تو را احضار کند و دست ها و پاها و زبانت را بُرد؟» .

گفتم : ای امیر مؤمنان ! آیا پایانش بهشت است ؟

فرمود : «ای رُشید ! تو در دنیا و آخرت ، با من هستی» . ۴. زید بن صوحان (۲) ۳۷۴. عنه صلى الله عليه و آله : پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : هر که دوست دارد مردی را ببیند که پاره ای از اندام های او پیش از خودش به بهشت می روند ، به زید بن صوحان بنگرد . ر . ک : ص ۶۹۵ (جندب الخیر ازدی) .

۱- . رُشید هَجْرِي ، از یاران آگاه و استوار امیر مؤمنان علیه السلام بود و امام علیه السلام وی را «رُشید البلیا» می نامید . نگاه روشن بین و نافذ او از عالم ماده ، گذشته بود . از این رو به «عالم بلایا و منایا» معروف شده بود .

۲- . زید بن صوحان بن حُجر عبیدی ، خطیبی شجاع و ثابت قدم و از بزرگان و زاهدان و ابدال و از یاران وفادار امیر مؤمنان علیه السلام بود . وی در عهد پیامبر صلى الله عليه و آله ، اسلام آورد و یک بار هم خدمت پیامبر صلى الله عليه و آله رسید . از این رو ، در شمار صحابه شمرده شده است . او زبانی حقگو داشت . از این رو ، عثمان ، بودن او را در کوفه تحمّل نکرد و وی را به شام ، تبعید کرد . او در جنگ جمل ، شرکت کرد و امام علی علیه السلام خبر شهادتش را به او داد .

٥. مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ (١) ٣٧٧. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام في كتابه إلى أهل مصر ومحمد بن أبي بكر: أحسنوا أهل مصر مؤازرة محمد أميركم، واثبتوا على طاعته، تردوا حوض نبيكم. (٢) ٤. ميثم التمار (٣) ٣٧٩. عنه عليه السلام: رجال الكشي عن ميثم النهرواني: دعاني أمير المؤمنين عليه السلام وقال: كيف أنت يا ميثم إذا دعاك دعى بنى أمية ابن دعيا عبيد الله بن زياد إلى البراءة مني؟ فقال: يا أمير المؤمنين، أنا والله لا أبرأ منك، قال: إذا والله يقتلك ويصلبك، قلت: أصبر فذاك في الله قليل، فقال: يا ميثم، إذا تكون معي في درجتي. (٤).

١- هيو محمد بن عبد الله بن عثمان وهو محمد بن أبي بكر بن أبي قحافة، وأمه أسماء بنت عميس، تزوجها الإمام أمير المؤمنين بعد موت أبي بكر، فانتقلت إلى بيته مع أولادها وفيهم محمد، ونشأ في حجر الإمام وامتزجت روحه بمعرفه أهل البيت عليهم السلام. كان محمد في مصر أيام حكمه عثمان، وكان إلى جانب الإمام بعد تصديده للخلافه، وكان على الرجال في حرب الجمل. وولاه الإمام على مصر سنة ٣٤ هـ، ولم يتخاذل أصحاب الإمام عن نصرتهم معاوية هذه الفرصة واغتاله، واستطاع أن يسخر مصر تحت قدرته (راجع: موسوعه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: ج ٧ ص ٤٨٢).

٢- الأمالى للمفيد: ص ٢٤٩ ح ٣، الأمالى للطوسى: ص ٣١ ح ٣١ كلاهما عن أبي إسحاق الهمداني، الغارات: ج ١ ص ٢٥٠، بحار الأنوار: ج ٨٠ ص ٣٩١ ح ١١.

٣- هو ميثم بن يحيى التمار الأسدي أبو سالم، من أجلاء أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام، كان عبدا لأمراه فاشتراه علي عليه السلام وأعتقه، نال منزله رفيعه من العلم، كان راسخا على طريق الحق وثابتا في الدفاع عن الولاية، قتله عبيد الله بن زياد قبل استشهاد الإمام الحسين بإيام (راجع: موسوعه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: ج ٧ ص ٥٠٤).

٤- رجال الكشي: ج ١ ص ٢٩٥ ح ١٣٩، رجال ابن داود: ص ٣٥٦ الرقم ١٦٩٣، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ٥٤ وليس فيه من «فقال: يا أمير المؤمنين» إلى «ويصلبك»، الخرائج والجرائح: ج ١ ص ٢٢٩ ح ٧٣، بحار الأنوار: ج ٤٢ ص ١٣٠ ح ١٣.

۵. محمد بن ابی بکر**۶. میثم تمار**

۵. محمد بن ابی بکر (۱) ۳۸۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام در نامه اش به مردم مصر و محمد بن ابی بکر: ای اهل مصر! به محمد، امیرتان، خوب کمک کنید و در فرمانبری از او ثابت قدم باشید تا بر حوض پیامبران وارد شوید. ۶. میثم تمار (۲) ۳۸۳. عنه صلی الله علیه و آله: رجال الکشی به نقل از میثم نهروانی: امیر مؤمنان علیه السلام مرا صدا زد و فرمود: «ای میثم! چه خواهی کرد، آن گاه که دَعَى (۳) بنی امیه، فرزند دَعَى آنها، عبید الله بن زیاد، از تو بخواهد که از من بیزاری بجویی؟».

گفت [م]: ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند که از تو بیزاری نخواهم جست.

فرمود: «در این صورت، به خدا سوگند که تو را می کشد و به دار می آویزد!».

گفتم: شکیبایی می کنم؛ چرا که این، در راه خدا ناچیز است.

فرمود: «در این صورت، تو با من، در درجه من، خواهی بود».

۱- محمد بن عبد الله بن عثمان یا همان محمد بن ابی بکر بن ابی قحافه، مادرش اسماء بنت عمیس است. پس از مرگ ابو بکر، امام علی امیر مؤمنان علیه السلام با اسماء ازدواج کرد و اسماء همراه با فرزندانش از جمله محمد، به خانه امام علیه السلام منتقل شد. از این رو، محمد در دامن امام علیه السلام پرورش یافت و معرفت اهل بیت علیهم السلام با جان او در آمیخت. محمد در زمان حکومت عثمان در مصر بود و پس از آن که امام علی علیه السلام به خلافت رسید، جانب ایشان را گرفت و در جنگ جمل، فرمانده پیاده نظام بود. در سال ۳۶ ق، از جانب امام علیه السلام به حکومت مصر گماشته شد و پس از آن که یاران امام علیه السلام از یاری او دست کشیدند، معاویه با سوء استفاده از این فرصت، وی را ناجوان مردانه به شهادت رساند و توانست مصر را تحت قدرت خود در آورد.

۲- ابو سالم، میثم بن یحیی تمار اسدی، از بزرگان اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام بود. او غلام یک زن بود که امام علی علیه السلام وی را خرید و آزاد نمود. میثم به مرتبه بلندی از دانش، دست یافت. در راه حق، استوار و در دفاع از ولایت، ثابت قدم بود. وی چند روز پیش از شهادت امام حسین علیه السلام، به دست عبید الله بن زیاد، کشته شد.

۳- دَعَى: بی اصل و نسب، آن که نسبتش به پدرش قطعی نیست.

١٧ / ٤ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (شَهْدَاءُ كَرْبَلَاءَ) ٣٨٧. عنه عليه السلام: الإرشاد عن جويريه بن مسهر العبدى
لَمَّا تَوَجَّهْنَا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى صِفِّينَ ، فَبَلَّغْنَا طُفُوفَ كَرْبَلَاءَ ، وَقَفَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاحِيَهُ مِنْ
الْعَسْكَرِ ، ثُمَّ نَظَرَ يَمِينًا وَشِمَالًا وَاسْتَعَبَّرَ ثُمَّ قَالَ : هَذَا وَاللَّهِ مُنَاحُ رِكَابِهِمْ وَمَوْضِعُ مَبِيَّتِهِمْ .

فَقِيلَ لَهُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، مَا هَذَا الْمَوْضِعُ ؟

قَالَ : هَذَا كَرْبَلَاءُ ، يُقْتَلُ فِيهِ قَوْمٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ . ثُمَّ سَارَ (١) . ٣٨٨. الخصال عن محمد ابن الحنفية: الطبقات الكبرى
(الطبقة الخامسة من الصحابة) عن أبي عبيد الضبى: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي هَرْتَمِ الضَّبِّيِّ حِينَ أَقْبَلَ مِنْ صِفِّينَ وَهُوَ مَعَ عَلِيٍّ وَهُوَ جَالِسٌ
عَلَى دُكَّانٍ (٢) ، وَلَهُ امْرَأَةٌ يُقَالُ لَهَا : جَرْدَاءُ ، هِيَ أَشَدُّ حُبًّا لِعَلِيِّ وَأَشَدُّ لِقَوْلِهِ تَصَدِّيقًا . فَجَاءَتْ شَاهَةً فَبَعَرَتْ ، فَقَالَ : لَقَدْ ذَكَرَنِي
بَعْرُ هَذِهِ الشَّاهِ حَدِيثًا لِعَلِيِّ .

قَالُوا : وَمَا عَلِمَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذَا ؟

قَالَ : أَقْبَلْنَا مَرَجِعَنَا مِنْ صِفِّينَ فَزَلْنَا كَرْبَلَاءَ ، فَصَيَّرَ لِي بِنَا عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَاةَ الْفَجْرِ بَيْنَ شَجَرَاتٍ وَدَوْحَاتٍ حَزْمَلٍ ، ثُمَّ أَخَذَ كَفًّا
مِنْ بَعْرِ الْغِزْلَانِ فَشَمَّهُ ، ثُمَّ قَالَ : أَوْه ، أَوْه ، يُقْتَلُ بِهَذَا الْغَائِطِ (٣) قَوْمٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ .

قَالَ : قَالَتْ جَرْدَاءُ : وَمَا تُنْكِرِينَ مِنْ هَذَا !؟ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا قَالَ مِنْكَ ، نَادَتْ بِذَلِكَ

وَهِيَ فِي جَوْفِ الْبَيْتِ (٤) . .

-
- ١- الإرشاد: ج ١ ص ٣٣٢ وراجع: خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ٤٧ وقرب الإسناد: ص ٢٦ ح ٨٧ ووقعه صفين: ص ١٤٢ وكامل الزيارات: ص ٤٥٣ ح ٦٨٥ وذخائر العقبى: ص ١٧٤ .
 - ٢- الدُّكَّانُ: الدَّكَّةُ المَبْيُتَّةُ للجلوس عليها (لسان العرب: ج ١٣ ص ١٥٧) .
 - ٣- الغائط: المتسع من الأرض مع طمأنينه (لسان العرب: ج ٧ ص ٣٦٤) .
 - ٤- الطبقات الكبرى (الطبقة الخامسة من الصحابة): ج ١ ص ٤٣٢ ح ٤٢٠ ، تاريخ دمشق: ج ١٤ ص ١٩٨ عن أبي عبد الله الضبى؛ شرح الأخبار: ج ٣ ص ١٣٦ ح ١٠٧٧ ، المناقب للكوفي: ج ٢ ص ٢٦ ح ٥١٤ كلاهما نحوه وراجع: تهذيب التهذيب: ج ١ ص ٥٩٠ الرقم ١٥٧٧ ومقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي: ج ١ ص ١٦٥ .

شهیدان کربلا

۱۷ / ۴ شماری از یاران امام حسین علیه السلام شهیدان کربلا ۳۹۲. المعجم الأوسط عن أبي الطفيل: الاءرشاد به نقل از جُوَیریه بن مسهر عبدی: چون با امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام ره سپار صفین شدیم و به تپه های کربلا رسیدیم ، ایشان در کنار لشکر ایستاد . سپس به راست و چپ ، نگاهی کرد و اشک ریخت و آن گاه فرمود: «این جا به خدا سو گند ، حُسیبگاه اشتران آنان و قتلگاه ایشان است» .

یکی گفت : ای امیر مؤمنان ! این جا کجاست؟

فرمود: «این جا کربلاست . در این سرزمین ، جماعتی کشته خواهند شد که بدون حسابرسی به بهشت می روند» . این را فرمود و حرکت کرد . ۳۹۳. تاریخ یعقوبی (فی ذکرِ خِلافِهِ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بنِ) الطبقات الکبری (الطبقه الخامسه من الصحابه) به نقل از ابو عبید صَبَّی: ما بر ابو هرثم صَبَّی ، پس از بازگشتش از صفین که با علی علیه السلام رفته بود وارد شدیم و او بر دکانچه ای نشسته بود . او زنی به نام جرداء داشت که سخت ، دوستدار علی علیه السلام بود و به سخنانش اعتقاد بسیار داشت . در همین حین ، گوسفندی آمد و پشکل انداخت . ابو هرثم گفت : پشکل این گوسفند ، مرا به یاد سخنی از علی انداخت.

حاضران گفتند : علی علیه السلام این را از کجا می داند؟

گفت : در بازگشت از صفین ، در کربلا فرود آمدیم . علی علیه السلام نماز صبح را در درختزار حَرَمَل با ما به جماعت خواند و سپس مُشتی پشکل آهو برداشت و آن را بو کرد و آن گاه فرمود: «آه! آه! در این دشت ، مردمانی کشته خواهند شد که بدون حسابرسی به بهشت می روند» .

جرداء از درون خانه داد زد که : کجای این سخن را انکار می کنی؟! او به آنچه فرموده ، از تو داناتر است.

٣٩٤. رسول الله صلى الله عليه وآله: تاريخ دمشق عن هرثمه بن سلمى: خَرَجْنَا مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ غَزَوِهِ ، فَسَارَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى كَرْبَلَاءَ ، فَنَزَلَ إِلَى شَجَرِهِ فَصَلَّى إِلَيْهَا ، فَأَخَذَ تُرْبَهُ مِنَ الْأَرْضِ فَشَمَّهَا ، ثُمَّ قَالَ : وَاهَا لَمَكَ تُرْبَهُ ! لِيَقْتُلَنَّ بِحِكِّ قَوْمٍ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ .

قَالَ : فَقَفَلْنَا مِنْ غَزَوَاتِنَا ، وَقُتِلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَنَسِيْتُ الْحَدِيثَ .

قَالَ : وَكُنْتُ فِي الْجَيْشِ الَّذِينَ سَارُوا إِلَى الْحُسَيْنِ ، فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَيْهِ نَظَرْتُ إِلَى الشَّجَرَةِ فَذَكَرْتُ الْحَدِيثَ ، فَتَقَدَّمْتُ عَلَى فَرَسٍ لِي فَقُلْتُ : أَبَشِّرُكَ ابْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَحَدَّثْتُهُ الْحَدِيثَ .

قَالَ : مَعَنَا أَوْ عَلَيْنَا ؟

قُلْتُ : لَا مَعَكَ وَلَا عَلَيْكَ ، تَرَكْتُ عِيَالًا ، وَتَرَكْتُ .

قَالَ : إِمَّا لَا فَوَلَّ فِي الْأَرْضِ ، فَوَالَّذِي نَفْسُ حُسَيْنٍ بِيَدِهِ لَا يَشْهَدُ قَتْلَنَا الْيَوْمَ رَجُلٌ إِلَّا دَخَلَ جَهَنَّمَ .

قَالَ : فَمَا نَطَلَقْتُ هَارِبًا مُؤَلِيًا فِي الْأَرْضِ حَتَّى خَفِيَ عَلَيَّ مَقْتَلُهُ (١) . ٣٩٥. عنه صلى الله عليه وآله: وقعه صفين عن أبي عبيده عن هرثمه بن سليم: غَزَوْنَا مَعَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ غَزْوَةَ صَفِّينَ ، فَلَمَّا نَزَلْنَا بِكَرْبَلَاءَ صَلَّى بِنَا صَلَاةً ، فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ إِلَيْهِ مِنْ تُرْبَتِهَا فَشَمَّهَا ، ثُمَّ قَالَ :

وَاهَا لَكَ أَيُّهَا التُّرْبَةُ ، لِيُحْشَرَنَّ مِنْكَ قَوْمٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ .

فَلَمَّا رَجَعَ هَرْتَمُهُ مِنْ غَزْوَتِهِ إِلَى امْرَأَتِهِ وَهِيَ جَرْدَاءُ بِنْتُ سَمِيرٍ ، وَكَانَتْ شَيْعَةً لِعَلِيٍّ فَقَالَ لَهَا زَوْجُهَا هَرْتَمَهُ : أَلَا- أَعْجَبُكَ مِنْ صِدِّيقِكَ أَبِي الْحَسَنِ ؟ لَمَّا نَزَلْنَا كَرْبَلَاءَ رَفَعَ إِلَيْهِ مِنْ تُرْبَتِهَا فَشَمَّهَا وَقَالَ : وَاهَا لَكَ يَا تُرْبَةُ ، لِيُحْشَرَنَّ مِنْكَ قَوْمٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ ! وَمَا عَلِمَهُ بِالْغَيْبِ ؟

فَقَالَتْ : دَعْنَا مِنْكَ أَيُّهَا الرَّجُلُ ، فَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَقُلْ إِلَّا حَقًّا .

فَلَمَّا بَعَثَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ الْبَعْثَ الَّذِي بَعَثَهُ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَأَصْحَابِهِ ، قَالَ : كُنْتُ فِيهِمْ فِي الْخَيْلِ الَّتِي بَعَثَ إِلَيْهِمْ ، فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى الْقَوْمِ وَحُسَيْنٍ وَأَصْحَابِهِ عَرَفْتُ الْمَنْزِلَ الَّذِي نَزَلَ بِنَا عَلِيٍّ فِيهِ ، وَالْبُقْعَةَ الَّتِي رَفَعَ إِلَيْهِ مِنْ تُرَابِهَا ، وَالْقَوْلَ الَّذِي قَالَهُ ، فَكَرِهْتُ مَسِيرِي ، فَأَقْبَلْتُ عَلَى فَرَسِي حَتَّى وَقَفْتُ عَلَى الْحُسَيْنِ ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ ، وَحَدَّثْتُهُ بِالَّذِي سَمِعْتُ مِنْ أَبِيهِ فِي هَذَا الْمَنْزِلِ .

فَقَالَ الْحُسَيْنُ : مَعَنَا أَنْتَ أَوْ عَلَيْنَا ؟

فَقُلْتُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، لَا مَعَكَ وَلَا عَلَيْكَ ، تَرَكْتُ أَهْلِي وَوَلَدِي أَخَافُ عَلَيْهِمْ مِنْ ابْنِ زِيَادٍ .

فَقَالَ الْحُسَيْنُ: فَوَلَّ هَرَبًا حَتَّى لَا تَرَى لَنَا مَقْتَلًا، فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَرَى مَقْتَلَنَا الْيَوْمَ رَجُلٌ وَلَا يُعِيْثُنَا إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ .

قَالَ: فَأَقْبَلْتُ فِي الْأَرْضِ هَارِبًا حَتَّى خَفِيَ عَلَيَّ مَقْتَلُهُ (٢) ..

-
- ١- تاريخ دمشق: ج ١٤ ص ٢٢٢؛ الملاحم والفتن: ص ٣٣٥ ح ٤٨٨ نحوه .
 - ٢- وقعه صفين: ص ١٤٠، الأمالي للصدوق: ص ١٩٩ ح ٢١٣ عن هرثمه بن أبي مسلم، شرح الأخبار: ج ٣ ص ١٤١ ح ١٠٨٣ عن هزيمه بن سلمه وكلاهما نحوه .

۳۹۶. الإمام الباقر علیه السلام ، عن جابر بن عبدالله اتاریخ دمشق به نقل از هرثمه بن سَیلمی : با علی علیه السلام در یکی از جنگ هایش بیرون رفتیم . رفت و رفت تا به کربلا رسید . در زیر درختی پیاده شد و نماز خواند . سپس قدری خاک از زمین برداشت و آن را بویید و آن گاه فرمود : «خوشا تو ، ای خاک! مردمانی در تو کشته خواهند شد که بدون حسابرسی وارد بهشت می شوند» .

از جنگ باز گشتیم و علی علیه السلام کشته شد و این حدیث را فراموش کردم .

بعدها ، در سپاهی که برای جنگ با حسین علیه السلام می رفت ، شرکت کردم . چون به آن سرزمین رسیدم ، چشمم به آن درخت افتاد و به یاد حدیث افتادم . سوار بر اسبم به سوی حسین تاختم و گفتم : «تو را بشارت می دهم ، ای فرزند دخت پیامبر خدا!» و آن سخن [پدرش] را برایش گفتم .

حسین علیه السلام فرمود : «با ما هستی ، یا بر ضد ما؟» .

گفتم : نه با تو هستم و نه بر ضد تو . من خانواده را رها کرده ام . من [چه و چه خود را] رها کرده ام .

حسین علیه السلام فرمود : «اگر با ما نیستی ، از این سرزمین برو ؛ زیرا سوگند به آن که جان حسین در دست اوست ، هر مردی که امروز ، شاهد کشته شدن ما باشد ، قطعاً به دوزخ می رود» .

من از آن سرزمین ، گریزان رفتم تا آن که قتلگاه او از نظرم ناپدید شد . ۳۹۷. تاریخ یعقوبی عن حسان بن ثابت (فی وصف الإمام علی علیه السلام فی أوائ) وقعه صفین به نقل از ابو عیبه : هرثمه بن سلیم گفت : با علی بن ابی طالب علیه السلام به جنگ صفین رفتیم . چون در کربلا فرود آمدیم ، نماز را به جماعت با ما خواند . سلام که داد ، قدری از خاک آن جا را برداشت و بویید و سپس فرمود : «زهی تو ، ای خاک! مردمانی از تو محشور خواهند شد که بی حسابرسی به بهشت می روند» .

چون هرثمه از جنگ به نزد همسرش جرداء دختر سمیر که شیعه علی علیه السلام بود باز گشت ، به او گفت : آیا تو را از دوست ابو الحسن شکفت زده نکنم؟ در کربلا که فرود آمدیم ، قدری از خاک آن جا را برداشت و بویید و گفت : «زهی تو ، ای خاک! مردمانی از تو محشور خواهند شد که بی حسابرسی به بهشت می روند» . مگر او علم غیب دارد؟

همسرش گفت : دست بردار ، ای مرد! امیر مؤمنان ، جز حق نگفته است .

[هرثمه گفت :] زمانی که عیبه الله بن زیاد ، لشکری به سوی حسین بن علی و یارانش فرستاد ، من نیز در جمع سوارانی بودم که او گسیل داشت . چون به آن مردمان و حسین و یارانش رسیدیم ، منزلگاهی را که علی علیه السلام ما را در آن جا فرود آورد و زمینی را که از خاک آن برداشت ، شناختم و آن سخنی را که گفته بود ، به یاد آوردم . پس ، از آمدنم ناراحت شدم و سوار بر اسبم نزد حسین رفتم و بر او سلام کردم و آنچه را از پدرش در این منزلگاه شنیده بودم ، برایش باز گفتم .

حسین علیه السلام گفت : «تو با ما هستی ، یا بر ضدّ ما؟» .

گفتم : ای فرزند پیامبر خدا ! نه با تو هستم و نه بر ضدّ تو . زن و فرزندانم را رها کرده ام و آمده ام و از ابن زیاد بر آنان می ترسم .

حسین علیه السلام گفت : «پس بگریز و برو تا شاهد کشته شدن ما نباشی ؛ زیرا سوگند به آن که جان من در دست اوست ، هر مردی که امروز ، شاهد کشته شدن ما باشد و یاری مان نرساند ، خداوند ، او را در آتش می افکند» .

هرثمه گفت : من از آن سرزمین گریختم تا جایی که محلّ کشته شدن او از نظرم ناپدید شد . .

٣٩٨. تاريخ الطبري عن الفضل بن عباس: علل الشرائع عن ميثم التمار: يا جبلة، اعلمي أنّ الحسين بن عليّ عليه السلام سيّد الشهداء يوم القيامة، ولأصحابه على سائر الشهداء درجة. (١).

١- علل الشرائع: ص ٢٢٨ ح ٣، الأمالى للصدوق: ص ١٩٠ ح ١٩٨، بحار الأنوار: ج ٤٥ ص ٢٠٣ ح ٤.

۳۹۹. شرح نهج البلاغه: علل الشرائع به نقل از میثم تمار: ای جبّله! بدان که حسین بن علی، سالار شهیدان در روز قیامت است و یاران او نیز بر دیگر شهیدان، برتری دارند.

٤٠٠.الإمام علي عليه السلام (قال رسول الله صلى الله عليه وآله) الأمل للصدوق عن كعب الأحبار: إن في كتابنا: أن رجلاً من ولد محمد رسول الله صلى الله عليه وآله يقتل ، ولا يجف عرق دواب أصحابه حتى يدخلوا الجنة ، فيعانقوا الحور العين . (١) ٤٠١. تفسير العياشي عن جابر الجعفي :الإمام زين العابدين عليه السلام :كنت مع أبي الليث التي قتل صبيحتها ، فقال لأصحابه : هذا الليل فاتخذوه جملاً فإن القوم إنما يريدونني ، ولو قتلوني لم يلتفتوا إليكم وأنتم في حل وسعة ، فقالوا : لا والله لا يكون هذا أبدا .

قال : إنكم تقتلون غدا كذلك لا يفتل منكم رجل .

قالوا : الحمد لله الذي شرفنا بالقتل معك . ثم دعا وقال لهم : ارفعوا رؤوسكم وانظروا .

فجعلوا ينظرون إلى مواضعهم ومنازلهم من الجنة ، وهو يقول لهم :

هذا منزلك يا فلان ، وهذا قصرك يا فلان وهذه درجتك يا فلان ، فكان الرجل يستقبل الرماح والسيف بصدده ووجهه ، ليصل إلى منزله من الجنة . (٢) ٤٠٢.الإمام الصادق عليه السلام :عنه عليه السلام :لما اشتد الأمر بالحسين بن علي بن أبي طالب عليهما السلام ، نظر إليه من كان معه فإذا هو بخلافهم ، لأنهم كلما اشتد الأمر تغيرت ألوانهم ، وارتعدت فرائضهم (٣) ، ووجبت (٤) قلوبهم ، وكان الحسين عليه السلام وبعض من معه من خصائصه تشرق ألوانهم وتهدأ جوارحهم ، وتسكن نفوسهم . فقال بعضهم لبعض : انظروا لا يبالي بالموت .

فقال لهم الحسين عليه السلام : صبرا بنى الكرام ، فما الموت إلا قطرة تعبر بكم عن

البؤس والضراء إلى الجنان الواسعة والنعيم الدائم ، فأئكم يكره أن ينتقل من سجن إلى قصر ، وما هو لأعدائكم إلا كمن ينتقل من قصر إلى سجن وعذاب .

إن أبي يدثني ، عن رسول الله صلى الله عليه وآله : أن الدنيا سجن المؤمن وجنة الكافر ، والموت جسر هؤلاء إلى جناتهم ، وجسر هؤلاء إلى جحيمهم ، ما كذبت ولا كذبت . (٥) .

١- الأمل للصدوق : ص ٢٠٣ ح ٢٢٠ ، بحار الأنوار : ج ٤٤ ص ٢٢٤ ح ٢ .

٢- الخرائج والجرائح : ج ٢ ص ٨٤٧ ح ٦٢ عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ج ٤٤ ص ٢٩٨ ح ٣ .

٣- الفرائض : عصب الرقبه وعروقها لأنها تثور عند الغضب (النهاية : ج ٣ ص ٤٣١ «فرص») .

٤- وجب القلب : إذا خفق (النهاية : ج ٥ ص ١٥٤ «وجب») .

٥- معاني الأخبار : ص ٢٨٨ ح ٣ ، الاعتقادات : ص ٥٢ من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج

٤٤ ص ٢٩٧ ح ٢ .

۴۰۳. الکافی عن الحسين بن أبي العلاء: الأملی ، صدوق به نقل از کعب الأحبار: در کتاب های ما آمده است که مردی از فرزندان محمّد ، پیامبر خدا ، کشته می شود و عرق مرکب های یاران او هنوز خشک نشده ، وارد بهشت می شوند و حور العین را در آغوش می کشند. ۴۰۴. رسول الله صلی الله علیه و آله (لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام) امام زین العابدین علیه السلام: شبی که پدرم در فردای آن ، کشته شد ، من با او بودم . به یارانش فرمود : «از تاریکی شب ، استفاده کنید و بروید ؛ چرا که این جماعت ، تنها مرا می خواهند و اگر مرا بکشند ، به شما کاری نخواهند داشت . شما آزادید که بروید» .

یاران گفتند : نه ، به خدا سوگند . این کار هرگز چنین اتفاق نخواهد افتاد .

[پدرم به آنان] فرمود : «فردا شما نیز کشته خواهید شد و یک نفر هم از شما جان به در نخواهد برد» .

گفتند : ستایش ، خدای را که افتخار کشته شدن در رکاب تو را به ما ارزانی داشته است !

پدرم دعا کرد و به ایشان فرمود : «سرهايتان را بلند کنید و بنگرید».

آنان شروع به نگرستن به جایگاه و منازل خویش در بهشت کردند ، و پدرم به ایشان می فرمود: «فلانی! این ، منزل توست . فلانی! این ، قصر توست . فلانی! این ، درجه توست» .

پس ، هر یک از ایشان ، سینه و چهره خویش را به استقبال نیزه ها و شمشیرها می برد تا به جایگاه خویش در بهشت برسد. ۴۰۵. عنه صلی الله علیه و آله : امام زین العابدین علیه السلام: چون کار بر حسین بن علی علیه السلام سخت شد ، یکی از کسانی که با ایشان بود ، به او نگرست ، دید که برخلاف آنان است ؛ زیرا هر چه کار بر آنان سخت تر می شد ، رنگ از رخسارشان بر می گشت ، و بدن هایشان به لرزه و قلب هایشان به تپش می افتاد ، در حالی که حسین علیه السلام و برخی از یاران خاصّیش ، رنگشان روشن و اندام هایشان آرام می شد و دل هایشان قرار بیشتری می یافت . آنان به یکدیگر می گفتند : بنگرید که از مرگ ، باکی ندارد !

حسین علیه السلام به ایشان فرمود : «شکيبا باشید ، ای بزرگ زادگان ؛ چرا که مرگ ، چیزی نیست ، جز پلی که شما را از بدبختی و رنج به بهشت های پهناور و نعمت های جاویدان ، می رساند . کدام یک از شما خوش ندارد که از زندان به کاخ رود ؟! برای دشمنانتان هم مرگ نیست ، مگر همچون کسی که از کاخی به زندان و شکنجه گاهی رود . پدرم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم نقل کرد که : دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است ، و مرگ برای آنان ، پلی به سوی بهشت هایشان است و برای اینان ، پلی به سوی دوزخشان . من ، هرگز دروغ نگفته ام و به دروغگویی هم متهّم نشده ام» . .

٤٠٦. عنه صلى الله عليه وآله: الأمالى للصدوق عن ثابت بن أبي صفية: نَظَرَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى عُبيدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَاسْتَعَبَرَ ثُمَّ قَالَ : مَا مِنْ يَوْمٍ أَشَدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ يَوْمِ أُحُدٍ ، قُتِلَ فِيهِ عَمُّهُ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَسَدُ اللَّهِ وَأَسَدُ رَسُولِهِ ، وَبَعْدَهُ يَوْمُ مُوتِهِ ، قُتِلَ فِيهِ ابْنُ عَمِّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ .

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَلَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَلَفَ إِلَيْهِ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ ، كُلُّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِدَمِهِ ، وَهُوَ بِاللَّهِ يُذَكِّرُهُمْ فَلَا يَتَّعِظُونَ ، حَتَّى قَتَلُوهُ بَغْيًا وَظُلْمًا وَعُدْوَانًا .

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ! فَلَقِدَ آثَرَ وَأَبْلَى وَفَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ ، فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، وَإِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَنْزِلَةً يَغِيظُهَا بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (١) ٤٠٧. عنه صلى الله عليه وآله: علل الشرائع عن محمد بن عماره عن الإمام الصادق عليه السلام: قُلْتُ لَهُ : أَخْبِرْنِي عَنْ أَصْحَابِ

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِقْدَامِهِمْ عَلَى الْمَوْتِ .

فَقَالَ : إِنَّهُمْ كُشِفَ لَهُمُ الْغِطَاءُ حَتَّى رَأَوْا مَنَازِلَهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ ، فَكَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يُقَدِّمُ عَلَى الْقَتْلِ لِيُبَادِرَ إِلَى حَوْرَاءٍ يُعَانِقُهَا ، وَإِلَى مَكَانِهِ مِنَ الْجَنَّةِ . (٢) .

١- الأمالى للصدوق: ص ٥٤٧ ح ٧٣١ ، الخصال: ص ٦٨ ح ١٠١ وفيه ذيله من «رحم الله العباس»، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٢٩٨ ح ٤ .

٢- علل الشرائع: ص ٢٢٩ ح ١ ، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٢٩٧ ح ١ .

۴۰۸. الأُمالی للطوسی عن أنس: الأُمالی ، صدوق به نقل از ثابت بن ابی صَفِیْه: سَیِّد العابدین ، علی بن الحسین علیه السلام ، به عبید الله بن عبّاس بن علی بن ابی طالب علیه السلام نگریست و اشک ریخت . سپس فرمود : «هیچ روزی برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سخت تر از روز اُحُد نبود . در آن روز ، عمویش حمزه بن عبد المطلب ، آن شیر خدا و شیر رسول او ، کشته شد . پس از آن روز ، روز موته است که در آن ، پسر عموی ایشان ، جعفر بن ابی طالب ، کشته شد .

سپس فرمود : «و هیچ روزی چون روز حسین علیه السلام نیست . سی هزار مردک که مدّعی بودند از این اُمّت اند ، به سوی او آمدند و هر یک از آنان به قصد تقرب به خداوند عز و جل می خواست خون او را بریزد ، به طوری که هر چه او از خدا برایشان می گفت ، در گوش آنان فرو نمی رفت و سرانجام ، او را از روی سرکشی و ستم و تجاوز کشتند» .

امام علیه السلام سپس فرمود : «خدا عبّاس را رحمت کند ! او ایثار کرد و جانبازی نمود و جان خویش را فدای برادرش کرد ، تا آن که هر دو دستش قطع شد و خداوند عز و جلدر عوض آنها ، دو بال به او داد که با آنها همراه با فرشتگان ، در بهشت پرواز می کند ، همچنان که به جعفر بن ابی طالب داد . عبّاس در نزد خداوند بزرگ و والا- ، چنان منزلتی دارد که در روز قیامت ، همه شهیدان به او غبطه می خورند» . ۴۰۹. إرشاد القلوب عن حذیفه: علل الشرائع به نقل از محمّد بن عماره: به امام صادق علیه السلام گفتم : مرا از یاران حسین علیه السلام و جانبازی های آنان ، خبر دهید .

فرمود : «پرده برای آنان کنار زده شد ، به طوری که جایگاه های خویش در بهشت را دیدند . از این رو ، هر یک از ایشان به سوی کشته شدن می شتافت تا هر چه زودتر حوریان بهشتی را در آغوش کشد و به جایگاه خود در بهشت نایل آید» . .

١٧ / ٥٨٥ من أصحاب الإمام الباقر عليه السلام ١. أَبُو بَصِيرٍ الْمُرَادِيُّ ١٤١٣. خصائص أمير المؤمنين عن أبي إسحاق: الإمام الصادق عليه السلام: ما أجدُ أَحَدًا أَحْيَا ذَكَرْنَا وَأَحَادِيثَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامِ إِلَّا زُرَّارَةً ، وَأَبُو بَصِيرٍ الْمُرَادِيُّ ، وَمُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ ، وَبُرَيْدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ وَلَوْلَا هَؤُلَاءِ مَا كَانَ أَحَدٌ يَسْتَنْبِطُ هَيْدِي ، هَؤُلَاءِ حُقَاقُ الدِّينِ ، وَأُمْنَاءُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامِ عَلَى حَلَالِ اللَّهِ وَحَرَامِهِ ، وَهُمْ السَّابِقُونَ إِلَيْنَا فِي الدُّنْيَا وَفِي الآخِرَةِ . (١)

١- رجال الكشي: ج ١ ص ٣٤٨ ح ٢١٩، الاختصاص: ص ٦٦ كلاهما عن سليمان بن خالد الأقطع، روضه الواعظين: ص ٣١٨، وفيه «هذا» بدل «هذي»، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٣٩٠ ح ١١٢.

۱۷ / ۵ شماری از یاران امام باقر علیه السلام

۱. ابو بصیر مرادی

۱۷ / ۵ شماری از یاران امام باقر علیه السلام ۱. ابو بصیر مرادی ۱۴۱۷. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: من کسی را نمی شناسم که نام و یاد ما را و احادیث پدرم را زنده نگه داشته باشد، مگر زراره و ابو بصیر مرادی و محمد بن مسلم و بُرید بن معاویه. اگر اینها نبودند، هیچ کس حکم درستی را استنباط نمی کرد. اینان، نگهبانان دین و امینان پدر من بر حلال و حرام خدا هستند و پیشی گیرندگان به سوی ما در دنیا و آخرت اند.

٢. أبو بصير المكفوف (١) ٤١٩. الإمام الباقر عليه السلام: الكافي عن أبي بصير: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: ... تَقْدِرُونَ عَلَى أَنْ تُحْيُوا الْمَوْتَى وَتُبْرِؤُوا الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا ذَنِ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ لِي: أَدُنُّ مِنِّي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَمَسَحَ عَلَيَّ وَجْهِي وَعَلَى عَيْنِي، فَأَبْصِرْتُ الشَّمْسَ وَالسَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَالنُّبُوتَ، وَكُلَّ شَيْءٍ فِي الْبَلَدِ! ثُمَّ قَالَ لِي: أَتُحِبُّ أَنْ تَكُونَ هَكَذَا وَلَكَ مَا لِلنَّاسِ وَعَلَيْكَ مَا عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَمْ تَعُودُ كَمَا كُنْتَ وَلَكَ الْجَنَّةُ خَالِصًا؟ قُلْتُ: أَعُودُ كَمَا كُنْتُ، فَمَسَحَ عَلَيَّ عَيْنِي فَعِيدْتُ كَمَا كُنْتُ. (٢) ٣. بُرَيْدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ (٣) ٤٢١. المعجم الكبير عن عبد الله بن مسعود: الإمام الصادق عليه السلام: بَشَّرَ الْمُخْتَبِينَ بِالْجَنَّةِ: بُرَيْدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيُّ، وَأَبُو بَصِيرٍ لَيْثُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ (٤) الْمُرَادِيُّ، وَمُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، وَزُرَّارَةُ، أَرْبَعَةٌ نَجَبَاءُ أَمَنَاءُ اللَّهِ عَلَى حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ، لَوْلَا هَؤُلَاءِ انْقَطَعَتْ آثَارُ النَّبُوَّةِ وَانْدَرَسَتْ. (٥).

١- أبو بصير الأسدي، وقيل أبو محمد، ثقة وجيه، روى عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام، مات سنة خمسين ومئة (رجال النجاشي: ج ٢ ص ٤١١ الرقم ١١٨٨).

٢- الكافي: ج ١ ص ٤٧٠ ح ٣، دلائل الإمامة: ص ٢٢٦ ح ١٥٣، بصائر الدرجات: ص ٢٦٩ ح ١ بزياده «دخلت على أبي عبد الله وأبي جعفر عليهما السلام» في صدره، الخرائج والجرائح: ج ١ ص ٢٧٤ ح ٥، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ١٨٤ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٠١ ح ٥٩.

٣- أبو القاسم العجلي، عريبي يروي عن أبي عبد الله وأبي جعفر، ومات في حياة أبي عبد الله عليه السلام وقيل مات في سنة مئة وخمسين، وجه من وجوه أصحابنا وفقهه أيضا، له محل عند الأئمة عليهم السلام (راجع: رجال النجاشي: ج ١ ص ٢٨١ الرقم ٢٨٥ وخلاصه الأقوال: ص ٨١ الرقم ١٦٤).

٤- في المصدر: «وأبو بصير بن ليث البختری» وهو تصحيف، راجع: معجم رجال الحديث: ج ١٤ ص ١٤١.

٥- رجال الكشي: ج ١ ص ٣٩٨ ح ٢٨٦، خلاصه الأقوال: ص ٨٢ نحوه، نقد الرجال: ص ٥٤، التحرير الطاووسي: ص ٢٣٠ الرقم ٣٤٨ وكلها عن جميل بن دراج.

۲. ابو بصیر مکفوف**۳. بُرید بن معاویه**

۲. ابو بصیر مکفوف (۱) ۴۲۳. السنّه عن عبد الله بن مسعود: الكافی به نقل از ابو بصیر: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و گفتم: ... شما قادرید که مرده را زنده کنید و کور مادرزاد و پیس را شفا دهید؟

فرمود: «آری، به خواست خدا» و سپس به من فرمود: «نزدیک من بیا، ای ابو محمد!».

من نزدیک رفتم. ایشان دستی به چهره و چشم کشید و من آفتاب و آسمان و زمین و خانه ها و هر چه را در شهر بود، دیدم. سپس فرمود: «آیا دوست داری چنین باشی و در روز قیامت، مانند بقیه مردم با تو رفتار شود، یا آن که [دوست داری] به حال نخست باز گردی و یکسره به بهشت روی؟».

گفتم: به حال سابقم باز گردم.

ایشان دوباره دست به چشم کشید و من به حال سابقم باز گشتم. ۳. بُرید بن معاویه (۲) ۴۲۵. عنه صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: فروتنان را مژده بهشت بده: بُرید بن معاویه عَجلی و ابو بصیر لیث بن بختری مرادی و محمد بن مسلم و زراره؛ چهار انسان برگزیده و امینان خدا بر حلال و حرام او را. اگر اینان نبودند، آثار نبوت قطع می شد و از بین می رفت.

۱- ابو بصیر اسدی و به قولی ابو محمّد، راوی ای ثقه و معتبر است. وی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت کرده است. او در سال یکصد و پنجاه هجری، در گذشت.

۲- ابو القاسم عَجلی، عرب بود و از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام روایت کرده است. او در زمان حیات امام صادق علیه السلام و به قولی در سال یکصد و پنجاه، وفات یافت. از سرشناسان شیعه و فقیه بود و در نزد ائمه علیهم السلام منزلت داشت.

٤ . زُرَّارُهُ (١) ٤٢٧. الإمام علي عليه السلام: رجال الكشي عن زراره: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: يا زُرَّارَهُ، إِنَّ اسْمَكَ فِي أَسْمَى أَهْلِ الْجَنَّةِ بِغَيْرِ أَلْفٍ، قُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ اسْمِي عَبْدَ رَبِّهِ لَكِنِّي لَقَبْتُ بِزُرَّارِهِ. (٢) ٤٢٨. رسول الله صلى الله عليه وآله الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَصْحَابَ أَبِي كَانُوا زَيْنًا أَحْيَاءَ وَأَمَوَاتًا؛ أَعْنَى زُرَّارَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ، وَمِنْهُمْ لَيْثُ الْمُرَادِيِّ، وَبُرَيْدُ الْعَجَلِيُّ، وَهَؤُلَاءِ الْقَوَامُونَ بِالْقِسْطِ، وَهَؤُلَاءِ «السَّبِقُونَ السَّبِقُونَ» * أَوْلَائِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (٣) ٥. مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ (٤) راجع: ص ٧١٠ (ابو بصير المرادي) و ص ٧١٢ (بريد بن معاوية).

١٧ / عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ١. حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ (٥) ٤٣٤. عنه صلى الله عليه وآله (في علي عليه السلام) الإمام الصادق عليه السلام في حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ: إِنَّهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (٦).

١- هُوَ زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ بْنِ سَنَسَنِ مَوْلَى لِبْنِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، شَيْخٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فِي زَمَانِهِ وَمُتَّفَقٌ مَعَهُمْ، وَكَانَ قَارِنًا فَقِيهًا مُتَكَلِّمًا شَاعِرًا أَدِيبًا قَدْ اجْتَمَعَتْ فِيهِ خِلَالُ الْفَضْلِ وَالذِّينِ، صَادِقًا فِيمَا يَرُويهِ. مَاتَ سِنَةَ خَمْسِينَ وَمِئَةٍ (راجع: رجال النجاشي: ج ١ ص ٣٩٧ الرقم ٤٦١ و خلاصه الأقوال: ص ١٥٢ الرقم ٤٤١ و نقد الرجال: ص ١٣٦ و معجم رجال الحديث: ج ٧ ص ٢١٨ الرقم ٤٦٦٢).

٢- رجال الكشي: ج ١ ص ٣٤٥ ح ٢٠٨ عن زراره. ٣. الواقعة: ١٠ و ١١.

٣- .. رجال الكشي: ج ١ ص ٣٩٩ ح ٢٨٧ عن داوود بن سرحان، روضه الواعظين: ص ٣١٨ نحوه، وسائل الشيعة: ج ١٨ ص ١٠٦ ح ٣٣٤٢٥.

٤- وَجْهٌ أَصْحَابِنَا بِالْكُوفَةِ، فَقِيهٌ وَرِعٌ، صَيَّبَ أَبَا جَعْفَرٍ وَأَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ وَرَوَى عَنْهُمَا، وَكَانَ مِنْ أَوْثَقِ النَّاسِ. مَاتَ سِنَةَ خَمْسِينَ وَمِئَةٍ (راجع: رجال النجاشي: ج ٢ ص ١٩٩ الرقم ٨٨٣ و خلاصه الأقوال: ص ٢٥١ الرقم ٨٥٨).

٥- أَبُو الْحَسَنِ الشَّيْبَانِيُّ بِالْوَلَاءِ الْكُوفِيِّ، مِنْ ثِقَاتِ مُحَدِّثِي الْإِمَامِيَّةِ، كَانَ مِمَّنْ تَشَدَّرَفَ بِلِقَاءِ الْإِمَامِ السَّجَّادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَرَأَ وَأَتَقَنَ الْقُرْآنَ عَلَى الْإِمَامِ الْبَاقِرِ وَصَارَ مِنْ كُبَرَاءِ قُرَاءِ وَقْتِهِ، مَعَ تَبَجُّرِهِ فِي عُلُومِ النَّحْوِ وَاللُّغَةِ وَالْأَدَبِ، وَكَانَ شَاعِرًا بَارِعًا، رَوَى عَنِ الْبَاقِرِ وَالصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَتُوفِّيَ سِنَةَ ١٤٨ هـ، وَقِيلَ حُدُودَ سِنَةِ ١٣٠ هـ (راجع: اصحاب الإمام الصادق عليه السلام: ج ١ ص ٤٧٦ و خلاصه الأقوال: ص ١٣٤ الرقم ٣٦١).

٦- رجال الكشي: ج ١ ص ٤١٢ الرقم ٣٠٤، الاختصاص: ص ١٩٦، نقد الرجال: ص ١١٨ كلها عن زياد بن مروان القندي، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٣٥٢ ح ٥٨.

۴. زرارہ

۵. محمد بن مسلم

۱۷ / ۶ شماری از یاران امام صادق علیه السلام

۱. حمران بن أعین

۴. زرارہ (۱) ۴۳۶. عنها علیها السلام: رجال الکشی به نقل از زرارہ: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای زرارہ! نام تو در [فهرست] نام های بهشتیان، بدون الف آمده است».

گفتم: بله، فدایت گردم! نام من «عبد ربّه» است؛ ولی زرارہ لقبم داده اند. ۴۳۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: اصحاب پدرم، زنده و مرده شان، زینت بودند. مقصودم، زرارہ و محمد بن مسلم اندولیت مرادی و برید عجلی نیز از جمله ایشان اند. اینان برپا دارنده عدل بودند. اینان، «پیشی گیرندگان نخست اند. ایشان، مقربان [درگاه الهی] اند» ۵. محمد بن مسلم (۲) ر. ک: ص ۷۱۱ (ابو بصیر مرادی) و ص ۷۱۳ (برید بن معاویه).

۱۷ / ۶ شماری از یاران امام صادق علیه السلام ۱. حمران بن أعین (۳) ۴۴۳. عنه صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام در باره حمران بن أعین: او مردی از اهل بهشت است.

۱- زرارہ بن أعین بن سنسن، وابسته بنی عبد الله بن عمرو، از بزرگان و جلوداران شیعه در زمان خود، و مردی قاری، فقیه، متکلم، ادیب و شاعر بود. مجموعه ای از فضایل و دینداری بوده و در آنچه روایت کرده، راستگوست. او در سال یکصد و پنجاه، در گذشت.

۲- محمد بن مسلم، بزرگ شیعه در کوفه و فقیهی پارسا بود. از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بوده و از هر دوی آن بزرگواران، روایت کرده است. از موثق ترین افراد به شمار می رفت و در سال یکصد و پنجاه، در گذشت.

۳- ابو الحسن کوفی وابسته شیبانی، از محدثان موثق شیعه امامیه است. از کسانی بود که به افتخار ملاقات با امام زین العابدین علیه السلام نایل آمد و قرآن را نزد امام باقر علیه السلام خواند و آن را نیک آموخت و از بزرگان قراء زمان خود شد. علاوه بر این، در علوم نحو و لغت و ادب نیز تبخر داشت. او شاعری چیره دست بود و از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت کرده است. حمران در سال ۱۴۸ ق، و به قولی، حدود سال ۱۳۰ ق، در گذشت.

٤٤٤. عنه صلى الله عليه وآله (فى حِجَّهِ الْوَدَاعِ) رجال الكششى عن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعْتُهُ يَقُولُ : حُمْرَانُ مُؤْمِنٌ ، لَا يَرْتَدُّ أَبَدًا .

ثُمَّ قَالَ : نِعْمَ الشَّفِيعُ أَنَا وَآبَائِي لِحُمْرَانَ بْنِ أَعِينٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، نَأْخُذُ بِيَدِهِ وَلَا نُزَايِلُهُ حَتَّى نَدْخُلَ الْجَنَّةَ جَمِيعًا . (١) ٤٤٥. عنه صلى الله عليه وآله (يَوْمَ الْغَدِيرِ) رجال الكششى عن بكير بن أعين: حَجَجْتُ أَوَّلَ حِجَّهِ فَصِرْتُ إِلَى مَنَى ، فَسَأَلْتُ عَنْ فُسْطَاطِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ ، فَزَأَيْتُ فِي الْفُسْطَاطِ جَمَاعَةً ، فَأَقْبَلْتُ أَنْظُرُ فِي وُجُوهِهِمْ ، فَلَمْ أَرَهُ فِيهِمْ ، وَكَانَ فِي نَاحِيَةِ الْفُسْطَاطِ يَحْتَجِمُ .

فَقَالَ : هَلُمَّ إِلَيَّ ! ثُمَّ قَالَ : يَا غُلَامُ ، أَمِنْ بَنِي أَعِينٍ أَنْتَ ؟ قُلْتُ : نَعَمْ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ . قَالَ : أَيُّهُمْ أَنْتَ ؟ قُلْتُ : أَنَا بُكَيْرُ بْنُ أَعِينٍ ، قَالَ لِي : مَا فَعَلَ حُمْرَانُ ؟ قُلْتُ : لَمْ يَحِجَّ الْعَامَ عَلَى شَوْقٍ شَدِيدٍ مِنْهُ إِلَيْكَ ، وَهُوَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ ، فَقَالَ : عَلَيْكَ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ ، حُمْرَانُ مُؤْمِنٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، لَا يَرْتَابُ أَبَدًا ، لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ ، لَا تُخْبِرُهُ . (٢) ٢ . زَيْدُ الشَّحَامِ (٣) ٤٤٧. الإمام على عليه السلام: رجال الكششى عن زيد الشحام: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي : يَا زَيْدُ ، جَدِّدِ التَّوْبَةَ ، وَأَحْدِثِ عِبَادَةَ .

قَالَ : قُلْتُ : نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسِي ؟

قَالَ : فَقَالَ لِي : يَا زَيْدُ ، مَا عِنْدَنَا لَكَ خَيْرٌ ، وَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا ، وَإِنَّا الصُّرَاطُ ، وَإِنَّا الْمِيزَانُ ، وَإِنَّا حِسَابُ شِيعَتِنَا ، وَاللَّهِ لَأَنَا لَكُمْ أَرْحَمُ مِنْ أَحَدِكُمْ بِنَفْسِهِ . يَا زَيْدُ ، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْكَ فِي دَرَجَتِكَ مِنَ الْجَنَّةِ وَرَفِيقُكَ فِيهَا الْحَارِثُ بْنُ الْمُغِيرَةَ النَّصْرِيُّ . (٤) .

١- رجال الكششى: ج ٢ ص ٤١٨ الرقم ٣١٤ ، الاختصاص: ص ١٩٦ وليس فيه «مؤمن لا يرتد أبدا» ، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٣٥٢ ح ٥٧ .

٢- رجال الكششى: ج ١ ص ٤١٦ ح ٣١٢ .

٣- قال النجاشى: زَيْدُ بْنُ يُونُسَ ، وَقِيلَ ابْنُ مُوسَى أَبُو أُسَامَةَ الشَّحَامُ مَوْلَى شَدِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ نَعِيمِ الْأَزْدِيِّ الْغَامِذِيِّ ، كُوفِيٌّ ، رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَقَالَ الشَّيْخُ: زَيْدُ الشَّحَامِ يُكْنَى أَبُو أُسَامَةَ ، ثِقَّةٌ ، وَعِدَّةُ الْمُفِيدِ مِنَ الْأَعْلَامِ الرَّؤَسَاءِ الْمَأْخُوذِ عَنْهُمْ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَالْفُتْيَا وَالْأَحْكَامُ ، الَّذِينَ لَا مَطْعَنَ عَلَيْهِمْ وَلَا طَرِيقَ إِلَى دَمِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ (راجع: معجم رجال الحديث: ج ٨ ص ٣٧٦) .

٤- رجال الكششى: ج ٢ ص ١٦٢٨ ح ٦١٩ ، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ١١٤ ح ٣٠ .

۲. زید شَحَام

۴۴۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: رجال الکَشَّی به نقل از هشام بن حکم: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «حمران، مؤمن است و هرگز از ایمانش بر نمی گردد».

سپس فرمود: «من و پدرم، شفیعان خوبی برای حمران بن أعین در روز قیامت خواهیم بود. دستش را می گیریم و او را رها نمی کنیم تا با هم وارد بهشت شویم». ۴۴۹. عنه صلی الله علیه و آله: رجال الکَشَّی به نقل از بُکیر بن أعین: برای نخستین بار به حج رفتم. ره سپار منا شدم و سراغ خیمه امام صادق علیه السلام را گرفتم و وارد خیمه شدم. جماعتی در خیمه حضور داشتند. به چهره هایشان نگریستم. امام علیه السلام را در میانشان ندیدم. متوجه شدم که در گوشه چادر، حجامت می کند. فرمود: «نزد من بیا» و سپس فرمود: «ای جوان! تو از فرزندان أعین هستی؟».

گفتم: بله، خدا مرا فدایت کند!

فرمود: «کدام یکی شان؟». گفتم: بکیر بن اعین هستم. فرمود: «حمران چه می کند؟». گفتم: با آن که بسیار مایل به دیدار شما بود، امسال به حج نیامد، و به شما سلام رساند. فرمود: «سلام بر هر دوی شما! حمران، مؤمنی اهل بهشت است. هرگز شک نمی کند. نه، به خدا! نه، به خدا! [این را] به خودش مگو». ۲. زید شَحَام ۱۴۵۱. الأمالی للصدوق عن ابن عباس: رجال الکَشَّی به نقل از زید شَحَام: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. به من فرمود: «ای زید! توبه ای دیگر نما و عبادتی را به جا بیاور».

گفتم: آیا خبر مرگم را می دهی؟

فرمود: «ای زید! آنچه در نزد ماست، برای تو بهتر است و تو از شیعیان ما هستی. راه [آخرت]، به سوی ماست و میزان و حساب [اعمال] شیعیان ما، بر عهده ماست. به خدا سوگند، من به شما مهربان تر از شما به خودتان هستم. ای زید! گویا من به تو می نگرم که در جایگاه بهشتی ات به همراه حارث بن مغیره نصری، قرار گرفته ای». ۳. علباء (۱)

۱- علباء بن دَرَّاع اسدی، از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و شیعه ای جلیل القدر و ممدوح است. در روزگار امام صادق علیه السلام، والی بنی امیه در بحرین بود و در همان ایام در گذشت.

٣ . عِلْبَاءُ (١) ٤٥٤. رسول الله صلى الله عليه وآله (لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَام) رجال الكشي عن أبي بصير: إِنَّ عِلْبَاءَ الْأَسِيدِيِّ وُلِّيَ الْبَحْرَيْنَ فَأَفَادَ سَبْعِمِئَةَ أَلْفٍ دِينَارٍ وَدَوَابَّ وَرَقِيقًا ، قَالَ : فَحَمَلَ ذَلِكَ كُلَّهُ حَتَّى وَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام ، ثُمَّ قَالَ : إِنِّي وُلِّيتُ الْبَحْرَيْنِ لِابْنِي أُمِّيَّةَ ، وَأَفَدْتُ كَذَا وَكَذَا ، وَقَدْ حَمَلْتُهُ كُلَّهُ إِلَيْكَ ، وَعَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا ، وَأَنَّهُ كُلُّهُ لَكَ .

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام : هَاتِيهِ! فَوَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَقَالَ لَهُ : قَدْ قَبِلْنَا مِنْكَ ، وَوَهَبْنَا لَكَ ، وَأَحْلَلْنَاكَ مِنْهُ ، وَضَمْنَا لَكَ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ . (٢) ٤٥٥. صحيح مسلم عن سعيد بن المسيب عن عامر بن سعد بن أبرجال الكشي عن أبي بصير: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام فَقَالَ لِي : حَضَرْتَ عِلْبَاءَ عِنْدَ مَوْتِهِ ؟ قَالَ : قُلْتُ : نَعَمْ ، وَأَخْبَرَنِي أَنَّكَ ضَمِنْتَ لَهُ الْجَنَّةَ وَسَأَلَنِي أَنْ أَذْكُرَكَ ذَلِكَ ، قَالَ : صِدْقٌ . قَالَ : فَبَكَيْتُ ثُمَّ قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، فَمَا لِي ! أَلَسْتُ كَبِيرَ السِّنِّ الضَّعِيفَ الضَّرِيرَ الْبَصِيرَ الْمُنْقَطِعَ إِلَيْكُمْ ؟ فَاضْمَنْهَا لِي . قَالَ : قَدْ فَعَلْتُ . قَالَ : قُلْتُ : إِضْمَنْهَا عَلَى آبَائِكَ وَسَيَمِّيْتُهُمْ وَاحِدًا وَاحِدًا قَالَ : قَدْ فَعَلْتُ . قُلْتُ : فَاضْمَنْهَا لِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . قَالَ : قَدْ فَعَلْتُ . قَالَ : قُلْتُ : فَاضْمَنْهَا لِي عَلَى اللَّهِ تَعَالَى . قَالَ :

فَأَطْرَقَ ، ثُمَّ قَالَ : قَدْ فَعَلْتُ . (٣) .

١- . عِلْبَاءُ بْنُ دِرَازِ الْأَسِيدِيِّ مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ وَالْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِمَامِيَّ جَلِيلُ الْقَدْرِ مَمْدُوحٌ ، كَانَ وَالِيًا عَلَى الْبَحْرَيْنِ لِابْنِي أُمِّيَّةَ فِي عَهْدِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَام ، وَمَاتَ فِي أَيَّامِهِ (راجع : معجم رجال الحديث : ج ١١ ص ١٧٩ الرقم ٧٧٩١ و ج ٢ ص ٣٨٩ الرقم ٢١٩٠) .

٢- . رجال الكشي : ج ٢ ص ٤٥٣ ح ٣٥٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ١٩٤ ح ١٩ .

٣- . رجال الكشي : ج ١ ص ٤٠٠ ح ٢٨٩ و ج ٢ ص ٤٥٣ ح ٣٥١ ، نقد الرجال : ص ٢٢٣ فيهما «أبا جعفر عليه السلام» بدل «أبي عبد الله عليه السلام» .

۳. علباء

۴۵۶. تاریخ دمشق عن عامر بن سعد: رجال الکشی به نقل از ابو بصیر: علباء اسدی، والی بحرین شد و مبلغ هفتصد هزار دینار و تعدادی چارپا و برده به دست آورد. همه اینها را بُرد و در برابر امام صادق علیه السلام گذاشت و گفت: من از سوی بنی امیه، والی بحرین شدم و فلان مقدار، ثروت به دست آورده ام و همه اش را خدمت شما آورده ام و می دانم که خداوند عز و جلهیچ مبلغی از آن را برای آنان روانداسته و همه اش برای شماست. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «آنها را بیاور».

او آنها را آورد و در برابر ایشان قرار داد. امام علیه السلام به او فرمود: «از تو پذیرفتیم و به تو بخشیدیم و برایت حلال کردیم و بهشت را از جانب خدا برایت ضامن شدیم». ۴۵۷. تاریخ بغداد عن جابر: رجال الکشی به نقل از ابو بصیر: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. به من فرمود: «هنگام درگذشت علباء، تو حضور داشتی؟». گفتم: آری. او به من گفت که شما بهشت را برایش ضمانت کرده اید و از من خواست که این مطلب را به شما بگویم. امام علیه السلام فرمود: «راست گفته است». من گریستم و گفتم: فدایت شوم! پس من سال خورده ناتوان کور ارادتمند شما، چه برای من هم ضمانت فرما. فرمود: «ضمانت کردم». گفتم: به حق پدرانت، آن را برایم ضمانت کن. آن گاه، نام یکایک آن بزرگواران را بردم. فرمود: «ضمانت کردم». گفتم: به حق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را برایم ضمانت کن. فرمود: «ضمانت کردم». گفتم: به حق خدای متعال، آن را برایم ضمانت کن.

آن گاه، امام علیه السلام مدتی سرش را پایین انداخت و سپس فرمود: «ضمانت کردم».

٤٥٨. تاريخ بغداد عن سويد بن غفله عن عمر بن الخطاب: الاصول الستة عشر عن أبي بصير: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيٍّ (هُوَ ابْنُ دَرَّاعِ الْأَسَدِيِّ) وَهُوَ مَرِيضٌ ، فَقَالَ : يَا أَبَا بَصِيرٍ ! شَعَرْتُ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (١) قَدْ ضَمِنَ لِي الْجَنَّةَ . قُلْتُ : ضَمِنَ لَكَ الْجَنَّةَ ؟ قَالَ : إِي وَاللَّهِ . فَاَنْطَلَقْتُ أَنَا بَعْدَ ذَلِكَ حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ لِي أَوَّلَ مَا رَأَيْتُ : وَهَلْكَكَ عَلِيٌّ ؟ قَالَ : قُلْتُ : إِي وَاللَّهِ ، قَالَ : فَمَا قَالَ لَكَ ؟ قَالَ : قُلْتُ : أَخْبَرَنِي أَنَّكَ ضَمِنْتَ لَهُ الْجَنَّةَ ، قَالَ : صَدَقَ وَاللَّهِ . (٢) ٤٥٩. تاريخ بغداد عن المهدي العباسي: تهذيب الأحكام عن الحسين بن سعيد ، عن محمد بن أبي عمير عن الحكم بن علباء الأسدي: وُلِّيْتُ الْبَحْرَيْنَ فَأَصَيْبْتُ بِهَا مَالًا كَثِيرًا ، فَأَنْفَقْتُ وَاشْتَرَيْتُ ضِيَاعًا كَثِيرَةً ، وَاشْتَرَيْتُ رَقِيقًا وَأُمَّهَاتٍ أَوْلَادٍ ، وَوُلِدَ لِي ، ثُمَّ خَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ فَحَمَلْتُ عِمَالِيًا وَأُمَّهَاتٍ أَوْلَادِي وَنِسَائِي ، وَحَمَلْتُ خُمْسَ ذَلِكَ الْمَالِ ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ : إِنِّي وُلِّيْتُ الْبَحْرَيْنَ فَأَصَيْبْتُ بِهَا مَالًا كَثِيرًا ، وَاشْتَرَيْتُ مَتَاعًا ، وَاشْتَرَيْتُ رَقِيقًا ، وَاشْتَرَيْتُ أُمَّهَاتٍ أَوْلَادٍ ، وَوُلِدَ لِي وَأَنْفَقْتُ ، وَهَذَا خُمْسُ ذَلِكَ الْمَالِ ، وَهَؤُلَاءِ أُمَّهَاتُ أَوْلَادِي وَنِسَائِي قَدْ أَتَيْتُكَ بِهِ .

فَقَالَ : أَمَا إِنَّهُ كُلُّهُ لَنَا ، وَقَدْ قَبِلْتُ مَا جِئْتَ بِهِ ، وَقَدْ حَلَلْتُكَ مِنْ أُمَّهَاتِ أَوْلَادِكَ

وَنِسَائِكَ وَمَا أَنْفَقْتَ ، وَضَمِنْتُ لَكَ عَلَيَّ وَعَلَى أَبِي الْجَنَّةَ . (٣) .

١- الأحاديث المروية عن علباء ورد بعضها عن الإمام الصادق عليه السلام و بعضها عن الإمام الباقر عليه السلام و بعضها عن الحكم بن علباء عن الإمام الباقر عليه السلام وقد توفي علباء في زمن الإمام الصادق عليه السلام كما في كتب الرجال، وهذه الحادثة تتعلق باحتضار علباء و عليه فروايتها عن الإمام الباقر عليه السلام خطأ والصحيح كونها عن الإمام الصادق عليه السلام كما أشار الى ذلك في معجم رجال الحديث ، كما ان ما ورد في الروايات عن الحكم بن علباء كالخبر الآتي هو تصحيف أيضا و صحيحه «الحكم عن علباء» كما صرح بذلك السيد الداماد. و عليه فتكرر الحادثة لعلباء أو لعلباء تاره ولاينه اخرى بعيد (راجع: معجم رجال الحديث: ج ١١ ص ١٨٠ ١٨١) .

٢- الأصول الستة عشر: ص ٢٤٨ ح ٣١٥ .

٣- تهذيب الأحكام: ج ٤ ص ١٣٧ ح ٣٨٥، الاستبصار: ج ٢ ص ٥٨ ح ١٩٠، وسائل الشيعة: ج ٤ ص ٣٦٨ ح ١٢٦٤٠ .

۴۶۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: الأُصول السَّته عشر به نقل از ابو بصیر: بر عِلباء (فرزند دَرّاع اسدی) وارد شدم، در حالی که بیمار بود. گفت: ای ابو بصیر! احساس کردم که امام باقر علیه السلام (۱) بهشت را برایم تضمین نمود.

گفتم: برایت بهشت را تضمین نمود؟ گفت: آری، به خدا.

پس از آن ماجرا رفتم تا به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. اولین چیزی که پس از دیدن من فرمود، پرسید: «عِلباء مُرد؟».

گفتم: آری، به خدا. فرمود: «به تو چه گفت؟».

گفتم: به من گفت که شما بهشت را برایش تضمین کرده اید.

فرمود: «به خدا سوگند، راست گفته است». ۴۶۱. عنه صلی الله علیه و آله (مُشیرا إلى عَلِيٍّ عليه السلام) تهذیب الأحكام به نقل از حسین بن سعید، از محمّد بن ابی عمیر، از حکم بن عِلباء اسدی: والی بحرین شدم و مال فراوانی به دست آوردم. مقداری را انفاق کردم و املاک بسیاری خریدم و نیز تعدادی غلام و کنیز خریدم. یکی از کنیزانم برایم بچه ای آورد. آن گاه به مکه رفتم و عائله و کنیزان و زن هایم را هم با خود بردم و یک پنجم مالم را هم با خود بردم. خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و به ایشان گفتم: من والی بحرین شدم و مال فراوانی به دست آوردم. اجناسی خریدم و غلام و کنیز خریدم و یکی از کنیزانم برایم بچه ای آورد. مقداری را نیز انفاق کردم و این هم یک پنجم مالم است و اینان، کنیزان و زنانم هستند که خدمت شما آورده ام.

فرمود: «همه آنها مال ماست. هر چه آورده ای، می پذیرم و کنیزان و زنان و هر چه را بخشیده ای، حلال می کنم. خودم و پدرم، عهده دار می شویم که بهشت را برایت تضمین کنیم». ۴. عیسی بن ابی منصور (۲).

۱- در نقل های گوناگون این حدیث، برخی امام صادق علیه السلام، برخی امام باقر علیه السلام و برخی دیگر، حکم بن عِلباء از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند. بر اساس کتاب های رجال، عِلباء، در زمان امام صادق علیه السلام از دنیا رفته است و از آن جا که این قضیه مربوط به حال احتضار عِلباء است، نقل از امام باقر علیه السلام، اشتباه است و باید از امام صادق علیه السلام باشد، چنان که در معجم رجال الحدیث (ج ۱۱ ص ۱۸۰ ۱۸۱) به این مطلب اشاره شده است. نیز آنچه در نقل، «حکم بن عِلباء» آمده، تصحیف «حکم عن عِلباء» است، چنان که میر داماد به آن تصریح کرده است. بنا بر این، تکرار این واقعه برای عِلباء و یا اتّفاق آن، هم برای خود عِلباء و هم برای فرزندش بعید است.

۲- عیسی بن ابی منصور، ابو صالح، از موالی، اهل کوفه، از اصحاب امام صادق علیه السلام، معروف به شَلَقان، و از فضلا و نیکان بود. در مدح او، احادیثی از امام صادق علیه السلام رسیده است.

٤. عيسى بن أبي منصور (١) ٤٦٤. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام رجال الكشي عن إبراهيم بن علي: كان أبو عبد الله عليه السلام إذا رأى عيسى بن أبي منصور قال: من أحب أن يرى رجلاً من أهل الجنة فلينظر إلى هذا. (٢) ٥. فتى من كتاب بنى أمية ٤٦٦. فضائل الصحابة عن محدوج بن زيد: الكافي عن علي بن أبي حمزة: كان لي صديق من كتاب بنى أمية، فقال لي: استأذن لي علي أبي عبد الله عليه السلام، فاستأذنت له عليه، فأذن له، فلما أن دخل سلمت وجلست، ثم قال: جعلت فداك إني كنت في ديوان هؤلاء القوم فأصبت من دنياهم مالاً كثيراً وأغمضت في مطالبه؟

فقال أبو عبد الله عليه السلام: لولا أن بنى أمية وخذوا من يكتب لهم ويحبي لهم الفىء ويقابل عنهم ويشهد جماعتهم لما سلبونا حقنا. ولو تركهم الناس وما في أيديهم ما وجدوا شيئاً إلا ما وقع في أيديهم.

قال: فقال الفتى: جعلت فداك، فهل لي مخرج منه؟ قال: إن قلت لك تفعل؟ قال: أفعل، قال له: فأخرج من جميع ما اكتسبت في ديوانهم فمن عرفت منهم رددت

عليه ماله، ومن لم تعرف تصدقت به وأنا أضمن لك على الله عز وجل الجنة.

قال: فأطرق الفتى رأسه طويلاً ثم قال: قد فعلت جعلت فداك.

قال ابن أبي حمزة: فرجع الفتى معنا إلى الكوفة فما ترك شيئاً على وجه الأرض إلا خرّج منه حتى ثيابه التي كانت على يديه. قال: فقسمت له قسمته واشترينا له ثياباً وبعثنا إليه بنفقته. قال: فما أتى عليه إلا أشهر قلابل حتى مرض، فكنا نعوّده.

قال: فدخلت عليه يوماً وهو في السوق، قال: ففتح عيني ثم قال لي: يا عليّ وفي لي والله صاحبك. قال: ثم مات، فتولينا أمره، فخرجت حتى دخلت على أبي عبد الله عليه السلام، فلما نظر إليّ قال: يا عليّ وفينا والله لصاحبك! قال: فقلت: صدقت جعلت فداك، هكذا والله قال لي عند موته. (٣).

١- عيسى بن أبي منصور أبو صالح مولى كوفى من أصحاب الصادق عليه السلام، المعروف بشلقان، من الفضلاء والأخيار، ورد في مديحه روايات عن الإمام الصادق عليه السلام (راجع: رجال الكشي: ج ٢ ص ٦٢٢ و رجال الطوسى: ص ٢٥٨ الرقم ٥٥٦ و خلاصه الأقوال: ص ٢١٥ الرقم ٧٠٦ و التحرير الطاووسى: ص ٢٠٠ الرقم ٢٩٧ و معجم رجال الحديث: ج ١٣ ص ١٧٦ الرقم ٩١٥١ و ص ٢١٠ الرقم ٩٢٣٣).

٢- رجال الكشي: ج ٢ ص ٦٢١ ح ٥٩٩، رجال ابن داود: ص ١٤٨ الرقم ١١٦٢، التحرير الطاووسى: ص ٢٠٠ الرقم ٢٩٧، نقد الرجال: ص ٢٦٠.

٣- الكافي: ج ٥ ص ١٠٦ ح ٤، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣٣١ ح ٩٢٠، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٢٤٠، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٣٨٣ ح ١٠٥.

۴. عیسی بن ابی منصور

۵. جوانی از کاتبان بنی امیه

۴۶۷. الإمام علی علیه السلام: رجال الکشی به نقل از ابراهیم بن علی: امام صادق علیه السلام هر گاه عیسی بن ابی منصور را می دید، می فرمود: «هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند، به این بنگرد». ۵. جوانی از کاتبان بنی امیه ۴۶۹. تاریخ دمشق عن جابر بن عبد الله الأنصاری: الکافی به نقل از علی بن ابی حمزه: دوستی داشتم که از کاتبان بنی امیه بود. به من گفت: از امام صادق علیه السلام برایم اجازه ملاقات بگیر.

من از امام علیه السلام اجازه خواستم و ایشان اجازه داد. چون به حضور ایشان رسید، سلام کرد و نشست و سپس گفت: قربانت کردم! من در دیوان این جماعت، کار می کردم و از دنیای آنان، به مال و منال فراوانی رسیده ام و برای به دست آوردن آن، چشم بر هم نهادم (به حلال و حرام توجهی ننمودم).

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر بنی امیه کسی را نمی یافتند که برایشان دبیری کند و مالیات بگیرد و برای آنان بجنگد و در [نماز] جماعتشان حاضر شود، هرگز نمی توانستند حق ما را غصب کنند! اگر مردم، آنها را با آنچه در دستشان است، تنها می گذاشتند، چیزی جز همانچه در دستشان افتاده بود، نمی یافتند».

آن مرد جوان گفت: قربانت کردم! آیا راهی برای بیرون آمدن از این [وضع] برایم هست؟

فرمود: «اگر برایت بگویم، انجام می دهی؟».

گفت: انجام می دهم.

فرمود: «خودت را از تمام آنچه در دیوان آنها به دست آورده ای، خلاص کن. کسانی را که می شناسی، مالشان را به آنها باز گردان و کسانی را که نمی شناسی، از طرفشان صدقه بده. در این صورت، من از طرف خداوند عز و جل، بهشت را برایت ضمانت می کنم».

مرد جوان، مدتی طولانی سرش را پایین انداخت [و به تأمل پرداخت]. سپس گفت: قربانت کردم! چنین می کنم.

آن جوان با ما به کوفه باز گشت و خودش را از هر چه در عالم داشت، خلاص کرد، حتی از جامه ای که بر تن داشت. من قسمتی برایش تعیین کردم (۱) و جامه هایی برایش خریدیم و با قدری خرجی، نزد او فرستادیم. چند ماهی نگذشت که او بیمار شد. ما به عیادتش می رفتیم. روزی که در حال جان کندن بود، من تنها در کنارش بودم. چشمانش را باز کرد و گفت: ای علی! به خدا سوگند که آقایت به تعهدش وفا کرد! این را گفت و مُرد و ما او را به خاک سپردیم.

من آمدم تا بر امام صادق علیه السلام وارد شدم . همین که مرا دید، فرمود : «ای علی ! به خدا سوگند که در باره دوستت به تعهدمان وفا کردیم» .

من گفتم : درست است، فدایت شوم ! به خدا سوگند که او نیز هنگام مرگش، همین را گفت.

۱- یعنی: برایش پولی جمع کردم .

٦. الفضيل بن يسار (١) ٤٧١. تاريخ دمشق عن عبد الله بن جعفر: رجال الكشي عن إبراهيم بن عبد الله: كان أبو عبد الله عليه السلام إذا رأى الفضيل بن يسار قال: بشر المخبتين (٢)، من أحب أن ينظر رجلاً من أهل الجبه فلينظر إلى هذا (٣).

١- الفضيل بن يسار النهدي أبو القاسم عربي بصري صميم ثقة، روى عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام مات في أيامه. وهو من الفقهاء الأعلام والرؤساء المأخوذ منهم الحلال والحرام والفتيا والأحكام. (راجع: معجم رجال الحديث: ج ١٣ ص ٣٣٥ الرقم ٩٤٣٦).

٢- المخبتين: أي المتواضعين (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٢٧٢).

٣- رجال الكشي: ج ٢ ص ٤٧٢ ح ٣٧٧.

۶. فضیل بن یسار

۶. فضیل بن یسار (۱) ۴۷۳. تاریخ دمشق عن جابر: رجال الکشی به نقل از ابراهیم بن عبد الله: امام صادق علیه السلام هر گاه فضیل بن یسار را می دید ، می فرمود : «فروتنان را بشارت باد ! هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند ، به این بنگرد»

۱- ابو القاسم ، فضیل بن یسار نهدی ، عرب و اصالتا بصری و ثقه بود و در زمان امام صادق علیه السلام در گذشت . او از فقهای برجسته و بزرگانی بود که احکام حلال و حرام و فتوا از آنان گرفته می شد . وی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام ، روایت کرده است .

٧. مُعَلَّى بْنُ حُنَيْسٍ ١٤٧٥. الطبقات الكبرى عن البراء بن عازب وزيد بن أرقم: رجال الكشي عن إسماعيل بن جابر: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي: يَا إِسْمَاعِيلُ، قُتِلَ الْمُعَلَّى؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (١) ١٧ / ٧ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ١. عَلِيُّ بْنُ يَقِطِينَ ٣٤٧٩. رسول الله صلى الله عليه وآله (لِأُمَّ سَيِّمَةَ) رجال الكشي عن عبد الله بن يحيى الكاهلي: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ يَقِطِينَ فَالْتَفَتَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَصْحَابِهِ، فَقَالَ: مَنْ سِرَّهُ أَنْ يَرَى رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا الْمُقْبِلِ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: هُوَ إِذَا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا أَنَا فَأَشْهَدُ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (٢).

-
- ١- رجال الكشي: ج ٢ ص ٦٧٩ الرقم ٧١٤ و ص ٦٧٥ الرقم ٧٠٧، التحرير الطاوسي: ص ٢٨١ الرقم ٤٢٢ نحوه .
 ٢- رجال الكشي: ج ٢ ص ٧٣٠ الرقم ٨١٠، معجم رجال الحديث: ج ١٢ ص ٢٢٩ الرقم ٦ .

۷. مُعَلَّى بن خُنَيس

۱۷ / ۷ شماری از یاران امام کاظم علیه السلام

۱. علی بن یقطين

۷. مُعَلَّى بن خُنَيس (۱) ۴۸۱. عنه صلى الله عليه و آله (إِثْمُ سَلَمَةَ) رجال الكشي به نقل از اسماعيل بن جابر: به حضور امام صادق عليه السلام رسيدم. به من فرمود: «ای اسماعيل! مُعَلَّى کشته شد؟». گفتم: آری.

فرمود: «به خدا سوگند که وارد بهشت شد». ۱۷ / ۷ شماری از یاران امام کاظم عليه السلام ۱. علی بن یقطين (۲) ۴۸۵. رسول الله صلى الله عليه و آله (فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ) رجال الكشي به نقل از عبد الله بن يحيى كاهلي: نزد امام کاظم عليه السلام بودم که علی بن یقطين از دور پيدا شد. امام کاظم عليه السلام رو به یارانش نمود و فرمود: «هر که خوش دارد مردی از یاران پیامبر خدا صلى الله عليه و آله را ببیند، به این که می آید، بنگرد».

مردی از حاضران گفت: او اهل بهشت است؟

امام کاظم عليه السلام فرمود: «من که گواهی می دهم از اهل بهشت است».

۱- مُعَلَّى بن خُنَيس، ابو عبد الله، وابسته امام صادق عليه السلام و قبل از آن، وابسته بنی اسد بود. وی اهل کوفه و بزّاز بود. در معجم رجال الحديث (ج ۱۳ ص ۳۳۵) آمده است: او مردی بزرگوار و از شیعیان خالص امام صادق عليه السلام بود. احادیث فراوانی در مدح او آمده که برخی از آنها صحیح اند و در آنها تصریح شده که او اهل بهشت است. منشأ سخنانی که در تضعیف او گفته شده، شهرت یافتن نسبت غلو به اوست.

۲- ابو الحسن علی بن یقطين بن موسی بغدادی، به سال ۱۲۴ ق، در کوفه متولّد شد و وابسته بنی اسد بود و در بغداد، ساکن شد. او نزد امام کاظم عليه السلام منزلت بسیاری داشت. در دستگاه حکومت ستمگر (عباسیان) کار می کرد؛ اما معتقد به امامت بود. او به سال ۱۸۲ ق، در روزگار امام کاظم عليه السلام در بغداد، در گذشت.

٤٨٦. رسول الله صلى الله عليه وآله (في معنى أولى الأمر) رجال الكشي عن زياد القندي عن علي بن يقطين: أن أبا الحسن عليه السلام قد ضمن له الجنة . (١) ٤٨٧. كمال الدين عن جابر بن عبد الله الأنصاري: رجال الكشي عن عبد الرحمن بن الحجاج: قلت لأبي الحسن عليه السلام: إن علي بن يقطين أرسلني إليك برسالة أسألك الدعاء له، فقال في أمر الآخره؟ قلت: نعم، قال: فوضع يده على صدره، ثم قال: ضمنت لعلي بن يقطين ألا تمسه النار أبدا . (٢) ٢. هشام بن الحكم (٣) ٤٨٩. الكافي عن سليم بن قيس: رجال الكشي عن أسد بن أبي العلاء: كتب أبو الحسن الأول عليه السلام إلى من وافى الموسم من شيعته في بعض السنين في حاجه له، فما قام بها غير هشام بن الحكم. قال: فإذا هو قد كتب عليه السلام: جعل الله ثوابك الجنة يعني هشام بن الحكم . (٤) ١٧ / ٨ عده من أصحاب الإمام الرضا عليه السلام ١. صفوان بن يحيى (٥) ٤٩٣. الإمام الصادق عليه السلام: رجال الكشي عن معمر بن خلاد: رفعت [إلى الرضا عليه السلام] ما خرج من غله إسماعيل بن

الخطاب بما أوصى به إلى صفوان بن يحيى، فقال: رحم الله إسماعيل بن الخطاب بما أوصى به إلى صفوان بن يحيى ورحم صفوان فإنهما من حزب آبائي عليهم السلام، ومن كان من حزبنا أدخله الله الجنة . (٦) .

١- رجال الكشي: ج ٢ ص ٧٢٩ الرقم ٨٠٦ .

٢- رجال الكشي: ج ٢ ص ٧٢٩ ح ٨٠٧، معجم رجال الحديث: ج ١٢ ص ٢٢٩ الرقم ٣ .

٣- هشام بن الحكم أبو محمد مولى كنده، مولده بالكوفة ومنشؤه بواسط وتجارته ببغداد، من أصحاب الصادق ومن خواص الكاظم عليهما السلام، كان ممن فتح الكلام في الإمامه وهذب المذهب بالنظر، وكان حاذقا بصناعه الكلام وكانت له مباحثات كثيرة مع المخالفين في الأصول وغيرها، وله مصنفات كثيرة ذكرها أصحاب الرجال والتراجم في كتبهم (راجع: رجال الكشي: ج ٢ ص ٥٢٦ الرقم ٤٧٥ ورجال النجاشي: ج ٢ ص ٣٩٧ الرقم ١١٦٥ وخلاصه الأقوال: ص ٢٨٨ الرقم ١٠٦١ ونقد الرجال: ص ٣٦٨ ومعجم رجال الحديث: ج ١٩ ص ٢٧١ الرقم ١٣٣٢٩) .

٤- رجال الكشي: ج ٢ ص ٥٤٨ الرقم ٤٨٧ .

٥- صفوان بن يحيى أبو محمد البجلي يباع السابري (السابري: من أجود الثياب، والسابري: ضرب من التمر. لسان العرب: ج ٤ ص ٣٤٢ «سبر»)، كوفي ثقة عيّن، روى عن الرضا وكانت له عنده منزلة شريفه، كان من الورع والعبادة على ما لم يكن عليه أحد من طبقتيه، مات سنة عشر ومئتين (راجع: رجال النجاشي: ج ١ ص ٤٣٩ الرقم ٥٢٢ والفهرست: ص ١٤٥ الرقم ٣٥٦ ورجال ابن داود: ص ١١١ الرقم ٧٨٢ وخلاصه الأقوال: ص ١٧٠ الرقم ٥٠٠ ونقد الرجال: ص ١٧٣) .

٦- رجال الكشي: ج ٢ ص ٧٩٢ الرقم ٩٦١ .

۲. هشام بن حکم

۱۷ / ۸ شماری از یاران امام رضا علیه السلام

۱. صفوان بن یحیی

۴۹۴. تفسیر العیاشی عن عمرو بن سعید: رجال الکشی به نقل از زیاد قندی، در باره علی بن یقظین: امام کاظم علیه السلام بهشت را برایش ضمانت کرد. ۴۹۵. رسول الله صلی الله علیه و آله (فی وصف علی علیه السلام) رجال الکشی به نقل از عبد الرحمان بن حجاج: به امام کاظم علیه السلام گفتم: علی بن یقظین توسط من، نامه ای فرستاد و تقاضا کرد که برایش دعا کنید. فرمود: «برای آخرتش؟». گفتم: آری. ایشان دستش را بر سینه اش نهاد و سپس فرمود: «برای علی بن یقظین ضمانت می کنم که هرگز آتش به او نرسد». ۲. هشام بن حکم (۱) ۴۹۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: رجال الکشی به نقل از اسد بن ابی العلاء: امام کاظم علیه السلام در یکی از سال ها به گروهی از شیعیانش که به موسم حج رفته بودند، نامه ای نوشت که برای ایشان کاری انجام دهند و آن کار را کسی غیر از هشام بن حکم انجام نداد. امام علیه السلام نوشت: «خداوند، پاداش تو را بهشت قرار دهد!» و منظورش هشام بن حکم بود. ۱۷ / ۸ شماری از یاران امام رضا علیه السلام ۱. صفوان بن یحیی (۲) ۵۰۱. عنه صلی الله علیه و آله: رجال الکشی به نقل از معمر بن خلاد: آن مقدار از عایدی غله اسماعیل بن خطاب را که برای صفوان بن یحیی وصیت کرده بود، خدمت امام رضا علیه السلام بردم. فرمود: «خدا رحمت کند اسماعیل بن خطاب را با این وصیتی که برای صفوان بن یحیی کرده و نیز رحمت کند صفوان را! هر دو، شیعه پدران من بودند و هر که شیعه ما باشد، خداوند، او را به بهشت می برد».

۱- ابو محمد هشام بن حکم، وابسته کُنده، در کوفه به دنیا آمد، در واسط، نشو و نما یافت و در بغداد، به تجارت مشغول گشت. از اصحاب امام صادق علیه السلام و از یاران خاص امام کاظم علیه السلام بود. از جمله کسانی بود که باب گفتار در امامت را گشود و با مباحث نظری، این مذهب را مهذب ساخت. در علم کلام، چیره دست بود و مباحثات فراوانی در باره عقاید و جز آن، با مخالفان داشت. مصنفات بسیاری دارد که صاحبان کتب رجالی و تراجم، از آنها در کتاب های خود، یاد کرده اند.

۲- ابو محمد صفوان بن یحیی بَجلی سائبری فروش (سائبری یا شاپوری، از مرغوب ترین پارچه ها و نیز نوعی خرماسه)، کوفی، کاملاً موثق و معتبر بوده است. از امام رضا علیه السلام روایت کرده و نزد ایشان منزلت والایی داشته است. در ورع و عبادت، هیچ یک از افراد هم طبقه اش به پای او نمی رسند. او در سال دویست و ده از دنیا رفت.

٢. عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ (١) ٥٠٣. عنه صلى الله عليه وآله: رجال الكشي عن أبي القاسم نصر بن الصباح: عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ شَهِدَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحَنَّةِ ، وَكَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ : يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ ، كَلِّمْ أَهْلَ الْمَدِينَةِ ، فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ يُرَى فِي رِجَالِ الشَّيْعَةِ مِثْلَكَ . (٢) ٣. عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ (٣) ٥٠٥. عنه صلى الله عليه وآله: رجال الكشي عن علي بن الحكم عن سليمان بن جعفر: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : أَشْتَهِي أَنْ أَدْخُلَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أُسَلِّمَ عَلَيْهِ ، قُلْتُ : فَمَا يَمْنَعُكَ مِنْ ذَلِكَ ؟ قَالَ : الْإِجْلَالُ وَالْهَيْبَةُ لَهُ ، وَاتَّقَى عَلَيْهِ .

قَالَ : فَاعْتَلَّ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ خَفِيفَةً وَقَدْ عَادَهُ النَّاسُ ، فَلَقِيْتُ عَلِيَّ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ ،

فَقُلْتُ : قَدْ جَاءَكَ مَا تُرِيدُ ، قَدْ اعْتَلَّ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ خَفِيفَةً وَقَدْ عَادَهُ النَّاسُ ، فَإِنْ أَرَدْتَ الدُّخُولَ عَلَيْهِ فَالْيَوْمَ .

قَالَ : فَجَاءَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَائِدًا ، فَلَقِيَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِكُلِّ مَا يُحِبُّ مِنَ التَّكْرِمِ وَالتَّعْظِيمِ ، فَفَرِحَ بِمِثْلِكَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَرَحًا شَدِيدًا .

ثُمَّ مَرَضَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَعَادَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا مَعَهُ ، فَجَلَسَ حَتَّى خَرَجَ مِنْ كَانَ فِي الْبَيْتِ . فَلَمَّا خَرَجْنَا أَخْبَرْتَنِي مَوْلَانَا لَنَا أَنَّ أُمَّ سَلَمَةَ امْرَأَةَ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ كَانَتْ مِنْ وَرَاءِ السُّتْرِ ، تَنْظُرُ إِلَيْهِ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] ، فَلَمَّا خَرَجَ خَرَجَتْ وَانْكَبَتْ عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِ جَالِسًا تَقْبَلُهُ وَتَتَمَسَّحُ بِهِ .

قَالَ سُلَيْمَانُ : ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، فَأَخْبَرْتَنِي بِمَا فَعَلْتَ أُمَّ سَلَمَةَ ، فَخَبَّرْتُ بِهِ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ : يَا سُلَيْمَانُ ، إِنَّ عَلِيَّ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ وَامْرَأَتَهُ وَوُلْدَهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ .

يَا سُلَيْمَانُ ، إِنَّ وُلْدَ عَلِيِّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا عَرَفَهُمُ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَكُونُوا كَالنَّاسِ . (٤) .

١- .عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ الْبَجَلِيُّ مَوْلَاهُمْ كُوفِيٌّ ، بِيَأُحِ السَّابِرِيُّ ، سَيَكُنْ بَغْدَادَ كَانَ ثِقَةً ثِقَةً ثَبَتًا وَجَهَا ، كَانَ وَكَيْلًا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ، وَمَاتَ فِي عَصْرِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى وَلايَتِهِ (راجع : رجال النجاشي : ج ٢ ص ٤٩ الرقم ٦٢٨ و خلاصه الأقوال : ص ٢٠٤ الرقم ٦٥٠ و رجال ابن داوود : ص ١٢٨ الرقم ٩٤٩ و نقد الرجال : ص ١٨٤) .

٢- .رجال الكشي : ج ٢ ص ٧٤١ الرقم ٨٣٠ ، نقد الرجال : ص ١٨٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٤٠٥ ، وراجع : التحرير الطاووسي : ص ١٩٣ الرقم ٢٨١ .

٣- .كَانَ مِنْ خَوَاصِّ الْإِمَامِينَ الْكَاطِمِ وَالرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَعَادَهُ الْإِمَامُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ مَرَضَهُ ، وَفِيهِ حَدِيثٌ يُدُلُّ عَلَى جَلَالَتِهِ وَإِخْلَاصِهِ وَتَشْيِيعِهِ . كَانَ أَزْهَدَ آلِ أَبِي طَالِبٍ وَأَعْيَدَهُمْ فِي زَمَانِهِ ، وَلَهُ كِتَابٌ فِي الْحِجِّ يَرْوِيهِ كُلُّهُ عَنِ الْإِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ (راجع : رجال النجاشي : ج ٢ ص ٨٠ الرقم ٦٦٩ والتحرير الطاووسي : ص ١٨١ الرقم ٢٥٠ و نقد الرجال : ص ٢٣٩ و معجم رجال الحديث : ج ١٢ ص ٨٧ الرقم ٨٣٠١) .

٤- رجال الكشّى : ج ٢ ص ٨٥٦ الرقم ١١٠٩، الاختصاص: ص ٨٩ وليس فيه ذيله من «فلَمّا خرجنا...»، خلاصه الأقوال : ص ١٨٣ الرقم ٥٤٣، التحرير الطاووسى : ص ١٨١ الرقم ٢٥٠، بحار الأنوار: ج ٤٩ ص ٢٢٢ ح ١٥ .

۲. عبد الرحمان بن حجاج**۳. علی بن عبید الله بن حسین بن علی بن الحسین علیه السلام**

۲. عبد الرحمان بن حجاج (۱) ۵۰۷. عنه صلى الله عليه و آله: رجال الكشي به نقل از ابو القاسم نصر بن صباح: امام رضا عليه السلام به بهشتی بودن عبد الرحمان بن حجاج، گواهی داد و امام صادق عليه السلام به عبد الرحمان می فرمود: «ای عبد الرحمان! برای مردم مدینه، سخن بگو؛ زیرا من دوست دارم که امثال تو در میان مردان شیعه دیده شوند». ۳. علی بن عبید الله بن حسین بن علی بن الحسین علیه السلام (۲) ۵۰۹. الإمام علی بن الحسین علیه السلام: رجال الكشي به نقل از علی بن حکم، از سلیمان بن جعفر: علی بن عبید الله بن حسین بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام به من گفت: دلم می خواهد برای عرض سلام، خدمت امام الرضا علیه السلام برسم. من گفتم: پس چه چیز، مانع تو از این کار می شود؟ گفت: شُکوه و هیبت ایشان. از ایشان می ترسم.

یک بار که امام رضا علیه السلام به بیماری خفیفی دچار شد و مردم به عیادتش می آمدند، به علی بن عبید الله بر خوردم. به او گفتم: اکنون زمان آن چیزی که می خواهی، رسیده است. امام رضا علیه السلام به اندک ناخوشی ای گرفتار شده است و مردم به عیادتش می آیند. اگر می خواهی به خدمتش برسی، امروز وقت آن است.

علی بن عبید الله به عیادت امام رضا علیه السلام آمد. ایشان با او برخوردی در نهایت احترام و تکریم کرد و علی بن عبید الله از این برخورد امام علیه السلام، بسیار شادمان شد.

بعدها علی بن عبید الله بیمار شد و امام رضا علیه السلام به عیادتش رفت و من نیز با ایشان بودم. امام علیه السلام آن قدر نشست که همه کسانی که در اتاق بودند، رفتند. چون ما هم رفتیم، خانمی که خدمتکار ما بود، به ما گفت که اُم سلمه، همسر علی بن عبید الله، از پشت پرده به امام علیه السلام نگاه می کرد و امام علیه السلام که بیرون رفت، از پشت پرده در آمد و خود را بر جایی که ایشان نشسته بود، انداخت و شروع به بوسیدن آن و دست کشیدن بر آن کرد.

من بعد نزد علی بن عبید الله رفتم و او کاری را که اُم سلمه کرده بود، برایم گفت. من آن را برای امام رضا علیه السلام تعریف کردم. فرمود: «ای سلیمان! علی بن عبید الله و همسر و فرزندان، اهل بهشت اند.

ای سلیمان! فرزندان علی و فاطمه، هر گاه خداوند، این امر [امامت و ولایت] را به آنان بشناساند، مانند دیگر مردمان نیستند». (۳)

- ۱- عبد الرحمان بن حجاج بَجَلِي ، وابسته بَجَلِيان ، اهل كوفه و ساَبُرِي فروش بود و در بغداد سَكنا گزید . كاملاً ثقه و مطمئن و مَوَجَّه بود و وکیل امام صادق علیه السلام بود . در روزگار امام رضا علیه السلام و با ولایت ایشان ، از دنیا رفت .
- ۲- از یاران خاصّ امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام بود ، به طوری که وقتی بیمار شد ، امام رضا علیه السلام شخصاً به عیادتش رفت . حدیثی در باره اش رسیده که نشانگر مقام شامخ و اخلاص و تشیّع اوست . او زاهدترین و عابدترین فرد خاندان ابو طالب در روزگار خود بود . در باره حج ، کتابی دارد که همه آن را از امام کاظم علیه السلام روایت کرده است .
- ۳- یعنی اگر به امامت و ولایت ما اعتقاد پیدا کنند ، با تمام وجود به آن عشق می ورزند .

٤. يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ١٥١١. عنه صلى الله عليه وآله (في يومِ بَنِي النَّضِيرِ) رجال الكششى عن محمد بن الحسن الواسطى وجعفر بن عيسى ومحمد بن يونس: إِنَّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَمِنَ لِيُونُسَ الْجَنَّةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ . (١) .

١- رجال الكششى : ج ٢ ص ٧٧٩ ح ٩١١ ، خلاصه الأقوال : ص ٢٩٧ الرقم ١١٠٣ ، التحرير الطاوسى : ص ٣١٦ الرقم ٤٦٢ ، نقد الرجال : ص ٣٨٢ .

۴. یونس بن عبد الرحمان

۴. یونس بن عبد الرحمان ۱۵۱۳. الأمالی للطوسی عن حذیفه بن الیمان: رجال الکشی به نقل از محمد بن حسن واسطی و جعفر بن عیسی و محمد بن یونس: امام رضا علیه السلام سه مرتبه بهشت را برای یونس ضمانت نمود.

٥١٤. الإمام الصادق عليه السلام (في ذكر من أنكر على أبي بكر فعلة وجل) رجال الكشي عن جعفر بن عيسى اليقطيني ومحمد بن الحسن: إن أبا جعفر عليه السلام ضمه من ليونس بن عبد الرحمن الجني على نفسه وآبائه عليهم السلام . (١) ٥١٥. رسول الله صلى الله عليه وآله و آلهم: رجال الكشي عن يونس بن عبد الرحمن: إن أبا الحسن عليه السلام ضمه من لي الجني من النار . (٢) ١٧ / ٩٠. أصحاب الإمام الجواد عليه السلام ١ . إبراهيم بن أبي محمود (٣) ٥١٩. عنه صلى الله عليه وآله و آلهم: رجال الكشي عن إبراهيم بن أبي محمود: دخلت على أبي جعفر عليه السلام ومعي كتب إليه من أبيه ، فجعل يقرأها ويضع كتابا كثيرا على عيني ، ويقول : خط أبي والله! ويبكي حتى سألت دموعه على خدي .

فقلت له : جعلت فداك ، قد كان أبوك ربما قال لي في المجلس الواحد مرأت : أسكنك الله الجنة ، أدخلك الله الجنة . قال : فقال : وأنا أقول : أدخلك الله الجنة ، فقلت : جعلت فداك ، تضمن لي على ربك أن يدخلني الجنة ؟ قال : نعم ، قال : فأخذت رجله فقبتها . (٤) .

١- رجال الكشي : ج ٢ ص ٧٧٩ ح ٩١٢ .

٢- رجال الكشي : ج ٢ ص ٧٨٤ ح ٩٣٦ .

٣- إبراهيم بن أبي محمود الخراساني ، ثقة مولى . روى عن الرضا عليه السلام وعاش بعده ، وقع إبراهيم بن أبي محمود في إسناد عده من الروايات تبلغ اثنين وثلاثين موردا (راجع : رجال النجاشي : ج ١ ص ١٠٧ ح ٤٢ ورجال الطوسي : ص ٣٥١ الرقم ٥٢٠٤ وخلاصه الأقوال : ص ٤٧ الرقم ٣ والتحرير الطاوسي : ص ٣٣ الرقم ١٠ ومعجم رجال الحديث : ج ١ ص ١٩٨ الرقم ٩٠) .

٤- رجال الكشي : ج ٢ ص ٨٣٨ ح ١٠٧٣ .

۱۷ / ۹ شماری از یاران امام جواد علیه السلام

۱. ابراهیم بن ابی محمود

۵۲۰. الإمام الحسين عن الإمام عليّ عليهما السلام: رجال الكشّى به نقل از جعفر بن عيسى يقطينى و محمد بن حسن: امام جواد عليه السلام از جانب خود و پدراناش عليهم السلام ، بهشت را برای يونس بن عبد الرحمان ضمانت کرد. ۵۲۱. الكافى عن جابر: رجال الكشّى به نقل از يونس بن عبد الرحمان: امام رضا عليه السلام رفتن به بهشت و نجات از آتش را برایم ضمانت کرد. ۱۷ / ۹ شماری از یاران امام جواد عليه السلام ۱. ابراهیم بن ابی محمود (۱) ۵۲۵. عنه صلى الله عليه و آله: رجال الكشّى به نقل از ابراهیم بن ابی محمود: خدمت امام جواد عليه السلام رسیدم و با خود ، نامه هایی از پدرش برای ایشان داشتم . ایشان شروع به خواندن آنها کرد و هر نامه ای را بسیار بر دیده اش می نهاد و می فرمود: «به خدا که خطّ پدرم است» و گریه می کرد ، تا جایی که اشک بر گونه هایش جاری می شد.

من گفتم: فدایت شوم! گاهی پدرتان در یک مجلس ، چندین بار [به من] می فرمود: «خدا تو را در بهشت جای دهد! خدا تو را به بهشت ببرد!» .

امام جواد عليه السلام فرمود: «من هم می گویم: خدا تو را به بهشت ببرد!» .

گفتم: فدایت شوم! برایم ضمانت می کنی که خدا مرا به بهشت ببرد؟

فرمود: «آری» .

من پای ایشان را گرفتم و بوسیدم.

۱- ابراهیم بن ابی محمود خراسانی ، راوی ای ثقة ، و از موالی بود . وی از امام رضا عليه السلام روایت کرده و پس از ایشان زنده بوده است . ابراهیم بن ابی محمود در اسناد شماری از احادیث جای دارد که به ۳۲ مورد می رسد .

٢ . عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارٍ (١) ٥٢٧. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام الجواد عليه السلام في رسالته لِعَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، يَا عَلِيُّ أَحْسَنَ اللَّهُ جَزَاكَ ، وَأَسْكَنَكَ جَنَّتَهُ ، وَمَنَّكَ مِنَ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَحَشَرَكَ اللَّهُ مَعَنَا .

يَا عَلِيُّ ، قَدْ بَلَوْتُكَ وَخَبَرْتُكَ فِي النَّصِيحَةِ يَحَهُ وَالطَّاعَةِ وَالْحِدْمَةِ ، وَالتَّوْقِيرِ وَالْقِيَامِ بِمَا يَجِبُ عَلَيْكَ ، فَلَوْ قُلْتُ إِنِّي لَمْ أَرِ مِثْلَكَ لَرَجَوْتُ أَنْ أَكُونَ صَادِقًا . فَجَزَاكَ اللَّهُ جَنِّيَاتِ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ، فَمَا خَفِيَ عَلَيَّ مَقَامِيكَ وَلَا خِدْمَتِكَ فِي الْحَرِّ وَالْبَرْدِ ، فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ إِذَا جَمَعَ الْخَلَائِقَ لِلْقِيَامَةِ أَنْ يَحْبُوكَ (٢)

بِرَحْمَةٍ تَغْتِيبُ بِهَا، إِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. (٣) ١٧ / ١٠ عِدَّةٌ مِنَ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ ١ . أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ (٤) ٥٣١. رسول الله صلى الله عليه وآله : الغيبة للطوسي عن عمرو بن سعيد المدائني : كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ [الهادي]

العسكري عليه السلام بصريا (٥) ، إِذْ دَخَلَ أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ وَوَقَفَ قُدَّامَهُ ، فَأَمَرَهُ بِشَيْءٍ ، ثُمَّ انصَرَفَ ، وَالتَفَتَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ : يَا عَمْرُو ، إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَانظُرْ إِلَى هَذَا . (٦) .

١- . عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارٍ الْأَهْوَازِيُّ دَوْرَقِيُّ الْأَصْلِ ، كَانَ أَبُوهُ نَصْرَانِيًّا فَأَسْلَمَ ، وَقَدْ قِيلَ : إِنَّ عَلِيًّا أَيْضًا كَانَ نَصْرَانِيًّا وَأَسْلَمَ وَهُوَ صَغِيرٌ ، وَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ هَذَا الْأَمْرِ وَتَفَقُّهِ ، وَرَوَى عَنِ الْإِمَامَيْنِ الرَّضَا وَأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَاخْتَصَّ بِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي . كَانَ ثِقَةً فِي رِوَايَتِهِ لَا يُطْعَنُ عَلَيْهِ ، صَحِيحًا فِي اعْتِقَادِهِ (راجع : رجال النجاشي : ج ٢ ص ٧٤ الرقم ٦٦٢ ورجال ابن داوود : ص ١٤٢ الرقم ١٠٩١ وخلاصه الأقوال : ص ١٧٥ الرقم ٥١٧ ونقد الرجال : ص ٢٤٤) .

٢- . حَبَاهُ : أَعْطَاهُ ، وَالْحَبَاءُ : الْعَطِيَّةُ (النهاية : ج ١ ص ٣٣٦ «حبا») .

٣- . الغيبة للطوسي : ص ٣٤٩ ح ٣٠٦ عن الحسن بن شَمُون ، بحار الأنوار : ج ٥٠ ص ١٠٥ ح ٢٢ .

٤- . أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ بِنُوحِ بْنِ دَرَّاجِ النَّخَعِيِّ أَبُو الْحُسَيْنِ ، كَانَ وَكِيلاً لِأَبِي الْحَسَنِ [الهادي] العسكري وأبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، عَظِيمِ الْمَنْزِلَةِ ، عِنْدَهُمَا مَأْمُونًا ، وَكَانَ شَدِيدَ الْوَرَعِ كَثِيرَ الْعِبَادَةِ ، ثِقَةً فِي رِوَايَتِهِ (راجع : رجال النجاشي : ج ١ ص ٢٥٥ الرقم ٢٥٢ ورجال ابن داوود : ص ٥٤ الرقم ٢٢٤ وخلاصه الأقوال : ص ٥٩ الرقم ٥٨ ونقد الرجال : ص ٥٢) .

٥- . صَبْرِيَا : قَالَ ابْنُ شَهْرَآشُوبَ فِي الْمَنَاقِبِ : ج ٤ ص ٣٨٢ : هِيَ قَرْيَةٌ أَسَّسَهَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ مِنَ الْمَدِينَةِ .

٦- . الغيبة للطوسي : ص ٣٤٩ ح ٣٠٧ ، طرائف المقال : ج ٢ ص ٣٣١ ، بحار الأنوار : ج ٥٠ ص ٢٢٠ ح ٧ .

۲. علی بن مهزیار

۱۷ / ۱۰ شماری از یاران امام هادی علیه السلام

۱. ایوب بن نوح

۲. علی بن مهزیار (۱) ۵۳۳. الإمام الصادق علیه السلام (وَشَيْئِلَ عَنِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَل) امام جواد علیه السلام در نامه اش به علی بن مهزیار: به نام خداوند بخشاینده مهربان . ای علی! خداوند به تو پاداش نیک عطا کند و تو را در بهشتش جای دهد و در دنیا و آخرت ، از خواری ، نگاهت دارد و با ما محشورت فرماید !

ای علی! من تو را در وفاداری و فرمان برداری و خدمت گزاری و احترام گذاشتن [به ما] و انجام وظیفه امتحان و آزمایش کردم و اگر بگویم مانند تو را ندیده ام ، امیدوارم که راست گفته باشم . پس خداوند ، پذیرایی از تو را در باغ های فردوس قرار دهد ! جایگاه تو و خدمت گزاری ات در گرما و سرما و در شب و روز ، بر ما پوشیده نیست . از خدا می خواهم که چون خلائق را در قیامت گرد آورد ، چنان رحمتی به تو بخشد که پیمان شادمان شوی ، که او شنونده [و اجابت کننده] دعاست. ۱۷ / ۱۰ شماری از یاران امام هادی علیه السلام ۱. ایوب بن نوح (۲) ۵۳۷. عنه صلی الله علیه و آله : الغیبه ، طوسی به نقل از عمرو بن سعید مدائنی : در صریحا (۳) نزد امام هادی علیه السلام بودم که ایوب بن نوح وارد شد و در برابر ایشان ایستاد . امام علیه السلام به او دستوری داد و او رفت . ابو الحسن علیه السلام رو به من کرد و فرمود : «ای عمرو ! اگر دوست داری به مردی از اهل بهشت بنگری ، به این بنگر » .

۱- علی بن مهزیار اهوازی دَوْرَقِي الْأَصْل ، پدرش مسیحی بود و اسلام آورد . گفته شده که خود علی نیز مسیحی بود و در کودکی ، مسلمان شد و به لطف خدا به مذهب امامیه گروید و فقیه شد . از امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام روایت کرده و از یاران خاص امام جواد علیه السلام به شمار می آید . در روایتش موثق است و خرده ای بر او گرفته نمی شود . او از اعتقاد درستی برخوردار بوده است .

۲- ابو الحسن ایوب بن نوح دَرَّاج نخعی ، وکیل امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بود و در نزد آن دو بزرگوار ، منزلتی والا داشت و امین به شمار می رفت . مردی سخت پارسا و پرعبادت بود و در روایاتش ثقه است .

۳- به گفته ابن شهر آشوب در المناقب (ج ۴ ص ۳۸۲) ، قریه ای است که امام کاظم علیه السلام آن را در سه میلی مدینه ، تأسیس کرد.

٢ . جُنَيْدٌ (١) ٥٣٩. عنه صلى الله عليه وآله (فى عَلِيٍّ عليه السلام) رجال الكششى عن محمد بن عيسى بن عبيد: إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ [الهادى] الْعَسْكَرِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَ بِقَتْلِ فَارِسِ بْنِ حَاتِمِ الْقَزْوِينِيِّ ، وَضَمَّنَ لِمَنْ قَتَلَهُ الْجَنَّةَ ، فَقَتَلَهُ جُنَيْدٌ . (٢) ١٧ / ١١ رِجَالٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ٥٤٢. الإمام الباقر عليه السلام: الدر المنثور عن عبد العزيز بن أبى رواد: بَلَّغْنَا أَنَّ رَجُلًا صَدَّقَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَلَمَّا انصَرَفَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هَذَا الرَّجُلُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ .

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو : فَأَتَيْتُهُ فَقُلْتُ : يَا عَمَّاهُ الضَّيَافَةُ! قَالَ : نَعَمْ ، فَإِذَا لَهُ حَيْمَةٌ وَشَاهٌ وَنَخْلٌ ، فَلَمَّا أَمْسَى خَرَجَ مِنْ حَيْمَتِهِ ، فَاحْتَلَبَ الْعَنْزَ ، وَاجْتَنَى لِي رُطْبًا ثُمَّ وَضَعَهُ ، فَأَكَلْتُ مَعَهُ ، فَبَاتَ نَائِمًا وَبُتُّ قَائِمًا ، وَأَصْبَحَ مُفْطِرًا وَأَصْبَحْتُ صَائِمًا ، فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ لَيَالٍ .

فَقُلْتُ لَهُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فِيكَ : إِنَّكَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، فَأَخْبِرْنِي مَا عَمَلَكَ!؟

قَالَ : فَائْتِ الَّذِي أَخْبَرَكَ حَتَّى يُخْبِرَكَ بِعَمَلِي .

فَأَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ : آتَيْتَهُ فَمَرُهُ أَنْ يُخْبِرَكَ . فَقُلْتُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْمُرُكَ أَنْ تُخْبِرَنِي ، قَالَ : أَمَّا الْآنَ فَنَعَمْ ، فَقَالَ : لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا لِي فَأُحِذْتُ مِنْى لَمْ أَحْزَنْ عَلَيْهَا ، وَلَوْ أُعْطِيَتْهَا لَمْ أَفْرَحْ بِهَا ، وَأَبَيْتُ وَلَيْسَ فِي قَلْبِي غِلٌّ عَلَى أَحَدٍ .

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ : لَكِنِّي وَاللَّهِ أَقْوَمُ اللَّيْلِ وَأَصْوَمُ النَّهَارِ ، وَلَوْ وَهَبْتُ لِي شَاهٌ لَفَرِحْتُ بِهَا ، وَلَوْ ذَهَبْتُ لَحَزَنْتُ عَلَيْهَا ، وَاللَّهِ لَقَدْ فَضَّلَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا فَضلاً بَيِّنًا . (٣) .

١- . جُنَيْدٌ قَاتِلُ فَارِسِ بْنِ حَاتِمِ الْقَزْوِينِيِّ ، مِنْ أَصْحَابِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ ، أَرْسَلَ إِلَيْهِ الْإِمَامُ يَأْمُرُهُ بِقَتْلِ هَذَا الرَّجُلِ ، لِأَنَّهُ كَانَ فَتَانًا وَيَدْعُو إِلَى الْبِدْعَةِ (راجع: رجال الكششى: ج ٢ ص ٨٠٧ الرقم ١٠٠٦ و المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٤١٧ و معجم رجال الحديث: ج ٤ ص ١٧٣ الرقم ٢٤٠٢) .

٢- . رجال الكششى: ج ٢ ص ٨٠٧ ح ١٠٠٦ وراجع: التحرير الطاووسى (طبعه قم): ص ٤٧١ الرقم ٣٤١ .

٣- . الدر المنثور: ج ٨ ص ١١٤ نقلاً عن الحكيم الترمذى .

۲. جُنید

۱۱ / ۱۷ مردانی بهشتی

۲. جُنید (۱) ۵۴۴. حلیه الأولیاء عن أنس بن مالک: رجال الکثی به نقل از محمّد بن عیسی بن عبید: امام هادی علیه السلام، فرمان قتل فارس بن حاتم قزوینی را داد و برای کسی که او را بکشد، ضمانت بهشت کرد و جُنید، او را کشت. ۱۷ / ۱۱ مردانی بهشتی ۵۴۷. عنه صلی الله علیه و آله: الدرّ المنثور به نقل از عبد العزیز بن ابی رواد: شنیدیم که مردی با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواند و چون رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این مرد، بهشتی است».

عبد الله بن عمرو گفت: من نزد آن مرد رفتم و گفتم: عمو جان! میهمان نمی خواهی؟ گفت: بفرما. او خیمه ای داشت و گوسفندی و خرمایی. غروب که شد، از خیمه اش خارج شد و بز را دوشید و خرمایی برایم چید و آنها را آورد و با هم خوردم. آن گاه او خوابید و من به نماز ایستادم. صبح که شد، او روزه نداشت و من روزه داشتم. سه شب به همین منوال گذشت. من به او گفتم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره تو فرموده است که تو اهل بهشتی. به من بگو که چه عملی انجام می دهی [که اهل بهشت شده ای]. گفت: نزد همان کسی که به تو خبر داده است، برو تا از عمل من نیز به تو خبر دهد.

من نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدم؛ اما به من فرمود: «نزد او برو و بگو که خودش به تو بگوید».

من آمدم و به او گفتم: پیامبر خدا می فرماید که تو خودت به من بگویی.

گفت: حالا می گویم. آن گاه گفت: اگر همه دنیا مال من باشد و از من گرفته شود، برایش اندوهگین نمی شوم و نیز اگر همه دنیا به من داده شود، شادمان نمی شوم، و شب که می خوابم، کینه هیچ کس در دلم نیست.

عبد الله گفت: امّیا من، به خدا سوگند که شب را عبادت می کنم و روز را روزه می گیرم؛ ولی اگر یک گوسفند به من داده شود، خوش حال می گردیم و اگر از دستم برود، اندوهگین می شوم. به خدا سوگند که خداوند، تو را بر ما برتری نمایانی داده است!

۱- جُنید، از یاران امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بود. او به فرمان امام هادی علیه السلام فارس بن حاتم قزوینی را کشت؛ زیرا موجب فریب مردم شده بود و مردم را به بدعت فرا می خواند.

٥٤٨. عنه صلى الله عليه وآله: مسند ابن حنبل عن أنس: كُنَّا جُلُوسًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: «يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ الْآنَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» فَطَلَعَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، تَنْطَفُ (١) لِحَيْثُهُ مِنْ وَضُوئِهِ، قَدْ تَعَلَّقَ نَعْلَيْهِ فِي يَدِهِ الشُّمَالِ. فَلَمَّا كَانَ الْعَدُّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَ ذَلِكَ، فَطَلَعَ ذَلِكَ الرَّجُلُ مِثْلَ الْمَرَّةِ الْأُولَى. فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الثَّلَاثُ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَ مَقَالَتِهِ أَيْضًا، فَطَلَعَ ذَلِكَ الرَّجُلُ عَلَى مِثْلِ حَالِهِ الْأُولَى.

فَلَمَّا قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَبِعَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، فَقَالَ: إِنِّي لِأَحْيَيْتُ (٢) أَبِي فَأَقْسَمْتُ أَنْ لَا أُدْخَلَ عَلَيْهِ ثَلَاثًا، فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُورِيَنِي إِلَيْكَ حَتَّى تَمْضِيَ فَعَلْتُ، قَالَ: نَعَمْ... وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ يُحَدِّثُ أَنَّهُ بَاتَ مَعَهُ تِلْكَ اللَّيَالِي الثَّلَاثَ، فَلَمْ يَرَهُ يَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ شَيْئًا غَيْرَ أَنَّهُ إِذَا تَعَارَّ (٣) وَتَقَلَّبَ عَلَى فِرَاشِهِ، ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَكَبَّرَ حَتَّى يَقُومَ لِصَلَاةِ الْفَجْرِ. قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: غَيْرَ أَنِّي لَمْ أَسْمَعُهُ يَقُولُ إِلَّا خَيْرًا.

فَلَمَّا مَضَتْ الثَّلَاثُ لَيَالٍ، وَكِدْتُ أَنْ أَحْتَقِرَ عَمَلَهُ، قُلْتُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، إِنِّي لَمْ يَكُنْ

بَيْنِي وَبَيْنَ أَبِي غَضَبٌ وَلَا هُجْرٌ ثُمَّ، وَلَكِنْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لَكَ ثَلَاثَ مَرَارٍ: يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ الْآنَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَطَلَعَتْ أَنْتَ الثَّلَاثَ مَرَارٍ، فَأَرَدْتُ أَنْ آوِيَ إِلَيْكَ، لِأَنْظُرَ مَا عَمَلُكَ فَأَقْتِدِي بِهِ، فَلَمْ أَرَكْ تَعْمَلُ كَثِيرَ عَمَلٍ، فَمَا الَّذِي بَلَغَ بِكَ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَقَالَ: مَا هُوَ إِلَّا مَا رَأَيْتَ. قَالَ: فَلَمَّا وَلِيْتُ دَعَانِي فَقَالَ: مَا هُوَ إِلَّا مَا رَأَيْتَ غَيْرَ أَنِّي لَا أَجِدُ فِي نَفْسِي لِأَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ غِشًّا، وَلَا أَحْسِبُ أَحَدًا عَلَى خَيْرٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ. فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ: هَذِهِ الَّتِي بَلَغْتَ بِكَ، وَهِيَ الَّتِي لَا تُطِيقُ. (٤).

١- تَنْطَفُ: تَقَطَّرُ (النهاية: ج ٥ ص ٧٥ «نطف»).

٢- لِأَحْيَيْتُ: نَارَعْتُ (النهاية: ج ٤ ص ٢٤٣ «لحا»).

٣- تَعَارَّ: اسْتَيْقَظَ، وَقِيلَ: تَمْطَى وَأَنَّ (النهاية: ج ٣ ص ٢٠٤ «عر»).

٤- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٣٢ ح ١٢٦٩٧، السنن الكبرى للنسائي: ج ٦ ص ٢١٥ ح ١٠٦٩٩، الزهد لابن المبارك: ص ٢٤١ ح ٦٩٤، المصنّف لعبد الرزاق: ج ١١ ص ٢٨٧ ح ٢٠٥٥٩، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ٣٥١ ح ١١٥٩ كلها نحوه؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٦.

۵۴۹. عنہ صلی اللہ علیہ و آلہ : مسند ابن حنبل به نقل از انس : با پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ نشستہ بودیم کہ فرمود : «اینک ، مردی از اهل بهشت بر شما نمایان می شود» . پس ، مردی از انصار نمایان شد ، در حالی کہ آب وضو از ریشش می چکید و کفش هایش در دست چپش آویزان بود .

فردای آن روز نیز پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ ہمین را فرمود و دوباره ، همان مرد با همان وضع ، وارد شد . روز سوم باز پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ ہمین را فرمود و دیگر بار ، همان مرد با همان حالت وارد شد .

چون پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ برخاست ، عبد اللہ بن عمرو بن عاص ، به دنبال آن مرد رفت و گفت : من با پدرم دعوا کرده ام و سوگند خورده ام کہ سه روز ، نزد او نروم . اگر ممکن است ، مرا نزد خود ، پناه ده تا این سه روز بگذرد .
مرد گفت : باشد ...

عبد اللہ می گفت کہ آن سه شب را نزد او به سر برده ؛ امّا ندیدہ کہ در این مدّت ، شبی برای عبادت برخیزد ؛ بلکه تنها کاری کہ از او دیدہ ، این بودہ کہ وقتی بیدار می شد و در بسترش می غلتید ، خدای عز و جل را یاد می کرد و تکبیر می گفت ، تا آن کہ برای نماز صبح بر می خاست . عبد اللہ گفت : البتہ از زبان او ، جز سخن خیر نشنیدم .

[عبد اللہ گفت :] چون سه شب گذشت و تقریباً عمل در خور توجّهی از او ندیدم ، گفتم : ای بنده خدا ! میان من و پدرم ، نہ هیچ گونه دعوا و ناراحتی ای بود و نہ قهری وجود داشت ؛ بلکه چون از پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ شنیدم کہ سه بار در بارہ تو فرمود : «اینک ، مردی بهشتی بر شما نمایان می شود» و هر سه بار ، تو پیدا شدی ، خواستم نزد تو باشم تا ببینم کہ چه عملی انجام می دهی تا در آن به تو اقتدا کنم ؛ ولی ندیدم عمل [عبادی] زیادی انجام دهی . به من بگو کہ چه چیزی تو را به مقامی رسانده کہ پیامبر خدا فرمود ؟ مرد گفت : چیزی نیست ، جز همان کہ دیدی .

عبد اللہ گفت : چون از نزد او رفتم ، مرا صدا زد و گفت : چیزی نبود ، جز همانچہ دیدی ، منتها من در دلم ، هیچ گونه بدخواهی نسبت به هیچ مسلمانی نیست و نیز به هیچ کس در بارہ نعمتی کہ خداوند به او داده است ، حسادت نمی ورزم .

عبد اللہ گفت : ہمین ، تو را به آن مرتبہ رسانیدہ است ! این ، چیزی است کہ ما از عہدہ اش بر نمی آییم . .

٥٥٠. عنه صلى الله عليه وآله :المستدرک على الصّحيحين عن أنس :إِنَّ رَجُلًا- أَسْوَدَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللهِ ، إِنِّي رَجُلٌ أَسْوَدُ ، مُتِنُّ الرِّيحِ ، قَبِيحُ الْوَجْهِ ، لا- مَالِ لِي ، فَإِنِ أَنَا قَاتَلْتُ هَؤُلَاءِ حَتَّى أُقْتَلَ فَأَيْنَ أَنَا ؟ قَالَ : فِي الْجَنَّةِ . فَقَاتَلَ حَتَّى قُتِلَ ، فَأَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ :

قَدْ بَيَّضَ اللهُ وَجْهَكَ ، وَطَيَّبَ رِيحَكَ ، وَأَكْتَرَّ مَالَكَ . وَقَالَ لِهَذَا أَوْ لِغَيْرِهِ : لَقَدْ رَأَيْتُ زَوْجَتَهُ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ نَازَعَتْهُ جُبَّةً لَهُ مِنْ صُوفٍ تَدْخُلُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ جُبَّتِهِ . (١) ٥٥١. عنه صلى الله عليه وآله :حليه الأولياء عن أبي هريره :إِنَّهُ كَانَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلَانِ : أَحَدُهُمَا لَا يَكَادُ يُفَارِقُهُ وَلَا يَعْرِفُ لَهُ كَبِيرُ عَمَلٍ ، وَكَانَ الْآخِرُ لَا يَكَادُ يُرَى وَلَا يَعْرِفُ لَهُ كَبِيرُ عَمَلٍ .

فَقَالَ الَّذِي لَا يَكَادُ يُفَارِقُهُ : يَا رَسُولَ اللهِ ، بِأَبِي وَأُمِّي ذَهَبَ الْمُصَلِّونَ بِالْأَجْرِ بِأَجْرِ الصَّلَاةِ وَالصَّائِمُونَ بِأَجْرِ الصِّيَامِ ، فَذَكَرَ أَعْمَالَ الْخَيْرِ . فَقَالَ : وَيَحِيكَ! مَاذَا عِنْدَكَ ؟ قَالَ : لَا وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ إِلَّا حُبُّ اللهِ وَرَسُولِهِ . قَالَ : لَكَ مَا احْتَسَبْتَ ، وَأَنْتَ مَعَ مَنْ أَحَبَبْتَ . قَالَ : وَأَمَّا الْآخِرُ فَمَاتَ .

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي أَصْحَابِهِ : هَلْ عَلِمْتُمْ أَنَّ اللهَ قَدْ أَدْخَلَ فُلَانًا الْجَنَّةَ ؟ فَعَجِبَ الْقَوْمُ أَنَّهُ كَانَ لَا يَكَادُ يُرَى ، فَجَاءَ بَعْضُهُمْ إِلَى أَهْلِهِ فَسَأَلَ امْرَأَتَهُ عَنْ عَمَلِهِ ، قَالَتْ : مَا كَانَ لَهُ كَبِيرُ عَمَلٍ إِلَّا مَا قَدْ رَأَيْتُمْ ، غَيْرَ أَنَّهُ قَدْ كَانَتْ لَهُ خَصَلَةٌ . قَالُوا : وَمَا هِيَ ؟ قَالَتْ : مَا كَانَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ مِنْ لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ وَلَا عَلَى أَيِّ حَالٍ إِلَّا كَانَ يَقُولُ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ ، مِثْلَ قَوْلِهِ : أُقْرِ بِهَا وَأُكْفَرُ مِنْ أَبَاهَا ، قَالَتْ : فَإِذَا قَالَ : أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ ، قَالَ : أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ أُقْرِ بِهَا وَأُكْفَرُ مِنْ أَبِي .

قَالَ الرَّجُلُ : دَخَلَ الْجَنَّةَ ، فَأَقْبَلَ حَتَّى إِذَا كَانَ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَهُوَ فِي أَصْحَابِهِ حَيْثُ يُسْمَعُ الصَّوْتُ ، نَادَى النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَعْلَى صَوْتِهِ : أَتَيْتُ أَهْلَ فُلَانٍ فَسَأَلْتُهُمْ عَنْ عَمَلِهِ فَأَخْبَرُونِي بِكَذَا وَكَذَا ، قَالَ الرَّجُلُ : أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللهِ . قَالَ : وَأَنَا أَشْهَدُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ . (٢) .

١- .المستدرک على الصّحيحين : ج ٢ ص ١٠٣ ح ٢٤٦٣ .

٢- .حليه الأولياء : ج ١٠ ص ٢٨ ، تاريخ دمشق : ج ٤٠ ص ٤١٢ نحوه ، كنز العمال : ج ٨ ص ٣٦٠ ح ٢٣٢٦٧ .

۵۵۲. تفسیر القمّی (فی قوله تعالیٰ : { Q } « فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدٍ) المستدرک علی الصحیحین به نقل از آنس : مرد سیاه پوستی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! من مردی سیاه ، بدبو ، زشت رو و نادار هستم . اگر با اینان بجنگم تا کشته شوم ، جایگاهم کجاست ؟

فرمود : « بهشت » . آن مرد جنگید تا کشته شد . پیامبر صلی الله علیه و آله به بالینش آمد و فرمود : « خدا روی تو را سفید ، و بویت را خوش گردانید و دارایی بسیار به تو داد ! » و در باره او یا دیگری فرمود : « همسر حور العین او را دیدم که ردای پشمی او را در آورد و میان او و ردایش وارد شد » . ۵۵۳. الإمام الرضا علیه السلام : حلیه الأولیاء به نقل از ابو هریره : دو مرد با پیامبر صلی الله علیه و آله بودند : یکی از آنان تقریباً از پیامبر صلی الله علیه و آله جدا نمی گشت و اعمال بزرگی هم از او مشاهده نمی شد ، و دیگری تقریباً [با پیامبر صلی الله علیه و آله] دیده نمی شد و از او هم اعمال بزرگی مشاهده نمی گردید .

آن که همواره با پیامبر صلی الله علیه و آله بود ، گفت : ای پیامبر خدا ! پدر و مادرم به فدایت باد ! نماز گزاران ، مزد یعنی مزد نماز را و روزه گیران ، مزد روزه را از آن خود کردند . و کارهای نیک را یکی یکی نام برد .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « وای بر تو ! تو چه داری ؟ » .

گفت : سوگند به آن که تو را به حق برانگیخت ، جز محبت به خدا و پیامبر او ، چیزی ندارم .

فرمود : « تو نیز پاداشی بر حسب نیتت داری و با کسی هستی که دوستش می داری » .

آن دیگری از دنیا رفت . پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع یارانش فرمود : « آیا می دانید که خداوند ، فلانی را به بهشت برد ؟ » . اصحاب ، تعجب کردند ؛ زیرا آن مرد تقریباً در جمع صحابه ، دیده نمی شد . پس ، یکی از آنان به نزد کسان او رفت و از همسرش در باره عمل او پرسید . همسرش گفت : او اعمال زیادی انجام نمی داد ، مگر همان اندازه که خود ، شاهد بودید ، منتها یک خصلت در او وجود داشت . [حاضران] گفتند : چه خصلتی ؟

گفت : در هر وقت شب یا روز و در هر حال که بانگ مؤذن را می شنید ، مانند او می گفت : أشهد أن لا إله إلا الله . بدان اقرار دارم و آن که را به آن اقرار نکند ، کافر می شمارم . و چون مؤذن می گفت : « أشهد أن محمداً رسول الله » ، او نیز می گفت : أشهد أن محمداً رسول الله . بدان اقرار دارم و آن را که به آن اقرار نکند ، کافر می شمارم .

مرد [به همسر وی] گفت : او به بهشت رفت . سپس آمد و نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله که در میان یارانش نشسته بود رسید ، به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله صدایش را بشنود . آن گاه با صدای بلند به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : نزد خانواده فلانی رفتم و از آنها در باره عمل او پرسیدم . به من چنین و چنان گفتند .

سپس مرد گفت : شهادت می دهم که تو پیامبر خدایی .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «و من خود نیز شهادت می دهم که پیامبر خدا هستم» . .

٥٥٤. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: إن داوود النبي عليه السلام قال: يا رب أخبرني بقريني في الجنة ونظيري في منزلي، فأوحى الله تبارك وتعالى إليه أن ذلك متى أبا يؤنس، قال: فاستأذن الله في زيارته فأذن له، فخرج هو وسليمان ابنة حتى أتيا موضعه، فإذا هما بيت من سعف، فقيل لهما: هو في السوق، فسألا عنه، فقيل لهما: أطلباه في الحطابين، فسألا عنه، فقال لهما جماعة من الناس: تنتظره الآن حتى يجيء، فجلسا ينتظرانه إذ أقبل وعلى رأسه وقر (١) من حطب، فقام إليه الناس فألقى عنه الحطب، فحمد الله وقال: من يشتري طيبا بطيب، فسأومه واحد وزاده آخر حتى باعه من بعضهم.

قال: فسألما عليه، فقال: إنطلقا بنا إلى المنزل واشترى طعاما بما كان معه، ثم

طحنه وعجنه في نقيير (٢) له، ثم أجاج نارا وأوقدها، ثم جعل العجين في تلك النار وجلس معهما يتحدث.

ثم قال وقد نضجت خبيزته فوضعهما في النقيير فلقيها وذرت عليها ملحاً ووضع إلى جنبه مطهرة مليء ماء، وجلس على ركبتيه فأخذ لقمته، فلما رفعها إلى فيه قال: بسم الله، فلما ازدردتها (٣) قال: الحمد لله، ثم فعل ذلك بأخرى وأخرى، ثم أخذ الماء فشرب منه، فذكر اسم الله، فلما وضعه قال: الحمد لله يا رب، من ذا الذي أنعمت عليه وأوليته مثل ما أوليتني، قد صيحت بصيري وسمعي وبدني وقويتني حتى ذهبت إلى شجر لم أغرسه ولم أهتم لحفظه، جعلته لي رزقا، وسقت لي من اشتراه مني، فأشريت بتمنه طعاما لم أزرعه، وسخرت لي النار فأنصجت، وجعلتني آكله بشهوه أقوى بها على طاعتك؛ فلك الحمد، قال: ثم بكى، فقال داوود لسليمان: يا بني قم فانصرف بنا، فإنني لم أر عبدا قط أشكر لله من هذا. صلى الله عليه وعليهما. (٤).

١- الوقر: الحمل (النهاية: ج ٥ ص ٢١٣ «وقر»).

٢- النقيير: أصل النخله يُنقر وسطه (لسان العرب: ج ٥ ص ٢٢٨ «نقر»).

٣- ازدردة: ابتلعه (لسان العرب: ج ٣ ص ١٩٤ «زرد»).

٤- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٨، إرشاد القلوب: ص ١١٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٠٢ ح ١٦.

۵۵۵. عنہ صلی اللہ علیہ و آلہ : امام صادق علیہ السلام : داوود پیامبر علیہ السلام گفت : پروردگارا ! مرا از همنشینم در بهشت و همتایم در جایگاه های بهشتی ام آگاه فرما .

خدای بزرگ و والا ، به او وحی فرمود که : او متی پدر یونس است .

پس داوود از خداوند ، اجازه خواست که به دیدن او برود و خدا به او اجازه داد . داوود همراه پسرش سلیمان رفت تا به محلّ متی رسیدند . خانه ای دیدند که از برگ درخت خرما ساخته شده بود . به آن دو گفته شد که متی در بازار است . در بازار ، سراغش را گرفتند . گفتند : او را در بازار هیزم فروشان بجوید .

در آن جا سراغش را گرفتند . گروهی از مردم به آن دو گفتند : اینک منتظریم تا بیاید . داوود و سلیمان نیز به انتظار او نشستند .

ناگاه متی که باری هیزم بر دوش داشت ، آمد . مردم برایش برخاستند و او بار هیزم را زمین نهاد و خدای را شکر کرد و گفت : «کیست که بار حلالی را به بهایی حلال بخرد؟» . یکی چانه زد و دیگری قیمتی بالاتر گفت تا سرانجام ، بار هیزمش را به یکی از مشتریان فروخت .

داوود و سلیمان بر او سلام گفتند . متی گفت : «به منزل برویم» و با پولی که داشت ، قدری گندم خرید . سپس آن را آورد کرد و در ناوه ای (ظرفی) که از تنه درخت خرما ساخته بود ، خمیر کرد و آتشی برافروخت و خمیر را روی آن گذاشت . آن گاه با آن دو ، به سخن گفتن نشست .

ناوش که آماده شد ، آن را در همان تغار نهاد و نمک بر آن پاشید و ابریق آبی در کنارش نهاد و دوزانو نشست و لقمه ای برداشت . چون آن را به طرف دهانش برد ، گفت : «به نام خدا» و چون آن را بلعید ، گفت : «ستایش ، خدای را» و با هر لقمه ای که بر می داشت ، همین کار را می کرد .

سپس آب را برداشت و از آن نوشید و نام خدا را برد و چون ابریق را گذاشت ، گفت : «ستایش ، خدا را . پروردگارا ! کیست که به او نعمتی چون من داده باشی و به او چنین لطفی کرده باشی ؟ چشم و گوش و بدنم را سالم داشتی و نیرویم بخشیدی ، تا آن که به نزدیکی درختی رفتم که خود ، آن را نکاشته بودم و در نگهداری اش نکوشیده بودم و تو آن را روزی من قرار دادی و مشتری آن را برایم فرستادی . پس با پول آن ، گندمی خریدم که خودم نکاشته بودم ، و آتشی را برایم مهار ساختی و من از آن گندم ، نانی پختم و اشتهای خوردنش را در من نهادی تا با خوردنش بر طاعت تو توانا شوم . پس ستایش ، تو را» و سپس گریست .

داوود به سلیمان گفت : پسر من ! برخیز تا برویم ، که من هرگز بنده ای سپاس گزارتر از این ندیده ام .

درود خدا بر او و بر آن دو باد ! .

٥٥٦. عنه صلى الله عليه وآله (لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) الكافي عن الحكم بن عتيبه: بَيْنَا أَنَا مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْبَيْتُ غَاصُّ بِأَهْلِهِ ، إِذْ أَقْبَلَ شَيْخٌ يَتَوَكَّأُ عَلَى عَتْرَةِ (١) لَهُ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ ، فَقَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، ثُمَّ سَـيَّـكَتْ ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، ثُمَّ أَقْبَلَ الشَّيْخُ بِوَجْهِهِ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ وَ قَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ ، ثُمَّ سَـيَّـكَتْ ، حَتَّى أَجَابَهُ الْقَوْمُ جَمِيعًا وَرَدُّوا عَلَيْهِ السَّلَامَ ، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ ، ثُمَّ قَالَ :

يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، أَدْنَيْتَنِي مِنْكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ ، فَوَ اللَّهُ إِنِّي لَأُحِبُّكُمْ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّكُمْ! وَوَاللَّهِ مَا أُحِبُّكُمْ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّكُمْ لَطَمَعَ فِي دُنْيَا! وَاللَّهِ) إِنِّي لَأُبْغِضُ عِدْوَكُمْ وَأَبْرَأُ مِنْهُ ، وَوَاللَّهِ مَا أُبْغِضُهُ وَأَبْرَأُ مِنْهُ لَوْ تَرِثَ كَانُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ ، وَاللَّهِ إِنِّي لَأَحِلُّ حَلَالَكُمْ وَأَحَرِّمُ حَرَامَكُمْ ، وَأَنْتَظِرُ أَمْرَكُمْ ، فَهَلْ تَرْجُو لِي جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ ؟

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِلَيَّ إِلَيَّ ، حَتَّى أَقْعِدَهُ إِلَى جَنْبِهِ ، ثُمَّ قَالَ : أَيُّهَا الشَّيْخُ ، إِنَّ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَا رَجُلٌ فَسَاءَ لَهُ عَنِ امِّثَالِ الَّذِي سَأَلْتَنِي عَنْهُ ، فَقَالَ لَهُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ تَمُتْ تَرُدُّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى عَلِيٍّ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَيَتَلَجَّ قَلْبُكَ ، وَيَبْرُدُ فُؤَادُكَ ، وَتَقَرَّ عَيْنُكَ ، وَتَسْتَقْبِلُ بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ مَعَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ لَوْ قَدْ بَلَغَتْ نَفْسُكَ هَاهُنَا وَأَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ وَإِنْ تَعَشَ تَرَى مَا يُقَرُّ اللَّهُ بِهِ عَيْنَكَ ، وَتَكُونُ مَعَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى .

فَقَالَ الشَّيْخُ : كَيْفَ قُلْتَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ ؟ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْكَلَامَ ، فَقَالَ الشَّيْخُ : اللَّهُ أَكْبَرُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ ، إِنْ أَنَا مِتُّ أَرِدُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى عَلِيٍّ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ ، وَتَقَرَّ عَيْنِي ، وَيَتَلَجَّ قَلْبِي ، وَيَبْرُدُ فُؤَادِي ، وَأَسْتَقْبِلُ بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ مَعَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ لَوْ قَدْ بَلَغَتْ نَفْسِي إِلَى هَاهُنَا وَإِنْ أَعِشَ أَرَى مَا يُقَرُّ اللَّهُ بِهِ عَيْنِي ، فَأَكُونُ مَعَكُمْ فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى !؟

ثُمَّ أَقْبَلَ الشَّيْخُ يَتَجَبَّبُ ، يَنْشُجُ (٢) هَاهَا ، حَتَّى لَصِقَ بِالْأَرْضِ ، وَأَقْبَلَ أَهْلَ الْبَيْتِ يَنْتَحِبُونَ وَيَنْشُجُونَ لِمَا يَرُونَ مِنْ حَالِ الشَّيْخِ . وَأَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْسُحُ بِإصْبَعِهِ الدُّمُوعَ مِنْ حَمَالِيْقِ (٣) عَيْنَيْهِ وَيَنْفُضُهَا ، ثُمَّ رَفَعَ الشَّيْخُ رَأْسَهُ ، فَقَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، نَوَلِنِي يَدَيْكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ ، فَنَاوَلَهُ يَدَهُ ، فَقَبَّلَهَا وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ

وَخَدَّهُ ، ثُمَّ حَسَرَ عَنْ بَطْنِهِ وَصَدْرِهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى بَطْنِهِ وَصَدْرِهِ ، ثُمَّ قَامَ فَقَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ .

وَأَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ يَنْظُرُ فِي قَفَاهُ وَهُوَ مُدْبِرٌ ، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى الْقَوْمِ ، فَقَالَ : مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا .

فَقَالَ الْحَكَمُ بْنُ عُتَيْبَةَ : لَمْ أَرْ مَا تَمَاقُطُ يُشْبِهُ ذَلِكَ الْمَجْلِسَ . (٤) .

١- العنزة: عصا في قدر نصف الرمح أو أكثر فيها سنان مثل سنان الرمح (لسان العرب: ج ٥ ص ٣٨٤ «عنزة»).

٢- يَنْشُجُ: إِذَا غَصَّ بِالْبَكَاءِ فِي حَلْقِهِ عِنْدَ الْفِرْعَةِ (لسان العرب: ج ٢ ص ٣٧٨ «نشج»).

٣- الحَمَالِيْق : هو ما غَطَّتْهُ الأَجْفَانُ من بياض المقله (الصحاح : ج ٤ ص ١٤٦٥ «حملك»).

٤- الكافي : ج ٨ ص ٧٦ ح ٣٠ ، بحار الأنوار : ج ٤٦ ص ٣٦١ ح ٣ .

۵۵۷. عنه صلى الله عليه و آله (بَعْدَ انْصِرَافِهِ مِنْ حِجَّةِ الْوَدَاعِ) الكافي به نقل از حکم بن عتیبه: در خدمت امام باقر علیه السلام بودیم و اتاق، پر از جمعیت بود که ناگاه مردی عصازنان (۱) آمد و بر در اتاق ایستاد و گفت: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای پسر پیامبر خدا! و سپس خاموش ماند.

امام باقر علیه السلام فرمود: «و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد!».

پیرمرد، آن گاه رو به حاضران در اتاق کرد و گفت: سلام بر شما! و خاموش ماند، تا آن که اهل خانه همگی جواب سلام او را دادند.

پیرمرد، سپس رو به امام باقر علیه السلام کرد و گفت: ای پسر پیامبر خدا! خدا مرا فدایت گرداند! مرا نزدیک خودت بنشان؛ زیرا به خدا سوگند من شما و دوستدار شما را دوست دارم. به خدا سوگند که علاقه من به شما و دوستدارانتان، برای چشمداشتی دنیوی نیست. به خدا سوگند که من، دشمن شما را دشمن می دارم و از او بیزارم، و به خدا سوگند که این نفرت و بیزاری من از او، به خاطر این نیست که میان من و او، خونخواهی (پدرکشتگی) است. به خدا سوگند که من، حلال شما را حلال و حرام شما را حرام می شمارم و منتظر کار [حکومت] شما هستم. پس آیا برایم امیدوار [به رستگاری و بهشت] هستید فدایتان شوم؟

امام باقر علیه السلام فرمود: «نزدیک بیا. نزدیک بیا»، تا این که او را در کنار خود نشانید و سپس فرمود: «ای پیر! مردی نزد پدرم علی بن الحسین علیه السلام آمد و مانند همین سؤالی که تو از من کردی، از ایشان پرسید. پدرم به او فرمود: اگر [با چنین حالتی] بمیری، بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بر علی و حسن و حسین و علی بن الحسین وارد خواهی شد و دلت شاد و جانت آرام و دیده ات روشن می گردد، و آن گاه که جانت به این جا رسد» و با دستش به گلوی اشاره کرد [و افزود: «فرشتگان نویسنده [ی اعمال] با شادی و گُل به استقبالت می آیند و اگر زنده بمانی، آن می بینی که خداوند، بدان، دیده ات را روشن می گرداند و با ما در بلندترین جایگاه خواهی بود».

پیرمرد گفت: چه فرمودی، ای ابو جعفر؟

امام علیه السلام سخنش را تکرار کرد.

پیرمرد گفت: الله اکبر، ای ابو جعفر! اگر بمیرم، بر پیامبر خدا و بر علی و حسن و حسین و علی بن الحسین وارد می شوم و دیده ام روشن و دلم شاد می گردد و جانم آرام می گیرد و آن گاه که جانم به این جا (گلویم) رسد، فرشتگان نویسنده [ی اعمال] با شادی و گُل به استقبالم می آیند و اگر زنده ماندم، آن می بینم که خداوند، بدان، دیده ام را روشن می گرداند و با شما در بلندترین جایگاه خواهم بود!؟

آن گاه، پیرمرد گریه اش گرفت و های های گریست، چندان که به زمین چسبید. حاضران در اتاق نیز از حالت پیرمرد به

گریه افتادند و شیون کردند . امام باقر علیه السلام با انگشتش اشک از چشمان او می گرفت و به زمین می ریخت . پیرمرد ، سپس سرش را بلند کرد و به امام باقر علیه السلام گفت : ای پسر پیامبر خدا ! فدایت شوم ! دستت را به من بده .

امام علیه السلام دستش را به او داد و پیرمرد ، آن را بوسید و بر دیده و گونه اش نهاد و سپس شکم و سینه خود را برهنه ساخت و دست امام علیه السلام را بر شکم و سینه اش کشید . آن گاه برخاست و خداحافظی کرد و رفت .

امام باقر علیه السلام به پیرمرد که باز می گشت نگریست . سپس رو به جمعیت کرد و فرمود : «هر کس دوست دارد که به مردی از اهل بهشت بنگرد ، به این پیرمرد بنگرد» .

هرگز مجلس اندوهی شبیه آن مجلس ندیدم . .

۱- .واژه «عَنْزَه» در متن عربی ، عصبایی به اندازه نصف نیزه یا اندکی بزرگ تر است و سری نیزه ای همانند خنجر دارد .

ص: ٧٤٩

..

٥٥٨. عنه صلى الله عليه وآله: الكافي عن أبي بصير: كان لي جارٌ يتبع السلطان فأصاب مالا، فأعدَّ قيانا (١) وكان يجمع الجميع إليه ويشرب المسكر ويؤذني فشكوتُهُ إلى نفسه غير مره، فلم ينته، فلمَّا أن ألححت عليه فقال لي: يا هذا، أنا رجلٌ مبتلي وأنت رجلٌ معافى، فلو عرضتني لصاحبك رجوتُ أن يُنقذني الله بك، فوقع ذلك له في قلبي، فلمَّا صرتُ إلى أبي عبد الله عليه السلام ذكرتُ له حاله، فقال لي: إذا رجعتُ إلى الكوفة سيأتيك، فقل له: يقول لك جعفر بن محمد: دع ما أنت عليه وأضمن لك على الله الجنة.

فلمَّا رجعتُ إلى الكوفة أتاني فيمن أتى، فأحبستُه عندي حتى خلا منزلي، ثم قلتُ له يا هذا، إنني، ذكرتُك لأبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام فقال لي: إذا رجعتُ إلى الكوفة سيأتيك فقل له: يقول لك جعفر بن محمد: دع ما أنت عليه وأضمن لك على الله الجنة.

قال: فبكي ثم قال لي: الله لقد قال لك أبو عبد الله هذا؟ قال: فحلفتُ له أنه قد قال لي ما قلتُ، فقال لي: حسبك، ومضى.

فلمَّا كان بعد أيام بعث إلي فدعاني، وإذا هو خلف داره غريان، فقال لي: يا أبا بصير، لا والله ما بقي في منزلي شيء إلا وقد أخرجته وأنا كما ترى. قال: فمضيتُ

إلى إخواننا فجمعتُ له ما كسوته به، ثم لم تأت عليه أيام يسيرة حتى بعث إلي أني عليل فأتني فجعلتُ أختلفُ إليه وأعالجه حتى نزل به الموت، فكنتُ عنده جالسا وهو يوجد بنفسه، فغشى عليه غشيه ثم أفاق فقال لي يا أبا بصير، قد وفي صاحبك لنا، ثم قبض رحمه الله عليه.

فلمَّا حججتُ أتيتُ أبا عبد الله عليه السلام فاستأذنتُ عليه، فلمَّا دخلتُ قال لي ابتداءً من داخل البيت وإحدى رجلتي في الصحن والأخرى في دهليز داره: يا أبا بصير، قد وفينا لصاحبك. (٢).

١- القينه: الأمة المغنّية، والجمع قيان (لسان العرب: ج ١٣ ص ٣٥١ «قين»).

٢- الكافي: ج ١ ص ٤٧٤ ح ٥، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٤٠٦، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ١٤٥ ح ١٩٩.

۵۵۹. الخصال عن سهل بن حنيف: الكافي به نقل از ابو بصیر: همسایه ای داشتم که در دستگاه حکومت، کار می کرد و از این طریق، ثروتی به دست آورده و کنیزکانی آوازه خوان خریده بود. همه را نزد خود جمع می کرد و شراب می خورد و باعث آزار و اذیت من می شد. بارها به خود او شکایت کردم؛ اما دست بر نداشت، و چون اصرار کردم که دست از کارهایش بردارد، به من گفت: فلانی! من آدمی هستم که [در بند حکومت،] گرفتار آمده ام و تو از این گرفتاری، بر کنار و آسوده ای. اگر وضع مرا به آقایت بگویی، امیدوارم که خداوند به واسطه تو، مرا هم نجات بخشد.

این سخن او، در دلم اثر کرد و چون به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، ماجرای او را به ایشان گفتم. فرمود: «چون به کوفه باز گشتی، او نزد تو خواهد آمد. به او بگو: جعفر بن محمد به تو می گوید: کاری را که داری، رها کن. من نیز از جانب خدا بهشت را برایت ضمانت می کنم.»

چون به کوفه باز گشتم، او از جمله کسانی بود که به دیدارم آمد. او را نزد خود نگه داشتم تا این که منزلم خلوت شد. سپس به او گفتم: فلانی! من حال تو را به امام صادق علیه السلام گفتم. ایشان به من فرمود: «چون به کوفه باز گشتی، او نزد تو خواهد آمد. به او بگو: جعفر بن محمد به تو می گوید: کاری را که داری، رها کن. من نیز از جانب خداوند، بهشت را برایت ضمانت می کنم.»

او گریست و گفت: عجب! امام صادق به تو چنین گفت؟

من برایش سوگند یاد کردم که آنچه را گفتم، ایشان به من فرموده است. او گفت: بس است. و رفت.

چند روز بعد، در پی من فرستاد و مرا خواست. چون رفتم، دیدم که پشت خانه اش برهنه نشسته است. به من گفت: ای ابو بصیر! به خدا سوگند، هر چه در منزل داشتم، [به صاحبانش و یا در راه خدا] بدادم و اکنون چنانم که می بینی.

من نزد دوستانم رفتم و پوشاکی برایش جمع کردم و بر او پوشاندم. چند روز، بیشتر نگذشته بود که برایم پیغام فرستاد که: من بیمارم. نزد من بیا.

من پیش او می رفتم و به او رسیدگی می کردم تا آن که زمان مرگش فرا رسید. من در کنارش نشسته بودم و او در حال جان دادن بود. از هوش رفت و دوباره به هوش آمد و گفت: ای ابو بصیر! آقایت به وعده خود با ما وفا کرد. این را گفت و به رحمت خدا پیوست.

به حج که رفتم، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و اجازه شرفیابی خواستم. وارد که شدم، هنوز یک پایم در صحن خانه و پای دیگرم در دالاین آن بود که امام علیه السلام از داخل اتاق فرمود: «ای ابو بصیر! ما به وعده خود به رفیقت وفا کردیم.»

١٧ / ١٢ نِسَاءٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ٥٦٢. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ: خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ أَمْرَأَةُ فِرْعَوْنَ. (١) ٥٦٣. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صَحِيحٌ مُسْلِمٌ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَتَى جِبْرِيلُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ. . . وَبَشَّرَهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ (٢) لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ. (٣).

١- الخصال: ص ٢٠٦ ح ٢٢ عن ابن عبيد، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٧٨ ح ١٣٣؛ مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٦٢٨ ح ٢٦٦٨، السنن الكبرى للنسائي: ج ٥ ص ٩٣ ح ٨٣٥٥، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٦٥٠ ح ٤١٦٠، صحیح ابن حبان: ج ١٥ ص ٤٧٠ ح ٧٠١٠ كلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج ١٢ ص ١٤٣ ح ٣٤٤٠٢.

٢- القصب في هذا الحديث: لؤلؤ مجوف واسع كالقصر المنيف، والقصب من الجوهر: ما استطال منه في تجويف (النهاية: ج ٤ ص ٦٧ «قصب»).

٣- صحیح مسلم: ج ٤ ص ١٨٨٧ ح ٧١، صحیح البخاری: ج ٢ ص ٦٣٦ ح ١٦٩٩ والثلاثة الأخيرة عن عبد الله بن أبي أوفى، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٥٠ ح ١٩١٥٠ و ص ٥٣ ح ١٩١٦٤ والثلاثة الأخيرة، سنن الترمذی: ج ٥ ص ٧٠٢ ح ٣٨٧٦ عن عائشة وكلها نحوه، كنز العمال: ج ١٣ ص ٦٩٢ ح ٣٧٧٦٨؛ شرح الأخبار: ج ٣ ص ١٧ ح ٩٤٧، العمدة: ص ٣٩٤ ح ٧٩٠ عن عبد الله بن أبي أوفى نحوه، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٧ ح ١٢.

۱۲ / ۱۷ زنانی بهشتی

۱۲ / ۱۷ زنانی بهشتی ۵۶۶. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برترین زنان اهل بهشت ، چهار نفرند : خدیجه دُخت خُوَیَلد و فاطمه دُخت مُحَمَّد و مریم دُخت عمران و آسیه دخت مُزاحم ، همسر فرعون . ۵۶۷. عنه صلی الله علیه و آله : صحیح مسلم به نقل از ابو هریره : جبرئیل ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! خدیجه دارد نزد تو می آید ... او را به خانه ای در بهشت که از مروارید ، ساخته شده و در آن ، سر و صدا و رنجی نیست ، بشارت ده .

٥٦٨. عنه صلى الله عليه وآله: الخصال عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ الْأَخَوَاتِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَسَيِّمَاهُنَّ: أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسِ الْخَنْعَمِيَّةِ وَكَانَتْ تَحْتَ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَسَيْلَمَى بِنْتُ عُمَيْسِ الْخَنْعَمِيَّةِ وَكَانَتْ تَحْتَ حَمْرَةَ، وَخَمْسٌ مِنْ بَنِي هِلَالٍ: مَيْمُونَةُ بِنْتُ الْحَارِثِ كَانَتْ تَحْتَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأُمُّ الْفَضْلِ عِنْدَ الْعَبَّاسِ اسْمُهَا هِنْدٌ، وَالْعُمَيْصَاءُ أُمُّ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ، وَعَزَّةٌ كَانَتْ فِي ثَقِيفٍ عِنْدَ الْحَجَّاجِ بْنِ غَلَاظٍ، وَحَمِيدَةُ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا عَقْبٌ. (١) ٥٦٩. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ سَرَّهٗ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَتَزَوَّجْ أُمَّ أَيْمَنَ. (٢) ٥٧٠. عنه صلى الله عليه وآله: صحيح البخارى عن عطاء بن أبي رباح: قَالَ لِي ابْنُ عَبَّاسٍ: أَلَا أُرِيكَ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: هَذِهِ الْمَرْأَةُ السُّودَاءُ أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ: إِنِّي أَصْرَعُ وَإِنِّي أَتَكَشَّفُ، فَادْعُ اللَّهَ لِي، قَالَ: إِنْ شِئْتَ صَبْرْتِ وَلَمَّا كِ الْجَنَّةِ، وَإِنْ شِئْتَ دَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يُعَافِيكَ. فَقَالَتْ: أَصْبِرْ، فَقَالَتْ: إِنِّي أَتَكَشَّفُ فَادْعُ اللَّهَ أَنْ لَا أَتَكَشَّفَ فَدَعَا لَهَا. (٣) ٥٧١. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام على عليه السلام: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سُرِّئِلَ شَيْئًا فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَفْعَلَهُ قَالَ: نَعَمْ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ لَا يَفْعَلَ سَكَتَ، وَكَانَ لَا يَقُولُ لِشَيْءٍ لَا، فَأَتَاهُ أَعْرَابِيٌّ فَسَأَلَهُ فَسَكَتَ، ثُمَّ سَأَلَهُ فَسَكَتَ، ثُمَّ سَأَلَهُ فَسَكَتَ.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَهَيْئَةِ الْمُسْتَرْسِلِ: مَا شِئْتَ (يَا أَعْرَابِيٌّ).

فَغَبَطْنَاهُ وَقُلْنَا: الْآنَ يَسْأَلُ الْجَنَّةَ!

فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ: أَسَأَلُكَ رَاحِلَةً (و) رَحَلَهَا وَزَادَا. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَكَ ذَلِكَ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَمْ بَيْنَ مَسْأَلِهِ الْأَعْرَابِيَّ وَعَجُوزِ بَنِي إِسْرَائِيلَ! ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَمَرَ أَنْ يَقَطَعَ الْبَحْرَ فَاتَّهَى إِلَيْهِ وَضُرِبَتْ وُجُوهُ الدَّوَابِّ فَرَجَعَتْ، فَقَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ مَا لِي؟ قَالَ: يَا مُوسَى، إِنَّكَ عِنْدَ قَبْرِ يُوسُفَ فَاحْمِلْ عِظَامَهُ، وَقَدْ اسْتَوَى الْقَبْرُ بِالْأَرْضِ، فَسَأَلَ مُوسَى قَوْمَهُ: هَلْ يَدْرِي أَحَدٌ مِنْكُمْ أَيْنَ هُوَ؟ قَالُوا: عَجُوزُ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَعَلَّهَا تَعْلَمُ.

فَقَالَ لَهَا: هَلْ تَعْلَمِينَ؟ قَالَتْ: نَعَمْ، قَالَ: فَدَلِّينَا عَلَيْهِ، قَالَتْ: لَا وَاللَّهِ حَتَّى تُعْطِيَنِي مَا أَسَأَلُكَ.

قَالَ: ذَلِكَ (لَكَ)، قَالَتْ: فَإِنِّي أَسَأَلُكَ أَنْ أَكُونَ مَعَكَ فِي الدَّرَجَةِ (الَّتِي تَكُونُ فِي) الْجَنَّةِ، (قَالَ: سَيَلَى الْجَنَّةَ) قَالَتْ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا أَنْ أَكُونَ مَعَكَ، فَجَعَلَ مُوسَى (يُرَادُهَا) (٤) فَأَوْحَى اللَّهُ (إِلَيْهِ): أَنْ أَعْطَاهَا ذَلِكَ فَإِنَّهُ لَا يَنْقُصُكَ، فَأَعْطَاهَا، وَدَلَّتْهُ عَلَى الْقَبْرِ، فَأَخْرَجَ الْعِظَامَ وَجَاوَزَ الْبَحْرَ. (٥).

١- الخصال: ص ٣٦٣ ح ٥٥ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٢٩١ ح ٦٣.

٢- الطبقات الكبرى: ج ٨ ص ٢٢٤، سير أعلام النبلاء: ج ٢ ص ٢٢٤، تاريخ دمشق: ج ٤ ص ٣٠٣ ح ١٠٧٢، الإصابه: ج ٨ ص ٣٥٩ الرقم ١١٩٠٢ كلُّها عن سفيان بن عيينه، كثر العمال: ج ١٢ ص ١٤٦ ح ٣٣٤١٦.

٣- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢١٤٠ ح ٥٣٢٨، صحيح مسلم: ج ٤ ص ١٩٩٤ ح ٥٤، السنن الكبرى للنسائي: ج ٤ ص ٣٥٣ ح ٧٤٩٠، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٧٤٢ ح ٣٢٤٠، الأدب المفرد: ص ١٥٤ ح ٥٠٥، حليه الأولياء: ج ٦ ص ١٨٠.

٤- الرَّدّ: صَرَفُ الشَّيْءِ وَرَجْعُهُ (لسان العرب: ج ٣ ص ١٧٢ «ردد»).

٥- الدعوات: ص ٤٠ ح ١٠٠، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٢٩٤ ح ٥؛ المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٧٥ ح ٧٧٦٧ عن حَبِّهِ العَرَنِيِّ نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٤١٦ ح ٤٨٩٥.

۵۷۲. عنه صلی الله علیه و آله: الخصال به نقل از ابو بصیر: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرماید: «رحمت خدا بر خواهران بهشتی!» و آنان را چنین نام برد: اسماء خَتَمَیَّة دختر عُمَیْس که همسر جعفر بن ابی طالب بود؛ سلمی خَتَمَیَّة دختر عُمَیْس که همسر حمزه بود؛ و پنج زن از بنی هلال: میمونه دختر حارث که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود، اُم فضل که همسر عیاس و نامش هند بود، عُمَیْصاء مادر خالد بن ولید، عَزّه که در ثقیف و همسر حجاج بن غلاظ بود، و حمیده که فرزندی نداشت. ۵۷۳. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر که دوست دارد با زنی از اهل بهشت ازدواج کند، با اُم ایمن ازدواج نماید. ۵۷۴. عنه علیه السلام: صحیح البخاری به نقل از عطاء بن ابی رباح: ابن عباس به من گفت: آیا زنی از اهل بهشت را به تو نشان ندهم؟

گفتم: چرا.

گفت: همین زن سیاهی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. او [به پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت: من غش می کنم و [در هنگام غش کردن و افتادن،] بدنم نمایان می شود. برایم دعا کن.

فرمود: «کدام را می خواهی؟ این وضع را تحمّل کنی و در عوض، بهشت از آن تو باشد، یا برایت دعا کنم و خدا شفایت بخشد؟».

گفت: تحمّل می کنم. سپس گفت: بدنم نمایان می شود. پس دعا کن که بدنم نمایان نشود.

پیامبر صلی الله علیه و آله برایش دعا کرد. ۵۷۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: عادت پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که هر گاه از او چیزی خواسته می شد، چنانچه می خواست آن را انجام دهد، می فرمود: «باشد»، و چنانچه نمی خواست انجام دهد، سکوت می کرد، و به هیچ خواهشی، «نه» نمی گفت.

یک روز، باده نشینی نزد ایشان آمد و درخواستی کرد. ایشان سکوت کرد. دوباره خواست. ایشان باز سکوت کرد. سه باره خواست و پیامبر صلی الله علیه و آله باز هم سکوت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله سپس با حالتی خودمانی فرمود: «هر چه تو بخواهی، ای باده نشین!».

ما به حال او غبطه خوردیم و گفتیم: الآن، بهشت را درخواست می کند!

باده نشین گفت: شتری با جهازش و مقداری توشه می خواهم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به تو دادم» و سپس فرمود: «چه قدر فاصله است میان درخواست این باده نشین و درخواست آن پیرزن بنی اسرائیل!» و در ادامه فرمود: «موسی علیه السلام چون فرمان یافت که از دریا [ی نیل] بگذرد، به کنار دریا رسید؛ ولی مرکب ها از پیشروی خودداری کردند و بر می گشتند. موسی گفت: خدایا! چه شده است؟

خداوند فرمود: ای موسی! تو در محلّ قبر یوسف هستی. استخوان های او را با خودت ببر. قبر با خاک، یکسان شده بود [و برای همین، موسی جای آن را نمی دانست]. موسی از قومش پرسید: آیا کسی از شما جای قبر او را می داند؟

گفتند: پیرزنی بنی اسرائیلی هست که شاید بداند. موسی به او گفت: تو می دانی؟

گفت: آری. موسی گفت: پس آن را نشانمان بده.

پیرزن گفت: نه به خدا، مگر این که آنچه را از تو خواستم، به من بدهی. موسی گفت: می دهم. پیرزن گفت: از تو می خواهم که در بهشت با تو در همان درجه ای باشم که تو خواهی بود. موسی گفت: [تنها] بهشت را بخواه.

پیرزن گفت: نه به خدا! [می خواهم] فقط با تو باشم.

موسی کوشید که او را از خواسته اش منصرف سازد؛ اما خدا به او وحی فرمود که: قبول کن؛ زیرا چیزی از تو کم نمی شود.

موسی قبول کرد و پیرزن، او را به قبر، راه نمایی کرد. موسی استخوان ها را در آورد و از دریا گذشت «..»

٥٧٦. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ نَزَلَ عَلَى رَجُلٍ بِالطَّائِفِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ ، فَأَكْرَمَهُ ، فَلَمَّا أَنْ بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى النَّاسِ قِيلَ لِلرَّجُلِ : أَتَدْرِي مَنْ الَّذِي أَرْسَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى النَّاسِ ؟ قَالَ : لَا ، قَالُوا لَهُ : هُوَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ يَتِيمٌ أَبِي طَالِبٍ ، وَهُوَ الَّذِي كَانَ نَزَلَ بِكَ بِالطَّائِفِ يَوْمَ كَذَا وَكَذَا فَأَكْرَمْتَهُ ، قَالَ : فَتَدْرِي الرَّجُلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَأَسَلِّمْ ، ثُمَّ قَالَ لَهُ : أَتَعْرِفُنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : وَمَنْ أَنْتَ ؟ قَالَ : أَنَا رَبُّ الْمَنْزِلِ الَّذِي نَزَلَتْ بِهِ بِالطَّائِفِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ يَوْمَ كَذَا وَكَذَا فَأَكْرَمْتُكَ ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَرَحِبًا بِكَ سَلِّ حَاجَتَكَ ، فَقَالَ : أَسْأَلُكَ مَا تَنِي شَاهٍ بِرُعَاتِهَا . فَأَمَرَ لَهُ

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَا سَأَلَ . ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ : مَا كَانَ عَلَى هَذَا الرَّجُلِ أَنْ يَسْأَلَنِي سُؤَالَ عَجُوزِ بَنِي إِسْرَائِيلَ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ! فَقَالُوا : وَمَا سَأَلْتَ عَجُوزَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لِمُوسَى ؟ فَقَالَ :

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ أَوْحَى إِلَيَّ مُوسَى أَنْ أَحْمِلَ عِظَامَ يُوسُفَ مِنْ مِصْرَ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا إِلَى الْأَرْضِ الْمُقَدَّسَةِ بِالشَّامِ ، فَسَأَلَ مُوسَى عَنْ قَبْرِ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَجَاءَهُ شَيْخٌ فَقَالَ : إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَعْرِفُ قَبْرَهُ فَفَلَانُهُ ، فَأَرْسَلَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهَا ، فَلَمَّا جَاءَتْهُ قَالَ : تَعْلَمِينَ مَوْضِعَ قَبْرِ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؟ قَالَتْ : نَعَمْ ، قَالَ : فَدُلِّيْنِي عَلَيْهِ وَلَكِ مَا سَأَلْتِ ، قَالَتْ لَا أَدُلُّكَ عَلَيْهِ إِلَّا بِحُكْمِي ، قَالَ : فَلَمَكِ الْجَنَّةَ ، قَالَتْ : لَا- إِلَّا- بِحُكْمِي عَلَيْكَ ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى : لَا يَكْبُرُ عَلَيْكَ أَنْ تَجْعَلَ لَهَا حُكْمَهَا ، فَقَالَ لَهَا مُوسَى : فَلَكِ حُكْمُكَ ، قَالَتْ : فَإِنَّ حُكْمِي أَنْ أَكُونَ مَعَكَ فِي دَرَجَتِكَ الَّتِي تَكُونُ فِيهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْجَنَّةِ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا كَانَ عَلَى هَذَا لَوْ سَأَلَنِي مَا سَأَلْتَ عَجُوزَ بَنِي إِسْرَائِيلَ . (١)

١- الكافي : ج ٨ ص ١٥٥ ح ١٤٤ عن يزيد الكناسي ، قرب الإسناد : ص ٥٨ ح ١٨٨ عن صفوان الجمال عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ٢٩٢ ح ١ ؛ المستدرک علی الصحیحین : ج ٢ ص ٤٣٩ ح ٣٥٢٣ و ص ٦٢٤ ح ٤٠٨٨ كلاهما عن أبي موسى الأشعري نحوه .

۵۷۷. عنه صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، پیش از اسلام ، میهمان مردی شد و او از ایشان با احترام ، پذیرایی کرد . پس از آن که خداوند ، محمد صلی الله علیه و آله را به سوی مردم فرستاد ، به آن مرد گفته شد : آیا می دانی آن کسی که خداوند عز و جل به سوی مردم فرستاده است ، کیست؟

گفت : نه .

گفتند : او محمد بن عبد الله ، یتیم ابو طالب و همان کسی است که در فلان و بهمان روز ، میهمان تو شد و تو گرامی اش داشتی .

آن مرد ، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و سلام کرد و مسلمان شد و سپس گفت : مرا می شناسی ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «تو کیستی؟» .

گفت : من صاحب همان منزلی هستم که در جاهلیت ، در فلان و بهمان روز ، وقتی به طائف آمدمی ، وارد آن شدمی و من با احترام ، از شما پذیرایی کردم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «خوش آمدی ! حاجتت را بخواه» .

گفت : دوستان گوسفند با چوپانان آنها می خواهم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستور داد آنچه را می خواهد ، به او بدهند . آن گاه به یارانش فرمود : «این مرد ، بینش آن را نداشت که از من همان چیزی را بخواهد که پیرزن بنی اسرائیلی از موسی علیه السلام خواست !» . یاران گفتند : پیرزن بنی اسرائیل از موسی چه خواست؟

فرمود : «خداوند عز و جل به موسی وحی فرمود که : چون خواستی مصر را به سوی سرزمین مقدس در شام ترک گویی ، استخوان های یوسف را هم از مصر با خود ببر .

موسی از قبر یوسف ، جوینا شد .

پیرمردی آمد و گفت : اگر کسی جای قبرش را بداند ، آن کس فلان پیرزن است .

موسی در پی او فرستاد . چون پیرزن آمد ، موسی به او گفت : تو جای قبر یوسف را می دانی؟ گفت : آری .

موسی گفت : آن را به من نشان بده . هر چه بخواهی ، به تو می دهم .

پیرزن گفت : آن را نشانت نمی دهم ، مگر این که هر چه را من می گویم ، همان را به من بدهی .

موسی گفت : بهشت ، از آن تو باشد .

پیرزن گفت : نه ! من تعیین می کنم .

خداوند عز و جل به موسی وحی فرمود که : نگران مباش ! بگذار او تعیین کند .

موسی به پیرزن گفت : هر چه تو حکم کنی .

پیرزن گفت : حکم من ، این است که روز قیامت ، با تو در همان درجه ای باشم که تو هستی» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «این مرد ، بینش آن را نداشت که از من ، همان چیزی را بخواهد که آن پیرزن بنی اسرائیلی خواست !» . .

٥٧٨. عنه صلى الله عليه وآله (فى عَلِيٍّ عليه السلام) الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ أَخْرَجَ عِظَامَ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ مِصْرَ وَوَعِيدَهُ طُلُوعَ الْقَمَرِ ، فَأَبْطَأَ طُلُوعَ الْقَمَرِ عَلَيْهِ ، فَسَأَلَ عَمَّنْ يَعْلَمُ مَوْضِعَهُ ، فَقِيلَ لَهُ : هَاهُنَا عَجُوزٌ تَعْلَمُ عِلْمَهُ ، فَبَعَثَ إِلَيْهَا فَأَتَتْهُ بِعَجُوزٍ مُقْعَدَةٍ عَمِيَاءَ .

فَقَالَ : تَعْرِفِينَ قَبْرَ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؟ قَالَتْ نَعَمْ ، قَالَ : فَأَخْبِرِينِي بِمَوْضِعِهِ . قَالَتْ : لَا أَفْعَلُ حَتَّى تُعْطِيَنِي خِصَالًا : تُطَلِّقُ رِجْلِي ، وَتُعِيدُ إِلَيَّ بَصْرِي ، وَتَرُدُّ إِلَيَّ شَبَابِي ،

وَتَجْعَلُنِي مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ .

فَكَبَّرَ ذَلِكَ عَلَى مُوسَى ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ : أَنْمَا تُعْطِي عَلِيًّا ، فَأَعْطِهَا مَا سَأَلَتْ .

فَفَعَلَ فَدَلَّتْهُ عَلَى قَبْرِ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَاسْتَخْرَجَهُ مِنْ شَاطِئِ النَّيْلِ فِي صُنْدُوقٍ مَرْمَرٍ ، فَلَمَّا أَخْرَجَهُ طَلَعَ الْقَمَرُ فَحَمَلَهُ إِلَى الشَّامِ . فَلِذَلِكَ يَحْمِلُ أَهْلُ الْكِتَابِ مَوْتَاهُمْ إِلَى الشَّامِ . (١) .

١- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ١٩٣ ح ٥٩٤ ، الخصال : ص ٢٠٥ ح ٢١ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ١ ص ٢٥٩ ح ١٨ ، علل الشرائع : ص ٢٩٦ ح ١ كلها عن الحسن بن علي بن فضال عن أبي الحسن عليه السلام .

۵۷۹. عنه صلى الله عليه و آله (فى عَلِيٍّ عليه السلام) امام صادق عليه السلام : خداوند بزرگ و والا ، به موسى بن عمران عليه السلام وحى فرمود که : «استخوان های يوسف عليه السلام را از مصر با خود ببر» و موعد آن را طلوع ماه ، تعيين نمود .

موسى طاقت نياورد که تا طلوع ماه ، صبر کند و در جستجوى کسى بر آمد که محلّ قبر را بدانند . به او گفته شد : پيرزنى هست که جایش را مى داند .

موسى در پى او فرستاد و پيرزنى زمينگير و نابينا را آوردند . موسى گفت : قبر يوسف را بلدى؟ گفت : آرى . موسى گفت : پس ، جاي آن را به من بگو .

پيرزن گفت : نمى گويم ، تا اين که چند چيز را به من بدهى : پاييم را خوب کنى ، بينايى ام را به من باز گردانى ، جوانى ام را دوباره به من بدهى و مرا در بهشت ، با خودت قرار دهى .

اينها بر موسى گران آمد . خداوند عز و جل بر او وحى فرمود که : «آنچه مى دهى ، بر عهده من . پس هر چه خواست ، به او بده» .

موسى چنين کرد و پيرزن ، قبر يوسف عليه السلام را به او نشان داد . موسى ، جسد يوسف را که در صندوقى مرمين در ساحل نيل بود ، بيرون آورد . بيرون که آورد ، ماه طلوع کرد و موسى آن را به شام ، انتقال داد . به همين دليل ، اهل کتاب ، مردگان خود را به شام مى برند . .

٥٨٠. عنه صلى الله عليه وآله (لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) الإمام الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ خِلَادَةَ بِنْتِ أَوْسٍ بَشَّرَهَا بِالْجَنَّةِ وَأَعْلَمَهَا أَنَّهَا قَرِيبَتُكَ فِي الْجَنَّةِ .

فَمَا نَطَقَ إِلَيْهَا فَقَرَعَ الْبَابَ عَلَيْهَا ، فَخَرَجَتْ وَقَالَتْ : هَلْ نَزَلَ فِيَّ شَيْءٌ ؟ قَالَ : نَعَمْ ، قَالَتْ : وَمَا هُوَ ؟ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ وَأَخْبَرَنِي أَنَّكَ قَرِيبَتِي فِي الْجَنَّةِ ، وَأَنْ أُبَشِّرَكَ بِالْجَنَّةِ ، قَالَتْ : أَوْ يَكُونُ اسْمٌ وَافِقٌ اسْمِي ؟ قَالَ : إِنَّكَ لَأَنْتِ هِيَ ، قَالَتْ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ ، مَا أَكْذَبُكَ وَلَا وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ مِنْ نَفْسِي مَا وَصَفْتَنِي بِهِ !

قَالَ دَاوُودُ : أَخْبَرَنِي عَنْ ضَمِيرِكَ وَسِرِيرَتِكَ ، هُوَ ؟ قَالَتْ : أَمَّا هَذَا فَسَأَخْبِرُكَ بِهِ ؛ أَخْبِرُكَ أَنَّهُ لَمْ يُصِبْ بِنِي وَجَعُ قَطُّ نَزَلَ بِي كَائِنًا مَا كَانَ ، وَلَا نَزَلَ بِي ضُرٌّ وَحَاجَةٌ وَجُوعٌ كَائِنًا مَا كَانَ إِلَّا صَبَرْتُ عَلَيْهِ ، وَلَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ كَشْفَهُ عَنِّي حَتَّى يُحَوِّلَهُ اللَّهُ عَنِّي إِلَى الْعَافِيهِ وَالسَّعَةِ ، وَلَمْ أَطْلُبْ بَدَلًا وَشَكَرْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَحَمِدْتُهُ .

فَقَالَ دَاوُودُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَبِهَذَا بَلَّغْتَ مَا بَلَّغْتَ .

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَهَذَا دِينُ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ . (١)

١- .قصص الأنبياء للراوندى : ص ٢٠٦ ح ٢٦٨ ، مشكاة الأنوار : ص ٦٠ ح ٧٥ نحوه وكلاهما عن الحلبي ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٨٩ ح ٤٢ .

۵۸۱. کمال الدین عن عبد الرحمن بن سمره: امام صادق علیه السلام: خدای متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود که: به خَلادَه دختر اوس، مژده بهشت بده و به آگاهی اش برسان که او در بهشت، همسر تو خواهد بود.

داوود به سوی او رفت و در خانه اش را کوبید. خَلادَه بیرون آمد و گفت: آیا چیزی در باره ام نازل شده است؟

داوود گفت: «خداوند بلندمرتبه، به من وحی فرمود و به من خبر داد که تو همنشین من در بهشت خواهی بود و فرمود که تو را به بهشت، مژده دهم».

خَلادَه گفت: شاید تشابه اسمی میان من و کسی دیگر، رخ داده است!

داوود گفت: «خود تو هستی».

خَلادَه گفت: ای پیامبر خدا! من تو را دروغگو نمی شمارم؛ اما به خدا سوگند، در خود، چنین سزامندی ای نمی یابم!

داوود گفت: «مرا از باطن و درونت خبر ده که در آن، چه می گذرد».

خَلادَه گفت: این را به تو خبر می دهم. من هرگز به هیچ دردی از هیچ نوعی، مبتلا نشدم و هیچ گونه نیاز و گرسنگی ای، از هیچ گونه به من نرسید، مگر این که در برابرش شکیبایی کردم و از خداوند نخواستم که آن را از من برطرف سازد تا آن که او خود از من دورش گرداند و عافیت و گشایش دهد، و به جای آن، چیزی از خدا نخواستم و خدا را بر آن شکر گزاردم و ستایش نمودم.

داوود علیه السلام گفت: «پس با این خصلت، به آن مقام رسیده ای».

این، همان دین خداست که برای نیکان، برگزیده و پسندیده است..

١٧ / ١٣ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَمْ يُصَلِّ قَطُّ! ٥٨٤. عنه صلى الله عليه و آله: السَّيْرَةُ النَّبَوِيَّةُ لِابْنِ هِشَامٍ: قَالَ ابْنُ إِسْحَاقَ: وَكَانَ مِنْ حَدِيثِ الْأَسْوَدِ الرَّاعِي فِيمَا بَلَغَنِي: أَنَّهُ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ مُحَاصِرٌ لِبَعْضِ حُصُونِ خَيْبَرَ، وَمَعَهُ غَنَمٌ لَهُ كَانَ فِيهَا أَجِيرًا لِرَجُلٍ مِنْ يَهُودَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اعْرِضْ عَلَيَّ الْإِسْلَامَ، فَعَرَضَهُ عَلَيْهِ، فَأَسْلَمَ.

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَحْقَرُ أَحَدًا أَنْ يَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ، وَيَعْرِضُهُ عَلَيْهِ فَلَمَّا أَسْلَمَ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي كُنْتُ أَجِيرًا لِصَاحِبِ هَذِهِ الْغَنَمِ، وَهِيَ أَمَانَةٌ عِنْدِي، فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهَا؟

قَالَ: اضْرِبْ فِي وُجُوهِهَا، فَإِنَّهَا سَتَرْجِعُ إِلَى رَبِّهَا أَوْ كَمَا قَالَ فَقَامَ الْأَسْوَدُ، فَأَخَذَ حَفَنَةً مِنَ الْحَصَى، فَرَمَى بِهَا فِي وُجُوهِهَا وَقَالَ: ارْجِعِي إِلَى صَاحِبِكِ فَوَلَّى اللَّهُ لَا أَصْحَابِكِ أَبَدًا، فَخَرَجَتْ مُجْتَمِعَةً كَأَنَّ سَائِقًا يَسُوقُهَا، حَتَّى دَخَلَتْ الْحِصْنَ.

ثُمَّ تَقَدَّمَ إِلَى ذَلِكَ الْحِصَنِ لِيُقَاتِلَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ، فَأَصَابَهُ حَجْرٌ فَقَتَلَهُ، وَمَا صَلَّى لِلَّهِ صَلَاةً قَطُّ، فَأَتَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَوَضِعَ خَلْفَهُ، وَسَجَّجَى بِشِمْلِهِ كَأَنَّ عَلَيْهِ، فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَعَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهُ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَ أَعْرَضْتَ عَنْهُ؟

قَالَ: إِنَّ مَعَهُ الْآنَ زَوْجَتِيهِ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ. (١) ٥٨٥. عنه صلى الله عليه و آله: مسند ابن حنبل عن أبي هريره كان يقول: حَدَّثُونِي عَنْ رَجُلٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ لَمْ يُصَلِّ

قَطُّ، فَإِذَا لَمْ يَعْرِفْهُ النَّاسُ سَأَلُوهُ: مَنْ هُوَ؟ فَيَقُولُ: أَصِيرٌ بَنَى عَبْدُ الْأَشْهَلِ عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ بِنِ وَقَشٍ.

قَالَ الْحُصَيْنُ: فَقُلْتُ لِمَحْمُودِ بْنِ لُبَيْدٍ: كَيْفَ كَانَ شَأْنُ الْأَصِيرِ؟

قَالَ: كَانَ يَأْبَى الْإِسْلَامَ عَلَى قَوْمِهِ، فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ أُحُدٍ وَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى أُحُدٍ بَدَأَ لَهُ الْإِسْلَامَ فَأَسْلَمَ، فَأَخَذَ سَيْفَهُ فَعَدَا حَتَّى أَتَى الْقَوْمَ فَدَخَلَ فِي عُرْضِ النَّاسِ، فَقَاتَلَ حَتَّى أَثْبَتَهُ الْجِرَاحُ.

قَالَ فَبَيْنَمَا رَجُلٌ بَنَى عَبْدُ الْأَشْهَلِ يَلْتَمِسُونَ قَتْلَهُمْ فِي الْمَعْرَكَةِ إِذَا هُمْ بِهِ، فَقَالُوا: وَاللَّهِ إِنَّ هَذِهِ لِلْأَصِيرِ يَوْمٌ، وَمَا جَاءَ لَقَدْ تَرَكَنَاهُ، وَإِنَّهُ لَمُنْكَرٌ هَذَا الْحَدِيثُ! فَسَأَلُوهُ: مَا جَاءَ بِهِ؟ قَالُوا: مَا جَاءَ بِكَ يَا عَمْرُو، أَحَدًا (٢) عَلَى قَوْمِكَ، أَوْ رَغْبَةً فِي الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: بَلْ رَغْبَةً فِي الْإِسْلَامِ؛ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَسْلَمْتُ، ثُمَّ أَخَذْتُ سَيْفِي فَعَدَوْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَاتَلْتُ حَتَّى أَصَابَنِي مَا أَصَابَنِي.

قَالَ ثُمَّ لَمْ يَلْبَثْ أَنْ مَاتَ فِي أَيْدِيهِمْ، فَذَكَرُوهُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: إِنَّهُ لَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (٣).

١- السيرة النبوية لابن هشام: ج ٣ ص ٣٥٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ١٤٨ ح ٢٦٠٩، السنن الكبرى: ج ٩ ص

٢٤١ ح ١٨٤٢٤ كلاهما عن جابر بن عبد الله نحوه، أسد الغابة: ج ١ ص ٢١٣ الرقم ١١٥ عن إسحاق بن يسار.

٢- حدب عليه: تعطف عليه (الصحاح: ج ١ ص ١٠٨ «حدب»).

٣- .مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ١٤١ ح ٢٣٦٩٦ ، السيره النبويه لابن هشام : ج ٣ ص ٩٥ ، الإصابه : ج ٤ ص ٥٠١ الرقم ٥٨٠١ ،
أسد الغابه : ج ٤ ص ١٩٠ الرقم ٣٨٨١ نحوه ، كنز العمال : ج ١٣ ص ٢٨٥ ح ٣٦٨٢٦ .

۱۷ / ۱۳ مردی از اهل بهشت که هرگز نماز نخواند!

۱۷ / ۱۳ مردی از اهل بهشت که هرگز نماز نخواند! ۵۸۸. تفسیر العیاشی عن بشیر الدّهان عن الإمام الصادق عالسیره النبویّه ، ابن هشام : ابن اسحاق می گوید : داستان اَسود چوپان ، تا آن جا که به من رسیده ، این است که وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از قلعه های خیبر را در محاصره داشت ، او با گوسفندانش که از آن مردی یهودی بود و او اجیر وی بود ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! اسلام را بر من عرضه کن .

پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به او عرضه کرد و اَسود ، مسلمان شد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ کس را کوچک تر از آن نمی شمرد که به اسلام دعوتش کند و اسلام را بر او عرضه نماید .

اَسود چون اسلام آورد ، گفت : ای پیامبر خدا ! من ، اجیر صاحب این گوسفندها هستم و اینها نزد من ، امانت اند . با اینها چه کنم ؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «رویشان را برگردان . خودشان نزد صاحبشان خواهند رفت» و یا جمله ای شبیه این .

اَسود برخاست و مشتی ریگ برداشت و به صورت گوسفندها پرتاب کرد و گفت : نزد صاحبان باز گردید ؛ چون به خدا سوگند که دیگر با شما نخواهم آمد .

گوسفندها همگی با هم برگشتند ، چنان که گویی کسی آنها را می راند ، و وارد قلعه شدند .

اَسود سپس به سوی آن قلعه پیش رفت تا همراه مسلمانان بجنگد ، که سنگی به او اصابت کرد و کشته شد . او حتی یک نماز هم نخواند . پیکرش را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آوردند و پشت سر ایشان نهادند و او را در همان ردایی که بر تن داشت ، پیچیدند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که با گروهی از یارانش بود ، به او نگاه کرد ؛ اما صورتش را از او برگرداند . یاران گفتند : ای پیامبر خدا ! چرا از او روی گردانید ؟

فرمود : «اینک ، دو همسر حور العینش با او بودند» . ۵۸۹. الإمام علیّ علیه السلام : مسند ابن حنبل : ابو هریره ، [این جا و آن جا ، به مردم] می گفت : به من بگویید آن ، کدام مرد است که هرگز نمازی نخواند؛ امّا به بهشت رفت . اگر مردم ، آن مرد را نمی شناختند ، می گفتند : او کیست؟ و ابو هریره می گفت : بینوای بنی عبد الأشهل ، عمرو بن ثابت بن وقش .

حُصین گفت : به محمود بن لُبید گفتم : داستان آن بینوا چه بوده است؟

گفت : او بر خلاف قومش از پذیرفتن اسلام ، خودداری می کرد . چون جنگ اُحُد شد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به اُحُد رفت ، علاقه به اسلام در دلش افتاد و مسلمان شد و شمشیرش را برداشت و رفت تا به مسلمانان رسید و به میان جمعیت

رفت و جنگید تا آن که بر اثر جراحات از پا افتاد .

زمانی که مردان بنی عبد الأشهل در میدان جنگ به دنبال کشتگان خود می گشتند ، ناگهان به او برخوردند . گفتند : به خدا سوگند که این ، همان بینواست . او که با ما نیامده بود!؛ اصلاً به این سخن (قرآن و اسلام) ، اعتقاد نداشت!؟ پس علت آمدنش را از خود او پرسیدند و گفتند : چه باعث شد که به این جا بیایی ، ای عمرو؟ دلسوزی برای قومت ، یا گرایش به اسلام؟

گفت : گرایش به اسلام . من به خدا و پیامبر او ایمان آوردم و مسلمان شدم . سپس شمشیرم را برداشتم و با پیامبر خدا آمدم و جنگیدم تا به این روز افتادم .

او لحظاتی بعد ، در دستان آنها جان داد . ماجرا را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند . فرمود : «او اهل بهشت است» .

٥٩٠. الدرّ المشثور عن أبي رافع: مسند ابن حنبل عن جرير بن عبد الله: خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَلَمَّا بَرَزْنَا مِنَ الْمَيْدَانِ إِذَا رَاكِبٌ يُوضِعُ (١) نَحُونَا . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَأَنَّ هَذَا الرَّاِكِبَ إِتَاكُمْ يُرِيدُ ، قَالَ : فَانْتَهَى الرَّجُلُ إِلَيْنَا ، فَسَلَّمْنَا فَرَدَدْنَا عَلَيْهِ . فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ ؟ قَالَ : مِنْ أَهْلِي وَوُلْدِي وَعَشِيرَتِي ، قَالَ : فَأَيْنَ تُرِيدُ ؟ قَالَ : أُرِيدُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . قَالَ : فَقَدْ

أَصَيْبَتْهُ ، قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، عَلَّمَنِي مَا الْإِيمَانُ ؟ قَالَ : تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ ، وَتَأْتِي الزَّكَاةَ ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ ، وَتَحُجُّ الْبَيْتَ . قَالَ : قَدْ أَقْرَرْتُ .

قَالَ : ثُمَّ إِنَّ بَعِيرَهُ دَخَلَتْ يَدُهُ فِي شَبَكِهِ جِرْدَانٍ ، فَهَوَى بَعِيرُهُ وَهَوَى الرَّجُلُ فَوَقَعَ عَلَى هَامَتِهِ فَمَاتَ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلَيَّ بِالرَّجُلِ ، قَالَ : فَوَثَبَ إِلَيْهِ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَخِذِيْفَةُ فَأَقْعَدَاهُ ، فَقَالَا : يَا رَسُولَ اللَّهِ قَبِضْ الرَّجُلَ ، قَالَ : فَأَعْرَضَ عَنْهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، ثُمَّ قَالَ لَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ : أَمَا رَأَيْتُمَا إِعْرَاضِي عَنِ الرَّجُلَيْنِ ؟ فَإِنِّي رَأَيْتُ مَلَكَيْنِ يَدُسَّانِ فِي فِيهِ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ ، فَعَلِمْتُ أَنَّهُ مَاتَ جَائِعًا .

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هَذَا وَاللَّهِ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (٢) .

قَالَ : ثُمَّ قَالَ : دُونَكُمْ أَخَاكُمْ ، قَالَ : فَاحْتَمَلْنَاهُ إِلَى الْمَاءِ فَعَسَلْنَاهُ وَحَنَطْنَاهُ وَكَفَّنَاهُ وَحَمَلْنَاهُ إِلَى الْقَبْرِ ، قَالَ : فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى جَلَسَ عَلَى شَفِيرِ الْقَبْرِ . قَالَ : فَقَالَ : إِحْدُوا وَلَا تَشُقُّوا ، فَإِنَّ اللَّحْدَ لَنَا وَالشَّقَّ لِعَيْرِنَا . (٣) .

١- يَضَعُ الْبَعِيرَ : إِذَا حَمَلَهُ عَلَى سُرْعَةِ السَّيْرِ (النَّهْيَةُ : ج ٥ ص ١٩٦ «وَضَعُ»).

٢- الْأَنْعَامُ : ٨٢ .

٣- مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ٥٩ ح ١٩١٩٧ ، حليه الأولياء : ج ٤ ص ٢٠٣ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٤٩ ح ٥٤٣٠ .

۵۹۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: مسند ابن حنبل به نقل از جریر بن عبد الله: با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ره سپار شدیم و چون از مدینه بیرون رفتیم، سواری را دیدیم که به سوی ما می تازد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «گویا این سوار با شما کار دارد». آن مرد سوار، به ما رسید و سلام کرد. جواب سلامش را دادیم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «از کجا می آیی؟».

گفت: از نزد زن و فرزند و عشیره ام. فرمود: «کجا می روی؟». گفت: نزد پیامبر خدا. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «درست آمده ای».

مرد گفت: ای پیامبر خدا! به من بیاموز که ایمان چیست؟ فرمود: «گواهی می دهی که خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد، فرستاده خداست و نماز می خوانی و زکات می دهی و رمضان را روزه می گیری و حج می گذاری».

مرد گفت: اقرار کردم.

لختی بعد، دست اشترش در سوراخ موش صحرائی رفت و به سر به زمین افتاد و او نیز با سر به زمین خورد و مُرد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «او را نزد من بیاورید».

عمار بن یاسر و حذیفه دویدند و او را بلند کردند. گفتند: ای پیامبر خدا! مرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روی خود را از آن دو برگرداند و سپس به آن دو فرمود: «ندیدید که من از آن دو مرد، روی گرداندم؟ این، به خاطر آن بود که دیدم دو فرشته، از میوه های بهشت در دهانش می گذارند. پس دانستم که او با شکم گرسنه مرده است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس فرمود: «به خدا سوگند، او از کسانی است که خدای عز و جلفرموده است: «کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه یافتگان اند»».

آن گاه فرمود: «برادرتان را جمع کنید».

ما جنازه او را نزدیک آب بردیم و غسلش دادیم و او را حنوط و کفن کردیم و به سوی قبر بردیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و کنار قبر نشست و فرمود: «لحد بکنید و شکاف نزنید؛ زیرا لحد، مال ماست و شکاف، مال غیر ما» (۱).

۱- شکاف (شق)، شیاری است که در زیر دیواره جانب قبر، کنده می شود و میت در آن جا گذاشته می شود و لحد حفره ای است نهرمانند که در وسط قبر کنده می شود با دو سکومانند در دو جانب قبر که پس از گذاشتن میت در داخل آن، سنگ و امثال آن، بر روی سگوها گذاشته می شود.

١٧ / ١١٤ أَكْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْنِّسَاءُ ٥٩٥. أنساب الأشراف عن ابن عتيّاس: الإمام الصادق عليه السلام: أَكْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ النِّسَاءُ ، عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ضَعْفَهُنَّ فَرَحِمَهُنَّ . (١).

١- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ٤٦٨ ح ٤٦٢٨ عن عمّار الساباطي ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٥٠٣ ح ١٧٣٧ ، وسائل الشيعة : ج ١٤ ص ١١٩ ح ٢٥٣٢٦ .

۱۷ / ۱۴ بیشتر اهل بهشت

الف زنان

۱۷ / ۱۴ بیشتر اهل بهشتالف زنان ۵۹۹. تذکره الخواصّ عن أبي ذرّ الغفاری: امام صادق علیه السلام: بیشتر اهل بهشت از مستضعفان (در دنیا)، زنان هستند. خداوند عز و جل می دانست که آنها ناتوان اند و برایشان رحم آورد.

ب الفقراء ١٠٦٠. الإمام الباقر عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِطْلَعْتُ فِي الْجَنَّةِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْفُقَرَاءَ . (١) ٦٠٢. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَوَجَدْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا وَسُكَّانِهَا الْمَسَاكِينَ . (٢) ٦٠٣. الإمام الصادق عليه السلام (في قوله تعالى: { Q } «إِنَّمَا وَئِيكُمُ الْإِسْلَامُ») عيسى عليه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ ، إِنَّ أَكْنَافَ السَّمَاءِ لَخَالِيَةٌ مِنَ الْأَغْنِيَاءِ ، وَلَدُخُولُ جَمَلٍ فِي سَمِّ (٣) الْخِيَاطِ أَيْسَرُ مِنْ دُخُولِ غَنِيٍّ فِي الْجَنَّةِ . (٤) ج الْمُتَغَابِلُونَ عَنِ الشَّرِّ ٦٠٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَمَاذَا أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْبُلَّةُ . (٥) ٦٠٦. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْبُلَّةُ ، وَأَهْلُ عَلِيٍّ ذُوو الْأَبَابِ . (٦) ٦٠٧. عنه صلى الله عليه وآله: معاني الأخبار عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْبُلَّةَ ، قَالَ : قُلْتُ : مَا الْبُلَّةُ ؟ فَقَالَ : الْعَامِلُ (٧) فِي الْخَيْرِ ، الْغَافِلُ عَنِ الشَّرِّ ، الَّذِي يَصُومُ فِي كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ . (٨) .

- ١- صحيح البخارى : ج ٣ ص ١١٨٤ ح ٣٠٦٩ عن عمران بن حصين ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٩٦ ح ٩٤ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٧١٥ ح ٢٦٠٢ كلاهما عن ابن عباس ، مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٥٨٢ ح ٦٦٢٢ عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج ٦ ص ٤٦٩ ح ١٦٥٨٤ ؛ عدّه الداعى : ص ١١٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٥٥ ح ٨٥ .
- ٢- مسند الشاميين : ج ٣ ص ٣١٩ ح ٢٣٩٧ ، مسند إسحاق بن راهويه : ج ١ ص ٤٢٦ ح ٤٩٠ كلاهما عن أبي هريره ، السنن الكبرى للنسائي : ج ٥ ص ٣٩٩ ح ٩٢٦٢ عن ابن عباس ، صحيح ابن حبان : ج ١٦ ص ٤٩٤ ح ٧٤٥٦ عن أسامه بن زيد وكلاهما نحوه .
- ٣- السَّمُّ وَالسُّمُّ : كُلُّ ثَقْبٍ ضَيَّقَ كَخَرَقِ الْأَبْرَةِ وَثَقْبُ الْأُذُنِ وَالْأَنْفِ (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٤٣٤ «سمم») .
- ٤- عدّه الداعى : ص ١١٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٥٥ ح ٨٥ ؛ الدر المنثور : ج ٢ ص ٢٠٣ نقلاً عن ابن حنبل عن وهب بن متبه .
- ٥- تاريخ دمشق : ج ٤٣ ص ٥٣٣ ح ٩٣٩٢ عن جابر بن عبد الله ، تهذيب الكمال : ج ٢٦ ص ١١٨ عن عمر بن عبد العزيز نحوه ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٤٧٣ ح ٣٩٣١٣ ، حقائق التأويل : ص ٢٤٧ ، العمده : ص ١٥٩ ، عوالى اللآلى : ج ١ ص ٧١ ح ١٣١ كلاهما نحوه .
- ٦- تاريخ يعقوبى : ج ٢ ص ١٠٢ .
- ٧- فى بعض النسخ : العاقل فى الخير (هامش المصدر) .
- ٨- معاني الأخبار : ص ٢٠٣ ح ١ ، قرب الإسناد : ص ٧٥ ح ٢٤٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٩ ح ٣ .

ب تهی دستان**ج ساده دلان**

ب تهی دستان ۶۰۹. الأمالی للطوسی عن جابر بن عبد الله الأنصاری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بهشت، نگاهی افکندم و دیدم بیشتر جمعیت آن، تهی دستان اند. ۶۱۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بهشت، وارد شدم و بیشتر جمعیت و ساکنان آن را مستمندان یافتم. ۶۱۱. الخصال عن عامر بن واثله عن الإمام علی علیه السلاعیسی علیه السلام: به حق به شما می گویم: کرانه های آسمان از ثروتمندان، تهی است. وارد شدن طناب در سوراخ سوزن، آسان تر از وارد شدن یک ثروتمند به بهشت است. ج ساده دلان ۶۱۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بهشت، وارد شدم و دیدم بیشتر اهل آن، ساده دلان اند. ۶۱۴. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیشتر اهل بهشت را ساده دلان تشکیل می دهند، و اهل بهشت های برین، خردمندان اند. ۶۱۵. عنه صلی الله علیه و آله: معانی الأخبار به نقل از مسعده بن صدقه، از امام صادق، از پدرانش علیهم السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به بهشت، وارد شدم و بیشتر اهل آن را ساده دل دیدم».

گفتم: ساده دل کیست؟

فرمود: «کسی که در خوبی، خردمند است و از بدی، بی خبر. کسی که در هر ماه، سه روز را روزه می گیرد».

ص: ٧١

..

پژوهشی در باره حدیث «عَشْرَه مُبَشَّرَه»

اشاره

پژوهشی در باره حدیث «عَشْرَه مُبَشَّرَه» (۱) بر پایه احادیث این فصل که در منابع معتبر شیعه و اهل سنت آمده اند، پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار، به شماری از پیروان خود، مژده بهشت داده اند. در ارزیابی اجمالی این احادیث می توان گفت که شماری از آنها از خاندان رسالت، صادر شده اند؛ اما برای اظهار نظر قطعی در مورد هر یک از آنها و به طور کلی، احادیثی که بهشتی بودن فرد یا افرادی را پیشگویی کرده اند، دو نکته باید مورد توجه قرار گیرد: نکته اول: ارزیابی سند و صحّت سندی احادیث، به تنهایی، آنها را از نظر صدور از معصوم، قطعی نمی کند. خبر واحد صحیح السند، تنها در صورتی می تواند مورد اعتماد قرار گیرد که شواهد و قرائنی دال بر مخالفت محتوای آن با ضروریات و بدیهیات، در کار نباشد. به عبارت دیگر، صحّت اسناد حدیث، عامل انحصاری ارزیابی حدیث در همه ابعاد نیست؛ بلکه ارزیابی حدیث باید به گونه ای جامع انجام پذیرد تا نوعی وثوق به صدور آن، فراهم آید. نکته دوم: ارزیابی عملکرد افرادی که بهشتی بودن آنان، روایت شده، خود، معیاری است که بیش از ارزیابی سند روایت، می تواند ما را بر صحّت آن روایت و سرنوشت نیکوی آن افراد، راه نمایی نماید، بدین معنا که اگر عملکرد کسی که بهشتی معرفی شده، هماهنگ با کتاب خدا و سنت بود، قرینه روشنی بر صحّت گزارش و سرنوشت نیکوی اوست؛ اما اگر عملکرد وی بویژه در بخش پایانی عمر، بر خلاف کتاب خدا و سنت بود، گواه قاطع و روشنی بر نادرست بودن گزارشی است که او را بهشتی توصیف کرده است. با توجه به این دو نکته، در این جا ارزیابی فشرده ای از حدیثی که در شماری از منابع اهل سنت در باره پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله از بهشتی بودن ده نفر آمده و به حدیث «عَشْرَه مُبَشَّرَه» معروف گردیده، ارائه می کنیم. گفتنی است که حدیث یاد شده، تنها از دو تن از همین ده نفر، نقل شده است: یکی عبد الرحمان بن عوف و دیگری سعید بن زید.

۱- گفتنی است که این پژوهش با همکاری فاضل ارجمند جناب آقای محمد کاظم رحمان ستایش تهیه گردید.

متن حدیث به روایت عبد الرحمان بن عوف

متن حدیث به روایت عبد الرحمان بن عوفاحمد بن حنبل در مسند خود ، از قتیبه بن سعید ، از عبد العزیز بن محمّد در آوردی ، از عبد الرحمان بن حمید ، از پدرش ، از عبد الرحمان بن عوف صحابی ، گزارش کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : ابو بکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر و عبد الرحمان بن عوف و سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید و ابو عبیده جراح ، در بهشت اند . (۱)

۱- .مسند ابن حنبل : ج ۱ ص ۴۱۰ ح ۱۶۷۵ .

متن حدیث به روایت سعید بن زید**نکاتی در نقد حدیث «عشره مبشره»****۱. نقل نشدن آن به وسیله بخاری و مسلم**

متن حدیث به روایت سعید بن زید ابو داوود ، از حفص بن عمر نمری ، از شعبه ، از حُرِّ بن صیاح ، از عبد الرحمان بن أَحَسَّس ، نقل کرد که : سعید بن زید صحابی ، گفت : از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که ده نفر ، در بهشت اند : پیامبر صلی الله علیه و آله ، ابو بکر ، عمر ، عثمان ، علی ، طلحه ، زبیر بن عَوَّام ، سعد بن مالک و عبد الرحمان بن عوف . و اگر می خواستم ، دهم را نام می بردم . از وی پرسیدند : چه کسی است؟ ساکت شد و چون دوباره پرسیدند ، گفت : سعید بن زید . (۱)

نکاتی در نقد حدیث «عشره مبشره» در نقد و ارزیابی این حدیث ، به نکاتی می رسیم که نشان می دهند این حدیث حتی بر پایه معیارهای حدیث شناسی اهل سنت ، فاقد اعتبار است . این نکات ، عبارت اند از :

۱ . نقل نشدن آن به وسیله بخاری و مسلم نخستین نکته قابل تأمل در مورد حدیث «عشره مبشره» ، این است که این حدیث در مهم ترین کتب حدیثی اهل سنت ، یعنی : صحیح البخاری و صحیح مسلم ، نقل نشده است . با توجه به اهمیت این حدیث و موضوع آن ، اگر این حدیث از اعتبار لازم برخوردار بود ، قطعاً مورد توجه بخاری و مسلم قرار می گرفت و در کتاب هایشان نقل می شد . این موضوع ، نشان می دهد که آنان اعتمادی به این گزارش نداشته اند .

۱- .سنن أبی داوود : ج ۴ ص ۲۱۲ ح ۴۶۴۹ .

۲. اشکال سندی در روایت عبد الرحمان بن عوف

۲. اشکال سندی در روایت عبد الرحمان بن عوف علاوه بر مسند ابن حنبل ، منابع دیگری از اهل سنت ، مانند : سنن الترمذی ، (۱) مسند أبی یعلی ، (۲) صحیح ابن حبان ، (۳) السنن الکبری (۴) و الآحاد و المثنی (۵) به اسناد خود ، حدیث یاد شده را از عبد الرحمان بن عوف ، نقل کرده اند ؛ ولی هیچ یک از سندها صحیح نیست . (۶) افزون بر این ، در این اسانید ، حدیث یاد شده ، از حمید فرزند عبد الرحمان بن عوف ، نقل شده که ولادتش سال ۳۲ هجری بوده ، (۷) در صورتی که وفات پدرش در یکی از سال های ۳۱ ، ۳۲ و ۳۳ گزارش شده است . (۸) بنا بر این ، او پدرش را یا درک نکرده و یا در سنّ یک سالگی درک کرده است و بدیهی است که در این سن ، امکان دریافت حدیث وجود ندارد ، چنان که روایت کودکی با این سن ، به اتفاق همه علما ، قابل قبول نیست . (۹)

- ۱- سنن الترمذی : ج ۵ ص ۶۴۷ ح ۳۷۴۷ .
- ۲- مسند أبی یعلی : ج ۲ ص ۳۸۲ ح ۸۳۱ .
- ۳- صحیح ابن حبان : ج ۱۵ ص ۴۶۳ ح ۷۰۰۲ .
- ۴- السنن الکبری : ج ۵ ص ۵۶ ح ۸۱۹۴ .
- ۵- الآحاد و المثنی : ج ۱ ص ۱۸۲ ح ۲۳۲ .
- ۶- در سند روایت ، نام او ، «عبد العزیز بن محمّد بن عبید الدراوردی» آمده است . در کتب رجالی اهل سنت ، در باره او چنین آمده است : «عبد العزیز بن محمّد بن عبید الدراوردی أبو محمّد المدنی ، کان ثقه کثیر الحدیث یغلط» (الطبقات الکبری : ج ۵ ص ۴۲۴ ، تهذیب الکمال : ج ۱۸ ص ۱۸۷ الرقم ۳۴۷۰) . ابن حجر گفته است : «صدوق ، کان یحدّث من کتب غیره فیخطی» (تقریب التهذیب : ص ۶۱۵) . نسایی گفته است : «لیس بقوی و قال أبو زرعه : سیئ الحفظ» (تهذیب التهذیب : ج ۳ ص ۴۴۸ الرقم ۴۸۲۵) . ابو حاتم نیز گفته است : «لا یحتجّ به» (میزان الاعتدال : ج ۲ ص ۶۳۴ الرقم ۵۱۲۵) .
- ۷- ر . ک : الغدیر : ج ۱۰ ص ۱۲۲ .
- ۸- الاستیعاب : ج ۲ ص ۳۹۰ الرقم ۱۴۵۵ ، تهذیب الکمال : ج ۱۷ ص ۳۲۸ الرقم ۳۹۲۳ .
- ۹- ر . ک : تدریب الراوی : ص ۲۶۵ .

۳. اشکالِ سندی در روایت سعید بن زید

۳. اشکالِ سندی در روایت سعید بن زید حدیث «عشره مبشره»، از دو راوی، نقل شده که یکی از آن دو، سعید بن زید است که خودش را در شمارِ ده بهشتی بشارت داده شده به بهشت، آورده است. این روایت به طرق مختلف زیر، از سعید بن زید، نقل شده است: طریق اول: از عبد الرحمان بن اَحنس (۱). (۲) طریق دوم: از ریاح بن حارث (۳). (۴) طریق سوم: از زیاد بن علاقه (۵). (۶) طریق چهارم: از عبد الرحمان بن حمید (۷). (۸) طریق پنجم: از عبد الله بن ظالم (۹). (۱۰) طریق ششم: از ابو الطفیل (۱۱). (۱۲) چنین سندی با ویژگی های ذکر شده، حدیث را از حدّ واحد بودن و تردید در صدور آن، خارج نمی کند.

- ۱- سنن أبی داوود: ج ۴ ص ۲۱۲ ح ۴۶۴۹.
- ۲- او خود در کتب جرح و تعدیل، مستور شمرده شده و راوی از او یعنی محمّد بن طلحه هم توسط ابن معین و دیگران، تضعیف شده است (ر. ک: فتح المغیث: ص ۱۳۵ ۱۴۵، تهذیب التهذیب: ج ۵ ص ۱۴۴).
- ۳- مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۳۹۷ ح ۱۶۲۹.
- ۴- این روایت، از متفرداتی است که نوه او از وی نقل کرده است و مضمون آن به صورت مضطرب، نقل شده است.
- ۵- المعجم الأوسط: ج ۴ ص ۳۳۹ ح ۴۳۷۴.
- ۶- طریق این روایت، واحد است و زیاد بن علاقه هم منحرف از اهل بیت علیهم السلام بوده است (ر. ک: تهذیب التهذیب: ج ۲ ص ۲۲۷ الرقم ۲۴۴۶). همچنین حسن بن صالح، ذم های بسیار دارد (ر. ک: تهذیب التهذیب: ج ۱ ص ۵۵۴ ۵۵۶).
- ۷- سنن الترمذی: ج ۵ ص ۶۴۷ ح ۳۷۴۷.
- ۸- وی به تصریح نسایی ضعیف شمرده شده است (ر. ک: الضعفاء و المتروکون: ص ۲۳۶).
- ۹- سنن أبی داوود: ج ۴ ص ۲۱۱ ح ۴۶۴۸.
- ۱۰- «روی عن البخاری و صرح النسائی و الدارقطنی بعدم صحّحه الطریق» (الضعفاء الکبیر: ج ۲ ص ۲۶۷. نیز، ر. ک: فضائل الصحابه، نسایی: ص ۲۸، العلل، دارقطنی: ج ۴ ص ۴۰۹).
- ۱۱- المعجم الأوسط: ج ۲ ص ۲۸۹ ح ۲۰۰۹.
- ۱۲- «هذا الطریق من منفردات رواته» (المعجم الأوسط: ج ۲ ص ۲۸۹ ۲۹۰) و «محمّد بن بکیر الحضرمی صاحب الغرائب» (تهذیب التهذیب: ج ۵ ص ۵۰ الرقم ۶۷۹۴).

۴. نقل نشدن آن به وسیله سایر افرادی که بهشتی نامیده شده اند

۵. عدم قبول شهادت متهم

۶. اضطراب در متن حدیث

۴. نقل نشدن آن به وسیله سایر افرادی که بهشتی نامیده شده اند نکته دیگری که موجب تضعیف حدیث «عشره مبشره» می شود، این است که بجز عبد الرحمان بن عوف و سعید بن زید، سایر افرادی که در این حدیث، بهشتی معرفی شده اند، آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نکرده اند. همچنین این سؤال، مطرح است که: چرا پیش از این که سعید بن زید، این حدیث را در زمان عثمان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کند، هیچ یک از آن نه نفر، به نفع خود به آن استناد نکرده است؟ و چرا در جنگ جمل، زبیر در احتجاج با امام علی علیه السلام آن را از سعید بن زید نقل کرده (۱)، نه از پیامبر؟

۵. عدم قبول شهادت متهمبا عنایت به این که سند حدیث «عشره مبشره»، به عبد الرحمان بن عوف و سعید بن زید می رسد و این دو، خود، در شمار بشارت داده شدگان به بهشت در این حدیث اند، شهادت آنها بر خوبی خود هر چند در کنار دیگران به اتفاق علما، قابل قبول نیست. (۲)

۶. اضطراب در متن حدیثافزون بر ضعف اسناد حدیث «عشره مبشره»، اضطراب شدید متن آن، قرینه ای دیگر بر عدم صدور حدیث یاد شده است؛ زیرا در برخی از گزارش ها نام پیامبر صلی الله علیه و آله در شمار بهشتیان آمده (۳) و در برخی دیگر نیامده است. (۴) همچنین در برخی گزارش ها به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله، نام ده نفر، ذکر شده (۵) و در برخی، نام افراد به وسیله سعید بن زید و پس از طرح کلی موضوع، ذکر شده است. (۶) نیز در برخی از گزارش ها نام ابو عبیده جراح آمده (۷) و در برخی نیامده است؛ (۸) بلکه در برخی گزارش ها، تنها نام شش نفر ذکر شده است. ۹

۱- ر. ک: الإفصاح: ص ۷۱، تلخیص الشافی: ج ۳ ص ۲۴۱.

۲- ر. ک: تدریب الراوی: ص ۲۶۵. گفتنی است که علما، تمام شرایط شاهد را برای راوی هم معتبر شمرده اند و متهم بودن راوی به تعریف از خودش، یکی از موانع پذیرش روایت، دانسته شده است. اجماع فقها در این موضوع، ثابت است (ر. ک: الفقه الاسلامی و أدلته: ج ۸ ص ۶۰۴۱).

۳- سنن أبی داوود: ج ۴ ص ۲۱۲ ح ۴۶۴۹.

۴- سنن الترمذی: ج ۵ ص ۶۴۷ ح ۳۷۴۷، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۴۱۰ ح ۱۶۷۵.

۵- مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۳۹۸ ح ۱۶۳۱.

- ٦- .المعجم الأوسط : ج ١ ص ٢٦٧ ح ٨٦٩ و ج ٢ ص ٢٨٩ ح ٢٠٠٩ .
- ٧- .سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٢١٢ ح ٤٦٦٩ .
- ٨- .الآحاد و المثنى : ج ١ ص ١٨٢ ح ٢٣٢ ، جزء ابن عاصم : ص ٨٠ .

۷. تعارض با برخی از احادیث مورد قبول اهل سنت

۷. تعارض با برخی از احادیث مورد قبول اهل سنت بر پایه دیدگاه اهل سنت، حدیث «عشره مبشره» با احادیث دیگری که مورد قبول آنهاست، معارض است، مانند: آنچه صحیح البخاری و دیگر کتب سته و غیر آنها از سعد بن ابی وقاص که خود، یکی از ده بهشتی بشارت داده شده به بهشت است نقل می کنند که وی می گوید: نشنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله برای کسی که روی زمین راه می رود، بگوید از اهل بهشت است، مگر برای عبد الله بن سلام. (۱) به همین جهت، بزرگان اهل سنت، در صدد توجیه این تعارض بر آمده اند. (۲)

-
- ۱- صحیح البخاری: ج ۳ ص ۱۳۸۷ ح ۳۶۰۱، صحیح مسلم: ج ۴ ص ۱۹۳۰ ح ۱۴۷، فضائل الصحابه، نسایی: ص ۴۵ ح ۱۴۸، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۴۵۳، السنن الکبری: ج ۵ ص ۷۰ ح ۸۲۵۲.
 - ۲- از جمله: «إِنَّ سَعْدًا كَرِهَ تَرْكِيهَ نَفْسِهِ لِأَنَّهُ أَحَدُ الْعَشْرَةِ» (فتح الباری: ج ۷ ص ۱۲۹)، «إِنَّ نَفِيَّ سَمَاعَهُ ذَلِكَ، لَا يَدُلُّ عَلَى نَفِيِّ الْبَشَارَةِ لَغَيْرِهِ» (شرح صحیح مسلم، نووی: ج ۶ ص ۱۶۴)، «أَيُّ الْبَشَارَةِ وَقَعَتْ حِينَمَا كَانَ يَمْشِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ بِخِلَافِ بَشَارَاتِ غَيْرِهِ» (مرقاہ المفاتیح: ج ۵ ص ۶۲۲) و «إِنَّ سَعْدًا قَالَ ذَلِكَ بَعْدَ مَوْتِ الْمُبَشِّرِينَ وَ لَمْ يَتَأَخَّرْ إِلَّا سَعْدًا وَ سَعِيدًا» (فتح الباری: ج ۷ ص ۱۳۰).

۸. برخی شواهد تاریخی بر نادرستی حدیث

۹. توجه به عملکرد افراد بشارت داده شده

۸. برخی شواهد تاریخی بر نادرستی حدیثی از نکات بسیار مهم در ارزیابی حدیث «عشره مبشره»، این است که بسیار بعید است که سعید بن زید در دوران حیات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، این حدیث را از ایشان شنیده، ولی آن را در دوران خلیفه اول و دوم و سوم، بازگو نکرده باشد. شاهد این مطلب، آن است که خلیفه اول در جریان سقیفه به آن استناد نکرد، در صورتی که به اموری کم اهمیت تر از این موضوع، استناد نمود. همچنین اگر این حدیث، صحت داشت و در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده بود، هنگامی که عثمان در محاصره قرار گرفت، به آن استناد می کرد و بسیاری از بزرگان مهاجر و انصار، از جمله طلحه و زبیر که طبق این حدیث، خود، جزو ده بهشتی بشارت داده شده به بهشت اند اقدام به محاصره و قتل او نمی کردند، و یا برای پیشگیری از قتل وی، به آن استناد می شد، در حالی که در هیچ یک از مصادر تاریخی، به چنین مواردی اشاره نشده است.

۹. توجه به عملکرد افراد بشارت داده شده همان طور که در آغاز این گفتار گفتیم، ارزیابی عملکرد افرادی که بهشتی بودن آنها گزارش شده، روشن ترین قرینه صحت یا بطلان گزارش است. بر این اساس، با توجه به عملکرد شماری از کسانی که در این حدیث، بهشتی معرفی شده اند، قطعاً نمی توان صحت آن را تأیید کرد.

۱۰. تکذیب حدیث به وسیله امام علی علیه السلام

۱۰. تکذیب حدیث به وسیله امام علی علیه السلام یاد شده، هنگامی که در کنار گزارش امام علی علیه السلام در جریان جنگ جمل که به شدت، حدیث «عشره مبشره» را تکذیب فرمود قرار می گیرد، هر پژوهشگر منطقی ای را به یقین می رساند که حدیث «عشره مبشره» نادرست است. متن گزارش، چنین است که سُلَیْم بن قیس می گوید: هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام در جنگ جمل با اهل بصره برخورد کرد، زبیر را صدا زد که: «به سوی من بیا». زبیر به همراه طلحه بیرون آمد. علی علیه السلام به آنها فرمود: «شما دو تن و همه صاحبان دانش از خاندان محمد، و عایشه دختر ابو بکر، می دانید که همه اهل جمل، بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله نفرین شده اند و ناکام، کسی است که دروغ باند». آن دو گفتند: چگونه نفرین شده ایم، در حالی که ما بدری و بهشتی هستیم؟! علی علیه السلام فرمود: «اگر یقین داشتیم که شما بهشتی هستید، هرگز جنگیدن با شما را روا نمی دانستم». زبیر گفت: آیا خبر سعید بن عمرو را نشنیده ای که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده که می فرمود: «ده نفر از قریش، در بهشت اند»؟ علی علیه السلام فرمود: «این را شنیدم که عثمان در زمان خلافتش حدیث می کرد». زبیر گفت: آیا آن را دروغ بستن بر پیامبر صلی الله علیه و آله می دانی؟ علی علیه السلام فرمود: «تو را از چیزی خبردار نمی کنم، مگر آن که نام آنها را ببری». زبیر گفت: ابو بکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، عبد الرحمان بن عوف، سعد بن ابی وقاص، ابو عیبده بن جراح و سعید بن عمرو بن نفیل. علی علیه السلام فرمود: «نه نفر شمردی. پس دهمی کیست؟». گفت: تو. علی علیه السلام فرمود: «اقرار کردی که من از اهل بهشتم؛ ولی آنچه را در باره خود و یارانت ادعا کردی، من نمی پذیرم و منکر آن هستم». زبیر گفت: آیا آن را دروغ بستن بر پیامبر صلی الله علیه و آله می پنداری؟ فرمود: «دروغ نمی پندارم؛ بلکه سوگند به خدا، یقین دارم» و سپس فرمود: «سوگند به خدا، برخی از افرادی را که نام بردی، در تابوتی در قسمتی از یک گودال در پایین ترین جای جهنم هستند. بر این گودال، سنگی است که وقتی خدا می خواهد آتش جهنم را فروزان کند، این سنگ را بر می دارد. من، این را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم. [اگر نمی پذیری،] خدا تو را بر من پیروز کند و خونم را به دست تو بریزد، و گرنه خدا مرا بر تو و یارانت پیروز کند و خون شما را به دست من بریزد و روح شما را زودتر به آتش برساند!». آن گاه زبیر باز گشت، در حالی که اشک می ریخت. (۱)

۱- الاحتجاج: ج ۱ ص ۳۷۶ ح ۷۰، بحار الأنوار: ج ۳۲ ص ۲۱۶ ذیل ح ۱۷۱.

حدیث «عشره مبشره» از نگاه علامه امینی

حدیث «عشره مبشره» از نگاه علامه امینی علامه عبدالحسین امینی رحمه الله در بخشی از نقد خود بر حدیث «عشره مبشره»، در باره سند این حدیث و انگیزه سعید بن زید از جعل آن، می نویسد: اقا سند روایت، همان طور که می بینی، به عبد الرحمان بن عوف و سعید بن زید، منتهی می شود و غیر از این دو، کسی آن را روایت نکرده است و طریق عبد الرحمان، منحصر است به عبد الرحمان بن حمید بن عبد الرحمان زُهری، از پدرش [حمید بن عبد الرحمان بن عوف] که گاهی از عبد الرحمان بن عوف نقل می کند و گاهی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و این سند با توجه به تاریخ درگذشت حمید بن عبد الرحمان [بن عوف]، باطل و نادرست است. او صحابی نبوده؛ بلکه تابعی بوده است و عبد الرحمان بن عوف را درک نکرده است؛ زیرا او در سال ۱۰۵ در هفتاد و سه سالگی از دنیا رفته است. پس او متولد سال ۳۲ است که مصادف با درگذشت [پدرش] عبد الرحمان، یا سال بعد از آن است و به همین جهت، ابن حجر، روایت

حمید از عمر و عثمان را با قاطعیت ، منقطع می داند و عثمان ، بعد از عبد الرحمان بن عوف از دنیا رفته است . پس این اسناد ، صحیح نیست . بنا بر این ، تنها ، طریق سعید بن زید می ماند که خودش جزئی از آن ده نفر است و چنان که از آغاز حدیث پیدا است ، این حدیث را در زمان معاویه در کوفه نقل کرده است و تا آن زمان که دورانی آشفته بوده است ، این حدیث از او شنیده و روایت نشده بود . پس [این سؤال ، مطرح می شود که :] رمز تأخیر این صحابی در روایت این حدیث تا عصر معاویه و یاد نکردنش از آن در سال های متمادی دوران خلفای راشد ، چیست؟ این ، در حالی است که او و دیگر صحابه ، بیشتر [از هر کس دیگری] ، به مانند این روایت برای تثبیت موقعیت خود و پاسداشت خون ها و حفظ حقوق در آن ایامی که با پراکندگی و اختلاف ، سیاه شده بود ، نیاز داشتند . پس گویا این روایت فقط به سعید بن زید ، زمانی که معاویه به سلطنت [بر عالم اسلام] نشست ، الهام شد! من حدس قوی دارم که سعید بن زید ، بعد از آن که نتوانست دشنام های کینه توزان را به امیر مؤمنان علی علیه السلام تحمیل کند و در برابر آنها ایستادگی کرد و در برابر کسانی که معاویه در کوفه گماشته بود ، موضع گرفت و از بیعت یزید ، زمانی که پدرش او را به ولایت عهدی گمارد ، سرپیچی کرد ، بر جان خود از تصمیمات ناگوار معاویه ترسید [که متهم به طرفداری از علی علیه السلام گردد] . از این رو ، این روایت را ساخت تا سپری باشد در برابر اتهام دوستی با علی علیه السلام . در آن زمان ، به کسی که به طرفداری از علی علیه السلام متهم می شد ، به گونه های مختلف آزار می رساندند ، به زندانش می انداختند ، شکنجه اش می کردند و او را به قتل می رساندند . بنا بر این ، وی با ارمغان دادن بهشت به مخالفان علی علیه السلام و بیعت شکنندگان با ایشان و قیام کنندگان بر ضد ایشان ، خلیفه وقت را خشنود کرد . او [در این حدیث] ، سران را در یک ردیف قرار داد و هیچ کس را در زمره آنها قرار نداد ، به گونه ای که گویی بهشت ، تنها برای آنها آفریده شده است . وی هیچ کس از

دوستان و پیروان علی علیه السلام را با آنها نام نبرد، در حالی که در میان آنها بزرگانی از اهل بهشت مانند: سلمان، ابو ذر، عمار و مقداد، وجود دارند و به این طریق، مورد رضایت خلیفه قرار گرفت. [\(١\)](#)

١- الغدير: ج ١٠ ص ١٢٢ ١٢٣.

ص: ٧٨٥

فهرست تفصیلی .

ص: ٧٩٠

..

ص: ٧٩١

..

ص: ٧٩٢

..

ص: ٧٩٣

..

ص: ٧٩٤

..

ص: ٧٩٥

..

ص: ٧٩٧

..

ص: ٧٩٨

..

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

